



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



سادات و مسلمانان شیعه

■ محمد رضا ارنج خور میرزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نسل‌کشی سادات و مسلمان شیعه

نویسنده:

محمد رضا زارع خورمیزی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۲	نسل کشی سادات و مسلمان شیعه
۳۲	مشخصات کتاب
۳۲	اشاره
۳۶	فهرست
۸۳	دیباجه
۸۵	سپاس گذاری
۸۷	مقدمه مؤلف
۹۳	کلیات
۹۳	۱. پیشینه پژوهش
۱۰۰	۲. تعریف مفاهیم
۱۰۰	الف) سادات
۱۰۳	ب) شیعه
۱۰۵	ج) نسل کشی و کشتار جمعی
۱۱۲	۳. ادله منع نسل کشی و کشتار جمعی
۱۱۲	الف) ارزش حیات انسانی، فارغ از نسب و مذهب
۱۱۵	ب) محکومیت کشتار جمعی در قرآن کریم
۱۲۱	ج) اصل منع اعتدال نسبت به انسان ها فارغ از نسب و مذهب
۱۲۲	د) منع کشتار جمعی ولو در قصاص
۱۲۳	ه) منع کشتار جمعی انسان ها حتی در جهاد
۱۲۵	و) اصل تفکیک در جهاد اسلامی
۱۲۵	اشاره
۱۲۹	یک - منع خاص نسبت به کشتن زنان و کودکان
۱۳۱	دو - منع خاص نسبت به کشتن غیر نظامیان

- ۱۳۳ (ز) حرمت تکفیر اهل قبله
- ۱۳۳ اشاره
- ۱۳۴ یک - دیدگاه اهل تسنن
- ۱۳۶ دو - دیدگاه شیعه
- ۱۳۷ سه - دیدگاه تکفیری ها و نقد آن
- ۱۴۰ (ح) اصل عدم ملازمه اختلاف عقیده با حلیت قتل مخالف
- ۱۴۲ (ط) ممنوعیت نسل کشی از منظر مکاتب فکری
- ۱۴۲ اشاره
- ۱۴۳ یک - تصویب کنوانسیون منع نسل کشی و کشتار جمعی
- ۱۴۴ دو - خلاصه متن کنوانسیون منع کشتار جمعی (زنوسید)
- ۱۴۶ فصل اول: کشتار جمعی سادات و مسلمانان شیعه در قرن اول هجری
- ۱۴۶ اشاره
- ۱۴۸ گفتار اول: کشتار جمعی قبایل هوا دار حاکمیت اهل بیت علیهم السلام در زمان خلیفه اول
- ۱۴۸ اشاره
- ۱۵۰ ۱. قتل عام قبیله بنی یربوع
- ۱۵۵ ۲. قتل عام قبیله کنده
- ۱۵۹ گفتار دوم: کشتار شیعیان بصره توسط شورشیان جمل در زمان حضرت علی علیه السلام
- ۱۶۳ گفتار سوم: کشتار شیعیان توسط خوارج در زمان حضرت علی علیه السلام
- ۱۶۵ گفتار چهارم: کشتار جمعی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان شان به دست خاندان ابوسفیان
- ۱۶۵ ۱. کشتار جمعی مسلمانان شیعه در غارات معاویه
- ۱۶۵ اشاره
- ۱۶۶ (الف) فجایع ضحاک بن قیس فهری
- ۱۶۷ (ب) فجایع سفیان غامدی
- ۱۶۸ (ج) فجایع بسر بن ارطاه
- ۱۷۱ ۲. کشتار جمعی شیعه در دوره حکومت معاویه
- ۱۷۱ اشاره

- الف) کشتار برنامه ریزی شده صحابه و تابعین شیعه ۱۷۳
- ب) فجایع زیاد بن ابیه در قتل عام شیعیان بصره و کوفه ۱۷۷
- ج) فجایع سمره بن جندب در قتل و شکنجه شیعیان بصره ۱۸۰
- د) کشتار جمعی شیعیان حافظ و مفسر قرآن ۱۸۲
- ه) قتل عام معترضان لعن بر حضرت علی علیه السلام ۱۸۳
- و) قتل نوزادان همانام علی علیه السلام ۱۹۱
- ز) فجایع عمروعاص در قتل عام شیعیان مصر ۱۹۲
- ح) به شهادت رساندن امام حسن مجتبی علیه السلام آغازی بر قتل عام نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۹۳
۳. کشتار جمعی شیعه در دوره حکومت یزید ۱۹۶
- اشاره ۱۹۶
- الف) به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام و نسل گُشی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۹۶
- ب) قتل عام صحابه و تابعین مدافع امام حسین علیه السلام ۱۹۸
- ج) قتل عام گروهی از بنی هاشم در جریان واقعه حره ۲۰۰
- گفتار پنجم: کشتار جمعی شیعه توسط زبیریان ۲۰۲
۱. کشتار جمعی موالیان شیعه در حجاز ۲۰۲
۲. قتل عام اسرای شیعه کوفه ۲۰۵
- گفتار ششم: کشتار جمعی شیعه به دست مروانیان ۲۰۹
- اشاره ۲۰۹
۱. فجایع حجاج بن یوسف ثقفی علیه مسلمانان شیعه ۲۱۰
- اشاره ۲۱۰
- الف) شکنجه و قتل صحابه و تابعین شیعه به بهانه خودداری از لعن بر حضرت علی علیه السلام ۲۱۴
- ب) کشتار جمعی از شیعه در واقعه قتل عام اسرای دیر جماجم ۲۱۵
۲. به شهادت رساندن امام سجاد علیه السلام و تعدادی از شاگردان آن حضرت ۲۱۶
- فصل دوم: کشتار شیعیان در قرن دوم هجری ۲۱۸
- اشاره ۲۱۸
- گفتار اول: ادامه کشتار جمعی سادات و شیعیان توسط امرای اموی ۲۲۰

۱. فجایع یوسف بن عمر ثقفی و به شهادت رساندن زید بن علی بن الحسین علیه السلام ۲۲۰
۲. شهادت یحیی بن زید علیه السلام و قتل عام یاران او در خراسان ۲۲۶
۳. شهادت امام باقر علیه السلام و قتل عام تعدادی از خاندان و شیعیان ایشان ۲۳۰
- گفتار دوم: کشتار جمعی موالی شیعی بربر و نخبگان شیعه در اندلس ۲۳۲
- گفتار سوم: نسل کشی و کشتار جمعی سادات و شیعیان در آغاز حکمرانی عباسیان ۲۳۴
- اشاره ۲۳۴
۱. کشتار جمعی هواداران حاکمیت اهل بیت علیهم السلام در بخارا ۲۳۵
۲. قتل عام سادات و شیعیان توسط منصور دوانیقی ۲۳۷
- اشاره ۲۳۷
- الف) قتل عام بنی الحسن علیه السلام ۲۳۸
- ب) قتل عام سادات و شیعیان بعد از سرکوبی قیام مدینه و بصره ۲۴۵
- ج) به شهادت رساندن امام صادق علیه السلام و تعدادی از شاگردان ایشان ۲۴۹
۳. کشتار جمعی از سادات علوی و شیعیان در زمان مهدی و هادی عباسی ۲۵۱
- اشاره ۲۵۱
- قتل عام سادات در فخر و اسرای باقیمانده در بغداد ۲۵۳
۴. هارون الرشید و کشتار سادات و شیعیان ۲۵۶
- الف) قتل عام باقیمانده سادات شرکت کننده در قیام فخر ۲۵۶
- ب) شواهدی از کشتار جمعی سادات محبوس در طوس ۲۵۹
- ج) به شهادت رساندن امام موسی کاظم علیه السلام و قتل تعداد دیگری از سادات علوی ۲۶۰
- د) استراتژی امام کاظم علیه السلام در مواجهه با نسل کشی سادات و شیعیان ۲۶۳
- فصل سوم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن سوم هجری ۲۶۶
- اشاره ۲۶۶
- گفتار اول: کشتار جمعی سادات و شیعیان در زمان مأمون ۲۶۸
- اشاره ۲۶۸
۱. شهادت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و قتل تعدادی از برادران و نزدیکان ایشان ۲۶۸
۲. قتل عام و تخریب قم در زمان مأمون ۲۷۲

- گفتار دوم: کشتار جمعی سادات و شیعیان از معتصم تا متوکل ۲۷۳
۱. به شهادت رساندن امام جواد علیه السلام و قتل تعدادی از سادات در زمان معتصم ۲۷۳
۲. گسترش کشتار برنامه ریزی شده سادات و شیعیان در زمان متوکل ۲۷۷
- اشاره ۲۷۷
- الف) کشتار جمعی و تخریب کربلا توسط متوکل ۲۷۹
- ب) کشتار جمعی و تخریب سویقه توسط متوکل عباسی ۲۸۲
- گفتار سوم: کشتار جمعی سادات علوی و شیعیان از مستعین تا مقتدر ۲۸۴
۱. شهادت سادات در دوره مستعین ۲۸۴
۲. به شهادت رساندن امام هادی علیه السلام و برخی سادات در زمان معتز ۲۸۶
- اشاره ۲۸۶
- قتل عام قم در زمان معتز ۲۸۷
۳. شهادت سادات در دوره مهتدی ۲۸۷
۴. به شهادت رساندن امام حسن عسکری علیه السلام و ادامه قتل سادات در زمان معتمد ۲۸۹
۵. شهادت سادات در زمان معتضد ۲۹۲
۶. شهادت سادات در دوره مکتفی ۲۹۲
۷. شهادت سادات در دوره مقتدر ۲۹۳
۸. کشتار جمعی از سادات در فتنه صاحب الزنج ۲۹۴
- فصل چهارم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن چهارم هجری ۲۹۸
- اشاره ۲۹۸
- گفتار اول: کشتار جمعی شیعه توسط هواداران بر بهاری و حنابله متعصب ۳۰۰
- اشاره ۳۰۰
۱. حملات خونبار به زائران، نوحه خوانان و عزاداران امام حسین علیه السلام ۳۰۲
۲. فهرست حملات خونین حنابله متعصب بغداد به شیعیان در قرن چهارم ۳۰۵
۳. شبیه سازی جنگ جمل توسط حنابله متعصب، بهانه حملات خونین علیه شیعه ۳۰۷
- گفتار دوم: فجایع گالیان و قرمطیان علیه شیعه ۳۰۸
۱. گالیان و ایجاد بهانه برای کشتار جمعی شیعه ۳۰۸

۲. دلایل اثرگذاری قرمطیان بر کشتار جمعی مسلمانان شیعه ۳۰۹
- گفتار سوم: فجایع ابویزید خارجی صاحب الحمار ۳۱۰
- اشاره ۳۱۰
- قتل عام مسلمانان شیعه باجه، قیروان و اطراف مهدیه ۳۱۱
- گفتار چهارم: قتل و غارت شیعه ری توسط مدعیان جهاد با روم ۳۱۲
- فصل پنجم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن پنجم هجری ۳۱۶
- اشاره ۳۱۶
- گفتار اول: کشتار جمعی شیعه توسط فرقه کرامیه ۳۱۸
- اشاره ۳۱۸
- قتل عام مسلمانان شیعه توسط محمود غزنوی به پیروی از کرامیه ۳۱۸
- اشاره ۳۱۸
- الف) قتل عام و کتاب سوزی ری ۳۱۹
- ب) قتل عام مولتان ۳۲۰
- ج) قتل عام قم ۳۲۰
- گفتار دوم: حملات خونین حنابله متعصب علیه شیعه کرخ بغداد ۳۲۱
- اشاره ۳۲۱
۱. بستن آب بر ساکنان کرخ ۳۲۲
۲. آتش زدن و تخریب مشهد کاظمین علیهما السلام ۳۲۳
۳. فجایع عیار طقطقی ۳۲۴
۴. فجایع رئیس الرؤسا ۳۲۴
۵. کشیده شدن حملات خونین حنابله بغداد از شیعه به اهل تسنن ۳۲۵
- گفتار سوم: قتل عام شیعه مغرب الاوسط توسط معز بن بادیس زبیری ۳۲۶
- اشاره ۳۲۶
۱. قتل عام قیروان و مهدیه ۳۲۶
۲. برخی نتایج اسفبار قتل عام شیعه در افریقیه ۳۲۸
- گفتار چهارم: قتل عام شیعه مغرب الاقصی توسط مرابطان متعصب ۳۳۰

- ۳۳۰ اشاره
- ۳۳۱ قتل عام تارودنت - - - - -
- ۳۳۲ فصل ششم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن ششم هجری
- ۳۳۲ اشاره
- ۳۳۴ گفتار اول: قتل عام شیعیان اسماعیلی توسط برخی امرای متعصب سلجوقی
- ۳۳۴ اشاره
- ۳۳۷ ۱. قتل عام قهستان و طیس توسط سنجر سلجوقی
- ۳۳۸ ۲. قتل عام شیعیان اسماعیلی اصفهان و شهادت برخی نخبگان امامیه توسط برکیارق
- ۳۴۰ ۳. قتل عام شاهدز و لنجان
- ۳۴۳ ۴. قتل برخی از نخبگان امامیه در این دوره
- ۳۴۳ گفتار دوم: کشتار جمعی شیعه توسط ایوبیان
- ۳۴۳ ۱. خیانت ایوبی ها به درخواست فاطمیان برای مقابله با دشمن مشترک (صلیبی ها)
- ۳۴۶ ۲. اقدامات خونبار صلاح الدین برای نابودی سادات فاطمی و شیعه در مصر
- ۳۴۶ الف) نسل کشی سادات فاطمی
- ۳۴۷ ب) قتل عام صعید، فقط و اسوان
- ۳۴۸ ج) قتل عام سودانی های شیعه
- ۳۴۹ ۳. قتل عام حلب و کشتار جهادگران ضد صلیبی شیعه توسط صلاح الدین
- ۳۵۰ ۴. جشن عاشورا، بنای بر قبور و تشویق تصوف توسط صلاح الدین برای کاهش محبوبیت اهل بیت علیهم السلام
- ۳۵۲ ۵. علل رفتار خونین صلاح الدین نسبت به مسلمانان شیعه و ملاطفت او با مسیحیان
- ۳۵۳ گفتار سوم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در دوره خوارزمشاهیان
- ۳۵۳ اشاره
- ۳۵۳ ۱. قتل عام ری توسط نکش
- ۳۵۴ ۲. قتل عام حله
- ۳۵۵ گفتار چهارم: کشتار جمعی شیعه توسط صلیبیان
- ۳۵۵ ۱. قتل عام شیعیان منطقه فلسطین توسط صلیبی ها
- ۳۵۶ ۲. قتل عام شیعیان طرابلس و جبل عامل توسط صلیبی ها

۳. قتل عام علویان لاذقیه و جبله توسط صلیبی ها ۳۵۷
- فصل هفتم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن هفتم هجری ۳۶۰
- اشاره ۳۶۰
- گفتار اول: قتل عام مسلمانان شیعه توسط چنگیزخان مغول ۳۶۲
- اشاره ۳۶۲
۱. قتل عام طوس ۳۶۴
۲. قتل عام سبزوار ۳۶۵
۳. قتل عام قم ۳۶۵
۴. اقدام عجیب انگلیسی ها در برپایی مجسمه چنگیزخان ۳۶۶
- گفتار دوم: فجایع شرف الملک وزیر جلال الدین خوارزمشاه ۳۶۸
- گفتار سوم: قتل عام شیعه توسط هلاکوخان مغول ۳۶۹
۱. قتل عام شیعیان اسماعیلی ۳۶۹
۲. قتل عام و تخریب آوه ۳۷۱
۳. قتل عام مسلمانان شیعه در بغداد ۳۷۱
۴. سوء استفاده سلفیان از حمله مغول به بغداد برای توجیه قتل شیعه در دوره معاصر! ۳۷۲
- فصل هشتم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن هشتم هجری ۳۷۶
- اشاره ۳۷۶
- گفتار اول: قتل علما و مردم عادی شیعه در دوره ایلخانان مغول و ملوک الطوائف ۳۷۸
۱. شکنجه و قتل عالمان شیعه توسط ایلخانان با تحریک متعصبان ۳۷۸
۲. قتل و غارت شیعه نیشابور به دست غیاث الدین آل کرت ۳۷۹
- گفتار دوم: فجایع برخی امرای متعصب ممالیک در حجاز، شام و مصر ۳۸۰
- اشاره ۳۸۰
۱. شهادت شهید اول و یارانش ۳۸۴
۲. شهادت محمود بن ابراهیم شیرازی و تعداد زیادی از شیعیان شام ۳۸۵
۳. قتل عام کسروان ۳۸۵
- گفتار سوم: قتل عام مسلمانان شیعه در یورش های تیمور لنگ ۳۸۸

- ۳۸۸ اشاره
- ۳۸۹ ۱. قتل عام سبزوار
- ۳۸۹ ۲. قتل عام طبرستان
- ۳۹۲ فصل نهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن نهم هجری
- ۳۹۲ اشاره
- ۳۹۴ گفتار اول: ادامه قتل عام مسلمانان شیعه در دوره تیمور لنگ و بازماندگان او
- ۳۹۴ ۱. قتل عام قم
- ۳۹۵ ۲. قتل عام شیعه بغداد
- ۳۹۵ ۳. قتل عام سادات و علمای شیعه اصفهان توسط شاهرخ تیموری
- ۳۹۶ گفتار دوم: فجایع متعصبان علیه مسلمانان شیعه در دوره گورکانیان هند
- ۳۹۶ اشاره
- ۳۹۹ قتل عام مسلمانان شیعه در کشمیر در حملات متعصبان گورکانی، افغانی و سیک
- ۴۰۱ گفتار سوم: قتل عام سادات و شیعیان در جنوب هند
- ۴۰۱ اشاره
- ۴۰۱ ۱. قتل عام چاکنه
- ۴۰۴ ۲. قتل عام سادات و شیعیان توسط اسماعیل نظام شاه و اورنگ زیب
- ۴۰۶ فصل دهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن دهم هجری
- ۴۰۶ اشاره
- ۴۰۸ گفتار اول: کشتار جمعی شیعیان خراسان در حملات ازبکان
- ۴۰۸ اشاره
- ۴۰۸ ۱. شیبک خان ازبک آغازکننده حملات ازبکان در کشتار جمعی شهرهای شرق ایران
- ۴۱۱ ۲. سوء استفاده عثمانیان از ازبکان و تشویق آنان به قتل و غارت شیعیان خراسان
- ۴۱۲ ۳. کشتار جمعی مسلمانان شیعه در هرات توسط عبیدخان و عبدالله خان
- ۴۱۲ الف) فجایع عبیدخان ازبک
- ۴۱۴ ب) فجایع عبدالله خان ازبک
- ۴۱۴ ۴. قتل عام شهرهای خراسان توسط عبدالمؤمن خان ازبک

- ۴۱۴ اشاره
- ۴۱۵ الف) قتل عام مشهد
- ۴۱۷ ب) قتل و شکنجه سادات، علما و مردم عادی در حرم امام رضا علیه السلام
- ۴۲۰ ج) کرامت حرم امام رضا علیه السلام و دست برداشتن عبدالؤمن خان از ادامه قتل عام مشهد
- ۴۲۰ د) قتل عام اسفراین
- ۴۲۱ ه) قتل عام سبزوار
- ۴۲۲ گفتار دوم: فجایع سلطان سلیم عثمانی علیه شیعیان
- ۴۲۲ ۱. نسل کشی شیعیان ترک آناتولی توسط سلطان سلیم یاوز
- ۴۲۲ اشاره
- ۴۲۶ الف) اثرات نسل کشی مسلمانان شیعه در آناتولی
- ۴۲۹ ب) الگوگیری از این سیاست خشن توسط سلاطین دیگر عثمانی
- ۴۲۹ ۲. کشتار جمعی مسلمانان شیعه غرب ایران توسط سلطان سلیم یاوز
- ۴۲۹ اشاره
- ۴۳۱ الف) قتل عام دیار بکر، ایروان و نخجوان
- ۴۳۲ ب) قتل عام و تاراج تبریز
- ۴۳۵ ج) قتل سادات و علمای بزرگ شیعه ایران و عراق
- ۴۳۶ ۳. شهادت سیدخان میرزا و قتل عام همراهان او در سفر حج به دست سلطان سلیم دوم
- ۴۳۷ گفتار سوم: فجایع سلطان مراد سوم عثمانی علیه مسلمانان شیعه
- ۴۳۷ اشاره
- ۴۳۸ ۱. قتل عام تبریز توسط عثمان پاشا
- ۴۴۱ ۲. قتل و غارت تبریز توسط جعفر پاشا
- ۴۴۴ گفتار چهارم: فجایع پرتغالی ها علیه مسلمانان شیعه شرق آفریقا، بحرین و کرانه های خلیج فارس
- ۴۴۴ اشاره
- ۴۴۶ ۱. قتل عام کیلوا
- ۴۴۷ ۲. قتل عام براوه
- ۴۴۹ ۳. اقدامات خونبار پرتغالی ها علیه مسلمانان شیعه در بحرین

- فصل یازدهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن یازدهم هجری ۴۵۰
- اشاره ۴۵۰
- گفتار اول: فجایع سلطان مراد چهارم عثمانی در عراق و شهرهای غرب ایران ۴۵۲
- اشاره ۴۵۲
۱. فجایع سلطان مراد در تبریز و ایروان ۴۵۳
۲. قتل عام فجیع همدان ۴۵۴
۳. قتل عام بغداد ۴۵۵
- گفتار دوم: فجایع عثمانی ها در مناطق شیعه نشین عربی ۴۵۷
۱. قتل عام حلب ۴۵۷
۲. کشتار مسلمانان شیعه در مکه به تهمت تلویت کعبه ۴۵۸
۳. فجایع ملحم در قتل و غارت شیعه جبل عامل ۴۵۹
- فصل دوازدهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن دوازدهم هجری ۴۶۰
- اشاره ۴۶۰
- گفتار اول: قتل عام مردم شهرهای مرکزی ایران در فتنه افغانه به بهانه تشیع ۴۶۲
۱. قتل عام اصفهان ۴۶۲
۲. قتل عام فجیع خاندان صفویه ۴۶۳
- گفتار دوم: سوءاستفاده عثمانی ها از فتنه افغانه و نقض صلح و آغاز دوره جدید قتل عام شیعه ۴۶۵
- اشاره ۴۶۵
۱. قتل عام خوی توسط عبد الله پاشا ۴۶۶
۲. قتل عام همدان ۴۷۰
- گفتار سوم: ادامه فجایع عثمانی علیه شیعیان عرب و حجاج خانه خدا ۴۷۱
- اشاره ۴۷۱
۱. قتل عام شیعیان جبل عامل توسط احمد پاشا جزّار (قصاب) ۴۷۱
۲. کشتار جمعی شیعیان یمن توسط نشار (اژه) ۴۷۴
۳. فاجعه حمله به زائران شیعه در مکه ۴۷۴
- گفتار چهارم: قتل عام و تخریب شهرهای مرکزی ایران توسط الله یار خان ازبک ۴۷۶

- گفتار پنجم: فجایع خوارج عمان و بدویان نجدی علیه شیعه بحرین ۴۸۱
۱. قتل عام شیعه بحرین به دست خوارج ۴۸۱
۲. قتل عام شیعه بحرین توسط بدویان زباره (آل خلیفه) در زمان اشغال بحرین ۴۸۲
- فصل سیزدهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن سیزدهم هجری ۴۸۴
- اشاره ۴۸۴
- گفتار اول: قتل عام سادات حلب توسط ینی چری های عثمانی ۴۸۶
- گفتار دوم: فجایع انگلیسی ها در مناطق شیعه نشین هند ۴۸۷
- اشاره ۴۸۷
- قتل و غارت لکهنو ۴۸۸
- گفتار سوم: قتل عام های وهابیان در جزیره العرب و عراق ۴۸۸
- اشاره ۴۸۸
۱. قتل عام روستاهای شیعه نشین احساء ۴۹۱
۲. قتل سادات در حرمین ۴۹۲
۳. قتل عام و تاراج کربلا و شهرهای شیعه نشین عراق ۴۹۳
- گفتار چهارم: قتل عام های کربلا توسط عثمانی ها ۴۹۵
۱. قتل عام کربلا توسط داوود پاشا در سال ۱۲۴۱ ه. ق ۴۹۵
۲. قتل عام کربلا توسط نجیب پاشا در سال ۱۲۵۸ ه. ق ۴۹۷
- گفتار پنجم: فجایع محمد امین خان ازبک علیه مسلمانان شیعه در خراسان ۴۹۹
- گفتار ششم: فاجعه عاشورای ۱۲۶۷ ه. ق قندهار ۵۰۱
- فصل چهاردهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در دوره معاصر ۵۰۲
- اشاره ۵۰۲
- گفتار اول: نسل کشی و کشتار جمعی مسلمانان شیعه ایران ۵۰۴
۱. کشتار جمعی توسط روس های تزاری ۵۰۴
- اشاره ۵۰۴
- الف) فاجعه عاشورای ۱۳۳۰ ه. ق تبریز ۵۰۵
- ب) فاجعه حمله به حرم امام رضا علیه السلام و کشتار زائران در محرم ۱۳۳۰ ه. ق ۵۰۵

۲. نسل کشی در ایران با ایجاد شرایط قحطی توسط انگلیسی ها در جنگ جهانی اول ۵۰۷
- اشاره ۵۰۷
- الف) اقدامات عمدی انگلیس در عمق دادن به فاجعه قحطی ۵۱۱
- ب) تلاش انگلیسی ها برای به فراموشی سپردن این نسل کشی ۵۱۲
- ج) تکرار قحطی ساختگی توسط انگلیسی ها در جنگ جهانی دوم ۵۱۳
- د) تغییر توازن جمعیتی منطقه به ضرر شیعیان در نتیجه نسل کشی انگلیسی ها ۵۱۴
۳. کشتار جمعی شهرهای جنوب ایران توسط انگلیسی ها ۵۱۴
- اشاره ۵۱۴
- ۳-۱. قتل عام سوسنگرد نمونه ای از کشتار جمعی مردم ایران در جنگ جهانی اول ۵۱۶
۴. فجایع بهائیان علیه مسلمانان شیعه ۵۱۸
- اشاره ۵۱۸
- فاجعه ابرقو ۵۲۰
۵. فجایع جلوها علیه مسلمانان شیعه غرب ایران ۵۲۱
- اشاره ۵۲۱
- الف) کشتار اول مردم ارومیه ۵۲۳
- ب) قتل عام کهنه شهر و کشتار دوم مردم ارومیه ۵۲۴
۶. کشتار جمعی علما و دینداران شیعه در دوره پهلوی ۵۲۷
- الف) قتل عام معترضان به تحمیل نماد و پوشش غربی در فاجعه گوهرشاد ۵۲۷
- ب) قتل عام مردم معترض به دستگیری مرجعیت دینی شیعه در واقعه ۱۵ خرداد ۵۲۸
- ج) کشتار جمعی مردم معترض به هتک حرمت مرجعیت دینی شیعه در ۱۹ دی ۵۲۹
- د) کشتار جمعی جمعه سیاه ۱۷ شهریور ۵۳۰
۷. فجایع جریانات کمونیستی والتقاطی علیه مردم مسلمان شیعه در ایران ۵۳۱
- اشاره ۵۳۱
- کشتار نمازگزاران جمعه ۵۳۳
۸. فجایع جریانات قوم گرا نظیر کومله و دموکرات علیه مردم مسلمان شیعه در غرب ایران ۵۳۳
- اشاره ۵۳۳

- ۵۳۵ قتل عام روستای محمد شاه و بگیم قلعه نمونه ای از فجایع کومله
- ۵۳۶ ۹. کشتار جمعی شهرهای مرزی ایران توسط بعثی ها
- ۵۳۶ الف) تلاش بعثی ها برای القای جنگ قومی - مذهبی علیه شیعه
- ۵۳۸ ب) قتل عام هوپزه نمونه ای از جنایات بعثی ها
- ۵۳۹ ج) تراژدی شکنجه و قتل اسرای ایرانی به دست بعثی ها
- ۵۴۱ د) اقدامات تروریستی نئوبعثی های عراق
- ۵۴۲ ۱۰. فجایع تکفیری ها در شرق ایران
- ۵۴۲ اشاره
- ۵۴۲ الف) فاجعه تاسوکی
- ۵۴۳ ب) فاجعه دارزین
- ۵۴۳ ج) تاسوعای خونین چابهار
- ۵۴۳ ۱۱. فجایع تکفیری ها در نقاط دیگر ایران
- ۵۴۳ الف) خوزستان
- ۵۴۵ ب) مناطق کردنشین
- ۵۴۶ ۱۲. فجایع گروه های تروریستی دیگر
- ۵۴۷ ۱۳. کشتار جمعی مسلمانان شیعه ایرانی توسط آمریکا و اسرائیل
- ۵۴۷ الف) حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران
- ۵۴۷ ب) ربودن دیپلمات ها و ترور دانشمندان ایرانی توسط رژیم صهیونیستی
- ۵۴۸ گفتار دوم: نسل کشی و کشتار جمعی مسلمانان شیعه در عراق
- ۵۴۸ اشاره
- ۵۴۹ ۱. فجایع انگلیسی ها علیه مسلمانان شیعه عراق در جنگ جهانی اول
- ۵۴۹ اشاره
- ۵۵۰ الف) اعتراف لورنس به قتل عام ده هزار نفر تنها در یک فصل
- ۵۵۲ ب) خیانت ترکان عثمانی به مسلمانان شیعه مدافع عراق
- ۵۵۲ ج) قتل عام زعمای شهر شیعه نشین حله
- ۵۵۳ ۲. فجایع انگلیسی ها در نوره العشرین عراق

- ۵۵۳ اشاره
- ۵۵۳ فهرست شهرها و روستاهای قتل عام شده در ثوره العشرين
- ۵۵۴ ۳. فجایع نظام پادشاهی علیه مسلمانان شیعه عراق
- ۵۵۵ ۴. فجایع فرقه گرایان در زمان جمهوری
- ۵۵۶ ۵. آغاز نسل کشی مسلمانان شیعه در عراق توسط بعثی ها
- ۵۵۷ ۶. کشتار جمعی عزاداران اربعین حسینی در زمان حسن البکر
- ۵۵۸ ۷. قتل عام و آوارگی شیعیان ایرانی تبار
- ۵۵۸ اشاره
- ۵۵۹ قتل عام نگره السلیمان
- ۵۵۹ ۸. قتل عام خاندان های علمی در عراق
- ۵۵۹ اشاره
- ۵۵۹ شهادت سیدمحمدباقر صدر و قتل عام نزدیکان ایشان
- ۵۶۰ ۹. قتل عام دجیل نمونه ای از قتل عام های دهه هشتاد میلادی در عراق
- ۵۶۱ ۱۰. کشتار جمعی علیه ترکمانان شیعه
- ۵۶۱ ۱۱. نسل کشی کردهای شیعه عراق
- ۵۶۳ ۱۲. قتل عام در جریان انتفاضه شعبانیه
- ۵۶۳ اشاره
- ۵۶۵ الف) قتل عام فجیع کربلا و نجف
- ۵۶۶ ب) قتل عام ساکنان احوار جنوب
- ۵۶۶ ج) قتل عام شیعیان بلد در جریان انتفاضه شعبانیه
- ۵۶۷ د) مباشرت شخص صدام در قتل عام جوانان شیعه و کرد
- ۵۶۸ ه) مباشرت منافقین (مجاهدین خلق) در قتل عام شیعه عراق
- ۵۶۹ ۱۳. فجایع آمریکایی ها علیه مسلمانان شیعه عراق در زمان اشغال
- ۵۷۰ ۱۴. کشتار جمعی مسلمانان شیعه عراق بعد از سقوط صدام توسط تروریست ها
- ۵۷۰ اشاره
- ۵۷۲ الف) نسل کشی در مدائن

- ب) کشتار شیعیان در کربلا، کاظمین و نجف ----- ۵۷۲
۱۵. فجایع روزمره گروه های تروریستی در عراق ----- ۵۷۳
۱۶. مهم ترین گروه های تروریستی تکفیری ----- ۵۷۶
- اشاره ----- ۵۷۶
- الف) ارتش انصارالسنه ----- ۵۷۶
- ب) ارتش اسلامی عراق ----- ۵۷۶
- ج) حزب التحریر ----- ۵۷۷
- د) جیش الطائفه المنصوره ----- ۵۷۷
- ه) گروه یاران اهل سنت (مناصروا اهل السنه) ----- ۵۷۷
- و) سپاه عمر ----- ۵۷۸
- ز) گروه الانصار وابسته به گردان انتحاری براء بن مالک ----- ۵۷۸
- ح) جیش محمد (الحق) ----- ۵۷۸
- ط) گروه ابویمن ----- ۵۷۸
- ی) گردان زبیر بن عوام ----- ۵۷۹
- ک) گردان حسن بصری ----- ۵۷۹
۱۷. فجایع القاعده عراق (داعش) علیه مسلمانان شیعه این کشور ----- ۵۸۰
- الف) چگونگی تأسیس و توسعه داعش ----- ۵۸۰
- ب) نقش آمریکا و غرب در موجودیت داعش ----- ۵۸۱
- ج) تصرف موصل و تبدیل داعش به یک موضوع بین المللی ----- ۵۸۳
- د) کشتار جمعی علما و مردم عادی اهل تسنن توسط داعش ----- ۵۸۶
۱۸. فهرست برخی فجایع داعش علیه شیعیان عراق ----- ۵۸۸
- الف) قتل عام مردم و زندانیان شیعه در موصل ----- ۵۸۸
- ب) قتل عام دانشجویان شیعه نیروی هوایی (اسپایکر) ----- ۵۸۸
- ج) قتل عام کودکان شیعه ----- ۵۹۰
- د) فجایع داعش علیه شیعیان تلعفر و طوزخورماتو ----- ۵۹۱
- ه) فاجعه قتل عام روستای بشیر ----- ۵۹۱

- ۵۹۳ (و) قتل عام ترکمانان شیعه منطقه آمرلی
- ۵۹۴ (ز) مستند شدن هزار جنایت داعش علیه شیعه عراق
- ۵۹۴ (ح) شیوه های شکنجه داعش
- ۵۹۵ ۱۹. محوریت سعودی ها در قتل عام شیعیان عراق
- ۵۹۷ گفتار سوم: نسل کشی شیعیان افغانستان
- ۵۹۷ ۱. نسل کشی در دوره عبدالرحمان خان جلاد
- ۵۹۷ اشاره
- ۵۹۸ الف) قتل عام فجیع اجرستان و ارزگان
- ۵۹۹ ب) قتل عام اسرای دره «کاش قول» و «بامیان»
- ۵۹۹ ج) قتل عام سادات، زوار و کربلاییان
- ۶۰۰ د) کشتار جمعی علما و رجال معروف شیعه افغانستان
- ۶۰۰ ه) تلفات شدید آوارگان هزاره
- ۶۰۱ (و) بهره مندی انگلیسی ها و روس ها از اقدامات عبدالرحمان خان جلاد
- ۶۰۱ ۲. قتل عام شیعه در زمان کمونیست ها
- ۶۰۲ ۳. قتل عام شیعه در جریان جنگ های داخلی
- ۶۰۲ اشاره
- ۶۰۳ قتل عام فجیع شیعیان هزاره در افشار کابل
- ۶۰۳ ۴. قتل عام های طالبان
- ۶۰۳ اشاره
- ۶۰۴ الف) قتل عام مزار شریف
- ۶۰۵ ب) قتل عام دیپلمات های ایران در مزار شریف
- ۶۰۶ ج) قتل عام فجیع میمنه
- ۶۰۶ د) به شهادت رساندن عبدالعلی مزاری و همراهانش
- ۶۰۶ ه) قتل عام هزاره ها در ولایت سرپل
- ۶۰۷ (و) ادامه فجایع توسط بازماندگان طالبان
- ۶۰۸ ۵. قتل عام مسلمانان شیعه افغانستان به دست آمریکایی ها

۶. فجایع روزمره تکفیری ها در افغانستان ۶۰۹
۷. کشتار عزاداران حسینی ۶۱۱
- گفتار چهارم: نسل کشی و کشتار جمعی مسلمانان شیعه در پاکستان ۶۱۱
۱. تأسیس و رشد گروه های تروریستی شیعه ستیز در دهه های اخیر ۶۱۱
۲. نسل کشی در پاراچنار ۶۱۳
- اشاره ۶۱۳
- الف) اولین حملات خونین به شیعه پاراچنار ۶۱۴
- ب) همکاری طالبان با نواصب محلی ۶۱۴
- ج) انفعال و همکاری مقامات دولتی با تکفیری ها ۶۱۶
- د) قتل عام روستاهای اطراف پاراچنار ۶۱۸
۳. نسل کشی شیعیان هزاره در کوپته ۶۱۹
- اشاره ۶۱۹
- رشد مهاجرت اجباری هزاره ها از پاکستان ۶۲۱
۴. حمله به اتوبوس های زائران امام رضا علیه السلام ۶۲۲
۵. قتل عام چلاس نمونه ای از کشتار جمعی سازمان یافته علیه شیعه پاکستان ۶۲۴
۶. قتل عام شیعیان در مناطق دیگر پاکستان ۶۲۷
۷. کشتار هدفمند نخبگان شیعه پاکستان ۶۲۸
۸. قتل عام شیعیان پاکستان در حملات هوایی آمریکا ۶۲۹
۹. انفعال شدید دولت پاکستان در نسل کشی شیعیان ۶۳۰
۱۰. اقدامات خونبار علیه شیعیان کشمیر ۶۳۲
- گفتار پنجم: کشتار جمعی شیعیان در عربستان ۶۳۴
۱. فجایع سعودی ها در مناطق شیعه نشین شرقی عربستان ۶۳۴
۲. قتل عام حجاج شیعه ۶۳۶
- الف) قتل عام حجاج یمنی بعد از دادن امان به آنها ۶۳۶
- ب) قتل عام حجاج ایرانی به جرم براءت از مشرکان در مکه ۶۳۶
- ج) زائران مسلمان شیعه ایرانی بیشترین قربانی فاجعه مشکوک منا ۶۳۷

۳. صدور تروریسم ضد شیعه از عربستان ۶۳۹
۴. حملات خونبار تکفیری ها علیه شیعیان عربستان ۶۴۰
۵. قتل عام شیعیان عراقی الاصل در عربستان با بهانه های مختلف ۶۴۱
- گفتار ششم: نسل کشی و کشتار جمعی شیعیان در بحرین ۶۴۲
۱. قتل عام به منظور تغییر بافت جمعیتی ۶۴۲
۲. تجنیس سیاسی سیاست آل خلیفه برای تغییر هویت شیعی بحرین ۶۴۳
۳. فجایع و تهدیدات تکفیری ها علیه شیعه بحرین ۶۴۵
- گفتار هفتم: نسل کشی شیعیان یمن ۶۴۶
- اشاره ۶۴۶
۱. قتل عام شیعیان یمن به بهانه سرکوب حوثی ها ۶۴۷
۲. تحمیل پنج جنگ خونین بر شیعیان شمال یمن ۶۴۸
۳. مروری بر فجایع تکفیری ها علیه شیعیان یمن ۶۵۰
۴. کشتار فجیع مسلمانان شیعه یمنی در حمله سعودی ها به این کشور ۶۵۲
- گفتار هشتم: نسل کشی شیعیان در سوریه ۶۵۴
۱. قتل عام شیعیان سوریه در جنگ داخلی ۶۵۴
- اشاره ۶۵۴
- الف) قتل عام مکسر الحصان ۶۵۵
- ب) قتل عام الفوعه ۶۵۵
- ج) قتل عام عقربا ۶۵۶
- د) قتل عام خان العسل ۶۵۶
- ه) قتل عام معان ۶۵۶
- و) قتل عام حطله ۶۵۷
- ز) قتل عام حولا ۶۵۷
- ح) قتل عام البیاضه ۶۵۸
۲. مباشرت تکفیری های خارجی در قتل عام های سوریه ۶۵۹
۳. مشارکت سازمان منافقین (مجاهدین خلق) در قتل عام شیعیان سوریه ۶۶۲

۴. آوارگی شیعیان سوری، عرصه دیگری از نسل کشی ۶۶۴
۵. جنایات داعش علیه شیعیان و علویان سوریه ۶۶۵
- گفتار نهم: کشتار جمعی شیعیان در لبنان ۶۶۵
۱. قتل عام های صهیونیست ها ۶۶۵
- اشاره ۶۶۵
- الف) قتل عام حولا ۶۶۵
- ب) کشتار حانین ۶۶۶
- ج) کشتار یارین ۶۶۶
- د) کشتار بنت جبیل ۶۶۶
- ه) کشتار کونین ۶۶۶
- و) کشتار عباسیه ۶۶۶
- ز) کشتار سحمر ۶۶۶
- ح) کشتار بئرالعبد ۶۶۷
- ط) کشتار نبعه ۶۶۷
- ی) کشتار اول قانا ۶۶۸
- ک) کشتار دوم قانا ۶۶۸
۲. قتل عام های تکفیری ها ۶۶۹
- گفتار دهم: نسل کشی و کشتار جمعی علویان و شیعیان در ترکیه ۶۷۰
۱. قتل عام علویان توسط لائیک ها در ترکیه ۶۷۰
- اشاره ۶۷۰
- الف) قتل عام درسیم (تونجلی) ۶۷۱
- ب) قتل عام قهرمان مرعش ۶۷۲
- ج) حملات خونبار به علویان چوروم، سیواس و استانبول ۶۷۳
۲. فجایع تکفیری ها و افراطی ها علیه شیعیان و علویان ترکیه ۶۷۳
- گفتار یازدهم: کشتار جمعی شیعیان در آسیای میانه و قفقاز ۶۷۴
۱. فجایع روس ها علیه شیعیان ۶۷۴

- ۶۷۴ اشاره
- ۶۷۵ الف) قتل عام و تبعید علما و نخبگان شیعه توسط نظام کمونیستی
- ۶۷۵ ب) کشتار جمعی شیعیان در باکو
- ۶۷۶ ۲. فجایع عامه در دهه محرم سال ۱۳۲۸ ه. ق در بخارا
- ۶۷۷ ۳. فجایع ارامنه علیه مسلمانان شیعه در جمهوری آذربایجان
- ۶۷۷ اشاره
- ۶۷۷ الف) قتل عام خوجالی ۱۹۱۸ م
- ۶۷۸ ب) قتل عام خوجالی ۱۹۹۲ م
- ۶۸۰ ۴. جریانات تکفیری در جمهوری آذربایجان
- ۶۸۱ گفتار دوازدهم: کشتار جمعی شیعیان در مصر
- ۶۸۱ اشاره
- ۶۸۲ ۱. فاجعه جیزه
- ۶۸۳ ۲. حملات تکفیری علیه شیعیان مصر
- ۶۸۴ گفتار سیزدهم: کشتار جمعی شیعیان در نیجریه
- ۶۸۴ ۱. فجایع گروه تروریستی بوکوحرام علیه مسلمانان شیعه نیجریه
- ۶۸۵ ۲. حملات خونین به شیعیان نیجریه در راهپیمایی روز جهانی قدس
- ۶۸۶ ۳. قتل عام فجیع زاریا
- ۶۸۹ گفتار چهاردهم: کشتار جمعی شیعیان در شرق آسیا
- ۶۸۹ ۱. نفوذ تفکر سلفی تکفیری به اندونزی، آغازی بر کشتار جمعی شیعه
- ۶۸۹ اشاره
- ۶۸۹ الف) حملات خونبار تکفیری ها به شیعیان جزیره مادورا
- ۶۹۱ ب) حملات متناوب خونین به روستاهای شیعه نشین
- ۶۹۲ ۲. اقدامات خشونت بار علیه شیعیان مالزی
- ۶۹۲ اشاره
- ۶۹۴ تسلط تکفیری ها بر سازمان امور اسلامی مذهبی (جایپ)
- ۶۹۵ ۳. قتل مسلمانان دارای گرایش به اهل بیت علیهم السلام در جریان نسل کشی مسلمانان میانمار

گفتار پانزدهم: اقدامات خونین رژیم صهیونیستی برای نابودی شیعیان فلسطین - ۶۹۶

شماره - ۶۹۶

۱. ترور نخبگان شیعه فلسطینی توسط رژیم صهیونیستی - ۶۹۷

۲. موفقیت رژیم صهیونیستی در سوق دادن خصومت بخشی از فلسطینیان از اسرائیل به مسلمانان شیعه - ۶۹۸

۳. مشارکت برخی گروه های فلسطینی در قتل عام مسلمانان شیعه - ۶۹۹

۴. رشد گروه های تروریستی تکفیری شیعه ستیز در فلسطین و استقبال آمریکا - ۷۰۲

گفتار شانزدهم: تهدیدات تروریستی علیه شیعیان جهان - ۷۰۳

۱. حمله به راهپیمایی شیعیان هندوستان در روز جهانی قدس - ۷۰۳

۲. کشتار و آزار مسلمانان شیعه در زنگبار - ۷۰۳

۳. قتل و تهدید نخبگان مسلمان شیعه در سودان - ۷۰۴

۴. فشار دولتی و تهدیدات تکفیری ها به قتل عام شیعیان مراکش - ۷۰۵

۵. تخریب اماکن مقدس و قتل شیعیان توسط تکفیری ها در لیبی - ۷۰۶

۶. زیر پا گذاشتن حقوق شیعیان الجزایر توسط تکفیری ها - ۷۰۸

۷. اعلام موجودیت گروه های شبه نظامی تکفیری برای اقدامات خونین علیه شیعیان تونس - ۷۰۸

۸. فشار بر شیعیان قطر همراه با حمایت مالی نسبت به قتل عام مسلمانان شیعه از این کشور - ۷۰۹

۹. شیعیان کویت و جریان های تکفیری - ۷۱۰

۱۰. جریان های تکفیری، کانون جنگ داخلی سومالی و خصومت علیه شیعیان این کشور - ۷۱۲

۱۱. اعلام تأسیس گروه سَری برای حمله به مسلمانان شیعه موریتانی - ۷۱۳

۱۲. ترورهای برنامه ریزی شده نخبگان مسلمان شیعه در کشورهای غربی - ۷۱۳

الف) آمریکا - ۷۱۳

ب) ایتالیا - ۷۱۴

ج) فرانسه - ۷۱۵

د) آمریکای لاتین - ۷۱۶

فصل پانزدهم: رکوردهای تاریخی نسل کشی و جنایت علیه شیعیان - ۷۱۸

شماره - ۷۱۸

گفتار اول: مسلمانان شیعه بزرگ ترین قربانی تفتیش عقاید از ابتدا تاکنون - ۷۲۰

۱. سابقه تفتیش عقاید در عالم مسیحیت و اسلام - ۷۲۰
۲. تفتیش عقاید و قتل و شکنجه به دلیل گرایش به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله - ۷۲۱
- الف) قتل به دلیل عقیده به افضلیت حضرت علی علیه السلام و عدم لعن ایشان (محنه اللعن) - ۷۲۱
- ب) تفتیش عقاید و قتل عالمان و ادیبان دارای معتقدات شیعی - ۷۲۳
- ج) تفتیش عقاید سادات در دوره های متعدد - ۷۲۳
۳. تفتیش عقاید مسلمانان معاصر، توسط مراکز دولتی، در خصوص اعتقادات شیعی - ۷۲۴
۴. تفتیش عقاید مسلمانان شیعه توسط گروه های تروریستی تکفیری - ۷۲۵
- گفتار دوم: شیعیان، بزرگ ترین قربانی تخریب اماکن مقدس و مذهبی - ۷۲۵
- گفتار سوم: شیعیان، بزرگ ترین قربانی سلاح های شیمیایی و کشتار جمعی در دوره معاصر - ۷۲۷
۱. شیعه ایران، بزرگ ترین قربانی سلاح شیمیایی - ۷۲۷
۲. قتل عام شیعیان کرد و عرب عراق با سلاح شیمیایی بعثی ها - ۷۲۸
۳. شیعه سوریه، بزرگ ترین قربانی سلاح شیمیایی به دست تروریست ها - ۷۲۹
۴. شیعه عراق و لبنان، بزرگ ترین قربانی اورانیوم ضعیف شده توسط آمریکا و اسرائیل - ۷۳۰
۵. شیعه بحرین، بزرگ ترین قربانی استفاده از تسلیحات سمی - ۷۳۳
۶. مسلمانان شیعه، بزرگ ترین قربانیان بیوتروریسم - ۷۳۴
- گفتار چهارم: مسلمانان شیعه، بزرگ ترین قربانیان جریان های تکفیری - ۷۳۸
- اشاره - ۷۳۸
۱. سابقه سازمان های مخفی با هدف قتل سادات و شیعیان - ۷۳۸
۲. قتل عام شیعه، هدف اصلی سازمان های تروریستی - ۷۳۹
۳. مناطق شیعه نشین در آستانه قتل عام - ۷۴۱
- الف) شهرهای شیعه نشین نبل و الزهرای سوریه در آستانه کشتار جمعی - ۷۴۱
- ب) شیعیان مناطقی از یمن در خطر قتل عام - ۷۴۳
- ج) تهدید مرزنشین های شرق ایران به قتل عام توسط تکفیری ها - ۷۴۴
- گفتار پنجم: شیعه، بزرگ ترین قربانی حملات تروریستی به شعائر و مراسم مذهبی - ۷۴۵
۱. کشتار شیعیان در مراسم اربعین - ۷۴۵
- اشاره - ۷۴۵

- الف) اربعین های خونین در عراق معاصر ۷۴۶
- ب) اربعین های خونین در پاکستان ۷۵۲
- ج) اربعین های خونین شهدا در ایران زمان شاه مخلوع ۷۵۴
- د) اربعین خونین زنگبار ۷۵۶
۲. کشتار شیعیان در جشن ها و موالید ائمه علیهم السلام ۷۵۸
- فصل شانزدهم: ریشه ها، علل، انگیزه ها و بهانه های کشتار جمعی شیعه ۷۶۰
- اشاره ۷۶۰
- درآمد ۷۶۲
- گفتار اول: ریشه های قتل عام شیعه ۷۶۴
۱. رویداد سقیفه و رویه خلفا نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله (ریشه تاریخی) ۷۶۴
۲. اندیشه نصب و ناصبی گری (ریشه فکری - کلامی) ۷۶۶
۳. تبعیض قومیتی و نژادی ۷۶۸
۴. فعالیت جریان نفاق، یهود و خوارج ۷۷۴
- گفتار دوم: علل قتل عام شیعه ۷۷۵
- اشاره ۷۷۵
۱. علل سیاسی ۷۷۵
- اشاره ۷۷۵
- الف) سیاست حاکمان ۷۷۶
- ب) تجاوز، اشغال و جنگ داخلی ۷۸۰
- ج) سوءاستفاده سیاسی از رویه مداراجویانه شیعه ۷۸۱
۲. علل اقتصادی ۷۸۳
- اشاره ۷۸۳
- انگیزه محوری رژیم های عربی برای شعله ور نگه داشتن منازعات فرقه ای ۷۸۴
۳. علل مذهبی - فرقه ای ۷۸۶
- اشاره ۷۸۶
- الف) نقش فرقه های افراطی درون سنی ۷۸۶

- ب) تاکتیک های شیعه ستیزی فرقه های افراطی ۷۸۸
- ج) فتاوی قتل و کشتار ۷۸۹
۴. علل رسانه ای ۷۹۳
- الف) سوءاستفاده جریان های تکفیری از فضای مجازی و شبکه های ماهواره ای برای رشد خشونت علیه شیعه ۷۹۳
- ب) طرح استعماری تأسیس شبکه های ماهواره ای به اسم شیعه برای توهین به اهل تسنن ۷۹۳
۵. علل و متغیرهای بین المللی ۷۹۸
- اشاره ۷۹۸
- الف) اعمال سیاست تفرقه از جانب استعمار ۷۹۸
- ب) تحمیل مدل حکومت اقلیت از جانب اشغالگران ۷۹۹
- ج) منافع آمریکا و صهیونیسم از نسل کشی و کشتار جمعی شیعیان ۸۰۰
- د) سه معامله آمریکا و غرب با جریان های سلفی و اهداف آنان ۸۰۱
- ه) کمک تکفیری ها به غرب برای تجزیه بیشتر جهان اسلام براساس هویت های مذهبی - قومی ۸۰۹
- و) هزینه گذاری گسترده رژیم های پادشاهی عرب برای شیعه ستیزی ۸۱۰
- ز) نسل کشی شیعه خروجی پروژه شیعه هراسی غرب ۸۱۶
- گفتار سوم: انگیزه های کشتار جمعی شیعه ۸۱۹
- اشاره ۸۱۹
۱. انگیزه های روانی و درونی (تشفی خاطر، انتقام و...) ۸۱۹
۲. انگیزه های مالی ۸۱۹
۳. انگیزه های جنسی ۸۲۰
- اشاره ۸۲۰
- الف) ترویج اباحی گری جنسی توسط جریان های تکفیری (جهاد نکاح و...) ۸۲۰
- ب) جنگ تجاوز جنسی متقابل در بین تکفیری ها ۸۲۳
۴. وعده های اخروی ۸۲۴
- گفتار چهارم: بهانه های کشتار جمعی شیعه ۸۲۶
۱. ادعای سبّ صحابه ۸۲۶
- الف) سابقه سبّ صحابه و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در بین عامه ۸۲۶

- ب) اهانت و ناسزا به صحابه و اهل بیت علیهم السلام در بین متعصبان و تکفیری های معاصر ----- ۸۲۷
- ج) دور بودن ائمه شیعه علیهم السلام از ناسزاگویی ----- ۸۲۸
- د) تبعیض متعصبان در خصوص صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله ----- ۸۲۹
۲. عدم اجرای اصل تقیه از جانب برخی شیعیان ----- ۸۳۰
- فصل هفدهم: راه های برون رفت از پدیده نسل کشی شیعیان ----- ۸۳۴
- اشاره ----- ۸۳۴
۱. انجام امور زیربنایی برای معرفی صحیح شیعه ----- ۸۳۶
- اشاره ----- ۸۳۶
- الف) تدوین منشور جامع و مشترک اعتقادات شیعه ----- ۸۳۷
- ب) تغییر در الگوهای سنتی متقاعدسازی مسلمانان سنی ----- ۸۳۷
۲. برپایی جنبش ضد تکفیر و بهره گیری از شیوه های مختلف مقابله با تکفیر ----- ۸۳۸
- اشاره ----- ۸۳۸
- الف) برجسته سازی مرز بین اهل سنت با افراطیون تکفیری ----- ۸۳۹
- ب) تبیین شباهت های ظاهری، اعتقادی و عملی جریان های تکفیری و خوارج ----- ۸۳۹
- ج) ارتباط بیشتر با عالمان و مفتیان منصف اهل تسنن ----- ۸۴۰
- د) طرح ریزی مقابله رسانه ای با تکفیر ----- ۸۴۲
- ه) ارائه راه های جدید برای کاهش و رفع اختلافات درون شیعی ----- ۸۴۳
۳. به کارگیری هر چه بیشتر ظرفیت های اهل تسنن دوستدار اهل بیت علیهم السلام ----- ۸۴۴
۴. توجه به مواضع و راهکارهای ارائه شده از جانب مراجع تقلید ----- ۸۴۶
- اشاره ----- ۸۴۶
- الف) «آیت الله العظمی مکارم شیرازی»: لزوم اعتراض قوی تر نسبت به کشتار شیعیان ----- ۸۴۷
- ب) «آیت الله العظمی جوادی آملی»: جلوگیری از کشتار شیعیان کمتر از انرژی هسته ای نیست ----- ۸۴۷
- ج) «آیت الله العظمی سبحانی تبریزی»: کشتار شیعیان مظلوم یک برنامه تنظیم شده است ----- ۸۴۸
- د) «آیت الله العظمی نوری همدانی»: کشتار شیعیان مظلوم نتیجه جریان سلفی وهابیت ----- ۸۴۹
- ه) «آیت الله العظمی سیدمحمدسعید حکیم»: کشتار شیعیان مصداق نسل کشی دسته جمعی ----- ۸۵۰
- و) «آیت الله العظمی وحید خراسانی»: قتل عام ایتم آل محمد صلی الله علیه و آله باعث بی آبرویی سازمان ملل ----- ۸۵۰

۸۵۲	۵. تأسیس و حمایت از تشکل های سیاسی - اجتماعی دفاع از شیعه
۸۵۳	۶. حمایت از تشکل های حقوقی دفاع از شیعه
۸۵۶	فهرست منابع
۸۸۰	پیوست
۸۸۰	پاکستان
۸۸۴	درباره مرکز

سرشناسه: زارع خورمیزی، محمدرضا، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدیدآور: نسل کشی سادات و مسلمان شیعه / محمدرضا زارع خورمیزی.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۸۳۰ ص.

شابک: ۴۵۰۰۰۰ ریال : ۳-۶۷۴-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: The his tory of Sayyids and of Genocide Shiat Muslims.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۸۰۳]-۸۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: شیعیان -- تاریخ

موضوع: Shiites -- History

موضوع: کشتار دسته جمعی

موضوع: Mass murder

موضوع: نسل کشی -- تاریخ

موضوع: Genocide -- History

رده بندی کنگره: BP۲۳۹ / ز ۵ ن ۵ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۲۴۳۲۴

ص: ۱

نسل کشی سادات و مسلمان شیعه

محمد رضا زارع خورمیزی

ص: ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٤

دیباچه..... ۳۱

سپاس‌گزاری..... ۳۳

مقدمه مؤلف..... ۳۵

کلیات

۱. پیشینه پژوهش..... ۴۱

۲. تعریف مفاهیم..... ۴۸

الف) سادات..... ۴۸

ب) شیعه..... ۵۱

ج) نسل‌کشی و کشتار جمعی..... ۵۳

۳. ادله منع نسل‌کشی و کشتار جمعی..... ۶۰

الف) ارزش حیات انسانی، فارغ از نسب و مذهب..... ۶۰

ب) محکومیت کشتار جمعی در قرآن کریم..... ۶۳

ج) اصل منع اعتدای نسبت به انسان‌ها فارغ از نسب و مذهب..... ۶۹

د) منع کشتار جمعی ولو در قصاص..... ۷۰

ه) منع کشتار جمعی انسان‌ها حتی در جهاد..... ۷۱

و) اصل تفکیک در جهاد اسلامی..... ۷۳

یک - منع خاص نسبت به کشتن زنان و کودکان..... ۷۷

دو - منع خاص نسبت به کشتن غیر نظامیان..... ۷۹

ز) حرمت تکفیر اهل قبله..... ۸۱

یک - دیدگاه اهل تسنن..... ۸۲

دو - دیدگاه شیعه..... ۸۴

سه - دیدگاه تکفیری ها و نقد آن..... ۸۵

ح) اصل عدم ملازمه اختلاف عقیده با حلیت قتل مخالف..... ۸۸

ط) ممنوعیت نسل کشی از منظر مکاتب فکری..... ۸۹

یک - تصویب کنوانسیون منع نسل کشی و کشتار جمعی..... ۹۰

دو - خلاصه متن کنوانسیون منع کشتار جمعی (ژنوسید)..... ۹۱

فصل اول: کشتار جمعی سادات و مسلمانان شیعه در قرن اول هجری

گفتار اول: کشتار جمعی قبایل هوادار حاکمیت اهل بیت علیهم السلام در زمان خلیفه اول..... ۹۵

۱. قتل عام قبیله بنی یربوع..... ۹۷

۲. قتل عام قبیله کنده..... ۱۰۲

گفتار دوم: کشتار شیعیان بصره توسط شورشیان جمل در زمان حضرت علی علیه السلام..... ۱۰۶

گفتار سوم: کشتار شیعیان توسط خوارج در زمان حضرت علی علیه السلام..... ۱۱۰

گفتار چهارم: کشتار جمعی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیانشان به دست خاندان ابوسفیان..... ۱۱۲

۱. کشتار جمعی مسلمانان شیعه در غارات معاویه..... ۱۱۲

الف) فجایع ضحاک بن قیس فهری..... ۱۱۳

ب) فجایع سفیان غامدی..... ۱۱۴

ج) فجایع بسر بن ارطاه..... ۱۱۵

۲. کشتار جمعی شیعه در دوره حکومت معاویه..... ۱۱۸

الف) کشتار برنامه ریزی شده صحابه و تابعین شیعه..... ۱۲۰

ب) فجایع زیاد بن ابیه در قتل عام شیعیان بصره و کوفه..... ۱۲۴

ج) فجایع سمره بن جندب در قتل و شکنجه شیعیان بصره..... ۱۲۷

د) کشتار جمعی شیعیان حافظ و مفسر قرآن..... ۱۲۹

ه) قتل عام معترضان لعن بر حضرت علی علیه السلام..... ۱۳۰

و) قتل نوزادان همنام علی علیه السلام..... ۱۳۸

ص: ۶

ز) فجایع عمروعاص در قتل عام شیعیان مصر..... ۱۳۹

ح) به شهادت رساندن امام حسن مجتبی علیه السلام آغازی بر قتل عام نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله..... ۱۴۰

۳. کشتار جمعی شیعه در دوره حکومت یزید..... ۱۴۳

الف) به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام و نسل کُشی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله..... ۱۴۳

ب) قتل عام صحابه و تابعین مدافع امام حسین علیه السلام..... ۱۴۵

ج) قتل عام گروهی از بنی هاشم در جریان واقعه حره..... ۱۴۷

گفتار پنجم: کشتار جمعی شیعه توسط زبیریان..... ۱۴۹

۱. کشتار جمعی موالیان شیعه در حجاز..... ۱۴۹

۲. قتل عام اسرای شیعه کوفه..... ۱۵۲

گفتار ششم: کشتار جمعی شیعه به دست مروانیان..... ۱۵۶

۱. فجایع حجاج بن یوسف ثقفی علیه مسلمانان شیعه..... ۱۵۷

الف) شکنجه و قتل صحابه و تابعین شیعه به بهانه خودداری از لعن بر حضرت علی علیه السلام..... ۱۶۱

ب) کشتار جمعی از شیعه در واقعه قتل عام اسرای دیر جماجم..... ۱۶۲

۲. به شهادت رساندن امام سجاد علیه السلام و تعدادی از شاگردان آن حضرت..... ۱۶۳

فصل دوم: کشتار شیعیان در قرن دوم هجری

گفتار اول: ادامه کشتار جمعی سادات و شیعیان توسط امرای اموی..... ۱۶۷

۱. فجایع یوسف بن عمر ثقفی و به شهادت رساندن زید بن علی بن الحسین علیه السلام..... ۱۶۷

۲. شهادت یحیی بن زید علیه السلام و قتل عام یاران او در خراسان..... ۱۷۳

۳. شهادت امام باقر علیه السلام و قتل عام تعدادی از خاندان و شیعیان ایشان..... ۱۷۷

گفتار دوم: کشتار جمعی موالی شیعی بربر و نخبگان شیعه در اندلس..... ۱۷۹

گفتار سوم: نسل کشی و کشتار جمعی سادات و شیعیان در آغاز حکمرانی عباسیان..... ۱۸۱

۱. کشتار جمعی هواداران حاکمیت اهل بیت علیهم السلام در بخارا..... ۱۸۲

۲. قتل عام سادات و شیعیان توسط منصور دوانیقی..... ۱۸۴

الف) قتل عام بنی الحسن علیه السلام..... ۱۸۵

ب) قتل عام سادات و شیعیان بعد از سرکوبی قیام مدینه و بصره..... ۱۹۲

ج) به شهادت رساندن امام صادق علیه السلام و تعدادی از شاگردان ایشان..... ۱۹۶

ص: ۷

۳. کشتار جمعی از سادات علوی و شیعیان در زمان مهدی و هادی عباسی..... ۱۹۸

قتل عام سادات در فخر و اسرای باقیمانده در بغداد..... ۲۰۰

۴. هارون الرشید و کشتار سادات و شیعیان..... ۲۰۳

الف) قتل عام باقیمانده سادات شرکت کننده در قیام فخر..... ۲۰۳

ب) شواهدی از کشتار جمعی سادات محبوس در طوس..... ۲۰۶

ج) به شهادت رساندن امام موسی کاظم علیه السلام و قتل تعداد دیگری از سادات علوی..... ۲۰۷

د) استراتژی امام کاظم علیه السلام در مواجهه با نسل کشی سادات و شیعیان..... ۲۱۰

فصل سوم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن سوم هجری

گفتار اول: کشتار جمعی سادات و شیعیان در زمان مأمون..... ۲۱۵

۱. شهادت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و قتل تعدادی از برادران و نزدیکان ایشان..... ۲۱۵

۲. قتل عام و تخریب قم در زمان مأمون..... ۲۱۹

گفتار دوم: کشتار جمعی سادات و شیعیان از معتصم تا متوکل..... ۲۲۰

۱. به شهادت رساندن امام جواد علیه السلام و قتل تعدادی از سادات در زمان معتصم..... ۲۲۰

۲. گسترش کشتار برنامه ریزی شده سادات و شیعیان در زمان متوکل..... ۲۲۴

الف) کشتار جمعی و تخریب کربلا توسط متوکل..... ۲۲۶

ب) کشتار جمعی و تخریب سویقه توسط متوکل عباسی..... ۲۲۹

گفتار سوم: کشتار جمعی سادات علوی و شیعیان از مستعین تا مقتدر..... ۲۳۱

۱. شهادت سادات در دوره مستعین..... ۲۳۱

۲. به شهادت رساندن امام هادی علیه السلام و برخی سادات در زمان معتز..... ۲۳۳

قتل عام قم در زمان معتز..... ۲۳۴

۳. شهدای سادات در دوره مهتدی..... ۲۳۴

۴. به شهادت رساندن امام حسن عسکری علیه السلام و ادامه قتل سادات در زمان معتمد..... ۲۳۶

۵. شهدای سادات در زمان معتضد..... ۲۳۹

۶. شهدای سادات در دوره مکتفی..... ۲۳۹

۷. شهدای سادات در دوره مقتدر..... ۲۴۰

۸. کشتار جمعی از سادات در فتنه صاحب الزنج..... ۲۴۱

ص: ۸

فصل چهارم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن چهارم هجری

گفتار اول: کشتار جمعی شیعه توسط هواداران بر بهاری و حنابله متعصب..... ۲۴۷

۱. حملات خونبار به زائران، نوحه خوانان و عزاداران امام حسین علیه السلام..... ۲۴۹

۲. فهرست حملات خونین حنابله متعصب بغداد به شیعیان در قرن چهارم..... ۲۵۲

۳. شبیه سازی جنگ جمل توسط حنابله متعصب، بهانه حملات خونین علیه شیعه..... ۲۵۴

گفتار دوم: فجایع گالیان و قرمطیان علیه شیعه..... ۲۵۵

۱. گالیان و ایجاد بهانه برای کشتار جمعی شیعه..... ۲۵۵

۲. دلایل اثر گذاری قرمطیان بر کشتار جمعی مسلمانان شیعه..... ۲۵۶

گفتار سوم: فجایع ابویزید خارجی صاحب الحمار علیه شیعیان مغرب الادنی..... ۲۵۷

قتل عام مسلمانان شیعه باجه، قیروان و اطراف مهدیه..... ۲۵۸

گفتار چهارم: قتل و غارت شیعه ری توسط مدعیان جهاد با روم..... ۲۵۹

فصل پنجم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن پنجم هجری

گفتار اول: کشتار جمعی شیعه توسط فرقه کرامیه..... ۲۶۵

قتل عام مسلمانان شیعه توسط محمود غزنوی به پیروی از کرامیه..... ۲۶۵

الف) قتل عام و کتاب سوزی ری..... ۲۶۶

ب) قتل عام مولتان..... ۲۶۷

ج) قتل عام قم..... ۲۶۷

گفتار دوم: حملات خونین حنابله متعصب علیه شیعه کرخ بغداد..... ۲۶۸

۱. بستن آب بر ساکنان کرخ..... ۲۶۹

۲. آتش زدن و تخریب مشهد کاظمین علیهما السلام..... ۲۷۰

۳. فجایع عیار طقطقی..... ۲۷۱

۴. فجایع رئیس الرؤسا..... ۲۷۱

۵. کشیده شدن حملات خونین حنابله بغداد از شیعه به اهل تسنن..... ۲۷۲

گفتار سوم: قتل عام شیعه مغرب الاوسط توسط معز بن بادیس زیری..... ۲۷۳

۱. قتل عام قیروان و مهدیه..... ۲۷۳

۲. برخی نتایج اسفبار قتل عام شیعه در افریقیه..... ۲۷۵

ص: ۹

گفتار چهارم: قتل عام شیعه مغرب الاقصی توسط مرابطان متعصب..... ۲۷۷

قتل عام تارودنت..... ۲۷۸

فصل ششم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن ششم هجری

گفتار اول: قتل عام شیعیان اسماعیلی توسط برخی امرای متعصب سلجوقی..... ۲۸۱

۱. قتل عام قهستان و طبس توسط سنجر سلجوقی..... ۲۸۴

۲. قتل عام شیعیان اسماعیلی اصفهان و شهادت برخی نخبگان امامیه توسط برکیارق..... ۲۸۵

۳. قتل عام شاهدز و لنجان..... ۲۸۷

۴. قتل برخی از نخبگان امامیه در این دوره..... ۲۹۰

گفتار دوم: کشتار جمعی شیعه توسط ایوبیان..... ۲۹۰

۱. خیانت ایوبی ها به درخواست فاطمیان برای مقابله با دشمن مشترک (صلیبی ها)..... ۲۹۰

۲. اقدامات خونبار صلاح الدین برای نابودی سادات فاطمی و شیعه در مصر..... ۲۹۳

الف) نسل کشی سادات فاطمی..... ۲۹۳

ب) قتل عام صعید، فقط و اسوان..... ۲۹۴

ج) قتل عام سودانی های شیعه..... ۲۹۵

۳. قتل عام حلب و کشتار جهادگران ضد صلیبی شیعه توسط صلاح الدین..... ۲۹۶

۴. جشن عاشورا، بنای بر قبور و تشویق تصوف توسط صلاح الدین برای کاهش محبوبیت اهل بیت علیهم السلام..... ۲۹۷

۵. علل رفتار خونین صلاح الدین نسبت به مسلمانان شیعه و ملاطفت او با مسیحیان..... ۲۹۹

گفتار سوم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در دوره خوارزمشاهیان..... ۳۰۰

۱. قتل عام ری توسط تکش..... ۳۰۰

۲. قتل عام حله..... ۳۰۱

گفتار چهارم: کشتار جمعی شیعه توسط صلیبیان..... ۳۰۲

۱. قتل عام شیعیان منطقه فلسطین توسط صلیبی ها..... ۳۰۲

۲. قتل عام شیعیان طرابلس و جبل عامل توسط صلیبی ها..... ۳۰۳

۳. قتل عام علویان لاذقیه و جبله توسط صلیبی ها..... ۳۰۴

فصل هفتم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن هفتم هجری

گفتار اول: قتل عام مسلمانان شیعه توسط چنگیزخان مغول..... ۳۰۹

ص: ۱۰

۱. قتل عام طوس..... ۳۱۱

۲. قتل عام سبزوار..... ۳۱۲

۳. قتل عام قم..... ۳۱۲

۴. اقدام عجیب انگلیسی ها در برپایی مجسمه چنگیزخان..... ۳۱۳

گفتار دوم: فجایع شرف الملک وزیر جلال الدین خوارزمشاه..... ۳۱۵

گفتار سوم: قتل عام شیعه توسط هلاکوخان مغول..... ۳۱۶

۱. قتل عام شیعیان اسماعیلی..... ۳۱۶

۲. قتل عام و تخریب آوه..... ۳۱۸

۳. قتل عام مسلمانان شیعه در بغداد..... ۳۱۸

۴. سوء استفاده سلفیان از حمله مغول به بغداد برای توجیه قتل شیعه در دوره معاصر!..... ۳۱۹

فصل هشتم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن هشتم هجری

گفتار اول: قتل علما و مردم عادی شیعه در دوره ایلخانان مغول و ملوک الطوائف..... ۳۲۵

۱. شکنجه و قتل عالمان شیعه توسط ایلخانان با تحریک متعصبان..... ۳۲۵

۲. قتل و غارت شیعه نیشابور به دست غیاث الدین آل کرت..... ۳۲۶

گفتار دوم: فجایع برخی امرای متعصب ممالیک در حجاز، شام و مصر..... ۳۲۷

۱. شهادت شهید اول و یارانش..... ۳۳۱

۲. شهادت محمود بن ابراهیم شیرازی و تعداد زیادی از شیعیان شام..... ۳۳۲

۳. قتل عام کسروان..... ۳۳۲

گفتار سوم: قتل عام مسلمانان شیعه در یورش های تیمور لنگ..... ۳۳۵

۱. قتل عام سبزوار..... ۳۳۶

۲. قتل عام طبرستان..... ۳۳۶

فصل نهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن نهم هجری

گفتار اول: ادامه قتل عام مسلمانان شیعه در دوره تیمور لنگ و بازماندگان او..... ۳۴۱

۱. قتل عام قم..... ۳۴۱

۲. قتل عام شیعه بغداد..... ۳۴۲

۳. قتل عام سادات و علمای شیعه اصفهان توسط شاهرخ تیموری..... ۳۴۲

ص: ۱۱

گفتار دوم: فجایع متعصبان علیه مسلمانان شیعه در دوره گورکانیان هند..... ۳۴۳

قتل عام مسلمانان شیعه در کشمیر در حملات متعصبان گورکانی، افغانی و سیک..... ۳۴۶

گفتار سوم: قتل عام سادات و شیعیان در جنوب هند..... ۳۴۸

۱. قتل عام چاکنه..... ۳۴۸

۲. قتل عام سادات و شیعیان توسط اسماعیل نظام شاه و اورنگ زیب..... ۳۵۱

فصل دهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن دهم هجری

گفتار اول: کشتار جمعی شیعیان خراسان در حملات ازبکان..... ۳۵۵

۱. شیبیک خان ازبک آغازکننده حملات ازبکان در کشتار جمعی شهرهای شرق ایران..... ۳۵۵

۲. سوء استفاده عثمانیان از ازبکان و تشویق آنان به قتل و غارت شیعیان خراسان..... ۳۵۸

۳. کشتار جمعی مسلمانان شیعه در هرات توسط عیدخان و عبدالله خان..... ۳۵۹

الف) فجایع عیدخان ازبک..... ۳۵۹

ب) فجایع عبدالله خان ازبک..... ۳۶۱

۴. قتل عام شهرهای خراسان توسط عبدالمؤمن خان ازبک..... ۳۶۱

الف) قتل عام مشهد..... ۳۶۲

ب) قتل و شکنجه سادات، علما و مردم عادی در حرم امام رضا علیه السلام..... ۳۶۴

ج) کرامت حرم امام رضا علیه السلام و دست برداشتن عبدالمؤمن خان از ادامه قتل عام مشهد..... ۳۶۷

د) قتل عام اسفراین..... ۳۶۷

ه) قتل عام سبزوار..... ۳۶۸

گفتار دوم: فجایع سلطان سلیم عثمانی علیه شیعیان..... ۳۶۹

۱. نسل کشی شیعیان ترک آناتولی توسط سلطان سلیم یاوز..... ۳۶۹

الف) اثرات نسل کشی مسلمانان شیعه در آناتولی..... ۳۷۳

ب) الگوگیری از این سیاست خشن توسط سلاطین دیگر عثمانی..... ۳۷۶

۲. کشتار جمعی مسلمانان شیعه غرب ایران توسط سلطان سلیم یاوز..... ۳۷۶

الف) قتل عام دیار بکر، ایروان و نخجوان..... ۳۷۸

ب) قتل عام و تاراج تبریز..... ۳۷۹

ج) قتل سادات و علمای بزرگ شیعه ایران و عراق..... ۳۸۲

ص: ۱۲

۳. شهادت سیدخان میرزا و قتل عام همراهان او در سفر حج به دست سلطان سلیم دوم..... ۳۸۳

گفتار سوم: فجایع سلطان مراد سوم عثمانی علیه مسلمانان شیعه..... ۳۸۴

۱. قتل عام تبریز توسط عثمان پاشا..... ۳۸۵

۲. قتل و غارت تبریز توسط جعفر پاشا..... ۳۸۸

گفتار چهارم: فجایع پرتغالی ها علیه مسلمانان شیعه شرق آفریقا، بحرین و کرانه های خلیج فارس..... ۳۹۱

۱. قتل عام کیلوا..... ۳۹۳

۲. قتل عام براوه..... ۳۹۴

۳. اقدامات خونبار پرتغالی ها علیه مسلمانان شیعه در بحرین..... ۳۹۶

فصل یازدهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن یازدهم هجری

گفتار اول: فجایع سلطان مراد چهارم عثمانی در عراق و شهرهای غرب ایران..... ۳۹۹

۱. فجایع سلطان مراد در تبریز و ایروان..... ۴۰۰

۲. قتل عام فجیع همدان..... ۴۰۱

۳. قتل عام بغداد..... ۴۰۲

گفتار دوم: فجایع عثمانی ها در مناطق شیعه نشین عربی..... ۴۰۴

۱. قتل عام حلب..... ۴۰۴

۲. کشتار مسلمانان شیعه در مکه به تهمت تلویث کعبه..... ۴۰۵

۳. فجایع ملحم در قتل و غارت شیعه جبل عامل..... ۴۰۶

فصل دوازدهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن دوازدهم هجری

گفتار اول: قتل عام مردم شهرهای مرکزی ایران در فتنه افغانه به بهانه تشیع..... ۴۰۹

۱. قتل عام اصفهان..... ۴۰۹

۲. قتل عام فجیع خاندان صفویه..... ۴۱۰

گفتار دوم: سوءاستفاده عثمانی ها از فتنه افاغنه و نقض صلح و آغاز دوره جدید قتل عام شیعه..... ۴۱۲

۱. قتل عام خوی توسط عبد الله پاشا..... ۴۱۳

۲. قتل عام همدان..... ۴۱۷

گفتار سوم: ادامه فجایع عثمانی علیه شیعیان عرب و حجاج خانه خدا..... ۴۱۸

ص: ۱۳

۱. قتل عام شیعیان جبل عامل توسط احمد پاشا جزّار (قصاب)..... ۴۱۸

۲. کشتار جمعی شیعیان یمن توسط نشار (اژه)..... ۴۲۱

۳. فاجعه حمله به زائران شیعه در مکه..... ۴۲۱

گفتار چهارم: قتل عام و تخریب شهرهای مرکزی ایران توسط الله یار خان ازبک..... ۴۲۳

گفتار پنجم: فجایع خوارج عمان و بدویان نجدی علیه شیعه بحرین..... ۴۲۸

۱. قتل عام شیعه بحرین به دست خوارج..... ۴۲۸

۲. قتل عام شیعه بحرین توسط بدویان زبارة (آل خلیفه) در زمان اشغال بحرین..... ۴۲۹

فصل سیزدهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن سیزدهم هجری

گفتار اول: قتل عام سادات حلب توسط ینی چری های عثمانی..... ۴۳۳

گفتار دوم: فجایع انگلیسی ها در مناطق شیعه نشین هند..... ۴۳۴

قتل و غارت لکهنو..... ۴۳۵

گفتار سوم: قتل عام های وهابیان در جزیره العرب و عراق..... ۴۳۵

۱. قتل عام روستاهای شیعه نشین احساء..... ۴۳۸

۲. قتل سادات در حرمین..... ۴۳۹

۳. قتل عام و تاراج کربلا و شهرهای شیعه نشین عراق..... ۴۴۰

گفتار چهارم: قتل عام های کربلا توسط عثمانی ها..... ۴۴۲

۱. قتل عام کربلا توسط داوود پاشا در سال ۱۲۴۱ ه. ق..... ۴۴۲

۲. قتل عام کربلا توسط نجیب پاشا در سال ۱۲۵۸ ه. ق..... ۴۴۴

گفتار پنجم: فجایع محمد امین خان ازبک علیه مسلمانان شیعه در خراسان..... ۴۴۶

گفتار ششم: فاجعه عاشورای ۱۲۶۷ ه. ق قندهار..... ۴۴۸

فصل چهاردهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در دوره معاصر

گفتار اول: نسل کشی و کشتار جمعی مسلمانان شیعه ایران..... ۴۵۱

۱. کشتار جمعی توسط روس های تزاری..... ۴۵۱

الف) فاجعه عاشورای ۱۳۳۰ ه. ق تبریز..... ۴۵۲

ب) فاجعه حمله به حرم امام رضا علیه السلام و کشتار زائران در محرم ۱۳۳۰ ه. ق..... ۴۵۲

۲. نسل کشی در ایران با ایجاد شرایط قحطی توسط انگلیسی ها در جنگ جهانی اول..... ۴۵۴

ص: ۱۴

- الف) اقدامات عمدی انگلیس در عمق دادن به فاجعه قحطی..... ۴۵۸
- ب) تلاش انگلیسی ها برای به فراموشی سپردن این نسل کشی..... ۴۵۹
- ج) تکرار قحطی ساختگی توسط انگلیسی ها در جنگ جهانی دوم..... ۴۶۰
- د) تغییر توازن جمعیتی منطقه به ضرر شیعیان در نتیجه نسل کشی انگلیسی ها..... ۴۶۱
۳. کشتار جمعی شهرهای جنوب ایران توسط انگلیسی ها..... ۴۶۱
- ۳-۱. قتل عام سوسنگرد نمونه ای از کشتار جمعی مردم ایران در جنگ جهانی اول..... ۴۶۳
۴. فجایع بهائیان علیه مسلمانان شیعه..... ۴۶۵
- فاجعه ابرقو..... ۴۶۷
۵. فجایع جلوها علیه مسلمانان شیعه غرب ایران..... ۴۶۸
- الف) کشتار اول مردم ارومیه..... ۴۷۰
- ب) قتل عام کهنه شهر و کشتار دوم مردم ارومیه..... ۴۷۱
۶. کشتار جمعی علما و دینداران شیعه در دوره پهلوی..... ۴۷۴
- الف) قتل عام معترضان به تحمیل نماد و پوشش غربی در فاجعه گوهرشاد..... ۴۷۴
- ب) قتل عام مردم معترض به دستگیری مرجعیت دینی شیعه در واقعه ۱۵ خرداد..... ۴۷۵
- ج) کشتار جمعی مردم معترض به هتک حرمت مرجعیت دینی شیعه در ۱۹ دی..... ۴۷۶
- د) کشتار جمعی جمعه سیاه ۱۷ شهریور..... ۴۷۷
۷. فجایع جریانات کمونیستی والتقاطی علیه مردم مسلمان شیعه در ایران..... ۴۷۸
- کشتار نمازگزاران جمعه..... ۴۸۰
۸. فجایع جریانات قوم گرا نظیر کومله و دموکرات علیه مردم مسلمان شیعه در غرب ایران..... ۴۸۰
- قتل عام روستای محمد شاه و بگیم قلعه نمونه ای از فجایع کومله..... ۴۸۲

۹. کشتار جمعی شهرهای مرزی ایران توسط بعثی ها..... ۴۸۳

الف) تلاش بعثی ها برای القای جنگ قومی - مذهبی علیه شیعه..... ۴۸۳

ب) قتل عام هوپزه نمونه ای از جنایات بعثی ها..... ۴۸۵

ج) تراژدی شکنجه و قتل اسرای ایرانی به دست بعثی ها..... ۴۸۶

د) اقدامات تروریستی نئوبعثی های عراق..... ۴۸۸

ص: ۱۵

۱۰. فجایع تکفیری ها در شرق ایران..... ۴۸۹

الف) فاجعه تاسوکی..... ۴۸۹

ب) فاجعه دارزین..... ۴۹۰

ج) تاسوعای خونین چابهار..... ۴۹۰

۱۱. فجایع تکفیری ها در نقاط دیگر ایران..... ۴۹۰

الف) خوزستان..... ۴۹۰

ب) مناطق کردنشین..... ۴۹۲

۱۲. فجایع گروه های تروریستی دیگر..... ۴۹۳

۱۳. کشتار جمعی مسلمانان شیعه ایرانی توسط آمریکا و اسرائیل..... ۴۹۴

الف) حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران..... ۴۹۴

ب) ربودن دیپلمات ها و ترور دانشمندان ایرانی توسط رژیم صهیونیستی..... ۴۹۴

گفتار دوم: نسل کشی و کشتار جمعی مسلمانان شیعه در عراق..... ۴۹۵

۱. فجایع انگلیسی ها علیه مسلمانان شیعه عراق در جنگ جهانی اول..... ۴۹۶

الف) اعتراف لورنس به قتل عام ده هزار نفر تنها در یک فصل..... ۴۹۷

ب) خیانت ترکان عثمانی به مسلمانان شیعه مدافع عراق..... ۴۹۹

ج) قتل عام زعمای شهر شیعه نشین حله..... ۴۹۹

۲. فجایع انگلیسی ها در ثوره العشرین عراق..... ۵۰۰

فهرست شهرها و روستاهای قتل عام شده در ثوره العشرین..... ۵۰۰

۳. فجایع نظام پادشاهی علیه مسلمانان شیعه عراق..... ۵۰۱

۴. فجایع فرقه گرایان در زمان جمهوری..... ۵۰۲

۵. آغاز نسل کشی مسلمانان شیعه در عراق توسط بعثی ها..... ۵۰۳

۶. کشتار جمعی عزاداران اربعین حسینی در زمان حسن البکر..... ۵۰۴

۷. قتل عام و آوارگی شیعیان ایرانی تبار..... ۵۰۵

قتل عام نگره السلیمان..... ۵۰۶

۸. قتل عام خاندان های علمی در عراق..... ۵۰۶

شهادت سیدمحمدباقر صدر و قتل عام نزدیکان ایشان..... ۵۰۶

ص: ۱۶

۹. قتل عام دجیل نمونه ای از قتل عام های دهه هشتاد میلادی در عراق..... ۵۰۷
۱۰. کشتار جمعی علیه ترکمانان شیعه..... ۵۰۸
۱۱. نسل کشی کردهای شیعه عراق..... ۵۰۸
۱۲. قتل عام در جریان انتفاضه شعبانیه..... ۵۱۰
- الف) قتل عام فجیع کربلا و نجف..... ۵۱۲
- ب) قتل عام ساکنان احوار جنوب..... ۵۱۳
- ج) قتل عام شیعیان بلد در جریان انتفاضه شعبانیه..... ۵۱۳
- د) مباشرت شخص صدام در قتل عام جوانان شیعه و کرد..... ۵۱۴
- ه) مباشرت منافقین (مجاهدین خلق) در قتل عام شیعه عراق..... ۵۱۵
۱۳. فجایع آمریکایی ها علیه مسلمانان شیعه عراق در زمان اشغال..... ۵۱۶
۱۴. کشتار جمعی مسلمانان شیعه عراق بعد از سقوط صدام توسط تروریست ها..... ۵۱۷
- الف) نسل کشی در مدائن..... ۵۱۹
- ب) کشتار شیعیان در کربلا، کاظمین و نجف..... ۵۱۹
۱۵. فجایع روزمره گروه های تروریستی در عراق..... ۵۲۰
۱۶. مهم ترین گروه های تروریستی تکفیری..... ۵۲۳
- الف) ارتش انصارالسنه..... ۵۲۳
- ب) ارتش اسلامی عراق..... ۵۲۳
- ج) حزب التحریر..... ۵۲۴
- د) جیش الطائفه المنصوره..... ۵۲۴
- ه) گروه یاران اهل سنت (مناصروا اهل السنه)..... ۵۲۴

و) سپاه عمر..... ۵۲۵

ز) گروه الانصار وابسته به گردان انتحاری براء بن مالک..... ۵۲۵

ح) جیش محمد (الحق)..... ۵۲۵

ط) گروه ابوایمن..... ۵۲۵

ی) گردان زبیر بن عوام..... ۵۲۶

ص: ۱۷

ک) گردان حسن بصری..... ۵۲۶

۱۷. فجایع القاعده عراق (داعش) علیه مسلمانان شیعه این کشور..... ۵۲۷

الف) چگونگی تأسیس و توسعه داعش..... ۵۲۷

ب) نقش آمریکا و غرب در موجودیت داعش..... ۵۲۸

ج) تصرف موصل و تبدیل داعش به یک موضوع بین المللی..... ۵۳۰

د) کشتار جمعی علما و مردم عادی اهل تسنن توسط داعش..... ۵۳۳

۱۸. فهرست برخی فجایع داعش علیه شیعیان عراق..... ۵۳۵

الف) قتل عام مردم و زندانیان شیعه در موصل..... ۵۳۵

ب) قتل عام دانشجویان شیعه نیروی هوایی (اسپایکر)..... ۵۳۵

ج) قتل عام کودکان شیعه..... ۵۳۷

د) فجایع داعش علیه شیعیان تلعفر و طوزخورماتو..... ۵۳۸

ه) فاجعه قتل عام روستای بشیر..... ۵۳۸

و) قتل عام ترکمانان شیعه منطقه آمرلی..... ۵۴۰

ز) مستند شدن هزار جنایت داعش علیه شیعه عراق..... ۵۴۱

ح) شیوه های شکنجه داعش..... ۵۴۱

۱۹. محوریت سعودی ها در قتل عام شیعیان عراق..... ۵۴۲

گفتار سوم: نسل کشی شیعیان افغانستان..... ۵۴۴

۱. نسل کشی در دوره عبدالرحمان خان جلاد..... ۵۴۴

الف) قتل عام فجیع اجرستان و ارزگان..... ۵۴۵

ب) قتل عام اسرای دره «کاش قول» و «بامیان»..... ۵۴۶

ج) قتل عام سادات، زوار و کربلاییان..... ۵۴۶

د) کشتار جمعی علما و رجال معروف شیعه افغانستان..... ۵۴۷

ه) تلفات شدید آوارگان هزاره..... ۵۴۷

و) بهره مندی انگلیسی ها و روس ها از اقدامات عبدالرحمان خان جلاد..... ۵۴۸

۲. قتل عام شیعه در زمان کمونیست ها..... ۵۴۸

ص: ۱۸

۳. قتل عام شیعه در جریان جنگ های داخلی..... ۵۴۹

قتل عام فجیع شیعیان هزاره در افشار کابل..... ۵۵۰

۴. قتل عام های طالبان..... ۵۵۰

الف) قتل عام مزار شریف..... ۵۵۱

ب) قتل عام دیپلمات های ایران در مزار شریف..... ۵۵۲

ج) قتل عام فجیع میمنه..... ۵۵۳

د) به شهادت رساندن عبدالعلی مزاری و همراهانش..... ۵۵۳

ه) قتل عام هزاره ها در ولایت سرپل..... ۵۵۳

و) ادامه فجایع توسط بازماندگان طالبان..... ۵۵۴

۵. قتل عام مسلمانان شیعه افغانستان به دست آمریکایی ها..... ۵۵۵

۶. فجایع روزمره تکفیری ها در افغانستان..... ۵۵۶

۷. کشتار عزاداران حسینی..... ۵۵۸

گفتار چهارم: نسل کشی و کشتار جمعی مسلمانان شیعه در پاکستان..... ۵۵۸

۱. تأسیس و رشد گروه های تروریستی شیعه ستیز در دهه های اخیر..... ۵۵۸

۲. نسل کشی در پاراچنار..... ۵۶۰

الف) اولین حملات خونین به شیعه پاراچنار..... ۵۶۱

ب) همکاری طالبان با نواصب محلی..... ۵۶۱

ج) انفعال و همکاری مقامات دولتی با تکفیری ها..... ۵۶۳

د) قتل عام روستاهای اطراف پاراچنار..... ۵۶۵

۳. نسل کشی شیعیان هزاره در کویت..... ۵۶۶

رشد مهاجرت اجباری هزاره ها از پاکستان..... ۵۶۸

۴. حمله به اتوبوس های زائران امام رضا علیه السلام..... ۵۶۹

۵. قتل عام چلاس نمونه ای از کشتار جمعی سازمان یافته علیه شیعه پاکستان..... ۵۷۱

۶. قتل عام شیعیان در مناطق دیگر پاکستان..... ۵۷۴

۷. کشتار هدفمند نخبگان شیعه پاکستان..... ۵۷۵

۸. قتل عام شیعیان پاکستان در حملات هوایی آمریکا..... ۵۷۶

ص: ۱۹

۹. انفعال شدید دولت پاکستان در نسل کشی شیعیان..... ۵۷۷
۱۰. اقدامات خونبار علیه شیعیان کشمیر..... ۵۷۹
- گفتار پنجم: کشتار جمعی شیعیان در عربستان..... ۵۸۱
۱. فجایع سعودی ها در مناطق شیعه نشین شرقی عربستان..... ۵۸۱
۲. قتل عام حجاج شیعه..... ۵۸۳
- الف) قتل عام حجاج یمنی بعد از دادن امان به آنها..... ۵۸۳
- ب) قتل عام حجاج ایرانی به جرم براءت از مشرکان در مکه..... ۵۸۳
- ج) زائران مسلمان شیعه ایرانی بیشترین قربانی فاجعه مشکوک منا..... ۵۸۴
۳. صدور تروریسم ضد شیعه از عربستان..... ۵۸۶
۴. حملات خونبار تکفیری ها علیه شیعیان عربستان..... ۵۸۷
۵. قتل عام شیعیان عراقی الاصل در عربستان با بهانه های مختلف..... ۵۸۸
- گفتار ششم: نسل کشی و کشتار جمعی شیعیان در بحرین..... ۵۸۹
۱. قتل عام به منظور تغییر بافت جمعیتی..... ۵۸۹
۲. تجنیس سیاسی سیاست آل خلیفه برای تغییر هویت شیعی بحرین..... ۵۹۰
۳. فجایع و تهدیدات تکفیری ها علیه شیعه بحرین..... ۵۹۲
- گفتار هفتم: نسل کشی شیعیان یمن..... ۵۹۳
۱. قتل عام شیعیان یمن به بهانه سرکوب حوثی ها..... ۵۹۴
۲. تحمیل پنج جنگ خونین بر شیعیان شمال یمن..... ۵۹۵
۳. مروری بر فجایع تکفیری ها علیه شیعیان یمن..... ۵۹۷
۴. کشتار فجیع مسلمانان شیعه یمنی در حمله سعودی ها به این کشور..... ۵۹۹

گفتار هشتم: نسل کشی شیعیان در سوریه..... ۶۰۱

۱. قتل عام شیعیان سوریه در جنگ داخلی..... ۶۰۱

الف) قتل عام مکسر الحصان..... ۶۰۲

ب) قتل عام الفوعه..... ۶۰۲

ج) قتل عام عقربا..... ۶۰۳

د) قتل عام خان العسل..... ۶۰۳

ص: ۲۰

ه) قتل عام معان..... ۶۰۳

و) قتل عام حطله..... ۶۰۴

ز) قتل عام حولا..... ۶۰۴

ح) قتل عام البیاضه..... ۶۰۵

۲. مباشرت تکفیری های خارجی در قتل عام های سوریه..... ۶۰۶

۳. مشارکت سازمان منافقین (مجاهدین خلق) در قتل عام شیعیان سوریه..... ۶۰۹

۴. آوارگی شیعیان سوری، عرصه دیگری از نسل کشی..... ۶۱۱

۵. جنایات داعش علیه شیعیان و علویان سوریه..... ۶۱۲

گفتار نهم: کشتار جمعی شیعیان در لبنان..... ۶۱۲

۱. قتل عام های صهیونیست ها..... ۶۱۲

الف) قتل عام حولا..... ۶۱۲

ب) کشتار حانین..... ۶۱۳

ج) کشتار یارین..... ۶۱۳

د) کشتار بنت جیل..... ۶۱۳

ه) کشتار کونین..... ۶۱۳

و) کشتار عباسیه..... ۶۱۳

ز) کشتار سحمر..... ۶۱۳

ج) کشتار بئرالعبد..... ۶۱۴

ط) کشتار نبعه..... ۶۱۴

ی) کشتار اول قانا..... ۶۱۵

ك) كشتار دوم قانا..... ۶۱۵

۲. قتل عام های تكفیری ها..... ۶۱۶

گفتار دهم: نسل كشی و كشتار جمعی علویان و شیعیان در ترکیه..... ۶۱۷

۱. قتل عام علویان توسط لائیک ها در ترکیه..... ۶۱۷

الف) قتل عام در سیم (تونجلی)..... ۶۱۸

ص: ۲۱

ب) قتل عام قهرمان مرعش..... ۶۱۹

ج) حملات خونبار به علویان چوروم، سیواس و استانبول..... ۶۲۰

۲. فجایع تکفیری ها و افراطی ها علیه شیعیان و علویان ترکیه..... ۶۲۰

گفتار یازدهم: کشتار جمعی شیعیان در آسیای میانه و قفقاز..... ۶۲۱

۱. فجایع روس ها علیه شیعیان..... ۶۲۱

الف) قتل عام و تبعید علما و نخبگان شیعه توسط نظام کمونیستی..... ۶۲۲

ب) کشتار جمعی شیعیان در باکو..... ۶۲۲

۲. فجایع عامه در دهه محرم سال ۱۳۲۸ ه. ق در بخارا..... ۶۲۳

۳. فجایع ارامنه علیه مسلمانان شیعه در جمهوری آذربایجان..... ۶۲۴

الف) قتل عام خوجالی ۱۹۱۸ م..... ۶۲۴

ب) قتل عام خوجالی ۱۹۹۲ م..... ۶۲۵

۴. جریانات تکفیری در جمهوری آذربایجان..... ۶۲۷

گفتار دوازدهم: کشتار جمعی شیعیان در مصر..... ۶۲۸

۱. فاجعه جیزه..... ۶۲۹

۲. حملات تکفیری علیه شیعیان مصر..... ۶۳۰

گفتار سیزدهم: کشتار جمعی شیعیان در نیجریه..... ۶۳۱

۱. فجایع گروه تروریستی بوکوحرام علیه مسلمانان شیعه نیجریه..... ۶۳۱

۲. حملات خونین به شیعیان نیجریه در راهپیمایی روز جهانی قدس..... ۶۳۲

۳. قتل عام فجیع زاریا..... ۶۳۳

گفتار چهاردهم: کشتار جمعی شیعیان در شرق آسیا..... ۶۳۶

۱. نفوذ تفکر سلفی تکفیری به اندونزی، آغازی بر کشتار جمعی شیعه..... ۶۳۶

الف) حملات خونبار تکفیری ها به شیعیان جزیره مادورا..... ۶۳۶

ب) حملات متناوب خونین به روستاهای شیعه نشین..... ۶۳۸

۲. اقدامات خشونت بار علیه شیعیان مالزی..... ۶۳۹

تسلط تکفیری ها بر سازمان امور اسلامی مذهبی (جایپ)..... ۶۴۱

۳. قتل مسلمانان دارای گرایش به اهل بیت علیهم السلام در جریان نسل کشی مسلمانان میانمار..... ۶۴۲

ص: ۲۲

گفتار پانزدهم: اقدامات خونین رژیم صهیونیستی برای نابودی شیعیان فلسطین..... ۶۴۳

۱. ترور نخبگان شیعه فلسطینی توسط رژیم صهیونیستی..... ۶۴۴

۲. موفقیت رژیم صهیونیستی در سوق دادن خصومت بخشی از فلسطینیان از اسرائیل به مسلمانان شیعه..... ۶۴۵

۳. مشارکت برخی گروه های فلسطینی در قتل عام مسلمانان شیعه..... ۶۴۶

۴. رشد گروه های تروریستی تکفیری شیعه ستیز در فلسطین و استقبال آمریکا..... ۶۴۹

گفتار شانزدهم: تهدیدات تروریستی علیه شیعیان جهان..... ۶۵۰

۱. حمله به راهپیمایی شیعیان هندوستان در روز جهانی قدس..... ۶۵۰

۲. کشتار و آزار مسلمانان شیعه در زنگبار..... ۶۵۰

۳. قتل و تهدید نخبگان مسلمان شیعه در سودان..... ۶۵۱

۴. فشار دولتی و تهدیدات تکفیری ها به قتل عام شیعیان مراکش..... ۶۵۲

۵. تخریب اماکن مقدس و قتل شیعیان توسط تکفیری ها در لیبی..... ۶۵۳

۶. زیر پا گذاشتن حقوق شیعیان الجزایر توسط تکفیری ها..... ۶۵۵

۷. اعلام موجودیت گروه های شبه نظامی تکفیری برای اقدامات خونین علیه شیعیان تونس..... ۶۵۵

۸. فشار بر شیعیان قطر همراه با حمایت مالی نسبت به قتل عام مسلمانان شیعه از این کشور..... ۶۵۶

۹. شیعیان کویت و جریان های تکفیری..... ۶۵۷

۱۰. جریان های تکفیری، کانون جنگ داخلی سومالی و خصومت علیه شیعیان این کشور..... ۶۵۹

۱۱. اعلام تأسیس گروه سّری برای حمله به مسلمانان شیعه موریتانی..... ۶۶۰

۱۲. ترورهای برنامه ریزی شده نخبگان مسلمان شیعه در کشورهای غربی..... ۶۶۰

الف) آمریکا..... ۶۶۰

ب) ایتالیا..... ۶۶۱

ج) فرانسه..... ۶۶۲

د) آمریکای لاتین..... ۶۶۳

فصل پانزدهم: رکوردهای تاریخی نسل کشی و جنایت علیه شیعیان

گفتار اول: مسلمانان شیعه بزرگ ترین قربانی تفتیش عقاید از ابتدا تا کنون..... ۶۶۷

۱. سابقه تفتیش عقاید در عالم مسیحیت و اسلام..... ۶۶۷

۲. تفتیش عقاید و قتل و شکنجه به دلیل گرایش به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله..... ۶۶۸

ص: ۲۳

الف) قتل به دلیل عقیده به افضلیت حضرت علی علیه السلام و عدم لعن ایشان (محنه اللعن)..... ۶۶۸

ب) تفتیش عقاید و قتل عالمان و ادیبان دارای معتقدات شیعی..... ۶۷۰

ج) تفتیش عقاید سادات در دوره های متعدد..... ۶۷۰

۳. تفتیش عقاید مسلمانان معاصر، توسط مراکز دولتی، در خصوص اعتقادات شیعی..... ۶۷۱

۴. تفتیش عقاید مسلمانان شیعه توسط گروه های تروریستی تکفیری..... ۶۷۲

گفتار دوم: شیعیان، بزرگ ترین قربانی تخریب اماکن مقدس و مذهبی..... ۶۷۲

گفتار سوم: شیعیان، بزرگ ترین قربانی سلاح های شیمیایی و کشتار جمعی در دوره معاصر..... ۶۷۴

۱. شیعه ایران، بزرگ ترین قربانی سلاح شیمیایی..... ۶۷۴

۲. قتل عام شیعیان کرد و عرب عراق با سلاح شیمیایی بعثی ها..... ۶۷۵

۳. شیعه سوریه، بزرگ ترین قربانی سلاح شیمیایی به دست تروریست ها..... ۶۷۶

۴. شیعه عراق و لبنان، بزرگ ترین قربانی اورانیوم ضعیف شده توسط آمریکا و اسرائیل..... ۶۷۷

۵. شیعه بحرین، بزرگ ترین قربانی استفاده از تسلیحات سمی..... ۶۸۰

۶. مسلمانان شیعه، بزرگ ترین قربانیان بیوتروریسم..... ۶۸۱

گفتار چهارم: مسلمانان شیعه، بزرگ ترین قربانیان جریان های تکفیری..... ۶۸۵

۱. سابقه سازمان های مخفی با هدف قتل سادات و شیعیان..... ۶۸۵

۲. قتل عام شیعه، هدف اصلی سازمان های تروریستی..... ۶۸۶

۳. مناطق شیعه نشین در آستانه قتل عام..... ۶۸۸

الف) شهرهای شیعه نشین نبل و الزهرای سوریه در آستانه کشتار جمعی..... ۶۸۸

ب) شیعیان مناطقی از یمن در خطر قتل عام..... ۶۹۰

ج) تهدید مرزنشین های شرق ایران به قتل عام توسط تکفیری ها..... ۶۹۱

گفتار پنجم: شیعه، بزرگ‌ترین قربانی حملات تروریستی به شعائر و مراسم مذهبی..... ۶۹۲

۱. کشتار شیعیان در مراسم اربعین..... ۶۹۲

الف) اربعین‌های خونین در عراق معاصر..... ۶۹۳

ب) اربعین‌های خونین در پاکستان..... ۶۹۹

ج) اربعین‌های خونین شهدا در ایران زمان شاه مخلوع..... ۷۰۱

د) اربعین خونین زنگبار..... ۷۰۳

ص: ۲۴

۲. کشتار شیعیان در جشن ها و موالید ائمه علیهم السلام..... ۷۰۵

فصل شانزدهم: ریشه ها، علل، انگیزه ها و بهانه های کشتار جمعی شیعه

درآمد..... ۷۰۹

گفتار اول: ریشه های قتل عام شیعه..... ۷۱۱

۱. رویداد سقیفه و رویه خلفا نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله (ریشه تاریخی)..... ۷۱۱

۲. اندیشه نصب و ناصبی گری (ریشه فکری - کلامی)..... ۷۱۳

۳. تبعیض قومیتی و نژادی..... ۷۱۵

۴. فعالیت جریان نفاق، یهود و خوارج..... ۷۲۱

گفتار دوم: علل قتل عام شیعه..... ۷۲۲

۱. علل سیاسی..... ۷۲۲

الف) سیاست حاکمان..... ۷۲۳

ب) تجاوز، اشغال و جنگ داخلی..... ۷۲۷

ج) سوءاستفاده سیاسی از رویه مداراجویانه شیعه..... ۷۲۸

۲. علل اقتصادی..... ۷۳۰

انگیزه محوری رژیم های عربی برای شعله ور نگه داشتن منازعات فرقه ای..... ۷۳۱

۳. علل مذهبی - فرقه ای..... ۷۳۳

الف) نقش فرقه های افراطی درون سنی..... ۷۳۳

ب) تاکتیک های شیعه ستیزی فرقه های افراطی..... ۷۳۵

ج) فتاوی قتل و کشتار..... ۷۳۶

۴. علل رسانه ای..... ۷۴۰

الف) سوءاستفاده جریان های تکفیری از فضای مجازی و شبکه های ماهواره ای برای رشد خشونت علیه شیعه..... ۷۴۰

ب) طرح استعماری تأسیس شبکه های ماهواره ای به اسم شیعه برای توهین به اهل تسنن..... ۷۴۰

۵. علل و متغیرهای بین المللی..... ۷۴۵

الف) اعمال سیاست تفرقه از جانب استعمار..... ۷۴۵

ب) تحمیل مدل حکومت اقلیت از جانب اشغالگران..... ۷۴۶

ج) منافع آمریکا و صهیونیسم از نسل کشی و کشتار جمعی شیعیان..... ۷۴۷

ص: ۲۵

د) سه معامله آمریکا و غرب با جریان های سلفی و اهداف آنان..... ۷۴۸

ه) کمک تکفیری ها به غرب برای تجزیه بیشتر جهان اسلام براساس هویت های مذهبی - قومی..... ۷۵۶

و) هزینه گذاری گسترده رژیم های پادشاهی عرب برای شیعه ستیزی..... ۷۵۷

ز) نسل کشی شیعه خروجی پروژه شیعه هراسی غرب..... ۷۶۳

گفتار سوم: انگیزه های کشتار جمعی شیعه..... ۷۶۶

۱. انگیزه های روانی و درونی (تشفی خاطر، انتقام و...)..... ۷۶۶

۲. انگیزه های مالی..... ۷۶۶

۳. انگیزه های جنسی..... ۷۶۷

الف) ترویج اباحی گری جنسی توسط جریان های تکفیری (جهاد نکاح و...)..... ۷۶۷

ب) جنگ تجاوز جنسی متقابل در بین تکفیری ها..... ۷۷۰

۴. وعده های اخروی..... ۷۷۱

۵. الگو گیری از قاتلان تاریخی سادات و شیعه..... ۷۷۳

گفتار چهارم: بهانه های کشتار جمعی شیعه..... ۷۷۳

۱. ادعای سب صحابه..... ۷۷۳

الف) سابقه سب صحابه و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در بین عامه..... ۷۷۳

ب) اهانت و ناسزا به صحابه و اهل بیت علیهم السلام در بین متعصبان و تکفیری های معاصر..... ۷۷۴

ج) دور بودن ائمه شیعه علیهم السلام از ناسزاگویی..... ۷۷۵

د) تبعیض متعصبان در خصوص صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله..... ۷۷۶

۲. عدم اجرای اصل تقیه از جانب برخی شیعیان..... ۷۷۷

فصل هفدهم: راه های برون رفت از پدیده نسل کشی شیعیان

۱. انجام امور زیربنایی برای معرفی صحیح شیعه..... ۷۸۳

الف) تدوین منشور جامع و مشترک اعتقادات شیعه..... ۷۸۴

ب) تغییر در الگوهای سنتی متقاعدسازی مسلمانان سنی..... ۷۸۴

۲. برپایی جنبش ضد تکفیر و بهره گیری از شیوه های مختلف مقابله با تکفیر..... ۷۸۵

الف) برجسته سازی مرز بین اهل سنت با افراطیون تکفیری..... ۷۸۶

ب) تبیین شباهت های ظاهری، اعتقادی و عملی جریان های تکفیری و خوارج..... ۷۸۶

ص: ۲۶

- ج) ارتباط بیشتر با عالمان و مفتیان منصف اهل تسنن..... ۷۸۷
- د) طرح ریزی مقابله رسانه ای با تکفیر..... ۷۸۹
- ه) ارائه راه های جدید برای کاهش و رفع اختلافات درون شیعی..... ۷۹۰
۳. به کارگیری هر چه بیشتر ظرفیت های اهل تسنن دوستدار اهل بیت علیهم السلام..... ۷۹۱
۴. توجه به مواضع و راهکارهای ارائه شده از جانب مراجع تقلید..... ۷۹۳
- الف) «آیت الله العظمی مکارم شیرازی»: لزوم اعتراض قوی تر نسبت به کشتار شیعیان..... ۷۹۴
- ب) «آیت الله العظمی جوادی آملی»: جلوگیری از کشتار شیعیان کمتر از انرژی هسته ای نیست..... ۷۹۴
- ج) «آیت الله العظمی سبحانی تبریزی»: کشتار شیعیان مظلوم یک برنامه تنظیم شده است..... ۷۹۵
- د) «آیت الله العظمی نوری همدانی»: کشتار شیعیان مظلوم نتیجه جریان سلفی وهابیت..... ۷۹۶
- ه) «آیت الله العظمی سیدمحمدسعید حکیم»: کشتار شیعیان مصداق نسل کشی دسته جمعی..... ۷۹۷
- و) «آیت الله العظمی وحید خراسانی»: قتل عام ایام آل محمد صلی الله علیه و آله باعث بی آبرویی سازمان ملل..... ۷۹۷
۵. تأسیس و حمایت از تشکل های سیاسی - اجتماعی دفاع از شیعه..... ۷۹۹
۶. حمایت از تشکل های حقوقی دفاع از شیعه..... ۸۰۰

فهرست منابع..... ۸۰۳

پیوست..... ۸۲۷

پاکستان..... ۸۲۷

ص: ۲۷

تقدیم به

شهدای مظلوم سادات و شیعه

از صدر اسلام تا عصر حاضر

ص: ۲۹

بر پایه مستندات تاریخی، برخورد قهرآمیز با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیانشان، بلافاصله بعد از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و در دوره های متعدد ادامه یافت. لذا تاریخِ مظلومیت خاندان نبی اکرم صلی الله علیه و آله و پیروان آنها به درازای تاریخ اسلام است. ولی نکته مهم تر اینجاست که هنوز این مظلومیت ادامه دارد و شیعیان، به رغم رشد حساسیت جامعه بشری درباره نسل کشی و کشتار جمعی، هنوز تحت این گونه مظالم هستند. به تعبیر مقام معظم رهبری: «پیروان اهل بیت علیهم السلام در اغلب نقاط دنیا مظلوم اند. حتی در ایران هم شیعیان مظلوم اند. ممکن است شخصی یا ملتی در کمال اقتدار هم باشد؛ اما مظلوم واقع شود. دست های مجرم و گنهکار برای اینکه فکر اهل بیت و مکتب اهل بیت علیهم السلام را منحرف از اسلام معرفی نمایند به او تهمت می زنند و شیعه در این بین مظلوم واقع می شود. بعضی جاها متأسفانه این گونه است که فقط به خاطر اینکه به این مذهب معتقدند، مورد تعقیب قرار می گیرند. این، ظلم خیلی بزرگی است»^(۱).

اگرچه موضوع ستم بر سادات و شیعیان، از چشم مورخان و مؤلفان منصف پنهان

ص: ۳۱

۱- (۱) تلخیص بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴؛ ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، آرشیو بیانات. نشانی در فضای مجازی: www.leer.ir/ک

نمانده است، با این حال جای اثر علمی گسترده ای که گزارش کاملی از نسل کشی آنها از ابتدای تاریخ اسلام تا زمان معاصر را به طور مستند ارائه کرده باشد بسیار خالی بود؛ پژوهشی که علاوه بر روشن کردن این زاویه از تاریخ اسلام و تشیع، اثبات کننده مظلومیت مسلمانانی باشد که امروزه نیز تنها به دلیل ارتباط قلبی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و پذیرفتن ولایت این خاندان، قتل عام می شوند و با علت یابی این پدیده به دنبال راهکارهای جلوگیری از آن باشد. موضوعی که البته وظیفه هر مجموعه اسلامی و هر مسلمانی است و باز به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب: «باید از فکر مکتب اهل بیت و از شیعیان اهل بیت علیهم السلام دفاع کنید؛ و از اینکه به کسانی از این مجموعه عظیم در اکناف عالم ظلم شود، جلوگیری کنید... ما به عنوان جمهوری اسلامی، احساس تکلیف می کنیم در قبال طرفداران مکتب اهل بیت علیهم السلام در اطراف عالم و کشورهای اسلامی که به خاطر عقیده و مذهبشان، مورد تعقیب و فشار قرار نگیرند»^(۱).

با توجه به این ضرورت، محقق ارجمند، حجت الاسلام دکتر محمدرضا زارع خورمیزی، موفق گردید در این نوشتار، بخشی از مظلومیت سادات و شیعیان را در گستره تاریخ اثبات نموده و با علت یابی، راهکارهایی برای برون رفت از آن نیز ارائه کند. پژوهشگر حج و زیارت، با قدردانی از زحمات مؤلف، این اثر علمی را به جویندگان حقیقت تقدیم و از نقد و نظر محققان تاریخ اسلام و تشیع و کلیه خوانندگان استقبال می کند.

پژوهشگر حج و زیارت

گروه تاریخ و سیره

ص: ۳۲

۱- (۱) تلخیص بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴؛ ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، آرشیو بیانات. نشانی در فضای مجازی:

حمد و ستایش پروردگار پاک و بلندمرتبه ای را سزاست که خالق عالمیان است و اول معلم انسان که خود فرمود: (الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ). (۱) همو که بعد از نعمت خلقت، بالاترین نعمت را تعلیم به قلم یاد کرد و فرمود: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ). (۲)

درود و سلام بر والاترین مخلوق او، رسول گرامی اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله که الگوی بشریت است؛ چنان که خدای بزرگ درباره او فرمود: (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) ۳ و افضل تحیات، خاندان بزرگوار او را سزاست که خالق عالمیان بر پاکی آنها در این کریمه شهادت داد که: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) ۴.

خدای بزرگ را سپاس می گویم که بر بنده حقیر خود منت نهاد و چند صباحی توفیق تعلم، تحقیق و نگارش را درباره یکی از موضوعات آیین حیات بخش اسلام و مکتب راستین تشیع، عطا فرمود، و در این مسیر مبارک، بندگان دلسوز را راهنما،

ص: ۳۳

۱- (۱) الرحمن: ۱-۴.

۲- (۲) علق: ۱-۵.

همیار و همراه من کرد. لذا از باب حدیث شریف امام رضا علیه السلام:

«من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزوجل»^(۱)، بر خود لازم می دانم از تمام عزیزانی که در این پژوهش مرا همیاری و مساعدت کردند، کمال قدردانی و سپاس گزاری را بنمایم.

از محققان و کلیه عزیزان همکار در پژوهشکده حج و زیارت، به ویژه ریاست محترم پژوهشکده، حجت الاسلام والمسلمین دکتر علیزاده موسوی، معاون پژوهش، حجت الاسلام والمسلمین احمد زادهوش، مدیر محترم گروه تاریخ و سیره، حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدمهدی فقیه بحر العلوم، و ارزیاب محترم، حجت الاسلام دکتر رمضان محمدی و کلیه دست اندرکاران مجموعه که از هیچ گونه تلاشی برای انجام بهتر و سریع تر پژوهش دریغ نکردند، کمال سپاس گزاری و امتنان را دارم. از استاد گرانقدر، جناب آقای علی اصغر رضوانی که راهنمایی های ارزشمندی را داشتند، قدردانی می کنم. از دوست گرامی، جناب حجت الاسلام سید ابراهیم امینی که زحمت همکاری در خصوص حروف چینی و تنظیم تحقیق را بر عهده گرفتند نیز سپاس گزارم. از زحمات کلیه اندیشمندان، نویسندگان و مترجمان بزرگواری که از آثار علمی آنان در این پژوهش بهره برده شده است، با کمال خضوع، قدردانی می کنم و بر روان پاک مؤلفان شهید و درگذشته درود می فرستم و اگر نامی از مؤلف گرانمایه ای در ارجاعات از قلم افتاده، عذر تقصیر دارم.

از خانواده و همسر دلسوز و مهربانم، بانو سیده عصمت حیدری خورمیزی که محیط آرام و مساعدی را برای این کار علمی فراهم آوردند و اگر مساعدت و کوشش ایشان نبود، این کار به سرانجام نمی رسید، کمال امتنان، تشکر و قدردانی را داشته و از فرصت هایی که به خاطر این کار از آنها دریغ کرده ام، پوزش می خواهم.

قم

محمدرضا زارع خورمیزی

پاییز ۱۳۹۳

ص: ۳۴

امروزه حتی قدرت های عالم نیز می کوشند خود را مظلوم و قربانی ستمکاران نشان دهند؛ چنان که برای این کار، گاهی دست به تحریف تاریخ نیز می زنند. نمونه بارز این پدیده، جریان هولوکاست یا کشتار جمعی یهودیان به دست نازی هاست. صهیونیسم بین الملل توانسته است با استفاده ابزاری از این موضوع، خود را ستمدیده معرفی کرده و احساس همدردی ملل عالم را به خود جلب کند؛ به طوری که هرگاه کسی بخواهد اعمال صهیونیست ها را نقد کند، آن را به نام دشمنی با سامی نژادان (یهودیان) تخطئه می کنند. این در حالی است که کشتار برخی ملل یا مذاهب دیگر، گاه به اندازه ای وسیع بوده که مسئله موهوم هولوکاست در مقابل آن ناچیز است. نمونه آشکار آن، پدیده شوم مسلمان کشی یا نسل کشی مسلمانان است.

گستره کشتار مسلمانان در ادوار تاریخ، چنان بوده که هیچ نویسنده منصفی نمی تواند بی تفاوت از کنار آن بگذرد. اگر نسل کشی یهودیان و ارمنیان اتفاق هم افتاده باشد، اکنون به تاریخ پیوسته، در حالی که نسل کشی مسلمانان هنوز هم ادامه دارد. (۱) بنابراین باید ابعاد این واقعیت، آشکار

ص: ۳۵

۱- (۱) در این روزهایی که این اثر گردآوری می شود، در میانمار، بودائیان افراطی به جان مسلمانان افتاده، آنها را می کشند؛ در آفریقای مرکزی، مسیحیان، مسلمانان را کشته و از خانه و کاشانه شان آواره می کنند؛ در فلسطین، یهودی ها مسلمانان را می کشند و هر از چند گاهی به لبنان تجاوز می کنند؛ در سوریه، عراق، پاکستان، لیبی و... تکفیری ها به جان شیعه و سنی افتاده، مردم بی گناه مسلمان را می کشند.

شده و برای رفع آن چاره اندیشی کرد؛ اگرچه متأسفانه، تاکنون کار علمی شایسته ای در این باره صورت نگرفته است. این در حالی است که درباره وقایع بسیار کوچک تر از آن، آثار مختلفی به رشته تحریر درآمده و بناهای یادبود متعددی ساخته شده است.

در این میان، مظلومیت مسلمانان شیعه و سادات مضاعف است؛ چراکه هم از جانب اسلام ستیزان قتل عام شده اند و هم از جانب برخی مدعیان مسلمانی، به بهانه بددینی. بنابراین نوشتار حاضر، بخشی از پژوهشنامه «تاریخ نسل کشی مسلمانان» است که به نسل کشی سادات و مسلمانان شیعه اختصاص دارد که در یک جمع بندی، ضرورت و اهداف این موضوع را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. در بُعد تاریخی باید مستندات نسل کشی و قتل عام مسلمانان شیعه جمع آوری شده و در مجامع مختلف علمی مطرح گردد تا به شیعیان به عنوان کسانی که همواره بیشترین مظلومیت را کشیده اند و طبعاً باید به مظلومیت آنها پایان داده شود، نگریسته شود. همچنین پدیده کشتار جمعی شیعه، مهم ترین بخش تاریخ اجتماعی شیعه است و باید در رشته های تاریخ اسلام، تاریخ تشیع، شیعه شناسی و... به آن پرداخته شود.

۲. در بعد اعتقادی، یکی از راه های اثبات حقانیت یک مکتب، این است که چگونگی برخورد طاغوت های زمان با آن و متقابلاً چگونگی مقاومت حق مدارانه معتقدان به آن مکتب، بررسی شود؛ به عبارت دیگر، از باب «تعرف الاشياء باضدادها» وقتی عاملان اصلی قتل عام شیعیان را بشناسیم و در مقابل، مقاومت شیعیان را تا پای جان مشاهده کنیم، اثبات می شود که کشتار جمعی عده ای به جرم عقیده، با هیچ دین الهی و مرام انسانی سازگاری ندارد. بنابراین باید عاملان آن، محکوم و جوامع انسانی به سوی پایان دادن به این مظلومیت تاریخی سوق داده شوند.

همچنین ضرورت دارد این موضوع یادآوری شود که با این گستردگی سرکوب، هر عقیده دیگری غیر از تشیع بود، یقیناً به محاق نابودی کشیده شده بود. ولی با این وجود،

مکتب تشیع به رشد خود ادامه داده و هم اکنون در جهان به عنوان یک ایدئولوژی قوی و جایگزین ایدئولوژی های مادی مطرح شده است و این موضوع می تواند شاهی بر اصالت و حقانیت این مکتب باشد.

۳. در بعد جوابگویی به شبهات، باید گفت متأسفانه در سال های اخیر با ایجاد موج شیعه هراسی (۱)، هجمه گسترده ای علیه شیعه برای ظالم نشان دادن شیعیان، آغاز شده و کتاب های متعددی در این باره تألیف شده است. (۲) حتی برخی پا را از این فراتر نهاده و شیعیان اهل بیت علیهم السلام را که همواره مدافع آن بزرگواران بوده و به این خاطر قربانی قتل عام و نسل کشی دشمنان شده اند، قاتل اهل بیت علیهم السلام معرفی می کنند. (۳) بنابراین باید با این برنامه طراحی شده دشمنان، مقابله شود و چه بسا خنثا بودن، موجب تلقی قبول آن اتهامات گردد.

۴. در بعد حقوقی، ضرورت این تحقیق این است که عصر حاضر اساساً موضوع نسل کشی هواداران یک مکتب، صرف نظر از حقانیت یا عدم حقانیت آن، موضوعی بسیار حساس و مورد تقییح جوامع حقوقی است و هر ساله کنفرانس های متعددی در خصوص پدیده شوم ژنوسید (نسل کشی) در سراسر جهان برگزار می شود و رویدادهای مربوط به آن بررسی و راه های رفع و مقابله با آن پیشنهاد می شود. این در حالی است که درباره ژنوسید شیعه، کار علمی چشمگیری دیده نمی شود.

۵. در بُعد سیاسی، باید گفت متأسفانه امروز جریان بسیار خشن و بی رحمی با

ص: ۳۷

۱- (۱) Shi hobi.

۲- (۲) از جمله آنها می توان به کتاب «خیانات الشیعه و اثرها فی هزائم الامه الاسلامیه» نوشته محمود محمد عبدالرحمان، اشاره کرد. نویسنده مصری این کتاب می گوید شیعیان مظلومی را که در طول تاریخ به دست ستمگران قتل عام شده اند، عامل هجوم بیگانگان و قتل عام اهل تسنن قلمداد کند. ر. ک: بررسی آرای تاریخی دکتر محمد عبدالرحمان و بن عباس معتوق در ارتباط با آل بویه، شیعه و عباسیان، ابراهیم باوفا، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۳۱.

۳- (۳) چندی پیش کتابی در عربستان به چاپ رسید که به صورت میلیونی ترجمه و رایگان به دست زائران داده شد؛ یکی از محورهای مهم این کتاب، معرفی شیعیان به عنوان قاتلان اهل بیت علیهم السلام بود؛ در این باره ر. ک: افشای یک توطئه - پاسخی به کتاب اهل بیت علیهم السلام از خود دفاع می کنند، علی آل محسن.

عناوین دینی در عالم اسلام به راه افتاده که قتل عام هواداران مذاهب اسلامی، خصوصاً شیعه را تجویز می کند و خطری بزرگ برای جهان اسلام محسوب می شود. باید سیر خصومت کور این جریان ریشه یابی شود و راه های برون رفت از آن ارائه گردد.

سؤال اصلی ما در این پژوهش «چیستی و چگونگی پدیده کشتار جمعی مسلمانان شیعه از ابتدا تاکنون است» و چون احتمال دارد نسل کشی شیعیان از مبنا انکار شود، اولین سؤال فرعی ما این است که آیا پدیده ای به نام کشتار جمعی شیعیان، وجود داشته است یا نه؟ سپس مهم ترین سؤال این است که در صورت وجود این واقعیت، هدف یا اهداف آن چه بوده است؟ آن گاه مبحث چگونگی این رویداد مطرح خواهد شد که کشتار جمعی شیعیان چگونه انجام شده است؟ عاملان آن کدام قدرت ها بوده اند؟ ریشه ها، علل، انگیزه ها و بهانه های آن چه بوده است؟ و نهایتاً راه های جلوگیری از آن چیست؟

با توجه به مطالعاتی که نگارنده در خصوص این موضوع داشته است، می توان فرضیه پژوهش را در سه محور زیر مطرح کرد:

۱. پدیده کشتار جمعی شیعه در طول تاریخ وجود داشته و در قالب قتل عام پیشوایان، عالمان و اشخاص عادی شیعه تجلی پیدا کرده و به تدریج از حاکمان به فتاوی مفتیان متعصب و سپس به باور هواداران آنها انتقال یافته و نهایتاً به بزرگ ترین تراژدی در تاریخ بشر تبدیل شده است.

۲. عامل اصلی کشتار شیعیان، بیشتر سیاسی بوده تا مذهبی. بعدها با اثرگذاری سیاست، جزو اعتقاد برخی و باعث فتوای مفتیان شده است. ولی در دوره های میانی و معاصر، این رابطه (فتوا و سیاست) متقابل بوده است.

۳. کارهای انجام شده برای رفع نسل کشی شیعه کافی نبوده و تا به حال اقدام فراگیر و گسترده ای نشده است. گفتنی است راه های برون رفت از معضل شیعه کشی، در هر منطقه و کشور، متفاوت است. البته عامل بازدارنده اصلی این جریان را باید در تغییر توازن قدرت شیعه جست و جو کرد.

در این نوشتار از چهار واژه نسل کشی، قتل عام، کشتار جمعی و کشتار برنامه ریزی شده استفاده شده است که اجمالاً: (۱)

- نسل کشی برای موردی است که در آن پیر و جوان و خرد و کلان، به قصد از بین بردن هویت آنها به قتل می رسند که نمونه آن، نسل کشی هزاره ها به دست عبدالرحمان خان جلاد در افغانستان است.

- قتل عام در جایی است که تمام افراد موجود در یک موقعیت مکانی یا زمانی به قتل می رسند؛ مانند تمام شش یا هفت هزار نفر اسرای قیام مختار در دارالاماره کوفه که مصعب بن زبیر بعد از دادن امان، آنها را قتل عام کرد.

- مقصود از جمع در واژه کشتار جمعی، جمع منطقی، یعنی عدد سه به بالا است؛ یعنی هر جا بیش از سه نفر بی گناه، به جرم شیعه بودن یا موارد مربوط به آن، به قتل رسیده اند، در محدوده واژه کشتار جمعی قرار می گیرند؛ این مورد مصادیق بسیار زیادی دارد که در این پژوهش سعی شده است به موارد شاخص و برجسته آن اشاره شود.

- کشتار برنامه ریزی شده به این معناست که مجموعه ای از افراد، طی یک برنامه ریزی قبلی، هدف قتل عام قرار می گیرند و در یک دوره زمانی، یکی پس از دیگری، به قتل می رسند. اگرچه قتل آنها به صورت دسته جمعی، در یک زمان و مکان خاص، انجام نمی شود، ولی عملاً این نوع هم از مصادیق کشتار جمعی به شمار می رود؛ نمونه بارز آن، کشتار برنامه ریزی شده نخبگان شیعه به دست معاویه بن ابی سفیان و در دوره معاصر، کشتار برنامه ریزی شده نخبگان شیعه عراق به دست بعثی هاست.

بنابراین در این پژوهش به مصادیق نسل کشی، کشتار جمعی و کشتار برنامه ریزی شده علیه مسلمانان شیعه، اشاره می شود و به افراد نظامی کشته شده شیعه در درگیری ها و جنگ ها نمی پردازد؛ مگر اینکه جنگی نابرابر برای کشتار جمعی و نسل کشی به آنان

ص: ۳۹

۱- (۱) در بخش کلیات به تعریف تفصیلی این مفاهیم اشاره خواهد شد.

تحلیل شده باشد؛ به عبارت دیگر مقصود از این پژوهش، ارائه گزارش کامل شهدای شیعه نیست. بلکه مقصود، بررسی و احصای نسل کشی، قتل عام و کشتار جمعی مسلمانان شیعه غیر نظامی است که البته قتل عام و کشتار اسرا بعد از دادن امان به آنها را نیز شامل می شود.

درباره سازماندهی این پژوهش باید گفت که پدیده کشتار جمعی شیعیان، موضوعی نیست که در یک یا دو کتاب گنجایش داشته باشد، بلکه بررسی دقیق ابعاد آن، نیاز به پژوهش های متعدد و آثار علمی فراوان دارد. ولی موضوع یاد شده در این نوشتار، در سه بخش مهم زیر ارائه می شود:

۱. گزارش تحلیلی از چگونگی قتل عام شیعیان، از قرن اول هجری تاکنون، در مناطق مختلف عالم؛

۲. بررسی تحلیلی و دقیق ریشه ها، علل، انگیزه ها و بهانه های کشتار جمعی و نسل کشی شیعیان در گستره تاریخ تا عصر حاضر؛

۳. راه های برون رفت و منع از این پدیده در حال و آینده.

بعد از بخش کلیات که به پیشینه و تعریف مفاهیم و ادله منع نسل کشی می پردازد، کشتار جمعی، قتل عام و نسل کشی سادات و مسلمانان شیعه در هر قرن، موضوع یک فصل از این کتاب است. به این صورت که نسل کشی و کشتار جمعی علیه سادات و مسلمانان شیعه در قرن اول هجری، در فصل اول و برای قرن دوم، در فصل دوم بررسی می گردد؛ همین طور تا فصل چهاردهم که به کشتار جمعی شیعه در دوران معاصر می پردازد. افزون بر آن، فصل پانزدهم نیز به بررسی رکوردهای تاریخی در خصوص نسل کشی سادات و شیعیان اختصاص دارد.

دو فصل آخر نیز به ریشه ها، علل، انگیزه ها و بهانه های کشتار جمعی سادات و شیعیان و راه های برون رفت از آن می پردازد.

۱. پیشینه پژوهش

منابع تاریخی، مملو از گزارش های قتل و آزار خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان آنهاست. رسول گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، در روایات متعددی که در مجامع حدیثی شیعه و سنی نقل شده، برخی از آن وقایع اسفناک را پیشگویی کرده و حتی به مکان ها و عاملان آنها نیز اشاره کرده است که به هر کدام، به تناسب موضوع و مطلب، اشاره خواهیم کرد.

افزون بر آن، اهل بیت علیهم السلام نیز درباره آن رویدادها پیشگویی هایی کرده اند؛ و یا گزارش هایی را ارایه کرده اند برای مثال می توان به حدیث امام باقر علیه السلام اشاره کرد که از قتل عام خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان آنها در دهه پنجاه قرن اول هجری، به دست معاویه پرده برمی دارد و آن را سند مظلومیت اسلام راستین می داند.^(۱) این احادیث نشان می دهد که مظلومیت سادات و شیعیان، مورد توجه پیشوایان بزرگ تشیع بوده است. گفتنی است اوج این مظلومیت در به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام و قتل عام خاندان و پیروان او در واقعه غم انگیز و حماسی کربلاست که برای گزارش آن، اساساً بخشی

ص: ۴۱

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۳؛ الغدیر، علامه امینی، ج ۱۱، ص ۲۹.

از تاریخ اسلام به نام مقتل اختصاص یافت. در مورد دیگر ائمه علیهم السلام و دیگر ادوار تاریخی شیعه نیز این گزارش ها دیده می شود. در منابع اولیه تاریخ اسلام نظیر تاریخ یعقوبی، سیره ابن هشام، تاریخ طبری، کامل ابن اثیر و... این موارد کمابیش گزارش شده اند. با این حال به برخی از مهم ترین آثاری که اختصاصاً به موضوع مورد بحث پرداخته اند، اشاره می کنیم:

۱. «الغارات» نوشته ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی. وی فقیه، محدث، مورخ و مؤلف معروف قرن سوم هجری است. بیشتر علمای رجال از او تمجید کرده و او را از جمله راویان مورد اعتماد دانسته اند. از میان تألیفات بسیار وی، که شمار آنها به بیش از پنجاه می رسیده، تنها الغارات باقی مانده است. مؤلف، بخشی از جنایات معاویه را در مناطق تحت قلمرو امام علی علیه السلام که به کشتار جمعی شیعیان بی دفاع منجر شده، گزارش کرده است. نام کتاب، برگرفته از یکی از سخنان امام علی علیه السلام است که فرمود:

«سُنَّتٌ عَلَيْكُمُ الْغَارَاتُ» (۱)

ثقفی پس از مقدمه، مطالب را با نظم، دقت نظر، واقع نگری و پرهیز از تعصب دسته بندی کرده است. وی در این کتاب، احادیث را عموماً از راویان مشهور و مقبول اهل تسنن نقل کرده و جز چند مورد، از ائمه شیعه علیهم السلام روایت نکرده است. الغارات یکی از منابع مهم مؤلفان اهل سنت و شیعه به شمار می رود. (۲)

۲. «مقاتل الطالبین» نوشته علی بن حسین بن محمد بن احمد بن هیثم، معروف به ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ه. ق). این کتاب به شرح حال فرزندان ابوطالب از آغاز ظهور

ص: ۴۲

۱- (۱) نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

۲- (۲) محدثان و مورخان نظیر ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، احادیث بسیاری از این کتاب نقل کرده اند. مجلسی نیز در بحارالانوار از این کتاب بهره بسیار برده است؛ ر. ک: الغارات، ابراهیم بن محمد ثقفی، چاپ جلال الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۵۵ ه. ش. بخش مقدمه مرحوم ارموی، در خصوص معرفی کتاب ر. ک: «معرفی ابراهیم بن محمد ثقفی»، دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت علیهم السلام: <http://wikishi.net/view>

اسلام تا قرن چهارم هجری که در جنگ ها، قیام ها و فعالیت های سیاسی ضد دستگاه حاکم کشته شده اند، می پردازد. این کتاب بر حسب عصر هر خلیفه، طبقه بندی شده است. کتاب مقاتل الطالیین، در موضوع مقتل، شهرت و جایگاه والایی میان پژوهشگران و محققان دارد و از جمله منابع اصلی است. (۱)

۳. «النزاع والتخاصم فیما بین بنی امیه و بنی هاشم» نوشته احمد بن علی مقریزی. این کتاب تخصصات بنی امیه و بنی هاشم را بررسی و افرادی که در متن این رویدادها بوده اند را معرفی کرده است. (۲) برخی از بخش های این کتاب عبارت اند از: مثالب بنی امیه، اصل مناظره بین بنی هاشم و بنی امیه، دشمنی بنی امیه با پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام، اخراج بنی امیه از خویشاوندی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، جنایات بنی امیه نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، جنایات بنی عباس نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و.... (۳)

۴. «شهداء الفضیله» نوشته علامه امینی. این کتاب آمار تفصیلی از عالمان شهید شیعه دوازده امامی است که به تیغ متعصبان به قتل رسیده اند. مؤلف حدود چهل شهید نام می برد که مستقیماً و فقط به جرم تشیع به دست سنی نمایان به شهادت رسیده اند. وی در پایان کتاب می نویسد که این آمار غیر از کشتارهای دسته جمعی فضلا و دانشوران شیعه است که گاه و بیگاه در بلاد مختلف به وقوع پیوسته است؛ مثل کشتار جمعی مدرسه شیخ داوود در جزیره بنی صالح بحرین، کشتار سال ۹۹۷ ه. ق در خراسان و هتک حریم رضوی، کشتارهای کربلا- در سال های ۱۲۱۶ و ۱۲۵۸ ه. ق، کشتار مسجد زکریای حلب در زمان سلطان سلیم عثمانی.

۵. «المجازر و التعصبات الطائفیه فی عهد الشیخ المفید» نوشته فارس حسون که به

ص: ۴۳

۱- (۱) ر. ک: «معرفی مقاتل الطالیین»، دانشنامه حوزه علمیه: <http://www.wiki.ir>

۲- (۲) النزاع والتخاصم فیما بین بنی امیه و بنی هاشم، احمد بن علی مقریزی، قم، انواع کتاب، شریف الرضی، کتابخانه تخصصی، سال ۱۳۸۶ ه. ش.

۳- (۳) . <http://www.nideshed.com> . <http://www.nideshed.com/index.php?Pe=d> ک = ۲۷۰۶۵ UID = initiation

بررسی و تحلیل درگیری های فرقه ای، خصوصاً در قرن چهارم پرداخته و نمونه های بارزی از کشتار جمعی شیعه در آن دوران را ارائه می کند. (۱)

بررسی کشتار جمعی شیعیان در مناطق مختلف، نیاز به رجوع به تاریخ همان منطقه و کشور دارد که به مهم ترین منابع به تفکیک منطقه و کشور اشاره می کنیم؛ برخی منابع مهم در مورد کشتار جمعی شیعه در عراق عبارت اند از:

- «شیعه و حکومت در عراق» نوشته حسن العلوی. مؤلف در این کتاب با رجوع به مستندات تاریخی و مشاهدات افراد، حقایق مهمی را از قتل عام شیعیان عراق در دوره های عثمانی، پادشاهی، جمهوری و بعثی ها ارائه می کند.

- «موسوعه عن قتل واضطهاد مراجع الدین و علماء و طلاب الحوزة الدینیة لشیعة فی بلد المقابر الجماعیة (العراق) ۱۹۶۸-۲۰۰۳ م» نوشته دکتر صاحب حکیم مقرر. وی در این کتاب شرح جامعی از کشتار جمعی مراجع، علما و طلاب حوزه های علمی شیعی در عراق در دوره بعثی ها ارائه کرده است. (۲) درباره اخراج علما، طلاب و مردم عادی عراق نیز به جرم اصالت ایرانی، اشاره می کند. (۳) دکتر صاحب حکیم، کتاب دیگری نیز درباره کشتار جمعی زنان شیعه در عراق نوشته که عنوان کتاب «تقریر عن اغتصاب و قتل و تعذیب و اعتقال اکثر من ۴۰۰۰ امرأه فی بلد المقابر الجماعیة (العراق)» است. وی در این کتاب، اسناد دست اول گسترده ای را در خصوص موضوع فوق ارائه کرده است.

- «قتل العلماء فی العراق یجسم الظاهره الفرعونیة» نوشته شهید سید محمدباقر حکیم. به موضوع کشتار جمعی علما، فضلا و طلاب شیعه در دوره بعثی ها اختصاص دارد. (۴)

ص: ۴۴

۱- (۱) المجازر والتعصبات الطائفیه فی عهد الشیخ المفید، فارس الحسون (تبریزیان)، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نسخه الکترونیک: کتابخانه دیجیتال مکتبه اهل بیت علیهم السلام.

۲- (۲) موسوعه عن قتل واضطهاد مراجع الدین و علماء و طلاب الحوزة الدینیة لشیعة فی بلد المقابر الجماعیة (العراق) ۱۹۶۸-۲۰۰۳ م، دکتر صاحب حکیم، الصف والاخراج: محمد الحسینی، ذی القعدة ۱۴۲۶ هـ - ق، کانون الأول ۲۰۰۵ م.

۳- (۳) همان، ص ۱۳۷۰.

۴- (۴) قتل العلماء فی العراق یجسم الظاهره الفرعونیة، سید محمدباقر حکیم.

- کتاب «مختصر شهداء المنبر الحسينی فی العراق» نیز به شهدای واعظ و خطیب که بیشتر به دست نظام بعثی به شهادت رسیدند، می پردازد.

- کتاب «شهداء العلم والفضیله فی العراق» از جانب معاونت پژوهشی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام تدوین شده است. در این کتاب نام ۹۵ نفر از علمای شیعه عراق آمده که به دست نظام بعثی، طی یک کشتار برنامه ریزی شده، به شهادت رسیدند. قتل عام علما، از خاندان های اصیل، نظیر خاندان حکیم، بحر العلوم، صدر و... ضربه هولناکی بر حوزه علمیه کهن هزارساله نجف اشرف بود؛ علاوه بر آن، جامعه عراق را از فرهیختگان و مصلحان اجتماعی تهی کرد.

- «الانتفاضه الشعبانیة» اثر محقق عراقی و اهل کربلای معلی، سید سلمان هادی آل طعمه که حقایق مهمی را از قتل عام شیعیان در جریان انتفاضه شعبانیة ارائه می کند. (۱)

در خصوص نسل کشی و کشتار جمعی شیعه در ایران، بخشی از منابع، همان منابع تاریخ اسلام می باشند و از دوره صفویه به بعد نیز منابع مکتوب تاریخی ایران و عثمانی، کمک شایانی به پژوهشگر می کند. همچنین در خصوص وقایع خونبار بعد از سقوط صفویه از گزارش های «رستم التواریخ» استفاده شد و درباره فجایع معاصر علیه مسلمانان شیعه ایرانی به این منابع می توان اشاره کرد:

- «قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس» نوشته صمد سرداری نیا. (۲) موضوع این کتاب، بررسی حوادث خونین نیمه اول سال ۱۹۱۸ میلادی در دو سوی ارس است. عناوین مباحث کتاب عبارت اند از: قتل عام مسلمانان غرب آذربایجان به دست جلوها و ارامنه، تشکیلات قشون مسیحی و حامیان آن، آغاز کشتار در ارومیه، کشتاری دیگر در ارومیه، داستان دلگداز سلماس، حمله آندرانیک به خوی، حادثه شرفخانه و....

ص: ۴۵

۱- (۱) ر. ک: معرفی کتاب توسط رسول جعفریان، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران در قم، نشانی مطلب در فضای مجازی: <http://historylib.com/index.php?tion=ticle/ts>

۲- (۲) موضوع: اسلام - تاریخ، ناشر: اختر، تبریز، ۲۰۰۴ م.

- «قحطی بزرگ و نسل‌کشی در ایران ۱۹۱۷-۱۹۱۹ م (۱۲۹۶-۱۲۹۸ ه. ش)». این اثر ترجمه‌ای است از پژوهش آقای محمدقلی مجد، محقق ایرانی مقیم آمریکا که در آن کشور چاپ و منتشر شده است. (۱) وی پژوهش خود را در زمینه قحطی بزرگ در ایران با تکیه بر اسناد، مدارک و گزارش‌های آرشیو وزارت خارجه آمریکا و نیز اخبار و گزارش‌های موجود در روزنامه‌های آن دوره و نیز خاطرات افسران و فرماندهان انگلیسی حاضر در ایران، در زمان جنگ جهانی اول، به پایان برده است. این کتاب را مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی با ترجمه محمد کریمی منتشر کرده است. (۲)

- «دائرة المعارف شهدای ترور جمهوری اسلامی ایران» اثر کانون هابیلیان (خانواده شهدای ترور کشور). (۳) در این کتاب شرح جامعی نیز از شهدای ترور جمعی، نظیر هفت تیر تا فاجعه تاسوکی و دارزین آمده است که مهم‌ترین منبع در مورد شهدای کشتار جمعی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در ایران است.

در مورد قتل عام شیعیان در افغانستان، یکی از مهم‌ترین منابع، «سراج التواریخ» است. این کتاب مفصل‌ترین کتاب تاریخ افغانستان است که فیض محمد کاتب، مشهور به «کاتب هزاره» آن را نوشته است. در جلد چهارم این اثر، وقایع تکان‌دهنده‌ای از اقدامات خشونت‌بار عبدالرحمان جلاد، علیه شیعیان افغانستان، گزارش شده است. (۴) ولی آثار

ص: ۴۶

-
- ۱- (۱) عنوان اصلی کتاب عبارت است از: «The Gre d Genocide in Persi ۱۹۱۷-۱۹۱۹» .
- ۲- (۲) . Ir . ۱۹۴۱-۱۹۲۱, G nesville. ک M d ، Moh m Gholi ، Gre Brit n d Rez Sh : The Plunder . University Press کک Ch ter three ۲۰۰۱, lorida .
- ۳- (۳) نشانی انجمن در فضای مجازی: [www. H ili .ir](http://www.Hili.ir)
- ۴- (۴) سراج التواریخ، جلد چهارم، بخش دوم، وقایع سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۲ ه. ق، مؤلف: ملافیض محمد کاتب، ویرایش، مقدمه و فهارس: دکتر محمد سرور مولایی، انتشارات امیری، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه - ق، آدرس: کابل، جوی شیر، بازار کتابفروشی، کوچه چهارم؛ ر. ک: «نسل‌کشی و جنایات ضد بشری به روایت سراج التواریخ در افغانستان»، غلام سخی ارزگانی: <http://www.w d news.com> ک ۱۴۸۶۷ si/?p =

معدودی به صورت تخصصی به موضوع قتل عام شیعه در این کشور پرداخته که از جمله آنها اثر ذیل است:

- «هزاره ها از قتل عام تا احیای هویت» نوشته بصیر احمد دولت آبادی. انتشارات ابتکار دانش این کتاب را چاپ کرده است. این کتاب به بررسی تاریخی و جغرافیایی قوم هزاره در افغانستان می پردازد. نویسنده کوشیده است گزارش نسبتاً جامع و دست اول از سرنوشت هزاره ها، از قتل عامشان در عصر عبدالرحمان تا حضور دوباره شان در صحنه های مختلف زندگی اجتماعی - سیاسی کشور، با استناد به نوشته های مرحوم کاتب و دیگران ارائه دهد. (۱)

برخورد قهرآمیز و خشونت بار با شیعیان شبه قاره هند، از زمان سلطان محمود غزنوی آغاز می شود و قتل عام های گسترده او از شیعیان هندوستان تا کشتار جمعی شیعیان، در حال حاضر در مناطقی از پاکستان، توسط گروه های تروریستی، نظیر سپاه صحابه را شامل می شود که خود می تواند شامل چندین مجلد کتاب باشد. (۲) ولی جای آثار علمی جدید درباره نسل کشی در شبه قاره و خصوصاً پاکستان امروز، بسیار خالی است. با این حال، مقالات متعددی درباره نسل کشی شیعه در پاکستان، خصوصاً پاراچنار و کوئته، در نشریات مختلف دیده می شود؛ به طوری که وقتی واژه نسل کشی شیعه یا معادل انگلیسی آن را در فضای مجازی جست و جو کنیم، بیشترین مقالات و گزارشات، درباره نسل کشی شیعیان پاکستان دریافت می شود.

دکتر صالح الوردانی درباره فجایع انجام شده علیه شیعیان مصر، تحقیقات جامعی انجام داده که در کتاب «الشیعه فی مصر» ایشان آمده است. همچنین هاشم عثمان در کتاب

ص: ۴۷

-
- ۱- (۱) هزاره ها از قتل عام تا احیای هویت، بصیر احمد دولت آبادی، انتشارات ابتکار دانش، ۱۳۸۵ ه. ش.
 - ۲- (۲) البته کتاب هایی در این باره نوشته شده است: نظیر شهدای اهل البیت علیهم السلام، تألیف حسین شاکری، قم، مؤسسه الاسلامیه للتبلیغ والارشاد. ۲۰۰۱ م / ۱۳۸۰ ه. ش.

«تاریخ شیعه در شام» به مظالمی که علیه شیعیان و علویان سوریه رفته، اشاره نموده است.

آثار علمی سرکار خانم اسرا دوغان و دکتر صائم ساواش،^(۱) برای بازخوانی قتل عام شیعیان در آناتولی ترکیه در زمان عثمانی، بسیار راه گشا بود.

درباره کشتار جمعی مسلمانان شیعه در جزیره العرب توسط وهابیان، از کتاب «تاریخ آل سعود» نوشته ناصر السعید، نویسنده سرشناس عربستانی^(۲) و کتاب «وهابی گری»، نوشته پروفیسور حامد الگار استفاده شد؛ با این حال باید گفت جای اثر علمی گسترده ای که نگرش جامع در مورد نسل کشی و کشتار جمعی شیعیان از ابتدا تاکنون داشته باشد، بسیار خالی است. این در حالی است که یکی از راه های جلوگیری از اقدامات غیرانسانی علیه شیعیان، آشکار کردن مظلومیت ها به صورت گسترده در جهان است. خصوصاً در این دوره تاریخی که حملات پرتلفات تروریستی علیه مسلمانان شیعه به اوج رسیده است.

ضرورت مهم دیگر، این است که عاملان و مباشران قتل عام و نسل کشی معمولاً بعد از مدت کوتاهی، از اساس، جنایات خود را منکر می شوند. بنابراین ضروری است برای جمع آوری اسناد درباره این موضوع، کارهای علمی انجام شود و برای جلوگیری از تکرار این واقعیات تلخ، برنامه ریزی شود.

۲. تعریف مفاهیم

الف) سادات

«سید» در اصل به معنای کسی است که صاحب مجد و عظمت است. لذا نسل

ص: ۴۸

۱- (۱) ر. ک: علوی گری در آناتولی در قرن شانزدهم.

۲- (۲) وی به رغم اقامت در خارج از عربستان سعودی، پس از چاپ و منتشر کردن این کتاب، به دست مزدوران آل سعود ترور شد و جان باخت. تألیفات او عبارت اند از: «تاریخ آل سعود»، «حقائق عن القهر السعودی»، «مؤامره أم خالد، مجموعه قصائد»؛ ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی پیروان ناصر السعید (موقع انصار ناصر السعید)، نشانی در فضای مجازی:

<http://www.nser s d.com>

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را سید می گویند. نسل پیامبر صلی الله علیه و آله با دخترش حضرت فاطمه علیها السلام ادامه یافت و علمای انساب، تنها فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام را نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند. بنابراین هر کس که نسلش به حضرت فاطمه علیها السلام می رسد، سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله محسوب می گردد. امام موسی کاظم علیه السلام در این باره می فرماید:

روزی به مجلس هارون الرشید، خلیفه عباسی، وارد شدم. هارون سؤال هایی کرد و من جواب دادم. هارون پرسید: «شما چگونه می گویند که پسر پیامبرید، درحالی که پیامبر صلی الله علیه و آله نسل نداشت. او فقط دختر داشت و نسل انسان از پسر می ماند، نه دختر». من در جواب سؤال هارون، آیه سوره انعام را خواندم که خداوند می فرماید: (وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَ نُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ... * وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى وَ إِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ)؛ (۱) «ما به ابراهیم، اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را هدایت کردیم و نوح را از پیش هدایت کرده بودیم و از نژاد او، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون را. ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم. و نیز زکریا، یحیی، عیسی و الیاس را که همگی از صالحان هستند». به هارون گفتم: «ای هارون! پدر عیسی کیست؟» هارون گفت: «عیسی پدر ندارد». گفتم: «پس چطور عیسی از نسل ابراهیم به شمار رفته است؟! پس بدان که خداوند عیسی را از طریق مادرش مریم به نسل حضرت ابراهیم ملحق ساخته است. ما هم از طریق مادرمان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از نسل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به حساب می آییم». (۲)

کلمه سید از همان ابتدا بر ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاق می شد و در طول ادوار گذشته، این کلمه به تنهایی یا با قیدوبند و اضافاتی به سادات اطلاق می شده است؛ چنان که از سخنان

ص: ۴۹

۱- (۱) انعام: ۸۴ و ۸۵.

۲- (۲) تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۳۰، چاپ دو جلدی قدیمی؛ تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۲۸؛ به نقل از نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۴۳. در تفسیر عیاشی نیز شبیه همین مطلب در خصوص احتجاج یحیی بن معمر با حجاج و استناد یحیی به آیه فوق آمده است؛ ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۲۶۱.

ابن شهر آشوب به دست می آید که در قرن ششم هجری، کلمه سید رواج کامل داشت و اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله را سید می گفتند. تحقیقات نشان می دهد که در قرن چهارم و پنجم، کلمه «سید»، به همراه قرینه، بر اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاق می شد و در قرن ششم، بدون قرینه استعمال می گردید. در عصر حاضر نیز در ایران به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله سید می گویند. (۱)

احترام و اکرام سادات، مطابق آیات و روایات معتبر اسلامی، بر هر مسلمانی واجب است. با بررسی آیات قرآن، تمامی پیامبران این تعبیر را دارند که ما از هیچ کس اجر و مزدی نمی طلبیم، بلکه اجر ما تنها بر خداوند بزرگ است. (۲) ولی درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن آمده است: «بگو از شما اجری نمی طلبم مگر رعایت و محبت کردن شما نسبت به خویشان و اقربایم» (۳). اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور خداوند اجر و مزد رسالتش را پذیرش ولایت، دوستی و محبت به خویشان و ذریه اش قرار داده است، یک موضوع مهم اجتماعی بوده و فایده اصلی اش به جامعه اسلامی برمی گردد؛ زیرا محبت و احترام، عامل مؤثری برای پیروی کردن از خاندان نبی اکرم صلی الله علیه و آله است. (۴) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید: «فرزندان مرا گرامی بدارید. همانا احترام به آنان، احترام من به شما می رود». (۵) در روایت دیگری رسیده است: «خوبان سادات را به خاطر خدا احترام کنید؛ زیرا هر انسان خوبی باید مورد احترام قرار گیرد و سادات بد را به خاطر من (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) احترام کنید». (۶) امام رضا علیه السلام نیز در روایتی می فرماید: «نگریستن به فرزندان و

ص: ۵۰

-
- ۱- (۱) در عهد صفوی، به اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله، کلمه میرزا اطلاق می کردند، ولی در زمان ما میرزا دلالت بر هاشمی بودن ندارد: جامع الأنساب، آیت الله روضاتی، ج ۱، ص ۳۲.
 - ۲- (۲) شعراء: ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰؛ هود: ۲۹ و ۵۱ و....
 - ۳- (۳) شوری: ۲۳.
 - ۴- (۴) (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...); «اگر شما به خدا محبت دارید، پس باید مرا اطاعت کنید که خدا شما را دوست می دارد». (آل عمران: ۳۱)
 - ۵- (۵) مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۱۲، ص ۳۷۶.
 - ۶- (۶) ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ذیل آیه ۳۱ سوره آل عمران؛ تفسیر درالمنثور، سیوطی، ج ۶، ص ۷.

ذریه های ما، عبادت است» (۱). بنابراین، این اظهار محبت ها یک امر الهی است. (۲)

در مورد وجود سادات مختلفی مانند حسنی، حسینی، فاطمی، رضوی و نقوی باید گفت از آنجا که هر کدام از امامان علیهم السلام نیز مقام رفیع و بلندی دارند، وقتی نسل سادات به هر کدام از امامان برسد، آن امام به عنوان سرسلسله آنها معرفی می شود؛ مانند سادات علوی، حسنی، حسینی، موسوی، رضوی و.... لذا سیادت فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام از طرف امام علی علیه السلام نیز به آنان رسیده است. توجه داشته باشیم که اصل در سیادت و سید بودن، دارای مجد، شرف و عظمت بودن است و به همین خاطر است که به نسل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اطلاق می شود. کلمه سید در لغت به معنای کسی است که بالاتر از او کسی نیست. (۳)

ب) شیعه

شیعه دومین مذهب بزرگ بین پیروان دین اسلام است. واژه شیعه شکل مختصر «شیعه علی»، یعنی پیرو علی بن ابی طالب علیه السلام، نخستین امام شیعیان است. هر چند در طول تاریخ، شیعه به شاخه های متعدد تقسیم شد، اما امروزه تنها سه دسته اصلی شیعه دوازده امامی، شیعه اسماعیلی و شیعه زیدی وجود دارد. مذهب شیعه مبتنی بر تفسیری از قرآن و سنت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که از طریق امامان شیعه از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بیان و تعلیم شده است. بنابراین محور اصلی تشیع، باور به امامت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است. وجه مشترک اعتقادات تمام شیعیان، باور به انتصاب علی بن ابی طالب علیه السلام برای جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامت پس از وی است. (۴)

ص: ۵۱

۱- (۱) امالی، شیخ صدوق، ص ۳۶۹.

۲- (۲) اگر احیاناً سیدی هم بد بود، کار بدش را دوست نمی داریم، ولی خودشان را به خاطر انتسابشان به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دوست می داریم؛ ر. ک: تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۴۱ سوره انفال؛ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۲، ذیل آیه ۳۱ سوره آل عمران؛ فضایل السادات، سید محمد اشرف (فرزند مرحوم محقق داماد)، ۱۳۳۹ ه. ش.

۳- (۳) علم النسب، محمدرضا مامقانی، جزء اول، ص ۱۴۴ و جزء دوم، ص ۱۰۴؛ ر. ک: فرهنگ کوثر، غلامرضا گلی زواره، ش ۸۱.

۴- (۴) ر. ک: الملل و النحل، محمد بن عبدالکریم الشهرستانی؛ شیعه شناسی مقدماتی، محمدعلی شمالی؛ فرهنگ شیعه، محمد خطیبی و دیگران.

بر پایه باور شیعه، اصول دین، پنج گانه است و علاوه بر سه اصل توحید، نبوت و معاد، به دو اصل دیگر، یعنی عدل و امامت نیز باور دارند. اصل عدل بین شیعیان و معتزله تا حدی مشترک است و اصل امامت، ویژه این مذهب است. همچنین شیعیان همان قرآنی را که در دست تمام مسلمانان است، می خوانند و پیروی از سنت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را واجب می دانند.

باور به ظهور یا بازگشت منجی و موعود، در بیشتر فرق اسلامی و همچنین دیگر ادیان، روشن و غیرقابل کتمان است. این باور در تشیع نیز بسیار پررنگ است. شیعه امامیه معتقدند که منجی آخرالزمان، امام دوازدهم شیعیان، حجت بن الحسن العسکری علیه السلام است. از نظر شیعه، حکومت تنها از آن خداست و هر حاکمی که از جانب خداوند حکم نکند و فرمانش حق نباشد (غیر معصوم)، لزوماً به باطل حکم کرده و طاغوت است؛ چراکه بعد از حق چیزی جز باطل نیست و مخالفت با آن واجب است؛ مگر از باب تقیه. در نگاه شیعیان، خداوند در تمامی زمان ها یک نفر را به عنوان امام و سرپرست الهی قرار داده است و زمین هرگز از «حجت» خالی نیست. اما این رهبران الهی، تنها زمانی دست به تشکیل حکومت می زنند که اقبال و خواست عمومی برای این امر وجود داشته باشد. نظریه ولایت فقیه که برخی فقهای شیعه آن را مطرح کرده اند، ناظر به زمان غیبت بوده و تحت عنوان نایب الامام پذیرفته می شود.

مسلمانان شیعه در کنار همکیشان سنی خود در ایجاد و توسعه تمدن اسلامی نقش داشتند؛ به طوری که بسیاری از دانشمندان و فلاسفه بزرگ اسلامی نظیر ابوعلی سینا، سهروردی و ملاصدرا از مسلمانان شیعه بوده اند.

شیعیان، در طول تاریخ، موفق به تأسیس ده ها سلسله خلافتی و حکومتی و دولت مستقل بزرگ و کوچک شده اند. مسلمانان شیعه با مسلمانان اهل تسنن، قرن ها در یک تاریخ و جغرافیای مشترک، به نام جهان اسلام، زیسته اند و هم اکنون نیز بخش قابل

توجهی از دنیای اسلام را تشکیل می دهند. امروزه بیشتر شیعیان را «شیعیان دوازده امامی (اثنا عشری)» تشکیل می دهند. مذهب فقهی شیعیان دوازده امامی، به فقه جعفری یا امامیه مشهور است. برخی از اهل سنت، نظیر شیخ شلتوت، شیخ اسبق الازهر، معتقدند که پیروی از فقه مذهب جعفری، نظیر مذاهب چهارگانه اهل سنت معتبر است.

بنابر برخی شواهد تاریخی، شیعه در قرن چهارم به اکثریت دست یافت.^(۱) ولی امروزه شیعیان بین ۱۵ تا ۲۵ درصد از کل جمعیت مسلمانان جهان و ۴۰ درصد جمعیت مسلمانان خاورمیانه را تشکیل می دهند.^(۲) مسلمانان شیعه هم اکنون در برخی از کشورها نظیر ایران، عراق، بحرین و آذربایجان در اکثریت هستند و تقریباً در تمام کشورهای جهان به صورت بومی یا مهاجر حضور دارند.

ج) نسل کشی و کشتار جمعی

نسل کشی (إباده جماعیه)^(۳) عبارت است از هرگونه اقدام برای نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت گروهی از انسان ها که در نژاد، قومیت، ملیت، مذهب یا ایدئولوژی خاصی

ص: ۵۳

۱- (۱) تثبیت دلائل النبوه، قاضی عبدالجبار معتزلی، ص ۴۴۳؛ اطلس شیعه، ص ۲۳۸؛ ر. ک: مقدمه النوادر فضل الله راوندی، سعید رضا علی عسکری، ص ۳۹.

۲- (۲) مؤسسه «لیوفورم» که در زمینه مسائل دینی و عمومی در سراسر جهان فعالیت می کند و بیش از ۲۲۲ دفتر در نقاط مختلف جهان دارد، در جدیدترین گزارش خود در سال ۱۳۹۳ اعلام کرد که جمعیت مسلمانان شیعه در جهان از چهارصد میلیون نفر گذشت. این مؤسسه که مقر اصلی آن در منطقه «ویستمستر» در مرکز لندن قرار دارد، در گزارش خود نوشت: «در حال حاضر، در مجموع، یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون مسلمان در سراسر جهان زندگی می کنند که چهارصد میلیون آن را شیعیان تشکیل می دهند.» گفتنی است این گزارش که نزدیک به ده سال روی آن کار شده، توسط صد پژوهشگر تهیه و تألیف شده است. در بخشی از این گزارش، پرفسور «جیمز کریهام» که از پژوهشگران سرشناس مؤسسه «لیوفورم» است، آمده است: «اگر ماجرای سقیفه رخ نمی داد، اکنون یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون مسلمان جهان، همگی شیعه بودند.» نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://shi online.ir/ ticle. p?id = ۳۰۴۶۵۸ = ۱>

۳- (۳) به لاتین Genocide که از ادغام دو واژه یونانی (genos دسته یا قوم) و (cide کشتن و کشتار) به وجود آمده است.

اشتراک دارند. (۱) در عصر حاضر، اولین تعریف قانونی این عمل، در بیانیه سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۴۸ حول «جلوگیری و مجازات جرم نسل کشی» شکل گرفت. بند دوم این بیانیه تصریح می کند که هرگونه اقدام به نابودی کل یک گروه نژادی، ملی، مذهبی، مانند کشتار دسته جمعی، ایجاد لطمات روانی و جسمانی و ضربه زدن عمدی به افراد یک گروه خاص، تحمیل معیارهایی برای جلوگیری از تولد فرزندان آنها، جابه جایی اجباری فرزندان گروه ها به یکدیگر، طرح ریزی برای آسیب رساندن به گروه های اجتماعی خاص و غیره، همه از مصداق های بارز نسل کشی می باشند.

کسانی مانند جورج استانتون معتقدند برخی امور بدیهی وجود دارد که طبق شرایط و عمل، گاهی پیش، هنگام یا بعد از نسل کشی رخ می دهد؛ مانند از دست دادن صفات انسانی در مرتکبین یا گروه هایی که مورد تعرض قرار گرفته اند یا سازماندهی بسیار قدرتمند گروه هایی که اقدام به نسل کشی می کنند. همچنین انکار نسل کشی که به انحاء مختلف، خصوصاً توسط دولت و قدرت های بزرگ، انجام می گیرد. (۲)

هم اکنون در مجامع بین المللی، نسل کشی و مصادیق آن به صورت گسترده ای مورد توجه قرار گرفته و مجازات های متعددی نیز برای آن پیشنهاد شده است. (۳) همچنین مجامع حقوقی به این نتیجه رسیده اند که جرم نسل کشی را باید یک پدیده خاص و جدا از جرم قتل عمد دانست؛ چراکه هدف نسل کشی صرفاً از بین بردن شخص نیست. بلکه نابودی نهادها یا مجموعه های منسجم و مستقل اجتماعی است. با این بیان ژنوسید فرهنگی (۴) نیز جرم تلقی می گردد و اعطای صلاحیت جهانی برای رسیدگی به آن، در

ص: ۵۴

۱- (۱) ر. ک: «نسل کشی چیست؟»، آلن وایت هورن، ترجمه: نعمتی وروجنی، روزنامه رسالت، ۲۶ آبان ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۱۸.

۲- (۲) ر. ک: «تفکر نسل کشی یا نسل کشی تفکر»، امیرتو اکو، ترجمه: گلناریان، مجله بخارا، شماره ۷۴، صص ۴۴۴-۴۴۷. نشانی مقاله در فضای مجازی: http://www.bhg.net/content/print_version

۳- (۳) «نسل کشی (ژنوسید) در اسناد بین المللی»، امیر شریفی خضارتی، روزنامه اطلاعات، ۲ اسفند ۱۳۸۶، ص ۱۱.

۴- (۴) Cultur Genocide .

کنار سایر جرایم، لازم شمرده شده است. (۱) ولی در این پژوهش، ما تنها به نسل کشی فیزیکی علیه شیعه می پردازیم و مبحث ژنوسید فرهنگی علیه شیعه از طریق تحریف تاریخ و دادن نسبت های دروغ به این مذهب را به پژوهش های دیگر ارجاع می دهیم.

کشتار جمعی، کشتار دسته جمعی یا قتل عام، (۲) به عمل آدم کشی اطلاق می شود که در آن، گروه بزرگی از مردم در یک زمان خاص یا در دوره زمانی کوتاه، هدف قرار داده شوند؛ (۳) اگرچه کلیت آنها به مرحله حذف فیزیکی نینجامد؛ این تفاوتی است که کشتار جمعی با نسل کشی دارد. کشتارهای جمعی ممکن است توسط افراد، حکومت ها، سازمان ها یا مجموعه های سازمان یافته انجام شود. این کشتارها همچنین می تواند شامل قتل تعداد زیادی از افراد توسط دولت های مرکزی، محلی و مأمورین آنها باشد. (۴) این موارد در زمان ما می تواند شامل تیراندازی به معترضین غیر مسلح، بمباران فرشی (۵) شهرها و بمب گذاری هایی که هدف آنها شهروندان غیر نظامی است، باشد.

انجام کشتار جمعی با کشتار دوره ای، متفاوت است که در آن، مرتکب در چند نوبت

ص: ۵۵

۱- (۱) بررسی جرم نسل کشی در اسناد بین المللی (کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی ۱۹۴۸ م/ ۱۳۲۷ ه. ش) مجید پناهر، استاد راهنما: محمدعلی مهدوی ثابت. همچنین از مهم ترین نسل کشی های تاریخ، می توان به نسل کشی فلسطینیان اشاره کرد؛ ر. ک: هولوکوست المسلمین، محمد الرکن، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۲۲ ه. ق/ ۲۰۰۱ م/ ۱۳۸۰ ه. ش.

۲- (۲) .M s murder

۳- (۳) بنا بر تعریف سازمان های اطلاعاتی و امنیتی جهان، نظیر اف بی آی، کشتار جمعی به قتل چهار نفر یا بیش از آن گفته می شود که بدون وقفه انجام شده باشد. یک کشتار جمعی، بیشتر به صورت قتل چند قربانی در یک مکان توسط یک نفر یا بیشتر صورت می پذیرد که در نهایت با خودکشی مستقیم مرتکب (آن) یا کشته شدن توسط نیروهای پلیس پایان می پذیرد؛ ر. ک: "Investig ion ک eder Bure ک- Seri Murder" ک ۲۰۱۲-۰۳-۰۷ .bi.gov. Retrieved

۴- (۴) کشتار جمعی مسلمانان بوسنی و هرزگوین می تواند از این دسته باشد؛ ر. ک: «فرهنگ قتل عام»، حمید مولانا، کیهان، ۲۸ بهمن ۱۳۷۲، صص ۱۵ و ۱۶.

۵- (۵) .C pet Bombing

و در مکان های متفاوت و در زمان مشخصی دست به کشتن دو نفر یا بیشتر می زند. همچنین با آدم کشی زنجیره ای (۱) متفاوت است که در آن، قاتل تعداد زیادی را در محدوده زمانی طولانی به قتل می رساند. بزرگ ترین کشتارهای جمعی تاریخ، تلاش برای نابودی گروهی از مردم، براساس قومیت و مذهب، بوده است (۲). همچنین در این باره می توان به واژه پاکسازی مذهبی (۳) اشاره کرد که به اذیت و آزار مذهبی گفته می شود که هدف آن، یکدستی دینی در سرزمین تحت کنترل اکثریت دینی است و از طریق ابزارهایی مانند حبس، اخراج یا مرگ اعضای یک اقلیت دینی به دست می آید.

تبعیض دینی هم گاهی به کشتار جمعی افراد می انجامد (۴). تبعیض دینی (۵)، طبق تعریف سازمان ملل متحد، عبارت است از: تبعیضی که بر فرد به دلیل دین وی تحمیل می شود. این تبعیض ها می تواند از جلوگیری از تحصیل، گرفتن پست های دولتی یا منع استفاده از سیستم بهداشت و سلامت باشد. در حالت های خیلی وخیم ممکن است که به دستگیری یا کشتار جمعی افراد مورد تبعیض واقع شده بینجامد (۶). کشتار جمعی افراد به دلیل تبعیض دینی و پاکسازی مذهبی به اندازه ای اهمیت داشته که در زمان حاضر، مجامع بین المللی نظیر سازمان ملل متحد به صورت مداوم خود را موظف به جلوگیری از آن دانسته است (۷).

ص: ۵۶

۱- (۱) .Seri killer

۲- (۲) در این باره کتاب های متعددی نوشته شده است؛ از جمله کتاب «کشتار جمعی» نوشته مهین دخت محاسب که وی ژنوسید را با کشتار جمعی معادل کرده است نه با نسل کشی؛ ر. ک: کشتار جمعی (ژنوسید)، مهین دخت محاسب، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶ ه - ش؛ ر. ک: دانشنامه آزاد (ویکی پدیا) انگلیسی، واژه «M s murder» .

۳- (۳) .Ligious cle sin

۴- (۴) . http://en.wikipedia.org/wiki/Religious_cle_sing

۵- (۵) .Religious discrimin ion

۶- (۶) . Un. Org Discrimin ion b ed on religion or beli

۷- (۷) متأسفانه سازمان ملل متحد، به خاطر نفوذ قدرت های حاکم بر این نهاد جهانی و اقتضای منافع آنها از عمل به این وظیفه خود ناتوان بوده است. کشتارهای جمعی مذهبی در فلسطین، بوسنی، میانمار، عراق و افغانستان، نمودی از این سیاست های ظالمانه قدرت های بزرگ مسلط بر سازمان ملل متحد است. موضوع منع تبعیض دینی نیز در منشور حقوق بشر ذکر شده است و با اینکه تمامی کشورهای عضو سازمان ملل، متعهد شده اند که افراد را از چنین تبعیضی محافظت کنند؛ با این حال شاهد اقدامات خونین علیه مسلمانان شیعه در سراسر جهان هستیم. نشانی گزارش در فضای مجازی:

<http://www.ohchr.org/EN/OUTUS/P es>

گاهی کشتار جمعی به صورت قتل همراه با شکنجه است که در مجامع روایی و تاریخ اسلامی، از آن با عناوینی نظیر «قتل صبر» یاد شده است. در تعریف قتل صبر نوشته اند که جاننداری را زنده نگه دارند و آن قدر به او ضربه بزنند تا بمیرد. (۱) به شهدا و اسیرانی که به این شکل کشته می شوند نیز «مصبور» گفته می شود. (۲) سادات و شیعیان بسیاری به شیوه قتل صبر کشته شده اند. مظلومیت سیدالشهدا علیه السلام و قساوت کوفیان، آن بود که حسین بن علی علیه السلام را درحالی که هنوز رمق در بدن داشت، مورد ضربه های متعدد شمشیر، نیزه و سنگ قرار دادند. امام سجاد علیه السلام در خطبه ای که در کوفه، در حال اسارت، خواند و خود را به مردم فریب خورده معرفی کرد، چنین افشاگری فرمود:

«انا ابن من قتل صبورا و کفی بذلک فخرا» (۳)؛ «همین افتخار، مرا بس! من پسر کسی هستم که به قتل صبر کشته شد». (۴)

افزون بر دو مفهوم پیشین، واژه جنایت علیه بشریت (۵) نیز از مهم ترین مفاهیم است که به اعمال قساوت باری اطلاق می شود که ضد انسان انجام می گیرد. این اعمال امروزه در قوانین بین الملل، بالاترین جرائم علیه بشریت محسوب می شوند. این مسائل گاه به گاه یا منفرد نیست، بلکه بخشی از سیاست های حکومت های ظالم یا گروه های تمامیت خواه برای

ص: ۵۷

۱- (۱) در حدیث است که پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را این گونه نکشت و از این گونه کشتن حتی نسبت به چهار پایان نهی شده است. مجمع البحرین، کلمه «صبر».

۲- (۲) دائره المعارف الاسلامیه، ج ۱۴، ص ۱۳۷.

۳- (۳) اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۱۴؛ مقتل الحسین، مقرر، ص ۴۱۱؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۱۵.

۴- (۴) تاریخ الاسلام، ذهبی، ج ۵، ص ۲۱. در مورد مسلم بن عقیل نیز آمده که ابن زیاد او را به قتل صبر کشت.

۵- (۵) . Crimes nst hum ity .

سرکوب و از میدان به در کردن مخالفان است. همچنین عملیات های گسترده که برای نابودی گروه های خاص قومی و مذهبی انجام می گیرد نیز جنایت علیه بشریت است؛ به هر حال جنایت علیه بشریت، به کشتار سیاسی، نابودی گروهی، شکنجه، هتک ناموس، تبعیض نژادی یا مذهبی که به آزار و قتل بینجامد، اطلاق می شود. همچنین به انواع تزییقات سیستماتیک گفته می شود که جنایتکاران از قبل، تدارک و سازماندهی می کنند. (۱)

همچنین برخی مصادیق جنایت علیه بشریت، طبق ماده هفتم اساسنامه سازمان ملل متحد، به شرح زیر است: (۲) کشتار و نابودی گروهی، آزار و ارباب علیه هر گروه شناخته شده نژادی، ملیتی، فرهنگی یا مذهبی، حذف محیطی یا فیزیکی اجباری افراد از صحنه های سیاسی، نژادپرستی و تبعیض قومیتی یا دیگر اعمال غیر انسانی که منجر به صدمات و لطمات غیر قابل جبران و جدی بر جسم، ذهن یا سلامتی افراد گردد.

از مفاهیم دیگر می توان به خشونت مذهبی (۳) یا آزار و اذیت مذهبی (۴) اشاره کرد. آزار مذهبی می تواند به دلیل تعصب دینی صورت گیرد. در واقع، در برخی نقاط، آزار دینی

ص: ۵۸

۱- (۱) معاهده رم توضیح می دهد: جنایات علیه بشریت شامل جنایاتی می شود که شأن انسان را کاسته و مقام و منزلت انسانی را پایمال می کنند؛ ر. ک: "the Rome Statute of the International Criminal Court". United Nations Treaty Collection. United Nations. see <http://treaties.un.org>

۲- (۲) برای رسیدن به نتایج مورد نظر در معاهده رم، «جنایات علیه بشریت» زمانی مصداق می یابد که مربوط به یک حمله سازماندهی شده و سرتاسری علیه شهروندان یک جمعیت انسانی باشد: همان.

۳- (۳) خشونت مذهبی، اصطلاحی است که در آنها دین، موضوع یا هدف رفتار خشونت آمیز است. خشونت دینی، به طور خاص خشونتی است که در واکنش یا توسط احکام، متون یا آموزه های دینی صورت می گیرد. این امر شامل خشونت علیه نهادهای دینی، افراد یا اشیا می شود و یا هر جایی که خشونت به شکلی با انگیزه دینی، هدف یا مجری خشونت صورت بگیرد. خشونت دینی به طور انحصاری به خشونت اعمال شده از سوی گروه های دینی گفته نمی شود و می تواند خشونت گروه های سکولار علیه گروه های مذهبی را هم شامل شود؛ ر. ک: http://en.wikipedia.org/wiki/Religious_violence.

۴- (۴) آزار و اذیت سیستماتیک یک فرد یا گروهی از افراد به خاطر باورهای دینی یا عدم باورهای دینی آنهاست.

به خشونت شدید و چه بسا جنایت علیه بشریت منجر می شود. (۱)

شناخت واژه ترور جمعی نیز مهم است. ترور در اصطلاح امروز، هرچند در عربی به معنای ارهاب به کار رفته است، ولی می توان به یقین بر این نکته تأکید و پافشاری کرد که میان مفهوم اسلامی و قرآنی «ارهاب» و واژه «ترور» تفاوت های ماهوی و اساسی وجود دارد و برابر کردن نهاد و کاربرد اصطلاح قرآنی ارهاب با اصطلاح غربی ترور، نه تنها موجب توهم یگانگی می شود، بلکه آثار مخربی در فهم و برداشت از آیات قرآنی را به دنبال خواهد داشت. (۲) با همه این اوصاف، با نیم نگاهی به تاریخ تشیع، درمی یابیم که مصادیق جنایت علیه بشریت در خصوص شیعه، به صورت گسترده ای در طول تاریخ انجام شده، ولی نکته مهم اینجاست که این مصادیق چندی نیست که به تاریخ پیوسته باشد؛ چراکه اکنون نیز به صورت گسترده ای در حال انجام است؛ چنان که بعد از شفافیت آمارها اگر شیعه را بزرگ ترین قربانی جنایت علیه بشریت در طول تاریخ و بزرگ ترین قربانی تروریسم جمعی در عصر حاضر بدانیم، سخنی به گراف نگفته ایم که البته این موضوع را با مستندات آن در طول این نوشتار اثبات خواهیم کرد.

واژه کشتار برنامه ریزی شده (۳) به این معناست که مجموعه ای از افراد، طی یک

ص: ۵۹

۱- (۱) گزارش سازمان ملل در خصوص حقوق بشر در زمینه آزادی دین و عقیده، ر. ک: United States Commission on International Religious Freedom section on Religious Intolerance. [see:www.state.gov/j/drl/rls/irf/religious](http://www.state.gov/j/drl/rls/irf/religious)

۲- (۲) اگر کسی با مفهوم و معنای امروزین ارهاب به سراغ آیه (وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ) برود، به این نتیجه می رسد که قرآن به هدف ایجاد ترور در جو عمومی جامعه مخالفان و کافران، تهیه هرگونه جنگ افزار و نفراتی را تأیید کرده است. درحالی که هیچ گونه ارتباط منطقی میان دو برداشت و مفهوم واقعی ارهاب و این آیه و برداشت امروزی که بیان شده، وجود ندارد. ازاین رو باید با توجه به مفهوم ترور در فرهنگ امروز و دیروز، بدون توجه به واژه ارهاب با معنای امروزین آن، به سراغ آیات قرآنی رفته و نگرش قرآن را در این مسئله جویا شویم؛ ر. ک: شبکه تخصصی قرآن تبیان، خلیل منصوری، نشانی در فضای مجازی: <http://www.tebyan.net/qurNetwork>.

۳- (۳) . Killing planned

برنامه ریزی قبلی، هدف قتل عام قرار می گیرند و در یک دوره زمانی، یکی پس از دیگری به قتل می رسند؛ اگرچه قتل آنها به صورت دسته جمعی در یک زمان و مکان خاص انجام نمی شود، ولی عملاً این نوع کشتار از مصادیق کشتار جمعی به شمار می رود که نمونه بارز آن، کشتار برنامه ریزی شده نخبگان شیعه عراق توسط بعثی ها در دهه ۵۰ و ۶۰ قرن چهاردهم هجری شمسی است.

با بررسی اجمالی در تاریخ می توان برای هر کدام از مفاهیم فوق، مصادیق متعددی ذکر کرد. اما همان طور که اشاره شد، نکته اسفبار اینجاست که در شرایط کنونی جهان نیز همین اقدامات جنایت کارانه علیه شیعه در حال انجام است که هر کدام از آنها در جای خود دقیقاً می بایست بررسی شود. اما نکته اسفبارتر این است که بیش از نود درصد از این نوع اقدامات علیه شیعه به نام اسلام انجام می شود. حال سؤال اینجاست که آیا منتسب کردن دین مبین اسلام به تجویز این نوع اقدامات، خود ظلمی بزرگ بر این آیین الهی نیست؟

حال اگرچه ممنوعیت نسل کشی و کشتار جمعی از منظر اسلام، مسلم است، با این حال در اینجا برای رد دیدگاه های افراطی عالم نمایانی که کشتار جمعی را تجویز می کنند به بیان برخی ادله منع آن می پردازیم.

۳. ادله منع نسل کشی و کشتار جمعی

الف) ارزش حیات انسانی، فارغ از نسب و مذهب

حیات موهبتی الهی است و تنها خداوند می تواند به همه موجودات حیات ببخشد؛ چنان که یکی از صفات او نیز حی است. (۱) اما خداوند میان همه گونه های حیات مادی،

ص: ۶۰

۱- (۱) (وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَيْرًا). فرقان: ۵۸

به حیات انسان ارج بسیار والاتری نهاده است. بنابراین خدای بزرگ، سلب حیات بی گناه را بسیار سنگین شمرده، بلکه گونه ای تخفیف و تحقیر به کلیت حیات انسانی می داند؛ به طوری که در احادیث می خوانیم، ویران ساختن همه جهان غیر زنده، در چشمان خدا، کوچک تر و ناچیزتر از کشتن فردی بی گناه است (۱).

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر آیه (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا) ۲ می نویسد:

این سخن خداوند که «هرکس نفسی را بکشد چنان است که همه مردم را کشته باشد»، برای روشن ساختن این واقعیت است که همه مردم حقیقتی واحد دارند و آن، انسانیت است که همه در آن متحدند. لذا هرکس به انسانیت یک تن حمله ور شود به انسانیت همگان حمله کرده است.

قرآن کریم قرن ها پیش از کنوانسیون های بین المللی کنونی، از قتل به ناحق حتی یک انسان به شدت منع کرده و آن را در ردیف کشتار جمعی تمام انسان های روی زمین می داند. بنابراین به مرگ محکوم کردن یک قاتل یا کسی که سرکشی می کند، از این جهت که تهدیدی برای حیات دیگر انسان هاست، الزامی است؛ بر همین اساس است که قرآن، قصاص قاتل را منبع حیات می شمارد؛ هرچند عفو را نیز هر گاه بیم تهدید امنیت عمومی نباشد، ترجیح می دهد. (۲)

ص: ۶۱

۱- (۱) عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «لزوال الدنيا جميعاً أهون على الله من دم سفكك بغير حق» میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۷۶۸، ح ۱۶۲۹۶.

۲- (۳) در سوره بقره، آیات ۱۷۸ و ۱۷۹، این مضمون موجود است. در این آیه، دو موارد از قتل مشروع شمرده شده است: «از روی قصاص و ایجاد فساد در زمین». بنابراین ترور فردی و جمعی انسان ها که سلب امنیت و آسایش از مردم به انگیزه های سیاسی و خشونت غیرقانونی است، خود، فساد فی الارض است، نه مقابله با فساد و خونریزی؛ ر. ک: «ارزش حیات در اسلام»، محمدعلی شمالی، مترجم: احمد شهدادی، نشانی در فضای مجازی: www.toordesh.com/p eprint.php?pid

همچنین خداوند در قرآن، قتل هر انسانی را که کشتن او حرام شمرده شده است، در کنار شرک به خود، اعلام فرموده است:

(وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا) (فرقان: ۶۸)

و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز به حق نمی کشند؛ و زنا نمی کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید!

طبق این آیه، کسی که انسانی را به ناحق به قتل برساند، حتی اگر مؤمن هم باشد، در روز قیامت مانند کسی خواهد بود که در حال شرک به خدا مرده است. وقتی خداوند این گونه کشتنِ مطلقِ نفسِ انسانی را منع کرده، به طریق اولی، کشتن مؤمن موجب غضب و لعن خدای بزرگ و عذاب الیم خواهد بود:

(وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا) (نساء: ۹۳)

و هر کس فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ درحالی که جاودانه در آن می ماند؛ و خداوند بر او غضب می کند و او را از رحمتش دور می سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز می فرماید:

لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ رَسُولُ اللَّهِ إِلَّا بِإِخْدَى ثَلَاثِ الثَّيْبِ الزَّانِ وَالنَّفْسِ بِالنَّفْسِ وَالتَّارِكِ لِدِينِهِ. (۱)

خون مسلمانی که به یگانگی خداوند و رسالت من گواهی دهد، حلال نیست مگر در یکی از این سه مورد: «زانی محصن، قاتل و مرتد».

ص: ۶۲

همچنین مطابق روایات دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله قاتل مؤمن بخشوده نمی شود:

كُلُّ ذَنْبٍ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفِرَهُ إِلَّا مَنْ مَاتَ مُشْرِكًا أَوْ مُؤْمِنٌ قَتَلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا. (۱)

شاید خداوند تمام گناهان را ببخشد؛ به جز کسی که مشرک مرده یا مؤمنی که مؤمن دیگری را به عمد به قتل رسانده باشد.

اصولاً- دعوت و منطق حق، براساس حکمت، موعظه و جدال احسن است. (۲) ولی مرام باطل، بر زور، قتل و حذف فیزیکی بنیان نهاده شده است؛ بر همین اساس در نزاع بین فرزندان آدم، آن که بدطینت و حسود بود، برادر خود را به قتل تهدید کرد و آن که باتقوا بود، از تعدی و قتل خودداری کرد. (۳)

ب) محکومیت کشتار جمعی در قرآن کریم

خداوند کشتار جمعی انبیاء به دست بنی اسرائیل را، در کنار کفر، عامل ذلت و خواری آن قوم اعلام می کند؛ چنان که می فرماید: (... وَ ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَأُوْ بَغْضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكُمْ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ) ۴ (بقره: ۶۱)

هنگامی که عبدالله بن عمر نزد امام حسین علیه السلام آمد و پیشنهاد کرد که با اهل ضلالت (یزید) صلح کند و به امام درباره قتل و کشتار هشدار داد، امام فرمود:

ص: ۶۳

۱- (۱) سنن ابی داوود، باب فی تعظیم قتل، ح ۴۲۷۲.

۲- (۲) (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ). نحل: ۱۲۵

۳- (۳) (وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ * لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنَّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ). مائده: ۲۷ و ۲۸

ای ابو عبدالرحمن! آیا نمی دانی که بنی اسرائیل، میان طلوع فجر تا طلوع شمس، هفتاد پیامبر را می کشتند، سپس در بازار می نشستند، خرید و فروش می کردند؟! گویی اصلاً اتفاقی نیفتاده است. با این وجود، خداوند در عذاب آنها تعجیل نفرمود. بلکه خداوند بعد از آن، آنها را مجازات کرد. ای ابو عبدالرحمان! از خدا بترس و نصرت و یاری مرا رها نکن.

از آیات قرآن چنین برداشت می شود که علاوه بر قتل عام انبیا، کشتار جمعی منادیان عدالت نیز رواج داشته است. قرآن می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) (آل عمران: ۲۱)

همچنین قرآن از قتل نوزادان بی گناه، به صورت یک کشتار جمعی برنامه ریزی شده، برای جلوگیری از تولد حضرت موسی علیه السلام سخن می گوید: (وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ) (بقره: ۴۹) (۱)

نمونه دیگر کشتار جمعی، کشتن اولاد در جاهلیت بود که قرآن کریم به شدت نهی می کند. (۲) افزون بر آن، زنده به گور کردن دختران نیز نمونه بارز جنایت بود که اسلام به آن پایان داد. قرآن به منافقان نیز اشاره می کند که وقتی به موقعیتی می رسند، به فساد و نابودی نسل دست می زنند:

(وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ * وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ) (بقره: ۲۰۴ و ۲۰۵)

از ابن عباس نقل کرده اند که این آیات درباره فاجعه رجیع نازل شده است: جمعی از مبلغان اسلام که از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله برای تبلیغ قبایل اطراف مدینه اعزام شده بودند، طی

ص: ۶۴

۱- (۱) و همچنین: (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ). ابراهیم: ۶

۲- (۲) ر. ک: اسرا: ۳۱

یک توطئه ناجوانمردانه، قتل عام شدند. (۱)

یکی از برجسته ترین اشارات قرآنی به قتل عام و کشتار جمعی مؤمنانی است که در سوره بروج درباره اصحاب اخدود به تفصیل به آن پرداخته شده است. این جریان شباهت فراوانی به برخورد معاندان با پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام دارد؛ چنان که در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، ضمن پیشگویی درباره قتل عام هفت نفر از شیعیان در فاجعه «مرج عذراء» (قریه ای در شام)، (۲) آنان به اصحاب اخدود تشبیه شدند. (۳) در برخی نقل ها، حجر بن عدی و یارانش، کسانی معرفی شده اند که گناهشان تنها ایمان به خدا بوده (۴) و قتلشان موجب خشم خدا و اهل آسمان شده است. (۵) همچنین امام حسین علیه السلام و یارانش نیز به اصحاب اخدود تشبیه شده اند. (۶) حال برای بررسی بیشتر این تشبیهات و تبیین بخشی از مبانی نظری بحث، به حادثه قتل عام اخدود از دیدگاه قرآن مجید می پردازیم:

سوره بروج، روایت قتل عام گروهی از مؤمنان را به جرم ایمان به خدا، به صورت سوزاندن در گودالی از آتش انبوه حکایت می کند (۷) و با تصویر یکی از شورانگیزترین صحنه های جدال حق و باطل، و کفر و ایمان، مؤمنان را به پایداری بر سر آیین خود

ص: ۶۵

۱- (۱) در سال چهارم هجرت و چهار ماه پس از جنگ احد، شش تن و به قولی ده تن از قاریان قرآن، یک جا به دست مشرکان به شهادت رسیدند که به حادثه رجیع شهرت یافت. در حادثه بئر معونه نیز ۳۸ تن قتل عام شدند. این دو حادثه در ماه صفر و به فاصله چهارده روز اتفاق افتاد؛ ر. ک: سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۹۳.

۲- (۲) تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، صص ۲۲۸ و ۲۲۹؛ البدایه والنهایه، ج ۸، صص ۴۰-۴۵.

۳- (۳) المناقب، ج ۲، ص ۳۰۷؛ الغارات، ج ۲، ص ۸۱۵؛ الغدیر، ج ۱۱، ص ۵۴.

۴- (۴) تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۲، ص ۲۲۷؛ البدایه والنهایه، ج ۸، صص ۴۴ و ۴۵؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۵۷.

۵- (۵) تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۲، ص ۲۲۷؛ الاصابه، ج ۲، ص ۳۳؛ البدایه والنهایه، ج ۸، ص ۴۴.

۶- (۶) سعد السعود، صص ۲۷۴ و ۲۷۵.

۷- (۷) برخی روایات، شمار شهدای کشتار جمعی در این واقعه را بیست هزار نفر گزارش کرده و حکایت مادر و فرزند شیرخوارش را نیز نقل کرده است که آنها نیز در گودال سوزانده شدند. البدء والتاریخ، ج ۳، صص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۴۳۶.

فراخوانده و با ترسیم فرجام بد کافران(۱) و جایگاه خوش مؤمنان، انذار و تبشیر می کند. از دو آیه (إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ * وَ هُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ)، (۲) برمی آید که گروهی از کافران به کارهایی چون برافروختن و شعله ور نگه داشتن آتش، آوردن مؤمنان به کنار گودال، واداشتن آنان به ارتداد و در آتش افکندن سر باز زندگان پرداخته و گروهی دیگر از جمله سران آنها، با نشستن پیرامون گودال، چگونگی سوختن مؤمنان را نظاره کرده(۳) و فریادهای جانسوز آنان را می شنیده اند. به نظر می رسد در کنار سوزاندن مؤمنان، نوعی سرگرمی و تشفی خاطر نیز برای عاملان، مدنظر بوده است.(۴)

بعد دیگر حادثه که در گزارش قرآن برجسته شده، زمینه پیدایش این قتل عام است. خدای بزرگ در آیه (وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) ۵ ضمن نفی هرگونه انگیزه و زمینه سیاسی، اقتصادی و قومی، منشأ نزاع دو گروه را منحصرأً تقابل کفر و ایمان معرفی می کند. این موضوع در بسیاری از رویدادهای منتهی به کشتار جمعی شیعه، نظیر عاشورا و مرج عذرا، به وضوح دیده می شود؛ اینکه قاتلان فقط به سبب مسائل اعتقادی از مؤمنان انتقام گرفتند.

همچنین از آیه ۸ سوره بروج بر می آید که حادثه اخدود در زمان و جامعه ای رخ داد که اختناق و استبداد کامل بر آن حاکم بود. باورها و ارزش های نادرست چنان در ذهن مردم و تاروپود جامعه رسوخ کرده بود که باورهای الهی، ناهنجار تلقی می شد؛ به گونه ای که مؤمنان را مستوجب فجیع ترین نوع مرگ دانسته اند؛ همان طور که گاه چنان

ص: ۶۶

۱- (۱) دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۳، ص ۳۶۳.

۲- (۲) بروج: ۶ و ۷.

۳- (۳) جامع البیان، ج ۱۵، ص ۱۷۱؛ الکشاف، ج ۴، ص ۷۳۱؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۰۹.

۴- (۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۰۹؛ فی ظلال القرآن، ج ۶، صص ۳۸۷۱ و ۳۸۷۲؛ مع قصص السابقین فی القرآن، ج ۳، ص

اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنها را تصویر می کردند که آنها را مستوجب دردناک ترین مرگ ها می دانستند. (۱)

داستان اصحاب اخدود، هرگونه تأثیرپذیری مؤمنان در حوزه مؤلفه های اصلی فرهنگ، همانند باورها، ارزش ها و ایدئولوژی را نفی می کند و حاکمیت فرهنگ غیر الهی بر جامعه و نخبگان سیاسی، پیروی اکثریت از آن، فشار اجتماعی و حتی قتل عام را هرگز دلیل موجهی برای پذیرش مسیر نادرست نمی داند؛ (۲) به همین دلیل در برخی احادیث، در ستایش از پایداری بر سر ایمان، از گذشتگانی یاد می شود که به رغم تکه تکه شدن با اهره، دست از آیین خود برنداشتند. (۳) مهم اینجاست که قضاوت خدا درباره مباشران حادثه کشتار جمعی مؤمنان، بلافاصله در همان سوره بروج آمده است که عامل بازدارنده ای در برابر همه عاملان قتل عام مؤمنان باشد: (قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ * النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ * إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ * وَ هُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ). (۴)

بیشتر مفسران، مراد از قُتِلَ را «لُعِنَ» و به معنای طرد از رحمت الهی دانسته اند که لازمه نفرین خداست؛ (۵) به هر صورت، تعبیر «قتل» نشان می دهد که چنین اقدامی خشم خداوند حلیم را آنچنان بر می انگیزد که از واژه قُتِلَ در اینجا استفاده می فرماید؛ (۶) «قتل» حاکی از تقبیح شدید صحنه نشستن کافران معاند در اطراف گودال و مشاهده سوزاندن مؤمنان است و اینکه این صحنه، بیش از اصل سوزاندن، موجب خشم و غضب الهی

ص: ۶۷

۱- (۱) الکشاف، ج ۴، ص ۷۳۲؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۵۱؛ الفرقان، ج ۳۰، ص ۲۶۵.

۲- (۲) دائرة المعارف قرآن کریم، علی اسدی، ج ۳، ص ۳۸۱.

۳- (۳) المحاسن، ص ۲۵۰؛ الکافی، ج ۸، ص ۲۴۸؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۹، ص ۱۹۳. فقها با استناد به چنین روایاتی گفته اند: «اگر کسی به گفتن سخنان کفرآمیزی وادار شد، بهتر آن است که مقاومت کرده، از گفتن آن خودداری کند». المغنی، ج ۱۰، صص ۱۰۷-۱۰۹.

۴- (۴) بروج: ۴-۷.

۵- (۵) جامع البیان، ج ۱۵، ص ۱۶۵؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۰۹؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۵۲۶.

۶- (۶) روح المعانی، ج ۱۶، ص ۱۵۷؛ فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۸۷۳؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۵۱.

از آیات پنج و شش سوره بروج برمی آید که کافران، بر اثر باورهای کفرآمیز و ارزش های ضد حق، چنان فاقد عواطف انسانی بودند که در کمال قساوت و خونسردی به سوزاندن مؤمنان و تماشای آن پرداختند. از طرف دیگر مؤمنان قطعاً از ایمانی راسخ و قدرت روحی شگفت انگیزی برخوردار بودند که چنین شجاعانه جان خویش را در راه خدا تقدیم کردند.^(۱)

در بینش مادی، درگیری مؤمنان و کافران معاند، غلبه کافران و کشته شدن مؤمنان را در پی داشت و با فرجامی به ظاهر خسارت بار برای مؤمنان همراه بود و به پایان رسید. اما قرآن نگاه کاملاً متفاوتی به نتیجه و فرجام واقعه دارد. از این رو با خبر دادن از گواه بودن خدا بر همه چیز: (وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ)،^(۲) بر نظارت و ثبت کامل این حادثه، به رسیدگی به حساب آن در روز موعود اشاره می کند. از سوی دیگر با تصویر صحنه های فرازمینی، حادثه را ناتمام تلقی می کند و با ارزیابی آن بر مبنای معیارهایی متفاوت از شاخص های سنجش بشری، از جایگاه بد و عذاب دردناک کافران و عاملان فتنه و قتل عام خبر می دهد^(۳): (إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابٌ الْحَرِيقِ) ۴. چنان که شماری از مفسران نیز گفته اند، ظاهراً مراد از «الذین» همه کافران شکنجه گر، اعم از اصحاب اخدود، مشرکان مکه و دیگران هستند.^(۴) همچنین عاملان قتل عام سادات و مسلمانان شیعه را شامل می شود که این با سبک بیانی فراگیر قرآن سازگارتر است.

ص: ۶۸

۱- (۱) التفسیر الکبیر، ج ۳۱، ص ۱۲۰؛ فی ظلال القرآن، ج ۶، صص ۳۸۷۱ و ۳۸۷۴؛ المنیر، ج ۳۰، ص ۱۵۹.

۲- (۲) بروج: ۹.

۳- (۳) فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۸۷۴؛ مع قصص السابقین فی القرآن، ج ۳، صص ۲۷۹-۲۸۲.

۴- (۴) التفسیر الکبیر، ج ۳۱، ص ۱۲۲؛ روح المعانی، ج ۱۶، ص ۱۶۲؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۲۵۲.

قرآن کریم، با خبر دادن از باغ های بهشتی و نعمت هایی که در انتظار مؤمنان صالح و شهدای راه حق است، آن را «فوز کبیر» می خواند: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ). (۱) آنان با دریغ کردن از جان خویش و پذیرفتن آیین کافران، این چنین رستگار نمی شدند؛ (۲) به عبارت دیگر، اگرچه کشتار جمعی مؤمنان موضوعی سخت و جانگداز است، ولی پیروز شدن در آن امتحانات سخت و حفظ ایمان، فوز کبیر را برای آنها به دنبال خواهد داشت.

نکته آخر اینکه دعوت مؤمنان به مقاومت و انکار باورهای نادرست، از پیام های مهم بیان این رویداد است. تاریخ ادیان الهی نشان می دهد که مؤمنان همواره با انواع فشارهای جسمی و روحی روبه رو بوده اند. قرآن چنین مقاومتی را از مصادیق صبر در طاعت و جهاد فی سبیل الله می داند و از موحدانی چون اصحاب اخدود، ساحران فرعون (۳) و مسلمانان صدر اسلام (۴) یاد می کند که به رغم حاکمیت فرهنگ کفر و عناد بر جامعه، در برابر شکنجه و قتل عام صبر کرده و آیین راستین خود را حفظ کردند. طبعاً این کار آنان چنان بزرگ و با شکوه است که خداوند آن را به غایت ستوده، یادشان را جاودانه و آنان را برای همیشه تاریخ، الگوی مؤمنان معرفی کرده است. (۵)

ج) اصل منع اعتدای نسبت به انسان ها فارغ از نسب و مذهب

در جهاد اسلامی یکی از اصول حقوقی مهم اصل «منع اعتداء» می باشد این اصل از آیه زیر به دست می آید:

ص: ۶۹

۱- (۱) بروج: ۱۱.

۲- (۲) دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۳، ص ۳۷۸.

۳- (۳) طه: ۷۱-۷۵.

۴- (۴) نحل: ۱۰۵، ۱۱۰؛ آل عمران: ۱۸۶.

۵- (۵) حج: ۱۱.

(وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ) (بقره: ۱۹۰)

در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید و از اندازه درنگذیرید؛ زیرا خداوند تجاوز کاران را دوست نمی دارد.

به موجب آیه شریفه فوق، تنها با کسانی قتال و جنگ مجاز است که به جنگ مسلمانان بیایند. عکس نقیض منطقی این آیه، آن است که جنگ با کسانی که به جنگ مبادرت نکنند، ممنوع و از مصادیق اعتداء، یعنی تجاوز است و تجاوز، مبعوض خداست؛ طبعاً بدترین نوع تجاوز، قتل و کشتار جمعی انسان های عادی به بهانه اختلاف عقیدتی است. بنابراین تنها جنگ و قتل سربازان متجاوز، مجاز است. در خبر جمیل و محمد ابن حمران از امام صادق علیه السلام آمده است:

هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله لشکری را اعزام می نمود، فرمانده را کنار خود می خواند و اصحاب را روبه روی خود می نشاند. آن گاه می فرمود: «به نام خدا و با استعانت از خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا حرکت کنید. نیرنگ نزنید، زیاده روی نکنید، مثله نکنید و درختی را قطع نکنید؛ مگر اینکه مضطر شوید. پیران و بچه ها و زنان را نکشید».^(۱)

این دستورات، تعالی حقوق اسلام را در جنگ نشان می دهد. همچنین اثبات می کند که با این حساسیت پیامبر صلی الله علیه و آله به حفظ دماء، هیچ گونه جایی برای توجیه کشتار جمعی افراد عادی و زنان و کودکان به بهانه هایی نظیر تشیع و امثال آن، نمی ماند.

(د) منع کشتار جمعی ولو در قصاص

در قرآن و روایات، اسراف و تبذیر نتایجی همچون خروج از حد اعتدال، افساد، تباهی، تعدی، افراط، برتری جویی، طغیان، سفک دماء، معصیت و... را دارد. خون انسان بی گناه نه فقط در اسلام بلکه در همه شرایع آسمانی و قوانین بشری محترم است؛ به

ص: ۷۰

۱- (۱) جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۶۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۱۵، ابواب جهاد با عدو، ص ۴۳، ح ۲ و ۳.

همین دلیل قاتل باید قصاص شود. ولی تجاوز از حد در قصاص، مصداق جرم «اسراف در قتل» و خارج شدن از حدود الهی است. خداوند می فرماید:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَاناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً﴾ (اسراء: ۳۳)

نفسی را که خداوند حرام نموده، جز به حق (مانند موارد قصاص و حدود شرعی) نکشید و کسی که مظلوم کشته شود، ما حتماً برای ولی او تسلطی قرار داده ایم [که می تواند قصاص کند یا دیه بگیرد یا عفو کند]. پس نباید در کشتن زیاده روی کند (شکنجه و مثله کند یا بیش از یک نفر را بکشد)؛ زیرا او [به وسیله تشریح این حکم] یاری شده است [و شخص قصاص شده نیز در مقدار بیش از محکومیت، مورد یاری ما قرار دارد].

شیخ طوسی رحمه الله روایتی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت، مسرفان را کسانی می داند که حرام ها را حلال شمرده و خون ها را می ریزند:

«المسرفون هم الذين يستحلون المحارم، و يسفكون الدماء»^(۱) یادآوری این نکته نیز ضروری است که احترام به خون انسان ها در اسلام مخصوص مسلمان ها نیست، بلکه غیر مسلمانانی که با مسلمین سر جنگ ندارند و در وضعیتی مسالمت آمیز با آنها به سر می برند، جان و مال و ناموسشان محفوظ است.^(۲)

ه) منع کشتار جمعی انسان ها حتی در جهاد

جنگ در اسلام به دو صورت است: جهاد ابتدایی (دعوت) و جهاد دفاعی.^(۳) در هر دو جهاد، کشتار جمعی بی گناهان نه تنها جایز نیست، بلکه شدیداً از آن منع

ص: ۷۱

۱- (۱) التبیان، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۵۰۴؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، ج ۳، ص ۲۹۰.

۲- (۲) تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰۷؛ مائده: ۳۲.

۳- (۳) ر. ک: الوسیله، ابن حمزه طوسی، ج ۱، ص ۱۹۹؛ الجامع للشرایع، ص ۲۳۳؛ تذکره الفقهاء ج ۹، صص ۱۹ و ۲۰؛ الروضه البهیة، ج ۲، صص ۳۸۱ و ۳۸۲؛ مسالک الأفهام، ج ۳، صص ۷ و ۸؛ الحدائق الناضره، ج ۳، ص ۴۱۵؛ دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، حسینعلی منتظری، ج ۱، ص ۱۱۵؛ جواهرالکلام، محمدحسن نجفی، ج ۲۱؛ مقاله جهاد در

دانشنامه حوزوی (ویکی فقه): نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.wikieqh.ir>

شده است. در جهاد ابتدایی که برای گسترش آزادی های دینی و رفع استبداد است، هدف اصلی، مبارزه با سران فتنه است؛ چراکه مانع دعوت مردم و پذیرش آزادانه دین حق می شوند. (۱) جهاد دفاعی نیز پیکار با هدف دفاع از اسلام در برابر دشمن مهاجمی است که اساس اسلام را تهدید می کند یا قصد استیلا بر سرزمین های اسلامی و ناموس و اموال مسلمانان یا کشتن گروهی از مسلمانان را دارد. (۲) لذا دفاع از آحاد امت اسلامی یا مستضعفان، همراه با حد و مرز آن، مشروع است (۳) و اگر اقدامات جنگی، بیش از حد دفاع از خود شود، تجاوز محسوب می گردد. خدای بزرگ می فرماید: (وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا...۴)؛ یعنی حتی با همان کسانی نیز که با شما نبرد می کنند، نباید در مقام دفاع و مقابله، به بیش از اندازه دفاع، اقدام کرد. بنابراین تجاوز و اعتداء، حتی به دشمن نیز ناصواب و نارواست؛ جز آنچه به منظور پیشگیری از تجاوز باشد که آن هم اقدامی با ماهیت دفاعی است، نه تجاوزگری؛ بر همین اساس، قتل عام و کشتار غیرنظامیان، هیچ مبنای منطقی و شرعی ندارد و مطابق آموزه های اسلام کاملاً مردود است.

ص: ۷۲

۱- (۱) (وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ)؛ «و اگر پیمان های خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چراکه آنها پیمانی ندارند شاید (با شدت عمل) دست بردارند». توبه: ۱۲

۲- (۲) المهدب، ج ۱، ص ۲۹۷؛ الروضه البهیه، ج ۲، صص ۳۸۱ و ۳۸۲؛ مسالك الأفهام، ج ۳، صص ۷ و ۸؛ دلیل تحریر الوسیله، ج ۳، ص ۱۱۵؛ دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۱۵.

۳- (۳) (أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَ إِنْ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ). «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند و به یقین خدا بر یاری آنها تواناست». حج: ۳۹.

(و) اصل تفکیک در جهاد اسلامی

اشاره

برخی متعصبان، جنگ با مسلمانان شیعه را جهاد شرعی برای خود تلقی می کنند. در این بخش به دنبال اثبات این موضوع هستیم که اگر به فرض آنها، جنگ با شیعیان جایز باشد، مطابق اصل تفکیک، به هیچ وجه کشتار جمعی و قتل عام مردم عادی شیعه جایز نیست.

فقه‌های اسلام به لزوم رعایت اصل تفکیک، نه با عنوان خاص، بلکه در ضمن ترسیم مصادیق محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های حاکم بر مخاصمات مسلحانه، تأکید کرده اند.^(۱) قلمرو تفکیک عبارت است از:

یک - تفکیک میان غیر نظامیان (غیر مقاتلین) و رزمندگان (مقاتلین)؛

دو - تفکیک میان اهداف غیر نظامی (اموال غیر نظامی) و اهداف نظامی.

بنابراین دسته جات عمده ای از شمول اقدامات و تعرضات نظامی تفکیک شده اند که بخشی از این دسته جات کشاورزان، تاجران، بازرگانان، پیمانکاران، اطفال، زنان، نابینایان، معلولان، راهبان و صومعه نشینان می باشند. همچنین اهداف غیر نظامی از اهداف نظامی تفکیک شده است.

ص: ۷۳

۱- (۱) تهذیب الأحكام، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۱۵۶؛ الکافی، کلینی، ج ۵، ص ۲۹.

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در فتح مکه، نقل شده است: «به همه لشکرش دستور داد، هرگز کسی را که با آنان نمی جنگد، نکشند» (۱). بنا بر قول ابی الوداع، امیرمؤمنان علی علیه السلام، هنگام ارسال لشکر به صفین، به فرمانده لشکر، معقل بن قیس الریاحی، فرمود:

«لا تُقاتل إلا من قاتلك» (۲)؛ «جز با آن که با تو می جنگد، نجنگ!»

آنچه از دیدگاه فقها و ادله مورد استناد آنان استنباط می شود، این است که در جریان جنگ، تنها کسانی باید هدف باشند که نیروی جنگی دشمن محسوب می شوند.

گفته شده که رسول الله صلی الله علیه و آله جمله فوق را در جریان محاصره قلعه خیبر فرمودند؛ هنگامی که محاصره مدتی طول کشید، یکی از مسلمانان پیشنهاد کرد که چون راه آب آشامیدنی این قلعه تنها نهر آبی است که از بیرون وارد می شود، بنابراین بهترین راه برای پیروزی آن است که ما آب نهر را مسموم کنیم تا همه مردم بمیرند و ما به آسانی پیروزمانده وارد شویم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگز من اجازه نمی دهم؛ چون میان مردم شهر، زنان، کودکان و شهروندان پیر و بیمارند که کشتن آنان مجاز نیست». آن گاه به طور کلی به کار بردن سم برای عموم و جمع دشمن را ممنوع کرد. بنابراین، محدودیت و ممنوعیت حمله به اماکن غیر نظامی را می توان هم از ادله عام و هم از ادله خاص استنباط کرد؛ چون از مصادیق افساد و تعدی از حدود الهی است (۳). امام علی علیه السلام فرمود:

اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادَةِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ (۴)

از خدا بترسید و بندگان خدا را اذیت نکنید و شهرها را تباہ نکنید. شما همه مسئولید؛ حتی درباره ساختمان ها و چارپایان.

لذا به نظر فقها، حتی نابود کردن درختان، آتش زدن کشتزارها و از بین بردن

ص: ۷۴

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۰۵؛ ر. ک: تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد قمی مشهدی، ج ۱۴، ص ۴۸۷؛ تفسیر

نور الثقلین، عروسی حویزی، ج ۵، ص ۶۹۵؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۴۸؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۸۲.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۴۲۸؛ ر. ک: وقعه صفین، نصر بن مزاحم، ص ۱۴۸.

۳- (۳) خداوند در آیه ۱۹۰ سوره بقره، اعتداء و معتدین را مورد غضب خود می کند. در این باره روایات خاصی نیز وارد شده است؛ ر. ک: ماوراء الفقه، ج ۲، ص ۳۹۳.

۴- (۴) نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶.

حیوانات نیز بدون ضرورت نظامی جایز نیست. (۱)

برخی فقهای اهل سنت، به استناد آیه ۴۰ سوره حج و ۸۲ سوره مائده درباره روحانیان دشمن نیز فتوا به مصونیت از تعرض داده اند؛ (۲) آنان به عمل ابوبکر استناد می کنند که خلیفه، به فرمانده لشکر، دستور قتل اشخاصی را که مبلغ سایر ادیان بودند، نداد. (۳)

مشهور فقیهان امامیه نیز به پیروی از شیخ طوسی، میان آنان که توان جنگیدن دارند و آنان که چنین توانی ندارند، تفاوت قائل شده اند؛ اما ابن جنید اسکافی، برخلاف مشهور، معتقد است: «مطلقاً روحانیان مصون از تعرض اند». مستند ابن جنید، عدم ضرر و خطر از ناحیه آنان است و نیز همانندی آنان با سالخوردگانی است که مستشار جنگ نیستند. (۴) به نظر می رسد چنانچه روحانیان دشمن هیچ گونه مداخله ای در جنگ نداشته باشند، برای مصونیت آنان می توان به عموم اصل منع اعتداء، استدلال کرد. (۵)

با توجه به آیه ۱۹۰ سوره بقره: (وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ) «و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز

ص: ۷۵

۱- (۱) ر. ک: المذهب، ابن براج، ج ۱، ص ۲۹۹؛ الکافی فی الفقه، ابوالصلاح حلبی، ص ۲۵۶.

۲- (۲) (وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَادَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...). حج: ۴۰ «و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها، و معابد یهود و نصاری، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد. و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند؛ خداوند توانا و شکست ناپذیر است». (وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَ رُهَبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ). مائده: ۸۲ «و بیشترین دوستی و محبت نسبت به مؤمنان را در کسانی می یابی که می گویند: «ما نصارا هستیم»؛ این به خاطر آن است که بعضی از آنها عالمانی روحانی یا تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبر نمی ورزند».

۳- (۳) «انك ستلقى اقواماً زعموا انهم قد فرغوا انفسهم لله في الصوامع، فذرهم و ما فرغوا له انفسهم». شیبانی، ج ۱، صص ۳۹-

۵۵

۴- (۴) ر. ک: المختلف، علامه حلی، ج ۴، ص ۳۹۳.

۵- (۵) «نگاهی از منظر حقوق بشر دوستانه اسلامی به کاربرد سلاح های کشتار جمعی»، آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد، بخش اول. نشانی ذخیره مقاله در فضای مجازی: www.ettel t.com/etir/?p=17489

نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد!»، ابعاد جنگ، با جمله «از حد تجاوز نکنید»، مشخص شده است؛ زیرا جنگ در اسلام به خاطر خداست و در راه خدا نباید هیچ تعدی و تجاوزی صورت گیرد. لذا اسلام، برخلاف جنگ های بشر مادی، رعایت اصول اخلاقی فراوانی را در جنگ توصیه می کند؛ مثلاً افرادی که سلاح بر زمین گذاشته اند و کسانی که توانایی جنگیدن را از دست داده یا قدرت جنگیدن ندارند، مانند پیرمردان، زنان و کودکان، نباید مورد تعدی قرار بگیرند. (۱) از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است:

چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اراده می فرمود که گروهی از مسلمانان را به سریه ای بفرستد، آنها را دعوت می فرمود و جلوی خود می نشانید و به آنها می گفت: «به نام خدا و برای خدا و در راه خدا و بر ملت رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت کنید... پیرمردان فرتوت و کودکان و زنان را نکشید و درختان را قطع نکنید، مگر اینکه بر انجام این امور ناچار شوید. اگر یکی از مسلمانان به یکی از مشرکان مهلت دهد، آن مشرک در پناه شماست تا اینکه کلام خدا را بشنود. اگر پس از شنیدن کلام خدا با شما بیعت کرد، برادر شما در دین است و اگر خودداری کرد، او را به محل امنی برسانید». (۲)

ص: ۷۶

۱- (۱) آیات دیگری نیز بر موضوع تفکیک دلالت دارند؛ از جمله: (هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَ لَوْ لَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَ نِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُُمْ أَنْ تَطَّوُّهُمُ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ لِّدِيخَالِ اللَّهِ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا) «آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجد الحرام و رسیدن قربانیها یثان به محل قربانگاه بازداشتند؛ و هرگاه مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما، زیر دست و پا، از بین نمی رفتند که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می رسید، (خداوند هرگز مانع این جنگ نمی شد)!

هدف این بود که خدا هر کس را می خواهد در رحمت خود وارد کند؛ و اگر مؤمنان و کفار (در مکه) از هم جدا می شدند، کافران را عذاب دردناکی می کردیم!» (فتح: ۲۵) مطابق این آیه، خدای بزرگ اعلان می کند: «اگر مردان و زنان مؤمن ناشناسی بین مردم مکه نبودند تا جنگ شما سبب هلاکت آن بی گناهان شود و در نتیجه به خاطر کشتن آن بی گناهان دچار گرفتاری می شدید، هر آینه، ما دست شما را از قتال اهل مکه باز نمی داشتیم و اگر بازداشتیم، برای همین بود که دست شما به خون آن مؤمنین ناشناس آلوده نشود و به جرمشان دچار ناملايمات نشوید».

۲- (۲) فروع کافی، ج ۵، ص ۲۹.

یک - منع خاص نسبت به کشتن زنان و کودکان

زنان و کودکان نیز در نسل کشی و انواع کشتار جمعی به قتل می‌رسند. این در حالی است که اسلام به طور مطلق، کشتن زنان و کودکان را منع کرده است؛ چنان که در کتاب‌های روایی و فقهی، بابتی تحت عنوان «النهی عن قتل النساء والولدان» باز شده است. (۱) شیخ طوسی رحمه الله، محقق حلی و عموم فقیهان پس از ایشان (۲) می‌نویسند:

قتال با زنان جایز نیست. حتی اگر زنان با مسلمانان اقدام به قتال نمودند و به همسران و مردانشان یاری رساندند، تا آنجا که ممکن است، باید از کشتن آنان اجتناب شود. (۳)

محقق حلی نیز می‌نویسد: «قتل دیوانگان، کودکان و زنان کفار جایز نیست؛ هرچند دشمنان را یاری رسانند». نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از جنگ‌ها به جنازه زنی برخورد کرد. ایشان با دیدن این حادثه به شدت ناراحت شده، از قاتل او سؤال کردند؛ گفتند خالد بن ولید او را کشته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن توبیخ او، تأکید کردند که از کشتن زنان و کودکان بپرهیزند. همچنین در برخی از غزوات، مسلمانان قصد کشتن بچه‌های مشرکان را داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله از این کار منع کرده، با اشاره به اینکه بهترین‌های آنان (اصحاب) نیز فرزندان مشرکان بوده‌اند، می‌فرمود: «هر انسانی بر فطرت پاک انسانی متولد می‌شود و این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا نصرانی می‌کند». (۴)

ص: ۷۷

- ۱- (۱) موارد استثنای خاص قتل زنان بسیار نادر است؛ ر. ک: منابع پیشین.
- ۲- (۲) شرائع الإسلام، محقق حلی، ج ۱، ص ۲۸۳؛ ر. ک: قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، علامه حلی، ج ۱، ص ۴۸۶؛ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۷۳؛ مسالک الأفهام، شهید ثانی، ج ۳، ص ۲۶؛ مجمع الفوائد و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، مقدس اردبیلی، ج ۷، ص ۴۵۳؛ شرح تبصره المتعلمین، آغا ضیاء‌الدین العراقي، ج ۴، ص ۴۰۶.
- ۳- (۳) النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۹۲.
- ۴- (۴) مسند احمد ابن حنبل، ج ۵، ص ۳۰۳، ح ۱۵۵۸۸.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز همواره بر رعایت حال زنان و کودکان تأکید می کردند و به لشکریانش می فرمودند:

با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند؛ زیرا بحمدالله حجت با شماست، و آغازگر جنگ نبودنتان تا آن که دشمن به جنگ روی آورد، حجت دیگر بر حقانیت شما خواهد بود. اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده نکشید و آن را که قدرت دفاع ندارد، آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید. زنان را با آزار دادن تحریک نکنید؛ هرچند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند و به شما ناسزا بگویند. در روزگاری که زنان مشرک بودند، مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوبدستی به زنی حمله می کرد، او و فرزندان او را سرزنش می کردند.^(۱)

ائمه معصوم علیهم السلام حتی زنان و کودکان دشمنان خود را نیز پناه می دادند؛ نمونه آن را می توان، اقدام امام سجاد علیه السلام در واقعه حره دانست. در جریان این واقعه، مردم مدینه با سپاه یزید بن معاویه وارد جنگی خونین شدند و امام زین العابدین علیه السلام پناهگاه زنان و کودکان بسیاری از خانواده های مختلف بود. ایشان حتی به رغم آن همه ظلمی که از بنی امیه دیده بودند، خانواده های آنان را پناه دادند؛ به طوری که چهارصد زن از خاندان عبد مناف، تا زمان آرام شدن اوضاع، تحت حمایت و سرپرستی آن حضرت بودند. از خانواده های بنی امیه می توان به خانواده مروان بن حکم اشاره کرد که همراه همسر او، عایشه، دختر عثمان، در حمایت آن حضرت قرار داشتند.^(۲)

علاوه بر این، افراد نابینا، دیوانه و علییل نیز که هر کدام به نوعی توان جنگیدن ندارند، در گروه ضعفا قرار گرفته و نه تنها کشته نمی شوند، بلکه باید حمایت شوند؛

ص: ۷۸

۱- (۱) نهج البلاغه، نامه ۱۴.

۲- (۲) الامامه والسیاسه، ابن قتیبه دینوری، ج ۱، ص ۲۳۱.

چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

... و كذلك المقعد من اهل الذمه والاعمى و الشيخ الفانى... فى ارض الحرب فمن اجل ذلك رفعت عنهم الجزیه. (۱)

همان طور که از کشتن افراد زمین گیر، نابینا، پیر و سالخورده نهی شده است، جزیه نیز از آنان برداشته شده است.

دو - منع خاص نسبت به کشتن غیر نظامیان

غیر نظامی کسی است که در جنگ شرکت ندارد یا از جنگ کناره گرفته است؛ همچنین مجروحانی که توان مبارزه ندارند نیز مصون از تعرض اند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هنگام فتح مکه، با وجود آزار فراوانی که از مشرکان دیده بود، فرمود: «هر کس در خانه اش را ببندد در امان است». کنایه از اینکه هر کس وارد جنگ و درگیری نشود، در امان است. حضرت علی علیه السلام نیز به یکی از فرماندهان خود فرمود: «جز با آن که با تو می جنگد، پیکار مکن». همچنین آن حضرت کاربرد سلاح را در جایی جایز می داند که منجر به قتل بی گناهی نشود؛ چنان که در فرمان خود به مالک اشتر فرمود:

ایاک والدماء و سفکها بغیر جلهها فانه لیس شیء أدنی لنقمه ولا اعظم لتبعه ولا احرى بزوال نعمه وانقطاع مدیه من سفک الدماء بغیر حقها (۲).

بپرهیز از خون ها و ریختن آن به ناروا که چیزی مانند ریختن خون به ناحق، آدمی را به کیفر نرساند و گناه را بزرگ نگرداند و نعمت را نابود و رشته عمر را قطع نکند.

طبق موازین اسلام، اگر به کسی امان داده شد، هیچ کس حق کشتن او را ندارد؛ حتی

ص: ۷۹

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۶۶؛ ر. ک: حقوق غیر نظامیان در جنگ از دیدگاه مهدویت و حقوق بین الملل، کمیته علمی همایش بین المللی دکتترین مهدویت، مرجع: صفورا بنی نجاریان، محمدرضا پورخلیلی، نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.mdi-coerence.com/vdcin0149ny.5k4.html>

۲- (۲) نهج البلاغه، نامه ۵۳، (عهدنامه مالک اشتر).

کافر حربی. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَإِنَّ رِيحَهَا تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا. (۱)

کسی که فرد عهدبسته را به قتل برساند، بوی خوش بهشت به مشام وی نخواهد رسید؛ حال آن که بوی بهشت از فاصله چهل سال به مشام می رسد.

همچنین فرمود:

مَنْ آمَنَ رَجُلًا عَلَى دَمِهِ فَقَتَلَهُ فَأَنَا بَرِيءٌ مِنَ الْقَاتِلِ، وَإِنْ كَانَ الْمَقْتُولُ كَافِرًا. (۲)

مردی که تأمین جانی داشته باشد و کسی او را بکشد، من از قاتل بیزار می جویم؛ اگرچه مقتول کافر باشد.

در بعضی از روایات آمده است:

«وَجَبَتْ لَهُ النَّارُ» (۳)؛ «آتش [جهنم] بر وی واجب می گردد». همچنین قاصد دشمن را نباید کشت. از ابن مسعود نقل شده است که مسیلمه کذاب، دو نفر را خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: «شهادت دهید که من پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستم». آنها گفتند: «ما شهادت می دهیم که مسیلمه پیامبر خداست». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر من رسول کش بودم، هر دو نفر شما را می کشتم». (۴)

از این روایت استفاده می شود که فرستادگان دشمن در امان هستند. علاوه بر این، در اسلام، جنگ در ماه های حرام در اماکن خاص (مساجد، کنیسه ها و کلیساها) و با برخی شیوه ها و وسیله هایی که در شأن کرامت انسانی نباشد، منع و تحریم شده است. بنابراین هدف از تشریح جهاد اسلامی، تنها کشتن، خونریزی و ویرانی سرزمین ها نیست، بلکه

ص: ۸۰

۱- (۱) صحیح بخاری، ح ۲۹۳۰، باب إِثْمُ مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا بغيرِ جُرمٍ.

۲- (۲) المعجم الكبير، طبرانی، ح ۱۶۹۲.

۳- (۳) همان، ح ۱۶۴۹۴.

۴- (۴) مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، الهیثمی. ر. ک: حقوق غیر نظامیان در جنگ از دیدگاه مهدویت و حقوق بین الملل، صفورا بنی نجاریان، محمدرضا پورخلیلی، مرجع: کمیته علمی همایش بین المللی دکتربین مهدویت، نشانی مقاله با ارجاعات

در فضای مجازی: <http://il2013.blog/c/egory/4>

آزادی سرزمین ها از دست زورگویانی است که آزادی ملت ها را مصادره می کنند.

شرع اسلام برای جنگ، قوانینی وضع کرده تا جهاد با تروریسم درهم نیامیزد؛ به همین دلیل باید گفت: «اصل و قاعده بنیادین اسلام، صلح و عدم خشونت مگر در استثنائات است». موارد استثنای آن هم اصولی است که اسلام آن را معین می کند؛ موارد این استثنائات در جهاد، حدود، امر به معروف و نهی از منکر و قصاص است.

با وجود روشنی این موازین، متأسفانه این تعالیم، در نسل کشی و کشتار جمعی شیعیان، زیر پا گذاشته شده است و تأسف بارترا اینکه در عصر حاضر نیز سلفیان تکفیری و حکومت های مستبد، تمامی این مسلمات انسانی و دینی را علیه مسلمانان شیعه نادیده می گیرند.

(ز) حرمت تکفیر اهل قبله

اشاره

از اموری که همواره باعث کشتار جمعی و نسل کشی بوده، تکفیر است. تکفیر از عوامل نابودی استعدادها و امکانات مادی و معنوی یک امت و از سوی دیگر بهترین بستر برای نفوذ دشمنان و سیطره آنان است. لذا بررسی چنین آفتی یکی از ضرورت های اساسی است.

هر کس نگاهی به جامعه اسلامی امروز بیندازد، خواهد دید که قتل عام ها، ویرانی ها و انفجارها بیشتر در کشورهای اسلامی روی می دهد و ممالک اسلامی در آتش اشغالگری دشمنان و اختلافات مذهبی می سوزند. این در حالی است که کشورهای غیر مسلمان به دنبال پیشرفت، اختراع و اکتشاف هستند و امت اسلامی در گیر عداوت، تفرقه و تکفیر. از آنجا که حرکت تند جریان تکفیر یک مصیبت بزرگ برای امت اسلامی است، لذا علمای امت باید مقابل این موج ویرانگر برنامه ریزی دقیق داشته باشند تا نقشه دشمنان

اسلام را خنثا کنند(۱)؛ بر همین اساس به بررسی دیدگاه شیعه و سنی در خصوص اصل منع تکفیر و منع کشتار جمعی مسلمانان با بهانه تکفیر می پردازیم:

یک - دیدگاه اهل تسنن

از آنجا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از همان ابتدا پیروان خود را به شدت از تکفیر مسلمانان دیگر منع می کرد،(۲) متکلمان و فقهای شیعه و سنی بر این عقیده اند که کسی حق تکفیر اهل قبله را ندارد. در خصوص اهل تسنن در عقاید طحاوی آمده است:

و نسیمی اهل قبلتنا مسلمین مؤمنین ماداموا بما جاء به النبی صلی الله علیه و آله معترفین. قال رسول الله صلی الله علیه و آله من صلی صلاتنا و استقبل قبلتنا و أكل ذبیحتنا فهو المسلم وان المسلم لا یخرج من الاسلام بارتکاب الذنب ما لم یستحله.(۳)

اهل قبله تا هنگامی که به دستورات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مؤمن و معترف باشند، مسلمان و مؤمن خواهند بود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که نماز ما را به جای آورد و قبله ما را بپذیرد و از ذبیحه ما که حلال شمرده شده بخورد، از اسلام بیرون نمی رود».(۴)

ابوالحسن اشعری می نویسد:

اختلف المسلمون بعد نبیهم فی أشياء ضلل بعضهم بعضا وتبرأ بعضهم عن بعض فصاروا

ص: ۸۲

۱- (۱) ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، سخنان معظم له در خصوص حمله تکفیری ها به مرقد حجر بن عدی.

نشانی در فضای مجازی: www.leer.ir/gs

۲- (۲) انس نقل می کند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ثلاث من اصل الايمان الكف عن من قال: لا اله الا الله لانكفره بذنب ولا نخرجه عن الاسلام بالعمل والجهاد ماض منذ بعثني الله الى أن يقاتل آخر أمتي الدجال لا يبطله جور جائر ولا عدل عادل والايمان بالاقدار». (المغنی، عبدالرحمان بن قدامه، ج ۱۰، ص ۳۷۱؛ شوکانی، ج ۸، ص ۳۰؛ سجستانی، ج ۱، ص ۵۶۹؛ البيهقي، ج ۹، ص ۱۵۶؛ موصلي، ج ۷، صص ۲۸۷ و ۲۸۸؛ سيوطي، ج ۱، ص ۵۲۷؛ ثعلبي، ج ۲، ص ۹۳؛ سرخسي، ج ۱، ص ۱۶۰).

۳- (۳) شرح عقاید، طحاوی، صص ۲۸۸ و ۴۲۶.

۴- (۴) ر. ک: تکفیر از دیدگاه مذاهب، پایگاه اطلاع رسانی تبیان، نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.teby>

..net/newmobile

فرقاً متباینین الا أن الاسلام یجمعهم ویعمهم فهذا مذهب وعلیه أكثر أصحابنا. (۱)

پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان درباره بعضی چیزها دچار اختلاف شدند، به گونه ای که یکدیگر را گمراه دانسته و از یکدیگر براءت می جستند. اما در عین حال، اسلام همه آنان را جمع نموده و تحت پوشش خود قرار داد و این مذهب و عقیده بیشتر اصحاب ماست.

ابواسحاق نیز گفته است:

كل مخالف یكفرنا فنحن نكفروه والا فلا لنا ان الخطاء فیها لیس قادحاً فی حقیقه الاسلام ولم یبحث النبی صلی الله علیه و آله عن اعتقاد من حکم باسلامه فیها ولا الصحابه ولا التابعون. (۲)

هر کس ما را تکفیر کند ما نیز او را تکفیر می کنیم؛ و گرنه کسی که اشتباه یا لغزشی انجام دهد، در حقیقت به اسلام او ضرری وارد نمی شود. شاهد بر این ادعا شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ زیرا آن حضرت از عقیده کسانی که محکوم به اسلام بودند، تفحص نمی فرمود؛ چنان که صحابه و تابعین نیز چنین شیوه ای داشتند.

در سال های اخیر نیز مراکز علمی اهل تسنن، نظیر دانشگاه الازهر مصر، بارها بر این نکته تأکید کرده اند که تکفیر مسلمانان دیگر، از جمله شیعیان و ایذا و قتل آنان، از بالاترین کبائر و اشد منکرات است. (۳)

ص: ۸۳

۱- (۱) مقالات الإسلامیین، ج ۱، ص ۲.

۲- (۲) شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۳۹.

۳- (۳) شیخ الازهر در واکنش به حمله سلفی های تکفیری به یکی از رهبران و علمای شیعه مصر، به نام شیخ حسن شحاته و شهادت ایشان، طی پیام شدیداللحنی، بر حرمت شدید قتل مسلمانان شیعه تأکید کرد. فتوای شیخ احمد الطیب در پایگاه اطلاع رسانی الازهر شریف به این صورت موجود است: «وأكد الأزهر الشريف على حرمة الدماء وأن الإسلام ومصر والمصريين لا يعرفون القتل بسبب العقيدة أو المذهب أو الفكر، وأن تلك الأحداث غريبة عليهم، ويراد بها النيل من استقرار الوطن في هذه اللحظات الحرجه، وتجربنا إلى فتن لا بد أن ننتبه لها جميعاً حكومه وشعباً، ويُذكر الأزهر بالحديث الشريف الذي يؤكد أن المسلمین إذا التقيا بسيفيهما فالقاتل والمقتول فی النار». نشانی فتوا در فضای مجازی: www.h-sh.gov.eg

مطابق نظر مکتب تشیع «آنچه در تحقق اسلام دخالت دارد و طهارت و احترام مال و جان و... بر او مترتب می شود، عبارت است از: اعتقاد به وحدانیت خدا، نبوت و معاد که فرقه های اسلامی همه به آن عقیده دارند» (۱). در دیدگاه علمای شیعه، بین طهارت و مسلمان بودن ملازمه است؛ یعنی هر مسلمانی محکوم به طهارت است. هر کسی شهادتین را بر زبان جاری کند، مسلمان و جان و مال او محفوظ است؛ (۲) هرچند ایمان درجاتی دارد و نخستین مرحله آن با پذیرش توحید شروع می شود. اما کسی که در مرحله نخست هم باشد، مسلمان است؛ هرچند دچار انحراف شده باشد. بنابراین انحراف فکری - عقیدتی تا جایی که به مخالفت با اصول اساسی (ضروریات) اسلام نرسد، موجب خروج از دایره مسلمانی نیست. (۳)

علاوه بر آیات قرآن مجید، (۴) روایات رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز بر این موضوع تأکید دارند و پیشوایان دینی به شدت تأکید داشتند کسی از این معیار عدول نکند و متعرض گوینده لا اله الا الله نشود. در متون دینی، معیار حقیقی اسلام گاهی به اظهار شهادتین و گاهی به بیان لا اله الا الله و گاهی به عدم انکار ضروری دین تعبیر شده است

ص: ۸۴

۱- (۱) آیت الله خویی رحمه الله می نویسد: «المعروف المشهور بین المسلمین، طهاره اهل الخلاف و غیرهم من الفرق المخالفه للشیعه الاثنی عشریه»؛ التنقیح، ج ۲، ص ۶۲.

۲- (۲) «کسی که ولایت را انکار می کند، هرگاه شهادتین را بر زبان جاری کند، حکم اسلام ظاهری را دارد؛ چنان که سیره قطعی ائمه اهل بیت علیهم السلام بر طهارت اهل سنت دلالت می کند». التنقیح المقال، ج ۲، ص ۸۵؛ ر. ک: معیار کافر بودن در شیعه و سنی، دکتر حسین رجبی، مقالات حقایق انکارناپذیر شناخت حق و باطل در گستره عقاید اسلامی، نشانی در شبکه جهان پهنا: <http://shis.com> ک i.blo ک

۳- (۳) تحریر الوسیله، امام خمینی رحمه الله، ج ۱، ص ۱۱۹.

۴- (۴) (وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا) «و بخاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می کند نگوید: "مسلمان نیستی"». (نساء: ۹۴)

و مراد حقیقی از همه آنها یک چیز است که گاهی به طور اجمال و گاهی به تفصیل بیان شده است. (۱) همچنین برپایه دیدگاه فقهای شیعه، نسبت کفر دادن به مسلمان، حرام است. حتی تکفیر زبانی، موجب تعزیر تکفیرکننده می شود. (۲)

سه - دیدگاه تکفیری ها و نقد آن

بعد از رویه عملی برخی خلفا و حاکمان در تکفیر و قتل عام پیروان اهل بیت علیهم السلام، خوارج اولین فرقه ای بودند که موضوع تکفیر را در جامعه اسلامی مطرح کرده و به تکفیر حضرت علی علیه السلام (۳) و شیعیان آن حضرت پرداختند. (۴) آنها به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«يَمْزُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَمْزُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيهِ» (۵) و به فرموده حضرت علی علیه السلام

«سُيُوفُكُمْ عَلَى عَوَاتِقِكُمْ»، (۶) شمشیرهایشان به دوششان، نه برای کشتن کفار، بلکه به فرموده نبی اکرم صلی الله علیه و آله (۷) به قتل مسلمانان می پرداختند و مشرکان را رها می کردند. آنها دایره دینداران را بسیار تنگ گرفته، به طوری که حضرت امیر علیه السلام به آنان فرمود: «اگر مخالفت با من از این روست که می پندارید من خطا کرده ام و گمراه شده ام، پس چرا همه را از دم

ص: ۸۵

-
- ۱- (۱) کافی، ج ۲، ص ۳۹۹.
 - ۲- (۲) ر. ک: کتاب السرائر، ج ۳، ص ۵۲۹؛ الموسوعه الفقهيه، ج ۱۳، ص ۲۲۸؛ الروضه البهيه في شرح اللمعه الدمشقيه، ج ۹، ص ۱۷۵؛ کتاب الفقه على المذاهب الاربعه، عبدالرحمان جزيري، ج ۵، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.
 - ۳- (۳) آنها امیرالمؤمنین علی علیه السلام را امیر کافران خواندند: المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، عبدالرحمن ابن جوزی، ج ۵، صص ۱۲۴ و ۱۲۵.
 - ۴- (۴) پس از آنکه علی علیه السلام خبر کشتن عبدالله بن خباب را شنید و از آنها خواست قاتلان عبدالله و همسرش را تحویل دهند، خوارج گفتند: «ما همگی آنها را کشتیم و کشتن اصحاب تو را حلال می دانیم». مروج الذهب، مسعودی، ج ۴، صص ۴۰۴ و ۴۰۵.
 - ۵- (۵) صحیح بخاری، ج ۸، ص ۲۱۹.
 - ۶- (۶) نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.
 - ۷- (۷) «يقتلون اهل الاسلام و يدعون اهل الاوثان»: صحیح البخاری، ج ۹، ص ۲۱.

شمشیرهایی که بر شانه حمایل کرده اید، می گذرانید و کسی که گناه کرده با کسی که گناه نکرده درهم می آمیزید؟» خوارج ازارقه پا را از این فراتر نهاده غیر خود، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، حتی قاعدین خوارج را مشرک و کافر می دانستند و کشتن مشرکان، یعنی مخالفان ازارقه و زنان و اطفال آنها را میباح قلمداد می کردند.^(۱)

سلفیان تکفیری امروزی نیز به صراحت، مسلمانان قرن های مختلف را به خاطر اموری نظیر زیارت بزرگان و اولیاء الله تکفیر می کنند و هیچ فرقی بین زیارت و عبادت قائل نیستند. مؤلف کتاب «عقیده الشیخ عبدالوهاب» می نویسد:

... در آغاز قرن دوازدهم هجری، بیشتر مردم به خاطر رفتار شرک آمیز، به دوران جاهلیت بازگشته و مشرک شدند؛ زیرا از عبادت خدا روی گردانده و به عبادت اولیا و صالحان پرداخته و در مشکلات به آنان رو آورده و اهل قبور را عبادت می نمودند!^(۲)

بن باز می گوید: «پیش از حرکت محمد بن عبدالوهاب، مردم نجد به گونه ای بودند که هیچ مؤمنی از آن خشنود نبود و شرک بزرگ فراگیر شده بود تا جایی که درخت ها، گنبدها و... را می پرستیدند».^(۳)

برای سلفیان، تکفیر بسیار ساده است. آنان بدون اینکه عبادت را تبیین و رابطه زیارت و عبادت را روشن کنند، همه را به راحتی تکفیر می کنند؛ بر همین اساس علمای اهل تسنن برداشت وهابیت را نقد کرده و می گویند: «وهابیان مانند خوارج، اهل بغی اند و حکم اهل بغی در مورد آنها صادق است».^(۴) از این سلفی ها باید پرسید: آیا مشرک

ص: ۸۶

۱- (۱) ر. ک: مقالات الاسلامیین، ص ۸۶؛ الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۲۰؛ الفرق بین الفرق، صص ۱۰۳-۱۰۵؛ تاریخ المذاهب الاسلامیه، صص ۶۳ و ۶۴.

۲- (۲) عقیده الشیخ محمد بن عبدالوهاب، ص ۳۶.

۳- (۳) همان، ص ۴۵.

۴- (۴) علامه شامی، از علمای بزرگ دیوبندیه، می نویسد: «چنان که در زمان ما پیروان محمد بن عبدالوهاب خروج نموده و خود را پیروان احمد بن حنبل معرفی می نمایند، اما آنان بر این عقیده هستند که فقط آنها مسلمان و مخالفان

دانستن مسلمانان، خلاف صریح قرآن و روایات نیست که هر کس شهادتین را بر زبان جاری کند، مسلمان بوده و جان و مالش محترم است؟! گویا فراموش کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن صحابه ای که فردی را کشت، در عین اینکه شهادتین را گفته بود، فرمود: «مگر تو در دل او بودی که عقیده به خدا نداشت؟!»^(۱) آیا سلفیان تکفیری در دل هر مسلمان هستند که می گویند با زیارت بزرگان دین، آنان را می پرستیدند؟! مگر عبادت از امور قلبی نیست؟! آیا اعتقاد به خدا قلبی نیست؟!

واقعیت این است که دیدگاه سلفیان تکفیری با هیچ کدام از مبانی اصیل اسلام سازگاری ندارد و درباره رد دیدگاه های افراطی آنها علمای شیعه و سنی کتاب ها و آثار متعددی نوشته اند.^(۲) در اسلام برای تکفیرکننده جزای شدیدی در نظر گرفته شده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«من كفر مسلماً فقد كفر»؛ «شخص تکفیرکننده از جرگه اسلام خارج می شود». علاوه بر آن به خاطر عاملیت یا سببیت در قتل مسلمان باید قصاص شود و پس از آن، خلود در جهنم در انتظار اوست.

ص: ۸۷

۱- (۱) در اینکه بر اسلام شخص، ظن کفایت می کند، باب بزرگی در فقه اهل تسنن باز شده که به باب «أن الأحكام تناط بالمظان والظواهر، لاعلی القطع واطلاع السرائر» نام دارد؛ ر. ک: الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۳۳۸؛ المعجم الکبیر، ج ۱۸، ص ۲۲۶.

۲- (۲) ر. ک: مجله سراج منیر، «کتابشناسی تکفیر»، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۶.

طبق روایات نبوی صلی الله علیه و آله، اهل ذمه یا حتی کافر حربی اگر در تعهد مسلمانان است یا به او امان داده شده، کسی حق ندارد او را بکشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَإِنَّ رِيحَهَا تُوَجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا. (۱)

کسی که فرد عهدبسته را به قتل برساند، بوی خوش بهشت به مشام وی نخواهد رسید؛ حال آن که بوی خوش بهشت از فاصله چهل سال به مشام می رسد.

مَنْ قَتَلَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ سَبْعِينَ عَامًا. (۲)

کسی که فردی از اهل ذمه را به قتل برساند، بوی خوش بهشت به وی نخواهد رسید؛ حال آن که بوی خوش بهشت از فاصله هفتاد سال به مشام می رسد.

مَنْ آمَنَ رَجُلًا عَلَى دَمِهِ فَقَتَلَهُ فَأَنَا بَرِيءٌ مِنَ الْقَاتِلِ، وَإِنْ كَانَ الْمَقْتُولُ كَافِرًا. (۳)

مردی که تأمین جانی داشته باشد و کسی او را بکشد، من از قاتل بیزار می جویم؛ اگرچه مقتول کافر باشد.

در بعضی از روایات آمده است:

«وَجَبَتْ لَهُ النَّارُ» (۴)؛ «آتش (جهنم) بر وی واجب می گردد».

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله نه تنها از قتل، بلکه حتی از ترساندن یک مسلمان نیز نهی فرموده اند. در روایتی از سنن ابی داوود آمده است که گروهی از صحابه، فرد مسلمانی را که خواب بود، ترسانده و به وی خندیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از جویا شدن ماجرا به آنان فرمود:

«لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَرَوْعَ مُسْلِمًا» (۵)؛ «بر هیچ مسلمانی جایز نیست که مسلمان دیگری را بترساند». (۶)

ص: ۸۸

۱- (۱) صحیح بخاری، ح ۳۱۶۶، باب إِثْمَ مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا بِغَيْرِ جُرْمٍ.

۲- (۲) مسند احمد بن حنبل؛ ج ۴، ص ۲۳۷.

۳- (۳) المعجم الصغیر، طبرانی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۵۵۷.

۴- (۴) همان، ح ۱۶۴۹۴.

۵- (۵) سنن ابی داوود، ح ۴۳۵۱.

۶- (۶) «ترور و قتل عام از دیدگاه قرآن و اسلام»، مولوی سید محمد درتکیده؛ مقاله اعتقادات اهل سنت و جماعت، احناف

(بریلوی)؛ قتل از منظر قرآن، حوزه علمیه مجددیه نعیمیہ؛ نشانی مقاله و ارجاعات در فضای مجازی: moj.ieh.blo.com/post/۱۴

جهاد نیز تا آنجا که ممکن است باید سود معنوی دوطرفه داشته باشد.^(۱) وقتی دشمن در حال گمراهی کشته می شود، این جهاد فقط برای مجاهدان سود می بخشد. حتی الامکان باید دشمن زنده بماند و هدایت شود. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا - وَأَنَا أطمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتِدِي بِي وَنَعُشُوَ إِلَى ضَوْئِي وَذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَى ضَلَالِهَا وَإِنْ كَانَتْ تَبُوءُ بِأَثَامِهَا.^(۲)

سوگند به خدا هیچ روزی جنگ را به تأخیر نینداختم، مگر به امید اینکه گروهی از مردم [فربخ خورده] به من ملحق شوند و به وسیله من هدایت شوند و با آن بینایی ضعیفی که دارند، از روشنایی من بهره ور گردند. این [تأخیر در صورتی که چنین نتیجه ای در برداشته باشد] برای من محبوب تر از آن است که آن فربخ خوردگان را در ضلالتی که غوطه ورنند، نابود بسازم؛ اگرچه در سرنوشت و مقصد نهایی با گناهان خود دمساز شوند.

ط) ممنوعیت نسل کشی از منظر مکاتب فکری

اشاره

از نظر مکاتب الهی، قتل عام و نسل کشی مردود و ممنوع است. حتی اگر در عهدین چیزی غیر از این دیده می شود،^(۳) بنابر تصریح قرآن، این مطالب تحریف شده و منطبق با آموزه های پیامبران الهی نیست. از نظر مکاتب انسانی معاصر نیز کشتار جمعی انسان ها ممنوع است؛ به طوری که بعد از تأسیس سازمان ملل متحد، یکی از اولین مواردی که به آن پرداخته شد و مجازات های بین المللی برای آن در نظر گرفته شد، کشتار جمعی

ص: ۸۹

۱- (۱) حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ وَإِيمِ اللَّهُ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلِيَّ يَدِيكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ وَ لَكَ وَلَوْهُ يَا عَلِيُّ»؛ وسائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۴۳.

۲- (۲) نهج البلاغه، خطبه ۵۴.

۳- (۳) در عهد قدیم می خوانیم: «همه را در شهر هلاک کنید، زن و مرد و کودک و پیر و حتی گاوها و گوسفندها و چهارپایان را از دم تیغ بگذرانید و شهر و هر آنچه در آن هست را آتش بزنید». عهد قدیم، سفر یوشع، اصحاح ۶.

بود. نگاهی به اصول کنوانسیون منع کشتار جمعی مصوب توسط نمایندگان کشورهای مختلف، این موضوع را به خوبی ثابت می کند.

یک - تصویب کنوانسیون منع نسل کشی و کشتار جمعی

کنوانسیون مجازات و منع ارتکاب جرم نسل کشی در سال ۱۹۴۸ م و درست یک روز پیش از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسامبر ۱۹۴۸ م به تصویب رسید. گرچه در این کنوانسیون بحثی از مقوله تعهد دولت ها به منع پدیده نسل کشی به میان نیامده است، لیکن در واقع دولت های عضو، موظف به اجرای محتویات کنوانسیون می باشند که خود بیانگر منع دولت ها از این پدیده شوم است و عدم پیوستن دولت ها به معاهده منع ژنوسید، موجب اباحه این عمل از سوی آنها نیست. متأسفانه خود دولتمردان، این پدیده شوم را مرتکب می شوند تا از این طریق مخالفان خود را سرکوب کنند.

وظیفه ابتدایی منع نسل کشی مربوط به دولت هاست که در صورت تخطی، مسئولیت قضایی دارند؛ به همین دلیل دادگاه کیفری بین الملل، مطابق ماده ۶ و ۹ کنوانسیون، به رسیدگی به جرم نسل کشی مبادرت می ورزد. گفتنی است صلاحیت دادگاه کیفری بین الملل، به نوعی صلاحیت تکمیلی بوده که در صورت عدم مداخله دولت ها در جلوگیری از پدیده نسل کشی، ولو در زمان صلح، به این جرم رسیدگی می کند.

اطلاق پدیده نسل کشی در کنوانسیون لزوماً به معنای از بین بردن انسان ها به صورت دسته جمعی نیست. مطابق ماده ۳ کنوانسیون، اعمالی نظیر معاونت در جرم از طریق تبانی یا تحقق جرم مستقل یا در حد شروع به جرم نیز در شمول اطلاق این واژه قرار می گیرد. دادگاه های ملی نیز می توانند به این جرم رسیدگی کنند، ولی به لحاظ اینکه اصولاً دولتمردان، این جرم را انجام می دهند، می توان گفت که مطابق ماده ۴ کنوانسیون، اعضای حکومت نیز مشمول مجازات قرار می گیرند؛ به نظر می رسد موارد مندرج در

ماده ۳ کنوانسیون، در خصوص نسل‌کشی فیزیکی، جنبه حصری داشته و شامل ژنوسید فرهنگی و عقیدتی نمی‌شود. البته اصطلاح ژنوسید برای اولین بار در دادرسی‌های دادگاه نورنبرگ که در خصوص رسیدگی به جنایت‌های جنگی نازی‌ها در جنگ جهانی اول تشکیل شد، استعمال شد.^(۱)

دو - خلاصه متن کنوانسیون منع کشتار جمعی (ژنوسید)

طرف‌های متعاقد با در نظر گرفتن اینکه مجمع سازمان ملل متحد به وسیله قطعنامه شماره (۱) ۸۶، مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ م خود، اعلام داشته که کشتار جمعی (ژنوسید) جنایتی است که نسبت به حقوق بین‌الملل ارتکاب می‌شود و برخلاف روح و مقصد سازمان ملل بوده و دنیای متمدن چنین عملی را محکوم می‌کند و با اذعان به اینکه در تمام دوره‌های تاریخ، این عمل، خسارات بسیاری به عالم انسانیت وارد ساخته است و با اطمینان به اینکه برای رهایی عالم انسانیت از چنین بلیه وحشتناک، همکاری بین‌المللی ضرورت دارد، در مراتب ذیل موافقت حاصل نمودند:

ماده ۱: طرف‌های متعاقد تصدیق و تأیید می‌کنند که «ژنوسید»، اعم از اینکه در موقع صلح صورت گیرد یا جنگ، به موجب حقوق بین‌المللی، جنایت محسوب می‌شود و تعهد می‌کنند از آن جلوگیری کرده و مورد مجازات قرار دهند.

ماده ۲: در قرارداد فعلی، مفهوم کلمه «ژنوسید» یکی از اعمال مشروحه ذیل که به نیت نابودی تمام یا گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب گردد، از این قرار است:

۱. قتل اعضای آن گروه (ملی، قومی، نژادی و مذهبی)؛

ص: ۹۱

۱- (۱) از نمونه دولت‌هایی که به این عمل زشت دست یازیدند، می‌توان به دولت میلوشویچ، معروف به قصاب بالکان و وزیر جنگ وی، یعنی کارادزیچ در کشتار مسلمانان و بوسنیائیان، در خلال سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ م و نیز حمله وحشیانه اخیر اسرائیل به مردم بی‌دفاع غزه، اشاره کرد. کشور ایران در سال ۱۹۵۶ م به این کنوانسیون پیوسته است؛ ر. ک: متن کنوانسیون منع نسل‌کشی (ژنوسید) جاهلیت دنیای مدرن، رامین قنبری گچسارانی، نشانی مقاله در فضای مجازی:

<http://www.hoghooghd.com/bh-1/1257-1389-04-13-12-09-58.html>

۲. صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی افراد آن گروه؛

۳. قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیات زندگانی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود؛

۴. اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل آن گروه صورت گیرد؛

۵. انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه دیگر؛

ماده ۳: نسل کشی (ژنوسید) شامل: تبانی به منظور ارتکاب ژنوسید، تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب ژنوسید، شروع به ارتکاب به ژنوسید و مشارکت در جرم ژنوسید نیز می باشد.

ماده ۴: اشخاصی که مرتکب ژنوسید یا اعمال مشروحه در ماده سوم شوند، اعم از اینکه اعضای حکومت یا مستخدمان دولت یا اشخاص عادی باشند، مجازات خواهند شد.

ماده ۵: طرف های متعاهد، ملتزم می شوند که طبق قوانین اساسی مربوط خود، تدابیر قانونی لازم برای تأمین اجرای مقررات این قرارداد اتخاذ کنند و مخصوصاً کیفرهای مؤثر درباره مرتکبین ژنوسید یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده سوم را در نظر بگیرند.

ماده ۶: اشخاص متهم به ارتکاب ژنوسید یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده ۳، به دادگاه های صالح کشوری که جرم در آنجا ارتکاب شده یا به دادگاه کیفری بین المللی که طرف های متعاهد، صلاحیت آن را شناخته باشد، جلب خواهند شد.

ماده ۷: عمل ژنوسید و اعمال دیگر مذکوره در ماده ۳، از لحاظ استرداد مجرمین، جرم سیاسی محسوب نمی شود. در این قبیل موارد، طرف های متعاهد تعهد می کنند طبق قوانین کشور خود و قراردادهای موجود استرداد، موافقت کنند.

ماده ۸: هر یک از متعاهدین می توانند از مراجع صلاحیت دار سازمان ملل بخواهند که طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳، اقدامات مقتضی به عمل آورد. (۱)

ص: ۹۲

۱- (۱) متن ذیل ترجمه کنوانسیون مزبور برگرفته از سایت مرکز اطلاعات سازمان ملل است، همان.

فصل اول: گستر جمعیت سادات و مسلمانان شیعه در قرن اول هجری

اشاره

ص: ۹۳

در اواخر عمر شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زمان رحلت آن حضرت، عده زیادی از قبایل عرب شورش کرده و مرتد شدند. اگرچه بعدها در خصوص آن مبالغه زیادی شد و حتی لفظ «ارتدت العرب قاطبه»^(۱) نیز درباره آن به کار رفت. دلیل جرئت یافتن شورشیان، افزون بر فقدان حضور پیامبر صلی الله علیه و آله، اختلافی بود که در مدینه و میان صفوف مسلمانان رخ داده بود. اگر سران سقیفه، براساس فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله، به همراه سپاه اسامه حرکت می کردند و خلافت به کسی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم معین کرده بود انتقال می یافت، قبایل بیرون مدینه به خود جرئت سرپیچی از دولت مرکزی را نمی دادند.^(۲)

ص: ۹۵

۱- (۱) «عن عائشه قالت لما قبض رسول الله ارتدت العرب قاطبه»، البدایه والنهایه، ابن کثیر، ج ۶، ص ۳۳؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۳۰، ص ۳۱۴؛ نیل الاوطار، شوکانی، ج ۱، ص ۳۶؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۲۶۰.

۲- (۲) حضرت زهرا علیها السلام به این واقعت اشاره کرده، فرمود: «... به خدا قسم اگر دست خود را از زمامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام داده بود، برمی داشتند، آن را با دست خود می گرفت و ایشان را به راهی آرام می برد که مرکبش آزار نیند و سوارش اذیت نشود؛... و برای ایشان بر. کاتی از آسمان و زمین گشوده می شد»: بلاغات النساء، ابن طیفور، ج ۱، ص ۷۰. همچنین روایاتی در کتب اهل تسنن نقل شده که سخن حضرت زهرا علیها السلام را تأیید می کند و حضرت علی علیه السلام را موجب اتحاد جامعه اسلامی می داند؛ ر. ک: المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۲؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۸۷؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۵، ح ۳۲۹۸۳؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۸۳؛ المناقب، خوارزمی، ص ۳۲۹؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۸۶.

خلیفه اول قبل از پرداختن به بحران رده به سرکوبی مخالفان حاکمیت خود در مدینه پرداخت. (۱) قبلاً اشاره شد که برنامه ریزی برای حذف مخالفان، بدون محاکمه، از نوع «کشتار جمعی برنامه ریزی شده» است که متأسفانه در سال های اولیه بعد از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد. حمله به خانه حضرت زهرا علیها السلام که منجر به شهادت ایشان شد، (۲) ترور ناموفق حضرت علی علیه السلام و قتل برخی از صحابه، نمونه های بارزی از این اقدامات بود. (۳) از طرف دیگر، جریان رده دو فرصت بی نظیر برای خلیفه اول ایجاد کرد که عبارت بود از:

الف) بزرگ بنی هاشم، حضرت علی علیه السلام که از بیعت با او خوداری کرده بود، برای حفظ اساس اسلام، راه سکوت در پیش گرفت و طبعاً بنی هاشم و صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله نظیر سلمان، مقداد و ابوذر نیز از ایشان تبعیت کردند. (۴)

ب) خلیفه اول موفق شد با استفاده از جریان رده، به قبایل هوادار خلافت حضرت علی علیه السلام نیز برچسب ارتداد بزند. این در حالی بود که آنها مرتد نشده بودند و تنها به

ص: ۹۶

۱- (۱) انساب الاشراف، احمد بن یحیی، بلاذری، ج ۱، ص ۵۸۶؛ الامامه و السیاسه، ابن قتیبه، ج ۱، ص ۱۴؛ تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۳۰۸ و ج ۳، ص ۲۰۸؛ مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، الجمل، محمد بن محمد مفید، ص ۵۹.

۲- (۲) تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۶۱۹؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۱، ص ۶۲؛ لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۲۱۹؛ عقد الفرید، ج ۲۸، ص ۳۲۲ و ج ۳، ص ۱۶۳؛ الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۳؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۳۴ و ج ۲، ص ۱۹؛ اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۱۲۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۷۸؛ میزان الاعتدال، ذهبی، ج ۱، ص ۱۳۹؛ الوافی بالوفیات، صفدی، ج ۶، ص ۱۷؛ فرائد السمطین، الحموی الجوینی الشافعی، ج ۲، ص ۳۵؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۶۳۱.

۳- (۳) انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۹؛ العقد الفرید، ابن عبدربه، ج ۴، ص ۲۶۰؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، صص ۹۴، ۱۲۷؛ الامام علی بن ابی طالب، عبدالمقصود عبدالفتاح، ج ۱، ص ۱۵۳.

۴- (۴) حضرت در این باره فرمود: «تنها چیزی که نگرانم کرد، شتافتن مردم به سوی فلان شخص بود که با او بیعت کردند. من دست باز کشیدم، تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می خواهند دین محمد صلی الله علیه و آله را نابود سازند. پس من ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من سخت تر از رها کردن حکومت بر شماست»؛ نهج البلاغه، نامه ۵۳، ترجمه محمد دشتی، ص ۳۴۸.

دلیل حمایت از جانشینی حضرت علی علیه السلام از دادن زکات به او خودداری کردند و بعضاً نیز با اجازه ای که پیش تر از پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند، زکات را بین مستمندان قبیله خود تقسیم کردند.^(۱) ولی آن قبایل، به دلیل حمایت از جانشینی حضرت علی علیه السلام، بی گناه قتل عام شدند. برخورد همراه با قساوت سپاهیان خلیفه اول با این قبایل، اولین کشتار جمعی شیعه را در تاریخ رقم زد که به دو مورد برجسته آن اشاره می شود:

۱. قتل عام قبیله بنی یربوع

مسکن این قبیله نزدیک عراق، و رئیس آن، مالک بن نویره تمیمی، معروف به ابوالفضیل بود که از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می رفت. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد که او نماینده پیامبر صلی الله علیه و آله در قبیله خودش باشد. وی در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زکات و صدقات را جمع می کرد و به مدینه می فرستاد.^(۲) بعد از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، مالک بن نویره در روز جمعه ای وارد مدینه شد و ابوبکر را بر منبر پیامبر صلی الله علیه و آله مشاهده کرد. با تعجب پرسید: «وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله که به موالات او امر شده بودم، چه کرد؟» به او گفتند: «ای اعرابی! اتفاق دیگری بعد از آن افتاد». مالک گفت: «سوگند به خدا! اتفاقی نیفتاده، بلکه شما به خدا و رسول صلی الله علیه و آله خیانت کردید». سپس رو به خلیفه اول کرد و گفت: «چه کسی تو را بالای این منبر برده، درحالی که وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته است». ابوبکر فرمان اخراج او را از مسجد داد و بعد از آن واقعه به صورت پنهانی دستور قتل او را به خالد بن ولید داد؛ با هجوم خالد به قبیله مالک بن نویره او و نوزده تن از افراد قبیله اش قتل شدند.^(۳)

طبری و ذهبی در حوادث سال ۱۱ هجری تصریح به عدم ارتداد مالک بن نویره و

ص: ۹۷

۱- (۱) الإصابه، ج ۵، ص ۵۶۰.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۵۰۳؛ تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۳۳؛ مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ج ۱، ص ۲۶۷؛ ر. ک: قرائه جدیده لحروب الرده، علی کورانی عاملی، ص ۲۲۴.

قبیله اش دارند و از قول یکی از مهاجمان چنین می نویسند:

وقتی ما به قبیله مالک بن نویره حمله کردیم، اینها در برابر ما سلاح کشیدند و ما گفتیم که مسلمانیم. آنها هم گفتند: «ما نیز مسلمانیم». گفتیم: «اگر مسلمان هستید پس این سلاح ها چیست؟» اسلحه ها را به زمین گذاشتند. ما نماز خواندیم و قبیله مالک هم با ما نماز خواندند.^(۱)

ابن اعثم در الفتوح درخصوص چگونگی قتل عام قبیله مالک می نویسد:

خالد بن ولید دستور داد پسرعموهای مالک را گردن بزنند. آنها گفتند: «ما همه مسلمان هستیم؛ چرا به قتل ما دستور می دهی؟» پیرمردی از آنها گفت: «آیا ابوبکر دستور نداده کسی را که به سوی قبله نماز خواند، حق کشتنش را ندارید؟» خالد بن ولید گفت: «شما اصلاً یک لحظه هم نماز نخوانده اید». ابوقتاده که از صحابه بود، در مقابل خالد ایستاد و گفت: «خالد تو این حق را نداری که دستور کشتن اینها را صادر کنی. من خود شاهد بودم که اینها پشت سر ما نماز خواندند». ولی خالد نپذیرفت و دستور داد که اینها را یکی پس از دیگری گردن زدند. خالد دستور داد مالک را نیز گردن بزنند. مالک گفت: «آیا دستور قتل مرا صادر می کنی و حال آنکه من مسلمانم و به قبله نماز می خوانم؟» خالد گفت: «اگر مسلمانی، چرا زکات نمی دهی؟» مالک گفت: «پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داده است که زکات را به نایب و خلیفه واقعی برسانیم». در نهایت خالد گفت: «هیچ راهی ندارم جز اینکه تو را بکشم». مالک به همسرش نگاه کرد و گفت: «به خاطر این زن می خواهی مرا بکشی تا او را تصاحب کنی». خالد گفت: «نه، تو را به خاطر رجوعت از اسلام می کشم».^(۲)

این در حالی بود که خالد دلیلی بر ارتداد او نداشت. ذهبی در تاریخ اسلام تصریح

ص: ۹۸

۱- (۱) تاریخ الامم و الملوك، ج ۲، ص ۵۰۳، تاریخ اسلام، ج ۳، ص ۳۳.

۲- (۲) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۱؛ الإصابه، ج ۵، ص ۵۶۱.

می کند که خالد به ضرار بن ازور گفت: «گردن او را بزن، درحالی که مالک به همسرش نگاه می کرد».^(۱) خالد پس از قتل مالک به همسر او تجاوز کرد و سر بریده مالک بن نویره را که از شرفای قومش بود، برای پختن طعام زیر دیگ قرار داد.^(۲) اجساد قربانیان قتل عام نیز مدتی بر زمین ماند تا یکی از هم قبیله های مالک، به نام منهال، آنها را به خاک سپرد.^(۳) زنان این قبیله از جمله همسر مالک بن نویره که به وسیله خالد بن ولید هتک حرمت شده بود، اسیر شده، به مدینه آورده شدند که بعدها توسط افراد قبیله خود، آزاد شدند.^(۴)

سؤالی که مطرح می شود این است که آیا هرکس که زکات نداد، باید خود و تمام افراد قبیله اش کشته، زنانش اسیر و فروج آنها بر لشکریان مسلمان مباح شود؟ آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل امتناع ثعلبه از دادن زکات، چنین رفتاری با او و قبیله اش کردند؟ عجیب تر آن که در توجیه این کار می گویند خالد در این قتل عام اجتهاد کرده و در اجتهاد خود خطا کرده! حال آیا نمی توان همین موضوع را در مورد مالک بن نویره گفت که او در تقسیم زکات بین فقرای قبیله خود اجتهاد کرده و در اجتهادش خطا کرده؟! از طرف دیگر همسر مقتول، ولو مرتد و کافر، برای اینکه در حباله نکاح شخص دیگری قرار گیرد، باید عده وفات نگه دارد و طبعاً کار شنیع خالد، زنا محصنه محسوب می شد؛ عمر بن خطاب نیز به همین موضوع اشاره و برای خالد تقاضای سنگسار کرد.^(۵) از این رو توجیه برخی از متعصبین معاصر که می گویند خالد صبر کرد تا مدت عده همسر خالد

ص: ۹۹

-
- ۱- (۱) تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۳۳.
 - ۲- (۲) حال آنکه خداوند در قرآن می فرماید: (وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) «و به خاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می کند نگوئید: «مسلمان نیستی» زیرا غنیمت های فراوانی (برای شما) نزد خداست.» نساء: ۹۴. این کار خالد، بعدها در ادبیات عرب نیز انعکاس زیادی یافت و شعرا در مورد آن اشعار مشهوری سرودند: تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۵۰۳؛ الأغانی، ابونعیم اصفهانی، ج ۱۵، ص ۲۳۹؛ ر. ک: قرائه جدیده لحروب الرده، ص ۲۲۴.
 - ۳- (۳) بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۴۹۰.
 - ۴- (۴) النص والإجتهاد، سید شرف الدین، ص ۱۱۶.
 - ۵- (۵) تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۰۴.

بگذرد و بعد با او ازدواج کرد، مضحک است؛ چراکه اگر این مدت طولانی گذشته بود، جایی برای اعتراض عمر نبود؛ ثانیاً ابوبکر خالد را بعد از قتل عام قبیله بنی یربوع مأمور حمله به قبایل دیگر کرد؛ در آنجا نیز خالد همین کارها را انجام داد؛ چنان که وقتی خالد به سرزمین بنی حنیفه هجوم برد، در آن حمله نیز ۱۲۰۰ مسلمان کشته شدند. خالد، درحالی که هنوز این خون‌ها خشک نشده بود، در همان شب دختر مجاعه بن مراره، از رؤسای بنی حنیفه، را به زور با عنوان ازدواج تصاحب کرد.^(۱)

این بار حتی ابوبکر نیز اعتراض کرد؛^(۲) ثالثاً خالد علاوه بر چند زن عقدی خود، چگونه می‌تواند به هر قبیله‌ای که حمله کرده، زن و دختری را، به ادعای برخی، به عقد خود در آورد؟! برخی برای توجیه کار خالد، بدون اشاره به منبع قابل اطمینانی، گفته‌اند مالک بن نویره، مرتد و طرفدار و مؤذن سجاح (زن مدعی نبوت) شده بود؛ این در حالی است که منابع تاریخی تأکید می‌کنند که مالک نزد خالد به اسلام خود اقرار کرد. در صورت پذیرش این مطلب این سؤال مطرح می‌شود که وقتی خلیفه اول، مدعیان نبوت نظیر سجاح و قیس بن عبد یغوث را عفو می‌کند، چرا صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله با نوزده نفر از قبیله خود قتل عام می‌شود؟ حال آن که قیس بن عبد یغوث، افزون بر ادعای نبوت، قاتل دادویه، مسلمان ایرانی در یمن بود.^(۳) همچنین بنابر تصریح منابع، مالک و مردان قبیله اش وقتی گردن زده شدند که اسیر و دست بسته بودند. این در حالی است که حتی اگر کافر هم بودند، قتل عام آنها مبنای شرعی نداشت؛ چراکه اسلام اجازه

ص: ۱۰۰

۱- (۱) تاریخ الامم و الملوك، ج ۲، ص ۲۸۴؛ مغازی رسول الله، ج ۳، ص ۶۹؛ تاریخ الخمیس، ج ۳، ص ۳۴۳؛ ر. ک: تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۸۷؛ الثقات، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲- (۲) تاریخ الامم و الملوك، ج ۲، ص ۲۸۴؛ تاریخ الخمیس، ج ۳، ص ۳۴۳؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۸۷.

۳- (۳) شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «شاید این اولین موردی باشد که در آن حقوق اسلامی پایمال شد و تبعیض نژادی و تعصب قومی به کار رفت و برتری عرب را بر عجم به کار بستند؛ زیرا همه می‌دانستند که قیس مرتد شده و با دشمنان اسلام نیز همکاری می‌کند و دادویه، مسلمان ایرانی، برای دفاع از اسلام کشته شده است»؛ مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج ۱۴، ص ۹۳، «اسلام از نظر ملیت ایرانی، مبارزه ایرانیان یمن با گروهی از مرتدین عرب».

قتل عام اسرا را نداده است.

به این قتل عام دو دسته از افراد اعتراض کردند: اول، افرادی از صحابه، از جمله ابوقتاده که در مقابل خالد ایستاد و گفت: «خالد تو حق نداری دستور کشتن اینها را صادر کنی. من خود شاهد بودم که اینها پشت سر ما نماز خواندند». بعد از این ماجرا ابوقتاده با خداوند عهد کرد که در هیچ سفری همراه خالد بن ولید نباشد؛^(۱)

دوم، افرادی از صحابه که در مدینه به این قتل عام اعتراض کردند؛ از جمله عمر بن خطاب که به خالد گفت: «مسلمانی را می کشی و بر همسر او تجاوز می کنی؟ قسم به خدای عالم در حق تو حد جاری می کنم و تو را سنگسار خواهم نمود». خالد نزد ابوبکر رفت و گفت: «من اجتهادی کردم و در این اجتهاد خود خطا نمودم». ابوبکر به عمر گفت: «خالد تأویل و اجتهادی کرده و خطا نموده است». لذا از حد زدن به خالد ابن ولید صرف نظر کرد.^(۲)

موضوع دیگر در این قضیه، اختلاف نظر خلیفه اول و دوم است. عمر بن خطاب، خالد را عدو الله، مستحق رجم، زناکار و قاتل نفس محترمه می دانست.^(۳) اما ابوبکر او را شمشیر خدا و مجتهد خطاب می کرد^(۴) و حتی می گفت: «من هرگز شمشیری که خداوند آن را از نیام کشیده، در نیام نخواهم کرد!»^(۵)

ص: ۱۰۱

۱- (۱) تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۵۰۳؛ تاریخ اسلام، ج ۳، ص ۳۳.

۲- (۲) تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۵۰۴.

۳- (۳) همان، ج ۲، ص ۵۰۳؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، صص ۳۵۸ و ۳۵۹؛ وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، ابن خلکان، ج ۶، ص ۱۵؛ تاریخ الإسلام، ج ۳، صص ۳۶ و ۳۷؛ إمتاع الأسماع، مقریزی، ج ۱۴، ص ۲۳۹؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۵، ص ۶۱۹.

۴- (۴) تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۵۰۴.

۵- (۵) همان، ج ۲، صص ۵۰۳ و ۵۰۴؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۵۹؛ إمتاع الأسماع، ج ۱۴، صص ۲۳۹ و ۲۴۰.

۶- (۶) الکامل فی التاریخ، ج ۲، صص ۳۵۸ و ۳۵۹.

ابن اعثم در الفتوح می نویسد:

زیاد بن لبید، از جانب خلیفه اول، به طرف قبیله کنده و بنی تمیم رفت و از آنها تقاضای زکات و دعوت به خلافت ابوبکر کرد. برخی بزرگان قبیله بنی تمیم، نظیر حارث بن معاویه، عدم سابقه عهد با ابوبکر را مطرح کردند. (۱) ولی زیاد به انتخاب اهل مدینه اشاره کرد. حارث درباره حق اهل بیت علیهم السلام پرسید: «چرا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را از خلافت دور کردید و حال آنکه آنها شایسته ترین انسان ها به خلافت بودند و قرآن می گوید: (وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ)» (۲) «و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته، (از دیگران) سزاوارترند». زیاد گفت: «برای اینکه مهاجرین و انصار نظر دادند که ابوبکر برای خلافت شایسته است». حارث بن معاویه جواب داد: «قسم به خدا این چنین نیست. شما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را جز از راه حسد، از خلافت دور نکردید. ما نمی توانیم باور کنیم که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا برود، ولی خلیفه ای برای مردم معین نکند». (۳)

آن گاه از زیاد خواست که از قبیله اش بیرون رود و گفت: «از ما دور شو! تو ما را به غیر رضای خداوند دعوت می کنی». برخی دیگر از صحابه حاضر در آنجا نظیر عرفطه بن عبدالله ذهلی نیز به زیاد اعلام کردند که ما به خلیفه شما نیازی نداریم و ما پیرو پیامبر صلی الله علیه و آله و خلیفه منصوب او هستیم. بعد از آن هر جا که زیاد بن لبید می رفت، به او می گفتند که ما حاضر نیستیم زیر بار خلافت ابوبکر برویم. (۴)

ابن اعثم در ادامه می نویسد: زیاد خود را به مدینه رساند و گزارش این قضایا را به

ص: ۱۰۲

۱- (۱) الفتوح، ابن اعثم، ج ۱، ص ۴۸.

۲- (۲) انفال: ۷۵.

۳- (۳) الفتوح، ج ۱، ص ۴۸.

۴- (۴) همان، صص ۱۸، ۴۸ و ۵۳.

ابوبکر داد. ابوبکر سپاهی تازه نفس به تعداد سه هزار نفر، به فرماندهی زیاد بن لبید، به طرف آنها فرستاد. (۱) همچنین مهاجر بن ابی امیه را با هزار نفر، و عکرمه بن ابی جهل را با پانصد نفر به سوی آنها روانه کرد. اشعث بن قیس، یکی از رؤسای کنده، با آنها جنگید و ابتدا پیروز شد. ولی بعد از آن به قلعه ملوک کنده، در نزدیکی حصرموت، پناه برد. سپاه ابوبکر قلعه را محاصره کرد و با طولانی شدن محاصره، اشعث بن قیس، به قبیله خود خیانت کرد و برای خود و ده نفر از همراهانش امان گرفت و قلعه را تسلیم کرد. (۲)

سپاه خلیفه اول، به غیر از اشعث و ده نفر از همراهان او، بقیه مردان ساکن قلعه را که هفتصد الی هشتصد نفر بودند، قتل عام و اموال آنها را غارت کردند و زنان را به اسارت بردند. خلیفه اول می خواست آنها را میان مردم تقسیم کند، ولی عمر مانع شد و گفت: «اینها همه زنان مسلمان و گوینده لا إله إلا الله هستند». (۳) سرانجام ابوبکر دستور داد همه آنها را زندانی کنند. وقتی عمر به خلافت رسید، دستور آزادی آن زنان را داد و گفت: «همه برای رضای خدا آزاد هستید و برای آزادی هم نیازی به فدیة ندارید». (۴)

ابوبکر پس از کشتار هشتصد مسلمان و اسارت زنان آنها، اشعث بن قیس را که به قبیله خویش خیانت کرده بود از مقربان خود قرار داد و خواهر خود را به عقد او در آورد. (۵) اشعث از آن زمان به نام «عرف النار» معروف شد و همه حتی قبیله اش وی را

ص: ۱۰۳

۱- (۱) الفتوح، صص ۴۸-۵۳.

۲- (۲) اشعث بن قیس اعتقادات شیعی نداشت. از این رو به آنها خیانت کرد و از مقربان خلیفه اول شد؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۱۶؛ معجم الرجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۹۴.

۳- (۳) این اعترافات نشان می دهد افرادی را که به بهانه ارتداد می کشتند، جز برخی هواداران مدعیان نبوت، بقیه مرتد نشده و ضرورتی از ضروریات اسلام را انکار نکرده بودند؛ الفتوح، ج ۱، ص ۴۸.

۴- (۴) الامامه و السیاسه، ابن قتیبه، ج ۲، ص ۱۱۹.

۵- (۵) الفتوح، ج ۱، ص ۴۶.

لعن می کردند. (۱) حضرت علی علیه السلام نیز بعدها به خیانت او اشاره کردند. (۲)

کندیون موضوع اولویت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را برای جانشینی مطرح و با خلافت خلیفه اول مخالفت کردند. آنان، آن طوری که برخی گمان کرده اند، مرتد نبودند. گفتنی است حارث بن معاویه بن زمعه که با فرستاده خلیفه اول احتجاج کرد، صحابی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و از روایت احادیث بود و عباده بن صامت و ابی درداء از او حدیث نقل کرده اند. (۳) البته برخی منابع، جرقه اختلاف را اصرار زیاد بن لبید در خصوص یک شتر می دانند و می نویسند: زیاد بن لبید که مأمور زکات آن منطقه بود، ناقه مردی را به عنوان زکات مهر نهاد، درحالی که زکاتی بر او نبود. برادر آن شخص به زیاد گفت: «به جای آن، ناقه جمل (شتر بهتری) از من بگیر و ناقه برادرم را رها کن؛ چراکه بر او زکات نیست». زیاد گمان کرد که بهانه گیری می کند. بنابراین او را [به راحتی] به کفر متهم کرد. آن مرد، هم پیمانان خود را فرا خواند. حارثه بن سراقه که از بزرگان قبیله بود، به زیاد گفت: «آن جوان را رها کن و به جای آن، بعیری از من بگیر». ولی او نپذیرفت و سرانجام این برخورد نادرست فرستاده خلیفه اول باعث بروز اختلاف شد و به مدینه برگشت و آنها را مرتد خواند. (۴)

علامه کورانی این قول مقریزی را نیز می آورد و با توجه به شواهد تاریخی، اصل مخالفت آنها را با ابوبکر درباره خلافت و گرایش آنها به اهل بیت علیهم السلام می داند؛ اگرچه

ص: ۱۰۴

۱- (۱) امتاع الاسماع، مقریزی، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

۲- (۲) اشعث همچنین با ابن ملجم در قتل علی علیه السلام همکاری کرد و دخترش جعده، با تحریک معاویه، امام حسن علیه السلام را مسموم کرد و فرزندش محمد بن اشعث، نواده ابی بکر، یکی از فرماندهان لشکر یزید در قتل عام کربلا بود؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹، ص ۶۴؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۹۱؛ الفتوح، ابن الأعمش، ج ۱، ص ۴۶؛ المنتظم، ابن جوزی، ج ۴، ص ۸۶.

۳- (۳) سنن البیهقی، ج ۹، ص ۲۱؛ شعب الإیمان، ج ۷، ص ۴۲.

۴- (۴) امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

سبب و جرقه بروز جنگ را مربوط به ناقه می داند؛ با این همه آنچه به راحتی نمی تواند اثبات شود، ارتداد آنهاست. (۱)

خلیفه اول اندکی بعد از قتل عام کنده، در آستانه فتوحات خارجی، در گذشت و عمر ابن خطاب جانشین وی شد و به کشتار هواداران اهل بیت علیهم السلام و مخالفان خود ادامه داد. بنابراین یکی از اولین کارهایی که انجام داد، قتل سعد بن عباده، بزرگ قبیله خزرج بود؛ (۲) چراکه سعد با خلیفه اول و دوم بیعت نکرد و در حوران شام (جایی که سر راه دمشق قرار دارد) ساکن شد. عمر در سال پانزدهم هجری، محمد بن مسلمه و خالد ابن ولید را برای قتل او به حوران فرستاد (۳) و آن دو، شبانه، هر کدام تیری به سوی او انداختند و او را به قتل رساندند. (۴)

بلال حبشی نیز که از دوستان اهل بیت علیهم السلام بود، با یارانش به طور مشکوکی مسموم شد و به قتل رسید. عمر بارها گفته بود که خدایا مرا از شر بلال و یارانش رها کن! (۵)

عثمان نیز برخی از صحابه هوادار حضرت علی علیه السلام را مورد ضرب و جرح قرار داد (۶) و با

ص: ۱۰۵

۱- (۱) ر. ک: قرائه جدیده لحروب الرده.

۲- (۲) تاریخ اسلام، ج ۳، ص ۱۴۹؛ العقد الفرید، ج ۴، ص ۲۴۷.

۳- (۳) العقد الفرید، ج ۴، ص ۲۴۷.

۴- (۴) بعدها برای اینکه این قتل را بیوشند، شایع کردند که سعد بن عباده چون ایستاده بول کرد، جنیان او را با تیر زدند. در این باره نیز شعری از جنیان نقل کردند که خلاصه معنای آن چنین است: «ما سعد بن عباده را به وسیله دو چوبه تیر که بر او زدیم به قتل رسانیدیم». یکی از انصار مدینه یک رباعی در جواب آن سرود که خلاصه معنای آن این است: «گناه سعد این نبود که ایستاده بول کرد، بلکه گناهی همان بود که با خلیفه اول بیعت نکرد».

۵- (۵) تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۰، ص ۲۹۰؛ اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۱۳؛ تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۱۸۸. طبعاً مباشر این ترور جمعی کسی جز فرماندار خلیفه دوم در شام، یعنی معاویه، نمی توانست باشد. او شعار معروفی با این عنوان داشت که «خداوند سپاهیان را از غسل دارد» و با غسل مسموم قربانیان را نابود می کرد؛ ر. ک: نجاح الطائی، «چه کسانی پیامبر صلی الله علیه و آله را مسموم کردند»، ص ۶۸.

۶- (۶) مورخان صریحاً به ضرب و جرح عبدالله بن مسعود و عمار یاسر توسط غلامان عثمان و به دستور وی اشاره کرده اند؛ انساب الاشراف، بلاذری، ص ۵۲۵.

دستور تبعید ابوذر به نقطه ای دور از آب و غذا، مرگ تدریجی و شهادت او را رقم زد. (۱)

همچنین ولید بن عقبه، فرماندار خلیفه سوم، «دینار» را به جرم مشارکت در فرار جندب که از شیعیان حضرت علی علیه السلام بود به شهادت رساند. (۲) عبدالله بن ابی سرح، حاکم اموی خلیفه سوم در مصر، چنان ظلم کرد که مصریان از او شکایت و دادخواهی کردند. ولی عبدالله برخی از آنان را به قتل رساند. (۳) سپس هفتصد نفر از مصریان به مدینه آمدند، ولی خلیفه سوم یا مشاور او، مروان، به عبدالله نامه نوشت و دستور داد معترضان مصری را بکشد. گفتنی است میان معترضان، شیعیانی چون مالک اشتر به چشم می خوردند. برخی گفته اند آن نامه را مروان، بدون اجازه عثمان، نوشت و به مهر خلیفه مهور کرد. اما به هر حال، افشای دستور قتل عام معترضان، باعث بازگشت آنها به مدینه و شورش عمومی علیه خلیفه سوم شد که موجبات قتل او را فراهم کرد.

گفتار دوم: کشتار شیعیان بصره توسط شورشیان جمل در زمان حضرت علی علیه السلام

بعد از بیعت مهاجرین و انصار و نمایندگان دیگر مناطق با حضرت علی علیه السلام و آغاز خلافت آن حضرت، طلحه، زبیر و عایشه، اولین علم مخالف را با عنوان خونخواهی عثمان، برپا کردند. آنها از مکه به طرف بصره حرکت کردند و نزدیک آن شهر مستقر شدند. به دستور امام علی علیه السلام، عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، موظف شد شورشیان را به راه حق فراخواند و اگر نپذیرفتند، تا رسیدن امام، در برابر آنان مقاومت کند. (۴) عثمان بن حنیف به مردم گفت که مسلح و آماده شوند. ولی عایشه با شورشیان وارد

ص: ۱۰۶

۱- (۱) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲- (۲) جندب به جرم کشتن ساحری یهودی که در مسجد سحر می کرد، توسط ولید بن عقبه زندانی شده بود؛ رک: سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۷۶؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۲۵؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۵۶۵.

۳- (۳) الامامه والسیاسه، ابن قتیبہ دینوری، ص ۳۶.

۴- (۴) اسکافی، ص ۶۰.

مُرَبَّد (۱) شد و عده ای از بصریان به وی پیوستند و طلحه و زبیر نیز مردم را به شورش برانگیختند؛ به همین دلیل میان یاران عثمان بن حنیف دودستگی افتاد و گروهی به شورشیان پیوستند. جاریه بن قدامه، از یاران امام علی علیه السلام، عایشه را نصیحت کرد و گفت که کشتن عثمان سبک تر از کار توست که از خانه خویش بیرون آمده ای و ستر و حرمت خود را هتک کرده ای.

حُکیم بن جَبَله، سردار سواران عثمان بن حنیف، به جنگ با شورشیان پرداخت. از این رو میان یاران عثمان و عایشه، در جایی به نام دارالرزق (۲) در زابوقه (مکانی نزدیکی بصره)، جنگ سختی در گرفت و بسیاری از یاران عثمان (دست کم پانصد تن از قبیله عبدالقیس) کشته شدند؛ اما سرانجام دو گروه صلح کردند. (۳) طرفین قرارداد نوشتند که از جنگ دست بکشند تا امام علی علیه السلام بیاید؛ در بازار و گذر متعرض یکدیگر نشوند؛ دارالاماره، بیت المال و مسجد در اختیار عثمان بن حنیف باشد و طلحه و زبیر و یارانشان هر جا که می خواهند اقامت کنند. سپس مردم پراکنده شدند و سلاح های خود را بر زمین نهادند. (۴)

دو روز بعد، طلحه و زبیر، از بیم آنکه علی علیه السلام برسد و بر آنان چیره گردد، پیمان را شکستند و در پی آن، بر سر عثمان بن حنیف که در حال خواندن نماز عشا در مسجد بود، ریختند. (۵) ابتدا عایشه دستور داد وی را بکشند. اما بعد منصرف شد و دستور داد او را حبس کنند. از این رو به وی چهل تازیانه زدند و به دستور طلحه یا مُجاشع بن مسعود، موی سر و صورت و ابروان و پلک هایش را کردند و او را حبس کردند. آن گاه عبدالله بن زبیر و

ص: ۱۰۷

۱- (۱) از محله های بزرگ و مشهور بصره؛ یاقوت حموی، ذیل «مُرَبَّد».

۲- (۲) مدینه الرزق، قریه الارزاق.

۳- (۳) فتوح البلدان، ج ۲، صص ۱۶۰ و ۱۶۱؛ تاریخ طبری، ج ۴، صص ۴۶۳-۴۶۷ و ۴۶۹؛ الارشاد، شیخ مفید، صص ۲۷۸-۲۸۰.

۴- (۴) تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۱۰۹؛ الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۶۹؛ فتوح البلدان، ج ۲، ص ۱۶۱؛ الفتوح، ج ۲، ص ۴۵۸؛ الارشاد، ص ۲۸۰؛ تاریخ طبری، ج ۴، صص ۴۶۷ و ۴۶۸.

۵- (۵) فتوح البلدان، ج ۲، ص ۱۶۲؛ تاریخ طبری، ج ۴، صص ۴۶۸ و ۴۶۹.

گروهی به سوی دارالاماره رفتند و چهل [یا به قولی] هفتاد نگهبان عثمان بن حنیف را کشتند و وارد قصر شدند و طلحه و زبیر بیت المال را تصرف کردند.^(۱) بنابراین تعداد زیادی از شیعیان حضرت علی علیه السلام، بی آن که هیچ نقشی در ماجرا داشته باشند، بی گناه قتل عام شدند. حضرت علی علیه السلام سوگمندان دربار آن شهیدان چنین می نویسد:

... فقدموا علی عمالی وخران بیت المال المسلمین الذی فی یدی، وعلی أهل مصر، کلهم فی طاعتی وعلی بیعتی، فشتتوا کلمتهم، وأفسدوا علی جماعتهم، ثم وثبوا علی شیعتی من المسلمین فقتلوا طائفه منهم غدرا، وطائفه صبرا، وطائفه عصبوا بأسیافهم فضاربوا بها حتی لقوا الله صادقین، فوالله لو لم یصیبوا منهم الا رجلا واحدا متعمدا لقتله بلا جرم جرہ لحد لى به قتل ذلك الجيش كله فمدع ما انهم قد قتلوا من المسلمین أكثر من العده التي دخلوا بها علیهم وقد أدال الله منهم فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظالمین.^(۲)

[اصحاب جمل] بر اهل شهری هجوم آوردند که همه ایشان در طاعت و بیعت من بودند و سخن آنها را درباره من پراکنده کردند و جماعت آنها را فاسد کردند. سپس بر شیعیان من، از مسلمانان شیخون زدند و جمعی را با فریب و جمعی را با قتل صبر، کشتند و عده ای از شیعیان به شمشیر خود تکیه کردند و با آنها جنگیدند تا اینکه خدا را، درحالی که صادق بودند، ملاقات کردند. به خدا قسم اگر این ظلم آنان تنها به یک نفر رسیده بود، برای من جنگ با این جمع شورشی حلال بود. درحالی که آنان عده زیادی از مسلمانان را کشتند....

ثقفی در الغارات در این باره می نویسد:

أن عسكر الجمل قتلوا طائفه من شیعه امیر المؤمنین علیه السلام بالبصره بعد أن أمنوهم غدرا.^(۳)

ص: ۱۰۸

۱- (۱) نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲ و ۲۱۸؛ الامامه والسیاسه، ج ۱، صص ۶۹ و ۷۰؛ فتوح البلدان، ج ۲، ص ۶۲؛ تاریخ طبری، ج ۴، صص ۴۶۸-۴۷۰؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰۳.

۲- (۲) نهج البلاغه، خطبه ۲۱۸.

۳- (۳) الغارات، ج ۱، ص ۳۱۱.

همانا لشکر جمل عده ای از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام را در بصره کشتند، بعد از اینکه از روی فریب به آنها امان داده بودند.

همچنین امام علی علیه السلام بعد از جنگ جمل در جواب ابوبرده ازدی مجدداً به موضوع قتل عام شیعیان بصره اشاره فرمود و آن را دلیلی بر مهدورالدم بودن اصحاب جمل اعلام کرد.^(۱) مطابق فرموده حضرت علی علیه السلام، مردم بصره تماماً تحت بیعت با امیرمؤمنان علیه السلام بودند و اقدام طلحه، زبیر و عایشه، شورش آشکار علیه امام علیه السلام به شمار می رفت. بنابراین آن عده که مانع ورود شورشیان به شهر خود شدند، مظلومانه و به ناحق کشته شدند. شورشیان حتی به کسانی که پس از پیمان صلح، میدان جنگ را ترک کرده و به خانه رفتند نیز حمله کردند و افزون بر آن، چهل یا به قولی هفتاد نفر از نگهبانان بیت المال را هم قتل عام کردند. حضرت علی علیه السلام به این شیخون شورشیان صریحاً اشاره کرده است و می فرماید:

ثم وثبوا علی شیعتی من المسلمین فقتلوا طائفه منهم غدرا، وطائفه صبورا.^(۲)

سپس بر شیعیان من، از مسلمانان شیخون زدند؛ عده ای را با فریب و عده ای را با قتل صبر، کشتند.

این جمله امیرالمؤمنین علیه السلام اثبات می کند که کشته شدن جمعی از شیعیان بصره به شیوه قتل صبر^(۳) بوده که در روایات به شدت از آن منع شده است.

در دوره های بعد، از جمله قرن چهارم، حنابله متعصب، جریان عایشه و اصحاب جمل را شبیه سازی کردند و هر زمان عده ای مسلمان بی گناه، از جمله شیعیان را با یادآوری جنگ جمل، به کام مرگ می فرستادند.^(۴)

ص: ۱۰۹

۱- (۱) ر. ک: الفتوح، ص ۴۴۴.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۵۷۰.

۳- (۳) قتل صبر به نوعی از کشتن گفته می شود که انسان یا حیوانی را در جایی نگه دارند و آن قدر به او ضربه بزنند تا بمیرد؛ مجمع البحرین، صص ۳۰۳ و ۳۰۶.

۴- (۴) ر. ک: الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۴۵۰؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ج ۲۷، ص ۲۵.

گفتار سوم: کشتار شیعیان توسط خوارج در زمان حضرت علی علیه السلام

یکی از نتایج شورش معاویه در برپایی جنگ صفین و اقدامات عمروعاص در جریان تحکیم، ایجاد جریان شورشی خطرناک به نام خوارج بود؛ خوارج بارها به قتل عام شیعیان پرداختند؛ از جمله اقدامات خونین آنها قتل فجیع عبدالله بن خباب بن الارت، (۱) خانواده و همراهانش بود که یکی از صفحات غم انگیز تاریخ اسلام است. ابن خباب از تابعین و شیعه حضرت علی علیه السلام بود. خوارج هنگام رفتن به نهروان وی را دیدند که بر گردن خود قرآنی انداخته، سوار بر درازگوشی است و خانواده او، در حالی که همسرش حامله بود، همراه او بودند. خوارج به عبدالله گفتند: «چه می گویی در حق علی علیه السلام بعد از تحکیم؟» وی گفت: «إِنَّ عَلِيًّا أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَشَدُّ تَوْقِيًّا عَلَى دِينِهِ وَأَنْفَعُ بَصِيرَةً». خوارج از حمایت او از حضرت علی علیه السلام خشمگین شدند و گفتند: «تو از هدایت پیروی نمی کنی و تابع اسم و رسم مردان هستی!» سپس او را کنار نهر آورده، بر زمین خواباندند و سرش را بریدند. (۲)

برخی مورخان بعد از ذکر داستان خوگ و نصرانی ذمی (۳) و امان دادن آنها به

ص: ۱۱۰

۱- (۱) وی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام و پدرش، خباب بن ارت، یکی از اصحاب بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و از یاران با وفای امیرالمؤمنین علیه السلام بود و در راه اسلام شکنجه های سختی را از مشرکین تحمل کرد. عبدالله بن خباب، چنان که ابن شهر آشوب گفته، هنگامی که خوارج به نهروان آمدند، از طرف امیرالمؤمنین علیه السلام والی آنجا بود؛ زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام، سیدهاشم رسولی محلاتی، ص ۶۳۱.

۲- (۲) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، صص ۲۰۶ و ۲۰۷.

۳- (۳) نوشته اند: مردی از ایشان متعرض خوگ نجسی شد و او را کشت، بدو گفتند: این کاری که کردی «فساد فی الارض» و تبهکاری در زمین بود و چرا این کار را کردی؟ در پاره ای از نقل هاست که مردی که خوگ را کشته بود، نزد صاحب آن که مرد نصرانی و اهل ذمه بود، رفت و او را راضی کرد. همچنین نوشته اند پس از قتل عبدالله بن خباب نزد مرد نصرانی که دارای نخل خرمايي بود رفته، از او خواستند تا خرماي آن نخل را به آنها بدهد! نصرانی گفت: «از آن شما باشد!» گفتند: «تا قیمت آن را نگیری ما بدان دست نمی زنیم!» نصرانی گفت: «بسیار شگفت است که شما مردی چون عبدالله بن خباب را می کشید، ولی حاصل یک درخت خرما را بدون پرداخت بهای آن نمی پذیرید!»، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، صص ۲۰۶ و ۲۰۷؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۵۱.

ابن خباب نقل کرده اند: هنگامی که عبدالله بن خباب آن احتیاط و پرهیز آنها را دید، بدان ها گفت: «اگر شما راست می گوئید، به نظر من نباید از طرف شما به من صدمه ای برسد؛ زیرا به خدا سوگند، من در اسلام بدعتی نگذارده و کار خلافی انجام نداده و شخص مؤمنی هستم و شما مرا امان دادید و گفتید: ترسی بر تو نیست!» ولی خوارج امان و عهد خود را شکستند و عبدالله را کنار نهر آوردند و مثل گوسفند سر بریدند که خورش داخل آب شد. (۱)

خوارج سپس به سراغ همسر حامله اش رفتند. او از روی ترحم خواهی بدان ها گفت: «آیا از خدا نمی ترسید؟! من یک زن هستم!» ولی آنها او را نیز کشته و شکمش را دریدند! سپس سه زن دیگر را نیز به قتل رساندند که میان آنها ام سنان صیداوی، از زنانی بود که صحبت رسول خدا صلی الله علیه و آله را درک کرده و «صحابیه» بود. (۲)

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد:

از خبرهای شنیدنی آنها یکی این است که اینان در راه خود که می رفتند به دو مرد، یکی مسلمان و دیگری نصرانی برخوردند؛ مسلمان را کشتند، چون عقیده اش بر خلاف عقیده آنها بود و نصرانی را رها کردند و گفتند: «تحت ذمه مسلمانان است و باید حفظ ذمه بشود!» (۳)

آنها پیش از قتل عبدالله از او خواستند از پدرت برای ما حدیثی بگو! عبدالله گفت: از پدرم شنیدم که می گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

ستكون بعدی فتنه يموت فيها قلب الرجل كما يموت بدنه يمسی مؤمنا و یصبح کافرا

ص: ۱۱۱

۱- (۱) در چند نقل آمده که وقتی خون عبدالله در نهر آب ریخت، با آب داخل نشد و روی آب، همانند روی زمین، جریان یافت؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۵۱؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۰۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۸۲۰.

۲- (۲) حیاة الامام الحسین بن علی علیه السلام، ج ۲، ص ۸۲.

۳- (۳) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۰۳. اقدامات تکفیری های امروز در قتل عام مسلمانان شیعه و رها کردن صهیونیست ها دقیقاً انسان را به یاد این اعمال خوارج حروریه می اندازد. گویا تاریخ در زمان ما تکرار شده است.

فکن عند الله المقتول ولا تكن القاتل. (۱)

به زودی فتنه ای پدید خواهد آمد که دل مرد در آن بمیرد، همان گونه که بدنش می میرد. روز را به شب درآورد، درحالی که مؤمن است و شب را به روز آورد، درحالی که کافر است. در آن روز تو نزد خدا مقتول باش، ولی قاتل نباش. (۲)

خوارج همچنین قاصدان صلح حضرت علی علیه السلام را به قتل و بعد از شکست در نهروان، خود حضرت را به شهادت رساندند. بعدها نیز خوارج به دشمنی خود با شیعیان ادامه دادند؛ چنان که شیعیان زیادی در مناطق مختلف جهان اسلام، قربانی کینه تاریخی خوارج شدند. (۳)

گفتار چهارم: کشتار جمعی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیانشان به دست خاندان ابوسفیان

۱. کشتار جمعی مسلمانان شیعه در غارات معاویه

اشاره

کشتار جمعی شیعیان به دست معاویه از همان زمان امام علی علیه السلام آغاز شد. معاویه پس از پیکار نهروان سپاهیان را به نقاط مختلف مملکت اسلامی آن روز که تحت حاکمیت امام علی علیه السلام بود، فرستاد تا با قتل و غارت، حاکمیت حضرت علی علیه السلام را ناامن کنند؛ از جمله سردسته این غارتگران، بسر بن ارطاه، سفیان بن عوف غامدی، نعمان بن

ص: ۱۱۲

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۳۵۴.

۲- (۲) ظاهراً معنای «مقتول باش و قاتل نباش» این باشد که در چنین روزی اگر کشته شوی و دین تو سالم باشد، بهتر از آن است که قاتل باشی و دین تو به خطر افتد؛ چنان که وضع او با خوارج این گونه بود و پس از این گفت و گو او را کشتند. در جای دیگر در کتاب صفین ابن دیزیل نقل شده که وقتی از او پرسیدند چه حدیثی از پدرت شنیدی که از رسول خدا نقل کرده؟ او همان حدیث معروف را که درباره خوارج از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «... یمرقون من الدین کما یمرق السهم من الرمیة...» بیان کرد.

۳- (۳) ابوالفرج اصفهانی حتی به قتل برخی از سادات به دست خوارجی اشاره می کند که قعه بودند؛ یعنی در جنگ ها شرکت نمی کردند؛ مقاتل الطالبيين، ابوالفرج اصفهانی، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۲۷.

بشیر و ضحاک بن قیس بودند.^(۱)

اولین منبع تاریخی که به صورت تخصصی به این موضوع پرداخته، کتاب «الغارات» ثقفی است. غارتگری های سرداران معاویه در قلمرو حکومتی حضرت امیر علیه السلام، با تهاجم ضحاک بن قیس، آغاز شد و با کشتارهای بسر بن ارطاه پایان یافت.

الف) فجایع ضحاک بن قیس فهری

معاویه، در اولین غارات خود، ضحاک بن قیس فهری را با سپاهی به بزرگی سه هزار و به روایتی چهار هزار سوار به پایین دیار واقصه (قطقطانه) فرستاد تا اعراب آن منطقه را که شیعیان علی علیه السلام بودند، بکشد؛^(۲) به تعبیر مورخان:

ضحاک هر کسی را که گمان می برد بر طاعت حضرت علی علیه السلام است یا هوای علی علیه السلام در سر دارد، می کشت و در ثعلبیه، کاروان های حجاج را غارت کرد و فرزند صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله، عمر بن عمیس بن مسعود، برادرزاده عبدالله بن مسعود را در قطقطانه به قتل رساند.^(۳)

معاویه بعدها ضحاک بن قیس را به خاطر این کشتار جمعی تشویق کرد و او را به ولایت کوفه گماشت. وی در کوفه رسماً اعلام کرد که من ابوانیس، قاتل ابن عمیس (برادرزاده عبدالله بن مسعود) هستم! وی با این بیان می خواست برساند که اکنون نیز از قتل و خونریزی ابایی ندارد.^(۴)

ص: ۱۱۳

۱- (۱) مورخان در این باره نوشته اند: «فیقتلوا کل من وجدوه من شیعہ علی بن ابی طالب علیه السلام واصحابه ولا یکفوا ایدیهم عن النساء والصبیان»؛ الغارات، ص ۴۶۷.

۲- (۲) با بررسی و تجزیه و تحلیل سخنان و بیانات امیرمؤمنان علیه السلام در نامه ۳۶ و مراجعه به منابع متقدم، می توان دریافت که نامه ۳۶ در جواب نامه برادر علی علیه السلام، عقیل نوشته شده و درباره غارتگری سردار معاویه، ضحاک ابن قیس فهری، به قلمرو حکومتی امام در سال ۳۸ هجری است؛ ر. ک: نقد و بررسی مباحث تاریخی نامه ۳۶ در ترجمه ها و شرح های نهج البلاغه، محمدعلی چلونگر، علی اکبر عباسی، نک: پایگاه اطلاع رسانی دکتر چلونگر.

۳- (۳) ر. ک: أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۴۳۷ و ج ۳، ص ۱۹۶.

۴- (۴) همان، ج ۳، ص ۱۹۸.

معاویه در سال ۳۹ ه. ق سفیان بن غامدی را در رأس سپاهی شش هزار نفری به جانب عراق فرستاد تا نواحی هیت (در ساحل فرات از نواحی بغداد)، انبار و مدائن را غارت و تخریب (۱) و شیعیان علی علیه السلام را به فجیع ترین شکل قتل عام کند. (۲) سفیان انبار را غارت کرد و اشرس بن حسان بکری، حاکم شهر و کلیه یارانش را در آنجا کشت. (۳) هنگامی که خبر فجایع آنها به حضرت علی علیه السلام رسید، در کوفه خطبه خواند و مردم را برای دفع او و حفظ حریم مسلمانان فراخواند. اما آنها سستی کردند؛ به همین دلیل فرمود:

همین که یک دسته باز شکاری از بازهای شام بر سرتان فرود می آیند، هر یک از شما در خانه را به روی خود بسته، مانند سوسمار در سوراخش و کفتار در لانه اش به خانه ها پناهنده می شوید. به خدا ذلیل کسی است که شما یاری اش کنید و هر کس شما را به طرف دشمن اندازد، با پیکان زه زده تیر انداخته است. (۴)

همچنین فرمود:

اکنون سربازان این مرد، غامدی، به انبار درآمده، حسان بن حسان بکری را کشته اند و مرزبانان را از جایگاه خود رانده اند. شنیده ام مهاجمان به خانه های مسلمانان و کسانی که

ص: ۱۱۴

۱- (۱) سفارش معاویه به سفیان این بود: «خرب کل ما مررت به، واقتل کل من لقیته ممن لیس هو علی رأیک، واخرب الأموال، فإنه شیهه بالقتل وهو أوجع للقلوب»؛ الغارات، ص ۴۶۷.

۲- (۲) سفیان بن عوف در جنگ صفین از فرماندهان معاویه بود. وی پس از جریان حکمیت و خروج خوارج، یکی از مجریان سیاست های معاویه برای ایجاد هرج و مرج و رعب و وحشت در حوزه حکومتی حضرت علی علیه السلام بود؛ ر. ک: الغارات، ج ۲، صص ۴۶۴ و ۴۶۷؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۳۴؛ الفتوح، ج ۴، صص ۲۲۵ و ۲۲۶؛ الکامل فی التاریخ، ج ۳، صص ۱۶۲-۱۶۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۲۲۲؛ وفاء الوفاء، ج ۱، صص ۳۱ و ۳۲؛ الاستیعاب، ج ۱، صص ۶۵ و ۶۶؛ البدایه والنهایه، ج ۷، صص ۳۲۰-۳۲۲.

۳- (۳) الغارات، ج ۲، صص ۴۶۷-۴۷۰؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۳۴.

۴- (۴) نهج البلاغه، خطبه ۶۷؛ الغارات، شرح المختار، ص ۲۹؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۶۷۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۱؛ الإرشاد، ص ۱۴۵؛ أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۴۳۸ و ج ۳، ص ۱۹۷.

در پناه اسلام اند، درآمده اند. گردن بند، دستبند، گوشواره و خلخال از گردن و دست و پای زنان درآورده اند. درحالی که آن ستمدیدگان در برابر متجاوزان، جز زاری و رحمت خواستن، سلاحی نداشته اند. سپس غارتگران پشتواره ها از مال مسلمانان بسته، نه کشته بر جا نهاده و نه خسته، به شهر خود بازگشته اند. اگر از این پس مرد مسلمانی از غم چنین حادثه بمیرد، چه جای ملامت است که در دیده من شایسته چنین کرامت است. (۱)

حضرت علی علیه السلام سعید بن قیس هَمْدانی را در رأس سپاهی هشت هزار نفری به تعقیب او فرستاد. سفیان چون از حرکت سپاه سعید بن قیس مطلع شد، به سوی معاویه گریخت. (۲) سعید تا ناحیه عانات در کرانه فرات در پی سپاه او تاخت. گروهی نیز از سوی سعید تا نزدیک قنسرین یا صَیفین پیش رفتند، اما بر سفیان دست نیافتند و بازگشتند. (۳)

شهرهایی که سفیان برای غارت و قتل عام آنها مأمور شد، نظیر مدائن، از شهرهای ایران قدیم بودند و عمده جمعیت آنها را موالی هوادار حاکمیت اهل بیت علیهم السلام، تشکیل می دادند، و از این رو مورد کینه شدید معاویه قرار داشتند.

ج) فجایع بسر بن ارطاه

معاویه سال چهارم هجری، بسر بن ارطاه را با چهار هزار سوار به حجاز و یمن فرستاد. (۴) بسر، به فرمان معاویه، پس از ورود به هر شهری شیعیان را کشت و به اکراه از مردم بیعت گرفت. با نزدیک شدن بسر به مدینه، ابویوب انصاری، صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و عامل امام علی علیه السلام در شهر، از ترس جان گریخت. (۵) بسر با آن که بدون مقاومت وارد

ص: ۱۱۵

-
- ۱- (۱) نهج البلاغه، خطبه ۲۷، الغارات، ج ۲، ص ۴۷۰؛ انساب الاشراف، ج ۲، صص ۳۱۹ و ۳۲۰.
 - ۲- (۲) ر. ک: تاریخ طبری، ج ۶، صص ۷۷-۸۱؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۳، صص ۱۶۲-۱۶۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۲۲۲؛ وفاء الوفاء، ج ۱، صص ۳۱ و ۳۲؛ الاستیعاب، ج ۱، صص ۶۵ و ۶۶؛ البدایه والنهایه، ج ۷، صص ۳۲۰-۳۲۲.
 - ۳- (۳) الغارات، ج ۲، صص ۴۷۰-۴۷۲؛ تاریخ یعقوبی، ص ۱۹۷۲۸؛ الفتوح، ج ۴، صص ۲۲۶ و ۲۲۷؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۲۱.
 - ۴- (۴) تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۳۹.
 - ۵- (۵) همان.

شهر شد، ولی خانه های قومی از انصار را آتش زد و پس از تحقیر بسیار، به اجبار از مردم مدینه از جمله صحابیان کهنسال، نظیر جابر بن عبدالله انصاری، بیعت گرفت. (۱) سپس ابوهریره را جانشین خویش قرار داد و تهدید کرد که اگر سرپیچی کنند، بازگردد و همه را هلاک سازد. (۲)

بُسر سپس به مکه حمله کرد و با دشنام های قبیح به بزرگان مکه گفت: «والله اگر سفارش معاویه نبود، هیچ کس از شما را زنده نمی گذاشتم». وی شیبه بن عثمان را نایب خود کرد و گفت: «ای اهل مکه! قصد من سرکوبی شما بود. در بیعت با معاویه پایدار مانید والا مردان شما کشته، اموالتان غارت و خانه هایتان خراب خواهد شد».

وی در بئر میمون، دو کودک عییدالله بن عباس، عبدالرحمان و قثم را شناسایی و در دامن مادرشان سر برید (۳). بُسر در طائف جماعتی را برای قتل عام شیعیان و سوزاندن خانه هایشان به بئاء فرستاد. در نجران نیز صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله، عبدالله بن عبدالمدان را همراه دو فرزندش گردن زد و مردم را به قتل عام تهدید کرد.

یکی از مناطقی که سر راه بسر غارت شد، منطقه ای بود که گروهی از قبیله همدان که از شیعیان علی علیه السلام بودند، در آنجا سکونت داشتند. بسر با حرکتی غافلگیرانه به آنها حمله کرد؛ بسیاری از مردان را کشت و تعدادی از زنان و فرزندان آنها را به اسارت برد. این اولین بار بود که زنان و کودکان مسلمان به اسارت برده می شدند. (۴)

مسعودی درباره بسر می نویسد:

او افرادی را از خزاعه و همدان و گروهی از ایرانیان که به «الابناء» معروف بودند را

ص: ۱۱۶

۱- (۱) الفتوح، ج ۴، صص ۲۳۰-۲۳۲.

۲- (۲) تاریخ طبری، ج ۴، ص ۶۶۸.

۳- (۳) همان، ج ۵، ص ۱۳۹؛ الفتوح، ص ۹۶۴.

۴- (۴) تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۱.

کشت. (۱) همچنین به هر کسی که به علی علیه السلام تمایلی داشت یا هوای علی علیه السلام در سر داشت، دست یافت و به قتل رسانید.

وی جمعی از بنی ارحب و در جیشان، تمام مسلمانان شیعه را کشت. همچنین با خدعه، عبدالله بن ثوبه (از شاهزادگان حضرموت) را که در قلعه اش پناه گرفته بود، بیرون کشید و او را به جرم دوستی با علی علیه السلام به قتل رساند. منابع دست اول تاریخی، نظیر الغارات ثقفی، تصریح دارند که بسر بن ارطاه، سی هزار نفر از شیعیان حجاز، یمن و حضرموت را کشت و خانه های آنها را به آتش کشید (۲) و با رسیدن فرستاده امام علی علیه السلام، جاریه بن قدامه، از بی راهه گریخت و به شام بازگشت. معاویه وی را تشویق کرد و گفت: «این غارت ها چشم عراقیان (طرفداران علی علیه السلام) را می ترساند و دوستان ما را شاد می کند». (۳)

حضرت علی علیه السلام بعد از آگاهی از جنایت بسر فرمود:

خدایا! بسر کافر شده و به شئون دینی هتاک و بی حرمتی می کند و دستور خود را از مرد فاسقی به نام معاویه می گیرد. خدایا! او را درحالی که عقل او از دست رفته، بمیران. خدایا عذاب بسر و عمرو (عاص) و معاویه را بیشتر کن و غضب خود را بر آنان حلال کن و عذاب خود را بر آنان نازل فرما و بأس و رجز را بر آنها نصیب گردان؛ آن بأس و رجزی که همیشه با مجرمین است.

مدت کوتاهی نگذشت که بسر، دیوانه شد و هذیان می گفت. با چوب به جای شمشیر بر خود می کوفت، تا اینکه بیهوش می شد و شعارش این بود: «آیا مرا با شمشیر نمی کشید؟» و به همین حالت ماند تا اینکه به هلاکت رسید. (۴)

ص: ۱۱۷

۱- (۱) مروج الذهب، ج ۲؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۳۴.

۲- (۲) الغارات، ص ۳۳۷.

۳- (۳) ر. ک: مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی؛ تاریخ ابن خلکان؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱.

۴- (۴) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، صص ۴-۱۸.

معمول تراجم نویسان اهل تسنن، بسر را صحابی ای می دانند که از طریق مورد رضای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جدا شد. بنابراین او را در ردیف صحابه ای که قول و عمل آنها حجت است، نمی آورند. حال سؤال اینجاست: چطور بسر جنایتکار که مباشر فرمان معاویه بوده است، از ردیف صحابه نبی صلی الله علیه و آله خارج می شود، اما شخص دستوردهنده و عامل اصلی این جنایات، یعنی معاویه، جزو صحابه هدایت کننده محسوب می شود؟^(۱)!

بعد از صلح امام حسن علیه السلام، عبیدالله بن عباس نزد معاویه آمد و بسر بن ارطاه را نزد او دید و به معاویه گفت: «آیا تو به این ناپاک و ملعون دستور دادی که دو کودک مرا بکشد؟» معاویه گفت: «نه من چنین دستوری نداده ام. من دوست داشتم آنها زنده بمانند». بسر خشمگین شد، شمشیر خود را بیرون آورد، کنار معاویه انداخت و گفت: «شمشیرت را بگیر؛ تو آن را به من می دهی و امر می کنی مردم را بکشم؛ پس از اجرای امر، اکنون می گویی من نکشته ام و من دستور نداده ام؟!»^(۲) بر همین اساس است که مورخان، عامل اصلی این قتل عام ها را شخص معاویه می دانند.

ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: بسر، «افسر معاویه، آن گونه در حجاز و یمن به دستور امیر و حاکم زمان، جنایت می کند. روزی دیگر یزید فرزند معاویه به افسر خود، مسلم بن عقبه، دستور ویران کردن کعبه و آن همه جنایت را در مدینه می دهد».^(۳)

۲. کشتار جمعی شیعه در دوره حکومت معاویه

اشاره

پس از شهادت حضرت علی علیه السلام و صلح امام حسن مجتبی علیه السلام معاویه طی معاهده

ص: ۱۱۸

۱- (۱) منابع تاریخی به این موضوع اشاره دارند که بسر بعد از آن همه کشتار، نزد معاویه آمد و گفت: «خدا را شکر ای امیرالمؤمنین که دشمنانت را در مسیر راه، در رفتن و بازگشتن، قتل عام کردم». معاویه گفت: «بلکه خدا آنها را کشت نه تو!»؛ همان.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان، ج ۲، ص ۱۸.

صلح تعهد کرده بود که مال و جان شیعیان علی علیه السلام را محترم بدارد و علیه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله توطئه نکند و بر منابر به علی علیه السلام ناسزا نگوید. (۱) ولی معاویه پس از امضای معاهده صلح در کوفه به منبر رفت و چنین گفت: «ای اهل کوفه! شما پنداشتید من به خاطر نماز و زکات و حج با شما جنگیدم؟ من خودم می دانستم که شما مراقب نماز و زکات و حج خود هستید. من با شما به این دلیل جنگیدم که بر شما حاکم شوم... تمام شرطهایی را که پذیرفتم، زیر پا خواهم گذارد». (۲)

معاویه به عمال خود نوشت: «میان شما هر که از شیعیان علی علیه السلام و متهم به دوستی با اوست، از بین ببرید؛ حتی اگر دلیل و بینه ای برای این کار نداشته باشید؛ ولو با حدس و گمان، از زیر سنگ آنها را بیرون بکشید». (۳) او همچنین نوشت: «هر کس را که دلیلی بر دوستی او نسبت به علی علیه السلام یافتید، نام او را از دیوان بیت المال حذف کرده، سهم او را قطع کنید». سپس نوشت: «هر کس را به دوستداری اهل بیت علیهم السلام متهم کردید، کار را بر او سخت بگیرید و خانه اش را خراب کنید». (۴)

بر این اساس، عالم معروف اهل تسنن، جاحظ، درباره سال به حکومت رسیدن معاویه می نویسد:

معاویه آن سال را که به قدرت رسید «عام الجماعه» نامید؛ درحالی که آن سال «عام

ص: ۱۱۹

۱- (۱) الصواعق المحرقة، ص ۸۱. همچنین معاویه برای امام حسن علیه السلام نوشت: «پس از من، تو خلیفه خواهی بود و تو برای خلیفه شدن بهتر از همه مردم هستی. معاویه تعهد کرد که کسی را برای بعد از خود به عنوان جانشین منصوب نکند»؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۳ (چاپ قدیم) و ج ۱۶، ص ۳۷ (چاپ جدید).

۲- (۲) البدایه والنهایه، ج ۸، ص ۱۳۱؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۶ (چاپ قدیم) و ج ۱۶، صص ۱۴ و ۱۵ (چاپ جدید).

۳- (۳) شرح نهج البلاغه، ابن الحدید، ج ۱۱، ص ۴۶.

۴- (۴) همان، ج ۱۱، ص ۴۵؛ الغدیر، ج ۱۱، ص ۲۹.

الفرقه والقهر والغلبه» بود: سالی که امام به سلطنت و نظام کسرابی تبدیل شد و خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله غصب شد و قیصری گردید. (۱)

الف) کشتار برنامه ریزی شده صحابه و تابعین شیعه

معاویه گروهی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و تابعین را به قتل رساند و این نشان می دهد که معاویه کشتار برنامه ریزی شده ای را علیه این گروه طرح ریزی کرده بود. (۲) بعدها فرزندش یزید و خاندان اموی نیز در کربلا، مدینه و... این کشتارها را ادامه دادند. مهم ترین نصی که به این کشتار جمعی برنامه ریزی شده اشاره کرده، روایت مفصل امام باقر علیه السلام است که بسیاری از منابع، نظیر شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، به آن اشاره کرده اند. آن بخش از حدیث که مربوط به دهه چهل تا پنجاه هجری قمری است و در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده، به این شرح است:

ابوجعفر محمد بن علی باقر علیه السلام به یکی از یاران خویش فرمود: «ای فلانی! ما از ظلم قریش نسبت به خودمان و دشمنی ایشان با ما چه ها کشیدیم! و شیعیان ما و دوست داران ما بین مردم نیز چه ها کشیده اند!... شیعیان ما را در هر شهری کشتند؛ دست ها و پاها را به خاطر اتهام [شیعه بودن] قطع کردند و هرکس که مشهور به دوست داشتن ما و ارتباط با ما بود، زندانی می شد یا مال او به غارت می رفت یا خانه اش ویران می گشت. (۳)

به نوشته مورخان، بنابه دستور معاویه، شهادت دو نفر در اینکه فردی با علی علیه السلام ارتباط دارد، کافی بود که خوش هدر و اموالش مباح شود. ابن ابی الحدید بعد از ذکر این موضوع جمله ای دارد که بسیار دردآور است؛ وی می نویسد:

حتى إن الرجل ليقال له زنديق أو كافر أحب إليه من أن يقال شيعة علي. (۴)

ص: ۱۲۰

۱- (۱) رساله الجاحظ فی بنی امیه، ص ۱۲۴.

۲- (۲) ر. ک: العقد الفرید، ج ۳، ص ۲۳۴.

۳- (۳) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۳؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۶۸.

۴- (۴) همان.

اگر به کسی می گفتند تو زندقی یا ملحد و کافری، خیلی بهتر بود که به او بگویند تو شیعه علی علیه السلام هستی.

برخی از معروف ترین صحابه و تابعین که طی این کشتار برنامه ریزی شده به قتل رسیدند، عبارت اند از:

- عمرو بن حمق خزاعی: (۱) امام علی علیه السلام به او فرموده بود: «ای عمرو! بعد از من، تو به قتل خواهی رسید و سر تو را شهر به شهر خواهند گردانید و آن اول سری است که در اسلام گردانیده می شود؛ وای بر کشنده تو». (۲) عمرو در لعن علنی صحابه (حضرت علی علیه السلام) معترض معاویه بود؛ به همین دلیل، تعقیب و نزدیک موصول دستگیر شد. معاویه دستور داد با نیزه نه ضربت بر او بزنند؛ همچنان که بر عثمان زده بودند! (۳) وی در ضربت اول یا دوم به شهادت رسید. (۴) معاویه سر بریده او را نزد همسرش، آمنه بنت شرید که زندانی بود، فرستاد. (۵) امام حسین علیه السلام، به شدت به قتل این صحابی معروف

ص: ۱۲۱

۱- (۱) وی پیش از فتح مکه اسلام آورد و به مدینه مهاجرت کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله دعا کرد جوانی او پایدار بماند؛ به همین دلیل هشتاد سال از عمر او گذشت و یک تار موی سپید در صورت او دیده نشد. پس از دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله مصاحبت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را برگزید و دوستی مخلصانه وی به جایی رسید که آن حضرت به او می فرمود: «کاش میان سپاه من صد نفر مانند تو یافت می شد». عمرو جنگ های جمل، صفین و نهروان را کنار علی علیه السلام درک کرد.

۲- (۲) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۸۹؛ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۳۴۲. این پیشگویی امیرالمؤمنین علیه السلام به واقع پیوست؛ در این باره ابن سعد به نقل از شعبی، از بزرگان تابعین، می نویسد: «اول رأس حمل فی الاسلام رأس عمرو بن الحمق»: طبقات، ابن سعد، ج ۶، ص ۲۵.

۳- (۳) این کار معاویه تعریض نامناسبی علیه خلیفه عثمان است؛ چراکه معاویه با این دستور خود عملاً این نکته را می خواست اثبات کند که عثمان را صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله، عمرو بن حمق خزاعی کشته است. این در حالی بود که مروان حکم، عامل اصلی قتل عثمان را، صحابی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله، طلحه بن عبیدالله می دانست؛ به همین دلیل، مروان، طلحه را با پرتاب تیری در جنگ جمل کشت. این اعمال معاویه و مروان، قول متعصبان و وهابیان فعلی را رد می کند که قتل عثمان و برافروختن جنگ جمل و حتی تأسیس شیعه را به یک شخص موهوم به نام عبدالله بن سبأ نسبت می دهند و مسلمانان شیعه را سبائیه می خوانند.

۴- (۴) ر. ک: اصول التاریخ والادب، ج ۹، ص ۲.

۵- (۵) روایت ابن کثیر با روایت مذکور که از طبری بود، مغایر است. وی می گوید: «مأموران معاویه او را در غاری مرده یافتند»؛ ر. ک: البدایه والنهایه، ج ۸، صص ۵۲ و ۵۳.

پیامبر صلی الله علیه و آله اعتراض کرد و طی نامه ای نوشت:

آیا تو آن نیستی که عمرو بن حمق، صحابی رسول خدا علیه السلام، آن بنده شایسته را که جسم او از عبادت خدا فرسوده و رنگ او زرد گشته بود، به قتل رسانیدی؟! با آنکه به او امان داده و چندان عهد و پیمان سپرده بودی که اگر به پرنده ای می دادند، از فراز ابرها به زیر می آمد! او را کشتی و بر خدا جرئت ورزیدی و عهد و پیمان را سبک شمردی. (۱)

جایگاه این صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی عمرو بن حمق خزاعی، به اندازه ای است که ابن کثیر و برخی دیگر از مورخان متعصب، کوشیده اند معاویه را از قتل او مبرا بدانند. ابن کثیر در البدایه والنهایه می نویسد: «عمرو را در غار مرده یافتند؛ چون ماری او را گزیده بود. سپس سرش را جدا کردند!» (۲) همچنین در این باره روایتی را نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جعل کرده اند که به عمرو فرموده بود: «جن و انس در قتل تو مشارکت می کنند». گو اینکه آن مار، قاتل جنی عمرو بوده و معاویه، قاتل انسی او! غافل از اینکه این توجیه از بار گناه معاویه نمی کاهد؛ چرا که بر فرض صحت این قول، این سؤال مطرح می شود که عمرو از ترس چه کسی به غار پناه برد تا آنجا مار او را بگذرد؟ آیا آن حاکم ظالم غیر از معاویه بود؟! چرا معاویه دستور بریدن سر او را داد؟! گرداندن سر عمرو، از شهری به شهر دیگر، با کدام موازین اسلام سازگار است؟!

- رشید هجری: وی را یکی از تابعین و شاگردان علی علیه السلام و دانشمندی دانا به منایا و بلایا (پیشامدهای مرگ ها) دانسته اند. (۳) شیوه قتل او به این صورت بود که او را نزد زیاد،

ص: ۱۲۲

۱- (۱) الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۲۰۳؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۳.

۲- (۲) ر. ک: البدایه والنهایه، ج ۸، صص ۵۲ و ۵۳.

۳- (۳) جمع کثیری از او روایت می کنند، ولی همه آنان، از بیم پادشاهان اموی، از بردن نام او خودداری نموده اند. تنها کسی که به صراحت نام او را ضمن نقل حدیثی از او آورده، دختر یگانه اوست که به چشم خود، کشته شدن پدر را دید و دست و پای بریده او را جمع کرد. دخترش می گوید: روزی به پدرم گفتم: «چقدر تلاش می کنی، پدر!» جواب داد: «دخترم! پس از ما مردمی خواهند آمد که آگاهی و بینایی آنان در دین، از زحمت و تلاش ما بافضیلت تر است». ر. ک: امالی، شیخ طوسی، ص ۱۶۵، مجلس ششم، ح ۲۷۶.

والی معاویه در کوفه، حاضر ساختند. زیاد به او گفت: «دوستت (علی علیه السلام) درباره بلایی که بر سرت خواهیم آورد، چیزی به تو نگفته است؟!» رشید پاسخ داد: «[او خبر داد] که دست و پام را قطع می کنید و به دارم می آویزید». زیاد گفت: «به خدا پیشگویی او را دروغ خواهم ساخت؛ بگذارید بروم». چون خواست خارج شود، زیاد فریاد زد: «برگردانیدش! برای تو هیچ بلایی شایسته تر از همان چیزی که رفیقت خبر داده، به نظرمان نمی رسد. هر چه زنده بمانی، جز بدی به بار نخواهی آورد. دست و پای او را ببرید». دست و پایش را بردند و او همچنان سخن می گفت. زیاد دستور داد او را به دار بیاویزند و ریمان را به گردن او ببندند. رشید گفت: «یک کار دیگر باقی مانده که می بینم آن را فراموش کرده اید!» زیاد گفت: «زبانش را هم ببرید»؛ چون زبانش را بیرون آوردند تا ببرند، گفت: «بگذارید یک کلمه بگویم»؛ او را رها کردند. گفت: «به خدا این نیز تصدیق سخن امیرالمؤمنین است؛ مرا از بریدن زبانم نیز باخبر ساخته بود».

قنوا، دختر رشید، هنگامی که دست و پای بریده پدر را جمع می کرد، از او پرسید: «هیچ احساس درد می کنی؟» جواب داد: «نه دخترکم! مگر آن اندازه که از ازدحام جمعیت دست دهد!». (۱)

- جویریہ بن مسہر عبدی: ابن ابی الحدید می نویسد: دوستی و صفای او با علی علیه السلام بدان پایه بود که روایت کرده اند روزی وارد منزل آن حضرت شد. امیرالمؤمنین خفته بود و جمعی از یارانش در آنجا بودند. جویریہ ندا داد: «ای خفته بیدار شو! بی گمان ضربتی آن چنان بر سرت خواهند زد که موی صورتت از آن رنگین شود»؛ بدین سان از چگونگی شهادت آن حضرت خبر داد. آن حضرت تبسمی کرد و فرمود: «من نیز تو را از سرانجامت باخبر سازم. سوگند به آن کس که جانم به دست اوست، تو را نزد ستمگر خشن زنازاده ای خواهند برد و او دست و پای تو را قطع خواهد کرد و زیر ساقه درخت [کافر] به دار خواهد آویخت!»

ص: ۱۲۳

روزگاری بر این نگذشت که زیاد بن ابیه به دستور معاویه، جویریه را دستگیر کرد و دست و پای او را برید و بر درخت ابن معکبر، بر ساقه کوتاهی، به دار آویخت. (۱)

- اوفی بن حصین: وی یکی از قربانیان کشتار برنامه ریزی شده، از تابعین و دوستدار حضرت علی علیه السلام بود. اوفی بسیار کوشید که بهانه به دست زیاد، عامل معاویه، ندهد. روزی زیاد چشمش به اوفی افتاد، گفت: «این کیست؟» گفتند: «اوفی بن حصین است». زیاد آهسته با خود گفت: «با پای خود به دام افتاد!» هرچند اوفی در سخن بسیار زبردست بود و زیاد نتوانست از گفتار او بهانه ای به دست آورد، با این حال او را کشت. (۲)

ب) فجایع زیاد بن ابیه در قتل عام شیعیان بصره و کوفه

معاویه، زیاد بن ابیه را بر خلاف موازین اسلام، براساس شهادت یک نفر به زناى ابوسفیان با مادر زیاد، به بنی امیه ملحق کرد (۳) و به امارت بصره گماشت. زیاد در بصره مأموریت داشت شیعیان حضرت علی علیه السلام را بیابد و آنان را بکشد. بعد از مرگ مغیره بن شعبه، معاویه کوفه را نیز به محدوده فرمانروایی زیاد افزود (۴) و برای او نوشت: «[ای زیاد] کسانی را که دینشان مانند دین علی علیه السلام است، نخست به قتل برسان و سپس آنها را مثله کن!» (۵)

ص: ۱۲۴

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، صص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۲- (۲) الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۸۳؛ تاریخ طبری، ج ۶، صص ۱۳۰-۱۳۲.

۳- (۳) از آنجا که پدر زیاد مشخص نبود، وی را زیاد بن ابیه (زیاد پسر پدرش) می خواندند. شوهر سمیه، مادر زیاد، یک غلام رومی به نام عبید ثقفی است؛ معاویه بر خلاف موازین اسلام ادعا کرد که پدر زیاد، ابوسفیان و او برادر معاویه است؛ تاریخ ابن عساکر، ج ۵، ص ۴۱۰؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۹۵؛ العقد الفرید، ج ۳، ص ۳.

۴- (۴) المجتبی، ص ۴۷؛ ر. ک: رسائل جاحظ، ص ۲۹۴؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، صص ۴۰۶، ۴۰۹ و ۴۱۰؛ العبر، ج ۱، ص ۴۱.

۵- (۵) المحبر، ص ۴۷۹. چقدر دلخراش است که اسلام از طرفی مثله کردن سگ ها را حرام بداند و پیامبرش مثله کننده حیوانات را لعنت کند و از طرف دیگر، خلیفه مسلمین دستور مثله کردن شیعیان را بدهد؛ ر. ک: صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۸۸؛ نصب الرایه، ج ۳، ص ۱۲۰؛ شرح السیر الکبیر، سرخسی، ج ۱، ص ۱۱۰.

زیاد بن ابیه به دستور معاویه مردم کوفه را در مسجد جمع می کرد و از آنان می خواست حضرت علی علیه السلام را لعن کنند. (۱) هر کس از این کار خودداری می کرد، گردنش زده می شد. (۲) و خانه اش ویران می گردید. (۳)

یک بار زیاد بن ابیه دست های هشتاد نفر را در مسجد قطع کرد. (۴) نقل کرده اند دوست داشتن حضرت علی علیه السلام برای زیاد بن ابیه کافی بود تا آن فرد را به قتل برساند. لذا دنبال کسی به نام سعد بن سرح می گشت تا خون او را بریزد. امام حسن مجتبی علیه السلام طی نامه ای به زیاد نوشت: «... سعد بن سرح، مسلمانی است بی گناه...». زیاد بن ابیه در پاسخ به امام حسن علیه السلام نوشت: «... من بالأخره دستم به سعد خواهد رسید... و او را به دلیل اینکه پدر فاسق تو را دوست داشته، خواهم کشت». (۵)

امام حسین علیه السلام نیز در نامه شدیدالحنی به معاویه درباره زیاد بن ابیه می نویسد:

تو همان نیستی که زیاد را در اسلام فرزند ابوسفیان خواندی؟! [درحالی که] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکم کرده بود که فرزند از آن بستر زناشویی (شوهر زن)، و سهم زناکار سنگ (سنگسار) است. آن گاه او را بر اهل اسلام مسلط ساختی تا آنها را بکشد و دست ها و پاها را آنها را به طور مخالف ببرد و آنها را بر شاخه های نخل به دار آویزد. (۶)

در آن زمان بخش زیادی از عراق را شیعه تشکیل می داد و قبایل بزرگی نظیر ربیعیه،

ص: ۱۲۵

۱- (۱) المحاسن والمساوی، ج ۱، ص ۳۹؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۹؛ الکامل، ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۸۳؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۸۶ (چاپ قدیم) و ج ۳، ص ۱۹۹ (چاپ جدید).

۲- (۲) مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۹.

۳- (۳) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۸۶ (چاپ قدیم) و ج ۳، ص ۱۹۹ (چاپ جدید).

۴- (۴) الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۸۳؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۸۶ (چاپ قدیم) و ج ۳، ص ۱۹۹ (چاپ جدید).

۵- (۵) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۷۲ (چاپ قدیم)؛ ر. ک: تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، صص ۴۱۸ و ۴۱۹؛

۶- (۶) الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۲۰۳؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۳.

همدان، بنی عبدالقیس و خزاعه گرایش های شیعی داشتند؛^(۱) به طوری که صعصعه بن صوحان به آنها گفت:

هنگامی که ارتداد شایع شد، شما کنار دین ماندید و چون عده ای به دنبال عایشه، طلحه و زبیر و برخی به دنبال عبدالله بن وهب راسبی رفتند، شما گفتید: «ما جز اهل بیت علیهم السلام را که خداوند در آغاز از ناحیه آنها به ما کرامت داد، چیزی نمی خواهیم».^(۲)

بر همین اساس معاویه فهمید که نمی تواند شیعیان عراق را همچون شامیان فریب دهد. از این رو راه قتل و شکنجه را برگزید و زیاد را به عنوان مهم ترین مهره برای این کار انتخاب کرد؛ چراکه وی، به نوشته ابن ابی الحدید، آنها را می شناخت و قبلاً از یاران علی علیه السلام بود. لذا زیاد، شیعیان را شناسایی می کرد و می کشت، دست و پای آنها را قطع می کرد، چشم های آنها را در می آورد و آنها را بر نخل ها به دار می آویخت؛ به حدی که شخص معروفی از آنها در عراق باقی نماند. وی به اندازه ای به قتل و آوارگی شیعیان اصرار داشت که بعدها پسرش، عبیدالله بن زیاد، هانی بن عروه را این چنین خطاب کرد: «ای هانی! آیا یادت رفته که پدرم وارد این سرزمین شد و جز حجر بن عدی و پدرت، تمام شیعیان سرشناس را کشت؟!». ^(۳)

طبرانی در المعجم الکبیر نقل کرده است:

زیاد، شیعیان علی علیه السلام را تعقیب می کرد و در صورت دست یافتن به آنها از دم تیغ می گذراند و چون این خبر به حسن بن علی علیهما السلام رسید، فرمود: «خدایا او را به مرگی منحصر به فرد مبتلا ساز که قتل و مرگ، کفاره اوست».^(۴)

ص: ۱۲۶

-
- ۱- (۱) ر. ک: مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۹.
 - ۲- (۲) تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۱۴۱.
 - ۳- (۳) همان، ج ۵، ص ۳۶۱؛ ر. ک: الفتوح، ج ۶، ص ۲۳۷.
 - ۴- (۴) المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۳، ص ۶۸؛ مجمع الزوائد، هیشمی، ج ۶، ص ۲۶۶. هیشمی بعد از نقل این خبر می گوید: «این روایت را طبرانی نقل کرده و رجال آن صحیح است».

حسن بصری می گوید:

به حسن بن علی علیهما السلام خبر دادند که زیاد شیعیان علی علیه السلام را در بصره تعقیب می کند و می کشد؛ حضرت او را نفرین کرد و گفته شده: «زیاد، مردم کوفه را جمع کرد تا اعلام برائت و بیزاری از اَبی الحسن [امیرالمؤمنین علی علیه السلام] را به آنان عرضه کند. ولی در همین وقت، سال ۵۳ ه. ق، مبتلا به بیماری طاعون شد. (۱)

زیاد بن ابیه، افزون بر قتل عام شیعیان، آنان را آواره می کرد؛ به طوری که نوشته اند: «زیاد، پنجاه هزار خانوار از شیعیان را از کوفه به شرق ایران تبعید کرد و به جای آنان، قبایل طرفدار امویان را از جزیره موصل و شام به کوفه آورد و اسکان داد» (۲) که در نوع خود یکی از بزرگ ترین مهاجرت های اجباری تاریخ اسلام است.

البته در همان زمان، معاویه خود نیز جماعتی دیگر از شیعیان را قتل عام کرد؛ (۳) و بنابر نقل المحبر، معاویه خود دستور به دار زدن گروهی از مسلمانان شیعه را صادر کرد. (۴)

ج) فجایع سمره بن جندب در قتل و شکنجه شیعیان بصره

اوج جنایات و کشتارهایی که سمره بن جندب در بصره انجام داده است، در دوران زمامداری معاویه و به دستور اوست. وقتی معاویه عمال خود را به سرتاسر سرزمین های اسلامی گسیل داشت، ابتدا در سال ۴۵ هجری، زیاد بن ابیه را حاکم بصره کرد. در سال ۵۰ هجری که زیاد از سوی معاویه به عنوان والی کوفه برگزیده شد، وی سمره را جانشین خود در بصره قرار داد. (۵) پس از مرگ زیاد بن ابیه، معاویه، سمره را در امارت بصره ابقا کرد.

ص: ۱۲۷

-
- ۱- (۱) سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۴۹۶.
 - ۲- (۲) تاریخ صدر الاسلام والدوله الامویه، عمر فروخ، ص ۱۲۹؛ مجله مکتب اسلام، «مظلومیت شیعه در تاریخ»، شماره ۱، سال ۱۳۸۱ ه. ش.
 - ۳- (۳) الفتوح، ج ۴، ص ۲۰۳؛ ر. ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۴.
 - ۴- (۴) المحبر، ص ۴۷۹.
 - ۵- (۵) الکامل، ج ۳، صص ۴۴۷ و ۴۵۴.

سمره در یکی از قتل عام های خویش، هشت هزار نفر را با خونخواری تمام به قتل رسانید. (۱) طبری در حوادث سال پنجاهم آورده است که «محمد بن سلیم» گفت:

من از «انس بن سیرین» سؤال کردم: «آیا سَمره بن جندب کسی را هم کشته است؟! گفت: «مگر می توان تعداد کشته شدگان به دست سمره را به حساب آورد؟! زیاد بن ابیه وقتی که خودش والی بصره و کوفه بود، از جانب معاویه به کوفه آمد، سمره را جانشین خود در بصره کرد و او در مدت شش ماه، هشت هزار نفر از مردم را کشت. «. زیاد به وی گفت: «آیا نترسیدی از اینکه شاید در میانشان یک نفر بی گناه بوده باشد؟!» سمره گفت: «اگر هشت هزار دیگر نیز به مقدار آنها می کشتم، هرگز باکی نداشتم!» (۲) حتی گماشتگان سمره، گاهی برای تفریح، مردم را می کشتند. (۳)

سمره در جواب معترضان به قتل بی گناهان می گفت: «چه عیبی در این کار است. اگر از اهل بهشت بوده، به بهشت می رود و اگر دوزخی بوده، به دوزخ می رود». (۴) سمره، شش ماه و برخی گفته اند تا هجده ماه، فرماندار معاویه در بصره بود و در سال ۵۴ هجری از این منصب عزل شد. (۵) بعد از اینکه معاویه او را عزل کرد، بسیار عصبانی شد و گفت: «لعنت خدا بر معاویه. اگر من خداوند را به اندازه معاویه می شناختم و اطاعت

ص: ۱۲۸

-
- ۱- (۱) تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۳۲؛ الکامل، ج ۳، ص ۱۸۳؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲.
 - ۲- (۲) تاریخ طبری، ج ۵، صص ۲۳۶ و ۲۳۷؛ فتوح البلدان، ج ۵، ص ۲۱۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۲.
 - ۳- (۳) نوشته اند سَمره بن جَندب از مدینه به کوفه برمی گشت که مردی از کوچه بیرون آمد و با اول لشکر وی برخورد کرد. یکی از لشکریان به وی حمله برد و از روی سرکشی و بازی و بی جهت حربه ای به او زد. سمره به آن مرد رسید درحالی که داشت در خون خود دست و پا می زد، از روی تکبر گفت: «چون شنیدید که ما سوار شدیم از سنان ها و نیزه های ما بترسید و کنار بایستید»: الکامل، ج ۳، ص ۱۸۳؛ فتوح البلدان، ج ۵، ص ۲۱۲ و تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۷؛ ر. ک: فتوح البلدان، ج ۵، ص ۲۱۰؛ الکامل، ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۹۵.
 - ۴- (۴) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۷۷.
 - ۵- (۵) البدایه و النهایه ابن کثیر، ج ۸، ص ۲۸۴؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۲۹۱؛ الکامل، ج ۳، ص ۴۹۵.

می کردم، هرگز دچار عذاب خداوند نمی شدم» (۱). نقل شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوهریره، ابومحذوره و سمره بن جندب فرمود: «آن کس از شما که دیرتر از دو تن دیگر از دنیا برود، در آتش است» و سمره آخرین آنها بود. (۲)

(د) کشتار جمعی شیعیان حافظ و مفسر قرآن

قتل عام شیعیان حافظ قرآن در بصره را مورخان بزرگی، نظیر طبری و ابن اثیر، نقل کرده اند. طبری از ابوسوار عدوی نقل می کند: «سمره یک روز صبح، ۴۷ تن از قوم مرا که همه از حافظان قرآن بودند، بی رحمانه کشت». (۳) معاویه که همراه پدرش، ابوسفیان، زمان اعدام صحابه حافظ قرآن، در حادثه رجیع در سال چهارم هجری، حضور داشت، (۴) این رویه را از او و مشرکان مکه آموخته بود و لذا بعدها نیز قتل حافظان قرآن را ادامه داد. فرزندش یزید نیز در قتل عام کربلا، برخی از صحابه حافظ قرآن، نظیر حبیب بن

ص: ۱۲۹

۱- (۱) الطبقات، ابن سعد، ج ۷، ص ۳۵؛ اسدالغابه، ج ۲، ص ۳۰۳؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج ۴، ص ۲۳۴.

۲- (۲) فتوح البلدان، ج ۱۳، ص ۱۸۵ سمره زنده ماند تا زمانی که سالار شرطه عبیدالله بن زیاد شد و مردم را برای حرکت به جنگ با امام حسین علیه السلام تشویق کرد؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۶. در حاشیه الاصابه نیز آمده است: «سمره در دیگ آب جوش افتاد و سوخت و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که به ابوهریره فرموده بود، آخرین کس از شما سه تن که بمیرد در آتش است، در دنیا و آخرت، به صحت رسید».

۳- (۳) تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۳۲؛ الکامل، ج ۳، ص ۱۸۳.

۴- (۴) از معاویه بن ابوسفیان نقل می کنند که گفته است: «من همراه پدرم ابوسفیان برای تماشای اعدام خیب (یکی از حافظان قرآن اسیر شده در فاجعه رجیع) به تنعیم آمده بودم و چون خیب به مردم مکه نفرین کرد، پدرم مرا به پهلو بر زمین زد که نفرین او به من نرسد»؛ مشرکان معتقد بودند که هرگاه به کسی نفرین کنند، اگر او در همان حال به پهلو روی زمین بخوابد، نفرین در او اثر نخواهد کرد. البته بعدها عمر بن خطاب، علاوه بر معاویه، یکی دیگر از جنایتکاران حاضر در مراسم اعدام حافظان قرآن را به امارت منطقه ای از شام منصوب کرد. این در حالی بود که بزرگان صحابه و اهل بیت علیهم السلام، نظیر حضرت علی علیه السلام، عباس بن عبدالمطلب، مقداد بن اسود و... خانه نشین بودند؛ ابن هشام در سیره خود به این موضوع اشاره می کند.

مظاهر را به شهادت رساند. همچنین بعدها والیان خلفا، نظیر حجاج بن یوسف ثقفی، به قتل عام حافظان و مفسران شیعه، نظیر سعید بن جبیر پرداختند.

ه) قتل عام معترضان لعن بر حضرت علی علیه السلام

معاویه اول شخصی بود که سبّ بر صحابه را علنی کرد و به آن دستور داد و مخالفان سب صحابه را اعدام کرد. بنابر نقل صحیح مسلم، معاویه افرادی نظیر سعد بن ابی وقاص را در مدینه به خاطر سب نکردن حضرت علی علیه السلام بازخواست کرد. (۱) حتی پا را فراتر نهاد و صحابه و تابعین را بین سب حضرت علی علیه السلام یا کشته شدن مخیر ساخت. (۲) این رویه در دوره امویان تا خلافت عمر بن عبدالعزیز ادامه یافت؛ لذا تعداد زیادی از مسلمانان راستین جان خود را از دست دادند، ولی به صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام دشنام ندادند. این دوره را می توان «دوران محنه اللعن» نامید. اینکه چه تعداد به خاطر عدم لعن بر حضرت علی علیه السلام در دوره معاویه و سپس در دوران طولانی امویان به شهادت رسیدند، مشخص نیست. اما در اینجا به معروف ترین این افراد اشاره می کنیم:

ص: ۱۳۰

۱- (۱) صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰؛ سنن ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب علی بن ابی طالب (البانی در شرح سنن ترمذی، به رقم ۲۹۳۲ آن را تصحیح کرده است)؛ البدایه والنهایه، ج ۷، ص ۳۶۹؛ اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۴، ص ۹۹؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ص ۶۲۷. شارحان صحیح مسلم و متأخران، نظیر ابن تیمیه حرانی، به صحت این حدیث اعتراف کرده اند؛ منهاج السنه، ج ۳، ص ۱۵. معاصران هم، نظیر شیخ حسن بن علی السقاف آن را چنین شرح کرده اند: «معاویه به بزرگان صحابه دستور داد تا به علی علیه السلام دشنام دهند؛ با آنکه در صحیح مسلم آمده است رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «یا علی! تو را جز مؤمن دوست نمی دارد و جز منافق کسی با تو دشمنی نمی کند». همچنین در مسند احمد این حدیث از پیامبر اکرم علیه السلام آمده است که فرمود: «هرکس به علی علیه السلام دشنام دهد، به من دشنام داده است و معاویه هم خودش به علی علیه السلام دشنام می داد و هم دیگران را به سب و لعن علی علیه السلام فرمان می داد»؛ زهر الریحان، ص ۱۱.

۲- (۲) انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۸۴؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۵۷.

حُجر بن عَدی بن جَبَله کندی، معروف به حجر الخیر(۱)، از فضلاء صحابه(۲)، مجاهدان راه اسلام(۳) و از شیعیان حضرت علی علیه السلام بود.(۴) وی هنگام شهادت ابوذر که عثمان ظالمانه وی را به ربنده تبعید کرده بود، بر بالین او حاضر شد.

هنگامی که مغیره بن شعبه (حاکم کوفه) به دستور معاویه، صحابه پیامبر، حضرت علی علیه السلام را بر منبر لعن می کرد، عده ای از صحابه، نظیر حجر و عمرو بن حمق، با این عمل مخالفت کردند.(۵) در سال پنجاه هجری که زیاد بن ابیه حکومت کوفه را، علاوه بر بصره، به دست گرفت، به دستور معاویه دشنام گویی به حضرت علی علیه السلام را بیشتر و علنی تر کرد.(۶) لذا حجر و عده ای دیگر به عمرو بن حُرَیث، جانشین زیاد در کوفه، هنگام بدگویی و ناسزا به امیرمؤمنان علی علیه السلام اعتراض کردند. عمرو به زیاد گزارش داد و زیاد به سرعت به کوفه بازگشت و گروهی از یاران حجر بن عدی را کشت و شخص حجر و سیزده تن دیگر را دستگیر کرد و نزد معاویه فرستاد. وی درباره حجر نوشت که در

ص: ۱۳۱

۱- (۱) ابو عبدالرحمان، پسرعموی همان خود داشت که در جرگه یاران معاویه بود؛ به خاطر اینکه اسامی آنها اشتباه نشود، مردم، حجر بن عدی را «حجر الخیر» و پسرعموی او را «حجر الشر» می خواندند.

۲- (۲) اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۶۱.

۳- (۳) الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۱۷؛ المعارف، ابن قتیبه، ص ۳۳۴؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۶۱. وی در فتح شام نیز شریک شد و فاتح مرج عذراء بود؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۲، صص ۲۰۷-۲۱۱.

۴- (۴) کسانی چون ذهبی، ابن اثیر، ابن حجر و دیگران در کتب معتبر تراجم و رجال، همانند طبقات ابن سعد، اسد الغابه، اصابه، استیعاب، مستدرک حاکم، سیر اعلام النبلاء، البدایه و النهایه، تاریخ الاسلام ذهبی او را صحابی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله نامیده اند؛ ر. ک: عبدالله بن سبأ، علامه عسکری، ص ۷۳۳.

۵- (۵) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۰؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۸۸. مغیره چون از محبوبیت عمومی، شایستگی و فضیلت حجر آگاه بود، ناگزیر به آن اعتراف می کرد و می گفت: «نمی خواهم بهترین مردان شهر را بکشم تا آنان در پیشگاه خدا سعادتمند گردند و من بدبخت و تبهکار». او می گفت: «با قتل حجر و یاران او، معاویه در دنیا به عزت و آقایی می رسد، ولی مغیره روز قیامت ذلیل و معذب می گردد».

۶- (۶) الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۱۸؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۰.

لعن ابوتراب (علی علیه السلام) با «جماعت» مخالفت ورزیده و در نتیجه از فرمان خلیفه سرپیچی کرده اند. وی شهادت نامه برخی رؤسای قبایل کوفه، مبنی بر مخالفت صریح حجر را نیز ضمیمه نامه کرد. (۱) چون حجر و یارانش به قریه مرج عذراء، در دوازده میلی دمشق، رسیدند، معاویه فرمان قتل آنان را صادر کرد. (۲) ولی به شفاعت برخی افراد به حجر و شش نفر دیگر از یارانش فرصت داد تا جان خود را با سب حضرت علی علیه السلام نجات دهند. (۳) لذا جلادان معاویه، حجر بن عدی و یارانش را بین قتل یا سب مخیر کردند. اما حجر و یارانش شجاعانه گفتند شمشیرها گردنمان را بزنند و سرمان را از بدنمان جدا کند؛ این برای ما خیلی خوشایندتر است از اینکه به علی علیه السلام جسارت کنیم. (۴)

حجر و یارانش شب قبل از شهادت را به نماز خواندن گذراندند و حجر قبل از شهادت نیز دو رکعت نماز گزارد. (۵) به روایت مسعودی، (۶) وی نخستین مسلمانی بود که در زمان فتوحات وارد مرج عذراء شد و آنجا را فتح کرد و نخستین مسلمانی بود که در آنجا کشته شد. (۷) همچنین حجر وصیت کرد غل و زنجیر را از دست و پایم باز نکنید و خونم را نشوید و مرا در پیراهنم دفن کنید؛ چرا که می خواهم به این صورت معاویه را در قیامت برای دادخواهی در پیشگاه خدا دیدار کنم. (۸)

ص: ۱۳۲

-
- ۱- (۱) الامامه والسیاسه، ج ۱، صص ۲۲۳ و ۲۲۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۰. ابن سعد و طبری این عده را هفتاد نفر نوشته اند: الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۱۹؛ تاریخ طبری، ج ۴، صص ۲۰۱ و ۲۰۲.
 - ۲- (۲) الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۱۹؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۸۹.
 - ۳- (۳) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۱.
 - ۴- (۴) تاریخ طبری، ج ۴، صص ۲۰۵-۲۰۸.
 - ۵- (۵) همان.
 - ۶- (۶) مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۸۸.
 - ۷- (۷) الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۱۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۱؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۸۶.
 - ۸- (۸) کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۵۳؛ ر. ک: اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۸۶؛ الإصابه، ج ۱، ص ۳۱۵؛ الروض المعطار فی خبر الأقطار، الحمیری، ج ۱، ص ۵۳۶؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۳۴۹.

ابن سعد (۱) و یعقوبی، (۲) عده مقتولان را هفت نفر نوشته اند، اما فقط از شش تن نام برده اند که حجر نیز یکی از آنهاست؛ به روایت مسعودی، (۳) شش شهید دیگر، غیر از حجر، عبارت بودند از:

- صیفی بن فسیل شیبانی: وی سرآمد یاران حجر و دارای قلبی آهنین و عقیده ای استوار و سخنی محکم بود. هنگامی که او را دستگیر کرده و نزد زیاد آوردند، زیاد به او گفت: «باید او (علی علیه السلام) را لعن کنی یا گردنت را خواهم زد». گفت: «در این صورت به خدا من خشنودم و تو بدبخت». [زیاد] فریاد زد: «او را با زنجیر آهنین ببندید و در زندان بیفکنید». در نهایت صیفی بن فسیل در مرج عذراء به شهادت رسید.

- قبیصه بن ربیعہ عبسی: او تصمیم داشت با کمک قوم خود مقاومت کند، ولی به او امان دادند؛ به همین دلیل از مقاومت دست کشید. (۴) قبیصه را نزد زیاد آوردند. وی نزد زیاد اعلام کرد که با امان نزد تو آمده ام. ولی زیاد او را زندانی کرد و سپس راهی قتلگاه مرج عذراء نمود. (۵)

- محرز بن شهاب بن بجیر بن سفیان بن خالد بن منقر التمیمی: وی از بزرگان و سران قوم و از شیعیان زبده بود. در سال ۴۳ هجری که «معقل بن قیس» با خوارج می جنگید، محرز فرمانده میسره سپاه وی بود. در این جنگ، سپاه «معقل» از سه هزار

ص: ۱۳۳

-
- ۱- (۱) الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۲۰.
 - ۲- (۲) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۱.
 - ۳- (۳) مروج الذهب، ج ۳، صص ۱۸۸ و ۱۸۹.
 - ۴- (۴) در حدیث است: «هرکس شخصی را امان دهد و سپس او را به قتل برساند، من از وی بیزارم؛ اگر چه آن مقتول کافر باشد»، الإصابه، ج ۴، ص ۲۹۴.
 - ۵- (۵) طبری می نویسد: «قبیصه بن ضبیعه به دست ابوشریف بدی افتاد، قبیصه به او گفت: «میان قبیله من و تو اختلاف و نزاع نیست. بگذار کس دیگری مرا بکشد؛ چرا که نمی خواست سرش عامل اختلافات بین دو قبیله گردد. وی قبول کرد و سپس «قضاعی» او را به قتل رسانید. قبیصه با بزرگواری در چنین لحظه ای در آن اندیشه است که میان دو قبیله کدورت و نفاق پدید نیاید و می کوشد که برادری و مسالمت را حفظ کند.

جنگجو تشکیل شده بود که همه از یکه سواران و برگزیدگان شیعه بودند و نقش عمده ای در سرکوبی فتنه خوارج داشتند. (۱)

- شریک بن شداد (یا نداد) حضرمی؛ بنا بر قولی عریک بن شداد؛

- کدام بن حیان عنزی؛

- عبدالرحمن بن حسان عنزی: وی در شمار یاران حجر بود. هنگامی که به مرج عذراء رسیدند، درخواست کرد که او را نزد معاویه بفرستند؛ گویا می پنداشت که معاویه از پسر سمیه بهتر است. معاویه خطاب به او کرد و گفت: «هان! درباره علی چه می گویی؟» عبدالرحمان گفت: «شهادت می دهم که او کسی بود که خدا را بسیار یاد می کرد و امر به حق می نمود و عدل را به پا می داشت و از مردم در می گذشت...». معاویه او را به کوفه نزد زیاد فرستاد و دستور داد به بدترین وضعی او را به قتل رساند! و زیاد او را در «قس الناطف» (۲) زنده به گور کرد. (۳)

حضرت علی علیه السلام شهادت حجر و یارانش را پیش تر خبر داده و فرموده بود: «اهل کوفه! هفت نفر از بهترین مردان شما در عذراء کشته خواهند شد و وضع آنان مانند اصحاب اخدود خواهد بود». ایشان حجر را مخاطب ساخت و فرمود:

چگونه خواهی بود هنگامی که تو را به تبری از من فرا خوانند و چه خواهی گفت در آن حال که از تو بخواهند پیوند دوستی ات را از من بگسلی؟ حجر پاسخ داد: «به خدا سوگند، اگر با شمشیر بدنم را پاره پاره کنند و اگر خرمنی از آتش بیفروزند تا مرا در آن بیندازند، تمام اینها را قبول می کنم، ولی تبری از تو را نه». (۴)

ص: ۱۳۴

۱- (۱) تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۰۸.

۲- (۲) تاریخ کوفه، ص ۲۷۴. «قس الناطف» محلی است در نزدیکی کوفه بر کرانه شرقی فرات و در محاذات آن بر کرانه غربی فرات، «مروحه» قرار دارد که در آن جنگ معروف ابوعبید، پدر مختار ثقفی واقع شده است.

۳- (۳) الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۹۲؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۵۵.

۴- (۴) سفینه البحار، ج ۲، ص ۹۶.

قتل عام حجر و یارانش تأثیر بسیاری بر روحیه مردم گذاشت و موج نفرت از خاندان اموی، سراسر جامعه اسلامی را فرا گرفت؛ به طوری که حتی عایشه نیز به این قتل عام اعتراض کرد.^(۱) وی هنگامی که در مراسم حج با معاویه ملاقات کرد، به او گفت: «چرا حجر و یاران او را کشتی و از خود شکیبایی نشان ندادی؟ از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود در مرج عذراء جماعتی کشته می شوند که فرشتگان آسمان از کشته شدن آنها خشمگین خواهند شد». معاویه برای اینکه عمل خود را توجیه کند، گفت: «در آن زمان هیچ مرد عاقل و کاردانی نزد من نبود تا مرا از این کار باز دارد».^(۲)

شنیدن خبر این قتل عام برای امام حسین علیه السلام بسیار گران آمد و طی نامه ای به معاویه چنین نوشت:

آیا تو همان نیستی که حجر و یارانش را که عابد و در برابر خدا متواضع بودند، به قتل رساندی؟ آنان که از بدعت ها بیزار بودند، امر به معروف و نهی از منکر می کردند، ولی تو آنان را از روی ستم و عداوت، پس از پیمان های محکم، کشتی و این عمل را از روی نافرمانی در برابر خداوند و سبک شمردن پیمان او انجام دادی.^(۳)

به روایت ابن اثیر، قبر حجر در مرج عذراء مشهور و محل اجابت دعا بود.^(۴) مسجدی نیز کنار قبر وی ساخته شد.^(۵) سلفی های تکفیری در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۲، در جریان جنگ داخلی سوریه، به این مسجد و آرامگاه حمله کردند و قبر او را نبش کرده، پیکر حجر را به مکانی نامعلوم بردند.

همچنین زیاد درباره دو نفر حضرمی که از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، از معاویه

ص: ۱۳۵

۱- (۱) الطبقات الکبری، ج ۶، صص ۲۱۹ و ۲۲۰؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲- (۲) تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۵۶؛ الکامل، ج ۳، ص ۱۹۳.

۳- (۳) ر. ک: الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۲۰۳.

۴- (۴) اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۸۶.

۵- (۵) تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۲، ص ۲۰۸.

کسب تکلیف کرد. معاویه گفت: «هرکس بر دین و اعتقاد علی علیه السلام است، بکش و مثله کن». او نیز آنان را کشت و مثله کرد(۱) و هر دو را بر در خانه هایشان به دار آویخت(۲). نام این دو را مسلم بن زیمیر و عبدالله بن نجی یا نجر حضرمی گفته اند. امام حسین علیه السلام در نامه معروف خود، معاویه را به خاطر به شهادت رساندن این دو نفر، به شدت توبیخ کرد و فرمود:

... آیا تو آن کس نیستی که زیاد بن ابیه برای تو نوشت مردم «حضرمیین» بر دین علی علیه السلام هستند و تو دستور دادی آنان که بر دین علی علیه السلام می روند، یک تن زنده مگذار؟! و او همگان را کشت و مثله کرد و حال آن که سوگند به خدا، علی علیه السلام به حکم اسلام باید تو و پدرت را دستخوش شمشیر می ساخت و امروز به بهانه همان دین، غصب مسند خلافت کردی! و گرنه شرف تو و پدرت آن بود که زمستان و تابستان دنبال شتران کاسبی می کردید... من هیچ فتنه ای را در این امت بزرگ تر از خلافت و حکومت تو نمی دانم و از برای خود و دین خویش و امت محمد صلی الله علیه و آله هیچ سودی برتر از آن نمی دانم که با تو جهاد کنم... قسم به جان خودم که تو به هیچ عهدی و شرطی وفا نکردی و مسلمانان را بعد از عهد و پیمان، و صلح و سوگند کشتی، بی آن که با تو مبارزه ای کنند و نبردی آغاز نمایند و جرم و گناه ایشان جز ذکر فضایل ما و تعظیم حقوق ما نبود. پس ایشان را کشتی از بیم آن که مبادا هلاک شوی و ایشان زنده بمانند یا بمیرند و حرارت تیغ تیز تو را نچشند. بدان ای معاویه که روز حساب می آید و هنگام قصاص فرا می رسد. بدان که خدای را کتابی است که اعمال کوچک و بزرگ را فروگذار نکرده و تمام اعمال در آن ثبت است و خداوند فراموش نمی کند که مردم را به بهتان گرفتی و دوستان خدا را تهمت زدی و جماعتی را کشتی و گروهی را از

ص: ۱۳۶

۱- (۱) معاویه مثله کردن را از مادرش هند جگرخوار آموخته بود؛ چراکه هند نیز با یاران شهید رسول خدا صلی الله علیه و آله، از جمله حمزه سید الشهداء، همین معامله را کرد.

۲- (۲) المحبر، ص ۴۷۹؛ اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۲۵۶؛ الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۲۰۳؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۷.

خانه ها و شهرهای خود بیرون کردی... دین علی علیه السلام همان دین رسول خدا صلی الله علیه و آله است که براساس آن با پدر تو جنگید و شمشیر زد(۱).

فاجعه قتل عبدالله بن یحیی و مسلم بن زیمر به فاجعه قتل عام حجر بن عدی و یارانش بسی شبیه و همانند است: هر دو دسته، بی دفاع کشته شدند؛ هر دو با جمع دوستان و یاران خود، مورد آزار قرار گرفتند و هر دو فقط به جرمی گرفتار شدند (یعنی محبت به علی علیه السلام و عدم سب او) که بی گمان سرلوحه فضائل ایشان بود.

دو - قتل عام غور

قتل عام های معاویه فقط در مناطق مرکزی جهان اسلام نبود. بلکه مسلمانان مناطق دوردست دنیای اسلام آن روز نیز به اتهام ارتداد، سرکوب و قتل عام شدند؛(۲) از جمله این نقاط، منطقه غور (منطقه ای کوهستانی در مرکز افغانستان) بود. مؤلف کتاب پژوهشی در تاریخ هزاره ها می نویسد:

مردم غور درست پنج سال بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام، در سنه ۴۵ ه. ق به خاطر آن که از دستور معاویه سر باز زده بودند، به اتهام ارتداد درهم کوبیده شدند؛ زیرا معاویه دستور داده بود که در سرتاسر سرزمین های اسلامی، خطباء در نماز جمعه به حضرت علی علیه السلام سب و ناسزا بگویند. این سنت ناروا تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت. تنها ملتی که از دستور معاویه سرپیچی کرد، مردم غور بودند که هرگز حاضر نشدند به حضرت علی علیه السلام و اولاد طاهرینش ناسزا بگویند؛ بر همین اساس، بعضی از شاعران، این موضوع را از افتخارات مردم غور دانسته و به شعر در آورده اند.(۳)

ص: ۱۳۷

-
- ۱- (۱) تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۴۸؛ الغدیر، ج ۱۰، ص ۲۴۸؛ تحف العقول، ص ۱۶۸؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۱.
 - ۲- (۲) گلشن ابراهیمی، فرشته (محمد قاسم هندو شاه استرآبادی)، ج ۱، ص ۲۷.
 - ۳- (۳) پژوهشی در تاریخ هزاره ها، علی یزدان، ج ۱، ص ۷۴؛ تاریخ غوریان، اصغر فروغی؛ ر. ک: بررسی ریشه های تاریخی تشیع در افغانستان، قربانعلی محقق ارزگانی، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.

مورخانی، نظیر «مزی» در تهذیب الکمال و «ذهبی» در سیر اعلام النبلاء به موضوع تاریخی شگفت آوری اشاره می کنند و می نویسند:

بنی امیه وقتی می شنیدند که نوزادی نامش علی است، او را می کشتند.^(۱) این سنت زشت تا جایی ادامه یافت که هر کس نامش علی بود، از نامش خجالت می کشید و برای تصغیر، او را عَلَی می نامیدند.^(۲)

ابن حجر عسقلانی در «لسان المیزان» می نویسد:

علی بن جهم سلمی به دشمنی با اهل بیت علیهم السلام مشهور است و بسیار بر علی و اهل بیت علیهم السلام ایراد می گرفت؛ وی نزد حجاج، پدر خودش را نفرین کرد که چرا او را علی نامیده است. حجاج خندید و او را امارت داد.^(۳)

آنچه درباره قتل عام نوزادان همانام علی علیه السلام در منابع آمده، این است که این موضوع در دوران بنی امیه، ساری و جاری بود. بنابراین می توان گفت که قتل عام این نوزادان، وحشتناک تر از قتل عام نوزادان بنی اسرائیل بوده است؛ چراکه فرعون در یک دوره خاصی، برای جلوگیری از تولد حضرت موسی علیه السلام، به این عمل ننگین اقدام کرد. درحالی که بنی امیه، در طول یک سلسله حاکمیتی، به این کار بی رحمانه اقدام کردند.^(۴)

این رسم شوم در دوره هایی از خلافت عباسیان نیز جاری بوده است. در رسائل

ص: ۱۳۸

۱- (۱) تهذیب الکمال، ج ۲۰، ص ۴۲۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۱۰۲ و ج ۷، ص ۴۱۲.

۲- (۲) تدریب الراوی، ج ۲، ص ۳۳۱.

۳- (۳) لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۱۰.

۴- (۴) در روایاتی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله، پادشاهان اموی بدتر از فرعون معرفی شده اند؛ ر. ک: «لَیْکُونَنَّ فِی هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلٌ یُقَالُ لَهُ: الْوَلِیدُ لَهُوَ شَرُّ عَلَی هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ فِرْعَوْنَ لِقَوْمِهِ». أخرجه أحمد فی مسنده، عن عمر بن الخطاب، رقم حدیث: ۱۱۲۰ و قَالَ الْحَاكِمُ: هُوَ الْوَلِیدُ بَنُ یَزِیدَ بِلَا شَكِّ وَلَا مَرِیَّةٍ. مستدرک الحاکم. و کنز العمال - ج ۱۶ - ص. ۴۳۰.

ابوبکر خوارزمی درباره مظلوم عباسیان می خوانیم: «آنها هر که را شیعه بدانند، به قتل می رسانند. هر کس نام پسرش را علی بگذارد، خورش را می ریزند».(۱)

ز) فجایع عمروعاص در قتل عام شیعیان مصر

عمروعاص با غدر و حیله، برخی از یاران حضرت علی علیه السلام را با زهر و برخی دیگر را به همراه یارانش قتل عام کرد؛ از جمله محمد بن ابی حذیفه بن عتبه بن عبد شمس را در سال ۳۶ هجری به توهم انداخت که قصد بیعت با امیرالمؤمنین علی علیه السلام را دارد و با او وعده جلسه ای در عریش (واقع در سرزمین مصر) گذاشت. هنگامی که محمد بن حذیفه به سوی عمروعاص آمد، عمروعاص با کمین، او و سی نفر از یارانش را به قتل رساند.(۲)

برخی مورخان قتل محمد بن ابی حذیفه را به دست شخص معاویه نوشته اند؛ به این صورت که وی با اینکه پسرخاله معاویه بود، ولی از انصار و شیعیان حضرت علی علیه السلام به شمار می رفت؛ به همین دلیل معاویه او را به زندان افکند و بعد از مدت طولانی به او گفت: «آیا وقت آن نرسیده که موالات و دوستی علی علیه السلام را ترک کنی؟ آیا نمی دانی عثمان مظلوم کشته شد و علی علیه السلام باعث آن بود و ما امروز طالب خون او هستیم». محمد در جواب گفت:

تو می دانی من با تو خویشاوندم؛ به خدایی که غیر از او خدایی نیست، هیچ کسی را شریکی در خون عثمان و تحریک کننده مردم بر او، بیشتر از تو نمی شناسم؛ برای اینکه مهاجران و انصار، عزل تو را می خواستند و عثمان ابا کرد. به خدا قسم در ابتدا شریک نبود به خون عثمان، مگر طلحه و زبیر و عایشه... به خدا قسم من تو را می شناسم که در جاهلیت و اسلام بر یک رویه هستی و اسلام در تو هیچ تغییری ایجاد نکرده است و علامت آن این است که مرا به محبت علی علیه السلام ملامت می کنی. درحالی که هر صائم و

ص: ۱۳۹

۱- (۱) دائرة المعارف بزرگ اسلامی، محمد بن عباس، ج ۵، ص ۲۴۹.

۲- (۲) الکامل، ج ۳، ص ۲۶۷؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۴۶؛ الغارات، ج ۱، ص ۳۲۹.

قائم مهاجر و انصار با علی علیه السلام همراهی کرد. اما با تو فرزندان طلقاء و منافقین همراهی داشتند. والله ای معاویه. از تو خوف ندارم و همواره علی علیه السلام را به خاطر خدا و رسول صلی الله علیه و آله دوست خواهم داشت و تو را به خاطر خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله دشمن خواهم داشت. (۱)

معاویه، بنابر قول ثقفی در الغارات، محمد بن ابی حذیفه را گردن زد (۲) و بنابر قولی دستور داد او را به زندان برگردانند و در زندان وی را نگه داشت تا به شهادت رسید. زندانی شدن و شهادت محمد بن ابی حذیفه به دست عمروعاص یا معاویه نشان داد که برای آن دو دوستی علی علیه السلام مجوز زندانی شدن و قتل افراد به شمار می رفت؛ ولو اینکه آن اشخاص از تیره خود آنها باشند.

همچنین از دیگر تابعین معروف که به جرم موالات حضرت علی علیه السلام به قتل رسیدند، محمد بن اکثم و خالد بن مسعود بودند. همچنین عمروعاص، محمد بن ابی بکر را به همراه تعدادی از یارانش به قتل رساند و جسدش را آتش زد و سر او را به مدینه فرستاد. عایشه، خواهر محمد درباره عمروعاص گفت: «خدا فرزند زن بدکاره را بکشد». (۳)

ح) به شهادت رساندن امام حسن مجتبی علیه السلام آغازی بر قتل عام نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله

پیشوایان دینی شیعیان، یکی پس از دیگری، به دست خلفای اموی و عباسی به شهادت رسیدند. این در نوع خود، در تاریخ ادیان و مذاهب، بی سابقه است که همه پیشوایان دینی یک مکتب به قتل برسند. این مسئله به اندازه ای آشکار بود که در ادبیات عرب نمود گسترده ای یافت. قصیده دعبل خزاعی نمونه ای از این ادبیات است. وی در قصیده خود اشاره می کند که هیچ تیره ای از تیره های عرب را نمی شناسد که در خون

ص: ۱۴۰

۱- (۱) الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۴.

۲- (۲) ابن ابی الحدید معتقد است محمد بن ابی حذیفه در مصر به دست عمروعاص اسیر و به دستور معاویه به زندان افکنده شد. سپس از زندان فرار کرد. ولی یکی از عثمانی مذهببان (هواداران معاویه) وی را در غاری یافت و به قتل رساند؛ ر. ک: التحفه الزبیدیه فی مقاتل علماء الامامیه، ماجد ناصر الزبیدی، صص ۶۳ و ۶۴.

۳- (۳) مادر عمروعاص از زنان بدکاره زمان جاهلیت بود: تذکره الخواص الامه، ص ۱۴۴؛ التمهید والبیان، ص ۲۰۹.

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نقش نداشته باشند. بخشی از این قصیده، مطابق نقل امالی شیخ مفید، چنین است:

لم یبق حی من الأحياء نعلمه من ذی یمان ولا بکر ولا مضر

إلا وهم شرکاء فی دائهم کما تشارک أیسار علی جزر

قتلاً وأسراً وتخویفاً و منهبه فعل الغزاه بأهل الروم والخزر

أری أمیه معذورین إن قتلوا ولا أری لبنی العباس من عذر

هیئات کل امرئ رهن بما کسبت له یداه فخذ ما شئت او فذر(۱)

هیچ قبیله ای از یمن و بکر و مضر سراغ ندارم که در خون آنان (اهل بیت علیهم السلام) دستی نداشته باشد؛

آنان در کشتن و اسیر نمودن و ترساندن و غارت کردن اهل بیت علیهم السلام، همان کاری که با روم و خزر می کردند، روا داشتند.

اگر بنی امیه در کشتار خود عذری داشتند، بنی عباس برای کار خود چه عذری داشتند؟

هیئات، هر کس گروگان کسب و کار خویش است. خواهی بگیر و خواهی بگذار.(۲)

امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

به خدا سوگند رسول خدا این عهد و وعده را به ما داده است که امر امامت را یازده تن از فرزندان علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) به دست خواهند گرفت و هیچ کدام از ماها نیست مگر اینکه به وسیله سم یا با کشتن، شربت شهادت خواهند نوشید.(۳)

از امام صادق و امام رضا علیهما السلام نیز روایت شده است:

«والله ما منا الا مقتول شهید»؛ «هیچ

ص: ۱۴۱

۱- (۱) الامالی، ص ۳۲۴؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۳۲۲؛ العوالم، ج ۲۲، ص ۵۰۸.

۲- (۲) این قصیده وقتی به اصرار مأمون نزد او خوانده شد، وی عمامه خود را بر زمین زد و گفت: «به خدا سوگند راست گفتمی ای دعبل». الامالی، ص ۶۱.

۳- (۳) کفایه الأثر، ابن خزاز، صص ۲۳۱-۲۵۷.

یک از ما نیست مگر اینکه مقتول شهید است»^(۱).

یکی از بزرگ ترین جنایات های معاویه، قتل نواده پیامبر صلی الله علیه و آله، امام حسن بن علی علیهما السلام است. برخی منابع اهل تسنن مسمومیت ایشان را به معاویه و برخی دیگر به یزید نسبت داده اند.^(۲) عامل این توطئه، جَعده، دختر اشعث بن قیس، همسر امام مجتبی علیه السلام بود. معاویه برای جَعده پیغام فرستاد: «من تو را به ازدواج پسر من، یزید، در می آورم به شرط آن که [امام] حسن [علیه السلام] را مسموم کنی و او را به قتل رسانی». هزار درهم نیز با زهری کشنده توسط طیب دربارش برای او فرستاد.^(۳) اما خوش خدمتی جَعده را با پول پاسخ داد و او را به عقد یزید در نیاورد.^(۴) البته برخی از منابع این مسمومیت را به دست سعید ابن عاص، والی مدینه، از طرف معاویه گزارش کرده اند.^(۵)

معاویه بعد از شهادت ایشان، کشتار جمعی شیعیان را وسعت بخشید. خلفای بعدی نیز همین رویه را در پیش گرفتند.^(۶)

در دوره معاصر نیز وهابیان بارها به محل دفن ایشان حمله کردند. در این حملات تعدادی از مردم و شیعیان بی گناه نیز به قتل رسیدند.^(۷)

ص: ۱۴۲

۱- (۱) اعلام الوری، طبرسی، ج ۲، ص ۱۳۲؛ الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ج ۲، ص ۹۳؛ الامالی، ص ۶۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵.

۲- (۲) المنتظم، ابن جوزی، ج ۵، ص ۲۲۶؛ تذکره الخواص، سبط بن جوزی، صص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۱۱؛ مختصر تاریخ دمشق، ابن منظور، ج ۷، صص ۳۹ و ۴۰؛ ر. ک: بازپژوهی تاریخی ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام، یدالله مقدسی.

۳- (۳) الارشاد، شیخ مفید فصل مربوط به شهادت امام حسن علیه السلام.

۴- (۴) پس از شهادت امام حسن علیه السلام جَعده با مردی از آل طلحه ازدواج کرد و از او صاحب فرزندی شد. از آن پس هرگاه بین فرزندان از قریش و آن فرزندان گفت و گویی در می گرفت، قریشی ها آنها را سرزنش کرده و آنها چنین خطاب می کردند: «یا بَنی مُسِمِهِ الْأَزْوَاجِ»؛ «ای فرزندان زنی که شوهران خود را مسموم می کند». الارشاد، ج ۲، ص ۱۶.

۵- (۵) لباب الانساب، ج ۱، ص ۳۳۹.

۶- (۶) مقاتل الطالبیین، بخش های مربوط به شهادت فرزندان و نوادگان و احفاد امام حسن مجتبی علیه السلام.

۷- (۷) ر. ک: کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، صص ۲۳، ۳۲ و ۵۳.

اشاره

معاویه برای جانشینی یزید، با تهمت و سوءظن، افرادی را که احتمال مخالفت می داد به قتل رساند. (۱) تا جایی که امام حسین علیه السلام در نامه ای به او نوشت:

بدان ای معاویه که خداوند فراموشکار نیست! تو مردم را به گمان می کشی و به تهمت گرفتار می کنی. خدا از یاد نمی برد که تو کودک شرابخور سگ بازی را به امارت می نشانی. تو را نمی بینم جز اینکه نفست را هلاک و دینت را تباه و رعیت را ضایع کرده ای. والسلام. (۲)

یزید در نهایت به سلطنت رسید و فجایعی به راه انداخت که در تاریخ ظهور اسلام، با آن همه فتنه های انجام گرفته، بی سابقه بود. سال اول به فرماندار خود در کوفه، عبیدالله بن زیاد، دستور داد حضرت حسین بن علی علیهما السلام را با فجیع ترین وضع به شهادت رساند و زنان و کودکان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به همراه سرهای بریده شهدا در شهرها بگرداند.

سال دوم، مدینه را قتل عام کرد و جان و مال و ناموس مردم آن دیار را تا سه روز برای لشکریانش مباح کرد. در سال سوم نیز کعبه مقدسه را خراب کرد و آن را به آتش کشید و تعداد زیادی از زائران و مجاوران خانه خدا را قتل عام کرد. (۳)

الف) به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام و نسل گُشی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

درباره رویداد عاشورا مباحث متعددی مطرح شده است، اما از یک زاویه می توان این رویداد را نسل کشی بی رحمانه خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله در یک بیابان برهوت دانست. حتی

ص: ۱۴۳

۱- (۱) از جمله قتل صحابه معروف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سردار جنگ قادسیه، سعد بن ابی وقاص؛ مقاتل الطالبیین، ص ۷۳؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۶.

۲- (۲) سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۸۳؛ ر. ک: سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۲۶ و ج ۲، ص ۲۶۰؛ بررسی تاریخ عاشورا، صص ۷۴ و ۷۵.

۳- (۳) تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۷، صص ۳۱۱۷-۳۱۲۱؛ الکامل، ترجمه عباس خلیلی، ج ۳، صص ۲۵۸-۲۶۰.

مورخان اهل سنت نیز تصریح دارند که شدیدترین مصیبت تاریخ، واقعه کربلاست. (۱) ریشه های این رویداد متعدد است، مثلاً عمل معاویه در زیر پا گذاشتن عهدنامه صلح با امام حسن علیه السلام و تعیین یزید به عنوان ولیعهد و سپس اقدام زورمدارانه یزید مبنی بر مخیر کردن امام حسین علیه السلام بین قتل یا پذیرش بیعت، دقیقاً از عزم بنی امیه برای حذف فیزیکی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله یا به خواری کشاندن آنها خبر می داد. (۲)

در جریان واقعه عاشورا، یزید و عاملان او به قتل عام و کشتار جمعی بی رحمانه ای دست زدند و عملاً کلیه موازین انسانی را نقض کردند. (۳) که برخی از موارد آن عبارت است از:

۱. جنایاتی که در جریان حرکت امام حسین علیه السلام در کوفه، بصره، کربلا و شام به دستور یزید و عاملان او اتفاق افتاده تا ۳۱ جنایت احصا شده است که برخی از آنها عبارت اند از: «شکنجه و قتل قاصدان و اسرا، قتل پس از امان دادن، قطع آب، آتش زدن خیمه ها، کشتن کودکان، کشتن بانوان، تاراج اموال، لگدمال کردن بدن شهدا با سُم اسبان و ترساندن و غارت اموال زنان و اطفال بی گناه نظیر کشیدن گوشواره از گوش آنها». (۴)

۲. ابن زیاد، تمامی قاصدانی را که از سوی امام حسین علیه السلام به بصره و کوفه آمده بودند، قتل عام کرد. وی سلیمان بن رزین را در بصره گردن زد. (۵) و قیس بن مسهر

ص: ۱۴۴

۱- (۱) ابن جوزی می نویسد: «آن ظلمی که در شهادت امام حسین علیه السلام و خاندانش رخ داده است، بر کسی روا نشده است». وی به پیشگویی شهادت امام حسین علیه السلام از سیصد سال قبل از بعثت اشاره می کند؛ التبصره، ابن جوزی، ج ۲، ص ۱۷. شبیه این دو مطلب در کتب ذیل نیز آمده است: تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۴۴۲؛ بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۶، ص ۲۶۵۳؛ الخصائص الکبری، سیوطی، ج ۱، ص ۶۳.

۲- (۲) مطابق آن، معاویه متعهد شده بود که خلافت بعد از او به امام حسن علیه السلام برسد یا بر حسب برخی روایات به شورا واگذار شود: أنساب الأشراف، ج ۳، صص ۴۱ و ۴۲.

۳- (۳) ر. ک: جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۴۸۳. انقلاب تکاملی اسلام، جلال الدین فارسی، ص ۸۲۴.

۴- (۴) سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۰۳؛ طبقات ابن سعد، ص ۷۸؛ اللهوف، صص ۷۹ و ۸۰؛ مثير الاحزان، ص ۵۹.

۵- (۵) تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۷؛ الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۲۳.

صیداوی را در کوفه از بام قصر به پایین پرتاب کرد. پیش از قتل از او خواست با لعن اهل بیت علیهم السلام و صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام خود را از مرگ نجات دهد. ولی او این ننگ را نپذیرفت و به شهادت رسید. (۱)

این در حالی بود که وظیفه آنها تنها پیام رسانی بود و کشتن قاصد در هیچ آیینی جایز نیست. دو نفر از یاران امام حسین علیه السلام نیز به نام سوار بن منعم و موقع بن ثمامه صیداوی نیز در روز عاشورا درحالی که اسیر بودند ناجوانمردانه به شهادت رسیدند. (۲)

۳. تعداد شهدای بنی هاشم از خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ۳۳ نفر می شوند که سه نفر آنها کودک بودند؛ این افراد به این صورت اند: امام حسین علیه السلام به همراه اولاد ایشان، چهار نفر، اولاد علی علیه السلام نه نفر، اولاد امام حسن علیه السلام چهار نفر، اولاد عقیل دوازده نفر، اولاد جعفر چهار نفر. بنابراین سربازان یزید تقریباً همه مردان و نوجوانان ذکور همراه امام حسین علیه السلام را به جز علی بن الحسین علیه السلام و حسن مثنی، به شهادت رساندند؛ حتی از کودک ده ساله، عبدالله بن حسن و طفل شش ماهه، علی اصغر، نیز نگذشتند.

۴. جنایت بزرگ دیگری که به مصائب کربلا عمق بیشتری داد، بستن آب به روی امام حسین علیه السلام، یاران و اهل بیت ایشان بود که بهانه آن را بستن آب در جریان محاصره خانه عثمان (۲۵ سال قبل) اعلام کردند. این درحالی بود که حضرت علی علیه السلام جوانمردانه در آن ایام به خانه عثمان آب رسانید. (۳)

(ب) قتل عام صحابه و تابعین مدافع امام حسین علیه السلام

سربازان یزید، علاوه بر اینکه امام حسین علیه السلام و تمام بنی هاشم را به شهادت رساندند،

ص: ۱۴۵

۱- (۱) تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۹۵؛ ابصار العین، ص ۱۱۲.

۲- (۲) فرهنگ عاشورا، ص ۳۷.

۳- (۳) ر. ک: الکامل فی التاریخ (نسخه مکتبه الشامله)، جلد ۲، صفحه ۱۶.

تمام صحابه و تابعین همراه ایشان را نیز قتل عام کردند. (۱) برخی از صحابه عبارت اند از: «حبيب بن مظهر (مظاهر) اسدی (۲) ، مسلم بن عوسجه (۳) ، انس بن حارث کاهلی (۴) و یزید بن مغل (مغل)» (۵) دو نفر از صحابه نیز در کوفه به جرم حمایت از امام حسین علیه السلام، پیش از رویداد کربلا، به شهادت رسیدند که عبارت اند از: «هانی بن عروه و عبدالله بن بقطر (یقطر)». درباره این پنج صحابی و سخنان آنها مطالب زیادی گفته شده است؛ (۶) از جمله انس بن حارث از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که ایشان فرمودند:

«ان ابني هذا [یعنی الحسین] یقتل بارض یقال لها کربلا فمن شهد ذلک منکم فلینصره». (۷) بر این اساس، انس بن حارث به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرد و به یاری امام حسین علیه السلام آمد و به شهادت رسید. لشکر یزید حتی به زنان، مجروحان و اسیر شدگان بعد از جراحت نیز رحم نکردند. تعدادی نوزاد شیرخوار و کودک نابالغ نیز در کربلا- توسط لشکریان یزید به شهادت رسیدند که عبارت اند از: «عبدالله رضیع، عبدالله بن حسن، محمد بن ابی سعید بن عقیل، قاسم بن حسن، عمرو بن جناده انصاری که پدرش نیز در رکاب سیدالشهداء علیه السلام شهید شد». (۸)

لشکر یزید تعدادی از شهدا را قطعه قطعه کردند که معروف ترین آنها، علی اکبر

ص: ۱۴۶

۱- (۱) مجموعاً با سی تن از بنی هاشم، تعداد شهدای قتل عام کربلا به ۱۳۶ نفر می رسد و چون قیس بن مسهر صیداوی، عبدالله بن بقطر و هانی بن عروه را نیز جزو آنها قرار دهیم، تعداد آنها به ۱۳۹ نفر خواهد رسید.

۲- (۲) ابصار العین فی انصار الحسین، محمد بن طاهر سماوی، ص ۱۹۳. صاحب کتاب «اعیان الشیعه» نام حبيب بن مظاهر را به ضبط «مظهر» صحیح تر می داند؛ ر. ک: أعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۱۲ و ج ۴، ص ۵۵۳.

۳- (۳) ابصار العین، ص ۱۹۳.

۴- (۴) همان، ص ۱۹۲؛ کتاب الرجال، محمد بن حسن طوسی، ص ۲۱؛ أعیان الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۰.

۵- (۵) تنقیح المقال، مامقانی، ج ۳، ص ۳۲۸؛ ر. ک: فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص ۵۱۶.

۶- (۶) ر. ک: «هل یوجد بین شهداء کربلاء من اصحاب النبی الاکرم صلی الله علیه و آله و من هم؟» نشانی مقاله با ارجاعات

در فضای مجازی: <http://www.islquest.net/chive/question> ک ۱۶۸۸۴

۷- (۷) ینابیع الموده، سلیمان بلخی حنفی، باب ۶۰؛ ر. ک: شب های پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی، ص ۴۳۹.

۸- (۸) او نه یا یازده ساله بود که به میدان رفت و شهید شد. نام او در زیارت ناحیه مقدسه آمده است.

فرزند حسین بن علی علیهما السلام، عباس بن علی علیهما السلام و عبدالرحمان بن عمیر هستند و سر برخی شهدا را روز عاشورا به جانب امام حسین علیه السلام انداختند که عبارت اند از: عبدالله ابن عمیر کلبی، عمرو بن جناده و عابس بن ابی شیب شاکری.

لشکریان یزید به زنان نیز رحم نکردند. زنی که ناجوانمردانه در کربلا به شهادت رسید مادر وهب (همسر عبدالله بن عمیر کلبی) بود. (۱) و (۲).

ج) قتل عام گروهی از بنی هاشم در جریان واقعه حره

(۳)

واقعه حره رویدادی است که تمام منابع تاریخی به آن اشاره کرده اند. بیعت مردم با پسر زبیر، ایستادگی آنان در برابر یزید، ابراز انزجار و نفرت از اعمال زشت یزید و درگیری مردم مدینه با عامل یزید در خصوص عواید «صوفی» (۴)، منجر به قیام مردم و اخراج امویان از شهر گردید (۵).

یزید از انصار و اهل مدینه دل خوشی نداشت؛ چراکه قاتلان پدران وی در بدر و دیگر جنگ ها بودند. همچنین اهل مدینه در شورش علیه عثمان و کشتن او نقش اساسی داشتند (۶). سپاه شام نیز شعارشان در این جنگ، «یا لثارات عثمان»؛ «ای خونخواهان عثمان» بود.

اگرچه این قیام، شیعی به شمار نمی رفت، ولی عده زیادی از سادات و شیعیان

ص: ۱۴۷

- ۱- (۱) تفسیر طبری، ج ۲۵، ص ۱۶؛ بحر المحيط، ج ۷، ص ۵۱۶؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۶.
- ۲- (۲) حیاة الامام الحسین، باقر شریف القرشی، ج ۳، ص ۳۹۵؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۱.
- ۳- (۳) تاریخ این قتل عام، دقیقاً ۲۸ ذی حجه ۶۳: مطابق با جمعه ۹ شهریور ۶۲ بود.
- ۴- (۴) «صوفی» اراضی کشاورزی و نخلستان های متعلق به انصار بود که امویان با بهای ناچیزی آنها را خریداری کرده بودند و هر سال عواید آن به خزانه اموی ها واریز می شد؛ ر. ک: الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۲۲۷؛ ر. ک: لسان العرب، ج ۷، ص ۳۷۰؛ زمین در فقه اسلامی، حسین مدرسی طباطبایی، ج ۲، صص ۲۱-۲۵.
- ۵- (۵) تاریخ یعقوبی، ص ۲۵۰؛ الامامه والسیاسه، ج ۱، صص ۲۲۷ و ۲۲۸.
- ۶- (۶) فتوح البلدان، ج ۵، ص ۳۴۸.

بی گناه قتل عام شدند. منابع تاریخی در تعداد مقتولین بنی هاشم اختلاف دارند.^(۱) ابوالفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبیین، شهدای بنی هاشم را چنین بر می شمارد:

۱. جعفر بن محمد حنفیه بن علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم.

۲. ابوبکر بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم.

۳. عون بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم.

۴. عباس بن عتبه بن ابی لهب بن عبدالمطلب بن هاشم.

۵. عبدالله بن نوفل بن الحارث بن عبدالمطلب بن هاشم.

۶. حمزه بن عبدالله بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب بن هاشم.

۷. فضل بن عباس بن ربیع بن حارث بن عبدالمطلب بن هاشم.

برخی روایات به این مطلب اشاره دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله این واقعه هولناک را در سفری که به مکه معظمه می رفت، در سرزمین حره پیش گویی کرد و برای آن بسیار متأثر شد^(۲). برخی نوشته اند آنچه مسرف بن عقبه با اهل مدینه کرد، نظیر کارهای بسربن ارتطاه در حجاز و یمن بود. این در حالی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله بارها همه را از تعرض به مدینه، منع و مردم را از قتل بنی هاشم، ولو در لشکر کفر باشند، نهی فرمود؛ چراکه شفقت و نزدیکی آنها را به خود می دانست و اعلام می کرد که آنها را به زور آورده اند.^(۳) ولی یزید مباشران تعرض به مدینه و قاتلان بنی هاشم را تشویق و حصین بن نمیر، جانشین مسرف بن عقبه را برای سرکوبی و قتل عام مردم مکه مأمور کرد و خانه خدا را

ص: ۱۴۸

۱- (۱) ر. ک: وقعه الحره، فاضل عبدالجلیل الزاکی، صص ۳۵۷-۳۶۵.

۲- (۲) گفته می شود در جریان این واقعه، از قریش، انصار، مهاجرین و صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۱۷۰۰ نفر و از باقی مردم از مردان، زنان و کودکان ده هزار نفر به شهادت رسیدند: ر. ک: تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۸۵؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۲۱۹؛ تاریخ امراء المدینه المنوره، عارف احمد عبدالغنی، ص ۵۹.

۳- (۳) الکامل، ج ۲، ص ۱۲۸؛ بحار الانوار، ج ۱۹، صص ۲۴۰ و ۲۴۲؛ ر. ک: راه وحدت امت اسلامی، سید شرف الدین موسوی جبل عاملی، ترجمه: احمد صادقی اردستانی، ص ۱۵۰.

به آتش کشید. (۱) اثرات قتل عام مدینه و کینه های ناشی از آن تا قرن دوم نیز باقی ماند؛ به طوری که حتی در مناطقی دوردست، نظیر آندلس، اعراب عدنانی و قحطانی را به جان یکدیگر می انداخت.

بعد از مرگ یزید، معاویه دوم، پسر یزید بن معاویه، به نشانه اعتراض بر پدرش و اعتراف به حق خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در جانشینی او از خلافت کناره گرفت. (۲) ولی بنی امیه او را با سم کشتند و از آنجا که مربی او «عمر مقصوص» را در گرایش او به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دخیل می دانستند، وی را نیز دستگیر ساخته و به همین جرم زنده به گور کردند. (۳)

گفتار پنجم: کشتار جمعی شیعه توسط زبیریان

۱. کشتار جمعی موالیان شیعه در حجاز

بعد از مرگ یزید، عبدالله بن زبیر خود را در مکه خلیفه نامید و قصد دست اندازی بر تمام عالم اسلام را داشت. وی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان آنان را بسیار آزد؛ عبدالله بن زبیر می گفت: «چهل سال است که من دشمنی خاندان علی علیه السلام را در دلم نهان داشته ام». (۴) خصومت عبدالله چنان آشکار بود که ده ها سال بعد وقتی هارون الرشید میان یحیی بن عبدالله و عبدالله بن مصعب زبیری (۵) مناظره برقرار کرد، یحیی بن عبدالله به سخن درآمد و درباره عبدالله بن زبیر به هارون چنین گفت:

... این مرد از نسل عبدالله بن زبیر است. همان عبدالله زبیر که جد تو عبدالله بن عباس را با فرزندانش در دل دره های مکه زندانی ساخت و بعد آتش برافروخت و می خواست

ص: ۱۴۹

۱- (۱) مروج الذهب، ج ۳، صص ۶۹-۷۲؛ العقد الفرید، ج ۵، ص ۱۳۹؛ ر. ک: تذکره الخواص، ابن جوزی، ص ۱۶۴.

۲- (۲) ر. ک: حیاة الحیوان، دمیری، ص ۶۲.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) مروج الذهب، ج ۲، ص ۸۴.

۵- (۵) عبدالله بن مصعب، یحیی بن زبیر را متهم کرد که او را به بیعت خود فراخواند و می خواست ضد دستگاه خلافت قیام کند.

خاندان تو را در آن آتش زنده زنده خاکستر کند تا اینکه ابو عبدالله جدلی، یار وفادار علی بن ابی طالب علیه السلام، از کوفه رسید و خاندان عباس را از خطر مرگ نجات داد. این مرد پسر عبدالله بن زبیر است. همان عبدالله بن زبیر که چهل جمعه در مکه از صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله لب فرو بسته بود. وقتی مردم به هیجان آمدند و از وی پرسیدند چرا صلوات بر محمد را از خطبه جمعه فروانداخته، در جواب گفت: «فرزندانش مردم بدی هستند. می بینم که هر وقت بر رسول الله صلی الله علیه و آله صلوات می فرستند، گردن هایشان به افتخار و شرف کشیده می شود و چهره شان به درخشش می افتد و خوشحال می شوند؛ من دوست نمی دارم با ذکر رسول اکرم صلی الله علیه و آله، چشم فرزندانش را روشن سازم».(۱)

همزمان با ادعای خلافت ابن زبیر در مکه و عبدالملک مروان در شام، مختار بن ابی عبیده ثقفی، با یاری شیعیان، بر کوفه و موصل مسلط شد و به خونخواهی امام حسین علیه السلام و مجازات قاتلان آن حضرت پرداخت. وی خانه های بنی هاشم را که به دست بنی امیه تخریب شده بود، بازسازی کرد و اموال و هدایای زیادی خدمت امام سجاد علیه السلام فرستاد.(۲)

ابن زبیر از این وقایع بیمناک شد که مبدا مردم با حمایت مختار، به خلافت محمد حنفیه، برادر امام حسین علیه السلام راضی شوند. لذا قصد آن کرد که از محمد حنفیه بیعت بستاند. بر همین اساس محمد حنفیه و یاران او و بنی هاشم را به قتل عام تهدید کرد و در نزدیکی زمزم به حبس افکند. سپس برایشان مهلتی معین کرد که بعد از انقضای مدت، در صورت عدم بیعت، آنها را بسوزاند.

محمد ابن حنفیه جریان را به مختار نوشت. مختار نیز شیعیان را بسیج کرد. حدود هفتصد تن از آنان را به سرداری ابو عبدالله جدلی، با چهارصد هزار دینار، به مکه فرستاد.

ص: ۱۵۰

۱- (۱) فرزندان آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲- (۲) از جمله کنیزی به امام سجاد علیه السلام هدیه داد و آن حضرت از او صاحب فرزنددی به نام «زید» شد که بعدها به شهادت رسید.

آنان به پاس حرمت حرم، بدون شمشیر و درحالی که تنها چوبی در دست داشتند، با ندای یالثارات الحسین به مسجدالحرام داخل شدند. به زمزم درآمدند و محمد ابن حنفیه را از بند رهانیدند. آن گاه از او اجازه خواستند که به جنگ ابن زبیر روند. ولی او آنها را منع کرد.^(۱)

ابن زبیر که نتوانسته بود به محمد ابن حنفیه آسیب برساند، با قتل عام ابن ورس و هفتصد نفر از موالی شیعه، کینه خود را به هاشمیان و شیعیان نشان داد؛ به این ترتیب که مختار با اطلاع از فرستادن سپاهی از طرف امویان شام به وادی القری و تهدید مدینه، یکی از یارانش را به نام ابن ورس، با هفتصد نفر از موالی شیعه، به اطراف مدینه فرستاد و به عبدالله بن زبیر اعلام کرد این عده برای دفاع از مدینه و مکه گسیل شده اند.

این کار (دفاع از حرمین) از سوی مختار سابقه داشت؛ چرا که پیش تر نیز در دفاع از مکه، در مقابل سپاه یزید، با عبدالله بن زبیر همکاری کرده بود، اما عبدالله به خاطر کینه ای که علیه شیعیان داشت، فرستادگان مختار را قتل عام کرد؛ به این صورت یکی از سرداران خود، به نام عباس بن سهل را با تعداد زیادی نیروی جنگی به سر وقت ابن ورس و فرستادگان مختار فرستاد. ابن سهل وانمود کرد که با آنها کار ندارد. ابن ورس و همراهانش نیز که قصد درگیری با عباس بن سهل را نداشتند، هدیه او را نیز که به تعداد هر ده نفر از فرستادگان مختار، یک گوسفند بود، پذیرفتند.

آنها گوسفندان را ذبح کردند و مشغول خوردن غذا شدند. ولی ناگهان متوجه شدند حدود هزار نفر از زبیریان، به فرمان عباس بن سهل آنها را محاصره کرده اند. ابن ورس که انتظار این خیانت را نداشت، فریاد برآورد: «ای لشکریان خدا! به سوی من آیید و با منحرفان و یاران شیطان رجیم بجنگید که شما بر حقیق و اهل هدایت. آنان به ما خیانت کرده اند و نیرنگ زده اند». اما افراد ابن ورس، جز حدود صد نفر که با او ماندند و به جنگ و دفاع و مقاومت پرداختند، بقیه به جانب بیابان فرار کردند. زبیریان دست از آنان

ص: ۱۵۱

۱- (۱) تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۵۲.

برنداشته، بسیاری را به قتل رساندند و بقیه را در بیابان رها کردند که از گرسنگی و تشنگی بمیرند. ابن ورس نیز در این قتل عام به شهادت رسید. مردی به نام «ابن یوسف» که خود از افراد «عباس بن سهل» بود، می گوید:

ما به آنان حمله بردیم و جنگ مختصری کردیم. ابن ورس با هفتاد تن از یاران و محافظانش کشته شدند و عباس بن سهل پرچم برافراشت و فریاد زد: «هرکس زیر این پرچم بیاید و اسلحه اش را بر زمین بگذارد، در امان است». تعدادی از افراد فراری ابن ورس به زیر آن پرچم آمدند و حدود سیصد نفر از آنان همراه با سلیمان ابن حمیر همدانی و عیاش بن جعدہ جدلی، به طرف عراق برگشتند. ولی ابن سهل آنان را تعقیب کرد تا به آنان رسید و حدود یکصد نفر از آنان را کشت و دوست نفر از آنان را رها کرد که بسیاری از آنان از شدت گرسنگی و تشنگی کشته شدند.^(۱)

۲. قتل عام اسرای شیعه کوفه

به فرمان عبدالله بن زبیر، برادر او، مصعب بن زبیر، به کوفه حمله کرد. این در حالی بود که بخش عمده ای از سپاه مختار به فرماندهی ابراهیم بن مالک اشتر، برای جلوگیری از حمله شامیان، در موصل بودند. در این حمله بازماندگان قاتلان و جنایتکاران کربلا با مصعب همراهی می کردند و مشوق اصلی او بودند. مصعب و فرمانده برجسته نظامی اش، مهلب بن ابی صفره، به سپاهیان خود دستور دادند هرکس را که در حوالی کوفه به اسیری گرفتند، به قتل برسانند. همچنین محمد بن اشعث، از سران فراری کوفه که از فرماندهان لشکر یزید در کربلا و از دشمنان سرسخت شیعیان بود، از جانب مصعب به فرماندهی قاتلان فراری کوفه گماشته شد.

افراد تحت فرمان ابن اشعث، در این جنگ با قساوت بیشتری با شیعیان برخورد می کردند و هر اسیری را که می گرفتند، بی درنگ می کشتند و حتی یک اسیر را نیز

ص: ۱۵۲

۱- (۱) تاریخ طبری، ج ۶، ص ۷۶؛ الکامل، ج ۴، ص ۲۴۸.

نبخشیدند. (۱) یکی از لشکریان مصعب به نام «معاویه بن قره» از حیوانیت خود علیه شیعیان چنین تعریف می کند:

من به یکی از آنان رسیدم، سرنیزه ام را در چشمش فرو کردم و آن را تکان می دادم تا جان داد. شخصی به من گفت: «چرا این کار را می کنی؟» گفتم: «آری! نزد ما خون آنان از خون کافران، از ترک و دیلم، حلال تر است!» این شخص قسی القلب از طرف مصعب بن زبیر قاضی شهر بصره بود.

سپاه مصعب موفق شدند مختار و هفت هزار نفر از یارانش را در دارالاماره کوفه محاصره کنند. مختار بعد از مدتی با عده ای از یارانش بیرون آمد و شجاعانه جنگید و کشته شد. ولی بقیه محاصره شدگان از مصعب امان خواستند. مصعب به آنان امان داد و اطمینان داد که آسیبی به آنها نخواهد رساند. ولی وقتی تسلیم شدند، دستور داد همه را قتل عام کنند.

درباره فرمان قتل عام نوشته اند که «بحیر بن عبدالله» که از سران آن قوم بود، را دست بسته پیش مصعب بردند. وی خطاب به مصعب گفت:

حمد خدای را که ما را اسیر تو کرد و تو را در معرض عفو و بخشش قرار داد. دو مقام است که یکی مایه رضای خدا و یکی مایه خشم اوست. هر کس ببخشد خدا او را می بخشد و عزتش را زیاد می کند و هر کس عقوبت کند، از قصاص در امان نماند. ای پسر زبیر ما مسلمانیم و اهل قبیله شما و از ملت شما هستیم. نه ترکیم و نه دیلم. اگر برادران همشهری ما با من مخالفت کردند یا ما به صواب بوده ایم [یا آنها]؛ چنان که مردم شام با همدیگر نبرد کردند و اختلاف داشتند، سپس با هم برادر شدند. مردم بصره نیز باهم نبرد کردند و بعد با هم صلح و سازش نمودند. شما که اکنون امیری پیروزید و بر ما مسلط، بر ما منت نهید و تساهل کنید و عفو با قدرت را پیشه خود سازید.

ص: ۱۵۳

مصعب ابتدا می خواست ایرانیان را گردن زند و عرب ها را که در اقلیت بودند، آزاد کند. اما مشاوران او به او گفتند: «این چه دینی است که تو می خواهی عجم ها را بکشی و عرب ها را رها کنی؟! در صورتی که همه آنان یک عقیده دارند (شیعه علی علیه السلام می باشند) و چگونه امید ظفر داری؟!» سرانجام مصعب دستور داد همه آن شش یا هفت هزار نفر را در یک روز به قتل رسانند و حمای از خون در اطراف دارالاماره و شهر کوفه به راه انداختند.^(۱)

عقبه اسدی از شعرای معروف آن زمان درباره این قتل عام وحشیانه شعری سروده است و به امان نامه محکم زبیریان اشاره می کند؛ ترجمه بخشی از آن چنین است:

با وجود پیمان محکم، شش هزار نفر دست بسته کشته شدند، تعهد حبطی (یعنی عباد حبطی) را پلی کردید که برای عابران ساخته شده بود در صبحگاهان، آنان را خواستید و فرییشان دادید، آنان نخستین خائنان نبودند گفته بودم؛ اما گوش ندادند که در کوچه ها با شمشیر کشیده نبرد کنند.^(۲)

عبدالله بن عمر بعدها به مصعب گفت: «تو همان کسی هستی که هفت هزار نفر از مسلمانان را در یک روز کشتی و حال هر طور می خواهی زندگی کن». مصعب گفت: «آنان یک مشت کافر و ساحر بودند». عبدالله عمر گفت: «به خدا قسم اگر به این تعداد فقط از گوسفندان از ارث پدرت را در یک روز می کشتی این کار اسراف و حرام بود تا چه رسد که مسلمانان را کشته باشی».^(۳)

دو تن از همسران مختار به نام های عمره، دختر نعمان بن بشیر انصاری و ام ثابت،

ص: ۱۵۴

۱- (۱) انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۶۲؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۰۹. دینوری می نویسد: «تعداد محاصره شدگان که دست بسته به فرمان مصعب بن زبیر کشته شدند، شش هزار نفر بودند که دو هزار عرب و چهار هزار نفر آنان ایرانی بودند. تاریخ دقیق این قتل عام ۱۴ رمضان ۶۷ هجری، مصادف با چهارشنبه ۱۷ فروردین ۶۶ شمسی بود.

۲- (۲) تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۱۶؛ انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۶۳.

۳- (۳) انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۶۵؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۱۳.

دختر سمره بن جُندب که بین لعن مختار یا مرگ مخیر شده بودند، گفتند:

چگونه از مردی بیزاری بجوییم که به ربوبیت خدا معترف، روزها روزه و شب ها به نماز مشغول بود. خورش را در راه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و برای کشتن قاتلان فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب و یاران آن بزرگوار، بذل کرد و خداوند وی را بر آن نامردمان مسلط ساخت و با کشتن آنها دل ها را شفا داد.

ام ثابت گفت: «اگر به زور شمشیر از من کفر گفتن هم بخواهی، کفر خواهم گفت. [حالا که زور است] شهادت می دهم که مختار کافر بود.» اما عمره از لعن مختار خودداری کرد و گفت: «این مرگ، شهادتی است که از جانب خدا روزی من شده و هیچ گاه آن را از دست نمی دهم؛ هرگز! [زیرا] این مرگی است گذرا که در پی آن بهشت و همنشینی با پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اوست و به خدا قسم هیچ گاه با فرزند هند جگرخوار، همراه نخواهم شد و فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام را و نخواهم گذارد. خدایا تو شاهد باش که من پیرو پیامبر صلی الله علیه و آله، دخترزاده اش، اهل بیتش و شیعیانش هستم» و مصعب به سربازان دستور داد که او را بکشند.

عمرو مخزومی (عمرو بن ابی ربیع) در این مورد به زبان شعر چنین گفته است:

ان من اعجب العجائب عندی قتل بیضا حرّه عطبول

قتلت هکذا علی غیر جرم ان الله درّها من قتیل

کتب القتل و القتال علینا و علی المحصنات جر الذیول

و از شگفت انگیزترین شگفتی ها نزد من، کشتن زنی است سفید و آزاد و جوان و زیبا.

او را کشتند بی آنکه گناه کرده باشد. خیر خدا بر این کشته باد.

کشتن و کشته شدن، کار ما مردهاست و زنان شوهردار زیبا باید دامن هایشان را بکشند.

سه قرن بعد، حنابله متعصب بغداد، در سالروز قتل مصعب بن زبیر به عزاداری های عجیب پرداخته و آن را بهانه ای برای قتل عام شیعه، به ویژه ساکنان کرخ بغداد، قرار دادند. (۱)

ص: ۱۵۵

عبدالملک مروان را بنیانگذار اصلی سلسله مروانیان می دانند. سیوطی درباره خونخواری عبدالملک می نویسد: «عادت عبدالملک آن بود که بسیاری از اوقات نزد ام دَرْدَاء می نشست». روزی وی به عبدالملک گفت: «ای امیرمؤمنان! به من این طور گزارش داده شده است که تو پس از آن عبادت ها و پرهیزگاری ها اینک شراب می نوشی!» گفت: «آری، سوگند به خدا و خون های مردم را همچنین می نوشم!» در زمان عبدالملک سپاهیان بنی امیه، همانند زمان یزید، سه روز تمام در مدینه و سپس در مکه مردم را قتل عام کردند. هر دری را بسته دیدند، آتش زدند تا آنجا که قبطی ها و نبطی ها، در حرمین شریفین، قرآن را لگدمال کرده، شمشیر به دوش، بر زنان قریش تاختند؛ مقنعه آنها را از سرشان کشیدند و خلخال از پایشان درآوردند.^(۱) عبدالملک مروان سپس برای تقویت بنی امیه بسیاری از صحابه، تابعان و مردم پرهیزکار بی دفاع را سر برید تا پیروان حضرت علی علیه السلام را بیش از پیش مرعوب سازد و فرمان داد تا علی علیه السلام را بر منبرها لعن کنند. هرکس که علی علیه السلام را لعن نمی کرد، او را می کشتند.^(۲) خلفای دیگر بنی مروان نیز به جز عمر بن عبدالعزیز در خونخواری دست کمی از عبدالملک نداشتند. به همین دلیل دوره آل مروان یکی از خونین ترین دوران تاریخ اسلام به شمار می رود که تعداد بیشماری از مسلمانان بی گناه به دلیل پیروی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله قتل عام شدند. جرج زیدان در کتاب تاریخ تمدن اسلام، این وقایع را چنین تحلیل می کند:

خلفای بنی امیه عموماً دشمن اسلام و مردمی شقی و بی وجدان بودند. بنابراین تعجب ندارد که در روزگار عبدالملک، ۱۲۰ هزار نفر را به طور عادی سر بریده باشند... چون خود عبدالملک به مراتب از حجاج خونریزتر و جانی تر بود. وی اول

ص: ۱۵۶

۱- (۱) تاریخ الخلفاء، ص ۲۱۶.

۲- (۲) همان.

خلیفه ای است که پس از امان دادن، عهد و پیمان شکسته، مردمی را که تسلیم شده بودند هلاک کرد(۱).

در ادامه بحث، به برخی از برجسته ترین موارد قتل عام سادات و مسلمانان شیعه در زمان بنی مروان اشاره می شود.

۱. فجایع حجاج بن یوسف ثقفی علیه مسلمانان شیعه

اشاره

یکی از اقدامات بنی مروان، مسلط کردن دشمنان متعصب و خونریز اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بر آنان و یارانشان بود؛ به گونه ای که هر کسی طمع می کرد در گوشه ای حکومتی به دست بگیرد، بیشتر بر یاران و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله سخت می گرفت و آنها را قتل عام می کرد(۲). پادشاه افراد قاتل، معمولاً رسیدن به حکومت قسمتی از مناطق پهناور آن روز بود. یکی از کسانی که خاندان بنی مروان بر اهل بیت علیهم السلام و یارانشان مسلط کردند، حجاج بن یوسف ثقفی(۳) بود.

حجاج از همان ابتدا با قتل و غارت مدینه و مکه، حاکمیت عبدالملک را استوار ساخت(۴). حجاج می گفت: «هنگامی غذا برای من گواراست که گردن کسی زده شود و خون روان گردد؛ به خصوص اگر این شخص علوی زاده باشد»(۵). بنی امیه نیز حق سرسپردگی او را ادا کردند و دستش را در حکومتشان باز گذاشتند و رضایت او را بر

ص: ۱۵۷

۱- (۱) تاریخ تمدن اسلام، ج ۴، ص ۱۰۰؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲- (۲) دکتر فرحان مالکی می گوید: پس به همین جهت بنی امیه سزاوار سرزنش و مذمت هستند؛ زیرا آنان فقط به بدگویی علی علیه السلام اکتفا نکردند؛ بلکه بالای منبرها، علی علیه السلام را لعن کرده و به خونریزی و کشتار اهل بیت علیهم السلام و یارانش دست زدند و این ستم را بر همه امت لازم و واجب دانستند تا آنجا که نسل های بعد، آنها را به خاطر این عمل مأجور دانستند؛ مع سلیمان العلوان فی معاویه، ص ۳۵.

۳- (۳) سفینه البحار، ج ۱، صص ۲۲۱ و ۲۲۲.

۴- (۴) حجاج با یارانش به درون مسجد درآمدند و ابن زبیر را با همراهانش کشتند و پوست از تنش باز کردند و پر از گاه کردند؛ آفرینش و تاریخ، ج ۲، ص ۹۱۵.

۵- (۵) الکامل، ج ۴، ص ۵۱۸.

هر چیز دیگری مقدم کردند. متقابلاً حجاج نیز پشتوانه مناسبی برای تقویت قدرت آنان بود. وی به قرآن،^(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام علناً توهین می کرد.

حجاج علاوه بر تخریب خانه خدا عده زیادی از مسلمانان زائر خانه خدا را قتل عام کرد.^(۲) از جمله قتل عام شدگان مسلمانان پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام بودند که در حجاز و مکه نیز سکونت داشتند، قربانی اعمال خونبار وی، در جنگ قدرت بین عبدالملک مروان و عبدالله بن زبیر، شدند. در این باره طبری، ابن اثیر و دیگران گفته اند: «حجاج، بعد از تسلط بر مدینه، به جنایت و تحقیر علیه مردم این شهر دست زد».^(۳) حجاج درباره مدینه می گفت:

خدا را سپاس می گویم که مرا از این شهر بزرگ بیرون می برد. این شهر از همه شهرها پلیدتر و مردم آن نسبت به امیرالمؤمنین (عبدالملک) حقه بازتر و گستاخ ترند. اگر سفارش امیرالمؤمنین نبود، این شهر را با خاک یکسان می کردم. در این شهر جز پاره چوبی که منبر پیامبر صلی الله علیه و آله خوانند و استخوان پوسیده ای که قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند، چیزی نیست.^(۴)

حجاج، برای تسلط بر مکه که عبدالله بن زبیر در آنجا متحصن شده بود، با پنج دستگاه منجنیق، آنجا را سنگ باران کرد.^(۵)

مورخان تصریح کرده اند که حجاج، کعبه را با سنگ و آتش زیر ضربات خود گرفت

ص: ۱۵۸

۱- (۱) حجاج در مورد قرآن می گفت: «شگفتا از عبد هذیل (یعنی عبدالله بن مسعود) که می پنداشت قرآنی را قرائت می کند که از نزد خداوند آمده است. به خدا سوگند! اینها جز الفاظ به هم بافته اعراب چیز دیگری نیست؛ به خدا سوگند! اگر او را پیدا کرده بودم، گردنش را می زدم: مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵۵۶؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴، ص ۶۹، با اضافه «و لأخلین منها المصحف و لو بصلع خنزیر».

۲- (۲) تاریخ سیستان، مؤلف مجهول، تحقیق ملک الشعراى بهار، ص ۱۰۹.

۳- (۳) تاریخ طبری، ج ۸، ص ۳۵۱۰.

۴- (۴) الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۵۹؛ از ساحت قدس رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به خاطر نقل این سخنان شرم آور که از سر ضرورت و برای آشنایی خوانندگان با ماهیت پلید قاتلان مسلمانان شیعه صورت گرفت، پوزش می طلبم (مؤلف).

۵- (۵) البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۳۲۹.

تا اینکه آتش به پرده کعبه افتاد و شعله از هر سو، زبانه کشید. در این هنگام ابری از طرف جده، نمایان گشت که با رعد و برق پیش می آمد تا اینکه بالای کعبه و محدوده مطاف آن قرار گرفت و به سختی بارید و آب از ناودان سرازیر گشت و آتش خاموش شد. پس از آن به جانب کوه ابوقییس رفت و برقی شدید از آن برجهید و منجنیق را همانند کوره در خود گذاخت و چهار خدمه آن را به آتش کشید و کشت. در رعد و برق دیگر، منجنیق و چهل تن گذاختند و سوختند. (۱) ولی حجاج همچنان یارانش را برای ادامه سنگ باران تشویق می کرد. بار دیگر برقی برجهید و دوازده تن از یاران حجاج را کشت که شامیان به وحشت افتادند.... حجاج فریاد زد: «ای مردم شام! نگران نباشید من خود اهل تهامه و اهل این دیار هستم و این صاعقه ها، صاعقه های تهامه است و فتح و پیروزی، دروازه خود را به روی شما گشوده است...». بار دیگر که آذرخشی، منجنیق آنها را بسوزانید، شامیان دست از کار کشیدند. حجاج به سخنانی پرداخت و گفت: «وای بر شما مگر نمی دانید که آتش آسمانی پیش از ما نیز فرود می آمده و قربانی را اگر مورد قبول خداوند واقع می شده، می سوزانیده است؟ اینک اگر این کار شما (سنگ باران مکه) مورد رضایت و قبول خداوند نبود، آتش از آسمان نمی آمد و منجنیق شما را نمی سوزانید!» (۲)

در الفتوح ابن اعثم آمده است که حجاج و یارانش همچنان به سنگ باران خانه خدا ادامه دادند تا آن که سراسر دیوار که بر گرد زمزم بود، فرو ریخت و همه اطراف و جوانب کعبه درهم شکست و حجرالاسود چندین تکه شد. حجاج خود ایستاده بود و سوختن کعبه را تماشا می کرد و اشعاری سرود.... (۳)

حجاج پس از آتش زدن مسجدالحرام و کشتن عبدالله بن زبیر، دامنه کشتارها را به

ص: ۱۵۹

۱- (۱) تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۰۲.

۲- (۲) تاریخ خمیس، ج ۲، ص ۳۰۵.

۳- (۳) الفتوح، ابن اعثم، ج ۶، صص ۲۷۵ و ۲۷۶.

داخل شهر کشاند و درهای خانه قریشیان را سوزاند. سپاه او نقاب از صورت زنان قریش کشیدند و به آنها تجاوز کردند و هرچه را که آنان داشتند، به غارت گرفتند.^(۱)

حجاج در بصره با سپاهیان خود، وارد مسجد شد و به مردم مظلوم و بی دفاع حمله کرد. مردم به بیرون مسجد هجوم آوردند، اما هرکس پای از در مسجد بیرون گذاشت، سر از بدنش جدا شد. لذا فراری ها مجبور شدند به مسجد برگردند. در آنجا نیز دوباره به آنها حمله شد؛ به گونه ای که جوی خون تا در مسجد و بازار سرازیر گردید.^(۲) وی در کوفه همراه چند جلاّد به مسجد شهر رفت و به مردم گفت:

هان ای مردم! نه به کودکانتان رحم می کنم و نه به پیرانتان! بی گناهانتان را به جای گناهکار مؤاخذه خواهم کرد و کافی است به کسی ظنّین شوم. تحویل جلاّدانش خواهم داد. همه اینها از اختیارات من است و هر چه من مصلحت بدانم، عین شرع است.^(۳)

ترمذی و ابن عساکر نوشته اند که آمار کشته شدگان به دست حجاج یا به دستور او ۱۲۰ هزار نفر بود^(۴) و افراد زندانی او که (گویا پس از مرگش) آمارگیری شد، به هفتاد هزار نفر رسید که سی هزار نفر آنها زن^(۵) و شانزده هزار نفرشان برهنه بودند. زندان زنان و مردان یکی بود و حفاظی نداشت که آنها را از آفتاب تابستان و باران و سرمای زمستان محفوظ دارد^(۶). مأموران حجاج، از پناه آوردن زندانیان به سایه دیوار زندان جلوگیری می کردند و زندانیان ناگزیر زیر آفتاب سوزان به سر می بردند و چون زندانیان از دنیا می رفتند، مدت ها بدن آنان زیر آفتاب سوزان می ماند و عفونت بدن های آنها،

ص: ۱۶۰

-
- ۱- (۱) تاریخ طبری، ج ۸، صص ۲۰۲-۲۰۵.
 - ۲- (۲) رک: سیره پیشوایان، صص ۲۴۷ و ۲۴۸.
 - ۳- (۳) تاریخ تحلیلی اسلام، دکتر شهیدی، ص ۱۸۲.
 - ۴- (۴) صحیح ترمذی، ج ۹، ص ۶۴؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴، ص ۸۰.
 - ۵- (۵) تاریخ مدینه دمشق، ج ۴، ص ۸۰؛ المستطرف، شهاب الدین ابشیهی، ج ۱، ص ۶۶.
 - ۶- (۶) مروج الذهب، ج ۲، صص ۱۶۹-۱۷۱.

برای زندانیان رنج مضاعفی بود. بنابراین تعداد افرادی که بر اثر خفقان زندان و کمبود آب و غذا و هوای آزاد، شکنجه و از ناراحتی روحی و روانی از بین رفتند، معلوم نیست. علاوه بر قتل عام شدگان و زندانیان، تعداد زیادی نیز آواره شدند. (۱)

همچنین حجاج، نژادپرست بود. وی دانشمندان و ادیبان فارسی زبان را قتل عام کرد و در مقابل تعالیم اسلام که قومیت‌گرایی را منع می‌کند، نژادپرستی عربی را رواج داد. (۲)

الف) شکنجه و قتل صحابه و تابعین شیعه به بهانه خودداری از لعن بر حضرت علی علیه السلام

حجاج، لعن بر علی علیه السلام، حسنین علیهما السلام و فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را فضیلت می‌دانست. (۳) یکی از درباریان نزدیک او، به نام عبدالله بن هانی، نزد حجاج فضائل قبیله خود را چنین می‌شمرد...: «هیچ کدام از ما نیست که به او پیشنهاد لعن و ناسزاگویی به ابوتراب را بدهند، مگر اینکه انجام می‌دهد و حسن و حسین و مادر آن دو، فاطمه را هم اضافه می‌کند!» حجاج گفت: «به خدا که فضیلتی است». (۴)

او جابر بن عبدالله انصاری، انس بن مالک و سهل ساعدی و گروهی دیگر از اصحاب

ص: ۱۶۱

۱- (۱) ر. ک: المتوارین الذین اختلفوا خوفا من الحجاج بن یوسف الثقفی، أبو محمد عبدالغنی بن سعید الأزدی، تحقیق: مشهور حسن محمود سلمان.

۲- (۲) . وی به زور، زبان فارسی میانه که زبان رسمی عراق بود را برانداخت و عربی را جایگزین کرد و دیوان‌های عراق را نیز از فارسی به عربی برگرداند و افراد زیادی را با سیاست نژادپرستانه به قتل رساند. ابوریحان بیرونی چنین نوشته است: «وقتی قتیبه بن مسلم، سردار حجاج، بار دوم به خوارزم رفت و آن را باز گشود، هر کس را که خط خوارزمی می‌نوشت و از تاریخ و علوم و اخبار گذشته آگاهی داشت، از دم تیغ، بی دریغ درگذاشت و موبدان و هیربدان قوم را یکسر هلاک نمود و کتاب‌هایشان همه بسوزانید و تباه کرد تا آنکه رفته رفته مردم، امی ماندند و از خط و کتابت بی بهره گشتند و اخبار آنها بیشتر فراموش شد و از میان رفت»: آثار الباقیه عن القرون الخالیه، صص ۳۵ و ۳۶؛ ر. ک: Frye, Rich d Nelson, Z (London, ۱۹۷۵), C bridge History, rinkoub, dolhossein et . Ir , ۴-۴۶.

۳- (۳) مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۴۷.

۴- (۴) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۶۱.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله را که به کھولت سن رسیده بودند، با داغ کردن، شکنجه نمود! (۱) بر همین اساس است که حجاج را یکی از شش سفاک و قاتل بزرگ تاریخ مسلمانان شیعه دانسته اند.

گفته شده که روزی مردی به او گفت: «خویشان من، مرا عاق نموده اند و نامم را علی گذارده اند. پس نام مرا تغییر بده و صله ای به من بده که فقیرم»؛ حجاج گفت: «به خاطر آنچه به آن توسل پیدا کردی، نامت را فلان قرار دادم و تو را متصدی فلان نقطه کردم». (۲)

ب) کشتار جمعی از شیعه در واقعه قتل عام اسرای دیر جماجم

مظالم حجاج موجب شد سپاهی که برای جهاد با کفار به سیستان اعزام شده بود، جهاد با حجاج را بالاتر بداند و برای نابودی حجاج به کوفه برگردد. اما حجاج موفق شد در جنگ دیر جماجم آنها را شکست دهد. حجاج سپس تمام یازده هزار نفر سپاه مجاهدان سیستان را که به آنها امان داده بود، کشت. حجاج بعدها نیز دست برداشت و تعدادی دیگر از شیعیان بی گناه را به بهانه مشارکت در این قیام به قتل رساند. (۳)

در زمان حجاج، عمر بن عبدالعزیز از جانب ولید، والی مدینه، پناهگاه فراریان مظلوم از ستمگری حجاج بود. عمر بن عبدالعزیز نامه ای به ولید نوشت و از ظلم و تجاوز حجاج بر اهل عراق شکایت نمود. اما ولید به جای برکنار کردن حجاج، عمر بن عبدالعزیز را عزل کرد. علاوه بر آن از حجاج خواست هر که را می خواهد، برای ولایت حجاج معرفی کند. حجاج، جلاد معروف، خالد بن عبدالله قسیری را پیشنهاد کرد و ولید او را بر مکه مکرمه ولایت داد. خالد، ولید بن عبدالملک را برتر از حضرت ابراهیم علیه السلام می دانست. (۴)

ص: ۱۶۲

۱- (۱) انساب الاشراف، بلاذری، ج ۵، ص ۳۷۳.

۲- (۲) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۵۸. او عطیه بن سعد بن جناده را به جرم امتناع از دشنام دادن به حضرت علی علیه السلام چهارصد ضربه شلاق زد، مرآه الجنان، یافعی، ج ۱، ص ۲۴۲؛ تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۷، ص ۲۲۶.

۳- (۳) تاریخ طبری، ج ۵، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

۴- (۴) الکامل فی التاریخ، حوادث سال هشتاد و نه.

۲. به شهادت رساندن امام سجاد علیه السلام و تعدادی از شاگردان آن حضرت

بی تردید بزرگ ترین جنایت مروانیان، کشتن نواده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، پیشوای چهارم شیعیان، امام زین العابدین علیه السلام بود. در حالی که ایشان در هیچ نبردی علیه مروانیان شرکت نداشتند و جنبه برجسته آن حضرت، عبادت و اشتغالات علمی در مدینه بود. (۱) ایشان در سال ۹۴ یا ۹۵ هجری، با زهر ولید بن عبدالملک به دست هشام بن عبدالملک یا به دست خود ولید، مسموم شد و به شهادت رسید (۲) و در قبرستان بقیع، کنار قبر عمویش، امام حسن مجتبی علیه السلام، دفن شد. (۳) شیخ طوسی در کتاب رجال خویش، ۱۷۰ نفر از شاگردان و یاران حضرت سجاد علیه السلام را نام برده است. (۴) نام برخی از آنان که به دست حاکمان مروانی به شهادت رسیدند، عبارت اند از:

- سعید بن جبیر (۴۶-۹۵ ه. ق)، از علمای اسلام و راویان صحاح سته (۵) و زهاد معروف بود و تمامی دانشمندان علم رجال و حدیث، او را با عالی ترین تعبیّرات ستوده اند. (۶) او اعلم تابعین در تفسیر بود. (۷) گفته می شود اول کسی که در علم تفسیر، کتاب نوشت سعید بن جبیر بود. (۸) امام جعفر صادق علیه السلام در وصف سعید بن جبیر فرموده است:

سعید بن جبیر در صراط مستقیم بود و به علی بن الحسین علیهما السلام اقتدا کرد و امام سجاد علیه السلام هم از او تعریف می نمود و همین علاقه میان او و امام، باعث شد حجاج او را شهید کند. (۹)

ص: ۱۶۳

-
- ۱- (۱) فرهنگ شیعه، محمد خطیبی، ص ۱۰۴.
 - ۲- (۲) دلائل الامامه، ص ۱۹۲؛ اعلام الوری، طبرسی، ج ۱، ص ۴۸۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲۸؛ الفصول المهمه، ج ۲، ص ۸۷۴؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۳.
 - ۳- (۳) فرهنگ شیعه، ص ۱۰۶.
 - ۴- (۴) رجال شیخ طوسی، ص ۸۱.
 - ۵- (۵) الکاشف فی معرفه من له روايه فی الکتب الستة، شمس الدین ذهبی، ج ۱، ص ۵۶.
 - ۶- (۶) وفيات الاعیان، ابن خلکان، ج ۱، ص ۲۰۴؛ طبقات الکبری، ج ۶، ص ۱۷۸؛ الأعلام، زرکلی، ج ۳، ص ۹۳.
 - ۷- (۷) کان قتاده یری أنه أعلم التابعین فی التفسیر؛ التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۰۳.
 - ۸- (۸) الشیعه و فنون الاسلام، سید حسن صدر، ص ۲۵.
 - ۹- (۹) شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۷۹.

- عبدالرحمان بن ابی لیلی انصاری، وی از تابعین رسول خدا صلی الله علیه و آله و جزو فقهای آن دوران بود و از راویان احادیث صحاح سته است. حجاج برای اینکه به امیرالمؤمنین علیه السلام دشنام دهد، آن قدر او را با شلاق و چوب زد که بدنش سیاه شد، ولی او به این عمل تن نداد(۱) تا آنکه به شهادت رسید(۲).

- یحیی ابن ام طویل، از تابعین بود و در میدان بزرگ کوفه می ایستاد و فریاد می زد: «ای دوستان خدا! هر کس به علی علیه السلام دشنام دهد، لعنت خدا بر او باد».(۳) یحیی در شرایطی فریاد به حمایت از علی علیه السلام بلند کرده بود که مروان بن دشنام به خاندان رسالت را رواج می دادند. این چنین بود که امام باقر علیه السلام درباره شخصیت وی فرمود: «یحیی ابن ام طویل شخصیتی همواره جوانمرد و بی باک بود».(۴) ارتباط نزدیک او با علی بن الحسین علیهما السلام و حمایت علنی وی از علی بن ابی طالب علیه السلام، سبب شد تا به دست حجاج ابن یوسف دستگیر شود. حجاج پس از دستگیری یحیی، نخست از او خواست تا علی علیه السلام را لعن کند، ولی او که هرگز تن به چنین کاری نمی داد، مورد خشم حجاج قرار گرفت و به دستور وی دست ها و پاهایش، قطع و به شهادت رسید.(۵)

- کمیل بن زیاد نخعی، تابعی معروف و راوی دعای کمیل نیز به جرم تشیع و دوستی با امیرالمؤمنین علی علیه السلام به دستور حجاج، به رغم کهولت سن، به شهادت رسید.(۶)

ص: ۱۶۴

۱- (۱) تذکره الحفاظ، ص ۵؛ الغدير، ج ۲، ص ۹۷.

۲- (۲) انساب الأشراف، ج ۷، ص ۳۴۰. البته در نحوه شهادت وی اختلاف است. برخی قائل اند که وی در جریان حر. کت عبدالرحمان بن محمد بن اشعث علیه حجاج به شهادت رسید؛ انساب الاشراف، ج ۷، ص ۳۸۳.

۳- (۳) اصولی کافی، ج ۴، ص ۸۹.

۴- (۴) اختیار معرفه الرجال، ص ۱۲۳، حدیث شماره ۱۹۴ و ۱۹۵.

۵- (۵) به نظر می رسد یحیی ابن ام طویل در سال های میان ۸۴-۹۵ هجری، در شهر واسط، به دست حجاج شهید شده است. تاریخ الاثمه، ابی الثلج بغدادی، ص ۲۸؛ اعیان الشیعه، دلائل الامامه، ص ۸۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۶- (۶) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۱۴۹.

فصل دوم: گشتار شیعیان در قرن دوم هجری

اشاره

ص: ۱۶۵

۱. فجایع یوسف بن عمر ثقفی و به شهادت رساندن زید بن علی بن الحسین علیه السلام

اشاره شد که یکی از سیاست های بنی امیه، حاکم ساختن امرای خونریز بر شهرهای شیعه نشین، نظیر کوفه بود؛ امرایی که مورخان به ناصبی بودن و دشمنی شدیدشان با اهل بیت علیهم السلام و شیعه تأکید کرده اند؛ این امر تا به آنجا بود که کمتر امیری دیده می شد که از لوث ناصبی بودن پاک باشد. (۱) چنان که خالد بن عبدالله قسری، اول کسی بود که قبل از حکومت بر کوفه، لعن بر حضرت علی علیه السلام را در مکه علنی کرد. (۲) زید بن علی علیه السلام درباره وی می گوید: «خالد، آباء مرا بر منبرش در هر جمعه ای شتم می کرد». (۳) ذهبی در میزان الاعتدال (۴) و ابن معین (۵) بر ناصبی بودن او تصریح کرده اند. (۶) این مظالم در دوره

ص: ۱۶۷

-
- ۱- (۱) ر. ک: التدوین فی اخبار قزوین، ج ۱، ص ۵۵؛ النصب والنواصب، بدر بن ناصر بن محمد العواد، ص ۳۵۱.
 - ۲- (۲) اخبار مکه، فاکهی، ج ۳، ص ۱۶۷.
 - ۳- (۳) تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۹۶؛ الکامل، ج ۴، ص ۴۴۳؛ البدایه والنهایه، ج ۹، ص ۱۲۷.
 - ۴- (۴) میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۱۵.
 - ۵- (۵) بقیه الطلب فی تاریخ حلب، ج ۷، ص ۳۰۸۵؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۶، ص ۱۶۰.
 - ۶- (۶) خالد به کرامت کعبه و پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهل بیتش و قرآن اهانت می کرد. صاحب «أغانی» نوشته است: «خالد، زندیق و مادرش نصرانی بود. خالد، نصاری و مجوس را بر مسلمین ولایت می داد و آنان را امر می کرد تا مسلمین را تحقیر کنند و کتک بزنند. وی برای نصاری جایز کرده بود که کنیزان مسلمان را بخرند و با آنها نکاح کنند؛ مستشرق آلمانی، ولّهوزن می نویسد: «خالد هنگامی که والی کوفه شد، برای مادرش در پشت قبله مسجد، کلیسایی بنا کرد»: تاریخ الدوله العربیه، ص ۳۱۹.

یوسف بن عمر ثقفی، جانشین خالد، نیز ادامه یافت. وی نیز از نواصب معروف بود. ابن کثیر درباره او می نویسد: «کان یلعن علیاً علی المنابر»^(۱).

در این دوره سیاه بود که یکی از نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام زید بن علی بن الحسین علیه السلام در سال ۱۲۱ هجری قیام کرد که امویان او و یارانش را قتل عام کردند^(۲) و با این بهانه، کشتار جمعی بی رحمانه دیگری علیه سادات و شیعیان به راه انداختند. آغاز قیام زید به این صورت بود که پس از یزید بن عبدالملک، برادرش هشام بن عبدالملک به تخت نشست. وی به فرماندار مدینه، خالد بن عبدالملک، دستور داد که بر نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی هاشم سخت بگیرد. زید بن علی علیه السلام به قصد شکایت از مظالم خالد به شام آمد تا خود هشام را ببیند. اما هشام حتی به او اجازه ملاقات نداد. پس از اینکه او پافشاری کرد، به شکل توهین آمیزی، او را به حضورش پذیرفت. سپس به جای رسیدگی به ظلم عامل خود در مدینه، زید را به دلیل اینکه فرزند یک کنیز بود، تحقیر کرد. حتی با اهانت، از امام محمد باقر علیه السلام با عنوان «بقر» یاد کرد و در نهایت نیز دستور داد او را از کاخش بیرون کنند^(۳).

زید پس از این واقعه به کوفه آمد و اعتراض خود را نسبت به این پادشاه ستمگر مروانی اعلام کرد. هزاران نفر از مردمی که از ظلم مروانیان به ستوه آمده بودند، به اضافه کوفه، مدائن، واسط، موصل و حتی خراسان، با زید بیعت کردند^(۴). یوسف بن عمر، عامل هشام در کوفه، دستور داد مردم کوفه را در مسجد محاصره کند و درهای مسجد و بازار را ببندد و از خانه هایشان برای آنان غذا ببرند تا اینکه کسی نتواند به زید پیوندد.

ص: ۱۶۸

۱- (۱) البدایه والنهایه، ج ۹، ص ۸۰.

۲- (۲) در مدح زید بن علی علیه السلام روایات متعددی نقل شده است. مرحوم شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا بابی در مدح زید باز کرده و احادیث فوق را نقل کرده است.

۳- (۳) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، صص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۴- (۴) مقاتل الطالبیین، صص ۹۱ و ۹۲.

همچنین دستور داد زید را محاصره کنند و او را دستگیر کنند. مأموران، خانه به خانه، به جست و جوی زید پرداختند اما اثری از وی نیافتند؛ زیرا آن شب، زید و یارانش از شهر خارج شده بودند و در بیابان به سر می بردند.

یوسف بن عمر، پیش از قیام، دو نفر از هواداران زید را کشت؛ شاید با این کار می خواست زید را برای قیام زودرس تحریک کند و بهانه ای برای کشتار جمعی سادات و شیعیان به دست آورد. یاران زید می دانستند که به مجرد اعتراض در فهرست قتل عام قرار گرفته اند؛ بر همین اساس تسلیم نشدند. گفتنی است بعضی تعداد آنان را ۱۵۰ مرد جنگی می دانند^(۱) و در بعضی روایات تعداد آنان، ۲۱۸ نفر آمده است. اما زید انتظار داشت همه آنان که با او دست بیعت داده بودند، به کمک او بشتابند.^(۲) لشکر دشمن بیش از دوازده هزار نفر بودند.^(۳) روز چهارشنبه، اول صفر ۱۲۱ ه. ق، نخستین روز نبرد بود.

در ساعات پایانی روز پنجشنبه، بسیاری از آنها شهید شدند. اما ناگهان ورق برگشت و سپاه زید با یورشی سهمگین، خود را به قلب سپاه امویان رساند و آنان را تا محله «بنی سلیم» تعقیب کرد. فرمانده لشکر دشمن از یوسف کمک خواست و او عده ای از تیراندازان ماهر را به حمایت آنان فرستاد. هنگام غروب آفتاب، ناگهان تیری به طرف چپ پیشانی زید اصابت کرد و شدت آن به حدی بود که تا انتها در پیشانی او فرو رفت.^(۴) او را برای معالجه به خانه یکی از اصحابش بردند.^(۵) در این حال، یحیی، فرزند زید، وارد شد و خود را به روی پدر افکند و با چشمانی گریان گفت: «پدر تو را

ص: ۱۶۹

-
- ۱- (۱) انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۰۲.
 - ۲- (۲) مقاتل الطالبیین، ص ۱۳۷؛ برخی هم تعداد ۵۰۰ نفر را نقل کرده اند.
 - ۳- (۳) همان، ص ۴۰.
 - ۴- (۴) انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۰۳؛ مقاتل الطالبیین، صص ۱۴۱ و ۱۴۲؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۸۷ (چاپ جدید).
 - ۵- (۵) مقاتل الطالبیین، ص ۱۴۱؛ انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۰۳.

بشارت باد که به زودی به دیدار محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام خواهی شتافت». زید به فرزندش سفارش کرد که راه وی را ادامه دهد.

سپس برای مداوای وی طیبی آوردند. طیب با کلبتین (انبری که با آن دندان می کشند)، تیر را از پیشانی او بیرون کشید. همان لحظه شهید شد. (۱) امویان پس از پایان درگیری کوشیدند بدن زید را یافته و سرش را برای خلیفه بفرستند. اما یاران زید از تاریکی همان شب استفاده، بی صدا بدن را دفن کردند. (۲) آنان بدن را به آرامی کنار جوی آبی بردند، آب را بستند و در وسط جوی قبری حفر کردند. سپس آب را از روی آن عبور دادند تا دشمن متوجه بدن نگردد. (۳)

هنگام دفن، یک غلام جوان، ناظر دفن کردن بدن بود. او به طمع جایزه، صبح زود، سرگذشت دفن بدن را گزارش داد و دشمنان زید را به محل قبر راهنمایی کرد. (۴) یوسف ابن عمر دستور داد قبر را نبش کردند و سر زید را از بدنش جدا ساختند و آن را با سرهای چند تن از اصحاب زید به شام فرستاد. (۵) هشام دستور داد سر زید را در دروازه شام بر بلندی نصب کنند. (۶) بعد از مدتی سر زید را به مدینه فرستاد (۷) و دستور داد آن را به خانه خواهرش زینب ببرند و آن را به دامن او بیفکنند و سپس سر را برگردانند. (۸) آن گاه

ص: ۱۷۰

-
- ۱- (۱) مقاتل الطالبيين، ص ۱۴۱. شهادت زید در روز جمعه سال ۱۲۱ قمری بود. وی در آن هنگام ۴۲ سال داشت: الطبقات، ابن سعد، ج ۵، ص ۲۴۰؛ مقاتل الطالبيين، ص ۱۳۰.
 - ۲- (۲) تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۷۶.
 - ۳- (۳) مقاتل الطالبيين، ص ۱۴۲؛ انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۰۳.
 - ۴- (۴) تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۷۶.
 - ۵- (۵) الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۲۲۲. احتمالاً مسجدی که در مصر معروف به مسجد رأس الحسين عليه السلام است، مدفن سر زیدبن علی عليه السلام باشد.
 - ۶- (۶) تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۷۶؛ مقاتل الطالبيين، ص ۱۴۲.
 - ۷- (۷) تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۷۷.
 - ۸- (۸) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۱۲.

یک شبانه روز سر مبارک زید را نزدیک قبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله، جد زید، نصب کرد.^(۱)

والی مدینه که وحشت داشت شورش شود، سر را به دستور هشام به مصر فرستاد و آن را در مسجد جامع مصر نصب کردند.^(۲) اما مردم مصر آن را شبانه دزدیدند و در محراب مسجدی به نام «محرس الحصى» با احترام دفن کردند.^(۳) بدن زید را کنار بدن یاران دیگرش در کوفه به دار زدند^(۴) و بعدها آتش زده، خاکسترش را به فرات ریختند.^(۵)

یوسف بن عمر، بعد از به شهادت رساندن زید و قتل عام یارانش، بر منبر رفت و سب و لعن قبیحی علیه حضرت علی علیه السلام و فرزندانش بر زبان راند. سپس به بدگویی و تهدید مردم شهر پرداخت و به تفتیش خانه ها اقدام کرد و به قتل عام وسیعی از مجروحان و اسرا دست زد؛ به طوری که نوشته اند: «فکان لا یؤتی بأسیر ولا جریح إلا قتله وأحرقه بالنار»؛ «هیچ اسیر و مجروحی نیاوردند مگر اینکه به قتل رساند و با آتش سوزاند».^(۶)

یوسف بن عمر سپس دستور داد همسر زید را نزد او آورند. به آن زن گفت:

ص: ۱۷۱

۱- (۱) عمده الطالب، ص ۲۵۸.

۲- (۲) النجوم الزاهره فی اخبار المصر و القاهره، ابن تغری بردی، ج ۱، ص ۲۸۱.

۳- (۳) الولاه و کتاب القضاء، کندی، ص ۱۴۷. مصریان آنجا را زیارتگاه خویش قرار دادند. هم اکنون این محل مقدس زیارتگاه مردم مصر است و مردم همه هفته یکشنبه ها، شب و روز، به آنجا می روند و زیارت می کنند و به زید درود می فرستند؛ زید الشهید، مقرریال، ص ۱۶۲.

۴- (۴) تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۷۶؛ مقاتل الطالبیین، صص ۱۴۲ و ۱۴۳. دشمنان هنگامی که جنازه زید را به دار زدند، با کمال تعجب می دیدند که بدن زید رو به قبله بر می گردد و هر چه آن را بر می گردانند، باز فردا رو به سوی قبله داشت؛ زید الشهید، ص ۱۶۳.

۵- (۵) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۶.

۶- (۶) تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ۴۲۹۲.

ای دشمن خدا! با زید ازدواج کردی؟» گفت: «بله، قسم به خدا اگر از دختر تو نیز خواستگاری می کرد، به او می دادی». یوسف بن عمر غضبناک شد و فریاد زد: «لباس های او را پاره کنید و تازیانه به دست من بدهید». همسر زید گفت: «وای بر تو ای دشمن خدا! من زن هستم، جایز نیست لباس های مرا پاره کنی». یوسف بن عمر فریاد زد: به سخن او اهمیت ندهید. لباس هایش را پاره کنید(۱) و او را از هر طرف به باد تازیانه گرفت. آن زن گفت: «وای بر تو! من یکی از خاله های تو هستم. من زنی از قبیله ازد هستم و مادر تو نیز از آن قبیله است». یوسف بن عمر پاسخ داد: «خدا لعنت کند کسی که تو خاله او باشی». آن زن گفت: «خدا لعنت کند کسی که کمترین نسبتی با تو دارد و آن مادر توست». یوسف بن عمر به جلادها دستور داد او را بکشید و آنها با شدیدترین ضربه ها به او حمله کردند. او می گفت: «وای بر تو! تو آزاد نیستی، تو عرب نیستی، [آیا درست است] زنی را با شمشیر بکشند، ای فرزند بنده آل ثمود؟!» و در همان حال بود تا به شهادت رسید. سپس یوسف بن عمر دستور داد جسد او را وسط راه عمومی بیندازند. قومی از پسرعموهایش در نیمه شب جنازه او را برداشته و دفن کردند.(۲)

یوسف بن عمر سپس به دنبال قاسم بن عمرو که یکی از بزرگان قبیله ازد بود، فرستاد و به او گفت: «تو در ازدواج زید بن علی علیه السلام واسطه شدی؟» گفت: «بله چنین بود و به کسی به اندازه زید بن علی علیه السلام رغبت نبود؛ چون او از اولاد فاطمه و علی علیهما السلام بود». یوسف بن عمر دستور داد او را برهنه کنند! بلافاصله او را برهنه کردند و زیر تازیانه گرفتند. آن پیرمرد گفت: «ای یوسف بن عمر، فردا در مقابل خدا قصاص است؛ چه دلیلی داری که شخصی را به ناحق می کشی؟!» آن پیرمرد ازدی زیر ضربات تازیانه بود تا به شهادت رسید. سپس یوسف بن عمر شیعیان زیادی را به ناحق کشت.(۳) وی با

ص: ۱۷۲

-
- ۱- (۱) قلم از نوشتن این جنایات شرم دارد و اگر نبود لزوم بیان حقایق و مظالمی که بر سادات و مسلمانان شیعه اعمال شده از نوشتن این موارد پرهیز می شد.
 - ۲- (۲) الفتوح، ج ۸، ص ۲۹۳.
 - ۳- (۳) یکی از آن مقتولین محمد بن علی از اعیان کوفه بود که جد احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمان بن محمد بن علی البرقی به شمار می رود؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۳۰.

همه این جنایات، به هشام بن عبدالملک نامه نوشت و او را به ویران کردن کوفه و قتل عام بقیه مردم شهر تحریص کرد. ولی هشام نپذیرفت. (۱)

امام صادق علیه السلام درباره زید فرمود:

خدا رحمت کند زید را؛ به راستی که او مؤمن بود و امام خویش را می شناخت و بینا و دانا و راستگو بود و چنانچه موفق می شد و بر دشمن چیره می گشت، می دانست که کار را به دست چه کسی دهد. (۲)

برای زید دو زیارتگاه است که سالانه جمعیت زیادی از شیعیان و علاقه مندان به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به آنجا می روند: یکی در مصر که سر زید در آنجا دفن شده و دیگری در کُناسه کوفه است. همان مکانی که بدن زید را به دار زده و سپس آتش زدند. (۳)

۲. شهادت یحیی بن زید علیه السلام و قتل عام یاران او در خراسان

پس از هشام، ولید بن یزید به حکومت نشست. وی شخصی خوشگذران، شرابخوار و همدم با آوازه خوانان و زنان معشوقه اش بود. او رسماً ملازم آوازه خوان داشت و چنان بدان ها وابسته بود که به ابوکامل آوازه خوان شامی گفت: «بدون تو، من مثل یک زن بچه مرده، بی اراده و ناتوان هستم»؛ آن چنان که وی روزی از آواز ابن عائشه آن قدر به وجد

ص: ۱۷۳

۱- (۱) الفتوح، ج ۸، ص ۲۹۴.

۲- (۲) وقتی اخبار زید و جنایات مروانیان در کوفه، به امام صادق علیه السلام رسید، وی گریست و این آیه را تلاوت کرد: (مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا). سپس فرمود: «به خدا قسم عمویم زید و یارانش بر همان طریقی رفتند که جدشان علی و حسن و حسین علیهم السلام رفتند. آنها شهدای اهل بهشتند و کسی که از آنان تبعیت کند، مؤمن است و شک کننده در آنها گمراه است و ردکننده آنها کافر است...»: مناقب، ج ۳، ص ۳۶۰؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۹۲.

۳- (۳) علامه قزوینی در کتاب «فلک النجاه» می گوید: «مشهدی که فعلاً محل زیارتگاه زید است، محل دار زدن و سوزاندن بدن زید است: زیدالشهید، مقرر، ص ۱۵۵. علامه حرزالدین در کتاب «مراقد المعارف» می گوید: «زیارتگاه زید در حدود دو فرسخی جنوب شرقی قریه «کفل» است و این قول را دیگران نیز تأیید کرده اند»: مراقدالمعارف، ج ۱، ص ۳۲۰.

آمد که بر آلتش بوسه زد و به وی هزار دینار جایزه داد. سپس او را بر قاطری سوار کرد و گفت: «با قاطرت بر فرش های دربارم عبور کن».

ولید، حوضی پر از شراب داشت که در آن با فواحش شنا می کرد. روزی در این حوض آن چنان از خود بی خود شد که با دخترش زنا کرد. روزی ولید به قرآن تفأل زد، این آیه آمد: (وَ اسْتَفْتَحُوا وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَ يُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ) ۱ «و آنها (از خدا) تقاضای فتح و پیروزی (بر کفار) کردند؛ و (سرانجام) هر گردنکش منحرفی نومید و نابود شد! * به دنبال او جهنم خواهد بود؛ و از آب بد بوی متعفنی نوشانده می شود!». وی به قدری عصبانی شد که به قرآن تیراندازی کرد و در ضمن آن، این شعر را خواند:

اتوعد كل جبار عنيد فها انا ذاك جبار عنيد

إذا ما جئت ربك يوم حشر فقل يا رب خرقني الوليد

آیا دشمنان ستمگر را وعده عذاب می دهی؟ من همان دشمن ستمگر هستم آن گاه که روز قیامت نزد خدایت رفتی بگو! ولید مرا پاره کرد!

از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «در این امت مردی خواهد بود که او را ولید گویند و او از فرعون بدتر است». بنا به نظر محدثان، این شخص همین ولید بن یزید بن عبدالملک است که به ولید فاسق مشهور است. فسق و کفر او به حدی بود که حتی رسالت پیغمبر اکرم علیه السلام را هم تکذیب می کرد؛ چنان که می گفت: «این مرد هاشمی با خلافت، بازی کرد؛ نه وحی به او رسید و نه کتابی از آسمان آورد».

این اعمال ولید نشان می دهد که این پادشاه مروانی اصلاً مسلمان نبود؛ به طوری که نوشته اند: «او را معلمی بود که مذهب مانعی داشت و ولید را هم تحت تأثیر عقاید خود قرار داده بود».

یکی دیگر از اعمال ننگین او این بود که شبی در اثر کثرت شرابخواری با کنیزی همخواب شده بود و سحرگاهان که موقع نماز جماعت بود، عمامه خود را به سر کنیز نهاد و عبایش را به دوش او انداخت و دستور داد که صورت خود را بپوشاند و به جای او به محراب رفته و نماز جماعت بخواند. کنیز آلوده دامن، با همان حالت مستی و جنابت، به مسجد رفت و برای آن مردم بدبخت نماز خواند. ولی پس از قتل ولید این راز آشکار شد و مردم شام تازه فهمیدند که در یک نماز صبح به کنیز مست ولید اقتدا کرده اند.

چون کفر و فساد ولید برای همه کس روشن شده بود، حتی برادران، عموزادگان و سایر افراد بنی امیه، او را مذمت می کردند. لذا برخی مردم مسلمان دمشق، از اعمال ننگین او به ستوه آمدند و او را در قصر خلافت کشتند، ریز ریزش کردند و در همان قصر به خاک سپردند. سرش را هم به نیزه زدند و در شهر گرداندند.^(۱)

در زمان حکومت ولید، یحیی بن زید بن علی علیه السلام در جوزجان خراسان علیه ظلم و ستم خاندان اموی قیام کرد و میان او و فرماندار ولید در خراسان، سلم بن احوز مازنی، درگیری پیش آمد که در نتیجه آن، یحیی به شهادت رسید. برخی منابع از یورش ناگهانی مأموران اموی به یحیی و همراهانش در قریه ارغوی جوزجان و شهادت یحیی و قتل عام هفتصد نفر از شیعیان اشاره کرده اند^(۲) که به احتمال قوی میان آنها برخی نزدیکان یحیی از سادات هاشمی نیز بوده اند. مازنی سر یحیی را برید و برای ولید فرستاد و بدنش را در خراسان به نمایش گذاشت. بدن یحیی مثل بدن پدرش سال ها آویزان بود.^(۳) مردم خراسان هفت روز برای یحیی عزاداری کردند. نکته قابل توجه اینکه در آن سال هر پسری که در خراسان به دنیا آمد، مردم نامش را یحیی گذاشتند. حتی

ص: ۱۷۵

۱- (۱) تاریخ زندگانی امام صادق علیه السلام، ص ۴۶.

۲- (۲) بررسی ریشه های تاریخی تشیع در افغانستان، ص ۱۲۳.

۳- (۳) زمانی که ابو مسلم خراسانی قیام کرد، یحیی همچنان بر دار بود. ابو مسلم پس از اینکه مازنی را کشت، بدن یحیی بن زید را از دار پایین آورد و بر آن نماز گزارد و دفنش کرد: مقاتل الطالبيين، ص ۱۰۵.

زنجیری که یحیی را با آن زندانی کرده بودند، مردم خراسان تکه تکه کرده و هر قسمت کوچک آن را به صورت نگین انگشتری برای تبرک درآوردند.

امام صادق علیه السلام در ترسیم این قیام ها و نتایج آن، چنین می فرماید:

خاندان ابوسفیان، امام حسین علیه السلام را به شهادت رساندند و خداوند حکومت را از ایشان گرفت. هاشم، زید بن علی علیه السلام را شهید کرد و خداوند او را از حکومت ساقط کرد و ولید، یحیی بن زید را کشت و خداوند حکومت او را به پایان رساند. (۱)

گفتنی است یحیی در حرکت ظلم ستیزانه کاملاً برحق بود؛ چراکه ولید به اموری آلوده بود که حتی از پادشاهان ظالم ایران و روم، نظیر خسرو پرویز و هراکلیوس، نقل نشده است. به طور حتم کسرا و قیصر، پادشاهان ظالمی بودند که هیچ مسلمانی درباره وجوب مبارزه با آنها تردیدی ندارد؛ چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله دو بار مسلمانانی را برای مبارزه با هراکلیوس و قیصر گسیل داشتند. ولی ولید با قدرت به دست آمده از اسلام و فتوحات اسلامی، در باقیمانده کاخ های همان قیصرها در شام به اعمال ننگینی که ده ها برابر بدتر از هراکلیوس بود، دست می زد. روشن است که حرکت یحیی علیه این پادشاه ظالم، همانند حرکت عموی او، جعفر بن ابی طالب، علیه ظلم هراکلیوس در نبرد مؤته، کاملاً به جا بود. جعفر با سه هزار نفر مقابل صد هزار لشکر هراکلیوس ایستاد و سرانجام به شهادت رسید و یحیی و پدر او زید بن علی علیه السلام نیز دقیقاً همان راه را رفتند و از کمی یاران خود نهراسیدند و سرانجام به شهادت رسیدند. اینکه در زمان ما برخی سلفی ها و وهابی ها، ولید و یزید را برحق می دانند و حرکت ظلم ستیزانه امام حسین علیه السلام، زید و یحیی را تخطئه می کنند، دقیقاً همان مطلبی را می گویند که یزید برای توجیه اعمال خود، آن را از وعاظ السلاطین خود می خواست.

ص: ۱۷۶

ولی عجیب اینجاست که حرکت عبدالله بن زبیر علیه یزید و ریختن مردم شام به کاخ ولید را تخطئه نمی کنند. اما اگر شخصی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله برای مقابله با ظلم حرکت کرده باشد، نظیر امام حسین علیه السلام و زبید بن علی علیه السلام، او را شورش و برهم زنده امت اسلامی معرفی می کنند.

۳. شهادت امام باقر علیه السلام و قتل عام تعدادی از خاندان و شیعیان ایشان

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، امام پنجم شیعیان است. ایشان از سوی پدر، نوه امام حسین علیه السلام و از سوی مادر، نوه امام حسن علیه السلام است. از این رو در حق او گفته اند: «علوی ای بود که از دو سوی علوی بود و فاطمی ای بود که از دو سوی فاطمی بود»^(۱). ^(۲) و دیگر مؤلفان شیعه و سنی، سبب ملقب شدن آن حضرت را به «باقر»، دانش فراوان او دانسته اند و غالباً این نام گذاری را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می دانند که جابر بن عبدالله انصاری از آن حضرت نقل کرده است.^(۳)

دوران زندگی امام پنجم، بیشتر در شهر مدینه، به نشر معارف دینی و ارشاد شیعیان و تربیت شاگردان گذشت. با این حال از آزار و جلب امویان در امان نبود.^(۴) ایشان نیز از افشاگری جنایات امویان ابایی نداشت و از شیوه های حکام اموی در بازداشتن مردم از گرایش به اهل بیت علیهم السلام، ساختن احادیث دروغین، آزار رساندن به شیعیان، تخریب شخصیت امامان اهل بیت و به شهادت رساندن آنها انتقاد می کرد.^(۵)

ص: ۱۷۷

۱- (۱) مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۰۸.

۲- (۲) المحاسن و المساوی، ابراهیم بن محمد بیهقی، ج ۲، صص ۲۳۲-۲۳۶.

۳- (۳) عیون الاخبار، ابن قتیبه، ج ۱، ص ۲۱۲.

۴- (۴) الکافی، ج ۱، صص ۴۷۱ و ۴۷۲؛ بحار الانوار، ج ۴۶، صص ۳۰۶-۳۲۰.

۵- (۵) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۳۴۴.

امام باقر علیه السلام در روز هفتم ماه ذی حجه سال ۱۱۴ هجری (۱) به شهادت رسید. منابع روایی و تاریخی علت شهادت آن حضرت را مسمومیت دانسته اند. (۲) از برخی روایات استفاده می شود که مسمومیت امام باقر علیه السلام به وسیله زین آغشته به سم، صورت گرفته است؛ به گونه ای که بدن آن گرامی از شدت تأثیر سم به سرعت متورم شد. (۳) بعضی از منابع، شخص هشام بن عبدالملک را عامل شهادت آن حضرت دانسته اند. (۴) بعضی دیگر، ابراهیم بن ولید اموی را وسیله مسمومیت معرفی کرده اند. (۵)

با توجه به برخوردهای خشن و قهرآمیز هشام با امام باقر علیه السلام و عداوت انکارناپذیر بنی امیه با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، شک نیست که برای به شهادت رساندن امام باقر علیه السلام، اما به صورت غیر علنی، انگیزه ای قوی داشته است. جسم مطهر وی در بقیع، کنار مرقد پدر بزرگوارش امام سجاد علیه السلام و عموی پدرش حسن بن علی علیه السلام دفن شد. (۶)

بعد از شهادت ایشان، تعداد زیادی از فرزندان، نزدیکان و شیعیان آن امام، یکی پس از دیگری، تنها برای استحکام قدرت مروانیان به قتل رسیدند؛ از جمله عبدالله بن

ص: ۱۷۸

-
- ۱- (۱) فرق الشیعه، ص ۶۱؛ اعلام الوری به جای ماه ذی حجه، شهادت امام را در ماه ربیع الاول یاد کرده است؛ ر. ک: ص ۲۵۹.
 - ۲- (۲) الصواعق المحرقة، ص ۲۱۰؛ احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۱۵۴؛ اسعاف الراغیین بهامش نورالابصار، ص ۲۵۴؛ مثیر الاحزان، جواهری، ص ۲۴۴.
 - ۳- (۳) الخرائج والجرائح، راوندی، ج ۲، ص ۶۰۴؛ مدینه المعاجز، ص ۳۴۹؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۲۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۱۱.
 - ۴- (۴) مآثر الانافه فی معالم الخلافه، ج ۱، ص ۱۵۲؛ مصباح کفعمی، ص ۵۲۲.
 - ۵- (۵) سبائك الذهب، ص ۷۴؛ دلائل الامامه، ص ۹۴؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۱۰؛ الفصول المهمه، ص ۲۲۰؛ الانوار البهیة، ص ۱۲۶. به طور مسلم وفات امام باقر علیه السلام در دوران خلافت هشام بن عبدالملک رخ داده است: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۱۹؛ الانوار البهیة، ص ۱۲۶؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵۰.
 - ۶- (۶) فرق الشیعه، ص ۶۱؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۲؛ ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۵۶؛ دلائل الامامه، ص ۹۴؛ اعلام الوری، ص ۲۵۹؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲۷؛ تذکره الخواص، ص ۳۰۶؛ مصباح کفعمی، ص ۵۲۲؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۴۹.

محمد، پسر امام باقر علیه السلام (۱) بود. مردی از بنی امیه به فکر افتاد که عبدالله را به قتل رساند. عبدالله از اندیشه وی آگاه شد و به او گفت:

لا تقتلنی اکن لله علیک عتبا و لک علی الله عوناً.

مرا مکش تا خدا تو را به خاطر کشتن من ملامت نکند تا در پیشگاه الهی برای تو یار و یاور باشم.

آن مرد اموی ابتدا به او وعده دوستی داد ولی پس از ساعتی، شربتی مسموم به کامش ریخت و بدین ترتیب خون او را به گردن گرفت. همچنین در زمان حاکمیت سلیمان بن عبدالملک، عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب، با سم به قتل رسید. (۲) مروان بن الحنفی شاعرانی را که در وصف اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله شعر گفته بودند، می کشتند که معروف ترین آنها کمیت اسدی است. (۳)

گفتار دوم: کشتار جمعی موالی شیعی بربر و نخبگان شیعه در اندلس

اندلس همانند دیگر سرزمین های اسلامی از تلاش امرای اموی برای دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان آنها خالی نبود؛ بر همین اساس، امویان کوشیدند اندیشه ناصبی گری را در آنجا رواج دهند؛ به طوری که برخی از اندلسیین وقتی خلفا را ذکر می کردند، معاویه را چهارمین آنها دانسته و نام حضرت علی علیه السلام را ذکر نمی کردند. (۴)

ص: ۱۷۹

- ۱- (۱) وی برادر ابو عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام بود که مادر این دو برادر، ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر بود. گفته می شود عبدالله به امامت برادرش امام صادق علیه السلام ایمان داشت. مقاتل الطالبيين، ص ۱۰۹؛ المجدی، ص ۹۴.
- ۲- (۲) کنیه وی ابوهاشم بود و امام کیسانیه محسوب می شد. مقاتل الطالبيين، ص ۸۵؛ المجدی، ص ۲۲۴.
- ۳- (۳) اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۹، ص ۳۳؛ ر. ک: الکمیت بن زید الاسدی بین العقیده والسیاسه، علی نجیب عطوی.
- ۴- (۴) در این باره بدر بن ناصر در کتاب «النصب والنواصب» می نویسد: هنگامی که قاضی منذر بن سعید کتاب «ارجوزه» ابن عبدربه را مطالعه می کرد که معاویه را رابع خلفا نوشته بود و از علی علیه السلام سخنی به میان نیاورده بود، غضبناک شد و ابن عبدربه را سب کرد و در حاشیه آن نوشت: أو ما علی - لا برحت ملعتنا یابن الخیثه - عندکم یامام؟! ربّ الکساء وخیر آل محمّد دانی الولاء مقلّم الإسلام نفتح الطیب، ج ۲، ص ۹۸۴؛ التکمله لکتاب الصلّه، ج ۱، ص ۲۳۹؛ ر. ک: النصب والنواصب، بدر بن ناصر بن محمد العواد، صص ۱۸۲ و ۱۸۳.

انکار و ابطال انساب، اتهام ناروا به شراب خواری، متهم کردن به فسق، کفر، زندقه، خارجی بودن و انکار حقایق شیعه و انتساب به یهودیت و مسیحیت، از جمله تهمت های اصلی علیه سادات علوی و شیعیان اندلس بود.

بعد از سقوط سلسله اموی در شام، یکی از احفاد بنی امیه به نام عبدالرحمان داخل، به آنجا گریخت و حکومت امویان اندلس را تأسیس کرد و همان خصومت خود را نسبت به سادات علوی و شیعیان، به صورت گسترده تری، ادامه داد؛ چراکه احتمال حرکت های شیعی و سرنگون کردن حکومت امویان اندلس، بیشتر از قبل، آنها را به وحشت می انداخت؛ به همین دلیل علاوه بر حاکمان، مورخان معاصر با امویان اندلس هم تشویق می شدند اتهام های ناروا به سادات و شیعیان بزنند؛ چنان که عبدالله بن محمد، که ضد امویان اندلس قیام کرد، در برخی منابع تاریخی، متعصبانه به شقنا، یعنی قلیل و فرومایه، نامگذاری شد؛ بر همین اساس، ابن خلدون هم او را نه به صورت قطعی، بلکه مدعی انتساب به فرزندان حسین شهید علیه السلام قلمداد کرده است.^(۱)

قیام عبدالله بن محمد در سال ۱۵۲ ه. ق است. او ضد امیر اموی، عبدالرحمان فهری، به پا خاست. نام مادر عبدالله، فاطمه بود و خود به معلمی اشتغال داشت. حرکت او در طول ده سال ضد امویان ادامه داشت که خیزش های او با رنگ و بوی شیعی و با پشتیبانی موالی بربر صورت می گرفت. وی اگرچه سرانجام به قتل رسید، ولی حرکتش زمینه ای برای فعالیت های شیعی در قرون بعدی شد.^(۲) دشمنی امویان اندلس با شیعه به اندازه ای

ص: ۱۸۰

۱- (۱) العبر، ابن خلدون، ترجمه آینی، ج ۳، ص ۱۷۷.

۲- (۲) البیان المغرب فی اخبار الاندلس والمغرب، ابن عزاری، ج ۲، ص ۵۴؛ به نقل از: روابط موالی و تشیع، سید محسن سجادی، ص ۲۸۶.

بود که حتی افکار عقلی را نیز که زمینه رشد مکتب تشیع می دانستند، برنمی تافتند^(۱) و در این دشمنی ها تعدادی از دانشمندان شیعی در اندلس قربانی کشتار برنامه ریزی شده شدند؛ از جمله آنها چهره معروف شیعی اندلس، ابوالقاسم محمد بن هانی ازدی مهلبی اندلسی است.^(۲) این شاعر بلندآوازه شیعی که در اشبیلیه متولد شد و دیوانی بزرگ داشت، از طرف امویان، به فسق، شراب خواری، کفر و زندقه و نیز گرایش به فیلسوفان یونانی، متهم شد. از این رو از اندلس آواره شد و به المعز، خلیفه فاطمی، پناه برد و نزد خلیفه، نیکی ها دید. وی در خدمت آنان بود تا اینکه سرانجام در شهر برقه به قتل رسید.^(۳)

امویان اندلس پس از تأسیس نخستین دولت شیعی از سوی ادریسیان در سال ۱۷۲ ه. ق در مغرب تا انقراض این دولت در سال ۳۱۲ ه. ق، حکمرانان ادریسی را تحت فشار قرار می دادند و سرانجام، در اثر ضربه هایی که یکی از سرداران حاکم دوم خلیفه اموی (۳۵۰-۳۶۶ ه. ق) به دولت سادات ادریس زد، از پای در آمدند. خصومت ویژه امویان با ادریسیان در این بود که گذشته از تأثیرات فکری ادریسیان علوی بر اندلس، قبیله هایی از بربرهای ساکن در اندلس، از ابتدای تأسیس دولت شیعی ادریسی با ادریس ابن عبدالله، بیعت کرده بودند.^(۴)

گفتار سوم: نسل کشی و کشتار جمعی سادات و شیعیان در آغاز حکمرانی عباسیان

اشاره

در سال ۱۳۲ ه. ق حکومت بنی امیه، با قیامی که بدنه اصلی آن را ایرانیان تشکیل

ص: ۱۸۱

۱- (۱) به همین دلیل محمد بن عبدالله بن مسره قرطبی (۲۷۰-۳۱۹ ه. ق) که از بنیان گذاران و پیشگامان فلسفه در اندلس بود، متهم شد که مأمور است تا در اسپانیا، به وسیله گروه های اخوان، یک حزب فاطمی بسازد؛ به همین سبب در اثر ستم و اختناق دستگاه اموی، از قرطبه به شمال آفریقا فرار کرد؛ ر. ک: تاریخ عرب، فیلیپ حتی، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ص ۶۶۶؛ «اندیشه کلامی و فلسفی در مغرب و...»، محمدرضا پاک.

۲- (۲) تاریخ اسلام (کمبریج)، بی. ام. ان. هولت، ترجمه: احمد آرام، ص ۲۵۷.

۳- (۳) سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۱۶، صص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ آل علی، ص ۲۸۶؛ مصاحب، ج ۱، ص ۲۳.

۴- (۴) تاریخ اسلام (کمبریج)، ص ۲۵۷؛ تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ص ۱۹۳.

می دادند و رهبری آن با ابومسلم خراسانی بود، منقرض شد و بنی عباس حاکمیت را به دست گرفتند. عباسیان با شعار الرضا من آل محمد صلی الله علیه و آله، مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را شعار خود قرار داده بودند و با همین محرک، موفق به جلب حمایت مردم خصوصاً خراسانیان شده بودند. هنگامی که زمام امور را به دست گرفتند، مردم انتظار داشتند که رفتار آنان با سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله عادلانه و دوستانه باشد؛ اما برخلاف این تصور، عباسیان آن گاه که بر مسند حکومت تکیه زدند، نه تنها همان رفتار ظالمانه امویان با اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنها را در پیش گرفتند، بلکه گامی فراتر نهادند و ستم را دوچندان ساختند تا جایی که برخی شاعران زمان، حکومت آنان را دردمندانه این گونه وصف کردند:

والله ما فعلت امیه فیهم معشار ما فعلت بنوالعباس

به خدا سوگند بنی امیه، به اندازه یک دهم بنی عباس، بر خاندان علی علیه السلام ستم نکردند.

شاعر دیگر گفت:

یا لیت جور بنی مروان دام لنا ولیت عدل بنی العباس فی النار

ای کاش ستم مروانیان پایدار می ماند و ای کاش دادگری عباسیان به دوزخ می رفت.

۱. کشتار جمعی هواداران حاکمیت اهل بیت علیهم السلام در بخارا

پس از روی کار آمدن بنی عباس، کسانی که از قبل متوجه سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، دریافتند که چه اشتباه بزرگی کرده اند؛ لذا به فکر مخالفت با حکومت عباسیان افتادند. گویا از جمله این افراد، سلیمان بن کثیر، از رهبران قیام خراسان بود. او یک بار به «عبیدالله الاعرج بن الحسین الاصغر بن السجاد علیه السلام» گفت: «ما در مورد شما اشتباه کردیم و بیعتمان را در جای اصلی آن (خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله) نگذاشتیم. بیا تا با تو بیعت کنیم و مردم را برای کمک به تو دعوت نماییم». اما عبیدالله که ترسید این یک توطئه باشد، این

گفته را به اطلاع ابومسلم (داعی عباسیان) رسانید. لذا ابومسلم، سلیمان را کشت. (۱) بعدها نیز ابومسلم، عبیدالله بن حسین را نیز با سم به شهادت رسانید. (۲)

بعد از روی کار آمدن عباسیان، قیام هایی به منظور بازگرداندن حق اهل بیت علیهم السلام در خراسان بر پا شد. یکی از این قیام ها در سال ۱۳۳ هـ. ق در بخارا بود که «شریک بن شیخ المهری»، رهبری آن را بر عهده داشت. (۳) او در سخنان خود گفت:

بنی مروان برای ما ذلت آوردند. اما خداوند به کمک ما آمده و آنها را از بین برد. ما از بنی عباس متابعت نکردیم که همچنان شاهد قتل و خونریزی باشیم! حکومت هیچ شخصی جز اهل بیت علیهم السلام، ما را کفایت نمی کند. (۴)

نرشخی در مورد «شریک» می نویسد:

مردی بود از عرب به بخارا باشیده و مردی مبارز بود و مذهب شیعی داشتی. و مردمان را دعوت کردی به خلافت [اولاد] امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه و گفتمی ما از رنج مروانیان، اکنون خلاصی یافتیم. ما را رنج آل عباس نمی باید. فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله باید که خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله بود. خلقی عظیم بر وی گرد آمدند. (۵)

به گفته طبری حدود سی هزار نفر از او پیروی کردند. (۶) حکام عرب که در بخارا و خوارزم بودند، به او پیوستند؛ چنان که بیشتر اهل بخارا بدو گرویدند. (۷) «بلاذری» نیز نوشته است: شریک به ابومسلم پیام داد: «ما با شما بر سر تحقق عدالت بیعت کردیم، نه

ص: ۱۸۳

۱- (۱) عمده الطالب، ص ۳۱۹.

۲- (۲) مقاتل الطالبیین، ص ۱۱۷؛ المجدی، ص ۱۹۵.

۳- (۳) الامامه والسیاسه، ج ۲ ص ۱۶۶.

۴- (۴) تاریخ بخارا، نرشخی، ص ۷۹؛ بخارا دستاورد قرون وسطی، ص ۴۳.

۵- (۵) تاریخ بخارا، نرشخی، ص ۸۶.

۶- (۶) تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۱۲؛ الکامل فی التاریخ، ج ۵ ص ۴۸۸؛ الامامه والسیاسه، ج ۲، ص ۱۶۰.

۷- (۷) تاریخ بخارا، ص ۸۶.

پس از آن ابومسلم، زیاد بن صالح را به سوی آنها فرستاد و آنها را قتل عام کرد. «نرشخی» در تاریخ بخارا نوشته است: «اکثر این افراد به ضرب شمشیر کشته یا بر دروازه های بخارا به دار آویخته شدند» (۲).

۲. قتل عام سادات و شیعیان توسط منصور دوانیقی

اشاره

نخستین کسی که از عباسیان زمام خلافت را به دست گرفت، ابوالعباس سفاح (۳) بود. او در ریشه کنی امویان سخت کوش بود. وی هرچند متعرض خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نشد، ولی به سفارش او، شعرا از مقام و منزلت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله کاسته و آنان را فاقد شایستگی برای خلافت معرفی می کردند. عباسیان به خوبی می دانستند که مردم مناطق مختلف ایران، خصوصاً خراسان، هوادار خاندان علی علیه السلام هستند. لذا برای اینکه تشیع در آنجا گسترش پیدا نکند، به شاعران، جوایز عظیمی می دادند تا عباسیان را مدح کنند و به مقام و منزلت والای فرزندان علی علیه السلام معترض شده و حق خلافت را از آنان سلب کنند و این بحث را پررنگ کنند که علویان از طریق دختر پیامبر صلی الله علیه و آله به او منسوب اند؛ درحالی که عباسیان، فرزندان عموی او هستند و (مطابق رسوم جاهلی) عمو برتر از نوادگان دختر است. سفاح پس از چهار سال حکومت، در دوم ذی حجه سال ۱۳۶ ه. ق درگذشت.

منصور دوانیقی دومین فرمانروای عباسی بود که همانند پادشاهان ساسانی حکومت

ص: ۱۸۴

۱- (۱) انساب الاشراف، ص ۱۷۱.

۲- (۲) تاریخ بخارا، نرشخی، ص ۸۹. استاد رسول جعفریان معتقد است: «در اینجا حداقل قضیه این است که فکر شیعی در ارتباط با روی کار آمدن شخصی از اهل بیت علیهم السلام وجود داشته است. هرچند امکان دارد طرفداران او در طرفداری خود، چندان اخلاص دینی نداشته اند. بلکه ضمیمه آن، موضع سیاسی بوده است»: تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۱۳۳.

۳- (۳) عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن العباس.

خود را بنا گذاشت. (۱) وی برای استحکام پایه های حکومت خویش، جنایت های بسیاری کرد و خون های فراوانی ریخت؛ به نحوی که قلم از نگارش آن شرم دارد.

منصور بیش از همه بر آل علی علیه السلام و شیعیان آنها سخت گرفت؛ به طوری که نوشته اند: به اعتراف خودش، یک هزار نفر یا بیشتر، از فرزندان علی و فاطمه علیهما السلام را کشت (۲). یا اینکه: عدد و آمار مقتولین از شیعه، به دست او، به اندازه ای بود که به شمار در نیاید. (۳)

الف) قتل عام بنی الحسن علیه السلام

منصور دوانیقی، سال ۱۴۴ ه. ق پس از بازگشت از سفر مکه، در ربذه، به یکی از امرای خود به نام ریاح امر کرد تا به مدینه بازگردد و بنی حسن و محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان را که به او محمد دیباج می گفتند و برادر مادری بنی حسن بود، نزد وی بیاورد. بنی حسن پیش تر سه سال در مدینه در حبس منصور بود. منصور محمد دیباج را چهارصد تازیانه زد؛ به طوری که لباس به گوشتش چسبید. آن گاه دستور داد آن لباس را درآورند و لباس سخت و خشن در تنش کنند و مرکب او را جلوی مرکب عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام، معروف به عبدالله محض که برادر مادری او بود و نهایت علاقه را به او داشت، حرکت دهند.

عبدالله پیوسته نگاهش بر پشت محمد می افتاد و آثار تازیانه می دید و جزع می کرد. منصور از ربذه به طرف کوفه حرکت نمود. خود در محمل نشست و بنی حسن و محمد دیباج را با غل و زنجیر بست و با خود به کوفه برد و به زندان

ص: ۱۸۵

۱- (۱) مقریزی در این باره می نویسد: «و أما أبو جعفر عبدالله بن محمد المنصور فإنه تزی بزی الأکاسره وجعل أبناء فارس رجالات دولتهم»: النزاع والتخاصم، المقریزی، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۲- (۲) النقص، ص ۴۲۶.

۳- (۳) الشیعه والحاکمون، محمدجواد مغنیه، ص ۱۵۰؛ ر. ک: مقاتل الطالبیین، صص ۱۶۲، ۲۲۷ و ۲۲۹؛ الکامل، ج ۳، ص ۵۷۹.

هاشمیه افکند. (۱) این زندان چنان تاریک بود که شب و روز آن معلوم نبود. طبق روایت سبط ابن جوزی، بیست تن از اولاد امام حسن علیه السلام در آنجا زندانی شدند و بنا بر نقل مسعودی، منصور، سلیمان و عبدالله، فرزندان داوود بن حسن مثنی را با موسی بن عبدالله محض و حسن ابن جعفر رها کرد و مابقی را در حبس نگه داشت تا به شهادت رسیدند. قبر آنها همان زندان آنها بود؛ زیرا سقف آن را روی ایشان خراب کردند. (۲)

بنا بر نقل صاحب مقاتل الطالبیین، منصور دستور داده بود حتی برای قضای حاجت هم آنها را بیرون نیاورند. لذا به ناچار در همان زندان قضای حاجت می کردند. از این رو به دلیل تعفن مکان پاهایشان ورم می کرد و عفونت رفته رفته به قلبشان می رسید و آن بزرگواران زجرکش می شدند.

زندانیان، چون به علت تاریکی نمی توانستند اوقات نماز را تعیین کنند، قرآن را پنج جزء کرده بودند و به نوبت در هر شبانه روز یک ختم قرآن می کردند و هر خمسی که تمام می شد، یک نماز از نمازهای پنجگانه به جا می آوردند. هرگاه یکی از ایشان از دنیا می رفت، جسدش را که در بند و زنجیر بود، بیرون نمی بردند تا اینکه گاهی بو برمی داشت و باعث رنج اطرافیان می شد. (۳)

ابوالفرج از اسحاق بن عیسی روایت کرده که روزی عبدالله محض برای پدرم پیغام داد که نزد من بیا. پدرم از منصور اذن گرفت و به زندان رفت. عبدالله گفت: «تو را طلبیدم برای آن که قدری آب برای من بیاوری؛ چه آن که عطش بر من غلبه کرده». پدرم

ص: ۱۸۶

۱- (۱) مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۳.
۲- (۲) در زمانی که ابوالفرج اصفهانی، به سال ۳۳۲، مقاتل الطالبیین را می نوشت، به گفته او محل زندان آنها زیارتگاه شده بود. محل دستگیری و شکنجه گاه این سادات ابتدا مدینه و سپس ربنده در سرزمین حجاز بود. ولی شهادت آنها در محبس هاشمیه بود.

۳- (۳) ر. ک: مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۱۰.

فرستاد از منزل سبوی آب برای عبدالله آوردند. عبدالله چون سبوی آب را بر دهان نهاد، ابوالاظهر زندانبان رسید و چنان پا بر آن سبوی زد که بر دندان عبدالله خورد و دندان های ثنایای او بریخت. عبدالله زنده بود تا وقتی که محمد و ابراهیم، پسران او، خروج کردند و شهید شدند. سر محمد و ابراهیم را برای پدرشان به زندان فرستادند و عبدالله در زندان بود تا شهید شد. (۱)

ابن اثیر می نویسد:

منصور، محمد بن عبدالله بن عثمان، برادر مادری اولاد حسن علیه السلام را احضار کرد و دستور داد لباس های او را پاره کردند تا عورتش نمایان شد. سپس ۱۵۰ تازیانه به او زد. یکی از آن تازیانه ها به صورتش خورد. محمد گفت: «وای بر تو! از صورت من صرف نظر کن». منصور به جلاد گفت: «تازیانه بر سرش بزن». لذا سی تازیانه به سرش زد و یکی از آنها به چشمش خورد و خون چشم او بر صورتش جاری شد و پس از آن او را کشت. (۲)

صاحب «عیون اخبار الرضا» می نویسد: «موقعی که منصور بناهای بغداد را می ساخت، اولاد علی علیه السلام را می گرفت و میان دیوارهایی که از آجر و گچ بنا می شد، می گذاشت». ابوالفرج اصفهانی نیز در مقاتل الطالبیین، به نقل از ابراهیم بن ریاح، می نویسد:

هنگامی که هارون الرشید بر یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن مسلط شد، در حالتی که زنده بود، ستونی روی او بنا کرد. این عمل را هارون الرشید از جدش منصور به ارث برد. (۳)

مقریزی در النزاع والتخاصم به قتل عام عده ای دیگر از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کند و می نویسد:

ص: ۱۸۷

۱- (۱) فرزندان آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۷۳.

۲- (۲) الکامل، ج ۵، ص ۲۲۳.

۳- (۳) مقاتل الطالبیین، ص ۳۲۰.

منصور، عروس خود، ریظه، زن پسرش مهدی را قسم داد در فلان محل را تا او زنده است، باز نکند و اگر در صدد رفتن به محل مذکور برآید، همراه شوهرش به آنجا رود. پس از فوت منصور، ریظه و مهدی، در بازدید از محل اشاره شده دیدند که عده زیادی از اولاد علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را کشته و سر آنان را به ردیف گذارده اند. بین آنان، تعدادی طفل نیز دیده می شد. بر کاغذهای آویخته شده به گوش کشته شدگان، نسبت هر کدام به رسول خدا صلی الله علیه و آله را مشخص کرده بودند. مهدی امر کرد قبر بزرگی کردند و تمام آنها را دفن کردند. (۱)

شهادی معروف بنی الحسن علیه السلام که به دست منصور به شهادت رسیدند، عبارت اند از:

- عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، کنیه اش ابو محمد و مادرش فاطمه، دختر ابوعبدالله الحسین بود. عبدالله بن حسن در سال ۱۴۵ ه. ق در زندان هاشمیه به شهادت رسید. وی در این هنگام ۷۵ سال داشت. (۲)

- حسن بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام (معروف به حسن مثلث)، وی برادر عبدالله بن حسن و مادرش نیز فاطمه، دختر ابوعبدالله الحسین علیه السلام بود. وی مردی دانشمند، فاضل و پارسا بود. در سال ۱۴۵ ه. ق در زندان هاشمیه در سن ۶۸ سالگی به شهادت رسید. (۳)

- ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، وی سومین پسر حسن بن حسن بن علی علیه السلام از فاطمه، دختر ابوعبدالله الحسین علیه السلام بود. کنیه اش ابوالحسن بود. یحیی بن حسن می گوید: «ابراهیم در عهد خود از همه مردم به رسول اکرم صلی الله علیه و آله شبیه تر بود». ابراهیم بن حسن در ربیع الاول سال ۱۴۵ ه. ق، در سن ۶۷ سالگی، در زندان

ص: ۱۸۸

۱- (۱) النزاع والتخاصم، ص ۱۵۱.

۲- (۲) مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۲؛ المجدی، ص ۳۷؛ الشجره المبارک، که، ص ۷؛ الفخری، ص ۸۵.

۳- (۳) مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۷؛ المجدی، ص ۶۶؛ الشجره المبارک، که، ص ۲۱؛ الفخری، ص ۱۱۵.

هاشمیه از جهان رخت بست. وی از نخستین فرزندان حسن بود که در بازداشت منصور، جان سپرد. (۱)

بنابر نقل ابوالفرج اصفهانی این سه تن، عبدالله، حسن و ابراهیم، فرزندان حسن بن حسن علیه السلام بودند که در زندان، بدرود زندگی گفتند. (۲)

- علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، وی برادرزاده عبدالله بن حسن بن حسن و کنیه اش ابوالحسن بود. مردم به او «علی الخیر» و «علی الاغر» و «علی العابد» می گفتند. همسرش زینب، دختر عبدالله بن حسن، یعنی دختر عمویش بود که بانویی عابد و پارسا همانند شوهرش به شمار می رفت. مردم به این زن و شوهر «زوج صالح» لقب داده بودند.

هنگامی که عبدالله بن حسن و سادات این خاندان را به فرمان ابوجعفر منصور از مدینه به کوفه می بردند، زینب دختر عبدالله که همسر علی بن حسن بود، گریه می کرد و می گفت: «وا عبرتا من الحدید و العباد و المحامل المعراه»؛ چرا که خاندان بنی حسن علیه السلام را در محمل های بی روپوش به اسارت می بردند و همه را با زنجیر می بستند. آل حسن بن علی علیه السلام اوقات نماز را با تسبیح علی بن حسن تشخیص می دادند.

عبدالله بن حسن که از رنج زندان به جان آمده بود، روی به برادرزاده اش علی گفت: «می بینی که چه می کشیم. آیا از خدا نمی خواهی که ما را از این بلا برهاند؟!» علی بن حسن مدتی خاموش ماند و سپس گفت: «ما را در بهشت مقامی است که جز با تحمل این مشقت ها نمی توانیم آن مقام را دریابیم و ابوجعفر (منصور) هم در جهنم عذابی در

ص: ۱۸۹

۱- (۱) همان.

۲- (۲) مقاتل الطالیین، ج ۱، ص ۲۸۳. صاحب مقاتل الطالیین در ادامه به فرد دیگری نیز اشاره می کند و می نویسد: «محمد بن علی بن حمزه علوی می گوید: ابوبکر بن حسن بن حسن علیهما السلام هم با این قوم به قتل رسید. اما من این روایت را سوای او از کسی دیگر نشنیده ام. علمای انساب هم تاکنون در میان فرزندان حسن مثنی کسی را به نام ابوبکر ذکر نکرده اند.

پیش دارد که فقط کیفر این مظالم است. او باید ما را شکنجه دهد تا آن را دریابد. اگر بر این آزارها بردبار بمانیم، هر چه زودتر جان می سپاریم و از این اندوه و محنت رها می شویم. انگار که رنجی نبرده ایم. اکنون اگر می خواهید، دعا کنید تا از محنت شما کاسته شود و عذاب ابوجعفر نیز تخفیف یابد». عبدالله بن حسن گفت: «نه! بلکه صبر می کنیم تا ما و ابوجعفر هر دو به آنچه در پیش داریم، برسیم». ابوالفرج می نویسد: «زندانیان هاشمیه بیش از سه روز دیگر در آن زندان زنده نماندند. علی بن حسن در روز بیست و سوم محرم سال ۱۴۶ ه. ق، در سن ۴۵ سالگی در زندان منصور جان سپرد».^(۱)

- عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، وی برادر علی ابن حسن و مادرش هم مادر علی، یعنی ام عبدالله، دختر کلابی بود. ابوالفرج اصفهانی می نویسد:

ریاح زندانبان، آل حسن بن علی علیه السلام را با محمد دیباج، پسر عبدالله بن عمرو، از مدینه به سوی کوفه می برد. هنگامی که به قصر نفیس حدود سه میل دور از مدینه رسیدند، ریاح به آهنگران دستور داد بنی الحسن علیه السلام را به غل و زنجیر بکشند. برای همه غل و زنجیر آماده کرده بودند. دست بر قضا حلقه آن غل که برای عبدالله بن الحسن مثلث تهیه شده بود، تنگ بود و گلویش را سخت فشرد و فریادش را درآورد. برادرش علی بن الحسن وقتی چنین دید، قسم داد که زنجیر او را با زنجیر برادرش عوض کنند. چنین کردند و به این وضع ناگوار، فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به شکنجه گاه زبده رسانیدند. عبدالله بن حسن «حسن مثلث» در سن ۴۶ سالگی، در روز عید قربان سال ۱۴۵ ه. ق در ربنده به دست ریاح، والی منصور، به شهادت رسید. برخی نیز محل شهادت او را زندان هاشمیه نوشته اند.^(۲)

ص: ۱۹۰

۱- (۱) مقاتل الطالبيين، ص ۱۲۹؛ المجدی، ص ۶۶؛ الشجره المبار. که، ص ۲۱.

۲- (۲) مقاتل الطالبيين، ص ۱۳۳؛ المجدی، ص ۶۶.

- عباس بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، عباس هم پسر حسن مثلث و برادر علی و عبدالله است. اما مادرش از مادر برادرانش جد است. مادر عباس، عایشه، دختر طلحه الجواد تیمی است. عباس را از جوانمردان بنی هاشم به شمار آورده اند. ابوالفرج می نویسد:

عباس بن حسن در خانه اش ایستاده بود که سپاهیان منصور دستگیرش کردند. مادرش عایشه فریاد کشید: «بگذارید یکبار ببوسمش. بگذارید یکبار بر سینه ام بفشارمش». جواب دادند: «محال است. می پنداریم که مادرش مرده است».

عباس بن حسن در زندان هاشمیه، روز بیست و سوم ماه رمضان سال ۱۴۵ ه. ق در ۳۵ سالگی به شهادت رسید. (۱)

- اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام؛ وی معروف به «طباطبا»، جد سادات طباطبائی است. مادرش را ربیحه بنت محمد می نامیدند. (۲) مؤلف مقاتل الطالبیین می نویسد:

عبدالرحمان بن ابی المولی، در زندان هاشمیه، با سادات بنی الحسن علیه السلام زندانی بود. از او پرسیدم آل حسن بن علی علیه السلام در آن سیاهچال وحشت چگونه به سر می بردند؟ در جوابم گفت: «این قوم مردمی صبور و بردبار بوده اند. در میانشان مردی بود که خصلت طلا را داشت؛ هر چه بیشتر در آتش می ماند، جلوه و جلایش بیشتر تشعشع و درخشش می گرفت». پرسیدم این مرد کی بود؟ گفت: «این مرد اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بود که هر چه بیشتر شکنجه می دید، بیشتر صبر می کرد».

- محمد بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، پسر ابراهیم بن

ص: ۱۹۱

۱- (۱) همان. ص ۱۳۴.

۲- (۲) البته برخی گفته اند «طباطبا» لقب پسرش ابراهیم است. لقب طباطبا را از آن جهت به اسماعیل داده اند که وقتی در کودکی می خواست «قبا» بپوشد، زبانش در ادای لغت کوتاه بود، عوض اینکه بگوید قبا، می گفت طباطبا: فرزندان آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۹۴.

حسن از کنیزی که «عالیه» نامیده می شد، به دنیا آمد. او را «دیباج اصف» می نامیدند. (۱) در مورد او نوشته اند: ابوجعفر منصور او را به حضورش فراخواند و گفت: «تو دیباج اصف هستی؟» گفت: «آری! من هستم». منصور با خشونت گفت: «تو را به صورتی می کشم که هیچ یک از خاندان تو را آن طور نکشته ام». بعد دستور داد وی را میان جرز ساختمان بگذارند و بر سرش دوغاب گچ بریزند. ابوالفرج می نویسد: «مردم دسته دسته به تماشای محمد بن ابراهیم می آمدند؛ زیرا مرد زیبایی بود». (۲)

- علی بن محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، وی نواده عبدالله بن حسن مثنی و مادرش ام سلمه، دختر حسن مثلث بود. ابوجعفر منصور فرمان داد که علی را هم با سادات بنی حسن علیه السلام به زندان بسپارند. گفته می شود که این علی تا عهد مهدی عباسی در زندان به سر برد و در زندان به شهادت رسید. (۳)

ب) قتل عام سادات و شیعیان بعد از سرکوبی قیام مدینه و بصره

منصور علاوه بر سادات بنی حسن علیه السلام که پیش از قیام محمد و ابراهیم به قتل رسانید، در جریان قیام محمد بن عبدالله نفس الزکیه نیز در مدینه تعداد زیادی از سادات، شیعیان، نوادگان صحابه و مردم عادی را به خاک و خون کشید. این در حالی بود که حتی خودش قبلاً با محمد بن عبدالله بیعت کرده بود. عثمان بن محمد زبیری نیز از کسانی بود که در نهضت محمد بن عبدالله شرکت داشت و مردی راستگو و صریح بود. وی به ابوجعفر منصور گفت: «من و تو با هم دست بیعت در مکه به مردی دادیم (یعنی محمد بن عبدالله). من به بیعت خود وفا کردم. اما تو آن

ص: ۱۹۲

۱- (۱) دیباج اکبر، محمد بن عبدالله، عموی ناتنی او بود: فرزندان آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۹۵.

۲- (۲) مقاتل الطالبیین، ص ۱۳۶؛ المجدی، ص ۶۸؛ الشجره المبارکه، ص ۲۳.

۳- (۳) همان. ابوالفرج معتقد است صحیح این است که وی در عهد ابوجعفر منصور دیده از زندگی فروبست.

را شکستی و به طغیان گردن افراشتی». ولی منصور به او دشنام داد و دستور داد گردنش را زدند. (۱) طبری می نویسد:

وقتی عیسی بن موسی، محمد را کشت، همه اموال بنی حسن علیه السلام را گرفت و منصور این را تأیید کرد. در این باره ابن مصعب شعری گفت به این مضمون: حرمت فرزندان حسن علیه السلام را شکستند و ربوده هاشان را تقسیم کردند و زنانشان، در خانه هاشان، چون کبوتران نغمه گر نوحه سرایی می کنند. با کشته شدن آنها به نزد پیشوا [منصور] توسل می جویند و کشته شدنشان را غنیمت و شرف خویش می دانند. به خدا اگر پیامبر، محمد صلی الله علیه و آله، می دید که امت وی نیزه ها را سوی فرزندان او بلند کرده اند و از نوک آن خون می چکد، به حق می دانست که آنها قرابت وی را رعایت نکرده اند و حرام را حلال کرده اند. (۲)

پس از قتل محمد بن عبدالله، پسرش عبدالله اشتر به هندوستان رفت تا در آنجا به سر ببرد؛ اما فرستادگان منصور در آنجا او را یافتند و به دستور او سر از تنش جدا کردند و به بغداد فرستادند. (۳) در مورد محل دفن نفس زکیه اختلاف است؛ ابن خلدون می نویسد: «اجساد محمد و یارانش در نقطه ای بین ثنیه الوداع و مدینه به دار کشیده شدند و زینب، خواهر محمد، اجازه گرفت و او را در بقیع به خاک سپرد» (۴)؛ ولی صالحی شامی به دفن او در کنار کوه سلع تصریح کرده و نوشته است: «زائر هنگامی که از مشهد اسماعیل بن جعفر صادق علیه السلام برگشت، زیارت خود را به پایان می رساند و این مشهد در کوه سلع است». (۵)

ص: ۱۹۳

-
- ۱- (۱) فرزندان آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۸.
 - ۲- (۲) تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۸۵۲.
 - ۳- (۳) فرزندان آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۶.
 - ۴- (۴) تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۹۳.
 - ۵- (۵) سبیل الهدی والرشاد، ج ۱۲، ص ۴۰۱. ابن کثیر می نویسد: «عیسی بن موسی دستور دفن جنازه محمد را در بقیع داد و اصحاب او را که کشته شده بودند، در دو صف، بیرون مدینه به مدت سه روز به دار آویخت و سپس در مقبره یهود انداخت». البدایه والنهایه، ج ۱۰، ص ۹۶.

علاوه بر آن، در قیام ابراهیم بن عبدالله نیز در بصره و کوفه، منصور عده زیادی از شیعیان را قتل عام کرد. ابراهیم با جماعتی بسیار که معتزله هم بین آنها بودند، بعد از شهادت محمد نفس زکیه در بصره قیام کرد. منصور، عیسی بن موسی و سعید بن سلمه را با لشکری از کوفه فرستاد و مصاف دادند؛ اگرچه پیروزی با ابراهیم بود و منصور قصد فرار از جایگاه خود را داشت، ولی با رسیدن تیری بر پیشانی ابراهیم و شهادت او، قیام شکست خورد و عده زیادی از سادات و شیعیان به شهادت رسیدند. دُعبِل بن علی خزاعی در مرثی [ایشان] گفته است:

اَفَاطَمُ قَوْمِي يَا بِنَةَ الْخَيْرِ فَانْدُبِي نُجُومَ سَمَاوَاتِ بَارِضِ فَلَاتِ

قُبُورِ بَكُوفَانٍ وَأُخْرَى بِطَيْبِهِ وَأُخْرَى بِفَخِّ نَالَهَا صَلَوَاتِ (۱)

ای فاطمه برخیز ای دختر بهترین خلق خداوند و نوحه کن بر فرزندان خود که ستاره های فلک امامت و رفعت اند و در زمین بیابان به مذلت افتاده اند. قبری چند در کوفه است و قبرهای دیگر در طيبة است و قبرهای دیگر در فخر که برسد به اینها صلوات من.

امام صادق علیه السلام از شکنجه و قتل عام بنی حسن علیه السلام بسیار رنج کشید. سید بن طاووس در کتاب «اقبال» (۲) مسنداً از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چون بنی اعمام او را به سوی عراق حمل می کردند، حضرت به طوری گریه کرد که صدایش بلند شد و گفت:

پدرم برایم حدیث کرد از فاطمه بنت الحسین علیه السلام، وی گفت: شنیدم پدرم می گفت:

«يُقْتَلُ مِنْكَ أَوْ يُصَابُ مِنْكَ نَفَرٌ بِشَطِّ الْفَرَاتِ مَا سَبَقَهُمُ الْاَوْلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْاٰخِرُونَ. وَإِنَّهُ

ص: ۱۹۴

۱- (۱) روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب، تاریخ بناکتی، متن ۱۳۹، ص ۱۳۷.

۲- (۲) در اعمال شهر محرم الحرام وی درصدد آن برآمده است که احوال بنی حسن را اصلاح کند و آنچه را ایشان در اعمالشان با ائمه علیهم السلام مخالفت نموده اند، بر تقیه حمل کند. برای آنکه نهی از منکرشان و اظهارشان و خروجشان به ائمه علیهم السلام نسبت داده نشود. او برای اثبات این مقصود، استدلال فراوانی کرده است.

لَمَيِّقَ مِنْ وُلْدِهَا غَيْرُهُمْ»؛ «ای فاطمه! کشته می شود از تو یا مصیبتی وارد می شود به نفراتی از تو، در شط فرات که پیشینیان از آن پیشی نگرفته اند و پسینیان هم بدان ها نمی رسند. و حقاً اینک از فرزندان فاطمه بنت الحسین علیه السلام غیر از همین بنی حسنی که در زندان هاشمیه بغداد، کنار شط فرات می باشند، کسی باقی نمانده است!». (۱)

همین حدیث، با اندکی تفاوت، در مقاتل الطالبیین نقل شده است:

یک تن از بنی حسن علیه السلام، از آنان که در زندان هاشمیه محبوس بوده اند، می گوید: عبدالله بن حسن برای ما حدیثی از فاطمه زهرا علیها السلام روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هفت تن از فرزندان من بر ساحل فرات به خاک می روند که در فضیلت میان اولین و آخرین بی نظیرند». گفتند: «ما که هشت تن هستیم». عبدالله بن حسن در جواب گفت: «چه می دانم. رسول الله صلی الله علیه و آله چنین گفته است و فاطمه زهرا علیهما السلام چنین شنیده و نقل کرده است». هنگامی که در زندان را به روی بنی حسن علیه السلام گشودند، از آن هشت تن هفت نفر بدرود زندگی گفته بودند و من هشتمینشان بودم که رمقی در تن داشتم. مرا از زندان به در آوردند و آرم دادند. تنها من زنده ماندم.

سید بن طاووس در ادامه استنباط می کند: «گریه حضرت صادق علیه السلام بر بنی حسن علیه السلام و برخی روایات، بر حقانیت آنها در خروج و قیامی که عدم استنادش به امام از روی تقیه بوده است، دلالت دارد». ولی مامقانی می گوید: «باید گریه آن حضرت را بر رقت حمیت و عواطف رحمت حمل کرد، نه بر حقانیتشان در خروج». (۲) باید در نظر داشت که موضوع ظلم و ستم و نسل کشی منصور علیه احواد نبی اکرم صلی الله علیه و آله یک چیز است و قیام عبدالله نفس زکیه و برادرش، موضوع دیگر؛ چرا که اساساً زندانی کردن بنی حسن علیه السلام پیش از قیام عبدالله و ابراهیم بود و شکنجه و آزار آنها از اموری بود که

ص: ۱۹۵

۱- (۱) یعنی الآن از فرزندان فاطمه بنت الحسین علیه السلام جز ایشان کسی دیگر نیست که مصداق این حدیث باشد. بنابراین آنان که در شط فرات مقتول شوند، همین ها خواهند بود.

۲- (۲) تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۴۰.

انگیزه قیام را در محمد و ابراهیم بیشتر می کرد. شاید هم منصور با حبس، شکنجه، آزار و قتل بنی حسن علیه السلام عمداً به دنبال تحریک عبدالله و ابراهیم برای قیام زودرس و کشتن آنها بود.

روایاتی هم از امام صادق علیه السلام هست که در آغاز آن آمده است:

«إلى الخلف الصالح و الذریه الطیبه من ولد أخیه و ابن عمه». در این نامه، امام صادق علیه السلام عبدالله بن حسن و دیگر بنی اعمام خود را از گرفتاری ها و مصائبی که برایشان پیش آمده بود، تسلیت داده است. (۱) روایات دیگری هم از قول علامه مجلسی است که دلائل دارد بر اینکه اولاد امام حسن علیه السلام در آن هنگام به حق امام صادق علیه السلام عارف بوده اند. (۲)

گفتنی است اگرچه آن حضرت با محمد بن عبدالله بیعت نکرد، از کشتار جمعی اولاد امام حسن علیه السلام بسیار محزون بود و اگر از قیام ضد منصور نهی می فرمود، به جهت آن بود که می دانست در این مبارزه نابرابر، محمد و ابراهیم از آن طاغوت بی رحم شکست خواهند خورد و هرگز نمی خواست که خون آنها ریخته شود؛ به طور کلی از سیره و سخنان ائمه علیهم السلام به دست می آید که نفس ایستادگی در برابر ظلم و پادشاهان ظالم، نزد امام رواست و اساساً مقابله با ستم از آموزه های برجسته اسلام و تشیع بوده است.

ج) به شهادت رساندن امام صادق علیه السلام و تعدادی از شاگردان ایشان

منصور پس از غلبه بر محمد بن عبدالله و ابراهیم بن عبدالله، امام صادق علیه السلام را از مدینه به عراق فراخواند و چند بار شخصاً برای قتل ایشان اقدام کرد که امام به طرز معجزه آسایی نجات یافت. (۳) وی به اطرافیانش می گفت: «بیش از یکصد نفر از فرزندان

ص: ۱۹۶

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۹۹ به بعد. این نامه از لحاظ مضمون و محتوا بسیار عالی است.

۲- (۲) ر. ک: امام شناسی، سید محمدحسین حسینی طهرانی، ج ۱۵، قسمت یازدهم، بررسی قیام محمد و ابراهیم.

۳- (۳) روایات متعددی در باب رفتن حضرت صادق علیه السلام نزد منصور در دست است و علامه مجلسی رحمه الله آنها را در بحارالانوار، در شرح احوال امام صادق علیه السلام، در باب «ما جرى بينه عليه السلام و بين المنصور و ولاته و سائر الخلفاء و الناصيين...» آورده است.

فاطمه علیها السلام به قتل رسیدند، لیکن امام و بزرگشان هنوز زنده است و زنده بودنش گستره زمین را بر من تنگ کرده و به زودی باید او را به قتل برسانم» (۱). گاهی امام علیه السلام را احضار می کرد و به بهانه اعتقاد مردم عراق به امامت آن گرامی و پرداختن زکات مالشان به امام علیه السلام، به وی توهین می کرد و او را می آزرده (۲). گاهی نیز امام علیه السلام را با سر و پای برهنه به کاخش احضار می کرد و می گفت: «جعفر بن محمد هر چند قیام به سیف نکند، خطرش برای من از خطر عبدالله بن حسن که قیام به سیف داشت، شدیدتر است» (۳). به هر روی پس از این همه کینه توزی، سرانجام امام صادق علیه السلام به دستور منصور دوانیقی مسموم شد و به شهادت رسید (۴).

امام صادق علیه السلام بزرگ ترین تدوین کننده علوم اسلامی، خصوصاً فقه، در قرن دوم هجری بود و شاگردان بسیاری را از مناطق مختلف آن روز تربیت کرد که هر یک رهبری فکری و فرهنگی بخش هایی از جامعه را برعهده گرفتند؛ (۵) به طوری که ائمه چهارگانه فقهی اهل تسنن، با واسطه یا بدون واسطه، از شاگردان ایشان به شمار می روند (۶). بنابراین شاگردان امام صادق علیه السلام نیز از آزار منصور در امان نبودند. به دستور منصور برخی از شیعیان و شاگردان امام صادق علیه السلام بدون اینکه در قیامی علیه او شرکت داشته باشند، به شهادت رسیدند؛ از جمله معلی بن خنیس که شیخ طوسی در کتاب غیبت می نویسد: «و از ممدوحین، معلی بن خنیس است و او از قوام حضرت صادق علیه السلام بوده و داوود بن علی (عامل منصور) او را به این سبب کشت». همچنین روایت شده از

ص: ۱۹۷

-
- ۱- (۱) مهج الدعوات، ابن طاووس، ص ۲۰۱؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۰۱.
 - ۲- (۲) کشف الغمه، اربلی، ج ۲، ص ۱۵۹؛ الفصول المهمه، ج ۲، ص ۹۱۷.
 - ۳- (۳) مهج الدعوات، ص ۱۹۳؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۹۵.
 - ۴- (۴) گفتار صدوق (اعتقادات)، ص ۷۲.
 - ۵- (۵) رجال شیخ طوسی، صص ۱۵۳-۳۲۸.
 - ۶- (۶) ر. ک: امام صادق علیه السلام و مذاهب اربعه، اسد حیدر.

ابوبصیر که گفت: چون داوود بن علی، معلی را کشت و به دار کشید، بر حضرت صادق علیه السلام دشوار آمد و به داوود فرمود: «ای داوود! برای چه کشتی مولای مرا و وکیل مرا در مال و عیالم؟!» به خدا سوگند که او وجیه تر بود از تو نزد خدا. و در خبر است که فرمود: «آگاه باش! به خدا سوگند که او داخل بهشت گردید». (۱)

از برخی اخبار فهمیده می شود که امام صادق علیه السلام در وقت قتل معلی در مکه بود. چون از مکه تشریف آورد، نزد داوود رفت، فرمود: «مردی از اهل بهشت را کشتی». گفت: «من نکشتم». فرمود: «که او را کشت؟» گفت: «سیرافی او را بکشت». و سیرافی صاحب شرطه او بود. حضرت درخواست قصاص کرد و نهایتاً سیرافی به خاطر قتل معلی با پیگیری امام صادق علیه السلام قصاص شد. همچنین حضرت صادق علیه السلام شبی در سجده و قیام بود و در آخر شب، داوود بن علی را نفرین کرد و هنوز سر از سجده برنداشته بود که صدای صیحه بلند شد و مردم گفتند: «داوود بن علی از دنیا رفت». (۲)

۳. کشتار جمعی از سادات علوی و شیعیان در زمان مهدی و هادی عباسی

اشاره

بنابر تصریح مورخان، سادات علوی به طور معمول، شیعه بوده، بلکه از رهبران و سردمداران تشیع بوده اند و قیام آنان قیام های شیعی محسوب می شود. رازی در النقض می نویسد:

و علوی اصلی، الا- امامتی و شیعی نبود و نتواند بود و اگر نه باری زیدی، که در حکایت است که علوی ای سنی، اجازت دخول خواست و علوی ای شیعی با او از سلطان سعید

ص: ۱۹۸

۱- (۱) قاضی نورالله در مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۷۷ نوشته است: «معلی بن خنیس الکوفی، مولای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود و آن حضرت او را از اهل بهشت خوانده بود. داوود بن علی عباسی او را گرفت و به آن کینه کشت معلی پیش از آنکه کشته شود، مردم را گواه گرفته بود که آنچه متروکه اوست، از حضرت امام جعفر علیه السلام است».

۲- (۲) حضرت فرمود: «من همانا خواندم خدا را به دعا تا فرستاد خداوند به سوی او ملکی که عمودی بر سر او زد که مثانه او را شکافت».

مسعود (نور الله قبره). سلطان گفت: بگوی تا ازین دو گانه یکی باشد تا در آید، علوی سنی، الا منافق نباشد. علوی سنی را نگذاشتند، و علوی خالص راه یافت و مقصود حاصل کرد، تا بدانی که علوی، الا شیعی، سره نباشد که تبرا کردن از پدر عاقی باشد و مذهب بفروختن از پر نفاقی باشد. نعوذ بالله منهما. (۱)

همراهی شیعه با علویان به اندازه ای است که مؤلف فضائح الروافض با طعنه می نویسد: «هر وقت علوی ای خروج می کرد، رافضی در پس او بایست ایستادن و تیغ خوردن». (۲)

بعد از منصور کمتر حاکمی از بنی عباس بود که دستش به خون خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان آنها آلوده نباشد. این کشتن به اندازه ای رایج بود که وقتی مهدی، جانشین منصور، خواست یکی از سادات را بکشد، وزیرش گفت: «تو تاکنون هیچ علوی (سیدی) را نکشته ای و این، یک افتخار بسیار بزرگ برای توست (۳)». مهدی در مدت خلافت خود (۱۵۸-۱۶۹ ه. ق) در ستم بر سادات کوتاهی نکرد؛ از جمله او علی بن عباس بن حسن را گرفت و زندانی و او را مسموم کرد؛ به گونه ای که بدنش از هم پاشید! (۴)

ص: ۱۹۹

۱- (۱) بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض (النقض)، نصیرالدین عبدالجلیل رازی قزوینی، صص ۲۴۳ و ۲۴۴. این موضوع که سادات به طور معمول شیعه هستند، در قرن های بعدی نیز کاملاً نمود داشت؛ به طوری که در زمان عثمانی، محله سادات در موصل، به نام محله روافض خوانده می شد و در مقابل آن محله یزیدی ها قرار داشت؛ ر. ک: «علوی گری در آناتولی در قرن شانزدهم»، صائم ساواش، انتشارات وادی، ۲۰۰۲ م. درباره شرح و خلاصه ای از این کتاب: ر. ک: چگونه آناتولی از دست صفویان رفت، رسول جعفریان، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی:

<http://www.historylib.com>

۲- (۲) ر. ک: النقض، ص ۴۲۶.

۳- (۳) آثار الوزراء، عقیلی، تصحیح ارموی، ص ۳۴.

۴- (۴) ر. ک: شیعه شناسی، «وضع اسفبار شیعیان در دوران عباسیان»، منابع مقاله: مجله درس هایی از مکتب اسلام، فروردین ۱۳۹۰، ش ۵۹۹: نشانی در فضای مجازی: <http://www.iminet.net> کک ۹۱۷۶۴ = <http://www.iminet.net> ItemID = ۹۱۷۶۴

بعد از مهدی، هادی عباسی از سال ۱۶۹ ه. ق، به مدت یک سال و سه ماه بر اریکه خلافت تکیه زد. واقعه «فح»، در دوران خلافت او رخ داد. در این رویداد بیش از یکصد نفر از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خاک و خون کشیده شدند. درباره علت وقوع واقعه فح مورخان نوشته اند که هادی عباسی یکی از نوادگان عمر بن خطاب، به نام عبدالعزیز را فرماندار مدینه کرد. وی، بر اولاد علی علیه السلام بسیار سخت می گرفت و دستور داده بود که آنها حق ندارند از مدینه خارج شوند و باید هر روز خودشان را به دارالاماره معرفی کنند. عبدالعزیز، اولاد علی علیه السلام را متهم به شرب خمر می نمود و بر آنان تازیانه می زد و میان بازار می گرداند. روزی عبدالعزیز، حسین بن علی بن حسن را احضار کرد و سخنان ناپسندی گفت و او را تهدید به قتل نمود و آن قدر بدگویی کرد که حسین را وادار به قیام علیه خود نمود.

حسین بن علی بن حسن مثلث، معروف به صاحب فح، نیره امام حسن مجتبی علیه السلام بود. (۱) او و یارانش به علت مظالمی که حاکم مدینه برای سادات علوی ایجاد کرد، شوریدند و بر مدینه مسلط شدند و با ۳۰۰ تن برای حج روی به مکه نهادند. در آن سال عده ای از عباسیان، از آن جمله عباس بن محمد و سلیمان بن ابی جعفر و موسی بن عیسی، به حج آمده بودند. عباسیان که در ظاهر برای انجام حج رفته بودند، از انجام آن دست شسته و با سواران خود به مقابله سادات شتافتند و در فح به آنها رسیدند. (۲)

نبرد در روز ۸ ذی حجه (۳) در پای کوه البارود در گرفت. عباس بن محمد به حسین بن

ص: ۲۰۰

۱- (۱) تاریخ طبری، ج ۶، ص ۴۱۰؛ ر. ک: «آشنایی با زیدیه»، سیدعلی موسوی نژاد، هفت آسمان، پاییز ۱۳۸۰، ش ۱۱.

۲- (۲) مقاتل الطالبیین، ج ۲، ص ۱۷۴.

۳- (۳) روز ترویه؛ روزی که حجاج مراسم حج تمتع را آغاز می کنند. عباسیان آن روز را برای قتل عام سادات علوی که به تصریح منابع برای حج بیرون آمده بودند، انتخاب کردند. کشتار فح در ذی حجه الحرام و در محدوده حرم واقع شد؛ یعنی عباسیان هم زمان و هم مکان حرام را زیر پا گذاشتند.

علی، در صورت تسلیم شدن، امان داد. ولی حسین که می دانست آنها پایبند امان خود نیستند، قبول نکرد. سپاه عباسی به سادات حمله کرد و بیش از صد تن از سادات علوی را قتل عام کرد و پیکرهای آنها سه روز روی زمین باقی ماند. (۱) امرای عباسی در این حادثه ناجوانمردی یزید بن معاویه را تکرار کردند و سرهای شهدا را بریده و بر نیزه زده و در مکه مکرمه در معرض تماشای حجاج و زائران خانه خدا قرار دادند. بیش از صد سر بالای نیزه بود و سر حسین بن علی، رهبر قیام فخر و سر سلیمان بن عبدالله بن حسن در پیشاپیش سرها بود. (۲) عده ای نیز اسیر شده پس از انتقال به بغداد، به قتل رسیدند؛ از جمله قاسم بن محمد بن عبدالله علوی که اعضای بدنش را، به دستور هادی عباسی، با اره تکه تکه کردند. (۳)

قتل عام فخر آثار زیادی بر جامعه اسلامی نهاد و نقطه آغازین تأسیس دولت های شیعی علوی در نقاط دوردست جهان اسلام، نظیر مغرب و طبرستان بود که نهایتاً حاکمیت آنها در قرن چهارم به بغداد نیز رسید.

روایات متعددی درباره شهیدان فخر و پیشگویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه شیعه درباره آنها رسیده است؛ برای مثال امام باقر علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که از فخر می گذشت، ایستاد، رکعتی نماز گزارد و وقتی رکعت دوم را خواند، گریست. اصحاب نیز گریه کردند. وقتی دلیلش را پرسیدند، حضرت فرمود: جبرئیل به من خبر داد:

یا محمد ان رجلاً من وُلدک یقتل فی هذا المكان و أجر الشہید معہ، اجر الشہیدین. (۴)

ص: ۲۰۱

۱- (۱) ابوالفرج اصفهانی می نویسد: «مادر حسین که در فخر کشته شد، زینب دختر عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بود. منصور، پدر، برادر، عمو و شوهر این زن را کشت و هادی (نوه منصور) فرزندش حسین را. پس از این، زینب از شدت غم و اندوه، تا زمانی که از دنیا رفت، لباس مویی می پوشید»: مقاتل الطالیین، ص ۲۸۵.

۲- (۲) تاریخ طبری، ج ۸، ص ۱۹۷.

۳- (۳) ر. ک: تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۰۰؛ اخبار فخر و خبر یحیی بن عبدالله و اخیه ادريس بن عبدالله، احمد بن سهل رازی، ج ۱، صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۸۶؛ مقاتل الطالیین، ج ۱، ص ۳۷۹.

۴- (۴) مقاتل الطالیین، ص ۲۹۰.

ای محمد! مردی از فرزندان تو در اینجا کشته می شود که اجر شهید همراه او، اجر دو شهید است.

هچنین نقل شده وقتی حضرت به موضع فخ رسید، با اصحابش نماز میت خواند و سپس فرمود:

يَقْتُلُ هَاهُنَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي عَصَابِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، يَنْزِلُ لَهُمْ بِأَكْفَانٍ وَحَنُوطٍ مِنَ الْجَنَّةِ، تَسْبِقُ أَرْوَاحَهُمْ أَجْسَادَهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ. (۱)

در اینجا شخصی از اهل بیت من با جمعی از یارانش به شهادت می رسند که کفن و کافور آنان از بهشت می رسد و ارواحشان زودتر از اجسادشان به سوی بهشت می شتابد.

همچنین زمانی که سرهای شهدا را نزد هادی عباسی آوردند، موسی بن جعفر علیهما السلام و شماری از سادات علوی حاضر بودند. حضرت درباره شهید فخ فرمود:

«مَضَى وَاللَّهِ مُسَيِّمًا صَوَامًا قَوَامًا أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ، نَاهِيًا عَنِ الْمُنْكَرِ». (۲) از امام محمد تقی علیه السلام، نیز روایت شده است:

«لم يكن لنا بعد الطف مصرع أعظم من فخ»؛ «هیچ روزی بر علویان بعد از روز کربلا سخت تر و مصیبت بارتر از روز فخ نبوده است». (۳)

شعرا درباره این رخداد مرثیه ها سرودند که نمونه هایی از آن در مقاتل الطالبیین آمده است. این اشعار را که برخی متعلق به داوود بن عباس و برخی دیگر متعلق به داوود سلمی دانسته اند، در مرثیه کشته شدگان فخ سروده شده است:

يا عين إبكى بدمع منك مُنْهَتِنِ فَقَدْ رَأَيْتِ الذِي لَاقِي بِنُوحِ حَسَنِ

صرعى بفتح تجر الريح فوقهم أذيالها وغوادي الدلج المزن

ص: ۲۰۲

۱- (۱) مقاتل الطالبیین، ص ۲۸۹.

۲- (۲) همان، ص ۳۰۲؛ بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۶۵.

۳- (۳) عمده الطالب فی أنساب آل ابی طالب، صص ۱۸۲ و ۱۸۳. در خروج علویان فخ دو تن از بزرگان علویان، حسن بن جعفر ابن حسن و موسی کاظم علیه السلام (امام هفتم شیعیان)، حضور نداشتند؛ دایره المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، واژه فخ.

حتى عفت أعظم لو كان شاهدا محمد ذب عنها ثم لم تُهن

ای دیده، گریه کن با اشک ریزان خود که دیدی بنوحسن چه دیدند و چه بلایی بر سرشان آمد.

در سرزمین فخر روی زمین افتاده و باد، دامن کشان بر آنها می گذرد و همچنین ابرهای رونده پر آب.

تا اینکه پوسیده شده استخوان هایی که اگر محمد صلی الله علیه و آله آنها را مشاهده می کرد، از آن دفاع می کرد و مورد اهانت و خواری واقع نمی شد.

بعد از قتل عام فخر، عبدالعزیز عُمَری، گماشته هادی عباسی، به مدینه بازگشت و خانه های بازماندگان شهدا را به آتش کشید؛ خانه عده ای زن و بچه بی گناه که هیچ خطری برای حاکمیت نداشتند.

در حال حاضر مقبره شهدای فخر در مکه، در محلی به نام خیابان شهدا، قرار دارد. تمامی مردم، آن منطقه را به نام حی الشهداء می شناسند. یک خیابان فرعی از خیابان شهدا به فاصله نزدیکی از تقاطع شهدا - تنعیم به سمت مقبره می رود که حاکمان فعلی مکه، به دلیل تعصب نسبت به آثار و مزار خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، آن را بسته اند. (۱)

۴. هارون الرشید و کشتار سادات و شیعیان

الف) قتل عام باقیمانده سادات شرکت کننده در قیام فخر

در زمان هارون، باقیمانده سادات شرکت کننده در قیام فخر یکی پس از دیگری به قتل رسیدند که عبارت اند از:

- یحیی بن عبدالله بن حسن؛ (۲)

ص: ۲۰۳

۱- (۱) مقبره مزبور در پایین کوهی قرار گرفته و پشت مسجد البوقری واقع است؛ ر. ک: آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، صص ۱۶۶-۱۶۸.

۲- (۲) ابوالفرج اصفهانی می نویسد: «عقاید مذهبی یحیی در میان خاندانش بر عقاید دیگران مقدم بود. وی یکی از راویان حدیث بود که به ویژه از جعفر بن محمد بسیار نقل کرد»: مقاتل الطالبيين، ص ۲۹۵.

اشاره شد که یحیی بن عبدالله از همراهان حسین بن علی (صاحب فخر) بود و چون او و یارانش کشته شدند، یحیی بن عبدالله مخفی شد و سرانجام به طور ناشناس خود را به دیلم رسانید. ولی هارون از رفتن او به سوی دیلم آگاه شد و به همین خاطر فضل بن یحیی برمکی را مأمور سرکوبی یحیی کرد. فضل موفق شد یحیی را با امان نامه هارون به تسلیم وادارد. (۱)

درباره نحوه قتل یحیی نوشته اند: هارون از فقهای زمان خود درخواست کرد تا با نقض و بی اعتبار دانستن امان نامه به کشتن یحیی، ظاهری عوام فریبانه بدهد. ولی آنها نیز کوشیدند زیر بار این ننگ نروند. مگر یکی از آنها به نام ابوالبختری (۲) که با بی اعتبار خواندن و پاره کردن آن امان نامه، بهانه دلخواه هارون را به او داد. به دستور هارون، یحیی را نزدش بردند و با عصا صد چوب بر او زدند. یحیی هارون را به خدا و رحم و خویشی با رسول خدا صلی الله علیه و آله سوگند می داد و پیوسته می گفت: «خویشی و قرابتی را که من با تو دارم، مراعات کن» و هارون در پاسخش می گفت: «من با تو قرابتی ندارم». پس از این جریان او را به زندانش بازگرداندند و به دستور هارون، کم کم از آب و غذای او در زندان کم کردند و چوب بر او می زدند تا رنجور شد و به شهادت رسید. (۳)

ص: ۲۰۴

۱- (۱) علی بن ابراهیم علوی در حدیث خود گوید: روزی یحیی به فضل بن یحیی برمکی گفت: «از خدا بترس که دستت به خون من آلوده شود و پرهیز از اینکه فردای قیامت محمد صلی الله علیه و آله، خصم باشد». فضل بن یحیی با شنیدن این سخن دلش به حال یحیی سوخت و او را رها کرد. هارون به وسیله جاسوسی که بر فضل بن یحیی گماشته بود، از این جریان آگاه شد و کینه او را به دل گرفت تا آل برمک را قتل عام کرد. همان.

۲- (۲) وهب بن وهب بن کثیر بن عبدالله بن زمعه، کنیه اش ابوالبختری است. نجاشی، ابن خلکان و دیگران او را کذاب شمرده اند. از یحیی بن معین نقل کرده که درباره او گفته است: «کذاب خبیث» و نیز به احمد بن حنبل گفتند: «فلان حدیث را دیده ای که کسی نقل کند؟» گفت: «ما روی هذا الا الکذاب ابوالبختری». مالک بن انس نیز او را کذاب می دانست. ر. ک: تاریخ بغداد، ج ۱۳، صص ۴۵۱-۴۵۶.

۳- (۳) روایت شده است: «درندگان را چند روز گرسنه نگاه داشتند، آن گاه یحیی را پیش آنها انداختند و آنها او را خوردند»: مقاتل الطالیین، ص ۲۹۸. به نظر می رسد این روایت صحیح نباشد؛ چرا که مطابق احادیث، خداوند بدن اهل بیت علیهم السلام را بر درندگان حرام کرده و شاهد آن قضیه ای است که در زمان متوکل اتفاق افتاد.

هارون سپس بر تعدادی از یاران یحیی دست یافت و آنها را در سیاه چال هایی مخوف زندانی کرد. مورخان نوشته اند: «هارون بن عبدالله، عبدربه بن علقمه و مخول بن ابراهیم نهدی را که هر سه از یاران یحیی بن عبدالله بودند، دستگیر کرد و در سلول های زیرزمینی زندانی کرد؛ به طوری که دوازده سال در آنجا به سر بردند». درباره مخول بن ابراهیم نوشته اند: «وقتی او را نزد هارون می بردند، به عبدربه بن علقمه فریاد زد: ای مخول! بترس از آنکه خدا و رسول او صلی الله علیه و آله را دیدار کنی و در خون فرزندان آن بزرگوار شرکت کرده باشی، یا اینها را به جایی راهنمایی کنی که سبب گرفتاری آنان گردد و اگر دهشتی از شکنجه اینها به تو دست داد، از عذاب خدا و شکنجه او در روز قیامت و مرگ یاد کن تا آن شکنجه بر تو آسان گردد». این سخنان عبدربه، دل مخول را چون پاره ای آهن محکم کرد و چون او را نزد هارون بردند، دستور داد تخته پوست و شمشیر (مخصوص محکومین به قتل) را آوردند. آن گاه گفت: «به خدا سوگند یا مرا به یاران یحیی راهنمایی کن یا تو را قطعه قطعه خواهم کرد». مخول در پاسخ گفت: «من رعیتی ناتوان هستم و اکنون چهار سال است که در زندان به سر می برم؛ من چگونه جای یاران یحیی را که هر کدام از ترس تو به شهری گریخته و پراکنده شده اند، می دانم؟»

هارون خواست او را بکشد، ولی حاضران مجلس به او گفتند: «راست می گوید او از کجا جای مردمان گریخته را می داند. هارون مجدداً دستور داد او را به سیاه چال برگردانند».^(۱)

- ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

ادریس بن عبدالله در جنگ فح شرکت کرد. سپس با غلامش، راشد، به مکه رفت و از آنجا با کاروان حاجیان افریقیه، خود را به مغرب الاقصی رسانید و قبایل بربر اوربه با او بیعت کردند. وی در افریقیه با مشرکان تامسنا جنگید و اسلام را ترویج کرد و

ص: ۲۰۵

تهدیدی برای هارون نبود. ولی هارون برای کشتن ادريس، شماخ را که از دوستان مهدی عباسی و مردی طیب بود، روانه آفریقه کرد. او نزد ادريس آمد و خود را طیب و جزو پیروان او قلمداد کرد و با زهر ادريس را کشت و به مصر گریخت. هارون نیز منصب ریاست برید مصر را به او واگذار کرد.^(۱)

مردی از بنی عباس، بعد از قتل ادريس، سرود:

اتظن يا ادريس انک مفلت کيد الخلیفه اویقیک فرار

فلیدرکنک او تحل ببلده لا یهتدی فیها الیها نهار

ان السیوف اذا انتضاها سخطه طالت و تقصر دونها الاعمار

ملک کان الموت یتبع امره حتی یقال تطیعه الاقدار^(۲)

(ب) شواهدی از کشتار جمعی سادات محبوس در طوس

شیخ صدوق رحمه الله به اسناد خود می نویسد که حمید بن قحطبه طائی طوسی نقل کرده است:

در یکی از شب ها هارون مرا احضار کرد و به من دستور داد شمشیرم را بردارم و هرچه خادمش می گوید، اجرا کنم. خادم مرا به منزلی برد که در آن سه اتاق و در حیاطش یک چاه بود. خادم در اتاق اول را باز کرد. درون آن اتاق، بیست نفر بودند که موهای آنها بلند شده بود. میان آنان، پیرمرد و جوان دیده می شد. آنها با غل و زنجیر بسته شده بودند. خادم گفت: «اینها همه از اولاد علی و فاطمه علیهما السلام هستند و دستور امیرالمؤمنین

ص: ۲۰۶

۱- (۱) فرزند ادريس را مانند پدرش، ادريس نامیدند که برای رهبری مردم آن سامان، قیام و سلسله شیعی ادريسيان مغرب را تأسیس کرد؛ به طوری که هم اکنون نیز فرمانروایان مغرب خود را از نسل او می دانند. همان.

۲- (۲) آیا گمان کردی، ای ادريس که می توانی از نقشه های زیرکانه خلیفه بگریزی یا اینکه فرار کردن می تواند تو را نجات دهد؟ ولی این را بدان که تو را درخواهد یافت؛ اگرچه به شهری بروی که آفتاب به تو نرسد. هرگاه شمشیرها به خشم او از نیام کشیده شود، پیش روند و عمرها در برابر آنها کوتاه گردد. پادشاهی است که گویا مرگ خود پیرو دستور اوست، تا جایی که می توان گفت قضا و قدر هم مطیع اوست. (این اشعار از مروان بن ابی حفصه است). مقاتل الطالبيين، شرح شهادت ادريس بن عبدالله. همان.

این است که این عده را بکشی». من یکی پس از دیگری آنها را کشتم و خادم، بدن ها و سرها را در چاه می انداخت. سپس در اتاق دوم را باز کرد. در آن اتاق نیز بیست نفر دیگر از اولاد علی و فاطمه علیهما السلام بودند. با آنان نیز همان معامله شد که با قبلی ها شد. خادم در اتاق سوم را باز کرد و در آن نیز، بیست نفر سید بودند که همگی به سرنوشت چهل تن دیگر دچار شدند. از آن میان، تنها یک نفر پیرمرد باقی مانده بود که متوجه من شد و گفت: «ای مرد شوم و نگون بخت! خدا نابودت کند! روز قیامت در پیش جد ما رسول خدا صلی الله علیه و آله چه عذری داری؟!» دست های من لرزید و گوشت های بدنم از هم جدا شد. ولی خادم هارون به من نگاه غضب آلود کرد و من ترسیدم و او را نیز کشتم. (۱)

ج) به شهادت رساندن امام موسی کاظم علیه السلام و قتل تعداد دیگری از سادات علوی

از جمله شهدای آل رسول الله صلی الله علیه و آله موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است. کنیه اش ابوالحسن و ابوابراهیم بود و مادر آن حضرت، حمیده نام داشت. آن امام همام در نیمه دوم عمر خویش بارها زندانی شد. آخرین بار در سال ۱۷۹ تا سال ۱۸۳ ه. ق در زندان سندی بن شاهک بود. (۲) در بغداد، سمت دروازه کوفه به سر برد (۳) که به آن زندان، خانه مسیب یا مسجد مسیب نیز می گفتند. (۴) سرانجام آن بزرگوار به دستور هارون الرشید، با خرمای مسموم، (۵) به دست سندی بن شاهک،

ص: ۲۰۷

۱- (۱) عیون اخبار الرضا، ج ۱، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۲- (۲) المقالات والفرق، اشعری، ص ۹۳؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۷۶؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۰۴؛ کتاب الغیبه، طوسی، صص ۲۷-۳۱؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۷؛ الکامل، ج ۶، ص ۱۶۴؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۲۷۶؛ مرآة الجنان، ج ۲، ص ۳۰۵؛ البدایه والنهایه، ج ۱۰، ص ۱۹۷.

۳- (۳) عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۹۹؛ دلائل الامامه، ص ۳۰۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۴۹.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) عیون المعجزات، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.

مسموم شد و پس از سه روز به شهادت رسید. (۱) برخی نوشته اند امام با شکنجه سندی و توسط یک گروه نصرانی، شهید شد. (۲)

در زمان هارون تعداد دیگری از سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسیدند که معروف ترین آنها عبارت اند از:

- عبدالله بن حسن بن علی بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

او همان کسی است که به او «ابن الافطس» می گفتند. کینه اش ابو محمد بود و در شجاعت او نوشته اند: در جنگ فخر دو شمشیر حمایل کرد و با هر دو می جنگید. روایت است که حسین، صاحب فخر، وصیت کرد که اگر برای او پیشامدی رخ داد، رهبری برعهده عبدالله بن حسن باشد. ابوالفرج اصفهانی روایت کرده است: هارون کسی را به مدینه فرستاد و او را دستگیر کرده، نزد وی آوردند. سپس رو به او کرد و گفت: «شنیده ام تو زیدیه را جمع می کنی و آنها را به خروج و یاری خودت دعوت می کنی؟» عبدالله گفت: «تو را به خدا سوگند می دهم که خون مرا نریزی؛ زیرا من از این طبقه نیستم و اصلاً نامی هم از من در میان آنها نیست و به طور کلی آنان که این افکار را در سر دارند، رفتارشان مخالف با رفتار من است. من از جوانی در مدینه و بیابان های آن نشو و نما کرده و روی پای خودم راه رفته ام و کارم شکار مرغ قرقی است و جز این فکر دیگری در سر نداشته ام».

هارون او را در خانه ای زندانی کرد. سرانجام عبدالله از زندان به تنگ آمد و نامه ای ناسزاآمیز به هارون نوشت. هارون بعد از خواندن نامه گفت: «سینه این جوان تنگ شده

ص: ۲۰۸

-
- ۱- (۱) عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۹۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۵۰؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۳۴.
 - ۲- (۲) مقاتل الطالبیین، ص ۵۰۲؛ لباب الانساب واللقاب، ابن فندق بیهقی، ج ۱، ص ۴۱۴؛ ر. ک: بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام، یدالله مقدسی، ص ۴۱۴. یحیی برمکی، به دستور هارون، سندی بن شاهک را طلبد و دستور قتل آن حضرت را به او داد. ابوالفرج روایت می کند: «سندی موسی بن جعفر علیه السلام را در فرشی پیچید و فراش های مسیحی مذهب روی آن فرش نشستند و بدین ترتیب آن بزرگوار را شهید کردند»: ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۳۹۷.

که حاضر شده خود را به کشتن بدهد. ولی این کار موجب نمی شود که من او را به قتل برسانم. آن گاه از جعفر برمکی خواست در زندانش توسعه بیشتری بدهد. روز بعد که نوروز بود، جعفر برمکی عبدالله را به خانه برد و دستور داد گردنش را زدند و سر او شسته، در پارچه ای پیچید و با هدایای دیگر برای هارون هدیه آورد. هارون با ناراحتی و تندی به جعفر گفت: «وای بر تو چرا چنین کردی؟» جعفر پاسخ داد: «چون به نوشتن آن نامه برای امیرالمؤمنین اقدام کرد و دست و زبانش را به کاری که نباید بگشاید، گشود، من چنین کردم». هارون گفت: «وای بر تو! این کاری که تو کردی و او را بدون دستور من کشتی، بزرگ تر از کار او بود!» آن گاه دستور داد او را غسل داده، کفن کردند و به خاک سپردند.

این جریان گذشت تا وقتی که هارون تصمیم گرفت برمکیان را نابود کند و مسرور خادم را مأمور کشتن جعفر کرد. به او گفت: «هنگامی که خواستی او را بکشی، بگو این کشتن تو به جای کشتن عبدالله بن حسن، عموزاده من است که او را بی اجازه من به قتل رساندی.» (۱)

- محمد بن یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

محمد بن یحیی را بکار بن زبیر که حاکم مدینه بود، به زندان افکند و او در آنجا از دنیا رفت. بکار بن زبیر، هنگامی که محمد بن یحیی به سویقه رفته بود تا ماه رمضان را در آنجا روزه بگیرد، کسی را فرستاد او را دستگیر کردند و به زندان افکند و پی در پی فرستاده های خود را به زندان می فرستاد و دستور می داد کار را بر او سخت تر گیرند. یکی را می فرستاد و دستور می داد او را در گند کنند. دیگری را می فرستاد و دستور می داد زنجیر گران تری به پایش بیندازند تا اینکه محمد به یکی از آن فرستادگان گفت: به صاحب خود بگو:

ص: ۲۰۹

انی من القوم الذین تزیدهم قسوا و صبیرا شده الحدثان

من از مردمانی هستم که سختی های روزگار بر شکیبایی و استقامتشان می افزاید.

محمد همچنان در زندان بود تا به شهادت رسید(۱).

- حسین بن عبدالله بن اسماعیل بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب

روایت شده بکار بن زبیر، فرماندار هارون، در مدینه او را گرفت و به حدی به او تازیانه زد که همان سبب مرگش شد.

- عباس بن محمد بن عبدالله بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام

وی کنیه اش ابوالفضل و مادرش ام سلمه، دختر محمد بن علی بن حسین علیه السلام، بود. عباس بن محمد را نزد هارون آوردند. هارون گفت و گوی زیادی با او کرد و در آخر به او و به مادرش ناسزا گفت و جمله زشتی علیه مادر او به کار برد. عباس در جواب گفت: «آن زن مادر تو بوده که برده فروشان با او مراوده داشتند»؛ چون مادر هارون کنیزی به نام خیزران بود. هارون دستور داد عباس را به نزدیکش بردند و خود با عصای آهنی چندان به او زد تا او را کشت.(۲)

- اسحاق بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام.(۳)

د) استراتژی امام کاظم علیه السلام در مواجهه با نسل کشی سادات و شیعیان

با نگاهی به زندگی امام هفتم شیعیان علیه السلام می توان دریافت که ایشان در مبارزه با نسل کشی سادات و شیعیان، سیاست افزایش موالید را در پیش گرفتند. لذا در زمانی که آزاد بودند، با ازدواج با زنان آزاد و کنیز، فرزندان برومند و مؤمن زیادی را تحویل جامعه آن روز دادند که در دوران حیات دیگر ائمه علیهم السلام، بی سابقه بود. مورخان، هجده

ص: ۲۱۰

۱- (۱) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۳۹۳.

۲- (۲) همان، ص ۴۳۰.

۳- (۳) همان، ص ۴۳۱.

فرزند پسر از امام موسی بن جعفر علیه السلام نام برده اند و به همین دلیل بیشتر امامزادگان مناطق مختلف جهان اسلام، از فرزندان و نوادگان آن امام است. یکی از پژوهشگرانی که در این باره تحقیقات گسترده ای انجام داده، معتقد است: «امام هفتم علیه السلام پس از حوادث عاشورا و قیام کربلا و داستان ائمه بقیع علیهم السلام که در دوران ائمه چهارم تا ششم رخ داد، از مدینه خارج شده و به عراق مهاجرت کردند. البته ایشان در کاظمین تحت نظر دیکتاتور وقت قرار گرفتند؛ چون تا آن زمان، سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله، به ویژه ائمه شیعه، عمدتاً در حجاز بودند و عراق خالی از این نسل بود. اگرچه مرکز خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه بود؛ اما اقتضای زمان ایشان، منجر شد فرزندان و نوادگان ایشان به شهادت برسند که اوج این مهم در واقعه کربلا- رخ داد. پس از واقعه کربلا- و در دوران ائمه پنجم و ششم، شرایط به گونه ای بود که بیشتر بر علم و نهضت فکری تمرکز داشتند. در زمان امام هفتم علیه السلام، به دلیل تقیه شیعه در شرایط سخت آن روزگار و گرایش دادن مردم به بنی عباس، نیاز بود نسل نوینی به وجود آید تا عراق را پوشش دهد. از این رو امام کاظم علیه السلام در شرایط مساعد عراق در پی این مهم برآمدند. سیاست تکثیر نسل، دوراندیشی امام کاظم علیه السلام برای آینده اسلام بود تا فرزندان از اهل بیت علیهم السلام در عراق متولد شده و به نواحی مختلف مهاجرت کنند(۱) و اسلام و تشیع را گسترش دهند. از این رو موالید متعدد امام موسی بن جعفر علیه السلام را باید سیاستی راهبردی برای تولد فرزندان مطهر، از زنان پاکدامن، به شمار آورد که به رشد مکتب اهل بیت علیهم السلام در دوره های بعدی منتهی شد.(۲)

ص: ۲۱۱

- ۱- (۱) اگرچه در آن نقاط نیز از تعقیب گماشتگان پادشاهی عباسی در امان نبودند و یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند، اما هجرت آنها باعث رشد تشیع در نقاط مختلف گردید؛ ر. ک: منتقله الطالبین.
- ۲- (۲) تا در نتیجه آن، نسل شیعه در ایران تکثیر شده و زمینه ظهور یکی از فرزندان ایشان، یعنی امام خمینی رحمه الله برای مبارزه با طاغوت را فراهم کند و نهضتی الهام گرفته از آموزه های عترت را رقم بزند. اگر نسل ائمه، با کنترل موالید، محدود می شد، مردم ایران از این همه حرم که مأمون و ملجأ هستند محروم می شدند. حرم هایی که خود محل تجمع شیعه است و به طور روزافزون با حضور مردم توسعه می یابد.

فصل سوم: گشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن سوم هجری

اشاره

ص: ۲۱۳

محمد امین، برادر مأمون، در مدت خلافت کوتاه خود، برعکس سایر خلفای عباسی، متعرض سادات نشد و گزارشی نیز از کشتار جمعی شیعه در زمان او دیده نمی شود. این بدان جهت بود که اولاً- امین سرگرم عیاشی و لهو و لعب بود و به کار دیگری نمی رسید؛ ثانیاً جنگی که میان او و برادرش مأمون واقع شد و در آخر هم منجر به قتل او گردید، مانع شد که رویه پدرش هارون را در نسل کشی سادات ادامه دهد.

۱. شهادت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و قتل تعدادی از برادران و نزدیکان ایشان

مأمون پیوسته به دنبال فرصت مناسب برای قتل امام رضا علیه السلام بود تا اینکه در روستای سناباد، واقع در خراسان، این توطئه عملی شد. برخی از منابع، سبب مسمومیت امام را اناری دانسته اند که در باغ محل سکونت امام علیه السلام خورانیده شد.^(۱) برخی نیز آن را انگوری دانسته اند^(۲) که به فرمان مأمون زهر آلود و به امام خورانیده شد.^(۳) برخی نوشته اند برای

ص: ۲۱۵

۱- (۱) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۳؛ کتاب الثقات، محمد بن حبان، ج ۸، ص ۴۵۷؛ مقاتل الطالبیین، ص ۵۶۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، صص ۴۰۲ و ۴۰۳.

۲- (۲) تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۴۶؛ تذکره الخواص، ص ۳۵۵؛ الکامل، ج ۶، ص ۳۵۱؛ وفيات الأعیان، ج ۳، ص ۲۷۰.

۳- (۳) شاید به هر دو میوه مسموم شده باشند؛ چرا که صدوق به نقل از هرثمه بن أعین، این دو میوه را که به فرمان مأمون آغشته به زهر شده بودند، سبب مسمومیت امام علیه السلام ثبت کرده است: مقاتل الطالبیین، ص ۵۶۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۴۳.

مسموم کردن آن حضرت، انگوری را گرفتند و در بیخ دانه های آن، سوزن های زهر آلود زدند و چند روز آن سوزن ها به همان حال بود. سپس انگورها را نزد آن جناب بردند حضرت از همان انگورها خورد و همین موجب شهادت وی شد. گفته اند: «این نوع زهر خوراندن، ماهرانه ترین نوع آن است».^(۱)

چون امام رضا علیه السلام از دنیا رفت، مأمون شهادت او را مخفی کرد و یک شبانه روز جنازه را گذارد. آن گاه کسی را نزد محمد بن جعفر بن محمد، عموی آن حضرت که در خراسان بود، فرستاد و او را با گروهی از فرزندان ابوطالب حاضر کرد و خبر مرگ آن حضرت را به اطلاع آنان رساند. مأمون بعد از کشتن امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، در گرگان، عموی آن حضرت را نیز به شهادت رساند.^(۲) بعد از آن برادر امام رضا علیه السلام، زید بن موسی علیه السلام را نیز مسموم کرد.^(۳) همچنین مأموران مأمون بعد از شهادت امام رضا علیه السلام دستور داشتند که سادات و شیعیان را در نقاط مختلف سرکوب کنند و هر کجا قافله بنی هاشم را یافتند، مانع حرکت آنها شوند یا آنها را به مدینه بازگردانند یا به قتل رسانند.

همچنین نوشته اند: محمد بن موسی و برادرش، زید، در عراق نزد امام رضا علیه السلام آمدند. حضرت هر دو برادر را نصیحت کرد و به هر دو فهماند که امر ولایت عهدی او موقتی است و او را به زهر جفا شهید می کنند و فرمود: «می بینم این محمد در عقبه ای که نزدیک جاده است و تو را ای زید، در دشتی ساده، به قتل رسانده اند. آن دو برادر در خدمت حضرت بودند تا به شهادت رسید. پس از شهادت حضرت، آن دو برادر، شیعیان را از حيله مأمون خبر دادند و به گرفتن انتقام دعوت کردند. خبر که به مأمون رسید،

ص: ۲۱۶

۱- (۱) مأمون پس از شهادت امام رضا علیه السلام بیست سال نخواستید و سرانجام در لشکر کشی که به شام داشت، به مرض سختی مبتلا شد که مغز استخوان هایش را منجمد می کرد تا او را هلاک کرد.

۲- (۲) سر السلسله العلویه، ص ۲۰؛ راویان امام رضا علیه السلام، ص ۱۸۶؛ به نقل از: پژوهشی در زندگی علی بن حمزه، محمد مهدی فقیه بحر العلوم، ص ۷۲.

۳- (۳) معالم الانساب، ص ۱۴۳؛ سر السلسله العلویه، ص ۳۷.

دستور داد هر دو را حبس کردند. ولی آنها شبانه بگریختند و تصمیم گرفتند به بصره بروند. دوستان خانان پیامبر صلی الله علیه و آله از حرکتشان مطلع شده، فوراً سلاح تهیه کردند و خود را به ایشان رسانیدند. مأمون نیز از قضیه آگاه شد و عده ای را پی آنان فرستاد. عده ای نیز از نوغان و سناباد خود را به محمد و زید رسانیدند و جنگی بین آنان در گرفت و جمعی از شیعیان به شهادت رسیدند؛ از جمله ابوالصلت، عبدالاسلام بن صالح بن سلیمان هروی که از خواص حضرت رضا علیه السلام بود. شیعیان به طرف ترشیز (کاشمر فعلی) عقب نشینی کردند. در آنجا نیز جنگی در گرفت و عده ای دیگر از شیعیان شهید شدند.^(۱) سپس به کوه های گناباد عقب نشینی کردند. محمد بن موسی در کوه های بین کاخک و دشت بیاض بر کوهی بالا رفت و جنگ نمایانی کرد. ولی بر اثر جراحات زیاد شهید شد. زید النار، شهادت برادر را که دید، خشمگین شد و به دشمن حمله کرد و با جنگ و گریز، تنها به فضای دشت بیاض رسید و از آنجا به دشت آفریز (روستایی در بین قاین و بیرجند) رفت. معتصم که در آن وقت از طرف مأمون والی قاین بود، لشکری به کمک قوای مأمون فرستاد و زید پس از جنگ بسیار شهید شد. سپس معتصم به مرکز خلافت مأمون برگشت و شهادت آن دو را به مأمون اطلاع داد. پس از رفتن معتصم، مردم آفریز بدن زید را تطهیر و او را دفن کردند. معتصم نیز بعداً پشیمان شد و چون خلافت به خودش رسید، دستور داد قبه و بارگاهی برای قبر او ساختند!^(۲)

همچنین عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، در زمان مأمون متواری شد. مأمون پس از شهادت حضرت رضا علیه السلام نامه ای به او نوشت و خواست که خود را آشکار کند و نزد وی رود تا او را به جای حضرت رضا علیه السلام ولیعهد خود سازد و

ص: ۲۱۷

۱- (۱) آرامگاه دو امامزاده در کاشمر وجود دارد.

۲- (۲) حسامی می نویسد: «در این تاریخ که سنه ۸۰۰ هجری است نیز معمور است»؛ ر. ک: تاریخ و جغرافیای گناباد، سلطان حسین تابنده، ص ۱۴۳.

از مردم برای او بیعت بگیرد! عبدالله در نامه ای طولانی، جنایات او را برملا نمود که بخشی از آن نامه به شرح زیر است:

... نقشه ای طرح کرده ای که مرا به چنگ آورده و خونم را بریزی. تعجب می کنم چگونه حاضر شده ای ولیعهدی خود را به من واگذار کنی. گویا تو گمان می کنی من خبر ندارم با [امام] رضا علیه السلام چه کردی!... [خیال کردی نیامدن من] به خاطر ترس از آن انگور مسمومی است که [بزرگ خاندان ما] رضا علیه السلام را با آن مسموم ساختی؟! ... هیچ کافری ضررش برای اسلام بیش از تو نیست؛ زیرا کافران کفر خود را آشکار ساخته و مردم، آنها را شناخته اند و به کارشان بینا گشته و از آنان دوری جسته و ترس دارند. ولی تو زیر سرپوش اسلام، مردم را فریفته و کفر خود را پنهان داشته ای و به مجرد سوءظن [بدون تحقیق مردم را] می کشی و با یک تهمت، بندگان خدا را به شکنجه و زنجیر می کشی.... پس اگر روزگار با من مساعدت کرد و خداوند مرا به وسیله یارانی از اهل حق یاری داد که جان خود را در راه جهاد با تو بذل خواهم کرد؛ آن چنان که خدا از من خشنود گردد و اگر خدا به تو مهلت داد و کیفر تو را به روز جزا محول فرمود یا عمر من تا به آن روز نکشید، پس همین تصمیم و نیتی که من برای جهاد با تو در دل دارم و خدا بدان داناست، مرا از کوشش و جهاد، کفایت می کند. (۱)

عبدالله بن موسی پیوسته از ظلم و تعقیب پادشاهان ظالم عباسی متواری بود تا اینکه در زمان متوکل از دنیا رفت.

علاوه بر این، در دوران خلافت مأمون تعداد قابل توجهی از سادات و شیعیان به دستور این خلیفه حيله گر عباسی به قتل رسیدند که اسامی برخی از آنها عبارت اند از: «محمد بن محمد بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، حسن بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، حسن بن اسحاق بن حسین بن زید

ص: ۲۱۸

۱- (۱) حسامی می نویسد: «در این تاریخ که سنه ۸۰۰ هجری است نیز معمور است»؛ ر. ک: تاریخ و جغرافیای گناباد، سلطان حسین تابنده، ص ۴۴۸.

بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، محمد بن حسین بن حسن بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب و علی بن عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن محمد بن علی بن جعفر بن ابی طالب».

از دیگر شهدای سادات در این عهد، محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن حسین ابن علی بن ابی طالب علیهم السلام است. او فرزند ابن افضس است. وقتی معتصم، ولیعهد مأمون بود، برای تفریح و زورآزمایی میله آهنی سنگینی را به دست گرفت و آن را هشت بار خم و راست کرد. در این وقت معتصم متوجه محمد بن عبدالله بن افضس شد. به او گفت: «شما ای اباجعفر! از این ضرب دست و قدرتی که ما داریم بی بهره هستید!» محمد گفت: «به من چنین می گویی؟ آهن را به من بده». محمد آن را شانزده بار خم و راست کرد. معتصم بعد از آن، کینه او را به دل گرفت و با شربت مسمومی شهیدش کرد.

عبدالله بن جعفر بن ابراهیم بن جعفر بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام نیز در زمان مأمون، به قصد رفتن به فارس، بیرون رفت و در راه، گروهی از خوارج، او را به قتل رساندند.^(۱)

۲. قتل عام و تخریب قم در زمان مأمون

شهرت مردم قم در تشیع و بی باکی شان در اظهار اعتقادات و اصرار در دفاع از مذهب شیعه، در مواردی برای قم گران تمام شده است. معمولاً قمی ها والی غیر شیعه را نمی پذیرفتند و در مواقع بسیاری از اطاعت خلفای عباسی سرباز می زدند؛ از جمله در زمان مأمون عباسی به دلیل زیاد بودن خراج، از پرداخت آن خودداری کردند. مأمون، علی ابن هشام مروزی را با سپاهی به قم فرستاد. وی با قمی ها جنگید و رئیسشان، یحیی بن عمران را کشت و شهر را با خاک یکسان کرد و مبلغ خراج را به بیش از سه برابر کرد.^(۲)

ص: ۲۱۹

۱- (۱) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۴۳۵.

۲- (۲) الفتوح البلدان، ص ۳۸۶.

۱. به شهادت رساندن امام جواد علیه السلام و قتل تعدادی از سادات در زمان معتصم

به دلیل اشتراک کنیه امام جواد علیه السلام با کنیه امام محمدباقر علیه السلام، در منابع رجال و حدیث شیعه، از وی با کنیه ابوجعفر ثانی یاد شده است. (۱) به نوشته مؤلف کتاب القاب الرسول وعترته، (۲) امام جواد علیه السلام در میان مردم به اعجوبه اهل البیت، نادره الدهر، بدیع الزمان، عیسی ثانی و ذو الکرامات نیز شهرت داشته است. وی در عبادت و طاعت شهرتی تمام داشت. بیشتر روزها روزه می گرفت و شب ها به عبادت و راز و نیاز (۳) می پرداخت و جود و بخشش او زبانزد همه بود. بدین روی از القاب مشهورش جواد الائمه است. هرکس نیازی به او می آورد، حاجت روا باز می گشت. (۴) عمر شریف آن حضرت، هنگام شهادت ۲۵ سال و اندی بود. (۵) از منابع کهن اهل تسنن در کتاب اثبات الوصیه، منسوب به مسعودی (۶)، درباره مسموم شدن امام به دست همسرش، ام فضل، دختر مأمون، گزارش مفصلی آمده است. همچنین وجود قرآینی چون جوان بودن امام، احضار وی به بغداد به دستور معتصم و فوت ناگهانی اش در آن شهر، شهادت حضرت را بیشتر محتمل می کند. (۷)

منابع به این موضوع اشاره کرده اند که ام فضل بسیار نزد پدرش مأمون از امام شکایت

ص: ۲۲۰

- ۱- (۱) مصنفات الشیخ المفید، ج ۱۱، ص ۲۷۳؛ الانوار البهیة، ص ۲۴۸؛ اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۹۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۷۹؛ مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، محمد بن طلحه نعیمی، ج ۲، ص ۱۴۰.
- ۲- (۲) ر. ک: مجموعه نفیسه فی تاریخ الائمه، ج ۱، ص ۲۷۲.
- ۳- (۳) علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۳.
- ۴- (۴) بحار الانوار، ج ۵۰، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.
- ۵- (۵) دلائل الامامه، ج ۱، ص ۳۹۵؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۹۷؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۷۹.
- ۶- (۶) اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب، علی بن حسین مسعودی، ج ۱، ص ۲۲۷.
- ۷- (۷) حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، رسول جعفریان، ج ۱، صص ۴۸۰ و ۴۸۱؛ الجواد محمد علیه السلام، حسین شاکری، ج ۱، صص ۵۰-۵۲.

می کرد؛ به طوری که یکبار مأمون بر اثر تحریکات او با شمشیر به امام که در حال سجده بود، حمله کرد و ضربات متعددی به ایشان زد. اما زود پشیمان شد و با نگرانی برگشت و با تعجب دید امام صحیح و سالم در سجاده خود نشسته است. (۱) سر انجام توطئه ترور آن گرامی، با همدستی همسرش ام فضل و برادر همسرش جعفر بن مأمون عملی گردید. معتصم عباسی (۲۱۸-۲۲۷ ه. ق) برادر مأمون که همواره در اندیشه قتل آن گرامی بود، به واسطه گری جعفر بن مأمون، ام فضل، همسر امام جواد علیه السلام را واداشت تا شوهرش را از پا در آورد. ام فضل که از امام علیه السلام بچه دار نشده بود و از آن حضرت به سبب مادر امام هادی علیه السلام، کینه داشت، با تأثیرپذیری از برادرش جعفر، انگور رازقی (۲) را زهرآلود کرد و به همسر جوانش خورانید و وی را در سال ۲۲۰ هجری به شهادت رسانید. (۳)

در تفسیر عیاشی، سبب شهادت امام جواد علیه السلام، غذای سمی ای دانسته شده که به نیرنگ ابن ابی دؤاد، قاضی دوران معتصم، به امام خورانیده شد و در توضیح آن چنین آمده است:

امام جواد علیه السلام درباره چگونگی بریدن دست دزدی، فتوایی داد که ابن ابی دؤاد در این موضوع، فتوای دیگری داشت. معتصم فتوای امام جواد علیه السلام را اجرا کرد؛ از این رو ابن ابی دؤاد کینه امام علیه السلام را به دل گرفت و بعدها نزد معتصم از امام جواد علیه السلام بدگویی کرد و او را واداشت تا مجلسی تشکیل دهد و امام جواد علیه السلام را در آن فراخواند و غذای سمی به او بخوراند و وی را به شهادت برساند و معتصم نیز چنین کرد. (۴)

ص: ۲۲۱

۱- (۱) برخی نوشته اند امام زیر لباس عبادت خود زره پوشیده بود!

۲- (۲) رازقی نوعی انگور است که دانه های ریز دارد. برخی نیز گفته اند دانه های آن دراز و سفید است؛ لغتنامه، دهخدا، ذیل ماده رازقی.

۳- (۳) اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۱۹۲؛ عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، ص ۱۱۷؛ دلائل الامامه، ص ۳۹۵؛ مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، ج ۷، ص ۴۰۶.

۴- (۴) تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۹.

ابن شهر آشوب نیز در مناقب، شهادت وی را با شربت سرد یا حوله سمی گزارش کرده است.^(۱) بعد از بستری شدن امام، ام فضل با کمک برادرش، حجره ایشان را بستند و حتی از رسیدن آب نیز منع کردند. این در حالی بود که خود ام فضل پشت در گریه می کرد و امام او را نفرین کرد. در مقابل ناله های امام، به کنیزان دستور دادند شادی و هلهله کنند تا امام تشنه جان داد. سپس برای پنهان کردن جنایت خود، غلامان مزدور، جنازه امام را روی بام خانه بردند و برای سه روز رها کردند تا مردم متوجه آن شدند.^(۲) سپس امام جواد علیه السلام را در مقابر قریش در بغداد، پشت قبر جدش، موسی بن جعفر علیهما السلام، به خاک سپردند.^(۳)

برخی قیام قم و سرکوب آن را که به دستور مأمون در سال ۲۱۰ ه. ق صورت گرفت و در آن یحیی بن ابی عمران، یکی از وکلای امام جواد علیه السلام به قتل رسید،^(۴) با فعالیت های سیاسی و کلای امام مرتبط دانسته اند؛ به نظر می رسد مأمون که امام جواد علیه السلام را با این قیام ها مرتبط می دانست^(۵)، در سال ۲۱۵ ه. ق او را از مدینه به بغداد فراخواند. ازدواج دختر خلیفه، نه موجب حمایت امامیه از مأمون شد و نه قیام های قم را متوقف ساخت؛ بر همین اساس جعفر بن داوود قمی، از رهبران قیام قم که به مصر تبعید شده بود، در سال ۲۱۶ ه. ق از مصر گریخت و بار دیگر در قم قیام کرد و لشکر مأمون را شکست داد. در سال ۲۱۷ ه. ق عباسیان قیام وی را سرکوب و او را اعدام کردند.^(۶) اما قیام های

ص: ۲۲۲

۱- (۱) مناقب آل ابی طالب، ج ۴، صص ۴۱۶ و ۴۲۳.

۲- (۲) طولی نکشید که ام فضل به بیماری تناسلی عفونی و عجیبی مبتلا شد و ناگزیر حرمسرای معتصم را ترک و تمام ثروت خود را خرج درمان کرد. ولی سودی نبخشید و در کوچه های بغداد با وضع بدی گدایی کرد تا مرد.

۳- (۳) اصول کافی، ج ۱، ص ۴۹۲؛ اثبات الوصیه، ج ۱، ص ۲۱۶.

۴- (۴) تاریخ الموصل، یزید بن محمد ازدی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۵- (۵) تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم حسین، ج ۱، ص ۴۷.

۶- (۶) تاریخ طبری، ج ۸، صص ۶۲۶ و ۶۳۰؛ الکامل، ج ۶، ص ۴۲۲.

سادات علوی گسترده تر شد و معتصم، امام جواد علیه السلام و محمد بن قاسم، از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام را به بغداد فراخواند(۱) و امام جواد علیه السلام را به شهادت رساند.

از دیگر شهدای علوی در این زمان، محمد بن قاسم بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است که مادر او صفیه دختر موسی بن عمر بن علی بن حسین، کنیه اش ابو جعفر است. مردم او را صوفی لقب داده بودند؛ به خاطر آنکه همیشه جامه پشمی سفیدی می پوشید و مردی دانشمند و فقیه و متدین و زاهد بود. محمد در زمان معتصم در طالقان خروج کرد و پس از جنگ هایی که میان او و عبدالله بن طاهر رخ داد، عبدالله او را دستگیر کرد و نزد معتصم فرستاد. یکی از نزدیکان معتصم می گوید: «من در عمرم هرگز کسی را کوشاتر در عبادت و خویشتن دارتر و زبانش به ذکر خدای عزوجل گویاتر از محمد بن قاسم ندیدم؛ با آن همه گرفتاری هایی که برایش پیش آمده بود، چنان خوددار و خونسرد بود که هیچ گاه بیتابی نکرد و شکستی در روحیه اش دیده نشد. به دستور معتصم او را سر برهنه وارد شهر بغداد کردند(۲) و در سردابی که همانند چاه بود، زندانی کردند. بدانسان که نزدیک بود محمد در آن زندان بمیرد. بعد از آن او را کنار خانه معتصم جای دادند. وی در حال فرار از حبس، مصدوم شد و به خاطر آن مصدومیت(۳) در واسط از دنیا رفت.

شهید دیگر از سادات، در این دوره، عبدالله بن حسین بن عبدالله بن اسماعیل بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بود. سبب دستگیری و مرگ او آن شد که از پوشیدن لباس سیاه که شعار بنی عباس بود، خودداری کرد؛ چون او را مجبور به پوشیدن کردند، آن لباس را درید و همین باعث شد که او را در سامرا به زندان انداختند و همچنان در

ص: ۲۲۳

۱- (۱) تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ج ۱، ص ۴۷؛ مروج الذهب، ج ۴، صص ۳۴۹ و ۳۵۰.

۲- (۲) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۴۲۹.

۳- (۳) همان، ص ۴۳۱.

زندان بود تا از دنیا رفت. گفته می شود واثق، علی بن محمد بن عیسی بن زید بن علی ابن حسین علیه السلام را به قتل رسانید. ولی سبب آن را ذکر نکرده است و قتل او در آن واقعه ای بود که میان محمد بن میکال و محمد بن جعفر در ری اتفاق افتاد.

۲. گسترش کشتار برنامه ریزی شده سادات و شیعیان در زمان متوکل

اشاره

در ناصبی بودن متوکل اختلافی نیست؛ هرچند برخی خواسته اند آن را انکار کنند. (۱) وی در مجالس جشن و سرور، حضرت علی علیه السلام را مسخره می کرد. (۲) متوکل وزیران و ندیمان خود را (۳) نظیر عبیدالله بن یحیی بن خاقان، علی بن جهم (شاعر شامی)، عمرو بن فرخ رخجی، عبدالله بن محمد بن داوود هاشمی (ابن اترجه) و... از ناجیان برگزیده بود. آنها مدام او را از سادات علوی می ترسانیدند و او را نسبت به پیروان اهل بیت علیهم السلام بدبین و بدبین تر می کردند. (۴) متوکل تنها مدافع و حامی اصلی احمد بن حنبل و فرقه حنبله بود و با اهل حدیث همدلی و همراهی ویژه داشت. وی برای راضی کردن آنها به سرکوب شدید معتزله و شیعه پرداخت و راویان حدیث اهل بیت علیهم السلام را بسیار آزد. (۵)

ص: ۲۲۴

-
- ۱- (۱) همان؛ ر. ک: مروج الذهب، ج ۴، ص ۳؛ تاریخ الإسلام، ج ۱۸، ص ۱۹۹.
 - ۲- (۲) ابن اثیر می نویسد: یکی از ندیمان روی شکمش بالشی قرار می داد و در مجلس متوکل می رقصید و با این کار علی علیه السلام را مسخره می کرد و این در حالی بود که مغنیان و آوازه خوانان می خواندند و متوکل می نوشید و می خندید. گویا منتصر، پسر متوکل هم در این مجلس بوده و به پدر درباره این کارها اعتراض کرده و متوکل در پاسخ او دستور داده بود که آوازه خوانان، این شعر را بخوانند: غار الفتی لابن عمه..... رأس الفتی فی حرّ أُمّیه این جوان (منتصر)، برای پسرعمویش (علی علیه السلام) به غیرت آمد؛ پس سر این جوان در فلان مادرش باد. الکامل، ص ۱۰۹.
 - ۳- (۳) مقاتل الطالبیین، ص ۴۷۸.
 - ۴- (۴) همان.
 - ۵- (۵) مزی گوید: «در زمان متوکل نصر بن علی جهضمی روایتی را در فضائل اهل بیت علیهم السلام، نقل کرد که به گوش متوکل رسید. او دستور داد هزار تازیانه به او بزنند؛ و زمانی متوکل دست از او برداشت که شهادت داده شد او از اهل سنت است!» همان، ص ۳۶۰.

متوکل با محاصره اقتصادی خاندان اهل بیت علیهم السلام عملاً به دنبال از بین بردن همه آنها بود. ابوالفرج گوید:

بر همه این جنایات، باید فشارهای اقتصادی را که متوکل و دربار او بر سادات علوی و اهل بیت علیهم السلام وارد می کردند، اضافه کرد؛ برای نمونه متوکل شخصی را که ناصبی بود، فرماندار مکه و مدینه کرد و او نیز تا آنجا که می توانست به آل علی [علیه السلام] سخت می گرفت؛ به گونه ای که زنان علوی برای آن که بتوانند نماز بگذارند، چون بیش از یک پیراهن مناسب نداشتند، به ترتیب نماز می خواندند.^(۱)

این در حالی بود که درآمد فدک ۲۴۰۰۰ دینار طلا بود. متوکل، فدک را به «عبدالله ابن عمر بازیار» که از دوستانش بود، بخشید.^(۲) متوکل به حاکم خود در مصر دستور داد با سادات علوی، بر اساس قواعد زیر، برخورد کند:

اول آن که به هیچ یک از سادات علوی هیچ گونه ملکی داده نشود؛ اجازه اسب سواری و حرکت از «فسطاط» به شهرهای دیگر داده نشود؛ سادات علوی جواز داشتن بیش از یک غلام نداشته باشند و از همه مهم تر، اگر دعوی بین یک علوی و غیر علوی صورت گرفت، قاضی، نخست به سخن غیر علوی گوش فرا دهد و پس از آن، بدون گفت و گو با علوی آن را بپذیرد.^(۳)

رساله ای از ابوبکر خوارزمی در دست است که در آن به ظلم و جنایات عباسیان، به ویژه متوکل نسبت سادات اشاره می کند.^(۴) او در بخشی از این رساله می گوید:

پیشوایی از پیشوایان هدایت و سیدی از سادات خاندان نبوت از دنیا می رود، کسی جنازه

ص: ۲۲۵

۱- (۱) مقاتل الطالبیین، ص ۴۷۹.

۲- (۲) سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۵۲۷. ر. ک: تاریخ الخلفاء، ص ۳۴۹؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۴۰.

۳- (۳) تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۸۴.

۴- (۴) محمد بن عباس (۳۲۳-۳۸۳ ق)، غالب منابع بر شیعی بودن او متفق القولند... گرایش وی به تشیع در بسیاری از رسائل وی، به خصوص آنهایی که برای ابومحمد علوی نوشته، به چشم می خورد: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۲۴۹.

او را تشییع نمی کند. اما چون دلچک و مسخره ای و بازیگری از آل عباس بمیرد، تمام عدول (عدول دارالقضاء) و قاضیان، دهریان و سوفسطائیان، در تشییع جنازه او شرکت می کنند و از شر ایشان (آل عباس) در امان اند. لیکن آنها هر که را شیعه بدانند، به قتل می رسانند. هر کس نام پسرش را علی بگذارد، خورش را می ریزند. شاعر شیعه، چون در مناقب وصی و معجزات نبی، شعر بگوید، زبانش را می برند و دیوانش را پاره می کنند. هارون پسر خیزران (واثق) و جعفر متوکل، در صورتی به کسی عطا و بخشش می نمودند که به آل ابی طالب، دشنام گوید. مذهب نصب کسانی چونان عبدالله بن مصعب زبیری و وهب بن وهب بختری مورد حمایت قرار گرفت. علویان از میراث مادر و فیء جدشان منع شدند. ایشان را از یک وعده خوراک منع می کنند، درحالی که خراج مصر و اهواز و صدقات حرمین شریفین و حجاز به مصرف خنیاگرانی از قبیل ابن ابی مریم مدنی و ابراهیم موصلی و ابن جامع سهمی و زلز ضارب و برموصا زامر (سُرنازن، نی زن) می رسد. (۱)

الف) کشتار جمعی و تخریب کربلا توسط متوکل

پس از شهادت امام حسین علیه السلام چنان زیارت آن امام رایج شد که حرم آن حضرت همواره از جمعیت موج می زد؛ چنان که این امر، باعث ترس خلفای عباسی و اموی می شد. ترس آنها از این جهت بود که مبادا مردم در اثر این اجتماع و ازدحام، به اولاد

ص: ۲۲۶

۱- (۱) رسائل ابی بکر خوارزمی، صص ۱۶۰-۱۷۲. وی در بخش دیگری می نویسد: «اموال خالص و پاکیزه خراج به دلچک ها و مهمانی های مربوط به ختنه اطفال، سگ بازان، بوزینه داران، مخارق و... منحصر شده است. در حالی که یک وعده خوراک و یک جرعه آب را از اولاد فاطمه علیها السلام دریغ می دارند؛ قومی که خمس بر آنان حلال و صدقه حرام است و گواهی دادن به دوستی نسبت به ایشان فریضه است، از فقر، مشرف به هلاک هستند: یکی شمشیر خود را گرو می گذارد و دیگری جامه اش را می فروشد. گناهی ندارند، جز اینکه جدشان نبی و پدرشان وصی و مادرشان فاطمه علیها السلام و مادر مادرشان خدیجه و مذهبشان ایمان به خدا و راهنماییشان قرآن است»: ترجمه با برخی اضافات از کتاب آل بویه، علی اصغر فقیهی، ص ۴۵۳.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام رغبت و علاقه نشان دهند و بدین وسیله حکومت و خلافت، از آنها به سادات علوی منتقل شود. از این جهت، هارون الرشید عباسی دستور تخریب قبر آن حضرت را صادر کرد و زمین هایش را به زیر کشت و زراعت برد! (۱)

بعد از هارون، متوکل نیز سخت گیری زیادی کرد (۲) و تا هفده بار قبر مطهر را ویران کرد. ولی مردم دوباره احیا کردند. (۳) متوکل، مردی از نزدیکان خود را به نام دیزج که قبلاً یهودی بود، برای خرابی قبر امام حسین علیه السلام روانه کرد و به او دستور داد آنجا را با خاک یکسان کند، آثار آن را به کلی محو و خانه های اطراف آن را نیز یکسره ویران کند. دیزج حدود دوست جریب از چهار طرف را ویران کرد. سپس جمعی از یهودیان را به آنجا برد و دستور داد در آن زمین ها زراعت کنند و آب در آن حوالی روان کرد. (۴) اطراف آن را پاسگاه ها و سربازان مسلحی که فاصله هر کدام یک میل بیشتر نبود، گماشت و دستور داد زائران را دستگیر کنند و نزد وی ببرند. وی دستور قتل یا شکنجه آنها را صادر می کرد. (۵)

با توجه به بی رحمی متوکل، به طور قطع، تعداد قابل توجهی از مردم بی گناه به بهانه زیارت امام حسین علیه السلام کشته شده اند. (۶) همچنین متوکل دست و پای تعدادی از زائرین را برید. (۷)

کشتار بی حد متوکل باعث قیام هایی علیه او شد و باعث گردید حسن بن زید بن

ص: ۲۲۷

-
- ۱- (۱) تاریخ الشیعه، محمد حسین المظفر، ص ۸۹؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۹۸.
 - ۲- (۲) تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۶۵.
 - ۳- (۳) تتمه المنتهی، ص ۲۴۱؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۰۱.
 - ۴- (۴) مقاتل الطالبیین، ترجمه، ص ۲۷۴. چون متوکل کشته شد، جماعتی از فرزندان ابوطالب و شیعیان با نشانه هایی که قبلاً نهاده بودند، محل قبر مطهر را یافتند و بنا کردند؛ همان.
 - ۵- (۵) تتمه المنتهی، ص ۲۴۱.
 - ۶- (۶) تعبیر روایات تاریخی در این باره این است: «کل من وجدتموه یرید زیاره الحسین فاقتلوه»؛ همان.
 - ۷- (۷) دراسات حول کربلا و دورها الحضاری، ص ۶۲۸.

محمد بن اسماعیل بن زید در طبرستان و نواحی دیلم، تسلط یابد. از آن سو محمد بن جعفر بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن حسین علیهم السلام نیز در ری خروج کرد و مردم را به بیعت با حسن بن زید فرا خواند. عبدالله بن طاهر، حاکم خراسان که هوادار عباسیان بود، از این جریان مطلع شد او را در نیشابور حبس کرد. وی همچنان در زندان او بود تا به شهادت رسید.

از دیگر شهدای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، در زمان متوکل، قاسم بن عبدالله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام بود. وی مردی فاضل و دانشمند بود و هنگامی که بیمار شد، متوکل برای عیادت او طبیبی فرستاد. به محض آنکه طبیب دست خود را بر دست قاسم گذاشت، بدون هیچ سابقه و علتی، دست قاسم خشک شد و پیوسته درد آن زیاد شد تا سرانجام همان درد او را کشت؛ چنان که خانواده اش گفتند: «آن طبیب وی را مسموم کرد».

از دیگر سادات مکرم که در دوران متوکل آواره شد و در همان آوارگی از دنیا رفت، احمد بن عیسی بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام بود. وی شخصیتی ممتاز داشت و احادیث را ضبط می کرد. ابتدای متواری شدن او پیش از زمان متوکل بود، ولی مرگش در زمان متوکل اتفاق افتاد. (۱) شهادت عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام نیز در زمان متوکل اتفاق افتاد. چهارده روز پس از اینکه عبدالله از دنیا رفته بود، خبر مرگ او و خبر مرگ احمد بن عیسی را با هم به متوکل دادند. او از این خبر خیلی خوشحال شد؛ زیرا از قیام و انقلاب ناگهانی آن دو می ترسید و از فرمانبرداری شیعه زبیده از آنها، کاملاً آگاه بود. خود متوکل نیز یک هفته پس از اینکه خبر عبدالله و احمد را به وی دادند، به قتل رسید.

برخی از سادات نیز در این دوره در زندان های گماشتگان متوکل در مدینه به

ص: ۲۲۸

شهادت رسیدند که از جمله آنها عبدالله بن محمد بن یوسف بن ابراهیم بن موسی بن عبدالله بن حسن بود که به دست ابوالساج زندانی و پس از شهادت در بقیع دفن شد.^(۱) قبرستان باب الصغیر دمشق نیز تعداد زیادی از نوادگان و احفاد اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنها را در خود جای داده است؛ نظیر محسن بن جعفر بن هادی علیه السلام که در دوران خلافت عباسی، با شکنجه به قتل رسید.^(۲)

متوکل، بسیاری را نیز به زجر کشت که شاید مشهورترین آنان «ابن سکیت» باشد.^(۳) وی از دانشمندان ادبیات عرب بود و آموزش فرزندان متوکل را برعهده داشت. روزی متوکل از ابن سکیت پرسید: «دو پسر من، معتز و مؤید، نزد تو عزیزترند یا دو فرزند علی بن ابی طالب؟» ابن سکیت گفت: «به خدا قنبر، خادم امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، بهتر از تو و پسران توست». متوکل از این سخن بسیار آشفته شد و دستور داد تا زبان ابن سکیت را از قفا بیرون کشند.^(۴)

ب) کشتار جمعی و تخریب سویقه توسط متوکل عباسی

سویقه یا «سویقه الثائره»، در غرب مدینه قرار داشت و از صدقات حضرت علی علیه السلام بود^(۵) و همواره از مراکز سکونت آل حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام شمرده

ص: ۲۲۹

-
- ۱- (۱) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۳۰۹.
 - ۲- (۲) اماکن زیارتی سیاحتی سوریه، دکتر اصغر قائدان.
 - ۳- (۳) ابویوسف، یعقوب بن اسحاق (۱۸۶-۲۴۴ ه. ق)، لغوی، نحوی و راوی ایرانی تبار شیعی است که لقب پدرش اسحاق سکیت بود و به سبب سکوت بسیار بدان ملقب گردید. وی کتب بسیاری در زمینه علم لغت دارد که کتاب «تهذیب الألفاظ و اصلاح المنطق» وی، از منابع اصلی برای دانشمندان است: رجال نجاشی، ص ۴۹۹؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۱۳۸؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۶۹۶.
 - ۴- (۴) تاریخ الخلفاء، ص ۳۴۸.
 - ۵- (۵) سویقه قدیم به نام سویقه الهاشمیین و سویقه الطالبیین نیز خوانده می شد و در پنجاه کیلومتری مدینه دارای چشمه ای پر آب همراه با درختان و نخل های زیادی بود: معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۸۵ و ج ۳، ص ۲۸۶.

می شد. عبدالله و ابراهیم بن عبدالله بن محض، بعد از روی کار آمدن عباسیان، به آنجا متواری شدند و بعد از قیام محمد بن عبدالله (نفس زکیه) منصور دوانیقی آن را تخریب کرد. ولی دوباره موسی الجون، از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام، آنجا را آباد کرد و مزار او در همان جا قرار دارد؛^(۱) بر همین اساس، مؤلف معجم البلدان، درباره سویقه می نویسد: «سویقه نام جایی نزدیک مدینه بود که همیشه مرکز سکونت فرزندان حسن بن علی علیه السلام بوده و پیوسته بنی الحسن علیه السلام در آنجا بودند».^(۲) زمانی که محمد بن صالح بن موسی بن عبدالله بن حسن علیه السلام از آنجا ضد متوکل قیام کرد، متوکل، ابوالساج را با لشکری زیاد برای سرکوبی وی فرستاد و او را دستگیر کرد. سپس سویقه را ویران کرده، عده ای از ساکنانش را کشت، عده دیگری را دربند کرد و نخله های آنجا را برید. از آن پس دیگر سویقه آباد نشد.^(۳)

به دستور متوکل، محمد بن صالح بن عبدالله با جمعی از نزدیکانش به سامراء انتقال یافت و به زندان افکنده شد.^(۴) همچنین تعدادی از فرزندان امام مجتبی علیه السلام و به طور عمده از نسل حسن مثنی، در موقوفات امیرمؤمنان علیه السلام در حدود هفتاد کیلومتری مدینه منوره، در منطقه ینبع، سکونت داشتند. به نظر می رسد تعداد قابل توجهی از آنها به دست دشمنان در آن نقطه قتل عام شده و به شهادت رسیده اند. در حال حاضر در این محدوده شمار زیادی قبور سادات حسنی با سنگ قبر، به احتمال از قرن سوم هجری، دیده می شود که مربوط به شهدای سادات ینبع است. همچنین مقبره، مسجد و مزاری در آن نزدیکی است که مردم به رغم تبلیغات متعصبان وهابی، آنجا را به عنوان قبور اهل

ص: ۲۳۰

۱- (۱) الکامل، ج ۵، ص ۲۴.

۲- (۲) معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۸۶.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) مقاتل الطالبیین، ص ۳۹۷.

بیت علیهم السلام زیارت می کنند. منطقه مزبور در نزدیکی الفریش است و روستایی که این مزار در آن قرار دارد، اکنون فرع الر داده نام دارد.^(۱)

در روستای دیگری که «المزار» نامیده می شود و حدود یکصد کیلومتر از مدینه فاصله دارد، قبر سه نفر دیگر از سادات به چشم می خورد که پدر، فرزند و نواده هستند و گویا با یکدیگر شهید شده اند. در آنجا نیز سنگ سفیدی بالای سر آنها قرار دارد که از آنان به عنوان شهید یاد کرده است. کلمات عربی حک شده در سنگ ها، بی نقطه هستند و احتمال می رود که متعلق به قرن سوم باشد. در کنار آنجا نیز مسجدی است که مردم در آنجا رفت و آمد دارند.^(۲)

گفتار سوم: کشتار جمعی سادات علوی و شیعیان از مستعین تا مقتدر

۱. شهدای سادات در دوره مستعین

تعداد قابل توجهی از سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان مستعین به شهادت رسیدند که معروف ترین آنها یحیی بن عمر بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است. یحیی زمان متوکل، در خراسان خروج کرد و عبدالله بن طاهر، حاکم خراسان، او را دستگیر کرد. متوکل دستور داد او را تازیانه بزنند و زندانی کنند. وی پس از آزادی، تصمیم به قیام علیه ظلم عباسیان گرفت و نخست به زیارت قبر حسین علیه السلام آمد و برای زواری که در آنجا بودند، تصمیم خود را آشکار ساخت. سپس به کوفه رفت.^(۳) از طرفی چون خبر قیام یحیی بن عمر به بغداد رسید، محمد بن عبدالله بن طاهر، والی بغداد، عموزاده اش حسین بن اسماعیل را برای دفع یحیی مأمور کرد. ولی اهل

ص: ۲۳۱

۱- (۱) ر. ک: آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، صص ۱۸۹-۱۹۳.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۴۴۸.

بغداد به یحیی تمایل زیادی داشتند. یحیی در میدان جنگ به دست عباسیان به قتل رسید. مردم کوفه که قتل یحیی را باور نمی کردند و مردم بغداد نیز چون هواخواه یحیی بودند، با صدای بلند فریاد می زدند: یحیی کشته نشده است. این ندا به قدری گسترده شد که کودکان در کوچه فریاد می زدند: «ماقتل و مآفر، ولکن دخل البر»؛ «نه کشته شده و نه گریخته، بلکه سر به بیابان نهاده است».

ابوهاشم از معروفان آن زمان، بر محمد بن عبدالله بن طاهر که لشکرش یحیی را به قتل رسانده بود، وارد شد و رو به او کرد و گفت: «ای امیر من! آمده ام درباره چیزی به تو تبریک گویم که اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده بود، آن حضرت را بدان تسلیت می دادند». محمد، سردار عباسی، سخن وی را که شنید بلافاصله به خانواده اش دستور داد به سوی خراسان کوچ کنند و گفت: «در هیچ خانه ای سر کشته ای از کشتگان این خاندان (خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله) نرفت، جز آنکه نعمت از آن خانه بیرون شد و دولت از آنجا رخت بر بست».

سپاه عباسی اسیران اصحاب یحیی را به وضع اسفناکی وارد بغداد کردند که تا به آن روز هیچ اسیری را چنین رقت بار به شهر بغداد نیاورده بودند؛ زیرا آنها را با پای برهنه می دوانیدند و هر کدام عقب می ماندند گردش را می زدند. وقتی نامه مستعین که حاوی فرمان آزادی آنها بود، رسید بسیاری از آنها کشته شده بودند. در میان مردمی که به یاری یحیی بن عمر خروج کردند، بسیاری از بزرگان اهل کوفه و دانشمندان وجود داشتند. شعرا در رثای هیچ یک از مقتولین خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، در دوران بنی عباس، به اندازه یحیی بن عمر شعر نسرودند.^(۱)

از دیگر سادات شهید، محمد بن جعفر بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است که در زندان سامرا از دنیا رفت. همچنین هنگام خروج محمد بن جعفر، مردی از فرزندان محمد ابن حنفیه نیز با وی بود که چون محمد را

ص: ۲۳۲

دستگیر کردند، او به سوی ارمینیه فرار کرد و در غربت به قتل رسید.^(۱) همچنین در زمان مستعین، جعفر بن عیسی بن اسماعیل بن جعفر بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله ابن جعفر بن ابی طالب نیز به شهادت رسید. احمد بن عبدالله بن موسی بن محمد بن سلیمان بن داوود بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام را نیز حاکم مکه به قتل رساند. همچنین عیسی بن اسماعیل بن جعفر بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر ابن ابی طالب را ابوالساج در کوفه به زندان افکند و در زندان به شهادت رسید.

۲. به شهادت رساندن امام هادی علیه السلام و برخی سادات در زمان معتز

اشاره

امام علی النقی (هادی) علیه السلام امام دهم شیعیان جهان است. پدرش امام جواد علیه السلام و مادر گرامی اش سمانه نام دارد. حضرت امام هادی علیه السلام در هشت سالگی، پس از شهادت پدر بزرگوارشان، عهده دار مقام امامت گردید و پس از ۳۳ سال امامت، در سن ۴۱ سالگی زمان خلافت معتز، مسموم شد و به شهادت رسید و جسم پاک وی در سامرا در خانه مسکونی خودش دفن شد. قبل از معتز، متوکل عباسی تلاش فراوانی در به شهادت رساندن پیشوای دهم شیعه امام هادی علیه السلام به کار گرفت و موفق نشد.^(۲) لیکن در بخش پایانی دوران معتز عباسی (۲۵۲-۲۵۵ ه. ق) آن گرامی با زهر معتز عباسی، مسموم گشت و به شهادت رسید.^(۳) و از مصادیق این سخن امام حسن مجتبی علیه السلام به شمار آمد که فرمود:

«ما منا الا مقتول أو مسموم».^(۴)

در این دوره، جعفر بن محمد بن جعفر بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن

ص: ۲۳۳

۱- (۱) همان، ص ۳۰۵.

۲- (۲) الخرائج والجراح، قطب راوندی، ج ۱، صص ۴۱۷-۴۱۹؛ کشف الغمه، ج ۲، صص ۳۸۹ و ۳۹۴.

۳- (۳) مروج الذهب، ج ۴، صص ۱۸۲ و ۱۸۵؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۰۹؛ تذکره الخواص، ص ۳۶۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۳۳؛ الفصول المهمه، ج ۲، ص ۱۰۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۰۶.

۴- (۴) کفایه الاثر، ابن خزاز، ص ۱۶۲؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

حسین علیه السلام، در شهر ری به دست گماشتگان خلیفه عباسی، به قتل رسید. همچنین ابراهیم ابن محمد بن عبدالله بن عبدالله بن حسن بن حسن بن عبدالله بن عباس بن علی علیهم السلام، در جنگی در قزوین به دست فرماندار عباسی، طاهر بن عبدالله، کشته شد. (۱)

احمد بن محمد بن یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام را نیز حارث بن اسد که از طرف ابوالساج در مدینه حکومت داشت، در دار مروان زندان کرد و در همان زندان از دنیا رفت.

قتل عام قم در زمان معتز

مردم قم در زمان معتز عباسی علیه مظالم خلافت عباسی قیام کردند. موسی بن بغا به دستور خلیفه (۲) به قم حمله کرد و جمع کثیری را کشت و عده ای را به فرمان معتز تبعید کرد؛ این روایت بلاذری است. (۳) اما ابن اثیر گوید: «قتل عام مردم قم به فرمان معتز و به وسیله مفلح ترک بود» (۴). ممکن است گفته شود که در زمان معتز، دو بار قم قتل و غارت شده باشد که در این صورت، شهر شیعه نشین قم، در قرن سوم، سه بار قتل عام و ویران شده است.

۳. شهدای سادات در دوره مهتدی

تعداد زیادی از سادات در زمان حکومت مهتدی به شهادت رسیدند؛ از جمله: علی ابن زید بن حسین بن عیسی بن زید بن محمد بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام که در جریان قیامی در کوفه، به دست شاه بن مکیال، به شهادت رسید. (۵) همچنین یاران

ص: ۲۳۴

۱- (۱) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۴۵۳.

۲- (۲) بلاد الجبل تقریباً همان عراق عجم است که شهرهای عمده آن اصفهان، ری، همدان و قم بوده است.

۳- (۳) الفتوح البلدان، ص ۳۸۶.

۴- (۴) الکامل، ج ۵، ص ۳۳۹.

۵- (۵) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۴۵۴.

عبدالله بن عزیز (حاکم شهر ری) در یکی از روستاهای ری، حسین بن محمد بن حمزه ابن قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام و یحیی بن علی بن عبدالرحمان بن قاسم بن حسن بن زید را به قتل رساندند.

محمد بن حسن بن محمد بن ابراهیم بن حسن بن زید بن حسن بن علی علیهم السلام را حارث بن اسد اسیر کرد و به مدینه فرستاد. اما پیش از رسیدن او به مدینه، در صحرا با کُند و زنجیر اسارت به شهادت رسید. حارث برای اینکه کُند را از پای او درآورد، دو پایش را برید و آن دو پای بریده را در بیابان انداخت!

همچنین جعفر بن اسحاق بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی علیهم السلام را یکی از گماشتگان عباسی به نام سعید حاجب در بصره به شهادت رسانید. همین طور موسی بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، که مردی صالح و راوی حدیث بود و عمر بن شهبه، محمد بن حسن بن مسعود زرقی، یحیی بن حسن بن جعفر علوی و دیگران از او حدیث نقل کرده اند. سعید حاجب وی را به اتفاق فرزندش، ادریس و برادرزاده اش، محمد بن یحیی بن عبدالله بن موسی و ابوطاهر احمد بن زید بن حسین بن عیسی بن زید بن علی بن حسین، به سوی عراق حرکت داد. چون به حاجر رسید، قبیله بنی فراره سر راه را گرفتند و آنها را از دست سعید حاجب نجات دادند و همراه خود بردند. ولی موسی حاضر نشد همراه آنان برود و نزد سعید بازگشت. سعید حاجب او را همراه خود آورد و چون به زباله رسید، ناجوانمردانه زهری به او خوراند و سرش را در محرم سال ۲۵۶ ه. ق برید و نزد مهتدی آورد.

همچنین علی بن موسی بن محمد بن قاسم بن حسین بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام را عیسی بن محمد مخزومی در مکه زندانی کرد که در همان زندان به شهادت رسید. محمد بن حسین بن عبدالرحمان بن قاسم بن حسن بن زید

بن حسن

ص: ۲۳۵

ابن علی بن ابی طالب علیهم السلام را عبدالله بن عزیز، فرماندار طاهر، دستگیر کرد و به سامرا فرستاد که در زندان به شهادت رسید.

علاوه بر او، علی بن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام را نیز عبدالله بن عزیز دستگیر کرد و به سامرا فرستاد و به زندان افکند که در همان زندان به شهادت رسید. ابراهیم بن موسی بن عبدالله بن موسی بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام را محمد بن احمد بن عیسی بن منصور که از جانب مهتدی در مدینه حکومت داشت، به زندان افکند و در همان زندان به شهادت رسید که در بقیع او را به خاک سپردند.^(۱)

همچنین عبدالله بن محمد بن یوسف بن ابراهیم بن موسی بن عبدالله بن حسن را ابوالساج در مدینه زندانی کرد. وی همچنان در زندان بود تا وقتی که محمد بن احمد بن منصور، حاکم مدینه شد و در زمان او در همان زندان از دنیا رفت. محمد بن احمد جنازه او را به احمد بن حسین بن محمد بن عبدالله بن داوود بن حسن سپرد و احمد او را در بقیع دفن کرد.^(۲)

از دیگر شهدای سادات در عصر مهتدی، ابراهیم بن موسی بن عبدالله بن موسی ابن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است که فرماندار مهتدی در مدینه وی را به زندان افکند و ابراهیم در همان زندان به شهادت رسید و او را در بقیع به خاک سپردند.^(۳)

۴. به شهادت رساندن امام حسن عسکری علیه السلام و ادامه قتل سادات در زمان معتمد

مهم ترین جنایت معتمد عباسی، به شهادت رساندن امام حسن بن علی، ملقب به

ص: ۲۳۶

۱- (۱) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۳۰۸.

۲- (۲) همان، ص ۳۰۹.

۳- (۳) همان، ص ۳۰۸.

زکی العسکری علیه السلام، یازدهمین پیشوای شیعه بود. ایشان در زمان خلافت معتمد و به دستور او به زندان رفت. معتمد به دنبال بهانه ای برای قتل ایشان بود. ولی جز نماز گزاردن شبانه، و روزه روزانه سخنی درباره او نشنید. (۱) بدین ترتیب از دستیابی به هدفش از این راه ناامید شد. ولی سرانجام تصمیم گرفت وی را مسموم کند و امام علیه السلام این تصمیم معتمد را به کنایه به مادر خود چنین بازگفت:

«تصیبی فی سنه ستین ومأین حرازه أخاف أن أنكب منها» (۲)؛ «در سال ۲۶۰ هجری، دل دردی می گیرم و از آن بیمناکم که به زندگی ام پایان بخشد». لغت شناسان واژه حرازه را به دل دردی معنا کرده اند که از راه خوردن و آشامیدن باشد. (۳) این تعبیر همان مسمومیت غذایی امام علیه السلام است که به فرمان معتمد انجام گرفت. (۴) با توجه به حالات امام در بستر بیماری و درمانی که انجام می دادند (گیاه مصطکی) می توان نتیجه گرفت سمومی که برای امام هادی و عسکری علیه السلام استفاده کردند، از سموم بسیار تخصصی با طبع سرد بوده است که در طولانی مدت (یک هفته) و به تدریج اعضای رئیسه بدن، چون کبد را از کار می انداخته و برای مردم تصور بیماری را بیشتر از مسمومیت تقویت می کرده است. می توان گفت اطبای متخصص دربار در این دو جنایت دست داشته اند. امام عسکری علیه السلام در شب شهادت، به دور از دید بیست نفر مأمور عباسی که در منزل او اتراق کرده بودند، نامه های بسیاری به نقاط مختلف ممالک اسلامی ارسال کرد. (۵) فجر روز جمعه، هشتم ربیع الأول، درحالی که امام علیه السلام از سوزش درد و مسمومیت خواست آبی همراه با داروی گیاهی به نام مصطکی بنوشد، رنج این سوزش و عطش، توان را از او گرفت و به شهادت رسید. (۶)

ص: ۲۳۷

۱- (۱) مهج الدعوات، ابن طاووس، ص ۳۳۰.

۲- (۲) بصائر الدرجات، صفار قمی، ص ۴۸۲؛ اثبات الوصیه، ص ۲۱۵.

۳- (۳) لسان العرب، ابن منظور، ج ۳، ص ۱۵۲.

۴- (۴) اعلام الوری، طبرسی، ج ۲، ص ۱۳۱.

۵- (۵) الکافی، ج ۱، ص ۵۰۵؛ الارشاد، ص ۳۲۴.

۶- (۶) کمال الدین، ج ۲، صص ۴۷۳ و ۴۷۴.

همچنین در این دوره، احمد بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن حسن بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام را احمد بن محمد بن طولون^(۱) در مصر در دروازه اسوان به قتل رسانید و سرش را برای معتمد فرستاد. محمد ابن احمد بن محمد بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن عمر بن علی علیهم السلام را نیز عبدالعزیز بن ابی دلف در آوه (میان قم و ساوه) گردن زد. از دیگر شهدای مظلوم سادات در دوره معتمد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حمزه بن عیسی بن محمد بن قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام.

- محمد و ابراهیم، فرزندان حسن بن علی بن عبیدالله بن حسین بن علی بن حسین ابن علی بن ابی طالب علیهم السلام.

- حسن بن محمد بن زید بن عیسی بن زید بن حسن.

- محمد بن حسین بن محمد بن عبدالرحمان بن قاسم بن حسن بن زید (اکبر) بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام که در زندان سامرا به شهادت رسید.

- موسی بن موسی بن محمد بن سلیمان بن داوود بن حسن بن حسن بن علی علیهم السلام که در زمان معتز در مصر دستگیر شد و به زندان سامرا برده شد و در زمان معتمد در زندان به شهادت رسید.

- محمد بن احمد بن عیسی بن زید بن علی بن حسین بن علی علیهم السلام و دو فرزندش احمد بن محمد و علی بن محمد که این سه را سعید حاجب، در زندان سامرا افکند و محمد و فرزندش احمد در زندان از دنیا رفتند.

- محمد بن عبدالله بن زید بن (عبیدالله بن زید) بن عبدالله بن حسن بن زید بن حسن ابن علی علیهم السلام را یعقوب لیث در طبرستان اسیر کرد و در زندان نیشابور از دنیا رفت.

ص: ۲۳۸

۱- (۱) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۴۲۹.

- علی و عبدالله، فرزندان موسی بن عبدالله بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی علیهم السلام و علی بن جعفر بن هارون بن اسحاق بن حسن بن زید بن حسن ابن علی بن ابی طالب علیهم السلام که هر سه در زمان معتمد به شهادت رسیدند. (۱)

۵. شهادت سادات در زمان معتضد

در زمان معتضد عباسی، محمد بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام که به داعی معروف است، در طبرستان و درگیری با گماشتگان عباسی، به شهادت رسید و پسرش زید بن محمد در آن واقعه اسیر شد. این جریان در ماه رمضان ۲۸۹ ه. ق اتفاق افتاد. همچنین محمد بن عبدالله بن محمد بن قاسم ابن حمزه بن حسن بن عبدالله بن عباس بن علی بن ابی طالب علیهما السلام در زندان به شهادت رسید.

علاوه بر آن، ابوالعباس احمد بن محمد بن مروان معروف به ابن طیب سرخسی، معلم معتضد عباسی، به جرم پیروی از مکتب اهل بیت علیهم السلام به دستور خود معتضد به شهادت رسید. وی از شاگردان احمد بن حارث صاحب المدائنی و یعقوب بن اسحاق کندی بود و در لسان المیزان، حسن بن محمد، عموی ابوالفرج اصفهانی را از شاگردان او به شمار آورده اند و مؤلفات او را ۵۳ کتاب نوشته اند.

۶. شهادت سادات در دوره مکتفی

از جمله سادات که در زمان مکتفی به قتل رسیدند: محمد بن علی بن ابراهیم بن محمد بن حسن بن جعفر بن عبدالله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام و علی بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن محمد بن علی ابن ابی طالب علیهم السلام بودند که این دو را با قرمطی، معروف به صاحب خال، در دکه به قتل

ص: ۲۳۹

رساندند. در صورتی که آنها با قرمطی خروج نکرده بودند و تهمتی بود که در این باره به آنها زده بودند. به هر صورت، آن دو بی گناه را گرفتند و دست و پایشان را قطع کردند و سپس گردنشان را زدند.^(۱) همچنین در این دوره زید بن حسین بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام را قرمطیان در راه مکه به قتل رسانیدند. روایت شده است که حسین بن حسین (پدر زید در زمان خود) بزرگ بنی هاشم و نسبش از دیگران به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک تر بود.^(۲)

۷. شهدای سادات در دوره مقتدر

در زمان مقتدر، محسن بن جعفر بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام را اعراب در نواحی صحرا به شهادت رسانده و سرش را به بغداد آوردند و مدعی مخالفت او با خلیفه شدند. همچنین عباس بن اسحاق (معروف به مهلوس) بن ابراهیم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام را ارامنه در شهری به نام دبیل به شهادت رساندند.

همچنین در این دوره، عباسیان با ویران کردن مسجدی در کوفه، فتنه جدیدی را آغاز کردند. مسجد مزبور را علی بن ابراهیم علوی در جامع کوفه، در جایی که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام برای قضاوت جلوس می فرمود، بنا کرده بود. عباسیان به تخریب آن اکتفا نکرده و از آنجا به طرف قبر امیرالمؤمنین علیه السلام رفتند و قدری از دیوار آن را برچیدند و می خواستند آن قبر مطهر را ویران کنند که در این وقت طالبیین به دفاع برخاسته و در آن معرکه، یک تن از عباسیان و یک نفر از طالبیین کشته شد. پس از این جریان، ورقاء بن محمد بن ورقاء، گروهی از طالبیین را دستگیر کرد و آنها را به اتفاق

ص: ۲۴۰

۱- (۱) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۴۶۱.

۲- (۲) همان، ص ۴۶۳.

زن ها و بچه ها به زنجیر بست و به سوی بغداد روانه کرد که در آنجا به زندانشان بیندازند. ولی ورود آنها به بغداد، با وزارت علی بن محمد بن فرات شیعی مصادف شد و او آنان را آزاد کرد و بدان ها احسان نمود.

همچنین طاهر بن یحیی بن یحیی بن جعفر بن عبیدالله بن حسین بن علی را امام جماعت مسجد مدینه با زهر به قتل رسانید. او مردی بزرگوار و فاضل بود که از پدرش و دیگران نقل کرده و اصحاب حدیث نیز از وی نقل کرده اند. هنگامی که قرمطی (ابن حبان) به کوفه رسید، در همان هنگام ورود بدان شهر، مردی از فرزندان طباطبا را به قتل رسانید. در ناحیه یمامه نیز گروهی از بنی حسن علیه السلام به نام بنی اخضر به دست قرامطه به قتل رسیدند. ولی با این حال موفق شدند بر آن نواحی مستولی شوند و کارشان بالا گرفت. این جریان در زمان قدرت قرامطه بود و چون آن بلاد حصارهای محکمی داشت، قرامطه نتوانستند آن حدود را از چنگ بنی اخضر بیرون آورند. همچنین محمد بن جعفر ابن محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام، به دست خوارجی افتاد که معمولاً در جنگ ها حاضر نمی شدند و آنها او را به شهادت رساندند.^(۱)

۸. کشتار جمعی از سادات در فتنه صاحب الزنج

به دنبال ظلم و ستم بیش از حد عباسیان بر طبقات فرودست، از جمله بردگان سیاه پوست سودانی و زنجباری در سال های ۲۵۵ تا ۲۷۰ ه. ق، بردگان جنوب عراق و خصوصاً بصره، شورش برپا کردند که تعداد بی شماری را به کام مرگ کشید.^(۲) سر کرده این شورش، علی بن محمد، مشهور به صاحب الزنج بود و به دروغ نَسب خود را به

ص: ۲۴۱

۱- (۱) مقاتل الطالبیین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۲۷.

۲- (۲) گفته شده که تنها در هجوم به بصره توسط سپاهیان صاحب الزنج، سیصد هزار نفر کشته و تعداد زیادی از زنان و کودکان به اسارت گرفته شدند تا آنجا که هر کدام از سپاهیان، ده زن به بردگی گرفتند؛ تاریخ عصر الخلفه العباسیه، یوسف العث، ص ۱۲۷؛ العصر العباسی الثانی، دکتر شوقی ضعیف، ص ۳۰. گفته شده که در طول این فتنه، حدود ۱/۵ میلیون نفر کشته و قربانی شدند؛ العصر العباسی الثانی، ص ۲۸.

زید بن علی (پسر امام سجاد علیه السلام) می رسانید. ولی امام یازدهم حضرت حسن عسکری علیه السلام آشکارا اعلام کرد:

«صاحب الزنج لیس منا اهل البيت»؛ «صاحب الزنج، از اهل بیت علیهم السلام نیست».^(۱) در جریان فتنه صاحب الزنج، سادات از دو جهت مورد ظلم و ایذاء واقع شدند: جهت اول اینکه مقامات عباسی، این شورش را مربوط به علویان می دانستند و با این بهانه جدیت بیشتری در ایذاء و سرکوبی سادات علوی از خود نشان می دادند؛ جهت دوم اینکه بعضی از علویان ادعای صاحب الزنج را باور کرده و به او پیوستند. ولی بعد از رؤیت جنایات و ادعای دروغ او، از او گسستند. ولی به دست صاحب الزنج به شهادت رسیدند. ابوالفرج اصفهانی در این باره می نویسد:

محمد بن قاسم بن حمزه بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام که مادرش لبابه دختر محمد بن ابراهیم بن حسن بن عبدالله است (و طاهر بن محمد بن قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، این دو با علی بن زید، هر سه در لشکر ناجم بودند و چون علی بن زید وضع ناجم (صاحب الزنج) و ادعای دروغ و حال او را دانست، در صدد برآمد تا نظر سرکردگان لشکر او را به سوی خود جلب کند، وی وضع ناجم را به اطلاع آنها رسانید و آنها را به بیعت با خویشان دعوت کرد و چون این خبر به گوش ناجم رسید، او علی، محمد و طاهر، هر سه را گردن زد. این جریان زمان خلافت معتمد اتفاق افتاد.^(۲)

همچنین در جریان حملات صاحب الزنج، تعدادی از بانوان علوی به دست زنگیان به اسارت درآمدند. مسعودی در این باره می نویسد:

ص: ۲۴۲

۱- (۱) مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۸؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۵۹. دکتر شوقی ضعیف دلائل خوبی در عدم انتساب او به علویان ذکر می کند؛ ر. ک: العصر العباسی الثانی، ص ۲۸. علامه مجلسی درباره صاحب الزنج می نویسد: «صاحب الزنج از جهت نسب، مذهب و کردار، هیچ گونه رابطه ای با اهل بیت علیهم السلام نداشت و امام علیه السلام وی را به طور کلی نفی کرده بود»؛ بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۹۷.

۲- (۲) ترجمه مقاتل الطالبیین، ص ۴۵۶.

دوران وی (صاحب الزنج) چهارده سال و چهار ماه بود که کوچک و بزرگ، و مرد و زن را کشت و هر جا رسید بسوخت و ویران کرد.... در بصره کار مردم از موش و گربه و سگ خواری به آدم خواری رسیده بود؛ چنان که منتظر مرگ کسی می شدند تا جسدش را تکه تکه نموده بخورند.... در سپاه وی، کار بدان جا رسیده بود که زنانی را از فرزندان حسن و حسین و عباس علیهم السلام و هاشمیان و قرشیان و سایر عربان و کسان می فروختند. هر زنی به دو درهم و سه درهم فروخته می شد و نسب او را به بانگ بلند می گفتند که این دختر فلانی و فلانی است. هر زنگی (سیاه) ده بیست و حتی سی تا از آنها را داشت که با آنها همبستر می شدند و چون کنیزان، خدمت زنان زنگی می کردند. زنی از نسل حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام که پیش یکی از زنگیان بود، از علی بن محمد یاری خواست و تقاضا کرد او را به زنگی دیگری بدهد و از محنتی که دچار آن است، خلاص کند. علی بن محمد به او گفت: «این آقای توست و بیشتر از دیگران به تو حق دارد!» (۱).

ص: ۲۴۳

فصل چهارم: گشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن چهارم هجری

اشاره

ص: ۲۴۵

رویداد اجتماعی مهمی که در قرن چهارم رخ داد، این بود که اقدامات خصمانه علیه سادات و شیعه در سطح وسیعی از حکومت به توده های عوام و مفتیان عوام گرا و افراطی تسنن انتقال یافت؛ به عبارت دیگر، خلافت عباسی دریافته بود که مکتب تشیع در جامعه پذیرفته شده و می بایست با شیعیان مدارا کرد. اما مفتیان متعصبی پیدا شدند که این روند را نمی پذیرفتند و به سراغ عوام الناس رفته و آنها را تشویق به شیعه کشی می کردند؛ به همین دلیل در قرن چهارم دیده می شود که خلفای سنی بغداد، مفتیان تند حنبلی را سرزنش و تبعید می کنند و عوام هوادار آنها را تهدید به سرکوب کرده، از تجمع آنها جلوگیری می کنند.

از میان فرقه های اهل تسنن، بیشترین خصومت با شیعیان را حنابله، خصوصاً حنابله بغداد، داشتند که طبعاً به رویه سرسختانه بنیان گذار این مکتب، یعنی احمد بن حنبل بازگشت می کرد.^(۱) مقدسی، جغرافیدان و مورخ اهل سنت به حنابله غالی عراق، نظیر مشبهان و بر بهاریان، در قرن چهارم اشاره می کند که در دوستی معاویه افراط داشتند و نزدیک بود او را به اتهام شیعه بودن، به قتل برسانند.^(۲)

ص: ۲۴۷

۱- (۱) إتان گلبرگ، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۲- (۲) احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۱۷۵.

ابن اثیر دو تن از عالمان معروف حنبلی را که به «بربهاری»^(۱) مشهور بودند، یاد کرده که عوام سنی را علیه شیعیان تحریک می کرده اند؛ آن دو عبارت اند از:

۱. حسین بن قاسم بن عبیدالله بربهاری که در سال ۲۹۶ ه. ق هنگامی که ابن معتز ناصبی می خواست خلافت را از مقتدر برآید، به پیروان این شخص متوسل شد.

۲. حسن بن علی بن خلف بربهاری که در سال ۳۲۹ ه. ق، درحالی که تحت پیگرد خلیفه عباسی بود، درگذشت. خلیفه راضی در اعلامیه خود، او را مشبه، مجسم و قشری نامید.^(۲)

در بخش عمده ای از قرن چهارم، حسن بن علی بن خلف بربهاری فعالیت زیادی علیه شیعه داشت. وی را فردی کج اندیش و کینه توز معرفی کرده اند که سخنان منکر و ناشناخته زیادی می گفت. در این دوره، نقش پنهان و آشکار بربهاری را می توان در همه شورش هایی که حنبلیان در بغداد به راه انداختند پی گیری کرد. در این شورش ها تعداد زیادی از شیعیان و اهل تسنن به قتل رسیدند. حمله آنها به محمد بن جریر طبری، مورخ معروف اهل تسنن، مشهور است. طبری تشبیه و جلوس خداوند بر عرش را به صورتی که آنها می گفتند، امری محال دانست. بربهاریان، حنبلی ها و اصحاب حدیث، چون این سخن طبری را شنیدند، به او حمله کردند. وی ناگزیر به خانه خود پناه برد. آنها که تعدادشان به هزاران تن می رسید، خانه اش را سنگباران کردند؛ به گونه ای که تل بزرگی از سنگ، جلوی خانه او پدید آمد تا اینکه «نازوک»، رئیس شرطه بغداد، با چندین هزار سپاهی رسید و طبری را از شر حنابله نجات داد و یک روز تمام در آنجا ماند و دستور داد سنگ ها را از خانه او دور کردند.^(۳)

ص: ۲۴۸

۱- (۱) احسن التقاسیم، ترجمه ج ۱، ص ۱۷۵، ابوالقاسم امامی، پی نوشت ترجمه؛ درباره بربهاری ر. ک: شذرات الذهب، ج ۴، صص ۱۵۷ و ۱۵۸؛ المنتظم، ج ۱۳، صص ۳۴۸ و ۳۴۹؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۶، صص ۲۸۷ و ۲۹۷؛ الأنساب، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲- (۲) احسن التقاسیم، ترجمه ج ۱، ص ۱۷۵، ابوالقاسم امامی، پی نوشت ترجمه.

۳- (۳) تاریخ طبری، ص ۲۱. بربهاری علم کلام که تار و پود آن را تفکر، تعقل و جدل تشکیل می دهد، یکسره باطل می دانستند و کلام را علمی می دانستند که جز زندقه، کفر، شک، بدعت، گمراهی و سرگردانی، چیزی به دنبال ندارد؛ خطیب، ج ۲، ص ۲۷.

۱. حملات خونبار به زائران، نوحه خوانان و عزاداران امام حسین علیه السلام

بربهاری حنبلی، زیارت قبور اولیای خدا را منع کرد و برخلاف سلف خود، احمد ابن حنبل که فضایل اشک ریختن بر امام حسین علیه السلام را در آثار خود آورده،^(۱) گریه و مرثیه خوانی بر امام حسین علیه السلام و زیارت او را قدغن کرد و به کشتن نوحه خوانان پرداخت.^(۲) وی هرکس را که با آرا و عقاید او مخالفت می ورزید، تکفیر می کرد^(۳) و یاران خود را وامی داشت با خشونت با مردم رفتار کنند. آنها خانه های مردم را غارت می کردند، مزاحم کارهای افراد می شدند و هرکس سخنانشان را نمی پذیرفت، تهدید می کردند و حتی می کشتند. وی با توجه به دشمنی هایی که با اهل بیت علیهم السلام داشت، هواداران خود را تشویق به کشتن عزاداران امام حسین علیه السلام می کرد.^(۴) به همین علت، شیعیان در ابتدای قرن چهارم از بیم آزار حنابله بربهاریه، یا در خانه رؤسا یا مخفیانه به سوگواری برای اهل بیت علیهم السلام می پرداختند. البته غالب فرقه های اهل تسنن با برگزاری مراسم مذهبی شیعه، مخالفتی نداشتند. ولی حنابله هوادار بربهاری، با برگزاری مراسم مذهبی شیعه به شدت مخالفت می کردند و با دیگر مسلمانان نیز بر سر این موضوع اختلاف و درگیری داشتند.^(۵)

ص: ۲۴۹

- ۱- (۱) فضائل الصحابه لابن حنبل، ج ۲، ص ۶۷۵، ح ۱۱۵۴. درباره گریه و اشک پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر شهدا نظیر حمزه رک: احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۸۴.
- ۲- (۲) الأعلام، ج ۲، صص ۱۷۵ و ۲۰۱. جواز و فضیلت یاد کردن از شهدا و نوحه خوانی برای آنها در کتاب های معتبر اهل تسنن آمده؛ از جمله حاکم نیشابوری در مستدرک آورده است: «پس از اینکه زنان مدینه در شهادت حمزه سیدالشهدا به روضه خوانی و شیون پرداختند، از آن زمان تا زمان من حاکم (قرن ۵)، هرکس که از دنیا می رود، آنها به جای خواندن نوحه برای او، برای حضرت حمزه نوحه می خوانند».
- ۳- (۳) البدء والتاریخ، ج ۵، صص ۱۴۸ و ۱۵۰.
- ۴- (۴) ر. ک: طبقات الحنابله، ابن ابی یعلی، ج ۲، ص ۴۰؛ تجارب الأمم، ج ۵، ص ۴۱۳.
- ۵- (۵) مخالفت حنابله نمی توانست به غیر از بغداد، در جاهای دیگر مانع عمده ای برای برگزاری مراسم مذهبی شیعه باشد. شیعه در قرن چهارم هجری، محمد رضا زارع خورمیزی، ص ۴۷۴.

بربهاری همچنین در ماجرای تخریب مسجد برآثا که مورد علاقه انبوه شیعیان بغداد بود، دست داشت. (۱) این مسجد به تحریک حنبله و به دستور مقتدر عباسی با خاک یکسان شد و زمین آنجا به فتوای بربهاری به گورستان تبدیل گردید. (۲) بعدها حکم دستگیری بربهاری، به دلیل مخالفت با عقاید اسلامی، نظیر صحت زیارت بزرگان دین صادر شد. «بربهاری» خود را مخفی کرد تا اینکه با جمعی از یارانش دستگیر و به بصره تبعید شد. (۳) سپس وی در زمان راضی (۳۲۲ ه. ق)، سال ۳۲۳ ه. ق، با یاران خود به بغداد برگشت. راضی از جریان مطلع شد و به رئیس شرطه دستور داد در بغداد، از یاران بربهاری، نباید دو نفر در یک جا جمع شوند. بدر خرشنی (صاحب شرطه) گروهی از پیروان او را به زندان افکند و خود بربهاری متواری شد. (۴) «ابوعلی مسکویه» می نویسد:

علت این اقدام این بود که بربهاری و پیروانش پیوسته فتنه انگیزی می کردند. درباره این گروه از طرف خلیفه الراضی توقیعی صادر شد. ابن مسکویه، متن توقیع خلیفه الراضی بالله را چنین روایت می کند:

«وقد تأمل امیر المؤمنین امر جماعتکم... فمن ذلك... نسبکم شیعه اهل بیت رسول الله صلی الله علیه وسلم الی الکفر والضلال وارضادهم بالمکاره فی الطرقات والمحال... وانکارکم زیاره قبور الائمہ صلوات الله علیهم وتشنیعکم علی زوارها بالابتداع...» خلیفه در توقیع خود، اعمال و معتقدات اتباع بربهاری را از قبیل اینکه شیعیان، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را به کفر و ضلالت نسبت داده و زیارت قبور امامان علیهم السلام را انکار کرده اند، ذکر نموده و به سختی بر آن تاخته است و تهدید کرده است که هرگاه دست از کارهای خویش برندارند، گردنشان را خواهد زد و خانه و محله های آنها را به آتش خواهد کشید. (۵)

ص: ۲۵۰

-
- ۱- (۱) یکی از وجوه تقدس مسجد برآثا نزد شیعیان این بود که بنا بر روایات موجود، امام علی علیه السلام در آنجا توقیفی داشتند و پیش از رفتن به جنگ خوارج، در آنجا غسل کردند؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۶۳؛ ر. ک: اطلس شیعه، ص ۳۷۷.
 - ۲- (۲) المنتظم، ابن جوزی، ج ۴، صص ۵-۱۴؛ تاریخ بغداد، خطیب، ج ۱، ص ۱۰۹.
 - ۳- (۳) البدایه والنهایه، ج ۱۱، ص ۱۷۲.
 - ۴- (۴) تاریخ طبری، ج ۱۱، صص ۲۹۰ و ۲۹۴.
 - ۵- (۵) تجارب الأمم، ج ۵، ص ۴۱۴.

اما به هر حال فعالیت های افراطی آنها، در فضای غوغاسالارانه بغداد آن روز، گسترش یافت و موارد زیادی از کشتارهای جمعی شیعه و ایداء دیگر فرقه های تسنن، نظیر شافعیه را را رقم زد. (۱) ابن جوزی در تاریخ خود، در حوادث سال ۳۲۳ ه. ق تحت عنوان فتنه حنبله در بغداد نوشته است: در این سال (۳۲۳ ه. ق) کار حنبلی ها در بغداد بالا گرفت و قدرتی پیدا کردند. بدر خرنسنی، صاحب شرطه، در دهم جمادی الاخری دستور داد تا در دو طرف جسر بغداد ندا کردند که از اصحاب بربهاری حنبلی، دو نفر نباید با هم باشند (۲) و حق ندارند در خصوص مذهب خود مناظره کنند. امام جماعتشان باید در نماز صبح، مغرب و عشاء «بسم الله» را بلند و آشکارا بگوید. ولی این اقدام صاحب شرطه مفید واقع نشد. بلکه فتنه جوئی یاران بربهاری فزونی گرفت.

فتنه انگیزان بربهاریه در یکی از این فتنه ها، ۴۸ ردیف از بازارهای بغداد را به آتش کشیدند و این زمانی بود که بدر خرنسنی، یکی از اصحاب بربهاری به نام «دلاء» را دستگیر کرد. (۳) طبری این چنین ادامه داده است که خلیفه الراضی، یاران بربهاری را سخت توبیخ و به شدت آنها را تهدید کرد؛ (۴) زیرا برای خداوند، مانند و شبیهی قائل بودند (۵) و ذات احدیت را دارای کف دست و انگشتان و دو پا با کفشی از طلا و صاحب گیسوان، تصور می کردند و می گفتند: «خداوند به آسمان، بالا می رود و به دنیا، فرود می آید». (۶) از تویع خلیفه چنین معلوم می شود که پیروان بربهاری، درحالی که زوار قبور

ص: ۲۵۱

۱- (۱) آنها برخی افراد عوام را وامی داشتند تا افراد منسوب به دیگر فرقه های اهل تسنن، نظیر شافعیه را تا نزدیک مردن، کتک بزنند. همان.

۲- (۲) المنتظم، ج ۱۳، صص ۳۴۸ و ۳۴۹.

۳- (۳) تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۲۹۶.

۴- (۴) همان، ج ۱۱، ص ۲۹۶.

۵- (۵) البدء والتاریخ، ج ۵، ص ۱۵۰.

۶- (۶) اعتقاداتی که بعدها ابن تیمیه آنها را احیا کرد و در دوره معاصر نیز ابن عبدالوهاب با کمک آل سعود و حمایت انگلیسی ها در جزیره العرب آن افکار حاکم شد.

ائمه را بدعت گذار می دانستند، به زیارت قبر مردی از عوام که هیچ نسبتی هم با رسول خدا صلی الله علیه و آله نداشت، امر می کردند.^(۱)

سرانجام بر بهاری در سال ۳۲۹ ه. ق،^(۲) در حالی که در خانه زنی پنهان شده بود، فوت کرد و در همان خانه، بدون اینکه کسی بداند، او را غسل دادند و کفن کردند و به خاک سپردند.^(۳) صولی در جایی از مرگ بر بهاری به سبب فرونشستن فتنه ها ابراز خرسندی می کند.

از دیگر مفتیان فتنه انگیز قرن چهارم، عبیدالله بن محمد بن محمد بن حمدان عکبری، مکنی به «ابوعبدالله» و معروف به «ابن بطه» حنبلی است.^(۴) او برای تحصیل و فراگرفتن حدیث به شهرهای مختلفی رفت، سپس به زادگاه خود بازگشت و چهل سال منزوی و خانه نشین شد و کتاب هایی نوشت. او نیز مانند بر بهاری، کج اندیش بود.^(۵) وی معتقد بود که سفر برای زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله معصیت است و باید در این سفر، نماز را تمام خواند.

۲. فهرست حملات خونین حنابله متعصب بغداد به شیعیان در قرن چهارم

در قرن چهارم، با انتقال قدرت به حاکمان شیعی بویهی، حمدانی و فاطمی، اعمال تعصب از حاکمان به مفتیان کینه توز و عوام حنابله انتقال یافت؛ به همین دلیل می توان قرن چهارم را دوره اوج تضادها و اصطکاک های مذهبی بین شیعه و عوام حنابله دانست. مروری گذرا بر تاریخ ابن اثیر، نشانگر گوشه ای از این تنش هاست:

ص: ۲۵۲

-
- ۱- (۱) الکامل، ابن اثیر، ج ۶، ص ۲۴۸.
 - ۲- (۲) شذرات الذهب، ج ۴، ص ۱۵۸.
 - ۳- (۳) تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۳۲۶؛ تاریخ الإسلام، ج ۲۴، ص ۲۵۹.
 - ۴- (۴) وی در سال ۳۰۴ ه. ق در عکبری - واقع در ده فرسنگی بغداد - متولد شد و در سال ۳۸۴ ه. ق، در ۸۳ سالگی، در همان جا درگذشت.
 - ۵- (۵) المنتظم، ج ۱۴، ص ۳۹۲.

- در سال ۳۴۵ ه. ق اختلاف شدیدی میان اصفهانیان و قمیان اتفاق افتاد. عامل آن، این بود که یکی از ملازمان مسئول امنیت اصفهان که قمی بود، گفت یکی از غاصبان حقوق اهل بیت علیهم السلام را سب کرده است. متعصبان شورش کردند و جمعی انبوه، گرد آمدند و در داروغه خانه تجمع کردند. گروهی در این حادثه، به قتل رسیدند. غارت گران همچنین اموال تاجران قمی را غارت کردند.^(۱)

- در سال ۳۵۳ ه. ق معزالدوله دستور داد بازارهای بغداد را ببندند و مراسم عزای امام حسین علیه السلام را به پا دارند. در نتیجه، برخورد سختی میان شیعیان و حنبلیان اتفاق افتاد؛ به گونه ای که گروهی مجروح شدند و اموال فراوانی غارت شد.^(۲)

- در سال ۳۶۲ ه. ق یکی از مأموران حکومتی و متعصب حنبلی به نام ابوالقاسم بن مَسْلَمَه علی بن حسن بن احمد، وزیر قائم بأمراالله، معروف به رئیس الروساء، محله کرخ را به آتش کشید. طبق روایت ابن اثیر، هفده هزار نفر در این آتش سوختند. سیصد دکان و ۳۳ مسجد نیز نابود شد.^(۳)

- در سال ۳۸۰ ه. ق، پس از بازگشت بهاءالدوله از بغداد به اهواز، عیاران در دو سوی بغداد آشوب کردند و درگیری هایی بین شیعه و حنابله رخ داد. برخی از محله ها به آتش کشیده شد و اموال فراوانی به غارت رفت؛ گفتنی است این آشوب چندین ماه ادامه داشت تا بهاءالدوله به بغداد بازگشت.

- در سال ۳۸۲ ه. ق دوباره میان اهل کرخ و حنابله، درگیری رخ داد. محمد بن حسن ابن حاجب، برای رفع آشوب آن قدر کشت و دار زد تا شهر آرام گرفت.

- در سال ۳۸۹ ه. ق حنابله محله باب البصره بغداد، در مقابل عید غدیر و عاشورا، دو روز ۲۶ ذی حجه را به عنوان روز غار و هیجده محرم را به عنوان سالگرد قتل مصعب

ص: ۲۵۳

۱- (۱) الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۱۷.

۲- (۲) همان، ص ۲۵۳.

۳- (۳) همان، ص ۱۳۱۰.

ابن زبیر، به ترتیب روز جشن و عزا اعلام کردند. این بدعت های آنان آتش اختلافات را زیاد کرد.

- در سال ۳۹۱ ه. ق حنابله با پشتیبانی نظامیان ترک بغداد، به شیعیان محله کرخ هجوم بردند. (۱)

۳. شبیه سازی جنگ جمل توسط حنابله متعصب، بهانه حملات خونین علیه شیعه

پس از استیلای محمود غزنوی بر خراسان و اظهار حمایت وی از خلیفه (۳۸۹ ه. ق) دوباره افراطی های بغداد جان گرفتند و دو رسم عزاداری و جشن را به سیاق مراسم روز عاشورا و عید غدیر شیعه، باب کردند. آنها هشت روز پس از عاشورا، برای مصعب ابن زبیر مراسم سوگواری برپا کردند و هشت روز پس از عید غدیر هم به عنوان روز غار که یوم الغار خواندند، جشنی برپا داشتند و دلیل برپایی آن را ورود پیامبر صلی الله علیه و آله با ابوبکر به غار حرا دانستند. این جشن در روز اول ذی حجه ۳۸۹ ه. ق برپا شد. همچنین اهل تسنن حنبلی در محله سوق الطعام بغداد، زنی را سوار بر شتر کردند که عایشه است، یکی را طلحه نامیدند و دیگری را زبیر، هنگامه ای آفریدند که مثلاً با اصحاب علی علیه السلام در جنگند و شبیه جنگ جمل را بازنمایی کردند. (۲)

نتیجه این اقدامات، برافروختن درگیری های مذهبی علیه شیعه بود که بر اثر آن، انسان های زیادی جان باختند و دکان های بی شمار و اموال زیادی تباه شد و به غارت رفت. در این میان برخی از حکام و فرمانروایان نیز آتش اختلاف را بیشتر می کردند تا خود به راحتی حکومت کنند. در مجموع، اقدامات مفتیان بدعت گذار حنبلی، نظیر بر بهاری و ابن بطه، به ایجاد فرقه ای سیاسی به نام بر بهاریه انجامید که شباهت زیادی با فرقه وهابیت امروزی داشت و کشتار جمعی متعددی را علیه شیعه و اهل تسنن در قرن چهارم هجری رقم زد.

ص: ۲۵۴

۱- (۱) الکامل فی التاریخ، ج ۷، صص ۴۳۴-۵۱۹.

۲- (۲) همان، ج ۸، ص ۴۵۰؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ج ۲۷، ص ۲۵.

۱. غالیان و ایجاد بهانه برای کشتار جمعی شیعه

غلو به معنای تجاوز از حد مشروع در اعتقاد یا رفتار است؛ چنان که علی علیه السلام می فرماید:

«هلک فی رجلا ن محبّ غال ومبغض قال»؛ «درباره من، دو کس هلاک شدند: یکی دوستی که مرا از حد گذرانند و دیگر دشمنی که از مقامم فروکشاند» (۱). غلو، هم در تشیع و هم در تسنن، از دیرباز وجود داشته با این حال، اولین کسی که در اسلام قائل به غلو و رجعت شد، عمر بن خطاب بود که رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار کرد و قائل به عروج پیامبر صلی الله علیه و آله و بازگشت مجدد ایشان شد. (۲) غلو در مکتب تسنن مصادیق زیادی دارد؛ (۳) از قبیل گمان نزول وحی بر عمر بن خطاب، خبر دادن وی از غیب و نبوت معاویه. (۴) غالیان در مکتب تشیع، به نوشته شیخ مفید، گروه هایی هستند که به اسلام تظاهر نموده ولی برای اهل بیت علیهم السلام الوهیت و نبوت ثابت نموده اند. (۵) شیعه همواره از غالیان نفرت داشته است؛ بر همین اساس، پیشوایان مکتب تشیع چنان برابر مسئله غلو و غالیان موضع قاطعی گرفتند که نظیر آن را درباره مسائل دیگر نمی بینیم؛ زیرا قدرت های حاکم، پیوسته می کوشیدند غالیان را به شیعیان ملحق کنند تا از جذابیت عقاید شیعه بکاهند و به عوام اعلام کنند که شیعه به خدایی امامان خود معتقد

ص: ۲۵۵

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، خویی، کلمات قصار، ش ۱۱۷.

۲- (۲) ر. ک: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۲؛ السیره النبویه، ابن هشام، ج ۴، ص ۱۰۷۰؛ الدر المنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۸۱؛ البدایه والنهایه، ابن کثیر، ج ۵، ص ۲۴۲؛ تاریخ أبو الفداء، ج ۱، ص ۱۶۰؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۷، ص ۵۷؛ أسد الغابه فی معرفه الصحابه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۴۸.

۳- (۳) ر. ک: تعامل اسلام و ایران از نگاهی دیگر، رسول جعفریان، نشانی در فضای مجازی:

www.cloob.com/c/iid/2029735

۴- (۴) ر. ک: احسن التقاسیم، مقدسی، ج ۱، ص ۱۷۵؛ غلو در مذهب اهل سنت، حسینی قزوینی، نشانی مقاله در فضای

مجازی: <http://www.vir-com>

۵- (۵) ر. ک: تصحیح الاعتقاد، شیخ مفید، ص ۱۰۹؛ قواعد العقائد، جعفر سبحانی، ص ۱۱۱؛ المعبر، ج ۱، ص ۹۸؛ کتاب

البیان، شهید اول، ص ۷۶.

است. از این رو باید خونشان ریخته شود و اموالشان به غارت رود. تاریخ از این اتهام سیاه، بسیار برای ما سخن می گوید. فتاوایی که در گوشه و کنار علیه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام صادر شده است، بهترین گواه، گفتار ماست. (۱) به هرحال غالیان با اصرار بر اعتقادات نادرست خود، علی رغم منع شدید ائمه و علمای شیعه، بزرگ ترین بهانه را برای فشار و قتل عام به دشمنان شیعه دادند.

۲. دلایل اثرگذاری قرمطیان بر کشتار جمعی مسلمانان شیعه

قرمطیان نیز از دو جهت عامل کشتار جمعی شیعه شدند: جهت اول اینکه در قالب دسته های غارتگر به چند دولت شیعه حمله کردند. آنها به دولت شیعه زیدی آل اخضر در یمامه حمله کردند، ولی به دلیل قلعه های مستحکم آنها، موفق به نابودی آن نشدند. همچنین بارها به مناطق تحت حاکمیت فاطمیان در شام و حتی مصر تاختند و شیعیان بی گناه زیادی را به خاک و خون کشیدند. قرمطیان، امارت محلی شیعه را در احساء و بحرین کرانه ای به چالش کشیدند؛ به طوری که دولت شیعه عیونی بحرین برای بیرون راندن قرمطیان، حتی با دشمن دیرین خود، دولت عباسی، رابطه برقرار کرد. (۲) قرمطیان در شام، جعفر بن فلاح کنانی را که از امرای شیعه دمشق بود به شهادت رساندند. قاضی نورالله شوشتری در «مجالس المؤمنین» می نویسد:

جعفر بن فلاح فرمود که مؤذنان در اذان «حی علی خیر العمل» بگویند و هیچ کس بر مخالفت او جرئت نتوانست کرد. ابن خلکان گفته که جعفر، اول بار رمله را مسخر ساخت و سپس دمشق را بگرفت. در ایامی که جعفر مریض بود، قرامطه به دمشق آمدند، جعفر را اسیر کرده و بعد از آن او را کشتند. این واقعه در سال ۳۶۰ ه. ق بود. (۳)

ص: ۲۵۶

۱- (۱) غلو، حقیقت و اقسام آن، سید کمال حیدری، ص ۸۳.

۲- (۲) اطلس شیعه، ص ۴۳۷.

۳- (۳) مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۴۱۸. شعرای زمان، نظیر محمد بن هانی اندلسی، جعفر را مدح کردند. همان.

جهت دوم ضربه قرمطیان به شیعیان، این بود که دشمنان مکتب تشیع، کوشیدند جنایات قرمطیان را به شیعه منسوب کنند تا بهانه بیشتر برای قتل عام شیعه داشته باشند. این در حالی بود که برخی سیاستمداران دربار عباسی، قرمطیان را تحریک می کردند. منسوب کردن قرمطیان به تشیع، مثل منسوب کردن خوارج به تسنن است؛ چراکه بسیاری از اعتقادات و احکام عبادی خوارج با اهل تسنن همسوست و خلفای اهل تسنن را هم قبول دارند. از طرفی با ائمه شیعه، خصوصاً حضرت علی علیه السلام، هم دشمنی می کردند.

با این حال، مورخان و متکلمان اهل تسنن، خوارج را به رغم این اشتراکات، از مکتب اهل سنت بیرون می دانند. طبعاً قرمطیان هم اگرچه در اعتقادات اولیه خود، خویشان را به مکتب اسماعیلی نخستین منسوب می کردند، ولی هیچ گاه نزد شیعیان، اعم از اسماعیلی، زیدی و امامی، پذیرفته نبودند؛ چنان که شواهد زیادی از بیزاری خلفای فاطمی از آنها در دست است. علاوه بر آن، قرمطیان در حملات و غارتگری های خود، میان شیعه و سنی فرق نمی گذاشتند، ولی دستگاه خلافت عباسی و امرای متعصب اهل تسنن، نظیر محمود غزنوی، عده زیادی از سادات و شیعیان بی گناه را به اتهام قرمطی بودن، قتل عام کردند.

گفتار سوم: فجایع ابویزید خارجی صاحب الحمار

اشاره

گفتار سوم: فجایع ابویزید خارجی صاحب الحمار (۱) علیه شیعیان مغرب الادنی

ابویزید خارجی، از بربرهای مغرب الادنی و نام اصلی اش مخلد بن کیداد بود. وی با خوارج نکاری آمیخت، به مذهب آنها گروید و کیش ایشان را آموخت و در آن کیش به ریاست رسید. شایع بود که او مسلمانان را تکفیر و علی علیه السلام را سب می کند. (۲) والی توزر

ص: ۲۵۷

- ۱- (۱) خری اشهب (لاغر) به او هدیه دادند و او همواره بر آن سوار می شد؛ آن سان که «صاحب الحمار» لقب یافت؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۶، ص ۱۵.
- ۲- (۲) تاریخ ابن خلدون، ج ۶، ص ۱۴. این نقل تاریخی نشان می دهد که قاتلان شیعه در قرن پنجم هجری نیز در سب شیعه حضرت علی علیه السلام اشتراک نظر داشتند.

او را گرفت و در بند کرد. یارانش به زندان حمله کردند و نگهبانان را کشتند و ابویزید را بیرون آوردند و با او بیعت کردند. شرط بیعت آن بود که با مسلمانان شیعه نبرد کنند و هر چه غنایم و اسیران به دست می آورند، خود تصرف کنند. همچنین اگر بر مهدیه و قیروان غلبه یافتند، کار به شورا باشد. این واقعه در سال ۳۳۱ ه. ق اتفاق افتاد. (۱)

قتل عام مسلمانان شیعه باجه، قیروان و اطراف مهدیه

شورشیان ابویزید خارجی از هر سو حمله کردند و بسیاری را کشتند یا اسیر کردند. ابویزید، باجه را گرفت و به تونس لشکر کشید. در قیروان خلیل بن اسحاق را محاصره کرد و پس از قرارداد صلح، او را گرفت تا بکشد. یکی از یارانش به نام ابوعمار واسطه شد تا از سرِ خونش گذشت. ولی به او غذا نداد تا از گرسنگی هلاک شد. در این جریان، مشایخ شهر قیروان که از فقها بودند نزد او آمدند و ابویزید پس از سرزنش بسیار، امانشان داد، ولی تعهد گرفت که شیعیان را بکشند. سپس قاصدانی نزد الناصر اموی، صاحب قرطبه فرستاد و اظهار فرمانبرداری کرد و گفت: داعی دعوت او خواهد بود و در عوض خواست که کسی را به یاری اش فرستد. این رابطه در سراسر ایام فتنه ادامه داشت.

ابویزید پس از آن به شهر سوسه لشکر کشید و سپاهیان او بسیاری را کشتند و مثله کردند؛ این وضعیت ادامه داشت تا در نواحی افریقیه خانه ها و دهکده ها خالی شد و هر کس از کشتن رهایی یافت، از گرسنگی هلاک شد. (۲) رفته رفته ابویزید احساس قدرت کرد و از زهد خوارج گونه خود دست برداشت و جامه حریر پوشید. همچنین به جای الاغی که همیشه سوار می شد و به صاحب الحمار شهرت یافته بود، بر مرکبی گرانبها سوار شد. یارانش در این باب به رؤسای خود نامه نوشتند و بر او شوریدند. ابویزید،

ص: ۲۵۸

۱- (۱) همان.

۲- (۲) تاریخ ابن خلدون، ج ۶، ص ۱۶.

مهدیه را محاصره کرد تا جایی که قحطی و گرسنگی بر مردم فشار آورد. اما کم کم تعداد یارانش که به سبب مال اندوزی از او رویگردان شده بودند، بیشتر شدند. لذا ابویزید مجبور شد توبه کند و بار دیگر جامه پشمین پوشید. خبر عقب نشینی او از محاصره مهدیه شایع شد و مردم روحیه یافتند و خوارج نکاری را در هر شهری که بودند، قتل عام کردند. ولی ابویزید سپاهیان خود را دوباره به شهرها گسیل داشت و آنها دوباره به آشوب و کشتار و تاراج دست زدند.

ابویزید نهایتاً بعد از چهار سال (۳۳۱ تا ۳۳۴ ه. ق) به دست اسماعیل المنصور، فرمانروای شیعی فاطمی، دستگیر شد و تقریباً تمام شورشیانش کشته شدند و به سزای عمل خود رسیدند. فرمانروای فاطمی، با کمال جوانمردی، دستور معالجه ابویزید را که پیش از اسارت مجروح شده بود، داد تا درباره اعتقادات نادرست او با وی محاجه کند و بعد از بهبودی و محاکمه، به سزای عمل خود برسد. ولی معالجات سودی نبخشید و بعد از مدت کوتاهی مرد. (۱)

گفتار چهارم: قتل و غارت شیعه ری توسط مدعیان جهاد با روم

در ماه رمضان سال ۳۵۵ ه. ق، بیست هزار نفر خود را از خراسان به شهر ری رساندند و مدعی جهاد علیه روم شدند. رکن الدوله خبر آنها را شنید و دانست که عده آنها زیاد است؛ چنان که در شهرستان ها مرتکب فساد شده و فرماندهان نتوانسته اند مانع فسادشان شوند. ابوالفضل بن عمید که وزیر رکن الدوله بود، گفت: «باید آنها را از ورود به حال اجتماع در شهر ری منع نمود». رکن الدوله گفت: «من چنین نخواهم کرد، مبادا گفته شود که من از غازیان بیمناک شده ام». ابن عمید گفت: «پس آنها را از ورود منع کن تا سپاه تو تجمع کند و آماده شود». باز هم قبول نکرد. ابن عمید گفت: «من می ترسم که

ص: ۲۵۹

آنها با امیر خراسان ساخته و برای کشور تو توطئه چیده باشند تا دولت تو را براندازند». باز قبول نکرد.

چون غازیان وارد شهر ری شدند، در مجلس ابن عمید حاضر شدند و از او خواستند که برای جهاد انفاق کند. او به آنها وعده داد، ولی آنها سخت اصرار کردند و گفتند: «ما خراج این کشور را می خواهیم که عیناً به ما پرداخته شود؛ زیرا خراج از بیت المال است. رومیان هم نسبت به مسلمین چنین کرده و بلاد اسلام را گشوده و بر وطن و ملک شما استیلا یافته اند؛ همچنین ارمینان. ما فقیر و غریب و مجاهد هستیم و به این مال احق و اولی می باشیم که باید همه به ما برسد». همچنین درخواست کردند که لشکری با آنها برای جهاد روانه کند. (۱) ابن عمید دانست که آنها جهاد را بهانه کرده اند، ولی نیت پلیدی دارند. با این حال با آنها مدارا کرد. اما خراسانیان چون از محضر ابن عمید رفتند، به اسم امر به معروف و نهی از منکر، اموال مردم را ربودند و با گروهی از دیلمیان جنگیدند و تا شب فتنه ادامه داشت.

روز بعد به شهر هجوم بردند و کاخ ابن عمید را غارت و او را مجروح کردند. رکن الدوله با تعداد کمی از خود دفاع کرد و شکست خورد؛ اگر او را تعقیب می کردند، به کلی نابودشان می کردند و مالک شهر می شدند. ولی چون شب شد، از نبرد و تعقیب دست کشیدند. روز بعد رکن الدوله به نرمی به آنها پیغام داد شاید به جای دیگر بروند و شهر را ترک کنند. آنها قبول نکردند و در شهر به انتظار مدد ماندند؛ چراکه امیر خراسان به آنها وعده سپاه داده بود تا مملکت را بگیرد. رکن الدوله ناگزیر جنگ را آغاز کرد. اما ابتدا گروهی از سپاهیان خود را به محلی فرستاد که از آنجا تاخت کنند، سپس کسانی را نزد رکن الدوله بفرستند و بگویند مدد رسید.

آن گروه به دستور رکن الدوله عمل کردند. اتباع رکن الدوله چون گرد و غبار را از

ص: ۲۶۰

دور دیدند و عده ای هم رسیدند، دلیر شدند. رکن الدوله گفت: «شاید ما پیش از رسیدن باقیمانده سپاه کمکی بر آنها پیروز شویم و غنیمت به ما اختصاص یابد. از این رو سپاه اندک رکن الدوله دلیرانه حمله کردند و پیروز شدند و خراسانیان کشته و اسیر بسیار دادند و بقیه امان خواستند. رکن الدوله به آنها امان داد. ولی عده ای از آنها دوباره به شهر ری رفتند و هر که را با لباس دیلمیان می دیدند، می کشتند و می گفتند: «رافضی است». دیلمیان باز بر آنها حمله کردند که دوباره امان خواستند و رکن الدوله جوانمردانه به آنها امان داد و گفت به وطن خود برگردند. ولی باز دو هزار مرد جنگجو که به یاری شان آمده بود، شورش کردند که رکن الدوله برای چندمین بار با آنها جنگید و آنها را شکست داد. پس از آن اسرا را آزاد کرد و به آنها زاد و خواریار داد و به وطن خود فرستاد. (۱)

ص: ۲۶۱

۱- (۱) الکامل، ج ۲۰، ص ۲۸۱.

فصل پنجم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن پنجم هجری

اشاره

ص: ۲۶۳

اشاره

در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، یکی از مردم خراسان، موسوم به عبدالله بن کرام، با حيله و تزوير جمع کثيری را پيرو مذهب خود کرد.^(۱) هواداران او که اعتقادات شیعه ستیزانه داشتند، به کرامیه معروف شدند و فجایع زیادی به بار آوردند که شباهت های زیادی به فجایع بر بهاریان در قرن چهارم و وهاییان در قرن ۱۳ و ۱۴ دارد. عالم سعودی، بدر بن ناصر العواد، در کتاب النصب والنواصب می نویسد:

از جمله ظلم نواصب و تجاوز آنها بر شیعه یا بر کسی که چیزی از شیعه بودن در او بود، این بود که کرامیه حاکم نیشابوری شیعی را زدند و منبر او را شکستند و از خروج از خانه اش منع کردند؛ برای اینکه از او می خواستند حدیث یا احادیثی در فضائل معاویه بنویسد و او ابا کرد.^(۲)

قتل عام مسلمانان شیعه توسط محمود غزنوی به پیروی از کرامیه

اشاره

از جمله پیروان عبدالله بن کرام، سلطان محمود غزنوی (حک: ۳۸۷-۴۲۱) بود که بر شیعیان، بسیار سخت می گرفت و گروه کثیری از شیعیان ماوراءالنهر، خراسان، ری و

ص: ۲۶۵

۱- (۱) الملل والنحل، ابی الفتح محمد بن عبدالکریم الشهرستانی، بخش کرامیه. همچنین در این باره رک: یادداشت های قزوینی، حواشی، ج ۷، ص ۶۰ به نقل از لغت نامه دهخدا.

۲- (۲) سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۱۷۵؛ الوافی بالوفیات، ج ۳، ص ۲۶۰؛ البدایه والنهایه، ج ۱۱، ص ۳۵۵؛ طبقات الشافعیه الکبری، ج ۴، ص ۱۶۳. رک: النصب والنواصب در اسسه تاریخیه عقديه، بدر ناصر محمد العواد، ص ۶۲۵.

هندوستان را قتل عام کرد. سلطان محمود غزنوی، پس از تسلط بر شرق خراسان، به ریشه کن کردن دو گروه، یکی شیعه و دیگری تسنن معتزله همت گمارد؛ چندان که آثار علمی و کتابخانه های آنان را از بین برد تا اثری از تشیع و معتزله باقی نماند. او پیوسته اهل حدیث و کرامیه را تقویت می کرد و شیعه و معتزله را دشمن اصلی خود می دانست.

الف) قتل عام و کتاب سوزی ری

بزرگ ترین جنایت محمود غزنوی در قتل عام مسلمانان شیعه، در سال ۴۲۰ ه. ق در ری اتفاق افتاد. وی همچنین قسمت اعظم کتابخانه نفیس مجدالدوله دیلمی را طعمه آتش کرد و دستور داد تمام کتاب های کتابخانه را بیرون کشیدند. در هر کدام آنها نامی و اسمی از ولایت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، بر کناری انباشتند تا همچون تل عظیمی بر آمد و همه آنها را آتش زد. کتاب های شیعیان را از کتابخانه ها، خصوصاً کتابخانه عظیم صاحب بن عباد، وزیر دانشمند دیالمه، جمع کردند و آنچه را در فقه، حدیث و کلام بود، سوزاندند و بقیه را بر صد شتر بار کردند و به غزنین، مرکز حکومت غزنویان بردند. البته بنا بر نقلی، به دستور محمود غزنوی، مدت سه روز، تنور نانوايي ها و تون حمام های ری را به جای هیزم، با سوزاندن کتاب های شیعیان گرم نگه داشتند.^(۱) محمود غزنوی علاوه بر قتل عام مردم عادی شیعه، دستور داد دانشمندان و بزرگان شیعه ری را نیز دستگیر کرده، به دار آویختند.^(۲)

ص: ۲۶۶

۱- (۱) ر. ک: تلخیص تعلیقات النقص، میر جلال الدین محدث ارموی، ص ۷۳۳.

۲- (۲) سلطان محمود در ری، دوپست چوبه دار برپا کرد و اکابر مسلمانان شیعه را به دار کشید و تا مدتی همچنان نگاهداشت. فرخی، ضمن قصیده ای در مدح محمود، و خطاب به وی گفته است: دار فرو بردی باری دوپستر که از ایشان به هوا کار کرد بس که ببندد بگویند کینان را خانه به فلان معدن است هیچ شهی با تو نیارد چخیدگفتی کین درخور خوی شماسست بر سر چوبی خشک اندر هواستدار فلان مهتر و بهمان کیاست روان را اقطاع فلان روستاستگرچه که با لشکر بی منتهاست

ب) قتل عام مولتان

محمود غزنوی در سال های ۳۹۶ و ۴۰۱ ه. ق قوای ابوالفتح داوود، فرمانروای مولتان را در هم شکست و آن شهر را اشغال کرد. اما نتوانست نفوذ اسماعیلیه را در آنجا از بین ببرد. سرانجام در ۵۷۱ ه. ق محمود بن سام غوری، مولتان را فتح کرد و با زور و قتل عام، به قدرت و نفوذ اسماعیلیه پایان داد. (۱) در لشکرکشی های محمود غزنوی به هند و خصوصاً مولتان، وی به شیعه کشی دست زد. محمود غزنوی در چند مرحله وارد مولتان شد و آنجا را غارت کرد. چون محمود در ۳۹۶ ه. ق بر مولتان دست یافت، بسیار بی رحمانه رفتار کرد و آنها را قرمطی خواند. (۲) بسیاری از مورخان هدف اصلی محمود غزنوی از این قتل عام ها را آزمندی او به ثروت می دانند. وی در جنگ های خود به غارت ثروت های ملت های دیگر حرص بسیار نشان می داد. (۳)

ج) قتل عام قم

همچنین در زمان محمود غزنوی، قم با تهمت رافضی بودن مورد بی توجهی قرار گرفت. بنا به گفته خواجه نظام الملک در کتاب سیاستنامه، غزنویان کارگزاران و حتی کارمندان دولتی شیعه را از کار برکنار کردند و به کسی که می گفت من شیعه و از اهل قم یا یکی از شهرهای شیعه هستم، شغل نمی دادند. مردم قم با مشاهده تشیع زدایی غزنویان در سال ۴۲۶ ه. ق شورش کردند و حاکم منصوب از طرف غزنویان را نپذیرفتند. عاقبت «ابوسهل حمدونی»، والی ری، این قیام را به سختی سرکوب و تعدادی را قتل عام کرد. (۴)

ص: ۲۶۷

۱- (۱) تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، صص ۳۳ و ۳۴.

۲- (۲) پژوهشنامه علوم انسانی، «قرمطیان مولتان»، یعقوب آژند، ص ۶.

۳- (۳) تاریخ ایران، عباس اقبال آشتیانی و دکتر باقر عاقلی، ص ۲۳۲.

۴- (۴) <http://books.moumeh.com/html>.

در سال ۴۴۱ ه. ق، متعصبان حنابله، اهل کرخ بغداد را که همگی شیعه بودند،^(۱) از اقامه عزاداری روز عاشورا منع کردند. اهل کرخ نپذیرفتند و به عزاداری پرداختند که موجب کشتار و مجروح شدن بسیاری از مردم شد. این فتنه به پایان نرسید تا زمانی که اُتْرَاک ورود کرد و خیام خود را میان اهل کرخ و حنبلی ها برافراشتند. در این صورت دست از نزاع و جدال برداشتند. پس از این جریان، اهل کرخ برای در امان ماندن از حملات حنابله شروع به کشیدن دیواری بر دور کرخ کردند. حنابله وقتی از این کار باخبر شدند، آنان نیز به ساختن دیوار بر بازار قلائین مبادرت کردند. هر دو گروه در ساختمان این دیوار، مال فراوانی صرف کردند. دامنه شر چنان بالا گرفت که بسیاری از شیعیان ساکن کرخ مجبور شدند به شرق بغداد کوچ کنند. خلیفه عباسی به ابومحمد بن نسوی امر کرد میانجیگری کند و فتنه را بردارد. چون شیعیان و حنبلیان این خبر را شنیدند، متفقاً بر طرد و منع او از دخالت در این امر همداستان شدند^(۲) و صلح کردند. لذا بنا شد میان اهل تسنن «حی علی خَیْرِ الْعَمَلِ» در اذان گفته شود و میان اهل کرخ

«الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ وَ تَرَحَّمِ عَلَي الصَّحَابَةِ» اظهار شود.

در صفر ۴۴۳ ه. ق دوباره درگیری میان شیعیان و حنبلیان بالا گرفت؛ چندین برابر بالاتر از فتنه سابق؛ زیرا هنوز دل ها مملو از کینه بود.^(۳) در این سال اهل کرخ برای بازار سَمَکَین (ماهی فروشان) که متعلق به شیعیان بود، در و سردر ساختند. اهل بازار قلائین

ص: ۲۶۸

۱- (۱) یاقوت حموی در مورد محله کرخ می نویسد: «و أهل الكرخ کلهم شیعه امامیه لا یوجد فیهم سنی البتہ». معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۴۹.

۲- (۲) نسوی سال ۴۴۰ مأمور حل اختلاف شده و گروهی نیز تحت فرمان او بودند و به وسیله آنها تعدادی را به قتل رساند. از این رو وقتی در سال ۴۴۱ مردم شنیدند که دوباره او می خواهد برای حل اختلاف وارد شود، شیعه و سنی هر دو متفق گشته زمینه دخالت او را باطل نموده و خود به حل اختلاف پرداختند.

۳- (۳) تاریخ الشیعه، محمد حسین مظفر، صص ۷۴-۷۶.

(حنابله) نیز در باقیمانده دَر و سِرْدَر باب مسعود مشغول به کار شدند. سپس اهل کرخ در اطراف دَرِ سَمَکین، روی برج هایی که ساخته بودند، با طلا نوشتند:

«مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ». حنابله نیز این را منکر شمردند و چنین مدعی شدند که شیعیان نوشته اند:

«مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ، فَمَنْ رَضِيَ فَقَدْ شَكَرَ، وَمَنْ أَبَى فَقَدْ كَفَرَ». اهل کرخ گفتند: «ما زیاده از مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ چیزی نوشته ایم». خلیفه عباسی، الْقَائِم، اَبُو تَمَامِ نَقِيبِ عَبَّاسِيين، و عَدْنَان(۱) بن رَضِي، نقیب علویین را فرستاد تا مطلب را کشف کنند. هر دو نقیب سخن اهل کرخ را تصدیق کردند. با این گزارش، امر کردند تا مردم از جنگ دست بردارند. اگرچه عالمان متعصب حنبلی، مانند ابن مذهب قاضی و زُهَیْرِي، از اصحاب عبدالصمد، همچنان حنابله را تحریک می کردند.

۱. بستن آب بر ساکنان کرخ

زمانی که سد نهر عیسی شکسته شد، حنابله آب دجله را به کرخ بستند و از حمل آب به محله شیعه نشین نیز ممانعت کردند. بنابراین اهل کرخ مجبور شدند از دجله با خود آب بیاورند. سپس با گلاب آمیختند و میان مردم ندا می دادند: «الْمَاءُ لِلْسَبِيلِ» و منظورشان این بود: آبی که ما را از آن محروم نموده اید، به آسانی تهیه کرده، با گلاب درآمیخته و رایگان انفاق می کنیم. رفته رفته عداوت حنابله با شیعه بیشتر شد تا اینکه رئیس الرؤساء(۲) بر شیعیان سخت گرفت و گفت

«خَيْرُ الْبَشَرِ» را محو کنند. شیعیان به جای آن نوشتند: «مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِمَا السَّلَام». ولی باز حنبلی ها به این راضی نشدند و گفتند ما دست بردار نیستیم تا آجری را که روی آن مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ نوشته شده، به کلی از دیوار بکنند و «حَيَّ عَلَيَّ خَيْرِ الْعَمَلِ» نیز در اذان گفته نشود. اما شیعیان نپذیرفتند.

ص: ۲۶۹

۱- (۱) عَدْنَان پسر سید رضی است که نقابت علویین با او بود و پس از پدرش و عمویش سیدمرتضی، منصب نقابت به او واگذار شد.

۲- (۲) البدایه والنهایه، ج ۱۲ ص ۶۸.

حملات خونین به شیعه تا روز سوم ربیع الاول ۴۴۳ ه. ق ادامه داشت؛ چنان که در آن روز یک مرد هاشمی از حنابله کشته شد. اقوامش جسد او را روی تابوت نهادند و در محله‌ها گردانیدند و مردم را برای خونخواهی او برانگیختند. سپس وی را کنار احمد ابن حنبل دفن کردند و به سوی مشهد بَابُ التَّيْنِ (قبرستان کاظمین) رفتند و دربان را تهدید کردند تا در را باز کند. آن گاه آنچه در حرم امام کاظم و امام جواد علیهما السلام بود، از قندیل‌ها و محراب‌های (۱) طلا و نقره و پرده‌ها و سایر اشیاء، همه را بردند. فردای آن روز نیز باز به طرف مشهد کاظمین رفتند و تمام قبرها و مقبره‌ها و اتاق‌ها حتی ضریح امامین شیعه را آتش زدند.

فردای آن روز که پنجم ماه ربیع الاول بود، باز بدانجا برگشتند تا قبر حضرت موسی بن جعفر و محمد بن علی علیهما السلام را نبش کرده و اجساد مطهر آن دو را در آورده و به مقبره احمد ابن حنبل انتقال دهند که اشتباهاً به جای موضع این دو قبر، پهلوی این دو قبر را حفر کردند. در این حال نقیب عباسیین، ابوتمام، قضیه را شنید و گروهی از هاشمی‌ها که سنی مذهب و از عباسیین بودند، آمدند و آنان را از این عمل منع کردند. اهل کرخ نیز متقابلاً به سمت خَانُ الْفُقَهَائِ حنفی‌ها رفتند و غارت کردند و مدرس حنفیه، اباسعد سرخسی را کشتند و آن کاروانسرا و خانه فقها را آتش زدند. فتنه از غرب بغداد به شرق تجاوز کرد و کشتار و قتال به اهل باب الطاق و بازار بَیج و کفاشان و... رسید. چون خبر آتش زدن مشهد امامان به نُورالدوله، دُبَّیْس بن مَزید (حاکم شهر حله) رسید، به شدت ناراحت شد. بنابراین در تمام شهرهای زیر نفوذش، دیگر به نام القائم بامرالله، خطبه نخواندند. چون وی را به خاطر این کار سرزنش کردند، عذر آورد که تمام نواحی تحت حکمرانی او شیعه هستند و همه بر ترک خطبه به نام خلیفه اتفاق نموده‌اند و او نتوانسته بر آنان سخت گیرد؛ چنان که خود

ص: ۲۷۰

۱- (۱) منظور از محراب، اثاثیه، اسباب، چراغ و تابلوهای طلا و نقره است که در مقدم حرم مطهر و روبه‌رو و صدر آن قرار داده شده بود.

خلیفه نتوانسته است از سفیهانی که چنین اعمالی را درباره مشهد کاظمین علیهما السلام انجام دادند، جلوگیری کند. ولی به تدریج امر به صورت خود برگشت. (۱)

۳. فجایع عیار طقطقی

ابن جوزی گوید: عیار طقطقی از اهل درزیجان را در دیوان حاضر کردند و متعصبان، او را توبه دادند؛ چراکه صلح با اهل کرخ به واسطه وی صورت پذیرفته بود. او بعد از پیوستن به حنابله متعصب، شیعیان کرخ را در جاهای خود و خانه های خود تفحص می کرد و دنبال می نمود و همه را مرتباً و متصلاً می کشت؛ به طوری که بلوا و فتنه بالا گرفت. (۲) در وقت ظهر، اهل کرخ جمع شدند و دیوار باب قلائین را خراب کردند و بر آن دیوار عذرّه انداختند. طقطقی دو مرد از شیعیان را کشت و آنان را بر باب قلائین به دار آویخت. پس از آنکه قبلاً نیز سه نفر از آنان را کشته و سرهای ایشان را جدا کرده بود و به سوی اهل کرخ پرتاب کرده و گفته بود: «با این سرها ناهار خود را تهیه کرده و بخورید» و از آنجا به در زعفرانی آمد و از اهل آنجا صد هزار دینار طلب کرد و تهدید کرد که اگر ندهند، باب زعفرانی را آتش می زند. اهل باب زعفرانی با او به نرمی رفتار کردند و وی از کار خود منصرف شد. لیکن فردای آن روز باز خواسته اش را مطالبه کرد. شیعیان باب زعفرانی با او جنگیدند. در سال ۴۴۳ ه. ق، طغرل بیگ اول، پادشاه سلجوقیه، وارد بغداد شد و طرف حنابله را گرفت. به گونه ای که ترکان، در سال ۴۴۷ ه. ق، کتابخانه شیخ طوسی را با سایر محله های کرخ آتش زدند. (۳)

۴. فجایع رئیس الرؤساء

ابن کثیر می نویسد: «رئیس الرؤساء روافض را بسیار اذیت می کرد. وی امر کرده بود تا در اذان، حی علی خیر العمل نگویند و در اذان صبح بعد از حی علی الفلاح، دوبار

ص: ۲۷۱

۱- (۱) الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۵۶۱ به بعد.

۲- (۲) منتظم، ج ۸، ص ۱۵۰.

۳- (۳) این محله، به ابوبکر احمد بن محمد بن عیسی بن خالد سُوری، معروف به مکی منسوب است که در سنه ۳۲۲ فوت کرده است، «معجم البلدان»، ج ۱، ص ۵۳۴.

بگویند: «الصلوه خیرٌ من النوم» و آنچه در مساجد شیعیان و در سردرهای مساجدشان نوشته بود: مُحَمَّد و علی خیر البشر، همه را پاک کنند»^(۱).

محل اقامت و توطن شیخ طوسی، همچون استادش سید مرتضی، در کَرْخ بغداد بود. لیکن چون رئیس الرؤساء، وزیر القائم بالله که مردی خبیث و زشت فطرت بود، یکی از رؤسای شیعه را که ابوعبدالله بن جلاب نام داشت، کشت^(۲) و قصد داشت شیخ را نیز بکشد. متعصبان حنابله و ترکان، کتابخانه و کرسی تدریس و خانه شیخ طوسی را در کرخ بغداد آتش زدند. از این رو شیخ طوسی به نجف اشرف رفت و در آنجا شروع به تدریس کرد. رئیس الرؤساء، عامل این فجایع، سرانجام به دست بساسیری، در سال ۴۵۰ ه. ق، کشته شد.^(۳) نجف اشرف در آن اوان، شهر رسمی نبود، اما به واسطه هجرت شیخ در سال ۴۴۸ تا ۴۶۰ ه. ق که شیخ رحلت کرد، کم کم مرکز تعلیم و تدریس گردید و سپس فضلا و طلاب بدانجا روی آوردند و تا زمان ما که قریب هزار سال می گذرد، از آنجا بزرگانی برخاسته اند.

۵. کشیده شدن حملات خونین حنابله بغداد از شیعه به اهل تسنن

آزار و اذیت حنابله بغداد، منحصر به شیعه نبود. حنابله در بغداد مسجدی بنا کردند که مرکز فتنه و فساد بود. به همین دلیل مردم شیعه و سنی بغداد آن را مسجد ضرار نامیدند. آن را به مسجد ضراری که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را خراب کرد، مانند کردند و به «علی بن عیسی» وزیر شکایت کردند و او دستور ویران کردن آنجا را داد.

به نوشته ابن کثیر، در سال ۳۱۷ ه. ق میان حنابله (خاصه یاران ابوبکر مروزی) با

ص: ۲۷۲

-
- ۱- (۱) «عَلِي خَيْرُ الْبَشَرِ مِمَّنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ»، کلام رسول خداست که اهل سنت نیز این روایت را نقل کرده اند؛ ر. ک: کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۲۵؛ ینابیع الموده، قندوزی حنفی، ص ۲۴۶.
 - ۲- (۲) البدایه والنهایه، ج ۱۲ ص ۶۸.
 - ۳- (۳) تاریخ فخری، ابن طقطقی، ص ۳۹۸.

گروهی دیگر از اهل تسنن، بر سر تفسیر آیه (عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا) (اسراء: ۷۹) فتنه ای خونین برپا شد. مطابق تفسیر حنابله، پیامبر صلی الله علیه و آله همنشین خداوند خواهد شد. اما مخالفان، این تفسیر را نمی پذیرفتند و می گفتند مراد، شفاعت است؛ چنان که بر سر این نزاع عده ای کشته شدند.^(۱)

گفتار سوم: قتل عام شیعه مغرب الاوسط توسط معز بن بادیس زیری

اشاره

در شمال آفریقا و در دوران حاکمیت ادریسیان و فاطمیان، شیعه به اکثریت رسید؛ چنان که در مقدمه شرح الاخبار قاضی نعمان مغربی آمده است: «تشیع ذاتاً در مغرب اسلامی شناخته شده بود و در عصر مؤلف، برخی شهرهای مغرب، نظیر ماجنه، ادبس و نطفه، مشهور به تشیع بودند». مردم افریقیه تا آن زمان بیشتر بر مذهب فاطمی بودند.^(۲) ولی معز بن بادیس، چهارمین امیر آل زیری،^(۳) در سال ۴۴۰ ه. ق خوارج را علیه شیعیان تحریک کرد^(۴) و به ولی نعمتان فاطمی خود، خیانت کرد و مردم افریقیه را به پیروی از مذهب مالک واداشت که به برخی اقدامات او اشاره می شود.

۱. قتل عام قیروان و مهدیه

معز بن بادیس زیری، با ورود به قیروان و با تحریک عوام شهر، قتل عام وحشتناکی علیه شیعه به راه انداخت و حتی به پناه آورندگان به مساجد نیز رحم نکرد.^(۵) ابن خلدون،

ص: ۲۷۳

-
- ۱- (۱) البدایه والنهایه، ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۱۷۴.
 - ۲- (۲) البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، ابن عذاری، ج ۱، ص ۲۸۵. همچنین در این باره ر. ک: تشیع غیر اسماعیلی در مغرب، ویلفرد مادلونگ، ترجمه جواد قاسمی.
 - ۳- (۳) معز بن بادیس، ۱۰۱۶ تا ۱۹ اکتبر ۱۰۶۱ م،
 - ۴- (۴) گفته می شود محرک اصلی معز بن بادیس، مربی و وزیر او، ابن ابی الرجال، ابوالحسن علی کاتب شیبانی مغربی بود. تحریکات آن شاعر ستاره شناس، او را به صورت عامل معنوی یکی از خشن ترین موارد تحمیل عقیده و نیز یکی از ددمنشانه ترین خونریزی های تاریخ در آورد. دفتر زندگی سیاسی ابن ابی الرجال، به عنوان مردی که در مرکز یک سلسله رویدادهای خونین قرار داشته، سخت تیره است؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی [منبع الکترونیکی] ابن ابی الرجال، محمد علی مولوی، ج ۲، ش ۸۱۱.
 - ۵- (۵) شیعه و زمامداران خودسر، محمدجواد مغنیه، بخش ۵.

عامل اصلی این واقعه خونبار را طمع نظامیان تسنن به غارت اموال شیعه می داند و می نویسد: ریشه آن هم، چنان بود که نظامیان و هواخواهان آنان، به غارت اموال شیعیان، طمع داشتند. والی قیروان نیز آن را می خواست؛ زیرا شنیده بود که ابن بادیس می خواهد او را برکنار کند. در نتیجه می خواست شهر را به آشوب بکشاند. در این حادثه، شیعیان بسیاری در آتش سوختند و خانه هایشان غارت شد. تنها در قیروان، سربازان و غلامان معز که از مدت ها پیش به دقت برگزیده شده بودند، سه هزار تن از شیعیان فاطمی را کشتند و قتلگاه ایشان برکه الدم (استخر خون) نام یافت. (۱) در پی آن، کشتار شیعه در تمام افریقه آغاز شد. هر کس که شیعه ای یافت، کشت. گروهی از باقیماندگان آنان در قصر منصور، در نزدیکی قیروان، تحصن کردند. اما عوام، آنان را محاصره کردند و بر آنان سخت گرفتند تا آنکه از گرسنگی به تنگ آمدند. از این رو یکایک که بیرون می آمدند، کشته می شدند. گروهی از آنان در مهدیه، به مسجد جامع، پناه بردند. اما در همان جا به قتل رسیدند. در این واقعه بیست هزار تن از شیعیان قتل عام شدند. (۲)

جالب اینجاست که معز بن بادیس، برای نشان دادن تسنن خود، کاری کرد که در نگاه سلفیان امروز شرک شمرده می شود و شخص انجام دهنده آن باید به قتل برسد. او وقتی از اسب به زمین خورد، به جای خدا، از ابوبکر و عمر یاری خواست. ابن خلدون در این باره می نویسد:

معز بن بادیس پیرو مذاهب اهل سنت بود و گاه نشانه های آن در او آشکار می شد؛ چنان که یک روز در اول حکومتش اسبش در راه سکندری رفت و او در آن حال از شیخین، یعنی ابوبکر و عمر، یاری خواست. چون عامه، این سخن شنیدند، به شیعیان شوریدند و آنان را کشتند و مذهب خویش را آشکار کردند و از اذان «حی علی خیر العمل» را حذف کردند. (۳)

ص: ۲۷۴

۱- (۱) الکامل، ابن اثیر، ج ۹، صص ۵۲۱، ۵۶۶؛ ابن عذاری، ج ۱، صص ۲۸۵-۲۹۰.

۲- (۲) الکامل، ج ۹، ص ۷۶.

۳- (۳) تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۱۵.

این واقعه اسفبار، در ادبیات شمال آفریقا اثر گذاشت؛ به گونه ای که عده ای از شعرا آن را مذمت کرده و در مقابل، تعدادی از شعرای اموی و خوارج به مدح آن پرداختند؛ از جمله قاسم بن مروان:

وسوف یقتلون بکل أرض کما قتلوا بارض القیروان

یکی دیگر از شعرای متعصب اهل تسنن این قتل عام را موجب رضایت ابی بکر می داند و باز آرزوی قتل عام شیعیان را در سراسر زمین و در همه دولت ها می کند و می سراید:

یا معز الدین عش فی رفعه و سرور و اغتباط و جدل

انت ارضیت النبی المصطفی و عتیقا فی الملاعین السفل

وجعلت القتل فیهم سنه باقاصی الارض فی کل الدول

معز زیری، بعد از آن قتل عام وحشتناک، از ترس خلافت فاطمی، منافقانه دوباره به جانبداری از شیعه پرداخت. ابن خلدون در این باره می نویسد:

الظاهر (فاطمی) این خطا را بر او ببخشد. همچنین پسرش معد المستنصر نیز از او چشم پوشید. او (معز) نیز پوزش خواست و بار دیگر به جانبداری از دعوت شیعه پرداخت. (۱)

۲. برخی نتایج اسفبار قتل عام شیعه در آفریقه

بعد از اقدام نابخردانه معز بن بادیس زیری، نه تنها حکومت او در مسیر اضمحلال قرار گرفت و در مدت کوتاهی برچیده شد، بلکه شمال آفریقا به شدت ناامن گردید؛ به این صورت که فرمانروایان فاطمی مصر که عملاً سدی در مقابل هجوم اعراب مهاجر بدوی جزیره العرب به مغرب الاوسط بودند، بعد از جنایت معز، به قبایل عرب نجدی اجازه دادند که به سرزمین فرمانروایی آل زیری مهاجرت کنند. معز زیری نیز با سادگی تصمیم گرفت از اعراب نجدی برای رقابت با پسرعموهای خود استفاده کند. لذا نه تنها

ص: ۲۷۵

با آنان مقابله نکرد، بلکه دختر خود را به امیر آنها داد و با او در باب فراخواندن بقیه قبایل عرب بدوی نجد برای سخت گرفتن بر پسرعموهای خود گفت و گو کرد. او نیز اعراب بدوی را فراخواند. آنها آمدند و چون انبوه ملخ ها رهسپار افریقه شدند، بر چیزی نمی گذشتند مگر آنکه نابودش می کردند و در آن بلاد دست به تاراج و کشتار زدند.^(۱) آن گاه معز بن بادیس را در قیروان محاصره کردند. همه حوالی قیروان و دیه های اطراف، دستخوش غارت و کشتار عرب شد. مردم اطراف به قیروان پناه بردند با این حال کشتار و تاراج، سراسر افریقه را در بر گرفت. عرب های بدوی به مهدیه داخل شدند و دست به غارت و کشتار زدند و هر جا زیبایی و رونقی یافتند، ویران کردند؛ حتی قصرهای خاندان بلکین را مورد غارت و تخریب قرار دادند به طوری که ظرف مدت کوتاهی طومار حکومت آل زیری در هم پیچیده شد و بدین ترتیب، تقریباً تمام کسانی که در قتل عام همسایگان شیعه خود دست داشتند، اعم از صاحب منصبان آل زیری و عوام متعصب، به دست بدویان نجدی قتل عام شدند و به سزای عمل خود رسیدند.^(۲)

تشیع نیز در شمال آفریقا به رغم اقدامات خونبار و قتل عام یاد شده، از میان نرفت و به راه خود ادامه داد. محمد حسین مظفر در کتاب تاریخ الشیعه می نویسد:

کسی که در قرن ما (چهاردهم هجری) کثرت تشیع شهرهای افریقا را ببیند، درک می کند که روح تشیع، بعد از آن همه مصائب دردناک، هنوز باقی مانده است و شاید پس از اینکه شیعیان به دست معز بن بادیس منقرض شدند، بار دیگر به آفریقا راه یافتند. جمعیت های زیادی از آنان همه ساله به زیارت عتبات مقدسه، کربلا و نجف می آیند و جمعیت فراوانی از آنان، موقع حج، در منا دیده می شوند.^(۳)

ص: ۲۷۶

۱- (۱) ابن خلدون می نویسد: «عرب ها برای تصرف بلاد مغرب قرعه زدند: مشرق نصیب سلیم شد و نواحی غربی، از آن هلال. آن گاه شهرهایی چون مدینه الحمراء و اجداییه و اسمرا و سرت را ویران کردند... مصیبت بزرگ و درد تحمل ناشدنی بود». تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۱۶.

۲- (۲) در این باره ر. ک: تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۱۶۲.

۳- (۳) تاریخ الشیعه، محمدحسین مظفر، ص ۱۶۰ به بعد.

بعد از سقوط امویان، اگرچه در بخشی از اندلس دولت بنی حمود علوی تأسیس شد، ولی همچنان مکتب تشیع از حملات ناجوانمردانه متعصبان در امان نماند. (۱) در دوره بنی حمود، شیعه نمود سیاسی - اجتماعی قابل توجهی به دست آورد. ولی گزارشات تاریخی، از آلوده شدن دست برخی امرای متعصب به خون شیعیان این منطقه حکایت می کند، از جمله برخی امیران عقل ستیز مرابطی در موافقی به قتل عام شیعیان این منطقه دست زدند. از چهره های علمی، فرهنگی و شیعی اندلس که قربانی این خصومت ها شدند، شاعر معروف، احمد بن زیدون مخزومی اندلسی (۴۶۴-۳۹۴ ه. ق) و پسرش ابوبکر را می توان نام برد؛ احمد، سرانجام در سال ۴۴۱ ه. ق از قرطبه، مرکز خلافت اموی اندلس، فرار کرد و به معتضد عبادی در اشبیلیه پناه برد. ابوبکر نیز در سال ۴۸۴ ه. ق، پس از فتح قرطبه به دست یوسف بن تاشفین (حکومت: ۴۷۹-۵۰۰ ه. ق)، مؤسس دولت مرابطن، به قتل رسید. (۲)

دانشمند دیگر، محمد بن سلیمان بن حناط رعینی قرطبی، شاعر مقیم قرطبه است که پس از متهم شدن در دینش، از قرطبه متواری شد و پس از ورود به جزیره، مورد حمایت قاسم بن حمود (حکومت: ۴۰۸-۴۱۴ ه. ق) قرار گرفت و عاقبت، به همراه قاسم، در سال ۴۳۷ ه. ق در جزیره کشته شد. (۳) از دانشمندان و ادیبان دیگر این عصر، محمد بن عمار اندلسی شلبی (۴۲۲-۴۷۷ ه. ق) است. ابن خلکان درباره این شاعر اندلسی می نویسد: «... وکانت ملوک الاندلس تخاف من ابن عمار المذکور لبذاءه لسانه وبراعه احسانه...». ابن عمار نیز در سال ۴۷۷ ه. ق، به دست معتمد بن عباد، به قتل رسید. (۴)

ص: ۲۷۷

-
- ۱- (۱) ر. ک: اعیان الشیعه، سید حسن الامین، ترجمه کمال الموسوی، ج ۱، ص ۱۱۷.
 - ۲- (۲) اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۳۹؛ تاریخ عرب، حتی، ص ۷۱۵.
 - ۳- (۳) المغرب فی حلی المغرب، ابن سعید مغربی، ج ۱، صص ۱۲۱-۱۲۳.
 - ۴- (۴) اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۴۲۵؛ ر. ک: فصلنامه تاریخ اسلام، سیدمهدی جوادی، ش ۲۷، پاییز ۱۳۸۵.

همچنین جمال الدین ابوالمکارم مهلبی که در اندلس متولد شد، مدتی در شمال آفریقا به تحصیل پرداخت. وی در منزل شخصی اش، به دست برخی متعصبان، به شهادت رسید.

قتل عام تارودنت

تاریخ ابن خلدون، اولین منبعی است که به قتل عام تارودنت اشاره کرده است. وی در این باره می نویسد:

یوسف بن تاشفین (۴۵۳-۵۰۰ ه. ق) در عبور از اندلس، ابتدا سبته و طنجه را که تحت نفوذ حامیان بنوحمود بود، تصرف کرد و در تارودنت (مرکز سوس) شیعیان را قتل عام کرد.^(۱)

مرابطان به خاطر اقدامات عقل ستیزانه و شیعه ستیزانه، مدت زیادی دوام نیاوردند و نهایتاً به دست موحدان، به رهبری محمد بن تومرت، از میان رفتند. ابن تومرت، خود را علوی و اصحاب خود را موحدین نامیده بود تا به کنایه و تعریض قبایل لمتونه را که از تأویل عدول کرده بودند و به تجسیم گرایش یافته بودند، نکوهش کند.^(۲)

ص: ۲۷۸

۱- (۱) ر. ک: ماهنامه تاریخ اسلام، «تحول اندیشه های فلسفی کلامی در دوره مرابطين»، محمدرضا پاک، ش ۸، ۱۳۸۸؛

نشانی در فضای مجازی: <http://www.hz.net/ticle/ticleview/۸۴۲۵۲>

۲- (۲) ر. ک: تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۲۴۱.

فصل ششم: گشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن ششم هجری

اشاره

ص: ۲۷۹

اسماعیلیه را می توان پس از امامیه، بزرگ ترین فرقه شیعه دانست که در عین حال ناشناخته ترین فرقه شیعی نیز به شمار می رود. (۱) درباره عقاید این فرقه، نظرات متناقضی ارائه شده است. ولی با مطالعه متون اسماعیلی می توان این رأی را صائب دانست که جز آن بخش از تاریخ و عقاید اسماعیلیان که با بدعت حسن دوم نزاری و دروزی ها ورق خورده است، بقیه حاکمان و رهبران اندیشه دینی اسماعیلی و بخش عمده معتقدان این فرقه، بر پذیرش اصول دین اسلام متفق بوده اند. بنابراین بسیاری از نوشته های تاریخی که به انحرافات دینی آنها اشاره می کند، در راستای سیاست های تخریبی خلفای عباسی و حاکمان بعد از آنها و در ادامه تکذیب اصالت نسب فاطمیان و شوراندن عوام علیه آنها بوده است؛ (۲) برای مثال المعز لدین الله، چهارمین فرمانروای فاطمی و بنیانگذار شهر قاهره و جامع الأزهر، درباره اعتقادات شیعه اسماعیلیه و سادات فاطمی می نویسد:

راجع به بعضی به ما خبر رسیده که آنها درباره ما غلو می کنند... حرف های غلوآمیزی به ما نسبت می دهند که نه خودمان آنها را گفته ایم نه کسی درباره ما گفته است. ما از کذب آنها به خدا پناه می بریم. ما بندگان خداییم و مخلوق او... خداوند علمی را که به

ص: ۲۸۱

۱- (۱) مقدمه ای بر اندیشه سیاسی اسماعیلیه، عبدالله ناصری طاهری، ص ۱۱.

۲- (۲) همان، ص ۵۵.

جد ما پیغمبر صلی الله علیه و آله عطا فرموده، ما ارث برده ایم... ما ادعای پیغمبری و نبوت نداریم، ما فقط حافظ مقام امامت هستیم؛ حلال و حرام ما با احکام قرآن یکی است. (۱)

در میان مورخان اهل تسنن، ابن خلدون با انصاف بیشتری نسبت به اسماعیلیان نگریسته است. وی نسب فاطمیان را صحیح می داند که به امام صادق علیه السلام می رسد و قیل و قال علمای دربار عباسی را در طعن فاطمیان و اسماعیلیان، رد می کند. (۲) در دوره معاصر نیز پژوهشگران زیادی بر این موضوع صحه نهاده اند؛ برای مثال همدانی یعبری، دانشمند سنی معاصر که درباره فاطمیان و اسماعیلیان تحقیقات گسترده ای انجام داده است، می نویسد:

إن دعاه الفاطميين نادوا بالتوحيد، وتوحيد الله عندهم ينفي جميع ما يليق بمبدعاته عنه، فهم ينزهون الله سبحانه وتعالى عن جميع ما يوصف به خلقه من الصفات والنعوت. (۳)

همین محقق می نویسد: «اسماعیلیان فاطمی، در آداب و فروع دین، همانند سایر مسلمانان هستند». (۴) با این حال اسماعیلیان، به خاطر اقدامات برخی حاکمان، به اتهامات متعدد و چه بسا شگفت انگیزی متهم شدند که در رد آن اتهامات کتاب های زیادی نوشته شده است. (۵) این نکته حائز اهمیت است که اسماعیلیان، در حفظ مرزهای سرزمین های اسلامی در مقابل کفار، شجاعت های زیادی از خود نشان دادند. آنها با محوریت دولت فاطمی مصر در برابر مهاجمان صلیبی، مقاومت کردند. علاوه بر آن، اسماعیلیان شام که در منطقه فلسطین ساکن بودند، با صلیبی ها جنگ های

ص: ۲۸۲

۱- (۱) المجالس والمسایرات، تمیمی مغربی، نعمان بن حیون، ص ۷۳. به نقل از همان، صص ۵۵ و ۵۶.

۲- (۲) تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۲، ص ۵۶۱.

۳- (۳) الصلحیون والحرکه الفاطمیه فی الیمن من سنه ۲۶۸ الی سنه ۶۲۶ ه. ق، حسین بن فیض الله همدانی یعبری، ص ۲۶۴.

۴- (۴) همان، ص ۲۴۸. در اندیشه اسماعیلیان، امامت به عنوان عنصر اصلی قدرت سیاسی و اساس مشروعیت دولت در نظر گرفته شده که از جهات بسیاری با اندیشه شیعه اثنی عشریه و زیدیه همخوانی دارد. ر. ک: الحاکم بأمر الله، عارف تامر، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۵- (۵) از جمله براهه الاسماعیلیه من تهمة الضلالیه، جاد الحق سید الکاظمی.

متعددی داشتند. (۱) همچنین فدائیان اسماعیلی نزاری، در طول جنگ های صلیبی، موفق به قتل پادشاه صلیبی بیت المقدس و حاکم صلیبی انطاکیه شدند. (۲) مورخان به جنگ های متعدد آل مسافر (۳)، سلسله ایرانی اسماعیلیه مذهب در آذربایجان، با روس های مهاجم و نبردهای اسماعیلیان مولتان با هندوان (۴) و غزوات دولت محلی کلییان سیسیل (صقلیه) با رومیان و نورماندی های مهاجم، (۵) اشاره کرده اند که معمولاً در این خبرها پیروزی از آن شیعیان اسماعیلی بود و آنها موفق به گسترش مرزها و حفظ سرزمین های اسلامی از دست مهاجمان می شدند. مع الاسف، با اینکه معمول شیعیان اسماعیلی به ارکان اساسی دین مبین اسلام و اصول و فروع آن معتقد بودند، گرفتار تعصب بی حد امرا و مفتیان عامه می شدند و چه بسا افراد بی گناه نیز به اتهام اسماعیلی بودن به قتل می رسیدند. (۶) این در حالی است که مطابق موازین اسلام، قتل

ص: ۲۸۳

- ۱- (۱) نقش اسماعیلیان در جنگ های صلیبی، عبدالله ناصری طاهری، ص ۲۶۸.
- ۲- (۲) متأسفانه جنگ های صلیبی تاکنون بیشتر از منظر غربی تحلیل شده و اروپاییان پیش و بیش از مسلمانان آن را بررسی کرده اند. از این رو نقش تاریخی اسماعیلیان (اعم از فاطمیان مستعلوی و نزاریان شام) به ویژه مقاومت و پایداری فاطمیان مصر در مقابل صلیبی ها مغفول مانده است. همان، ص ۱۰.
- ۳- (۳) نام دودمانی ایرانی است که میان سال های ۳۳۰ تا ۳۷۰ هجری، برابر با ۹۴۱ تا ۹۸۰ میلادی بر آذربایجان و بخش هایی از قفقاز فرمان می راندند؛ آنان دیلمی بودند و به اسماعیلیه گرایش داشتند. نام های دیگر این سلسله عبارتند از: کنگریان، سالاریان، سلاریان، بنی سالار، بنی سلار؛ ر. ک: زامباور، ص ۲۷۵.
- ۴- (۴) اسماعیلیان مولتان، نام یک دولت محلی اسماعیلی است که در منطقه سند، از سال ۳۷۶ تا ۴۰۰ ه. ق، حاکمیت داشت که با خاندان سومرایی، نمونه ای از حضور سیاسی شیعه اسماعیلی در سند در مقابل مغندها به شمار می روند؛ ر. ک: احسن التقاسیم مقدسی، ج ۲، ص ۷۰۷؛ تاریخچه اسماعیلیه، فرهاد دفتری، ص ۱۸۰؛ حدود العالم، صص ۲۹۸-۳۰۷.
- ۵- (۵) کلییان سیسیل یک سلسله شیعی عرب است که از طرف فاطمیان از سال ۳۳۶-۴۲۷ ه. ق بر این جزیره حکومت کردند و موفق به تسخیر کامل جزیره و شکست دادن رومیان و جهاد با نورماندی های مهاجم شدند؛ ر. ک: تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۹۳؛ تاریخ الاسلام، الذهبی، ج ۱۵، صص ۱۵۸ و ۱۵۹؛ الکامل، ج ۱۹، ص ۲۶؛ الأعلام، ج ۲، صص ۱۰۴ و ۱۰۵؛ رائف الفرائض، ص ۵؛ والمقتطف، ج ۱۵، ص ۱۳۲؛ زامباور، ص ۱۰۷.
- ۶- (۶) برای مثال، در سال ۵۳۲ قمری با قتل راشد، خلیفه عباسی در اصفهان به دست گروهی از سربازان خراسانی اش، تعداد زیادی از شیعیان اسماعیلی غیر مرتبط با موضوع قتل عام شدند؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۷۹۵.

انسان کافر نیز که در مرزهای اسلام سکونت دارد، جایز نیست. خواجه نظام الملک طوسی، به برخی سخت گیری های منجر به قتل عام مسلمانان شیعه اسماعیلی در زمان سلاجقه اشاره می کند که نقش تخریبی مفتیان متعصب و درباری در این باره مورد توجه است. وی می نویسد: «قضات سنی مذهب سلطان (آلب ارسلان)، قاضی ابوبکر و امام مشطب در همراهی با سلطان، فتوا به قتل شیعه دادند» (۱). حتی برخی مفتیان متعصب عامه، به اتهام شیعه اسماعیلی بودن، سوزاندن را تجویز می کردند، خواجه رشیدالدین می نویسد:

ابوالقاسم مسعود بن محمد خجندی که در ایام برکیارق رئیس شافعیان اصفهان بود، تعصبی شدید علیه اسماعیلیان به خرج داد. جمعیت انبوهی با سلاح گرد او آمدند و به دستور او خرمن های آتش افروختند و هر کسی را که به تهمت اسماعیلی گرفتار می شد، در آتش می افکندند و به این علت، اسماعیلیان او را مالک دوزخ لقب داده بودند (۲).

قتل عام های دوره ای شیعیان اسماعیلی، پیش از آن که مذهبی باشد، سیاسی بود؛ چراکه ترکان سلجوقی، مهم ترین جایگزین حاکمیت خود را شیعیان اسماعیلی قلمداد می کردند. گزارشات تاریخی، مشحون از حملات خونین سلاجقه علیه اسماعیلیان است (۳) که برخی از آنها عبارت اند از:

۱. قتل عام قهستان و طبس توسط سنجر سلجوقی

سلطان سنجر سلجوقی، در حدود سال ۴۹۵ ه. ق در قهستان دست به کشتار زد و

ص: ۲۸۴

۱- (۱) سیاست نامه، نظام الملک طوسی، تصحیح عباس اقبال، ص ۲۰۱؛ به نقل از: چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، روح الله حسینیان.

۲- (۲) رشیدالدین فضل الله، ص ۱۲۱؛ زبده التواریخ، جمال الدین ابوالقاسم کاشانی، تصحیح محمدتقی دانش پژوه، ص ۴۷۴.

۳- (۳) النقص، ص ۵۴؛ تاریخ مذهبی قم، ص ۴۱۷.

گروهی از اسماعیلیان را به بردگی گرفت. ولی بعدها از ترس انتقام گیری اسماعیلیه، دست از اقدامات خود برداشت. علاوه بر آن، در دوره سنجر، حملات علمی - فرهنگی فراوانی علیه شیعه جریان داشت. در مقابل، دانشوران شیعه به دفاع از تشیع برخاستند. ولی چون حکومت از متعصبان عامه حمایت می کرد، در تنگنا قرار گرفته و عده ای از آنها به خاطر دفاع از تشیع به شهادت رسیدند. از جمله این شهدا، شیخ فتال نیشابوری است (۱) که در نیشابور، در جلسات با مردم، در مقابل شبهه پراکنی دشمنان مذهب ایستادگی فراوان کرد و در کتاب تفسیر خود و کتاب روضه الواعظین به دفاع از مبانی تشیع برخاست (۲) و در نهایت در همین راه به شهادت رسید. (۳)

۲. قتل عام شیعیان اسماعیلی اصفهان و شهادت برخی نخبگان امامیه توسط برکیارق

آنچه به خونریزی ها، در زمان برکیارق، بیشتر دامن می زد، این بود که دسته های سلجوقی مخالف برکیارق، سربازان سلطان را به تشیع اسماعیلی متهم می کردند و از جانب دیگر، حمله اسماعیلیان به امرای مخالف او را از چشم برکیارق می دیدند. نهایتاً قدرت رو به افزایش اسماعیلیان، برکیارق را بر آن داشت که دست به کاری بزند. با

ص: ۲۸۵

۱- (۱) فتال نیشابوری صاحب دو کتاب معروف به نام «روضه الواعظین و تبصره المتعظین» و کتاب «التنوير في معاني التفسير» است.

۲- (۲) مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۶؛ فوائد الرضویه، ص ۴۶۹؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۷۵.

۳- (۳) قاتل او ابوالمحاسن عبدالرزاق، رئیس نیشابور است. در بعض عبارات آمده است: قتله و هو رئیس النیشابور. این عبدالرزاق خود در ایام جوانی از دوستان ائمه شیعه بود تا اینکه سلطان سنجر سلجوقی او را وزیر خود قرار داد. وی در دربار حکومت به انسانی فاسد تبدیل شد تا جایی که خود سلطان سنجر سلجوقی، در مرو، به وزیر، معین الدین ابی نصر احمد کاشی می گوید: «تمام صفات پست را در او می بینم». اما نکته مهم این است که عبدالرزاق از سال ۵۱۳ تا ۵۱۵ حاکم و رئیس نیشابور بود. در حالی که فتال در سال ۵۰۸ به شهادت رسید. پس در زمان ریاست عبدالرزاق نبوده است؛ مگر اینکه گفته شود: عبدالرزاق در زمانی که صاحب محراب و درس بوده، به قتل او فتوا داده است و این قبل از ایام وزارت اوست؛ فوائد الرضویه، ص ۴۶۹؛ روضات الجنات، ج ۶، ص ۲۵۹؛ معالم العلماء، ص ۱۱۶.

فرمان برکیارق، سربازان و اهالی شهر در جست و جوی افراد اسماعیلی و مظنونان به همکاری با آنان برآمدند. یک اتهام کوچک کافی بود که شخص را به چنگ سربازان بيفکنند. تعداد زیادی دستگیر و به میدان بزرگ شهر آورده شدند و در آنجا به قتل رسیدند. ابن اثیر می گوید:

بی گناهان بسیاری در آن روز فدای انتقام جویی های شخصی و خصوصی شدند. اقدامات ضد اسماعیلی از اصفهان به بغداد کشیده شد. اسماعیلیان در اردوگاه بغداد قتل عام و کتاب های اسماعیلی طعمه حریق شدند. در سال ۴۹۵ قمری، برکیارق با سنجر که در خراسان فرمان روایی داشت، به توافق رسید که مشترکاً علیه اسماعیلیان وارد کارزار شوند. بر همین اساس، طی یک فرمان وحشت آور، دستور قتل عام اسماعیلیان اصفهان، بغداد و افرادی را که مظنون به همکاری با اسماعیلیان بودند را صادر کرد(۱).

قاضی نورالله شوشتری، در مجالس المؤمنین، ضمن اشاره به مجدالملک ابوالفضل اسعد بن محمد بن موسی البراوستانی القمی(۲) می نویسد:

لشکریان برکیارق به رغم اینکه سلطان با ایشان شرط کرد که قصد جان او نکنند، اما ایشان اطاعت نکردند و او را شهید ساختند(۳).

شیخ عبدالجلیل رازی درباره مجدالملک می نویسد:

«جناب خواجه، شیعی معتقد مستبصر عالم عادل بود و از آثار مجدالملک، قبه حسن بن علی علیه السلام است در بقیع که علی زین العابدین و محمدباقر و جعفرصادق و عباس بن عبدالمطلب علیهم السلام در آنجا آسوده اند. مشهد امام موسی کاظم و امام محمدتقی علیهما السلام، در مقابر قریش در بغداد هم، او فرموده است و مشهد سید عبدالعظیم حسنی در شهر ری و غیر

ص: ۲۸۶

۱- (۱) ر. ک: الکامل فی التاریخ، ج ۶، صص ۴۰۲-۴۰۸.

۲- (۲) صاحب معجم البلدان گفته است: «براوستان، دیهی [روستایی] است از قم و از آنجاست وزیر مجدالملک ابوالفضل اسعد بن محمد براوستانی که وزیر سلطان برکیارق بن ملکشاه بود».

۳- (۳) مجالس المؤمنین، ج ۲، صص ۴۵۸ و ۴۵۹.

۳. قتل عام شاهدز و لنجان

با وجود کشتارهای عظیمی که از اسماعیلیان در اصفهان شد، چون قلاع مستحکم شاهدز و خان لنجان هنوز در اختیار آنان بود، عده ای از آنها توانستند جان خود را حفظ کنند؛ بر همین اساس هنگام مرگ برکیارق، در ۴۹۸ ه. ق و بر تخت نشستن سلطان محمد تپر به جای او، آنان هنوز در منطقه اصفهان حضور پررنگی داشتند (۲). سلطان محمد، سرانجام با اصرار متعصبان، قلعه های شاهدز و خان لنجان را محاصره کرد و در جریان محاصره احمد بن عبدالملک عطاش، بزرگ اسماعیلیان در اصفهان، به مذاکره برای اثبات مسلمان بودن خود و مردم قلعه روی آورد. ابن اثیر می گوید: احمد بن عطاش در پیامی که برای سلطان فرستاد، حجت آورد که اسماعیلیان مسلمانان واقعی هستند؛ زیرا آنان به خداوند بزرگ و کتب و رسل او و قیامت ایمان دارند و به آنچه حضرت محمد صلی الله علیه و آله آورده است نیز مؤمن هستند و تفاوت آنان با اهل سنت فقط در موضوع امامت است. بنابراین، به اعتقاد او، سلطان را هیچ دلیل شرعی برای انجام عملیاتی علیه آنان نیست؛ به خصوص که اسماعیلیان حاضرند اطاعت سلطان را بپذیرند و به وی خراج دهند. این پیام به یک مباحثه دینی بین عالمان اهل تسنن اصفهان منجر شد. به نظر می آید در ابتدا بیشتر مناصحان، فقها و علمای سنی مایل به پذیرفتن استدلال اسماعیلیان بودند. اما معدودی خواهان اتخاذ تصمیم و نظری شدید بودند؛ از جمله آنان ابوالحسن علی بن عبدالرحمان سمنجانی، از شیوخ شافعیان بود که در مقابل منصفان اهل تسنن ایستاد. ابوالحسن ابن الاثیر در کتاب خود به این موضوع

ص: ۲۸۷

۱- (۱) مجالس المؤمنین، ج ۲، صص ۴۵۸ و ۴۵۹.

۲- (۲) ر. ک: فصلنامه تاریخ اسلام، «اسماعیلیان اصفهان»، محمدعلی چلونگر، ش ۱۴، تابستان ۸۲. نشانی مقاله با ارجاعات

در فضای مجازی: http://www.sh_eh.com/persi/m_ine/t_ikh_i/۱۴/index.htm

ابوالحسن علی بن عبدالرحمان سمنجانی، از شیوخ شافعیان دوره سلطان محمد، در سال ۵۰۰ قمری در حضور خلقی کثیر، قتل اسماعیلیان را قایل گشت و گفت: «با وجود اقرار آنان به همه اصول و ارکان دین مبین، چون آنان به امامی قایل اند که آنچه را شرع ممنوع ساخته است، مباح و مباح شریعت را ممنوع می سازد، قتلشان واجب است»^(۱).

اسماعیلیان باز از سلطان خواستند فردی از علما را برای مباحثه نزد آنان به قلعه بفرستند. سلطان عده ای از علما، از جمله قاضی ابوالعلا صاعد بن یحیی را که شیخ حنفیان اصفهان بود، فرستاد؛ ولی آنها نیز نخواستند استدلال اسماعیلیان مبنی بر اسلام را بپذیرند^(۲) و نهایتاً سلجوقیان با تصرف قلعه خان لنجان و قلعه شاهدز ساکنان آن را قتل عام کردند^(۳). این در حالی بود که استدلال متعصبان از جمله سمنجانی برای قتل عام اسماعیلیه اصفهان، یک نوع مغالطه برای شوراندن عوام علیه شیعیان اسماعیلی بود؛ چراکه در بین اهل تسنن نیز امامان کلامی و فقهی متعددی وجود داشته اند که چه بسا اعتقاد طرف مقابل را مخالف با شرع می دانند و حتی هواداران طرف مقابل را تکفیر کرده و در امور فقهی نیز امام یا مفتی ای از آنها موردی را مباح می داند که طرف مقابل آن را حرام می شمارد^(۴). همچنین اقدام سمنجانی در تشویق متعصبان به قتل عام شیعیان اسماعیلی، با مبانی و موازین اسلام و قرآن نیز کاملاً در تعارض بود؛ چراکه آیات قرآن تصریح دارد که اگر شخصی اعلام اسلام کرد، نباید او را کافر نامید: (وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَى إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا) «به کسی که اظهار صلح و اسلام می کند نگویید:

ص: ۲۸۸

۱- (۱) الکامل، ج ۶، ص ۴۷۳.

۲- (۲) همان، ص ۴۷۳.

۳- (۳) ر. ک: زبده التواریخ، جمال الدین ابوالقاسم کاشانی، تصحیح محمدتقی دانش پژوه، ص ۱۵۶.

۴- (۴) اگر بخواهیم اختلافات کلامی و فقهی میان فرق اهل تسنن، موارد تکفیر طرف مقابل و مباح شمردن محرمانی که طرف مقابل حرام می داند و محرمانی را که طرف دیگر مباح می داند، احصا کنیم، چندین جلد قطور خواهد شد.

"مسلمان نیستی" (نساء: ۹۴). اما متأسفانه این کاری است که معمول تکفیر کنندگان از صدر اسلام تاکنون به راحتی انجام می دهند و چه بسا خون های زیادی را با تکفیر می ریزند و نوامیس زیادی را هتک می کنند.

در مورد قتل عام اسماعیلیان چند نکته قابل توجه است:

الف) مورخان اهل سنت مباحثات اسماعیلیه با امرا و علمای متعصب را نوشته اند. آنها به راحتی شیعیان اسماعیلی را به کفر متهم می کنند و می کوشند یک بخش کوچک از تاریخ اسماعیلیه را به تمام بخش های آن سرایت دهند. این در حالی بود که عمده خصومت آنها به این موضوع برمی گشت که شیعیان اسماعیلی موفق شده بودند در مصر و شمال آفریقا، در خلافت رقیب خلفای عباسی بغداد باشند که این برای سیطره عباسیان، بزرگ ترین خطر بود؛ به همین دلیل، به گفته ابن خلدون، عباسیان به هر اقدام ناجوانمردانه ای برای مقابله با آنها دست زدند.

ب) فرمانروایان و مفتیان عامه پا را فراتر نهادند و در عین حال که شیعه اسماعیلیه را کافر نامیدند، حتی حقوق کفار ساکن در سرزمین های اسلامی را نیز در مورد آنها زیر پا گذاشتند؛ چراکه در آیین اسلام برای کفار نیز حقوقی در نظر گرفته شده که مهم ترین آنها حفظ دماء و نوامیس آنها در ذمه حکومت اسلامی است. ولی مع الأسف این حق را نیز برای شیعیان اسماعیلی قائل نشدند. ایوبیان نیز در قتل عام فاطمیان مصر افراط کردند و جنایاتی مرتکب شدند که با صلیبیان که کفار حربی به شمار می رفتند، نکردند (۱)؛ به همین دلیل در مصر و شامات حق حیات مسیحیت حفظ شد؛ چنان که امروزه ده درصد از جمعیت مصر و شامات را مسیحیانی تشکیل می دهند که در همه دوره های تاریخی، با مسیحیان مهاجم، اعم از صلیبیان و استعمارگران، همکار بوده اند.

ص: ۲۸۹

۱- (۱) ر. ک: الشیعه فی مصر من الامام علی حتی الامام الخمینی، صالح الوردانی.

۴. قتل برخی از نخبگان امامیه در این دوره

در این دوره برخی از نخبگان شیعه امامیه نیز به شهادت رسیدند. از جمله مجدالملک ابوالفضل اسعد بن محمد بن موسی البراوستانی القمی بود^(۱) قاضی نورالله شوشتری، در مجالس المؤمنین در این باره می نویسد:

لشکریان برکیارق به رغم اینکه سلطان با ایشان شرط کرد که قصد جان او نکنند، اما ایشان اطاعت نکردند و او را شهید ساختند^(۲).

شیخ عبدالجلیل رازی درباره مجدالملک می نویسد:

«جناب خواجه، شیعی معتقد مستبصر عالم عادل بود و از آثار مجدالملک، قبه حسن بن علی علیه السلام است در بقیع که علی زین العابدین و محمدباقر و جعفرصادق و عباس بن عبدالمطلب علیهم السلام در آنجا آسوده اند. مشهد امام موسی کاظم و امام محمدتقی علیهما السلام، در مقابر قریش در بغداد هم، او فرموده است و مشهد سید عبدالعظیم حسنی در شهر ری و غیر آن از مشاهد سادات علوی و اشراف فاطمی، از آثار اوست»^(۳).

گفتار دوم: گشتار جمعی شیعه توسط ایوبیان

۱. خیانت ایوبی ها به درخواست فاطمیان برای مقابله با دشمن مشترک (صلیبی ها)

فاطمیان مصر، برای مبارزه با دشمن مشترک مسلمانان، یعنی صلیبی های مهاجم، دست وحدت با کردان ایوبی شام دادند و آنها را برای مبارزه با صلیبیان، به مصر دعوت کردند^(۴). اما ایوبی ها بعد از رسوخ در تار و پود حکومت فاطمی، ناجوانمردانه به آن

ص: ۲۹۰

۱- (۱) صاحب معجم البلدان گفته است: «برواستان، دیهی [روستایی] است از قم و از آنجاست وزیر مجدالملک ابوالفضل اسعد بن محمد براوستانی که وزیر سلطان بر. کیارق بن ملکشاه بود».

۲- (۲) مجالس المؤمنین، ج ۲، صص ۴۵۸ و ۴۵۹.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) تجارب الامم، مسکویه الرازی، ج ۵، ص ۶۵.

خیانت کردند و قبل از اینکه به مبارزه با صلیبی ها بپردازند، ابتدا به قتل و براندازی ولی نعمتان خود در مصر مشغول شدند و نهایتاً با کودتای صلاح الدین در قاهره که با نسل کشی و قتل عام فاطمیان و شیعیان همراه بود، جنایاتی مرتکب شدند که روی صلیبی های خونخوار را سفید کردند.^(۱) این رویداد تلخ تاریخی، اثبات کرد که شیعه برای مبارزه با دشمن مشترک مسلمانان، یعنی کفار حربی، به راحتی تمام مظالم تاریخی متعصبان را فراموش می کند و با آنها متحد می شود. ولی متعصبان عامه، برعکس از فرصت این اتحاد، برای نسل کشی و قتل عام بیشتر شیعه، استفاده می کنند و قبل از اینکه کفار حربی را به قتل برسانند، به کشتن برادران شیعه خود اقدام می کنند؛ به عبارت دیگر، بزرگ ترین اشتباه فاطمیان اعتماد کردن به دشمن تاریخی شان بود. قتل عالمان و دانشمندان عقل گرای جامعه اسلامی، نظیر سهروردی و قتل عام سادات و مردم عادی، از اموری بود که صلیبی ها هیچ گاه موفق به انجام آن نشدند. ولی ایوبیان، با بی رحمی، آن امور را مرتکب شدند.^(۲) بعدها مورخان متعصب، جنایات ایوبیان و در رأس آنها صلاح الدین را در پشت سر فتوحات او در جنگ با صلیبی ها پنهان کردند و از جنایات او علیه مسلمانان سخنی نگفتند.^(۳)

تاریخ نشان می دهد حکومت صلیبی های اورشلیم، از مدت ها پیش از روی کار آمدن صلاح الدین، رو به اضمحلال و ضعف بود و مقاومت شیعیان اسماعیلیه، قتل برخی امرای صلیبی به دست فداییان اسماعیلی و خستگی جامعه اروپایی از ادامه جنگ های صلیبی، عملاً صلیبی ها را در مسیر شکست قرار داده بود. بنابراین سرنوشت محتوم صلیبی های

ص: ۲۹۱

۱- (۱) شیعه در مصر، الوردانی، ص ۶۹.

۲- (۲) تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۱۶؛ اهل بیت در قلب مصر، گلی زواره: www.hz.net؛ فاطمیان در مصر، ناصری طاهری، ص ۹۸.

۳- (۳) تاریخ اسلام، ذهبی، ج ۳۹، صص ۲۷۴ و ۲۷۵؛ حسن المحاضره فی تاریخ مصر والقاهره، سیوطی، ج ۲، ص ۱۶.

مهاجم در منطقه فلسطین، شکست و اخراج آنها بود و بزرگ نمایی نقش صلاح الدین برای تحت الشعاع قرار دادن جنایات او علیه شیعیان صورت گرفته است تا آنجا که برخی محققان اهل تسنن معاصر، از جمله حسن الامین، در کتاب «الوطن الاسلامیه بین السلاجقه والصلیبیین» به نقد بزرگ نمایی های انجام شده در مورد صلاح الدین پرداخته اند.^(۱) مورخان نوشته اند: عاضد، فرمانروای فاطمی، صلاح الدین را وزیر خود کرد و به وی المَلِکُ الناصر (فرمانروای نصرت کننده) لقب داد. ولی او به قبضه کردن قدرت برای خود و خاندانش می اندیشید. بر همین اساس ابتدا اظهار تشیع می کرد،^(۲) ولی شروع به بسترسازی برای تثبیت قدرت خود نمود؛ به عوام فریبی روی آورد و اعلام کرد از کارهای ناشایست قبلی خود، نظیر شرابخواری، توبه کرده است.^(۳) مرگ عاضد، خلیفه فاطمی، شرایط ویژه ای برای او به وجود آورد.^(۴) صلاح الدین بعد از سوگواری بر عاضد، بر هر چه در قصر بود، چنگ انداخت؛ چون بهاءالدین قراقوش، نایب او، بیش از مرگ عاضد ترتیب کارها را داده بود. لذا وقتی خلیفه از دنیا رفت، تمام دارایی قصر را تحویل صلاح الدین داد^(۵) و قضات و صاحب منصبان شیعه را کنار زد.^(۶) فاطمیان و شیعیان مصر، پس از مرگ عاضد، با داوود، پسر او بیعت نمودند و چون این خبر به گوش صلاح الدین رسید، به قتل عام آنها اقدام و داوود را از قصر اخراج کرد. چندی بعد پسر داوود، به نام

ص: ۲۹۲

-
- ۱- (۱) الوطن الإسلامی بین السلاجقه والصلیبیین، حسن الامین؛ ر. ک: مجله کتاب ماه و دین، «خلاصه کتاب میهن اسلامی در عهد سلجوقیان و صلیبی ها»، ش ۶۵.
 - ۲- (۲) تاریخ فاطمیان، الصنهاجی، صص ۱۱۳-۱۱۶.
 - ۳- (۳) النجوم الزاهره فی ملوک مصر والقاهره، ابن تغری، ج ۶، صص ۶ و ۷.
 - ۴- (۴) در مورد مرگ عاضد اقوال متعددی وجود دارد؛ عده ای قائل اند به مرگ طبیعی مرد و گروهی معتقدند خود را مسموم کرد. همچنین گفته شده است صلاح الدین او را مسموم کرد، سپس در تشیع جنازه او، درحالی که سینه چاک می کرد، راه افتاد. تاریخ فاطمیان، صنهاجی، ص ۱۱۶.
 - ۵- (۵) الکامل، ج ۲۲، صص ۳-۵.
 - ۶- (۶) ر. ک: البدایه والنهایه، ج ۱۲، ص ۲۶۳.

سلیمان، در صعید مصر خروج کرد که وی نیز به زندان افکنده شد و در همان جا مرد. سپس محمد بن عبدالله بن عاصد در ناحیه فأس مغرب، دعوت خود را آشکار کرد و خود را مهدی خواند که او نیز در نهایت به دار آویخته شد؛ بدین گونه فاطمیان یکی پس از دیگری به قتل رسیدند. (۱)

۲. اقدامات خونبار صلاح الدین برای نابودی سادات فاطمی و شیعه در مصر

الف) نسل کشی سادات فاطمی

صلاح الدین برای براندازی دولت فاطمیان به اقدامات زیادی دست زد:

یک - نسل کشی آرام و بی صدا: او خانواده عاصد را به محلی از قصر برد و نگهبانانی بر آنان گمارد (۲) و با جداسازی زنان و مردان، موجب انقطاع نسل آنان گردید و آنها را با مرگ تدریجی روبه رو کرد. (۳)

دو - تقسیم کشور بین افراد خانواده خود: صلاح الدین بخش های مختلف مملکت فاطمی را میان افراد خانواده خود تقسیم کرد. (۴)

سه - آمادگی برای جنگ و سرکوب: از بیم مقاومت مسلمانان شیعه، قلعه هایی ساخت که مهم ترین آن، دژ سلطان صلاح الدین در قاهره است که وی در آنجا سکنا گزید. (۵)

چهار - ایجاد سیاست وحشت و اختناق: به گونه ای که شیعیان یا تقیه می کردند یا به سرزمین شام و نواحی جنوبی مصر می گریختند.

ص: ۲۹۳

۱- (۱) تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۱۶.

۲- (۲) تاریخ الکامل، ج ۲۲، ص ۷.

۳- (۳) تاریخ ابن خلدون، ج ۳، صص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۴- (۴) سلسه های اسلامی، بوسورث، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۵- (۵) تاریخ تمدن اسلام، زیدان، ج ۵، ص ۹۶۸.

بر اثر سیاست های افراطی صلاح الدین، شیعیان دست به قیام علیه مظالم او زدند؛ از جمله قیام رمضان سال ۵۹۶ ه. ق که با سرکوبی آن، تمام دست اندرکاران آن، قتل عام شدند. انقلاب های دیگری در برخی نواحی مصر، مثل «فقط» و «صعید» رخ داد که تمامی آنها با فشار و ایجاد رعب و کشتار خاموش شد. (۱)

همچنین قیام دیگر شیعیان با شعار «یا آل علی یا آل علی» در قاهره به شدت سرکوب گردید. (۲) همچنین در منطقه «اسوان» قیام بزرگی برپا شد؛ به این صورت که بعد از کودتای صلاح الدین ایوبی علیه فاطمیان، وی نواحی حاصلخیز را به صورت اقطاع به خویشاوندان و دوستانش واگذار کرد؛ از جمله منطقه صعید را به برادر ابی الهیجاء داد. کنزالدوله، یکی از امرای عرب در ناحیه اسوان که از شیعیان و سادات علوی مصر بود، از پذیرفتن این امر خودداری نمود و با کمک اعراب و سیاه پوستان منطقه اسوان، به برادر ابی الهیجاء حمله کرد و او را به قتل رسانید.

صلاح الدین با لشکر فراوانی به بلاد اسوان و صعید حمله برد و کنزالدوله و یاران او را قتل عام کرد. از سخن ابن خلدون بر می آید که آنها از شیعیان منطقه اسوان بودند و بی عدالتی اقتصادی صلاح الدین ایوبی را نپذیرفتند. (۳) با رجوع به منابع می توان دریافت که ایوبیان بعد از نابودی دولت فاطمیان و سرکوبی قیام های بعد از آن، باز دست برداشتند و در سال های ۵۷۰، ۶۰۴، ۶۴۵، ۶۶۰، ۶۷۱ و ۶۹۷ ه. ق اقدام به کشتار جمعی شیعیان کردند. (۴)

ص: ۲۹۴

۱- (۱) اهل بیت در قلب مصر، گلی زواره، نشانی در فضای مجازی: www.hz.net

۲- (۲) فاطمیان در مصر، ناصری طاهری، ص ۹۸.

۳- (۳) تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۳۳۸.

۴- (۴) اسماعیلیه (تاریخ و عقاید)، مهدی فرمانیان، ص ۹۷.

از منابع تاریخی بر می آید که تعداد قابل توجهی از سودانی ها، با گرایشات شیعی، در سپاه فاطمیان حضور داشتند. اعتماد دولت فاطمی به سودانی ها به اندازه ای بوده که محافظان خاص خلفای فاطمی از آنان بوده اند. ابن اثیر در الکامل فی التاریخ، به وفاداری سودانی ها به خلافت فاطمی اشاره کرده و از تلاش آنها برای جلوگیری از موفقیت کودتای صلاح الدین می نویسد:

مؤمن الخلافه از سودانی ها بود و تلاش کرد که صلاح الدین ایوبی را پیش از مسلط شدنش بر همه سرزمین ها و نابود ساختن اموال و نسل ها، از بین ببرد. ولی صلاح الدین از نقشه وی آگاه شد و منتظر فرصتی برای دست یابی به مؤمن الخلافه که جوهر نام داشت، بود تا اینکه او را به قتل رساند... سودانی های مقیم، به خاطر قتل مؤمن الخلافه، به خشم آمدند و به تجمع و فراهم ساختن نیرو پرداختند و تعداد آنان به بیش از پنجاه هزار نفر رسید که تصمیم به جنگ با لشکریان [صلاح الدین] گرفتند. جنگ شروع شد و از دو طرف عده زیادی کشته شدند.^(۱)

ابن اثیر سپس به اقدام ناجوانمردانه صلاح الدین ایوبی در آتش زدن خانه ها و قتل عام زنان و فرزندان سودانی ها اشاره می کند و می نویسد:

صلاح الدین عده ای را به محله آنان که المنصوره نام داشت، فرستاد و آنجا را با اموال و فرزندان و خانواده هایشان به آتش کشید و هنگامی که این خبر به آنان رسید، سودانی ها پا به فرار نهادند که سپاهیان صلاح الدین به تعقیب آنان پرداخته، راه ها را بر آنها بستند... پس همه آنان را از دم شمشیر گذراند و فقط عده اندکی باقی مانده که آواره شدند.^(۲)

ص: ۲۹۵

۱- (۱) الکامل، ج ۱۱، صص ۳۴۶ و ۳۴۷.

۲- (۲) همان.

دکتر محمد جمال الدین سرور نیز می نویسد: «قیام ضد صلاح الدین ایوبی از سوی سپاه فاطمی بود که بیشتر افراد آن از سودانیان بوده اند».^(۱)

۳. قتل عام حلب و کشتار جهادگران ضد صلیبی شیعه توسط صلاح الدین

نویسنده کتاب «احیاء حلب و اسواقها» می نویسد:

منطقه ای نزدیک سوق الزهر است که به آن «حاره الزغار» گفته می شود که اصل آن حاره الصغار بوده که اشاره به یتیمان شیعه است که پس از کشته شدن پدرانیشان در این محل، اسکان داده شدند.^(۲)

حلب پیوسته، از زمان دولت شیعی حمدانیان، مرکز تشیع در شامات بود. حتی سلجوقیان چندین بار در صدد زوال تشیع در آن برآمدند و نتوانستند. مؤذنان در تمام مساجد آن حی علی خیرالعمل می گفتند تا آنکه صلاح الدین ایوبی تصمیم گرفت آن را ریشه کن کند.^{(۳)، (۴)}

والی حلب در آن وقت، ملک الصالح اسماعیل، فرزند نورالدین محمود بن زنگی بود. وی مردم حلب را به جنگ با صلاح الدین ترغیب کرد. با او شرط کردند که امور

ص: ۲۹۶

۱- (۱) الدوله الفاطمیه فی مصر، جمال الدین، صص ۱۳۲-۱۳۵. همچنین این نقل های تاریخی اثبات می کنند که جهت گیری اسلامی در جنوب مصر و سودان، از همان زمان، با گرایشات مکتب اهل بیت علیهم السلام و بعدها تشیع بوده است و موضوعاتی مانند مهدویت که از آموزه های پررنگ شیعه به شمار می رود، آن قدر در سودان رواج داشته که مبارزانی، چون مهدی سودانی از آن بهره فراوان می بردند. اگرچه استعمار انگلیس قیام آنها را با بی رحمی سرکوب و هواداران مهدی سودانی را قتل عام کرد.

۲- (۲) احیاء حلب و اسواقها، ص ۸۲؛ به نقل از: اطلس شیعه، ص ۴۸۸.

۳- (۳) تاریخ الشیعه، محمدرضا مظفر، صص ۱۴۵-۱۴۸.

۴- (۴) در کنز العمال، ج ۴، ص ۲۶۶ از طبرانی وارد است که بلال در اذان صبح می گفت: «حی علی خیرالعمل». همچنین در سیره حلبیه، ج ۲، ص ۱۰۵ است که ابن عمر و امام زین العابدین علیه السلام در اذان «حی علی خیرالعمل» می گفتند؛ ر. ک: مجله المقتبس، ش ۶، ص ۱۰.

معاملات، عقود و نکاحشان را به سید شریف طاهر ابوالمکارم حمزه بن زهره حسینی که مرجع شیعیان حلب بود، بسپارد. والی، آن شروط را پذیرفت. اما صلاح الدین در سال ۵۷۹ ه. ق با صلح داخل حلب شد. گرچه این ورود مسالمت آمیز، او را از کشتار شیعه باز نداشت. با این حال مظالم دولت ایوبیه موجب زوال تشیع از حلب نشد. (۱) صلاح الدین ایوبی همچنین به قتل نخبگان و جهادگران شیعه درگیر با صلیبیان پرداخت؛ از جمله قاضی حلب، ابوالفضل بن خشاب که سخت ضد صلیبیان بود و مردم را به جنگ با آنان تحریک می کرد، به دستور صلاح الدین، در سال ۵۷۰ ه. ق کشته شد. (۲)

۴. جشن عاشورا، بنای بر قبور و تشویق تصوف توسط صلاح الدین برای کاهش محبوبیت اهل بیت علیهم السلام

صلاح الدین برای توجیه اقدامات خود و ترویج تسنن، کارهایی کرد که سلفیان امروز آن را شرک می دانند؛ برخی از این کارها عبارت اند از: «بنای بر قبور، تشویق تصوف و جشن عاشورا». صلاح الدین اولین خانقاه را در مصر بنا کرد و موقوفاتی را برای آن در نظر گرفت و این به خاطر جذب و تکریم صوفیان برای مقابله با تکریم اهل بیت علیهم السلام از سوی فاطمیان بود. (۳) طبعاً صوفی گری با عقل گرایی سازگاری ندارد؛ به همین دلیل صلاح الدین اقدام به قتل عالمان عقل گرا و فیلسوفانی نظیر حکیم سهروردی (شیخ اشراق) (۴) نمود. (۵)

ص: ۲۹۷

-
- ۱- (۱) یاقوت حموی در «معجم البلدان» به زیارتگاه ها و فقهای شیعه حلب اشاره می کند. این مطالب را یاقوت در سنه ۶۳۶ نوشته است و ۵۷ سال پس از آن است که صلاح الدین ایوبی وارد آن شد.
 - ۲- (۲) زبده الحلب، ج ۲، صص ۱۸۸ و ۱۸۹.
 - ۳- (۳) مقدمه ای بر تاریخ سیاسی - اجتماعی مصر، ناصری طاهری، ص ۱۲۹.
 - ۴- (۴) شیخ شهاب الدین سهروردی چهره برجسته حکمت، فلسفه و عرفان در فرهنگ اسلام و ایران است. او در سال ۵۴۹ هجری قمری در قریه سهرورد زنجان دیده به جهان گشود. وی با فخر رازی، منتقد بزرگ فلسفه مشاء، همدرس بود. ر. ک: القبسات، میرمحمدباقر داماد، به اهتمام مهدی محقق، ص ۹۲. نشانی در فضای مجازی: <http://www.sh.com/persi/religious-questions/item/۳۲۲۶۴>
 - ۵- (۵) بغیه الطلب، ج ۵، ص ۲۴۳۱؛ ر. ک: اطلس شیعه، ص ۴۸۸.

همچنین او به ساخت مدارس در جوار قبور نخبگان تسنن پرداخت؛ از جمله مدرسه صلاحیه که در کنار مقبره شافعی ساخته شد و بزرگ ترین مرکز فرهنگی ایوبیان و به قول سیوطی «تاج المدارس» بود.

یکی دیگر از کارهای بسیار زشت صلاح الدین ایوبی، جشن قرار دادن روز عاشورا بود؛ چراکه فاطمین روز عاشورا را روز حزن و اندوه قرار می دادند، بازارها را تعطیل می کردند و دسته جات عزاداری به راه می انداختند. لذا ایوبیان در این روز انواع شیرینی ها تهیه می کردند و برای منزلشان ظروف جدید می خریدند تا موج تکدر خاطر شیعیان گردند.^(۱)

آنچه بیان شد تنها گوشه ای از اقدامات خصمانه صلاح الدین بود که در کتب تاریخی ثبت شده است؛ چراکه مورخان غالباً از اهل سنت بودند و به نقل بیشتر اعمال فجیع او نپرداخته اند.^(۲) در حالی که حقایق تاریخ بیانگر آن است که صلاح الدین آن قدر در شکنجه و آزار شیعیان کوشید که هرگز نمی توان آن را به موازنه مسامحه اش با صلیبیان خونخوار قرار داد. صلیبیان هنگامی که به بیت المقدس وارد می شدند، از خون مسلمانان نهرهایی روان ساختند و به بچه ها و پیرها رحم نکردند، ولی در حالی از بیت المقدس خارج شدند که با اجازه صلاح الدین، درشکه هایی انباشته از طلا و جواهرات و دیگر چیزهای باارزش با خود می بردند.^(۳)

ص: ۲۹۸

۱- (۱) مقریزی می نویسد: «ما قدری از بقایای اعمال بنی ایوب را که روز عاشورا را روز سرور و گشایش می گرفته اند، در زمان خودمان ادراک نموده ایم.» النزاع و التخاصم مقریزی، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲- (۲) تاریخ اسلام، ذهبی، ج ۳۹، صص ۲۷۴ و ۲۷۵.

۳- (۳) شیعه در مصر، صالح الوردانی، ص ۶۹؛ اهل بیت در قلب مصر. غلامرضا گلی زواره، نشانی مقاله در فضای مجازی: www.h z .net. مقاله: آشنایی با سفاکان [علیه شیعه، محقق م. عقیل، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی:

<http://y li۱۱۰ .blo .com/post/۴>

۵. علل رفتار خونین صلاح الدین نسبت به مسلمانان شیعه و ملاطفت او با مسیحیان

صلاح الدین برای بسط قدرت خود با سه دسته حاکمان درگیر شد: سادات فاطمی مصر، زنگیان شمال شامات (حلب) و حاکمان صلیبی فلسطین. در درگیری با دو دسته اول که حاکمان و رعایا، هر دو، مسلمان بودند، کمال قساوت و بی رحمی را نشان داد و با تسلط بر قاهره و حلب، نه تنها حاکمان فاطمی و زنگی را منکوب کرد، بلکه به اجبار، آیین مردم را از شیعه به سنی تغییر داد. ولی در فلسطین و بیت المقدس، با حاکمان و مهاجمان صلیبی و لاتینی با تساهل برخورد کرد و آنها را در دینشان آزاد گذاشت. برخی علت این رفتار ملاطفت آمیز صلاح الدین را در امور ذیل دانسته اند:

- صلاح الدین از مادری مسیحی بوده، بنابراین رفتار مسالمت آمیز او با مسیحیان دور از انتظار نبود. (۱)

- برخی مورخان از تمایل شخص صلاح الدین به مسیحیت نیز سخن گفته اند (۲)؛ به طوری که بعد از مرگ صلاح الدین، میان مسیحیان شایعه شد که سلطان در اواخر عمر خود مسیحی شده و غسل تعمید کرده است (۳)؛ چراکه نسبت به آنان برخورد های دور از انتظار داشت؛ برای مثال، برای سالخوردگان و ایتم مسیحی حقوق تعیین کرد. (۴) کاری که هیچ (۵) گاه برای سادات و مسلمانان دیگر انجام نداد.

ص: ۲۹۹

۱- (۱) این موضوع در رمان مشهوری که در آغاز قرن سیزدهم میلادی به نام *Le voyage de outremer du comte de pontien*

و حقوق بشر دوستانه، آمده است. ر. ک: جان های آشنا، جلال ستاری؛ ر. ک: مجموعه مقالات دومین همایش اسلام

و حقوق بشر دوستانه، «سیاست های بشردوستانه صلاح الدین ایوبی در جنگ های صلیبی»، محمد باغستانی.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) الدوله الایوبیه تاریخها سیاسی و الحضاری، عرب دعکور، به نقل از: «سیاست های بشردوستانه صلاح الدین ایوبی در

جنگ های صلیبی»، محمد باغستانی.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) کتاب الروضتین فی اخبار الدولتین (النوریه و الصلاحیه)، ابوشامه.

پس از فروکش کردن موج شیعه آزاری در نیمه اول دوره ترکان سلجوقی، شیعیان دوباره در مناصب حکومتی بالا جا گرفته و وضع عمومی آنان در آن دو قرن، تقریباً رضایت بخش بود.^(۱) با این حال، مواردی از قتل عام و کشتار جمعی شیعیان در این دوران گزارش شده که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. قتل عام ری توسط تکش

یکی از رویدادهای زمان علاءالدین تکش خوارزمشاه، قتل عزالدین یحیی، نقیب سادات عراق بود. سیدابوالقاسم یحیی بن ابی الفضل شرف الدین که نسبش به امام زین العابدین علیه السلام می‌رسد، از علمای برجسته شیعه بود. وی فعالیت‌های زیادی در امور سیاسی آن زمان داشت؛^(۲) مؤلف «الحصون الشیعه» می‌گوید:

سبب شهادت عزالدین یحیی آن بود که چون سلطان خوارزمشاه، تکش، بر ری و خطه مجاور آن استیلا یافت، هر چه از بزرگان و شخصیت‌های برجسته دید، بکشت و این بزرگوار از آنان بود که طعمه شمشیر او شدند و بیدادگرانه به خون آرمیدند.^(۳)

در تاریخ طبرستان آمده است:

چون عزالدین یحیی مشاهده کرد شیعیان ری و حومه بر اثر نزاع‌های امرای خوارزمشاهی در فشار و اذیت هستند و امنیت از قلمرو آنان رخت بر بسته است، از ناصر عباسی خواست تا این شورش را فرو نشاند. ناصرالدین لشکری به ری فرستاد و

ص: ۳۰۰

۱- (۱) ر. ک: چند نکته درباره موقعیت شیعه در عهد ممالیک، سیدحسین مدرس طباطبائی، چاپ شده در مجموعه «تاریخیات»، مجموعه مقالات و تحقیقات تاریخی (مجموعه آثار قدیم - ۵)، نیوجرسی (ایالات متحده آمریکا)، انتشارات زاگرس، ۲۰۰۸ م.

۲- (۲) شماری از کتاب‌های تاریخ و رجال، زندگینامه این عالم بزرگوار را آورده‌اند؛ ر. ک: شهداء الفضیله، ص ۴۸؛ فهرست منتجب الدین، ص ۳۸۴.

۳- (۳) شهیدان راه فضیلت، ص ۹۵؛ ستارگان حرم، غلامرضا گلی زواره، ش ۸.

خوارزمیان گریختند. ولی دوباره اقتدار یافتند و سید عزالدین یحیی را دستگیر کردند و نزد علاءالدین تکش بردند. از او پرسید: «سید! خود را چگونه می بینی؟» او جواب داد: «چنان می بینم که حسین بن علی علیهما السلام را». تکش خشمگین شد و دستور داد سر از تن این سید جلیل القدر جدا کنند. سر پاکش را به ری فرستادند و در مدرسه عمادوزان که دشمن آن شهید بودند، آویختند. بعدها پیکر و سر او را در جوار بارگاه مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دفن کردند و شیعیان عراق عجم و نواحی مرکزی برای او سوگواری کردند. همچنین شاعران برایش مرثیه ها ساختند؛ چنان که امام افضل الدین علامه مهاباری در ثنائش سرود:

سلام الله ما طلع الثری علی المظلوم عزالدین یحیی

شهید کالحسین بغیر جرم قتیل مثل هاییل و یحیی (۱)

۲. قتل عام حله

کاهش فشار بر مسلمانان شیعه در ایران موجب شد الناصر، خلیفه عباسی، خوارزمشاهیان را به بی دینی و حامی شیعیان متهم کند. (۲) این در حالی است که خود الناصر را شیعه به شمار آورده اند. اما واقعیت این است که الناصر پیش از آن که شیعه یا سنی باشد، قدرت طلب و جاه طلب بود و برای حفظ موقعیت خود و جلوگیری از مطرح شدن ساداتی نظیر سیدعلاءالدین ترمذی به عنوان خلیفه از طرف خوارزمشاهیان، به هرکاری دست زد؛ از جمله در عراق، مردم شیعه حله را در سال ۵۸۸ ه. ق به اتهام

ص: ۳۰۱

۱- (۱) الکامل، ج ۱۱، ص ۷۳؛ راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، محمد بن علی بن سلیمان الراوندی، ص ۳۷۸؛ ر. ک: مجله یادگار، «خاتمه ترجمه تاریخ یمینی»، سال اول، شماره چهارم، ص ۶۹؛ ر. ک: آثار تاریخی تهران، سید محمدتقی مصطفوی، ص ۴۲۶.

۲- (۲) تاریخ ایران، جی آل بویل، ج ۵، به کوشش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه؛ به نقل از: چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۲۴۰.

نوشتن نامه به سلطان محمد خوارزمشاه قتل عام کرد و چهار هزار نفر از مردم شهر را کشت و بقیه را اخراج کرد.^(۱)

برخی مورخان نوشته اند ناصر برای مقابله با خوارزمشاهیان با چنگیزخان مغول مکاتبه نمود و او را تشویق به حمله به سرزمین های شرقی جهان اسلام کرد. طبعاً این عمل نابخردانه او، با سیاست های سوء خلفای بعدی، موجبات سقوط خلافت عباسی را فراهم آورد. علاوه بر آن، حمله مغولان باعث قتل عام شیعیان و دیگر مسلمانان و تخریب و نابودی شهرهای شیعه شد.

گفتار چهارم: گشتار جمعی شیعه توسط صلیبیان

۱. قتل عام شیعیان منطقه فلسطین توسط صلیبی ها

تشیع در فلسطین قدمتی به درازای صدر اسلام دارد. ابتدای کار شیعه در این منطقه به حضور ابوذر غفاری، صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله، باز می گردد که به منطقه شام آمد و اهالی این منطقه را با افکار علی علیه السلام آشنا ساخت. از این زمان به بعد، شیعه در تاریخ فلسطین حضور پررنگ پیدا کرد.

از دیگر عوامل گسترش تشیع در فلسطین، مهاجرت قبیله خزاعه به این منطقه بود.^(۲) نقش این قبیله به عنوان هم پیمان بنی هاشم بسیار پررنگ است. شاخه ای از این قبیله بعدها به منطقه فلسطین آمدند و شهر خزاعه را بنیان نهادند.^(۳) مقدسی، جغرافی نویسنده قرن چهارم هجری، به انتشار شیعه در فلسطین اشاره می کند. وی اهالی طبریه و نیمی از

ص: ۳۰۲

۱- (۱) تاریخ مذهب تشیع، عبدالرفیع حقیقت، ص ۲۳۵.

۲- (۲) به لحاظ تبارشناسی، اینان به اعراب جنوبی تعلق داشتند که قبل از قریشیان به مکه تسلط پیدا کردند و بعد از شکل گیری اسلام، از در حلقه حامیان نبی مکرم صلی الله علیه و آله درآمدند؛ ر. ک: خزاعی ها و نقش آنان در تشیع ایران، رسول جعفریان، سایت کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.

۳- (۳) همان.

اهالی نابلس و القدس را پیرو مذهب شیعه می داند. (۱) کراجکی، عالم اسلامی قرن پنجم نیز، تأکید می کند که اهالی شهر رمله در فلسطین، جملگی شیعه هستند. (۲) ناصر خسرو نیز در سفرنامه خود، ضمن اشاره به وجود قبر ابوهریره در شهر طبریه، خاطر نشان می سازد مردم این منطقه رغبتی به بازدید قبر این شخص ندارند؛ چون اهالی آنجا شیعه هستند. (۳) وی که در سال ۴۳۷ ه. ق از فلسطین دیدار کرده، می نویسد:

ساکنان قدس عمدتاً شیعه هستند. ابن جبیر که در قرن ششم می زیست، در سفرنامه خود، مذاهب شیعی منتشره در فلسطین را شامل رافضی، امامیه، اسماعیلیه، زیدیه و نصیرییه دانست. بنابراین مطابق این اسناد تاریخی، در آستانه حمله خونین صلیبی ها به منطقه فلسطین، بخش عمده ای از جمعیت ساکن در آن را مسلمانان شیعه تشکیل می دادند که همراه با مسلمانان اهل تسنن به طرز فجیعی توسط صلیبی ها قتل عام شدند. مورخان درباره قتل عام صلیبی ها در شهر قدس گزارشات وحشت آوری را از نسل کشی مسلمانان ارائه داده اند که طبعاً بخش عمده ای از این نسل کشی های خونین علیه مسلمانان شیعه بوده است. (۴)

۲. قتل عام شیعیان طرابلس و جبل عامل توسط صلیبی ها

افول دولت های شیعه در غرب جهان اسلام، با حمله مسیحیان اروپایی از یک طرف و متعصبان سنی از طرف دیگر، انجام شد. در سیسیل با حمله معز زیری از یک طرف و فشار نورماندی های مهاجم از سوی دیگر به پایان رسید. (۵) همچنین با فشار فرنگیان مهاجم

ص: ۳۰۳

۱- (۱) احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲- (۲) دایره المعارف الشیعیه، ج ۱۲، ص ۲۰۳.

۳- (۳) سفرنامه ناصر خسرو، صص ۳۰ و ۳۱.

۴- (۴) G rieli, tr s. E. J. Costello. London: Routledge d Keg .the Crus es, tr s ک Histori s . (۴) the Isl ic World., ک ord Encyclopedi کP l, ۱۹۸۴.Trumpbour, John. Crus es. In The O ord isl ic کord Isl ic Studies Online, http://www. O کedited by John L. Esposito. O ebru y ۱۷, ۲۰۰۸) http://en.wikipedi org/wiki/Crus es کstudies.com/ ticle (cessed

۵- (۵) ر. ک: فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، «شیعیان اسماعیلی و حضور تاریخی آنان در سیسیل»، محمدرضا زارع، ش ۴۱.

به اندلس، مرابطان، به بهانه مقابله با فرنگیان، به سرزمین های تحت حاکمیت دولت شیعی آل حمود حمله بردند و مسلمانان شیعه را قتل عام کردند.^(۱) همچنین دولت شیعی آل عمار در طرابلس و جبله مورد حمله فرنگیان مهاجم قرار گرفت. استقرار این دولت شیعی در سال ۴۶۲ ه. ق بود که امارت آن از یک طرف به بیروت و از طرف دیگر به حومه انطاکیه می رسید و نواحی جبله در سوریه و هرمل و ضنیه و بلاد عاقوره شرقی را شامل می شد. به رغم مقاومت دولت شیعی بنی عمار در مقابل صلیبیان، تقاضای کمک او اجابت نشد و صلیبیان، شیعیان طرابلس و جبله را در سال ۵۰۲ ه. ق (۱۱۰۹ م) قتل عام کردند.^(۲)

۳. قتل عام علویان لاذقیه و جبله توسط صلیبی ها

شیعیان از گذشته های دور در ساحل غربی شامات نیز سکونت داشتند^(۳) و خاندان های مهمی از شیعه، نظیر خصیبیون، در آنجا زندگی می کردند.^(۴) این مناطق امیرنشین های شیعی فراوانی را نیز به خود دیده است که تواریخ بسیاری از آنها مفقود گشته، اما اشاره های بی شماری به آنها شده است.^(۵) یکی از آن دولت ها به نام دولت تنوخی یا تنوخیان معرفی شده است.^(۶) هاشم عثمان، مؤلف «تاریخ شیعه در شام»، معتقد است که ادله معتبر تاریخی زیادی وجود دارد که دولت تنوخیان در سال ۲۴۹ ه. ق در

ص: ۳۰۴

۱- (۱) المغرب فی حلی المغرب، ابن سعید مغربی، ج ۱، صص ۱۲۱-۱۲۳؛ ر. ک: مجله تاریخ اسلام، «علویان و اندیشه های شیعی در اندلس»، سید مهدی جوادی، پائیز ۱۳۸۵، ش ۲۷.

۲- (۲) صفحات من ماضی الشیعه وحاضرهم فی لبنان، یوسف محمد عمرو، صص ۲۴۱-۲۴۵.

۳- (۳) مکتب تشیع در مناطق شامات و جبل لبنان، به قرن اول هجری و هجرت ابی ذر، صحابی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله بر می گردد؛ ر. ک: تاریخ مبدأ التشیع ودخول ابی ذر الشام، زین بن خلیل بن موسی الخزرچی العاملی.

۴- (۴) الهدایه الکبری، الحسین بن حمدان الخصیبی، صص ۱۳ و ۱۴.

۵- (۵) اطلس شیعه، ص ۵۰۲.

۶- (۶) برخی منابع «قضاعه» را اولین گروه از اعرابی می شناسند که به شام آمدند که بعدها تنوخ نام گرفتند؛ زیرا در شام اقامت گزیدند؛ تنوخ یعنی اقامت گزیدگان در یک مکان؛ ر. ک: تاریخ الشیعه فی ساحل بلاد الشام الشمالی، هاشم عثمان،

ص ۳۶.

لاذقیه آغاز شد،(۱) اما اوج حاکمیت آنها در قرن چهارم بود. به این صورت علویان در سال ۳۵۷ ه. ق بعد از استیلای رومیان علیه آنها قیام کرده(۲) و با رهبری حسین بن اسحاق ضلیعی علوی موفق شدند بر لاذقیه مسلط شوند و امارت مستقلی را تأسیس کنند.(۳) امارت محلی تنوخیان تا سال ۴۷۷ ه. ق ادامه پیدا کرد و بیشترین درگیری را با والیان منصوب از طرف خلافت عباسی و با رومیان و صلیبیان داشت(۴). این امارت، همانند دولت شیعی حمدانیان، درگیر دفع هجوم رومیان بودند و نهایتاً با تجاوز صلیبیان به شام و فلسطین، از میان رفتند و سکنه علوی آن مناطق، قتل عام شدند. بزرگ ترین ضربه به شیعه غرب شامات، نه به وسیله صلیبیان، بلکه در قرن هشتم با فتاوای تکفیر ابن تیمیه و تحریک مملوکان ترک انجام شد.(۵)

ص: ۳۰۵

-
- ۱- (۱) تاریخ شیعه در شام، هاشم عثمان، ترجمه حسن حسین زاده شانه چی، صص ۴۲-۵۴.
 - ۲- (۲) تاریخ العلویین، محمد امین غالب الطویل، صص ۳۲۶-۳۲۸؛ نشانی پیشین، ص ۳۲۷.
 - ۳- (۳) معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۲، ص ۳۱؛ ر. ک: ابوالطیب المتنبی، د. ی. بلاشر، ترجمه به عربی دکتر ابراهیم گیلانی، ص ۷۷؛ به نقل از: تاریخ شیعه در شام، صص ۴۴-۵۵.
 - ۴- (۴) تاریخ العلویین، محمد امین غالب الطویل، صص ۳۲۷ و ۳۲۸.
 - ۵- (۵) تاریخ شیعه فی لبنان، سعدون حماده، ص ۳۳.

فصل هفتم: گشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن هفتم هجری

اشاره

ص: ۳۰۷

حمله خونبار به ایران و آسیای میانه توسط مغول ها، از فجیع ترین وقایع تاریخ بشر به شمار می رود که میلیون ها تن از مردم این مناطق در پی این هجوم ها از بین رفتند. مغولان از هر دیاری که گذشتند، از کشته ها پشته ها ساختند. منابع تاریخی از کشته شدن میلیون ها انسان بی گناه سخن گفته اند. چنگیز و خاندانش در بین سال های ۱۲۰۷ تا ۱۴۷۲ بر منطقه وسیعی (۲۰ درصد از کره زمین) حکومت کردند. چنگیز برای فتح این منطقه بسیار بزرگ، نزدیک به ۴۵ میلیون نفر را نابود کرد. در این میان نسل کشی ایرانیان آن چنان هول انگیز و تأسف بار بود که بسیاری از پژوهشگران، با اطمینان قاطع گفته اند، کمتر ملتی در دنیا می توانست از چنین هجومی جان سالم به در برد! (۱) ادوارد تالر در این باره می نویسد:

یک نمونه مهم در تاریخ، جنگ های چنگیزخان مغول به ویژه تخریب سرزمین های پارسی است. بیش از نصف جمعیت سرزمین تسخیر شده نابود گردید و پارس که همان ایران امروزی است، هرگز جلال و ابهت پیشین خود را دیگر باز نیافت. (۲)

ص: ۳۰۹

۱- (۱) اگرهای تاریخ ایران. مهرداد جوانبخت، ص ۹۲.

۲- (۲) نشریه Science d Technology Review. چاپ آموزشگاه ملی لارنس لیورمور. شماره July/ gust ۱۹۹۸.

شکی نیست که نابودی و ویرانی که در حین خیزش دولت مغول در ایران به وقوع پیوست و قتل عام وسیعی که در آن زمان رخ داد، در هزار سال هم ترمیم نخواهد گشت؛ حتی اگر فاجعه دیگری نیز به وقوع نپیوندد.^(۱)

جوینی که خود از مورخان دربار مغول به شمار می رود، می نویسد: «هر کجا که صد هزار کس بود صد کس نماند». به غیر از قتل عام ها باید در نظر داشت که بسیاری از مردم را به اسارت بردند و بسیاری نیز در اثر بیماری های واگیر یا گرسنگی که در پی هر تهاجم خارجی پیش می آمد، جان خود را از دست دادند. همچنین روش جنگی مغولان چنین بود که هزاران اسیر را به عنوان حشر (قشون غیرنظامی) در جلوی لشکریان خود به حرکت درآورده و از آنان در تسخیر شهرها و نقاط جدید بهره می جستند.^(۲) استیون. آر. وارد^(۳) نوشته است: «به طور کلی، خشونت و تاراج مغول ها بیش از سه چهارم از جمعیت فلات ایران (احتمالاً بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر) را به کشتن داده است».^(۴) حمله چنگیزخان مغول چنان دهشتناک و بی رحمانه بود که خیابان های نیشابور که مهد علم و دانش و نوآوری آن زمان بود، تبدیل به جویبارهای خون گردید و از سرهای مردان و زنان و کودکان، هرم هایی ساخته شد و حتی به سگ ها و گربه های شهر نیز رحم نکردند.^(۵) قریب هشتصد سال پیش، یکی از اهالی شهر بخارا که از حمله چنگیزخان جان سالم به در برده بود، وقتی وضع و حال بخارا را از وی پرسیدند، جواب داد: «آمدند و کندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند».

ص: ۳۱۰

۱- (۱) ایران در قرون وسطی، دیوید مورگان، ترجمه عباس مخبر، ص ۱۱۲.

۲- (۲) ما چگونه ما شدیم؟، صادق زیباکلام، ص ۱۵۳.

۳- (۳) Steven R. W d.

۴- (۴) Immort : milit y history . (۲۰۰۹) R. W d, Steven ک Ir d its med ک Georgetown.

University Press. p:۳۹

۵- (۵) S dr M i. The Ir i s: Persi Isl , d the soul . ک ion.۱۹۹۶. p۶۹

مغولان در قتل عام‌ها فرقی بین شیعه و سنی نمی‌گذاشتند. اما با کمال تأسف، برخی متعصبان اهل تسنن از حمله مغول برای تسویه حساب‌های فرقه‌ای بهره بردند؛ به طوری که مورخان نوشته‌اند: برخی شهرهای شیعه‌نشین با اغوای سنی‌مذهبان به قتل عام فجیعی دچار شدند. اما نکته تأسف‌بارتر اینکه بعدها نیز تا به امروز برخی متعصبان، مسلمانان شیعه را همدست و عامل حمله وحشتناک مغول معرفی کرده‌اند.^(۱) حال برای رفع این شبهه، به قتل عام برخی شهرهای شیعه‌نشین به دست چنگیزخان مغول و تحریکات برخی متعصبان آن دوره اشاره می‌کنیم:

۱. قتل عام طوس

بنابر گزارش ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه، در سال ۶۱۸ ه. ق مغول‌ها به طوس حمله کردند و این شهر را غارت کرده و مردم را به قتل رساندند. مغولان سپس شهر مشهد کنونی را هم که به مناسبت مزار علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام محل توجه مسلمانان بود، غارت و تخریب کردند.^(۲) مؤلف تاریخ آستان قدس رضوی، از قول ابن‌اثیر، می‌نویسد:

با وجودی که مغول‌ها مردم مشهد را به قتل رسانیدند، بارگاه رضوی را حداقل تخریب نکردند و احتمالاً به غارت اموال و اثاثیه آن اکتفا کردند. هرچند بعضی منابع از خرابی بارگاه رضوی به دست مغول‌ها سخن گفته‌اند.^(۳)

ص: ۳۱۱

۱- (۱) از جمله این‌گونه تعصبات می‌توان به مطالب کتاب «خیانات الشیعه و اثرها فی هزائم الامه الاسلامیه» نوشته محمود، محمد عبدالرحمان، اشاره کرد. نویسنده در این کتاب می‌کوشد شیعه را عامل هجوم مغول قلمداد کند! درباره مطالب این کتاب و نقد آن ر. ک: دکتر ابراهیم باوفا، بررسی آرای تاریخی دکتر محمد عبدالرحمان و ابن‌عباس معتوق در ارتباط با آل بویه، شیعه و عباسیان، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، ش ۳۱.

۲- (۲) توس شهر خفته در تاریخ، سید محمود موسوی.

۳- (۳) الکامل فی التاریخ، ج ۲۶، ص ۲۵۹؛ نزهه القلوب، ص ۵۱.

۲. قتل عام سبزوار

مردم خراسان چون خبر فتوحات جلال الدین خوارزمشاه در دفع برخی تهاجمات مغول را شنیدند، به دوباره سازی حصر شهرها اقدام کردند و مردم نیشابور نیز از اطاعت حاکم طوس که دست نشانده مغولان بود، سرباز زدند و مردم طوس را نیز تحریک کردند. سپاهیان چنگیز، به سرداری تغاجارنویان، داماد چنگیز، شهر نیشابور را محاصره کردند و در سومین روز محاصره، داماد چنگیز، بر اثر تیر یکی از کمانداران نیشابور کشته شد. جانشین این سردار، سپاهیان را به دو قسمت تقسیم کرد: بخشی را به طوس فرستاد و بخشی را با خود به سبزوار برد و به تلافی مرگ تغاجارنویان، سبزوار را ویران و خون بسیاری از مردم را جاری کرد.^(۱)

۳. قتل عام قم

صاحب «روضه الصفا» می نویسد:

مغولان پس از قتل عام ری به سرداری «چپه نویان» به قم رسیدند؛ طایفه ای از مسلمانان (اهل تسنن) که در اردوی او بودند، گفتند که قتل اهل قم، به سبب رافضی بودن، عین صواب و مستلزم ثواب است و آن ساده لوح فرمود تا مجموع ارباب قم و نواحی را از تیغ بگذرانیدند و عیال و اطفالشان به اسیری بگرفتند.^(۲)

مؤلف «حبیب السیر» نیز نوشته است:

جبه به جانب همدان توجه نمود و چون به قم رسید، تمامت مردم آنجا را به اغوای بعضی از سنی مذهبیان به قتل رسانیدند و بعد از قرب وصول به همدان، با والی آنجا، مجدالدین علاء الدوله علوی، صلح کرده روی بگزر رود و خرم آباد نهادند.^(۳)

ص: ۳۱۲

۱- (۱) نیشابور شهر فیروزه، فریدون گرایلی، ص ۱۳۱.

۲- (۲) روضه الصفا، ج ۵، ص ۹۸.

۳- (۳) تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۳۳.

«بناکتی» نیز در این مورد گفته است که اهل قم را به کلی بکشتند (۱). «ابن اثیر» در این باره گوید:

دسته مغولان که به غرب ایران حمله کردند، به قم و کاشان نیامدند و از ناحیه آنان به این دو شهر صدمه ای وارد نشد. اما دسته دیگر که در سال ۶۲۱ ه. ق به این حدود آمدند، مردم هر دو شهر را کشتند و هر دو شهر را خراب کردند (۲).

این خرابی تا دوره تیموریان باقی بود. زکریای قزوینی (۳) و حمدالله مستوفی (۴) چنین اشاره کرده اند:

شهر قم در فتنه مغولان به تلی از خاک و خاکستر تبدیل شد؛ به حدی که در قم، محل شهر به طرفین رودخانه و مجاورت آستانه حضرت معصومه علیها السلام انتقال یافت و شهر اسلامی «براوستان» به نام «قم درویش» خوانده شد و دیگر احدی حاضر نشد به خانه سابق خود برگردد؛ لذا مورخ و جغرافیدان نامی، قزوینی، می نویسد: «قم شهری بود در سابق بزرگ و نیکو و پر نعمت و بیشتر آن اکنون ویران است و گویند در قم کان زر و نقره هست» (۵).

۴. اقدام عجیب انگلیسی ها در برپایی مجسمه چنگیز خان

هنگامی که انگلیسی ها در یک اقدام عجیب در آوریل ۲۰۱۲ در مرکز لندن اقدام به رونمایی از مجسمه چنگیز خان مغول کردند مهرداد جوانبخت نویسنده ایرانی دردمندانه چنین نوشت:

همان طور که فروافتادن تندیس ها معنای خاصی دارند، برپایی آن نیز معنای خاص خود را دارد. وقتی تندیس یک شخصیت تاریخی ساخته می شود، قرار است کارها و

ص: ۳۱۳

۱- (۱) تاریخ بناکتی، ص ۳۶۸.

۲- (۲) الکامل، ج ۹، ص ۳۵۳.

۳- (۳) آثار البلاد، ص ۴۴۲.

۴- (۴) جامع مفیدی، ج ۳، ص ۸۱۹.

۵- (۵) آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۲۱۲.

اندیشه های آن شخص ارج نهاده شود؛^(۱) به راستی، چگونه می توان از بانی نسل کشی میلیون ها نفر چینی، ایرانی و عرب تجلیل کرد؟ آن هم در انگلستان که خود را منادی حقوق بشر می خواند. آیا اگر در پاریس و لندن، تندیس از رادوان کاراجیچ،^(۲) محمدطلعت پاشا^(۳) یا پل پوت^(۴) برپا داشته می شد، ارج نهادن به نمادهای بی رحمی و توهین به خرد و احساسات جمعی انسان ها محسوب نمی شد؟! در سده بیست و یکم میلادی این انتظار می رود که انسان ها نسبت به نسل کشی و جنایت علیه بشریت، در هر نقطه از کره زمین، حساس باشند؛ تفاوتی نمی کند که قربانیان این نسل کشی ها، از چه رنگ و نژاد و مذهبی و قاره و کشوری هستند: مسلمانان بوسنی هستند یا مسیحیان ارمنی؛ آشوری هستند یا هزاره ای؛ دارفوری هستند یا رواندایی. همگی انسان هستند و عالم بشریت در قبال نسل کشی آنها مسئول است. برپا کردن تندیس «پدر نسل کشی در ابعاد میلیونی» در لندن، معنایی جز کینه توزی ندارد. از دولت انگلیس و شهرداری لندن انتظار می رود در مورد برپایی این تندیس بازنگری کرده و ضمن پوزش از مردم چین، ایران و سراسر جهان، تندیس موخس چنگیزخان را در این شهر به زیر آورد.^(۵)

ص: ۳۱۴

۱- (۱) لوموند / ۶ مارس ۲۰۱۳.

۲- (۲) رادوان کاراجیچ (متولد ۱۹۴۵) سیاستمدار صرب که در زمان جنگ بوسنی، رهبری صرب های این کشور را بر عهده داشت. از او به عنوان متهم اول نسل کشی مسلمانان در بوسنی یاد می شود.

۳- (۳) در سال ۱۹۱۵ م طی یک برنامه از پیش طرح شده، عثمانی ها نسل کشی ارمنیان آناتولی را به مرحله اجرا درآوردند - کاری که عثمانیان قبلاً در مورد مسلمانان شیعه آناتولی انجام داده بودند - قتل عام ارمنیان توسط دولت وقت ترکیه (ترکان جوان) و در رأس آن، محمد طلعت پاشا، وزیر کشور، اسماعیل انور (انور پاشا) وزیر جنگ و احمد جمال پاشا وزیر درباری عثمانی انجام شد.

۴- (۴) پل پوت (۱۲۵-۱۹۹۸) سیاستمدار کامبوجی، که جنبش خمر سرخ به رهبری او از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ م بر کامبوج حکم راند. پل پوت در مدت چهار سال حکومت خمرهای سرخ، دو میلیون نفر از جمعیت هشت میلیون نفری کامبوج را قتل عام کرد.

۵- (۵) اخیراً مغول های ساکن آمریکا خواهان برپایی تندیس چنگیزخان در واشنگتن هستند و سفارت مغولستان هم در این زمینه فعال شده است! این هم یکی از تبعات نسنجیده شهرداری لندن در برپایی تندیس چنگیزخان به شمار می رود. «چگونه می توان برپایی تندیس چنگیزخان را در لندن توجیه کرد؟»، مهرداد جوانبخت، همان.

بر پایه گزارش های تاریخی، آخرین پادشاه خوارزمشاهی، سلطان جلال الدین، نه تنها از ظرفیت و توان شیعیان برای مقابله با مغول استفاده نکرد، بلکه با خوشگذرانی، ظلم و ستم بر شیعیان عملاً شرایط را برای تسلط مغولان بر مناطق تحت حاکمیت خود و نابودی سلسله خوارزمشاهی هموارتر کرد؛ چنان که شرف الملک، وزیر جلال الدین، پس از دست یابی به کاروانی از شیعیان اسماعیلیه که هفتاد نفر بودند، همه آنها را کشت و اموالشان را تصاحب کرد.^(۱) همچنین به گزارش نسوی، دسته ای از اسماعیلیان به خدمت شرف الملک گماشته شدند که بعدها آشکار شد به دستور شرف الملک این عده زنده زنده در آتش سوزانده شدند.^(۲) این در حالی بود که شرف الملک با فرستادن هدایا سعی در جلب دوستی اسماعیلیان داشت و گاهی با ترس از قدرت اسماعیلیان، از خراج بر مناطق تصرفی آنها می کاست.^(۳)

در این دوره، در غرب عالم اسلام، نیز نخبگان و دانشمندان شیعه مورد کینه ورزی حاکمان متعصب قرار گرفتند؛ از جمله ابن الابرار، محمد بن ابی بکر قضاعی (۶۵۸-۵۹۵ ه. ق)، مؤلف شهیر شیعی و صاحب تألیفاتی چون «معدن اللجین فی مرآتی الحسین علیه السلام»، «الحله السیراء» و «در السمط فی اخبار السبط» که با نثر مسجع، واقعه کربلا را به خوبی بیان کرده است. وی پس از سقوط بلنسیه، راهی تونس شد و سرانجام به اتهام تشیع و مخالفت با سلطان محمد اول حفصی، در سال ۶۵۸ ه. ق، به قتل رسید و آثار مکتوب او به آتش کشیده شد.^(۴)

ص: ۳۱۵

-
- ۱- (۱) سیرت جلال الدین منکبرنی، شهاب الدین نسوی، صص ۱۶۳-۱۶۶.
 - ۲- (۲) علل اختلاف سلطان محمد خوارزمشاه با خلافت عباسی، مصطفی ابراهیمی، نشانی در فضای مجازی: <http://www.history.net/home/index.php>
 - ۳- (۳) سیرت جلال الدین منکبرنی، شهاب الدین نسوی، صص ۱۶۳-۱۶۶.
 - ۴- (۴) اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۴۰، در این باره ر. ک: سیدمهدی جوادی علویان و اندیشه های شیعی در اندلس، نشانی مقاله: پرتال انجمن علمی دانش پژوهان تاریخ.

۱. قتل عام شیعیان اسماعیلی

حمله دوم مغول به فرماندهی هلاکوخان به ایران و سرزمین های اسلامی، دوباره باعث ویرانی و خونریزی شدیدی شد. این حمله با تشویق و اصرار شدید عالمان تسنن انجام گرفت. آنها رنج سفر به مغولستان را بر خود هموار می کردند تا مغولان خونخوار را برای حمله به سرزمین های اسلامی و نابودی شیعیان تشویق کنند؛ چراکه بر عدم دست یافتن مغول بر قلاع اسماعیلیه خشمگین بودند.

جوزجانی از مورخان متعصب عامه، در کتاب «طبقات ناصری»، در این باره چنین می نویسد:

در این عهد که خروج چنگیزخان بوده و استیلای مغول بر عراق و جبال و قاضی شمس الدین قزوینی که امام صدیق و عالم با تحقیق بود و چند کت از قزوین به جانب خطا [چین و مغولستان] سفر گزیده بود، و رنج مفارقت اوطان تحمل کرده، تا در وقت پادشاهی منکوخان، کت دیگر نزدیک او رفته و به طریقی که دست داد، استمداد نمود و حال شر ملاحظه و فساد ایشان در بلاد اسلام باز گفت: و چنان تقریر کردند، که در حضور منکوخان را، از راه صلابت مسلمانی و دین کلمات درشت گفت، چنانچه غضب و تکبر ملک داری، بر منکوخان مستولی شد و ضبط و تصرف پادشاهی او را به لفظ عجز و ضعف یاد کرد. منکوخان گفت: «قاضی در مملکت ما چه عجز مشاهده کرده است که ازین جنس کلمات موحش بر زبان می راند؟» قاضی شمس الدین گفت: «عجز و رأی این چه باشد که جماعتی ملاحظه [اسماعیلیان] قلعه چند را بنا ساخته اند و دین آن جماعت بر خلاف دین ترسائی، و خلاف دین مسلمانی و مغولی است و به مالی شما را غرور می دهند و منتظر آنکه اگر دولت شما اندک فتور پذیرد، آن جماعت از میان کوه ها و قلاع خروج کنند و باقی ماندگان اهل اسلام را براندازند و از مسلمانی نشانی

نگذارند». این معنا خاطر منکوخان را باعث و محرض آمد، بر قمع قلاع و بلاد ملحدستان و قهستان الموت، فرمان شد. (۱)

نکته مهم سخنان قاضی شمس الدین قزوینی این بود که او آیین اسماعیلیه را برخلاف آیین مغولی و ترسایی معرفی می کند و او را بدین جهت به براندازی این آیین تشویق می کند؛ به عبارت دیگر قاضی شمس الدین با مکتب خرافی مغول و مسیحیت تحریف شده مشکل نداشت. ولی به دلیل خصومت افراطی شدید نسبت به اسماعیلیه حاضر شد خرافات مغولی را بر اسماعیلیه ترجیح دهد و خان خونخوار مغول را تشویق به قتل عام همسایگان اسماعیلی خود نماید. افزون بر نابودی اسماعیلیان، فتح بغداد و نابودی مهم ترین نماد اهل تسنن، یعنی دستگاه خلافت را رقم زدند. (۲)

در حمله دوم مغول، اسماعیلیان صدمات بسیار سختی را متحمل شدند و تقریباً به جز مواردی اندک، بقیه قتل عام شدند. بنا به نقل جوینی، مغولان فقط در قهستان دوازده هزار مرد را قتل عام کردند و زنان و کودکان نزاری در بازار خراسان فروخته شدند. هولاکوخان مغول قلعه های اسماعیلیان را در قزوین و سلسله جبال البرز تصرف و آنها را تخریب کرد و کتابخانه های آنها را به آتش کشید. به رغم اینکه خورشاه، آخرین فرمانروایی اسماعیلی، از طرف هولاکو امان داده شد و او و جمعیت عمده اسماعیلیان تسلیم شدند، خورشاه با نه نفر از همراهان خود در شمال غرب مغولستان به قتل رسیدند و خانواده وی که به قزوین تبعید شده بودند، مدتی بعد کشته شدند. سپس فرمان قتل عام تمام اسماعیلیان مناطق تصرف شده صادر شد و هزاران زن و مرد و کودک به قتل رسیدند یا به بردگی برده

ص: ۳۱۷

۱- (۱) طبقات ناصری، ج ۲، ص ۱۸۲. طبعاً آنها که تا قزوین و جبال می آمدند، کار ناتمام خود را در فتح بغداد نیز کامل می کردند.

۲- (۲) با وجود این مستندات تاریخی غیر قابل انکار، عجیب اینجاست که متعصبان در رأس آنان ابن تیمیه و هواداران او، دو قرن بعد با کمال وقاحت شیعه را متهم به تشویق مغول می کنند. الفتاوی الکبری، ابن تیمیه حرانی حنبلی، ج ۳، ص ۵۰۷.

شدند. (۱) همچنین دستجاتی از مغولان به قلعه و دژهای اسماعیلیان شام حمله بردند و در سال ۶۵۸ ه. ق بر مصیاف، الکهف، قدموس و خوابی (نام قلاع اسماعیلیه) استیلا یافتند؛ به همین دلیل دولت اسماعیلیان شام نیز رو به اضمحلال رفت؛ با وجود اینکه اسماعیلیان بعد از شکست، قلعه‌ها را دوباره پس گرفتند، اما هرگز بدان درخشش سابق بازنگشتند و پس از آن، فقط دوازده سال به حیات خود ادامه دادند.

۲. قتل عام و تخریب آوه

شهر شیعه نشین آوه (بین قم و ساوه) در حمله هولاکوخان مغول تخریب و مردم آن قتل عام شدند و کتابخانه معروف این شهر که بنا بر نوشته مورخان، بیش از چهارصد هزار نسخه کتاب در آن نگهداری می شد، به آتش کشیده شد (۲).

۳. قتل عام مسلمانان شیعه در بغداد

مغولان در سال ۶۵۶ ه. ق بغداد را تسخیر کردند و کشتار فجیعی راه انداخته، خلیفه مستعصم را با اینکه امان داده بودند، کشتند و به حکومت عباسیان پایان دادند. مغولان در قتل عام بغداد، فرقی بین شیعه و سنی نگذاشتند و شیعیان به همان اندازه سنیان مورد قتل و غارت و هتک نوامیس قرار گرفتند. (۳) بسیاری از نخبگان و علمای شیعه، نظیر سید

ص: ۳۱۸

۱- (۱) این درنده خویی مغولان که با تشویق عالمان سوء اهل تسنن همراه بود، تمدن اسلامی را ویران ساخت و دیگر نتوانست جهان اسلام عظمت سابق خود را باز یابد؛ ر. ک: مروری بر مطالعات پیرامون نقش خواجه نصیر در سقوط بغداد، رسول جعفریان، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: http://www.ic.ir/index.php?option=com_kvview=itemid=2614

۲- (۲) ر. ک: مقدمه: نورالله کسائی، مروری بر جغرافیای تاریخی آوه: مهد تشیع در ایران، محسن الویری. آوه در گذر تاریخ، عباس حضرتی قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۷۹.

۳- (۳) ابن طاووس زمان فتح بغداد به دست مغولان، در بغداد بود و آن را شبی ترسناک معرفی می کند. کتابخانه ابن طاووس، اتان کلبرگ، ترجمه علی قرایی و رسول جعفریان، ص ۲۹.

شرف الدین محمد بن موسی بن جعفر بن طاووس نیز به شهادت رسیدند.^(۱) برای مغول خونخوار و وحشی، فتح بغداد و نابودی تمام مردم شهر، اعم از شیعه و سنی، هدفی بود که از قراقوم، مرکز مغولستان، برای آن تصمیم گیری شده بود. ولی متأسفانه بعدها برخی نظیر ابن تیمیه و مورخان همفکر او، گناه جنایات مغولان را بر عهده همسایگان شیعه خود انداختند تا بهانه دیگری برای خصومت سنی و شیعه به دست دهند. اگرچه بی پایه بودن این ادعای آنها آشکار است، ولی در این مجال به برخی از دلایل رد این ادعا اشاره می کنیم.

۴. سوء استفاده سلفیان از حمله مغول به بغداد برای توجیه قتل شیعه در دوره معاصر!

با حمله هولاکو خان به بغداد، اهل تسنن دستگاه خلافت خود را از دست دادند و از بابت سقوط این شهر، به عنوان سبیل قدرت سیاسی خویش، ناراحت بودند و دنبال مقصر می گشتند. از این رو در دید عالمان متعصب تسنن، نزدیک ترین و راحت ترین مورد برای انگشت اتهام، رقبای شیعه آنان بودند. بنابراین آنها فتح بغداد را به گردن شیعه انداختند تا عوام تسنن را به آزار و قتل و غارت همسایگان شیعه خود تحریض کنند! دکتر شیخی، مورخ اهل سنت، می نویسد:

داستان فتح بغداد، گرچه نتیجه ایلغار عمومی مغول و برانداختن همه حکومت ها از ترکستان تا عراق بود، لیکن به دلیل عناد دیرین سنی و شیعه، گناهی به گردن شیعه افتاد.^(۲)

برخی مورخان متعصب اهل تسنن، به دلیل شیعه بودن ابن العلقمی، وزیر مستعصم عباسی، وی را به مکاتبه با هولاکو خان مغول متهم کردند^(۳) و علت آن را انتقام ابن

ص: ۳۱۹

۱- (۱) وی برادر سید بن طاووس بود که در حمله مغول به بغداد، در سال ۶۵۶، به شهادت رسید؛ زندگی نامه سید بن طاووس رحمه الله، عباس عبیری [نسخه دیجیتال].

۲- (۲) تشیع و تصوف، ص ۵۱.

۳- (۳) منتظم ناصری، ج ۱، ص ۴۶۲.

العلقی به خاطر قتل عام محله شیعه نشین کرخ به دست ابوبکر، فرزند مستعصم، دانستند. برخی دیگر نیز خواجه نصیرالدین طوسی را تحریض کننده هولاکو بر شمرند و انگیزه وی را انتقام او از آزار خلفای عباسی قلمداد کردند.^(۱) اما همان طوری که اشاره شد، واقعیت چیز دیگری بود. حمله مغول به بغداد تصمیمی بود که خان بزرگ مغول در قراقوم، پایتخت مغولستان، گرفته بود و هولاکو مأمور به فتح قلاع اسماعیلیه و سپس فتح سرزمین های باقیمانده اسلامی از جمله بغداد بود. بعد از فتح بغداد نیز سرداران هولاکو به طرف شام و مصر شتافتند، اما در «عین جالوت» از ممالیک شکست خوردند. و گرنه فتح آن مناطق نیز در تصمیم و برنامه مغولان بود. محمد بن علی بن طباطبا، مؤلف کتاب الفخری که آن را در سال ۷۰۱ ه. ق، یعنی ۴۵ سال بعد از فتح بغداد به دست هولاکو نوشته، شدیداً این گونه نسبت ها را که عامه به ابن العلقمی داده اند، را رد می کند و درستی و امانت و دیانت آن وزیر را می ستاید.^(۲) چیزی که تمام مورخان به آن اشاره دارند، سستی و ضعف خلیفه، ظلم و جور پسرش ابوبکر و نفاق امرا و سران لشکری هنگام حمله مغول بوده است. متأسفانه متهم کردن ابن العلقمی و خواجه نصیر، در قرن های بعد نیز تکرار شد و ابن تیمیه و شاگردانش به آن پر و بال دادند. حتی برخی نویسندگان شیعه نیز با استناد به همان آثار مورخان اهل تسنن، این اتهامات را در کتاب های خود آوردند.^(۳) و برخی مستشرقان نیز در مورد آن قلم فرسایی کردند.^(۴) در

ص: ۳۲۰

۱- (۱) این در حالی بود که نسبت به حضور صدها عالم و سیاستمدار اهل تسنن در دربار مغولان، از محمود یلواج، وزیر جانشین چنگیز در قراقوم گرفته تا قاضی شمس الدین قزوینی، تحریض کننده منکوخان مغول برای فرستادن هولاکو به ایران، چشم پوشی کردند؛ ر. ک: طبقات ناصری، ج ۲، ص ۱۸۲.

۲- (۲) تاریخ مغول، ص ۱۸۶.

۳- (۳) روضات الجنات، ج ۶، صص ۳۰۰ و ۳۰۱.

۴- (۴) اشپولر در کتاب تاریخ مغول در ایران، ضمن شرح حمله هولاکو، بدون اشاره به نقش شیعیان، تنها ضمن بحث از نالایق بودن اطرافیان خلیفه، به عبارتی به مکاتبه ابن العلقمی اشاره کرده، اما تأکید می کند که هولاکو «به راهنمایی های وی چندان اعتمادی نداشت»؛ تاریخ مغول در ایران، ص ۵۵.

عصر حاضر با تلاش محققان منصف اهل تسنن و همچنین محققانی از شیعه و برخی مستشرقان، این اتهامات به طور کامل مردود شمرده شده است (۱)؛ برای مثال سعد بن حذیفه الغامدی، استاد تاریخ دانشگاه ملک سعود در ریاض، کتابی با عنوان «سقوط الدوله العباسیه ودور الشیعه بین الحقیقه والاهام» نوشت. وی می گوید که برخی منابع اهل سنت، شیعیان را به همدستی با مغولان متهم کرده اند. منابع جدید هم براساس همان اتهامات، این مطلب را تکرار کرده اند. در اینجا این پرسش را مطرح می کند که آیا هولاکو نیازی به مساعدت مسلمانان شیعه مذهب بر ضد مسلمانان سنی داشت تا اینکه ما چنین اتهامی را قبول کنیم؟ حقیقت آن است که منگوقاآن، برادر هولاکوخان، به او دستور داده بود تا بغداد را تصرف کند. بنابراین، هولاکو نیاز به توصیه هیچ کس، شیعه یا سنی، نداشت؛ چنان که منتظر تحریک یا پیشگویی کسی نبود. علاوه بر اینکه مغولان، پس از ورود به شهر بغداد، به همه محلات به طور یکسان حمله کردند و بدون تفاوت مذهبی مردم، شهر را قتل عام کردند.

غامدی با اشاره به روابط دشمنانه میان شیعیان و سنیان بغداد، اخبار نقل شده را متأثر از این قضیه دانسته و بر این باور است که مورخان بعدی، مرتب جمله و کلمه ای را به اتهامات افزوده و آتش بیار معرکه شده اند. وی مکاتبه میان ابن علقمی و مغولان را بی اساس خوانده و معتقد است که این خبر را برخی مورخان سنی که ده ها سال پس از این ماجرا

ص: ۳۲۱

۱- (۱) حسن الامین، فرزند مرحوم سید محسن امین، تحقیقات و آثاری درباره مغولان، خواجه نصیر و اسماعیلیه دارد. کتاب «چنگیز و هولاکو: الغزو المغولی للبلاد الاسلامیه من بغداد الی عین جالوت»، بعد از آن کتاب «المغول بین الوثنیة والنصرانیة والاسلام» اثر دیگر اوست. سپس کتاب «الاسماعیلیون والمغول ونصیرالدین الطوسی» آثاری است که در این زمینه نوشته شده است. ر. ک: الاسماعیلیون والمغول، ص ۴۷. در دهه های اخیر مقاله دکتر حائری، با عنوان «آیا خواجه نصیرالدین طوسی در یورش مغولان به بغداد نقشی داشته است؟ پژوهشی از دیدگاه تاریخ نگاری». یک اثر پژوهشی روشمند بود که در این زمینه انتشار یافت. نشریه دانشکده ادبیات مشهد، سال ۱۷، ۱۳۶۳، صص ۴۷۹-۵۰۲؛ رسول جعفریان، پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه تاریخ اسلام و ایران.

می زیسته اند، جعل کرده اند. سپس اشاره می کند که برخی محققان به سخن ابن العمید مسیحی که آن زمان در مصر بوده و خبر همکاری وزیر را با مغولان نقل کرده، استناد می کنند^(۱). به نظر غامدی، مستشرقانی هم که روی این مطلب انگشت نهاده اند، تحت تأثیر همین نوع منابع بوده اند. در مقابل، برخی مورخان قدیمی، مانند ابن طقطقی، به دفاع از ابن علقمی برخاسته و این قبیل اتهامات را رد کرده اند. سپس آنچه را رشیدالدین و نخجوانی در «تجارب السلف» آورده، مرور می کند و در نهایت با طرح بحثی تحت عنوان «وجه الحقیقه» بر این باور است که در این قبیل مسائل، باید تمایلات مذهبی را کنار بگذاریم تا بتوانیم واقعیت امر را دریابیم. به نظر وی مورخانی که ابن علقمی را متهم کرده اند، به ویژه جوزجانی، مورخان سنی متعصبی هستند که این اتهام را به انگیزه تعصب مذهبی و مواضع خصمانه علیه این وزیر شیعی مطرح کرده اند.^(۲)

ص: ۳۲۲

۱- (۱) اخبار الایوبیین، نسخه خطی، برگ ۲۶۱.

۲- (۲) پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه تاریخ اسلام و ایران، رسول جعفریان.

فصل هشتم: گشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن هشتم هجری

اشاره

ص: ۳۲۳

۱. شکنجه و قتل عالمان شیعه توسط ایلخانان با تحریک متعصبان

بعد از حمله مغول مناطق عمده ای از جهان اسلام تحت حاکمیت ایلخانان قرار گرفت. در سلسله ایلخانان، به جز اولجایتو (سلطان محمد خدابنده) بقیه یا بر مذاهب ابتدایی مغول یا مسیحی یا اهل تسنن بودند. در دوره هایی از تاریخ حکومت ایلخانان، یهودیان در مقیاس وسیع به کار گمارده شدند.^(۱) نقیب النقبای شیعه در آن زمان، علامه سید تاج الدین آوی بود که نسبش به امام سجاد علیه السلام می رسید. وی در برابر نفوذ یهود ایستاد و یکی از معابد آنها را به مجلس وعظ مسلمانان تبدیل نمود^(۲) و نهایتاً با تحریض آنان و برخی عالمان اهل تسنن، با فرزندانش به قتل رسید. در خصوص شهادت وی آمده است که ابتدا پسران وی را در برابر چشم پدر سر بریدند و سپس خود سید را گردن زدند و حنابله بغداد بر اجساد آنان اسب راندند.^(۳) تا جایی که بدن وی را قطعه

ص: ۳۲۵

۱- (۱) تاریخ العراق بین احتلالین، عباس عزاوی، ج ۱، ص ۴۳۸؛ ر. ک: تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، الکامل، مصطفی الشیبی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، ص ۷۷.

۲- (۲) عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، لکنهو، ص ۳۳۴؛ ر. ک: شهر آوه - آوه در عصر رنسانس اسلامی، حسین محمدیاری، نشانی در فضای مجازی: www.eh۸۶.blog/post/۷۴

۳- (۳) تاریخ اولجایتو، ابوالقاسم عبدالله بن محمد کاشانی، ص ۱۳۳؛ ر. ک: سادات در دوره مغول، جواد عباسی، نشانی منبع در فضای مجازی: <http://libr y.teby .net/>

قطعه کرده و گوشت او را خوردند و موی سر و ریش را برکنده، دسته دسته کرده، هر دسته را به یک دینار فروختند؛ زیرا او را سبب عزت شیعه و ذلت خود می دانستند.^(۱) همچنین مورخان از نقش مؤثر علمای درباری سنی خراسان در تحریض توغای تیمورخان، ایلخان مغول، برای قتل شیخ خلیفه مازندرانی اشاره می کنند که شهادت وی زمینه های قیام شیعی سریداران خراسان را به وجود آورد. شیخ خلیفه، مردی زاهد و عابد بود که نزد شیخ بالو زاهد آملی^(۲) و شیخ رکن الدین علاءالدوله سمنانی و خواجه غیاث الدین هبه الله حموی استفاده کرد و سپس در سبزوار که در آن ایام مأمّن شیعیان اثنا عشری بود، اقامت گزید. سکنا گزیدن شیخ خلیفه در مسجد جامع سبزوار و تعالیم او باعث گردآمدن مریدان زیادی در اطراف او شد و صاحبان قدرت را به وحشت انداخت. بالاخره علمای درباری سنی فتوایی صادر کردند با این مضمون: «شخصی در مسجد ساکن است و حدیث دنیا می گوید و چون منعمش می کنند، منزجر نمی شود و اصرار می نماید. این چنین کس واجب القتل است یا نه؟!» اکثر فقهای رسمی زمان، فتوا دادند که «باشد». بامدادی از بامدادان سال ۷۳۶ ه. ق که مریدان شیخ به مسجد آمدند، وی را به ستون مسجد حلق آویخته دیدند. دلیل اصلی قتل شیخ این بود که شیخ خلیفه، شیعیان را علیه ظلم و ستم حکام می شوراند و آنها را برای برپایی عدل و عدالت تشویق و ترغیب می کرد. پس از مرگ شیخ خلیفه، یکی از شاگردانش به نام شیخ حسن جوری، از مبارزه علیه مغولان دست برداشت و نهایتاً توانست حکومت سریداران را تأسیس کند و تا حمله تیمور به ایران، آن منطقه را با تعالیم شیعی اداره کند.^(۳)

۲. قتل و غارت شیعه نیشابور به دست غیاث الدین آل کرت

خواند میر، مؤلف تاریخ «حیب السیر» در این باره می نویسد:

ص: ۳۲۶

۱- (۱) سیر أعلام النبلاء، آوه در عصر رنسانس اسلامی، حسین محمدیاری. نشانی پیشین.

۲- (۲) هم قریه شیخ و از اقطاب مازنداران.

۳- (۳) ر. ک: تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، تهران، ۱۳۵۴.

علی مؤید در سبزواری قوی گشته شعار مذهب علیه امامیه ظاهر گردانید. سر منبر وردی زر را به اسامی ائمه معصومین رضی الله عنهم اجمعین بیاراست. بعضی از فقهای حنفی فتوا نوشته به عرض ملک غیاث الدین رسانیدند که دفع شیعه بر ملک اسلام واجب است و به آن واسطه ملک چند سال متعاقب، لشکر به نیشابور که در تصرف کسان خواجه علی مؤید بود، کشیده از مراسم قتل و غارت و تخریب شهر و ولایت دقیقه نامرعی نگذشت و در کربت سیم در ویرانی بیشتر مبالغه نمود و غلات مسلمانان را چرانیده، باغات را با زمین هموار کرده، درختان صد ساله را از بیخ برکند و کاریزها بیناشت. عجب آنکه این حرکات نزد فقهای آن زمان که ملک غیاث الدین به فتوای ایشان متعرض ولایت خواجه علی مؤید بود، بدو نامشروع نمی نمود. در مطلع سعد بن مذکور است که در آن ایام که ملک غیاث الدین در ظاهر نیشابور نشسته، به امثال این امور ناهنجار حکم می فرمود. روزی از اهل رساتیق نیشابور، شخصی به نظرش درآمده او را پیش طلبیده گفت: «ای مردک بنای مسلمانی بر چند چیز است؟» آن شخص بی تأمل جواب داد که به مذهب خواندن ملک بر سه چیز غلات مسلمانان چرانیدن و کاریز انباشتن و درخت انداختن. ملک غیاث الدین از شنیدن این سخن منفعل گشته مراجعت نمود. اما در شهر سنه سبع و سبعین و سبعمائه نوبت دیگر لشکر بدان جانب کشیده درین کربت او را فتح نیشابور دست داد و زمام حکومت آن خطه را در قبضه اختیار اسکندر شیخی ولد افراسیاب جلالی نهاد. (۱)

گفتار دوم: فجایع برخی امرای متعصب ممالیک در حجاز، شام و مصر

اشاره

در دوره هایی که دولت های شیعه، نظیر بویهیان، فاطمیان و سادات علوی در حجاز حاکمیت داشتند، مسلمانان در انجام دادن اعمال مذهبی خود آزادی کامل داشتند. ولی

ص: ۳۲۷

با به قدرت رسیدن کردان ایوبی و ترکان ممالیک، نوعی طائفه گرایی بی رحمانه بر حرمین شریفین اعمال شد و در این رهگذر تعداد زیادی از شیعیان بی گناه به شهادت رسیدند. در این بین، ممالیک، بیشترین سخت گیری را علیه شیعه داشتند. (۱) بیش از ممالیک، در سال های سرکوب و اختناق و تضییق کردان ایوبی، شیعیان زیادی در مصر و مغرب قتل عام شدند. اما در منطقه حجاز، شیعیان به وفور وجود داشتند و حاکمیت مدینه نیز عملاً در دست سادات علوی بود و ایوبیان، به رغم اقدامات بی رحمانه خود، نتوانستند شرایط مدینه را تغییر دهند. از ارجاعات مأخذ قرون میانه اسلامی روشن است که مدینه، در آن ادوار، برای قرن ها دارای امارت شیعی مستقل به ریاست سادات بود. ابن فرحون (۲) در «تبصره الحکام» خود (۳) تأیید می کند که شیعه امامیه، در آن ادوار، در مدینه اکثریت غالب داشتند. او همچنین به مهاجرت تعدادی از شیعیان کاشان به مدینه اشاره می کند. (۴) از قرن چهارم به بعد اذان حرم پیامبر صلی الله علیه و آله «حی علی خیر العمل» داشت. (۵) وجود شیعیان در مرکز ثقل جهان اسلام و کنترل آنان بر حرم پیامبر صلی الله علیه و آله طبعاً خاری در چشم دشمنان آنان بود و اقلیت متعصبان سنی شهر، به تحریک قدرت های خارج از حجاز،

ص: ۳۲۸

۱- (۱) چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۸۸.

۲- (۲) در گذشته ۷۹۹ ه. ق.

۳- (۳) چاپ شده در هامش «فتح العلی المالک» علیش، ج ۱، ص ۴۱۸.

۴- (۴) جمله ابن فرحون این است: مردمانی از کاشان به مدینه آمدند و «ادخلوا الناس فی التشیع!» ج ۱، ص ۴۱۷. این عبارت او که تشیع مدینه را به مهاجرت مردمانی از کاشان نسبت می دهند با واقعیت تاریخی و نوشته های بعدی خود او نیز تطابق ندارد؛ چرا که مدینه مهد تشیع بود و همواره ائمه شیعه و سادات علوی، مشعل تشیع را در آن روشن نگه داشته بودند و از اوایل قرن چهارم به بعد، حاکمیت مدینه نیز در دست بنی الحسین قرار گرفت. در این ادوار، هر سه گرایش شیعی امامیه، زیدیه و اسماعیلیه نیز در امرای حاکم مدینه، از سادات بنی الحسین، به چشم می خورد. با این حال جامع همه آنها گرایش های شیعی، از جمله اذان شیعه با جمله حی علی خیر العمل بر مأذنه های مسجدالنبی بود.

۵- (۵) تاریخ الاسلام، الذهبی، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

برای خارج ساختن حرم از دست سادات و شیعه تلاش‌ها می‌کردند.^(۱)

ملک الظاهر بیبرس مملوکی (۶۵۸-۶۷۶ ه. ق) وقتی بر مصر و شام حکمرانی یافت، کوشید به سیادت بنی‌الحسین علیه‌السلام و شیعیان در مدینه پایان دهد. بنابراین در سال ۶۶۷ ه. ق، با سفر به حجاز، به بهانه حج و زیارت تربت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله مهاجرت اهل تسنن را به مدینه تشویق کرد و امام جماعت و مؤذنان سنی را برای سه‌مأذنه حرم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله تعیین کرد و با این دستاویز که دربارهای سلاطین، خواجگان حرم دارند اما حرم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله ندارد، گروهی از خواجگان تنومند و خشن افریقایی را بر حرم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله گماشت که وظیفه اصلی آنان کنار زدن سادات و شیعیان از امور حرم نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله بود.

پیش‌تر احترام سنتی مردم برای سادات مدینه موجب شده بود که کسی جرئت بی‌حرمتی به آنان را نداشته باشد. بنابراین حتی سپاهیان و دیوانیان ممالیک نیز ناگزیر بودند حرمت سادات حرم را حفظ کنند. اما خواجگان اعزامی از قاهره هیچ ملاحظه و ابائی نداشتند و فقط مجری دستورات سلطان مملوک بودند. پیش‌تر رسم چنان بود که پس از ایام حج، همه حجاج و زائران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله متفرق شده و به وطن خود باز می‌گشتند و ده ماه باقی مانده سال، مدینه در کنترل کامل سادات علوی بود و هیچ حکومتی پیش از این جرئت نکرده بود که یک گروه نظامی دائمی در آن منطقه مستقر کند؛ زیرا این کار، به مبارزه طلبیدن سادات آنجا بود.

شیعیان که توطئه ممالیک را به خوبی درک می‌کردند، در آغاز به مقاومت برخاستند. حتی امام جماعت ارسالی از مصر، سراج‌الدین انصاری، در اولین خطبه سنی‌گونه نماز جمعه خود، با اعتراض شیعیان حاضر مواجه شد. اما خواجگان افریقایی به سرعت سپر دفاعی تشکیل دادند و اعتراض شیعیان به جایی نرسید. چیزی نگذشت در شهری که

ص: ۳۲۹

۱- (۱) شرح اقدامات آنان در فصل سوم کتاب «وفاء الوفاء» سمهودی آمده است؛ ر. ک: اخبار مدینه، نورالدین سمهودی، ترجمه: سید کمال حاج سید جوادی. ص ۲۳۱.

سادات، قرن ها بر آن حکومت کرده و در حریمی که روزگاران دراز در دست شیعیان امامی بود، شعائر شیعی با فشار و خشونت کاهش یافت؛ به طوری که خواجهگان آفریقایی که در مآخذ تاریخی این عهد به «غول پیکر» و «ترس آور» وصف شده اند، هر کس را که به تشیع وابسته بود، در حرم می زدند و چه بسا اجازه عبادت را از مسلمان شیعه سلب می کردند. این چنین بود که نخست قدرت شیعیان و سادات در مدینه و به مرور اکثریت و حرمت آنان تضعیف شد و مدینه به کانونی سنی تبدیل گردید. (۱) این کار ممالیک در عرف امروز «قتل عام فرهنگی» نامیده می شود. (۲) علاوه بر این، برخی از سادات که در مقام امارت مدینه بودند، به دست ممالیک به شهادت رسیدند؛ از جمله جماز بن منصور حسینی است که در ربیع الاول سال ۷۵۹ با فرمانی از الملك الناصر حسن بن محمد بن قلاوون (۷۵۵-۷۶۲) به امارت مدینه نصب گردید. اما چون شیعه امامی بود و امامیه را در مناصب عالی حکومتی گمارد، ناصر قلاوون دو نفر را در پوشش حجاج فرستاد تا او را به قتل رساندند. (۳)

همچنین در شام، ضربات پی در پی بر شیعیان اسماعیلیه وارد می شد و بزرگان آنها را بر آن داشت تا به مناطقی بروند که امنیت بیشتری داشته باشند؛ این گونه بود که آنها مصیاف و قلعه های اطراف آن را انتخاب کردند. ولی دوران افول دولت های شیعه در سال ۵۰۲ ه. ق، با پایان یافتن امارت آل عمار در طرابلس و جبله به وسیله صلیبیان آغاز و در سال ۶۷۰ ه. ق با اضمحلال اسماعیلیان در مصیاف به پایان رسید. اما افول این

ص: ۳۳۰

-
- ۱- (۱) شرح این ماجراها و مراحل مختلف این تطور در کتاب «التحفة اللطیفة فی اخبار المدینه الشریفه» سخاوی آمده است.
 - ۲- (۲) **Cultur Genocide** ژنوسید فرهنگی به نابودی نهادها یا مجموعه های منسجم و مستقل اجتماعی گفته می شود؛ ر. ک: مجید پناهر، بررسی جرم نسل کشی در اسناد بین المللی (کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی ۱۹۴۸ م / ۱۳۲۷)، بخش تعاریف.
 - ۳- (۳) تفصیل ماجرا در «التحفة اللطیفة» سخاوی و «سلوک» مقریزی آمده است. همچنین ر. ک: البدایه والنهایه، وقایع سال ۷۵۹ و ۷۶۰ ه. ق.

دولت‌ها به معنای افول و نابودی مذهب شیعه نبود. بلکه شمار شیعیان به واسطه فشارهایی که بر آنها وارد می‌شد و حملات پاکسازی مذهبی که در تمام بلاد شام علیه آنها صورت می‌گرفت، به تدریج کاهش یافت. همچنین ممالیک با رویه تعصب آمیز نسبت به دانشمندان عقل‌گرا باعث رکود علمی در غرب جهان اسلام شدند؛ به طوری که تعدادی از عالمان شیعه به دست آنان به قتل رسیدند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. شهادت شهید اول و یارانش

یکی از اقدامات نابخردانه ممالیک به شهادت رساندن محمد بن مکی، عالم بزرگ شیعه در شام، معروف به شهید اول، در روز پنجشنبه ۹ جمادی الاولی ۷۸۶ ه. ق (در ۵۲ سالگی) بود^(۱). بعضی گفته‌اند وی به رهبری حرکت کردیه در بیروت، برای زمینه‌سازی جهت قیام مسلحانه شیعه، متهم شد.^(۲) این موضوع بعید است؛ زیرا در هیچ یک از اتهام‌های وی که از قضات دمشق نقل شده است، چنین چیزی نیامده است. البته نویسنده کتاب «دین و دولت در ایران عهد مغول» نیز مدعی است که شهید اول، در لبنان، جنبشی شبیه به نهضت سربداران را رهبری کرد. وی اعلام کرد که نایب امام غایب است و نایبانی به اطراف فرستاد تا فعالیت‌های خود را گسترش دهد و زمینه را برای ظهور آن حضرت آماده کند.^(۳) شیخ حر عاملی درباره چگونگی شهادت وی می‌نویسد: «شهید اول را با شمشیر کشتند، بعد به دار آویختند، سپس سنگسار کردند و جنازه اش را سوزاندند».^(۴)

ص: ۳۳۱

-
- ۱- (۱) مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۵۷۹؛ شهیدان راه فضیلت، ص ۱۳۹؛ مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به لبنان، مهدی فرهانی منفرد، ص ۱۶؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۸۸.
 - ۲- (۲) طبقات اعلام الشیعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۳، ص ۵۲.
 - ۳- (۳) دین و دولت در ایران عهد مغول، شیرین بیانی، ج ۲، ص ۷۹۰؛ به نقل از: چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، روح الله حسینیان، صص ۱۷۲ و ۱۷۳.
 - ۴- (۴) امل الآمل، ج ۱، ص ۱۸۲.

همچنین در سال ۷۴۴ ه. ق فقیه شیعه، حسن بن محمد بن ابوبکر بن ابوالقاسم دمشقی همدانی، معروف به سکاکی، از اکابر علمای امامیه در قرن هشتم هجری، در شام به شهادت رسید. سکاکی در چندین علم متبحر و استاد بود. موافق آنچه از ریاض العلماء نقل شده است، به واسطه تهمت و مفتریات مشهودی که به وی نسبت دادند، قاضی شرف الدین مالکی، به واجب القتل بودن او حکم داد. سرانجام وی را در سوق الخیل دمشق به شهادت رساندند.^(۱)

۲. شهادت محمود بن ابراهیم شیرازی و تعداد زیادی از شیعیان شام

در سال ۷۶۶ ه. ق محمود بن ابراهیم بن محمد شیرازی، فقیه شیعی و از بزرگان و نام آوران علمای امامیه روزگار خود، به همراه تعداد زیادی از شیعیان شام، به شهادت رسید. ابن ابراهیم در دمشق اقامت داشت و استاد مدرسه ابی عمر آن شهر بود. در آن سال یک حرکت متعصبانه ضد شیعی در شام روی داد که به قتل تعداد زیادی از شیعیان شام منتهی شد. درباره نحوه شهادت او نوشته اند:

ابتدا قاضی حنبلی چهل روز وی را زندانی کرد. پس از آن او را نزد قاضی القضاة مالکی حاضر کردند و او دستور ضرب داد. سپس نزد نائب السلطنه بردند و علیه او شهادت دادند و قاضی حکم به ریختن خون او کرد. آن گاه او را به بیرون شهر برده و گردنش را زدند و جسدش را سوزاندند.^(۲)

۳. قتل عام کسروان

پیش تر اشاره شد که در قرن هشتم هجری شیعیان غرب جهان اسلام، شامل مناطق

ص: ۳۳۲

۱- (۱) شهادت سکاکی در بامداد روز ۲۵ جمادی الاولی سال ۷۴۴ ه. ق به جرم تشیع در بازار اسب فروشان دمشق اتفاق افتاد؛ الدرر الکامنه، ج ۲، ص ۳۴؛ البدایه والنهایه، ج ۱۴، ص ۲۱۱.

۲- (۲) الدرر الکامنه، ج ۴، ص ۳۲۱؛ البدایه والنهایه، ج ۱۴، ص ۳۱۰؛ اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۰۱؛ شهیدان راه فضیلت، ص ۱۵۴؛ همچنین در همین دوران علی بن ابی الفضل حلی را به قتل رساندند و جسدش را آتش زده و سر بریده اش را در شهر گرداندند؛ الدرر الکامنه، ج ۳، ص ۹۵.

شامات و مصر، مورد فشار شدیدی قرار گرفتند که بخش عمده این فشارها، علاوه بر حمله مغول، تحت تأثیر خصومت شخصی به نام ابن تیمیه و شاگردانش بود. ابن تیمیه به سبب کثرت و تنوع فعالیت ها و شیوه رفتار خاصش در امور سیاسی و برخورد سخت گیرانه با پیروان مذاهب اسلامی، شخصیتی چالش برانگیز به شمار رفته، دو مواجهه کاملاً متفاوت در مورد او پدید آمده است؛ از طرفداری سرسختانه کسانی مانند ابن کثیر دمشقی، ابن قیم جوزیه و وهابیان معاصر تا مخالفان سرسخت نظیر ابن حجر عسقلانی، ابن حجر مکی، محمد بن محمد بخاری و عقل گرایان معاصر سنی را شامل می شود. (۱) ابن تیمیه در مواجهه با مکتب تشیع و در رد کتاب «منهاج الکرامه» علامه حلی، آن قدر زیاده روی کرد که به نوشته علمای اهل تسنن موجب تنقیص مقام پیامبر صلی الله علیه و آله (۲)، حضرت علی علیه السلام (۳) و اهل بیت علیهم السلام (۴) گردید. (۵) آرای ابن تیمیه عملاً موجبات بدبینی شدید همفکران و مقلدان او نسبت به شیعه را در قرون و اعصار بعد فراهم آورد و بسیاری از خصومت های منجر به درگیری و قتل عام مسلمانان و خصوصاً شیعیان را پشتیبانی کرد. وی شیعه را از پیروان یهود و اعتقاد به عصمت اهل

ص: ۳۳۳

-
- ۱- (۱) محمد بن محمد بخاری عالم حنفی مذهب (م ۸۴۱ ه. ق) می نویسد: «هر کس به ابن تیمیه شیخ الاسلام بگوید، کافر است». (البدر الطالع، ج ۲، ص ۲۶۰) ابن حجر عسقلانی در کتاب درر الکامنه می نویسد: «قضات اهل سنت در زمان ابن تیمیه اعلام کردند: هر کس معتقد به عقاید ابن تیمیه باشد، خون و مالش حلال است». الدرر الکامنه، ج ۱، ص ۱۴۷؛ البدر الطالع، ج ۱، ص ۶۷؛ مرآه الجنان، یافعی، ج ۲، ص ۲۴۲. همچنین ر. ک: الفتاوی الحدیثه، ابن حجر، ص ۸۶.
- ۲- (۲) ابن حجر درباره دیدگاه علمای جهان اسلام در اثبات کفر ابن تیمیه می نویسد: «بعضی به سبب مخالفت او با توسل و استغاثه به رسول اکرم صلی الله علیه و آله که خود تنقیص مقام نبوت، و مخالفت با عظمت حضرت به حساب می آید، وی را زندق و بی دین می دانند».
- ۳- (۳) ابن حجر در الدرر الکامنه فی أعیان المائه الثامنه، ج ۱، ص ۱۵۵ می نویسد: «ابن تیمیه درباره نوشته علی (نستجیر بالله) در هفده مورد دچار اشتباه شده و با نص قرآن مخالفت نموده است».
- ۴- (۴) وی در کتاب منهاج السنه خود روایات متعدد، معتبر و مسلمی را که در تمجید اهل بیت علیهم السلام حتی در منابع اهل سنت آمده، رد کرده و آنان را ساخته دروغ پردازان می خواند.
- ۵- (۵) ابن حجر عسقلانی، می نویسد: «ابن تیمیه، در پاسخ به رافضی (علامه حلی) به قدری زیاده روی کرده که منجر به پایین آوردن مقام علی بن ابی طالب علیه السلام گردیده است». لسان المیزان، ج ۶، ص ۳۱۹.

بیت علیهم السلام را کفر می شمرد و افتراءات ناروایی به آنان زد. علاوه بر آن، نگرش منفی او درباره دیگر مکاتب کلامی اهل تسنن، وی را تبدیل به مؤسس عمده جریان سلفی گری تکفیری کرد. اگرچه پیش از وی نیز افرادی چون عز بن عبدالسلام، بر بهاری، ابن بطه و برخی حنبلیان تندرو، کمابیش برخی دیدگاه های ابن تیمیه را از خود بروز می دادند. ولی هیچ کدام به اندازه او موجبات خونریزی مسلمانان را فراهم نکرد.

ابن تیمیه در سال ۷۰۴ ه. ق. در قتل عام شیعیان کسروان، نقشی مهم داشت. این قتل عام در امتداد اقدامات خونین ممالیک برای قتل و آوارگی شیعیان و راندن آنان از مصر و شام و سپس از حجاز و حرمین بود. به گزارش ابن فضل الله عمری (م ۷۴۹ ه. ق) ابن تیمیه گاه خود نیز در جنگ شرکت می جست و گاه قتل عام کنندگان را بدین کار تشویق می کرد و گاهی برای تدارک نیرو، نزد امرای قبایل بدوی شام، نظیر مهنا بن عیسی (م ۷۳۵ ه. ق) می رفت و با تعبیر خشم آلود، آنان را به حمله علیه شیعیان تحریک می کرد. به گفته ابن کثیر، او برای توجیه این قتل عام ها، شیعه را با بدترین تعبیرات تکفیر می کرد. با تلاش ابن تیمیه دامنه این کشتارها تا قتل عام علویان شمال لبنان، قنیطره، عاقوره، بترون و عکا نیز امتداد یافت. در پی تاراج این مناطق، کسانی که جان به در بردند، به مناطق دیگر کوچ کردند. تقریباً بیشتر مورخان به این قتل عام ها اشاره کرده اند. تعداد کسانی که فقط در قتل عام کسروان از زن و مرد و کودک قربانی شدند، بیست تا چهل هزار نفر نوشته اند. مطلب مهم اینجا بود که ساکنان کسروان، از سال ها پیش برای در امان ماندن از حملات متعصبان، به کوه ها پناه برده بودند و خطری برای ممالیک نداشتند. ولی ابن تیمیه، فرماندار منصوب از جانب ممالیک در شام، به نام بهاءالدین قراقوش را ترغیب کرد که به مناطق محل سکونت آنها لشکر بکشد و آنها را در دهات و قریه هایشان قتل عام کند.^(۱) ممالیک این گونه قتل عام را

ص: ۳۳۴

۱- (۱) تاریخ شیعه فی لبنان، سعدون حماده، ص ۳۳.

هیچ گاه در مورد نصاری شام انجام ندادند؛ به همین دلیل بعد از قتل عام شیعیان کوهستان های کسروان، به تدریج مسیحیان در آن نقاط ساکن شدند.^(۱) دیدگاه افراطی ابن تیمیه در رجحان کافران مسیحی بر مسلمانان شیعه، بعدها منشأ شیعه ستیزی شدید وهابیان و سلفیان تکفیری و توجیه فجایع و قتل عام های آنها شد.

گفتار سوم: قتل عام مسلمانان شیعه در یورش های تیمور لنگ

اشاره

تیمور لنگ طی دوران سلطنت ۳۶ ساله اش (۷۷۱-۸۰۷ ه. ق)، سه یورش وحشیانه سه، پنج و هفت ساله به نواحی اطراف ایران داشت و در هر نوبت، صدها هزار نفر را قتل عام کرد. وی پس از فتح هر شهر، از سرهای کشتگان، مناره ها می ساخت و یادبودی از قساوت و سنگدلی در یادها می گذاشت.^(۲) تیمور تشنه قدرت و کشورگشایی بود و گفته می شود نزدیک به هفده میلیون نفر را از بین برد و برخی نسل ها و اقوام بشری را به کلی نابود کرد.^(۳) بنابر گفته مشهور، تیمور خود را سنی حنفی معرفی می کرد. با این حال برخی به علت عدم آگاهی و تتبع در احوالات این شخصیت خونریز، مذهب وی را شیعه پنداشته اند؛ چراکه برخی نمایش های شیعی از تیمور گزارش شده که برای عوام فریبی نزد شیعیان و سادات علوی بوده است تا از خطر قیام و شورش آنها در امان باشد. با این حال، شیعیان در مقابل تجاوزات او ایستادند؛^(۴) به همین دلیل شهرهای شیعه نشین زیادی توسط او قتل عام شدند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

ص: ۳۳۵

۱- (۱) المسلمون الشیعه فی کسروان و جبیل، علی راغب حیدر احمد، صص ۲۱-۲۳.

۲- (۲) در این باره ر. ک: ظفرنامه ماجرای خونین ترین قتل عام شهرهای ایران، نظام الدین شامی، مصحح: پناهی سمنانی.

۳- (۳) او این قتل عام ها را بین سال های ۱۳۶۹ تا ۱۴۰۵ میلادی انجام داد.

۴- (۴) اصولاً تیمور از عنصر مذهب فقط و فقط برای رسیدن به مطامع و اهداف خود استفاده می کرد و در واقع اعتقادی به دین و مذهب نداشت؛ به گونه ای که اگر دمشقیان سنی مذهب را به بهانه خون خواهی فرزندان امام علی علیه السلام کشت، مردم قلعه «ماهان» و شهر آمل را به گناه پیروی از مذهب تشیع قتل عام کرد؛ الغ بیک و زمان او، بارتولد، ترجمه حسین احمدی پور. ص ۴۴؛ مجله سخن تاریخ، «سیاست مذهبی تیمور گورکانی در مورد شیعیان»، سید مرتضی حسینی شاه ترابی، ش ۱۱، زمستان ۱۳۸۹.

۱. قتل عام سبزوار

قتل عام سبزوار در کتاب «منم تیمور جهانگشا» به صورت مبسوط مطرح شده است. این کتاب منسوب به تیمور لنگ و به نوعی جمع آوری خاطرات اوست. از قول وی در این کتاب نقل شده است:

سکنه سبزوار همه مرتد (شیعه) بودند و بعد از اینکه شهر را گشودم، به سربازان خود بشارت دادم که ده سر بریده را به مبلغ یک دینار خریدار خواهم کرد؛ زیرا من مسلمان هستم و مجاهد فی سبیل الله می باشم و ایمان دارم که طبق قانون شرع مطهر اسلام، هر کسی که مرتد است باید به قتل برسد. سربازان من به حسابدارانم، پنجاه هزار سر بریده تحویل دادند و پنج هزار دینار دریافت کردند. من دستور دادم که از آن سرهای بریده یک هرم رو به قبله بسازند تا خدای کعبه بداند برای رضای او، همه مرتدها را نابود کردم. پس از آنکه هرم به ارتفاع سی زرع (هر زرع معادل ۱۰۴ سانتی متر) رسید، گفتم تا حصار شهر را ویران کنند. آن گاه قشون را به حرکت در آوردم.... شب ها بالای آن هرم چراغ روشن می کردند و آن چراغ ها از فاصله دور دیده می شد. در سفرهای بعد وقتی از سبزوار که ویرانه ای بیش نبود، عبور می کردم، مشاهده کردم که اطراف هرم سفید شده و مثل این بوده که آن را با سرهای بریده سفید کرده اند. من می خواستم که غلبه من بر سبزوار برای همه درس عبرت شود و بدانند که هر کسی مقابل من پایداری کند، گرفتار سرنوشت امیر سبزوار و ساکنان آن شهر خواهد شد.^(۱)

۲. قتل عام طبرستان

تیمور لنگ پس از اشغال طبرستان و پیروزی در مقابل سادات مرعشی، «رشانقه»، یعنی مردم عادی آنجا را که به طور معمول شیعه بوده و مدافع مرعشیان بودند، از سادات جدا کرد و به دستور وی، هر کس که سید نبود، «قتل عام» کردند و سادات را

ص: ۳۳۶

۱- (۱) منم تیمور جهان گشا، مارسل بریون، ترجمه ذبیح الله منصوری، ص ۳۵.

تبعید نمودند؛ به این صورت که به فرمان تیمور همه مرعشیان را در کشتی نشانده و به فرارود (ماوراءالنهر) بردند. (۱)

سیدظهیرالدین مرعشی در مورد علت حمله تیمور به سادات مرعشی چنین می نگارد:

امیر، سید کمال الدین را مخاطب کرد و فرمود: «من به ولایت شما جهت مال و ملک دنیا نیامدم؛ به سبب آن آمدم که مذهب شما بد است. حیف باشد شما دم از سیادت بزنید و مذهبی داشته باشید که لایق مسلمین نباشد». سید پرسید: «ای امیر! ما را چه مذهب است که بد است؟» امیر فرمود: «شما سب صحابه می کنید و رافضی مذهب هستید». سید فرمود: «ما متابعت جد و آبای خود می کنیم. اگر مخالفان جد خود را بد گفته باشیم، غالباً عجب نباشد». (۲)

نبرد تیمور با سادات مرعشی، به دلایل مذهبی، منطقی به نظر نمی رسد؛ بر همین اساس میخواند اعتقاد دارد که تیمور عوام فریبی کرده و شیعه بودن آنها را بهانه لشکرکشی خود به مازندران قرار داده است؛ چراکه «خواجه علی مؤید سربداری» شیعه مذهب، چون تسلیم تیمور می شود، تیمور هم با وی خوش رفتاری می کند و شیعه بودنش را بهانه نابودی حکومتش قرار نمی دهد. (۳)

ص: ۳۳۷

-
- ۱- (۱) فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، «حمله تیمور به مازندران و عوامل سقوط مرعشیان»، حسین میرجعفری، ش ۳۶ و ۳۷، ۱۳۸۳، صص ۱۷-۳۶.
 - ۲- (۲) تاریخ گیلان و دیلمستان، سیدظهیرالدین مرعشی، تحقیق منوچهر ستوده، ص ۴۳۰.
 - ۳- (۳) ر. ک: روضه الصفا، میخواند، ج ۵، ص ۶۲۵.

فصل نهم: کشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن نهم هجری

اشاره

ص: ۳۳۹

۱. قتل عام قم

برخی منابع تصریح دارند که تیمور گورگانی، در یورش های سه گانه خود به منطقه عراق عجم، به قتل عام مردم قم پرداخت. سیاحان از غارتگری و قتل عام تیمور در قم حکایت ها دارند. شاردن می نویسد: «تیمور چون مخالف شیعه بود و مذهب سنت و جماعت داشت، قم را کاملاً ویران ساخت».^(۱) اوژن فلاندن، سیاح دیگر فرانسوی نیز می نویسد: «تیمور، جواهرات آستان مقدس قم را غارت کرد و آن را ربود».^(۲) با این همه، نویسنده کتاب «قم در قرن نهم هجری»، معتقد است قم در جریان یورش های تیمور، نه تنها ویران نشده، بلکه تیمور قم را ندیده و از آن عبور نکرده است. دلیل ایشان این است که نام قم در ظفرنامه یزدی و شامی ذکر نشده است و قم در مسیر لشکرکشی های سه گانه تیمور نبوده است. دلیل دوم او این است که تیمور در مسیر خود، شهرهایی را که مقاومت می نمودند، ویران می کرد یا امیران آن مناطق را تابع خود می نمود. ولی «ابراهیم قمی»، امیر قم، از تیمور فرمانبرداری کرد و قم جزو قلمرو تیموریان گردید.^(۳)

ص: ۳۴۱

۱- (۱) سیاحت نامه شاردن، ج ۳، ص ۸۰.

۲- (۲) سفرنامه اوژن فلاندن، ص ۱۰۶.

۳- (۳) قم در قرن نهم هجری، ص ۱۳.

۲. قتل عام شیعه بغداد

در جریان یورش هفت ساله تیمور، در سال ۸۰۴ ه. ق، وی شهر بزرگ بغداد را که در قتل و غارت هلاکوخان مغول در سال ۶۵۶ ه. ق ویران شده بود، تصرف کرد و چون تعدادی از سربازان او در آن شهر کشته شده بودند، دستور داد تا هر یک از سربازان او دو سر حاضر کنند و به دنبال این دستور دهشت آور، قتل عام سخت و بی رحمانه ای در بغداد رخ داد و هزاران نفر از کوچک و بزرگ و زن و مرد بی گناه، در پنجه قهر سربازان خونخوار تیمور لنگ مبتلا گردیده و کشته شدند. طبعاً بخش ها و محلات عمده ای از بغداد، نظیر کرخ، نیز از این قتل عام مصون نبودند و مسلمانان شیعه بغداد، همچون اهل تسنن، قتل عام شدند.^(۱) اما نکته مهم اینجا بود که تیمور پیش از ترک شهرهای متصرفی، حکومت آنجا را به دست امرای متعصب سنی ترک و مغول خود می داد که فشار را بر شیعیان مضاعف می کرد.

۳. قتل عام سادات و علمای شیعه اصفهان توسط شاهرخ تیموری

در سیزدهم رمضان سال ۸۵۰ ه. ق، گروهی از بزرگان سادات و علمای شیعه اصفهان، همچون سید علاءالدین نقیب، پیشوای عراق عجم و از اکابر سادات حسینی، مولانا امام الدین قاضی، امیر احمد چوپان، خواجه عبدالرحمان و خواجه افضل الدین بر دروازه های ساوه به دار آویخته شدند.^(۲) بهانه این قتل عام این بود که شاهرخ تیموری، آنان را محرک نوه اش، بهادر، در شورش علیه او می دانست. انجام این کار دهشتناک که با توجه به فضای علوی گرایانه ایران آن روز، از سوی پادشاه سنی ولی شیعه دوستی که

ص: ۳۴۲

۱- (۱) عجایب المقدور (زندگانی شگفت آور تیمور)، احمد بن عربشاه، ترجمه محمدعلی نجاتی، ص ۱۶۹؛ حیب السیر، غیاث الدین خواندمیر، ج ۳، صص ۴۹۹ و ۵۰۰؛ ظفرنامه، شرف الدین علی یزدی، به کوشش محمد عباسی، ج ۲، صص ۲۵۹ و ۲۶۶؛ ر. ک: دانشنامه بزرگ اسلامی، «تیمور گورکانی»، علی اکبر دیانت، ج ۱۶، ص ۶۲۴۹.

۲- (۲) دولتشاه، ص ۲۵۶.

علاقه اش به اهل بیت علیهم السلام و سادات زیانزد عام و خاص بود، آن هم به گاه سال خوردگی و بیماری اش، بسی شکفت می نمود. این، افزون بر قاطعیت در برابر قدرت یابی شیعه، نشان نومییدی وی در این باره نیز بود. این اقدام نامیمون بر خود شاهرخ هم نامبارک افتاد. کوتاه زمانی پس از آن، حالش دگرگون شد و روز یکشنبه ۲۵ ذی حجه سال ۸۵۰ ه. ق، پیش از رسیدن به هرات، به طور ناگهانی در ری مُرد. (۱) همچنین برخی منابع از قتل عام بزرگان شیعه در شهر ری، به جرم طرفداری از سلطان محمد جوکی در سال ۸۵۰ ه. ق، گزارش داده اند که تنها از آن میان شرف الدین علی یزدی جان سالم به در برد و این را شاید یکی دیگر از دلایل نیمه تمام ماندن کتاب ظفرنامه بتوان به شمار آورد.

گفتار دوم: فجایع متعصبان علیه مسلمانان شیعه در دوره گورکانیان هند

اشاره

در شمال هند و در زمان حکومت گورکانیان، در برخی دوره ها، علما و صاحب منصبان شیعه، موقعیت سیاسی بالایی داشتند. هیچ گاه بر اهل سنت سخت نگرفتند. برعکس، وقتی صاحب منصبان متعصب سنی، با سعایت از شیعیان، آنها را کنار زده و منصب وزارت را به دست می گرفتند، دست به قتل عام علما و مردم عادی شیعه می زدند. مورخان درباره «مخدوم الملک ملاعبدالله سلطانپوری» و «شیخ عبدالنبی» که سنی متعصب بودند، نوشته اند: این دو، برای مدتی صدارت حکومت اکبر را به دست گرفتند، لیکن نتوانستند تشیع را در دربار اکبر و جامعه هند از بین ببرند؛ ولی شیعیان بی گناه زیادی به تحریک آنها قتل عام شدند. (۲) بی رحمی هایی که از سوی مخدوم الملک و شیخ عبدالنبی علیه شیعیان یا کسانی که مظنون به تشیع بودند، صورت گرفت، بسیار تکان دهنده بود و در منابع

ص: ۳۴۳

۱- (۱) مطلع سعدین و مجمع بحرین، سمرقندی، ج ۲، صص ۸۵۳، ۸۶۱-۸۷۶؛ احسن النوار، روملو، ج ۱۱، صص ۲۵۶-۲۵۸؛ حبیب السیر، ج ۳، ص ۶۳. ر. ک: فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، سادات و بزرگان شیعه و نقش آنان در حرکت شیعی محمد بهادر، محمدرضا رحمتی، صص ۱۶۷-۱۸۴، ش ۴۱، بهار ۱۳۹۲.

۲- (۲) منتخب التواریخ، ج ۳، ص ۷۰.

موجود، مواردی از آنها ثبت شده است.^(۱) همچنین عالمان، شاعران و سادات زیادی در دوره حکومت گورکانیان هند، با سعایت متعصبان، به شهادت رسیدند؛ نظیر «مولا احمد تهمتنی»، از علمای نامی شیعه هند در قرن دهم (اوائل سال ۹۹۷ ه. ق) شبانه او را به حيله از خانه اش بیرون آورده و ناگهان به ضربه خنجر از پا درآوردند و علامه «شیخ ابوالفضل هندی» که در ربیع الاول ۱۰۱۱ ه. ق یکی از راجه های هند، به دستور شاهزاده جهانگیر، وی را به قتل رساند.^(۲) همچنین علامه قاضی نورالله شوشتری که با سعایت عالمان اهل تسنن، به دست جهانگیر، به شهادت رسید.^(۳) قاضی نورالله شوشتری، معروف به شهید ثالث، در خصوص رسم دیرینه برخی علمای عامه در شوراندن حاکمان بر ضد دیگران، خصوصاً علمای تشیع، چنین می نویسد:

رسم دیرینه برخی اهل سنت است که چون به مقتضای کلام معجز (قَبَّهَتِ الَّذِي كَفَرَ) در اثبات مطالب باطله خود از خصم مبهوت و عاجز گردند و به مقدمات علمی کار نتوانند ساخت، به شمشیر و بوکده و قلمتراش با او مناظره نمایند و اگر از آن نیز عاجز باشند، تهمتی بر او اندازند و سلطان وقت را بر او متغیر سازند و اگر بر آن نیز قادر نباشند، مرگ او را به دعا آرزو کنند.

درباره چگونگی شهادت قاضی نورالله نوشته اند: حاسدان هر روز در پی فرصتی نشستند تا سخن و حرکتی را از او مشاهده کنند و به سعایت او برخیزند تا اینکه قضات و مفتیان شنیدند که روزی قاضی نورالله، کلمه «علیه الصلاه والسلام» را در حق مولی الموحدين حضرت علی علیه السلام به کار برده است. از این رو آن را بدعت و مختص به

ص: ۳۴۴

۱- (۱) آیین اکبری، لکهنو، ج ۳، ص ۲۰۶؛ طبقات اکبر، نظام الدین احمد، ج ۲، ص ۳۵۷؛ منتخب التواریخ، ج ۲، ص ۱۲۴.
۲- (۲) قاتلش سر او را جدا کرد و نزد شاهزاده آورد. ولی شاه از کشته شدن وی سخت ناراحت شد و بر صورت خود زد و فرمان داد قاتل و کس و کارش را اعدام کنند و خانه ها و مزرعه هایش را منهدم سازند: شهیدان راه فضیلت، ترجمه (شهداء الفضیله، علامه امینی) با مختصر تلخیص.

۳- (۳) همان، ص ۱۹۰.

نبی برشمردند و فتوا به حلال بودن خون او دادند. در این خصوص حکمی را تهیه و امضا کرده، نزد اکبرشاه فرستادند. آنان همه امضا کردند؛ مگر یکی از بزرگان ایشان که مخالفت کرد و بیتی را به این مضمون نوشت و نزد اکبر شاه فرستاد:

گر لحمک لحمی به حدیث نبوی هی بی صل علی نام علی بی ادبی هی

اکبر شاه از کشتن قاضی نورالله صرف نظر کرد و محبت او بیش از پیش در قلب وی افزون شد. قاضی نورالله در سال ۱۰۱۹ ه. ق درحالی که حدود هفتاد سال عمر داشت، به شهادت رسید. محدث قمی نحوه قتل او را چنین می آورد:

... قاضی نورالله مشغول به قضاوت و همچنین نویسندگی در خفا بود تا اینکه سلطان اکبر از دنیا رفت و جهانگیرشاه بر تخت نشست. علمای دربار و مقرب، درصدد فتنه و برانگیختن شاه علیه قاضی برآمدند و نزد او به سعایت پرداختند که قاضی شیعه است و خود را ملزم به مذاهب اربعه نمی داند و فتوایش با فتوای مذهب امامیه تطبیق می کند. جهانگیرشاه گفت: «این دلیل کامل نیست؛ چراکه او از اول قضاوت را به شرط اجتهاد خود پذیرفته است». آنان به حيله دیگری دست زدند. شخصی را وا داشتند تا به عنوان شاگرد نزد قاضی رفت و آمد کند و خود را شیعه معرفی کند. وی پس از رفت و آمد بسیار، کتاب «مجالس المؤمنین» را از قاضی گرفت و نزد علمای دربار برد. آنان نیز این کتاب را به عنوان سند تشیع قاضی نورالله به جهانگیرشاه عرضه کردند و به سلطان گفتند: «او استحقاق اجرای حد دارد». جهانگیرشاه گفت: «حدش چیست؟» آنان گفتند: «ضربه زدن با شلاق!» شاه کار را بر آنان واگذار کرد و آنان قاضی نورالله را زیر شلاق کشتند! نوشته اند بر بدن قاضی نورالله با چوب یا شلاق خاردار آنچنان زدند که بدنش قطعه قطعه شد!^(۱)

امروز مزار او در آگره هندوستان، زیارتگاه مسلمانان شیعه و سنی شبه قاره است.

ص: ۳۴۵

۱- (۱) فوائدالرضویه، محدث قمی، ص ۶۹۷. محدث قمی می افزاید: صاحب «طرائق الحقائق» در شرح حال قاضی نورالله، نوشته است: «کیفیت شهادت آن جناب، آن است که در معبر و راه او، بعضی نواصب کمین کرده، چون فرصت یافتند، او را گرفتند و برهنه نمودند و با شاخه های درخت پر خار، آن قدر بر بدن آن سید ابرار زدند که اعضای او از هم جدا شد و جان به جان آفرین تسلیم نمود و به این جهت بر آن جناب، اطلاق شهید ثالث می نمایند».

روحانیان و صوفیان شیعی ایرانی، تبلیغ دین اسلام را در کشمیر آغاز کردند. در اوایل قرن هشت هجری، کاروان عارف بزرگ، میر سیدعلی همدانی با جمعی از سادات و عرفا، راهی کشمیر شد. آنها به ترویج دین اسلام در آن سامان پرداختند. گفتنی است اجداد حضرت امام خمینی رحمه الله نیز در همین کاروان پای به سرزمین کشمیر نهادند که تا چند نسل قبل از حضرت امام در این سرزمین می زیستند و به ترویج اسلام می پرداختند و بعضاً در این مسیر به شهادت می رسیدند؛ مانند میر سیدحامد حسین موسوی و دین علیشاه، جد پنجم و چهارم امام خمینی رحمه الله که مزارشان اکنون زیارتگاه مردم مسلمان کشمیر است. همچنین فعالیت های میرشمس الدین که از خراسان به آنجا سفر کرد، سبب شد تا اسلام با مکتب اهل بیت علیهم السلام بیش از پیش در کشمیر رواج یابد. دوره چک ها که شیعه بودند، دوره ای استثنایی و طلایی در تاریخ پرفراز و نشیب تشیع کشمیر به حساب می آید. کاجی چک، اولین شاگرد میرشمس الدین عراقی بود که در سال ۹۲۴ ه. ق به مقام نخست وزیری رسید. وی توانست سه حمله پیاپی مغول در سال های ۹۲۷، ۹۲۸ و ۹۲۹ ه. ق را ناکام سازد. پس از او «دولت چک» (نام شخص) در سال ۹۵۸ ه. ق به مقام نخست وزیری رسید. سپس در سال ۹۶۲ ه. ق طایفه «چک» رسماً به پادشاهی دست یافت. در این دوره که ۳۲ سال به طول انجامید، شش نفر از شیعیان به حکومت رسیدند. همین دوره کوتاه، سبب شد تا تشیع بیش از گذشته در کشمیر گسترش یابد؛ به نحوی که اغلب جمعیت کشمیر را شیعیان تشکیل می دادند.

قاضی نورالله شوشتری نیز که در سال ۱۰۰۵ ه. ق از کشمیر دیدار کرده، گزارش می دهد که فقط در منطقه شهاب الدین پوره، از ۲۰۸ روستای شیعیان دیدار کرده است و در ادامه می نویسد: «در مناطق دیگر نیز شیعیان وجود داشتند». برخی علمای متعصب عامه کشمیر که نتوانستند ترویج روزافزون تشیع را تحمل کنند، با استفاده سیاسی از دین، حاکمان مغول را برای حمله به آن منطقه تشویق و تحریک کردند و برای از بین

بردن تشیع، به ویژه خانواده چک ها، حتی حاضر شدند از استقلال کشمیر بگذرند و تسلط بیگانگان را بپذیرند.

ارتش مغول، با تشویق آنان در سال ۹۹۴ ه. ق به کشمیر حمله کرد و متعصبان اهل تسنن با تجهیزات جنگی به ارتش مغول ملحق شدند. حاکمان مغول پس از اشغال کشمیر، شیعیان را قتل عام کردند. طبق نقل اعظم ددمری، یکی از حاکمان مغول به نام اعتقادخان، چنان شیعیان را گزینش و قتل عام کرد که گویی از خوشه برنج، دانه را درمی آورند. طایفه چک های شیعه مجبور شدند در این دوره، لباس، شکل، شغل و حتی لقب خود را عوض کنند تا شناخته نشوند.

بعد از مغول، افغان های متعصب به کشمیر هجوم آوردند. دوره افغانه برای شیعیان، بدتر از دوره مغول بود. در این دوره، هر نوع فعالیت مذهبی، حتی عزاداری برای امام حسین علیه السلام نیز ممنوع شد. همچنین برای کشتن مخالف، کافی بود به وی نسبت شیعه داده شود. شیعیان که قبل از این دوره، بیشترین جمعیت کشمیر را تشکیل می دادند، بر اثر ستم افغان ها، به اقلیت رسیدند. اهل تسنن محلی نیز از ستم به آنها کوتاهی نکردند. در این دوره امرای افغانه، شیعیان را مثله می کردند. محمد اعظم ددمری در بی رحمی آنها می نویسد: «سر بریدن پیش این سنگدلان، گل چیدن است».

حکومت افغان توسط سیک ها سقوط کرد. سیک ها نیز ستم زیادی بر مردم کشمیر روا داشتند. اما شیعیان به طور مستقیم یا به خاطر مذهب، تحت تعقیب سیک ها نبودند. آنان در این دوره نیز مورد تهاجم اهل تسنن محلی قرار گرفتند و علاوه بر قتل و غارت، خسارات زیادی دیدند. سیک ها در سال ۱۸۴۶ میلادی، به دست دو گره (قومی از هندوها) برچیده شدند. وضعیت شیعیان در این دوره نیز همچون دوره سیک ها بود و در مقایسه با دوره های قبل، در آرامش بیشتری بودند. اما هنوز از آزار اهل تسنن محلی در امان نبودند؛ به طوری که در سال ۱۲۸۹ ه. ق، برابر ۱۸۷۲ میلادی، شیعیان کشمیر مورد

حمله سراسری قرار گرفتند. این درگیری برای شیعیان، وحشتناک تر از گذشته بود. بنابراین مجبور شدند از مناطق شهری به مناطق دورافتاده و صعب العبور هجرت کنند. آنان در این مدت بارها به صورت گسترده قتل عام شدند.

غارت و چپاول و تاراج شیعیان کشمیر در سال های ۱۵۴۸، ۱۵۸۵، ۱۶۳۵، ۱۶۸۶، ۱۷۱۹، ۱۷۴۱، ۱۷۶۲، ۱۸۰۱، ۱۸۳۰، ۱۸۷۵ میلادی، از جمله این موارد بود. در این شرایط، شیعیان کشمیر برای حفاظت از دین خود، سیاست تقیه را برگزیدند تا بتوانند جان و ناموس خویش را حفظ کنند. ولی نهایتاً این فشارها موجب شد جامعه شیعیان کشمیر اندک اندک در روستاها پراکنده شدند و برخی نیز به سمت شمال مهاجرت کردند. این تهاجم و تاراج، در طول چندین قرن، موجب شد که بهبود وضعیت جامعه شیعیان کشمیر همچنان نیازمند زمان باشد. (۱)

گفتار سوم: قتل عام سادات و شیعیان در جنوب هند

اشاره

جنوب هندوستان از دیرباز یکی از مراکز عمده شیعه نشین در جهان بوده و دولت های شیعه بهمنی، قطب شاهی، عمادشاهی، بریدشاهی، عادل شاهی و نظام شاهی از مهم ترین دولت های شیعه در این منطقه به شمار می رفته است. با این حال، در دوره هایی از تاریخ، شیعیان و سادات در این منطقه نیز مورد حمله و قتل عام متعصبان قرار گرفتند که به مشهورترین آنها اشاره می کنیم:

۱. قتل عام چاکنه

گزارش طباطبا حاکی از آن است که علاء الدین احمد دوم (حکومت: ۸۳۷-۸۶۲

ص: ۳۴۸

۱- (۱) تاریخ تشیع در کشمیر، غلام محمد متو (گلزار)؛ ر. ک: کشمیر بهشت زخم خورده، الطاف حسین، ترجمه فریدون دولت شاهی؛ آب کوثر، محمد اکرم؛ تاریخ حسن، حسن شاه، ترجمه کشمیری، مترجم: احمد شمس الدین، ج ۳؛ واقعیات کشمیر، محمد اعظم ددمری، ترجمه احمد شمس الدین.

ق)، درحالی که دو تن از سادات (شاه خلیل الله و سید حنیف) او را همراهی می کردند، تاج گذاری کرد. سادات و علما هنگام تاج گذاری علاءالدین احمد دوم در دربارش حضور داشتند و به وی تبریک گفتند (۱). این امر به حسادت و دشمنی سنی مذهبیان با شیعیان و سادات مهاجر انجامید و نهایتاً به دنبال توطئه سنی مذهبیان (معروف به دکنی ها)، تعداد زیادی از سادات و شیعیان (معروف به آفاقی ها) در واقعه ای معروف به «چاکنه (۲)» قتل عام شدند. این امر از آنجا روی داد که خلف حسن بصری، در سال ۸۵۰ ه. ق از سوی سلطان علاءالدین احمد دوم، مأمور سرکوبی راهزنان منطقه سنگیسر، (۳) واقع در سواحل غربی دکن شد. وی اولین حصار سنگیسر را تسخیر کرد و حاکم آنجا به نام «سرکه» دستگیر شد. سرکه توطئه ای اندیشید و به خلف حسن بصری اظهار داشت: «وی مسلمان شده است و به دلیل آشنایی به جنگل، قصد دارد لشکر بهمنیان را برای تسخیر سنگیسر راهنمایی کند». خلف حسن به او اعتماد کرد. سرکه آنان را به راهی کشاند که از سه طرف محصور به کوه های بلند بود. (۴) سپس خود میان دره ها پنهان شد و به سوی سنگیسر رفت. حاکم سنگیسر سی هزار پیاده توپچی و کماندار جمع نمود و سرکه نیز به او پیوست. آنها شبانه بر مسلمانان حمله کردند و بیش از هفت هزار تن را به قتل رساندند. خلف حسن بصری نیز (که در این هنگام بیمار شده بود) به همراه پانصد نفر سادات به قتل رسید. عده ای نیز گریختند و خود را نزد

ص: ۳۴۹

۱- (۱) برهان مآثر، علی بن عزیزالله طباطبا، دهلی ۱۳۵۵/۱۹۳۶؛ ص ۷۵. به نقل از: عالمی، خدیجه؛ مجله: «شیعه شناسی» پاییز ۱۳۹۱، سال دهم، شماره ۳۹، (۳۰ صفحه - از ۱۰۱ تا ۱۳۰)، نشانی در فضای مجازی: www.noorms.ir/view

۹۸۰۱۴۲/e/ticlep

۲- (۲) .ch neh

۳- (۳) .s gish , s g eshw

۴- (۴) نیمدهی نام اولین حصار را «پیسر» ذکر کرده است. وی می نویسد: «مقدم حصار آنها را به راهی کشاند که از یک طرف، خلیج دریا بود و از سوی دیگر، کوهی بلند قرار داشت»؛ (ر. ک: نیمدهی، نسخه خطی، ش ۲۷۱، ج ۲، ب ۴۵۳ الف و ب).

امرای دکنی که با خلف حسن بصری مخالفت کرده بودند، رساندند. این واقعه فرصتی مناسب برای دکنی ها فراهم کرد. آنها نزد سلطان علاءالدین احمد، از آفاقی ها بدگویی کرده، واقعه را به شکل دلخواه به اطلاع سلطان رساندند و او را به قتل سادات چاکنه تشویق کردند. سلطان علاءالدین نیز دستور به قتل ساکنان چاکنه داد.^(۱) در این کشتار، ۲۲۰۰ سید و ۱۰۰۰ تن شیعه غیر سید به قتل رسیدند. قتل آنان از سوی دکنی ها، با تشکیل مجلس میهمانی صورت گرفت. آفاقی ها، به ویژه سادات، به این جشن دعوت شدند و هنگام ورود به میهمانی کشته شدند. در این کشتار، لشکری متشکل از سنی مذهبیان و هندوان که توسط راجا رستم (نظام الملک) و سالار حمزه (مشیرالملک) ترتیب داده شده بود، شرکت داشتند.^(۲)

سلطان پس از این واقعه، هنگامی که در یکی از سخنرانی های خویش در نماز جمعه، خود را با القاب «السلطان العادل الکریم الحلیم الرؤف علی عبادالله الغنی علاءالدین والدین علاءالدین بن اعظم السلاطین» توصیف کرد، مورد عتاب و سرزنش یکی از تجار عرب قرار گرفت و رؤوف بودن وی به دلیل واقعه چاکنه مورد سؤال واقع شد. به استناد منابع تاریخی، سلطان از این امر به شدت آشفته شد و تا هنگام

ص: ۳۵۰

۱- (۱) فرشته می نویسد: برخی امرای مغول که از این واقعه جان سالم به در برده بودند، درصدد بر آمدند تا سلطان را از حيله ای که سرکه به کار برده بود و موجب قتل خلف حسن بصری و آفاقی ها شده بود، مطلع سازند. دکنی ها از این امر اطلاع یافتند و بلافاصله به سلطان نامه نوشتند که خلف حسن بصری، با کمک سادات چاکنه، در صدد شورش و فتنه انگیزی علیه سلطان بودند و ما هر چه او را نصیحت کردیم، فایده نبخشید و به دشنام سلطان زبان گشود. مشیرالملک دکنی، نامه را به سلطان رساند. سلطان در مستی بود و دستور به قتل آنان داد؛ ر. ک: طباطبا، صص ۸۱-۸۴؛ گلشن ابراهیمی (تاریخ فرشته)، ج ۱، صص ۳۳۴-۳۳۶.

۲- (۲) نظام الدین احمد طباطبا، گلشن ابراهیمی و تاریخ نیمدهی، تعداد کشته شدگان سادات را ۱۲۰۰ تن و غیر سید را هزار تن ذکر کرده اند؛ ر. ک. طباطبا، صص ۸۳ و ۸۴؛ مقیم هروی، ج ۳، صص ۲۸ و ۲۹؛ گلشن ابراهیمی، ج ۱، صص ۳۳۵ و ۳۳۶؛ تاریخ نیمدهی، نسخه خطی، ش ۲۷۱، ج ۲، ب ۴۵۳ الف و ب؛ یحیی خان، نسخه خطی، ش ۴۰۹-۱۱۴۷ E the ب ۴۲ الف و ب؛ ر. ک: مجله شیعه شناسی، خدیجه عالمی، پاییز ۱۳۹۱، ش ۳۹.

مرگ، از منزل خارج نشد (۱). همچنین هنگامی که مرتبطین با نعمت الله، شاه را به بی گناهی آفاقی ها مطمئن کردند، وی رهبران دکنی ها را کشته و آفاقی ها را به مقامات عالیه قبلی خود باز گرداند. (۲)

۲. قتل عام سادات و شیعیان توسط اسماعیل نظام شاه و اورنگ زیب

در روزگار سلطان حسین نظام شاه (۹۶۰-۹۷۳ ه. ق) تشیع به اوج قدرت خود رسید. ولی با کشته شدن حسین نظام شاه و در دوره حکومت برادرش اسماعیل، سبب ایرانی شیعه به دست دکنی های متعصب قتل عام شدند. (۳)

سلسله های شیعه سه گانه دکن که توسط ایرانیان مهاجر تأسیس شد، برای سه قرن، از قرن پانزدهم تا اواخر قرن هفدهم، جلوی نفوذ کشورهای استعمارگر اروپایی را گرفت. ولی حمله پادشاه متعصب گورکانی، اورنگ زیب، به سرزمین شیعیان دکن و نابودی سه حکومت شیعه و ایرانی جنوب هند و قتل عام سادات و شیعیان در اواخر قرن هفدهم، موجب شد دولت استعمارگر انگلیس به راحتی از طریق خلأ قدرت در جنوب هند تمامی شبه قاره هندوستان را اشغال کند و به سیادت مسلمانان در شبه قاره پایان دهد. (۴)

ص: ۳۵۱

۱- (۱) گلشن ابراهیمی (تاریخ فرشته)، محمد قاسم بن غلامعلی فرشته، ج ۱، ص ۳۳۸؛ تاریخ نیمدهی، نسخه خطی، ش ۲۷۱، ج ۲، برگه ۴۶۰.

۲- (۲) برهان مآثیر، صص ۸۱-۸۴؛ گلشن ابراهیمی، ج ۱، صص ۲۳۳-۲۳۵؛ ر. ک: شیعه در هند، سید عباس اطهر رضوی، ج ۱، صص ۴۰۳ و ۴۰۴.

۳- (۳) اطلس شیعه، ص ۵۸۳.

۴- (۴) ر. ک: ادیان و مکاتب: تشیع در شبه قاره هند، حیدررضا ضابط، اندیشه حوزه، ش ۱۲. نشانی در فضای مجازی:

[http://www.ens i.ir](http://www.ens i.ir/content/۹۶۰۶۰/d) ک content/۹۶۰۶۰/d lt. px

فصل دهم: گشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن دهم هجری

اشاره

ص: ۳۵۳

طوایف ازبک نسب به چنگیز می رساندند(۱) و پیش از تأسیس صفویه، حملات خونینی به شهرهای خراسان بزرگ کردند. آنها به بهانه الحاد شیعیان و کافر بودنشان به شهرهای شیعه نشین، چون هرات، مشهد و سبزوار هجوم می آوردند. از این رو با تأسیس دولت نیرومند صفوی که سدی مقابل غارتگری های آنها بود، ناخشنود بودند؛ به همین دلیل ازبکان نزدیک به سه قرن با دولت صفویه درگیر شدند. در این میان، برخی عالمان تسنن، نظیر فضل الله بن روزبهان خنجی، در تحریک ازبک ها و قتل عام شیعیان صفوی نقش داشتند. حتی برخی مفتیان پا را از این فراتر نهاده و با دادن فتاوا در اثبات کفر شیعه، اسیر گرفتن زن و مرد و کودک شیعیان و خرید و فروش آنها را برای ازبکان، جایز اعلام کردند.(۲)

۱. شیبک خان ازبک آغازکننده حملات ازبکان در گشتار جمعی شهرهای شرق ایران

در مناسبات صفویان و ازبکان، اول بار شیبک خان ازبک، نزاع شیعه و سنی را مطرح کرد.(۳) شیبک خان در نامه ای، شاه اسماعیل را این چنین تهدید کرد:

ص: ۳۵۵

-
- ۱- (۱) طبق تصریح مطربی سمرقندی که از وابستگان دربار ازبک ها بوده، نسل این خون آشامان بی رحم به چنگیز می رسد.
 - ۲- (۲) ناسخ التواریخ، ص ۲۵۵؛ ر. ک: اطلس شیعه، ص ۶۲۱.
 - ۳- (۳) قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۱۰۲؛ صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۵۱.

ترک این آیین کن و سالک جاده عصیان مباش و طریق اهل سنت و جماعت که جز این راه نیست، پیش نهاد خاطر فاتر دار و از صراط مستقیم شریعت پای اطاعت بیرون منه، در این فعل قبیح و عمل شنیع که تصور خیریت کرده ای، نایره شری است که موجب احراق و مستوجب احتراق اجزای وجود و بود بی نمود خواهد شد. [در غیر این صورت] حصار اصفهان را هرچند برج و باره به اوج افلاک رسانیده، با حسیض خاک برابر خواهیم کرد و به قانونی گوشمال دهیم که تا صدای صور قیامت از یاد سامعه اهل عراق بیرون نرود.

زمانی که شاه اسماعیل مصمم بر دفع شیبک خان شد، ابتدا قاضی نورالله اندلسی و سپس محیی الدین احمد لاهیجی، مشهور به شیخ زاده لاهیجی را برای مباحثه و اتمام حجت نزد وی فرستاد. شیخ زاده از تشیع هولاکو، جد ازبکان، به دست خواجه نصیر و تشیع خدابنده به دست علامه حلی برای وی سخن گفت. شیبک خان بحث را ادامه نداد. شیخ زاده از سیادت شاه اسماعیل سخن گفت و گفت که هدف وی موعظت است که شیبک خان او را از مجلس بیرون کرد. (۱) قاضی احمد قمی پس از نقل این مباحث، متن نامه شاه اسماعیل به شیبک خان را آورده که مهم ترین استدلال های شاه اسماعیل برای رواج تشیع در آن آمده است. او پس از استدلال به آیات و روایات در باب اهتمام به اهل بیت علیهم السلام می گوید:

چه الحق در این جانب، غیر ترویج مذهب حق ائمه هدی و اجرای احکام شریعت غراء و طریقه بیضاء مصطفی و مرتضی که آیات بینات کتاب و احادیث صحیحه نبوی به حقیقت آن دو شاهد عدل مذکی اند، که در نظر محبوسان تیه تقلید و مسجونان سجن

ص: ۳۵۶

۱- (۱) شاملو، همان، ج ۱، ص ۱۵۵؛ افندی از یکی از علمای اوایل عهد صفوی که ساکن هرات بوده نقل کرده است که ازبک ها پیش از غلبه شاه اسماعیل، قصد داشتند تا به عراق عجم حمله کنند؛ ر. ک: افندی، همان، ج ۳، ص ۳۹۶؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۵۰.

تقیید و تقیید که به افسانه های آبی دون بر حسب فرموده آیه کریمه (إِنَّا وَحَدَّثْنَا أَبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهِ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ) ۱ خرسند و پایبند شده اند، منکر و غریب و بدعت و بی تقریب نماید، واقع نیست: «راه حق این است نتوانم نهفتن راه را».

زمشرق تا به مغرب گر امام است علی و آل او ما را تمام است

شاه اسماعیل در ادامه نوشت:

غرض اصلی و مقصد کلی از ارتکاب امور فانیه دنیوی و تمشیت صوری، غیر اشاعت احکام شیعه طاهره و اذاعت آثار فرقه ناجیه که تا غایت انوار اسرار فروع و اصول آن در حجاب ظلم و ظلام مخالفان دین و دولت مختفی و منطوی بوده، نبوده و نیست و الا همت بلند مرتضوی اعتلا و نهمت ارجمند صفوی انما که ارثا و جبلا از تعلق به امور دنیه دنیا و توجه به سلطنت جزویه این سرا تنفر و ابا دارد، ارفع و اعلی از آن است که به زخارف خسیسه و حطام ریه حیثه التفات نماید. (۱)

شیبک خان پس از جنگ بادغیس، نامه ای به شاه اسماعیل یکم صفوی فرستاد و از پیروزی خود بر تیموریان و تسخیر فرارود خبر داد. شاه اسماعیل هم در مقابل از پیروزی خود بر علاءالدوله خبر داد و از او خواست که خراسان را که حقیقتاً جزئی از ایران است، واگذارد و به همان فرارود بسنده کند و هدایایی با این بیت برای او فرستاد:

درخت دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد نهال دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

ولی شیبک خان به حملات خونین خود به خراسان ادامه داد و نهایتاً در جنگی که بین او و شاه اسماعیل در گرفت، شیبک خان کشته شد و هرات و مرو به دست شاه اسماعیل افتاد. (۲)

ص: ۳۵۷

۱- (۲) ر. ک: شاه اسماعیل صفوی - مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت های تفصیلی، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، ص ۹.

۲- (۳) ر. ک: خلاصه التواریخ، قاضی احمد منشی قمی، به تصحیح احسان اشراقی. وزیر شیبک خان که خواجه محمود سرخ بود، «کلید مرو را برداشته، به عز بساطبوسی سرافراز شده، چون شیعه بود، منظور نظر کیمیا اثر گشت و در مجلس خلد آیین راه یافت؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۵۰.

۲. سوء استفاده عثمانیان از ازبکان و تشویق آنان به قتل و غارت شیعیان خراسان

بخش عمده ای از حملات ازبک ها به خراسان، با تحریک عثمانی ها و با بهانه خصومت سنی با شیعه انجام می شد. زکی ولیدی طوغان، محقق معاصر ترک، می نویسد:

عثمانیان هر موقع منافع و سیاستشان ایجاب می کرد، ازبک ها را آلت مقاصد خود ساخته و با تحریک و اغوا، از شمال به جان روس ها می انداختند و در جنوب با صفویان شیعه مذهب درگیر می کردند. تا زمانی که بدانها احتیاج داشتند بهره خود را می گرفتند، ازبک ها را نوازش کرده و می شناختند. آن گاه که منافع و مقاصدشان برآورده می شد و آب ها از آسیاب می افتاد، آنها را فراموش می کردند. دولت عثمانی از طریق آراق و استراخان به عبدالله خان ازبک قوای ینی چری و توپ های جنگی فرستاد. ازبک ها بر علیه شرق ایران از آن قوا استفاده کرده چندین بار شهرهای خراسان را تصرف و غارت کردند. در این جنگ ها توپچیان و تفنگ اندازان عثمانی و استادان رومی تکنیک جنگی آن عصر را در ماوراءالنهر به اجرا در می آوردند.^(۱)

ازبکان در توجیه قتل و غارت شیعیان خراسان، دست به دامان عالمان و قضات سنی می شدند؛ برای مثال در سال ۹۹۶ ه. ق با گشایش جبهه شمال شرقی و حمله ازبک ها به خراسان، شهر هرات به دست عبدالله خان افتاد و شهر مشهد و پیرامونش نیز غارت شد. از این رو علمای خراسان علیه اقدامات او اعتراض کردند که چرا گویندگان «لا اله الا الله محمد رسول الله» و پیروان قرآن و عترت رسول الله صلی الله علیه و آله را می کشد، درحالی که اسلام چنین قساوتی را حتی برای کفار هم جایز ندانسته است. عبدالله خان نامه علمای مشهد را به علمای سنی داد تا جواب دهند. آنها در توجیه قتل و غارت شیعیان خراسان جواب مفصلی دادند. اما علمای مشهد باز جوابیه دادند و آنها را مجاب کردند.^(۲) علمای سنی

ص: ۳۵۸

۱- (۱) بوگونکی تورکستان و یاقین ماضیسی، زکی ولیدی طوغان، صص ۱۰۶، ۱۰۷ و ۶۹۱؛ ر. ک: «عثمانیان چگونه قرارداد صلح ۹۹۷ ه - را به ایران تحمیل کردند؟» فیروز منصوری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲- (۲) شرح آن نامه ها که در ناسخ التواریخ ثبت است، بسیار مفصل است.

ازبک که جواب منطقی نداشتند، برای رضایت خان ازبک گفتند: «چون شیعیان، رافضی و کافرند، خون و مال آنها بر مسلمین مباح است». این در حالی است که هرکس با الفبای موازین اسلام آشنا باشد، می داند که کافر نیز در اسلام حقوقی دارد و به صرف کافر بودن یک شخص، خون و مال و ناموس او مباح نمی شود. بلکه مسلمان وظیفه دارد کافر را هدایت کند، نه اینکه خون او را بریزد، مال او را به غارت ببرد و نوامیس او را هتک کند.

۳. کشتار جمعی مسلمانان شیعه در هرات توسط عبیدخان و عبدالله خان

الف) فجایع عبیدخان ازبک

عبیدخان فرزند شیبک خان ازبک، خسارت های زیادی به مردم هرات، طوس، مشهد و نیشابور وارد کرد. در دوران سی ساله سلطنت عبید، مردم هرات امنیت مالی و جانی نداشتند؛ چنان که «صرفاً به شهادت دو نفر جاهل مغرض، می توانستند به جرم آنکه در دوران حکمرانی سرخ کلاهان، لعن ابوبکر و عثمان کرده است، در ملاء عام به قتل رسانند». از طرفی حملات پی در پی ازبکان به شهر هرات، بهانه به دست دزدان و غارتگران می داد تا مردم عادی شهر را به بهانه شیعه بودن غارت و نوامیس آنها را هتک کنند.^(۱) امیر محمود، فرزند خواند میر، درباره دوران عبیدخان ازبک می نویسد:

از جمله مقتولان بی گناه، میرمنشی است که از انساب سادات ولایت سبزوار است و در ایام سلطنت خاقان مغفور سلطان حسین میرزا به امر انشا قیام می نمودند و در خاتمه زمان حیات، دست از منافع و مداخل مهمات سلطان بازداشته، در گوشه ای به محقر توشه ای قناعت می فرمود و احیاناً به مجلس حکام وقت رفته هنگام وجدان فرصت در رعایت و امداد عجزه و مظلومان زبان می گشود؛ در اوقات استیلای ازبکیه بی سعادت از دشمنان

ص: ۳۵۹

۱- (۱) شرح برخی فجایع در منابع تاریخی آمده و استاد رسول جعفریان در کتاب تاریخ تشیع در ایران به آن اشاره کرده است: تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸، ص ۵۸.

خاندان مرتضویه، به طمع اندک اسباب دنیویه، بر وی دعوی معهود کرده، بی ثبوت شرعی، بر وجهی که مذکور شد، آن سید عزیز بی گناه را به چهارسوق برده، مانند دزدان به قتل رسانیدند و از روحانیت احمد مختار و عذاب منتقم جبار نیندیشیدند. (۱)

قاضی احمد قمی نیز چنین می نویسد:

از اموری که منافی دیانت و مسلمانی و مباین نصفت و جهانبانی است، در آن ایام از آن قوم ناتمام به وقوع انجامید، آن بود که کسی از فقرای هرات که اندک جهاتی بدو گمان می بردند، دست در دامن وی زده و او را نزد قاضی برده و بر وی دعوی می کردند که در اوقات حکومت قزلباش تو، سب ابوبکر و عمر کرده و بر اثبات این دعوی دو جاهل باطل از خبیث سمرقند، ادای شهادت می نمودند و آن گاه آن قاضی خائن مداهن، بی آنکه تحقیق عدالت گواهان نماید، به مجرد شنیدن صیغه شهادت از آن دو کذاب بی سعادت، حکم به قتلش می کرد و محتسبان ناحق، او را کشان کشان به چهارسوق هرات برده، بسان دزدان به قتلش می آوردند. بسا مردم سنی مذهب که به سبب گمان مال، او را شیعه گفته، در آن ایام کشته گشتند و بسیاری از شیعیان محتاج و موالیان بی باج که بنا بر عدم تمول سالم مانده به مراتب عفو رسیدند. از جمله مقتولان مظلوم و کشتگان معلوم، مولانا هلالی است که نظم بلندش بر السنه و افواه مردم آگاه جاری. اصل مولانا از ترکمان جغتای است و باعث بر قتل وی زمره ای از ارباب حسد، الذین فی قلوبهم مَرَضٌ، به عیب‌دخان رسانیدند که مولانا دو رباعی در جواب رباعی های شما به طریق هجو گفته... آن نادر روزگار را در چهارسوق هرات به قتل آوردند. پس از آن بود که شاه طهماسب برای دفع عیب‌دخان به خراسان آمد. در این سفر محقق کرکی نیز همراه وی بوده است. زمانی که شاه طهماسب صفوی هرات را به تصرف درآورد، عفو عمومی داد. (۲)

ص: ۳۶۰

-
- ۱- (۱) ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب، امیر محمود بن میر خواند، صص ۳۱۸-۳۲۰.
 - ۲- (۲) خلاصه التواریخ، قاضی احمد قمی، ج ۱، صص ۱۹۳ و ۱۹۴؛ ر. ک: صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۶۰.

چون عبدالله خان ازبک در ۹۷۷ ه. ق قدرت را در دست گرفت، بار دیگر هرات به خاک و خون کشیده شد. وی در فاصله سال های ۹۸۹-۱۰۰۵ ه. ق بارها به مناطق شمال شرقی ایران یورش آورد. ایلچیان را کشت و عاقبت پس از یازده ماه محاصره، هرات را گرفت و علیقلی خان شاملو، حاکم آن ناحیه را کشت و حکومت این شهر را به میر قلبابا کوکلتاش، از بزرگان سمرقند داد. در فتح هرات که فرماندهی آن به عهده عبدالمؤمن خان بود، بسیاری از عالمان شیعه چون مولانا محمد مشکک رستمدری، میرعلی مفضل استرآبادی و شیخ علی مشهور به ابن خاتون، به شهادت رسیدند. اما عبدالمؤمن خان، فرزند عبدالله خان که توقع داشت پدر حکومت شهر را به او واگذار کند، از این امر خشمگین شد و کینه پدر را در دل گرفت. اگرچه قلبابا کوکلتاش در دوران حکومت خود تا حدی از ظلم و ستم جلوگیری کرد، اما با این وجود مردم هرات صدمات زیادی متحمل شدند. شاه عباس با دریافت خبر تصرف هرات و قتل حاکم آن ناحیه، عزم انتقام از ازبکان و تصرف آن ناحیه را جزم کرد و به خراسان لشکر کشید، ولی با شنیدن خبر حمله عثمانیان، به ناچار به آذربایجان بازگشت و از جنگ با عبدالله خان ازبک خودداری کرد. این امر، عبدالله خان را گستاخ تر کرد و پسر خود عبدالمؤمن خان را در ۹۸۸ ه. ق به فتح خراسان گسیل داشت.

۴. قتل عام شهرهای خراسان توسط عبدالمؤمن خان ازبک

اشاره

در سال های ۹۸۰ تا ۱۰۰۰ ه. ق که حکومت صفویه متزلزل شده بود، ازبک ها بر دامنه تعرضاتشان افزودند و حتی گاه تا نیشابور و سبزوار آمده و شهرها را غارت و شیعیان مظلوم را می کشتند. آنها در شهرهای خراسان، نظیر مشهد اسفراین، سبزوار، مزینان، جاجرم و شغان و جویرد جنایات زیادی آفریدند که به برخی از آنها اشاره می شود:

در سال ۹۹۷ ه. ق یکی از مهلک ترین حملات ازبکان به مشهد صورت گرفت. با این حال باروی شهر و مقاومت مردم، مانع از ورود آنها به شهر شد. محاصره چند ماه طول کشید و حکومت وقت هم نمی توانست به مدد مشهدی ها بیاید. از این رو قحطی شد و چاره ای جز ارتباط نبود. یکی از فضلاء مشهد نامه ای به عبدالؤمن ازبک نوشت و گفت:

به کدام دلیل و برهان شیعیان با ایمان مشهد را که اغلبشان نیز سید و از نسل رسول الله [صلی الله علیه و آله] هستند، قتل عام می کنید؟ شیعیان کافر نیستند و اگر هم بعضاً سب و لعنی صورت می گیرد، توسط عوام شیعه است و علما این کار را تجویز نمی کنند. بر فرض هم که شیعه کافر باشد، الآن ماه رجب است و این ماه جزو ماه های حرام است و در این ماه حتی کفار را هم نمی کشند.

علمای متعصب ماوراءالنهر که در اردوی خان ازبک بودند، در جواب مشهدی ها گفتند:

سب و لعن صحابه و عایشه که توسط شیعیان انجام می گیرد، باعث مهدورالدم شدنشان است. چه اینکه ابوبکر صاحب و یار غار پیغمبر بوده و او و عثمان و عمر، دارای فضایل بسیارند و در مدحشان آیات و روایات صادر شده و شیعیان، لعن اینها که ارکان ایمان اند، می نمایند و علمای شیعه هم با توانایی بر منع، آنها را منع نمی کنند و حرمت ماه رجب هم از منسوخات است. بهتر است شیعیان مذهب خود را ترک کنند و از سلف پیروی کنند. اگر کسی را سخنی باشد، باید که رئیس خود عبدالله [شوشتری] را بیرون فرستند تا امان داده با بعضی از ملازمان رکاب همایون، مناظره نماید که مذهب حق بر همه کس ظاهر گردد.

علمای مشهد چون این جواب کوتاه را دیدند، نامه مفصل و مستدل و حکیمانه ای (۱) به قلم علامه رستم‌داری برای بزرگان سنی ها فرستادند. وی نوشت: «من آنچه شرط بلاغ

ص: ۳۶۲

است با تو می گویم و خواه پند بگیر و یا خواه ملول شو. ولی حرف حق این است که بزرگان شیعه، عمر و ابوبکر و عثمان و عایشه را لعن نمی کنند و نسبت فحشا به عایشه نمی دهند. برخی از مردم عوام این کار را می کنند. اینکه گفته شد مصاحب نبی بودن و یار غار بودن فضیلت است، طبق قرآن و احادیث، اینها فضیلت نیست و اگر دشمنی با صحابه موجب کفر است، اگر چه بزرگانی از شما آن را هم موجب کفر نمی دانند، بسیاری از صحابه کافر خواهند بود؛ چون با یکدیگر درگیری داشته اند»^(۱). سپس مطالب بسیار متقنی را ناظر به خطای برخی صحابه مشهور متذکر شدند. همچنین درباره عایشه و مخالفتش با قرآن و نیز قضیه حرمت جنگ در ماه رجب مطالبی نوشتند. از طرفی درباره فرستادن رئیس علمای مشهد گفتند: «دلایل بسیار محکم بر اثبات امامت در دست است و مناظره امر خوبی است، ولیکن در خراسان مثل است که بوسه به پیغام نمی باشد. اگر ملازمت [یکی از علمای شیعه برای مناظره] میسر باشد، معروض خواهد شد... به شرطی که به مناظره و مقدمات علمی باشد، نه به شمشیر و بوکده و قلمتراش». این جواب بر مذاق علمای سنی ناگوار آمد و چون جواب منطقی نداشتند، خان ازبک را برای حمله بیشتر ترغیب کردند که در نهایت مشهد به دست ازبکان سقوط کرد و آنها خون بی گناهان فراوانی بر زمین ریختند.

عبدالمؤمن خان ازبک، بعد از فتح مشهد، نامه ای به سلطان مراد سوم فرستاد.^(۲) نقل قسمت هایی از آن نامه، برای بررسی و برآورد میزان همکاری عثمانیان و ازبک ها علیه صفویه و شیعیان، در خور نظر است:

جمعی از طایفه مضلین را به تیغ هلاک افکندند و بعضی از دشمنان اصحاب سیدالمرسلین، متوسل به آستان حضرت امام شدند. با سعادت و نصرت رهین و فتح

ص: ۳۶۳

۱- (۱) ر. ک: الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام و مناوئوه، محمدجعفر طبسی، صص ۵۷-۵۹.

۲- (۲) این نامه در تذکره مقیم خانی ثبت شده است.

ظفرقرین به طرف آستانه متبرکه نهضت نمودیم و دفتر اغماز آن قوم بدکردار را بر باد فنا دادیم و صحیفه ایام را از محک کدورت آن فرقه بدنام گردانیدیم... در همان چند روز، جمعی از غازیان، بهادران به طرف قرشی و محولانت، و تبریز فرستادیم؛ خود نیز به دولت و اقبال به طرف اسفراین و غیره متوجه شدیم. الحمدلله در اندک فرصتی تمامی ولایت به تصرف اولاد دولت قاهره درآمد و در این ولا- سلاطین و حکام ولایت خوارزم قطع مسافت نموده از راه اخلاص به لشکر ظفر اثر ملحق گشتند. انشاءالله اول بهار مع کوچ، متوجه خراسان شده هرات را پایتخت کرده با لشکر بیرون از حد در رکاب ظفر ارتکاب خاقان اعظم سرورالخواقین الترك والعجم، متوجه عراق خواهیم شد. اگر آن حضرت نیز بر طبق «اوفوا بالعهد» در باب قلع و قمع آن فرقه بدنام فرموده اند، همت عالی نهمت بدان مصروف دارند تا لوٹ جماعت ناپاک از میان پاک گردد هر آینه باعث ازدیاد دولت و نیکنامی جانبین خواهد شد.^(۱)

قاضی احمد قمی درباره این حمله اشعاری گفته و قسمتی از آن را در کتاب خود آورده است. در آنجا او از تسلط ازبکان بر مشهد نالیده و طبق معمول از آنان با تعبیر خارجی یاد می کند.^(۲)

خاک بادا بعد از این بر سر جمیع خلق را مشهد شاه رضا باشد به دست سنیان

خارجی بشنو که دیگر شاه عادل می رسد می رسد اینک شه عادل به قتل ازبکان^(۳)

(ب) قتل و شکنجه سادات، علما و مردم عادی در حرم امام رضا علیه السلام

با ورود ازبکان به شهر، شماری از سادات، علما و فضلا، از جمله ملا عبدالله

ص: ۳۶۴

۱- (۱) آگاهی های تاریخی و اجتماعی در یک اثر از دوره اخیر صفوی، رسول جعفریان، (مربوط به محمدیوسف منشی ابن خواجه بقا. تذکره مقیم خانی. نسخه خطی کتابخانه ملی فرهنگ اصفهان. از کتاب های خطی اهدایی اکبرمسعود صارم الدوله، صص ۴۶-۵۶).

۲- (۲) خلاصه التواریخ، قاضی احمد قمی، ج ۱، صص ۸۹۸ و ۸۹۹؛ خلد برین، اله اصفهانی، ص ۴۳۱.

۳- (۳) صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۶۲.

شوشتری به روضه مقدسه حضرت رضا علیه السلام پناه بردند و گمان می کردند آنها حرمت حرم مقدس فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله را نگاه دارند. ولی ازبکان به مردم داخل حرم حمله برده و بسیاری را کشتند و خون همه جا جریان یافت. یک قسمت حرم که دارای بست بود، محفوظ ماند و چند صد تن از سادات و خدام حرم و عده ای علما در آنجا متحصن بودند. ولی دروازه آنجا گشوده شد و تقریباً همه متحصنین قتل عام شدند. حتی برخی از علما و مردم، درحالی که به ضریح مقدس پناه برده بودند، دست هایشان بر ضریح بود که به تیغ کین ازبک ها شهید شدند.

علامه رستم‌داری^(۱) که از نوابغ متکلمین و علمای عهد بود، در خون خود غلتید و شیخ علی بن خاتون نیز همانند وی شهید شد. فضل الله خراسانی توفیق شهادت یافت و میر سیدعلی استرآبادی که متولی حرم نیز بود بر اثر شکنجه بسیار برای لو دادن خزائن حرم، جان سپرد و به اجداد طاهرینش پیوست. ازبکان فرش و قندیل های مرصع، ظروف زرین و سیمین و کتابخانه ای مشتمل بر کتاب های بسیار نفیس حرم را غارت کردند که به قول مؤلف عالم آرای عباسی: «آنان، آن دُر گرانمایه را چون خزف ریزه بی بهانه به یکدیگر می فروختند». در این حمله، فقط در اطراف ضریح و داخل حرم، ۵۷۰۰ نفر از مردم و سادات کشته شدند. بیشتر علمای مشهد نیز در همین هجوم وحشیانه، به شهادت رسیدند.^(۲) همین نوع قتل عام در شهرهای دیگر خراسان، نظیر نیشابور و سبزوار، اتفاق افتاد.

ملا عبدالله شوشتری به چراغخانه ای که در دارالسیاده واقع بود و محل روزنه و روشنایی نداشت مخفی شده بود که به دست ازبکان اسیر شد. شوشتری را پیش عبدالؤمن آوردند. شوشتری بنای تقیه آغاز کرد و در محفل، مؤدبانه وارد شد. خان

ص: ۳۶۵

۱- (۱) طبقات الاعلام، قرن ۹، ص ۱۲۷. (مربوط به قرن دهم است و به سبب لغزش غیر عمدی در این قرن ذکر شده).

۲- (۲) صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۶۲.

ازبک او را به بخارا، مرکز حکومت، نزد سلطان عبدالله ازبک (۱) فرستاد. شوشتری برای حفظ جان، آنجا نیز تقیه کرد و اعلام کرد دارای مذهب شافعی است (۲). ولی علمای متعصب ازبک، وی را به رفض و بددینی متهم کردند. او با آنها به مناظره علمی پرداخت و با جواب های نقضی و حلی، هم ادعاهای آنها را باطل کرد و هم در کاستن تعصب آنان کوشید. همچنین با ادله بسیار می خواست اشتباه آنها را درباره مذهب تشیع اثبات کند. ولی تعصب، پرده ضخیمی بر اذهان آنها انداخته بود و در هر شکست علمی، حسادت و کینه شان بیشتر می شد. سنی های این منطقه حنفی بودند و با شافعی ها هم درگیری بسیار داشتند. مناظرات در طی چند روز به طول انجامید و علمای حنفی چون دیدند در مقابل استدلالات وی جوابی ندارند، ذهن عبدالله خان ازبک را بر این مسئله استوار ساختند که بحث های وی بیهوده است. از آنجا که خان بر حقانیت مذهب حنفی یقین داشت، به ویژه اینکه ملا عبدالله، رئیس علمای شیعه نیز خوانده می شد و پیش تر هم رساله ای در امر امامت و حقانیت تشیع برای ماوراءالنهریان فرستاده بود، خان ازبک دستور قتل ملا عبدالله را داد. ملا عبدالله را به میدان بخارا آوردند و جمعیت بسیاری هلهله کنان جمع شدند تا کشته شدن یک رافضی را ببیند. در اینجا نیز بحث علمی درگرفت و علمای سنی ازبک بار دیگر از شوشتری شکست خوردند. لذا با درفش و خنجر و چاقوهایی که در دست داشتند، به سمت این عالم شیعه حمله بردند و بدنش را تکه تکه کردند. (۳) سپس جسد پاک این مجتهد بزرگ را به آتش کشیدند و خاکسترش را به باد دادند. (۴)

ص: ۳۶۶

-
- ۱- (۱) این شاه ظالم در سال ۱۰۰۶ ه. ق به هلاکت رسید و پسرش هم شش ماه بعد کشته شد. بعدها شکست های زیادی توسط شاه عباس اول بر این ازبکان وارد آمد: تذکره مطربی سمرقندی، صص ۱۳۳ و ۱۳۹.
 - ۲- (۲) از بین مذاهب اربعه، شافعی ها به تشیع نزدیک ترند؛ چنان که در بحث اصول نیز اعتزال به شیعه نزدیک تر است تا اشعریت.
 - ۳- (۳) طبقات الاعلام، قرن ۱۰، ص ۱۲۸.
 - ۴- (۴) ماه و روز دقیق شهادت ملا عبدالله شوشتری معلوم نیست. زمان حرکت از مشهد تا بخارا حدود یک ماه است و اگر وی در شوال بدانجا حرکت کرده باشد و چند روز هم به مناظره گذرانده باشد، شاید در ذی قعدة یا ذی حجه ۹۹۷ ه. ق به شهادت رسیده باشد: عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۳۸۷؛ شهیدان راه فضیلت، صص ۲۷۹-۲۸۱.

ج) کرامت حرم امام رضا علیه السلام و دست برداشتن عبدالؤمن خان از ادامه قتل عام مشهد

هنگامی که عبدالؤمن خان ازبک مشهد مقدس را گرفته بود، شخصی تیری به طرفش انداخت که به او اصابت نکرد. خان در صدد انتقام برآمد و از این رو ملازمان او بسیاری را کشتند. آخر جمعی به خدمت خان رفته التماس کردند که ما را به خاطر امام ببخش. خان گفته بود که شیشه ای را آب یا گلاب کرده بالای گلدسته ببرند و از آنجا پایین بیندازند. اگر شیشه نشکست و درست پایین آمد، امام شما بر حق است و دست از قتل عام برمی دارم و الا فلا. به همین دلیل شیشه پری را به بالای گلدسته بردند و به زیر انداختند. شیشه چنان بر زمین خورد که باز از زمین جدا شد و مرتبه دیگر بر زمین خورد. اما نه شیشه شکسته و نه آب ریخته شد. چون عبدالؤمن خان این کرامت را دید، از قتل عام دست کشید. (۱)

د) قتل عام اسفراین

اسفراین از جمله شهرهایی بود که در برابر هجوم سیل آسای ازبک به شدت مقاومت کرد. ابومسلم خان چاولشو، حاکم اسفراین، با گروهی در قلعه جمع شده بودند و به حفظ و حراست قلعه و استحکام برج و بارو پرداختند. عبدالؤمن خان برای تسخیر حصار اسفراین توپ ها نصب کرد و تا چهارماه محاصره ادامه یافت. چند بار ازبک ها یورش کردند که نگهبانان قلعه در هر یورش، جمع کثیری از بهادران ازبکیه را کشتند و خندق قلعه از اجسادشان پر شد. تخمین زده می شود که چهار هزار نفر از ازبکان در جنگ آن قلعه نابود شده باشند. اما سرانجام پس از چهار ماه ازبکان بر برج عروج کرده،

ص: ۳۶۷

۱- (۱) این معجزه در کتاب وسیله الرضوان (تألیف ۱۱۳۵ ه. ق) آمده که در شرح معجزات امام رضا علیه السلام است. فصل دوم آن نیز شامل معجزاتی است که مؤلف در مقام سرکشی آستان مقدس امام رضا علیه السلام از دیگران شنیده و در این کتاب گردآوری کرده است. معجزه ۳۳: بنابر نقل حاجی محمدعلی، فراش حرم مطهر که ثقه بود و دیگران از موثقین از آباء خود شنیده بودند.

بر قلعه مستولی گشتند و شروع به قتل و غارت کردند. ابومسلم خان، با چند نفر از جوانان، در یکی از برج ها ماند و تا سه روز جنگید. تا تیر در ترکش و گلوله و باروت خویش داشت، احدی جرئت نکرد بر آن برج دست یابد. بعد از آنکه مهمات او تمام شد، ازبک ها دانستند که دیگر او قدرت جنگیدن ندارد. از این رو برج را گرفتند و آن شیرمردان را به شهادت رساندند.

ه) قتل عام سبزوار

در سال ۱۰۰۳ ه. ق مکاتباتی بین عبدالؤمن خان و شاه عباس انجام شد که در یکی از این نامه ها عبدالؤمن خان از شاه عباس خواسته بود دو تن از ازبکانی را که به وی پناهنده شده بودند، به او بازگرداند و تهدید کرده بود که در غیر این صورت قزلباشان را در خراسان قتل عام خواهد کرد. شاه عباس نیز پاسخ داد غیر از رویارویی با ازبکان آرزوی دیگری ندارد. شاه عباس در ۱۰۰۴ ه. ق به خراسان رفت و ازبکان به ناچار عقب نشینی کردند. اما با بازگشت شاه عباس از خراسان، عبدالؤمن خان سبزوار را تسخیر کرد و فرمان قتل عام داد. اسکندربیگ منشی که پس از این واقعه همراه شاه عباس به سبزوار رفته بود، می نویسد:

راقم حروف که در موبک شاهی بدان بلده رسیده، عورات مقتوله به نظر درآورد که اطفال شیرخوار را روی سینه مادر نهاده، به شمشیر دوپاره کرده بودند.

پس از این قتل عام بود که شاه عباس به سبزوار لشکر کشید و آنجا را گرفت و خود به قزوین بازگشت. (۱)

عبدالؤمن خان که در سال ۱۰۰۶ ه. ق، بر سریر قدرت تکیه زده بود و تمام نزدیکان پدرش را نیز قتل عام کرده بود، بعد از این همه جنایات و قتل عام های

ص: ۳۶۸

۱- (۱) ر. ک: خلد برین، بخش ایران در روزگار صفویان، ص ۴۳۱؛ خلاصه التواریخ، ج ۲، ص ۸۹۸؛ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۴۱۳؛ مسخر البلاد، ص ۳۰.

بی شمار، در ۲۳ ذی قعدة ۱۰۰۶ ه. ق به دست امرای عبدالله خان ازبک به قتل رسید. بعد از قتل او در هرات، یکی از امرای ازبک به نام یتیم سلطان که خود را دین محمدخان نامید، در مقام آزار شیعیان برآمد و خیال دست اندازی بر خراسان را در سر پروراند. شاه عباس به مقابله او شتافت و طی نبرد معروف رباط پریان (۱۰۰۷ ه. ق) او را شکست داد. دین محمد خان و جمع زیادی از ازبکان کشته شدند و خراسان از قتل عام دوباره نجات یافت.

گفتار دوم: فجایع سلطان سلیم عثمانی علیه شیعیان

۱. نسل کشی شیعیان ترک آناتولی توسط سلطان سلیم یاوز

اشاره

پیش از روی کار آمدن سلطان سلیم یاوز، بیشتر مناطق آناتولی شیعه بود. عثمانی ها شیعیان ترک را به نام قزلباش می شناختند. آنها همچنین در منطقه روملی نیز در شهرهایی نظیر سلانیک و وارنا حضور داشتند و حتی در بالکان هم به چشم می خوردند. برخی از شهرهایی که شمار شیعیان در آن زیاد بود عبارت بود از: سیواس، توگات، ادنا، از میر، مانیسا و بوردور. (۱) در دفاتر عثمانی آمده است که ترک های آن نواحی، همگی طرفدار قزلباش ها بودند. ساکنان آناتولی هر قدر که به طرف شرق می رفت، بیشتر دولت عثمانی را غاصب دانسته و صفویه را منجی خود می دانستند. (۲) البته در میان سلاطین عثمانی هم تا پیش از روی کار آمدن سلیم یاوز دشمنی با شیعیان

ص: ۳۶۹

۱- (۱) به گزارش مارینو سانوتو، وقایع نگار ونیزی، در آستانه قرن دهم هجری، چهار پنجم ساکنان آسیای صغیر، شیعه بودند. (سانوتو وقایع جهان را روزانه از سال ۱۴۹۶ تا ۱۵۳۳ (۹۰۲-۹۴۰ ه. ق) از روی منابع معتبر نوشته است). تاریخ ایران، ص ۴۷۵ (از نویسندگان روسی)؛ اسلام در ایران پطروشفسکی، ص ۳۸۷؛ به نقل از: شاه اسماعیل اول، پارسادوست، ص ۳۶۳؛ ر. ک: صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۳۶.

۲- (۲) حتی طوایفی مانند سلاق لو و پهلوان لو که در سرزمین های تحت سلطه عثمانی در غرب آناتولی می زیستند، جزو طرفداران صفویه به شمار می رفتند؛ همان.

کمتر دیده می شد؛ به طوری که برخی معتقدند بنیانگذاران حکومت عثمانی، نظیر عثمان و اورخان، علوی بوده یا گرایش به علویان داشتند و حتی سلاطین عثمانی قبل از سلیم یاوز، برای خانقاه اردبیل نذورات می فرستادند و درویشان بکتاشیه، یکی از سلسله های شیعه گرای صوفیه، حضور پررنگی در مهم ترین بخش سپاه عثمانی، یعنی «ینی چری» داشتند. (۱) علاوه بر این، بخش عمده ای از مردم آناتولی با نگاه تقدس به صفویان می نگریستند و اشیایی از آنها را به عنوان تبرک نگهداری می کردند. (۲) مهم ترین علامت و نشانه شیعیان آناتولی برگزاری مراسم عاشورا بود. شواهد تاریخی نشان می دهد گرایش سنی مذهبانه حد فاصل بین ایران و عثمانی به صوفیه، بیشتر از عثمانی بود. (۳)

قتل عام شیعیان ترک آناتولی، از زمان سلیم اول، معروف به یاوز، آغاز شد. سلطان سلیم یکم در سال ۹۱۸ ه. ق (۱۵۱۲ میلادی) به جای پدرش، بایزید، سلطان امپراتوری عثمانی گردید و تا سال ۱۵۲۰ میلادی فقط هشت سال سلطنت کرد. او که از پنج برادر خویش جوان تر بود، طبعاً به حکومت نمی رسید. ولی با کودتایی موجبات مرگ پدر را فراهم کرد و به قتل عام ولیعهد و دیگر برادران خود پرداخت. (۴) یکی از برادران او، به نام

ص: ۳۷۰

۱- (۱) ر. ک: علوی گری در آناتولی در قرن شانزدهم، صائم ساواش. درباره شرح و خلاصه ای از این کتاب ر. ک: چگونه آناتولی از دست صفویان رفت، اسرا دوغان و رسول جعفریان، منبع: <http://www.historylib.com>.
۲- (۲) همان.

۳- (۳) نویسنده ترک بکیر. کوتوک اوغلو در این باره می نویسد: در زمان جنگ ایرانیان با عثمانیان، بعضی از امرای سنی مذهب و رؤسای عشایر ایران، ظاهراً به دولت عثمانی ابراز تابعیت کردند، ولی به غیر از بیگلر بیگی پلنگان، سایر امرای سرحد بین بغداد و شهر زور، هیچ یک از آنان به تابعیت خود عمل نکردند و انقیاد آنان بالضروره و موقتی بود. اسناد زیادی هست که نشان می دهند با مختصر نمایش قزلباش، آنها متوجه ایران شده و از عثمانیان روی گرداندند. نقل شده از اسناد دفتر مهمه، ج ۵۲. نشانی در فضای مجازی: ۱۷۴-۱۷۵. S: ۱۹۶۲. Kutuk lu, Bekir. Osm li-Ir siy i - Mun ebetleri. Ist b ,
۴- (۴) تاریخ نگاران ترک از سلطان سلیم با صفت «یاوز» به معنای برنده، مهیب و قسی القلب یاد می کنند. او در دوران حکومت خود هفت وزیر را سر برید و «قورقود»، برادر خود را خفه کرد. برادر دیگرش احمد را نیز به حيله کشت.

احمد، در غرب آناتولی، رقیب اصلی وی بود. احمد رسماً خود را قزلباش نامید و کلاه دوازده ترک به نشانه ایمان به دوازده امام را بر سر نهاد. ولی سلیم موفق شد او را به قتل برساند. احمد، چهار پسر داشت که سلیم توانست سه نفر از آنها را نیز بکشد. ولی پسر چهارم، به نام سلطان مراد، به ایران گریخت. شاه اسماعیل به او پناه داد و حتی حکومت ناحیه ای در فارس را هم به وی واگذار کرد. اگرچه سلطان مراد در راه فارس بیمار شد و درگذشت، ولی این کار رابطه سلیم و دربار صفوی را خصمانه تر کرد.^(۱)

تا قبل از سلیم، سلاطین عثمانی بیشتر به نبرد با مسیحیان شرق اروپا و به چنگ آوردن غنائم آنها گرایش داشتند و در دنیای اسلام، به نام غازیان مشهور شده بودند؛ به همین دلیل، بازماندگان اردوهای مغول که به اسلام گرویده بودند، نظیر اردوی سفید و اردوی زرین در کریمه و شمال دریای سیاه، با آنها متحد شدند. ولی سلیم اول، جهاد با مسیحیان را از اولویت خارج کرد^(۲) و سپاهیان جرار عثمانی را به سمت شرق و سرزمین های اسلامی سوق داد. هدف او تسخیر سرزمین های ایران، سوریه و مصر بود که تحت حاکمیت امپراطوری صفوی و ممالیک قرار داشت. سلیم اول که از زمان روی آوردن رقیب خود، یعنی برادرش احمد، به تشیع کینه سختی را از شیعیان و صفویان به دل گرفته بود، ارتباط ده ها ساله مرید و مرادی قبایل آناتولی با خاندان صفوی و خانقاه اردبیل را بهانه قرار داد و تصمیم به قتل عام اتباع شیعه آناتولی گرفت که با این کار، هم جلوی رقاباتی نظیر برادرش احمد را که با شعار تشیع همراه بودند، می گرفت و هم با قتل عام قبایل منتسب به تشیع در آناتولی خیال خود را برای حمله به ایران از پشت سر راحت می کرد. این تصمیم سلیم اول، یکی از خونین ترین قتل عام های تاریخ تشیع بلکه

ص: ۳۷۱

-
- ۱- (۱) وزیران عثمانی به محض منصوب شدن، وصیت نامه خویش را تنظیم می کردند؛ به همین خاطر «وزیر سلطان شوی» یکی از نفرین های آن زمان بود. فوسکولو، جهانگرد ونیزی وی را خونخوار و کشورگشا توصیف می کند.
 - ۲- (۲) سلطان سلیم با طرف های اروپایی خود، دولت مسکو روسیه، دولت پروس اتریش مجارستان و حاکمان مالداوی و والاشی قراردادهایی را برای ترک موقت مخاصمه تنظیم کرد تا بتواند ارتش خود را در شرق متمرکز کند.

تاریخ بشر را رقم زد. کشتار شیعیان آناتولی که به گفته مولا ادریس بدلیسی، منجر به کشتن بیش از چهل هزار تن گردید، نخستین هشداری بود که سلطان سلیم اول در آغاز سلطنتش به شاه اسماعیل و حکومت شیعی ایران داد و تنها به زمان سلیم اول محدود نشد. بلکه آغازی بود بر تاریخ قتل عام شیعه در سرزمین های غرب دنیای اسلام که به تدریج تحت تصرف سلیم اول و جانشینانش درآمدند. همچنین اقدام سلیم اول برای حمله به سرزمین های اسلامی آن روز، موجبات انحطاط بیشتر جهان اسلام را فراهم آورد و به اروپایی ها که به تدریج خود را از جنگ های مذهبی پروتستان و کاتولیک رها می کردند، امکان داد که خود را بازیابی کرده و کم کم پیشروی ترک ها را متوقف نموده و خود را برای تهاجم به جهان اسلام آماده کنند. بیشتر مورخان، اقدام سلیم اول در اشغال سوریه و مصر و قتل عام قاهره و تبریز و کشتار جمعی ۲۵۰ هزار مسلمان را آغازی بر موج جدید انحطاط مسلمانان می دانند که با حملات چنگیز و تیمور و صلیبیان آغاز شده بود و اکنون با حملات خونبار عثمانیان تداوم می یافت. (۱)

نویسنده کتاب «انقلاب الاسلام بین الخواص والعوام» در این باره می نویسد:

این معلوم است که در قتل عام حیدریه، چهل هزار و در قتل عام مصر، پنجاه هزار و در قتل عام جلالیان قرب سی هزار، به امر این پادشاه قاهر، مقتول گردید. در این چهار جنگ سلطانی و جنگ های حدودی مجارستان و دیاربکر و گرجستان و به خصوص جنگ ذوالقدریه و جبل لبنان و غزه نیز آن که از طرفین مقتول شده و در اثنای مسافرت، از مرارت و مشقت سفر، ترک جان کرده، زیاده از صد هزار نفس است که مجموع مقتولین و وفیات، قرب نیم کرور [۲۵۰۰۰۰] در قلم می آید. در مدت سلطنتش چهار جنگ سلطانی کرد: اول با پدر؛ دوم با برادر؛ سوم با شاه اسماعیل؛ چهارم با سلطان قانصو غوری. از دولت صفویه، بایزید و موش و تبلیس و سعرد، موصل، اربیل، سلیمانیه، هیت

ص: ۳۷۲

و عانه و ماردین و سیورک و جزیره التون کوپری و دیاربکر هنی و خیزان و ارغنی و معدن مس خربوت، کیغی و پالو، بایبورد و ارزنجان و کماخ و ۲۵ از ایلات اکراد را، و از ذوالقدریان، ملاطیه و سیس و مرعش و بیره جک و البستان و قارص و ذوالقدریه و دارنده و دیوریککی و عین تاب و انطاکیه و آتنه و طرسوس را ضبط و الحاق به ممالک اصلیه عثمانی نمود. (۱)

الف) اثرات نسل کشی مسلمانان شیعه در آناتولی

بی تردید اگر سلیم یاووز این گونه به قتل عام رعایای شیعه آناتومی و مناطق دیگر منصوخی دست نزده بود، آناتولی و بسیاری سرزمین های دیگر اطراف آن یکپارچه شیعه مانده بود. همچنین سیاست خشن عثمانی ها سبب شد تا ارتباط میان باقیمانده آنان و دیگر شیعیان قطع شده و در نسل های بعدی، به علویان دور از شریعت و فقه شیعه تبدیل شوند. شرح این سختگیری ها در دفاتر مهمه عثمانی آمده و برخی از آنها چندان شگفت و خشونت بار است که قابل تصور نیست (۲).

سلیم اول، ابتدا پیش از حمله به ایران، برای عوام فریبی و همراهی بیشتر متعصبان سنی با خود، اقدام به گرفتن فتاوی مذهبی برای قتل عام شیعیان کرد. سپس دستور سرشماری از قبایل شیعه در سرزمین های عثمانی نمود. آن گاه دستور قتل عام آنها را صادر کرد. یاروسلاو کرچی در کتاب «تمدن های آسیا و خاورمیانه» می نویسد:

برخلاف آنچه ممکن است تصور شود، حاکمیت عثمانی ها بر غیر مسلمانان در مقایسه با حاکمیتشان بر پیروان عقاید غیر راست کیش درون اسلام، مشکلات کمتری به بار آورد. در سرکوب شیعیان در قلمرو عثمانی از هیچ شقاوتی فروگذار نشد. به فرمان

ص: ۳۷۳

۱- (۱) انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام، ص ۲۶۵.

۲- (۲) علوی گری در آناتولی قرن شانزدهم، صائم ساواش، نشانی پیشین.

سلیم، حدود چهل هزار شیعه در آناتولی شرقی قتل عام شدند و هزاران شیعه نیز به ایالات اروپایی انتقال یافتند.^(۱)

از زمان سلیم یاوز، کوچ های اجباری و قتل عام های متعدد عثمانی، باعث از هم پاشیدگی خانواده های شیعیان شد و چنان آنها را به ستوه آورده بود که هر لحظه منتظر منجی و مهدی بودند که ما بازتاب آن را در اشعار آنان می بینیم. از پیر سلطان ابدال هم نقل شده که گوید: «اگر حق عنایت کند، شاه یک روز به اروم خواهد آمد و یک روز ذوالفقار را به کافران خواهد زد».

پدرم مهدی یک روز می آید علی دیوان درست می کند

ناحق ها را یک روز خواهد زد و یک روز انتقام خواهد گرفت^(۲)

بنابراین تجاوز به قلمرو صفویه نیاز به بهانه داشت. بنا به گفته «لونکریک» برای اعلام جنگ با دولت صفویه، سلیم یاوز نزاع شیعه و سنی را بهانه قرار داد. به درخواست وی تعدادی از مفتیان فتوا دادند که شیعیان، مارقین اسلام هستند و قتلشان جایز است.^(۳) و^(۴) آن گاه یک پلیس مخفی تشکیل داد و افراد آن را به تمام نقاط امپراطوری عثمانی گسیل داشت تا تعداد افراد شیعه و مراکز تجمع آنها را شناسایی کنند. یکی از آن دفاتر از سال ۱۵۱۳ میلادی توسط یک محقق اروپایی چاپ شده است. این دفاتر را که محتوای نام قزلباش ها بود، به استانبول می فرستادند و پس از تحقیق و بررسی، برای اجرا به مسئولان آن در مناطق ارسال می کردند.^(۵) پس از آن که هفتاد هزار نفر زن، مرد و

ص: ۳۷۴

۱- (۱) تمدن های آسیا و خاورمیانه، یاروسلاو کرچی، ترجمه خسرو قدیری. نشانی منبع در فضای مجازی:

www.kopy.ir

۲- (۲) همان.

۳- (۳) چهار قرن از تاریخ معاصر عراق، لونکریک، ج ۱، ص ۴۳؛ به نقل از: شیعه و حکومت در عراق، حسن العلوی، ترجمه: محمد نبی ابراهیمی، ص ۵۰ به بعد.

۴- (۴) البلاد العربیه والدوله العثمانیه، ساطع الحصری، صص ۱۶ و ۱۷؛ به نقل از: شیعه و حکومت در عراق، حسن العلوی، ص ۵۰ به بعد.

۵- (۵) همان.

کودک سرشماری شدند، سربازانی را به نسبت تعداد آنها به نقاط تجمع و مراکزشان فرستاد؛ سپس به آنها دستور داد شیعیان را در زمان معینی قتل عام کنند. بدین ترتیب چهل هزار نفر از شیعیان را کشت و بقیه را یا کوچ داد یا در زندان‌هایی نظیر «المؤبد» حبس کرد.^(۱)

علی ابوالفضل، فرزند ادریس بدلیسی، از امیران و بزرگان ادب، چگونگی شناسایی شیعیان در ولایت‌های عثمانی و تعداد کثیر کشته‌شدگان را در بیت‌های زیر شرح می‌دهد:

فرستاد سلطان دانا رسوم دبیران دانا به هر مرز و بوم

که اتباع این قوم را قسم قسم در آرد به نوک قلم اسم اسم

زهفت و ز هفتاد ساله به نام ببارد به دیوان عالی مقام

چو دفتر سپردند اهل حساب عدد چهل هزار آمد از شیخ و شاب

پس آنگه به حکام هر کشوری رساندند فرمانبران دفتری

به هر جا که رفته قدم از قلم نهد تیغ بران قدم بر قدم

شد اعداد این کشته‌های دیار فزون از حساب قلم چهل هزار

در دوره سلیم اول، اتهام شیعه بودن مثل زنا و سرقت و غیره، یک جرم به حساب می‌آمد. این اتهام البته از هر اتهام دیگری برای عثمانی‌ها مهم‌تر بود؛ زیرا حتی شمار زیادی از سپاه عثمانی را ترکان شیعه تشکیل می‌دادند. حتی در چالدران تأکید بر شروع سریع جنگ به خاطر آن بود که مبادا ترک‌های شیعه، درون سپاه عثمانی، فرصت برنامه‌ریزی برای اتفاق با شیعیان صفوی را پیدا کنند.^(۲)

ص: ۳۷۵

۱- (۱) مورخان این کشتار را به کشتار معروف «برثلمیو» تشبیه می‌کنند که کاتولیک‌ها در فرانسه به انتقام از پروتستان‌ها به راه انداختند. قابل توجه است که این کشتار تقریباً پس از ۶۰ سال از کشتار شیعیان اتفاق افتاد. بنابراین، این سؤال مطرح است که آیا میان این دو کشتار ارتباطی وجود دارد؟ لمحات اجتماعی من تاریخ العراق الحدیث، علی الوردی، ج ۱، ص ۴۶؛ به نقل از: شیعه و حکومت در عراق، العلوی، ص ۵۰.

۲- (۲) همان.

ب) الگوگیری از این سیاست خشن توسط سلاطین دیگر عثمانی

بعدها سلاطین عثمانی با توجه به کثرت پیروان شیعه خود، متوجه شدند که نمی‌توانند همه را بکشند. لذا این کار را تدریجاً انجام داده و به مرور می‌کشتند. از طرفی برای اینکه کشتار زیاد نشود آنان را به قبرس کوچ می‌دادند. انتخاب قبرس و جزایر دیگر برای این بود که این مناطق به تازگی فتح شده بود و عثمانی‌ها در آنجا به کارگر نیاز داشتند.

اما در هر حال، بنای اصلی آنها قتل عام بود و حتی مورخان عثمانی نیز از کشتار زیاد شیعیان یاد کرده‌اند. گاهی حتی به خاطر دشمنی با افراد دیگر، برخی را قزلباش معرفی می‌کردند و در این صورت بی‌گناه قتل عام می‌شدند. صائم ساواش در این باره می‌نویسد:

تعداد زیادی گزارش در دفاتر مهمه آمده و گفته شده است که بازرسان دریافتند که این اتهام درست نبوده است. گاهی تمام افراد یک روستا را به دستگاه قاضی می‌کشاندند و می‌گفتند که اینها همگی قزلباش هستند. (۱)

عثمانی‌ها حتی به نوعی تفتیش عقاید خشن دست زدند و چنانچه نزد کسی کتاب شیعی یافت می‌شد، به قتل می‌رسید.

عثمانی‌ها کشورهای دیگر را نیز برای قتل شیعیان تشویق و کمک مالی می‌کردند. سیاست دیگر عثمانی‌ها این بود که مردمان مناطق مرزی را از شیعیان می‌ترساندند. گاهی کردها از این مسئله سوء استفاده کرده یکباره در روستایی شایع می‌کردند که قزلباش آمد. مردم همه چیز را رها کرده می‌گریختند. آن وقت کردها به غارت آن منطقه می‌پرداختند.

۲. کشتار جمعی مسلمانان شیعه غرب ایران توسط سلطان سلیم یاوز

اشاره

سلطان سلیم، در نامه‌های تهدیدآمیز خود، از شاه اسماعیل دو چیز می‌خواست: تغییر مذهب از تشیع به تسنن و تسلیم در مقابل حکومت عثمانی. در مقابل این تهدیدها شاه

ص: ۳۷۶

۱- (۱) علوی گری در آناتولی قرن شانزدهم، صائم ساواش.

اسماعیل به نرمی با سلطان سلیم مکاتبه می کرد و می نوشت، اگر تاکنون به قلمرو عثمانی ها دست درازی نکرده دو علت داشته است: «یکی آن که اکثر سکنه آن دیار مریدان اجداد ما...؛ دوم آن که از قدیم به آن خاندان محبت داشته و نمی خواستیم که شورش چون عهد تیمور به آن سرزمین طاری شود و به این قدرها نمی رنجیم...». ولی سلطان سلیم که کینه شدیدی از شیعیان داشت، تجاوز نظامی گسترده ای به خاک ایران کرد؛ بر همین اساس برخی محققان، نظیر علامه کورانی، حمله سلیم عثمانی را یک جنگ معمولی نمی دانند. بلکه آن را برای نسل کشی شیعه و نابودی دولت تازه تأسیس صفویه می دانند. وی می نویسد:

به دلایل زیر جنگ چالدران یک جنگ عادی نبود، بلکه معرکه نسل کشی شیعه و دولت آنها بود:

۱. مورخان عثمانی اعتراف کرده اند که این جنگ از روی دشمنی و حسادت سلیم نسبت به اسماعیل بود؛ چراکه او موفق به وحدت ایران شده بود و دولتش عراق، سواحل خلیج فارس تا آخر خراسان و سواحل دریای خزر تا آذربایجان و گرجستان را شامل می شد؛

۲. سلیم علیه پدرش بایزید طغیان کرد. این در حالی بود که بایزید در اوج پیروزی های خود در اروپا و در آستانه فتح ایتالیا قرار داشت. مورخ دوستدار عثمانی ها، محمد فرید، می نویسد: «اگر حرکت سلیم علیه پدرش نبود، ایتالیا به آسانی فتح شده بود. سلیم وقتی پدرش را به زور کنار زد و جای او را گرفت، وی را با سم به قتل رساند. سپس برادرانش را کشت و حتی اطفال آنها را نیز قتل عام کرد و سلیم اول پیمان های صلح و آتش بس به صورت طولانی مدت با غربی ها بست. سپس از شیوخ دربارش فتوای کفر شیعه و وجوب قتل آنها را قبل از کفار درخواست کرد و عده ای را برای سرشماری از شیعه در پایتخت و شهرهای دیگر فرستاد»؛

۳. وی شروع به سربازگیری و آماده کردن توپخانه برای حمله به شاه اسماعیل شد؛

۴. نامه ای به شاه اسماعیل در سب و ناسزا، همراه با فتوای کفر شاه اسماعیل و کفر شیعه فرستاد و او را به فرمانبری یا جنگ فرا خواند؛

۵. سلیم شروع به نسل کشی شیعه در عثمانی کرد؛ به حدی که باقیمانده شیعه عثمانی به کوه ها پناه بردند و از مبانی مذهب خود دور افتادند. به حدی که بین آنها غلو رشد کرد و علوی مذهب شدند؛

۶. با این حال، تشیع آن قدر در عثمانی پیرو داشت که در سپاه سلطان سلیم حرکتی ایجاد شد که بر عدم اطاعت از اوامر سلیم، در نسل کشی شیعه، دعوت می کرد. ولی سلیم، بزرگان و مفتیان را که رهبران این حرکت بودند، به قتل رساند؛

۷. سلطان مصر، قانصوه غوری، برای سلیم نامه ای مبنی بر آمادگی برای میانجی گری بین او و شاه اسماعیل فرستاد. ولی سلیم به فرستاده سلطان مصر اهانت و این پیشنهاد را رد کرد.^(۱)

الف) قتل عام دیار بکر، ایروان و نخجوان

جنگ چالدران که از مهم ترین جنگ های پارتیزانی تاریخ جهان است، در دوم رجب ۹۲۰ ه. ق (۲۳ اوت ۱۵۱۴ م) در محلی به همین نام، در شمال غربی ایران، در بیست کیلومتری شهر خوی، میان قوای عثمانی و سپاهیان ایران، به وقوع پیوست. در نتیجه این جنگ، شاه اسماعیل شکست خورد و مناطقی چون دیاربکر، مرعش و البستان از ایران جدا شد. در دیاربکر، دوهزار سرباز شیعه در مقابل ستون ۲۵ هزار نفری قوای ینی چری، مدت ۱۲ روز، مقاومت کردند. عثمانی ها بعد از فتح دیاربکر، ناجوانمردانه مردم را به بهانه شیعه بودن قتل عام کردند. در زمان جانشین سلیم نیز قتل عام شهرهای غرب ایران ادامه یافت. لطفی پاشا، در کتاب «تواریخ آل عثمان» آورده است:

در سال ۹۶۱ ه. ق [۹۳۳ خ/ ۱۵۵۴ م]، سلیمان قانونی به ایروان حمله برد، شهر را آتش زد و ویران کرد، اهالی را به قتل آورد و عده ای را به اسارت گرفت. اما از قزلباش نام

ص: ۳۷۸

۱- (۱) کیف ردالشیعه غزو المغول، علی الکورانی العاملی، صص ۴۹۶-۴۹۷.

و نشان ندید. در ایروان این خبر شایع شد که طهماسب پهراس، لشکر در نخجوان متمرکز کرده و منتظر خواندگار است. شاه روم همان روز به نخجوان ایلغار برد. آنجا نیز از قزلباش اصلاً اثری ندید. عثمانیان درختان باغ‌ها را بریده خانه‌ها را با بیل و کلنگ ویران ساختند و شهر غارت شده را مأوای غراب کردند.^(۱)

(ب) قتل عام و تاراج تبریز

سلطان سلیم یاووز، بعد از جنگ چالدران، شهر تبریز را تصرف کرد و سپاهیان‌ش این شهر را که آن زمان عروس شرق نامیده می‌شد، به ویرانه‌ای تبدیل کردند و همسر شاه اسماعیل را به اسارت گرفتند. ولی از آنجا که نتوانسته بود دولت صفوی را براندازد، بنای ماندن در آن منطقه را داشت. طرح وی آن بود تا زمستان را همان جا سپری کرده، در بهار آینده عازم گشودن دیگر شهرهای ایران شود. اما به دلیل اعتراض‌ینی چریان که سربازان وفادار او بودند، مجبور به بازگشت شد. این سربازان، ضمن اعلام اعتراض خود، نامه‌ای را که بخشی از آن پیش از این آورده و در آن آمده بود که ۴۵ هزار نفر به تهمت رفض در عثمانی و قریب بیست هزار نفر در جریان جنگ با شاه اسماعیل کشته شده‌اند، به سلطان سلیم نگاشتند. متن نامه آنان به سلطان سلیم چنین است:

قرب ۴۵ هزار نفس در مملکت ما و قریب بیست هزار نفس در خاک ایران، به تهمت رفض و الحاد، طعمه شمشیر غدر و بیداد گردید. علمای با تعصب ما، به ما از معنای رفض و الحاد اطلاع کامل نداده، اعلی حضرت اقدس همایونی را اغفال کردند و باعث ریخته شدن خون آن قدر نفوس مکرمه شده ما را به قتل مسلمین واداشتند. آیا در مملکتی که مانند اهل سنت، در اوقات خمس اذان محمدی گویند و وضو گرفته، نماز را به جماعت ادا کنند، و روزه گیرند، و زکات دهند، و قرآن خوانند و حج کنند، و کلمه

ص: ۳۷۹

طیبه لا اله الا الله، محمد رسول الله را همیشه از زبان جاری سازند، آنها را به چه جهت شرعی می توان کشت؟ اگر دست باز نماز خواندن و در اذان و اقامه «أشهد ان علیا ولی الله و حی علی خیر العمل» گفتن خلاف شرع است، چرا شافعی ها گاه دست باز، گاه دست بسته نماز می گزارند؟ و «أشهد أن علیا ولی الله» گفتن، اگر چه بدعت است، اما مثل مناره به مسجد ساختن، از بدعت حسنه است! و همه مقرر و معترف هستیم که علی ولی خداست و مؤذنین ما هم در اذان های صبح «حی علی خیر العمل» را می گویند. راستی سخن این است، ما با ایرانیان به اسم دین جنگ نخواهیم کرد. هر گاه فرمایند که جنگ ما بر سر ملک است، این مملکت ویران، به آن خون ها نمی ارزد که از برای ضبطش ریخته خواهد شد.

سلطان که این عریضه قشون را مطالعه نمود، بسیار ملول و محزون گشت. فرمود علما و قضات اردو را جمع کرده، مسائل آتیه الذکر را استفتا نمودند که خلاصه سؤال و جواب از این قرار است:

سؤال: این مذهب که به اقدامات صوفی اوغلی در ایران رو به شیوع است، آیا یکی از مذاهب حقه اسلام محسوب می شود یا نه؟

جواب: چون نزد علمای مذاهب حقه اهل سنت و جماعت به ثبوت پیوسته که این مذهب مخالف با قرآن و سنت و اجماع است، لهذا باطل و عدول از اسلام است. هر شخص از اسلام این طریقه را قبول کرده و پیروی نماید، مرتد است. بر پادشاه اسلام واجب است که مرتدین را به سزا رسانیده، نگذارد که در ممالک اسلام این مذهب ناحق شیوع و رواج یابد؛ زیرا قرآن را که کلام خدای قدیم ازلی است و کلام قائم به متکلم است، اینها حادث و مخلوق می دانند؛ و معانی شریفه آن را تأویل می نمایند. و در هر نوع مسئله شرعیه که در حقیق محکم نباشد، قیاس را قبول نکرده، عمل را ضد آرای اهل سنت به جا می آورند و این ضدیت را واجب می دانند. و اجماع امت را

مشروع ندانسته، شیخین و ذی النورین را غاصب خلافت و مرتد قرار داده، ناسزا می گویند و در حق ام المؤمنین عایشه، انواع افترا و بهتان بسته، متهم به تهمت های بسیار شنیع نموده، لعنت می کنند و غالب اصحاب کبار، من جمله غالب عشره مبشره و اصحاب صفه و بدر و تحت الشجره را تکفیر کرده، سب می کنند و اهل سنت را بدتر از کافر حربی معرفی نموده، مال و جان و عرض مسلمانان پاک را برای خودشان حلال می دانند. غالب چیزهای حرام را حلال و حلال را حرام کرده، به احکام قرآن تغییر می دهند.

محمد عارف به نقل از منابع ترکی معاصر سلطان سلیم، می افزاید:

علمای حاضر مجلس، جز یکی، این فتوا را مهر کرده به دست سلطان دادند. همین فتوا را سلطان به اردو فرستاده اعلان نمود. بنابراین، اگرچه لشکر در ظاهر صورت تمکین نشان داد، اما در خفا به زبان آمده گفتند که ما تاکنون این حرف ها که از برای ایرانیان غرو و عطف می نمایند، هیچ یکی را ندیده و نشنیده ایم و ما نمی توانیم با ایرانیان مثل کافر حربی جنگ نماییم و این حرف ها را از گوشه و کنار به گوش سلطان می رسانیدند. در این هنگام از اسلامبول چاپار آمده، خبری به سلطان آورد که سلطان مجبور به رجعت شد و در همان شب سه تیر به سراپرده سلطان خالی کردند. تیرها چادری را که سلطان می نشست، سوراخ کرد و هر چه تجسس کردند، مرتکبین این عمل کی ها بودند، ظاهر نشد. (۱)

سلیم نهایتاً به ناخرسندی سپاه و کمبود آذوقه و وحشت از یورش شاه اسماعیل که در حال بسیج سپاه عظیمی از عشایر سراسر ایران برای اخراج عثمانی ها بود، مجبور به بازگشت شد. ولی او سپس به سنی کشی روی آورد و با حمله به سوریه و مصر موفق

ص: ۳۸۱

۱- (۱) انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام، ص ۱۹۰، همچنین در این باره رک: صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۴۱.

شد با قتل عام صدها هزار نفر سنی، حکومت ممالیک را براندازد و خود را خادم حرمین شریفین بنامد.^(۱)

ج) قتل سادات و علمای بزرگ شیعه ایران و عراق

از جنایات دیگر سلیم، قتل سادات و علمای بزرگ شیعه بود؛ از جمله: «سید امیر عبدالوهاب تبریزی» که سرسلسله سادات عبدالوهابیه تبریز بود. وی در زندان سلطان سلیم در قسطنطنیه به شهادت رسید.^(۲) خواجه غیاث الدین خواندمیر، در تاریخ حبیب السیر می نویسد:

امیر عبدالوهاب در سلک اجله سادات صاحب سعادت آذربایجان منتظم بود و در زمان سلطان یعقوب، به منصب شیخ الاسلامی قیام نمود و از علم، فضائل و کمالات بهره وافر داشت و اهل تقوا و دیانت و متصلب در اجرای احکام شریعت بود. شاه اسماعیل برای رساندن پیامی، او را نزد سلطان سلیم، پادشاه روم، اعزام نمود و او در سنه ۹۲۱ ه. ق نزد سلطان سلیم رفت و مورد تکریم و احترام پادشاه روم، سلطان سلیم قرار گرفت.

صاحب ریاض العلماء می نویسد:

نخست پادشاه روم، مقدم او را گرامی داشت، ولی از مراجعت او به تبریز ممانعت نمود و وی را نزد خود نگه داشت و بعداً او را در قعر یک چاه تاریک، یعنی در سیاهچالی، زندانی نمود و در همان جا به شهادت رسید.

علامه آقا بزرگ تهرانی نیز در مستدرکات کتاب الذریعه ذکری از آن بزرگوار به عنوان امیر سراج الدین عبدالوهاب بن عبدالغفار... حسنی حسینی طباطبائی تبریزی به میان می آورد و کتابی به عنوان «التوصیه الی الولد» را به نام او ثبت می کند و سپس می نویسد:

ص: ۳۸۲

۱- (۱) ر. ک: تاریخ عثمانی، اوزون چارشی لی، ج ۲، ص ۳۱۱؛ انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام، اسپناچی پاشازاده، ص ۲۲۴.

۲- (۲) ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۸۷.

او به سال ۹۲۷ ه. ق در زندان سلطان سلیم، پادشاه سفاک عثمانی، در قسطنطنیه به شهادت رسید و این کتاب را در همان زندان نوشت و برای فرزندانش در تبریز فرستاد. (۱)

همچنین در تجاوز سلیم یاووز تعدادی از سادات و علمای شیعه که برای دفاع حاضر شده بودند، به شهادت رسیدند؛ از جمله مشاهیر آنها می توان به امیر سید شریف الدین علی شیرازی استرآبادی (۲) و میر عبدالباقی و میر محمد کمونه (۳) اشاره کرد.

۳. شهادت سیدخان میرزا و قتل عام همراهان او در سفر حج به دست سلطان سلیم دوم

در سال ۹۷۶ ه. ق، بعد از پیمان صلح شاه اسماعیل سوم صفوی و سلطان سلیم بن مراد عثمانی، تردد حجاج ایرانی به حج آغاز شد و طبعاً عثمانی ها مطابق پیمان نامه صلح، تأمین امنیت آنها را برعهده داشتند. در این سال، معصوم بیک وزیر و فرزندش سید خان میرزا با اذن شاه اسماعیل و با هماهنگی دربار سلطان سلیم، با جمعی از نزدیکان خود برای حج خانه خدا عازم حجاز شد. سید خان میرزا، به نوشته مؤلف شهداء الفضیله و ریاض العلماء، از مشاهیر علمای آن زمان بود و نسب او به خاندان صفویه می رسید. معصوم بیک وزیر و سید خان میرزا در بسیاری از نقاط مورد استقبال باشکوه مردم، خصوصاً شیعیان قرار می گرفتند که این موضوع از چشم عثمانی ها دور نماند و رشک و حساسیت آنها را برانگیخت. عثمانی ها به رغم معاهده صلح و تعهد به حفظ امنیت زائران خانه خدا، تصمیم به قتل عام معصوم بیک وزیر و همراهان او گرفتند. از این رو مأموران عثمانی، در لباس غارتگران عرب، به کاروان آنها شیخون زدند و معصوم بیک، سید خان و همراهان او را قتل عام کردند. این کار عثمانی ها جنایت نابخشودنی بود که دلالت بر

ص: ۳۸۳

۱- (۱) تاریخ حبیب السیر، ج ۷، ص ۶۰۸؛ رجال حبیب السیر، ص ۲۴۹؛ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۸۹؛ الذریعه، ج ۴، ص ۲۵؛ شهیدان راه فضیلت، ص ۲۲۵.

۲- (۲) مشهور به شریف ثانی صبیبه زاده علامه میر سید شریف علی جرجانی.

۳- (۳) سید محمد کمونه، نقیب مشهد نجف و رئیس شیعه عراق عرب بود که قبل از تصرف بغداد به دست شاه اسماعیل، توسط والی متعصب آن شهر، به نام بیک پرناک، در سیاهچالی زندانی شدند؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۱۴۵.

عدم پایبندی آنها به عهد و پیمانشان داشت. این واقعه از دید مورخان پنهان نماند و در آثار تاریخی به اجمال و تفصیل از آن یاد شده است. (۱)

شاعری ابیوردی، به همین مناسبت چنین سروده است:

کعبه بھر قتل جمعی بی گناه جامه خود می کند دایم سیاه

از شهیدان عجم زان اهل دین شد فرو زمزم ز خجالت در زمین (۲)

گفتار سوم: فجایع سلطان مراد سوم عثمانی علیه مسلمانان شیعه

اشاره

با مرگ شاه طهماسب صفوی، در ۱۵ صفر ۹۸۴ ه. ق (۳) و اقدامات و اعمال سوء و نسنجیده شاه اسماعیل دوم در دوره حکومت پانزده ماهه خود (۴) و ضعف سلطان بعدی، یعنی محمد میرزا، مشهور به خدابنده (۵)، شرایط ویژه ای برای سلاطین و پاشایان جاه طلب عثمانی و خوانین ازبک فراهم شد. اسکندر بیگ منشی معتقد است: «بروز اختلال و اغتشاش داخلی در ایران موجب شد سرکشان مناطق سرحدی، فرصت عرض اندام یافته و چون خود قادر به مقابله با قزلباشان نبودند، دست کمک به سوی همکیشان سنی مذهب عثمانی دراز کنند». (۶)

هامر پورگشتال و اوزون چارشلی، هر دو بر این نظرند که پاشایان و وزیران عثمانی، بنا به روحیه و امیال جاه طلبانه ای که داشتند، به مخالفت های صریح و سخت صدراعظم

ص: ۳۸۴

۱- (۱) جواهر الاخبار، ص ۲۳۲؛ تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۱۶۱؛ تاریخ حج گزاری ایرانیان، صص ۱۰۶-۱۱۰؛ التحفه الزبیدیه فی مقاتل علماء الامامیه، ماجد ناصر الزبیدی، ص ۱۱۱.

۲- (۲) آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۴۱.

۳- (۳) وی در دوران سلطنت خود از چنان قدرت و اقتداری برخوردار بود که به تعبیر اوروج بیگ بیات «بر دل ترکان [عثمانی] لرزه می انداخت. دون ژوان ایرانی، اوروج بیگ بیات، ترجمه مسعود رجب نیا، ص ۱۶۶.

۴- (۴) زندگانی شاه عباس، نصرالله فلسفی، ج ۱، ص ۴۷.

۵- (۵) او نایبنا، ناتوان و ضعیف احوال بود. در حدود یک دهه زمامداری او (۹۸۵-۹۹۶ ه. ق)، دولت صفوی را با بحران های عدیده داخلی و خارجی مواجه ساخت؛ همان، ج ۱، صص ۴۰ و ۴۱.

۶- (۶) همان، ص ۶۷۷.

کهنسال و جهان دیده عثمانی، صوقللی محمدپاشا، وقعی نگذاشته و در نهایت با آغاز جنگ علیه ایران، خود سرداری و سرعسکری لشکریان عثمانی را برعهده گرفتند.^(۱) حرکت اردوی عثمانی، از استانبول به سوی قلمرو ایران، درست از اوائل محرم ۹۸۶ ه. ق آغاز شد.^(۲) اما پیش از حرکت اردو، از آنجا که بنا بود با یک کشور اسلامی جنگ شود، مفتی درباری عثمانی، شیخ الاسلام شمس الدین احمد قاضی زاده، با اشاره دربار، طبق سنت اسلاف خویش، ضمن مشروع دانستن جنگ علیه صفویان، «حکم کشندگان و کشته شدگان و نیز اسرا و اموال به غنیمت گرفته شده» را نیز روشن ساخت.^(۳) این فتوا چیزی جز دستاویز شرعی برای نقض پیمان صلح و سرپوش مذهبی برای عوام فریبی در بین اتباع عثمانی نبود؛ جنگی که دوازده سال به طول انجامید. در این سال ها (۹۸۶-۹۹۸ ه. ق)، بخش های وسیعی از غرب و شمال غرب ایران از قفقاز تا آذربایجان در معرض تهاجمات مکرر قوای عثمانی قرار گرفت. عثمانی ها در حملات خود به شهرها و روستاهای ایران، با نهایت قساوت و بی رحمی، به کشتار و قتل عام مردم ایران پرداختند.

۱. قتل عام تبریز توسط عثمان پاشا

اوج قتل عام های عثمانی ها در این دوره در سال ۹۹۳ ه. ق و هنگام تصرف تبریز، در همین شهر صورت گرفت. قاضی احمد قمی از قتل عام هفت یا هشت هزار نفر از مردم بی گناه تبریز سخن گفته است. وی می نویسد:

تمامی ینکچریان، خود را به کوچه ها و محل ها انداخته، هر کس را به نظر درآوردند، به

ص: ۳۸۵

۱- (۱) تاریخ امپراتوری عثمانی، هامر پورگشتال، ترجمه: میرزا زکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر، ج ۲، ص ۱۴۸۷؛ تاریخ عثمانی، چارشلی، ترجمه نوبخت، ج ۳، ص ۶۸.

۲- (۲) k y etihleri H. ۹۸۶- ۹۸۸/ M.۱۵۷۸/۱۵۸۰) Ve T R H- OSM P zdemiro lu Osm P n K . (۲) ethi (H.۹۹۳/M.۱۵۸۵), Yunus Zeyrek, T.C. K - LT - R B LIGI. ۲۰۰۱, K Tebrizin

۳- (۳) مقدمه زیرک بر تاریخ عثمان پاشا.

درجه شهادت رسانیده و از دیوار باغچه به خانه‌ها درآمده، هرکس را که در نقب‌ها و زیرزمین‌ها پنهان شده بود، بیرون آورده به قتل رسانیدند. قریب هفت هشت هزار نفر به قتل درآورده و حتی صد نفر از پیرزنان را طعمه شمشیر ساختند و چند تن از سادات صحیح‌النسب و علما و صلحا در این قتل عام شربت شهادت چشیدند و اطفال شیرخواره را پای به شکم نهاده به عالم آخرت رسانیدند و موازی هفت هشت هزار نفر از ساده‌رخان‌ها و دختران سمن‌سیما و زنان حورلقا و اطفال مسلمانان از تبریزیان اسیر نموده، در میانه، خرید و فروخت نمودند. مجماً از ظهور اسلام تا غایت، این نوع قتل عامی، بر زمره مؤمنین سمت ظهور نیافته بود و هیچ‌یک از سلاطین کفر جرئت به این امر شنیع نکرده بودند که از این عثمان (عثمان پاشا) بی‌ایمان، نسبت به مسلمانان صادر شد... (۱)

قاضی احمد قمی در ادامه این فقره، به نقل چند بیت شعر از میرجعفر تبریزی درباره کشتار مزبور پرداخته که در آنها، شاعر از کشتار مردم در ماه مبارک رمضان، ناله و فغان سر داده است:

تبریز چو کربلا شد از شیون و شین فرقی که بود همین بود در ما بین

کان بهر حسین در محرم بوده است این در رمضان بهر محبان حسین

در آخر ماه روزه تبریز الحق گردید چو کربلا ز خون ناحق

اسکندر بیگ ترکمان نیز، در عالم آرای عباسی، درباره قتل عام مردم تبریز سخنی کم و بیش مشابه قاضی احمد قمی گفته است. وی می‌نویسد:

در اثنای تعمیر قلعه عثمان پاشا در تبریز، تجویز قتل عام نمود... رومیان به مجرد شنیدن آن کلمه، با تیغ‌های کشیده به شهر ریخته، آغاز سرافشانی نمودند... رومیه در بیرون هرکس را دیدند به قتل رسانیدند و شروع در خانه‌ها کرده، به هر خانه راه یافتند، مردان

ص: ۳۸۶

۱- (۱) خلاصه التواریخ، ج ۱، صص ۸۹-۷۸۸؛ عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ ترکمان، ج ۱، ص ۳۱۰؛ دون ژوان ایرانی، ص ۲۱۶.

را طعمه شمشیر بلا- ساخته، اموال و اسباب را نهب و غارت نمودند و بسیاری از نساء و صبیان را اسیر کردند. فریاد و فغان اطفال و عورات به فلک اثر رسیده... (۱)

علاوه بر مورخان ایرانی، برخی از مورخان عثمانی که بعضاً خود نیز هنگام تصرف تبریز حضور داشته اند، به صراحت به قتل عام مردم تبریز اشاره کرده اند؛ از جمله حریمی که رساله ای به نام «فتح تبریز» نوشته، در دو جا از اثر خود به رفتار ددمشانه قوای عثمانی این گونه سخن گفته است:

عساکر از سحرگاه دست به هجوم همه جانبه زده، اموال و دارایی اهالی شهر را چنان مورد غارت و چپاول قرار دادند که صد مرتبه بدتر از عملی که تیمور در حمله به سیواس مرتکب شده بود را مرتکب شدند. (۲)

از جمله دیگر مورخان معروف عثمانی که به واقعه تبریز به صراحت اشاره کرده اند، مصطفی سلانیکلی افندی (۳) و ابراهیم پیچوی افندی است. پیچوی گروه هایی از مردم را که از دم تیغ سپاه خون ریز عثمانی گذشتند، به طور مشخص نام برده است. وی می نویسد: «عساکر، شهر را مورد هجوم همه جانبه قرار داده و به مدت سه روز و سه شب، عموم مردم را قتل عام کردند». پیچوی می گوید: «عساکر هر که را از سادات، بزرگان، تجار، و اهل صنعت و حرف، یافتند، بی رحمانه به قتل رساندند». (۴)

مورخان عثمانی، غالباً کوشیده اند عثمان پاشا را بی تقصیر جلوه داده و قتل عام را ناشی از اقدام خودسرانه عساکر قلمداد کنند. اما برای این نظر خود هیچ دلیل قابل قبولی

ص: ۳۸۷

۱- (۱) عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۳۱۰.

۲- (۲) T R i H- i O S M P . ض ۸۱-۸۲۶۵ s.

۳- (۳) Sel iki Must . ک ک di: T R i H- i SEL N ف Pr : H irl , KI ک . Dr. Mehmet Ip irli, Turk T ih Kurumu, k ۱۹۹۹. cilt, ۱, s. ۱۶۲-۱۶۳

۴- (۴) Pe T evi Ibr m . ک endi: PECEVI T IH ف . H irl : Bekir Sitki B k , Kultur B ligi, k ۱۹۹۹. , Cilt, ۲ s. ۹۶-۹۷

ارائه نکرده اند. بنابراین می توان گفت که قتل عام فوق نمی توانسته بدون نظر موافق عثمان پاشا اتفاق افتاده باشد.

جان کارت رایت، تاجر انگلیسی که در سال ۱۰۱۵ هجری به تبریز آمده بود، درباره تاراج شهر تبریز و ستمگری های عثمانیان به تفصیل در سفرنامه خود سخن گفته است. او معتقد است که توصیف دردها و بدبختی تبریزیان و تشریح سنگدلی و بی رحمی های لشکریان عثمانی، از عهده وی خارج است و این مهم، نویسنده ای به غایت دانشمند و زبردست می خواهد (۱).

۲. قتل و غارت تبریز توسط جعفر پاشا

به نوشته اوزون چارشی لو، از سال ۹۹۲ ه. ق، بحران مالی در کشور عثمانی آغاز شد. دولت در اثر کمبود درآمد و ازدیاد هزینه، به تدریج عیار سکه های نقره و طلا را کاهش داد و این امر باعث عصیان های خونین و وحشتناک ینی چریان شد.

ابراهیم پچوی می نویسد:

قتل عام قول ها (۲) به وسیله وزیر مزبور از نوادر و غرایب روزگار بوده، در دولت علیه عثمانی، نه همچو چیزی از سلاطین گذشته در تاریخ ثبت شده، و نه از زبان کسی مسموع افتاده است. (۳)

وی علت قتل عام تبریز را اقتصادی می داند و می نویسد:

گناه مردم تبریز در این جنایت هولناک این بوده که کسبه و اصناف نمی توانستند

ص: ۳۸۸

۱- (۱) جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان، ابوالقاسم طاهری، ص ۸۹.

۲- (۲) در سال های اشغال تبریز عده ای از سکنه شهر توسط عثمانی ها اجیر شدند که به آنها قول او غلو یا قول قره شکری می گفتند، قاپوقلوا جاقلوی، ص ۱۲۷.

۳- (۳) تاریخ پچوی، ابراهیم پچوی، ج ۲، صص ۱۱۵-۱۲۰.

سکه های نیم عیار را از عثمانیان پذیرفته و به دیگران رد و بدل نمایند. وجود سکه های مزبور، داد و ستد عمومی را مختل می کرد. (۱)

جعفر پاشا با بهانه عدم متابعت تبریزیان نسبت به سیاست های مالی خود، پنهانی برای برخی خوانین کرد مأمور فرستاد که تجمع قزلباشان را در فلان محل به من اطلاع داده اند، برای دفع آنان تدبیر لازم کرده ام. ولی در تبریز حرامزاده هایی هستند که هرگاه از برنامه من آگاه می شوند، به قزلباش ها خواهند رسانید. از این رو بدون اینکه از اطرافیان کسی باخبر شود، در فلان روز در فلان محله تبریز همدیگر را ملاقات خواهیم کرد. انشاء الله بعد از تنبیه قزلباشان، در محل مسکونی آنان اموال و غنایم انباشته است که غارت آنجا برای شما منافع فراوان دارد.

خوانین کرد به شوق چپاول، همدیگر را خبر داده با یغماگران مسلح بی شمار، در روز معین به سوی شهر روی نهادند. سردار عثمانی هم از قلعه محله (نام دیگر قلعه قومله) بیرون آمد و خیل اکراد را در کنار آجی چای (شوراب) ملاقات کرد و نخستین شب را با آنها گذرانید. مردم تبریز و قول های مستقر در قلعه، (افرادی از مردم تبریز که جعفر پاشا آنها را به خدمت خود گرفته بود) از برنامه پاشا و آمدن اکراد اطلاعی نداشتند. جعفر پاشا اعلام کرد قول ها آماده استقبال باشند تا فردا پاشای عثمانی وارد قلعه بزرگ تبریز شود.

روز ملاقات اکراد، جعفر پاشا به کدخدای خود که در قلعه، قول ها را رهبری می کرد، پیغام فرستاد که فردا صبح قول ها را با لباس های نو، آراسته و مسلح در دو سوی مسیر، در خارج قلعه، برای استقبال آماده کنید و به آنها آموزش دهید که از شلیک گلوله خودداری کرده، در ستون های منظم صف بکشند و سلام نظامی انجام دهند. ضمناً به

ص: ۳۸۹

کدخدا سفارش کرده و مخفیانه تعلیم دادند: به محض اینکه تمام قول‌ها از قلعه خارج شدند و در صف‌ها ترتیب یافتند، فوراً در قلعه را از پشت بسته، در برج نگهبانی آماده فرمان شلیک توپ بزرگ باشند.

فردای ورود اکراد به دروازه تبریز، جعفرپاشا بر اسب سوار شده، درحالی که خون در چشمانش حلقه می‌زد و آثار خشم و غضب در چهره اش هویدا بود و همه را به حیرت و نگرانی انداخته بود، به محل آمد. گروه‌های تجهیز شده، همراه وی در برابر قلعه به صف قول‌ها نزدیک می‌شدند. خوانین اکراد از اسب پیاده شده دستبوسی کردند و منتظر فرمان پاشا گشتند. جعفرپاشا به اکراد چنین خطاب کرد: «پادشاه (سلطان مراد) فرمان قتل عام قول‌های تبریز را صادر فرموده اند؛ حالا ببینیم شما فرمان پادشاه را چگونه اجرا خواهید کرد».

همین که این سخن تمام شد، توپ بزرگ از بالای برج قلعه شلیک شد. ولوله عالم را فراگرفت. پاشا خود شمشیر کشید و به تبریزیان حمله کرد و هفت نفر از آنان را کشت. اکراد مسلح، هزار نفر سگبان، هشتصد نفرینی چری سوار همراه پاشا، چنان حمله برق‌آسا به قول‌های نگون بخت تبریز بردند که چند صد نفر از آنها در دم هلاک شدند. بقیه فرار کردند، ولی به محض اینکه به دروازه شهر رسیدند و در قلعه را بسته دیدند سراسیمه به کوه فرار کردند. پاشای خون‌آشام در دروازه شهر خیمه زد و هر که را به چنگ آورد، کشت. بعد از آن در قلعه را باز کرد و فرمان غارت و اسارت مال و عیال تبریزیان را به همراهیانش داد. اهل و عیال و دوشیزگان صاحب جمال به تصرف اکراد و سگبانان افتادند و آنان را مانند اسرا خرید و فروش کردند. خلاصه کلام، در آن روز هشتصد نفر از تبریزیان به قتل رسیدند و بیشتر از ۱۲۰۰ نفر فرار کردند و دیگر نام و نشانی از آنان به دست نیامد.

پجوی گفتارش را با این نظریه به پایان می‌رساند:

... این همه اهانت به زنان و عائله مردم و رخصت زنا، برای کسانی که ذره‌ای ایمان در

دلشان هست، قابل قبول نبوده و جایز نیست. جعفرپاشا در خیلی از جنگ‌ها شرکت مؤثر کرده بود، حسنات کارهای گذشته او را این عمل زشت و نابکار تماماً از بین برده و در پیشگاه حق و عدالت، مسلماً جوابگو نخواهد شد.

درباره فجایع عثمانیان در آذربایجان، «ژاک دومرگان»، نوشته زیر را از فصل نهم کتاب «زینت المجالس» استخراج کرده است که در تاریخ ۱۰۰۴ ه. ق نگارش یافته است. وی درباره وضعیت مردم، پس از قتل عام، می‌نویسد:

آذربایجان... حاکم نشین آن مراغه بوده و در روزگار ما تبریز است. لیکن از وقتی که ترک‌ها (رومیه) آن را در ۹۹۳ هجری اشغال کردند، آنها در اینجا برج و باروی وسیعی برای مسکن پادگان و ساخلو (برج نظامی مرزی) مهمی ساختند و سکنه تقریباً منحصراً مرکب از ترک‌ها (عثمانی‌ها) هستند. از ایرانیان جز تعداد کمی باقی نمانده اند که سخت‌ترین یوغ بندگی را به گردن دارند. اما درباره سکنه قدیمی، آنها یا هنگام غارت شهر و مردم آن، قتل عام شده‌اند یا به کشورهای روم یا عراق به اسارت رفته‌اند....(۱)

گفتار چهارم: فجایع پرتغالی‌ها علیه مسلمانان شیعه شرق آفریقا، بحرین و کرانه‌های خلیج فارس

اشاره

طبری و مسعودی، به مهاجرت گروهی از شیعیان به شرق آفریقا، در زمان هشام بن عبدالملک اموی، اشاره کرده‌اند. آنها شیعیان زیدی و از پیروان زید بن علی بن الحسین علیه السلام بودند که از آنها به نام «آموزیخ» (امت زید) یا «آموزیدج»، یعنی (هواداران زید) یاد شده است. (۲) همچنین برخی از سادات در شرق آفریقا در نقطه‌ای

ص: ۳۹۱

-
- ۱- (۱) مطالعات جغرافیائی ایران، ژاک دومرگان، ترجمه کاظم ودیعی، ج ۱، ص ۳۴۷.
 - ۲- (۲) این شیعیان زیدی، یک سال پس از شکست از لشکریان پادشاه عباسی و شهادت زید بن علی بن الحسین علیه السلام، به سواحل سومالی، نواحی موگادیشو فعلی، استقرار یافتند. سپس رهسپار مناطق داخلی شدند؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۵۸؛ اسلام در شرق آفریقا، امیربهرام عرب احمدی.

که امروزه به موزامبیک (موزمبیق) معروف است، تسلط پیدا کردند. در ادعیه امام زین العابدین علیه السلام نیز در صحیفه سجادیه (دعای ۲۷) به منطقه زنگبار، به عنوان یکی از مرزهای اسلام، اشاره شده است که نشان از حضور مسلمانان در آن نقطه در قرن اول هجری دارد.

در سخن از نفوذ تشیع به سواحل شرقی آفریقا، باید از مهاجرنشین های مسلمان شیعه در سواحل کنیا، تانزانیا و موزامبیک کنونی، به ویژه در دو بندر کهن کلو و سفاله و نیز در جزیره زنگبار یاد کرد که ساکنان آن، مردمانی از کشورهای عربی و ایران بوده اند. در اواسط قرن چهارم نیز بزرگ ترین و سازمان یافته ترین مهاجرت گروهی مسلمانان به مناطق ساحلی اقیانوس هند و شرق آفریقا، توسط ایرانیان شیرازی الاصل انجام شد که در مناطقی نظیر مومباسا، لامو، مالیندی، کیلوا، پمبا، تومباتو، هنزوان (جزیره آنزوان فعلی) استقرار یافتند. (۱) و (۲)

برخی اولین مهاجران ایرانی به سواحل شرق آفریقا را شیعیانی می دانند که پس از به قدرت رسیدن طغرل سلجوقی بر شیراز، به این سواحل سفر کردند. شیرازی های ایرانی تبار، با کشتی های تجاری، از «بندر سیراف» در خلیج فارس به سواحل و کناره های کشورهای «سومالی»، «کنیا»، «تانزانیا» و «مجمع الجزایر کومور» سفر نموده و در گسترش و تبلیغ اسلام و تشیع در مناطق عمده ای از قاره آفریقا، به خصوص شرق آفریقا، تأثیر به سزایی داشتند. (۳) ورود شیرازی ها به جزایر شرق آفریقا و تشکیل «امپراتوری زنج» را می توان سازمان یافته ترین مهاجرت ایرانیان به سواحل شرق آفریقا و زنگبار دانست که در بافت فرهنگی و اجتماعی مردم این مناطق، دگرگونی های عمیقی

ص: ۳۹۲

۱- (۱) ایرانی ها در شرق آفریقا، عبدالسلام عبدالعزیز الفهمی، صص ۴۱ و ۴۲.

۲- (۲) شیعه در قرن چهارم هجری، محمدرضا زارع، فصل ۷، گفتار ۱۲.

۳- (۳) «پیشینه تاریخی تشیع و ایرانیان در تانزانیا و زنگبار»، یاسر کنعانی، نشانی مقاله در فضای مجازی، <http://www.shi>

پدید آورد و منجر به پیدایش «زبان سواحلی» و نژاد موسوم به «شیرازی‌ها» گردید.^(۱) در مجموع حاکمیت ایرانیان، بر زنگبار و جزایر اطراف آن، حدود پنج قرن به طول انجامید و در طی این مدت، دسته جات زیادی از اعراب نیز در زنگبار و مناطق ساحلی کشورهای کنیا و تانزانیای امروزی سکونت یافتند.

۱. قتل عام کیلوا

در اواخر قرن پانزدهم میلادی «واسکودوگاما»، دریانورد بزرگ پرتغالی، پس از کشف راه دریایی هند، وارد منطقه دریایی آفریقا شد و پس از اقامت در موزامبیک و کسب اطلاعاتی درباره شیوه حکومت ایرانیان، در سال ۱۵۰۲ میلادی در شهر «کیلوا»، پایتخت امپراطوری زنج، لنگر انداخته و با توپ و سایر سلاح‌های جنگی که به همراه داشت، آنجا را خراج گزار پادشاهی پرتغال می‌کند. سپس واسکودوگاما، برای تصرف نواحی دیگر سواحل آفریقا که تحت قلمرو شیرازی‌ها بود، عازم «مومباسا» (بندری در کنیا) و زنگبار شد. در همین احوال «امیرابراهیم»، پادشاه زنج، با پرتغالی‌های مهاجم مبارزه می‌کند، اما پرتغالی‌ها شهر «کیلوا» را تصرف می‌کنند و بساط حکومت «زنج» برچیده می‌شود. پرتغالی‌ها در اقدامی وحشیانه، بسیاری از ایرانیان و اعراب ساکن کیلوا را قتل عام نموده و پایه‌های قدرت خود را مستحکم کردند. دریانوردان پرتغالی، با برخورداری از سلاح‌های آتشین، شهرهای دولت پادشاهی شیرازیان را عرصه تاخت و تاز خود کردند و به مدت دو قرن به استثمار آن منطقه ادامه دادند.

ص: ۳۹۳

۱- (۱) «سرچارل‌الیوت»، مورخ اروپایی (۱۹۰۵)، با بررسی سابقه تاریخی حضور ایرانی‌ها و اعراب در سواحل تانزانیای و زنگبار، حضور ایرانی‌ها را مقدم بر دیگران می‌داند. اما اسناد تاریخی موجود، از مهاجرت اولیه شیرازی‌ها در قرن هشتم میلادی و سپس مهاجرت ثانویه آنها در قرن دوازدهم میلادی به منطقه «کیلوا»، توسط برخی حکام فارس، حکایت می‌کند؛ همان.

براساس مندرجات کتاب «وقایع نامه آلبوکرک» و «آسیای پرتغال»، در جریان حمله آلبوکرک به مناطق شرق آفریقا، هر پنج شهر و ناحیه امپراطوری شیرازی، به طور کامل به آتش کشیده شد و نواحی مجاور آن ویران گردید. یک وقایع نگار بومی (۱) که خشونت های شدید پرتغالی ها را در این دوره به چشم دیده، از آنان با عنوان «اهل الفساد» (۲) یاد کرده است. بیشترین جنایات پرتغالی ها در شهر «براهه»، مرکز منطقه «سفاله»، انجام گرفت. وقایع نگار پرتغالی در این باره می نویسد:

آلبوکرک و داکون ها، با آتش توپخانه، شهر را در هم کوبیدند و وارد آن شده پس از آنکه خیابان های براوه با خون اهالی شسته شد. آن قدر از مسلمانان کشته شدند که تعدادشان قابل شمارش نیست. سربازان نیز که حرص و طمع آنان را کور کرده بود، وحشیانه دست ها و بینی زنان را بریدند و شهر را به طور کامل غارت کردند. (۳)

جنایات وحشیانه همراهان آلبوکرک، این مورخ پرتغالی را نیز تحت تأثیر قرار داده بود؛ به گونه ای که علناً به جنایت آمیز بودن اعمال آنان اعتراف کرده است. «ژان اوبن»، محقق برجسته، در این باره می نویسد:

شهرهای ساحلی آفریقای شرقی، در سال ۱۵۰۵ تا ۱۵۰۷ م تاوان آن احساس قدیمی را که فتح مسلمانان در اروپا برای اسپانیایی ها به ارث گذاشته بود، می پرداختند. (۴)

ص: ۳۹۴

-
- ۱- (۱) یک وقایع نگار ناشناس اهل زنگبار، در سال ۹۰۸ هجری، کتابی تحت عنوان «السلوه فی اخبار کلوه» به رشته تحریر در آورده که متن آن را «آرتور استرانگ»، برای نخستین بار در «مجله انجمن سلطنتی آسیایی»، در سال ۱۸۹۵ م منتشر کرد؛ ر. ک: The History of Kilwa Edited by S. Thur Strong, in "Journal of the Royal Asiatic Society, ۱۸۹۵, pp. ۳۸۵-۴۳۰
 - ۲- (۲) The History of Kilwa, op. cit. p. ۴۲۷
 - ۳- (۳) P. ۱۱۶. (۲). ۱. Sous op. cit.
 - ۴- (۴) bin, Goje et buquerqu, op.cit. p. ۱۱۲ .

آتش انتقام از مسلمانان در وجود آلبوکرک و همراهانش همچنان شعله ور باقی ماند و شهرها و بنادر مسلمان نشین شبه جزیره عربستان که در آن ایام تحت الحمایه «ملوک ایرانی هرموز» بودند، یعنی «قوریات» و «مسقط»، در آتش سوختند. «بندر خورفکان» به آتش کشیده شد و سربازان، مردم شهر را مثله کردند(۱). از سال ۱۵۰۸ تا ۱۵۱۵ م در سواحل آفریقا، ایران و هند، فتوحات گسترده، غنایم بسیار و کشتار بی رویه و بی نظیر مسلمانان تا سال های پایان حاکمیت آلبوکرک همچنان تداوم یافت. این عطش پایان ناپذیر موجب شد تا «آلبوکرک» در اوج قدرت خود، در سال ۱۵۱۳ م طرح لشکرکشی به «مدینه و مکه» و تخریب این دو مکان مقدس را پی ریزی کند(۲) که با رویداد معجزه ماندی از تصمیم خود منصرف شد.(۳) اما به هرحال قتل عام وحشیانه او در شرق آفریقا، به سیادت پانصد ساله ایرانیان و شیعیان آن مناطق، پایان داد؛ به طوری که هیچ گاه تشیع در آن منطقه به سال های پیش از حمله آلبوکرک بازنگشت. اگرچه پرتغالی ها، در این قتل عام، فرقی بین شیعه و سنی نگذاشتند، بیشتر شیعیان ضربه خوردند؛ چراکه اهل تسنن، بعدها به کمک حاکمان عمان، به تدریج قدرت خود را بازیافتند و اکنون کشورهای تانزانیا و کومور، با اکثریت تسنن، به حیات سیاسی خود ادامه می دهند.

ص: ۳۹۵

۱- (۱) . ۹۹-۱۰۰ . pp. ۱. boquerque, op. cit. Vol

۲- (۲) . ۱۸۸-۱۸۹ . Pp. ۱(۲). Sous

۳- (۳) در «وقایع نامه آلبوکرک» در این باره آمده است: «در آسمان صلیبی بسیار واضح و تابناک ظاهر شد بدون آنکه ابرهای آسمان با آن تماسی پیدا کنند یا مانع درخشش آن شوند. این صلیب را تمام افراد ناوگان دیدند و همگی، درحالی که اشک در چشمانشان جمع شده بود، به روی عرشه به زانو افتاده و بر خود می لرزیدند. آلبوکرک با مشاهده این نشانه آسمانی، به این نتیجه رسید که عمل او خشم پروردگار را از قصد حمله به جده برانگیخته است. از این رو دستور داد تا کشتی ها به سمت دیگر دریای سرخ حرکت کنند. اما تمامی افراد ناوگان او از این امر سرپیچی کرده و او را وادار کردند تا به باب المندب برگردد. در حال بازگشت و طی روزهای بعدی بسیاری از ملوانان مردند؛ ر. ک: boquerque, op.cit. Vol IV. ۴۴ p. شرح این رویداد به اختصار در کتاب آسیای پرتغال اثر «فاریاسوسا» نیز آمده است؛ ر. ک: Sous op.cit. Vol ۱(۲).P. ۱۹۲

۳. اقدامات خونبار پرتغالی‌ها علیه مسلمانان شیعه در بحرین

پرتغالی‌ها، به بحرین و کرانه‌های خلیج فارس نیز حمله کردند و فجایع زیادی مرتکب شدند. حمله پرتغالی‌ها به بحرین از دو جنبه برای شیعیان مصیبت‌بار بود: جهت اول قتل عام تعدادی از مردم به دست پرتغالی‌های مهاجم و جهت دوم این بود که پرتغالی‌ها برای پیشبرد اهداف استعماری خود، صاحب منصبانی از اهل تسنن را بر شیعه بحرین، حاکم کردند.^(۱)

ص: ۳۹۶

۱- (۱) ر. ک: بحارالانوار، ج ۱۳، صص ۹۴۰-۹۴۳.

فصل یازدهم: گشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن یازدهم هجری

اشاره

ص: ۳۹۷

بعد از درگذشت شاه عباس اول، در قرن یازدهم، سلطان مراد چهارم عثمانی نسبت به سرزمین عراق که در آن زمان تحت حاکمیت ایران صفوی بود، طمع کرد. (۱) وی می دانست که نمی تواند با صفویه رو در رو مبارزه کند. از این رو به جنگ طایفه ای روی آورد. همچنین از علمای درباری عثمانی خواست برای جواز جنگ با ایرانیان و مباح بودن خون شیعیان فتوا بدهند. ولی علمای عثمانی هیچ یک چنین جرأتی نکردند، مگر عالم جوانی که نوح افندی نامیده می شد. او طبق خواسته سلطان فتوا داد و حکمی در تکفیر شیعه صادر کرد که برخی از مضامین آن، چنین است:

هر کس یک رافضی را بکشد، بهشت بر او واجب می گردد... و هر کس در کفر و الحاد رافضیان و وجوب جنگ با آنان و جواز کشتنشان توقف کند، همانند آنان کافر است!... پس کشتن این اشرار کافر واجب است، چه توبه کنند یا نکنند... و رها گذاردن اینان در مقابل پرداخت جزیه و امان دادن به این فرقه، چه به صورت موقت یا مؤبد، جایز نیست... به کنیزی بردن زنانشان جایز است؛ چراکه اسیر کردن زن مرتد، بعد از آنکه به دارالحرب رسید، جایز است و هر جایی که

ص: ۳۹۹

۱- (۱) سلطان مراد، پادشاه عثمانی که پس از آخرین نبرد با شاه عباس، دیگر جرئت تعرض به خاک ایران را نکرد، به مجرد مرگ شاه عباس، به آذربایجان و بغداد لشکر کشید.

از ولایت امام حق خارج شده، به منزله دارالحرب است. و نیز بردگی ذریه ایشان به تبع مادرانشان جایز است....(۱)

این فتوا بهانه کشته شدن ده ها هزار نفر شد و حمله سلطان مراد و از آن به بعد جنگ های داخلی، بین دو قدرت مسلمان عثمانی و صفوی، مدت هفت ماه شعله ور گردید.

۱. فجایع سلطان مراد در تبریز و ایروان

حملات سلطان مراد و فجایع عثمانی ها از ۱۷ رجب سال ۱۰۴۸ شروع و تا ۲۳ محرم سال ۱۰۴۹ ه. ق، مطابق با ۱۶۳۹/۱۱/۱۵ میلادی ادامه داشت. خسرو پاشا که مأموریت اصلی اش اشغال بغداد بود، گروهی از سپاه خود را همراه با برخی خان های کرد به سوی تبریز روانه ساخت. تبریزیان از بیم قتل و غارت، اسباب و اموال خود را در نهان خانه ها گذاردند و گروهی نیز تبریز را ترک گفتند؛ اما صف آرای سپاه ایران به سرکردگی رستم بیگ، دیوان بیگی تبریز و نقدی بیگ شاملو، داروغه فراشخانه، در برابر سپاه عثمانی در کنار آجی چای، باعث قوت قلب و اطمینان تبریزیان شد. سرانجام، عثمانیان عقب نشینی کردند و کاری از پیش نبردند. شاه صفی در ربیع الاول ۱۰۴۴ ه. ق / اوت ۱۶۳۴ م از قزوین به «دارالسلطنه تبریز» آمد و در «دولتخانه مبارکه» اقامت گزید و عده ای را برای جلوگیری از ناآرامی ها و نیز ممانعت از حملات عثمانیان به برخی نواحی فرستاد.(۲)

در ۹ شوال ۱۰۴۴ ه. ق / ۱۸ مارس ۱۶۳۵ م، سلطان مراد چهارم، آهنگ ایروان کرد و پس از فتح قلعه ایروان، برای تصرف شهر تبریز، از رود ارس گذشت و آبادی های سر راه را ویران کرد. سلطان مراد، در ۲۸ ربیع الاول ۱۰۴۵ ه. ق / ۱ سپتامبر ۱۶۳۵ م وارد تبریز شد. شاه صفی که در ناحیه بُزکش (میان سراب و میانه) در بیلاق بود، با شنیدن این

ص: ۴۰۰

۱- (۱) تاریخ شیعه در شام، هاشم عثمان، مترجم: حسن حسین زاده شانه چی، ج ۱، ص ۱۳۸.

۲- (۲) دانشنامه بزرگ اسلامی، احمد پاکتچی، ج ۱۴، مقاله ۵۷۴۷.

خبر، فرمان داد که ساکنان تبریز به نواحی دوردست فرستاده شوند و بار دیگر سیاست زمین سوخته را در پیش گرفت. مراد پس از ورود به تبریز، به مسجد حسن پادشاه رفت و دستور داد که شهر را کاملاً ویران کنند. بقایای شب غازان نیز با خاک یکسان شد و به دستور او ساختمان های شهر را به آتش کشیدند. در این مرحله غنایم بی شماری به دست نیروهای سلطان عثمانی افتاد. سلطان مراد به سبب خرابی شهر و فقدان آذوقه، بیش از سه روز در تبریز دوام نیاورد و مجبور به بازگشت شد.^(۱)

۲. قتل عام فجیع همدان

مجدداً خسرو پاشا^(۲)، وزیر اعظم عثمانی، از سوی مراد چهارم، به سوی ایران روانه شد.^(۳) سپاه عثمانی در آذربایجان کاری از پیش نبرد و در بغداد با مقاومت صفی قلی خان، والی قزلباش آنجا، روبه رو شد و نتوانست پیشروی کند. صفی قلی خان حدود دوازده هزار نفر به عثمانیان تلفات وارد کرد. ولی یک دسته از سپاه ایران به سرکردگی زینل خان شاملو، در حدود مریوان، از سپاه عثمانی شکست خوردند (رمضان ۱۰۳۸ ه. ق) و به دنبال آن عثمانی ها به داخل ایران ریختند و در سال ۱۰۳۹ ه. ق، به همدان تاختند و این شهر را تصرف کردند. سپس اهالی همدان را در شش روز قتل عام کردند. خسرو پاشا، محله های همدان را میان هفت تن از پاشایان تقسیم کرد و فرمان داد که در یک هفته تمام مردم شهر و حتی حیوانات را بکشند؛ بناها را ویران کنند و درختان را ریشه کن سازند و اگر در پایان این مدت، در منطقه ای، جاننداری پیدا شد یا دیوار و درختی برپا بود، فرمانده آنجا، خود کشته می شود. آن گاه در پایان مهلت، بازرسان خسرو پاشا، سراسر شهر را جست و جو

ص: ۴۰۱

۱- (۱) دانشنامه بزرگ اسلامی، احمد پاکتچی، ج ۱۴، مقاله ۵۷۴۷.

۲- (۲) ر. ک: دائره المعارف بزرگ اسلامی، رحیم رئیس نیا، نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.encyclopedia.ir/di-s-l-i-c.com/m-kh-2.php?sid=7054>

۳- (۳) (اوزون چارشیلی، ۱۶۸/۱) III؛ واله، چ نصیری، ۳۹). دانشنامه بزرگ اسلامی، احمد پاکتچی ج ۱۴، مقاله ۵۷۴۷.

کردند و هر زخمی و بیماری هم که در ویرانه ها یافتند، کشتند.^(۱) البته از سوی دیگر پادگان ایرانی بغداد، چنان دلاورانه دفاع کردند که ترک ها با شنیدن حرکت شاه صفی برای نجات بغداد، به ترک محاصره آن شهر وادار شده و ناچار به موصل عقب نشستند. از این لشکرکشی نیز سودی عاید عثمانی نشد.^(۲)

۳. قتل عام بغداد

شاه صفی در سال ۱۰۴۵ ه. ق ایروان را از محاصره دشمن بیرون آورد و این بار هم هجوم عثمانی نتیجه ای برای ایشان در پی نداشت. باز این پایان ماجرا نبود. سلطان مراد چهارم، دوباره با ارتش خونخوار خود، عازم بغداد شد. او این بار خیمه خود را نزدیک قبر ابوحنیفه برپا کرد. شاید با این کار می خواست سربازان دوستدار ابوحنیفه را تحریک کند. در مدت چهل روزی که بغداد در محاصره بود، تعداد زیادی از شیعه و سنی کشته شدند. توپخانه های سلطان مراد، طی این مدت، ساکنین بغداد را هدف قرار داده بود. پیروان مذهب ابوحنیفه و پیروان مذهب امام جعفر صادق علیه السلام، هر دو از بین رفتند. توپخانه ها به انهدام حصارهای شهر ادامه دادند تا سرانجام، آن خندق بزرگ، در اثر ریزش حصارها و برج های عظیمی که در دوران عباسی ساخته شده بود، پر شد. آن گاه عثمانی ها در حصار عباسی شکاف ایجاد کردند و سربازان عثمانی به داخل شهر رخنه کردند. پادگان ایرانی بغداد به محاصره افتاد و با اینکه مدت ها در مقابل هجوم عثمانیان ایستادگی کرد، سرانجام به سبب تنگی آذوقه تسلیم شد.

در زمان نبرد چهل روزه پادگان بغداد، به فرماندهی بکتاش خان، طیار محمد پاشا، صدر اعظم عثمانی کشته شد. سرانجام عثمانیان با تلفات بسیار موفق به اشغال بغداد شدند. حاکم ایرانی بغداد در مقابل سلطان حاضر شد و مقرر گردید شهر فوراً تسلیم

ص: ۴۰۲

۱- (۱) مجله وقف میراث جاویدان، «مزارات همدان»، پرویز اذکایی، ش ۵۲، زمستان ۱۳۸۴.

۲- (۲) همان.

شود. حاکم صفوی به سربازان و افسران دستور داد فوراً مواضع دفاعی و شهر را ترک کنند. از این رو مردم بغداد تصور کردند قضیه در همین حد و به صورت مسالمت آمیز پایان خواهد پذیرفت. اما میان عثمانی ها و سربازان ایرانی محافظ شهر، نبردی شدید واقع شد. توپخانه ها در آخرین مواضع و سنگرها مستقر گردید و بیست هزار سرباز ایرانی محافظ شهر کشته شدند و شهر، درحالی که آغشته به خون بود، آرام گردید. آن گاه سلطان مراد، مانند شاه عباس، فرمان عفو عمومی صادر کرد و طی فرمانی، به مفتی بغداد، دستور داد ضریح شیخ عبدالقادر گیلانی را دوباره بازسازی کنند و اوقاف فراوانی را به این منظور اختصاص داد که بیشتر آنها از املاک شیعیان بود! (۱)

اگرچه با عفو عمومی سلطان مراد، تصور می شد شهر آرام شده، اما یک انفجار ناگهانی در انبار باروت که شاید از قبل برنامه ریزی شده بود، بهانه ای شد تا سلطان مراد قتل عام جدیدی به راه اندازد. وی دستور داد هزار اسیر شیعه را در حضورش گردن بزنند. همچنین هیچ ایرانی در شهر و اردوگاه زنده باقی نماند. بنا به گفته لونکریک، وی در این باره میان عرب و فارس تفاوتی قائل نبود؛ زیرا بنا به برآورد مورخان باب عالی، تعداد کشته شدگان به سی هزار نفر بالغ شد. این تعداد، خیلی بیشتر از تعداد ایرانی های ساکن عراق بود؛ به خصوص که بیست هزار نفر از آنها هنگام اشغال شهر کشته شده بودند. بنا به گفته لونکریک، این کشتارها همراه با اعدام تعدادی از رؤسای شهر، اعم از شیعه و سنی که مشکوک به نظر می رسیدند، عطش خونخواری سلطان را فرو نشاند. (۲) شاه صفی که

ص: ۴۰۳

۱- (۱) شیعه و حکومت در عراق، حسن العلوی، ص ۵۴.

۲- (۲) همان. علاوه بر آن چندین هزار ایرانی فارسی زبان در شهرهایی چون کربلا، نجف، کاظمین و بغداد زندگی می کردند که بسیاری از آنان، در پی اشغال بغداد به ایران گریختند. شیعیان عراق، علی نادری دوست، ص ۵۰؛ ر. ک: Stephen Longrigg, *Our Centuries*, Modern Iran, ۱۹, pp. ۱۹۶۸, Beirut reprint ۱۹۲۵. See so: b - z i, T rich -ir b n ihtil n, ۸ Vols. B hd : ۱۹۳۵ - ۱۹۵۶, ۳: pp. ۳۱۵ - ۳۵۶.

تازه از اصفهان راه افتاده بود، در همدان از تسلیم شدن آن خبردار شد و از بیم اینکه جنگ به داخل ایران کشیده شود، تقاضای صلح نمود و بغداد را در سال ۱۰۴۸ ه. ق به عثمانی واگذاشت. این صلح که قرار آن در ذهاب گذاشته شد، عملاً عراق شیعه نشین و شهرهای مذهبی، شامل کربلا و نجف را در اختیار عثمانی های متعصب قرار داد و چون این عهدنامه بیشتر به نفع عثمانی بود، سال ها دوام پیدا کرد(۱). دوران صلح، تا نقض پیمان نامه توسط عثمانی ها در اواخر دوره صفویه، ادامه یافت. بنابر مفاد این عهدنامه، مرز میان دو دولت تعیین شد که امروزه نیز با اندک تغییری برقرار است. طبق مفاد این قرارداد، ارمنستان به ایران واگذار شد و بغداد نیز به عثمانی تعلق گرفت و به این ترتیب، شهر تبریز به مدت نزدیک به نود سال، از قتل عام های دوره ای عثمانیان، مصون ماند. ولی این بار نوبت شهرهای شیعه نشین عربی، همچون حلب، کربلا و نجف بود که به صورت متناوب شاهد قتل عام عثمانی ها باشند.

گفتار دوم: فجایع عثمانی ها در مناطق شیعه نشین عربی

۱. قتل عام حلب

جنگ های ایران و عثمانی با معاهده صلح در قصر شیرین داشت به پایان می رسید که فتنه هتک حرمت و قتل عام شیعیان، به فتوای نوح افندی، برپا شد. در قتل عام، از همه بدتر حلب بود و هیچ شهری این گونه قتل عام نشد؛ چراکه حلب از زمان حمدانیان شیعه نشین بود. در اثر این حادثه تقریباً همه شیعیان حلب که چهل هزار نفر بودند، کشته شدند. فتوای نوح افندی در کتاب «العقود الدریه فی تنقیح الفتاوی الحامدیه(۲)»، آمده است. همچنین حدود سال ۱۰۰۰ ه. ق تعداد زیادی از سادات در شهر حلب به دست سپاهیان

ص: ۴۰۴

-
- ۱- (۱) روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، عبدالحسین زرین کوب، ص ۷۰۰؛ ر. ک: دانشنامه بزرگ اسلامی، احمد پاکتچی ج ۱۴، ص ۵۷۴۷.
- ۲- (۲) تألیف ابن عابدین، ج ۱، ص ۱۰۲.

خونخوار عثمانی که ینی چری خوانده می شدند، قتل عام شدند. الغزی در تاریخ خود می نویسد: «در سال ۱۰۰۰ ه. ق و بعد از آن، شیعه در حلب تقیه می کرد... اما قتل عام سادات، بر اثر گسترش نزاع طایفی در آن زمان، در بلاد حلب، گسترش پیدا کرد».^(۱)

۲. کشتار مسلمانان شیعه در مکه به تهمت تلویث کعبه

اتهام تلویث یا تنجیس بیت الله الحرام، یکی از اتهامات دست ساخته ترکان عثمانی بود که برای بی اعتبار کردن مذهب شیعه و به دست دادن بهانه ای برای قتل شیعیان ساخته شده بود. در سال ۱۰۸۸ ه. ق، واقعه ای در مکه رخ داد که نشانگر خبث ذاتی برخی متعصبان ترک، ضد شیعیان بود. این حادثه را دو تن از معاصران آن گزارش کرده اند. عصامی (۱۰۴۹-۱۱۱۱ ه. ق) که خود در همان زمان در مکه بوده، می نویسد:

در روز پنجشنبه هشتم شوال ۱۰۸۸ حادثه غریبی در مکه رخ داد و آن اینکه در شب آن روز، حجرالاسود، باب و پرده کعبه، مصلاهی جمعه به چیزی شبیه عذره، آلوده شده و هر کس می خواست حجر را ببوسد، دست و صورتش آلوده می شد. این سبب تحریک مردم و ترکان شد. آنان جمع شدند و همه جا را شست و شو دادند. در آنجا یکی از فضلاهی رومی (عثمانی) ملقب به «مدرس عام» بوده و هر روز جماعتی از رافضه را می دید که به نماز و سجود و رکوع در کنار بیت مشغول اند. وقتی این واقعه رخ داد، گفت: «این کار جز از رافضه که ملازم بیت الله هستند، سر زده است». در آن لحظه، سید محمد مؤمن رضوی پشت مقام ایستاده بود و قرآن می خواند. آنها نزد او آمدند، قرآن را از دست او گرفته، بر سر او کوفتند و به زدن وی پرداختند و او را از «باب الزیاده» بیرون انداختند و [آن قدر] با سنگ بر او زدند تا بمرد. در این حال یکی از سادات رفاعی لب به اعتراض گشود؛ او را نیز به وی ملحق کردند و نیز سومی، چهارمی و پنجمی را. من خود آنها را دیدم که روی هم افتاده و مردم آن را سب می کردند.

ص: ۴۰۵

۱- (۱) نهرالذهب فی تاریخ حلب، الکامل البالی الحلبی (الغزی)، ج ۱، ص ۱۵۶.

[عصامی می گوید:] «من از نزدیک آنچه را بر کعبه بود، ملاحظه کردم که از قاذورات نیست، بلکه از سبزیجات و روغن متعفن است که بوی نجاست می دهد». [عصامی می افزاید:] معلوم نشد که این عمل، کار چه کسی بوده، اما گمان بر این است که این کار را عمداً برای کشتن این افراد انجام داده بودند. (۱)

۳. فجایع ملحم در قتل و غارت شیعه جبل عامل

با فتوای برخی عالم نمایان اهل تسنن، ملحم بن حیدر یکی از امرای محلی عثمانی در سال ۱۰۴۸ ه. ق بر جبل عامل یورش برد و در برخی مناطق، نظیر روستای انصار، هتک حرمت ها نمود و محرمات را مباح کرد؛ به طوری که ۱۵۰۰ نفر را به قتل رسانید و ۱۴۰۰ نفر را به اسارت کشید که همین تعداد، در منطقه «کنیف» بیروت، به شهادت رسیدند. این تعرض بزرگ به جان و ناموس مردم و آن فتوایی که این افراد را به چنین درشت خویی ها و جنایت هایی ترغیب کرد، هر انسانی را به شگفتی وا می دارد. (۲)

ص: ۴۰۶

۱- (۱) سمط النجوم، العوالی، ج ۴، صص ۵۲۸ و ۵۲۹؛ به نقل از: به سوی ام القری، رسول جعفریان، ج ۱، ص ۹۴.

۲- (۲) تاریخ شیعه فی لبنان، سعدون حماده، ص ۳۳.

فصل دوازدهم: گستر جمعیت مسلمانان شیعه در قرن دوازدهم هجری

اشاره

ص: ۴۰۷

۱. قتل عام اصفهان

افغانه غلزایی که در شهر قندهار سکونت داشتند، در اثر نارضایتی از دولت صفوی شورش کردند. شورشیان از راه کویر، خود را به تخت گاه صفویان رساندند و با وجود تعداد کم، در اثر ضعف و فساد دربار صفوی، بدون مقاومت وارد اصفهان شدند و شاه سلطان حسین نیز تسلیم شد. قبلاً سرکردگان شورش، با فتاوی عالمان متعصب، بهانه لازم را برای قتل عام شیعیان به دست آورده بودند. بنابراین محمود افغان، بعد از ورود به اصفهان قتل عام و غارت شیعیان را با این فتاوا توجیه می کرد. اگرچه نتوانست جز بر اطراف اصفهان و قسمت هایی از کرمان و سیستان، بیشتر سلطه پیدا کند و نهایتاً به دست پسرعموی خود، اشرف افغان، به قتل رسید. اشرف نیز از نادرشاه شکست خورد و کشته شد.^(۱) محمود افغان پس از شکست از قزوین و بهبهان، می خواست به هر قیمتی که شده اصفهان را در دست نگاهدارد. از این رو برای اجرای نقشه خود، در روز بعد از مراجعت از قزوین، وزرا و نجای بزرگ ایرانی را به یک مهمانی دعوت کرد و تمام آنها

ص: ۴۰۹

۱- (۱) تأثیر حمله محمود افغان بر اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، رضا شعبانی و حسین محمدی، پرتال جامع علوم انسانی، نشانی در فضای مجازی: <http://www.ens.i.ir/content/179542/d> ک lt.px

را قتل عام کرد و دستور داد اجسادشان را در میدان بزرگ شهر انداختند. سپس از آن، محمود، سه هزار ایرانی را که خود برای نظم شهر استخدام کرده بود، چندی بعد فرمان داد که باید هر ایرانی که به شاه سلطان حسین خدمت کرده، به قتل برسد. صدور این فرمان موحش، باعث یک قتل عام غیر مشخص و بدون تمیزی گردید که مدت پانزده روز ادامه داشت و هیچ کوششی برای مقاومت با آن به عمل نیامد. بدین ترتیب، شهر سلطنتی اصفهان، از جمعیت خالی شد.^(۱)

پس از آن، محمود، عده ای از کردهای بدوی را که سنی متعصب بودند، داخل ارتش خود کرد. و به کمک آنها شهرهای کاشان و خوانسار را که پس از شکست قزوین از کنترل او خارج شده بود، دوباره با کشتار وحشیانه به تصرف در آورد. در همان موقع، نیرویی از افغانه را به تصرف شیراز فرستاد، ولی شیراز مقاومت می کرد. نصرالله، فرمانده سربازان داوطلب زردشتی، طی حمله ای به قتل رسید و در تشییع جنازه اش، تمامی غلامان و اسیران او را به قتل رسانیدند. در نهایت شیراز نیز با حيله و نیرنگ، در سال ۱۱۳۷ ه. ق (۱۷۲۴ م)^(۲)، به دست سربازان محمود افغان افتاد و فجایع شهرهای تصرف شده قبلی در آن تکرار شد.

۲. قتل عام فجیع خاندان صفویه

سربازان محمود افغان، بعد از فتح اصفهان، از او به درستی اطاعت نمی کردند؛ زیرا محمود، آنان را سرزنش می کرد که از گرفتن مناطق دیگر ایران، نظیر یزد، ناتوان بوده اند. سربازان نیز وی را متهم می کردند که به زندگی پرشکوه و جلال دربار ایران روی آورده و به مذهب شیعه گرویده است. چنین بود که محمود را مجبور کردند تا از اشرف،

ص: ۴۱۰

۱- (۱) ایران در زمان نادرشاه، ص ۴۰۶.

۲- (۲) همان ص ۴۰۷.

پسرعموی خود، بخواهد که از قندهار به اصفهان آید. اما وقتی اشرف به اصفهان رسید، محمود وی را کاملاً زیر نظر قرار داد و خود در سردابی به اعتکاف نشست و چهل روز در تنهایی و گرسنگی به سر برد و چون از سرداب بیرون آمد، همه دانستند که دیوانه شده است. در پی این دیوانگی بود که پس از شنیدن شایعه دروغ فرار صفی میرزا، دومین فرزند شاه سلطان حسین، دستور قتل عام شاهزادگان صفوی را صادر کرد. به دستور او در یک روز ۳۱ تن از شاهزادگان صفویه قتل عام شدند.^(۱) و در مجموع، از شاهزادگان صفوی، قریب ۷۰ نفر به دست افغان‌ها به قتل رسیدند و اجساد آنها به سردابه بزرگی در کنار حرم حضرت معصومه علیها السلام انتقال یافت.^(۲) دیوانگی محمود افغان پس از این قتل عام به جایی رسید که گوشت بدن خود را با دندان پاره می کرد. افغانه برای درمان وی به کشیشان ارمنی توسل جستند و از آنها خواستند فصلی از انجیل را بالای سر محمود بخوانند! اما این تدابیر مفید نیفتاد و حال او بدتر شد؛ چنان که رؤسای افغان، هنگامی که از بهبود وی دست شستند، اشرف را از زندان بیرون آوردند به دستور اشرف، محمود را به انتقام قتل پدر اشرف، خفه کردند.^(۳) اشرف نیز پیش از سرکوبی به دست نادر، جنایات زیادی را مرتکب شد و از جمله قبل از فرار از اصفهان، دستور داد شاه سلطان حسین را در زندان به قتل برسانند.

ص: ۴۱۱

۱- (۱) فرهنگ معین، ج ۶، ص ۱۹۲۹.

۲- (۲) انقراض صفویه، ص ۳۲۲. بنابر نقل مؤلف کتاب اجساد جاویدان، جنازه برخی از آنها بعد از ۲۲۰ سال، کاملاً سالم مانده بود. وی در این باره چنین می نویسد: «به طوری که مرحوم آیت الله مرعشی اشاره کرده اند، اینها شاهزاده بودند و به اصطلاح از ظلمه بودند، ولی اولاً: از سلاله پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند؛ ثانیاً: تلاش فراوان در ترویج مذهب تشیع داشتند؛ ثالثاً: مظلومانه به قتل رسیده بودند؛ رابعاً: میان هر صنف و هر قشری افراد پاک و خالص وجود دارد و نمی توان فرد را صرفاً به جهت شاهزاده بودن، جزء ظلمه به شمار آورد؛ خامساً: تبلیغات وسیعی که علیه صفویه به طور مطلق در زمان ما رایج شده، دلایل خاص خودش را دارد و هدف آنها کوبیدن صفویه نیست. بلکه کوبیدن تشیع با یک طرفد ماهرانه است: اجساد جاویدان، علی اکبر مهدی پور، صص ۱۸۶ و ۱۸۷.

۳- (۳) محمود قبلاً عموی خود، پدر اشرف را کشته بود: نادرشاه و بازماندگانش، ص ۱۸.

اشاره شد که در دوره شاه سلطان حسین صفوی، ضعف و فتور بر دستگاه حکومتی ایران حاکم شد، چنان که عثمانی ها و روس ها به بهانه اختلاف مذهبی و با هدف کشورگشایی، به شهرهای ایران حمله ور شدند و شیعیان زیادی را قتل عام کردند. سلطان احمد عثمانی با فرستادن سفیر حيله گری به نام احمد دري افندی به دربار شاه سلطان حسین، از آشفتگی و نابسامانی امور ایران آگاه شد^(۱) بنابراین تصمیم گرفت عهدنامه صلح را نقض کند و به ایران حمله کند. وی از شیخ الاسلام استانبول، عبدالله افندی، به صورت سه سؤال، درخواست فتوا کرد: سؤال اول: چنانچه با اجازه طهماسب رافضی، که خود دعوی پادشاهی می کند، مثنی رافضی (شیعه) به جنگ مسلمانان برخیزند، آیا به امنیت و آرامش امام مسلمین، سلطان السلاطین، تجاوز صورت نگرفته است؟

جواب: چون مؤمنان، بالأخص، موظف به قلع و قمع این ملعونان می باشند و هرگونه صلح با ایشان نیز باید متارکه جنگ محسوب گردد، بنابراین وظیفه آنان است که پس از تحصیل قدرت متارکه را بلادرننگ درهم شکنند.

سؤال دوم: آیا باید سرزمینی را که احفاد شاه اسماعیل بر آن حکومت داشته و رافضیان در آنجا سکنی گزیده اند، خاک دشمن تلقی کنیم؟ رافضیانی که بر سه خلیفه اول و... لعن می فرستند و خلفای مزبور را مرتد می دانند... و آیات قرآن را برحسب عقاید سفسطه آمیز خویش تفسیر می کنند و قتل و کشتار پیروان سنت را تعلیم می دهند و همخوابگی با زنانی را که در جنگ به چنگ می آورند، مشروع و حلال می شمردند؟

جواب: این سرزمین خاک مردم دشمن است و باید با اهالی آن، همچون مرتدان، رفتار شود.

ص: ۴۱۲

۱- (۱) محمود قبلاً عموی خود، پدر اشرف را کشته بود: نادرشاه و بازماندگانش، صص ۴۹-۹۸.

سؤال سوم: پس نسبت به رافضیان این سرزمین (یعنی شیعیان ایران) و دیگر ساکنان آنجا که در اصل در زمره کفارند (یعنی عیسویان گرجستان و ارمنستان) چه نحو باید عمل کرد؟

جواب: در مورد رافضیان، مردان باید جملگی از دم شمشیر بگذرند! اناث و اطفال ذکور باید به اسارت درآمده، اموال آنان غنیمت فاتح محسوب گردد! اناث و اطفال ذکور باید به وسایلی غیر از شمشیر، به قبول «اسلام» وادار شوند. لیکن همخوابگی با این اناث، قبل از آن که به «اسلام» بگردند، مجاز نیست. اما در مورد کفار، اناث و اطفال ذکور باید به اسارت درآمده، اموال ایشان به فاتح داده شود. اناث و اطفال آنان نباید مجبور به قبول اسلام گردند. لیکن همخوابگی با زنان، ولو در صورت عدم تمایل به قبول اسلام، مجاز است!^(۱)

ترک های عثمانی برای اینکه هرگونه مانعی را از سر راه تجاوز خود به خاک ایران بردارند، مذاکرات پیچیده و دور و درازی را با روس های متجاوز در شمال ایران آغاز کردند و سرانجام با میانجیگری سفیر فرانسه، قرارداد تقسیم ایران را با روسیه در ۲ شوال ۱۱۳۶ ه. ق در استانبول به امضا رساندند! طبق آن، گرجستان، آران، تبریز، خوی، چورس، ارومیه، مراغه، سلماس، سنندج، همدان و کرمانشاه، سهم عثمانی ها گردید! عثمانی ها برای تصرف سهم ادعایی خود، سه تن از پاشایان خونریز را از سه جبهه، مأمور حمله به ایران کردند: عارف احمد پاشا به ایروان، حسن پاشا، والی بغداد، به کرمانشاه و عبدالله پاشا کوپرولی زاده به خوی و تبریز.

۱. قتل عام خوی توسط عبد الله پاشا

خوی شهر بی دفاعی بود. بعد از تخریب آن در ۱۰۴۵ ه. ق و در سال های آرامش

ص: ۴۱۳

۱- (۱) انقراض صفویه، لکهارت، ترجمه مصطفی قلی عماد، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.

بعدي، نيروي دولتي قابل ملاحظه اي در آن وجود نداشت. عثماني ها هنگامي حمله کردند که ۱/۵ سال پيش از آن، شاه سلطان حسين، پاي تخت و تاج سلطنتي را تسليم شورشيان افغان کرده بود. شاه طهماسب هم که ادعای پادشاهي داشت، ضعيف تر از آن بود که مردم خوي انتظار کمکي از جانب او داشته باشند.

در آخرين هفته زمستان که مردم خوي مي بایست خود را برای برگزاري مراسم نوروز آماده نمایند، سپاهيان عثماني به خوي رسيدند. مردم که خاطرات بي رحمي ها و کشتار مراد چهارم را از پدران خود شنیده بودند، غرق بيم و اضطراب گرديدند. دو راه بيشر نداشتند: يا مي بایست بي هيچ مقاومت تسليم شوند يا اينکه با نثار جان، از شهر خود دفاع کنند. آنها راه دوم را برگزيدند. به نوشته اشتهاودي، با انتشار خبر پيشروي عثماني ها، مين باشي، حاکم خوي، قلعه را رها کرد و به تبريز گريخت. مردم شهر و روستاها به فرورق رفتند و از شهبازخان که سال هاي پيري عمر خود را مي گذرانيد، تقاضا کردند سرپرستي آنها و دفاع از قلعه را بر عهده گيرد و تعهدنامه اي به او سپردند که در مقابل اين خدمت، فرزندان او را به حکومت موروثي خود بشناسند.

شهبازخان به قلعه آمد. پسر وسطی خود، رستم بيگک را همراه خود نگه داشت و پسر کوچک ترش، نجفقلي خان را که مادرش از طایفه کره سنلو بود، میان آن ایل فرستاد و مدت چهار ماه با مهاجمان جنگید. بارها توپ های عثمانی ها رخنه هایی در ديوارهای قلعه ايجاد می کرد که به سرعت ترميم و تعمير می شد.

سرانجام، عثماني ها يك سمت قلعه را خراب کردند و به شهر ريختند. شهبازخان هدف گلوله توپ شد و به شهادت رسيد. روميان، قلعه را به قهر و غلبه گرفتند. مردان را دستگير و پوشيده رويان را اسير کردند؛ از جمله کشتگان، سي نفر از خويشان شهبازخان و پسر او بودند و به جز هفده تن از اهل خوي که در اطراف بودند، احدی باقي نماند.

روایتی در خوی بر سر زبان هاست و در برخی تاریخ های دنباله هم آمده که سرعسکر عثمانی، شهر را قتل عام کرد و تنها هفت تن را باقی گذاشت و گفت اینها بروند و همه جا بگویند که اردوی عثمانی، با مردم شهری که مقاومت کنند، چه معامله ای می کند.

یک نویسنده ارمنی که ظاهراً جزو سپاهیان عبدالله پاشا بوده، در کتاب خود، به نام «تاریخ جنگ عثمانی ها ضد شهرهای ایران و ارمنستان»^(۱)، چنین می نویسد:

در ۶ نوامبر ۱۷۲۴ م، به موجب امریه ای که از سلطان عثمانی رسیده بود، عبدالله پاشا تهیه مقدمات لشکرکشی به تبریز را آغاز کرد و بعد از آن که همه چیز آماده شد، در فوریه ۱۷۲۵ م به راه افتاد^(۲). با نزدیک شدن اردوی عثمانی به شهر خوی، کلیه مردم روستاهای اطراف که ارمنی های بسیاری هم جزو آنها بودند، به قلعه خوی پناه بردند. در اثنای محاصره که مردم رنج و عذاب عظیمی می کشیدند، برخی ریش سفیدان ارمنی می خواستند که شهر را تسلیم ترک ها کنند. اما ایرانیان که مخالف تسلیم بودند، خشمگین شدند و آنها را تهدید به قتل کردند. ناچار ارمنی ها خاموش ماندند. عثمانی ها بعد از آن که چهل روز شهر را با توپ کوبیدند و خرابی های بسیار به بار آوردند، دست به هجوم زدند و بعد از یک جنگ شش ساعته، مدافعان ایرانی را از دم تیغ گذرانیدند و مسیحیان را اسیر کردند. پاشای عثمانی ۳۸ روز در خوی ماند^(۳). آن گاه محافظانی در قلعه گذاشت و به سوی تبریز پیشروی کرد. اینکه ترک ها، ایرانیان مسلمان را از دم تیغ

ص: ۴۱۵

۱- (۱) . Edebiy . I . U . Rus Iliskilerine t iki K n , Osm li Ir - Hr d D . dre y , Ist bul, uİtesi. ۱۹۷۴, S. ۸۵.

۲- (۲) تاریخ ۱۷۲۴ م برای وصول امریه سلطان به عبدالله پاشا و ۱۷۲۵ م برابر ۱۱۳۷ ه. ق برای آغاز پیشروی درست نیست. صحیح یک سال قبل از این تاریخ است. تصور می کنم اشتباه از مترجم و ناشر است. با این همه در ترجمه تاریخ سایکس هم سقوط و ویرانی خوی در ۱۱۳۷ ه. ق ذکر شده است. اما در «تجربه الاحرار» ۱۱۳۴ ه. ق و در «ریاض الجنه» ۱۱۳۵ ه. ق نوشته شده است.

۳- (۳) لکه هارت می گوید: «کوپرولی صبر کرد تا در آغاز اوت، نیروی امدادی به وی رسید».

گذرانیده اند، اما در مورد ایرانیان ارمنی فقط به اسیر کردن آنها اکتفا کرده اند، نه به دلخواه سپاهیان یا فرمانده آنها، بلکه در اجرای فتوای شیخ الاسلام استانبول بوده است. در مقابل، از اینکه محصوران مسیحی خیال تسلیم قلعه را داشته اند، بر می آید که آنها هم از سیاست دولت عثمانی دقیقاً آگاه بوده اند و احساس ایمنی می کرده اند. عبدالرزاق بیگ دنبلی، نوه شهبازخان، در «تجربه الاحرار» خود مشهودات یکی از پیران قبیله را به تفصیل نقل کرده که خلاصه اش این است: «وقتی عساکر عثمانی، خوی را محاصره کرده بودند و آتش توپ های آنها بر شهر می بارید، یکی از سنیان خوی، با شور و شادی می گفت: الحمدلله، دینیمز گلدی، دونمز(۱) گلدی؛ یعنی خدا را شکر که دین ما آمد و... وقتی شهر به دست عثمانی ها افتاد، همان مرد سنی را دیدم که سرش شکسته بود و خون بر صورتش جاری بود، و یکی از ینی چری ها دست او را بر پشت بسته بود و [بردگی] می برد. گفتم: تو آن نبودی که آن روز می گفتی الحمدلله دینیمز گلدی..؟ گفت مگو که درد من مرا بس است.»(۲)

لکههات دربارہ سقوط خوی چنین می نویسد:

عبدالله پاشا کوپرولی در بهار ۱۷۲۴ م به آهنگ تبریز از مرز ایران گذشت و شهر خوی را محاصره کرد. پادگان آنجا طوری دلاورانه پایداری نمود که شهر تا ۱۲ مه که سه هزار نفر از باقی ماندگان آن، من جمله شهبازخان، فرمانده دلاور آنان، از دم تیغ گذشتند، سقوط نکرد. به قراری که گفته اند، تلفات ایرانیان روی هم به هشت هزار نفر بالغ می شد(۳).

شاید آخرین و دقیق ترین تحقیق درباره تاریخ حادثه، آن باشد که در دایره المعارف اسلام، چاپ استانبول، طبق منابع عثمانی و اسناد موجود در بایگانی آن کشور، آمده است:

عبدالله پاشا قلعه خوی را که شهبازخان از آن دفاع می کرد، ۵۳ روز در محاصره داشت و

ص: ۴۱۶

۱- (۱) احتمالاً این کلمه «دنیامز» باشد؛ یعنی خدا را شکر هم دین ما آمد و هم دنیای ما.

۲- (۲) تجربه الاحرار، ج ۱، صص ۵۸-۶۲.

۳- (۳) انقراض صفویه، لکههات، ص ۳۰۲؛ به نقل از: تاریخ هامر، ج ۱۴، ص ۱۰۲؛ گزارش مورخ ۲۹ مه و ۹ ژوئن ۱۷۲۴ م آبراهام استانیان، مأمور مقیم دولت انگلیس در قسطنطنیه، مضبوط در بایگانی انگلیس، ج ۲۵، ش ۹۷.

دو بار نیروهای امدادی را که شاه طهماسب فرستاده بود، شکست داد و خوی را بعد از هجوم، در ۱۲ شعبان ۱۱۳۶ ه. ق / ۷ مه ۱۷۲۴ م گرفت. (۱)

ارزش دفاع مردانه شهبازخان دنبلی که پیش از آن به خواری از ریاست ایل و حکومت چورس عزل شده بود و پایداری مردم خوی در برابر سپاه عظیم و توپخانه عثمانی، وقتی روشن می شود که بینیم ۱/۵ سال پیش از آن، اصفهان در برابر نیروی ضعیف چندهزار شورشی افغانی به زانو درآمده و شاه سلطان حسین پایتخت کشور و تاج و تخت خود را تسلیم محمود افغان کرده بود. پایداری دو ماهه خوی، مانع پیشروی سریع عثمانی ها شد؛ چراکه هدف اصلی آنها تسخیر تبریز بود. اما تلفاتی که در خوی متحمل شدند و ملاحظه پایداری ایرانیان، سبب شد که سردار عثمانی جرئت نکند بلافاصله بعد از اشغال خوی، به تبریز حمله کند. او آن قدر صبر کرد تا نیروی کمکی به او رسید و سه ماه بعد به سوی تبریز حرکت کرد. این پایداری از یک طرف فرصت تجهیز قوا به حاکم تبریز داده بود و از دگرسو قتل عام مردم خوی به دست ترک ها، خشم مردم تبریز و روح مقاومت را در آنان برانگیخته بود. این بود که در آن سال عبدالله پاشا، در حمله به تبریز هم شکست خورد و در حمله سال بعد، پانزده ماه پس از اشغال خوی، تبریز پس از ایستادگی قهرمانانه مردم و کشتار فجیعی که مهاجمان کردند، به دست عثمانی ها افتاد.

۲. قتل عام همدان

در سال ۱۷۲۴ میلادی (۱۱۳۸ هجری)، شهر همدان نیز به تصرف احمد پاشا، والی عثمانی، درآمد و بر اثر مقاومت مردم در برابر قوای عثمانی، گروه بزرگی از مردم

ص: ۴۱۷

۱- (۱) Isl siklopedisi ، ج ۱۲، مقاله بکیر. کوتوک اوغلو، طهماسب دوم، ص ۶۴۹؛ به نقل از: تاریخ عثمانی، اوزون چارشیلی، ج ۴، ص ۱۹۳؛ عثمانلی - ایران مناسبتلری، منیرآک تپه، سلحدار کمانی مصطفی آغانین روان فتحنامه سی. چاپ ۱۹۷۰ م که از همین منابع استفاده کرده. او ۱۲ شعبان را مطابق با ۶ مه دانسته است.

قتل عام شدند.^(۱) حزین لاهیجی که خود از نزدیک نظاره گر مقاومت مردم همدان در برابر قوای عثمانی و قتل عام آنان بوده، شرح این ماجرا را در کتاب «سیاحتنامه ایران» خود آورده است.^(۲)

گفتار سوم: ادامه فجایع عثمانی علیه شیعیان عرب و حجاج خانه خدا

اشاره

ویژگی بارز حکومت عثمانی، انحصارگری قومیتی ترک و طائفه گری مذهبی تسنن حنفی بود. بنابراین کشتارهای سلطان سلیم و سلطان مراد، آخرین فجایعی نبود که شیعیان با آن روبه رو شدند. بلکه استانداران عثمانی که به نام پاشا خوانده می شدند، در مواقع متعدد به قتل عام و کشتار جمعی شیعه پرداختند. فجایع نجیب پاشا در کربلا، سلیم پاشا در نجف اشرف، مدحت پاشا در دغاره، شبلی پاشا در شامیه و ابوصخیر، یوسف پاشا در غراف، احمد پاشا در جبل عامل، علیرضا پاشا در نقاط مرزی عراق و خوزستان ایران و... هر کدام اوراق بلندی را به خود اختصاص می دهد^(۳) که در این مجال به برخی از آنها مختصراً اشاره می شود:

۱. قتل عام شیعیان جبل عامل توسط احمد پاشا جزّار (قصاب)

حکام ترک عثمانی، نسبت به شیعیان جبل عامل، همواره دشمنی شدیدی اعمال می کردند که در این میان، احمد پاشا، بر اثر افراط در خونریزی و آدم کشی در این منطقه، لقب قصاب گرفت. فؤاد البستانی، نویسنده دایره المعارف اللبناویه، معتقد است در دوران حکومت جزّار در لبنان در جبل عامل حمام خون به راه افتاد و نسل کشی شیعه صورت گرفت؛ به گونه ای که کتاب های آنان مدت ها به جای هیزم، در تنور نانویان می سوخت.

ص: ۴۱۸

۱- (۱) سیمای میراث فرهنگی همدان، پروین ابراهیمی، صص ۲۶-۲۹.

۲- (۲) گنج دانش جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، محمدتقی خان حکیم، ص ۹۷۳؛ ر. ک: همدان، از ویکی پدیا، دانشنامه آزاد. <http://www.wikipedia.org/wiki/ک>

۳- (۳) شیعه و حکومت در عراق، حسن العلوی، ص ۵۵.

جزار پس از تسلط و غلبه بر شیعیان جبل عامل، نیرویی عظیم برای نابودی شیعیان منطقه به حرکت درآورد و بر سر راهش به هر دهکده و شهرک شیعه نشین رسید، آن را به آتش کشید و مردمش را شهید کرد و جمعی از علمای آن سامان را کشت. (۱)

محمد حسین مظفر در «تاریخ الشیعه»، پس از شرح مفصلی درباره قتل عام شیعیان جبل عامل می نویسد:

بعد از خروج فرانسه از بلاد شام، جزّار (از طرف عثمانی) بر آن بلاد مستقر شد. وی ده سال تمام از قتل و غارت و زندان و انواع شکنجه به شیعیان خودداری نمود و فشار و کشتار و حبس و تعذیب او بر علما به نهایت رسید و افرادی که باقی ماندند، به نواحی دوردست از زمین پراکنده گردیدند و آثار علمیه ایشان به مصادره رفت و جمیع تنورهای شهر عکا از کتب علمی جبل عامل، یک هفته تمام می سوخت و این ضربه خطیری و کبیری بر علم و اهل علم بود. جبال و نواحی عامل، از رجال علم، تهی شد، پس از آنکه نواحی و محله های آن روشن و درخشان به علما و ارباب فضل و تألیف بود. از جمله علمایی که از ظلم احمد پاشای جزّار فرار کرد، عالم کبیر و شاعر مبدع، شیخ ابراهیم یحیی بود که در دمشق شام اقامت گزید و به دنبال او شیخ علی خاتونی، طبیبی فقیه بود که در بسیاری از علوم چیره بود و برای تحصیل آنها به ایران هجرت کرده بود، تمام اموالش مصادره شد و املاکش ضبط گردید و دوبار محبوس شد و حاضر نشدند حبس او را به قیمتی بفروشند. سپس کتابخانه بزرگ او را که متعلق به آل خاتون بود، گرفتند و این شیخ مذکور متولی آن کتابخانه بود و مجموعاً محتوی بر پنج هزار مجلد از کتب خطیه نادره الوجود بود. تمام این پنج هزار کتاب در عکا طعمه آتش گردید. (۲)

صاحب «بغیه الراغبین» در شرح حال پدر «سید هبه الله ابوالبرکات عاملی» می نویسد:

در جبل عامل بود تا آنکه قصاب، آن معامله را با اهالی این منطقه کرد و ستم و بیداد را

ص: ۴۱۹

۱- (۱) دائرة المعارف اللبناهیة، فؤاد البستانی، در شرح حال ابراهیم یحیی.

۲- (۲) تاریخ الشیعه، محمد حسین مظفر، ص ۱۵۶.

به نهایت رسانید تا اینکه علیه این شخصیت و فرزند مجتهد او که از مردانی به شمار می آمدند که مردم برای دین و دنیای خود امید به او بسته بودند، توطئه کرد تا هر دو تن را به دام آورد و برای اینکه دل پدر را به آتش درد بسوزاند، نخست همین فرزند را جلوی چشمش سر برید و سپس پدر را به عکا برده زندانی کرد. وی در آنجا چندان به درگاه خدا تضرع و دعا کرد تا بر اثر دعای طایر رومی که سید بن طاوس در کتاب «مهج الدعوات» آورده، خدا به او توفیق داد که از آنجا بگریزد و به عراق برود و به سال ۱۱۹۷ ه. ق به حرم جدش پناهنده شود^(۱). و نیز سید محمد، فرزند سید حسن که جنوب جبل عامل را زیر فرمان و نفوذ خود داشت؛ احمد پاشای قصاب، به فتوای قاضی حنفی شهر صور در سال ۱۲۰۷ ه. ق، او را شهید کرد و کتاب های وی را گرفت و آنچه را با مذهبش مخالف یافت، سوزانید و بقیه را وقف مسجد عکا کرد.^(۲)

شیخ زین بن شیخ خلیل عاملی، از شاگردان سید بحرالعلوم است که مکرر مردم جبل عامل از سید بحرالعلوم خواهش کردند وی را برای ارشاد و رهبری به آن سامان بفرستد. پس سید استاد، وی را تشویق کرد که به جبل عامل بازگردد. تقاضاها چندان ادامه یافت تا او راهی آن دیار گشت. مردم آن دیار از او استقبال و احترام فراوان کردند. او هر روز در مسجد برای قضا و فتوا می نشست و نیاز محتاجان را برمی آورد؛ بدین سان روزگاری در خدمت به مردم و دین و نشر علم دین می گذراند تا به دست احمد پاشای قصاب، حاکم عثمانی، به سال ۱۲۱۱ ه. ق به شهادت رسید. آن جنایتکار دستور داد تا جنازه آن مرحوم شهید را آتش زدند و کتابخانه اش را که بیش از سه هزار جلد کتاب داشت، به چنگ آورده سوزاندند و تصادفاً چند جلد از کتاب هایش، از جمله تألیف گرانبهایش، «الذریعه» در علم فقه، از طعمه حریق نجات یافت.^(۳)

ص: ۴۲۰

۱- (۱) شهیدان راه فضیلت (شهداء الفضیله)، عبدالحسین امینی، ص ۴۰۱.

۲- (۲) همان، ص ۴۱۱.

۳- (۳) همان، ص ۴۱۴.

جزّار همچنین عده ای از علمای جبل عامل را در عکاء زندانی کرد و بعد از شکنجه به قتل رساند؛ از جمله شیخ علی بن خاتون العاملی که در حبس جزار در سال ۱۲۲۰ ه. ق به شهادت رسید و شیخ سلمان البزّی که پدر حاج موسی سلمان بزّی بود،^(۱) توسط او به شهادت رسید. از دیگر عالمان شهید به دست جزار، شیخ صالح عسیلی، پسر شیخ محمد عسیلی، از علمای پرهیزکار جبل عامل و از برجسته ترین مردان نامی آنجاست. وی از شاگردان آیت الله بحر العلوم است و از او اجازه نامه ای داشت که نزد خاندان زین که از خاندان های معروف جبل عاملند، موجود است. وی در دهکده یاریش، نزدیک صور، می زیست و به دست احمد پاشای قصاب به قتل رسید؛ متعصبان، او را به سب ابوبکر و عمر متهم کردند و به همین اتهام در سال ۱۲۰۸ ه. ق شهید شد.^(۲)

۲. کشتار جمعی شیعیان یمن توسط نشار (ازّه)

اوزون چارشی لی، در کتاب «تاریخ عثمانی»، به یکی از امرای بی رحم عثمانی در یمن اشاره می کند که مردم بی گناه این کشور، از جمله شیعیان را در زمان اشغال عثمانی، به بهانه مخالفت با حکومتش، با اره دو نیم می کرد و از این جهت به نشار، یعنی اره دوسر، معروف شد؛ چنین فجایعی در جای جای مناطق اشغال شده عثمانی ها رواج داشت و از حاکمیت آنها خاطرات تلخی میان شیعه و سنی به جای ماند.^(۳)

۳. فاجعه حمله به زائران شیعه در مکه

در پایان سال ۱۱۴۴ ه. ق، عوام متعصب سنی در مسجدالحرام، علیه شماری از شیعیان که مجاور مکه مشرفه بودند، شوریدند؛ زیرا شماری از شیعیان غیر عرب، سال

ص: ۴۲۱

۱- (۱) شهیدان راه فضیلت، (شهداء الفضیله)، ص ۱۸۳.

۲- (۲) آرامگاه وی نزدیک پل قاسمیه به فاصله کمی از گنبد بارگاه معروف به لله لله بنی قاسم قرار دارد. شهیدان راه فضیلت (شهداء الفضیله)، ص ۴۱۹.

۳- (۳) تاریخ عثمانی، حقی اسماعیل اوزون چارشی لی، ترجمه ایرج نوبخت، ج ۲، ص ۴۲۵.

پیش، نزدیک مکه اقامت کرده و برخی عوام تصور کردند که آنها نجاستی بر کعبه مالیده اند؛ بر همین اساس، با همراهی سپاهیان مصری، به مسلمانان غیر عرب مکه حمله ور شدند. عوام سنی به خانه قاضی مکه نیز هجوم بردند که او از محکمه گریخت و به حسین آغا پناه برد. در این وقت، او و حسین آغا و شماری از سپاهیان مصری، به سراغ وزیر اعظم، ابوبکر پاشا، حاکم جده رفتند که گویا در این وقت به مکه آمده بود. آنها به خانه شیخ الاسلام مکه نیز رفته و او را از منزلش بیرون آوردند. شماری دیگر از اهل علم و شخصیت ها را نیز بیرون آورده و همگی برای اقامه دعوی به سراغ وزیر اعظم رفتند. این در حالی بود که اساساً خصمی وجود نداشت و معلوم نبود که دشمن کیست. مفتی از آنان خواست بازگردند. اما ایشان جواب های تنیدی داده و کارهای زشتی کردند تا از وی درباره اخراج عجم ها از مکه حکم گرفتند. از قاضی هم چنین حکمی گرفتند! (۱) سپس در کوچه های مکه به راه افتاده، فریاد زدند: «هرکس از عجم ها در مکه باشد، مالش غارت شده و کشته خواهد شد». در حال فرار هم خانه های آنان را غارت کردند. این در حالی بود که شماری از اشراف، آنان را از این کار باز می داشتند. این زمان، شریف وقت مکه، شریف محمد، در خانه نشسته بود و متعرض آنان نشد! روز دوم، آنان نزد قاضی آمده و از او خواستند به سراغ شریف محمد بفرستد تا به مسلمانان عجم دستور دهد که چقدر دارایی دارند. شریف از این

ص: ۴۲۲

۱- (۱) سید محمد بن علی بن حیدر موسوی عاملی مردی فاضل، ادیب و شاعر و عالم دین بود، و کتاب «تنبيه و سنی العین» را نوشت که مقایسه ای میان امام حسن و امام حسین علیهما السلام و تحلیلی از انعکاس فضائل آنان در میان شیعیان، به ویژه در جریان اختلاف میان زیدیان و امامیان بود. فرزندش سید رضی الدین، نویسنده اثر دو جلدی با نام «تنضید العقود السنیه بتمهید الدوله الحسنیه» است. این کتاب در تاریخ شهر مکه، از اواخر قرن ششم تا روزگار خودش، اندکی پس از میانه قرن دوازدهم هجری است؛ ر. ک: گزارشی درباره سقوط صفویه، نادرشاه، روابط با عثمانی و انعکاس اخبار ایران در مکه، رسول جعفریان: نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: http://www.ic.ir/index.php?option=com_k2view&itemid
= ۱۵۲۶

کار خودداری کرد. او را با اموری که اقتضای آن وقت بود، ترساندند. او نیز موافقت کرد و منادی دیگری فرستاد تا آنان را امر به خارج شدن از مکه کند. شیعیان عجم به طائف و جده و جز آن رفتند. پس از چندی که غائله فروکش کرد، شریف محمد کسانی را که مسبب این ماجرا بودند، تهدید کرد. بعد از آن کسی را به طائف فرستاد و از شیعیان خواست تا بازگردند و آنان در اواخر ذی قعدة آن سال برگشتند. آن ماجرا خاتمه یافت و کسی متعرض آنان نشد. در حقیقت، تعصب در این کار، از سوی ترک ها و آغاوات و شماری از اراذل کوچه بازار مکه بود. درحالی که اهالی اصلی مکه اصلاً به این کار راضی نبودند؛ چنان که اشعاری هم بر این امر دلالت دارد؛ از جمله شعری که در این باره سروده و تاریخ آن حادثه در آن بیان شد، شعر شیخ تاج الدین ابن شیخ عارف منوفی بود. (۹ بیت شعر در باره این ماجرا نقل شده که ماده تاریخ آن نیز «غلب الجهل أهله» است). (۱)

گفتار چهارم: قتل عام و تخریب شهرهای مرکزی ایران توسط الله یار خان ازبک

الله یارخان ازبک، از طرف نادرشاه، حاکم شهر لاهور بود. پس از قتل نادر با سوء استفاده از هرج و مرج موجود، تصمیم به حمله و قتل عام شهرهای شیعه نشین گرفت. وی با اهل تسنن کار نداشت، ولی هر جایی که منزل و مأوای مسلمانان شیعه بود را قتل عام، غارت و تخریب کرد (۲). صاحب رستم التواریخ در این باره می نویسد:

الله یار خان ازبک که از جانب نادر، حاکم بالاستقلال شهر لاهور بود چون خبر قتل نادر را شنید، از شهر لاهور، بیرون آمده، رو به جانب فارس، روانه گردید. به هر شهر و دیار و قریه که مسکن سنیان بود، کمال حسن سلوک به جا آورد با اهلش و هر جایی که منزل و مأوای شیعیان بود، اهلش را قتل و اسیر و اموالش را غارت و معموره اش را خراب نمود تا

ص: ۴۲۳

۱- (۱) تنضید العقود السنیه، ج ۲، صص ۲۷۲-۲۷۴.

۲- (۲) ر. ک: رستم التواریخ، صص ۲۲۷-۲۲۹.

وارد شهر شیراز گردید، با محاربه و جد و جهد بسیار، قتل عام در آن شهر نمود از شیعیان. و عمارات عالیه آن را خراب نموده و از شیراز تا شهر اصفهان، همه منازل و قری را خراب و اهلش را قتل و اسیر نمود. (۱) چون امیر سید حسن خان خراسانی، از آمدن الله یار خان ازبک آگاه شد، رؤسا و اعزه و اعیان اصفهان را طلب نمود و گفت: «الله یار خان ازبک ظالم بی رحم، حنفی مذهب است و قتل شیعه و اسیر کردنش و خراب کردن خانه اش و غارت نمودن اموالش را واجب می داند. اگر وارد شهر اصفهان بشود، شهر اصفهان را مانند شهر لوط خواهد نمود.» پس، از روی مشورت، حسب الحکم امیر سید حسن خان، از اهل شهر و بلوکاتش، دلیران بسیار، همه با یراق حرب، اجتماع نمودند. ناگاه خبر رسید که عثمان قلی خان افغان که حاکم کرمانشاهان بود، با لشکر بسیار در رسید. سید حسن خان، خود با جمع کثیری به جانب نجف آباد، بر سر راه الله یار خان مذکور رفت و از جانب دروازه قوشخانه، احدی از منسوبان خود را با جمع کثیری، بر سر راه عثمان قلی خان فرستاد. الله یار خان ازبک مذکور، از لشکر امیر سید حسن خان خراسانی مذکور، وحشت گرفته و رم نموده و از شهر اصفهان، طمع بریده و روگردان شده و رو به جانب بلوکات اصفهان رفته و از قتل و تاراج، آنچه می توانست، کرد. و عثمان قلی خان هم به قدر قوه خود، آنچه از قتل و تاراج خواست، کرد و رو به جانب یزد و کرمان، مشغول قتل و تاراج شد. اهل یزد و بلوکاتش، بسیاری از لشکر عثمان قلی خان را کشتند و اسیر بسیار از ایشان ستاندند (ولی مهاجمان) از یزد تا شهر کرمان، به هر قریه که تسلط یافتند، در کشتن و خراب کردن و تاراج نمودن، کوتاهی نکردند. و چون به شهر کرمان رسیدند، دلاوران کرمان، بالاجتماع والاتفاق، بر سر راه آن ظالمان بی رحم و مروت آمدند و با ایشان محاربه عظیمه نمودند و اسیرهای بسیار و اموال بی شمار از ایشان گرفتند. بیشتر ایشان به دست اهل کرمان، کشته گردیدند و کمترشان فرار نمودند. الله یار خان مذکور، از شهر اصفهان، به سبب مردانگی و فرزاندگی امیر سید حسن خان خراسانی مذکور، محروم،

ص: ۴۲۴

ولی بلوکات اصفاهان را خراب و اهلش را قتل نموده، به حد افراط و رو به جانب کاشان رفته. و از اصفاهان تا کاشان، قریه ها و منزل ها را خراب و اهلشان را قتل نمود و شهر کاشان را خراب و اهلش را قتل نمود و از کاشان تا قم، قریه سن سن و ده نار و خوابق و لنگرود و قریه های دیگر را خراب و اهلش را قتل [عام] نمود. و شهر قم که به وسعت قلعه آن، کسی در عالم، قلعه ای وسیع تر از آن ندیده و نشنیده، به تیشه بیداد و ستم، خراب نمود و اهلش را قتل و اسیر نمود. رو به جانب شهر تهران رفته و قریه ها و منزل ها را مثل منزل های دیگر نمودند. و شهر تهران را نیز متصرف، به زور و تعدی نمودند و عمارات عالیه آن را خراب و بی آب و تاب نمود و مناره مدرسه آن را نیمه ای بینداخت و ارگ آن را نتوانست تصرف نمود؛ سالم بماند. از تهران تا زنجان، خرابی و تاراج نمود و زنجان و حدودش را نیز قتل و غارت نمود. (۱) و از آن جا تا به چمن دلگشای اوجان، همه قری و منازل را ویران نمود. و از آنجا، قریه به قریه و منزل به منزل، قتل و غارت و خرابی نمود تا وارد سرحد هرات و قندهار گردید. و عقلا، چنین بدانند که از بدو ایجاد تا اکنون، ظالم بی مروت بی رحمی مثل الله یار خان ازبک، مخلوق نشده و قتل و غارت و خرابی که او در ایران نمود، از حد و اندازه، بیش است. در هر جا که مناره ای بود، همه آن را خراب نمود. [رستم الحکماء مؤلف رستم التواریخ در ادامه شعری را درباره این جنایات می سراید که برخی ابیات آن این است]:

ز ظلم و تعدی الله یار همان کینه ور ازبک نابکار

بسی کاخ عالی و قصر بلند نگونسار کرد آن یل زورمند

به قتل و به تاراج، افراط کرد به ایران زمین، عیش، اسقاط کرد

به اران، خرابی بدان سان نمود که هر جای آباد، ویران نمود

زبس قتل و تاراج و بیداد کرد جهان، پر ز افغان و فریاد کرد

بین عاقبت، کار او چون شدی قرین مکافات گردون شدی

ستمکار را عاقبت بد بُود جزایش عذاب مؤبد بود

ص: ۴۲۵

[سرانجام الله یارخان و همراهانش را صاحب رستم التواریخ چنین گزارش می کند]:

چون الله یار خان ازبک مذکور و عثمان قلی خان که از سمت یزد و کرمان رفته بود و قتل و غارت و خرابی نموده بود و بسیاری از اتباعش را کشته بودند، نزدیک به قندهار، به الله یار خان ملحق شد و هر دو ظالم خونخوار، بالاتفاق، وارد شهر قندهار جدید، یعنی احمدشاهی که مقر احمدشاه بود، گردید و با نخوت از روی فخر و مباهات عرض نمود که: «ای احمد پادشاه! به دولت و اقبال تو، همه ممالک ایران را خراب و اهلش را قتل و غارت و اسیر نمودم و ایران را چنان خراب نمودم که تا قیامت، مرمت پذیر نخواهد بود». احمدشاه، از روی غیظ و غضب گفت: «ای حرام زاده بدبخت!... ایرانی به ما و تو چه بد کرده بود؟ چرا چنین کردی؟ موافق کدام مذهب، چنین رفتار نمودی؟» عرض نمود: «در مذهب حنفی، بر اهل سنت، جان و مال و عرض شیعه، حلال و مباح است». فرمود: «ای حرام زاده! چرا موافق کتاب خدا رفتار نمی نمایی؟» خدا می فرماید: (وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ) ۱ عرض نمود: «پادشاه، شیعیان، دائم ناسزاها به خلفای راشدین می گویند». فرمود: «عقلا و علمای شیعه، چنین نامعقول نمی کنند و اگر سفها و جهال ایشان، چنین نامعقول نمایند، ایشان، داخل انعام و بهائم خواهند بود و در قیامت، خدا، حکم در میان ایشان خواهد کرد و جزای ایشان را خواهد داد. و گناه و بدی به جهالت، پرعیب ندارد. امید آموزش بر آن هست. ای حرام زاده، بدان که مذهب حق، همین است که ما تحصیل نموده ایم. حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، خلیفه بلافصل حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله است. بی شک، به حکم خدا و رسول صلی الله علیه و آله. و حدیث غدیر خم، راست و درست است. اما اشرار آن زمان، افساد نمودند و راضی به این مطلب نشدند و بنابر مصلحت مصلحین خیراندیش، به اجماع امت، خلفای راشدین را جبرا بر مسند خلافت نشانیدند! به اذن و رخصت و رضای حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام. و در ایام خلافت ایشان، همه مهم سازی های دینی و دنیوی و مشکل گشایی ها، از آن جناب بوده و حضرت

محمد رسول الله صلى الله عليه و آله و حضرت على ولي الله، در مرتبه اخوت، بی شک مانند حضرت موسی و حضرت هارون بوده. و در میان حضرت علی و خلفای راشدین، کمال اخوت و الفت و محبت و مودت بوده. و برهان این قول، آن است که حضرت علی، دختر خود - حضرت ام کلثوم - را که از حضرت فاطمه زهرا داشت، به فاروق اعظم، تزویج نمود(۱) و سه پسر خود را مسمی به اسم خلفای راشدین نمود. و این چهار رکن اسلام می باشند. و به مظاهر و معاونت هم، بالاتفاق، دین را رواج دادند. و از اولاد و احفاد علی، یازده نفر، امامان و پیشوایان به حق بوده اند. و خلفای بنی عباس، به راستی و درستی، خلافت نمودند و مقوی اسلام و مروج دین بوده اند! غرض آنکه این دعوی و نقاضت و خصومت و ضدیتی که میان شیعه و سنی می باشد، باطل و عاطل و بیهوده می باشد. خدا گمراهان این دو گروه را هدایت نماید. ای سگ بی دین! ما که احمد پادشاه می باشیم و خدای عالم، ما را به اهل ممالک، مرتبه پدری داده و از برای پادشاهان، در حقیقت، نسل و پیوندی نمی باشد؛ زیرا که بر همه خلائق، پدر می باشند و باید محافظت اولاد خود، یعنی سپاه و رعیت و فرمان برداران خود بنمایند. پس بر ذمه ما می باشد که انتقام ایران و اهلش را از تو حرام زاده، بکنیم. به رأی صائب ما، قتل تو و اتباع تو واجب است.» ناگاه مانند شیران غران نر، از روی غیظ و غضب، فریاد بر آورد که: «هرکس که سر ما را دوست دارد، شمشیر و خنجر از غلاف بیرون آورد، قربه الی الله و طلباً لمرضاته، این الله یار کافر ظالم

ص: ۴۲۷

۱- (۱) محققان اهل تسنن از جمله امام محیی الدین نووی، مهم ترین شارح صحیح مسلم، معتقدند ام کلثوم، همسر عمر، دختر ابوبکر بوده نه حضرت علی علیه السلام: تهذیب الأسماء واللغات، أبوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف بن مری النووی، ج ۲، ص ۶۳۰. بنابراین «ام کلثوم که با عمر ازدواج کرد، ربیبه علی علیه السلام و دختر اسماء بنت عمیس از ابوبکر بود و از کودکی با برادرش محمد بن ابوبکر بعد از فوت ابوبکر و ازدواج اسماء با حضرت علی علیه السلام در خانه ایشان بزرگ شدند. بنابراین فرزندخوانده آن حضرت محسوب می شدند. پس عمر از ام کلثوم، دختر ابوبکر، خواستگاری نمود، نه دختر حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام. ولی چون آن زمان دخترخوانده شخص را همانند دختر واقعی او قلمداد می کردند، این موضوع نزد عامه به این شکل جا افتاده بود و احمدشاه درانی نیز آن را به این صورت مطرح کرد؛ ر. ک: شرح «احقاق الحق»، نجفی مرعشی، ج ۳، ص ۳۱۵.

و همه اتباعش را بکشد که بهشت را داخل خواهد شد.» به یک بار، سپاه و عمله جاتی که حاضر بودند، به شمشیر و خنجر و نیزه و تبرزین و تیر، الله یار خان مذکور و اتباعش را به خواری و زاری کشتند و احدی از ایشان را زنده نگذاشتند.^(۱)

گفتار پنجم: فجایع خوارج عمان و بدویان نجدی علیه شیعه بحرین

۱. قتل عام شیعه بحرین به دست خوارج

خوارج عمان چندین بار به بحرین حمله کردند، اما با مقاومت سخت مردم روبه رو شده، شکست خوردند. در سومین حمله و یورش، پس از محاصره کردن شهرها و انسداد راه های ورودی و خروجی، توانستند بحرین را اشغال کرده و به کشتار شیعیان پردازند؛ چنان که علما و دانشمندان شیعه مجبور به ترک بحرین و رفتن به قطیف، ایران و عراق شدند و این دوران را می توان دوران رکود علمی بحرین نامید^(۲). در سال ۱۱۵۱ ه. ق، سیف پسر سلطان امام مسقط، جزیره بحرین را تصرف و مدت شش روز، مردم بحرین را قتل عام کرد^(۳). از جمله فجایع آنها کشتار مدرسه شیخ داوود در جزیره بنی صالح بحرین بود که علامه امینی در کتاب «شهداء الفضیله» به آن اشاره کرده است. همچنین میرزا محمد خلیل مرعشی صفوی، در «مجمع التواریخ»، شرحی از مصیبت هایی که بحرینی ها از خوارج عمان کشیدند، به دست داده است^(۴). همین طور عباس اقبال، در کتاب مطالعاتی، درباره بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس اطلاعاتی در این باره آورده است.^(۵)

ص: ۴۲۸

۱- (۱) رستم التواریخ، صص ۲۳۳-۲۴۱.

۲- (۲) شیعیان بحرین اکثریت مظلوم، انصاری بویراحمدی، ص ۲۱۲.

۳- (۳) سدید السلطنه، ص ۲۳۳.

۴- (۴) مجمع التواریخ، صص ۳۷-۴۰.

۵- (۵) مطالعاتی درباره بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، صص ۹۷-۱۰۰؛ به نقل از: اطلس شیعه، ص ۴۴۳.

۲. قتل عام شیعه بحرین توسط بدویان زبارة (آل خلیفه) در زمان اشغال بحرین

در سال ۱۱۹۷ ه. ق، کریم خان زند درگذشت و اوضاع ایران دچار آشفتگی شد و این فرصتی استثنایی برای قبیله بدوی آل خلیفه بود. این قبیله ابتدا در «نجد»، واقع در شبه جزیره عربستان، سکونت داشتند. بعدها به سواحل خلیج فارس کوچ کرده، در «زبارة» نزدیک بحرین جای گرفتند و در کمین دستیابی بر جزیره بحرین نشستند. با آشفتگی شدن اوضاع ایران، آل خلیفه از موقعیت بهره جسته به بحرین حمله بردند و مقاومت مردم را با قتل و غارت در هم شکستند؛ اموال مردم را به زور گرفتند و علمای بسیاری چون علامه شیخ حسین آل عصفور، شیخ عبدالله عرب و شیخ جمال عصفور را کشتند؛ به این ترتیب پایه های تسلط خود را بر بحرین، با خونریزی و غارت، بنیان نهادند. ولی پس از آن که آقا محمد خان بر اوضاع ایران تسلط یافت، بحرین را دوباره زیر سلطه خویش درآورد و شیخ نصرخان را - که از رؤسای عشایر طرفدار ایران بود - به عنوان حاکم آنجا برگزید. ولی با ضعف قاجار، انگلیسی ها بر جزیره مسلط شده و دوباره شرایط قدرت گیری آل خلیفه را فراهم کردند.

در تاریخ معاصر، دو ضربه سخت بر پیکر شیعیان این جزیره و حوزه علمیه بحرین فرود آمد: یکی حمله خوارج عمان به آن و تصرف این جزیره که به دلیل قتل و غارت شدید آنان، دانشمندان بسیاری به دیگر مراکز شیعی هجرت کردند؛ دوم، تکیه زدن آل خلیفه بر تخت فرمانروایی که با ایجاد جو وحشت و ترور، جمع زیادی از بزرگان علمی بحرین را مجبور به هجرت سوی عراق و ایران کردند.^(۱)

ص: ۴۲۹

۱- (۱) دانشنامه جهان اسلام، خسرو خسروی، ج ۱، ص ۵۹۰.

فصل سیزدهم: گشتار جمعی مسلمانان شیعه در قرن سیزدهم هجری

اشاره

ص: ۴۳۱

گفتار اول: قتل عام سادات حلب توسط ینی چری های عثمانی

در رمضان سال ۱۲۱۲ ه. ق فتنه بزرگی بین سادات و ینی چری ها (سپاه ویژه عثمانی) در حلب روی داد. در این درگیری ینی چری ها بر سادات غلبه کردند و سادات به مسجد جامع اطروش پناه بردند. ینی چری ها سادات را محاصره کردند تا به خاطر گرسنگی و تشنگی مشرف بر مرگ شدند. آنها از ینی چری ها امان خواستند و آنان به سادات امان دادند. از این رو سادات اعتماد کرده، درهای مسجد جامع را گشودند. ولی ناگهان با هجوم ینی چری ها روبه رو شدند. سادات را به انجا مختلف کشتند. برخی را گردن زدند، برخی را شکم دریدند، سر برخی را با شمشیر شکافتند، برخی را از قفا ذبح کردند و برخی را زنده در چاه انداختند. شعرای عصر، این واقعه خونبار را به نظم درآوردند؛^(۱) از جمله شیخ محمد وفا الرفاعی چنین سرود:

کل المصائب قد تسلی نوائبها الا التی لیس عنها الدهر سلوان

هی المصیبه فی آل الرسول فکم سری باخبارها فی الناس رکبان

ادماء اعداء الله له ثمینه ودماء آل بنی الرسول مرخصه

فلانت اولی بالجمیع وهذه شکواهم زفت الیک ملخصه^(۲)

ص: ۴۳۳

۱- (۱) الغزی، ج ۳، ص ۲۴۳.

۲- (۲) معالم الشام واعلامها تاریخ التشیع فی بلاد الشام، محمد سعید الطریحی، صص ۲۲۸-۲۲۹.

همه مصیبت‌ها قابل تسلیت هستند مگر آنچه گذر روزگار آن را تسلا نمی‌دهد.

آن مصیبت، مصیبت آل رسول صلی الله علیه و آله است که اخبار آنها در بین مردم شایع شد.

آیا خون‌های دشمنان خدا با ارزش است، ولی خون آل رسول بی ارزش؟!؟

پس تو آگاه به همه این مسایل هستی و این شکایت سادات مظلوم است که خلاصه آن برای تو فرستاده شد.

گفتار دوم: فجایع انگلیسی‌ها در مناطق شیعه نشین هند

اشاره

پیش‌تر اشاره شد که مناطق جنوب هند، قبل از هجوم انگلیسی‌ها، شاهد حاکمیت سه دولت شیعی، با محوریت مهاجران ایرانی بود که مورد حمله متعصبانه اورنگ زیب، حاکم گورکانی دهلی، قرار گرفت. به رغم فجایع اورنگ زیب علیه شیعیان هندوستان؛ آنها از میان نرفتند و بعد از هجوم استعمارگران انگلیسی، مقاومت‌های گسترده‌ای کردند. ولی انگلیسی‌ها آنها را سرکوب و قتل عام کردند. رفتار کمپانی هند شرقی انگلیس به حدی غیرانسانی بود که حتی افرادی از میان خودشان زبان به اعتراض گشودند. جان دیون پورت، در اعتراض به رفتار زشت هموطنان مستعمره چی خود، کتابی به نام «عذر تقصیر به پیشگاه محمد صلی الله علیه و آله و قرآن» نوشت و جنایات بی‌شمار انگلیسی‌ها در هند، از جمله مناطق و ایالات شیعه نشین میسور و اود را به باد اعتراض گرفت. سال‌های پایانی قرن ۱۸، دوران تحرک و قیام چشمگیر شیعیان جنوب هند ضد سلطه انگلیس بود که در قالب مبارزات سخت حیدرعلی و فرزند شجاعش، تیپوسلطان، بروز یافته بود. اما ولسلی انگلیسی، با استفاده از زور و نیرنگ و نیز خائنان داخلی، توانست تیپوسلطان شیعه را در سال (۱۲۱۴ ه. ق / ۱۷۹۹ م) به قتل برساند. تیپوسلطان، شیعه‌ای معتقد و فارسی‌زبان بود و ارادتی خاص به امام علی علیه السلام داشت. انگلیسی‌ها با کشتن او و یارانش، سلطه خود را بر جنوب هند گسترش دادند. (۱)

ص: ۴۳۴

۱- (۱) تشیع در هند، جان نورمن هالیستر، مترجم: آرمیدخت مشایخ فریدنی، صص ۲۷۱ و ۲۷۲. ر. ک: موقوفه اود: ریشه و روند تاریخی، علی ابوالحسنی، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: monzer.ir ک ۱۴۴۱۱/es/p

در سال ۱۸۵۷ م که منطقه شیعه نشین لکهنو و در مجموع منطقه اود، هم صدا با بخشی عظیم از مردم هند، ضد سلطه انگلیس قیام کرد، عالم بزرگ شیعه، سلطان العلما نیز به حمایت از قیام برخاست. زمام قیام، لکهنو در دست حضرت محل (همسر شجاع واجد علی شاه) قرار داشت. سید محمدباقر، فرزند سلطان العلما با مأمون خان، زعیم انقلابی و دیگر فرزندان سلطان العلما، هر یک به گونه ای کنار حکومت انقلابی قرار گرفتند. میرزا محمد مهدی کشمیری می نویسد:

قشون سرکار کورمنت بر شهر لکهنو تاخت آورده، قتل و نهب و غارت آغاز نمودند. سلطان العلما که توان ماندن در شهر را نمی دید، همراه برخی از بستگان خویش، به یکی از دهات اطراف شهر هجرت کرد. از بد روزگار، آنجا نیز از هجوم دشمن ایمن نماند و عده ای از قشون انگلیس، وارد قصبه مزبور شده، دست به تعدی و نهب و غارت زدند؛ به طوری که آن جناب از اندیشه هتک حرمت ناموس و نابودی عیال و اطفال، متردد گردید. نهایتاً قیام مسلمانان شیعه در لکهنو که با زعامت معنوی سلطان العلماء همراه بود، با قتل و غارت شیعیان این منطقه، توسط انگلیسی ها به پایان رسید و شهر لکهنو هیچ گاه به عظمت قبلی خود بازنگشت. (۱)

گفتار سوم: قتل عام های وهابیان در جزیره العرب و عراق

اشاره

محمد بن عبدالوهاب، بنیانگذار فرقه وهابیت در جزیره العرب، همه مسلمانان را تکفیر می کرد. به این علت که به پیامبر صلی الله علیه و آله متوسل می شوند، بر قبور اولیای خود گنبد و بارگاه می سازند، برای زیارت قبور، سفر و از اولیای الهی طلب شفاعت می کنند. در یادار سرتیپ ایوب صبری، سرپرست مدرسه عالی نیروی دریایی در دولت عثمانی می نویسد:

عبدالعزیز بن سعود که تحت تأثیر سخنان محمد بن عبدالوهاب قرار گرفته بود، در اولین

ص: ۴۳۵

سخنرانی خود، در حضور شیوخ قبایل، گفت: «ما باید همه شهرها و آبادی‌ها را به تصرف خود درآوریم و احکام و عقاید خود را به آنان بیاموزیم و... برای تحقق بخشیدن به این آرزو، ناگزیر هستیم که عالمان اهل سنت را که مدعی پیروی از سنت سنی نبویه و شریعت شریفه محمدیه هستند، از روی زمین برداریم. و به عبارتی دیگر: مشرکانی که خود را به عنوان علمای اهل سنت قلمداد می‌کنند، از دم شمشیر بگذرانیم؛ به ویژه علمای سرشناس و مورد توجه را؛ زیرا تا اینها زنده هستند، همکیشان ما روی خوشی نخواهند دید. از این رهگذر باید نخست کسانی که به عنوان عالم خودنمایی می‌کنند، ریشه کن نموده و سپس بغداد را تصرف کنیم» (۱).

وی در ادامه می‌نویسد:

آن گاه ابن سعود، منادیانی فرستاد که در کوچه و بازار بانگ زدند: «ادخلوا فی دین سعود وتظلوا بظله الممدود»؛ «هان ای مردم! به دین سعود داخل شوید و زیر سایه گسترده اش مأوا گزینید» (۲).

وهابیان بعد از تسلط بر نجد و به بهانه گسترش توحید و نفی بدعت و شرک، به سرزمین‌های دیگر، نظیر حجاز، یمن و نواحی سوریه و عراق، حمله ور شدند (۳) و هر شهری که عقاید آنان را نمی‌پذیرفت، غارت کرده و افرادش را به خاک و خون می‌کشیدند (۴).

تاریخ، قتل‌عام‌های متعددی را از جانب وهابیان در خود ثبت کرده است. وهابیون در ابتدای کار خود ۱۵۰۰۰ تن را در طائف و حویه، بیش از ۲۷۰۰۰ تن را در قصیم، ۴۰۰۰۰ نفر را در تربه و بیش از ۱۰۰۰۰ نفر از قبیله ثمر و اهل حائل را قتل‌عام کردند. وهابیان در سال ۱۲۱۸ ه. ق به مکه مکرمه حمله کردند و تعداد زیادی عالم سنی را،

ص: ۴۳۶

۱- (۱) تاریخ وهابیان، ص ۳۳.

۲- (۲) همان، ص ۷۴.

۳- (۳) ر. ک: عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۱۲۱.

۴- (۴) جزیره العرب فی القرن العشرين، ص ۳۴۱.

بدون کوچک‌ترین گناهی، به قتل رساندند. در یادار صبری می نویسد:

سعود بن عبدالعزیز در سال ۱۲۱۸ ه. ق، هنگام تسلط بر مکه مکرمه، بسیاری از دانشمندان اهل سنت را بی دلیل به شهادت رساند و بسیاری از اعیان و اشراف را بدون هیچ اتهامی به دار آویخت و هرکس را که در اعتقادات مذهبی ثبات قدم نشان می داد، به انواع شکنجه‌ها تهدید کرد.

پروفسور حامد الگار می نویسد:

تأسیس پادشاهی عربستان سعودی نیز حادثه صلح جویانه‌ای نبود. دومین پیروزی دولت وهابی - سعودی بر جزیره العرب، بیش از ۴۰۰/۰۰۰ کشته و زخمی بر جای گذاشت. اخوان در شهرهایی مانند طائف، بریده و هدی، مردم را علناً قتل عام کردند. حاکمان شهرهایی که به وسیله ابن سعود منصوب شده بودند، در جریان تصرف کامل جزیره العرب ۴۰/۰۰۰ نفر را گردن زدند و دست و پای ۳۵۰/۰۰۰ نفر را بریدند. (۱)

جمیل صدقی زهاوی نیز می نویسد:

از زشت‌ترین کارهای وهابی‌ها در سال ۱۲۱۷ ه. ق، قتل عام مردم طائف بود که بر صغیر و کبیر رحم نکردند. طفل شیرخوار را روی سینه مادرش سر بریدند. جمعی را که مشغول فرا گرفتن قرآن بودند، کشتند. حتی گروهی که در مسجد مشغول نماز خواندن بودند، به قتل رساندند و کتاب‌ها که میان آنها تعدادی قرآن و نسخه‌هایی از صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتب حدیث و فقه بود، در کوچه افکندند و پایمال کردند. (۲)

وهابی‌ها پس از قتل عام مردم طائف، طی نامه‌ای، علمای مکه را به آئین خود دعوت کردند. آنان در کعبه گرد آمدند تا به نامه وهابی‌ها پاسخ گویند که ناگهان جمعی از ستم‌دیدگان طائف داخل مسجد الحرام شدند و آنچه بر آنان گذشته بود، بیان کردند.

ص: ۴۳۷

۱- (۱) وهابیگری، حامد الگار، ترجمه احمد نمایی، ص ۳۳.

۲- (۲) الفجر الصادق، ص ۲۲.

مردم سخت به وحشت افتادند؛ گویی قیامت برپا شده باشد. آن گاه علما و مفتیان مذاهب اربعه اهل سنت، به کفر وهابی ها حکم کردند و بر امیر مکه واجب دانستند که به مقابله با آنان بشتابد و افزودند که بر مسلمان ها واجب است در این جهاد شرکت کنند و در صورت کشته شدن، شهید خواهند بود.^(۱)

وهابیان تمام مکان هایی را که مزار صالحان در آنها قرار داشت، خراب می کردند و می گفتند: (إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا) ۲؛ «اینها نام هایی است که شما از پیش خود در آوردید». آنها به علمای مکه دستور دادند که عقاید و کتاب های محمد بن عبدالوهاب را بر مردم تشریح نموده و کتاب «کشف الشبهات» او را تدریس کنند. بر اثر همین اذیت و آزارها سرانجام مردم مکه با کمک شریف غالب، والی مکه و جده، توانستند وهابی ها را از مکه بیرون برانند. ولی دوباره در سال ۱۲۱۹ ه. ق به مکه حمله ور شدند و شهر را محاصره کردند. در این محاصره که ماه ها به طول انجامید، اهالی مکه فشارهای طاقت فرسایی را متحمل شدند؛ به صورتی که در اوایل محاصره، گوشت پرندگان، در اواسط، گوشت حیواناتی چون گربه و سگ و در اواخر، برگ درخت می خوردند. مردم از شدت گرسنگی می مردند و کوچه ها پر از کودکان مرده بود. مردم آن چنان می ترسیدند که حتی صف اول نماز جماعت مسجدالحرام کامل نمی شد. سرانجام اهالی مکه، در سال ۱۲۲۰ ه. ق با وهابیان مصالحه کردند.

۱. قتل عام روستاهای شیعه نشین احساء

بیشترین صدمات را از حمله وهابیان، مناطق شیعه نشین حجاز متحمل شدند. حامد الگار می نویسد:

عكس العمل خاصی نسبت به جمعیت غالب شیعه در احسا نشان داده شد. ابن سعود

ص: ۴۳۸

۱- (۱) سیف الجبر المسلول علی الاعداء، شاه فضل رسول قادری، ص ۲.

خویشاوند خود، عبدالله بن مسلم جلاوی، شاید شاخص ترین قصاب خانواده بعد از خود سلطان را مأمور کرد که آنان را به فرمان درآورد. او با اعدام هزاران نفر و کشتار رهبران دینی و قبایل شیعه، این مأموریت را انجام داد. (۱)

وهابیان در برخی از روستاهای شیعه نشین، تمامی مردان روستا را قتل عام کردند؛ از جمله آنان، پس از ورود به قریه «فصول» در حوالی احساء و عرضه کردن عقاید خود، چون مردم عقاید آنها را نپذیرفتند، سیصد نفر از مردان قریه را کشت و اموال و ثروت آنان را به غارت بردند. (۲)

۲. قتل سادات در حرمین

عبدالعزیز، بعد از مدتی، به تسخیر حرمین روی آورد. ابتدا خزائن مدینه و اموال مردم را غارت کرد. پس از آن به فکر تخریب قبه منوره نجف اشرف افتاد و این امر مهم را به پسرش سعود، موکول کرد. همچنین وهابیان تعدادی از سادات علوی بنی حسن در مکه و بنی حسین در مدینه را کشت و آواره کرد و به حاکمیت هزار ساله آنان بر مکه و مدینه پایان داد. (۳)

زینی دحلان، مفتی اعظم مکه می نویسد:

ص: ۴۳۹

۱- (۱) وهابیگری، دکتر حامد الگار، ترجمه احمد نمایی، صص ۴۱ و ۴۲.

۲- (۲) تاریخ المملكة العربیه السعودیه، ج ۱، ص ۵۱.

۳- (۳) درباره مخالفت سادات حجاز و سادات نجران با مذهب وهابیت، خود وهابیان نیز اعترافات صریحی دارند؛ از جمله در کتاب «الشیخ محمد بن عبدالوهاب عقیده السلفیه ودعوه الاصلاحیه...»، ص ۱۰۴، نوشته احمد بن حجر آل بوطامی آمده است: «محمد بن سعود پیشوایی بود برای مریدانش... محمد بن عبد الوهاب پرچم پیشوایی و یکی کردن قبائل را به او سپرد... برای انتشار دادن وهابیت، و امیران مناطق جزیره العرب با او مبارزه کردند. همچنین اشراف حجاز و بنی خالد در احساء و آل معمر در عیینه و آل سعدون در عراق و امام متوکل در صنعاء و سادات در منطقه نجران با او اعلام جنگ کردند؛ ر. ک: «وهابیت / افسانه یا واقعیت؟»، پایگاه تحقیقاتی السنه. نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.sonn.blo.com/post/60>

com/post/60

فتنه وهابیت، فاجعه ای بود که ملت اسلامی گرفتار آن گردید. خون بسیاری از مسلمانان را ریختند و اموال آنان را غارت کردند، و هم اکنون خسارت جبران ناپذیر و شرّ پراکنده آنان، همه جا را فرا گرفته است. (۱)

وهابی ها با این افکار خشن، باعث ایجاد اختلاف و تشّت و درگیری میان مسلمین شدند و استعمار را خشنود کردند تا جایی که لرد کورزون، در توصیف فرقه وهابیت، می گوید: «این عالی ترین و پربهاترین دینی است که برای مردم به ارمغان آورده شده است!» (۲)

۳. قتل عام و تاراج کربلا و شهرهای شیعه نشین عراق

سعود دو بار به قصد تخریب قبر مبارک علی علیه السلام به نجف تاخت. ولی به دلیل استحکام قلعه و اجتماع عرب خزاعی شیعه، نتوانست کاری کند. سپس سعود از طرف عبدالعزیز مأمور تاراج کربلای معلی شد. در سالروز عید غدیر، در هیجدهم ذی حجه سال ۱۲۱۶ ه. ق، امیر، سعود بن عبدالعزیز وهابی، با سپاهی متشکل از بیست هزار مرد جنگی به شهر کربلا حمله ور شد. کربلا، در این ایام، در نهایت شهرت و عظمت بود. سعود کشتار زیادی کرد که برخی عدد کشته شدگان را ۱۵۰/۰۰۰ تن نوشته اند و می گویند در کوچه های کربلا جوی خون به راه افتاد و وهابیان اسم این کار را «جهاد فی سبیل الله» و مبارزه برای نشر توحید می گذارند! سپس حرم مطهر امام حسین علیه السلام را ویران نموده و ضریح مبارک آن حضرت را از جای خود کردند و... ضریح حبیب بن مظاهر را سوزاندند و تمام ذخائر و نفائس حرم حسینی را چپاول کردند. سپس اسبانشان را در صحن حرم مطهر بستند و در حرم شریف قهوه دم کردند. آنها آن چنان فساد کردند که به قول بزرگان، فاجعه کربلا، حادثه حره و کردارهای زشت بنی امیه و

ص: ۴۴۰

۱- (۱) فتنه الوهابیه، زینی دحلان، ص ۱۹.

۲- (۲) المخططات الاستعماریه لمکافحه الاسلام، ص ۷۸.

متوکل عباسی تکرار شد. کربلا پس از این حادثه به وضعی درآمد که شعرا برای آن مرثیه می گفتند. (۱) همچنین تعداد قابل توجهی از علمای مقیم کربلا، از جمله آخوند ملا عبدالصمد همدانی، مؤلف کتاب «بحرالمعارف» به شهادت رسید. (۲)

وهابی ها بیش از دوازده سال، گاه و بی گاه به شهرهای کربلا و نجف و... حمله و غارت و کشتار می کردند. یکی از این حملات در ایام محرم بود و تعداد زیادی زائر، حتی از ایران، به کربلا آمده بود که پنج هزار نفرشان در قتل عام وهابیان کشته شدند. بسیاری از مزارات و حرم مطهر تخریب شد و غنایم بی شماری به چنگ وهابیان افتاد. دولت ایران از این بابت سخت عصبانی شد و اعلان عزای عمومی کرد. مجدداً در سال ۱۲۲۰ یا ۱۲۲۱ ه. ق، وهابیون، به سرکردگی سعود، به نجف اشرف حمله کردند، ولی چون شهر دارای برج و بارو و همچنین خندقی پیرامون شهر بود، به علاوه صدها نفر از مردم و طلاب، تحت رهبری مرحوم شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء) که از شهر دفاع می کردند، قوای مهاجم کاری از پیش نبردند. لشکر وهابی ها پانزده هزار نفر بود و در یکی از روزها برخی شان از دیوار شهر بالا آمدند و نزدیک بود شهر را اشغال کنند. ولی با دفاع مردانه مدافعان مسلح مواجه شده و عقب نشستند. چون مدافعان از درون شهر و برج و باروها، وهابی ها را زیر آتش داشتند، توانستند هفتصد تن از آنان را به هلاکت برسانند. سرانجام سعود با بقیه نفراتش، ناامید از نجف اشرف بازگشت. همچنین در جمادی الثانیه سال ۱۲۲۲ ه. ق، وهابیان با بیست هزار عرب بدوی جنگجو، شبانه به نجف حمله کردند. ولی با مقاومت مردم روبه رو شدند. سپس به شهر حله و کربلا حمله کردند. اهالی کربلا پشت دروازه شهر مقاومت کردند و کشته ها دادند. از دشمن نیز چندین نفر کشته شد. سرانجام وهابیان بازگشتند و در عراق فساد و تباهی راه انداختند. (۳)

ص: ۴۴۱

۱- (۱) حوادث الایام، ص ۲۹۶.

۲- (۲) زنبیل، فرهاد میرزا، صص ۳۴۸-۳۵۰.

۳- (۳) ر. ک: «تاریخ المملکه العربیه السعودیه»، «عنوان المجد فی تاریخ نجد» و «تاریخ العربیه السعودیه» نوشته «ناسی لیف»؛ «مفتاح الکرامه»، نوشته سید جواد عاملی. العثمانيون و آل سعود فی الارشیف العثماني؛ زکریا قورشون.

۱. قتل عام کربلا توسط داوود پاشا در سال ۱۲۴۱ ه. ق

شیخ احمد احسائی، بنیانگذار مکتب شیخیه، پس از مخالفت های علمای بزرگ شیعه در ایران، از جمله محمدتقی برغانی (شهید ثالث)، اصفهان را به قصد عتبات عالیات ترک کرد و در کربلای معلی اقامت گزید. علمای شیعه در کربلا که با عقاید شیخ آشنا شده بودند، روی خوشی به او نشان ندادند. متأسفانه با ادامه حضورش و نقل حکایتی در کتاب «شرح الزیاره» اش (۱) به دست مخالفان بهانه داد. (۲) مؤلف «هدایه الطالبین» در این باره می نویسد:

[عده ای] کتاب شیخ [را] که در آن ذم خلفاء بود، برداشته و نزد «پاشای بغداد» ناجی کافر متعصب بردند و گفتند: «بین که شیخ احمد مذمت خلفاء را کرده و قدح در ابی بکر و عمر و عثمان می کند». (۳)

حاکم عثمانی در آن زمان «داوود پاشا» بود؛ مردی که به گفته «سید نعمان آلوسی زاده بغدادی»، در کشتن، مجازات و مصادره کردن متمولین بیمی نداشت و در دینش با اعتقاد و متعصب بود. (۴) از سوی دیگر با شیعیان خصومت زیادی داشت و پیوسته معترض موقعیت ایران در مناطق مختلف می شد. (۵) و دولت مرکزی ایران هم درباره حکمرانی او در عراق عرب، بارها به دربار عثمانی اعتراض کرده بود. (۶) داوود پاشا به دنبال شعله ور

ص: ۴۴۲

۱- (۱) شرح الزیاره، ج ۲، ص ۲۱۶. مرحوم میرزا محمدباقر خوانساری، در «روضات الجنات»، ضمن شرح حال شیخ، به جای جزء دوم شرح الزیاره تصریح می کند که شیخ احمد حکایت مذکور را در جزء چهارم شرح الزیاره آورده است: «و لم یکفهم ذلك حتی أنهم أخذوا الجزء الرابع من شرح الزیاره»، ج ۱، ص ۹۳.

۲- (۲) ر. ک: معالم الزلفی، ص ۳۲۶.

۳- (۳) هدایه الطالبین، ص ۱۲۲.

۴- (۴) دائرة المعارف بستانی، ج ۷، ص ۵۷۷.

۵- (۵) بهائیان، همان.

۶- (۶) روضه الصفا، ج ۹، ص ۵۸۲؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، حوادث سال های ۱۲۳۵-۱۲۳۷ ه. ق.

کردن اختلافات شیعه و سنی بود تا راحت تر بتواند در امور مذهبی عتبات عالیات مداخله کند؛ چراکه از این طریق می توانست تسلط خود را که مایه تقویت نفوذ سیاست عثمانی در قبال ایران نیز بود، بیشتر کند. البته علمای امامیه از چنین توطئه هایی مطلع بوده، می کوشیدند برای مداخله نظامی، بهانه به دست عثمانی ها ندهند. اما شیخ احمد احسائی به یک باره موقعیت حساس عتبات را نادیده گرفت و به دست عثمانی ها بهانه داد. (۱) این در حالی بود که پاشای عثمانی، به راحتی می توانست شخص شیخ احمد را دستگیر و مجازات کند. بلکه برعکس، وی دستگیر هم نشد (۲) و بعد از آن وقایع، به قصد زیارت حرمین شریفین، از کربلا خارج شد و در آنجا درگذشت. (۳)

بر اثر تحریکات یاد شده، داوود پاشا، میر آخور خود را که از مسیحیان گرجستان و شخصی بی رحم بود، (۴) مأمور ساخت تا کربلا را محاصره و اشغال کرده، شیعیان و مراکز دینی آنان را سرکوب کند. میر آخور یا به تعبیر عثمانی ها «مناخور» از ۱۳ شوال ۱۲۴۱ ه. ق شروع به قتل و غارت و نابودی مزارع مردم کرد و تا آنجا که در توانش بود،

ص: ۴۴۳

۱- (۱) اغلب علمای امامیه در آن عصر، کتب متعددی در باب عقاید شیعه، به ویژه مسئله ولایت، نوشته بودند، ولی چنین واکنش شدیدی نشان داده نشد. به طور مسلم دو علت اساسی در واکنش تند عثمانی ها به مندرجات کتاب شرح الزیاره وجود داشت: صراحت شیخ احمد در ذم خلفای سه گانه از یک طرف، و نشر عقاید خاص شیخیه در ایران و عراق از طرف دیگر، زمینه نامساعد تشنت مذهبی شیعی را به وجود آورد. چنین موقعیتی برای مأموران متعصب عثمانی، فرصت مناسبی به شمار می آمد؛ هدایه الطالبین، ص ۱۲۲؛ دائره المعارف بستانی، ج ۷، ص ۵۷۷؛ روضه الصفا، ج ۹، ص ۵۸۲؛ ناسخ التواریخ، ج ۱، حوادث سال های ۱۲۳۵-۱۲۳۷ ه. ق.

۲- (۲) هدایه الطالبین، ص ۱۳۰.

۳- (۳) محمد کریم خان کرمانی می نویسد: [بعد از آن واقعه، شیخ احمد احسائی] به مقتضای (فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ) [ذاریات: ۵۰] فرار را بر قرار اختیار کردند و رو به مکه معظمه رفتند! فاجعه کربلا که از کتاب شیخ شروع شده بود، او را به انزوا و ترک بلد واداشت؛ نه قرار و ابراز همدردی با مصیبت زدگان. آن هم فرار به سوی سرزمین حجاز، به خاطر دور شدن از کانون های شیعی و مصون ماندن از اعتراضات. وی در روز یکشنبه ۲۱ ذی قعدة سال ۱۲۴۱ هجری، نزدیک مدینه، از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد. رساله شیخ عبدالله، ص ۴۰؛ به نقل از: بهائیان، سید محمدباقر نجفی.

۴- (۴) در منابع از او به «مناخور» یاد شده که مخفف «امیر آخور» (مأمور اصطلب) است. وی متولد ۱۱۹۰ و مدت ها مهتر و مناخور سعید پاشا بود که پس از کشته شدن او، به داوود پاشا وابسته شد. بهائیان، ص ۱۰۱.

به تخریب پرداخت؛ چنان که مردم از شدت قحطی و برای زنده ماندن، تخم پنبه می خوردند.^(۱) محمد کریم خان کرمانی در شرح این واقعه می نویسد:

مناخور یازده ماه کربلا را محاصره کرد و قحط شدید افتاد و آنچه نقل کردند، دوازده هزار گلوله از شبکه قبه مطهره، داخل قبه و حرم شد و آنجا به آدمی خورد و بسیاری خانه های کربلا خراب شد. و جمع کثیری کشته شدند. بین که فتنه چه می کند؟! و خون و مال و عیال چقدر مسلمین را ضایع کرد.^(۲)

۲. قتل عام کربلا توسط نجیب پاشا در سال ۱۲۵۸ ه. ق

شیخیه، در زمان ریاست سید کاظم رشتی، توانسته بود راه کاهش نفوذ و قدرت محافل شیعی را در عتبات هموار و زمینه را برای مداخله مأموران عثمانی فراهم کند. شیعیان کربلا، با پشتیبانی علما مخالفت هایی را آغاز کرده بودند که بزرگ ترین مانع یکپارچگی این مخالفت ها، پیروان سید کاظم رشتی به شمار می آمدند؛ زیرا آنها تمام هم خود را صرف کوبیدن علمای بزرگ شیعه در کربلا کرده بودند. از این رو محمد نجیب پاشا، در روز ۱۸ ذی القعدة ۱۲۵۸ ه. ق، با قشونی مجهز، کربلا را محاصره کرد^(۳) و حدود سی هزار توپ به شهر شلیک کرد و ویرانی فراوان به بار آورد.^(۴) در این حملات، چهارهزار زن و مرد شیعه کشته شدند! عده ای از مردم به حرم مطهر حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام پناهنده شدند. ولی به اعتراف حاج محمد کریم خان: «کسانی که در روضه مقدسه حضرت عباس علیه السلام بودند، از قتل ایمن نبودند؛

ص: ۴۴۴

۱- (۱) ر. ک: مدینه الحسین یا مختصر تاریخ کربلاء.

۲- (۲) هدایه الطالبین، ص ۱۳۰.

۳- (۳) مرحوم میرزا محمد تنکابنی، در صفحه ۵۶ کتاب «قصص العلماء»، تأیید می کند که حمله نجیب پاشا با مشاجرات سید کاظم و علما مرتبط بوده است.

۴- (۴) هدایه الطالبین، ص ۱۵۲.

عثمانی ها مردمی را که در رواق و حرم بودند، کشتند. حتی کسانی را که به اندرون ضریح پناه برده بودند، در همان اندرون ضریح گلوله زدند و کشتند. پاشا خود از قرار مذکور با اسب داخل رواق مطهر سیدالشهدا شده بود. خلاصه احدی در آن نایره ایمن نشد»^(۱). در چنین موقعیتی که حتی حرم های مطهر محل امنی نبود و همه پناهندگان در چنین اماکن مقدسی، کشته شدند و در خون خود غلطیدند، خانه سید کاظم رشتی، از طرف عثمانی امن اعلام شد! عده ای از مردم و مریدان وی، به خانه ایشان پناهنده شده بودند^(۲)! برخی مؤلفان شیخیه، نظیر کرمانی، از کشته شدن هزاران شیعه اظهار خرسندی می کنند^(۳). البته سرانجام، سید کاظم رشتی نیز به دست نجیب پاشا به قتل رسید.

گفتنی است سید احمد، فرزند سید کاظم رشتی، جزو چهار نفری بود که در دربار عثمانی کرسی ثابت داشت^(۴). در آن تاریخ، دو سیاست در عراق حکمفرما بود: اول سیاست دینی عثمانی که خود را مالک و متصرف حقیقی عراق می دانست و دوم سیاست خارجی ضد عثمانی که سعی داشت عراق را از پیکر امپراطوری عثمانی انتزاع نماید^(۵). بعدها چون دست سیاست می خواست عراق عرب را از امپراطوری عثمانی جدا کند، تحت عنوان مذهب، سید احمد را پس از مرگ پدر با طپانچه کشتند^(۶). همچنین در خور توجه است که علیرضا پاشا، والی بغداد که اهل محمره و خوزستان را در تجاوز به ایران با بهانه تشیع قتل عام کرده بود، قصیده های عبدالباقی عمری را به سید کاظم

ص: ۴۴۵

۱- (۱) هدایه الطالبین، ص ۱۵۲.

۲- (۲) فهرست، ص ۱۰۱؛ هدایه الطالبین، ص ۱۳۰. همان، ص ۱۲۸؛ بهائیان، ص ۱۰۲.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) همان، ص ۱۳۸.

۵- (۵) مقدمه مرحوم خالصی بر گزارش کنیاز دالگورکی، ص ۹.

۶- (۶) شیخی گری و بابی گری، ص ۲۳۸.

رشتی داد و سید کاظم شرح مفصلی به نام «شرح قصیده» بر او نگاشت و از این طرق روابط حسنه خود را با بغداد حفظ می کرد. (۱).

گفتار پنجم: فجایع محمد امین خان ازبک علیه مسلمانان شیعه در خراسان

در ۱۲۶۲ ه. ق، اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و صدارت میرزا تقی خان امیر نظام، ابتدا لشکریان ایران گرفتار غائله خراسان و فتنه سالار شدند. محمدحسن خان سالار، با ترکمن های متجاوز به مرزهای شمال شرقی ایران، مناسبات خوبی داشت و همواره سه هزار ترکمن در خدمت او بودند که در ازای خدماتشان حق داشتند از مردم خراسان اسیر بگیرند! (۲).

در هنگام فتنه سالار، فرصتی به دست امیر خوارزم محمدامین خان ازبک، معروف به خان خیوه (خوارزم) افتاد و با لشکر بسیار به مرو و خراسان حمله کرد و بعد از قتل و غارت و خرابی فراوان، جمع کثیری را به اسارت برد (۳). پس از پایان فتنه سالار و کشته شدن وی و نیز حمله روسیه به ترکستان در ۱۲۶۵ ه. ق، محمدامین خان به ناچار به دولت ایران اظهار دوستی نمود و نماینده ای از جانب خود با هدایایی به تهران فرستاد. (۴) ایران پیشنهادهای سفیر خان خیوه را درباره مرزبندی، مشروط بر حمایت نکردن وی از ترکمن ها و آزادشدن کلیه اسرای ایرانی در دست آنها، پذیرفت. قراردادی نیز در ۲۳ جمادی الاولی ۱۲۶۷ ه. ق میان آنان منعقد شد. (۵) با این حال، خان خیوه در خراسان به تاخت و تاز پرداخت و از مردم مرو، سرخس و ترکمن های آن مناطق، طلب زکات (۶) کرد.

بدین سبب در زمان صدارت امیرکبیر، رضاقلی خان هدایت در جمادی الاولی

ص: ۴۴۶

-
- ۱- (۱) بهائیان، سید محمد باقر نجفی، ص ۱۱۰.
 - ۲- (۲) سفارت نامه خوارزم، رضاقلی هدایت، ج ۱۰، ص ۳۹۴؛ ر. ک: امیر کبیر و ایران، فریدون آدمیت، ص ۶۰۲.
 - ۳- (۳) تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، علی اکبر بینا، ج ۲، ص ۲۳۲.
 - ۴- (۴) سفارت نامه خوارزم، ج ۱۰، ص ۴۷۱؛ تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها، گلی، ص ۱۳۰.
 - ۵- (۵) همان، صص ۱۳۰ و ۱۳۱.
 - ۶- (۶) نوعی مالیات یا باج.

۱۲۶۷ ه. ق به عنوان سفیر به خیوه رفت. هدایت، موظف بود تا اطلاعات کاملی از راه ها، اوضاع اقتصادی، نظامی و زندگی اسیران ایرانی در خیوه به دست آورد. وی همچنین مأموریت داشت تا خان خیوه را به آزاد کردن اسیران ایرانی وادار کند. (۱)

همزمان با سفر رضاقلی خان هدایت و دیدار با خان خیوه، سپاهیان خیوه در خراسان مشغول تاخت و تاز بودند و در عین حال، خان خیوه به شاه ایران اظهار دوستی و انقیاد می نمود. سرانجام، تلاش هدایت برای آزاد کردن اسیران ایرانی در خیوه بی نتیجه ماند. (۲)

از نکات اندوهبار وقایع آن سال ها این است که وقتی مرحوم هدایت به ملاقات خان خیوه رسید، ضمن بیانات خود، گفت:

عجب است که اهالی ایران به هر یک از ممالک خارج از روم و روس و هند و فرنگ روند با عزت بمانند و با عافیت باز آیند، الا در حدود بلاد شما که بستگان شما به قتل و نهب و غارت و اسارت اهل اسلام و فروش آنها مانند بردگان کفار ساعی و اقسام خواری ها به آنها بنمایند. حال آن که همگی مسلمان و اهل یک قبله و یک کتاب (قرآن مجید) و یک پیغمبر و معتقد به یک خدا هستند؛ چرا چنین رفتار می کنند (۳)؟!؟

خان خیوه در جواب به فتاوی مفتیان اشاره کرد و گفت:

از حیث سیاست، ما تقصیری نداریم. ولی از حیث مذهب، علما و مفتیان و قضات بخارا و خوارزم فتوا می دهند و می گویند: «شیعیان چون رافضی و کافر و اهل بدعت اند، سزای آنها همین است. پس قتل آنها و اخذ اموال و نهب و اسیر کفار، لازم و واجب است (۴).

مشغول بودن ازبکان به حملات مداوم به شهرهای خراسان و قتل عام شیعیان، در دوران صفویه تا قاجار، موجب شد آنها از روس های توسعه طلب غافل بمانند. روس ها

ص: ۴۴۷

-
- ۱- (۱) امیر کبیر و ایران، ص ۶۰۴؛ سفارت نامه خوارزم، ج ۱۰، صص ۶ و ۷.
 - ۲- (۲) ر. ک: سفارت نامه خوارزم، ج ۱۰، صص ۴۷۵ و ۴۷۶.
 - ۳- (۳) شرح این قضایا مفصلاً در تاریخ روضه الصفاى ناصرى و سفارتنامه خوارزم، چاپ طهران، تألیف مرحوم رضاقلی خان هدایت آمده است. منبع: شب های پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی، صص ۲۰۰ و ۲۰۱.
 - ۴- (۴) همان.

از زمان ایوان مخوف، با تصرف تدریجی قازان و آستارا خان، پسرعموهای ازبکان، یعنی اردوی زرین و سفید را یکی پس از دیگری درهم کوبیدند و خود را به آسیای میانه رساندند و شهرهای تاریخی مسلمان نشین آن منطقه که زمانی در اوج تمدن اسلامی ایران بودند، از بخارا و سمرقند گرفته تا خیوه و ماوراءالنهر را مورد حمله قرار دادند و طی قرن ها این مناطق را تحت سلطه ظالمانه خود گرفتند. این درحالی بود که از علمای سنی ازبک، هیچ گاه فتاوی غلاظ و شدادی که علیه شیعیان دیده می شد، علیه روس های متجاوز دیده نشد.

گفتار ششم: فاجعه عاشورای ۱۲۶۷ ه. ق قندهار

سلطان الواعظین در کتاب شب های پیشاور درباره این فاجعه و وقایع قبل از آن می نویسد:

اگر بخواهیم فقط شرح عملیات افغانه اهل تسنن را در زمان های گذشته، مخصوصاً در دوره زمامداری و ریاست امیر دوست محمد خان و کهندل خان و شاه شجاع الملک و عبدالمؤمن خان و امیر حبیب الله خان را با جماعت شیعیان در کابل و قندهار و هرات و اطراف آنها و کشتارهایی که از خواص و عوام، حتی اطفال بی گناه آنها نمودند، ذکر نماییم، خجالت آور است.... ارباب تواریخ، تمام این وقایع را ثبت نموده و برای قضاوت، به دست نژاد آتیه داده اند که از جمله آن وقایع دلسوز، واقعه سال ۱۲۶۷ ه. ق است که در روز جمعه عاشورای آن سال، شیعیان قندهار در امام باره ها (حسینیه ها) جمع و سرگرم عزاداری برای عترت طاهره و ذراری پاک پیغمبر و سبط اعظم رسول الله صلی الله علیه و آله بودند. سنی های متعصب، بی خبر با انواع اسلحه ریختند در امام باره (حسینیه) و جمع کثیری از شیعیان بی دفاع، حتی اطفال آنها را به فجیع ترین وضعی به قتل رسانیدند و اموالشان را به تاراج بردند. بعد از آن قتل عام، سال ها شیعیان آزادی عمل نداشتند و حتی در روزهای عاشورا دو سه نفری در سرداب های خانه برای ریحانه رسول الله صلی الله علیه و آله و مقتولین و مظلومین کربلا عزاداری می نمودند. (۱)

ص: ۴۴۸

۱- (۱) شبهای پیشاور، دوره سه جلدی (مجمع جهانی شیعه شناسی)، ج ۱، ص ۴۱۶.

فصل چهاردهم: گسترار جمعی مسلمانان شیعه در دوره معاصر

اشاره

ص: ۴۴۹

اشاره

قبل از حمله روس های تزاری به قفقاز، منطقه اران که اکنون به نام جمهوری آذربایجان خوانده می شود، به علاوه بخش های بزرگی از ارمنستان و گرجستان امروزی، در محدوده مرزهای ایران قرار داشت و بیشتر شیعه بودند.^(۱) ولی روس ها با تجاوز به این منطقه و طی جنگ هایی که سیزده سال طول کشید، با نقشه و خیانت انگلیسی ها موفق شدند این منطقه بزرگ را از خاک اصلی ایران جدا کنند و از آن به بعد، فجایع زیادی را علیه مسلمانان شیعه این سرزمین مرتکب شدند. همچنین با تحمیل قرارداد ننگین ترکمانچای، روس ها حتی فرصت دخالت بیشتری در شهرهای شمال غربی ایران، نظیر تبریز را به دست آوردند و از هر بهانه ای برای فشار و قتل عام مردم استفاده کردند که به چند مورد آن اشاره می شود:

ص: ۴۵۱

۱- (۱) علمای بزرگی از شیعه از آن نقطه برخاستند، نظیر علمایی که اسامی بادکوبه ای، ایروانی، نخجوانی و لنکرانی دارند؛ مانند حاج سید حسین بادکوبه ای (۱۲۹۳-۱۳۵۸ ه. - ق)، سید محمد بادکوبه ای، ملا محمد بن محمد باقر فاضل ایروانی و میرزا علی ایروانی. همچنین عالمان شیعه این منطقه خصوصاً در دوره تزار و کمونیست ها در مقابل الحاد و دیکتاتوری ایستادند؛ ر. ک: دو قرن مقاومت عالمان دینی قفقاز در برابر کفر و الحاد و دیکتاتوری، عادل مولایی، فصل نامه تاریخ در آینه پژوهش، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ۱۰۱-۱۲۱، نشانی در فضای مجازی: T ع rikh d yene-ye P

huhesh, Vol.۹, No.۱, Spring Summer ۲۰۱۲

یکی از شنیع ترین اقدامات روس ها در تبریز قتل عام تعدادی از علما و مردم عادی شیعه در روز عاشورا بود. در سال ۱۳۳۰ ه. ق، قزاق های روسیه تزاری که به پشتیبانی حکومت استبدادی محمدعلی شاه قاجار، تبریز را به اشغال نظامی خود درآورده بودند، با قیام مردمی این شهر به رهبری ثقه الاسلام تبریزی مواجه شده و پس از درگیری سنگین، مفتضحانه شهر را ترک نموده و تن به صلح دادند. اما مرتکب خیانت شده و یک روز پس از امضای صلح نامه و خلع سلاح مجاهدین، توپخانه هایشان، آتش بار سنگینی را بر شهر تبریز آغاز کرده و زمینه ورود پیاده نظام را فراهم نمودند. شهر، به اشغال قزاق ها درآمد و از سوی اشغالگران، کشتار بی رحمانه ای در خیابان ها و کوچه ها به راه افتاد. مردم به ناچار شهر را ترک گفته و به اطراف پناهنده شدند. اما مجاهدین، سنگر خویش را ترک نکرده و از شهر خارج نشدند. بسیاری از آنان که در شهر مانده بودند، دستگیر و برخی به دار آویخته شدند. از جمله شهید ثقه الاسلام تبریزی، پس از تحمل شکنجه های فراوان، در عصر عاشورای ۱۳۳۰ ه. ق برابر با ۱۰ دی ۱۲۹۰ ه. ش، همراه تعدادی از یارانش، به چوبه دار اشغالگران آویخته شد و روحش به لقاءالله پیوست. (۱)

ب) فاجعه حمله به حرم امام رضا علیه السلام و کشتار زائران در محرم ۱۳۳۰ ه. ق

روس ها همچنین در حمله و تجاوز به شمال خراسان نیز فجایع زیادی علیه شیعیان مرتکب شدند. آنها بارها به شهر مقدس مشهد حمله کردند و مرقد مطهر حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام را به توپ بستند و تعداد زیادی از زائران مجاوران حرم را قتل عام کردند. مرحوم محمدتقی مدرس رضوی، در کتاب «سال شمار وقایع مشهد»، شرح آن رخداد را چنین گزارش می دهد:

ص: ۴۵۲

در اوایل محرم ۱۳۳۰ ه. ق، قشون روس که موجب اصلی حوادث خونبار مشهد بین مشروطه خواهان و هواداران محمدعلی شاه بودند، از یک طرف، شورشیان را به اقامت در مسجد و صحن و حفظ سنگرهای خود تشویق می کردند و از طرف دیگر اهل شهر را آگاه می کردند که اگر شورشیان از محل خود خارج و تسلیم نشوند، ابنیه آستانه و مسجد را توپ خواهیم زد. تا اینکه دو ساعت به غروب شبه دهم محرم، از طرف بالاخیابان و پایین خیابان و بانک شاهنشاهی و گل خطمی به طرف آستان قدس، توپ های شریپلی، بنای آتش فشانی گذاردند و از طرف مسجedian دفاع می شد. ولی معلوم است یک عده افراد معمولی با قشون منظم و توپخانه چه می تواند بکنند. بالجمله تا نیم ساعت از شب، توپ شریپلی و مسلسل از بام به صحن داخل شدند و مسجد را تصرف و با مسلسل میان حرم شلیک کردند. عده زیادی که در حرم و رواق ها پناه برده بودند، مقتول شدند. منتخب التواریخ تقریباً به این مضمون می نویسد. در این وقت مرتضی قلی خان متولی باشی در حرم بود. چون وضع را این طور دید، دستمال سفیدی از یکی از درهای حرم بیرون کرد و سایر مردمان نیز صدای امان بلند کردند و امان خواستند. لذا شلیک موقوف شد. پس از آن روس ها داخل رواق ها و حرم مطهر گردیدند و مردم را خارج و در گوشه صحن، پس از تفتیش، توقیف کردند. اسرا تا صبح در صحن محبوس بودند. بعد از آفتاب به آنها امر شد که مقتولین حرم و رواق را بردارند و در گوشه صحن، طرف مدرسه عالی فاضلیه جعفری، جمع کنند. پس از اتمام، عده ای از اسرا را مرخص کردند. مقتولین را اجازه دفن ندادند. هیچ کس را اجازه ورود به صحنین نبود. سپس درب تمام عمارات آستانه را از قبیل کشیکخانه و تحویلخانه و کتابخانه و سایر عمارات و حجرات را با بیل و کلنگ شکستند و داخل شدند. روز دوازدهم به اولیای مقتولین اجازه دفن کشتگان خود را دادند. مؤلف «انقلاب طوس» می نویسد: «عدد مقتولین آن روز گویا چهارصد

و پانزده نفر بوده، غیر از مجروحین که بعدها فوت کردند یا اشخاصی که خود را از ترس به چاه انداختند»^(۱).

۲. نسل کشی در ایران با ایجاد شرایط قحطی توسط انگلیسی ها در جنگ جهانی اول

اشاره

در برهه ۱۹۱۷-۱۹۱۹ م انگلیسی ها ایران را اشغال کردند و درست در همین زمان بود که ایران به بزرگ ترین فاجعه تاریخ خود، یعنی قحطی ۱۹۱۷-۱۹۱۹ م دچار شد. بنابراین، ایران هنگامی بزرگ ترین فاجعه را تحمل می کرد که در اشغال نظامی انگلیس بود. انگلیسی ها با خرید گسترده غله و مواد غذایی در ایران، ممانعت از ورود غله از هند و بین النهرین، ممانعت از ورود غله از ایالات متحده و اتخاذ سیاست های مالی، از جمله نپرداختن پول نفت ایران، قحطی را شدت بخشیدند. در نتیجه با سیاست های انگلیسی ها نزدیک به نصف جمعیت ایران از بین رفتند. این اقدام را می توان با اطمینان، مصداق عینی جنایت علیه بشریت تلقی کرد. در گزارش های دیپلماتیک آمریکایی ها آمده، شمار جمعیت ایران در سال ۱۹۱۴ م، ۲۰ میلیون نفر بوده است.^(۲) با یک روند طبیعی، این شمار باید در ۱۹۱۹ م دست کم به ۲۱ میلیون می رسید، اما شمار واقعی در ۱۹۱۹ م، ۱۱ میلیون نفر بود که نشان می دهد دست کم ۱۰ میلیون نفر بر اثر قحطی و بیماری از بین رفته اند. در مجموع، تا ۱۹۵۶ م شمار جمعیت ایران به ۲۰ میلیون نفر، یعنی میزان جمعیت ایران در ۱۹۱۴ م، نرسید. این آمار نشان می دهد تلفات وارده به ایران

ص: ۴۵۴

- ۱- (۱) سال شمار وقایع مشهد، محمدتقی مدرس رضوی، ص ۲۲۶؛ ر. ک: شبکه امام رضا علیه السلام، گزارش به توپ بستن حرم مطهر امام رضا علیه السلام، نشانی در فضای مجازی: <http://www.imreznet/per/imrez.php?id=101>
- ۲- (۲) برخلاف ادعای انگلیسی ها در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که جمعیت ایران را در سال ۱۹۱۴ بالغ بر ۱۰/۸۹ میلیون نفر آورده اند، جمعیت ایران در آن سال ۲۰ میلیون نفر بود و در ۱۹۱۹ به ۱۱ میلیون سقوط کرد. افزودن دو رقم اعشار به عدد ۱۰ میلیون توسط آنها نیز برای القای حس دقت علمی است. بنابراین قحطی و بیماری های ناشی از آن، دست کم ۴۰ درصد جمعیت ایران، یعنی حداقل ۱۰ میلیون نفر را تلف کرده است؛ همان.

بسیار فراتر از تلفات ارمنه در ترکیه و حتی بسیار فراتر از ادعای ثابت نشده نسل کشی یهودیان به دست نازی هاست. (۱)

اقدامات انگلیس در تحمیل فاجعه کاملاً آشکار است. در نیمه دوم سال ۱۹۱۶ م، بر اثر جنگی که در خاک ایران، ابتدا بین ایرانیان و روس ها و سپس میان روس ها و ترک های عثمانی در گرفته بود، مردم ایران با کمبود مواد غذایی و گرانی روبه رو شدند. کمبود مواد غذایی در پاییز ۱۹۱۷ م به قحطی انجامید. در بهار ۱۹۱۷ م، ترک های عثمانی خاک ایران را ترک کردند و به دنبال انقلاب روسیه، نیروهای روسیه نیز در پایان پاییز ۱۹۱۷ م از ایران رفتند. از آن پس تنها انگلیسی ها در ایران باقی ماندند. بنابراین ایران زمانی به بزرگ ترین فاجعه تاریخ خود دچار آمد که تمام خاک ایران و کشورهای همجوارش در شرق و غرب، علاوه بر خلیج فارس، در اشغال نظامی انگلستان بود. ولی از همان آغاز، انگلستان دست به تبلیغات ماهرانه ای زد تا مسئولیت و تقصیر فاجعه قحطی ساختگی ایران را متوجه روس ها و عثمانی ها کند. با اطمینان می توان گفت: قحطی ۱۹۱۷-۱۹۱۹ م بزرگ ترین فاجعه تاریخ ایران و بدترین قتل عام قرن بیستم

ص: ۴۵۵

۱- (۱) این یافته ها نگاهی کاملاً متفاوت درباره تاریخ معاصر ایران در جنگ اول جهانی به دست می دهد. منابع پژوهش عبارت اند از گزارش های دیپلمات های آمریکایی از تهران و تبریز، گزارش های میسیونرهای آمریکایی از شهرهای مختلف ایران، مطبوعات و شهادت شاهدان عینی همان عصر درباره گستره رنج و گرسنگی مردم. «جان لارنس کالدول»، درباره وضع قحطی در ایران نوشته است، گزارش های مطبوعات آن دوران از ابعاد رنج و گرسنگی ناشی از قحطی، خاطرات یک شاهد عینی و نیز گزارش های میسیونرهای مذهبی آمریکایی در ایران، گنجینه سرشار و ارزشمندی از منابع، مآخذ و اسناد را در این باره تشکیل می دهد. همچنین خاطرات افسرانی چون سرلشکر «ال. سی. دنسترویل»، فرمانده دنستر فورس در ایران در سال ۱۹۱۸ م، سرلشکر «دبلیو. ئی. آر. دیکسون» سربازرس پلیس شرق ایران در سال های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ م و سرگرد «ام. اچ. داناهاو»، افسر شناخته شده اطلاعات نظامی انگلستان و نماینده سیاسی آن دولت در غرب ایران در سال های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ م نیز از منابع گرانسنگ در این زمینه است. گزارش های این شاهدان عینی بلافاصله پس از جنگ نوشته شده و نه تنها برای مشخص کردن ابعاد این نسل کشی، بلکه برای روشن کردن سیاست های انگلیس در ایران بسیار ارزشمند و آگاهی بخش است؛ همان.

محسوب می شود و تلفات آن بسیار فراتر از تهاجم مغول در قرن سیزدهم میلادی است. (۱) ژنرال دنسترویل در خاطرات خود، با صراحتی عجیب، به این واقعیت اعتراف کرده است که خریدهای غله از سوی انگلیسی ها منجر به کمبود و افزایش قیمت ها شد و در نتیجه به مرگ شمار بسیاری از ایرانیان انجامید. از این عجیب تر، گزارش سرگرد داناو درباره تخلیه شهر مراغه، در آستانه شکست ارتش انگلستان از ترک ها در سپتامبر ۱۹۱۸ م است. انگلیسی ها که قبلاً مواد غذایی بسیاری خریده بودند، ذخیره غله شهر را در شرایط سخت قحطی از میان بردند تا به دست ترک های عثمانی نیفتد و از هر دو عجیب تر اینکه چگونه گفته ها و گزارش های دنسترویل و داناو از دید دستگاه کنترل و سانسور اطلاعاتی بریتانیا مخفی مانده است؟! شاید این نکته که هر دو کتاب بلافاصله پس از جنگ (داناو، ۱۹۱۹ م و دنسترویل ۱۹۲۰ م) منتشر شده اند، پاسخی برای این سوال باشد. موضوع قحطی در کتاب های دنسترویل و داناو آشکارا آمده، اما در کتاب ژنرال دیکسون (۱۹۲۴ م) کوچک ترین اشاره ای به آن نشده است. ظاهراً در آن زمان، دستگاه سانسور انگلیس هوشیارتر شده بود. با این حال در کتاب دیکسون، گزارش مفصلی درباره خرید گسترده غله توسط ارتش انگلستان برای تأمین آذوقه نیروهای انگلیسی صورت گرفته است. شواهد و مدارک مستندی از گزارش های روزنامه ها و نیز گزارش های میسیونرهای آمریکایی در دست است که نشان می دهد، در همان زمان که مردم مشهد گرفتار قحطی هولناک بودند، انگلیسی ها مشغول خرید گسترده غله در منطقه بوده اند. (۲)

ص: ۴۵۶

-
- ۱- (۱) ر. ک: هولوکاست ایرانیان قحطی و نسل کشی بزرگ در ایران مابین سال های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ ه. ق (۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ م)، محمدقلی مجد، مترجمین: محمدرضا حسینی، مصطفی وفایی.
- ۲- (۲) دیکسون نیز در کتاب خود، عین همان مطلب را گزارش کرده است. سایکس نیز در کتاب خود به موضوع خرید غله در شیراز توسط انگلیسی ها اشاره کرده است.

از گزارش های مکرر میسیونرهای آمریکایی در رشت درمی یابیم این شهر در آغاز از قحطی هولناکی که دیگر نقاط ایران را دربر گرفته بود، به دور بود. اما پس از اشغال رشت توسط انگلیسی ها، گیلان و از جمله شهر رشت نیز دچار قحطی شد؛ دلیل این امر در کتاب ژنرال دنسترویل آمده است که انگلیسی ها برنج و دیگر مواد غذایی را برای تغذیه ارتش انگلستان در باکو و مردم گرسنه آن شهر خریدند. بنابراین مردم ایران به گرسنگی و مرگ افتادند تا سربازان انگلیسی و اهالی باکو گرسنه نمانند (۱). مهم ترین سند درباره جمع آوری غله توسط انگلیسی ها، گزارش «ادیسون ئی. ساوثرد»، کنسول ویژه آمریکا در ایران است. در این گزارش، ساوثرد افشا می کند مأموریت خرید مواد غذایی در غرب ایران، به «اداره منابع محلی بین النهرین» واگذار شده بود. این اداره ستادهایی در بغداد داشت که شمار کارکنان آن کمتر از دو هزار نفر نبود. زمانی که ژنرال دیکسون، رئیس اداره منابع محلی بین النهرین، به ایران آمده بود، ساوثرد در گفت و گو با او دریافت، خرید غله ایران توسط انگلیسی ها در آن روزها بالغ بر پانصد هزار تن بوده است. درحالی که ایران در آن زمان دچار قحطی شدید بود. دیکسون به ساوثرد می گوید که اگر این مقدار غله از طریق ایران تهیه نمی شد، باید آن را از هند وارد می کردند و در نتیجه بخش مهمی از ظرفیت کشتیرانی انگلستان برای این کار اشغال می شد. این سند نشان می دهد انگلیسی ها می توانستند برای نجات مردم قحطی زده ایران با کشتی از هند، گندم وارد ایران کنند؛ اما نه تنها این کار را نکردند، بلکه گندم داخل ایران را هم خریدند تا ظرفیت کشتیرانی خود را در اقیانوس اطلس افزایش دهند! عجیب تر از همه آن که انگلیسی ها در شرق ایران نیز دست به جمع آوری و خرید قوت روزانه مردم زدند و به فاجعه، عمق بیشتری دادند. (۲)

ص: ۴۵۷

۱- (۱) هولوکاست ایرانیان.

۲- (۲) همان.

زمانی که قحطی مرگبار، ایران را دربر گرفته بود، انگلیسی ها علاوه بر خرید گسترده مواد غذایی، از واردات مواد غذایی از هند و بین النهرین جلوگیری می کردند. علاوه بر خلیج فارس، هند و بین النهرین در اشغال ارتش انگلستان بود و در آنها غله کافی وجود داشت. اما ایران که دچار قحطی بود، در محاصره سیاست های مرگبار انگلیس قرار داشت. علاوه بر آن، از گزارش های دیپلماتیک و اسناد متعدد وزارت خارجه آمریکا نیز برمی آید که در همان زمان، بریتانیا از ورود مواد غذایی از ایالات متحده به ایران جلوگیری می کرد. علاوه بر این، آمریکا نیز کاملاً در جریان میزان گسترده خرید غله توسط انگلیسی ها در ایران، در شرایطی که قحطی و گرسنگی جمعیت ایران را از دم تیغ می گذرانند، بود و درحالی که مؤسسات خیریه آمریکا، برای ایرانیان دلسوزی می کردند، دولت ایالات متحده به قتل عام ایرانیان تن داده بود.

اقدام دیگر انگلیسی ها در عمق دادن به فاجعه، ایجاد تنگنای مالی برای ایران در زمان قحطی بود. محروم کردن ایران از منابع مالی خود، همراه با محروم کردن ایران از منابع غذایی، دقیقاً در راستای یک سیاست هماهنگ برای نسل کشی یک ملت بود؛ به این صورت که در آغاز جنگ جهانی اول، دولت ایران دچار یک بحران مالی شد؛ زیرا جنگ، کاهش شدید درآمد بازرگانی خارجی و نیز درآمدهای گمرکی را در پی داشت و انگلیسی ها و روس ها درآمدهای گمرکی جنوب و شمال را جمع آوری می کردند. این در حالی بود که طبق این قرارداد باید این درآمدها به دولت ایران داده می شد. همچنین با حجم گسترده خرید مواد غذایی توسط انگلیسی ها، حجم پول در گردش ایران نیز در جریان جنگ اول جهانی بسیار زیاد شده بود. ارزش قران با چیزی که شاید تنها بتوان آن را تورم افسارگسیخته نامید، روبه رو بود. این پدیده نامعمول، بر اثر خریدها و هزینه های بسیار ارتش انگلستان در ایران به وجود آمده بود. با این حال، انگلیسی ها

درآمدهای گمرکی ایران را با قران که ارزش فراوانی یافته بود، جمع می کردند. اما به دولت ایران همان مبلغ ثابت ۳۰ هزار پوند را که ارزش آن به شدت کاهش یافته بود (۱۸ قران یا ۱/۸ تومان به ازای هر پوند) پرداخت می کردند و مابه التفاوت آن را به جیب می زدند. درخواست دولت ایران برای دریافت این مبلغ به قران نیز راه به جایی نبرد. این روش، به ویژه همزمان با گسترش قحطی در ایران، دزدی تمام عیار و بالاتر از آن بود. با کاهش شدید ارزش لیره استرلینگ، دولت ایران تنها می توانست یک سوم میزان قرانی را که پیش تر دریافت می کرد، به دست آورد. علاوه بر این، با افزایش شدید قیمت ها، قدرت خرید واقعی مردم عملاً به صفر رسیده بود.

زمانی که میلیون ها ایرانی در گرسنگی به سر می بردند، دولت انگستان و شرکت نفت انگلیس و ایران، درآمدهای نفتی ایران را نیز به بهانه های واهی مسدود کردند. میزان درآمدهای نفتی ایران، طی سال های ۱۹۱۴-۱۹۱۹ م، هشت میلیون پوند بود. این مبلغ حدود چهل میلیون دلار و در آن زمان مبلغی بسیار معتابه و تقریباً چهار برابر مجموع بودجه سالانه دولت ایران بود. اگر این پول به ایران پرداخت می شد، میلیون ها نفر از مرگ ناشی از گرسنگی و بیماری نجات پیدا می کردند. این در حالی بود که همزمان با جنگ، تولید نفت به شدت افزایش یافت. اگر شرکت نفت انگلیس و ایران حق السهم ایران را براساس قرارداد (۲۵ درصد از درآمد شرکت براساس امتیازنامه داری) پرداخت می کرد، اینکه انگلیسی ها در دوران قحطی، ایران را از درآمدهای نفتی اش محروم کردند، به خودی خود اقدامی به شدت بدسگالانه بود؛ این اقدام کمتر از قتل عام و نسل کشی نبود. (۱)

ب) تلاش انگلیسی ها برای به فراموشی سپردن این نسل کشی

بی تردید قحطی و نسل کشی، اقدام جنگی تعمدی بریتانیا برای اشغال و تصرف

ص: ۴۵۹

۱- (۱) «قتل عام بزرگ مردم ایران در هولوکاست انگلیسی، قحطی سال های ۱۹۱۷-۱۹۱۹ م»، پایگاه تحلیلی عصر ایران، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.rir.com/news/۹۹۵۹۹>

ایران بود. با آغاز کنفرانس صلح «ورسای»، ایران امیدوار بود با شرکت در آن بابت قحطی ساختگی و خسارات ناشی از جنگ، غرامت دریافت کند. در مارس ۱۹۱۹ م، نمایندگان ایران در پاریس، سندی ارائه کردند که بر مبنای آن بنا بود شکایات ایران را مطرح کرده و درخواست غرامت کنند. در این سند، تاریخ نظامی و سیاسی ایران در جنگ اول جهانی، کاملاً نادرست ارائه شده است. این سند با آمیختن شکایات ایران به انبوهی از اشتباهات و ادعاهای نادرست، موضوع قحطی را کم اهمیت جلوه داد و دلایل آن را به شکلی مبهم ارائه کرد و موجب تضعیف ادعاهای ایران درباره جبران خسارات و حق شرکت در کنفرانس صلح شد. روشن است که این موضوع نیز خود بخشی از توطئه ای زیرکانه برای پنهان داشتن حقیقت قحطی و علل آن است که توسط عوامل نفوذی انگلیسی در دربار و وزارت خارجه ضعیف آن روز انجام می شد و دقیقاً در راستای سرپوش گذاردن روی بزرگ ترین فاجعه تاریخ، از مدت ها پیش آغاز شده بود؛ چراکه آنها بنا داشتند ایران، هم در جنگ و هم در صلح، بازنده باشد. (۱)

ج) تکرار قحطی ساختگی توسط انگلیسی ها در جنگ جهانی دوم

برخی گزارشات تاریخی از تکرار برخی رویدادهای اسفبار در ایران در اثنای جنگ جهانی دوم حکایت می کند؛ چون در این جنگ نیز ایران به رغم اعلام بی طرفی، اشغال شد و تبعات ناشی از تجاوز انگلیس، آمریکا و شوروی و گسترش فقر و قحطی به مرگ بیش از یک میلیون نفر ایرانی منجر شد. (۲)

ص: ۴۶۰

۱- (۱) «قتل عام بزرگ مردم ایران در هولوکاست انگلیسی، قحطی سال های ۱۹۱۷-۱۹۱۹ م»، پایگاه تحلیلی عصر ایران، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.rir.com/news/۹۹۵۹۹>

۲- (۲) هولوکاست علیه ایرانیان (جنگ های جهانی)؛ ر. ک: پایگاه مقالات نظامی پارسی، نشانی در فضای مجازی: <http://www.military.ir/forums/topic/۹۰۷۸>

د) تغییر توازن جمعیتی منطقه به ضرر شیعیان در نتیجه نسل کشی انگلیسی ها

اما نکته مهمی که در این میان کمتر به آن اشاره شده است، اقدام عمدی انگلیسی ها در تغییر توازن جمعیتی خاورمیانه به ضرر شیعیان بود. تا قبل از نسل کشی ایرانیان با قحطی و قتل عام های متعدد شیعیان، اگر نگوییم اکثریت جمعیت خاورمیانه را شیعیان تشکیل می دادند، دست کم جمعیت شیعه و سنی برابر بود؛ چراکه جمعیت ایران آن زمان، حدود بیست میلیون نفر بود که درصد بسیار بالایی از جمعیت منطقه را شامل می شد. اکثریت جمعیت عراق، یمن، بحرین و مناطق شرقی شبه جزیره عربستان را نیز شیعیان تشکیل می دادند. علاوه بر آن، در سوریه و لبنان، شیعیان از جمعیت بالایی برخوردار بودند. این در حالی بود که مناطق عمدتاً سنی نشین، نظیر عربستان، اردن و شیخ نشین های حاشیه جنوب خلیج فارس، هنوز شکل شهرنشینی به خود نگرفته بودند و جمعیت زیادی نداشتند. ولی نسل کشی و کشتار جمعی انگلیسی ها در ایران و عراق و روی کار آوردن رژیم های فرقه گرا در کشورهای نظیر عربستان و بحرین و حمایت از سرکوب گری خونین آنها، به تدریج توازن جمعیتی منطقه را به ضرر شیعیان سوق داد. این در حالی است که اتحاد و همگرایی اسلامی، در صورت توازن جمعیتی شیعه و سنی، راحت تر حاصل می شد.

۳. کشتار جمعی شهرهای جنوب ایران توسط انگلیسی ها

اشاره

جنایت انگلیسی ها در ایران موضوعی نیست که در یک جلد کتاب گنجانده شود. انگلیسی ها به انحاء مختلف ضربات زیادی به ایران زدند که برخی از آن اقدامات با قتل عام و نسل کشی همراه بود؛ برای مثال انگلیسی ها به رغم اعلان بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول، جنوب کشور ایران را اشغال کردند و در برخی از شهرها دست به قتل عام بی گناهان زدند (۱). در مناطق جنوبی بوشهر (شامل تنگستان و دشتستان) مردم به

ص: ۴۶۱

۱- (۱) خاطرات ویلسون؛ به نقل از: شیعه و حکومت در عراق، حسن العلوی، ترجمه محمد بنی ابراهیمی، ص ۱۴۲.

رهبری شیخ حسین چاه کوتاهی و رئیس علی دلواری و نورمحمد دالکی و...، برای دفاع از خود در مقابل انگلیسی ها بسیج شدند. ولی در ۲۶ شوال ۱۳۳۳ ه. ق، در حمله ای شبانه، رئیس علی دلواری کشته شد(۱) و در شوال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ ه. ق، انگلیسی ها با همکاری برخی عناصر محلی، از جمله مزدوران پلیس جنوب، تنگستانی ها را قلع و قمع کردند و برجستگان و رهبران مردمی، نظیر شیخ حسین خان چاه کوتاهی به همراه پسرش شیخ خزعل، زایر خضرخان و فرزندش، سام خان را به قتل رسانیدند.(۲)

حمله انگلیسی ها به خوزستان نیز قربانیان زیادی گرفت. تنها تعداد پانصد شهید در منطقه «غدیر الدعی» با لباس ها و کفن هایشان و بدون غسل به خاک سپرده شدند. علاوه بر آن، تعدادی از علمای دینی نیز در تهاجم انگلیسی های متجاوز به شهادت رسیدند که عمدتاً از اهواز، دشت آزادگان و شادگان بودند و تحصیلات علمی و دینی آنان در حوزه نجف اشرف بود؛ نظیر شهید شیخ ماضی طرفی، شهید شیخ عبدالله سعدونی طرفی و شهید شیخ مرتضی مجتهد شوشتری که نوه شیخ جعفر شوشتری بود.(۳) شهدای

ص: ۴۶۲

۱- (۱) ایران و جنگ جهانی اول: اسناد وزارت داخله، ص ۱۳۵؛ شیخ حسین خان چاه کوتاهی در جنگ مجاهدین دشتستان و تنگستان با دولت انگلیس، احمد فرامرزی، به کوشش قاسم یاحسینی، ص ۲۵.

۲- (۲) شیخ حسین خان چاه کوتاهی و قیام ضد استعماری جنوب ایران، عبد الحمید زنگویی، صص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ شیخ حسین خان چاه کوتاهی در جنگ مجاهدین دشتستان و تنگستان با دولت انگلیس، احمد فرامرزی، ص ۹۶؛ در این باره رک: دائره المعارف بزرگ اسلامی، مقاله تنگستانی ها، سیدقاسم یاحسینی و محبوبه جودکی. / www.encyclopdiaislamic.com

۳- (۳) وی نیز به مبارزه علیه انگلیسی ها در شوشتر برخاسته بود و بر اثر تحریکات انگلیس در سال ۱۳۳۵ ه. ق شبی به دست کسان ناشناس کشته شد. همچنین از سران عشایر مؤثر در امر دفاع از کشور و جهاد با انگلیسی ها، شهید ازباری سیلاوی، از سران طایفه بنی ساله بود که در جریان جهاد به شهادت رسید. حماسه جاوید - مقاومت اسلامی جهاد عشایر خوزستان علیه تجاوز انگلیس در جنگ جهانی اول، از مجموعه مقالات ارائه شده در همایش دوم ایران و استعمار انگلیس، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، نشانی در فضای مجازی: <http://bcir.pchi.ir/show.php?pe=contentsid=9805>

مذکور غیر از صدها شهیدی بود که در تهاجم انگلیسی ها به شادگان و زرگان به شهادت رسیده بودند.^(۱)

۱-۳. قتل عام سوسنگرد نمونه ای از کشتار جمعی مردم ایران در جنگ جهانی اول

بنا به نقل یکی از مورخین انگلیسی، به نام مابری - در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۱۵ م (۳۰ فروردین ۱۲۹۴ ه. ش)، تلگرامی از لندن به نایب السلطنه انگلیس در هند رسید. در آن تلگرام آمده بود: «مشکل نفت به صورت خطرناکی درآمده و حکومت انگلیس، خواهان تحریک علیه دشمن از ناحیه رودخانه کارون است. شکی نیست که تأثیر معنوی حاصل از پیروزی شیعه، اگر تهاجمی پیروزمندانه از ناحیه اهواز در پی داشته باشد، دشمنی مردم عرب نسبت به ما را از بین خواهد برد و امنیت لوله های نفت را در آینده تضمین خواهد کرد».

به دنبال این تلگرام، در تاریخ ۲۲ آوریل (۲ اردیبهشت) همان سال، یک کاروان نظامی مرکب از نه هزار نیروی جنگی، سوار بر نه هزار قاطر، به فرماندهی ژنرال گورینچ، از بصره به سوی اهواز حرکت کرد. چون در این مسیر با مقاومت قابل ذکری مواجه نگردید، مصمم شد از عشیره بنی طرف انتقام بگیرد تا مایه عبرت برای دیگران باشد. در این کاروان نظامی، یک افسر جاسوس به نام آرنولد ویلسون^(۲) که مسلط به زبان های عربی و فارسی بود، حضور داشت. وی حدود پنج سال در منطقه دشت آزادگان، تحت پوشش «کمیته

ص: ۴۶۳

۱- (۱) ر. ک: المنیور و جهاد عشایر عرب خوزستان، حمید طرفی؛ نقش عشایر عرب خوزستان در جهاد علیه استعمار، کاظم پورکاظم؛ حماسه جاوید (بررسی تحلیلی واقعه جهاد عشایر خوزستان بر علیه استعمار انگلیس در جنگ جهانی اول)، محسن حیدری.

۲- (۲) سر آرنولد ویلسون (به انگلیسی: Sir nold Wilson) کمیسر مدنی بریتانیا در بغداد و مأمور اداره سیاسی هندوستان بود. ویلسون کتاب های زیادی دارد که از جمله آنها «خلیج فارس»، «جنوب غربی ایران» و «کانال سوئز» بوده است. ویلسون عضو پارلمان بریتانیا بود و در جنگ جهانی دوم کشته شد. http://en.wikipedi org/wiki/ nold_Wilson

تعیین حدود» از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۴ م (آغاز جنگ جهانی اول)، گردش کرده، مدتی به عنوان میهمان شیخ عاصی بن شریان و شیخ عوفی بن مهاوی، از سران بنی طرف، وارد شده بود؛ به همین جهت، او منطقه را به صورت دقیق شناسایی نموده و نقشه های مفصلی برای انگلیسی ها تهیه کرده بود. مرکز بنی طرف عمدتاً در منطقه سوسنگرد بود که بر ساحل غربی رودخانه کرخه واقع شده، با خانه های گلی و بعضاً ساخته شده از نی، در کنار رودخانه به مسافت ۸ کیلومتر امتداد داشت. انگلیسی ها در تاریخ ۱۳ مه (۲۳ اردیبهشت ۱۲۹۴ ه. ش)، تهاجم خود را از دو جانب آغاز کردند. آنان، آن شهر مقاومت را به مدت سه روز زیر آتش مداوم توپخانه و گلوله های مسلسل ها قرار دادند. ویلسون که راهنمای انگلیسی ها در آن تهاجم بود، آن شهر جنگ زده را چنین توصیف می کند: «توپ هایی که در ساحل مقابل مستقر شده بود، آتش شدید خود را بر خانه هایی که از نی درست شده بود، ریخت و آنها را به آتش کشید».

ویلسون ضمن اشاره به تلفات جانی مردم سوسنگرد، تأسف خود را این چنین منافقانه ابراز می دارد که اشخاصی را که به اسم و رسم می شناخت، مشاهده کرد که طعمه آتش شده بودند. اشخاص دیگری را که دوست خود می شمرد، همانند گوسفندان، سرهایشان بریده شده بود. (۱) وی درباره این قتل عام تکان دهنده صریحاً می نویسد:

هیچ یک از ساکنان سوسنگرد جان سالم به در نبردند و اگر خانه ای از آتش در امان ماند، از تصادف روزگار بود! اما در هر حال اهالی سوسنگرد مستحق هیچ گونه رأفت و ترحم نیستند؛ زیرا آنها با عثمانی ها همکاری نموده و سربازان انگلیسی را سر بریده بودند.

ویلسون تصریح می کند که هدف از کوبیدن سوسنگرد، فقط انتقام جویی از قبیله بنی طرف نبود. بلکه ترساندن عشایر مخالف دیگر هم جزو اهداف بود. وی می نویسد:

در این واقعه یک درس فراموش نشدنی و قساوت آمیز، نه فقط برای بنی طرف، بلکه

ص: ۴۶۴

برای قبایل ساکن دجله در جنوب عماره هم بود. آن عشایر، قطعاً صدای توپخانه ما را شنیده بودند و اخبار سرکوبی هم به آنها رسیده بود. از بین رفتن هرگونه مقاومت عربی در ساحل دجله، بعد از دو هفته دیگر، علتش تا حدودی به همان تخریب کامل سوسنگرد برمی گردد. (۱)

۴. فجایع بهائیان علیه مسلمانان شیعه

اشاره

یکی از خیانت های بزرگ استعمارگران خصوصاً انگلیسی ها تأسیس یا حمایت از فرقه های بابیت و بهائیت بود که قتل، ترور و قساوت علیه شیعیان را گسترش چشمگیری داد. به نوشته فریدون آدمیت، بابی ها در جریان شورش های خود در دوران ناصری، با مردم شیعه ایران و نیروهای دولتی رفتاری سبعانه داشتند. آنها دست و پای اسیران جنگی را می بریدند و می سوزانیدند. وی بساط «میرزا حسینعلی» (بهاء) را از روز نخست مبتنی بر «دستگاه میرغضبی و آدم کشی» می داند. (۲) این قساوت و سبعیت را می توان در ماجرای قتل شهید ثالث (۳)، عمو و پدر همسر قره العین نیز به روشنی دید. قتل های بهائیان را می توان به پنج گروه تقسیم کرد:

- قتل های سیاسی؛

- قتل برخی شخصیت های شیعیان که تداوم حیات ایشان برای بهائیت مضر بود؛

ص: ۴۶۵

۱- (۱) ر. ک: the Victori e ک Sir nold T bot Wilson, by John M lowe. Periplus the Modern Middle E t, by ک by nold T bot Wilson. Kingm ers: the Invention کPersi Gu K I E. Meyer d Sh een Bl r Brys , New York, London: W.W. Norton, ۲۰۰۸ مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، «خاطرات سر آرنولد ویلسون و چگونگی دستیابی انگلستان بر جنوب ایران»، دهقان نیری، صص ۶-۱۲، ش ۵۰، ۱۳۸۰.

۲- (۲) امیر کبیر و ایران، فریدون آدمیت، صص ۴۴۸-۴۵۷.

۳- (۳) حاج ملا محمد تقی برغانی، ۱۷ ذی قعدة ۱۲۶۳ ه. ق.

- قتل بابیان مخالف دستگاه میرزا حسینعلی نوری (به طور عمد ازلی ها)؛

- قتل بهائینی که از برخی اسرار مطلع بودند یا به دلایلی تداوم حیات ایشان مصلحت نبود؛

- قتل، بنا به اغراض شخصی سران فرقه بهائی. (۱)

اساساً تروریسم سیاسی، در تاریخ معاصر ایران، از اواسط دهه ۱۲۶۰ ه. ق / ۱۸۴۰ م. با بابی گری آغاز شد و چنان با بابی گری پیوند خورد که در دوران متأخر قاجار، نام «بابی» و «تروریست»، مترادف بود. می دانیم که بابی ها ترور امیر کبیر را طراحی کردند و در ۲۸ شوال ۱۲۶۸ ه. ق / ۱۵ اوت ۱۸۵۲ م. به ترور نافرجام ناصرالدین شاه دست زدند که به دستگیری گروهی از ایشان انجامید. از آن پس این رویه در ایران تداوم یافت و در دوران انقلاب مشروطه و پس از آن بیشتر اوج گرفت.

اول جمادی الثانیه ۱۳۲۷ ه. ق برخی با بیان نظیر ابوالفتح زاده و منشی زاده، به همراه زین العابدین خان مستعان الملک، گروه تروریستی جدیدی موسوم به کمیته جهانگیر تشکیل دادند و همانا از جمله اعضای «محکمه انقلابی» بودند که حکم مرگ شیخ فضل الله نوری را صادر کردند. دادستان این محکمه، شیخ ابراهیم زنجانی بود که تحت تأثیر میرزا مهدی خان غفاری کاشی (وزیر همایون)، عضو فرقه بهائی، قرار داشت. در رجب ۱۳۲۸ ه. ق حادثه قتل سید عبدالله بهبهانی رخ داد که عاملین آن، وابستگان شبکه تروریستی ابوالفتح زاده و منشی زاده بودند و یکی از ضاربین بهبهانی، فردی به نام حسین الله بود که بعدها در کمیته مجازات همکاری کرد. (۲)

بابیان و بهائیان همچنین در استان فارس نیز به قتل عام شیعه دست زدند؛ از جمله

ص: ۴۶۶

۱- (۱) مروری بر اعمال تروریستی فرقه بهائیت؛ بهائیان قاتل در ایران چه کردند؟ نشانی مقاله با ارجاعات و مستندات در فضای مجازی: <http://www.mhrehghnews.ir/news/183195>

۲- (۲) همان.

نصیرالاسلام از سران مجاهدینی بود که به فتوای حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری به جهاد علیه استعمار انگلیس و عوامل داخلی ایشان دست زد. وی با گروهی از تفنگچیان مجاهد، وابستگان فرقه بهائی را در شهر نی ریز که جمعیت و نفوسی داشتند، تعقیب کرد. ولی در ماه رجب سال ۱۳۳۱ ه. ق به دست بهائیان به شهادت رسید. همچنین قتل سید ابوالحسن کلانتر سیرجان (۱۳۲۴ ه. ق) از قتل های جنجالی بهائیان است. این ماجرا به شورش مردم سیرجان علیه بهائیان انجامید. قتل محمد فخار نیز از قتل هایی است که سروصدای فراوان به پا کرد. بهائیان، به دستور محفل بهائیت در یزد، فخار را کشتند و جسد او را سوزانیدند.^(۱)

فاجعه ابرقو

واقعه جانگداز «ابرقو» بارزترین نمونه بی رحمی تشکیلات بهائیت است که در تاریخ ماندگار شده است.^(۲) ماجرا از این قرار بود که در یکی از روستاهای اطراف ابرقو، به نام رباط، بانویی موحد و معتقد به نام صغرا که ۵۶ سال داشت، به همراه فرزندان خردسالش زندگی می کرد. بهائیان، وی را سدی در برابر تشکیلات بهائیت در منطقه می دانستند؛ لذا با دستور محفل بهائیت، این خانواده شش نفره، در شب سیزدهم دی ماه ۱۳۲۸، به طرز فجیعی قتل عام شدند. قاتلان بی رحم بهایی ابتدا ۳ دختر او را با بیل و تبر هیزم شکنی مثله کرده و سپس در جنایتی دیگر این زن را به همراه دو پسر خردسال دیگرش قطعه قطعه کردند.^(۳) با این اوصاف، هنوز این فرقه که مقر اصلی اش در اراضی

ص: ۴۶۷

-
- ۱- (۱) فصلنامه تاریخ معاصر ایران، «جستارهایی از تاریخ بهایی گری ایران، عبدالله شهبازی»، ش ۲۷، صص ۴۵ و ۴۶. نشانی در فضای مجازی: http://shbi.org/pes/Bsm_Holocst.htm
 - ۲- (۲) ر. ک: فجایع بهائیت یا واقعه قتل ابرقو (استخراج از پرونده های: شاهرود، کاشان، ابرقوی یزد در دادگاه جنایی تهران)، با مقدمه حجت الاسلام آقای شیخ حسین خراسانی.
 - ۳- (۳) خانه ای که در آن، این شش نفر به شهادت رسیدند، اکنون به نام موزه عبرت ابرکوه در این شهر قرار دارد و تنها بازمانده این واقعه، دختر این خانواده، رقیه حسینیان است که روایتگر این موزه شد. قبور مطهر این شهدا در قبرستان قدیمی شهر ابرکوه قرار دارد.

اشغالی و در حمایت رژیم صهیونیستی است، به دنبال ریختن خون شیعیان بوده و در بسیاری از فتنه های ایجاد شده علیه شیعه نقش دارد.^(۱)

۵. فجایع جلوه‌ها علیه مسلمانان شیعه غرب ایران

اشاره

جلو، نام منطقه ای کوهستانی در جنوب دریاچه وان در ناحیه حکاری ترکیه است^(۲) که تا پیش از جنگ اول جهانی، محل زندگی طایفه ای از قوم آشوری در دولت عثمانی بود. ماجرا از آنجا آغاز شد که با قدرت گیری ناسیونالیست های ترک در عثمانی و هم پیمان شدن آشوری ها با روسیه در جنگ، ناسیونالیست های ترک به آشوری ها حمله کردند؛ به همین دلیل جمعیت بزرگی از آشوری ها به ایران فرار کردند. ورود لشکریان عثمانی به ایران و جنگ دامنه دار آنان با ارتش روسیه و جلوه‌ها در ایران و جمهوری آذربایجان، زمینه ساز قتل عام شیعیان ایرانی در ناحیه غرب آذربایجان شد. در هشتم آبان ۱۲۹۴ ه. ش، کردهای تبعه عثمانی نیز از مرز ایران گذشتند و به خاک ایران ریختند و بدون اینکه فرقی بین شیعه و سنی و مسلمان و آشوری بگذارند، ده روستا را غارت کردند. تا اینکه روس ها سپاه فرستادند و آنها را بیرون کردند. این شکست عثمانی ها در هفتم دی ماه بود. ولی در میاندوآب و هم در اوایل نبرد ساری قمیش در قفقاز، روس ها شکست خوردند و این منجر شد که ارتش عثمانی به تبریز و آذربایجان بیایند و عملاً این منطقه به صحنه زورآزمایی قوای متجاوز روس و عثمانی تبدیل شد و در این میان، مردم بی دفاع غرب ایران، جان خود را از دست می دادند.^(۳) از سوی دیگر در آذربایجان ایران، با حمایت انگلستان و روسیه از جلوه‌های فراری از عثمانی و برخی ارمنی های بومی، برای ایجاد یک حکومت مسیحی، تعداد زیادی از مردم این ناحیه قتل عام

ص: ۴۶۸

۱- (۱) . http://shbi.org/pes/Bsm_Holocst.htm

۲- (۲) تاریخ هیجده ساله آذربایجان، کسروی، ص ۶۲۰.

۳- (۳) بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم ارومیه در استادیوم تختی. آیت الله خامنه ای، این وقایع را توطئه خارجیان برای جدا نمودن این ناحیه از ایران و تبدیل آن به یک کشور مسیحی دانستند.

شدند.^(۱) آسوریان بومی ایران که تا این زمان در اطراف ارومیه در روستاها زندگی می کردند، حدود پنجاه هزار نفر تخمین زده می شدند که غیر از آسوریان جلو بودند که از عثمانی فرار کرده بودند. آنها تا این زمان، در ایران آسوده زندگی می کردند و ارتباط ایشان با مسلمانان خوب بود. اما پس از اینکه میسیونرهای روس، فرانسوی و آمریکایی کسانی از ایشان را از کیش قدیمی نستوری خود برگرداندند و ارتودکس، پروتستان یا کاتولیک نمودند، اندیشه هایی از دشمنی با دیگر ایرانیان در ایشان دمیدند و روزنامه هایی با زبان سریانی به نام «جوخو» و «زاهریر اباهر» در ارومیه منتشر کردند. سال ۱۲۹۵ ه. ش، در ارومی آسوریان که در زمستان ۱۲۹۳ ه. ش همراه روس ها کوچ کرده بودند و سپس برگشته بودند، کینه گردان و عثمانیان را از ایرانیان می جستند: بعضی از افراد را در دهات، ریسمان به گردن انداخته و سرشان را از سوراخ دیوار گذرانده و با گاو ریسمان را می کشیدند تا سر آن فرد از بدن جدا شود. جلوها در دهات پراکنده شده و از زدن و گرفتن و آزردن ایرانیان دریغی نداشتند.^(۲)

در اوایل تابستان ۱۹۱۸ م (۱۲۹۴ ه. ش)، ژنرال «آندرانیک» همراه با هشت هزار نفر سرباز ارمنی، از آن سوی ارس عازم خوی شد. او نتوانست این شهر را تسخیر کند. از طرف دیگر اسماعیل آقا سمیتقو، یکی از خوانین معروف کرد نیز به بهانه کشته شدن برادرش جعفر آقا در روستاهای پیرامون ارومیه، با حمایت و پشتیبانی عثمانیان، غارت می کرد. ارتش عثمانی در ایران و هم پیمانان ایشان که گردان طایفه شکاک تحت امر اسماعیل آقا سمیتقو بودند، در درگیری با ارامنه و جلوها، موجب کشتار جمعی تعداد زیادی از افراد بی گناه شدند و به دنبال آن، در فوریه و مارس ۱۹۱۸ م (۱۲۹۴ ه. ش) در شهرهای ارومیه، سلماس و کهنه شهر، بیش از ۱۳۰ هزار نفر از مسلمانان شیعه این منطقه قربانی انتقام گیری جلوها و ارامنه شدند.

ص: ۴۶۹

۱- (۱) ر. ک: قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس، صمد سرداری نیا.

۲- (۲) تاریخ هیجده ساله آذربایجان، صص ۶۷۲ و ۶۷۳.

چون انگلیس و فرانسه پی بردند که در ایران، روس ها دیگر توانایی جلوگیری از عثمانی ها و آلمان ها را ندارند، برای اینکه سپاهی از ارمنی های ایران و عثمانی به وجود آورند، با مارشیمون، پیشوای آسوریان وارد مذاکره شدند و از راه جلفا به ارومیه آمدند. میسیونرهای آمریکایی هم با ایشان همدستی نموده و پول هایی را که بابت امور خیریه از آمریکا می آمد، صرف سپاه آرایبی آسوریان کردند.^(۱) در این میان یک آرزوی خامی در ذهن مارشیمون و دیگر سران آسوری افتاده بود که یک کشور مستقل برای آسوریان در ارومیه و پیرامون آن ایجاد کنند.^(۲) مارشیمون و آقا پتروس و دیگر سران آسوری و مسیحی، به همدستی مستر شت، میسیونر آمریکایی که نایب کنسول آمریکا هم بود، یک واحد نظامی در سرای حاجی مستشار ارومیه دایر نموده و شروع به سربازگیری از اطراف نمودند.

در بهمن آن سال یک نفر جلوی مسیحی، دو مسلمان و یهودی را در بازار به قتل رساند که در پی آن، چهار نفر دیگر هم از رهگذران بی گناه به قتل رسیدند. سپس دسته ای از جلوها، از بیرون شهر، دست به کشتار مردم زدند و حدود صد نفر از اهالی دهات را کشتند. اما پس از آن که دو نفر از اهالی برای دفن کردن کشته ها اقدام کردند، جنگ کامل درگرفت و جلوهای مسیحی هرکسی را دیدند به گلوله و شهر را به توپ بستند تا اینکه هیئت صلحی، به کنسولگری روسیه، نزد مارشیمون رفت. قزاقان هم که تحت فرمان روس ها بودند، به جای دفاع از مردم ارومیه، به دستور آنها پرچم سفید برافراشتند. این کار باعث دلیر شدن آسوریان شد. لذا با حمله به قزاقخانه، قزاق ها را به قتل رساندند. پس از این، قتل عام اهالی ارومیه اتفاق افتاد که با تأکید و پیگیری مستر

ص: ۴۷۰

۱- (۱) تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ص ۷۱۲.

۲- (۲) همان، ص ۷۱۳.

شت، نایب کنسول آمریکا، ادامه پیدا کرد. در این وقایع حدود ده هزار نفر از مردم بی گناه، شامل زن و بچه و مردم عادی نابود شدند. این آمار تنها مربوط به شهر ارومیه بود. اما در دهات کشتار بزرگ تری اتفاق افتاد(۱).

پس از تصرف و پاکسازی مذهبی ارومیه، مارشیمون آهنگ سلماس کرد تا آنجا را نیز زیر فرمان خود درآورد و چون تعداد آشوریان و ارمنیان را کم دید، تصمیم گرفت با سمیتقو، دیدار و وی را نیز با خود همداستان کند(۲). مارشیمون در ظاهر می گفت با این کشتار موافق نیست و می خواهد خود را کنار بکشد. ولی چند روز بعد از کشتار ارومیه که با سمیتقو در کهنه شهر دیدار کرد، به او گفت:

این سرزمین که اکنون کردستان نامیده می شود، میهن همه ماها بوده، ولی جدایی در کیش، ما را از هم پراکنده و به این حال انداخته است. اکنون می باید همدست شویم و این سرزمین را خود به دست گیریم و با هم زندگی کنیم. ما سپاه بسیج کرده ایم، ولی سوار نداریم. اگر شما با ما باشید، چون سوار بسیار دارید، بر سر تبریز می رویم و آنجا را هم می گیریم.

بعد از خاتمه جلسه هر دو به یکدیگر قول همکاری دادند و مارشیمون از اتاق خارج شد و به طرف کالسکه رفت. ولی هنگام سوار شدن، سمیتقو وی را هدف گرفت. سپس کردها نیز آسوری ها را در آن دم نشانه گرفتند؛ به طوری که تمام ۱۴۰ آسوری، به جز چند نفر، کشته شدند(۳).

(ب) قتل عام کهنه شهر و کشتار دوم مردم ارومیه

چون آشوریان از کشته شدن مارشیمون آگاه شدند، به سوی کهنه شهر حرکت کردند تا انتقام بگیرند. آنها هر که را دیدند، کشتند و شهر را به آتش کشیدند؛ چنان که بیش از

ص: ۴۷۱

۱- (۱) تاریخ هیجده ساله آذربایجان، صص ۷۱۲-۷۱۴-۷۲۴.

۲- (۲) همان، ص ۷۲۶.

۳- (۳) همان، صص ۷۲۵-۷۲۷.

هزار زن و کودک و مرد کشته شد. روز دوشنبه ۲۷ اسفند نیز خبر کشته شدن مارشیمون به آسوریان و جلوهای ارومیه رسید. آنها از سران خود برای کینه جویی اجازه خواستند و برای دوازده ساعت اجازه گرفتند. در نتیجه ده هزار و اندی دیگر از ساکنین بی گناه ارومیه کشته شدند. همچنین بسیاری از کلیمیان ارومیه هم در این گیرودار به قتل رسیدند.

پس از آن، آقا پتروس، با توپچیان روسی به چهریق، مقر سمیتقو، حمله کرد و پس از فرار اسماعیل آقا سمیتقو، هر که در چهریق باقیمانده بود، قتل عام کرد. همچنین مادر سمیتقو و دختر برادرش، جعفر آقا را اسیر کردند و پیروزمندانه به ارومیه بازگشتند.

پس از چندی، دسته هایی دیگر از مسیحیان از ارومیه به دیلمقان آمدند و پیام فرستادند که اگر شهر را تسلیم کنید، به کسی آسیب نمی رسد. وگرنه با کشتار، شهر را خواهیم گرفت. آن هنگام وثوق الممالک نامی، حاکم شهر بود و تصمیم گرفت شهر را تسلیم کند. مردم شهر عده ای نومیدانه شهر را ترک کردند و عده ای در خانه های خود ماندند. غروب همان روز، سامون، با دسته ای از ارمنیان به شهر آمدند و همان طور که گفته بودند، غارت نکردند. فردا نیز دسته جلوها، به همراه آقا پتروس، از چهریق بازگشتند و آنان نیز ابتدا دست به کشتار نزدند. اما مردم را اذیت می کردند و وسایل گرانبهای خانه هایشان را می ربوند. بیشتر مسلمانانی هم که فرار کرده بودند، در راه مردند و عده کمی موفق شدند به خوی برسند که مورد استقبال مردم خوی قرار گرفتند(۱). بعدها منابع آشوری ادعا کردند که سمیتقو از حاکم تبریز دستور کشتن مارشیمون را گرفته بود و علت انتقام گرفتن از مردم ارومیه همین بوده است(۲). این منابع توضیح ندادند که بلافاصله پس از اقدام سمیتقو، از کجا فهمیده بودند دولت ایران در آن قتل دخیل بوده است. تا این زمان، در سلماس آبادی ای نمانده و مردم بیچاره یا کشته یا

ص: ۴۷۲

۱- (۱) تاریخ هیجده ساله آذربایجان، صص ۷۲۸-۷۳۳.

۲- (۲) ROM P RI CH M RUWEL SHIMUN UNTIL THE DECLINE ۱۹۰۰ - ۱۹۱۸ PERIOD . P RI CH M BENY IN SHIMUN, M r ک MURDER

پراکنده شده بودند. در ارومیه نیز روزی نمی گذشت که چند تن از بازماندگان کشتار، کشته نشوند. در آن زمان ژنرال دسترویل به همدان و قزوین آمده بود. در نیمه نخست خرداد، یک دسته از سپاه عثمانی از راه خوی به سلماس آمدند و مسیحیان را شکست دادند. آوارگی مسیحیان از سلماس به ارومیه، باز باعث آدمکشی و غارت در ارومیه شد. در این میان آندرانیک، فرمانده سپاه داوطلب ارمنی که برای متفقین می جنگید، به خوی حمله کرد و باعث عقب نشینی عثمانی ها از اطراف ارومیه شد. علت این حمله به خوی این بود که با تشکیل جمهوری ارمنستان در ۲۸ مه ۱۹۱۸ م. (هفتم خرداد ۱۲۹۸ ه. ش)، دانشناک ها لازم دیدند برای ایجاد ارمنستان بزرگ، محور وان، ایروان، و نخجوان را به همدیگر وصل کرده و نیروهای خود را به هم ارتباط دهند. بنابراین تصمیم گرفتند به هر قیمتی شده خوی را تصرف کنند. (۱) سرکرده سپاه عثمانی در خوی از مردم شهر تقاضای کمک کرد. ولی به خاطر مظالم قبلی عثمانی ها کسی به او نپیوست. بنابراین عثمانیان دوباره از ارمنیان شکست خوردند. (۲) ولی به دنبال فتوای مراجع تقلید خوی (۳) و همکاری مردم، اهالی شهر در مقابل سپاه آندرانیک مقاومت کردند تا اینکه لشکر دیگر عثمانی نیز از سوی سلماس رسید و ارمنیان شکست خوردند. پس از دو سه روز، عثمانیان بدون توجه به وضعیت بحرانی منطقه، تمام ارمنیان خوی و پیرامون آن را قتل عام کردند (۴) که این موضوع بهانه ای برای قتل عام شیعیان بومی آذربایجان شد. آنها به مردم ارومیه می گفتند شما از عثمانیان خواسته اید به اینجا بیایند. (۵) در نهایت باید گفت شیعیان شمال

ص: ۴۷۳

-
- ۱- (۱) «قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس»، صمد سرداری نیا، ص ۹۰، نشر اختر، ۱۳۸۵؛ توفان در قفقاز، کاوه بیات، ص ۹۳.
 - ۲- (۲) تاریخ هیجده ساله آذربایجان، صص ۷۵۱-۷۵۳.
 - ۳- (۳) تاریخ خوی، محمدمین ریاحی، صص ۵۰۱ و ۵۰۸؛ نام آوران ارومیه، علی بابایی، ص ۲۹۰.
 - ۴- (۴) تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ص ۷۵۵.
 - ۵- (۵) ر. ک: آن روی پنهان عرب باغی از لایه لای کتاب هایش باید شناخت، محمدرضا آبرون؛ ارومیه در گذر زمان، حسن انزلی، ص ۳۷۲؛ تاریخچه ارومیه (یادداشت هایی از سال های جنگ اول جهانی و آشوب های بعد از آن)، رحمت اله توفیق، ص ۴۳. فصلنامه مطالعات تاریخی، «هولوکاست جیلولوق در ایران و نقش انگلستان در آن یا تلاش انگلستان برای تشکیل جمهوری ارمنستان در خاک ایران»، اصغر حیدری، ش ۳۱، (هشتم، زمستان ۱۳۸۹): صص ۲۳۰-۲۶۱.

غرب ایران، قربانی فزون خواهی جلوها و ارمنی های مسیحی و کینه جوئی عثمانی های متخاصم شدند و در این میان، عوامل متجاوز روس، انگلیس، فرانسه و آمریکا نیز، در لباس قنصل و مسیونر، در آتش فتنه دمیدند که بر شدت قتل عام شیعیان افزود.

۶. کشتار جمعی علما و دینداران شیعه در دوره پهلوی

الف) قتل عام معترضان به تحمیل نماد و پوشش غربی در فاجعه گوهرشاد

قتل عام مسجد گوهرشاد یکی از اوراق ننگین تاریخ پادشاهی دست نشانده پهلوی در ایران است. رضاخان که با زور سرنیزه و حمایت انگلیس به قدرت رسیده بود، طرح اسلام زدایی را به اجرا گذاشت. در سال ۱۳۱۴ شمسی، همزمان با اجباری شدن کلاه شاپوی انگلیسی برای مردان، زمزمه های حجاب زدایی زنان نیز بلند شد. روحانیون شیعه در مقابل این توطئه ساکت ننشستند و به مخالفت پرداختند. یکی از مراجع به نام آیت الله قمی که برای اعتراض به تهران رفته بود، بازداشت شد. به دنبال این مسئله، مسجد گوهرشاد حال و هوای دیگری گرفت و محل اجتماعات مردمی و اعتراضات گسترده شد؛ به همین خاطر به شهربانی مشهد دستور داده شد و عاظ معروف را دستگیر کنند. اما روحانیون و خطباء، به ویژه شیخ محمدتقی نیشابوری معروف به بهلول، در افشای سیاست اسلام زدایی مصمم تر شدند. سرانجام قشون قزاق، به دستور رضاشاه، در روزهای ۲۰ و ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ ه. ش، به مسجد گوهرشاد حمله کردند و جمعیت معترض را به خاک و خون کشیدند؛ چنان که بیش از دو تا پنج هزار تن به شهادت رسیدند و حدود ۱۵۰۰ نفر به اسارت نیروهای قزاق درآمدند.^(۱) این حرکت، مهم ترین

ص: ۴۷۴

۱- (۱) مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.irfdc.ir> c end
www.r ebehesht.org دولت های lt. px ر. ک: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل. www.r ebehesht.org
ایران از سوم اسفند ۱۲۹۹ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷: از سید ضیاء تا بختیار، مسعود بهنود، ص ۱۳۲.

قیام مردمی گسترده علیه دیکتاتورهای دست نشانده استعمار بوده است و اثبات کرد که شیعیان همواره در صف اول مبارزه با استعمار و سکولاریسم بوده اند.

(ب) قتل عام مردم معترض به دستگیری مرجعیت دینی شیعه در واقعه ۱۵ خرداد

پانزده خرداد ۱۳۴۲، در پی بازداشت امام خمینی رحمه الله تظاهرات خونینی در تهران و قم علیه شاه ایران برپا شد. پیش تر در دوم فروردین همان سال مصادف با ۲۵ شوال ۱۳۸۲ ه. ق، در مدرسه فیضیه قم، عوامل ساواک به جمع عزاداران امام صادق علیه السلام حمله کردند و به ضرب و شتم طلاب پرداختند که یکی از آنها، به نام سیدیونس رودباری، به شهادت رسید. (۱)

امام خمینی رحمه الله در عاشورای همان سال، در مدرسه فیضیه قم، به شاه و اسرائیل حمله کرد. به دنبال این سخنرانی، امام خمینی رحمه الله، در سحرگاه ۱۵ خرداد، در منزل خود در قم دستگیر و به تهران منتقل شد. همزمان با دستگیری امام، آیات عظام حاج آقا حسن قمی در مشهد، حاج شیخ بهاءالدین محلاتی در شیراز و تعدادی از علما و وعاظ در تهران و برخی از شهرها دستگیر شدند. با انتشار وسیع و سریع این خبر، بلافاصله مردم، همان روز در قم و تهران و دیگر شهرها به خیابان ها ریختند و قیام پانزده خرداد شکل گرفت. دانشجویان تهران با تعطیل کردن کلاس ها به تظاهرات پرداختند. مردم نیز با شعار «یا مرگ یا خمینی» به تظاهرات پرداختند. این قیام خودجوش، برخاسته از حس دینی و شور ایمانی بود و هیچ تشکیلاتی آن را سازماندهی نکرده بود. اما نیروهای نظامی به شدت آنها را سرکوب و تعداد زیادی را شهید کردند. درباره تعداد شهدای این قیام نظر واحدی وجود ندارد؛ خبرگزاری فرانسه تعداد شهدای سراسر کشور را، بدون در نظر گرفتن اجساد که مخفیانه دفن شدند، حدود ۱۵۰ تن و آمار رسمی شهدای تهران و قم

ص: ۴۷۵

۱- (۱) نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۸۲؛ ر. ک: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مروری بر قیام ۱۵ خرداد از لابه لای مداخل دانشنامه جهان اسلام، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.irdc.ir/content/۴۴۹۹۴/print> ک

px

را ۸۶ تن اعلام کرد. در اسناد ساواک تعداد شهدا صدها تن ثبت شده است.^(۱)

بیکر شهدای تهران، به شکل دسته جمعی، در گورستان مسگرآباد تهران دفن شد. تظاهرات به صورت پراکنده تا ۱۸ خرداد ادامه داشت، ولی به تدریج نیروهای امنیتی قیام را سرکوب کردند^(۲). در روز ۱۵ خرداد، علاوه بر تهران، عده ای از دهقانان اطراف ورامین و اهالی کن نیز، کفن پوش و با شعار «یا مرگ یا خمینی» به سمت تهران حرکت کردند که در طول راه بر اثر تیراندازی نیروهای نظامی، تعداد زیادی از آنان شهید شدند^(۳). در قم نیز مردم فریاد اعتراض سردادند. گفته می شود رژیم شاه که در سرکوب قیام ناتوان بود، با فرستادن هواپیمای بمب افکن به قم، قصد داشت شهر را بمباران کند.^(۴)

ج) کشتار جمعی مردم معترض به هتک حرمت مرجعیت دینی شیعه در ۱۹ دی

رحلت مرموز آیت الله سید مصطفی خمینی در آبان ۱۳۵۶ را می توان نقطه عطفی در نهضت اسلامی مردم ایران دانست. مجالس یادبود در سراسر کشور برگزار و در آن مراسم، تظاهرات گسترده ای علیه رژیم به پا شد. از این رو رژیم شاه تصمیم گرفت با توهین به ساحت حضرت امام خمینی رحمه الله، چهره ایشان را مخدوش کند. لذا در مقاله ای که با امضای مستعار «احمد رشیدی مطلق» در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید، به طور صریح بی حجابی، فضیلت و حجاب، کهنه پرستی و ارتجاع معرفی و به ساحت مقدس

ص: ۴۷۶

۱- (۱) مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده ش ۱۱۸، ص ۱۹۲؛ بنیاد شهید انقلاب اسلامی، زندگینامه ۳۶ تن از شهدا را به انضمام فهرست نام های اعدام شدگان این واقعه، در کتابی با عنوان یادنامه: زندگینامه شهدای انقلاب اسلامی تهران منتشر کرده است؛ ر. ک: ج ۱، صص ۲۷-۶۴.

۲- (۲) مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده ش ۱۱۳، صص ۲۶، ۳۱، ۳۹، ۹۲، ۱۰۱.

۳- (۳) همان، پرونده ش ۱۱۷، صص ۵۰، ۸۴ و ۱۲۷؛ در این گزارش، شمار کفن پوشان ورامینی چهار هزار تن نوشته شده است.

۴- (۴) بنیاد دائرة المعارف اسلامی؛ روحانی، ج ۱، ص ۴۷۸، رحیم روحبخش / پانزده خرداد - نشانی در فضای مجازی: <http://www.encyclopediacom/mkh2.php>. تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، جواد منصوری،

ج ۱.

امام خمینی رحمه الله اهانت و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، توطئه استعمار سرخ و سیاه معرفی شد. با انتشار این مطالب اهانت آمیز، اولین واکنش ها در شهر قم آغاز شد. دروس حوزه در روز ۱۸ دی تعطیل شد و طلاب تظاهرات خود را به سوی منازل مراجع آغاز کردند. تعدادی از علما و مراجع قم، در سخنرانی های خود، به حمایت از امام و محکومیت اهانت به ساحت ایشان پرداختند.

روز نوزدهم دی ساواک و شهربانی به مردم حمله کردند و عده زیادی را شهید یا مجروح کردند. پس از آن، امواج انقلاب اسلامی شدت گرفت و با چهلیم های پی در پی مردم، دامنه انقلاب فراگیر شد و در نهایت به سرنگونی رژیم پهلوی انجامید.^(۱)

(د) کشتار جمعی جمعه سیاه ۱۷ شهریور

در ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ ه. ش که مصادف با روز عید فطر بود، راهپیمایی تاریخی و عظیمی برپا شد. این تظاهرات در روز ۱۶ شهریور ماه بار دیگر تکرار شد و در بین مردم اعلام شد که صبح روز بعد، یعنی ۱۷ شهریور، در میدان و خیابان ژاله (شهدای کنونی) تجمع صورت خواهد گرفت. در اولین ساعات روز، رژیم شاه اعلام حکومت نظامی کرد؛ اما مردم، بدون اعتنا به این اعلامیه، تجمع کردند. مأموران مسلح پس از چند بار اخطار، جمعیت را هدف رگبار قرار دادند و مردم بی گناه را به خاک و خون کشیدند. عده زیادی از مردم در این روز به شهادت رسیدند. این حادثه نقطه عطفی برای افزایش خشم و اعتراض عمومی مردم و رسوایی بیش از پیش رژیم گردید و در تاریخ ننگین ستم شاهی به عنوان جمعه سیاه و جمعه خونین

ص: ۴۷۷

۱- (۱) در این زمینه مرکز اسناد انقلاب اسلامی کتاب های زیر را منتشر کرده است: جایگاه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در پیروزی انقلاب اسلامی؛ حماسه ۱۹ دی قم آذرخشی بر تاریکی؛ ر. ک: مقاله تحلیلی بر واقعه ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم، نوزدهمین روز دی؛ قیام خونین ۱۹ دی مردم قم. نشانی در فضای مجازی: <http://www.irdc.ir> /۷۶/d ک c end ک px lt.

برای همیشه باقی ماند. (۱)

فرمانداری نظامی تهران، آمار ۸۷ کشته و ۲۰۵ مجروح را تأیید نمود. اما مخالفان حکومت، اعلان داشتند که در این روز بیش از چهار هزار نفر کشته شده اند و تعداد کسانی که تنها در میدان ژاله جان باخته اند، پانصد نفر است.

میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی که برای پوشش دادن وقایع انقلاب در یک روزنامه ایتالیایی به محل حوادث رفته بود، مدعی شد که چهار هزار تن در این روز هدف گلوله قرار گرفته اند. اما سال ها بعد عمادالدین باقی، با توجه به دسترسی اش به آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی و منابع دیگر، تعداد کشته شدگان ۱۷ شهریور را ۸۸ نفر ذکر کرد که از این میان، ۶۴ نفر آنها در میدان ژاله کشته شدند.

دکتر محمد باهری که در آن زمان عهده دار سمت وزارت دادگستری بود، می گوید:

بنابر گزارش سازمان پزشکی قانونی و سازمان بهشت زهرا مجموع کشته شدگان روز ۱۷ شهریور و زخمی هایی که تا روز ۲۶ شهریور فوت کرده اند، ۱۲۶ نفر بوده است. (۲)

۷. فجایع جریانات کمونیستی و التقاطی علیه مردم مسلمان شیعه در ایران

اشاره

آمریکا، شوروی و متحدان آنها، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه های تروریستی متعددی را در ایران تأسیس کردند که هر کدام فجایع زیادی به بار آوردند. تعداد قربانیان گروهک های تروریستی، از ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی تا زمان نگارش

ص: ۴۷۸

۱- (۱) جمعه سیاه و کشتار بی رحمانه مردم در میدان ژاله (شهدا) در تهران. نشانی گزارش با مستندات در فضای مجازی:

<http://www.irdc.ir/47/d> c k end lt. px

۲- (۲) . History . r i , Ir Between Two Revolutions, ۵۱۶ . r i , Ir i Or ک r i , ۱۶۱-۱۵۹ , Modern Ir

History Collection. «مفده» .History Collection. «Moh m B eri. Interview recorded by H ib L jev di, gust ۱۹۸۲

شهریور؛ روز خونین تهران»، مسعود بهنود، بی بی سی فارسی، ۷ سپتامبر ۲۰۰۴ م.

این پژوهش، به بیش از هفده هزار نفر رسیده است که بیشتر آنها شهروندان و نخبگان شیعه بوده اند. بنابراین به جرئت می توان گفت که مردم ایران، بزرگ ترین قربانیان ترور در سه دهه گذشته بوده اند.^(۱) همچنین براساس آمارها بیش از پنج هزار نفر نیز در اثر این اقدامات تروریستی، مجروح و معلول شده اند. از این میان، تعداد دوازده هزار نفر به دست گروه تروریستی مجاهدین خلق، معروف به منافقین، به شهادت رسیده اند. یکی از معروف ترین اقدامات تروریستی منافقین، انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی بود که در ۷ تیر ۱۳۶۰ منجر به شهادت سید محمد حسینی بهشتی و ۷۵ نفر از مسئولان و اعضای این حزب شد.^(۲) در روز ۸ شهریور ۱۳۶۰ نیز محمدعلی رجایی، رئیس جمهور، و محمدجواد باهنر، نخست وزیر وقت، به همراه اعضای هیئت دولت، در انفجار دفتر نخست وزیری به شهادت رسیدند و اجساد آنها به گونه ای سوخت که شناسایی آنها ممکن نبود.

همچنین شهیدان محراب آیت الله مدنی تبریزی، آیت الله محمدعلی قاضی طباطبایی، آیت الله عبدالحسین دستغیب، آیت الله محمد صدوقی و آیت الله عطاءالله اشرفی اصفهانی، یکی پس از دیگری به دست سازمان مجاهدین خلق، به شهادت رسیدند.^(۳) برخی دیگر از مهم ترین نخبگان سیاسی - مذهبی که قربانی ترور سازمان یافته منافقین شدند، عبارت اند از: «محمدصادق اسلامی، غلامحسین حقانی، عبدالحمید دیالمه، مهدی رجب بیگی، رضا پاک نژاد، سید کاظم موسوی، مجید شریف واقفی، علی صیاد شیرازی، حسن عباس پور، حسن عضدی، محمدعلی فیاض بخش، علی قدوسی، محمود قندی، محمد

ص: ۴۷۹

۱- (۱) ر. ک: دائرة المعارف شهدای ترور جمهوری اسلامی ایران، کانون هایبیلیان (خانواده شهدای ترور کشور). نشانی در

شبکه ی جهان پهنا: [www. H ili .ir](http://www.Hili.ir)

۲- (۲) . Twelver Shi'ism, by Mooj ک Intoroduction to Shi'i Isl , The History d Doctrines . (۲) -۲
Momen, Y e University Press, P e ۲۹

۳- (۳) ر. ک: شهدای روحانیت شیعه در یکصد ساله اخیر، علی ربانی خلخالی، ج ۱ و ۲.

کچوئی، موسی کلانتری، اسدالله لاجوردی، محمدجواد شرافت، محمد منتظری، هوشنگ وحیددستجردی و سید عبدالکریم هاشمی نژادو...

کشتار نماز گزاران جمعه

صدام حسین آخرین روز پنج شنبه سال ۶۳ اعلام کرده بود که فردا نماز جمعه تهران را منفجر می کند و این بین مردم پیچیده بود. در حالی که عراق، مردم را از رفتن به نماز جمعه می هراساند، در ۲۴ اسفند ماه ۶۳، نماز با صلابت هرچه تمام تر به امامت آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور و امام جمعه وقت، برگزار شد. در این روز، منافقین با برنامه قبلی، نماز جمعه را بمب گذاری کردند و چهارده نفر را شهید و ۸۸ نفر را زخمی کردند. به گفته حاضران، مردم نه تنها خطبه ها را قطع و دانشگاه را ترک نکردند، بلکه با صلابت هر چه بیشتر، در همان صف های به هم فشرده، به امامت آیت الله خامنه ای ادامه دادند. (۱)

۸. فجایع جریانات قوم گرا نظیر کومله و دموکرات علیه مردم مسلمان شیعه در غرب ایران

اشاره

صدام دیکتاتور عراق برخی عناصر تجزیه طلب کرد ایرانی را در دستگاه اطلاعاتی و امنیتی (استخبارات) خود به کار گرفت و با بودجه هنگفتی از آنها خواست برای سرنگونی جمهوری اسلامی دو گروه تشکیل دهند. در این میان، آمریکا از طریق سازمان اطلاعاتی خود، «سیا» و رژیم صهیونیستی از طریق «موساد» به حمایت از این گروه ها پرداختند. وظیفه اصلی این دو گروه که به نام کومله و دموکرات خوانده شدند، ایجاد تفرقه و ایجاد افکار تجزیه طلبانه میان مردم کردستان و قتل مردم کردهای هوادار نظام اسلامی بود.

کومله و دموکرات شروع به عضوگیری کردند و در نهایت با انجام عملیات های

ص: ۴۸۰

۱- (۱) بخش تاریخ ایران و جهان، پایگاه اطلاع رسانی تبیان، نشانی در فضای مجازی: <http://www.tebyan.net/newindex.px?pid=167666>

تروریستی، منطقه کردستان را به آشوب کشیدند؛ چنان که در پاوه، در اقدامی هماهنگ، به مردم بی دفاع حمله کرده و ضمن به آتش کشیدن مغازه ها و خانه های حامیان جمهوری اسلامی و کشتار آنها، به دختران و زنانشان تجاوز کردند.

امام خمینی رحمه الله از دکتر چمران خواست برای دفاع از مردم به منطقه برود.^(۱) امام رحمه الله ضمن پیامی به جنایات این گروهک، چنین اشاره کردند:

اینها سر پاسداران را بریدند، زن های مردم را به گروگان بردند، دست رنج مردم را به آتش کشیدند. به قوای انتظامیه و سپاه دستور اکید داده ام که غائله کردستان را ختم نموده و مردم شریف آن را از دست ضد انقلابیون نجات دهند.

شهید دکتر چمران، با نبوغ نظامی موفق شد عناصر ضد انقلاب را در کردستان شکست دهد. ولی عملیات های تروریستی آنان ادامه یافت. جنایات حزب کومله و دموکرات، به حدی وحشتناک و غم انگیز بود که امام رحمه الله طی بیست روز، ۲۴ حکم، پیام و سخنرانی درباره کردستان داشت. یکی از غم انگیزترین جنایات آنها کشتار جمعی زندانیان «دوله تو» بود. زندان دوله تو در روستایی به همین نام بود و تحت کنترل حزب دموکرات کردستان ایران قرار داشت. گفتنی است حدود چند صد تن از زندانیان نیروهای دولتی، اعم از نیروهای سپاه، ارتش، ژاندارمری، جهاد سازندگی و پیشمرگان کرد مسلمان در آن نگهداری می شدند. این زندان در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۰، طی برنامه ریزی مشترک دموکرات و رژیم صدام بمباران شد و بسیاری از اسرای آن کشته شدند.^(۲)

ص: ۴۸۱

۱- (۱) کومله و حزب دموکرات، دشمن اصلی مردم کردستان، نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.bultnews.com/news/۵۷۲۷>

۲- (۲) منابع و مستندات از: انجمن حمایت از قربانیان ترور در کردستان، نشانی در فضای مجازی: www.Diuniri.com.
ر. ک: روایتی از جنایات دموکرات ها در زندان «دوله تو». خبرگزاری فارس، ۱۷/۰۳/۹۰. و گزارش کانون خانواده قربانیان ترور در ایران: <http://www.hili.ir/vill-ny-documents>

حزب کومله نیز به جای دفاع از مردم کشورش، دوشادوش صدام، دست به اقدامات تروریستی تمام عیار علیه جمهوری اسلامی ایران زد. یکی از اهداف صدام در تجهیز کومله و دموکرات جلوگیری از صدور امواج انقلاب اسلامی به شیعیان و مسلمانان عراق بود. طبعاً با درگیر کردن مردم در یک جنگ گسترده، نمی توانستند از انقلاب اسلامی الگو بگیرند و از سرنگونی رژیم دیکتاتوری عراق جلوگیری می شد. (۱) کومله، به فرمان صدام، مردم کردستان عراق را نیز سرکوب می کرد. از آنجا که در آن زمان پیشمرگان بارزانی و طالبانی در کوه ها مستقر بودند، کومله به آنها نزدیک شدند، خود را دوست آنها معرفی کردند و از این طریق ضربات مهلکی را بر آنها وارد ساختند.

صدام حسین بارها با رهبران کومله، برای اتخاذ نقشه و طرح توطئه های جدید علیه مردم ایران، دیدار کرد. وی زمین های شخصی مردم کردستان عراق را به زور اسلحه گرفت و برای تأسیس اردوگاه نظامی در اختیار کومله گذاشت. (۲) گفتنی است در این میان ده ها کومله نیز که با هزاران امید، فریب این گروهک را خورده بودند، به وسیله تیم های ترور گروهک کومله کشته شدند. (۳) همچنین برخی روستاهای شیعه نشین منطقه نیز قربانی تصفیه قومی و مذهبی گروه های تجزیه طلب، خصوصاً کومله شد که به دو مورد آن اشاره می کنیم:

قتل عام روستای محمد شاه و بگیم قلعه نمونه ای از فجایع کومله

در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۵۹ ه. ش، عناصر کومله، با سلاح های سنگین به روستای محمد شاه سفلی سولدوز حمله کردند. آنها ابتدا خانه های مردم، مسجد روستا و شرکت

ص: ۴۸۲

-
- ۱- (۱) ر. ک: «حقایق تکان دهنده در خصوص کومله»، نشانی در فضای مجازی: <http://sh.kk.ir/news/56760>
 - ۲- (۲) از آن جمله می توان از اردوگاه های زرگویز و زرگویزله نام برد که هم اینک نیز در اشغال کومله هستند.
 - ۳- (۳) یکی از این افراد، حسین محمدی، اهل سقز بود که تیم نظامی کومله، شبانه وی را به همراه پدرش، به طرز وحشتناکی کشتند؛ منبع: سایت رسمی سیاسی افشاگری (کومله ۱۹۱۷): <http://kom.eh1917.com>

تعاونی را به آتش کشیدند و سپس تعدادی زن و کودک را که به مسجد پناه برده بودند، به شهادت رساندند. در این حمله تروریستی، یازده نفر از اهالی روستا شهید و هفت نفر دیگر زخمی شدند.^(۱)

همچنین گروهک کومله دوبار به روستای بگیم قلعه، هجوم آورد: حمله اول در ۲۳ آبان ۵۹ و حمله دوم در ۲۹ آبان ۵۹ ه. ش بود که طی آن تعدادی از روستاییان، شهید و مجروح و افرادی نیز به گروگان گرفته شدند.^(۲)

۹. کشتار جمعی شهرهای مرزی ایران توسط بعثی ها

الف) تلاش بعثی ها برای القای جنگ قومی - مذهبی علیه شیعه

بعثی های عراق از همان ابتدا، جنگ خود را نبرد اسلام علیه مجوس خواندند تا قتل عام شیعیان ایران را توجیه کنند. آنها همان موضوعات مضحکی که وهابی های تکفیری در نجد عربستان، از سال ها پیش، برای قتل عام مردم عراق طرح کرده بودند، مطرح کردند که همان کافر، مشرک و مجوس خواندن شیعیان بود. افسران جنایتکار بعثی، مدافعان مرزها و حتی غیر نظامیان ایرانی را که اسیر می کردند، در آتش می سوزاندند و می گفتند اینها آتش پرست هستند و نهایت آرزوی آنها این است که آنها را بسوزانیم.^(۳) در طول

ص: ۴۸۳

۱- (۱) منبع پیشین. نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: kom.eh1917.blog.com همچنین ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی انجمن حمایت از قربانیان ترور در کردستان (دیوار و نادیار): <http://di.un.i.com/Members/Print.le.px?itemid=85>

۲- (۲) نشانی پیشین.

۳- (۳) اسیری بود به نام ابوالعلی در پادگان حشمتیه. وی می گفت ما حدود سوسنگرد پاسدارانی را اسیر کردیم و بردیم، بنزین بر سر آنها ریختیم و آنها را سوزاندیم. وقتی دلیل آن را پرسیدیم، گفتند: «اینها آتش پرستند و آرزویشان سوختن در آتش است»؛ گفت و گوی فارس با مرتضی سرهنگی، نشانی در فضای مجازی: <http://www.teby.net/newmobile.px/Comment/index.px?pid=75562>

جنگ، عالم نمایان متعصب سلفی، کینه توزی را از حد می گذرانند و صدام را شمشیر اسلام معرفی می کردند. کشورهای عربی منطقه با نام نهادن صدام به عنوان «سردار و فاتح قادسیه»، «افتخار عرب» و «صلاح الدین ایوبی زمان»، میلیاردها دلار کمک بلاعوض به رژیم صدام نمودند. عراقی ها در بسیاری از عملیات ها خسارات بسیاری می دیدند، اما چند ماه نمی کشید که صدام با امکانات بیشتر و جدیدتر وارد عرصه می شد. این مسئله حاصل نمی شد جز با پول عرب های منطقه و حمایت های شرق و غرب. در این میان، انگلیس، آمریکا و شوروی بیشترین نقش را در تجهیز صدام برای جنگ با ایران داشته اند. (۱) تاریخ هنوز هم از گفتن آنچه بر ملت ایران گذشت، ناتوان است. نظامیان بعثی، پس از تصرف مناطق اشغال شده ایران، از هیچ جنایتی علیه غیرنظامیان فروگذار نمی کردند؛ به طوری که در حمله غافلگیرانه خود به شهرهای مرزی ایران در سال ۱۳۵۹ ه. ش، بعد از تخریب

ص: ۴۸۴

۱- (۱) فرمانده سابقک BI، درباره خدمات صدام به آمریکا می گوید: موقعیت جغرافیایی عراق و همسایگی آن با ایران و عربستان و دیگر کشورهای شرقی جهان عرب و همچنین ترکیه و شکاف فرقه ای آن، باعث شد ما این کشور را بهترین میدان برای نزاع شیعیان ایران و سنی های سلفی عربستان انتخاب کنیم. در اینجا باید به نقش صدام اشاره کنیم. وی از زمان به قدرت رسیدن در سال ۱۹۷۹ خدمات فراوانی به ما کرده است؛ چراکه رهبران بعثی را اعدام کرد و سپس وارد جنگ ویرانگر با ایران شد و به کویت حمله کرد و تمام بهانه های لازم را برای حمله به عراق و محاصره و تحقیر و در نهایت اشغال آن برای ما فراهم کرد. حتی بیچاره بعد از سرنگونی اش نیز به ما خدمت کرد؛ چراکه ما موفق شدیم از طریق نمایش دادگاه تلویزیونی، از او قهرمان سنی عربی بسازیم که قربانی این نمایش، افراد متعصب شیعی بودند. این موضوع نقش تعیین کننده ای در تغذیه درگیری فرقه ای داشت؛ ر. ک: «خدمتی که صدام پس از مرگش به آمریکایی ها کرد/ عراق رمز نزاع شیعه و سنی»، نشانی

مقاله در فضای مجازی: <http://www.mhrehghnews.ir/news/285017>

کامل شهر، به قتل عام فجیع مردم پرداختند. (۱)

مردم شهرهای دیگر ایران نیز هر روز شاهد بمباران خانه هایشان بودند. در کنار بمباران هوایی، حملات موشکی نیز آغاز شد. موشک های زمین به زمین، تلفات جانی سنگینی برجای گذاشت. مجموع کشته شدگان حملات هوایی عراق به مناطق مسکونی ایران ۱۵۹۵۹ نفر اعلام شده است. علاوه بر آن، بعثی های عراق، در ۲۰ فوریه ۱۹۸۶ م، یک فروند هواپیمای مسافری تهران - اهواز را هدف قرار دادند که همه مسافران کشته شدند. در ۱۵ اکتبر ۱۹۸۶ م نیز در یک حمله هوایی به فرودگاه شیراز، یک هواپیمای مسافری روی باند، هدف بمباران قرار گرفت. در این حمله، سی مسافر هواپیما جان خود را از دست دادند. (۲)

ب) قتل عام هویزه نمونه ای از جنایات بعثی ها

یکی از جنایات بعثی ها پس از اشغال هویزه، زنده به گورکردن تعدادی بی گناه و سوزاندن تعدادی دیگر از غیر نظامیان بود. (۳) همچنین روستاهای این منطقه نیز تخریب

ص: ۴۸۵

۱- (۱) تخریب شهرها با دینامیت و بلدوزر و تبدیل واحدهای مسکونی و تجاری و مساجد به تلی از خاک و غارت اموال مردم از دیگر تعرضات بعثی های عراق در شهرهای مرزی ایران بود؛ از جمله تخریب شهر هویزه با دینامیت و بلدوزر و تبدیل ۱۸۰۰ واحد مسکونی و تجاری و سه مسجد و دو حسینیه به تلی از خاک و غارت اموال، مردم از دیگر تعرضات دشمن در آن شهر بود. نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.irn.ir/News/۸۰۶۴۸۰۷۸>

۲- (۲) جنگ عراق علیه ایران ۳، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://ser.net.org/post/det> ۱-۴-۲۵-۲-۱

۰-۱۲

۳- (۳) از جمله یکی از اسرای عراقی که در هویزه حضور داشت، می گوید: «نیروهای ما عده زیادی از غیرنظامیان را دستگیر کرده بودند. فرمانده، ستوان عطاوان، به ما دستور داد که پیرزنی را که دختر جوانی هم همراهش بود، بیرون سنگر نگه داریم و دختر جوان را داخل سنگر بفرستیم. تقریباً نیم ساعت از ورود آن دختر جوان به سنگر عطاوان گذشته بود که متوجه شدیم آن دختر وحشت زده از سنگر خارج شد و پا به فرار گذاشت. به همراه چند سرباز به داخل سنگر هجوم بردیم، دیدیم سر ستوان عطاوان از بدنش جدا شده و به گوشه ای افتاده بود. سربازها دختر را گرفتند و به مقر سرهنگ احمد هاشم بردند. سرهنگ دستور داد آن دختر و مادر را با یک گالن بنزین آتش بزنند. گروهبان دوم،

شدند؛ به طوری که بنا بر اعتراف سربازان عراقی، هنگامی که یک ستوان دوم بعثی تکریتی، به نام نصر، در منطقه هویزه از نقطه نامعلومی هدف گلوله قرار گرفت، به تلافی آن، سرگرد عراقی، زید یونس، دستور داد روستایی را که احتمال تیراندازی از آنجا بود، طوری بکوبند که حتی یک نفر زنده نماند. (۱) سپس وارد روستا شدیم، دیدیم عده ای از اهالی بر اثر گلوله های توپخانه کشته شده اند. بقیه را اسیر کردیم. بیشتر اسرای مجروح، زن بودند و تعدادی هم بچه کوچک به همراه داشتند. یکی از این زن ها باردار و دیگری هم قلم هر دو پایش شکسته بود که از پشت نفربر آویزان بود... سرگرد زید یونس، بلافاصله به طرف یکی از سربازان رفت و سرنیزه او را گرفت و به طرف آن زن باردار هجوم برد. وقتی به او نزدیک شد، سرنیزه را داخل شکم آن زن فرو برد. صحنه ای عجیب و باورنکردنی بود. سرگرد زید گفت: «من می خواهم با نمایش این افراد، عاطفه سربازانم را نسبت به ایرانیان از بین ببرم». (۲)

ج) تراژدی شکنجه و قتل اسرای ایرانی به دست بعثی ها

شکنجه و قتل اسرای ایرانی به دست بعثی ها یکی از بزرگ ترین تراژدی های تاریخ معاصر بشر در سال های پایانی قرن بیستم میلادی است. تعداد اسرای ایرانی کشته شده بیش از شش هزار نفر تخمین زده شده است. (۳) تنها یک افسر ارشد گارد

ص: ۴۸۶

۱- (۱) ویژه نامه خرمشهر، خاطرات یک افسر بعثی؛ کارنامه جنایت های ما در خرمشهر، ۱۳۹۲/۰۳/۰۴، شماره انتشار ۱۸۴۱۲.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) ر. ک: اسرای ایرانی کشته شده بیش از شش هزار نفر، جنگ عراق علیه ایران ۳، نشانی گزارش در فضای مجازی:

<http://ser.net.org/post/det1-4-25-2-12.px>

ریاست جمهوری عراق، در بازجویی خود در سال ۲۰۰۷ م با اعتراف به شکنجه، سوزاندن و قطع اعضای بدن اسرا به مباشرت در قتل عام هزار اسیر ایرانی اعتراف کرد.^(۱) وی که سرهنگ عبدالرؤف الباطن نام داشت، اعتراف کرد که در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۵ م و در سال پنجم جنگ، ۲۲ نوجوان ایرانی را که همگی زیر بیست سال داشتند، با شلیک تیر خلاص به شهادت رساند. البغدادی، محقق عراقی، از قول این جنایتکار بعثی می گوید: صدام در اعدام بیش از ۴۵۰ اسیر ایرانی، مستقیم و به همراه گروهی از همراهان همیشگی خود، دست داشته است. البغدادی، در تحقیقات خود، با بررسی این اعترافات به این نتیجه رسیده است که ماشین جنگی جنایات صدام، در طول جنگ، شش هزار اسیر ایرانی را به شکل فجیعی قتل عام کرده است.^(۲)

ص: ۴۸۷

۱- (۱) «علی البغدادی»، محقق و کارشناس عراقی با اعلام این مطلب گفت: «این افسر بعثی، از جلادان صدام علیه مردم عراق و ایران است که به خوبی به زبان فارسی مسلط بود و با آغاز تجاوز بعثی ها به ایران مأموریت یافت اسرای ایرانی را بازجویی کند. این افسر بعثی که به دریافت مدال از صدام نائل شده بود، در جریان بازجویی های خود اعتراف کرد: اسرای ایرانی را پیش از به شهادت رساندن، شکنجه های شدید می داده است؛ برای مثال درباره یک اسیر ایرانی که بر اثر اصابت مین پایش را از دست داده بود، اعتراف کرد زمانی که این اسیر را بازجویی می کردم، به علت مقاومتش، شروع به قطع انگشتان دستش نمودم. پس از قطع هر انگشت و به فاصله هر دو دقیقه، محل قطع شده را با فندک می سوزاندم تا اینکه تمام انگشتانش را بریدم، اما مقاومت حیرت آور او که بسیار جوان هم بود، مرا خشمگین ساخت و با اره پای او را نیز قطع کردم. اما این اسیر ایرانی هیچ اطلاعاتی نداد. در پرونده این جنایتکار جنگی کشتار و اعدام های فجیع شیعیان و کردهای عراقی نیز دیده می شود»؛ ر. ک: جدیدترین جنایات صدام در کشتار اسرای ایرانی، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://snews.com/newstext.php?nn=8709160888>

۲- (۲) بسیاری از اسرای ایرانی که با شکنجه های قرون وسطایی در اردوگاه های شمال عراق و در کردستان این کشور به شهادت رسیدند، در قبرستان های پراکنده در بیابان ها و تپه های این استان با لباس های کردی دفن شدند. به گفته افسران بعثی، مقامات دولت مرکزی در بغداد از دیدن فیلم های شکنجه اسرا لذت می بردند. حتی این فیلم ها به دفتر صدام و عدی نیز ارسال می شد. یکی از شیوه های قتل عام اسرا عبور دادن تانک از روی آنها بود. سرهنگ بعثی، عبدالرؤف الباطن، در اعترافات خود می گوید: «دستور دادیم گروهی از غواصان اسیر ایرانی را، در حالی که دست هایشان با سیم های ویژه مخابرات بسته شده بود، در کنار یکدیگر به موازات بخوابانند. آنگاه تانک را از روی

گویا اندیشه ضد شیعی و ضد ایرانی، در ایدئولوژی حزب بعث نهادینه شده بود؛ چراکه عزت ابراهیم الدوری، معاون سابق صدام حسین و رهبر بعدی حزب منحل شده بعث، قبل از کشته شدنش در بیانیه های متعدد، شیعیان عراق را تهدید کرد که به دلیل حمایت ایران از آنها قتل عام خواهند شد.^(۱) وی بارها از عراقی ها خواسته بود که همچنان به خون ایرانی ها تشنه باشند. وی حتی تهدید کرده بود اگر دوباره قدرت را به دست گیرد، در اولین اقدام، به ایران حمله خواهد کرد. اگرچه وی سنی مذهب بود و اعتقادات دینی نداشت ولی هنگامی که به شیعه ای برخورد می کرد، به شدت طایفه ای می شد. وی از چهره های مؤثر در اعدام شیعیان و کردها در زمان صدام بود و بسیاری از جوخه های اعدام را شخصاً اداره می کرد. در اعدام های بعد از انتفاضه شعبانیه و سرکوب شیعیان در سال ۱۹۹۱ م، جزو فرماندهان اصلی بود. وی قبل از هلاکت مدعی شد که در عراق به سر می برد و از خاک عراق، فعالیت های تروریستی را که به آن نام «مقاومت» می دهد و عموماً شیعیان را هدف قرار می دهد، هدایت می کند.^(۲)

ص: ۴۸۸

۱- (۱) وی جزو افراد معدود تحت پیگرد مجامع بین المللی و نیروهای عراقی بود که نهایتاً به قتل رسید. وی بیشتر فعالیت های تروریستی عراق را خود هدایت می کرد و در پیمانی که با القاعده بسته بود، نقشی مستقیم در کشتار مردم عراق با هدف تضعیف حکومت مرکزی ایفا می کرد. علی موسوی خلخالی، عضو هیئت تحریریه دیپلماسی ایرانی، الدوری تشنه به خون ایران، نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.irdiplom y.ir> کک ۱۹۲۵۵۷۷/p e/

۲- (۲) همان.

اشاره

در یک دهه گذشته چند گروه تروریستی تکفیری در شرق ایران تأسیس شدند که معروف ترین آنها گروهک جندالله و جیش العدل بود. برخی اقدامات خونین گروهک تروریستی جندالله در نسل کشی شیعیان، به قرار زیر است:

- ۲۵ بهمن ۸۵ ه. ش: در انفجار خودروی بمب گذاری شده در مسیر اتوبوس سپاه پاسداران در بلوار شارالله زاهدان، ۱۳ پاسدار، شهید و ۳۰ نفر دیگر زخمی شدند.

- ۷ خرداد ۸۸ ه. ش: گروهک ریگی، مسئولیت انفجار بمب در یکی از مساجد شیعیان زاهدان را برعهده گرفت که در این حادثه، ۲۵ نفر شهید و بیش از ۱۲۰ نفر زخمی شدند.

- ۲۶ مهر ۸۸ ه. ش: جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه و جمع دیگری از فرماندهان ارشد و سران عشایر سنی بلوچ، در بمب گذاری انتحاری در شهر سرباز، به شهادت رسیدند. گروهک ریگی مسئولیت این حمله را برعهده گرفت. (۱)

الف) فاجعه ناسوکی

در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۸۴ ه. ش، عوامل گروهک تروریستی جندالله، به سرکردگی عبدالملک ریگی، در جاده زاهدان - زابل با لباس مبدل مأموران انتظامی، راه را بر خودروهای مسئولان محلی و مردم عادی بستند و ۲۸ نفر را دست بسته تیرباران کردند. عده ای را نیز گروگان گرفتند که بعدها یکی از آنها را کشتند. بیشتر قربانیان، شهروندان عادی سیستان و بلوچستان بودند. گروهک تروریستی جندالله بهانه های مذهبی - سیاسی را عامل این اقدام اعلام کردند. (۲) برخی مسئولان، از جمله مسئول حراست فرمانداری، مسئول حراست امور آب زاهدان و یکی از روحانیون عضو دفتر نمایندگی ولی فقیه در

ص: ۴۸۹

۱- (۱) ر. ک: گروه جندالله (گاهشمار ناامنی در استان سیستان و بلوچستان)، نشانی مقاله در فضای مجازی:

[http://en.wikipedi.org/wiki/Jund I-Ir](http://en.wikipedi.org/wiki/Jund_I-Ir)

۲- (۲) دائرة المعارف شهدای ترور، جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۲۳.

استان سیستان و بلوچستان، از شهدای این حادثه بودند. فرماندار زاهدان و معاونش نیز میان زخمیان این حادثه بودند.^(۱)

ب) فاجعه دارزین

در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۵ ه. ش، گروهک جندالله، مسیر بم - کرمان را مسدود کرد و با متوقف کردن چهار خودرو، مالکان آن را از ناحیه سر به گلوله بستند و تنها یک پسر دوازده ساله، به عنوان شاهد قتل عام، به تیر چراغ برق بستند. تروریست ها فیلم این حادثه دلخراش را در فضای مجازی پخش کردند.^(۲)

ج) تاسوعای خونین چابهار

در تاسوعای حسینی در سال ۱۳۸۵ ه. ش، نزدیک مسجد امام حسین علیه السلام در چابهار، دو نفر از عوامل گروهک منحل جندالله، با عملیات انتحاری، باعث قتل عام ۳۲ نفر از شهروندان شدند که میان آنها نوزاد دو ماهه، کودک چهارساله و پیرمرد و پیرزن دیده می شد. گفته می شود دو نفری که این عملیات انتحاری را انجام دادند، قبلاً وهابیان آنها را در مدارس پاکستان چنین شست و شوی مغزی داده بودند که اگر شیعیان را بکشند، به بهشت خواهند رفت.^(۳)

۱۱. فجایع تکفیری ها در نقاط دیگر ایران

الف) خوزستان

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، گروهی از عوامل قوم گرا با عنوان «جبهه خلق عرب»

ص: ۴۹۰

۱- (۱) گروه جندالله، همان.

۲- (۲) دائره المعارف شهدای ترور، ص ۳۲۴؛ «نگاهی به شکل گیری گروهک تروریستی جندالله»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۳ مرداد ۱۳۸۸ ه. ش.

۳- (۳) دائره المعارف شهدای ترور، ص ۳۲۸.

تحت رهبری فردی به نام «شیخ شبیر خاقانی»، در منطقه خرمشهر به کشتار مردم بی گناه دست زدند و بعد از حمله ارتش بعث به ایران، این گروه به عوامل ستون پنجم عراق در مناطق مختلف خوزستان تبدیل شدند. یکی از اهداف آنها این بود که خوزستان را از پیکره ایران جدا کنند که با ایستادگی مردم غیور و رشادت عشایر عرب که با تقدیم دوازده هزار شهید در طول جنگ تحمیلی همراه بود، این توطئه نقش بر آب شد. پس از جنگ، گروه های تروریستی، نظیر «گروه الاحوازیه» که ادامه همان «جبهه خلق عرب» بود، به فعالیت های خونین خود ادامه دادند. اما این بار ترویج وهابی گری، با هدف ایجاد شکاف و گسست مذهبی بین قومیت های استان خوزستان ایران، در دستور کار قرار گرفت. به دنبال وقوع حوادث خونبار فروردین ۱۳۸۴ ه. ش، مستندات شفافی به دست آمد که حاکی از فعالیت های گسترده اطلاعاتی برخی کشورهای عربی، با هدف تغییر مذهب تشیع در استان خوزستان بود؛ چراکه وجه اشتراک اساسی عرب های خوزستان با جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر ایرانی بودنشان، شیعه بودن آنهاست. درحالی که شیخ نشین های عرب حوزه خلیج فارس، حاضر به تشکیل یک دولت مستقل شیعی عربی در کنار خود نیستند. لذا راهکار تغییر مذهب را به گروه های تجزیه طلب ارائه دادند. در سال های اخیر، به منظور ترویج وهابیت در خوزستان، شبکه های ماهواره ای متعددی از جمله شبکه های صفا، نور، وصال عربی، وصال فارسی، مکه، المجد، الفجر، المستقله و البدر و تعدادی ایستگاه رادیویی و بیش از یکصد سایت اینترنتی به تبلیغ وهابیت و جذب مخاطب مشغول شدند. ضمن آن که مشوق ترور و بمب گذاری نیز بودند(۱) تا جایی

ص: ۴۹۱

۱- (۱) حضور جریان وهابیت در استان خوزستان، در مقایسه با سایر مناطق مرزی کشور، از رابطه معنادار و متفاوتی برخوردار بود که اذعان آن بسی جای تأمل دارد. به گفته رهبر فرزانه انقلاب: «خوزستان دروازه ورود تشیع به ایران است». البته شواهد نشان داده که افراد تجزیه طلب، اساساً اسلام را، اعم از شیعه و سنی باور ندارند؛ از جمله در گروهک تضامن الیدیمقراطی الاهواز، به جایی می رسد که برخی اعضای گروه، برای اینکه پناهندگی شان در انگلیس به سرانجام برسد، علناً از تغییر دین خود به مسیحیت می گویند؛ ر. ک: «همه حقایق درباره حزب تروریستی تضامن الیدیمقراطی الاهواز در انگلیس»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.snews.com/print le.php?nn = ۱۳۹۱۱۰۱۷۰۰۰۰۹۲>

که از طریق این شبکه ها، گروهک تروریستی «حزب النهضة العربی الاحواز» مسئولیت بمب گذاری های خوزستان را در سال ۱۳۸۴ ه. ش که به شهادت و مجروحیت بیش از ۳۵۰ نفر منجر شد، به عهده گرفت. این گروه تروریستی و گروه های نظیر آن، ارتباط تنگاتنگی با سلفی های تکفیری منطقه دارند و رشد آنها از سرمایه گذاری گسترده دستگاه امنیتی سعودی در راستای گسترش فرقه وهابیت حکایت می کند (۱). در جریان دستگیری عوامل بمب گذاری های پیاپی سال ۱۳۸۴ ه. ش در اهواز، روشن شد که از مجموع ۴۶ نفر دستگیر شده، ۴۴ نفر دارای عقاید وهابیت هستند. براساس اطلاعات موثق، این عده از سوی اسرائیل، آمریکا و انگلیس حمایت می شدند و از عوامل وهابیت در ایران بودند. (۲)

ب) مناطق کردنشین

در مناطق کردنشین شمال غربی ایران بنیان های فکری سلفی گری به صورت های هر چند ضعیف وجود داشته و فعالیت های زیرزمینی این گروه ها برای اهالی این مناطق انکارناپذیر است. تلاش برای نفی گفتمان های مشروعیت ساز نظام حاکم، مانند ولایت فقیه، تأکید بر شکاف های مذهبی، نفی ملی گرایی و سعی در ایجاد تفرقه، مهم ترین جنبه های عملی گروه های سلفی در کردستان ایران است. این گروه ها می کوشند با شکل بخشیدن به ایده های خشک مذهبی، دگم اندیشی فکری، نفی عقل گرایی و انکار وجود سازه های مدرن در مناطق کردنشین ایران، زمینه را برای ساختارشکنی و قدرت طلبی

ص: ۴۹۲

۱- (۱) برخی منابع خبری در سال ۱۳۹۲ ه. ش گزارش داده اند که آل سعود، با پرداخت بودجه چند صد میلیون دلاری، موفق شد نزدیک به ۲۵۰۰ نفر را تنها در شهر اهواز و حومه آن در استان خوزستان ایران، پیرو فرقه وهابیت کند؛ ر. ک: «۲۵۰۰ ایرانی در اهواز وهابی شدند!»، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.s.ir/link/۲۸۷۰۰۶>

۲- (۲) شیعه نیوز، رد خون شیعه بر چهره وهابیت، نشانی گزارش در فضای مجازی: کد خبر: ۶۶۷۵۷، تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۰۹. <http://www.shi news.com/news/۶۶۷۵۷>

سیاسی خود مهیا کنند. (۱) حسن زاده، معاون سیاسی امنیتی استاندار کردستان، با بیان اینکه گروه های سنتی ضد انقلاب اکنون دیگر در استان مرده اند، گفت: «امروز گروه های افراطی سلفی و وهابی در کردستان مشغول به فعالیت هستند. (۲) آنها نه تنها شیعیان، بلکه اهل تسنن مخالف تکفیر را مورد هدف قرار می دهند». (۳)

۱۲. فجایع گروه های تروریستی دیگر

در ۲۴ فروردین ۱۳۸۷ ه. ش، در حسینیه شهدای شیراز، پس از نماز مغرب و عشا، در حادثه تروریستی گروهک «تندر» (انجمن پادشاهی)، چهارده نمازگزار به شهادت رسیدند و ۲۰۲ نفر دیگر مجروح شدند. در این حسینیه، جلسات بحث با موضوعات مختلف درباره وهابیت، بهائیت و... با هدف روشن گری و هدایت جوانان برگزار می شد که گاه تا ده هزار نفر از این مراسم استقبال می کردند. (۴)

ص: ۴۹۳

۱- (۱) «درآمدی بر پنداره های سلفی گری و وهابیت در کردستان ایران»، صدیق پیغامی، نشانی مقاله در فضای مجازی:

<http://www.kipress.ir/index.px?siteid=۱۲p&eid=۳۸۸&newsview=۱۵۹۸۱>

۲- (۲) «هشدار درباره افراطیون سلفی کردستان»، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.mshrehghnews.ir/news/۲۴۶۴۵۲>

۳- (۳) ماموستا برهان عالی، امام جمعه مسجد شهرک بهاران سنندج، در سال ۸۸ ه. ش، پس از بازگشت از نماز تراویح، کنار منزلش ترور شد. وی عضو شورای افتای مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور بود. همچنین ماموستا محمد شیخ الاسلام نیز نماینده کردستان در مجلس خبرگان رهبری و از جمله هدف های اصلی زنجیره ترورها و سوءقصد های کردستان در سال ۱۳۸۸ ه. ش بود. وی در روز ۲۷ شهریور، هنگام خروج از منزل، هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. یکی از سردسته های گروه تروریستی اعلام کرد: «دلیل اصلی آنها برای ترور ماموستا برهان عالی، مخالفت های صریح وی با گروه های سلفی بود». ترور شهید راه تقریب در رمضان، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.mers.com/component/content/ticle/۵۴-۱۳۸۹>

۴- (۴) جریانات تکفیری حتی در تهران نیز دست به ترور زدند؛ از جمله با مراجعه به منزل حجت الاسلام والمسلمین «شیخ مهدی اسناوندی» از روحانیون سرشناس منطقه ورامین، از وی می خواهند برای اقامه نماز میت بر جنازه یک شخص بی بضاعت با آنان همراه شود. پس از آن جنایتکاران وی را ربوده و به امامزاده هاجر، واقع در جاده چرمشهر - ورامین بردند. سپس ایشان را به ضریح امامزاده بسته و با ریختن بنزین، به آتش کشیدند. پزشکی قانونی اعلام کرد وی، پیش از به آتش کشیده شدن، مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته است. پایگاه خبری - تحلیلی شیعه نیوز، جنایت هولناک وهابیت این بار در تهران، کد خبر: ۲۰۳۰۲، تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.shi.com/news/۲۰۳۰۲>

الف) حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران

۳ ژوئیه ۱۹۸۸ م، ناو یواس اس وینسنس آمریکا، هواپیمای ایرباس آ - ۳۰۰ مسافربری ایران را به شماره پرواز ۶۵۵ ایران ایر، مورد اصابت دو فروند موشک ریم - ۶۴ استاندارد قرار داد و منهدم کرد. در این حادثه ۲۹۰ نفر مسافر بی گناه قتل عام شدند.

ب) ربودن دیپلمات ها و ترور دانشمندان ایرانی توسط رژیم صهیونیستی

حزب فلالانز لبنان، در چهاردهم تیرماه ۱۳۶۱ ه. ش، سه دیپلمات و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران را در بیروت ربود. در آن زمان، ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان حمله کرده بود و حزب فلالانز، همکاری نزدیکی با این رژیم اشغالگر داشت. اگرچه ابتدا گفته می شد که سید محسن موسوی، کاردار جمهوری اسلامی ایران در بیروت و همراهانش کشته شده اند، اما شواهد و مدارک موجود، حاکی از آن است که آنها در اسارت رژیم صهیونیستی می باشند. با وجود اقدامات متعدد جمهوری اسلامی، برای آزادسازی دیپلمات ها و اتباع خود از چنگال رژیم صهیونیستی، این رژیم هنوز به این کار تن نداده است. (۱) همچنین اسرائیل به ترور تعدادی از دانشمندان هسته ای ایران، مانند اردشیر حسین پور، مسعود علی محمدی، مجید شهریاری، فریدون عباسی و مصطفی احمدی روشن اقدام کرد که منابع خبری غربی دست داشتن موساد در این ترورها را تأیید کرده اند؛ از جمله روزنامه انگلیسی ایندپندنت، در مقاله ای با عنوان «کشنده ترین ترورکنندگان جهان»، از موساد با نام «ماشین قاتل بی رحم اسرائیل» نام برد و با برشمردن ترورها گفته است: «در همه این ترورها امضای سرویس مخفی اسرائیل دیده می شود به نوشته اورشلیم پست، فرمانده ارتش اسرائیل، روز قبل از این

ص: ۴۹۴

حمله گفته بود: «سال ۲۰۱۲ سالی بحرانی برای ایران خواهد بود و اتفاقاتی غیر طبیعی برای این کشور رخ خواهد داد».(۱)

گفتار دوم: نسل کشی و کشتار جمعی مسلمانان شیعه در عراق

اشاره

اگرچه سابقه تشیع در عراق تقریباً با سابقه اسلام برابر است، اما شیعیان عراق مظلوم ترین شیعیان عرب زبان به شمار می روند. آنان از آغاز از جانب خلفای اموی و عباسی رانده شده و بارها با کشتارهای گسترده ای روبه رو شدند. بویهیان شیعه مورد کینه توزی شدید حنابله و گروه های افراطی، نظیر بربهاریان بودند و به خاطر جایگاه مرکزی سرزمین بین النهرین، بعدها با دست به دست شدن قدرت میان کشورگشایان گوناگون، نظیر سلجوقیان، ایلخانان، تیموریان، آق قویون لوها و قره قویون لوهای ترکمن، می بایست برای سرکوب و کشتار تازه، پیوسته آماده باشند. تسلط صفویان شیعه بر عراق و بغداد مدت زیادی طول نکشید و با هجوم عثمانیان و چرخش قدرت از شاهان صفوی به سلاطین عثمانی و بالعکس، این شیعیان عراق بودند که با غضب سلاطین و پاشایان عثمانی روبه رو و قتل عام می شدند.

پس از فروپاشی عثمانی، این بار نوبت به انگلیسی ها رسید که از شیعیان مقاوم عراق و بین النهرین، در جریان حرکت استقلال کشور، انتقام بگیرند و حاکمیت را در اقلیت سنی منحصر کنند. در دوره پادشاهی و سپس حاکمیت کمونیست ها باز این شیعیان بودند که بیشترین سرکوبی ها و کشتارها را متحمل شدند. با حاکمیت بعثی ها نیز دسته دسته به مسلخ فرستاده شدند و با سرنگونی بعث در عراق، این بار نوبت به گروه های تروریستی وهابی و سلفی رسید که قلب آکنده از کینه خود را با کشتن زن و مرد و کودک شیعه، تسکین دهند.(۲)

ص: ۴۹۵

۱- (۱) Report: Isr l's Moss sc es b k covert oper ions in Ir .

۲- (۲) دکتر محمد احسان، مسئول سیاسی و محقق کرد، معتقد است: «خاک عراق پر از اجساد شیعیان است. ما اگر بخواهیم به تاریخ عراق نظر بیفکنیم، عراق پر از حسین است»؛ «حقایق تکان دهنده در خصوص کومله»، نشانی مقاله در فضای مجازی:

http://sh.کک.کک.ir/ک ۵۶۷۶۰/news

انگلیسی ها در سال ۱۹۱۴ م، در جریان جنگ جهانی اول، به عراق هجوم آوردند. ولی ترکان عثمانی که به مدت چهار قرن، با حاکمیت زورمدارانه خود، منابع شیعیان این کشور را در اختیار داشتند، در عرصه نظامی سیاستی ضعیف و متشتت را در پیش گرفتند و تنها به شیخ الاسلام خود دستور دادند که فتوای جهاد بدهد. در حکومت عثمانی، شیعیان از بدیهی ترین حقوق محروم بودند. آنها به فرزندان شیعه عراق اجازه ورود به مدارس و دانشکده های نظامی را نمی دادند؛ چنان که حتی یک نفر شیعه نظامی رسمی آموزش دیده در ارتش عثمانی حضور نداشت. عثمانی آنان را از اموال و حتی اوقاف مربوط به شیعیان محروم و فرزندانشان را از تحصیلات عالیه ممنوع کرده بود. اما از طرفی هم نمی توانستند اشغال بخشی از سرزمین اسلام را به دست مسیحیان بیگانه تحمل کنند. از این رو ضمن رد پیشنهادهای و وعده های انگلیسی ها فتوای جهاد صادر کردند و راهی جبهه ها شدند.

بر آورد انگلیسی ها این بود که شیعیان، به دلیل محرومیتی که خلافت عثمانی بر ایشان تحمیل کرده بود، جانب انگلیسی ها را بگیرند. حتی زمانی که سنی های تندرو به میرزا محمدحسن شیرازی در سامرا سوء قصد کردند، کنسول بریتانیا برای کمک به ایشان اعلام آمادگی کرد که تقاضایش از سوی میرزا محمدحسن رد شد. میرزا پاسخ داد: «ما هر دو طرف مسلمانیم و نیازی به دخالت شما میان خود نداریم». این در حالی بود که علمای شیعه می توانستند همان کار مشیخه الاسلام رسمی در بغداد که نماینده قانونی مشیخه الاسلام استانبول بود، برای مقابله با اشغالگران انگلیسی هیچ اقدامی نکرد را انجام دهند. ولی علمای شیعه، با بسیج نیروهای مردمی داوطلب در سه جبهه و به رهبری علمایی مانند شیخ مهدی حیدری، شیخ الشریعه، محمدسعید حبوبی، سید محسن حکیم، شیخ مهدی و شیخ محمد خالصی، وارد نبرد با اشغالگران شدند. (۱)

ص: ۴۹۶

۱- (۱) ر. ک: هفته نامه پگاه حوزه، «مظلومیت تاریخی شیعه در جغرافیای عربی»، ش ۲۰۷، ۱۳۸۶ ه. ش، نشانی مقاله در

فضای مجازی: <http://vist.ir/ticle/۳۰۴۶۳۴>

گفتنی است علمای شیعه می توانستند به قاعده فقهی ای که سید بن طاووس طرح کرده بود، عمل کنند که می گفت: «ان الحاکم الکافر العادل، افضل من الحاکم المسلم الجائر». با این حال این کار را نکردند و دولت عثمانی را یاری کردند. عجیب اینجا بود که عالمان سنی دستگاه عثمانی که سال ها از موقوفات مذهبی عراق ثروت فراوانی اندوخته بودند، به طرز معناداری در صحنه نبرد با انگلیس غایب شدند^(۱) و غالب آنها از کمک به دولت عثمانی و شیعیان مدافع عراق، سر باز زدند. به گونه ای که شخصیت های برجسته ای مانند شوکت پاشا، عبدالمجید الشاوی، مراد بک سلیمان، محیی الدین کیلانی، احمد ندیم، مصطفی واعظ و رأفت سنوی، اصلاً در جهاد شرکت نکردند. عجیب تر اینکه بسیاری از آنان پنهانی با انگلیسی ها کنار آمدند.^(۲)

الف) اعتراف لورنس به قتل عام ده هزار نفر تنها در یک فصل

گفتنی است نه تنها شیعیان عراق، که شیعیان خوزستان ایران نیز مقابل تجاوز انگلیس ایستادند؛ نظیر جبهه القرنه که علمایی نظیر مهدی حیدری، شیخ الشریعه اصفهانی، مصطفی کاشانی، علی داماد و عبدالرزاق حلوی، در دفاع از آن شرکت داشتند و در هویزه علمایی نظیر مهدی خالصی، محمد خالصی، جعفر شیخ رازی، عبدالکریم الجزایری و عیسی کمال الدین مردم را رهبری می کردند. نتیجه این جهاد شیعی، شهادت هزاران نفر از شیعیان و شماری از علما، چون آیت الله سید محمدسعید حبوبی و شکست در برابر اشغالگران و اشغال عراق و اعدام یا تبعید و شکنجه بسیاری مجاهدان بود.^(۳) لورنس، در مقاله ای که در نشریه «سندی تایمز» در ۲۴ اوت ۱۹۲۰ م به چاپ رساند، در این باره نوشت:

ص: ۴۹۷

۱- (۱) شیعه و حکومت در عراق، حسن العلوی، صص ۵۹-۶۷.

۲- (۲) ر. ک: دورالشیعه فی تطور العراق السیاسی الحدیث، ص ۵۴.

۳- (۳) همان، بغداد، محمدعلی کمال الدین، ۱۹۷۱ م.

ترک ها سالانه دویست نفر عرب را در عراق می کشتند. درحالی که ما حدود ده هزار نفر عرب را فقط در یک فصل تابستان به قتل رساندیم. برای ما ادامه چنین وضعی میسر نیست؛ زیرا عراق کشوری فقیر و اهالی در آن پراکنده هستند.

لرد کرزن، وزیر خارجه وقت انگلستان، در مجلس اعیان اظهار داشت: «در صورتی که می توانستیم، ارتشی محلی تجهیز می کردیم، اما آنها (عراقی ها) مایل به خدمت در ارتش نیستند»^(۱). انگلیسی ها بعد از آن که مجبور به ترک عراق و دادن استقلال به این کشور شدند، به جنایت بزرگ تری دست زدند؛ به این صورت که حاکمیت را به دست اقلیت سنی عراق سپردند؛^(۲) تا پیش از تجزیه عراق از عثمانی، شیعیان در امپراتوری عثمانی اقلیت بودند و انگلیسی ها می گفتند که به کمک این اقلیت آمده اند. اما با تشکیل عراق و تجزیه آن از عثمانی، وضع متفاوت شد: اکنون شیعیان اکثریتی قاطع را در اختیار داشتند؛ درحالی که اهل سنت بیش از ۱۹ درصد جمعیت این کشور را تشکیل نمی دادند. آنها به این نتیجه رسیده بودند که حکومت اقلیت، همواره نیازمند پشتیبانی خارجی است تا از آن در مقابل اکثریت از آنها حمایت کند. حاکمیت بخشیدن به اقلیت سنی برای سیاست انگلیس که باقی نگه داشتن عراق در سلطه استعماری خویش را دنبال می کرد، وصفی کاملاً آرمانی بود؛ اگرچه اکثریت عراقی ها قربانی این سیاست باشند. چنین اقلیت حاکمی، برای تداوم سلطه خود، هیچ راهی جز پناه جستن به استبداد نخواهد داشت؛ زیرا در صورت اتکا به الگوی نمایندگی پارلمانی، به طور طبیعی، قدرت به اکثریت منتقل می شود. از این رو امکان ندارد حاکمی که در اقلیت قرار دارد، شیوه ای دموکراتیک در پیش گیرد که لازمه طبیعی آن بیرون آمدن قدرت از چنگ خود وی خواهد بود.

ص: ۴۹۸

۱- (۱) مقاله لورنس، منتشره در ساندی تایمز در ۲۲ اوت ۱۹۲۰ م آمده است؛ به نقل از: العلوی، شیعه و حکومت در عراق،

ص ۱۷۷.

۲- (۲) همان.

سال ۱۹۴۱ م نیز یادآور حرکت جهادی شیعه در سال ۱۹۱۴ م بود. در این سال، علمای دین، فتوایی درباره جنگ با انگلیسی ها صادر کردند. قبایل فرات مرکزی به سوی جبهه ها به راه افتادند. آنها زخم های التیام نیافته خود را فراموش کردند؛ زنان سیاهپوش شیعه، مردانی را که در سوق الشیوخ اعدام شدند، به فراموشی سپردند و مردان قبایل شیعه نیز خانه های به آتش کشیده شده را ندیده گرفتند و اختلافات داخلی را کنار گذاشتند و کنار ارتش و به فرماندهی افسران، با انگلیسی ها جنگیدند.^(۱)

(ب) خیانت ترکان عثمانی به مسلمانان شیعه مدافع عراق

ترک ها در جریان تجاوز انگلیس به عراق به جای نبرد با انگلیسی ها به شهرها و روستاهای شیعه می ریختند و مانند گذشته، شیعیان را می کشتند. شیخ محمدرضا شبیبی در خاطراتش می گوید:

نیروهای ترک، به فرماندهی حسین رئوف، در اثنای جنگ به روستاهای مناطق فرات مرکزی هجوم می بردند، مردم را می کشتند و اموال آنها را غارت می کردند. در این شیخون ها حتی تعدادی از طلاب علوم دینی که مردم را دعوت می کردند تا همراه ترک ها در جهاد شرکت کنند، کشته شدند. شیخ جعفر فرزند شیخ محمدتقی شیرازی، رهبر استقلال عراق، یکی از کسانی بود که در اثر حمله ترک ها کشته شد.^(۲)

(ج) قتل عام زعمای شهر شیعه نشین حله

نیروهای ترک، به فرماندهی عاکف بک، محله های اصلی و مردمی حله را که تعداد قابل توجهی از اهالی آنها در جهاد علیه انگلیسی ها شرکت کرده بودند، به توپ بستند. عاکف بک بزرگان حله را به منظور مذاکره مسالمت آمیز دعوت کرد. ولی وقتی آنها

ص: ۴۹۹

۱- (۱) شیعه و حکومت در عراق، العلوی، ص ۱۹۳.

۲- (۲) ثوره النجف، حسن الاسدی، ص ۹۲؛ به نقل از: شیعه و حکومت در عراق، ص ۷۵.

وارد مقر او شدند، هفده چوبه دار بر پا کرد و همه آنها را به دار آویخت! وی در اقدامی غیر انسانی تعدادی از زنان بی گناه حله را نیز جمع کرد و تحت عنوان اسیر به آناتولی فرستاد.^(۱)

۲. فجایع انگلیسی ها در ثوره العشرین عراق

اشاره

در سال ۱۹۲۰ م مردم عراق، انقلابی علیه اشغال انگلیسی ها برپا کردند که به ثوره العشرین معروف است. این انقلاب نه تنها موجب استقلال عراق گردید، بلکه طرح استعمار گران انگلیسی و فرانسوی را در ایجاد خاورمیانه ای بر مبنای اهداف خودشان، نقش بر آب کرد.^(۲) محور اصلی ثوره العشرین شیعیان بودند که با رهبری علامه میرزا محمد تقی شیرازی، معروف به میرزای شیرازی دوم، انجام شد و نهایتاً استعمار انگلیس را مجبور به پذیرفتن استقلال عراق کرد؛^(۳) به همین دلیل انگلیسی ها به تعداد زیادی از روستاها و شهرهای شیعه نشین حمله کردند و در این حملات تعداد زیادی قتل عام شدند.

فهرست شهرها و روستاهای قتل عام شده در ثوره العشرین

فهرست اسامی روستاها و شهرهایی که در آنها کشتار جمعی شیعه اتفاق افتاد و خانه های آنها در آتش خشم انگلیسی ها سوخت، بدین شرح است: «رمیثه، رانجیه، رستمیه، حمزه، دبله، مزیدیه، روبیانه، بوسعید، رواشد، الحسین، بیرمانه، جمیعات، فنهره،

ص: ۵۰۰

۱- (۱) شیعه و حکومت در عراق، ص ۷۶.

۲- (۲) انگلیسی ها و فرانسوی ها به دنبال طرح هایی نظیر توافق بر سر واگذار کردن موصل به فرانسه، ارتباط سیاسی - اقتصادی بصره با نایب السلطنه انگلیس در هند، کوچ دادن هندی ها به جنوب عراق، کوچ دادن بخشی از یهودیان به شمال عراق و... بودند؛ شیعه و حکومت در عراق، ص ۱۳۷.

۳- (۳) ایده آمیختگی شیعه با ناسیونالیسم ایرانی را نخستین بار انگلیسی ها پس از مقاومت ملی و جنبش استقلال طلبانه و جهادی شیعیان عراق علیه اشغال گران انگلیس در دهه ۱۹۲۰ میلادی مطرح کردند تا بهانه لازم را برای سرکوبی شیعیان برای خود و عوامل خود دست و پا کنند. همان.

ساده، بنی منصور، کفل، طویریج، مسیب، محاوایل، دغاره، قوجان، هاشمیه، جسر سویر، نجف، کوفه، شامیه، ابوصخیر، مشخاب، مهناویه، حمیدیه، حیره، سوق شیوخ، مندلی مقدادیه، کفری، شطره، ناصریه، قلعه صالح، جرف صخر، هندیه و عفک»^(۱).

جعفر خلیلی، آنچه را خود در روزهای انقلاب مشاهده کرده است، چنین حکایت می کند:

از پشت بام خانه های نجف، تا چندین روز، شعله های آتش روستاهایی که می سوختند، دیده می شد. مردم شب ها در تل معروف به الجبل که در پشت محله المشراق در نجف واقع است، جمع می شدند و تا نصف شب در آنجا می ماندند تا سوختن خانه های کشاورزان، مزارع و انبارهای آنها را که به دست انگلیسی ها به آتش کشیده شده بود، تماشا کنند. بیننده از فراز کوه ها آن شعله های آتش را مانند آتشفشانی فعال می دید که شعله هایش کم نمی شود.^(۲)

۳. فجایع نظام پادشاهی علیه مسلمانان شیعه عراق

تأسیس نظام پادشاهی در عراق، با اقدام عمدی انگلیسی ها در سپردن حکومت به دست اقلیت اعراب سنی همراه بود. وقتی عراق جدید تأسیس شد و ملک فیصل در عراق روی کار آمد، درحالی که حدود ۶۰ درصد جمعیت عراق را شیعه تشکیل می داد، دو وزیر بدون وزارتخانه به شیعه ها دادند. رژیم پادشاهی با برنامه ریزی و کمک انگلیسی ها به سرعت دست به تأسیس ارتش مجهز زد که هدف اصلی آن کنترل و سرکوبی شیعیان بود. دستگاه امنیتی پادشاهی و ارتش آن، در برخی مواقع، با کوچک ترین بهانه ای آن چنان فجایعی علیه شیعه عراق ایجاد کردند که فجایع انگلیسی ها در مقابل آن کمرنگ می شد. العلوی در این باره می نویسد:

ارتش در قتل عام اهالی رمیثه، در ۱۹۳۶ م، آن چنان ضرب شستی از خود نشان داد که

ص: ۵۰۱

۱- (۱) شیعه و حکومت در عراق، ص ۱۴۳.

۲- (۲) علی هامش الثورة العراقية الكبرى، ص ۱۰۶؛ به نقل از: شیعه و حکومت در عراق، ص ۱۴۲.

ارتش انگلستان در پی حمله خود به این منطقه در سال ۱۹۲۰ م آن چنان رفتار نکرده بود. هوایماهای نظامی، منطقه را مورد حمله قرار دادند و با انقلابیون به شدیدترین وضع ممکن رفتار کردند؛ به طوری که تعداد زیادی از آنها بدون محاکمه تیرباران شدند. نیروهای ارتش به مناطق فرات مرکزی [شیعه نشین] حمله می کردند، دادگاه های صوری تشکیل می دادند و اقدام به صدور احکام اعدام و اجرای فوری آن می کردند.^(۱)

تا به حال منبعی که به صورت خاص به فجایع نظام پادشاهی علیه شیعه عراق پرداخته باشد، دست نیافته، ولی از لابه لای اسناد و مدارک، ارقام وحشت آوری از بی رحمی مأموران نظام پادشاهی عراق علیه شیعیان نشان یافت می شود.

۴. فجایع فرقه گرایان در زمان جمهوری

خاندان سلطنتی، در سال ۱۹۵۸ م، با کودتایی خونین روبه رو شد. تمامی اعضای خانواده سلطنتی و نخست وزیری قتل عام شدند. جنازه اعدام شدگان برای مدت ها در خیابان های بغداد باقی مانده بود.^(۲) می توان گفت تاریخ سیاسی معاصر عراق، با جنگ، خشونت، اقتدارگرایی و بحران، پیوند یافته است. در دوران بعد از جنگ دوم جهانی، شاهد شکل گیری چهار کودتای خشونت آمیز در عراق بوده ایم؛ کودتاهایی که در سال های ۱۹۵۸-۱۹۶۸ م نقش تعیین کننده ای در شکل بندی قدرت سیاسی در این کشور داشته اند. در تمام این کودتاها این نخبگان اقلیت سنی بودند که در قالب احزاب کمونیستی، ملی گرا و بعثی، حاکمیت را قبضه می کردند و درباره سرکوبی و قتل عام اکثریت شیعه کشور، اشتراک عمل داشتند. تنها در حکومت عبدالکریم قاسم (سال ۱۹۵۸ م)، تبعیض ها و محرومیت های شیعیان تا اندازه ای کاهش یافت و از شانزده وزیر وی، شش تن شیعه بودند؛ هرچند هیچ یک از وزارتخانه های مهم، مانند دفاع، خارجه و

ص: ۵۰۲

۱- (۱) شیعه و حکومت در عراق، ص ۱۸۵.

۲- (۲) همان.

کشور به شیعیان سپرده نشد. ورود به مدارس و دانشگاه های نظامی برای نخستین بار برای شیعیان مجاز شد. با تصویب قانون اصلاحات ارضی در زمان او، کشاورزان فقیر - که بیشتر شیعه بودند - از سلطه نظام فئودالی رها شدند و تفتیش های مذهبی و گزینش های تبعیض گرا لغو شد.^(۱) اما با کودتای عارف و تسلط تدریجی بعثی ها، وضعیت نه تنها به قبل برگشت، بلکه به مراتب شدیدتر شد.

۵. آغاز نسل کشی مسلمانان شیعه در عراق توسط بعثی ها

جنایات بعثی ها موضوعی نیست که در یکی دو جلد کتاب قابل نوشتن باشد. بلکه سال ها باید بگذرد و گورهای دسته جمعی یکی پس از دیگری کشف شود و شکنجه گاه های مخفی و اسناد و مدارک بررسی شود تا بخشی از عمق جنایات بعثی ها برای جهانیان آشکار شود. در این مجال تنها به ذکر چند مورد شاخص از این جنایات اشاره می شود.

در سال ۱۹۶۳ م، پس از کودتای عبدالسلام عارف، بعثی ها به تدریج در لایه های قدرت قرار گرفتند و ضربه های سنگینی به شیعیان وارد آمد. عارف حتی به آن دسته شیعیانی که او را در رسیدن به قدرت، حمایت و تأیید کردند، رحم نکرد. تاریخ آن دوره عراق، شاهد رشد بی سابقه کمونیسم و رونق فعالیت کمونیست هاست؛ چنان که حتی به درون خانواده بسیاری علما نیز رسوخ کرده بود و همین خطر، سید محسن حکیم را واداشت تا در فتوایی، پیوستن به حزب کمونیسم را تحریم و کمونیسم را کافر و ملحد بداند. از آنجا که کمونیست ها با عبدالکریم قاسم میانه خوبی داشتند، حزب بعث، پس از کودتا علیه عبدالکریم قاسم، با اعضای این حزب تسویه حساب کرد. اما حتی در تسویه حساب بعثی ها با کمونیست ها نیز رد پای شیعه ستیزی آشکار است.

ص: ۵۰۳

۱- (۱) پدر عبدالکریم قاسم سنی و مادرش شیعه بود و شاید همین امر که مادرش شیعه بوده، در روحیه متسامح او مؤثر افتاده باشد؛ شیعه و حکومت در عراق.

افسران پلیس در تعقیب، بازجویی و شکنجه کمونیست‌ها که از خانواده‌های شیعه بودند، نسبت به رفقای آنان از خانواده‌های سنی، شدت عمل بیشتری به خرج می‌دادند. لیست‌های اعدام کمونیست‌ها، مختص کسانی بود که ریشه خانوادگی شیعه داشتند و حتی یک کمونیست سنی اعدام نشد؛ حتی برخی کمونیست‌های شیعه که اساساً فعالیت سیاسی نداشتند، از کلاس درسشان در دانشکده پزشکی، به سوی جوخه‌های اعدام برده شدند. درحالی‌که رفقای سنی‌شان در همان دانشکده که فعال‌تر و برجسته‌تر از اینان بودند، مشمول عفو و چشم‌پوشی قرار گرفتند.^(۱)

بنابراین پس از کشته شدن عبدالکریم قاسم و سقوط دولت وی و روی کار آمدن عبدالسلام عارف، غمبارترین فصل تاریخ شیعه ورق خورد. مردم عراق با حاکمانی که دینشان ناسیونالیسم عربی، ضد اسلامی و بنیان‌گذار آن میشل عفلق مسیحی بود، مواجه شدند. در این دوران، اگر چه تمام ملت عراق، ستم‌های بی‌شمار کشیدند، ولی مرارت‌های شیعه مضاعف بود. البته ناگفته نماند که در رده‌های پایین حزب بعث و ارتش، شیعیان هم حضور داشتند، ولی جهت‌گیری رژیم، کاملاً ضد شیعی بود.

۶. کشتار جمعی عزاداران اربعین حسینی در زمان حسن البکر

پس از عارف، حسن البکر به قدرت رسید و از همان ابتدا بر روند سرکوبگر و خشونت‌آمیز علیه شیعیان شدت بخشید؛ از جمله اقدامات او منع مراسم مذهبی شیعیان بود. در عراق، عزاداران حسینی به صورت دسته‌جمعی و در قالب کاروان، پیاده به سوی کربلا می‌رفتند که این حرکت مقدس، چندین نوبت از طرف رژیم بعث عراق، سرکوب شد؛ چنان‌که در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ ه. ق زائران به خاک و خون کشیده شده و از آسمان و زمین به گلوله بسته شدند. در سال ۱۳۹۷ ه. ق، وقتی به کربلا

ص: ۵۰۴

۱- (۱) شیعه و حکومت در عراق؛ پگاه حوزه، مظلومیت تاریخی شیعه در جغرافیای عربی، مجید مرادی، ص ۱۸، ش ۲۰۵، اردیبهشت ۱۳۸۶.

رسیدند، حوادثی شدیدتر پیش آمد و کسانی کشته و جمع بسیاری دستگیر شدند و نهضت شیعی آن سال، در خاطره تاریخ ثبت شد.^(۱)

۷. قتل عام و آوارگی شیعیان ایرانی تبار

اشاره

بعثی ها همواره کینه و حس نفرتی عمیق نسبت به شیعیان ایران داشتند. رژیم صدام حسین در سال ۱۳۵۹ ه. ش پس از سناریوی «دانشگاه المستنصریه» که در آن یک زد و خورد مسلحانه بین حزب بعث و گروهی نامشخص در گرفت و طارق عزیز و تعدادی دیگر از مسئولان وقت عراق زخمی شدند، عملیات قتل و آوارگی گسترده ایرانی تباران آغاز شد. صدام از ایرانیان ساکن عراق خواست از طریق وزارت کشور، برای تحصیل تابعیت عراق اقدام کنند. این فراخوانی در واقع دامی بود که این افراد شناسایی و سپس در عملیاتی موسوم به «التهجیر» به ایران رانده شوند. از این رو اموال بیش از یک میلیون انسان بی گناه^(۲) مصادره شد و خانه های شان به عنوان «ولیمه» در اختیار سران حزب بعث یا خانواده نظامیانی که با ایران مشغول جنگ بودند، قرار گرفت.^(۳) دکتر صاحب حکیم، مقرر حقوق بشر در عراق، در کتاب خود می نویسد:^(۴)

ص: ۵۰۵

۱- (۱) «رعد الموسوی» که خود از شاهدان حادثه بوده، در کتاب «انتفاضه صفر الاسلامیه» این حادثه را نقل کرده است؛ ر. ک: پیام انقلاب، سلسله مقالات «زیارت» شماره های ۱۵۶-۱۶۳ سال ۶۴ و ۶۵؛ به نقل از: فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، صص ۴۶ و ۴۷.

۲- (۲) در اکتبر سال ۱۹۹۰ م مقامات ایران طی گزارشی تعداد مهاجران عراقی را در نیمه آن سال، بیش از یک میلیون نفر اعلام کردند. مقامات کمیساریای عالی پناهندگان بر این تصور بودند که شمار این افراد پانصد هزار نفر است. اما قبول داشتند که درباره آنها اطلاعات کاملی ندارند؛ ر. ک: دانشنامه آزاد انگلیسی، «ایرانیان عراق»، نشانی در فضای مجازی:

http://en.wikipedia.org/wiki/Ir_ک_

۳- (۳) دادگاه عالی عراق، طی حکمی که به تأیید پارلمان این کشور نیز رسیده، اخراج معاودین را عملی در راستای نسل کشی دانسته است که اینک به استناد آن می توان حقوق این جامعه را احراز کرد؛ گزارش خبرنگار ایسنا: علی صفری، نشانی در فضای مجازی: <http://isn.ir/news/91030905557> ک

۴- (۴) موسوعه عن قتل و اضطهاد مراجع الدین و علماء و طلاب الحوزه الدینیه لشیعه فی بلد المقابر الجماعیه (العراق) ۱۹۶۸-۲۰۰۳ م، صاحب الحکیم، الصف والاخراج محمد الحسینی.

سعدون غیدان از حزب بعث صدامی، وظیفه اخراج صدها هزار عراقی را به جرم اصالت ایرانی برعهده گرفت. ولی ارمنیان آنها را استثنا کرد؛ یعنی تنها شیعه به جرم اصالت ایرانی باید اخراج می شد. (۱)

قتل عام نگره سلمان

رژیم بعث، پس از مصادره کردن اموال ایرانی تباران و رهاکردن آنها در مرزها با دست خالی و پای پیاده، حدود ۱۲ هزار نفر از نوجوانان ایشان را از ترس اینکه برای ایران بجنگند، گروگان گرفت و بعدها همه را در «نگره سلمان» به قتل رساند. علاوه بر آن در سال ۱۹۹۱ م، هنگامی که جنبش انتفاضه شعبانیه در بصره سرکوب شد، باز بسیاری از ایرانی تباران شیعه به زندان افتادند یا به قتل رسیدند و زنان و فرزندان این افراد، نخست به کربلا گریختند، سپس به مدد فعالان جنبش انتفاضه، برخی از آنان توانستند به ایران بگریزند. (۲)

۸. قتل عام خاندان های علمی در عراق

اشاره

قتل عام خاندان هایی نظیر حکیم، بحرالعلوم، صدر و... ضربه هولناکی بر حوزه علمیه کهن مسلمانان شیعه نجف اشرف بود. (۳) اخراج علما، طلاب و مردم عادی عراق به جرم اصالت ایرانی، تنها شامل شیعیان می شد.

شهادت سیدمحمدباقر صدر و قتل عام نزدیکان ایشان

پس از درگذشت آیت الله العظمی سیدمحسن حکیم، مردم به شهید صدر، به عنوان

ص: ۵۰۶

۱- (۱) همان، ص ۱۳۷۰.

۲- (۲) موسوعه عن قتل و اضطهاد مراجع الدین و علماء و طلاب الحوزه الدینیه لشیعه فی بلد المقابر الجماعیه (العراق) ۱۹۶۸-

۲۰۰۳ م، صاحب الحکیم، الصف والاخراج محمد الحسینی.

۳- (۳) ر. ک: قتل العلماء فی العراق یجسم الظاهره الفرعونیة، سید محمدباقر حکیم.

رهبری شناخته شده توجه کردند. او به علت مبارزاتش با حکومت بعث، بارها دستگیر شد. در حرکت اربعین سال ۱۳۹۷ ه. ق، آیت الله صدر هر چه در توان داشت، به هیئت های عزادار مساعدت کرد. به دنبال آن قیام تاریخی، آیت الله صدر را دستگیر و هشت ساعت تحت شکنجه جسمی و روحی قرار دادند؛ چنان که آثار آن شکنجه ها، تا پایان عمر، در بدنش نمایان بود. سرانجام در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۱۶ ه. ش (۱۴۰۰/۵/۱۹ ه. ق) او را دستگیر کردند و به بغداد بردند و پس از سه روز صدام حسین وی و خواهرش بنت الهدی صدر را به شهادت رساند. شهید صدر یکی از متفکران کم نظیر شیعه در سده اخیر است. (۱)

حزب الدعوه که از سال ۱۹۵۸ م فعال بود، از اندیشه های شهید صدر بهره فراوان می برد. ولی بعثیان شمار فراوانی از اعضای حزب الدعوه را قتل عام کردند. (۲) اساساً در دوره بعثی ها کوچک ترین اتهام وابستگی به حزب الدعوه، مساوی با اعدام شخص بود و چه بسا بی گناهان زیادی حتی با تشابه اسمی به اعضای حزب الدعوه عجلولانه اعدام می شدند.

۹. قتل عام دجیل نمونه ای از قتل عام های دهه هشتاد میلادی در عراق

شهرک دجیل، در نزدیکی شهر بلد، در سال ۱۹۸۲ م شاهد قتل عام ۱۴۳ نفر از مردانشان در یک روز بودند. بعدها صدام براساس پرونده دجیل به اعدام محکوم شد. (۳)

ص: ۵۰۷

-
- ۱- (۱) ر. ک: زندگی و افکار شهید صدر، سید کاظم حسینی حائری، ترجمه حسن طارمی، ص ۳۵.
 - ۲- (۲) علامه سید مرتضی عسکری و پیروان سیدمحمدباقر صدر، در سال ۱۹۵۷ م این حزب را تأسیس کردند که ابتدا در قامت یک جنبش مذهبی اصلاح طلب پدیدار شد و به ترویج ارزش های اسلامی، افزایش آگاهی سیاسی و مقابله با سکولاریسم پرداخت. این حزب در دهه ۱۹۷۰ م، با افزایش نفوذ، به یک جریان انقلابی تبدیل شد و به مقاومت مسلحانه در برابر حکومت پرداخت. نخست وزیران سابق عراق، ابراهیم الجعفری و نوری المالکی، هر دو از اعضای این حزب بوده اند: مرزدار مکتب اهل بیت، محمدباقر ادیبی لاریجانی، ص ۱۳۸؛ اطلس شیعه، ص ۳۹۴.
 - ۳- (۳) اطلس شیعه، ص ۳۸۷.

۱۰. کشتار جمعی علیه ترکمانان شیعه

بعثی ها در دهه ۱۹۸۰ میلادی، بسیاری از ترکمانان شیعه را به اتهام وابستگی به حزب الدعوه کشتند یا تبعید کردند و پس از انتفاضه شعبانیه نیز به قتل عام آنها پرداختند. اگرچه ترکمانان شیعه و سنی همواره با یکدیگر ارتباط خوبی داشتند، ولی اقدامات تکفیری ها موجب شد برای نخستین بار تعدادی از ترکمانان سنی، در شهر تلعفر، دست به کشتار هم نژادهای شیعه خود بزنند تا آنان را از شهر برانند. (۱)

۱۱. نسل کشی کردهای شیعه عراق

بنابر اعلام منابع عراقی، حدود دو میلیون کرد شیعه در استان های مرکزی و شرقی این کشور زندگی می کنند که کرد فیلی نامیده می شوند. (۲) طبق مقاله منتشره شده در مجله کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (مارس ۲۰۰۴ م) ۶۵ درصد از دویست هزارتن آوارگان عراقی در ایران، کرد فیلی بوده اند؛ به طوری که در پاییز ۱۹۷۱ میلادی، بیش از ۴۰/۰۰۰ تن از فیلی ها، از عراق رانده شدند. تاکنون تعداد آوارگان فیلی از ۱۰۰/۰۰۰ تا ۳۰۰/۰۰۰ نفر برآورد شده اند و مشخص نیست که چه تعداد لر (کرد) فیلی در عراق باقی ماندند. اما طبق گزارشات، طی سال های ۱۹۷۰-۱۹۸۸ م، رژیم بعث، اوراق هویت، اسناد مربوط به اموال، مدارک اشتغال و کلیه مدارک عراقی بودن لرهای فیلی را جمع آوری و آنان را به ایران و سایر کشورهای جهان تبعید کرد. همچنین بسیاری از آنان را به زندان های مخوف فرستاد که هیچ گاه به خانه بازنگشتند.

ص: ۵۰۸

۱- (۱) همان، ص ۳۸۸.

۲- (۲) البته برخی از منابع آنها را لر می خوانند و به آنها لر فیلی می گویند. لذا گاه در تشخیص لرهای عراق با کردهای فیلی اشتباه می شود: ر. ک: اللور (الکورد) الفیلیون فی الماضی والحاضر، عبدالجلیل فیلی، ر. ک: <http://lee.org/books/book12.htm> همچنین ر. ک: <http://lee.org/books/bo>

رژیم صدام، در دهه ۱۹۸۰ م، خانواده کردهای شیعه عراق را به ایران کوچاند و هفده هزار نفر از جوانان هیجده تا سی ساله آنها را زندانی و اواخر دهه ۱۹۸۰، قتل عام کرد. بعد از اشغال عراق به دست آمریکایی ها، گورهای دسته جمعی زیادی کشف شد که اجساد هزاران تن از عراقی ها از جمله کردهای شمال عراق، اعراب شیعه و لرهای فیلی در آنها دفن شده بود. (۱)

دکتر محمد احسان، مسئول کنونی مناطق کردنشین بیرون حکومت اقلیم، معتقد است:

بعث عراق از سال ۱۹۷۹ م به مرحله ای رسید که تصمیم گرفت با کشتار، مشکلات خود را حل کند. ابتدا از کردهای فیلی که شیعی بودند شروع کرد. در این دوره رژیم از کشتن فرد به کشتار جمعی روی آورد. این دوره، از سال ۱۹۷۹ و این نقطه عطف تحولات عراق است. مفهوم کشتار جمعی با [کردها] کردهای فیلی شروع می شود و در سال ۱۹۸۳ م به مرحله از بین بردن نسل کردها در منطقه بارزان می رسد. بارزانی ها صریح ترین و روشن ترین پرونده کشتار جمعی در حقوق بین الملل هستند. در قوانین بین الملل اگر شما بخواهید و نیت کشتار داشته باشید، این شامل موضوع کشتار جمعی می شود و در ابتدای سال ۱۹۷۹ م کردهای فیلی یا کردهای شیعی مذهب، با این اتهام که آنها ایرانی هستند، در تیررس رژیم بعث قرار می گیرند. اصطلاح کشتار جمعی از عراق شروع شده است. این سرزمین، سرزمین جینوساید و کشتار جمعی است. با توجه به موارد مذکور، اقدامات صورت گرفته علیه لرهای عراق، چه به طور خاص و چه عام، به عنوان نسل کشی شناخته شده است؛ به طوری که پارلمان عراق، در سال گذشته میلادی، طرحی را در این مورد تصویب نموده است و طبق آمارهای سازمان های مختلف بین المللی، همچون کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و...، کشتار و تبعید لرهای عراق، در مقیاس وسیع و طی

ص: ۵۰۹

۱- (۱) پاکسازی عراق از وجود لرهای فیلی، محمد مؤمنی موهگویی، نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://۱۳۰۰۴۹.blo> com/post-۵۷. px

سالیان متمادی و با هدف پاکسازی عراق از وجود لره‌های فیلی صورت گرفته است. (۱)

با گذشت ده سال از سرنگون شدن رژیم صدام، همچنان گورهای این جوانان کُرد عراقی در حال کشف شدن است. کردهای شیعه عراق، طی همایش‌های متعددی در بغداد، یاد هفده هزار جوان کرد شیعه را که به دست نیروهای رژیم صدام قتل عام شدند، گرامی داشتند. سید عمار حکیم، کردهای شیعه را مظلوم‌ترین قشرهای ملت عراق دانست و گفت:

کردهای فیلی ستم‌های فراوانی را متحمل شدند و نظام دیکتاتوری با آنان دشمنی فراوانی داشت. متأسفانه در نظام کنونی نیز خدماتی متناسب با فداکاری‌هایی که این قشر مظلوم انجام داده، تقدیم نشده است. کردهای فیلی به دلیل کرد و شیعه بودن مورد دشمنی نظام صدام قرار گرفته بودند و شایستگی این را دارند که نماینده‌ای در پارلمان یا وزارتخانه داشته باشند. (۲)

۱۲. قتل عام در جریان انتفاضه شعبانیه

اشاره

در خلال عقب راندن قوای صدام از کویت، روز یکم مارس ۱۹۹۱ م، عراق شاهد خیزش گسترده‌ای در میدان سعد شهر بصره بود. بصره مهم‌ترین شهر در جنوب عراق و بزرگ‌ترین بندر این کشور است؛ با اکثریت شیعه نشین که از قرن‌ها پیش در آن سکونت داشتند. نخستین ستون زرهی بازگشته از جبهه، به میدان سعد رسید. ساختمان حزب بعث بصره، نبش میدان قرار داشت، کنار نقش نگاره‌ای از صدام. فرمانده ستون زرهی، بر روی یکی از تانک‌ها، به طرف تصویر تبلیغاتی بزرگ صدام که او را در لباس نظامی

ص: ۵۱۰

۱- (۱) گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی ایران، به نقل از روزنامه الحیات، چاپ لندن؛ ر. ک: پاکسازی عراق از وجود لره‌های فیلی، همان.

۲- (۲) گزارش خبرگزاری‌ها از سخنان عمار حکیم، نشانی در فضای مجازی: <http://r.ullStory/News/?Id=۱۳۹۸۶۵>

نشان می داد، ایستاد و آن را منهدم کرد.^(۱) خبرهای میدان سعد و توفیق انقلابیون در به دست گرفتن امور شهر، زودتر از آنچه بعثی ها می پنداشتند، شهرهای اطراف بصره را در بر گرفت^(۲) و در چشم برهم زدنی صدها جوان به قیام گران پیوستند. براساس برخی گزارش ها تا روز سه شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۹ ه. ش کنترل اوضاع در شهرهای مهم و شناخته شده عراق به دست مردم افتاد و اعلام شد انقلابیون افزون بر شهرهای منطقه جنوب، شهر نجف، کربلا، سلیمانیه، اربیل، دهوک و کرکوک را نیز یکی پس از دیگری آزاد کرده اند. دامنه خیزش حتی به نزدیکی پایتخت و برخی محله های بغداد، چون الثوره، شعله و مشتل نیز رسید.

رویارویی رژیم با قیام مردمی، از ابتدای نیمه دوم مارس شروع شد. سردمداران نظام بعث برای سرکوب انتفاضه، پلیدترین عناصر بلندپایه خود را برگزید. علی حسن المجید راهی بصره و محور جنوب شد؛ طه یاسین رمضان به نجف و حله رفت؛ عزت ابراهیم الدوری به ناصریه اعزام شد و حسین کامل، ماشین سرکوب خود را به سوی فرات میانی و کربلا به حرکت درآورد. از آنجا که قیام از بصره شعله ور شده بود، تصمیم گرفتند که در بصره با قیام گران روبه رو شوند. از این رو نفرات بیشتری را به محور جنوب فرستادند. صدام می خواست از شیعیان بصره که این غائله را شروع کردند، انتقام سختی بگیرد تا دیگر سر به شورش نهند. از نظر وی، شورشیان مشتی مزدور بیگانه پرست بودند که برای بحران آفرینی به درون کشور رخنه کرده بودند.

انتفاضه شعبانیه برای آمریکایی ها و هم پیمانان اروپایی و عربشان نیز بسی بیمناک و نگران کننده بود. از دیدگاه نیروهای استکباری و ارتجاعی، روی کار آمدن شیعیان در

ص: ۵۱۱

۱- (۱) ر. ک: «الانتفاضه الشعبانیه» سیدسلیمان هادی آل طعمه، معرفی کتاب توسط رسول جعفریان، نشانی در فضای مجازی:

<http://historylib.com/index.php?tion=ticle/t/s>

۲- (۲) بعدها ۱۷ شعبان، روز آغاز انتفاضه، به عنوان روز مقاومت در عراق انتخاب شد.

عراق، برای غرب به مراتب خطرناک تر از صدام و حزب فاشیست بعثش بود. بنابراین دست رژیم صدام در سرکوب باز گذاشته شد و او جنایات مافوق تصویری مرتکب شد. صدام در برابر کردهای شمال عراق، ابتدا با سرکوب، سپس با وعده اعطای خودمختاری، آنان را از قیام ضد بعثی باز داشت. فقدان رهبری متمرکز، ضعف رهبران در سازماندهی قوا، ناهماهنگی و عدم اتفاق نظر بین گروه های شیعی، برهم زدن اتحاد بین مجاهدین عراقی از طریق شایعه پراکنی، ترور، کنترل و قطع ارتباطها از عواملی بودند که در ناکامی قیام نقش داشتند.

الف) قتل عام فجیع کربلا و نجف

فرماندهی عملیات تخریب و قتل عام کربلا، برعهده مورد اعتمادترین فرد صدام، یعنی ژنرال حسین کامل، داماد وی بود. کامل، پیش از هجوم به شهر، در برابر بارگاه منور سیدالشهدا علیه السلام ایستاد و چونان سلف ناخلفش، ابن زیاد، با اظهار اینکه «من حسینم و او حسین است و به زودی مشخص می شود چه کسی پیروز و کدامین مغلوب می شود»، امام حسین علیه السلام را مخاطب قرار داد و قتل عام کربلا را آغاز کرد.^(۱) به دستور وی روی تانک ها نوشته شد: «لاشیع - بعد الیوم». اجساد قربانیان را در گورهای دسته جمعی دفن کردند. آمار بازداشت شدگان براساس برخی گزارش ها، بین ۱۳۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر برآورده شده است که به دستور حسین کامل، همه آنها را در بین الحرمین جمع کردند و ظرف چند دقیقه آنها را قتل عام کردند.^(۲) بعثی ها حتی از روش های بسیار وحشتناک،

ص: ۵۱۲

۱- (۱) وی کمتر از پنج سال بعد نتیجه این رجزخوانی ابلهانه اش را دید؛ چراکه با برادر و کلیه همراهانش، به دستور صدام، به قتل رسید؛ ر. ک: ۲۱ سال پس از قتل عام بزرگ در بین الحرمین، (نگاهی به چگونگی سرکوب قیام ملت عراق بر ضد صدام)، در گفت و گو با دکتر تبرائیان، مصطفی جوان، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد انقلاب اسلامی: نشانی در فضای مجازی:

<http://www.irdc.ir/content/۲۰۴۰۱/d> lt. px

۲- (۲) همان.

نظیر منفجر کردن اسرا نیز استفاده می کردند. در این کشتارها تعداد زیادی از زنان بی دفاع نیز قتل عام شده یا مورد تجاوز قرار گرفتند.^(۱) بعد از سقوط صدام، زوایای متعددی از جنایات رژیم بعث در قتل عام شیعیان آشکار شد که یکی از آنها، کشف گورهای دسته جمعی بود. بزرگ ترین گور باقی مانده از انتفاضه شعبانیه، در سال ۱۹۹۱ م کشف شد که اطراف نجف واقع بود و سیصد متر طول داشت.^(۲)

(ب) قتل عام ساکنان احوار جنوب

مناطق باتلاقی و نیزار جنوب عراق، هور خوانده می شود. صدام با سیاست سرکوب شدید توانسته بود فعالیت گروه ها و جنبش های اسلامی را در احوار جنوب کاهش دهد. اما پس از پایان جنگ ایران و عراق، نارضایتی شدید ضد دولتی در واکنش به سلطه بعثی ها، دوباره در آن مناطق بروز کرد. بنابراین از سال ۱۳۶۸ ه. ش به بعد، نیروی هوایی عراق، بارها نارضایان شیعی احوار جنوب را بمباران کردند. بعد از سرکوبی انتفاضه شعبانیه، بسیاری از شیعیان عراق به آنجا پناه بردند، ولی رژیم بعث عراق به خشکاندن هورها اقدام و حتی علیه آنان از سلاح شیمیایی استفاده کرد.^(۳)

(ج) قتل عام شیعیان بلد در جریان انتفاضه شعبانیه

شهر شیعه نشین بلد که مزار سید محمد، فرزند امام هادی علیه السلام را در خود دارد، در فاصله سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ م زیر فشار شدید نظام بعثی قرار داشت. در جریان

ص: ۵۱۳

۱- (۱) وقتی این گروه از زنان بعد از تجاوز وحشیانه باردار شده و نوزادانشان به دنیا می آمدند، به عنوان «سیبل» در اختیار افسران رده بالای مست عراقی قرار می گرفتند.

۲- (۲) کشف بزرگ ترین گور دسته جمعی در نجف از انتفاضه شعبانیه، گزارش پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، کد خبر: ۷۲۶۷۸، تاریخ انتشار: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ ه. ش - ۲۱:۲۲، نشانی گزارش با ارجاعات در شبکه جهان پهنا:

<http://www.shi news.com/news/72678>

۳- (۳) ر. ک: قتل الانسان فی الاحوار (۱۹۹۱-۱۹۹۳ م)، صاحب جواد حکیم.

انتفاضه شعبان ۱۹۹۱ م و پس از آن، ۳۹۵ نفر از مردم عادی این شهر اعدام و ۲۲۵ نفر زندانی شدند و بیش از یکصد خانواده به صحرای سماوه آواره گردیدند.^(۱)

(د) مباشرت شخص صدام در قتل عام جوانان شیعه و کرد

صدام بعد از سرکوب انتفاضه شعبانیه بارها به قتل عام شیعیان پرداخت؛ به طوری که وقتی متحدین به او حمله هوایی می کردند، انتقام خود را از مردم و زندانیان بی گناه شیعه و کرد می گرفت. میخائیل رمضان بدل صدام یکی از آن موارد کشتار جمعی را که شخص صدام در آن مباشرت داشت، این چنین روایت می کند:

سال ۱۹۹۱ م بود. بر بلندی های قصر صدام که توسط حملات هوایی متحدین ویران شده بود، ایستاده بودیم. صدام به قصر ویران شده و اسباب و وسایل و اتومبیل هایی که همگی از نوع مرسدس بنز بودند، نگاه می کرد. خشم و غضب در چهره عبوش آشکار بود. همگی سران رژیم، نظیر روکان تکریتی، شیب تکریتی، صدام کامل، حسین کامل و... نیز ایستاده بودند. قبل از آن که صدام کلامی بر زبان آورد، محافظانش فهمیدند که رهبر بزرگ اعراب چه می خواهد. به سرعت دست به کار شدند تا خواسته رهبر بزرگ را برآورده سازند. حدود سی نفر از انقلابیون شیعه را از زندان آوردند و آنها را به صف کردند. صدام نگاهی به این افراد انداخت. آن گاه با اسلحه اتوماتیک کوچک خود، پی در پی به سمت آنها تیراندازی کرد و آنها را درو نمود. آتش خشم صدام همچنان زبانه می کشید. محافظان با سرعت رفتند و سی نفر دیگر را آوردند. با این عده نیز همان گونه رفتار شد. صدام می کشت؛ بدون اینکه حرفی بزند. با این مقدار خون هم سیراب نشد. این بار انقلابیون کُرد را آوردند. حدود پنجاه نفر با لباس ها و قیافه کردی. یکی از آنها آب دهان به صورت صدام انداخت. صدام او را از بقیه جدا کرد. با سرعت دیوانه واری

ص: ۵۱۴

۱- (۱) اطلس شیعه، ص ۳۸۸؛ ر. ک: هفت متهم کشتار «انفال» در کردستان، نشانی گزارش با مستندات در فضای مجازی:

بقیه را کشت. باز جنازه ها را بردند. آن گاه به محافظانش دستور داد که این مرد را مجبور به نوشیدن بنزین کنند. سپس گلوله ای به شکم این مرد شلیک کرد. زبانه های آتش، سرتا پای این قهرمان کرد را فرا گرفت. صدام خنده بلندی سر داد و گفت: «خیانتکارها، مزدوران ایران و اسرائیل».(۱)

یک شخصیت فراماسونر آمریکایی، به نقش صدام در خدمت به اهداف غرب چنین اشاره کرد:

وی از زمان به قدرت رسیدن در سال ۱۹۷۹ میلادی خدمات فراوانی به ما کرده است؛ چراکه رهبران بعثی را اعدام کرد و سپس وارد جنگ ویرانگر با ایران شد و به کویت حمله کرد و تمام بهانه های لازم را برای حمله به عراق و محاصره و تحقیر و در نهایت اشغال آن را برای ما فراهم کرد. حتی بیچاره بعد از سرنگونی اش نیز به ما خدمت کرد؛ چراکه ما موفق شدیم از طریق نمایش دادگاه تلویزیونی از او قهرمان سنی عربی بسازیم که قربانی این نمایش، افراد متعصب شیعی بودند. این موضوع نقش تعیین کننده ای در تغذیه درگیری فرقه ای داشت.(۲)

ه) مباشرت منافقین (مجاهدین خلق) در قتل عام شیعه عراق

در جریان انتفاضه شعبانیه، منافقین نیز به کمک صدام آمدند و تعداد زیادی از مردم را قتل عام کردند. پس از سرکوب قیام انتفاضه، صدام منافقین را نجات دهنده خود خواند

ص: ۵۱۵

۱- (۱) ر. ک: خاطرات میخائیل رمضان (مشابه صدام)، برگرداننده محمدنبی ابراهیمی. همچنین نویسنده به دلیل نزدیکی ای که به صدام داشت، به نکات ریزی از زندگی صدام و اطرافیان او اشاره می کند. نظیر آموزش صدام در انگلیس، ارتباط با رژیم صهیونیستی، نفوذ میشل عفلق در اداره عراق و کشتار فجیع کردها و شیعیان و همچنین آزمایش میکروبی رژیم بعث روی اسیران زن ایرانی. همچنین ر. ک: پایگاه خبری - تحلیلی پارسینه، خاطرات بدل صدام، نشانی در فضای مجازی: <http://www.p.sine.com/news/24514>

۲- (۲) عرش نیوز، اعترافات فرماندهک BI در مورد عراق: خدمتی که صدام پس از مرگش به آمریکایی ها کرد/ «عراق» رمز نزاع شیعه و سنی، کد مطلب: ۲۱۳۷۵۸، پنجشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۲ ه. ش ساعت ۰۸:۰۹، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shnews.ir/vcdcks.xjyt> ۵۶.۲۸۲۷.html

و از آن زمان، ماهانه مبالغی را به این سازمان تروریستی کمک می کرد.

شروان والی، وزیر امنیت ملی عراق در زمان صدام حسین، اعلام کرد بسیاری از عملیات های تروریستی علیه شیعیان عراق را شبه نظامیان منافقین انجام می دادند که هنوز هم در گوشه و کنار این کشور، پایگاه های نظامی دارند. گفته می شود گروه تروریستی منافقین، با هدف اصلی سرکوب شورش های شیعیان و اقوام کرد شمال عراق، در این کشور مستقر شده بودند. بنابراین مشارکت واحدهای موسوم به «ارتش آزادی بخش ملی ایران» (منافقین) در کشتار کردها و ترکمن های عراقی حتمی است. (۱)

۱۳. فجایع آمریکایی ها علیه مسلمانان شیعه عراق در زمان اشغال

طی بیش از یک دهه حضور و اشغال غیرقانونی آمریکا در عراق، صدها هزار نفر کشته و میلیون ها نفر زخمی، آواره و بی خانمان شدند. جنگ عراق از جمله جنگ های پر تلفات آمریکا بود. تا سال ۲۰۰۷ م و تنها طی چهار سال، تعداد کشته های عراقی از مرز یک میلیون نفر گذشت و تا زمان خروج کامل نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۱ م، به ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر رسید. اما به لحاظ اینکه اکثر جمعیت عراق شیعه است، شیعیان بیشترین تلفات را داشتند. در عراق عروسی های بسیاری به عزا تبدیل شد و زنان و کودکان بسیاری کشته شدند؛ برای مثال در شب ۱۹ مه ۲۰۰۴ م، یک بالگرد آمریکایی، یک میهمانی عروسی در غرب عراق در شهر مقرالذیب را به رگبار بست و بیش از چهل نفر، از جمله سیزده کودک را کشت. (۲) همچنین در تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۰۶ م، پنج

ص: ۵۱۶

۱- (۱) صفاءالدین تبرائیان، انتفاضه شعبانیه حماسه مقاومت اسلامی ملت عراق، الانتفاضه الشعبانیه، ملحمة المقاومة الاسلامیه للشعب العراقی. برای آشنایی بیشتر ر. ک: <http://www.jnews.com/vdcunuu۴۹ney۱.k۵k۴.txt>.

۲- (۲) پنتاگون بلافاصله در بیانیه ای مکتوب اعلام کرد: «گزارش های ما حاکی از آن است این اجتماع یک میهمانی عروسی نبوده و این افراد از نیروهای ضد ائتلاف بودند و در ابتدا آنان شروع به تیراندازی کردند و نیروهای آمریکایی نیز در پاسخ به آنها تیراندازی کردند. تعداد زیادی از خودروهای آنها را نابود کرده و تعدادی از آنان را نیز به قتل رسانیدند». ر. ک: «عملیات فریب آمریکا در عراق و افغانستان»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.mhrehghnews.ir/news/۱۵۳۳۱۷>

تن از نظامیان آمریکایی، به طور دسته جمعی به خانه ای روستایی در غرب شهر محمودیه حمله کردند و نخست پدر، مادر و خواهر شش ساله «عبیر قاسم حمزه» را می کشند و سپس به دختر چهارده ساله عراقی تجاوز می کنند و آن گاه او را نیز می کشند و خانه شان را به آتش می کشند. سه تن از این نظامیان به تجاوز و قتل این دختر و کشتار خانواده اش اعتراف کردند.^(۱)

همچنین در صبح روز ۱۲ نوامبر سال ۲۰۰۵ م، در شهر حدیثه در غرب عراق، نیروهای آمریکایی به شهروندان غیرمسلح عراقی در خانه هایشان حمله کردند و ۲۴ تن از آنها را به قتل رساندند؛ تمامی کشته شدگان غیرنظامی بودند. در میان کشته شدگان چند کودک و چند سالخورده نیز وجود داشت. به قربانیان از فاصله نزدیک و به دفعات شلیک شده بود. فعالان حقوق بشر این حادثه را بدترین مورد از قتل عام شهروندان عراقی، از سوی نیروهای آمریکایی از آغاز جنگ، اعلام کردند.^(۲)

۱۴. کشتار جمعی مسلمانان شیعه عراق بعد از سقوط صدام توسط تروریست ها

اشاره

تروریسم که بهانه اول آمریکا برای لشکرکشی به خاورمیانه بود، قوی تر از گذشته به مسیر خود ادامه داد. آنچه به روند قتل عام شیعه، بعد از اشغال سرعت بخشید، برنامه ریزی سازمان های اطلاعاتی و جاسوسی آنها نظیر سیا و موساد بود؛ چراکه آمریکایی ها در این مورد با تروریست ها هم نظر بودند؛ به همین دلیل موج جدید قتل عام های گسترده شیعیان آغاز شد. ابتدا گمان می شد با ساقط کردن حکومت بعث،

ص: ۵۱۷

۱- (۱) متهم اصلی، استیون گرین، به حبس ابد و دیگر متهمان نیز به چند سال حبس محکوم شدند؛ همان.
۲- (۲) براساس دادخواست صادره برای عامل این کشتار، حداکثر مجازات وی سه ماه حبس و تنزل درجه و کاهش حقوق بود. گفتنی است موارد ذکر شده، تنها نمونه هایی از یک دهه جنایت آمریکاست و تاکنون نزدیک به سه میلیون انسان در دو کشور عراق و افغانستان، در حملات و عملیات هایی مشابه آنچه ذکر شد، کشته شده اند. گروه گزارش ویژه مشرق نیوز، کد خبر: ۱۵۳۳۱۷ تاریخ انتشار: ۲۷ مهر ۱۳۹۱ ه. ش - نشانی در فضای مجازی: <http://www.mhrehghnews.ir>

mobile/۱۵۳۳۱۷

به آلام شیعیان عراق پایان داده خواهد شد و شیعیان با دارا بودن اکثریت، مطابق دموکراسی ادعایی آمریکایی ها، خواهند توانست به نوعی تعادل نسبت به جمعیت، در تقسیم قدرت و جلوگیری از ظلم و اجحاف اقلیت عرب سنی برسند و این مسئله ای بود که دولت های عربی از آن وحشت داشتند؛ به همین دلیل بعثی هایی که به کشورهای عربی گریخته بودند یا با پنهان کردن هویت خود در شهرهای سنی نشین عراق مستقر شده بودند، با هماهنگی دیگر گروه های افراطی، اقدامات خود را علیه شیعیان هماهنگ کردند.

اشغالگران نیز که از تشیع ضربه خورده بودند، با اقدامات مثلث دولت های مرتجع عرب، گروه های تروریستی سلفی و بعثی ها در راستای ضدیت با شیعیان، موافق بودند. بنابراین بر خلاف گمان خوش بینانه اولیه، موجی از ترورهای جمعی علیه شیعیان در عراق به راه افتاد که هنوز نیز ادامه دارد.^(۱) در شرایط کنونی، تروریست های عراق هر چیزی را که بوی تعلق به جامعه شیعیان می دهد، مورد حمله وحشیانه قرار می دهند. بمب گذاری ها عمدتاً در نقاط پرجمعیت، نظیر اطراف مساجد، زیارتگاه ها، بازار و... انجام می شود و اخبار خبرگزاری ها تقریباً همه روزه مملو از اخبار مربوط به بمب گذاری، حمله مسلحانه خمپاره ای، تیراندازی و حملات انتحاری در عراق است که عمده آنها در مناطق شیعه نشین انجام می شود. گفتنی است تلفات برخی از آنها بالاتر از هزار نفر در یک روز می رسد.

تروریست ها گاه برای کشتن یک رهبر شیعی، صدها نمازگزار و زائر دیگر را نیز به شهادت می رسانند.^(۲)

ص: ۵۱۸

۱- (۱) ر. ک: «درس هایی از نخستین کشتار درمانی قرن بیستم» قاسم توکلی، فرارو، نشانی در فضای مجازی: <http://www.u.com/news/187663>

۲- (۲) تروریست ها برای به شهادت رساندن آیت الله سید محمدباقر حکیم، ۱۳۰ نفر دیگر را نیز در انفجار تروریستی کنار حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به شهادت رساندند.

مدائنی ها از دیر زمان شیعه بودند(۱) ولی امروزه سنی نشین شده و عامل اصلی آن، قتل عام شیعیان به دست سنی های افراطی است، به طوری که گفته می شود در جریان جنگ های طائفی، یکی از بدترین جنایات، کشتار وحشیانه شیعیان مدائن بود که در فاصله کوتاهی انجام گرفت.(۲)

ب) کشتار شیعیان در کربلا، کاظمین و نجف

در روز عاشورای سال ۱۳۸۲ ه. ش (۲ مارس ۲۰۰۴ م) با چند انفجار انتحاری در کربلا و کاظمین، تعداد زیادی از عزاداران به شهادت رسیده یا مجروح شدند. بلافاصله تروریست های وابسته به القاعده به کشتار رهبران و توده های شیعه پرداخته و در هر نقطه ای دست به ترور، انفجار خودرو و حمله به مناطق مسکونی و بازارها زدند.(۳) یکی از نخستین رهبران شیعه که به شهادت رسید، عزالدین سلیم ابویاسین، نویسنده آثار متعدد و رئیس مجلس حکم بود که در ۱۸ می ۲۰۰۴ م ترور شد.(۴)

همچنین هفتم شهریور ۱۳۸۲ ه. ش بود که پس از پایان نماز جمعه، انفجار مهیبی خارج از حرم حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف همه را شوک زده کرد و در این انفجار، ۸۵ نفر، از جمله سید محمدباقر حکیم، به شهادت رسیدند. اکنون که سال ها از ترور حکیم می گذرد، هنوز این ترور در پرده ای از ابهام قرار دارد و تنها یک نفر به نام

ص: ۵۱۹

۱- (۱) آثار البلاذ، ص ۴۵۳.

۲- (۲) اطلس شیعه، رسول جعفریان، ص ۳۵۹.

۳- (۳) بعد از سقوط صدام، ترور شخصیت های شیعی که می توانستند نقشی عمده در عراق جدید ایفا کنند، در دستور کار تکفیری ها و بعثی ها قرار گرفت؛ ر. ک گزارش: «محمدباقر حکیم را چه کسی ترور کرد؟» نشانی در فضای مجازی:

<http://www.snews.com/newstext.php?nn=۸۶۰۶۰۵۰۵۳۷> ک

۴- (۴) اطلس شیعه، ص ۳۹۶.

«اوراس عبدالعزیز» به اتهام مشارکت در ترور اعدام شد.^(۱) حکیم پیش از شهادت، ریاست مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، فرماندهی نیروهای بدر، ریاست شورای عالی مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، معاونت شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، عضویت هیئت امنای دانشگاه مذاهب اسلامی و همچنین سرپرستی مؤسسه دارالحکمه را برعهده داشت.

۱۵. فجایع روزمره گروه های تروریستی در عراق

بخشی از اقلیت اعراب سنی، بعد از استقلال عراق در دهه ۱۹۲۰ میلادی تا زمان سقوط صدام، توانست با کمک انگلیس و در قالب حکومت های سلطنتی، سوسیالیستی و بعثی، بر اکثریت شیعیان این کشور مسلط شوند. بنابراین سقوط دیکتاتور بعثی ها برای سنی های حاکم کابوس پایان حکومت بود؛ چراکه اکثریت شیعه عراق با حرکتی آرام و از مسالمت آمیزترین طریق، یعنی صندوق رأی، برای احقاق حقوق از دست رفته خود اقدام کرد و طبیعی بود بخش عمده ای از اهل تسنن عراق به تدریج شرایط جدید را پذیرفته و آنها نیز نسبت به مشارکت در انتخابات اقدام می کردند. ولی بخشی دیگر، به دلایل متعددی نظیر در خطر دیدن منافع نامشروع گذشته، تحریک به وسیله رسانه های عربی و غربی، فتاوی مغرضانه مفتیان سلفی و برخی انگیزه های دیگر برای جلوگیری از ایجاد نظم جدید، به تروریسم روی آوردند و در مدت اندکی گروه های تروریستی متعددی روی کار آمدند و لبه تیز حملات خود را متوجه شیعیان عراق کردند.

ص: ۵۲۰

۱- (۱) حکیم در این چهار ماه آخر، به نماد روحانیت شیعه تبدیل شده بود و در عین حال که از نقشی به اندازه برای شیعیان در آینده سیاسی عراق دفاع می کرد، با زیاده خواهی و طرح شعارهای افراطی نیز مخالف بود. او در سخنرانی ها و مصاحبه های خود تأکید می کرد که شیعیان قبل از هر چیز باید از این فرصت تاریخی استفاده کنند و رژیم بعثی را که بزرگ ترین دشمن آنهاست، به گور بسپارند؛ گزارش: «محمدباقر حکیم را چه کسی ترور کرد؟» نشانی پیشین.

بی تردید در سازماندهی و تجهیز این گروه های تروریستی، سازمان ها و عوامل خارجی نقش داشته اند، ولی برخی از این گروه ها به وسیله جریان های مدعی مخالفت با آمریکا و غرب تشکیل شدند و هدف خود را نبرد با اشغالگران اعلام کردند و قتل عام شیعیان را به بهانه همکاری با اشغالگران توجیه کردند. نکته پیچیده در این بود که از یک طرف می بایست نسبت به احقاق حقوق خود اقدام کنند و از طرف دیگر با اشغالگری به مخالفت برخیزند و طبیعی بود تشکیل دولت مردمی، براساس آراء و انتخابات، بهانه حضور اشغالگران را از آنها می گرفت و مهم ترین راهی بود که می توانست به حضور اشغالگران در عراق پایان دهد. ولی گروه های سلفی تکفیری و تروریستی، شیعیان را به دلیل مشارکت وسیع در سیر انتخابات و تلاش برای تشکیل دولت مردمی، متهم به همکاری با اشغالگران می کردند. درحالی که گروه های سلفی مسلح، در مقابله با اشغالگران، هیچ گاه موفق نبودند و اساساً تلفات بسیار اندکی بر اشغالگران وارد کردند. ولی علیه شیعیان بی دفاع بسیار موفق عمل کرده اند.

پیش تر کمتر سابقه داشت که سنی ها برای کشتن زنان و کودکان شیعه عملیات انتحاری کنند. ولی متأسفانه اخیراً این اقدامات بارها تکرار شده که عامل آن فتوای برخی مفتیان سلفی، مبنی بر وجوب قتل شیعیان است. حال آن که سلفیان عراق، با طیف شیعیان لائیک، نظیر علاوی و شعلان، دشمنی ندارند و قربانیان عملیات تروریستی آنها نخبگان دینی شیعه، نمازگزاران مساجد، عزاداران اهل بیت علیهم السلام و شهروندان عادی هستند. یک رسانه عراقی به رویکرد منفی بیشتر کشورهای عربی اشاره می کند و می نویسد:

پس از سقوط رژیم بعثی و آزادی نسبی عراق از شر رژیم دیکتاتوری...، بسیاری از دولت های اروپایی و خارجی، از طریق بخشش بدهی ها همان طور که در باشگاه پاریس رخ داد، در کنار عراق جدید قرار گرفتند. درحالی که کشورهای غیرعربی بلافاصله پس از سقوط صدام و در ادامه تشکیل دولت جدید عراق، به بازگشایی سفارتخانه ها و

کنسولگری های خود، با وجود خطرات و تهدیدهای تروریستی اقدام کردند، اما رویکرد (برخی) دولت های عربی [مرتجع] متفاوت از دیگر کشورها بود.

کشورهای عربی دیپلمات های سستی خود را نفرستادند و برای آنها ساختمانی اجاره نکردند و عناوینی برای سفارتخانه های خود تعیین نکردند، بلکه به سرعت نمایندگانی اعزام کردند که شبیه مخلوقات دیگر نیستند و هیچ کس آنها را با چشم عادی مشاهده نمی کند. این افراد پرچم کشورهای خود را حمل نمی کنند، بلکه کمربندهای انفجاری را حمل می کنند. آنها فقط بغداد را به عنوان مقر خود انتخاب نکردند، بلکه در جایی که ملت عراق هستند، حضور دارند. در مهد کودک ها، مساجد و حسینیه ها، در تمام روستاهای عراق، بازارها، رستوران ها و قهوه خانه ها و در هر نقطه ای که عراقی ها جمع می شوند. این است دیپلماسی عربی که در رگ های عراقی ها رخنه کرده است. این است عشق اعراب به برادران عراقی خود؛ عشقی که تنها با بریدن سر کودکان بی گناه ابراز می شود. عاشق عربی به اوج عشق خود نمی رسد، مگر با منفجر کردن خود در میان عراقی ها و در این راه، فلسطینی و سعودی، یمنی و لیبیایی و تونسسی با هم رقابت می کنند.

آمارهای دهشتناکی از مشارکت تروریست های خارجی در عراق به چشم می خورد؛ برای نمونه در ۳۰ مهر ۱۳۹۲ ه. ش، فاضل برواری، فرمانده نیروهای ویژه عراق اعلام کرد: «حدود چهار هزار عامل انتحاری از کشورهای عربی در کشتار زنان، کودکان و سالخوردهگان عراق دخالت داشته اند». وی افزود: «از مجموع این افراد، ۱۲۰۱ نفر فلسطینی و اردنی خود را منفجر کرده اند، ۳۰۰ نفر سعودی، ۲۵۰ نفر یمنی، ۲۰۰ نفر سوری، ۹۹ نفر مصری، ۴۴ نفر تونسسی، ۴۰ نفر لیبی و قطر، امارات و بحرین با ۲۰ عامل انتحاری در این انفجارهای عراق دخالت داشته اند».(۱)

ص: ۵۲۲

۱- (۱) گزارش خبرگزاری ها با عنوان: «چهار هزار تروریست خود را در عراق منفجر کرده اند»، تاریخ انتشار: ۳۰ مهر ۱۳۹۲ ه. ش. نشانی در فضای مجازی: <http://www.mehrnews.com/news/۲۱۶۶۱۰۵>

رسانه عراق از مشارکت بالای فلسطینی ها در عملیات تروریستی چنین گلایه کرده و می نویسد:

وقتی فلسطینی هایی که سرزمینشان اشغال شده است، ۱۲۰۱ فرد انتحاری را به عراق می فرستند و همه آنها در عملیات جنایتکارانه انتحاری علیه عراقی ها که هزاران شیعه را به خاک و خون کشیدند، کشته شدند، دیگر چه انتظاری از سعودی ها، یمنی ها، لیبیایی ها و دیگر جنایتکاران باید داشت. (۱)

به هر حال تلفات عملیات تروریستی در عراق بالا-ترین رقم را در جهان دارد؛ به طوری که در هر هفته، بیش از صد نفر از شیعیان جان خود را از دست می دهند.

۱۶. مهم ترین گروه های تروریستی تکفیری

اشاره

یکی از عوامل مهم فتنه گری در منطقه، جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غربیان گام برمی دارد. (۲) برخی از مهم ترین گروه های سلفی - تکفیری مشارکت کننده در قتل عام شیعه عراق، عبارت اند از:

الف) ارتش انصارالسنه

اعضای این گروه را سلفی های عراقی و غیرعراقی و برخی عناصر رژیم سابق تشکیل می دهند. حوزه فعالیت این گروه مرکز و شمال عراق است و از هم پیمانان سازمان داعش است. محمد الجحیشی از رهبران برجسته این گروه به حساب می آید.

ب) ارتش اسلامی عراق

این گروه عناصری از رژیم سابق اند و حوزه فعالیتشان مرکز عراق است. ضمن اینکه در موصل و بصره هم حضور دارند.

ص: ۵۲۳

۱- (۱) منبع پیشین.

۲- (۲) البته باید در نظر داشت که بروز برخی تحریکات غلوآمیز برخی شیعیان در ایجاد حس نفرت و بدبینی میان اهل سنت نیز در شدت بخشیدن به این مسئله بی تأثیر نبوده است.

هدف اعضای این گروه، ایجاد حکومتی خلافتی در عراق و بیرون راندن کفار از عراق اعلام شده است. این گروه با سازمان «داعش» در ارتباط است و حوزه فعالیت آن، دیالی و برخی از بخش های بغداد است.

د) جیش الطائفه المنصوره

این گروه در اواخر ژوئیه ۲۰۰۵ م ظهور کرد. پرتاب خمپاره به سمت زائران امام موسی کاظم علیه السلام در تاریخ ۱۳ آگوست ۲۰۰۵ م از سوی این گروه برعهده گرفته شد و اولین بیانیه آن در تاریخ ۲۶ ژولای ۲۰۰۵ م از طریق اینترنت منتشر شد و در آن ادعا شد که گروهشان پس از سقوط رژیم صدام تأسیس شده است. فرمانده آنها «ابوعمر انصاری» است و «ابوسامه» نیز سخنگوی این گروه است. حوزه فعالیتشان نیز در مناطق الطارمیه المشاهده، التاجی، الطیفیه و عویرج است.

ه) گروه یاران اهل سنت (مناصروا اهل السنه)

این گروه در ژوئن ۲۰۰۵ م ظهور کرد و بیانیه تأسیس آن در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۰۵ م صادر شد. حوزه فعالیت آنها مرکز و جنوب عراق (بصره) است و در منطقه الدوره، بغداد و ابورشید هم فعالیت هایی دارند. این گروه، انفجار کمربند انفجاری در مسجد شیعیان را در جاده بغداد به بصره که به کشته شدن ۴۶ غیرنظامی منجر شد و همچنین ربودن و قتل رئیس «اتحاد الکراتیه» در بابل که یک شیعه بود، برعهده گرفت. علاوه بر این، تعدادی از اعضای کادر سازمان بدر (سپاه پدر) در منطقه الطلیعه در مسیر بغداد به حله را به قتل رساند. گروه یاران اهل سنت، قتل بیست نفر را که از منطقه الدوره در بغداد ربوده شده بودند و جسد آنان در تاریخ ۲ آگوست ۲۰۰۵ م در منطقه المعالف در جنوب بغداد پیدا شد نیز برعهده گرفت.

و) سپاه عمر

سازمان «قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» در تاریخ ۵ ژولای ۲۰۰۵ م، تشکیل این گروه را اعلام کرد و مدعی شد، قتل اعضای کادر سازمان بدر توسط آن انجام شده است. رهبر این سازمان، جمال التکریتی است که «ابواسلام» نامیده می شود. او از عشیره ابوناصر در تکریت و یکی از همکاران زرقاوی بود. این گروه تا تاریخ ۲۹ آگوست ۲۰۰۵، انجام دوپست عملیات ترور و ترور تعداد زیادی از اعضای جنبش های اسلامی و ملی، از جمله منشی دفتر عادل عبدالمهدی و مدیر دفتر احمد چلبی را برعهده گرفته است. انفجار ساختمان مؤسسه شهید محراب در تلعفر، در تاریخ ۲۳ ژولای ۲۰۰۵ نیز از سوی این گروه برعهده گرفته شد.

ز) گروه الانصار وابسته به گردان انتحاری براء بن مالک

گروه گردان براء بن مالک، مسئولیت یازده عملیات در فاصله زمانی ۹ ژوئن ۲۰۰۶ تا ۲۹ ژوئن ۲۰۰۶ م را برعهده گرفته است.

ح) جیش محمد (الحق)

شامل مجموعه ای از تکفیری ها و بعثی هاست و طرفدار تبعیض نژادی، براساس انتساب های عشیره ای اند. این گروه برای بازگرداندن حزب بعث اقدام می کند و شعار آن «حکومت برای اعراب سنی عراق است» بوده است.

ط) گروه ابوایمن

حوزه فعالیت این گروه در موصل و فلوجه است. این گروه در فعالیت های خود به تجربه تکفیری هایی متکی است که در گذشته عضو ارتش عراق بودند و دوره هایی را در مدائن، واقع در بغداد، برگزار می کنند.

ی) گردان زبیر بن عوام

حوزه فعالیت این گروه مناطق ابوغریب، الرضوائیه، خان ضاری و الزیدان است و رهبر آن «ابوزبیده البابلی» است. این گروه در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۵ م بیعت خود را با سازمان «قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» اعلام کرد. ولی در گذشته به گردان های «ثوره العشرین» وابسته بود. شیوه کاری آنها بمب گذاری و پرتاب موشک است.

ک) گردان حسن بصری

این گروه در تاریخ ۳۱ سپتامبر ۲۰۰۵ م بیعت خود را با القاعده در عراق اعلام کرد و حوزه فعالیت آن در ابوالخصیب، الامتیه و الزبیر است. گروه یادشده در بصره عملیات های تروریستی متعددی علیه غیر نظامیان شیعه انجام داده است و شیوه کاری شان بمب گذاری، عملیات انتحاری و ترور است.

گردان حسن بصری، برای اولین بار، بین آگوست و سپتامبر ۲۰۰۴ م ظهور کرد. اعضای آن از عشیره غائم بصره هستند که رویکردی تروریستی دارند. رهبر این گروه ابوحنذیفه عراقی است و بین سپتامبر ۲۰۰۴ تا مارس ۲۰۰۵، مسئولیت ۲۴ حمله را در بصره برعهده گرفت.

با وجود القاعده و انبوه گروه های تروریستی در عراق، اکنون هیچ کس در عراق از حملات انتحاری در امان نیست. عملیات تروریستی، دارای ابعاد مختلف و متنوع است و آخرین نوع آن، حمله به مدارس و ترور اعضای کادر آموزشی است که هدف از آن، جنگ با تعلیم و تربیت و ایجاد فضایی از رعب و وحشت است. (۱) براساس آمار،

ص: ۵۲۶

۱- (۱) شیخ مهدی کربلایی، نماینده مرجعیت عالی دینی عراق در کربلای معلی در سخنانی به انواع عملیات تروریستی اشاره کرده است که گاهی تجمعات مردمی را هدف قرار می دهد، گاهی ماهیت طایفه ای دارد و گاهی مهد کودک ها را هدف می گیرد؛ مانند حمله تروریست ها به مهد کودکی در شهر تلعفر در استان نینوا که هدف از آن، فقط کشتار بی گناهان نیست بلکه مختل کردن و نابودی زندگی در تمام عراق است. گزارش خبری - تحلیلی: سفیران مرگ اعراب به جای دیپلمات در

عراق، نشانی در فضای مجازی: www.tnimnews.com/Home/Single/۱۶۹۸۷۴

قربانیان یک دهه عملیات تروریستی در عراق، به ۱/۰۰۵/۲۱۲ نفر می رسد که هشتاد درصد آنها از مناطق شیعه نشین عراق و بیشتر آنها به وسیله خودروهای بمب گذاری شده و جنایاتی از قبیل سر بریدن بوده است.^(۱)

۱۷. فجایع القاعده عراق (داعش) علیه مسلمانان شیعه این کشور

الف) چگونه تأسیس و توسعه داعش

سازمان «قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین»، خطرناک ترین گروه تروریستی عراق است که اکنون با نام دولت اسلامی عراق و شام (به عربی: الدوله الاسلامیه فی العراق والشام) در حال فعالیت در عراق و سوریه است. این گروه در اوایل سال های جنگ عراق تأسیس شد و در آغاز نامی نداشت تا اینکه «ابوانس الشامی» به زرقاوی پیشنهاد کرد که بر این گروه نامی نهاده شود تا بعضی ها عملیات آنان را به نام خود ثبت نکنند.

در سال ۲۰۰۴ م ابومصعب زرقاوی، با «اسامه بن لادن» سرکرده سابق تشکیلات القاعده بیعت کرد و نام گروهش به «تنظیم قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» تغییر یافت. این گروه تروریستی با انتشار فیلمی در اینترنت از اعدام ها و بریدن سرها، مشهور شد. اساس فعالیت های آن، شامل بمب گذاری خودروها، ترور و آدم ربایی، کشتن بی گناهان، سربردن و مثله کردن اجساد است. این سازمان ارتباط مستحکمی با سازمان های نظامی بعضی مثل ارتش اسلامی عراق - گردان های ثوره العشرین و سازمان های تروریستی جهانی دارد.

رنگ رسمی داعش نیز مانند شبکه القاعده، سیاه است. رنگ لباس، ساختمان ها،

ص: ۵۲۷

۱- (۱) کنفرانس مطبوعاتی، اباذر المیاچی، مدیر سازمان «اصحاب کساء» که مسئولیت شمارش و ثبت اسامی قربانیان عملیات تروریستی عراق را بر عهده دارد. منبع: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز: نشانی با ارجاعات و مستندات در فضای مجازی:

<http://www.shi news.com/news/۵۴۲۲۴>

خودروها و پرچم آنها نیز مشکی است. پیش تر رهبری آن برعهده ابومصعب زرقاوی و اکنون (سال ۱۳۹۳ ه. ش) برعهده ابوبکر بغدادی است. این گروه تروریستی با خروج اشغالگران از عراق در سال ۲۰۱۱ م، به حملات وحشیانه و بمب گذاری ها در مناطق مختلف، به ویژه بغداد، شدت بخشید و هزاران نفر از اقشار مختلف مردم عراق را به قتل رساند.

(ب) نقش آمریکا و غرب در موجودیت داعش

روزنامه تایمز لندن، در مقاله ای تصریح کرد: «مهم ترین گروه تروریستی در عراق را افسران امنیتی امریکا پایه گذاری کرده اند». در این گزارش آمده است: در سال ۲۰۰۵ م نیروهای ایالات متحده، براساس یک پروژه از پیش طراحی شده و هدفمند، مرد ۳۳ ساله ای به نام «ابراهیم عواد ابراهیم علی البدری» را که یک کشاورز ساده، اما جاه طلب و ماجراجو بود، شناسایی کردند و با اتهامات کلیشه ای، او را به ابوغریب فرستادند. ابراهیم البدری، به صورت هدفمند با سران تندرو القاعده در یک سلول حبس شد و در مدت سه ماه، از یک کشاورز سنی، به یک سلفی تندرو تغییر شخصیت داد. او هنوز از زندان آزاد نشده بود که لقب ابوبکر البغدادی را برای خود برگزید. این گروه (داعش) تا سال ۲۰۱۰ م فعالیت زیادی نداشت، اما پس از فرا رسیدن زمان خروج ارتش امریکا از عراق، آنها بمب گذاری ها و ترورها را آغاز کردند.

با آغاز بحران سوریه و دخالت ترکیه، عربستان و قطر در ناآرامی های این کشور، گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام، با نام مخفف داعش نیز بزرگ تر شد و بر مرکز و غرب عراق سایه انداخت. شاید از نام داعش این طور برداشت شود که اعضای آن را چهره هایی افراطی، از کشورهای عربی، تشکیل داده اند. اما روزنامه دیلی تلگراف می نویسد که اغلب اعضای این گروه تروریستی را افراطیون غربی تشکیل می دهند و

بیش از ۸۰ درصد افراطیونی که از کشورهای اروپایی و آمریکا راهی سوریه می شوند، به عضویت این گروه درمی آیند. (۱)

این سازمان که به منابع مالی و کمک های تسلیحاتی شیوخ عرب دسترسی داشت، هزاران نفر از سلفی های آموزش دیده در پاکستان و افغانستان را نیز جذب کرد. آنها با دلگرمی به پشتیبانی مستقیم عربستان و ترکیه و کمک های اطلاعاتی افسران سیا در عراق، چندین عملیات جسورانه انجام دادند که یکی از آنها حمله به هشت زندان در عراق، از جمله زندان ابوغریب بود. آنها حدود پانصد زندانی ابوغریب را که عمدتاً از سلفی های انتحاری بودند، فراری دادند و از همان ها برای حمله به مناطق شیعه نشین استفاده کردند. تایمز تصریح می کند که درست از زمانی که این پانصد سلفی انتحاری متواری شده اند، حملات تروریستی به شیعیان، به میزان چشمگیری افزایش یافته و به سی حمله در یک ماه رسیده است.

پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۱ م، نام البغدادی، مشهور به ابودعا را در لیست افراد خطرناک و تحت تعقیب قرار داد و برای دستگیری او پاداش ده میلیون دلاری تعیین کردند. این اقدام آمریکا موهبتی بزرگ برای البغدادی بود تا او به عنوان یکی از سران گروه های سلفی مطرح شود. البغدادی از آن پس، مسئولیت بیش از صد انفجار تروریستی را برعهده گرفته که وحشیانه ترین آنها بمب گذاری در حله بود که حدود ۱۱۴ کشته بر جای گذاشت.

شاخه نظامی داعش عمدتاً شامل شهروندان عراق، تونس و لیبی هستند. البته

ص: ۵۲۹

۱- (۱) در همین رابطه موسسه ای به نام «سوفان» در نیویورک پیش بینی کرده که حدود دوازده هزار تروریست خارجی در سوریه، در حال جنگ هستند که بیش از سه هزار نفر آنها از کشورهای غربی وارد سوریه شده اند. بر اساس اعلام این مرکز تحقیقاتی، بیش از ۸۰ درصد از افرادی که از غرب وارد سوریه شده اند، به گروه داعش پیوسته اند. گزارش خبرگزاری ها با عنوان: جزئیاتی از داعش و رهبر آن/ تغییر نگرش از «دکتر دعا» به «ابوبکر البغدادی» نشانی در فضای مجازی:

<http://mehrnews.com/det/News/2309589>

تکفیری های قفقاز در صف نخست انتحاری ها قرار دارند؛ زیرا ارتباط آنها با دین، احساسی است و همین موضوع، سازماندهی و به کارگیری آنها را برای عملیات های انتحاری آسان می کند. ظاهراً رهبری داعش هم اکنون در اختیار عراقی هاست؛ چراکه شاخه دولت اسلامی در ابتدا در عراق تأسیس شد. القاعده عراق شامل تعداد زیادی از افسران ارتش سابق عراق در دوره ریاست جمهوری صدام حسین است. سوری ها در داعش هیچ جایگاه و سمت ارشدی ندارند. در داعش به شهروندان سوریه اعتمادی نیست. (۱)

ج) تصرف موصل و تبدیل داعش به یک موضوع بین المللی

در دی ۱۳۹۲ ه. ش / ژانویه ۲۰۱۴ م، پس از به آتش کشیدن چادر معترضین در استان های سنی نشین عراق توسط نیروهای امنیتی و عقب نشینی ارتش از دو شهر رمادی و فلوجه، نیروهای حکومت اسلامی عراق و شام از این فرصت استفاده کرده و نیمی از شهر فلوجه و قسمتی از شهر رمادی را تصرف و به ایجاد ایستگاه های ایست و بازرسی مبادرت کردند. عشایر عراق، در نبود ارتش، به مقابله با این گروه پرداختند، ولی در نهایت داعش توانست کنترل کامل فلوجه را در دست بگیرد. اما پس از مدتی، طی نبرد با ارتش، سرکرده داعش در رمادی کشته و کنترل این دو شهر از دست آنان خارج شد.

پس از عقب نشینی داعش از این دو شهر، در عملیات «انتقام محمد» در صحرای الانبار، نبرد میان عشایر منطقه، پلیس محلی، ارتش عراق و نیروهای داوطلب با نیروهای داعش بالا گرفت. همچنین ارتش عراق در ۱۴ دی ماه اعلام کرد که پس از دو روز درگیری با اعضای داعش در رشته کوه «حمرین» توانست آنان را از این منطقه بیرون

ص: ۵۳۰

۱- (۱) داعش مناطق تحت کنترل خود را مانند افغانستان به ولایت های متعدد تقسیم کرده است. هر ولایت دارای یک «امیر» و دادگاه اسلامی و شورای خدمات اسلامی است. شورای خدمات اسلامی نقش و فعالیتی مثل شهرداری ها دارد. منابع پیشین.

براند. داعش نیز به طرف استان صلاح الدین عقب نشینی کرد. ولی مدت کوتاهی بعد توانست کنترل استان نینوا به مرکزیت موصل و بخش عمده استان صلاح الدین را به دست بگیرد و به سرزمین های متصرفی خود در سوریه متصل کند. سپس محدوده عملیات خود را به استان صلاح الدین گسترش دادند تا چاه های نفت را نیز تحت کنترل خود در آورند.

گروه تروریستی داعش پس از تصرف مناطق گسترده ای از عراق، با اعلام «خلافت اسلامی»، ابوبکر بغدادی را به عنوان «خلیفه» معرفی کرد و نام خود را نیز به «دولت اسلامی» تغییر داد؛ بدین ترتیب، گروه تروریستی داعش، برخی مناطق مرزی عراق و سوریه را تحت کنترل خود در آورد.

تروریست های داعش، پس از مدت کوتاهی در استان نینوا مسیحیان را از این استان بیرون کردند. سرکرده داعش به آنان تأکید کرد که بین مسلمان شدن زیر پرچم این گروه تروریستی، پرداخت جزیه، خروج از این شهر با دستان خالی یا مرگ، یکی را انتخاب کنند.^(۱) داعشی ها پس از ناکامی در اشغال شهر مقدس سامرا، به شهر موصل در استان نینوا و در ۳۵۰ کیلومتری بغداد هجوم بردند و توانستند پس از درگیری شدید آنجا را به کنترل کامل خود در آورند. تصاویر و فیلم های منتشر شده از این هجوم، از وحشیگری گسترده و قتل عام اهالی بی دفاع شهر موصل نیز حکایت داشت. سخنگوی دیده بان حقوق بشر سازمان ملل متحد از اعدام گسترده شهروندان موصل و خودکشی چهار زن در این شهر به دلیل هتک حرمت خبر داد.

براساس گزارش این نهاد حقوق بشری، پس از حمله داعش به شهر موصل و آزاد

ص: ۵۳۱

۱- (۱) ر. ک: گزارش پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز در خصوص نحوه پیدایش داعش: از جماعت تا خلافت: کد خبر: ۷۷۳۰۱، تاریخ انتشار: ۱۲ شهریور ۱۳۹۳. ه. ش - ۱۷:۴۸، نشانی با ارجاعات و مستندات در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۷۷۳۰۱>

کردن عمده زندانیان این شهر، مجرمین، با ورود به مناطق مسکونی، در صدد انتقام از مسبین محکومیت خود برآمدند که این حوادث، در کنار اعدام های اعضای داعش، به کشته شدن صدها شهروند موصلی منجر شد. این گزارش می افزاید: «علاوه بر ربودن شانزده شهروند مسیحی، هفده شهروند موصلی را به دلیل همکاری با نیروهای پلیس، اعدام کردند.^(۱)

سازمان ملل هشدار داد که صدها نفر از مردم عراق از زمان یورش تروریست های داعش کشته شده اند.^(۲) پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبر، به نقل از پایگاه خبری «السومریه نیوز»، گفت:

[یک مقام بلندپایه عراق درباره اعترافات یکی از سرکردگان دستگیر شده، چنین گفت: وی اعتراف کرد که این گروه تروریستی از رژیم آل سعود ۱۵۰ میلیون دلار و همچنین ۶۰ خودرو که روی آنها نوشته شده بود: «اختصاصی عربستان سعودی»، دریافت کرده بود.^(۳)

این گروه در ادامه با پذیرش مسئولیت برخی از انفجارهای لبنان، نشان داد قلمرو خود را تا لبنان گسترش داده است.^(۴) داعش اقدامات خود را از روی عملیات های القاعده بازسازی می کند و در نظر دارد که عملیات هایی را در خارج از عراق و سوریه انجام بدهد.

ص: ۵۳۲

۱- (۱) گزارش خبرگزاری ها از جنایات داعش؛ ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبر، به نقل از روزنامه «دیلی استار»، «روپرت کولویل» سخنگوی دیده بان حقوق بشر سازمان ملل متحد. نشانی در فضای مجازی: <http://koghnews.ir> ۱۳۱۴۵۸

۲- (۲) پایگاه خبری تحلیلی انتخاب Entekh.ir

۳- (۳) گزارش خبرگزاری ها با عنوان افشای همکاری داعش با رژیم سعودی، زمان انتشار خبر: جمعه ۲۰ دی ۱۳۹۲. نشانی در فضای مجازی با مستندات، تصاویر و فیلم در فضای مجازی: <http://www.irinn.ir/news/۳۹۶۲۲>

۴- (۴) داعش؛ از ابتدا تا انتها، زمان انتشار خبر: یکشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۲-۱۳:۵۰، نشانی در فضای مجازی: <http://www.irinn.ir/news/۳۹۷۶۶>

در آوریل ۲۰۱۳ م، ابوبکر بغدادی در یک فایل صوتی اعلام کرد که گروه تروریستی «جبهه النصره» امتداد «دولت اسلامی عراق» است. وی همچنین با ادغام این دو گروه، تأکید کرد که از این پس نام این گروه «دولت اسلامی در عراق و شام» است؛ گروهی که پس از مدتی با نام «داعش» معروف شد. گروه النصره، اما یک روز پس از آن، مخالفت خود را با این موضوع اعلام کرد. سرکرده تشکیلات القاعده نیز در بیانیه ای با ادغام این دو گروه مخالفت کرد. ابوبکر بغدادی با وجود مخالفت های جبهه النصره و القاعده، پس از اعلام تشکیل داعش، فعالیت های خود را به سوریه گسترش داد و رقه و دیرالزور را اشغال کرد و در این راه به شدت با دیگر گروه های تروریستی که مخالف این ادغام بودند، درگیر شد.

سیطره بر شهر الرقه در شرق سوریه، آغاز فعالیت گسترده و قدرت نمایی داعش در استقرار حکومت جدید بود. داعش برای مدیریت عملیات های نظامی، «شورای نظامی» و برای اداره مناطق تحت کنترل خود «شورای ویژه» تشکیل داده است. شورای نظامی داعش مسئولیت برنامه ریزی، مدیریت سران و عملیات های نظامی را برعهده دارد. در داعش، عملیات های نظامی به نام «غزوه» شناخته می شوند. داعش در ابتدا سعی کرد با ارائه خدمات و کمک هایی به مردم، نظر مثبت آنها را به خود جلب کند. اما به سرعت رفتارهای خشونت آمیز و مجازات گونه داعش علیه مردم، این برنامه آنها را ناکام گذاشت.

«هیئت های شرعی»، بخش دیگری از ساختار دولت داعش است که وظیفه ارشاد، تبلیغ و پیگیری فعالیت های رسانه ای و شورای امنیتی و سازمان اطلاعاتی را برعهده دارد. بخش رسانه ای داعش شامل، دو مؤسسه رسانه ای «فرقان» و «اندلس» هم، فعالیت های تبلیغی - رسانه ای را پیگیری می کند.

(د) کشتار جمعی علما و مردم عادی اهل تسنن توسط داعش

داعش در نیمه دوم سال ۲۰۱۳ م، نزدیک به ۱۴۰۰ خانه را در عراق منفجر و ویران

کرد. طی این حملات، ۱۹۹۶ نفر کشته و ۳۰۲۱ نفر زخمی شدند. داعش در محدوده فعالیت خود، هم با دولت سوریه و عراق درگیر است و هم با گروه های مسلح دیگر؛ از جمله پس از اینکه فرمانده گروه آزادگان شام را در «تل ابیض» در استان رقه به قتل رساند، این گروه نیز به تلافی آن، دو تن از سرکردگان داعش را در شهرک حزانو، واقع در استان ادلب به قتل رساند. عدنان العرعور از مفتیان تکفیری سوری، در واکنش به اقدامات داعش، در مصاحبه ای بیان کرد:

برای ما روشن شده است که نیروهای داعش همه توافقات را زیر پا می گذارند و به کشتن مجاهدین راه حق مبادرت می ورزند. آنها خائنانی هستند که تلاش می کنند تا با تکفیر، امت اسلامی را از وجود علما پاک کنند.

علی قره داغی، دبیرکل اتحادیه جهانی علمای اسلام قطر، در مصاحبه ای بیان کرد:

ما برخوردهای ضد راهبان مسیحی را محکوم می کنیم و با اقدامات تروریستی مخالف هستیم. اقدامات تروریستی انجام شده از سوی دولت اسلامی عراق و شام را محکوم می کنیم. داعش قربانیان خود را بیشتر از میان اهل تسنن انتخاب کرده است تا اهل تشیع. گروهی از روی حماقت و نفهمی دست به اقداماتی نابجا زدند و تصویری ناپسند و زشت از اسلام را در اذهان ترسیم کردند و از همین روی در این برهه، ایفای نقش عالمان مذهبی برای تغییر این تصویر، ضروری است.

این گروهک از زمان ورود خود به عراق تاکنون ۳۷۵ امام جماعت و سخنران سنی مذهب را اعدام کرده است. نکته جالب اینجاست که این گزارش را فعالان حقوق بشر در استان سنی نشین الأنبار تهیه و تنظیم کرده و فاش کرده اند که از مجموع این ۳۷۵ نفر، دست کم صد نفر از استان الأنبار بوده اند. براساس این گزارش، سرشناس ترین چهره های اعدام شده، «خالد سلیمان»، رئیس سابق دیوان وقف سنی الأنبار، «عمر العانی»، مفتی الأنبار و «شیخ حمزه العیساوی»، رئیس «رابطه علمای فلوجه» بوده اند.

الف) قتل عام مردم و زندانیان شیعه در موصل

سازمان جهانی دیده بان حقوق بشر، طی بیانیه ای درباره سرنوشت صدها خانواده شیعه، از مردم موصل که خانه و کاشانه و شهرشان به دست تروریست های افراطی سقوط و به اشغال درآمده و برای نجات جان خویش به مرزهای ترکیه پناه برده اند، به شدت ابراز نگرانی کرد و مسئولیت قانونی، اخلاقی و پذیرش آنان به عنوان پناهندگان انسانی را متوجه دولت ترکیه دانست و از آن دولت خواسته است تا مرزها را به روی آنان بگشاید.

داعش در حمله به زندان «بادوش» موصل، در ۱۰ ژوئن جاری، اقدام به آزادسازی صدها زندانی کرد که در میان آنها زندانیان متهم به دست داشتن در اقدامات تروریستی نیز مشاهده می شوند. فرمانده عملیات سامرا، با اعلام هلاکت سرکرده گروه تروریستی داعش در تکریت، از دستگیری یک تروریستی داعشی فراری از زندان موصل خبر داد که طی بازجویی از وی، به اعدام سیصد شیعی در زندان موصل به دست داعش اعتراف کرد.^(۱)

ب) قتل عام دانشجویان شیعه نیروی هوایی (اسپایکر)

گروهک تروریستی «داعش»، بعد از ورود به تکریت، اعلام کرد که پس از تصرف پایگاه هوایی «اسپایکر» در تکریت، ۱۷۰۰ دانشجوی دانشکده نیروی هوایی را کشته است. مطابق اعلام این سازمان تروریستی، سرکرده داعش، «ابوبکر البغدادی»، دستور اعدام ۱۷۰۰ دانشجوی شیعه این دانشکده را صادر کرد و به آزادی هشتصد نفر دیگر که

ص: ۵۳۵

۱- (۱) گزارش خبرگزاری ها و پایگاه اطلاع رسانی مجلس اعلای اسلامی عراق. با عنوان: «اعدام سیصد زندانی شیعی در زندان موصل به دست داعش»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.snews.com/newstext.php?nn=> ک

سنی مذهب بودند، دستور داد. (۱) در بیانیه «مرکز بین المللی آدم برای دفاع از حقوق بشر و آزادی ها» آمده است:

این سازمان تروریستی، جنایتی وحشیانه و نسل کشی تمام و بی کم و کاستی ضد نوع بشر مرتکب شده که اعدام های گروهی، تیلور آن است؛ رفتاری که در دو جنگ جهانی، مانند نداشته است. بنابراین، مرکز بین المللی آدم، از جامعه جهانی می خواهد با اتخاذ تصمیمات و راهکارهای سریع، از کشتار بیشتر مردم بی دفاع، روحانیون و سربازان اسیر عراق جلوگیری کند. همچنین گروهک تروریستی «داعش» پس از عقب نشینی مسئولان عراقی از استان های صلاح الدین و نینوا در شمال عراق و مسلط شدن ترویست ها بر بخش هایی از آن، صحنه هایی ویدیویی منتشر کردند که تیراندازی جنگجویان این سازمان تروریستی به سوی مردم و سربازانی که به اسارت گرفتند، به نمایش می گذارد. در این ویدیوها دیده می شود که اسیران را سوار کامیون کرده، سپس با دستان بسته آنان را در چاله ای نه چندان گود وادار به خوابیدن به رو کرده، سپس پیکرهای غرقه به خون سربازان و مردم بی دفاع را که به رگبار بسته شده اند، به نمایش می گذارد. (۲)

در این ویدئوها تعداد دیگری نشان داده می شود که به وسیله داعش به لب یک نهر آب برده می شوند و پس از شلیک مستقیم گلوله به آنها، جسدهایشان را در نهر می ریزند. (۳) «عبدالهادی حکیم»، نماینده پارلمان عراق، درباره این جنایت داعش اعلام

ص: ۵۳۶

۱- (۱) گزارش خبرگزاری ها از جمله خبرنگاری جمهوری اسلامی ایران با عنوان: داعش ۱۷۰۰ دانشجوی دانشکده هوایی تکریت را اعدام کرد، تاریخ خیر: دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۳ ه. ش - ۱۸ شعبان ۱۴۳۵ ه. ق - ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴ م. نشانی در فضای مجازی: <http://www.irn.ir/News/۸۱۲۰۱۸۹۳>

۲- (۲) هشدار مرکز بین المللی آدم نسبت به فجایع اخیر عراق؛ ر. ک: <http://persi.shir.i.ir/shownews.php?Code=۳۷۹۵>

۳- (۳) انتشار ویدئوی قتل عام صدها شیعه توسط داعش با هدف ارعاب؛ ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، کد خبر: ۷۶۲۴۸، تاریخ انتشار: ۰۸ مرداد ۱۳۹۳ ه. ش - ۱۷:۴۹، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi.news/۷۶۲۴۸>

کرد: «کشتارگاهی که تروریست های تکفیری در مورد صدها شهروند و سرباز شیعه در خارج از میدان درگیری و در صلاح الدین انجام دادند، از سوی گروهکی که شیعه را تکفیر می کند و به نابودی جمعی آن فتوا می دهد، عجیب نیست. اما مسئله عجیب، سکوت احزاب غیر شیعی عراق در خصوص این جنایت است؛ جنایتی که در آن خون صدها بی گناه به زمین ریخت».

وی به بیانیه کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل اشاره کرد که در آن آمده است: «بنابر منابع مستند، صدها نفر بدون محاکمه به صورت وحشیانه اعدام شده اند و این اقدام در ردیف جنایات جنگی به شمار می رود».^(۱)

ج) قتل عام کودکان شیعه

در اوت ۲۰۱۴ م، «فاضل البراوی»، عضو کمیسیون حقوق بشر عراق، طی گزارشی اعلام کرد: «هزار کودک از سیصد هزار آواره عراقی، در استان های مختلف، به دست داعش کشته شده اند». وی افزود: «برخی کودکان به جرم شیعه بودن به همراه والدینشان، زنده زنده دفن شده اند». وی از جوامع بین الملل خواست از ملت عراق در مقابل جنایات داعش حمایت کنند.

وی از جامعه بین الملل و شورای حقوق بشر در ژنو خواست با تشکیل جلسه ای اضطراری، به این جنایات رسیدگی کند و آن را به عنوان نسل کشی دسته جمعی معرفی کند و داعش و دولت های حامی آنها را در لیست تروریسم بین الملل قرار دهد.^(۲)

ص: ۵۳۷

۱- (۱) انتقاد «عبدالهادی حکیم» از سکوت احزاب در قبال اعدام ۱۷۰۰ شیعه در صلاح الدین، گزارش پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، کد خبر: ۷۵۰۱۳، تاریخ انتشار: ۲۷ خرداد ۱۳۹۳ ه. ش - ۱۸:۱۹، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۷۵۰۱۳>

۲- (۲) پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، دفن زنده زنده شیعیان عراقی توسط داعش / اوج جنایات ضد بشری تکفیری های وهابی، کد خبر: ۷۶۴۹۶، تاریخ انتشار: ۱۸ مرداد ۱۳۹۳ ه. ش - ۲۰:۰۳، نشانی گزارش با ارجاعات در شبکه جهان پهنا: <http://www.shi news.com/news/۷۶۴۹۶>

د) فجایع داعش علیه شیعیان تلعفر و طوز خورماتو

بعد از سقوط موصل، داعش به سمت شهر تلعفر لشکر کشید که با وجود مقاومت چند روزه مردم، به دست داعش افتاد و ده ها هزار نفر از مردم این شهر آواره شدند. با شدت گرفتن درگیری ها این احتمال می رود که وضعیت جمعیتی مناطق ترکمان نشین عراق، به نفع قومیت های دیگر تغییر کند و بسیاری از ترکمان های شیعه عراق، برای در امان ماندن از نسل کشی های داعش، برای همیشه از مناطقتشان مهاجرت کنند.

همچنین داعش حمله ای برای تصرف روستاهای اطراف شهر شیعه نشین «طوز خورماتو» در استان صلاح الدین آغاز کرد که بسیاری از افراد ساکن این شهر، خانه های خود را تخلیه کردند و امروز تنها نیروهای داوطلب مردمی در این شهر حضور دارند.^(۱) همچنین نماینده ساکنان طوز خورماتو اعلام کرد: ۳۵ نفر از ترکمن ها که به دست تروریست های داعش کشته شده اند، در روستاهای «جرداغلی»، «برواجلی» و «قرناز» به خاک سپرده شدند. نماینده طوز خورماتو گفت: «باندهای تروریستی، یک شهروند میانسال را با شلیک گلوله به ناحیه سر کشته و سپس چشمان وی را از حدقه خارج و زبانش را قطع کردند».^(۲)

ه) فاجعه قتل عام روستای بشیر

سازمان «کمپین مردمی و ملی برای گنجاندن انفجارهای عراق در لیست جنایات جمعی (حشد)» با مستند کردن این فاجعه اعلام کرد:

ص: ۵۳۸

۱- (۱) منبع: مشرق؛ ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، «شیعیانی که محکوم به ذبح هستند + تصویر»، کد خبر: ۷۵۷۰۰، تاریخ انتشار: ۱۷ تیر ۱۳۹۳ ه. ش - ۰۶:۱۸، نشانی گزارش با ارجاعات در شبکه جهان پهنا: <http://www.shi.com/news/75700>

۲- (۲) گزارش پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، عنوان گزارش: جنایات داعش در طوز خورماتو، کد خبر: ۷۵۳۷۹، تاریخ انتشار: ۰۴ تیر ۱۳۹۳ ه. ش - ۱۴:۵۲، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi.com/news/75379>

گروه های مسلح، روزهای ۱۲ و ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ م، به روستای بشیر در جنوب شهر کرکوک و چهار روستای دیگر در شهر طوز خورماتو حمله کردند و پس از درگیری با ارتش عراق این روستاها را به کنترل خود درآوردند. [این] گروه ها جرایم و جنایاتی مرتکب شدند که طبق کنوانسیون منع کشتار جمعی مصوب سال ۱۹۴۸ م باید جنایات جمعی خوانده شود... مردان روستاها به سوی طوز خورماتو فرار کردند، ولی زنان و کودکان نتوانستند فرار کنند و قربانی حملات گروه های تروریستی شدند. گروه های مسلح چند مرد و زن و دختر را پس از کشتن، چند روز از تیرهای چراغ برق و منبع آب آویزان کردند که یک دختر ۱۲ ساله بین این افراد دیده می شد. یکی از فجیع ترین جنایاتی که گروه های مسلح مرتکب شدند، این بود که به یک ساختمان مسکونی حمله کردند و همه ساکنان آن از جمله پنج کودک شیرخوار را سر بُریدند. افراد مسلح وحشیانه به زنان و دختران تجاوز کردند که برخی از آنان به علت تجاوز وحشیانه جان خود را از دست دادند یا دچار بیماری روانی شدند. آنها از صحنه تجاوز فیلمبرداری کردند و فیلم های تهیه شده را به خانواده های قربانیان دادند و به گفته یکی از مسئولان محلی، آمار دقیقی درباره تعداد قربانیان تجاوز جنسی گروه های مسلح در دست نیست؛ زیرا خانواده ها به علت مسائل اجتماعی، نمی توانند این رسوایی را فاش کنند.

گروه های مسلح همچنین اموال و اثاثیه مردم را غارت کردند. سپس منازل آنها را آتش زدند و چهار روستای ترکمن نشین را نیز سوزاندند. بیش از پانزده هزار نفر به علت جرایم و جنایات داعش به مرکز استان کرکوک فرار کرده اند و هیچ امکاناتی در اختیار ندارند و برخی از آنها در زمین بایر و برخی دیگر نیز در مساجد، مدارس و مراکز دولتی به سر می برند.

حشد با درخواست از سازمان ملل متحد و دیوان بین المللی کیفری برای آغاز تحقیقات فوری درباره جرایم و جنایات گروه های مسلح اعلام کرد:

سازمان ملل و دیوان بین‌المللی کیفری باید مشخص کنند که گروه‌های مسلح، تسلیحات پیشرفته و مهمات خود را چگونه و از کجا تهیه کرده‌اند. جرایم و جنایاتی که گروه‌های مسلح هر روز در عراق مرتکب می‌شوند، طبق مواد ۶ و ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جزو جنایات جمعی محسوب می‌شود.

(و) قتل عام ترکمانان شیعه منطقه آمرلی

از زمان سقوط شهر «موصل» به دست گروه تکفیری داعش، منطقه «آمرلی»، در شمال استان صلاح‌الدین، از جمله مناطقی بود که اهالی آن با وجود زندگی در شرایط بسیار سخت و نبود حمایت و پشتیبانی، در برابر حملات این گروه تکفیری مقاومت کردند. ولی از همه طرف در محاصره و در وضعیت اسفباری قرار گرفتند؛ به گونه‌ای که حدود بیست هزار شیعه هم اکنون به قتل عام و اسارت تهدید شده‌اند. متأسفانه در پس حمله گروه تکفیری داعش به آمرلی دلایل قومی و طایفه‌ای نهفته است. مردم امکان خروج از شهر را ندارند. بیماران و مجروحان هم اکنون با کمترین و ساده‌ترین امکانات درمان می‌شوند و بیمارستان‌ها به دلیل نبود دارو و تجهیزات پزشکی تعطیل شده‌اند.^(۱) البیاتی، نماینده این منطقه، اعلام کرد:

حدود ۴۴ شهرک و روستای عربی و ترکمن در منطقه آمرلی وجود دارد، اما شهر آمرلی به دلیل اینکه شیعه و از مریدان اهل بیت علیهم‌السلام هستند، مورد حمله این گروه تکفیری قرار گرفته است و از آب و برق محروم می‌باشد. حتی آب چاه‌ها خشک شده است. با این حال مردم با وجود تشنگی و گرسنگی همچنان به مقاومت خود تا آزادی شهر ادامه داده‌اند.^(۲)

ص: ۵۴۰

۱- (۱) منبع: خبرآنلاین؛ ر. ک: پایگاه اطلاع‌رسانی شیعه نیوز: «تر. کمن‌های شیعه شمال عراق را دریابید»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news>

۲- (۲) منبع پیشین.

ز) مستند شدن هزار جنایت داعش علیه شیعه عراق

سازمان جهانی دیده بان حقوق شیعیان، طی بیانیه ای اعلام کرد: بیش از هزار مورد از جنایات این جریان تروریستی، از قبیل کشتار، آواره کردن، شکنجه و مُثله کردن پیکر کشتگان در شرق و غرب عراق را مستند کرده است. این سازمان تمام این جنایات را محکوم نموده و از دولت عراق می خواهد تا به مسئولیت قانونی، اخلاقی و انسانی خود درباره شهروندان شیعه، عمل و برای جلوگیری از خشونت که ضد مردم بی دفاع عراق روا داشته می شود، اقدامی عاجل کند؛ خشونت که سیل خون به راه انداخته است. دولت باید بدون هیچ مسامحه و چشم پوشی، محرکان و حامیان این جنایت ها و مجرمان را به یک اندازه تحت پیگرد قرار دهد و مجازات کند. این نهاد بین المللی، همچنین از سازمان های جامعه جهانی، از جمله شورای امنیت و سازمان ملل متحد می خواهد موضعگیری جدی گرفته و راه حل های مناسبی برای مجازات این گروه های افراطی و حامیان مالی شان ارائه دهد. گفتنی است بیشتر قربانیان این جنایات زنان و مردان و کودکان بی دفاع و بی گناه هستند. (۱)

ح) شیوه های شکنجه داعش

شیوه های شکنجه داعش متفاوت است. به طور مثال بر سر زندانی پلاستیکی می بندد تا فرد دچار حالت خفگی شود و لحظاتی پیش از خفگی، کیسه را باز می کنند. اتصال برق، شیوه دیگر شکنجه داعشی هاست. داعش زندان هم دارد. افراد نجات یافته از زندان های داعش می گویند که شرایط این زندان ها غیرانسانی است. سازمان عفو بین الملل نیز در یکی از گزارش های خود نوشت: «براساس گزارش های دریافتی، در زندان های داعش کودکانی حضور دارند که با شلاق های سنگین روبه رو شده اند». جو

ص: ۵۴۱

استورک، معاون سرپرست خاورمیانه در دیده بان حقوق بشر، گفت: «کشتارهای وحشتناک، جدیدترین مورد از جنایات گروه داعش است. با توجه به بمب گذاری ها و حملات انتحاری این گروه علیه غیر نظامیان در عراق، شواهد تکمیلی برای اثبات جنایات علیه بشریت آنها وجود دارد».^(۱)

۱۹. محوریت سعودی ها در قتل عام شیعیان عراق

سرویس اطلاعات عربستان سعودی، محور اصلی حمایت از جریانات تکفیری در عراق است؛ به همین دلیل آمریکا توانست موقعیت خود را در عراق ارتقا دهد؛ چراکه همگان بر اهمیت نقش آمریکا در کنترل جریانات تکفیری تأکید داشتند. یکی از عوامل مهم درگیری های خونین منطقه، بحث تکفیر شیعیان و مطرح کردن آن از سوی علما و روحانیون افراطی وهابی و سلفی است که باعث قربانی شدن بسیاری از شیعیان بی گناه در منطقه شده است. جالب اینجاست که به جای برخورد مناسب و معقولانه با این پدیده و اعلام براءت از اقدامات خشن و سرکوبگرانه، در آذر ۱۳۸۵ ه. ش، ۳۸ نفر از علمای سلفی عربستان سعودی ضمن ابراز تأسف از سقوط بغداد، آن را توطئه مشکوک صلیبیون، روافض و صفویان دانستند و هدف از آن را حفاظت و حمایت از اشغالگران و تحدید نفوذ اهل سنت در منطقه و ایجاد هلال شیعه و تجزیه عراق به سه منطقه کردی، شیعی و سنی خواندند. در این نوع تقسیم بندی، روافض همان شیعیان، صفویان همان ایرانیان و اشغالگران نیز سربازان صلیبی هستند.

یک سند که وزارت کشور عربستان سعودی آن را منتشر کرد، اثبات می کند که مقامات سعودی به دنبال این بودند که در اردن، نشستی با شخصیت های عشایر و قبایل الانبار،

ص: ۵۴۲

۱- (۱) یکی از شاهدان عینی هم از اعمال مجازات نود ضربه شلاق بر نوجوان چهارده ساله خبر می دهد. موارد جدید جنایات علیه بشریت. سایت تحلیلی عصر ایران به نقل از الشرق الأوسط: نشانی با مستندات و تصاویر در فضای مجازی:

<http://www.rir.com> ك ۳۳۹۵۳۴ print

نمایندگان سازمان منافقین و ارتش آزاد سوریه و گروه های سلفی تکفیری فعال در عراق و لبنان برگزار کنند. این سند نشان می دهد که گفت و گوهای رد و بدل شده در این نشست، درباره نحوه تعامل با تحولات مورد انتظار در منطقه، نحوه حمایت از هم پیمانان کشور عربستان برای مقابله با هم پیمانان ایران در منطقه و مقابله با محور مقاومت بوده است. در این نشست حاضران آمادگی خود را برای همکاری با عربستان سعودی و تقویت نقش این کشور در حمایت از گروه های سلفی مسلح در منطقه اعلام کردند.^(۱)

مباشرت تروریست های سعودی در عملیات های تروریستی علیه شیعیان عراق، سوریه، لبنان و دیگر کشورهای عربی، امروزه به موضوعی عادی تبدیل شده است. سخنگوی القاعده در عراق، حدود سه هفته پیش، در یک نوار صوتی گفته بود: «بمب های ما، دیالی تا بیروت را هدف قرار خواهد داد و هیچ کس نمی تواند ما را از جهاد علیه شیعه در عراق و سوریه باز دارد. شام و عراق باید یک جبهه و یک رهبر شوند و هیچ مرزی بین آنها نباشد. شیعیان از دیالی تا بیروت را بخش بخش خواهیم کُشت و گروه های شیعی و حزب الله را نابود خواهیم کرد».^(۲)

در هر هفته، بیش از صد نفر از شیعیان در اثر بمب گذاری انتحاری جان خود را از دست می دهند. در این باره «دیوید کنر» با عنوان «عراق، پایتخت انفجار در جهان» نوشت:

اگر این روند ادامه یابد، شمار کشته های ناشی از خشونت ها در عراق تا پایان سال ۲۰۱۴ م، به دوازده هزار نفر خواهد رسید. این در حالی است که براساس گزارش های رسانه ها، طی سال ۲۰۱۳ م، کمتر از هفت هزار نفر در خشونت های عراق کشته شده

ص: ۵۴۳

۱- (۱) منبع: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز با عنوان: «افشای سند سرّی وزارت کشور عربستان در حمایت از سلفی های افراطی»؛ به نقل از تسنیم، بر اساس اخبار پایگاه خبری عربی پرس. <http://www.shi news.com/news/۶۰۸۶۲>

۲- (۲) «توطئه قتل شیعیان از دیالی عراق تا بیروت توسط القاعده»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۵۸۴۸۹>

بودند. مؤسسه بروکینگز در سال ۲۰۱۲ م اعلام کرد: «شمار تلفات غیر نظامیان و نیروهای امنیتی در عراق، ۵۲۰۰ نفر و در سال ۲۰۱۱ م این رقم ۴۸۰۰ نفر بوده است».^(۱)

گفتار سوم: نسل کشی شیعیان افغانستان

۱. نسل کشی در دوره عبدالرحمان خان جلاد

اشاره

در دوران حاکمیت عبدالرحمان خان، معروف به جلاد (۱۲۸۰-۱۳۵۹ ه. ش) یک جنگ سه ساله علیه سادات و شیعیان هزاره^(۲) آغاز شد. عبدالرحمان جلاد دستور قتل عام داد و به هزاره هایی که از قتل عام جان سالم به در برده بودند، دستور داد که یا از نو مسلمان شوند (سنی شوند) یا به دولت تحت امر او جزیه دهند یا برای بقای خودشان از افغانستان خارج شوند.^(۳) از این رو آنها آواره کشورهای همجوار شدند و سرزمین هزاره ها، به ویژه مناطق حاصلخیز و مهمی چون ارزگان، شمال قندهار، غور و اطراف آن، به عنوان غنیمت در اختیار پشتون های هند بریتانیا که در این جهاد شرکت کرده بودند، قرار گرفت.^(۴) نیروهای عبدالرحمان به جان مردم بی گناه هزاره افتادند، روستاها را به آتش کشیدند و اهالی اش را قتل عام کردند و اموالشان را به تاراج بردند؛ بدین ترتیب ده ها هزار نفر قتل عام شدند که بیشترشان زن و کودک و افراد از کار افتاده بودند.^(۵)

ص: ۵۴۴

- ۱- (۱) دیوید کتر، عراق، «پایتخت انفجار در جهان»، پایگاه اینترنتی گلف نیوز؛ به نقل از خبرگزاری اهل بیت - ابنا -، نشانی در فضای مجازی: <http://www.nir/persi/۶۰۶۴۴۱/print.html>
- ۲- (۲) هزاره ها مردم اصلی و بومی افغانستان به شمار می روند که در مناطق کوهستانی مرکزی سکونت داشتند. از نگاه شکل ظاهری، دارای قد کوتاه چشم های بادامی و بینی پهن می باشند. بیشتر آنها پیرو مذهب شیعه دوازده امامی و اسماعیلی می باشند که بیشتر از ۳۰ کل نفوس افغانستان را تشکیل می دهند. هرچند دولت افغانستان به صورت تخمینی نفوس هزاره ها را ۱۵ اعلام کرده است که اعلان این تعداد، بیشتر دلیل سیاسی داشته تا از جذب بیشتر هزاره ها در ادارات دولتی جلوگیری کند؛ ر. ک: «هزاره ها از قتل عام تا احیای هویت»، بصیر احمد دولت آبادی.
- ۳- (۳) همان.
- ۴- (۴) در سال ۱۸۹۲ به بعد عبدالرحمن خان، هزارستان را فتح کرد؛ همان.
- ۵- (۵) بررسی ریشه های تاریخی تشیع در افغانستان، قربان علی محقق ارزگانی، همان، ص ۲۱۱.

عبدالرحمن ۶۲ درصد از شیعیان افغانستان را قتل عام کرد و افزون بر آن، از آنجا که سربازان وی در پی به اسیری گرفتن زنان و کودکان بودند، دختران زیادی برای اینکه دامانشان آلوده نگردد، دست به خودکشی زدند. برای نمونه در یک روستای ارزگان خاص، وقتی همه مردان آن روستا شهید شدند، زنان و دختران که جمعاً ۴۷ نفر بودند، برای این که دامانشان توسط سپاه عبدالرحمان خان جلاد لوٹ نگردد، همگی حسین گویان خود را از بالای کوه به پایین انداختند و بدنشان قطعه قطعه شد. ریاضی هروی در این مورد شعری سروده است:

به قصد غزالان نیکو سیر چو گرگان شدند از قضا حمله ور

غزالان بر آن کوه بالا بلند به لاهی سر راهشان گشت بند

زیبمی که بر طرف دامانشان مبادا رسد دست نامحرمان

کشیدند افغان به صد شور شین بگفتند فریادرس یا حسین

زغیرت از آن کوه گردن سریر فکندند خود را یکایک به زیر

بدادند جان و ندادند دست که ناید به ناموس آنها شکست(۱)

پس از آن که مسلمانان شیعه اجرستان، چوره، دایه، پولاد، کمسان خاص ارزگان و... قتل عام شدند، دولت زمین هایشان را به پشتون های بریتانیا اعطا کرد. آنان در سر حد میان هند و افغانستان سکونت داشتند و به تحریک دولت انگلیس سرزمین خود را ترک کرده، به افغانستان آمدند. به این ترتیب سرزمین های ارزگان و اجرستان، پشتون نشین و سنی نشین شد. گفتنی است کشتار هزاره ها مایه تفریح سپاهیان عبدالرحمان بود. آنها کودکان را بر سر نیزه بلند کرده، به زمین می زدند و گاهی طفل را در هوا پرتاب کرده، با شمشیر دو نیم می کردند. قساوت آنان به حدی بود که چشم و گوش اسیران را می بریدند و آهن داغ و روغن جوش به یقه شان می ریختند.

ص: ۵۴۵

ب) قتل عام اسرای دره «کاش قول» و «بامیان»

در دره کاش قول، هزاره ها مقاومت کردند، ولی شکست خوردند. در این جنگ، بیست هزار نفر از عساکر دولتی به فرماندهی عبدالقدوس خان، حضور داشت. اسرای هزاره را سر بریده و سرهایشان را به قندهار بردند و بعد از چندی، از آن سرها مناره ساختند.^(۱)

در بامیان نیز از سرها مناره ساختند و عملیات اعدام دسته جمعی اسرا را به راه انداختند که چندین هفته به طول انجامید. مأموران عبدالرحمان هر روز صد نفر را به دار می آویختند.^(۲) در کابل بخش عمده ای از اسرای مرد تیرباران شدند و بقیه یا زندانی، یا به جلال آباد و بگرام تبعید شدند. در حدود هشت هزار زن و دختر هزاره نیز در کارگاه های شهر کابل به کار گماشته شدند.^(۳)

ج) قتل عام سادات، زوار و کربلاییان

در مناطق مرکزی افغانستان، سادات، کربلایی ها و ملاهای هزاره را دستگیر و در کابل اعدام، یا زندانی می کردند؛ به طوری که وقتی عبدالرحمان مُرد، دوازده هزار هزاره در زندان های او بودند.

لازم به ذکر است که جنگ علیه هزاره ها سال ها ادامه داشت، اما در سال های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱ ه. ق هزاره جات قتل و غارت شدیدی را شاهد بودند.^(۴)

همچنین در ۲۹ محرم ۱۳۱۱ ه. ق، نوروزعلی ۱۱۵ نفر سید و کربلایی را از پنجاب و بهسود به کابل فرستاد که در پی آن، کهندل خان، اطفال و عیال آنها را نیز به کابل روانه کرد. وقتی این افراد به کابل رسیدند، عبدالرحمان دستور داد آنها را بکشند.^(۵)

ص: ۵۴۶

۱- (۱) تاریخ ملی هزاره، ص ۲۱۱؛ ر. ک: بررسی ریشه های تاریخی تشیع در افغانستان، ص ۲۱۶.

۲- (۲) همان؛ ر. ک: بررسی ریشه های تاریخی تشیع در افغانستان، ص ۲۱۶.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) دفاع هزاره ها از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان، ص ۳۴؛ ر. ک: بررسی ریشه های تاریخی تشیع در افغانستان، ص ۲۱۵.

۵- (۵) وقایع افغانستان، محمد کاتب ملافیض، ص ۳۴۵؛ به نقل از: بررسی ریشه های تاریخی تشیع در افغانستان، ص ۲۱۷.

د) کشتار جمعی علما و رجال معروف شیعه افغانستان

از علمای شهیر قرن سیزدهم مولی محمدعلی قندهاری است که در قندهار مرجعیت و رهبری یافت ولی به دستور عبدالرحمان خان دستگیر و به کابل برده شد و در حالی که بیش از شصت سال داشت، به قتل رسید. مولی علی جان (پسر ملاغلام) نیز همراه همین شخصیت به کابل برده و زندانی شد و بعد در حالی که نزدیک به ۵۵ سال از عمرش می گذشت، در زندان اعدام شد. گفتنی است عبدالرحمان، به دستور و کمک مالی و تسلیحاتی انگلیس، مأمور قلع و قمع مبارزان ضد انگلیسی بود. لذا روحانیت تشیع، قربانی اهداف دینی و ملی خود شدند. البته در زمان شاهان دیگر افغانستان نیز، از جمله ظاهرشاه، برخی نخبگان شیعه به شهادت رسیدند که می توان از علامه سید اسماعیل بلخی نام برد. وی در ۲۴ تیر ۱۳۴۷ ه. ش مسموم و به شهادت رسید.^(۱)

ه) تلفات شدید آوارگان هزاره

ستم های عبدالرحمان خان جلاد باعث شد هزاره هایی که زنده ماندند، مجبور به مهاجرت شوند. اما تعداد زیادی از آنها به مقصد نمی رسیدند و در راه می مردند. علامه افضل ارزگانی می نویسد:

در سنه ۱۳۱۵ ه. ق (۱۸۹۶ م) حکم شد که ملک ارزگان، چوره، کمسون شوی و اجرستان را افغانی ها (پشتون های کوچی) بگیرند؛ تمام آن مخلوق را که در بین ملک ها بود، اخراج کرده در ایران، توران (کشورهای آسیای میانه)، عربستان (عراق و سوریه) و بلوچستان منقرض شدند؛ اکثرشان در راه از بی آبی تلف شدند. مصیبت دیگر این بود

ص: ۵۴۷

۱- (۱) ر. ک: سایت خبری تحلیلی وحدت نیوز، ۲۳ فوریه ۲۰۱۱ م؛ گروه حوزه علمیه تبیان، علامه سید اسماعیل بلخی (قسمت اول)، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۹/۴/۲۴ ه. ش؛ سایت دریچه ای برای همزیستی، ۱۳۸۹/۱/۳۱ ه. ش. سمینار بین المللی بررسی اندیشه های شهید سید اسماعیل بلخی رحمه الله در کابل برگزار شد، مؤسسه فرهنگی بشارت، ۱۳۸۹/۴/۲۲ ه. ش.

که حکم کرده اند که از قلمرو افغانستان خارج نشوند! بیچاره ها خودشان را در کوه ها و بیابان ها می انداختند، صد خانوارشان که فرار می کردند، سی خانوارشان جان سالم به در نمی بردند.^(۱)

(و) بهره مندی انگلیسی ها و روس ها از اقدامات عبدالرحمان خان جلاد

عبدالرحمان خان ۶۲ درصد از نفوس شیعیان هزاره را کشت،^(۲) ولی اکثر اسناد و مدارک این نسل کشی نابود شد و انگلیسی ها نیز تمایلی به ثبت این اسناد نداشتند؛ زیرا با قتل عام شیعیان، آنها بدون هیچ نگرانی به حکومت خود در هندوستان ادامه می دادند. انگلیسی ها با تحمیل خط مرزی معروف به «دیورانند»، نقطه سکونت پشتون ها را به دو بخش تقسیم کردند و آنها را درون حاکمیت خود قرار دادند که این سیاست اکنون پس از گذشت سال ها، عامل اختلافات خونین پاکستان و افغانستان است. گفتنی است روس ها نیز با سوء استفاده از اوضاع نابسامان افغانستان، مناطقی از شمال را به تصرف خود در آوردند.

۲. قتل عام شیعه در زمان کمونیست ها

حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۸ میلادی، مصیبت دیگری برای افغان ها، به ویژه شیعیان این کشور بود. در سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ م کمونیست ها به مراکز دینی شیعه هجوم آوردند. آنها مدارس علمی شهرها را تعطیل کرده و مدیران و مدرسان آنها را دستگیر و اعدام جمعی کردند.^(۳) در این دوران، ظلم مضاعف بر شیعه شد؛ چراکه علاوه بر فشارها و قتل های معمول که به صورت سنتی انجام می گرفت، نظام کمونیستی

ص: ۵۴۸

-
- ۱- (۱) سایه روشن هایی از وضع جامعه هزاره، نائل حسین؛ ر. ک: بررسی ریشه های تاریخی تشیع در افغانستان، ص ۲۲۰.
 - ۲- (۲) بررسی ریشه های تاریخی تشیع در افغانستان، ص ۲۱۹.
 - ۳- (۳) اطلس شیعه، ص ۶۱۸.

نیز به صورت سیستماتیک سرکوبی و قتل عام شیعیان را در برنامه خود قرار داد که نزدیک به پنج هزار قربانی گرفت. این قربانیان بین سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ ه. ش (۱۹۷۸-۱۹۷۹ م) توسط سازمان آگسا (اطلاعات نظام کمونیستی افغانستان) کشته شدند. در اسناد موجود، نام‌های اکرم و صادق یاری، آیت الله سرور واعظ و مصباح از بزرگان دینی و سیاسی شیعه افغانستان، دیده می‌شود. (۱)

۳. قتل عام شیعه در جریان جنگ‌های داخلی

اشاره

بعد از سقوط دولت کمونیستی، جنگ‌های خانمانسوز داخلی آغاز شد؛ کشتار شیعیان در این دوران به حدی بود که سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر نیز اعلام کردند هزاره‌ها در افشار کابل به دست برهان‌الدین ربانی و در مزار شریف، بامیان و یکاولنگ، به دست طالبان قتل عام می‌شوند. (۲)

برخی از قتل‌های مردم هزاره در دوران جنگ داخلی، طبق اسناد معتبر، به قرار زیر است:

الف) قتل عام محله افشار شهر کابل در تاریخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۲ ه. ش (۱۱ فوریه ۱۹۹۳ م)؛

ب) قتل عام در غرب کابل به تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ ه. ش (۱۳ مارس ۱۹۹۵ م)؛

ج) قتل عام روستای قزل آباد در حومه شهر مزار شریف به تاریخ ۱۳۷۶/۷/۲ ه. ش (۲۴ سپتامبر ۱۹۹۷ م)؛

د) قتل عام شهر مزار شریف به تاریخ ۱۳۷۷/۵/۱۷ ه. ش (۸ اوت ۱۹۹۸ م)؛

ص: ۵۴۹

۱- (۱) گزارش خبرگزاری شیعیان افغانستان؛ به نقل از: منابع خبری، برای دانلود لیست اسامی قربانیان می‌توانید به لینک زیر مراجعه کنید: پایگاه خبرگزاری جمهور، عنوان: «یکی از هزاران»، ۲۹ سنبله ۱۳۹۲ ساعت ۱۱:۱۰.
<http://jomhornews.com/doc/ticle> ک ۳۹۸۹۳

۲- (۲) اطلس شیعه، ص ۶۱۶.

ه -) قتل عام شهر یکاولنگک به تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۳ ه. ش (۲۲ ژانویه ۲۰۰۱ م).

قتل عام فجیع شیعیان هزاره در افشار کابل

جنرال عبدالقدوس سید در کتاب «جنگ های کابل» می نویسد:

حمله بر افشار از سه استقامت: استقامت بادام باغ، استقامت سرک عمومی کارته پروان و استقامت غرب و خوشحال مینه آغاز شد. روز اول جنگ با تمام مصیبت ها، خونریزی ها و ویرانگری اش به پایان رسید. در صبحدم روز دوم، مطابق با ۱۳۷۱/۱۱/۲۲ ه. ش، نیروهای عبدالرب رسول سیاف و احمد شاه مسعود با هم وصل شدند و نیروهای تازه نفس حزب سلفی اتحاد اسلامی به آنها پیوستند. این افراد، به بهانه جست و جوی افراد حزب وحدت اسلامی به اماکن جمعیتی محله هزاره ها حمله بردند و به قتل، تجاوز به زنان و غارت دست زدند. در این جریان شمار زیادی از ساکنان افشار به قتل رسیدند که برخی گزارش ها از قتل عام ۲۵۰۰ مرد و زن و کودک حکایت می کند. در تصفیه خونین افشار به دست مهاجمین، خصوصاً نیروهای سلفی هوادار عبدالرسول سیاف، انتقام جویی های قومی و مذهبی و شوق دست یافتن به غنیمت، از جمله مال و دارایی های شخصی شهروندان، همراه با انگیزه تجاوز به زنان، به گسترش ابعاد و شدت فاجعه افزود و این واقعه را در اذهان شیعیان کابل جاودانه کرد. (۱)

۴. قتل عام های طالبان

اشاره

در اواخر سال ۱۳۷۲ ه. ش سلفیان تندرو، با نام طالبان، در افغانستان وارد صحنه نبرد گردیدند و با حمایت از سوی اطلاعات پاکستان، عربستان سعودی، آمریکا و انگلیس، تقویت شدند. آنها در شهریور ۱۳۷۵ ه. ش کابل را تصرف کرده و به قتل عام شیعیان پرداختند. در سال ۱۳۷۷ ه. ش اجلاسیه ای در پیشاور تشکیل شد که ۱۶۰ نفر از مفتی های

ص: ۵۵۰

سلفی و وهابی در آنجا جمع شدند و بیانیه فتواماندی را صادر کردند. آنها اعلام کردند که می بایست همه مردان و پسریچه های بالای هفت سال شیعه به قتل برسند و زنان و دختران و پسران کمتر از هفت سال، به عنوان برده و کنیز به اسارت درآیند. صدور این فتوا انگیزه شبه نظامیان طالبان را برای کشتار و قتل و غارت بیشتر می کرد. (۱)

الف) قتل عام مزار شریف

طالبان بعد از هجوم به مزار شریف، در روز شنبه ۱۳۷۷/۵/۱۷ ه. ش شیعیان این شهر را به رگبار بستند و حتی به بیمارستان ها رفته و بیمارهای شیعه را روی تخت بیمارستان به شهادت رساندند. در ۸ آگوست سال ۱۹۹۸ م، نیروهای طالبان برای بار دوم وارد شهر مزار شریف شدند و یک هفته بعد دوهزار نفر که بیشترشان غیر نظامی بودند، کشته شدند. در گزارشی که از سوی دیده بان حقوق بشر، به نام «قتل عام در مزار شریف» تهیه شده، چنین آمده است:

طالبان وارد شهر مزار شریف نشده بودند که نیروهای حزب اسلامی «گلبدین حکمتیار» در خطوط اول جبهه، قرارگاه حزب وحدت را که از جنگجویان بامیان و در منطقه ای به نام قلعه زینی تخت پل که یک منطقه وسیع محصور شده در شمال شرق مزار در جاده شهر بلخ، تشکیل شده بود را احاطه کردند. نیروهای حزب اسلامی به تعداد ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ جنگجوی حزب وحدت را به دام انداختند که بعداً با پیشروی طالبان محاصره گردیدند. بیشتر اعضای حزب وحدت، در همان منطقه کشته شدند و حدود هفتصد نفر آنها که به طرف مرز حیرتان فرار کرده بودند نیز توسط طالبان در دشت ها به قتل رسیدند. (۲)

ص: ۵۵۱

۱- (۱) جنایات وهابیان در افغانستان، نشانی در فضای مجازی با مستندات و مدارک: <http://www.vi.porsem.ir/content/i.ir/content> - وهابیان - در - افغانستان

۲- (۲) دیده بان حقوق بشر در گزارش خود نگاشته است: یک مرد تاجیک که خودش هم در توقیف طالبان بوده، چنین می نویسد: «من در کارته بخدی زندگی می کردم. طالبان سرک ها را محاصره کرده و اقدام به جستجوی خانه به خانه برای یافتن هزاره ها کردند. علاوه بر آن تاجیک ها، ازبک ها و هزاره از مناطق همجوار نیز دستگیر شده بودند. دویچه هزاره پائین آورده شد و یک عسکر طالب آنها را تیرباران کرد. چهار هزاره دیگر به تکیه خانه مهدیه برده شده و در آنجا به قتل رسیدند. همه این هزاره ها کارگر بودند؛ نظامی و جنگجو نبودند. آنها همگی بین ۱۹ الی ۲۰ سال داشتند. یک دانشجوی طب گواهی داد که طالبان شفاخانه را نیز برای پیدا کردن هزاره ها متلاشی کردند. من دو بچه هزاره را دیدم یکی حدود ۱۳ ساله و دیگری حدود ۲۰ ساله که طالبان آنها را با خود بردند؛ کابل پرس، «قتل عام در مزار شریف»: www.kulpress.org هزاره ها: قتل عام ها و مهاجرت، www.hpeople.com ک: ۱۱۰۳۹ p =

ملانیازی در خطبه های خود می گفت که هزاره ها مسلمان نیستند؛ آنها کافرند و باید آنها را بکشیم. طبق گزارش دیده بان حقوق بشر، بیشتر مقامات بلندرتبه طالبان چنین خطبه هایی می خواندند و کشتن هزاره ها جواز رسمی و شرعی یافته بود. طالبان تصمیم گرفتند هزاران و سید هزاره را که در زندان های مزارشریف بودند، به شیرغان، هرات و قندهار انتقال دهند. هر ۱۵۰ تن از این زندانیان در بین کانتینرهایی که گنجایش بیش از ۱۰۰ نفر نداشت، انداخته شدند. ولی تمام این زندانیان در مسیر راه، به دلیل نبود اکسیژن کافی، از بین رفتند.

(ب) قتل عام دیپلمات های ایران در مزار شریف

همچنین بعد از اشغال مزارشریف به دست طالبان، متحدان آنها، یعنی اعضای پاکستانی سپاه صحابه، وارد کنسولگری ایران در مزارشریف شده و هشت دیپلمات و یک روزنامه نگار ایرانی را به شهادت رساندند. این اقدام فجیع و تکان دهنده، جمهوری اسلامی ایران را تا مرز حمله به طالبان و برچیدن آنها از افغانستان پیش برد. اما به دلیل وقایع بعدی، از جمله حمله به طالبان از جانب آمریکا و ناتو، مانع این اقدام شد.^(۱)

ص: ۵۵۲

۱- (۱) ر. ک: طالبان، نسل کشی و کشتار سیاسی در افغانستان، سلام، (۲۵ شهریور ۱۳۷۷ ه. ش)، ص ۸.

ج) قتل عام فجیع میمنه

طالبان بعد از تصرف شهر میمنه، به محله شیعیان رفتند و تعداد زیادی از زنان و مردان و کودکان را در تکیه خان جمع کردند و آنها را سوزاندند. ملامنان نیازی، فرستاده ملا عمر در مزار شریف، در سخنرانی خود رسماً اعلام کرد که هر کس یکی از اهالی هزاره یا یک شیعه را در خانه خود پنهان کند ما آن خانه را با اهلش به آتش می کشیم. سپس اعلام کرد: «امیر المؤمنین (ملاعمر) برای مردم مزار شریف عفو عمومی داده، اما این عفو شامل شیعه ها و هزاره ای ها نمی شود». برخی گزارش های میدانی سنگچارک، بلخاب، بامیان، یروان و کاپیسا حاکی از این بود که طالبان شکم بانوان حامله شیعه را پاره می کردند و جنین آنان را بیرون آورده، سر می بریدند. همچنین چشم های برخی اسرا را از حدقه بیرون می آوردند. (۱)

د) به شهادت رساندن عبدالعلی مزاری و همراهانش

هنگامی که طالبان وارد کابل شدند، عبدالعلی مزاری، رهبر حزب وحدت اسلامی، حاضر شد با آنها مذاکره کند. طالبان نیز مذاکره را پذیرفتند. ولی هنگامی که عبدالعلی مزاری و همراهانش نزد طالبان رفتند، آنها گوش ها و بینی هایشان را بریدند و سپس به شکل بسیار فجیع آنها را سلاخی کردند.

ه) قتل عام هزاره ها در ولایت سرپل

بنا به گزارش دیده بان حقوق بشر، طالبان در ولسوالی گوسفندی ولایت سرپل، جنایت جنگی بزرگی مرتکب شدند. آنها در ماه مارس سال ۲۰۰۰ م، تعداد ۹۶ نفر غیرنظامی را در ولسوالی به قتل رساندند. دیده بان حقوق بشر در گزارش خود

ص: ۵۵۳

۱- (۱) پایگاه خبری - تحلیلی مشرق، گزارش ویژه؛ فرقه وهابیت چگونه پایه گذاری شد و تفاوت وهابیون با اهل تسنن چیست؟ نشانی با مستندات و تصاویر در فضای مجازی: <http://www.mhregnews.ir/news/۲۶۴۵۷۸>

ولسوالی سنگ چارک ولایت سرپل را نیز اضافه می کند که مردم غیر نظامی زیادی قربانی حملات تلافی جویانه طالبان گردیدند. نیروهای طالبان زمانی که در یک منطقه شکست می خوردند، اگر بار دیگر آن منطقه را به دست می آوردند، دست به کشتار مردم بی گناه می زدند. با تسلط طالبان بر بامیان، ترس و وحشت میان مردم فراگیر شد. طالبان به مردم ناتوان نیز رحم نکردند. آنها طی یک فقره کشتار در بامیان، بیش از دویست نفر را کشتند. گزارشگران و حقوق دانان سازمان عفو بین الملل، عنوان های «بی سابقه ترین نقض حقوق بشر»، «کشتار دیوانه وار»، «نسل کشی تمام عیار» و «تصفیه قومی» را برای قتل های هزاره ها دادند. ولی آن چنان که باید، تحت پوشش خبری رسانه های خبری جهان قرار نگرفت. (۱) قتل عام های طالبان، مردم هزاره را مجبور به ترک کاشانه شان کرد. مهاجرت هایی که به قیمت جان بسیاری از هزاره ها تمام شد؛ برای مثال بیش از ۱۵۰۰ نفر که به صورت فامیلی عازم پاکستان و ایران بودند، توسط گروه طالبان در ولایت زابل، در منطقه «کندی پشت» تیرباران شدند که استخوان های آنان تا به حال در گودال ها و آب رفتگی های «کندی پشت» پراکنده است. همچنین تعدادی نیز در مسیر قندهار و اسپین بولدک مفقود شدند که تا امروز هیچ کس اثری از آنها نیافته است.

(و) ادامه فجایع توسط بازماندگان طالبان

بعد از سقوط طالبان، بازماندگان طالبان که به قوم کوچی نامیده می شوند، هنوز به حملات خود به هزاره ها ادامه می دهند. کوچی ها طبق رویه زمان عبدالرحمان، خانه ها و قریه ها را چپاول می کنند. هر سال با فرا رسیدن بهار، ترس مردم هزاره، از حمله کوچی ها بیشتر می شود. کوچی ها در سال ۲۰۰۶ م به مناطق بهسود، دایمیرداد و ناهور

ص: ۵۵۴

۱- (۱) ر. ک: بایکوت خبری قتل عام در مزار شریف، همشهری، (۷ تیر ۱۳۸۱ ه. ش)، ص ۱۵.

حمله کردند که طی این حمله، صدها خانه به آتش کشیده شد و صدها نفر که توان فرار نداشتند، به قتل رسیدند و هزاران نفر آواره شدند.^(۱) این حملات معمولاً هر سال در فصل بهار تکرار می شود و دولت افغانستان در مقابل این عمل وحشیانه کوچی ها و پشتون های متعصب، سکوت می کند.^(۲)

۵. قتل عام مسلمانان شیعه افغانستان به دست آمریکایی ها

در افغانستان طی ۱۱ سال اشغال به دست نظامیان آمریکایی، صدها هزار نفر کشته و میلیون ها نفر نقص عضو شدند. تیراندازی به سوی غیرنظامیان، حمله به خانه های مردم، قتل عام خانواده های افغان و حمله به مراسم عروسی از جمله جنایات آمریکایی هاست. مراسم عروسی در افغانستان معمولاً با تیراندازی هوایی، به نشانه شادی، همراه بوده است. اشغالگران، با وجود آگاهی از سنت های مردم افغانستان، تاکنون ده ها مراسم عروسی آنها را به خاک و خون کشیده اند. این حملات بارها در ایالت ننگرهار تکرار

ص: ۵۵۵

۱- (۱) هزاره ها: قتل عام ها و مهاجرت، نشانی در فضای مجازی: www.hpeople.com

۲- (۲) شاعری افغانی به نام «سید مهدی موسوی» درباره این تجاوزات دردمندانه چنین می نالد: و خواب دیدی که کوچ است کوچ کوچی ها؟ دوباره دود و آتش و دانه پوچی ها؟ نگو که آتش پیرار و پار شعله ور استو قریه باز خراب و فرشته دربه در است نگو که آتش پیرار و پار شعله ور استتفنگ آمد و ده رفت، مال مردم شد نگو که رمه ما با شبان خود گم شد نشانی کامل سروده در فضای مجازی: <http://www.quettblo.com/thor-quettpx?p=۲> ک: سراج التواریخ، ملا فیض محمد کاتب؛ هزاره ها از قتل عام تا احیای هویت، بصیر احمد دولت آبادی؛ تاریخ تشیع و هزاره های افغانستان، سید عسکر موسوی؛ اوضاع مهاجران افغانستان، پیل زابرسکی، از منبع نشنل جیوگرافی سایت کابل پرس؛ حمله بر افشار، جنرال عبدالقدوس سید؛ اشغال زمین های مزروعی هزاره ها توسط کوچی ها، عباس دلجو؛ سایت جمهوری سکوت، نوشته های استاد عزیز رویش و عبدالخالق علیزاده؛ سایت از دست رفته، یادداشت های بصیر آهنگ؛ منبع سایت مردم هزاره؛ ر. ک: ضرورت اقدام برای جلوگیری از نسل کشی در افغانستان، روزبه بوالهیری، منشا مقاله: ابرار، (۲۵ مرداد ۱۳۷۷ ه. ش): صص ۱ و ۱۲.

شده که در یکی از این حملات، نیروی هوایی آمریکا، ۲۲ نفر را که بسیاری از آنها زن و دختر بودند، کشتند. با توجه به بافت قبیله ای و طایفه ای افغانستان، این تعداد کشته به معنای عزادار کردن یک استان است.

جنایت دیگری در ولایت اروزگان و در سال ۲۰۰۲ م، روی داد. در این حمله، هواپیمای ای سی ۱۳۰ آمریکایی، یک مجلس عروسی را هدف گرفت و ۴۸ نفر را کشت و ۱۱۷ تن را زخمی کرد. بیشتر کشته شدگان این حمله نیز زن و کودک بودند.^(۱) در حملات هوایی عزیزآباد، بیش از نود غیرنظامی کشته شدند. این حمله در ولایت هرات و روستای عزیزآباد رخ داد. تقریباً تمامی کشته شدگان این حمله زنان و کودکانی بودند که پس از بررسی نهایی کشته شدگان، شصت کودک و پانزده زن گزارش شد. همچنین نظامیان آمریکایی بارها به مقدسات مسلمانان اهانت کرده اند. در آخرین مورد، سوزاندن یکصد جلد قرآن در پایگاه بگرام بود که اعتراضات بسیاری را در پی داشت و باعث درگیری هایی در اطراف این پایگاه شد. نظامیان آمریکایی بیش از شصت افغان معترض را کشتند و بسیاری دیگر را مجروح و بازداشت کردند. در این جنایات، شیعیان نیز به همراه اهل تسنن، قربانی این اقدامات بودند. ولی آمار جداگانه ای از تلفات شیعیان ارائه نشده است.^(۲)

۶. فجایع روزمره تکفیری ها در افغانستان

تکفیر افغانستانی ها همزمان با جهاد آغاز شد. در دوران جهاد، هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی به این سرزمین لشکر کشید، سلفیان عرب بی شماری از سراسر جهان

ص: ۵۵۶

۱- (۱) گزارش خبرنگار مشرق، عملیات فریب آمریکا در عراق و افغانستان + تصاویر و فیلم، نشانی در فضای مجازی:

<http://www.mhregnews.ir/news/153317>

۲- (۲) همان.

وارد افغانستان شده و در جهاد مسلحانه سهم گرفتند. تصویری را که از افغانستان برای آنها ترسیم کرده بودند، تصویر دارالحرب بود. برای آنها گفته بودند که افغانستان، امروزه از جغرافیای دارالاسلام خارج شده و به دارالحرب پیوسته است. به گفته محمد محقق، پژوهشگر مسائل افغانستان، «تنها بحث فقهی که میان چهره های جهادی عرب زبان در پیشاور مطرح می شد، مناقشه بر سر اسیران کابلی بود که آیا می توان مانند صدر اسلام زنانشان را نیز کنیز گرفت یا باید برخورد متفاوتی با آنان داشت؟! در آن زمان، عبدالله عزام، چهره سرشناس جهادی های عرب زبان، با استناد به ساختار قبیله ای جامعه افغانی، عواقب کنیز گرفتن زنان افغانی را به زیان جهاد می دانست و در انتقاد از موافقان می گفت: «براساس سنت های قبیله ای افغانستان، هرگاه زنی از یک قبیله به اسارت و کنیزی گرفته شود، تمام آن قبیله این عمل را توهین و تعرض به حیثیت خود می داند و کسانی که بی طرف یا حتی طرفدار مجاهدین هستند نیز به دفاع از حیثیت خود برخوانند خاست»؛ یعنی اصل به کنیزی گرفتن زنان جایز است، اما باید به دلیل مصالح از آن چشم پوشید. جهادی های عرب زبان این سرزمین را «دارالحرب» معرفی کردند و خواهان تقویت موضع افراطیون سلفی این کشور شدند. جنبش های تکفیری معاصر نیز، تحت تأثیر همین تلقینات، طالبان را نماینده مسلمانان این سرزمین قلمداد کردند.^(۱) دامنه اقدامات خشونت بار طالبان و تکفیری ها در افغانستان به حدی بود که دبیر کل حزب الله لبنان، اعلام کرد: «آنچه تکفیری ها در افغانستان انجام دادند، از رفتار نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق بدتر بود».^(۲) به گفته شاهدان عینی، میان افراد طالبان، کمتر کسی

ص: ۵۵۷

۱- (۱) سرچشمه های تکفیر در افغانستان، عبدالشهید ثاقب، خبرگزاری جمهور، ۲۰ دلو ۱۳۹۲ ساعت ۲۲:۳۶.
<http://www.jomhornews.com/prtj%۰ex.uqeivz>

۲- (۲) تروریسم تکفیری و اسرائیل تهدیدی برای منطقه، سید حسن نصرالله، شبکه خبر، نشانی در فضای مجازی:
<http://www.irinn.ir/news/۴۳۵۱۶>

پیدا می شود که به کفر شیعیان معتقد نباشد؛ زیرا آموزه تکفیر شیعیان، همانند سایر مسائل دینی، در مدارس افراطیون دیوبندی پاکستان به طالبان آموزش داده شده است که متأسفانه این اعتقادات به این زودی ها قابل تغییر نخواهد بود.

۷. کشتار عزاداران حسینی

سه شنبه، ۶ دسامبر ۲۰۱۱ م (۱۵ آذر ۱۳۹۰ ه. ش) مراسم عزاداری عاشورا در شهرهای کابل، مزار شریف و قندهار، هدف حمله انتحاری قرار گرفت و ده ها کشته به جا گذاشت. تنها در زیارتگاه حضرت ابوالفضل علیه السلام در مرکز شهر کابل، طبق گزارش سخنگوی وزارت صحت (بهداشت) به بی بی سی، ۵۴ نفر کشته و ۱۶۴ نفر زخمی اعلام شد. همزمان با این عملیات، وقوع دو انفجار دیگر در شهرهای مزار شریف و قندهار نیز گزارش شد. منابع خبری در مزار شریف گفتند: در این انفجار شش تن کشته و نزدیک به بیست تن زخمی شدند. انفجار قندهار نیز منجر به زخمی شدن پنج نفر شد. (۱)

گفتار چهارم: نسل کشی و کشتار جمعی مسلمانان شیعه در پاکستان

۱. تأسیس و رشد گروه های تروریستی شیعه ستیز در دهه های اخیر

از سال ۱۹۷۹ م، با تأسیس گروه های تروریستی نظیر «سپاه صحابه»، تاکنون هزاران نفر از شیعیان مظلوم پاکستان به شهادت رسیده اند. عمده رهبران سازمان های تروریستی، از جمله «سپاه صحابه»، «لشکر جهنگوی»، «طالبان» و «لشکر طیبه»، از شاگردان مدارس دیوبندی هستند. مدارس دیوبندی در قرن ۱۹ در هند تأسیس شد و دارای ریشه های ضد شیعه قوی است. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و همچنین تبدیل شدن پاکستان به

ص: ۵۵۸

۱- (۱) گزارش بی بی سی، حمله به عزاداران عاشورا در کابل، قندهار و مزار شریف شصت کشته به جا گذاشت، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.s g .org/site۲/index.php>?

کانال انتقال تسلیحات و کمک های آمریکا برای برخی مجاهدان افغانی، به رشد و توسعه روابط این دو کشور با پاکستان انجامید. هنری کیسینجر در این باره گفته است: «بهترین راه برای جلوگیری از گسترش و نفوذ انقلاب اسلامی میان سایر جوامع اسلامی این است که با ایجاد یک حرکت هدایت شده اسلامی میان اهل سنت، که در عین حال مطابق سیاست ها و خواست های آمریکا باشد، به مقابله با انقلاب اسلامی برخیزیم». شیعیان پاکستان با تاسی از انقلاب ایران تشکیلاتی تر شده و خواسته های نوینی را طرح ریزی کردند. تدریس عقاید شیعی به دانش آموزان شیعه در مدارس دولتی، واگذاری امور اوقاف شیعیان به خودشان و حفاظت از عزاداری سیدالشهدا، از جمله این اهداف بود. آنان همچنین به روند اسلامی سازی پاکستان توسط ضیاءالحق که براساس فقه حنفی صورت می گرفت نیز معترض شدند و در واکنش به این اقدام، دولت شیعیان «تحریک نفاذ فقه جعفری» را به رهبری علامه مفتی سید جعفر تأسیس کردند. این حرکت پس از درگذشت علامه مفتی جعفر حسین توسط شهید عارف حسین حسینی در سال ۱۹۸۴ م به یک حزب تمام عیار تبدیل شد. گروه های شیعه دیگری همچون احزاب دانشجویی و فدراسیون شیعه مذهبان، حزب دانشجویان امامیه، امامیه میشن، گروه امامیه اثناعشر، هیئت علمای امامیه، مکتب انقلاب فکر اسلامی و همچنین شیعیان هزاره نیز «شیعه کنفرانس» را راه اندازی کردند.^(۱) در سال ۱۹۸۸ م محمد ضیاءالحق، رئیس جمهور پاکستان، شدیدترین نوع شیعه ستیزی و قتل عام شیعیان را در پاکستان به نمایش گذاشت. بیش از هشتاد هزار سنی تندرو به روستاهای شیعه نشین داروت، بونجی،

ص: ۵۵۹

۱- (۱) ر. ک: مجله معرفت، «انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر پاکستان»، ذبیح الله نعیمیان؛ «ریشه های تاریخی شیعه ستیزی در پاکستان»، وبگاه شیعه نیوز، خبرگزاری مهر؛ «موانع و شیوه های بازدارنده تجدید حیات شیعه در جهان»، راسخون؛ «ورود قومیت و مذهب در پاکستان»، وبگاه حوزه؛ «پیدایش تفکر دیوبندی در هندوستان و تأثیر آن بر بلوچستان ایران»، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زمستان ۱۳۹۱.

جاگلو، جلال آباد، پاری و ماناوار حمله کردند که تعداد کشته شدگان صدها تن تخمین زده شد.^(۱) همچنین تروریست ها مغزهای متفکر شیعه را نیز نشانه رفتند و تعداد فرهیختگان شیعه، که با ترور ناجوانمردانه به شهادت رسیدند، از شمار بیرون است. حمله به مساجد، حسینیه ها، اتوبوس های مسافربری، منازل مسکونی و محل کار شیعیان به گزارش عادی و هر روزه تبدیل شده است که برخی از آنها به پیوست در آخر کتاب آمده است.

۲. نسل کشی در پاراچنار

اشاره

«پاراچنار» بخشی از مناطق قبایلی وزیرستان در ایالت سرحد، واقع در شمال غرب پاکستان است. این منطقه در پاکستان به «ایران کوچک» معروف است. تشیع از قرن چهارم هجری در «پاراچنار» رواج یافت و شیعیان آن به شجاعت در اعتقاداتشان شهرت دارند. سطح سواد مردم این منطقه نیز از سایر مناطق قبایلی پاکستان و افغانستان بسیار بالاتر است؛ جمعیت شیعه این منطقه در سال ۲۰۱۰ م، ۲۵۰/۰۰۰ نفر اعلام شد.^(۲) با این حال دست های پنهان در تلاش است این منطقه را از دست شیعیان خارج و اهالی شیعه اش را به دیگر مناطق آواره کند.^(۳) گفتنی است یکی از راه های رسیدن به این هدف، استفاده از طالبان محلی است. چندین گروه در پاکستان با عنوان «طالبان محلی» فعالیت می کنند که بیشتر آنها با دولت مرکزی درگیرند^(۴)؛ اما گروه هایی که در مناطق «پیشاور»، «دره آدم خیل»، «کوهات»، «تیراه»، «هنگو»، «دیره اسماعیل خان»، «تانک» و شهرستان «کرم ایجنسی»، به مرکزیت «پاراچنار»، علیه شیعیان دست به جنایت می زنند، بیشتر از «لشکر جهنگوی»، شاخه نظامی «سپاه صحابه»، هستند که بین آنها آدمکشان مزدور و

ص: ۵۶۰

۱- (۱) ying K hmir . Pe son Educ ion Indi ک Beher ، Beher N nit Ch h Demyst.

۲- (۲) منابع پیشین.

۳- (۳) <http://www.nir/dp?id=۱۱۰۲۹۷۱g=۱>.

۴- (۴) در پاکستان، طالبان اینک به عنوانی تبدیل شده که همه گروه های تروریستی با استفاده از آن فعالیت می کنند.

فراریان از قانون، زیاد به چشم می خورد و در پایگاه های خبری شیعی، از آنها به عنوان «نواصب» و «یزیدیان» یاد می شود. این نامگذاری از آن روست که این گروه در ایام محرم، با خارج کردن دسته هایی برای حمایت از «یزید بن معاویه»، به حسینیه ها و دستجات حسینی حمله ور می شوند.

الف) اولین حملات خونین به شیعه پاراچنار

اولین بار به طور هماهنگ گروهی به نام «سواد اعظم اهل سنت» کراچی و گروهی از یزیدیان محلی در شهرک «صده»، واقع در ۳۵ کیلومتری جنوب شرق پاراچنار، شیعیان را هدف گرفتند (۱) که در این حملات، شیعیان منطقه «لالو کیت» در کراچی و صده در منطقه عمومی «کرم ایجنسی» اخراج شدند. از آن به بعد شیعه کشی به امور روزمره تبدیل شد. اما شیعیان از دعوت به وحدت دست نکشیدند. «سلیم خان»، فرماندار کرم ایجنسی، در یک کنفرانس مطبوعاتی در ژانویه سال ۲۰۰۷ م اظهار داشت: «در ۲۰۰۷ م نقشه پاراچنار تغییر خواهد کرد!» این سخن نشان از توطئه ای نهفته داشت که برای اجرای آن، گروهک سپاه صحابه، با همکاری مقامات محلی، اقدامات تروریستی خود را در منطقه توسعه داد. سرکرده محلی این گروه، «یزید نظر» نیز به توصیه وزارت کشور، دبیر «انجمن فاروقیه» (مجمع سنی های محلی) شد و این انجمن رسماً به تروریست ها سپرده شد. از این رو گاه تروریست ها با پنجاه خودروی حامل نیرو و سلاح وارد منطقه می شدند و دولتمردان محلی توان رویارویی با آنان را نداشتند.

ب) همکاری طالبان با نواصب محلی

در ماه مارس ۲۰۰۷ م، یزید نظر، با همکاری طالبان و با هدف خدشه دار کردن

ص: ۵۶۱

۱- (۱) بهانه متعصبان جشن پیروزی رزمندگان اسلام در خرمشهر توسط شیعیان پاراچنار بود که با تیراندازی هوایی شیعیان به مدت چند ساعت همراه بود. پاراچنار؛ جنگ فرقه ای یا حمله استکبار: نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.n.ir/persi/speci-issue//chive/2009/06/16/113176/story.html>

وحدت شیعه و سنی در منطقه «شابک»، یک شیعه را به نام «ایوب» با نهایت قساوت به قتل رساند. مدتی بعد دو نفر سنی، به دلیل داشتن روابط دوستانه با شیعیان، در همان منطقه سربریده شدند و این اولین حوادث سربریدن در تاریخ کرم ایجنسی بود. (۱) بعد از آن، در روز ۱۲ ربیع الاول در پاراچنار، راهپیمایی یزیدیان با عنوان میلادالنبی صلی الله علیه و آله (۲) برگزار شد که در آن یزیدنظر نسبت به اهل بیت علیهم السلام حرمت شکنی کرد. شیعیان کوشیدند دولت را به عکس العمل وادارند که بی نتیجه ماند. در ۱۷ ربیع الاول ۱۴۲۸ ه. ق، نیز درحالی که مراسم هفته وحدت اسلامی در حسینیه مرکزی شیعیان در جریان بود، عده ای از جوانان علیه یزیدیان شعارهایی دادند که بلافاصله از سوی نیروهای غیربومی سپاه مرزی هدف قرار گرفتند و چهار نفر از آنان شهید شدند. سپس حسینیه هدف قرار گرفت و جنگ آغاز شد. در این جنگ یک هفته ای شیعیان چندین بار از سوی پایگاه سپاه مرزی یعنی همان نیروهای دولتی تحت امر ارتش پاکستان، هدف حملات خمپاره ای قرار گرفتند. بعد از آن راه ها بازگشایی شد و زندگی به جریان افتاد. اما چون نقشه پاراچنار، به دلیل مقاومت دلیرانه شیعیان عوض نشده بود، گروهک سپاه صحابه در پیشاور جلسه ای برگزار کرد و پس از جلسه اعلام شد که این بار همه گروه های سلفی کشمیر و افغانستان که با ارتش هند، شوروی و آمریکا جنگیده اند، به شیعیان پاراچنار حمله خواهند کرد و مقاومت آنها را در هم خواهند شکست. بنابراین اقدامات تحریک آمیز، از جمله آدم ربایی و تیراندازی به سوی مسافران در مسیر پیشاور پاراچنار ادامه یافت. طالبان پاکستان بارها مسئولیت حملات تروریستی ضد شیعیان منطقه «پاراچنار» را

ص: ۵۶۲

۱- (۱) بهانه متعصبان جشن پیروزی رزمندگان اسلام در خرمشهر توسط شیعیان پاراچنار بود که با تیراندازی هوایی شیعیان به مدت چند ساعت همراه بود. پاراچنار؛ جنگ فرقه ای یا حمله استکبار: نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.n.ir/persi/speci-issue//chive/۲۰۰۹/۰۶/۱۶/۱۱۳۱۷۶/story.html>

۲- (۲) دوازدهم ربیع الاول روز میلاد رسول الله صلی الله علیه و آله (به روایت اهل تسنن) که روز راهپیمایی دیوبندی های کرمی است. در واقع عکس العمل برنامه عاشورای شیعیان است. وگرنه دیوبندیان، وهابیان و ناصبیان برگزار کننده برنامه های میلادالنبی صلی الله علیه و آله را بدعت می دانند و آن را کفر و شرک می شمارند. منابع پیشین.

برعهده گرفت. ابوبصیر، سخنگوی گروهک منطقه ای انصارالمجاهدین، از زیرشاخه های گروه طالبان پاکستان، مسئولیت دو حمله انفجاری در شهر پاراچنار که به کشته شدن دست کم، شصت تن از شیعیان و زخمی شدن دویست نفر دیگر منجر شد، برعهده گرفت. ابوبصیر ادعا کرد، مسلمانان اهل سنت در سوریه و عراق هدف قرار می گیرند؛ به همین دلیل گروه طالبان برای انتقام جویی حملات بیشتری ضد شیعیان پاکستان برنامه ریزی کرده است. (۱) بیش از پانزده ماه جنگ و هابیون و گروه های تروریستی پاکستانی و افغانستانی، موجب شهادت بیش از ششصد نفر از شیعیان منطقه پاراچنار گردید. در این جنگ افغانی ها و قبایل و اقوام دورتر و گروه های مذهبی القاعده و سپاه صحابه نیز به کمک گروه های تروریستی منطقه آمدند. آنها گاه شیعیان را مثله می کردند و آثار سینه زنی و زنجیرزنی را از بدن آنها جدا می کردند و دست و پایشان را با اره و ساتور قطع می کردند. این جنگ بعد از تظاهرات یزیدیان و شعارهای «زنده باد یزیدیت و مرده باد شهادت حسین علیه السلام» شروع شد و دامنه آن به نقاط دیگر نیز کشیده شد. در نسل کشی پاراچنار، چندصد نفر از اعضای القاعده، اعم از عرب، ازبک، آفریقایی و اروپایی حضور داشتند. به این تروریست ها گفته می شد که به محض مردن، عده ای از حوریان بهشتی منتظرند با آغوش باز از آنان استقبال کنند. همچنین حساب و کتابی در بین نیست و مستقیم وارد بهشت می شوند. (۲)

ج) انفعال و همکاری مقامات دولتی با تکفیری ها

در ماه آگوست ۲۰۰۷ م، یک حمله انتحاری در پاراچنار چهارده شهید و چهل مجروح برجای گذاشت و بعداً معلوم شد که برخی مقامات محلی، از سه روز قبل، از

ص: ۵۶۳

۱- (۱) طالبان، عامل حمله به شیعیان پاراچنار، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://d i.irib.ir/news/63966/item/> اخبار

۲- (۲) پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، کد خبر: ۷۴۰۴۲ تاریخ انتشار: ۱۲ خرداد ۱۳۹۳ ه. ش - ۱۱:۱۱.

این حمله اطلاع داشتند و حتی فرد مهاجم را که سرطان کبد داشت و تنها چند ماه از عمرش باقی مانده بود، شناسایی کرده بودند. گفته می شود که مهاجم همراه با معاون فرماندار به شهر آمده بود تا بین راه، نیروهای دولتی، خودروی او را بازرسی نکنند! در ماه های بعدی چندین سرباز شیعه پاراچناری، در شهرهای «هنگو» و مناطق شورشی «باجور» و «وزیرستان» به شهادت رسیدند. دو نفر نیز در وزیرستان و «دوآبه» سربریده شدند. به دنبال شهادت دومین سرباز در دوآبه، چند نفر سنی در شهر پاراچنار سر یک مسئله نامشخص ناموسی با هم درگیر شدند و سه نفر در این درگیری مجروح شدند. یزیدیان و دولتمردان که به دنبال بهانه ای برای تکمیل توطئه و تغییر نقشه پاراچنار بودند، در تاریخ ۱۶ نوامبر، به طور شتابزده، حملات گسترده را علیه شیعیان آغاز کردند. این جنگ بیست روز ادامه یافت و به دلیل سرمای شدید متوقف شد. اما دوباره از سر گرفته شد. به دنبال آن، در جلسه حزب مردم، یک خودروی بمب گذاری شده منفجر شد و حدود پنجاه شیعه شهید شدند. کشتار پراکنده شیعیان ادامه یافت. دولت پاکستان شیعیانی را که از راه افغانستان به پیشاور می رفتند، به طور کامل محاصره کرد. در منطقه «پیوار» جنگ چهار ماه طول کشید. قرار شده بود اولین کاروان سوخت و آذوقه به پاراچنار انتقال یابد که معاون فرماندار و فرمانده گردان سپاه مرزی، با یک توطئه حساب شده، اجازه دادند ۳۵ نفر از یزیدیان ناصبی زندانی، در زندان شهرک سنی نشین صدها، از زندان فرار کنند و مسلح شوند تا در برابر حرکت کاروان بایستند و آنها این کار را با موفقیت انجام دادند. (۱) تروریست های یزیدی بار سیزده کامیون را به سرقت بردند و تنها نه دستگاه کامیون توانستند از محل بگریزند. آنها سیزده دستگاه کامیون را به آتش کشیدند و خدمه این کامیون ها را در آتش سوزاندند یا قطعه قطعه کردند. شیعیان به

ص: ۵۶۴

۱- (۱) از جمله تروریست های یزیدی یک واعظ شیعی به نام سید رضا شاه کاظمی را که پدر یک شهید نیز بود، مقابل دو پرسنل پلیس محلی که در محل حاضر بودند و عکس العملی نداشتند، ربودند و سرش را بریدند.

دنبال ربوده شدن اعضای خانواده خود و حمله تروریست ها به کاروان سوخت و آذوقه، منطقه صده و پیرقیوم را محاصره کردند. ولی مقامات دولتی آنها را با وعده بازگشت ربوده شدگان و کامیون ها، وادار به ترک سنگرهای شان کردند. این در حالی بود که کامیون ها را به آتش کشیده بودند و روز بعد اجساد شهیدان را به آنها تحویل دادند. (۱)

عناصر تکفیری از ۲۵ سال گذشته، همواره بر آن بوده اند که جنگ شیعه و سنی در این کشور راه بیفتد تا بهانه نسل کشی شیعیان فراهم آید. آنها با سر کار آوردن طالبان و سپس اشغال افغانستان نیز همین هدف را دنبال کردند. (۲)

د) قتل عام روستاهای اطراف پاراچنار

روستای پیوار (زادگاه علامه عارف حسین حسینی) در فاصله دو کیلومتری مرز افغانستان است. هنگامی که مهاجرین افغانی به این روستا می آمدند، شهید عارف حسین حسینی می گفت: «هرکس بتواند یک مهاجر افغانی را پناه دهد، در ثواب شهادت سهیم است». به این ترتیب بومیان شیعه به مهاجران پناه دادند و افغانی ها در باغ های شیعیان برای خانواده شان چادر زدند. در زمستان گفتند ما نمی توانیم در چادر باشیم. اجازه دهید چهاردیواری هم برای خودمان درست کنیم. بعد از یکی دو سال گفتند تعداد بچه هایمان زیاد شده باید اتاق اضافه کنیم. از این رو کم کم کلونی های افغانی در این روستاهای شیعه نشین شکل گرفت. اینها با صلح و صفا کنار هم زندگی می کردند تا اینکه طالبان شروع به رشد کرد. البته پیش از آن هم نگاه سلفی گری در منطقه رواج یافته بود. طالبان بعد از نفوذ در منطقه شروع به قتل عام بومیان شیعه کرد. از جمله اقدامات وحشتناک طالبان این بود که جلوی در منازل مین می گذاشت و تا به حال با همین روش تعداد

ص: ۵۶۵

۱- (۱) پاراچنار؛ جنگ فرقه ای یا حمله استکبار، نشانی در فضای مجازی: www.vir.com ک = kh pe.php?b

id = ۲۶۹

۲- (۲) نشانی پیشین.

زیادی را کشته است. در پاراچنار، وسط محل سکونت مردم، منطقه ای است که زیر آتش تک تیراندازان طالبان است. مردم برای عبور از آنجا باید خم شوند و با سرعت بدوند. تا به حال هفت نفر در آنجا شهید شده اند. (۱) طالبان در سه سال گذشته ده روستای تابعه پاراچنار را با خاک یکسان کرده و اهالی آن را شهید و آواره کرده است. این مردم مظلوم، در این سه سال، ۱۳۰۰ شهید و پنج هزار مجروح داده اند. در پاراچنار هر جا سر بچرخانی جانبازان جنگی را می بینی. تنها در سه سال، بیش از ۱۵۰۰ زن و کودک، به دلیل نبود امکانات پزشکی، تلف شده اند. بیش از پنج هزار نفر در سه سال گذشته قطع عضو شدند. بیش از پانزده روستای آنجا کاملاً از سکنه خالی شده است. یکی دو روستای سادات نشین که همه اهالی آن از سادات بودند، به طور کامل قتل عام شدند. تروریست ها به بچه شیرخواره ای که در گهواره بود هم رحم نکردند. (۲)

۳. نسل کشی شیعیان هزاره در کویت

اشاره

بیش از یک دهه است که تکفیری ها که سعادت خویش را در کشتار و جنایت می بینند، هزاره ها را قتل عام می کنند و جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشر نیز فقط نظاره گر بوده اند. کویته پاکستان شهری است که اقوام مختلفی در آن زندگی می کنند.

ص: ۵۶۶

۱- (۱) کارگردان مستند «زخم پیوار» در این باره می نویسد: «من هنگام عبور از این دالان مرگ، به یاد وقایع جنگ های داخلی لبنان و محاصره ساریوو افتادم که تک تیراندازان دشمن مردم را در وسط شهر شکار می کردند». اخبار پاراچنار - روایت کارگردان «زخم پیوار» از پاراچنار، نشانی در فضای مجازی: p.hen.blo.com/post-26.px

۲- (۲) یکی از نیروهای سلفی که اسیر شده بود، برای شیعیان تعریف می کرد: «که ما همه را کشتیم و دیدیم از یک خانه صدا می آید. دیدیم یک بچه داخل گهواره است. به دوستم گفتم چه کار کنیم؟ او را بدهیم خود اینها بزرگ کنند؟ دوستم گفت نه این ژن و خون رافضی دارد و اگر بزرگ شود به نوعی به ما ضربه می زند. همان جا سرنیزه را در حلقوم آن بچه فرو کرد و او را هم کشت. در یک روستای دیگری یک عقب مانده ذهنی بود که او را هم کشتند، به این دلیل که حدود سی سال از عمرش نان رافضی ها را خورده و همان ریختن خورش را بر ما حلال می کند. گاهی زنان و بچه های شیعیان را برای اسیری به افغانستان می بردند و دیگر از شان خبری نمی شد؛ ر. ک: مستند زخم پیوار، سهیل کریمی، اخبار پاراچنار، نشانی گزارش با مستندات با تصاویر در فضای مجازی: p.hen.blo.com/post-27.px

تخمین زده می شود که نیم میلیون شیعه هزاره در پاکستان ساکن باشد. برای این افراد حتی در بیرون آمدن از منزل نیز خطر ترور وجود دارد. مختارعلی، از فعالان مدنی هزاره ها در کویته پاکستان، معتقد است ترورهای هدفمند هزاره ها در کویته حدود ده سال پیش شروع شد. اما در دو سال اخیر به شدت افزایش یافته است. به گفته او در این سال ها حدود هشتصد تن از فعالان سیاسی، حقوقدانان، تاجران و فعالان مدنی هزاره ها در کویته ترور شده اند.^(۱) در پس این حملات، دست های مرموزی در کار است که می کوشند عقده های شکست را این چنین جبران کرده، ثبات و امنیت منطقه را به چالش بکشند؛^(۲) چنان که در یورش جدید، در برابر نگاه پلیس و نیروهای امنیتی، قریب پنجاه شیعه را به شهادت رسانده اند. همچنین حمله جدید لشکر جنگوی، نیز پنجاه شهید برجای گذاشت. پلیس پاکستان از کشته شدن دست کم پنجاه نفر در جریان انفجار بمبی در شهر کویته خبر داده است. گفته شده در این انفجار که در یک بازار شلوغ اتفاق افتاده، حدود دویست نفر هم زخمی شده اند که ممکن است بر شمار کشته های این حادثه بیفزایند. ماه گذشته نیز در جریان دو انفجار متوالی در یک سالن بیلارد در شهر کویته، دست کم ۹۲ نفر کشته و ۱۲۱ نفر مجروح شدند. انفجار انتحاری در منطقه «علی آباد هزاره تاون» کویته روی داد که در اثر آن ده ها تن کشته و مجروح شدند. میان کشته شدگان تعدادی زن و کودک نیز وجود دارد. همچنین پنج نفر سبزی فروش از مردم هزاره و شیعه که سوار بر اتوبوس بودند و برای آوردن سبزی «طرف مارکیت

ص: ۵۶۷

۱- (۱) منبع: بی بی سی فارسی، دوشنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۱۲ م، همچنین در این باره ر. ک: «Pist's Shi Hounded in Pakistan: Living Under Siege». www.bbc.co.uk/news/world-17936651 BBC [Pist's Shi Hounded in Pakistan: Living Under Siege].

۲- (۲) تداوم تراژدی کشتار مردم بی گناه کویته، محمدرضا هویدا، شنبه ۲۳ جدی ۱۳۹۱، نشانی گزارش در فضای مجازی: http://www.dly.gh.nist.com/ editori _det l. php بیانیه فدراسیون فرهنگی غرجهستان به مناسبت قتل عام هزاره ها در کویته پاکستان، نهم اکتبر ۲۰۱۱ م.

هزار گنجی» در حرکت بودند، با تیراندازی تروریست ها به شهادت رسیدند. لحظه ای بعد از این واقعه، دو تن دیگر از مردم هزاره را به ضرب گلوله شهید کردند. پلیس، طبق معمول، بعد از واقعه در محل آمد و جنازه شهدا را به شفاخانه بولان انتقال داد. (۱) زمانی که مردم هزاره تاون برای تظاهرات به طرف شفاخانه بولان در حرکت بودند، که در منطقه «رئیسانی رود»، مورد تیراندازی افراد ناشناس قرار گرفتند که در این حادثه دو تن کشته و بیش از ده نفر دیگر زخمی شد. روز پنجشنبه ۲۹ اگوست، قاضی ذوالفقار نقوی به همراه راننده و محافظش، در شهر کویته به شهادت رسیدند.

در انفجار خودروی بمب گذاری شده در ورودی یک شهرک شیعه نشین در کویته، شش نفر شهید، و بیش از سی نفر دیگر زخمی شدند. به گزارش پایگاه خبری شبکه العالم، زبیر محمود، فرمانده پلیس کویته، گفت: «عامل حمله سعی داشت با خودروی خود به شهرک هزاره حمله کند و هنگامی که نظامیان مستقر در پست ایست و بازرسی نزدیک این شهرک جلوی او را گرفتند، خودروی خود را منفجر کرد». پیش از این دو بار دیگر نیز، در ماه های ژانویه و فوریه، به این شهرک حمله شد و ده ها نفر شهید شدند. اکبر دورانی، مسئول دولت محلی، این آمار را تأیید کرده و گفته است: «در این انفجار ۳۷ نفر نیز زخمی شدند». در ماه فوریه، بر اثر انفجار بمب در یک کامیون نفتکش در این شهرک، نود نفر به شهادت رسیدند. (۲)

رشد مهاجرت اجباری هزاره ها از پاکستان

نسل کشی شیعیان هزاره باعث مهاجرت دسته جمعی آنها از منطقه بلوچستان شده است و طبق برخی تخمین ها، نزدیک به سی هزار نفر، طی پنج سال گذشته، این منطقه

ص: ۵۶۸

-
- ۱- (۱) قتل عام مردم هزاره و شیعه به شدت ادامه دارد. نشانی گزارش در فضای مجازی به: www.Jispk.com.
 - ۲- (۲) گزارش رسانه ها از انفجار شهرک شیعه نشین پاکستان، چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۲ ه. ش - ۹:۲۸:۵۵، <http://www.irannews.com>.

را ترک کرده اند. به باور آنها دولت، تلاش هماهنگی را که علیه آنها سازماندهی شده است، نادیده می گیرد و برای حفاظت از آنها کاری نمی کند. تروریست ها از روش های مختلفی برای ارهاب شیعیان و آواره کردنشان، مانند توزیع نشریات تهدیدآمیز استفاده می کنند. مسئولیت حملات را برعهده می گیرند و اهداف خود را برای قتل عام، در حملات احتمالی آینده، بیان می کنند. گفتنی است با وجود این حملات خشونت بار، دولت پاکستان همچنان این قتل عام را نادیده می گیرد.

۴. حمله به اتوبوس های زائران امام رضا علیه السلام

سالانه ۱۲۰ هزار شهروند پاکستانی، برای زیارت اماکن مقدس در ایران و عراق به این دو کشور سفر می کنند. در تاریخ اول بهمن ۱۳۹۲ ه. ش، در کویته پاکستان ۲۲ نفر بر اثر انفجار بمب به شهادت رسیدند. به گزارش سی ان ان عربی، به گفته مقامات امنیتی پاکستان، اتوبوس این زائران در حال بازگشت از ایران بود که در روستایی در شصت کیلومتری غرب کویته منفجر شد. این نیروها همچنین اعلام کردند: «بیست تن دیگر نیز در این انفجار زخمی شدند».^(۱)

حمله انتحاری ماه گذشته در مسیر عبور دو دستگاه اتوبوس در منطقه «مستونگ» ایالت بلوچستان، سی کشته و بیش از ۴۴ زخمی برجای گذاشت.^(۲) در

ص: ۵۶۹

۱- (۱) ر. ک: شفقنا (پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه)، نشانی در فضای مجازی: www.shn.com/persi این روزها درباره رنج های قوم هزاره از این قتل عام ها و کشتارها شاعری بنام عزیز فیاض چنین می سراید: جاری است قتل و خون بی هیچ فاصله جاری است درد و غم در بطن قافله هر کس به میل خود بر ما لگد زندماییم عمرها از درد، حامله چو کسی نشستگان کاری نمی کنند طول عمرشان غیر از معامله

۲- (۲) . <http://www.irn.ir> News/

سال ۲۰۱۳ م، نیروهای امنیتی، حفاظت از اتوبوس ها را برعهده گرفتند. با وجود این حملات تروریستی کاهش نیافت: ۱۱ دی ۱۳۹۲ ه. ش، پس از حمله تروریستی در منطقه مستونگ به اتوبوس زائران و شهادت ۲۸ نفر از آنان، لشکر جهنگوی مسئولیت این حمله را پذیرفت. «نورالدین زنگی»، سخنگوی لشکر جهنگوی، اعلام کرد: «دو عامل انتحاری، خودروی پر از مواد منفجره را به دو اتوبوس حامل شیعیان کوبیدند». بر اثر انفجار یک بمب در اتوبوس حامل زائران شیعه در ۳۶ مایلی غرب کوئته، دست کم ۲۲ نفر شهید شدند. «محمد اسلم»، یک افسر پلیس پاکستانی، اعلام کرد: «این اتوبوس که در حال بازگشت از ایران بود، در مسیر خود با یک خودروی بمب گذاری شده مواجه شد و بر اثر آن ۲۲ نفر جان خود را از دست دادند». بر اثر این حادثه اتوبوس واژگون شد و آتش گرفت. همچنین ۲۴ نفر زخمی شدند که حال بسیاری از آنها وخیم گزارش شده و احتمال افزایش تلفات وجود دارد. (۱)

اول ژانویه نیز اتوبوس زائران شیعه در منطقه اخترآباد بلوچستان هدف حمله انتحاری قرار گرفت. از کشته و زخمی شدن ۴۶ نفر بر اثر انفجار یک بمب در اتوبوس حامل زائران شیعه در غرب پاکستان خبر داد. اتوبوس حامل ۴۰ زائر شیعه، روز پنج شنبه (۸ تیر) از ایران عازم شهر کوئته بود که مهاجمان مسلح ناشناس آن را در منطقه هزارگانگی در حومه کوئته، هدف شلیک خمپاره قرار دادند. دست کم ۱۵ زائر شیعه در این انفجار شهید و ۲۵ نفر زخمی شدند.

در سه سال گذشته، شبه نظامیان، تعداد زیادی از مسلمانان شیعه را در بخش های مختلف پاکستان کشته اند. به گفته منابع محلی فقط از سال ۲۰۰۷ میلادی تاکنون، بیش

ص: ۵۷۰

۱- (۱) گزارش «شیعه نیوز» از آسوشیتد پرس، کد خبر: ۶۶۴۸۷ تاریخ انتشار: ۰۲ بهمن ۱۳۹۲ ه. ش - ۱۱:۰۶. منبع: خبرگزاری فارس، ۰۲ بهمن ۱۳۹۲ ه. ش.

از دو هزار شیعه در منطقه کورام کشته شده اند. (۱)

۵. قتل عام چلاس نمونه ای از کشتار جمعی سازمان یافته علیه شیعه پاکستان

یکی از غم انگیزترین رویدادهای کشتار جمعی شیعه پاکستان، فاجعه چلاس بود. عوامل گروهک تروریستی «سپاه صحابه» در محله چلاس، شهر گلگیت، با کمین بر سر راه کاروان اتوبوس شیعیان، آنها را متوقف کرده و پس از پیاده کردن سرنشینان اتوبوس، آنها را به طرز فجیعی به قتل رساندند. به گفته شاهدان، در این حمله حدود شصت تن از مسافران شیعه به شهادت رسیدند. «راجا ناصر عباس جعفری» در تحصن شیعیان در مقابل پارلمان پاکستان فاش کرد که صورت اجساد شهدای شیعیان «گلگیت و بلتستان» متلاشی و غیرقابل شناسایی شده و برخی پیکرهای آنان سوزانده شده است. رهبر مجلس وحدت مسلمین پاکستان، حمایت از مظلوم و مخالفت با ظالم را مرام شیعیان دانست و گفت که تروریست ها اجساد شهدای «چلاس» را پایمال و غیرقابل شناسایی کردند. علامه جعفری که در تحصن شیعیان پاکستان به مناسبت فاجعه «چلاس» در مقابل پارلمان این کشور با خبرنگاران گفت و گو می کرد، گفت: «تا وقتی که اجساد همه شهدا تحویل بازماندگان نشود، حکومت نظامی در گلگیت پایان داده نشود، اقدامی محکم و پایدار برای برقراری صلح و امنیت در ایالت گلگیت و بلتستان صورت نگیرد و ریشه تروریسم خشکانده نشود، تظاهرات و تحصن را ادامه خواهیم داد. وی همچنین در دیدار با شخصیت های مختلف مذهبی و سیاسی و فرهنگی که به منظور ابراز همدردی، اعلام حمایت از بازماندگان به محل تحصن آمده بودند، گفت: «در فاجعه چلاس، تروریست ها مسافران شیعه را از اتوبوس ها پیاده کرده و مورد تیراندازی قرار

ص: ۵۷۱

۱- (۱) حمله وهابیون جنایتکار به زوار مظلوم شیعه در پاکستان، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.shi>

news.com ۳۷۲۷۰/news/

دادند و سر و صورت اجساد را با ضربات اجسام سنگین متلاشی کردند و سپس روی آنان اسید ریختند و اجساد را سوزاندند». این رهبر شیعیان پاکستان با طرح این پرسش که آیا اهانت به انسانیت بیشتر از این ممکن است، گفت: «تروریست های چلاس ظلم و استبداد تاریخی را رقم زدند و همچون حیوانات درنده، انسان های بی گناه را کشتند و سوزاندند». وی با بیان اینکه حکام و دست اندرکاران دولتی از جنایتکاران حمایت و پشتیبانی می کنند و به فریاد مظلومان گوش نمی دهند، افزود: «تظاهرات و تحصن ما مسالمت آمیز و صلح جویانه است و ما به هیچ وجه دست به کاری نمی زنیم که مخالف امنیت کشور باشد». رهبر مجلس وحدت مسلمین خاطر نشان کرد: «اگر دولت قصد دارد منطقه را از وجود تروریست ها پاکسازی کند، باید مراکز آموزش نظامی آنان را در چلاس ببندد».(۱)

«علی رضا»، نوجوان بلتستانی و شاهد عینی تراژدی کشتار شیعیان که توانسته بود از این حادثه جان سالم به در ببرد، مشاهدات خود را این گونه بیان کرد:

شب دوم آوریل (۱۰ فروردین)، سوار اتوبوس «سکر دو» شدم. اتوبوس ها برای حفظ امنیت بهتر به صورت کاروانی حرکت می کردند. با توجه به فاجعه کشتار شیعیان در «کوهستان» که در همین مسیر واقع بود و در ماه گذشته رخ داد، حرکت به شکل کاروانی، از نظر امنیتی، بهتر بود. درحالی که اتوبوس به حوالی چلاس رسیده بود، در یک لحظه صدها نفر خشمگین و عصبانی «اتوبان قراقرم» را مسدود کرده و مسافران را پیاده کردند. آنها شیعیان را از بین مسافران شناسایی و جدا کردند. خانم هایی که همراه ما بودند با صدای بلند گریه می کردند. چند تروریست دستور دادند که همه مسافران

ص: ۵۷۲

۱- (۱) رهبر «مجلس وحدت مسلمین» پاکستان: تعرض تروریست ها به اجساد شهدای شیعه / صورت های متلاشی و پیکرهای سوخته، گزارش خبرنگار خبرگزاری فارس در اسلام آباد، بین الملل - شبه قاره هند، تاریخ، ۱۳۹۱/۱/۲۰ ه. ش، نشانی در فضای مجازی: <http://www.snews.com/print le.php?nn = ۱۳۹۱۰۱۲۰۰۰۰۲۹۳>

یکی یکی پیاده شوند. صدها نفر شعار «کافر کافر شیعه کافر» را فریاد می زدند. همه مسافران با گام های لرزان و با ذکر خداوند متعال به جولانگاه می رفتند. پیاده که شدم دیدم مردان مسلح با ریش های بلند در محل حضور داشتند. یک نفر پیراهن مرا بلند کرد و روی کمرم را دید زد تا ببیند ردی از آثار زنجیرزنی دارم یا خیر. من تا کنون زنجیرزنی نکرده بودم لذا مرا غیر شیعه تشخیص داده و رهایم کردند. من چند قدم جلو رفتم، دیدم بیش از ۲۵ نفر را شهید کرده و جسد آنان را پایمال می کردند. در اتوبوس دیگری نیز همین جنایت را انجام می دادند. جلوتر رفتم منظره ای شبیه قیامت را دیدم. یک زن و یک مرد شاید زن و شوهر یا برادر و خواهر بودند اما از قیافه شان مشخص بود که متعلق به شهر «گلگیت» هستند. تروریست ها آن مرد را به طرف قتل گاه می بردند و آن خانم دستش را گرفت و می خواست مانع بردن وی شده و نجاتش دهد. یکی از تروریست ها در مقابل چشمان آن زن به سمت آن مرد تیراندازی کرد و وی را به شهادت رساندند. نمی توانم درد و غم آن زن را احساس کنم. چه منظره ای بود، یک نفر بلتستانی را با زور پیاده کردند و یک گروهی وی را با چوب و سنگ های سنگین و با خنجر و شمشیر مورد حمله قرار دادند. چند لحظه شاهد این صحنه نیز بودم و هنگامی که آن مرد از شدت جراحات با سر و صورتی زخمی و پر خون بر زمین افتاد، دیگر توان نداشتم به آن منظره نگاه کنم. او درحالی که نفس های آخر را می کشید «لیک یا حسین» را فریاد می زد. در این لحظه یکی از جنایت کاران با یک سنگ، ضربه ای به صورتش زد و ضمن اینکه صدایش قطع شد، چهره اش نیز غیرقابل شناسایی شد. شاهد فاجعه چلاس بودم و می دیدم که اجساد شهدا را به رودخانه «سند» می کشیدند و آنها را از بالای کوه به عمق رودخانه پرتاب می کردند. شیعیان را به جرم شیعه بودن و عشق و محبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می کشتند. کسی که چوب داشت با چوب می زد، کسی که کارد داشت با کارد می زد، کسی که سلاح داشت با آن تیراندازی می کرد و آن

کسی که هیچ چیزی نداشت، با سنگ، سرهای مظلومان را می شکست. درحالی که قربانیان داد و فریاد می کردند و برادر در حضور خواهر شهید می شد. شوهر در حضور همسرش کشته می شد. پسر در حضور پدر جان می داد. چه منظره ای بود که می توانست کوه ها را به لرزه در آورد.

این شاهد عینی اعلام کرد که شمار شهدای فاجعه چلاس بیش از پنجاه نفر است، درحالی که رسانه های پاکستانی، تلفات این حادثه را تنها شانزده تن اعلام کرده اند.^(۱)

همچنین در روز عرفه سال ۱۳۹۰ ه. ش، تعدادی از مردم گلگت که در سوگ سالگرد شهادت حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام مراسم سوگواری و سینه زنی برگزار کرده بودند مورد حمله تک تیراندازان تکفیری که در پشت بام های اطراف موضع گرفته بودند، قرار گرفتند. گفتنی است که وزارت کشور پاکستان، برخی سازمان های صلح جوی شیعی را در گلگت، منحل اعلام کرده که به دنبال آن، حملات گروه های تروریستی تکفیری ضد شیعی شدت یافته است. به نظر می رسد که آنان قصد دارند بعد از «پاراجنار»، «هنگو»، «اورکزئی»، «دیره اسماعیل خان»، «کراچی» و «کوئته»، در ایالت شیعه نشین «گلگت - بلتستان» نیز نسل کشی شیعیان را اجرا کنند.^(۲)

۶. قتل عام شیعیان در مناطق دیگر پاکستان

تروریست های شیعه کش پاکستان حتی از حمله به بیمارستان ها نیز دریغ نمی کنند؛ به

ص: ۵۷۴

۱- (۱) جنایتی که عرق شرم بر چهره بشریت نشانند (اظهارات تکان دهنده یک شاهد عینی از قتل عام تروریستی شیعیان پاکستان)، گزارش خبرنگار خبرگزاری فارس در اسلام آباد، بین الملل - پاکستان، تاریخ: ۱۳۹۱/۱/۲۱ ه. ش. نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.snews.com/print le.php?nn = ۱۳۹۱۰۱۲۰۰۰۱۲۸۹> ک

۲- (۲) پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، حمله تک تیراندازها به شیعیان گلگت، کد خبر: ۲۷۷۵۵، تاریخ انتشار: ۱۵ آبان ۱۳۹۰ ه. ش - ۱۰:۵۴، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۲۷۷۵۵> ک

طوری که در حادثه انفجار بمب در بیمارستان شهر دیره اسماعیل خان ایالت خیبر پختونخوا در سال ۲۰۰۸ م، ۴۵ نفر از شیعیان پاکستان قتل عام شدند. همچنین انفجار تروریستی در روز مراسم عزاداری شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در شهر لاهور ۴۹ تن کشته و سیصد نفر زخمی برجای گذاشت. (۱) همچنین در ماه فوریه ۲۰۱۴ م، انفجار در منطقه شیعه نشین «کوشا لیزالدار» در نزدیکی پیشاور، باعث شهادت هشت نفر و زخمی شدن بیش از چهل نفر شد. در همین ماه رهبر شیعیان شهر پیشاور نیز به شهادت رسید. وی ریاست جنبش تطبیق فقه جعفری را برعهده داشت. در شمال غرب کشور نیز سه نفر از یک خانواده بر اثر شلیک گلوله به شهادت رسیدند. (۲)

طالبان، در شهر شیعه نشین کراچی، بر گه هایی را پخش نمود که مفاد آن، وجوب کشتن شیعیان و داشتن ثواب زیاد و مستلزم رفتن به بهشت بود. از جمله نوشته شده بود:

کشتن شیعه ثواب زیادی دارد و هر مسلمانی باید دست به کشتار شیعیان بزند... اگر شیعیان تا یک ماه آینده مسلمان نشوند زنان و دختران آنان را خواهیم ربود!... بر هر مسلمانی واجب است که این کافران به ظاهر مسلمان را از بین ببرند. (۳)

۷. کشتار هدفمند نخبگان شیعه پاکستان

در سه دهه اخیر، پس از انقلاب اسلامی ایران و بازیابی هویت تشیع، بیش از سیصد دکتر، پنجاه وکیل، صد تاجر و صدها عالم دینی شیعه، قربانی ترورهای هدفمند تکفیری ها شده اند. علامه عارف حسین الحسینی، دکتر محمدعلی نقوی، علامه حسن

ص: ۵۷۵

۱- (۱) ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، کد خبر: ۳۳۹۰۵، تاریخ انتشار: ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ ه. ش - ۱۹:۱۰، نشانی گزارش با ارجاعات آن در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۳۳۹۰۵>

۲- (۲) . ۱۸ = <http://shightright.org/en/۲۰۱۲-۰۹-۱۸-۱۷-۲۳-۳۴.html?st t = ۱۸> . (۲) Re more: <http://shightright.org/en/۲۰۱۲-۰۹-۱۸-۱۷-۲۳-۳۴.html?st t = ۱۸> . ixzzz۳BGxz۵

۳- (۳) تهدید جدید طالبان، در ادامه جنایات ضد شیعی: کشتن شیعه ثواب زیادی دارد و بر هر مسلمانی واجب است، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۳۰۰۹>

ترابی، سید ذوالفقار نقوی، رضا عسکری و صدها شخصیت دیگر از جمله این شهدا هستند. چندی پیش «بان کی مون»، دبیرکل سازمان ملل، تأکید کرد: «سازمان ملل به خاطر ناکامی اش در جلوگیری از کشتارهای جمعی «شرمسار» است». در همان ساعتی که وی، بیانیه اش را ارائه می کرد، تروریست ها یک پزشک شیعه را در کراچی، به رگبار بستند.^(۱)

گفتنی است تکفیری های پاکستان، از سوی عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس حمایت می شوند از این رو پاکستان در این جدال، روی طنابی نازک قدم بر می دارد که می تواند پیامدهای داخلی ناگواری در پی داشته باشد و با توجه به اینکه بیست درصد جمعیت پاکستان شیعه است، روی هم رفته ۲۵ میلیون نفر در معرض خطر کشتارند.

۸. قتل عام شیعیان پاکستان در حملات هوایی آمریکا

بسیاری از مناطقی که با هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی، به بهانه کشتن افراد طالبان و القاعده، بمباران می شود، محل سکونت مسلمانان شیعه به شمار می رود. شیعیان در مناطق شمالی پاکستان، نظیر بلتستان و وزیرستان به صورت گزانبیری، هم از طرف طالبان محلی و هم به وسیله پهبادهای آمریکایی به بهانه حمله به طالبان، به خاک و خون کشیده می شوند.^(۲)

ص: ۵۷۶

۱- (۱) تکفیری ها در چندسال اخیر ده ها پزشک شیعه را به شهادت رساندند؛ از جمله دکتر حسین الازهر که هنگام بازگشت از مرکز جراحی رضا، ربوده می شود و سپس در جنگل به شهادت می رسد. خواهر دکتر حسین الازهر، پس از شنیدن خبر غم انگیز مرگ برادرش، درمی گذرد. منبع: شیعه نیوز، شهادت دکتر حسین الازهر در جنگل، کد خبر: ۶۵۸۵۵، تاریخ انتشار: ۱۹ دی ۱۳۹۲ ه. ش - ۱۱:۵۹، نشانی با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۶۵۸۵۵>

۲- (۲) پاکستان در سال ۲۰۱۳ م، نشانی گزارش در فضای مجازی: www.gh ews.ir/ShowDetails.aspx?NewsId=۷۸۳۳۸

NewsId = ۷۸۳۳۸

۹. انفعال شدید دولت پاکستان در نسل کشی شیعیان

مماشات دولت پاکستان با تروریست های وهابی موجب سوء استفاده آنها از فضای آشفته پاکستان شده است. (۱) سال هاست که دولت پاکستان در حال جنگ با تروریست هاست و در این درگیری ها بیشتر شیعیان بی گناه هدف گلوله ها و خمپاره ها قرار می گیرند. گفتنی است در یک درگیری بیش از ۴۵۰ تروریست دستگیر شدند و ظاهراً منتظر حکم اعدام خود بودند که طالبان به دولت پاکستان هشدار داد اگر از اعدام اعضای گروه شیعه کش صرف نظر نکند، پیامدهای ناگواری برای مقامات اسلام آباد خواهد داشت. دولت پاکستان فردای آن روز در پاسخ به هشدار طالبان اعلام کرد که اولین گروه از تروریست ها، هفته آینده اعدام می شوند. برای محکم کاری و ابراز شجاعت دولت پاکستان، «چودری نثار علی خان»، وزیر کشور نیز در واکنش به این هشدار اعلام کرد: «دولت جدید به اجرای این قانون مصمم است». ولی مدت کوتاهی بعد از این اظهارات، سخنگوی دولت پاکستان اعلام کرد: «حکم اعدام تروریست های دستگیر شده تا اطلاع ثانوی متوقف شد!!». این اقدام نمونه کوچکی از مماشات و احياناً معامله پنهانی دولت پاکستان با تروریست های وهابی است. از آنجا که سعودی ها با استفاده از دلارهای نفتی موفق شدند در احزاب سیاسی پاکستان نفوذ کنند و حزب نواز شریف را به پیروزی برسانند، طبیعی بود که به خواست سعودی ها تن دهد. متأسفانه روند زورگویی و قتل عام شیعه، روز به روز در پاکستان رو به افزایش است و دولت پاکستان، به خاطر نیاز به

ص: ۵۷۷

۱- (۱) چندی پیش نواز شریف دستور داد که حکم اعدام تروریست ها متوقف شود. این اقدام به اندازه ای در ایجاد روحیه برای تروریست ها اثرگذار بود که تحلیلگران، این اقدام نواز شریف را حمایت از قتل عام شیعیان دانستند؛ «شیعه کشی آزاد است!» نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.shi news.com> كك ۶۰۲۱۵/news

کمک های مالی عربستان به اقدام اساسی برای پایان دادن این روند دست نمی زند. (۱) بنابراین قوای قضائی پاکستان به شکل تأسف باری در مجازات اقدامات تروریستی، خصوصاً وقتی قربانیان آن اقلیت های مذهبی بوده اند، غیر مؤثر بوده است. کافی است نگاهی به مورد «مالک اسحاق» یکی از بنیانگذاران و رهبران «لشکر جنگوی» بیندازیم که علی رغم دخالتش در کشتار صدها شیعه، بارها زندانی، ولی آزاد شده است. گروه های فرقه گرا غالباً قضات و دادستان ها را هدف حمله قرار می دهند تا دادگاه و مسئولان آن را بترسانند. همچنین، برخی باور دارند که ادبیات ضد شیعه در حال رسوخ به جریان اصلی سیاست در پاکستان است. برای نمونه، «مولانا لودھیانوی»، رهبر «اهل سنت و جماعت» (WJ) اخیراً در شورای ملی به یک کرسی دست یافته است. زمانی که لودھیانوی برای این کرسی فعالیت می کرد، وعده داد که «در این لحظه من می توانم ندای مأموریت ضد شیعه را تنها در یک سطح محلی و از مسجد محلی خودم سر دهم. اما وقتی میکروفون شورا [ی ملی] را به دست آورم، تمام ملت و تمام جهان خواهند شنید...». تمامی این نمونه ها، مطابق با نشانه های هشداردهنده قتل عام نسل کشی است که دانشمندان حقوق بین الملل همچون «باربارا هارف» شناسایی کرده اند. او روالی تحلیلی را تعریف کرده است که «رویدادهای محرک» برای قتل عام را می آزماید؛ رویدادهایی همچون قتل رهبران یک گروه، معافیت برای مباشران قتل عام، یا بی ثباتی سیاسی. از این رو، هارف در فهرست سالیانه «دیده بانی جهانی» اش، بارها پاکستان را به عنوان کشوری با ریسک بالای

ص: ۵۷۸

۱- (۱) عربستان سعودی از سال ۱۹۹۸ م روزانه پنجاه هزار بشکه نفت خام به صورت مجانی به پاکستان ارسال می کند که بهای آن در سال به دو میلیارد دلار می رسد و از این طریق، سیاست های خود را بر دولت این کشور اعمال می کند؛ ر. ک: روابط راهبردی پاکستان با عربستان از طرح همکاری هسته ای تا تأثیر آن بر روابط با ایران، ماشاءالله شاکری، نشانی در فضای

مجازی: <http://www.snews.com/print le.php?nn = ۱۳۹۲۰۶۱۸۰۰۱۲۰۶> ک

کشتارهای جمعی که هدف آن اقلیت های مذهبی، از جمله شیعیان است، شناسایی کرده است. در عین حال، جامعه بین الملل می تواند دولت پاکستان را، با فشارهای دیپلماتیک، مجبور کند که با حساسیت بیشتر به مجازات تحرکات ضد شیعی پرداختد. اگر سازمان ملل واقعاً از ناکامی اش در جلوگیری از نسل کشی در رواندا «شرمسار» است، باید از این نشانه های هشداردهنده و فشارهای دیپلماتیک استفاده کند تا شعار جلوگیری از قتل عام را محقق کند (۱) تا تراژدی قتل عام ده ها هزار شیعه و بیش از چهار هزار تحصیل کرده شیعه در ده سال اخیر در پاکستان تکرار نشود. (۲)

۱۰. اقدامات خونبار علیه شیعیان کشمیر

دهه ۱۹۸۰ م، زمانی است که فعالیت های شیعه ستیزی پاکستان افزایش یافت. این موج با حمایت های دولت شدت گرفت و در کشمیر نیز نفوذ کرد؛ چنان که مناطقی مانند زادبیل، باگوانپور، شالیمار و بمینا در کشمیر، مدام شاهد هجوم نیروهای ضدشیعی بودند. لذا مردم کم درآمد شیعی، در مناطقی از سرینگر، همچون کمانگارپورا، شمسواری، فتح کدال، چینکرا محله با اکثریت سنی ترکیب شدند و این مسئله باعث شد تا به طور مجزا مناطق شیعه نشین وجود نداشته باشد. گفتنی است پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فضای کشمیر عوض شد و شیعیان و اهل سنت، به یکدیگر نزدیک تر شد. حتی در زمان پیروزی انقلاب در کشمیر شعار می دادند: «ایران سی خبر آئی شیعه سنی بهائی بهائی»؛ «از ایران خبر رسید شیعه و سنی برادر یکدیگرند».

ص: ۵۷۹

۱- (۱) نشانه های هشدار دهنده از آغاز نسل کشی شیعیان در پاکستان، وارث حسین ترجمه در پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shn.com/persi/other-services/countries/india/item/۷۴۱۸۳>

۲- (۲) ر. ک: گزارش دکتر عدیل، خبرگزاری شفقتنا، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi.com/news/۳۴۵۲۶>

جنبش آزادی بخش جامو و کشمیر که از انقلاب اسلامی ایران نشئت گرفته است، نشانگر علاقه و شوق کشمیری ها به جمهوری اسلامی ایران است.

با همه این اوصاف متأسفانه در حال حاضر، گروه های سلفی فعال در کشمیر، تهدیدی جدی برای شیعیان قلمداد می شوند. دکتر عابد حسین، پژوهشگر حوزه دین، می گوید:

با گسترش فعالیت وهابیان و روی آوردن برخی از آنها به رفتارهای افراطی گری که تا پیش از آن در این منطقه بی سابقه بود، بارگاه یکی از امام زادگان مدفون در کشمیر، تخریب و مورد اهانت قرار گرفته است.

هم اکنون علاوه بر تعصبات سنتی علیه شیعیان کشمیر، دولت هند نیز مظالم فراوانی را علیه آنها اعمال کرده است؛ از جمله در سال ۱۹۹۵ م، دسته عزاداری شیعه در سرینگر مورد حمله نیروهای دولت هند قرار گرفت و تا به حال تعداد زیادی از شیعیان منطقه کشمیر به خاطر این سخت گیری ها به شهادت رسیده اند.^(۱)

همچنین در اثر برخوردهای نسبتاً مداوم بین هند و پاکستان بر سر منطقه حساس مرزی کشمیر، مردم کشمیر صدمات فراوانی متحمل شده اند. به گزارش اسلام تایمز، کمیسیون حقوق بشر آسیا اعلام کرده است:

در شش دهه گذشته، کشمیر اشغالی، به دره مرگ تبدیل شده است. در این منطقه هزاران شهروند عادی زندگی می کنند که ممکن است هر لحظه توسط کسانی که دولت از آنها با عنوان «نیروهای امنیتی» یاد می کند، کشته شوند.^(۲)

منابع پاکستانی در گزارشی، تعداد کشته های کشمیری ها را در بخش تحت حاکمیت هند، طی کمتر از دو دهه گذشته، بیش از ۹۲ هزار نفر ذکر کرده است. همچنین منابع رسمی گزارش کرده اند که تعداد ۱۱۴/۹۴۸ نفر از غیر نظامیان بی گناه دستگیر شده و طی

ص: ۵۸۰

۱- (۱) ر. ک: اطلس شیعه، ص ۶۰۳.

۲- (۲) کشمیر فلسطینی دیگر، محمد مصلحی، نشانی در فضای مجازی: http://isl_world2020.persi

این دوره، ۶۹۳۶ نفر از این رقم به قتل رسیده اند. همچنین ۲۲/۶۰۶ زن، همسران خود را بر اثر این حوادث از دست داده و همچنین ۱۰۷/۰۸۰ کودک نیز یتیم شده اند. در آمار دیگری، تعداد زنانی که مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته اند، به ۹۷۷۶ نفر رسیده است. کشمیر تحت تصرف هند به سرزمینی تبدیل شده که مردمش با سرکوب نظام مند دولت هند مواجه اند و کشف گورهای دسته جمعی، این واقعیت مخوف را اثبات می کند.

کمیسیون حقوق بشر آسیا (RC)، دولت هند را به نسل کشی مسلمانان متهم کرده است. این سازمان غیرانتفاعی و فعال در حوزه حقوق بشر که در سال ۱۹۸۴ م تأسیس شده و مقر آن در هنگ کنگ است، گزارشی با عنوان «اسناد دفن شده - گورهای دسته جمعی ناشناخته و بی نام و نشان در کشمیر تحت حکومت هند» منتشر کرده است. به گفته سازمان حقوق بشر آسیا، این گزارش را که «دیوان مردمی بین المللی حقوق بشر و عدالت» در بخش هندی کشمیر تهیه کرده، تلاشی جسورانه برای حقیقت یابی درباره اعدام بدون محاکمه افراد در کشمیر خوانده است. براساس این گزارش ۱۰۸ صفحه ای مردم کشمیر در معرض اقداماتی قرار دارند که طبق قوانین بین المللی حقوق بشر جنایت علیه بشریت نامیده می شوند. در ادامه گزارش نیز اعلام شده است که دولت هندوستان برای مخفی نگه داشتن این جنایت ها اقداماتی انجام داده است. (۱)

گفتار پنجم: کشتار جمعی شیعیان در عربستان

۱. فجایع سعودی ها در مناطق شیعه نشین شرقی عربستان

سعودی ها در مناطق شیعه نشین عربستان هرازگاهی برخوردهایی علیه شیعیان دارند؛ از جمله نیروهای امنیتی سعودی، در محرم ۱۴۰۰ ه. ق به هیئت های حسینی مناطق شیعه نشین یورش برده و به عزادارن تیراندازی کردند که جمع زیادی شهید و مجروح شدند. شیعیان

ص: ۵۸۱

عربستان اخباری مبنی بر کشته شدن دو نفر از نیروهای امنیتی در منطقه منتشر کردند. به نتیجه نرسیدن سرکوب اعتراض های مردمی چند ساله اخیر در عربستان ثابت می کند که تنها راه حل بحران حاکم بر منطقه شرق عربستان مذاکره و گفت و گوست. با این حال رژیم سعودی گاه حتی برای سرکوبی و قتل عام شیعیان از تکفیری ها استفاده می کند. (۱)

۲. قتل عام حجاج شیعه

الف) قتل عام حجاج یمنی بعد از دادن امان به آنها

وهابیان در سال ۱۳۴۱ ه. ق به حجاج یمنی امان دادند، ولی زمانی که حجاج به دامنه کوهی که مسلحین وهابی بالای آن بودند، رسیدند، دهانه توپ ها را به سوی حجاج گرفتند و تمامی حجاج را که هزار نفر بودند، کشتند. (۲)

ب) قتل عام حجاج ایرانی به جرم براءت از مشرکان در مکه

در روز نهم مردادماه ۱۳۶۶ ه. ش (ششم ذی حجه ۱۴۰۷ ه. ق) هزاران زائر ایرانی، پس از انجام فریضه نماز عصر، به سوی محل تجمع و شروع راهپیمایی در منطقه معابده، رهسپار شدند. برنامه راهپیمایی در ساعت ۱۸:۴۰ به نقطه پایانی رسید. صدای بلندگوها خاموش و مردم به شعارهای خود خاتمه دادند و آماده حرکت به سوی حرم، برای اقامه نماز مغرب شدند. در حالی که جلوی جمعیت راهپیمایان، زنان و معلولان انقلاب در حال حرکت بودند، نیروهای امنیتی سعودی به سوی آنها هجوم بردند و با باتوم به جان حجاج بی گناه افتادند. مأموران دیگری نیز از بالای ساختمان ها، سنگ و آجر بر سر مردم می ریختند. سپس شلیک گازهای سمی شروع

ص: ۵۸۳

۱- (۱) گزارش خبرگزاری ها از «سفر شاهزاده سعودی به شهر شیعیان»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.mhregnews.ir/news/291407>

۲- (۲) کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب، ص ۴۹؛ وهابیان همچنین تعداد زیادی از حجاج مصری را در منا در سال ۱۳۴۴ ه. ق بی رحمانه کشتند.

شد و به دنبال آن رگبار گلوله‌ها به قصد کشتن راهپیمایان آغاز گردید. در این واقعه ۲۷۵ تن از حاجیان ایرانی و ۴۵ تن از حاجیان دیگر کشورها کشته و شماری نیز زخمی شدند. مأموران سعودی حتی به زنان و جانبازان هم رحم نکردند؛ چراکه نیمی از کشته شدگان زنان بودند. بسیاری از آمار شهدا مربوط به روزهای پس از حادثه بود؛ چراکه مأموران اجازه مداوای مجروحان را ندادند. لذا پس از تحمل درد و رنج بسیار به شهادت رسیدند.^(۱) بعدها مشخص شد که رژیم سعودی در برنامه سرکوب، با آمریکا به توافق رسیده بود و فرماندهی این کار نیز به یکی از افسران امنیتی غربی مرتبط با اسرائیل سپرده شده بود. به نوشته منابع غربی، این شخص ژنرال اولریخ وِگنر، فرمانده نیروهای ویژه ضد تروریسم آلمان غربی (موسوم به گ.اس. گ. ۹)^(۲) بود. تجهیزات خاص این گروه را نیز قدرت‌های غربی تأمین کردند. گفتنی است برخی منابع، بعدها «وگنر» را مبتکر عملیات قتل عام در مکه دانستند.^(۳)

ج زائران مسلمان شیعه ایرانی بیشترین قربانی فاجعه مشکوک منا

فاجعه منا در سال ۱۳۹۴ مرگبارترین رویداد تاریخ حج به شمار می‌رود که در ۲ مهر ۱۳۹۴ برابر با ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی و ۱۰ ذیحجه ۱۴۳۶ قمری همزمان با عید قربان در مراسم رمی جمرات در «خیابان ۲۰۴» نزدیک تقاطع آن با «خیابان ۲۲۳»، در منطقه منا، شهر مکه، رخ داد. آمار گزارش شده سعودی از تلفات ۲۲۳۶ نفر است در حالی که مستندات و مشاهدات میدانی شمار کلی جانباختگان را حدوداً ۷۷۰۰ نفر گزارش کرده‌اند و با استناد به آنها اعلام کرده‌اند این آمار به بیش

ص: ۵۸۴

۱- (۱) قتل عام در شهر خدا، فاطمه حقیقت گو، گزارشی از جمعه خونین مکه در سالروز این واقعه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نشانی در فضای مجازی: <http://www.irdc.ir/content>

۲- (۲) ر. ک مقاله: «چه کسی دستور کشتار حجاج ایرانی را صادر کرد»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.mhnews.ir/news/165003>

۳- (۳) کرسنت اینترنشنال، ۱۶/۵/۱۹۸۸ م.

از ۸۰۰۰ نفر می‌رسد. روزنامه‌الدیار، حرکت کاروان محمد بن سلمان، جانشین ولیعهد سعودی، پسر شاه و وزیر دفاع سعودی در مرکز منا، علت احتمالی تغییر حرکت زائران کعبه در سرزمین منا گفته است.^(۱) وال استریت جورنال، طی گزارشی از به هم ریختگی وزارت حج عربستان به عنوان مسئول اصلی برگزاری مراسم حج و استعفای دست کم پنج تن از مقامات ارشد وزارت حج در چند ماه گذشته به علت اختلافات داخلی با معاون وزیر جدید خبر داده است. اما آنچه در این فاجعه بیشتر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت این بود که ماموران سعودی عمداً زائران ایرانی را به طرف مسیر غیر مرتبط با مسیرهای قبلی سوق می‌دادند و پس از به هم ریختگی اوضاع بنا بر نقل شاهدان عینی از کمک‌رسانی به زائران ایرانی بعد از مشخص شدن ایرانی بودن آنها خودداری می‌کردند. به همین دلیل بنا بر گزارش رسانه‌ها بیشترین آمار قربانیان فاجعه منا را به نسبت جمعیت حج‌گزار مسلمانان شیعه ایرانی تشکیل دادند که در میان این قربانیان برخی علما و اساتید حوزه علمیه قم، قاریان بین‌المللی قرآن کریم، نخبگان اجتماعی و مسئولین سیاسی کشور نیز دیده می‌شد.^(۲) برای بسیاری از تحلیل‌گران بعد از وقوع حادثه مسلم بود که سعودی‌ها بر اساس تضادهای عقیدتی و سیاسی که با ایرانیان شیعه دارند همواره در صدد تزییق و اذیت به حجاج ایرانی بودند و این امر خصوصاً در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ که اختلافات سیاسی بالا گرفته بود پررنگ شده بود و چون مسیری از منا را که عمدتاً مربوط به حجاج ایرانی بود خواستند برای حجاج ایرانی تزییق ایجاد کنند کنترل از دستشان خارج شده و حادثه‌ای با این ابعاد فجیع به وجود آمد.^(۳)

ص: ۵۸۵

۱- (۱) <http://www.presstv.ir/Det> ك س di- i Min/۲۰۱۵/۰۹/۲۴/۴۳۰۵۷۹

۲- (۲) <https://www.wikipedia.org/wiki> . فاجعه منا (۱۳۹۴) /

۳- (۳) <http://www.jnews.com> ك doc/news/۴۴۹۶۹۹

این موضوع به خوبی روشن است که آل سعود از حرمین شریفین برای آموزش و رشد طایفه گرایی در جهان اسلام سوء استفاده می کند؛ چنان که رهبران گروه های تروریستی زیادی در حرمین شریفین تغذیه فکری شده و به کشتار جمعی شیعیان اقدام می کنند. درحالی که حضور صهیونیسم و آمریکا روز به روز در خاورمیانه و عربستان نمود بیشتری می یابد، مفتیان وهابی برای انحراف اذهان، مردم را به دشمنی با شیعیان فرا می خوانند. دکتر حامد الگار در این باره می نویسد:

لازم است گفته شود که نگرانی های مربوط به حضور آمریکایی ها و نتایج اندیشه فرهنگی که بر اثر آن به بار آمد، در نگرانی های دیرینه وهابیان نسبت به شیعه تغییری ایجاد نکرد. افرادی نظیر سلمان بن فهد عوده، صریحاً از مردم خواست تمام ساکنان شیعه عربستان را اخراج کنند و از شیعیان، با همان واژه ناشایست روافض نام برد. در سال ۱۹۲۷ م، علمای وهابی فتوایی صادر کردند که به موجب آن، شیعیان ملزم می شدند اعتقادات مذهبی خود را ترک نموده و به وهابیت بگردند. پس از صدور این فتوا، اقدامات خشونت آمیزی علیه شیعیان صورت گرفت و وهابیون تلاش کردند حسینیه ها و مساجد را برچینند. ولی به علت مقاومت شیعیان، تلاش وهابیون ناکام ماند.

در آغاز قرن بیست و یکم میلادی که نسل کشی، بیش از زمان های گذشته، تقبیح شده، برخی از مفتیان متحجر سعودی، هنوز به قتل عام شیعه فتوا می دهند؛ برای مثال عبدالله بن جبرین، در سال ۱۹۹۱ م، فتوایی صادر کرد که شیعیان را «مشرکینی می دانست که ریختن خون آنان مباح است». نظام سعودی، شاید برای آنکه خشم وهابیان سنتی را فرو نشاند، سال بعد، اقدام به زندانی کردن و اعدام تعدادی از شهروندان شیعه خود و درهم کوبیدن چهار مسجد شیعی کرد.^(۱)

ص: ۵۸۶

۱- (۱) سعید ک. ابوریش، آل سعود، صص ۱۱۰ و ۱۱۱. به نقل از منبع پیشین، ص ۵۵، نشانی در فضای مجازی: ket kh emelli.com/p g .e.m/r ekhoon/besooyeh.h high /۰۰۰۰۰۸۰۴۲۵/p۱۰.htm

همچنین روحانی برجسته و سرشناس معترض شیعی، آیه الله شیخ باقر النمر را مجروح، محبوس و محکوم به اعدام کرد.^(۱)

۴. حملات خونبار تکفیری ها علیه شیعیان عربستان

هجوم وهابی های تکفیری به زوار شیعه عربستانی طی سال های اخیر کم سابقه بوده است. در مورد اخیر، همزمان با ایام رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و امام حسن مجتبی علیه السلام، جمعی از شیعیان، عربستانی در نزدیکی بقیع، مشغول خواندن زیارت و دعا بودند و هنگامی که زنان آنها مشغول زیارت شدند، مأموران وهابی به آنها دشنام دادند. این امر سبب اعتراض و سپس تحصن جمع کثیری از مردان شیعه شد. به دنبال آن مأموران امنیتی و نیروهای موسوم به هیئت امر به معروف و نهی از منکر، با اسلحه به شیعیان حمله کرده و عده ای را مجروح ساخته و جمعی از جمله چند تن از علمای سرشناس شیعه را بازداشت کردند. همچنین عده ای از وهابیان به سراغ اتومبیل های آنها رفته و به آنها خسارت زدند. هجوم وهابی های تکفیری، به شیعیان مدینه منحصر نشد. آنان در مسیر بازگشت نیز به شیعیان حمله کردند که تعدادی از زائران زخمی شدند.^(۲)

همچنین منابع خبری عربستان گزارش دادند، در ادامه هجوم سلفی ها به شیعیان، بیش از دوست سلفی عربستانی، از منطقه العصبه واقع در مدینه منوره، با چوب و سنگ به ساکنان شیعه منطقه قباء حمله کردند که بر اثر این اقدام، دست کم سه تن از شیعیان زخمی و به بیمارستان منتقل شدند. همچنین گروه تروریستی «گردان الزرقاویه» که از شاخه های القاعده در عربستان است، طی بیانیه ای اعلام کرد: «قصد دارد شیعیان

ص: ۵۸۷

۱- (۱) حکومت سفاک عربستان حکم اعدام این روحانی برجسته شیعه را در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۲ ه. ش اجرا و وی را به طرز فجیعی به شهادت رساند و مخفیانه بدون اطلاع خانواده و بستگانش در جای نامعلومی دفن کرد.

۲- (۲) ر. ک: مقاله «آتش در آشیانه امت محمد صلی الله علیه و آله / نگاهی گذرا به حملات و جنایات وهابیان»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.hz.net> کک ۵۷۳۷/۷۱۰۶/۸۶۳۹۹ m ine/m t/

این کشور را با خودروهای بمب گذاری شده مورد هدف قرار دهد». این گروه تروریستی انگیزه خود را از صدور این بیانیه، پاکسازی عربستان از وجود مشرکین اعلام کرده است. براساس همین تهدیدات بود که شب عاشورای ۱۴۳۶ ه. ق، تعدادی مسلح ناشناس، به عزاداران حسینی در حسینیه «المصطفی» در منطقه «الدلوه» حمله کردند و آنها را به رگبار بستند. در اثر این حادثه، پنج شیعه، شهید و نه نفر دیگر زخمی شدند. سه تن از شهدا کودک بودند. (۱) گفتنی است عربستان حامی رسمی قتل عام شیعیان در دنیا است و از گروه های سلفی تکفیری در عراق، سوریه، پاکستان و... حمایت می کند. (۲)

۵. قتل عام شیعیان عراقی الاصل در عربستان با بهانه های مختلف

قتل شهروندان شیعه عراقی در عربستان امروزه به یک رویه عادی تبدیل شده است؛ به طوری که چندی پیش، سازمان دیده بان حقوق بشر شیعیان، طی بیانیه ای اقدام رژیم عربستان سعودی نسبت به قتل عام چهل شیعه عراقی را محکوم کرد و از جامعه جهانی خواست در این زمینه تحقیقات لازم را به عمل آورند. در این بیانیه آمده است:

رژیم عربستان سعودی با خونسردی کامل و طی محاکمه ای نمایشی که از کمترین معیارهای محاکمه عادلانه برخوردار نبوده است، این تعداد عراقی را در زندان های این کشور به قتل رساند.

این سازمان یادآوری می کند که رژیم سعودی پیش از این نیز چندین عراقی بی گناه را بدون محاکمه ای عادلانه و بنا به فتوا و تمایل مفتیان افراطی این کشور، به جوخه مرگ سپرده است. (۳)

ص: ۵۸۸

۱- (۱) پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، کد خبر: ۷۹۴۳۶، تاریخ انتشار: ۱۳ آبان ۱۳۹۳ ه. ش - ۱۷:۰۷، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۷۹۴۳۶/۵>

۲- (۲) پایگاه خبری حوزه، کد خبر: ۳۴۳۸، تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۰۲/۲۰ ه. ش، نشانی در فضای مجازی: <http://www.h z /m ine/m t .net>

۳- (۳) اخبار مهم شیعه، نشانی در فضای مجازی: www.kh -shi blo .com

۱. قتل عام به منظور تغییر بافت جمعیتی

در کتاب های تاریخ در آغاز معرفی بحرین، این چنین نوشته اند: «تنها کشوری که حاکمانش از خودش نیست». این مسئله بر کسی مخفی نیست و حتی خود خاندان آل خلیفه نیز به آن اعتراف می کنند که آنها با کمک انگلستان بر آن مسلط شده اند. در اواخر قرن ۱۷ میلادی، انگلیس برای حفظ منافع خود، بیابان نشینان نجدی آل خلیفه را بهترین کارگزار خود در منطقه بحرین تشخیص داد. لذا آنها را مسلح و بر ملت بحرین حاکم کرد. (۱) انگلیسی ها می دانستند که این تیره های نجدی، مشروعیت لازم برای حکومت بحرین را ندارند. پس برای حفظ خود، تا نفس آخر، با سیاست های انگلیس خواهند بود. انگلیس در سال ۱۹۷۱ م، به علت مخارج زیاد، تصمیم گرفت ارتش خود را از بحرین به انگلیس بازگرداند. (۲) ولی خاندان آل خلیفه اعتراض کردند و آمادگی خود را برای پرداخت هزینه های ارتش انگلیس اعلام کردند. با این حال صاحب منصب انگلیسی، دینیس هیلی، در تلویزیون انگلیس اعلام کرد که دوست ندارد برای شیخ های عرب برده ای سفید باشد و نباید اجازه بدهند که انگلیسی ها مزدورانی باشند نزد کسانی که دوست دارند ارتش انگلیس در خدمت آنها باشد. لذا دولت وقت انگلیس تصمیم گرفت بحرین را رها کند. با این حال فردی به نام هندرسون را در بحرین گماشت. وظیفه این سیاستمدار، با عنوان مشاور خاندان حاکم، این بود که نظام آل خلیفه را حفظ کند. همه بحرینی ها او را می شناسند؛ زیرا او مسئول شکنجه هزاران بحرینی آزاده بود. او با ترفندهای انگلیسی همواره بین مردم بحرین فتنه بر می انگیزد تا نظام دست پرورده

ص: ۵۸۹

۱- (۱) در شعارهای مردمی «یا اهل الزبارة، لقد انتهت الزیارة»؛ ای اهل زبارة، زیارت تمام شد»، به آنچه گفته شد اشاره می کند.

۲- (۲) توطئه جدا شدن رسمی بحرین از ایران در همین سال اتفاق افتاد.

انگلیس پابرجا باشد. در ۲۳۰ سال گذشته، جنایتی نیست که اشغالگران آل خلیفه نکرده باشند؛ به همین دلیل هزاران خانوار از بحرین آواره شدند و به ایران یا به عراق، هند و... رفته اند، علت فرار این خانواده ها این بود که خاندان آل خلیفه از ربودن و تجاوز به نوامیس مردم ابایی نداشتند؛ خاندان حاکم، نیز پس از مهاجرت، مایملک آنها را به یغما می بردند. (۱) همچنین قبایلی که به آنها دَواستَر گفته می شد، طبق توافقی قبلی، از بیابان های عربستان می آمدند تا سهم خود را از اموال مردم به یغما ببرند. در سال های به اصطلاح بعد از استقلال، ارتش آل خلیفه نیز عمدتاً از بیابان نشینان و افراد یَدوی و روستایی کشورهای پاکستان، اردن، سوریه، یمن تشکیل شد و بعد از سقوط صدام، بعضی های فراری نیز به آنها اضافه شدند.

۲. تجنّیس سیاسی سیاست آل خلیفه برای تغییر هویت شیعی بحرین

تجنّیس به معنای اعطای تابعیت به غیر بحرینی هاست. بعد از اینکه بحرین از ایران جدا شد، حکومت بحرین فهمید اگر بخواهد هواداران رژیم را در این جزیره زیاد کند، باید به آنها تابعیت بدهد. از این رو برای اینکه اکثریت شیعه را به اقلیت تبدیل کنند، به اتباع خارجی، با گرایشات سلفی گری تابعیت دادند؛ چنان که در فاصله سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ م، صد هزار نفر بیگانه از کشورهای مختلف تابعیت بحرینی گرفتند، همزمان پرونده تبعیض را نیز علیه شیعیان تشکیل دادند تا شیعیان به حاشیه بروند و با اعمال فشارها از بحرین مهاجرت کنند. این روند، ساختار جمعیت این کشور را به شدت تغییر داد و باعث آزار و اذیت مردم بحرین شد و پایداری جامعه را از هم گسیخت. گفتنی است اعطای تابعیت، حتی برای قبایل بدوی بیابان های عربستان که پدرانشان با این

ص: ۵۹۰

۱- (۱) چندی پیش، فرزند شاه بحرین در جشنی، با سرودن اشعاری، کشتار مردم بحرین را به دست نیاکان خونخوار خود، مایه افتخار دانست.

خاندان همکاری دیرینه داشته اند نیز اجرا می شود تا در انتخابات مجلس، این افراد تازه وارد برای تغییر نسبت و درصد آرا در بحرین اثرگذار باشند.

پیش تر، بیش از ۹۰٪ مردم بحرین شیعه بوده اند، اما به نظر می رسد که اینک جمعیت شیعیان بحرین حدود ۷۰٪ باشد.^(۱) چند سال پیش، دکتر صلاح البندر که اصالتاً سودانی است و چند دهه به عنوان مشاور در دفتر شاهنشاهی بحرین کار می کرد، به انگلستان گریخت و اسناد این نقشه شوم را برملا ساخت. پادشاه بحرین بلافاصله بعد از کودتای نظامیان در مصر، با سوء استفاده از شرایط، به قاهره سفر کرد. «حمد بن عیسی آل خلیفه»، در این دیدار خود، طرحی را به عدلی منصور، رئیس جمهور موقت پیشنهاد داد که به موجب آن، برای اعطای تابعیت بحرینی به پنجاه هزار مصری و مهیا بودن اوضاع برای به کارگیری آنها در قالب نیروهای امنیتی این کشور، اعلام آمادگی کرده است. عدلی منصور، ضمن استقبال از این موضوع، به وزیر دفاع «السیسی» (که اکنون رئیس جمهوری شده) گفته بود که این طرح مخصوص نیروهای امنیتی است و به زودی یک بازدید منطقه ای در حوزه خلیج فارس انجام خواهیم داد. براساس اسناد پایگاه «ویکی لیکس»، پادشاه بحرین با اعضای موساد ارتباط نزدیکی دارد. این اسناد، به دیدار حمد بن عیسی آل خلیفه و سفیر آمریکا در بحرین اشاره می کند که در این دیدار، پادشاه بحرین از ارتباط با رژیم صهیونیستی در زمینه اطلاعاتی و امنیتی خبر می دهد و یادآور می شود که بحرین آمادگی برداشتن قدم های دیگر را برای ایجاد روابط دارد.^(۲) مطالبات و اعتراضات فعلی بحرین، صرفاً شیعی نیست و غیرشیعیان نیز مطالباتی دارند و به این

ص: ۵۹۱

۱- (۱) بخش سیاست تبیان، منبع سایت موعود، افشاگری محقق بحرینی در خصوص آل خلیفه، نشانی در فضای مجازی:

<http://mouood.org/component/k2/item/۴۵۴.html>

۲- (۲) ر. ک: نشانی در فضای مجازی: <http://www.teby.net/newmobile.px/Comment/index.px?>

pid = ۱۶۲۹۶۸

در این میان عربستان سعودی درحالی که معترضان خود را در کشور قلع و قمع می کند، با فرستادن نیروی نظامی به یمن و بحرین، و عراق و سوریه، در قتل عام شیعیان مشارکت مستقیم دارد. چندی پیش ولیعهد بحرین، سلمان بن حمد آل خلیفه، با اذعان به ادامه اعتراض های مردمی در بحرین، از عربستان سعودی و امارات به دلیل حمایت از نیروهای رژیم در سرکوب مردم معترض، قدردانی کرد. (۲)

۳. فجایع و تهدیدات تکفیری ها علیه شیعه بحرین

سال هاست که حرکت شیعیان بحرین در پی احقاق حقوق اولیه خودند و در مقابل، رژیم آل خلیفه، نه تنها کوچک ترین قدمی بر نداشته، بلکه با پشت گرمی نیروهای مداخله گر سعودی، بارها از سرکوبی شدید مخالفان سخن گفته است؛ به طوری که برخی هواداران تکفیری رژیم بحرین با وقاحت از لزوم کشتار جمعی شیعه سخن می گویند: برای مثال نواف سالم، چهره سرشناس وهابیت در کویت و از وابستگان سازمان اوقاف این کشور، خواستار کشتار و قتل عام همه شیعیان بحرین شد تا به گفته وی، بحران جاری در این کشور پایان یابد. (۳)

ص: ۵۹۲

۱- (۱) ابراهیم الشریف دبیر انجمن سیاسی «وعد» سنی است، اما زندانی است. محمد البوفلاسه نیز که اهل سنت است، در میدان شهدا، سخنرانی کرد و روز بعد روانه زندان شد. بنابراین برخی سنی های ساکن بحرین نیز منکر این واقعیت ها نیستند و در دوگانگی عجیبی زندگی می کنند. همان.

۲- (۲) ر. ک: نشانی در فضای مجازی: <http://www.yjc.ir> ک ۴۱۸۷۳۱۱ news/ همچنین ر. ک: بحرین در گذر رهایی ۷؛ جهان غرب و تعبیر کابوس هلال شیعی، محمدجواد اخوان، نشانی در فضای مجازی: <http://borh.ir/Mobile/DetI.px?Id=631>

۳- (۳) گفتنی است اظهارات «نواف سالم» که ابتدا روی سایت شخصی وی قرار گرفت، به شدت مورد حمله اعراب کشورهای مختلف قرار گرفت و آن را تحریک برای ایجاد جنگ میان شیعه و سنی خواندند. وی در ادامه اظهارات خود با دادن صفاتی همچون «افراطی»، «مفسد»، «جاسوس»، «فتنه گر» و غیره به قیام کنندگان بحرینی، ریختن خون آنان و به قتل رساندنشان را جایز دانست: گزارش خبرگزاری ها از مواضع نواف سالم وهابی، با عنوان «همه شیعیان بحرین را قتل عام کنید!»: نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.vossogh.com> ک new-news

یمن، از صدر اسلام، از مهم‌ترین مناطق رشد شیعه اهل بیت علیهم السلام بوده است. بیشتر شیعیان یمن را شیعیان زیدی تشکیل می‌دهند. شیعیان دوازده امامی در استان صعده و برخی در صنعا زندگی می‌کنند. بخش زیادی از شیعیان دوازده امامی، از نخبگان، استادان دانشگاه، روحانیون و پزشکان تشکیل شده است. از قرن چهارم هجری تا پنجاه سال پیش، معمولاً حکومت یمن در دست سادات حسنی زیدی مذهب بود. (۱) ولی در سال ۱۹۶۲، عبدالناصر، با استقرار ۶۰/۰۰۰ نیروی مصری در یمن و با حمایت از کودتاگران بعثی، حکومت را از ائمه زیدی‌ها گرفت و به لاییک‌ها و بعثی‌ها سپرد و حکومت ائمه شیعه زیدی، بعد از ۱۲۰۰ سال، پایان یافت. ژنرال علی عبدالله صالح الاحمر که آموزش دیده بعثی‌های عراق بود، پس از کودتا خود را رئیس جمهور یمن خواند. در اوج حکومت علی عبدالله صالح، وهابی‌ها به کتابخانه‌های زیدیان حمله کردند و آنان را آتش زدند و از فعالیت مدارس دینی زیدیه جلوگیری کردند. آنها علمای زیدی و مردم عادی شیعه را کشتند. برخی منابع از تلفات بالای زیدی‌ها در این سرکوب‌گری خبر می‌دهند. هم‌اکنون از میلیون‌ها شیعه زیدی در یمن، تنها نیم میلیون نفر به رسمیت شناخته شده‌اند که این موضوع به عملکرد حکومت در وارونه‌نشان دادن اکثریت شیعه یمن برمی‌گردد. حکومت همه مراسم زیدیان را ممنوع کرده است. مراسمی که با محوریت محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. (۲)

ص: ۵۹۳

۱- (۱) امروزه بیش از پنج میلیون نفر از جمعیت یمن سادات هستند که روی هم رفته دویست خاندان معروف را تشکیل می‌دهند. ۹۰ آنها سادات حسنی و ۱۰ از سادات حسینی هستند. بیشتر سادات یمن از فرزندان «یحیی‌الامام الهادی بن‌الحسین بن القاسم الرسی» از نوادگان حسن بن علی علیهما السلام هستند؛ ر. ک: <http://www.wikipedia.org/wiki/شیعیان-یمن>

۲- (۲) درباره شیعیان یمن، علیرضا صادقی، روزنامه رسالت ۱۳۸۸/۸/۹ ه. ش، نشانی مقاله در فضای مجازی:

<http://www.mir.com.npview.p?ID=1974793>

۱. قتل عام شیعیان یمن به بهانه سرکوب حوثی ها

از زمان درگیری جدید دولت یمن با گروه های شیعه در شمال این کشور، بیش از پنج سال می گذرد. در سال ۲۰۰۷ م، پیمان صلحی میان دو طرف امضا شد که هرگز بدان عمل نشد. سال بعد با میانجی گری قطر، دیداری میان نمایندگان دو طرف در دوحه، برای انجام مقدمات پیمان صلح جدید، شکل گرفت. در اوت ۲۰۰۹ م، علی عبدالله صالح، رئیس جمهور یمن، اعلام کرد که مبارزان شیعه مایل به برقراری آرامش نیستند و بدین ترتیب درگیری ها را از سر گرفت. عربستان سعودی و مصر نقش پررنگی در حملات ارتش یمن به شیعیان داشتند. یک روزنامه اماراتی تحلیل کرد: «شعارهایی که مبارزان شیعه سر می دهند، (مرگ بر آمریکا و اسرائیل) یادآور شعارهای ایران است». حسین الحوثی (نخستین رهبر مبارزان) اصول مذهب زیدیه را به گونه ای تفسیر کرد که توانست قبایل زیدی را متحد کند. این قبایل در حاشیه شمالی یمن زندگی می کردند و از جانب سلفی های متعصب که در سال ۱۹۹۰ م، با هم متحد شده بودند، می ترسیدند. آموزه های وی سبب جایگزینی نگرش سیاسی ضد غربی به جای عقاید سنتی آنان شد. بحران داخلی یمن، از سال ۲۰۰۳ م و با موضع گیری شیعیان زیدی ضد آمریکا و اسرائیل آغاز شد و با حمله دولت کودتا تعداد زیادی از شیعیان یمن به شهادت رسیدند. این درگیری ها اکنون وارد مرحله تازه ای شده است. عربستان، القاعده و آمریکا به صورت متحد حکومت یمن، ضد شیعیان عمل می کنند. (۱) همچنین در سال های اخیر، شیعیان با هجوم نظامی، تبلیغاتی و سیاسی سختی روبه رو شدند. جنگ فرسایشی نیز هم اکنون به مرحله پیچیده ای رسیده است. اشتباهات صنعا در مدیریت بحران ها و نابسامانی های سیاسی و اقتصادی در استان های جنوبی یمن، سبب همدردی و همبستگی مردم یمن

ص: ۵۹۴

۱- (۱) عربستان، القاعده و آمریکا علیه شیعیان یمن، جمعه ۲۹ آبان ۱۳۸۸ ه. ش ساعت ۱۷:۱۰، نشانی در فضای مجازی:

http://www.tiw.ir/?=content.idid=۱۲۳۳۵۱g =ک

با جنبش حوثی ها شده است.

با نگاهی به چگونگی زندگی شیعیان یمن، روشن می شود که در زمان حکومت دولت یمن، شیعیان در محرومیت کامل فرهنگی، و با دشواری ها و چالش های زیادی روبه رو بوده اند؛ مانند:

نداشتن حق تأسیس مدارس دینی برای شیعیان؛

آزار و شکنجه و زندانی شدن شیعیان و علمای شیعه؛

جلوگیری از برگزاری مراسم دینی؛

توهین به ارزش ها؛^(۱)

عدم دسترسی به رسانه ها.

شواهد نشان می دهد که رژیم سعودی خود را برای آغاز جنگی بزرگ در این منطقه آماده می کند؛ به همین دلیل تاکنون شش هزار نظامی سعودی وارد منطقه شمال یمن شده اند. گفتنی است تصاویر بسیار دلخراشی از قتل عام کودکان و زنان این منطقه به دست سعودی ها منتشر شده و سازمان ملل نیز در مورد بروز یک فاجعه انسانی در این منطقه هشدار داده است. لازم به ذکر است که در پی شکست ارتش سعودی و یمن در شکست شیعیان، در اوایل دسامبر ۲۰۱۰ م، شبه نظامیان تروریست های انتحاری القاعده به این منطقه گسیل شدند.

۲. تحمیل پنج جنگ خونین بر شیعیان شمال یمن

در طول چهار سال، پنج جنگ خانمانسوز از طرف ارتش یمن و سعودی بر شیعیان شمال یمن تحمیل شده است. از جنگ چهارم که در بهار ۱۳۸۶ ه. ش اتفاق افتاد، قبایل وابسته به دولت و عناصر تکفیری هم به کمک ارتش آمدند تا تکلیف عبدالملک الحوثی و یارانش را یکسره کنند، ولی نتوانستند.

ص: ۵۹۵

۱- (۱) مانند تخریب مساجد و به آتش کشیدن علنی کتاب هایی مانند «نهج البلاغه» و «صحیفه سجادیه» که با هماهنگی دولت یمن و وهابی های سعودی انجام می شود.

علت این جنگ های پنجگانه این بود که در تابستان ۲۰۰۴ م، حسین بدرالدین الحوثی با سردادن شعار: «الله اکبر، الموت لآمریکا، الموت لاسرائیل واللعه علی الیهود»، اعتراض خود و یارانش را علیه سیاست های آمریکایی گرای دولت یمن به نمایش گذاشت. این حرکت که غضب حاکمان صنعا را برانگیخت، بهانه ای شد تا جنگ تمام عیاری بر مناطق و روستاهای حیدان (پایگاه حسین بدرالدین) در استان صعده تحمیل شود. با کشته شدن حسین الحوثی، آتش جنگ موقتاً فروکش کرد؛ اما احساسات ضد آمریکایی شیعیان در مناطق دیگر استان صعده، تحریک، و زمینه ای برای جنگ های بعدی شد. (۱)

حقیقت آن است که شیعیان زیدی یمن در استان صعده، حتی از سال ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با جریان وهابیت، در جنوب شبه جزیره، وارد جنگی پنهان شده بودند که بیشتر جنبه فکری و فرهنگی داشت. تاریخ معاصر یمن این موضوع را تأیید می کند که سعودی ها برای بسط سلطه و نفوذ خود در یمن، سرمایه گذاری هنگفتی کرده اند تا تشیع را ریشه کن کنند؛ زیرا تشیع تنها عاملی است که در مقابل پیشروی سلفی های متعصب و تکفیری در یمن مقاومت می کند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به حرکت شیعیان در صعده، قوت و قدرت بیشتری داد که جنگ صعده در این سال ها، فاز نظامی این درگیری تاریخی محسوب می شود. این درگیری ها می تواند معلول چند علت اساسی باشد:

۱. محرومیت شیعیان یمن از حداقل حقوق شهروندی؛

۲. مشی ضد صهیونیستی شیعیان این کشور؛

۳. وابستگی دولت یمن به آل سعود و تحریک دولت عربستان به قتل عام شیعیان؛

۴. به کارگیری افسران فراری ارتش بعث، پس از اشغال عراق، به عنوان مستشاران نظامی ارتش یمن و بهره مندی از تجربه بالای آنها در رویارویی با شیعیان؛

ص: ۵۹۶

۵. حمایت آمریکا از دولت یمن؛

۶. گسترش اقدامات خشونت آمیز علیه شیعیان منطقه، طی سال های اخیر، با اظهارنظرهای پی در پی مقامات برخی کشورهای عربی مبنی بر تهدید آمیز بودن شیعیان.

با نیرنگ دولت یمن، حسین بدرالدین الحوثی و ۲۱۶ نفر از یارانش به شهادت رسیدند. با اعلام کشته شدن حسین در شهریور ماه ۱۳۸۳ ه. ش (۲۰۰۴ م) نه تنها حرکت گروه شباب مؤمن به پایان نرسید، بلکه به صورت گسترده تری ادامه یافت. (۱)

۳. مروری بر فجایع تکفیری ها علیه شیعیان یمن

پس از فرار تکفیری های الاحمر از شهر الحوث، «جنایات هولناک» آنها فاش شد. کشف اجساد کودکانی که در اثر شکنجه جان باخته اند، از آن جمله است. تصرف شهر حوث، آخرین پایگاه تکفیری های آل احمر، واقعیت های بسیاری را آشکار کرده است. در تصاویر ثبت شده از مقر محسن الاحمر، ابزارهای شکنجه مخالفان نیز جلب توجه می کند. در این میان تانکرهای مملو از مواد منفجره دیده می شد که برای وارد کردن بیشترین خسارت به اهالی شهر، تهیه کرده بودند. (۲) عبدالکریم الرازحی، فعال رسانه ای یمنی اعلام کرد: «از جمله جنایات تکفیری ها و شبه نظامیان الاحمر این بود که گروهی از شهروندان را که از منطقه شهارا به صنعا سفر کرده بودند، مستقیماً هدف گلوله قرار دادند. این جنایت با هیچ یک از ارزش ها و اصول انسانی سازگاری ندارد». (۳)

ص: ۵۹۷

۱- (۱) داستان غریبان (شیعیان یمن)، صص ۱۵۸ و ۱۵۹.

۲- (۲) خبرنگار العالم به نقل از شاهدان عینی اعلام کرد: در خانه حسین الاحمر سلاح هایی را دیدیم که دارای نشان های سعودی و آمریکایی بودند و این ثابت می کند که این دو کشور، حامیان اصلی جنگ در یمن هستند. گزارش احمد المختفی، خبرنگار العالم در یمن، با عنوان گزارشی از جنایات وهابیون علیه شیعیان یمن؛ فیلم و تصاویر: نشانی گزارش در فضای مجازی: www.jnews.ir/TextVersionDetI/294361

۳- (۳) گزارشی از جنایات وهابیون علیه شیعیان یمن؛ جام نیوز، نشانی در فضای مجازی: <http://www.jnews.ir/> Text Version Det I/ 294361

همچنین تروریست های شیعه ستیز، در مراسم تشییع جنازه بدرالدین الحوثی، یک خودروی بمب گذاری شده را منفجر کردند که موجب کشته شدن دست کم دو نفر و زخمی شدن هشت نفر دیگر شد. قربانیان انفجار عمدتاً از روستاییانی بودند که از نقاط دور و نزدیک به صعده آمده بودند.^(۱)

همچنین یک تروریست انتحاری، با خودروی بمب گذاری شده خود به کاروان شیعیان یمن در استان الجوف حمله کرد که بر اثر آن بیست نفر شهید شدند. گفتنی است «حسین هضبان» از اعضای اصلی و مؤسس گروه الحوثی در استان الجوف و نیز پسر «عبدالله العزی عبدالان»، رهبر الحوثی های این استان، میان شهدا دیده می شوند.

همچنین، چندی پیش، صنعا پایتخت یمن شاهد تشییع جنازه دو شهید جوان به نام «امین الدمنی» و پسر عمه وی، «مجاهد الدمنی» که به دست عناصر ناشناس در کتابخانه «الغدیر»، با سلاح کمری مجهز به صدا خفه کن، به شهادت رسیدند.^(۲) ابوعلی، معاون سیاسی - مذهبی نماینده هیئت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، گفت: «صنعا به پناهگاه قاتلان و جنایتکاران تبدیل شده است و دولت یمن کاری نمی کند. در دنیا سابقه ندارد که مناطق دوردست کشوری در امن باشد، ولی مردم در پایتخت در ترس و وحشت باشند».

«اسماعیل الوزیر» نیز، یکی از آسیب دیدگان تنش های فرقه ای در یمن گفت: «پیدایش تکفیر مسئله ای سیاسی است و تفاوتی نمی کند این سیاست در خدمت یک حزب، فکر، منافع شخصی، فرقه و گروه باشد».^(۳)

ص: ۵۹۸

۱- (۱) شهادت دو شیعه در حاشیه مراسم تشییع جنازه بدرالدین الحوثی، منبع: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز. نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/19501>

۲- (۲) گزارش خبرگزاری اهل بیت - ابنا - شهادت دو شیعه یمنی به ضرب گلوله تکفیری ها، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/722981>

۳- (۳) شهادت دو شیعه یمنی به ضرب گلوله تکفیری ها، نشانی گزارش در فضای مجازی: پایگاه اطلاع رسانی ابنا: <http://www.n ir/persi /606327/print.html>

اکنون حملات تکفیری ها به شیعیان به استان هایی غیر از صوره و صنعا نیز کشیده شده است؛ از جمله استاندار «الجوف»، در شمال غربی یمن، از کشته شدن دست کم سی نفر و زخمی شدن ده ها تن دیگر در جریان درگیری مبارزان انصارالله (حوثی) و سلفی های تکفیری خبر داد.

ساکنان مناطق حوثی ها، به دلیل فشارهای خارجی و کارشکنی های داخلی، به شدت از فقر رنج می برند. (۱) قتل و شکنجه در یمن به شیعیان زیدی منحصر نمی شود؛ چندی پیش سازمان دیده بان حقوق شیعیان جهان، (۲) ترور رئیس تشکل شیعیان جعفری، آقای علی بن علی فارغ را محکوم کرد و از دولت یمن خواست تا طراحان و مجریان این جنایت تروریستی را تحت پیگرد قرار دهد. قربانی این جنایت پیش از این فاش کرده بود که تروریست های مرتبط با القاعده، وی را تهدید به ترور کرده اند. (۳)

۴. کشتار فجیع مسلمانان شیعه یمنی در حمله سعودی ها به این کشور

حمله رسمی سعودی ها به یمن در ۶ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۲۴ به وقت عربستان سعودی با دستور ملک سلمان شاه این کشور آغاز شد. این تجاوز زمانی آغاز شد که اکثریت مسلمانان شیعه یمن که ۴۰ سال تحت دیکتاتوری علی عبدالله صالح و معاون او عبد ربه منصور هادی بودند با استعفا و فرار منصور هادی، موفق شدند با محوریت جریان شیعی انصارالله حاکمیت را در یمن به دست گیرند ولی بلافاصله مورد هجوم سعودی ها قرار گرفتند که این تجاوز در زمان نوشتن این سطور هنوز ادامه دارد. مرکز رسمی حقوق و توسعه یمن در ژانویه ۲۰۱۶ مصادف با بهمن ۱۳۹۴ در گزارشی

ص: ۵۹۹

۱- (۱) نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://ir/news> .ک

۲- (۲) . shirights.org .

۳- (۳) نشانی بیانیه در فضای مجازی: <http://shirights.org/en> .

تفصیلی جزئیات جنایت های هولناک تجاوز عربستان به یمن را در چهاربخش اجتماعی، زیرساخت ها، مراکز تولیدی و تلفات انسانی بیان کرد.

۱. بخش اجتماعی: تخریب ۶۱۵ مسجد، تخریب ۳۲۵۱۳۷ منزل مسکونی، آواره کردن ۱۲ میلیون نفر، تخریب ۲۳۸ درمانگاه، تخریب ۵۶۹ مدرسه و مرکز آموزشی، تعطیل شدن ۳۷۵۰ مدرسه، تخریب ۳۹ ساختمان دانشگاهی و ۱۶ ساختمان رسانه ای.

۲. زیرساخت ها: تخریب ۱۴ فرودگاه، تخریب ۱۰ اسکله، تخریب ۵۱۲ پل ارتباطی و جاده، تخریب ۱۲۵ پایگاه برق رسانی و تولید برق، تخریب ۱۶۴ مخزن آب رسانی، تخریب ۱۶۷ شبکه ارتباطی

۳. بخش مراکز تولیدی: تخریب ۱۲۵ مرغداری، تخریب ۵ سیلوی نگهداری غلات، تخریب ۴۲ ورزشگاه و ساختمان ورزشی، تخریب ۱۹۰ کارگاه صنعتی، تخریب ۱۱۹ مرکز تفریحی، تخریب ۵۹ اثر باستانی، تخریب ۲۳۸ پمپ بنزین، تخریب ۱۷۵ کامیون حمل سوخت، تخریب ۴۰۹ کامیون حمل غذا، تخریب ۳۵۳ بازار و مجتمع تجاری، تخریب ۵۴۶ مخزن نگهداری مواد غذایی و تخریب ۹۷۰ ساختمان دولتی.

۴. تلفات انسانی: کشتن ۴۶۲۸ مرد و ۱۵۱۹ زن و ۱۹۹۶ کودک که در مجموع منجر به شهادت ۸۱۴۳ مسلمان در یمن شد. مجروح ساختن ۱۱۸۲۶ مرد و ۱۵۷۶ زن و ۱۷۸۲ مودک که در مجموع ۱۵۱۸۴ نفر مجروح حاصل جنایت های عربستان در یمن می باشد(۱). نکته قابل توجه اینجاست که بیشترین قربانیان این تجاوز را ساکنان شمال و غرب یمن تشکیل می دهند که جمعیت این مناطق را بیشتر شیعیان یمن تشکیل می دهند. علاوه بر آن داعش و القاعده نیز بعد از تجاوز عربستان به یمن حملات خود را علیه مسلمانان شیعه یمنی شدت دادند که تعداد زیادی از مردم عادی و علمای شیعه یمنی نیز در ترورها و بمب گذاری های این گروه های تروریستی به شهادت رسیدند.

ص: ۶۰۰

اشاره

در چند سال اخیر [سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ ه. ش.]، قتل عام شیعیان سوریه آن قدر گسترده شده است که خود نوشتار دیگری می طلبد. افراطگرایان سلفی و وهابی، از مناطق مختلف توجه خود را به سوریه معطوف کرده اند و مأموریت اصلی خود را پاکسازی منطقه از وجود شیعیان می دانند. مسلمانان شیعه و علویون سوریه، حتی اگر حامی حکومت بشار اسد هم نباشند، باز هم به خاطر مسائل مذهبی شان هم اکنون کشته می شوند. رسانه های خبری عرب زبان الرمادیه، گلف مدیا و ایلاف، از کشته شدن هزاران نفر از شیعیان سوریه در جنگ داخلی این کشور خبر می دهند. سازمان دفاع از حقوق شیعیان نیز بر این باور است که آمار کشته شدگان شیعه سوریه، از زمان آغاز درگیری ها تاکنون، بسیار زیاد است. گفتنی است بسیاری از شیعیان به خاطر محافظت از جان خانواده هایشان، محل سکونت خود را ترک کرده اند. (۱)

امروز سوریه شاهد بی رحمانه ترین اقدامات تروریستی علیه مردم بی گناه است؛ به بیان دیگر سوریه اکنون به بهشت تروریست های بین المللی تبدیل شده است. گروه های مسلح، نظیر النصره و داعش، ریختن خون حتی کسانی که با شیعیان نمی جنگند را واجب می دانند. از طرف دیگر، مدعیان دروغین حقوق بشر نیز در مقابل عملیات های انتحاری، بمب گذاری و انفجار مراکز عمومی سکوت اختیار کرده اند. (۲)

«جلال الصغیر» در واکنش به ترور امام جماعت مقام رقیه علیها السلام در دمشق، در بیانیه ای گفت:

از مدعیان دفاع از حقوق بشر و کسانی که خود را نگران اوضاع سوریه نشان می دهند

ص: ۶۰۱

۱- (۱) نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://shightschwch.org/en>

۲- (۲) نشانی گزارش در فضای مجازی:، کد خبر: ۳۲۸۴۹ تاریخ انتشار: ۱۴:۲۳-۱۲ اسفند ۱۳۹۲ ه. ش.

می خواهیم با توجه کردن به این حادثه، واقعیت خودشان را نشان دهند. ناصبی های وحشی و حامیان آنها، یعنی حکام آل سعود و قطر و کسانی که هیزم به آتش آنها می ریزند، یعنی آمریکایی ها، فرانسوی ها، صهیونیست ها و انگلیسی ها، مسئول هدف قرار دادن شیعیان سوریه هستند. (۱)

الصغیر از افکار عمومی خواست به کمک شیعیان سوریه بشتابند؛ چراکه آنها نیز از شهروندان این کشور به شمار می آیند. (۲)

قتل عام شیعیان سوریه در سه سال اخیر بسیار گسترده شده که در این مجال به برخی از آنها اشاره می شود.

الف) قتل عام مکسر الحصان

عناصر مسلح با یورش به روستای «مکسر الحصان» در ریف حمص، این روستا را تصرف و شماری از اهالی را که علوی بودند، قتل عام کردند.

براساس گزارشات میدانی، عناصر مسلح همچنین دو روستای «المسعودیه» و «جب الجراح» را نیز به تصرف خود در آورده و به شدت با اهالی این دو روستا درگیر شدند. (۳)

ب) قتل عام الفوعه

شهر شیعه نشین «الفوعه» در استان ادلب به خاطر تشیع اهالی، محاصره شد و پنجاه تن از مردم این شهر سر بریده شدند. این شهر تنها ۲۵ هزار نفر جمعیت دارد. (۴)

ص: ۶۰۲

۱- (۱) گزارش پایگاه اطلاع رسانی شبکه العالم، نشانی گزارش در فضای مجازی:

۲- (۲) .http://ir/news.ک

۳- (۳) گزارش خبرنگار خبرگزاری فارس در دمشق، جهان نیوز - قتل عام اهالی روستای علوی نشین سوریه، نشانی گزارش در فضای مجازی: [j news.com/vdcenwaxejhazwi.b9bj.html](http://news.com/vdcenwaxejhazwi.b9bj.html)

۴- (۴) نشانی گزارش در فضای مجازی: www.snews.com/newstext.php?nn=13910312000439

ج) قتل عام عقربا

تروریست ها دویست تن از اهالی این روستا را قتل عام کردند. (۱)

د) قتل عام خان العسل

شیخ عبدالرحمان علی ضلع، رئیس مرکز تحقیقات «وحدت اسلام بلاد شام»، درباره کشتار «خان العسل» سوریه اعلام کرد:

تعداد شهدای کشتار «خان العسل» بیش از ۲۱۰ شهروند است. در حالی که رسانه ها این تعداد را صد نفر اعلام کردند؛ علاوه بر این ۷۵ نفر توسط تروریست ها دستگیر و ۶۵ نفر زیر بمباران این گروه ها هستند و ۷۵ نفر دیگر در «خان العسل» محاصره شده اند. موضوع مهمی که بسیاری از آن اطلاع ندارند و رسانه های جمعی از آن غفلت نموده اند، این است که ۹۵ درصد از اهالی «خان العسل» شیعه اند و تروریست های تکفیری به دلیل [کینه دیرینه] خود به مذهب اهل بیت (علیهم السلام) بسیاری از زن و مرد این منطقه را کشتند و کودکان و سربازان را باهم سر بریدند. آنها همچنین یک حوزه که گنجایش ده هزار نمازگزار را داشت، تخریب کردند.... (۲)

ه) قتل عام معان

تروریست های جبهه النصره با حمله به روستای علوی نشین «معان» در ریف حماه، صدها تن از اهالی این روستا را قتل عام کردند. تروریست ها پس از محاصره و تصرف روستا، به زور وارد خانه های اهالی شده و در کمال خونسردی صدها تن ساکنان آنها را به قتل رساندند. روستای معان دارای اکثریتی علوی بوده و در محاصره روستاهایی قرار دارد که تحت سیطره عناصر جبهه النصره هستند. (۳)

ص: ۶۰۳

۱- (۱) ر. ک: نشانی گزارش در فضای مجازی: www.snews.com/print le.php?nn = ۱۳۹۲۰۳۲۲۰۰۱۵۰۶

۲- (۲) ر. ک: نشانی گزارش در فضای مجازی: kh si.com/ext/۶۰۳۹۲۱۷

۳- (۳) نشانی گزارش در فضای مجازی: www.t nimnews.com/Home/Single/۲۷۹۲۹۵

و) قتل عام حطله

شورشیان مسلح سوریه، با محوریت گروه تروریستی النصره، سه شنبه ۱۳۹۲/۳/۲۱ ه. ش به روستای «حطله» واقع در شرق استان دیرالزور حمله کرده، شصت نفر را قتل عام کردند. گروه های مسلح به شکنجه افراد و مثله کردن کشتگان پرداخته، شماری از زنان را نیز ربودند. پس از این حمله، ساکنان روستا مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند. سازمان دیده بان حقوق شیعیان جهان، این اقدام جنایتکارانه را به شدت محکوم کرد. این سازمان، مسئولیت این جنایت ضد انسانی را متوجه تمام کشورهای حامی مالی افراد مسلح در سوریه، به ویژه دولت قطر، عربستان سعودی، رهبران تکفیری و مفتی سعودی، عبدالعزیز آل شیخ دانست. در بخشی از بیانیه این سازمان آمده است: «منابع موثق تأکید کرده اند که ارتش آزاد مورد حمایت عربستان سعودی و «جبهه النصره» حمایت شده از سوی قطر، این جنایت را مرتکب شدند». دولت سوریه نیز بارها اعلام کرده ناآرامی های کشورش، با برنامه ریزی دولت های منطقه ای و غربی هدایت می شود. در همین زمینه گزارش های زیادی وجود دارد که نشان می دهد، تعداد بی شماری از شورشیان تابعیت خارجی دارند. (۱)

ز) قتل عام حولا

ماجرا زمانی آغاز شد که پس از نماز جمعه، گروهی از مسلحین، به فرماندهی نضال بکور، به پایگاه ارتش در تپه ای مشرف به روستای حولا- حمله کردند که در جریان این حمله، ۲۵ تن از شبه نظامیان این گروه کشته شدند. پس از رسیدن قوای کمکی از سوی ارتش آزاد، رأس ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر، این تپه سقوط کرد و همه سربازان پایگاه به

ص: ۶۰۴

۱- (۱) قتل عام شصت شیعه در شرق سوریه + فیلم مشرق به نقل از تسنیم کد خبر: ۲۲۲۷۹۹ تاریخ انتشار: ۲۲ خرداد ۱۳۹۲ ه. ش - ۹:۳۱. <http://www.mhregnews.ir/news/۲۲۳۲۴۹>

شکل فجیعی قتل عام شدند. پس از اشغال پایگاه بود که جنایت بزرگ رخ داد. همه اعضای طایفه السید و طایفه عبدالرزاق اعدام شدند(۱). سپس اجساد اعدام شدگان را در مسجد روستا گذاشته، تصاویر آن، به دروغ، به عنوان جنایات دولت سوریه از طریق الجزیره به سراسر عالم مخابره شد.

ج) قتل عام البیاضه

جمعی از خانواده های شهدای منطقه شیعه نشین «البیاضه» شهر حمص، طی نشست با هیئت رسانه ای ایران در دمشق، به تشریح جنایات گروهک های تروریستی پرداختند. پدر شهیدان «محمد سامر حمشو» و «عبدو حمشو» درباره شهادت دو فرزند خود گفت: «تروریست ها فرزند بزرگ من محمد سامر را ربودند و مبلغ ۷۵ هزار لیر سوری از ما درخواست فدییه کردند، چون تهیه این مبلغ، با توجه به وضعیت مالی ما، به تاخیر افتاد، آنان دومین فرزندم را که در مغازه کفش فروشی کار می کرد، ربودند و این بار درخواست ۱۵۰ هزار لیر کردند. بنابراین، این مبلغ را با کمک بستگانم تهیه کردم و در اختیار تروریست ها قرار دادم. اما این جنایتکاران به جای تحویل دادن فرزندانم، جسد آنها را که «قطعه قطعه» شده بود، تحویل دادند».

همچنین یک زن جوان که نه تن از اعضای خانواده اش به شهادت رسیده بودند، گفت: «عوامل تروریستی با حمله به منازل مسکونی ما نه تن از اعضای خانواده ام را کشتند و منزل مسکونی ما را با «دینامیت» منفجر کردند».

ص: ۶۰۵

۱- (۱) با روشن شدن اینکه عبدالله مشلب (یکی از نمایندگان مجلس سوریه) میان اعدامیان جنایت حولا وجود دارد، تردیدها در نقش ارتش سوریه در این حادثه بیشتر شد. با مصاحبه یکی از بازماندگان این جنایت با شبکه N، حقایق حوادث جمعه سیاه حولا آشکارتر شد. حقایقی که نشان می دهد قربانیان غیر نظامی، همگی از شیعیان بودند. موثق بودن این حقایق زمانی افزایش یافت که پایگاه خبری syri ruth.org وابسته به هیئت تنسیق معارضه سوریه، صحت اطلاعات ارائه شده را تأیید کرد. این گزارش در رسانه های عرب سانسور شد. نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.rir.com> /news/217707

مادر شهید «محمد العبیر» نیز درباره شهادت فرزندش گفت: «فرزندم اساساً به فعالیت سیاسی مشغول نبود. اما هنگامی که از محل کار خود به منزل باز می گشت توسط سلفی ها ربوده شد و پس از دو روز جسد او را در اطراف منزل پیدا کردیم». این خانواده ها و ده ها خانواده دیگر، قربانی انتقام جویی و طائفه گری شدند. بیشتر این خانواده ها شغل آزاد داشتند و از هیچ گونه فعالیت سیاسی نیز برخوردار نبودند. در منطقه «حی البیاضه» ۳۵۰۰ خانواده شیعی زندگی می کردند که در طول حوادث یازده ماه شهر حمص و به دلیل حملات گروه های تکفیری ناچار شدند از این شهر به سمت دمشق مهاجرت کنند و شرایط زندگی سختی را تحمل کنند.^(۱)

۲. مباشرت تکفیری های خارجی در قتل عام های سوریه

براساس گزارش «واشنگتن پست»، منطقه چچن با چهارده هزار و عربستان با دوازده هزار تن، در صدر کشورهای صادر کننده تروریست به سوریه هستند. حدود سه سال پیش گروه های مسلح «چچنی» به سوریه اعزام شدند و «جبهه النصره» از ورود آنها استقبال کرد.^(۲) بر اساس گزارش «رادیو فرانسه» چهار گروه چچنی در منطقه حلب سوریه علیه دولت «اسد» می جنگند. افراد اولین گروه که از شمال قفقاز به سوریه آمده اند، به عنوان بهترین ستیزه جویان شناخته می شوند. این گروه از سوی نظامیان قطر و عربستان مسلح و حمایت مالی شده اند. «گاردین» در مورد این گروه، می نویسد:

میان تروریست های سوریه، بهترین سلاح های نظامی و جنگ افزار در دست قفقازی ها قرار دارد و آنها از لحاظ جسمانی قوی ترین، بلندترین و باتجربه ترین افراد هستند. گروه

ص: ۶۰۶

۱- (۱) ر. ک: نشانی گزارش در فضای مجازی: http://www.snews.com/print_le.php?nn = ک

۱۳۹۰۱۲۱۶۰۰۰۰۵

۲- (۲) جلادهای چچنی در سوریه / جهاد نکاح چشم آبی های تک تیرانداز در حمص، نشانی گزارش در فضای مجازی: www.yjc.ir ک ۴۷۸۲۷۹۵ mobile/

دوم از چچنی های حاضر در سوریه، «کیستس ها»^(۱) از اهالی گرجستان^(۲) هستند. دو سرکرده آنها با نام های «ابوعمر الچچن» و «سیف الله» از شهر «پانکیس»^(۳) هستند. گروه دوم از جوانان چچنی که پایه پای تروریست ها در سوریه می جنگند، «پرو مسکو چچن»^(۴) نام دارند که تقریباً با ۲۵۰ هزار عضو در روسیه و نقاط دیگر، تحت سرکردگی «رمضان کادیرو» قرار دارند. «ابوحمز» که خود را از سران شهر «پانکیس» می داند مدعی شده که بیشترین تروریست در جنگ سوریه از این گروه اروپایی هستند. افراد گروه سوم از دسته فقیر و کم درآمد جامعه هستند که به خاطر علاقه به خشونت و جنگ افزارها جذب این نیرو شده اند. گروه چهارم جنبش مسلح چچنی است که با عنوان «امارت اسلامی قفقاز» در سال ۲۰۰۷ م ایجاد شد و جنبش های مسلح در شمال قفقاز را دربرگرفت. مؤسسان این جنبش، هدف خود را ایجاد یک کشور واحد در لوای اسلام می دانند. ولی عملاً به سوریه آمده و مشغول قتل و غارت مردم این کشور، خصوصاً مسلمانان شیعه و علوی شده اند. همچنین گفته می شود، نزدیک به چهار هزار چچنی در درگیری ها کشته و نزدیک ۱۵۰۰ نفر مفقود شده اند.^(۵)

«عربی بارایف»، «خطاب»، «رضوان احمدوف»، «ابولید الغامدی»، «ابوعمر سیف»، «ابوحفص اردنی»، «مهند»، «دوکو عمروف»، همگی از سرکرده های معروف گروه های تروریستی چچنی هستند «سامر صالح عبدالله السویلیم» با نام مستعار «خطاب» از شهر «عرعر»، عربستان سعودی است. «ابوحفص اردنی» تحت فرمان «سامر السویلیم»

ص: ۶۰۷

۱- (۱) .Kists

۲- (۲) . Georgi

۳- (۳) .P kis

۴- (۴) .Promoscow Chechen

۵- (۵) به گزارش سایت «چچن سنتر» در سال ۲۰۱۱ میلادی شورای امنیت سازمان ملل تصمیم گرفت تا مجازات هایی را علیه القاعده و گروه های مرتبط با آن اعمال کند و جنبش «امارت قفقاز» نیز در این لیست قرار گرفت. همان.

(خطاب) کار می کرد. برخی از تروریست های سلفی چچنی جنایات فجیعی را در سوریه به بار آوردند؛ از جمله مسلم چچنی، مشهور به ابولید که از اعضای گروهک جبهه النصره است و در سال ۲۰۱۲ م از مرزهای ترکیه وارد سوریه شد. این تروریست چچنی، به عنوان خشن ترین جنگجو میان گروه های شبه نظامی مخالف سوریه، شهرت یافت و تا پیش از کشته شدن، سر ۳۷۸ سوریه ای را از تن جدا کرد. پایگاه های وابسته به تروریست های سوریه اعلام کرده اند که عملیات سربردن طرفداران نظام سوریه، در سراسر مناطق تحت کنترل شورشیان، به مسلم واگذار می شد و گاهی این تروریست چچنی، ده ها کیلومتر سفر می کرد تا سر یک شهروند نگون بخت سوری را از تن جدا کند. (۱)

با شروع سال ۲۰۱۳ م و با افزایش درگیری ها در سوریه، چچنی ها موقعیت را برای عملیات تروریستی و انتحاری مناسب دیدند و اجرای بیش از بیست عملیات را برعهده گرفتند که در این عملیات ها بیش از صدها کشته و زخمی به جا مانده است. (۲) به نقل از شبکه العالم، «زنان جنگجوی چچنی» از کوهستان های روسیه، تحت لوای القاعده به سوریه آمدند تا برای جهاد علیه نظام سوریه به نظامیان کمک کنند. در اواسط سال گذشته، سه زن چچنی در جنگ سوریه دستگیر شدند. دختران بازداشت شده چچنی که ۲۷ تا ۳۴ ساله هستند، اعتراف کرده اند که علاوه بر شرکت در اقدامات نظامی، به عنوان تک تیرانداز، به فتوای جهاد نکاح نیز عمل کرده اند. یک منبع نظامی سوری گفت: «اعترافات دختران چچنی نکات مهمی را درباره سرکرده های گروه های مسلح خارجی که با نام القاعده و گروه موسوم به «مهاجرین و انصار» در سوریه فعالیت می کنند، فاش

ص: ۶۰۸

۱- (۱) مردی که ۳۷۸ سر را از تن جدا کرد - شبکه خبر، نشانی گزارش در فضای مجازی:

www.irinn.ir/news/۳۰۹۶۳

۲- (۲) ر. ک: جلادهای چچنی در سوریه، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://kh m ir/۲۳۴۴۲/۲۳۴۴۲>؛ همچنین

گزارش "بی بی سی"، www.bbc.co.uk...ک.

و مشخص کرده است که شصت درصد اعضای این گروه چینی هستند»^(۱).

سعودی ها به پشتوانه قدرت رسانه ای و لابی با اسرائیل و نفوذی که در مناطق انرژی و بخش های مالی دارند، کمک های مالی و نظامی هنگفتی به جمهوری چین می کند. رئیس سازمان ملی امنیت آمریکا در گزارش خود اعتراف کرد: از هر چهار تروریست موجود در سوریه سه نفر خارجی هستند. همچنین براساس پایش های به عمل آمده، تاکنون حضور اتباع پنجاه کشور و تعداد ۷۶ هزار نفر مسجل شده است. «جیمز کلاپر» در این گزارش با بیان اینکه تروریست های مخالف حکومت بشار اسد دچار تشنگی شده اند، نوشت: ۱۵۰۰ گروهک در سوریه در حال جنگ هستند که ۱۱۵ هزار نفر را سازماندهی کرده اند. همچنین در گزارش کلاپر، به کمک های تسلیحاتی آمریکا به این تروریست ها نیز اشاره شده است و براساس آن، آمریکا فقط در شش ماه، ششصد تن مهمات به گروهک های تروریستی ارسال کرده است.

گفتنی است در جنگ سوریه تا تابستان ۱۳۹۳ ه. ش، ۲/۵ میلیون سوری مجبور به ترک کشور خود شده اند و هفت میلیون دیگر نیز با ترک خانه خود در داخل سوریه، به مناطق امن، پناهنده شده اند. همچنین این جنگ تاکنون بیش از ۱۳۴ هزار تن کشته داشته است.^(۲)

۳. مشارکت سازمان منافقین (مجاهدین خلق) در قتل عام شیعیان سوریه

ایالات متحده به طور رسمی در سال ۲۰۱۲ م گروه منافقین خلق را از لیست گروه های تروریستی خارج کرد و یک هفته بعد هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت آمریکا، نامه ای محرمانه به کنگره در حمایت از این گروه فرستاد. کلینتون از کنگره

ص: ۶۰۹

۱- (۱) جهاد نکاح چشم آبی های تک تیرانداز در حمص، نشانی در فضای مجازی: <http://www.yjc.ir> news/۴۷۸۲۷۹۵

۲- (۲) تلخ ترین تراژدی قرن بیست و یکم، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.bultnews.com> news/۲۰۲۲۰۳

خواسته بود باقی مانده اردوگاه اشرف را به جای امنی در شمال شرقی بغداد منتقل کنند. منابع میدانی در سوریه گزارش می دهند: «صدها تن از افراد گروهک منافقین وارد سوریه شده اند و تعدادی نیز مشغول دادن آموزش به تروریست ها در پایگاه های موجود در ترکیه و منطقه کردستان هستند»

چندی پیش نیز شبکه خبری تاپ نیوز لبنان در گزارشی اعلام کرد که افسران اطلاعاتی آمریکا، ترکیه و فرماندهان نظامی منطقه کردستان عراق بر سر انتقال اعضای گروهک تروریستی منافقین به کردستان و ترکیه، برای مشارکت در ناآرامی های موجود در سوریه، به توافق رسیده اند و قرار است عربستان و قطر نیز پشتیبانی مالی این طرح را به طور مشترک برعهده داشته باشند. سلیمان الفهد، به نقل از سایت خبری تاپ نیوز که توسط ناصر قنديل، نماینده سابق پارلمان لبنان، اداره می شود، نوشته است: «برخی اعضای سازمان مجاهدین خلق در راستای یک طرح آمریکایی، عربی و ترکیه ای، در حال جنگیدن علیه ارتش سوریه در حلب هستند»^(۱). در این گزارش آمده است که این عده با کمک ترکیه از مرز عبور کرده و خود را به حلب رسانده اند. همچنین مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق و رهبر پیشمرگان کرد، در اواسط تیرماه نشستی را با حضور چند افسر آمریکایی و ترکیه ای برگزار کرد و در آنجا مقرر شد که اعضای مجاهدین خلق ایران که در عراق به سر می برند و بغداد خواستار خروج آنها از این کشور است، برای جنگیدن علیه بشار اسد در سوریه تجهیز و آماده شوند. هزینه های انتقال اعضای مجاهدین خلق از خاک عراق به ترکیه، تجهیز و آموزش و انتقال آنها به خاک سوریه برای جنگیدن، ماهانه صد میلیون دلار تخمین زده شده است که این هزینه را عربستان سعودی و قطر متقبل شده اند و پروژه را با هزینه ای معادل ۲۵۰ میلیون دلار آغاز کرده اند.^(۲)

ص: ۶۱۰

۱- (۱) ر. ک: نشانی گزارش در فضای مجازی: www.khonline.ir/det/234622/World/middle-e t

۲- (۲) همان.

۴. آوارگی شیعیان سوری، عرصه دیگری از نسل کشی

سازمان ملل متحد اعلام کرد: «بحران آوارگان در سوریه بدتر از نسل کشی بیست سال پیش در روانداست». «آنتونی گوتیرز»، کمیسر عالی سازمان ملل در امور آوارگان، در سخنانی گفت: «هر روز حدود شش هزار نفر از سوریه فرار می کنند و تاکنون حدود ۱/۸۰۰/۰۰۰ هزار آواره سوری به کشورهای همسایه سوریه پناه برده اند. وی افزود: «از زمان نسل کشی بیست سال پیش در رواندا هجوم آوارگان به این سطح وحشتناک نرسیده است و بحران سوریه بسیار بیشتر از آنچه می ترسیم، به طول انجامیده و پیامدهای انسانی آن قابل تحمل نیست».

همچنین «والری آموس» نماینده سازمان ملل در امور حقوق بشر، اظهار داشت: «بحران سوریه منطقه ای است و فقط به سوریه محدود نمی شود و ما فقط شاهد نابودی کشور نیستیم. بلکه شاهد نابودی ملت آن نیز هستیم». آموس گفت: «آمار آوارگانی که داخل سوریه به کمک نیاز دارند، نشان می دهد که جهان شاهد وقوع فاجعه انسانی است». وی پیشنهاد کرد جامعه بین المللی، عملیاتی از طریق مرزها برای انتقال کمک به داخل سوریه انجام دهد.

«بشار الجعفری»، نماینده سوریه در سازمان ملل متحد، نیز اعلام کرد: «ما به نمایندگی از تمام جهان با تروریسم تکفیری و بنیادگرا مبارزه می کنیم». بشار جعفری هشدار داد: «تروریسم به کشورهایی خواهد رسید که از تروریست ها حمایت می کنند».

همچنین نماینده سازمان جهانی بهداشت در سوریه نیز چند ماه قبل اعلام کرد: «هیچ کدام از کمک هایی که کشورهای عربی برای کمک به آوارگان و مردم سوریه وعده داده بودند، به دست این سازمان نرسیده است. دلیل اصلی آواره شدن شمار قابل توجهی از مردم سوریه اقدامات تروریستی گروه های مسلح است؛ این گروه ها همچنان به صورت مستقیم و گسترده از حمایت مالی، تسلیحاتی، لجستیکی، آموزشی و اطلاعاتی غرب و هم پیمانان منطقه ای آن، به ویژه قطر، عربستان و ترکیه برخوردارند و خصوصاً مناطق علوی نشین و شیعه نشین را مورد حملات خونین خود قرار می دهند».^(۱)

ص: ۶۱۱

۱- (۱) گزارش پایگانی اطلاع رسانی شیعه نیوز، هشدار درباره وضعیت آوارگان سوری، کد خبر: ۵۸۸۴۹، تاریخ انتشار: ۲۶

تیر ۱۳۹۲ ه. ش - ۱۳:۰۸، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shi news.com> ک ۵۸۸۴۹/news

۵. جنایات داعش علیه شیعیان و علویان سوریه

سازمان جهانی دیده بان حقوق شیعیان، با صدور بیانیه ای، از درد و رنج شیعیان سوریه و جنایاتی که با آن روبه رو هستند، پرده برداشته است. جنایات گروهی در حق شیعیان مناطق حطله، خان العسل و فوعه، عملیات کوچاندن اجباری و نیز محاصره کردن شهرهای نبل و الزهراء، از جمله مواردی است که به صورت مستند در اختیار این سازمان حقوقی و بین المللی قرار دارد. این سازمان نام بیشتر شهدای شیعی مذهب بی دفاع را نیز به صورت مستند ثبت کرده و در پی احقاق حق آنان است. (۱)

گفتار نهم: کشتار جمعی شیعیان در لبنان

۱. قتل عام های صهیونیست ها

اشاره

شیعیان لبنان در دوران سلاجقه، ایوبیان، ممالیک و عثمانی ها رنج های بسیاری کشیدند. همچنین از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی، بارها مورد حمله قرار گرفتند و قتل عام شدند که مهم ترین آنها عبارت اند از: (۲)

الف) قتل عام حولا

بامداد ۱۹۴۸/۱۰/۳۱ م نیروهای اسرائیلی، به سرکردگی مناحیم بگین، به حولا حمله کردند. در این حمله نیروهای اسرائیلی مردان شهر را اعدام و منازل مسکونی را منهدم کردند. همچنین ده ها نفر از کشته شده ها را در گورهای دسته جمعی دفن کردند. این فاجعه باعث مهاجرت بیشتر اهالی این منطقه به بیروت شد. در این کشتار، نود لبنانی کشته شدند.

ص: ۶۱۲

۱- (۱) سازمان جهانی دیده بان حقوق شیعیان، با همکاری مؤسسه دینی الزهراء لندن، گزارشی در ۳۶ صفحه، با عنوان «شیعیان در سوریه و بایکوت خبری حوادث خونین در این کشور» تهیه و تنظیم کرده است. در این باره رک: <http://www.shi news.com/news/۹۶۸۱۴> /نسل کشی تدریجی شیعیان سوری در ادلب.

۲- (۲) این موارد از گزارش «۲۷ جنایت مشهور اسرائیل از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۰ میلادی» اقتباس شده است، خبرگزاری قدس، کد مطلب: ۳۰۳۳۴. نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.isl times.org/vdccc۰۱q۱۰۲bqx۱۸۱۲.html>

(ب) کشتار حانین

نیروهای اسرائیلی در ۲۶ نوامبر سال ۱۹۶۷ م، بعد از حدود سه ماه محاصره روستای حانین، اقدام به قتل ساکنان با تبر کردند. همچنین منازل را آتش زده و آنها را با خاک یکسان کردند.

(ج) کشتار یارین

در سال ۱۹۷۴ م، نیروهای اسرائیلی پس از ورود به شهر کوچک یارین، هفده منزل را ویران و نه نفر را به قتل رساندند.

(د) کشتار بنت جبیل

در سال ۱۹۷۶ م، نیروهای اسرائیلی، پنجشنبه بازار شهر کوچک بنت جبیل را بمباران کردند. این بمباران منجر به کشته شدن ۲۳ نفر و زخمی شدن ۳۰ نفر شد.

(ه) کشتار کونین

نیروهای اسرائیلی در سال ۱۹۷۸ م، کونین را مورد هدف قرار دادند که در این حمله، ۲۹ نفر که بیشتر کودکان بودند، کشته شدند.

(و) کشتار عباسیه

در سال ۱۹۷۸ م، نیروی هوایی اسرائیل، مسجدی را در شهر کوچک عباسیه هدف قرار داد. در این بمباران هوایی، ۱۱۲ نفر که بیشتر آنها زن و کودک بودند، کشته شدند.

(ز) کشتار سحمر

نیروهای اسرائیلی، در سال ۱۹۸۴ م، پس از اشغال شهر کوچک سحمر اهالی را در میدان شهر جمع کرده و پس از آن روی آنها آتش گشودند. در این حادثه ۱۳ نفر کشته و ۱۲ نفر زخمی شدند.

در عملیاتی که موساد آن را در سال ۱۹۸۵ م طرح ریزی کرد، بر اثر انفجار ماشینی بمب گذاری شده در محله صنوبره در شهر کوچک بئرالعبد، ۷۵ نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند.^(۱)

ط) کشتار نبعه

قبل از فاجعه، ۱۷۰/۰۰۰ نفر در نبعه زندگی می کردند؛ خانواده های کارگرانی که از مناطق دیگر لبنان، به دنبال کار، به این منطقه هجرت کرده و ۹۵ درصد آنها شیعه بودند. به نوشته شهید چمران نسبت اسکان نبعه، از لحاظ تراکم جمعیت در یک نقطه کوچک، در همه لبنان بی سابقه بلکه در جهان عرب، کم نظیر بود. نبعه با حمله اسرائیلی ها محاصره و با توپ های سنگین ویران شد؛ به طوری که ظرف یک روز، گاهی تا یکصد نفر شهید می شدند. علاوه بر آن، داخل نبعه نیز احزاب چپ و سازمان های افراطی فلسطینی، به مردم فشار می آوردند. آذوقه هم در انحصار مسیحیان بود و کسانی هم که قصد ترک آنجا را داشتند، در کمین راستگرایان مسلح قرار می گرفتند و کشته می شدند. با فشار و تحریکات احزاب چپ فلسطینی، ارمنی های منطقه نیز از بی طرفی خارج شدند و حملات پرقساوتی کردند. هنگامی که ارمنیان، وحشیانه به نبعه حمله کردند، قصد طمع به دختران شیعه را داشتند که وقایع غم انگیزی اتفاق افتاد.^(۲) نهایتاً نبعه سقوط کرد و بقیه مردم که از قتل عام باقی مانده بودند، به جنوب یا بقاع رانده شدند. تعداد کسانی که در فاجعه نبعه قتل عام شدند هنوز مشخص نشده است. اما به روایت شهید چمران، بیش از صدها شیعه مظلوم به دست صهیونیست ها، ارامنه، چپ گرایان و راستگرایان مسلح فلسطین به شهادت رسیدند.^(۳)

ص: ۶۱۴

۱- (۱) از دیر یاسین تا قانا، نشانی گزارش در فضای مجازی، خبرگزاری ابنا: www.nco

۲- (۲) از جمله، دختری خود را از طبقه چهارم پرتاب کرد و دیگری در صندوق خانه اش خود را آتش زد: لبنان به روایت امام موسی صدر و دکتر چمران، علی حجتی کرمانی، صص ۱۰۹-۱۱۶.

۳- (۳) همان.

ی) کشتار اول قانا

این کشتار جمعی در در ۱۸ آوریل ۱۹۹۶ م، در مرکز فرماندهی نیروهای پاسدار صلح (یونیفیل) اتفاق افتاد. این درحالی بود که شهروندان لبنانی، برای فرار از بمباران صهیونیست ها به آنجا پناه آورده بودند. در این زمان، اسرائیل طی عملیاتی به نام «شراره های خشم» به لبنان حمله کرد و ۱۰۶ نفر را کشت و تعداد زیادی را مجروح کرد. مقرر شد قطعه نامه ای از طرف شورای امنیت، در خصوص محکومیت رژیم صهیونیستی، صادر شود. ولی آمریکا با استفاده از وتو مانع صدور آن شد. (۱)

مردم لبنان هر سال هجدهم آوریل را به مناسبت نسل کشی صهیونیست ها در قانا گرامی می دارند. ناگفته نماند که این روز، در سازمان ملل متحد نیز گرامی داشته می شود که نخستین بار از سوی پطرس غالی، دبیر کل اسبق سازمان انجام شد و این سنت هنوز ادامه دارد. قانا امروز به عنوان و سمبل مقاومت و مقابله با متجاوز معروف شده است. عصمت عبدالمجید، دبیر کل وقت اتحادیه عرب نیز در نشستی که بعد از وقوع حادثه نسل کشی قانا رخ داد، گفت: «این اتحادیه تصمیم گرفته است که روز هجدهم آوریل هر سال را «روز عزای عمومی عربی» اعلام کند؛ روزی که نشان دهنده خشم عربی از نسل کشی صهیونیست ها در قانا است». (۲)

ک) کشتار دوم قانا

در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۶ م. در جریان جنگ ۳۳ روزه اسرائیل و لبنان به روستای قانا حمله

ص: ۶۱۵

۱- (۱) مجزره قانا، من ویکیبیدیا، الموسوعه الحره، هذه نسخه متحقق منها إحدائيات: فی ۱۸ ابریل ۱۹۹۶ م؛ إن كنت تبحث عن «هجوم قانا فی ۳۰ یولیو ۲۰۰۶ م»، فانظر مجزره قانا ۲۰۰۶ م.

۲- (۲) منبع: باشگاه خبرنگاران، پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، عملیات «خوشه های خشم» و انسان هایی که در قانا «ذبح» شدند، کد خبر: ۷۰۸۰۸، تاریخ انتشار: ۲۱ فروردین ۱۳۹۳ ه. ش - ۱۵:۵۹، نشانی گزارش با ارجاعات و تصاویر مستند در

فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۷۰۸۰۸>

شد. برخورد دو بمب اسرائیلی به یک ساختمان مسکونی چهارطبقه در مرکز روستای قانا به کشته شدن ۵۴ شهروند غیرنظامی، از جمله بیش از ۳۷ کودک و زخمی شدن بسیاری انجامید. بسیاری از فقیران و کودکان معلول که قادر به فرار از منطقه نبودند، در این ساختمان می خوابیدند. همچنین در ۳۰ ژوئیه، حدود ساعت یک صبح، هواپیماهای جنگی اسرائیلی به روستای قانا حمله کردند و ۴۴ نفر از ۲۰ خانواده پر جمعیت را که در جست و جوی پناهگاه بودند، کشتند. دیده بان حقوق بشر، بعد از بازدید از قانا، گزارش داد که تنها ۲۲ نفر از زیر آوار نجات یافتند. (۱) و (۲) همچنین در همان ایام، هواپیماهای رژیم صهیونیستی به منزل یک روحانی شیعه به نام شیخ عادل محمد عکاش حمله کردند و او و یازده عضو خانواده اش را کشتند. (۳)

۲. قتل عام های تکفیری ها

امروزه جریان های تکفیری موفق به نفوذ در لبنان شده اند و هدف اصلی آنها ضربه زدن به حزب الله در تلافی شکست دادن اسرائیل و حضورش در سوریه برای حفظ جریان مقاومت علیه رژیم صهیونیستی است. آنها می خواهند با این کار هزینه های حضور حزب الله را در سوریه افزایش دهند و فشارها را متحمل مردم لبنان کنند. مجموعه های تکفیری هدف دیگری نیز دارند و آن به چالش کشیدن فعالیت های حزب الله و افزایش هزینه های آن تا آنجا که آن قدر درگیر مسائل جزئی شود که نتواند سیاست های منطقه ای اش را در مقابله با اسرائیل دنبال کند. به گفته این تحلیل گران،

ص: ۶۱۶

۱- (۱) جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه حزب الله از منظر حقوق بین الملل، نادر ساعد، ص ۹۶؛ ر. ک: پیروزی دشوار جنگ ۳۳ روزه اسرائیل - حزب الله، محمد خواجه، مترجم: علی شمس.

۲- (۲) خاخام های صهیونیست هم در جنگ ۳۳ روزه و هم در جنگ موسوم به ۲۲ روزه غزه، حکمی درباره کشتار غیرنظامیان فلسطینی در غزه صادر کرده و مدعی شدند بنا به احکام تورات، کشتار زنان و کودکان در زمان جنگ مباح است.

گزارش پایگاه اینترنتی العربیه: www.iynet.net

۳- (۳) جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه حزب الله از منظر حقوق بین الملل، ص ۷۶.

انفجارهایی که در ضاحیه و مقابل سفارت ایران رخ دادند در همین چارچوب بود.^(۱)

در ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه، دو خودروی بمب گذاری شده با ۷۰ و ۹۰ کیلوگرم مواد منفجره در فاصله کمتر از یک دقیقه در مقابل رایزنی فرهنگی ایران در منطقه بئرحسن ضاحیه جنوبی بیروت منفجر شد که ۶ شهید و حدود ۱۳۰ زخمی داشت. همچنین گروه تروریستی گردان های عبدالله عزام، سه ماه قبل هم در جنایتی دیگر و با دو انفجار مقابل سفارت ایران در بیروت باعث شهادت ۲۵ نفر و مجروح شدن بیش از ۱۵۰ تن شدند. پیش از این نیز جبهه النصره با انفجاری در پمپ بنزین شهر هرمل و نزدیک مدرسه ایتام، باعث زخمی شدن یازده کودک یتیم شد؛ «ایتام» نام این پمپ بنزین بود که در آمدش در این مدرسه هزینه می شد. همچنین افسران اطلاعاتی سعودی و تروریست های تحت فرماندهی بندر بن سلطان، شاهزاده سعودی، موفق شدند در سوریه سامانه های فنی و مخابراتی مستقر کنند تا به وسیله آنها سامانه های مخابراتی حزب الله را مختل کنند. این امر باعث شده بود در نبرد میان حزب الله و تروریست ها، ارتباط بدنه حزب الله با فرماندهانشان قطع شود و این خلل باعث به کشتار جمعی چهل نفر از نیروهای حزب الله شد.^(۲)

گفتار دهم: نسل کشی و کشتار جمعی علویان و شیعیان در ترکیه

۱. قتل عام علویان توسط لائیک ها در ترکیه

اشاره

عثمانی ها سیاست بسیار تبعیض آمیز و خشنی علیه علویان و شیعیان داشتند. حتی در اواخر دوره عثمانی، آنها مجلسی به نام «مبعوثان» داشتند که همه ادیان در آن نماینده داشتند، ولی شیعیان از داشتن نماینده محروم بودند. بنابراین علویان، در آغاز جمهوریت،

ص: ۶۱۷

۱- (۱) تل آویو و سلفی ها در یک صف علیه حزب الله، منبع: النهار/ تحریریه دیپلماسی ایرانی، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.irdiplom y.ir> ک ۱۹۲۶۴۴۱ p e

۲- (۲) منابع خبری مکتوب و مجازی در تاریخ ۱۹/۱۰/۱۳۹۲ ه. ش. از جمله خبرگزاری جمهوری اسلامی، همان.

از اینکه رژیم جمهوری با «اسلام فرقه گرای عثمانی» مخالفت می کرد، خشنود شدند و از کودتای مصطفی کمال پاشا طرفداری کردند. ولی حکومت با این بیم که حرکت های علویان، در نهایت رژیم لائیک را متضرر خواهد ساخت، با آنها همان رفتاری را کرد که با کردها کرده بود؛ به همین دلیل وقایع نویسان دوره انتقالی عثمانی به جمهوری، نوشته اند که جنایت های آتاتورک علیه علویان، اگر بیشتر از جنایات عثمانی ها نباشد، کمتر نیست. اکنون به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) قتل عام درسیم (تونجلی)

(۱)

در قیام «درسیم» علیه سیاست های نظام لائیک، ارتش آتاتورک حدود چهل هزار علوی را به قتل رساند. روایتی میدانی، یکی از حوادث تأثرآور «درسیم» را چنین شرح می دهد: «زنان و کودکان بسیاری از ترس ما (ارتش آتاتورک) به یکی از غارهای بزرگ منطقه کوهستانی پناهنده شده بودند. ما به محل اختفای آنان پی بردیم و در دهانه غار، هیزم زیادی گذاشتیم و آنها را آتش زدیم. پناهندگان بر اثر دود و لهیب آتش، مجبور شدند از غار خارج شوند و ما به دستور فرمانده، همه آنان را هدف آتش سلاح هایمان قرار دادیم.» (۲)

این جنایت به اندازه ای مسلم است که اردوغان، نخست وزیر ترکیه، به عنوان اولین مقام رسمی این کشور، از واقعه تاریخی قتل عام کردهای علوی مذهب ترکیه، در دهه

ص: ۶۱۸

۱- (۱) درسیم نام قدیمی استان «تونجلی (Tunceli)» در ترکیه است. بیشتر جمعیت این استان کردهای علوی هستند و اقلیت ترک سنی نیز در این منطقه زندگی می کند. این استان در سال ۱۹۲۶ م، در تقسیمات کشوری، به «بخش "تنزل یافت و در استان ایلازیغ (El)» ادغام شد. اما نهایتاً در ۴ ژانویه ۱۹۳۶ م، به استان تونجلی تغییر نام پیدا کرد؛ ر. ک: مقاله تحلیلی پینار ترمبلاسی، نشریه المانیتور، مترجمین: حامد ضرغامی و نصرت الله تاجیک، نشانی با ارجاعات در فضای مجازی:

<http://www.khonline.ir/det/385120/weblog/tik>

۲- (۲) گزارش کشتار درسیم، نشانی مقاله با ارجاعات دانشنامه آزاد فارسی ذیل واژه کشتار درسیم.

۱۹۳۰ میلادی، عذرخواهی کرد. رجب طیب اردوغان، اظهار داشت: «اگر ضروری است که از طرف دولت در این باره عذرخواهی شود، من عذرخواهی می کنم».^(۱)

(ب) قتل عام قهرمان مرعش

تروریست‌ها در سال ۱۹۷۸ م، به طرز وحشیانه‌ای در شهر قهرمان مرعش به کشتار صدها شهروند علوی و تجاوز به آنها پرداختند. این قتل عام، از ۱۹ تا ۲۶ دسامبر، به مدت ۷ روز به طول انجامید. البته بیشتر جنایات در روز ۲۳ دسامبر اتفاق افتاد. در این حملات خانه‌های متعلق به علوی‌ها به آتش کشیده شد و بسیاری از دفاتر آنها، از جمله «انجمن آموزگاران ترکیه»، «انجمن مأموران پلیس» و «حزب خلق جمهوری خواه» تخریب شد. براساس آمارهای رسمی ترکیه، در اثر این خشونت‌ها، ۱۵۰ تن کشته شدند و بیش از دویست خانه و صد محل تجاری ویران شد. نکدت سارا ک، روزنامه نگار «یوروت دیلی»، به خبرنگار پرس تی وی گفت:

آنها اکثر ساکنان روستای مرا به قتل رساندند. در سومین روز این قتل عام، من و خانواده ام توانستیم فرار کنیم. آنها زنان و کودکان را کشتند. دولت می گوید ۱۵۰ نفر در این قتل عام کشته شدند، اما در واقع تعداد قربانیان، بسیار بیشتر از این رقم بود.^(۲)

به گفته تحلیل گران، دولت ترکیه در این قتل عام دست داشته و اعضای گروه «دیپ استیت» که از اشخاص تأثیرگذار در نظام سیاسی ترکیه اند، مرتکب این جنایت شده اند.^(۳)

ص: ۶۱۹

۱- (۱) گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا). سرویس: بین الملل - آسیا، خاورمیانه، اردوغان از قتل عام کردهای علوی این کشور عذرخواهی کرد، کد خبر: ۹۰۰۹-۱۹۱۲، پنجشنبه ۳ آذر ۱۳۹۰ ه. ش - ۱۶:۴۹، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://isn.ir> ک ۹۰۰۹-۱۹۱۲.print

۲- (۲) <http://www.presstv.ir/det> ل .html.۲۸۰۶۵۲ ک

۳- (۳) اخبار خبرگزاری‌ها با عنوان: نیروهای امنیتی ترکیه از برگزاری مراسم سالگرد قتل عام علوی‌ها جلوگیری کردند، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shi-news.com> ک ۴۹۸۵/news

ج) حملات خونبار به علویان چوروم، سیواس و استانبول

حادثه شهر چوروم، در سال ۱۹۸۰ م، دست کم ۲۵ کشته از علویان بر جای گذاشت. کشتار سیواس یا حادثه هتل مادیماک نیز در ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۳ م اتفاق افتاد. در این قضیه عده ای در برابر هتلی که نزدیک به پنجاه نفر از روشنفکران علوی در جشن بزرگداشت شاعر بنام علویان، پیر سلطان ابدال، گردهم آمده بودند، تجمع کردند و با تند شدن شعارها و محاصره هتل، سرانجام هتل را به آتش کشیدند و نزدیک به چهل نفر از علویان را در آتش سوزاندند. هرچند پلیس ترکیه، در جریان این حادثه، نزدیک به صد نفر را دستگیر و به اعدام محکوم کرد، اما هیچ گاه به مرحله اجرا در نیامد. سه سال پس از آن، پلیس در ناحیه گزی، بیست علوی دیگر را یک جا به قتل رساندند. همچنین در حادثه محله قاضی استانبول، در سال ۱۹۹۵ م، هجده علوی کشته شدند.^(۱) این در حالی است که دولت ترکیه زخم های کهنه علوی ها را مدام تازه می کند، از جمله، علوی ها برای گذاشتن نام سلطان سلیم یاووز عثمانی، روی سومین پل تنگه بسفر، خشمگین شده و اعتراض کردند. سلطان سلیم که به سلیم مخوف، معروف است و علوی ها او را «وحشی» می خوانند، در قرن شانزدهم میلادی، هزاران علوی و شیعه را در آناتولی قتل عام کرد.^(۲)

۲. فجایع تکفیری ها و افراطی ها علیه شیعیان و علویان ترکیه

در سال ۲۰۱۳ م شهر مرزی علوی نشین ریحانلی، در استان حاتای ترکیه، کشتار بیش از پنجاه نفر و زخمی شدن صد نفر را به دست تروریست ها تجربه کرد. برخی،

ص: ۶۲۰

۱- (۱) تر. کیه و علویان؛ از سرکوب تا رویارویی، گزارش از: مریم مسعود، نشانی در فضای مجازی: <http://esl.com/91072.px> setizi.blo

۲- (۲) گزارش - ایندیندنت، زندگی شیعیان ترکیه در لبه تاریکی، ترجمه سرویس: بین الملل خبرگزاری ایسنا، نشانی در فضای مجازی: <http://isn.ir/print/92072113154>

بمب گذاری های ریحانلی را مرگبارترین حمله تروریستی در تاریخ ترکیه اعلام کردند. داعش مسئولیت انفجار این دو خودروی بمب گذاری شده را برعهده گرفت. تحلیل گران، این رویداد خونبار را با سیاست های نادرست دولت اردوغان در عراق و سوریه مرتبط دانستند. (۱) دیده بان حقوق بشر شیعیان جهان، (۲) با صدور بیانیه ای، هدف قرار دادن منطقه ریحانیه ترکیه را رفتاری پرخطر و پیامی روشن برای برنامه های ویرانگرانه دانست که صلح و همزیستی مسالمت آمیز در تمام کشورهای منطقه را هدف قرار داده است و همین امر می طلبد که این اقدام های تروریستی، بر پایه قوانین انسانی و بین المللی، مهار شود. (۳)

گفتار یازدهم: کشتار جمعی شیعیان در آسیای میانه و قفقاز

۱. فجایع روس ها علیه شیعیان

اشاره

بعد از اشغال قفقاز به دلیل رفتار خشن روس ها، بارها قیام های مردمی شکل گرفت که با بی رحمی تمام سرکوب شد. واقعیت این است که به رغم جدا شدن قفقاز از بیکره ایران، تعلقات فکری، فرهنگی و تاریخی این خطه از ایران تا مدت ها بعد ادامه داشت. روس های تزاری، برای قطع این تعلقات فکری، به اقدامات متعددی دست زدند که از جمله آنها قتل عام و آواره کردن شیعیان قفقاز بود. بر همین اساس، مبارزه شدیدی علیه مظاهر ایرانی، از جمله مکتب تشیع، در قفقاز آغاز شد. برانداختن مدارس علوم دینی و قتل علمای شیعه، سوزاندن کتاب های مذهبی، حذف کردن آموزش زبان فارسی از نظام آموزشی سنتی، تعطیل کردن مدارس ایرانی، برخورد شدید با عزاداری سالار شهیدان و نابود کردن کتب مرثیه و نوحه، بخشی از سیاست های اتحاد جماهیر شوروی سابق بود.

ص: ۶۲۱

۱- (۱) منابع خبری: رهبر بزرگ ترین حزب مخالف ترکیه: اردوغان مقصر اصلی انفجارهای ریحانلی است، نشانی گزارش در

فضای مجازی: <http://www.nir/persi/419225/print.html>

۲- (۲) . shi rights w ch

۳- (۳) . <http://shightschwch.org/en/2012-09-18-17-23-34/423-2013-05-28-15-54-56.html>

الف) قتل عام و تبعید علما و نخبگان شیعه توسط نظام کمونیستی

در سه دهه نخست حکومت کمونیستی، تعداد زیادی از علمای دینی شیعیان قتل عام شدند؛ به خصوص در جریان حرکت سخت گیرانه دولت کمونیستی در سال ۱۹۳۷ م، شمار زیادی از نخبگان شیعه کشته شدند. گفتنی است سال یاد شده، سخت ترین سال برای شیعیان در شوروی شناخته می شود. در آن سال، مأموران نظام کمونیستی، قرآن ها و کتاب های دینی را آتش زدند. مخالفان را در چاه هایی به نام نارگین می انداختند و آنها را با دینامیت منفجر می کردند. همچنین به پای روحانیون و زنه بسته، آنان را به دریا می انداختند.^(۱)

علاوه بر آن، نظام شوروی در تقسیمات کشوری، بخش های عمده ای از مناطق شیعیان را در محدوده جمهوری ارمنستان و جنوب روسیه قرار داد و عملاً بذر اختلافات خونین را بعد از فروپاشی شوروی از همان زمان ایجاد کرد.

ب) کشتار جمعی شیعیان در باکو

با آغاز اصلاحات سیاسی گورباچف (گلاسنوست) شیعیان باکو، همانند دیگر اتباع شوروی، برای طرح خواسته های خود به خیابان ها آمدند. اما صدر هیئت رئیسه شوروی که در خصوص به خیابان آمدن مردم دیگر جمهوری ها، نظیر لیتوانی، با مامشات برخورد می کرد، در خصوص شیعیان، تانک های خود را به باکو فرستاد و در نیمه های شب ۱۹ ژانویه ۱۹۹۰ م، ارتش شوروی با آرایش کاملاً جنگی وارد باکو شد و تعداد زیادی از مردم بی گناه را قتل عام کرد.^(۲) همچنین روس ها، بعد از فروپاشی شوروی، با دامن زدن به اختلافات ارمنستان و جمهوری آذربایجان، دست سیاستمداران ارمنی را در

ص: ۶۲۲

۱- (۱) اطلس شیعه، صص ۶۴۳ و ۶۴۴.

۲- (۲) ژانویه سیاه، نقطه عطف استقلال جمهوری آذربایجان، بهرام امیراحمدیان، نشانی در فضای مجازی: <http://www.khonline.ir/print/195152/weblog/irmi?model=WebUI.Models.DetIs.DetIsPe>

View Model

حمله به شهرهای مرزی جمهوری آذربایجان باز گذاشتند. از طرف دیگر، رسانه های غربی برای ایجاد دشمنی بین شیعیان آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران، با تبلیغات دروغین کوشیدند ایران را حامی ارمنی ها معرفی کنند.^(۱)

۲. فجایع عامه در دهه محرم سال ۱۳۲۸ ه. ق در بخارا

در دهه محرم سال ۱۳۲۸ ه. ق (۲۲ ژانویه ۱۹۱۰ م) نزاعی بین شیعه و سنی در بخارا در گرفت که منجر به قتل عام شیعیان ایرانی شد. صدرالدین عینی، گزارش این رویداد را به تفصیل نقل کرده است^(۲) که خلاصه مطلب را از کتاب او نقل می کنیم:

ماجرای اینجا آغاز شد که ملاقمیر تاتار، از ملایان متعصب بخارا، از داملااکرام، مفتی بزرگ شهر، درخواست فتوایی علیه عزاداری شیعیان کرد. ولی داملا-گفت: «این حرکت شما محض اقتضای تعصب است. اگر غرضتان خالصاً لوجه الله و رفع بدعت باشد، بسیار کارهای حرام و خلاف شرع است که بین جماعت خود ما عادت شده است، باید اول آنها را رفع کنید.... ملاقمیر از داملااکرام کینه به دل گرفت و عام و خاص را ضد تعزیه برشورانید. در دهم ماه محرم ۱۳۲۸ ه. ق، شعله نزاع، به دنبال تمسخر آیین عزاداری توسط یکی از طلبه های حنفی و مجروح شدن او توسط عزاداران، آغاز شد. متعصبین به دروغ در کوچه های شهر فریاد می کردند: «ایرانیان، طلبه علوم را کشتند!» ظرف نیم ساعت همه جای شهر، فتنه و بلوا فراگیر شد. بلواطلبان، با کارد و شمشیر و تبر و تیشه به طرف خیابان روانه شدند. اما ایرانیان شیعه از خود دفاع کردند. لذا اهل بلوا که از خیابان محل سکونت آنها مغلوب شده بودند، هر کس را هر کجا به قیافه ایرانی یافتند، کشتند. همچنین هر کس با هر کس دشمن بود، او را کشت یا کشته شد. در بازار نو به منزل میرزا حسن خان دکتر، هجوم کرده، خودش را کشتند و شکم زنش را که حامله

ص: ۶۲۳

۱- (۱) ر. ک: http://s5.picfile.com/ile/۸۱۲۵۳۳۲۴۴۲/elci_beyk.mp۴.htm

۲- (۲) تاریخ انقلاب فکری در بخارا، صدرالدین عینی، صص ۴۵-۵۳.

بود، پاره کردند. سپس به خانه سید محسن رفتند و در آنجا یک ایرانی نابینا را یافتند و کشتند. اما مردمی که عقل و ادراک داشتند، به ایرانیان پناه دادند و با تغییر لباس از شهر فراری دادند. صحرانشینان نیز به نیت جدال با ایرانیان به شهر آمده بودند، اما کارداران حکومت، از بیم قتل و غارت عمومی، مانع ورود آنها شدند؛ با این وجود، اهالی قشلاق گلایبان و عربان، یگان یگان به شهر می آمدند و با اهل بلوا همراه می شدند. همچنین ارادل و اوباش ولایات اطراف نیز که این گونه روزها را از خدا می خواستند، برای تاراج به شهر آمدند.

برخی اسباب فتنه شیعه و سنی بخارا عبارت بود از:

۱. تعصب بیش از حد علما و طلاب شیعه و سنی مدرسه های بخارا؛

۲. بی خبر بودن عموم از احوال زمان و سیاست و مسائل دینی و اجتماعی. بنابراین القائات عالم نمایان را به نام دین می پذیرفتند.

۳. فجایع ارامنه علیه مسلمانان شیعه در جمهوری آذربایجان

اشاره

به دنبال پیروزی انقلاب روسیه و سقوط حکومت تزاری در سال ۱۹۱۷ م، ملی گرایان افراطی ارمنی (داشناک ها)، در پی ایجاد ارمنستان بزرگ برآمدند. آنان در ژانویه ۱۹۱۸ م به شهر مسلمان نشین ایروان و ۲۱۱ روستای آن یورش بردند و سیصد هزار نفر از مسلمانان این منطقه را کشتند و بقیه را متواری کردند. مهاجمین در مارس همان سال به باکو، شماخی و دیگر شهرهای آذربایجان یورش بردند و هزاران نفر را به قتل رساندند.^(۱)

الف) قتل عام خوجالی ۱۹۱۸ م

ارمنی ها در سال ۱۹۱۸ م به خوجالی قره باغ آذربایجان حمله کردند و بیش از هزار

ص: ۶۲۴

۱- (۱) در این باره ر. ک: قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس، صمد سرداری نیا.

نفر را کشتند. چنین قتل عام‌هایی بارها و بارها، در طی چندین سال، تکرار شد.^(۱) در سال ۱۹۱۸ م در «فاجعه مارس خونین» نیروهای مهاجم ارمنی (حزب داشناک)، روسی و کمونیستی، گاهی مردم را زنده زنده در آتش می‌سوزاندند، سرهایشان را می‌بریدند، پوست بدنشان را می‌کنند، چشمان کودکان را از حدقه بیرون می‌آوردند و شکم زنان حامله را با سرنیزه پاره می‌کردند. قتل عام زنان و کودکان بی‌گناه را باید از اصلی‌ترین دلایل کینه‌توزی‌های دهه‌های بعدی بین دو تیره ارمنی و آذری دانست.^(۲)

(ب) قتل عام خوجالی ۱۹۹۲ م

این کشتار یکی از غم‌انگیزترین رخدادها در تاریخ مناقشه جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره باغ کوهستانی بود.^(۳) دولت‌ها و رسانه‌های غربی از آن با عنوان «کشتار خواجه لی» یا «فاجعه خواجه لی» یاد می‌کنند.^(۴) منابع جمهوری آذربایجان از عنوان نسل‌کشی خواجه لی و فاجعه خواجه لی استفاده می‌کنند.^(۵)

نیروهای ارمنی، با همکاری نیروهای روسی، در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۹۲ م، منطقه خوجالی را محاصره کرده، ۶۱۳ تن را کشتند و ۱۲۷۵ نفر را اسیر کردند. گفتنی است ۱۵۰ نفر نیز مفقودالاثر شدند. سازمان دیده بان حقوق بشر معتقد است که این آمار ممکن است تا هزار کشته نیز باشد.^(۶) برخی منابع از مشارکت و مباشرت سرژ

ص: ۶۲۵

۱- (۱) هزار و نهصد و پانزده (با نگرشی بر ۸ قرن تاریخ پرتنش اسلام و آرامنه و نسل‌کشی مسلمانان)، رضا طالبی.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) گزارش دیده بان حقوق بشر در خصوص هفت سال مناقشه در قره باغ کوهستانی، نشانی در فضای مجازی:

http://en.wikipedia.org/wiki/Khojaly_Massacre

۴- (۴) Letter from the Ch g d i .res i the Perm ent

۵- (۵) St e Commission on prisoners . Khojaly missing persons - host es d genocide.

<http://www.turks.org/tr/a2342.html>. <http://www.hocisoykirmi.com/>

http://www.hocisoykirmi.com

۶- (۶) ر. ک: گزارش بنیاد مطالعات قفقاز، نشانی در فضای مجازی: <http://cc.us.ir/vdcc.0q0a2bqsila82.html>

سرکیسیان، رئیس جمهور کنونی ارمنستان در این قتل عام خبر می دهند؛ بر همین اساس، برخی انجمن های آذربایجانی شکایتی را علیه او به جرم اجرای قتل عام مردم خواجه لی، در سال ۱۹۹۲ م، به دادگاه حقوق بشر اروپا ارسال کردند. (۱) گوکسل گول بی، رئیس انجمن آذری، اعلام کرد: «سرژ سرکیسیان در سال ۱۹۹۲ م، فرماندهی نیروهای ارمنی که مردم خواجه لی جمهوری آذربایجان را قتل عام کردند، برعهده داشته و با سازماندهی نیروهای ارمنی دستور قتل عام صدها تن از مردم آذری ساکن این منطقه را صادر کرده و شخصاً در این قتل عام شرکت داشته است».

وی افزود: «در آن دوران همچنین بیش از ۱/۲۰۰/۰۰۰ تن از مردم آذری، مجبور به مهاجرت از سرزمین های خود شدند و به همین دلیل برای محاکمه سرکیسیان، به دادگاه حقوق بشر اروپا، شکایت کرده اند و خواهان محاکمه وی شده اند. (۲) و (۳)

ایاز مطلب اف، رئیس جمهوری اسبق آذربایجان که به خاطر کشتار خوجالی مجبور به استعفا شد، حزب پان ترکیست جبهه خلق آذربایجان را به دست داشتن در این کشتار متهم کرد. سید حسن عاملی، امام جمعه اردبیل نیز در خطبه های نماز جمعه اردبیل، به تاریخ

ص: ۶۲۶

۱- (۱) منبع: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز: www.shi news.com کک ۳۳۲۲۸/print

۲- (۲) نویسنده و شاعر مشهور ارمنی، «شکایت از سرکیسیان به دادگاه حقوق بشر اروپا»، نشانی در فضای مجازی: [https://www.qirmiz.com/Hum Rights/۱](https://www.qirmiz.com/Hum Rights/)

۳- (۳) زوری بالایان، در کتاب خود می نویسد: «با خاچاتوریان به خانه ای که تصرف کرده بودیم وارد شدم و کودک سیزده ساله ترکی را دیدیم که توسط سربازان ارمنی به پنجره اتاق میخکوب شده بود. خاچاتوریان برای اینکه جلوی گریه و فریادهای کودک را بگیرد، پستان بریده شده مادرش را به زور در دهان وی فرو برد. بعد از آن من پوست سر و سینه و شکم کودک را کنده و تایم گرفتم؛ کودک در عرض هفت دقیقه بر اثر شدت خونریزی جان داد و من با این عمل دچار شادی و شغف زایدالوصفی شدم و تمام روحم سرشار از غرور شد. خاچاتوریان جسد کودک را تکه تکه کرده و مقابل سگ ها انداخت! همان روز این کار را با سه کودک دیگر ترک تکرار کردیم. بدین شکل من به وظیفه خود، به عنوان یک ارمنی، عمل کرده و یقین دارم که تمامی آرامنه به ما و کارهایمان افتخار خواهند کرد: احیای دوباره روحمان، زوری بالایان، صص ۲۶۰-۲۶۲؛ ر. ک: قتل عام در «خواجه لی»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.u.com> کک ۱۸۷۲۶۱/news

هشتم اسفند ۱۳۸۹ ه. ش، گروه ارگنه کن و پان ترک های آذربایجان را به دست داشتن در این کشتار متهم کرد. او این کشتار را برنامه ریزی گروه های غرب گرا و ضد ایرانی جمهوری آذربایجان، برای فروپاشی دولت ایاز مطلب اف و قدرت گرفتن ابوالفضل ایلچی بیگ که گرایشات پان ترکیستی داشت، دانست. وی همچنین اعلام کرد: «آرزوی هر ایرانی، آزادی قره باغ و مساجد این منطقه از اشغال ارامنه و بازگشت هزاران آواره آذری به خانه و کاشانه خود است».

۴. جریانات تکفیری در جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان، پس از ایران، دومین کشور شیعه جهان محسوب می شود. ۹۹/۲ درصد از مردم آذربایجان مسلمان هستند. با وجود اینکه اسلام دین رایج این کشور است، دولت لائیک کنونی، مردم را براساس قومیت تقسیم بندی کرده، عده زیادی را در تظاهرات علیه ممنوعیت حجاب، بازداشت و زندانی کرد. ۸۵ درصد از مسلمان این کشور شیعه و ۱۵ درصد دیگر، از اهل سنت اند؛ غالب شیعیان نیز دوازده امامی هستند. شیعیان در پایتخت، «باکو»، جنوب و مرکز متمرکزند و اهل تسنن، در شمال کشور زندگی می کنند.^(۱) آذربایجان یک حکومت لائیک مذهب ستیز دارد که غالباً از ترس گسترش اسلام گرایی، اجازه فعالیت های اجتماعی را به مسلمانان و شیعیان نمی دهد. با این حال، شرایط منطقه و بحران های ناشی از گسترش تکفیری ها و وهابیت در کشورهای سوریه، عراق و لبنان باعث شده آذربایجان نیز به دلیل داشتن اکثریت شیعه، در معرض خطر هجوم سلفی ها قرار گیرد؛^(۲) به طوری که رفیق علی اف، رئیس مرکز تحقیقات اسلامی جمهوری

ص: ۶۲۷

۱- (۱) گزارش گروه بین الملل مشرق بر اساس آمار مرکز تحقیقاتی «پیو» و برخی مراکز دیگر، نشانی در فضای مجازی: <http://www.mhregnews.ir/news/287069>

۲- (۲) گزارش در مورد اوضاع دینی آذربایجان گروه بین المللی بحران، (سازمان غیردولتی تحقیقاتی متشکل از سیاست مداران برجسته غربی).

آذربایجان، در سال ۲۰۰۵ م، نسبت به افزایش فعالیت گروه های سلفی چچنی هشدار داد. همچنین شیخ الاسلام پاشازاده، رئیس جامعه مسلمانان قفقاز که از سوی برخی عناصر وهابیت تهدید شده بود، گفت: «فعالان مسجد ابوبکر، سلفی هستند».

در سال ۱۹۹۸ م تعدادی از اعضای جماعت اسلامی نزدیک به القاعده، در این کشور دستگیر شده و به قاهره تحویل داده شدند. با دستگیری یکی از اعضای القاعده، به نام «ابوعطیه» در باکو، دولت آذربایجان موفق به ردیابی عده ای دیگر از این عناصر در خاک خود شد. جیش الله نیز یک گروهک افراطی سلفی است که فعالیت خود را از اواخر دهه نود در آذربایجان آغاز کرد. جیش الله به وسیله «مبارز علی اف» که یک افسر جدا شده از وزارت کشور بود، در آذربایجان بنیان نهاده شد. وی با این حرکت قصد داشت سلفی گری را هر چه بیشتر در آذربایجان گسترش دهد. این فرد در سال ۲۰۰۰ م بازداشت و محکوم به حبس ابد شد.

همزمان با بحران سوریه، بسیاری از نیروهای تکفیری آذربایجان عازم سوریه شدند و تعداد زیادی از آنها نیز در درگیری با نیروهای ارتش سوریه به هلاکت رسیدند. با این حال، دولت آذربایجان از هرگونه حضور اتباع کشورش در جنگ سوریه و همکاری آنان با تروریست های تکفیری، ابراز بی اطلاعی می کند؛ بی اطلاعی ای که شاید با تنگ تر شدن عرصه بر تکفیری ها در سوریه و بازگشت تروریست ها به کشورهاشان، برای دولت سکولار آذربایجان بسیار گران تمام شود.

گفتار دوازدهم: کشتار جمعی شیعیان در مصر

اشاره

گزارش مراکز پژوهشی غربی، از جمله آمریکا، از نفوذ پرشمار وهابیت در مصر حکایت می کند. عربستان سعودی از سال ۱۹۸۰ م، سالانه نزدیک به دو میلیارد دلار در اختیار الازهر قرار داده و این کمک های مالی، موجب شده تا وهابیون عربستان، سیاست های تفرقه آمیز و شیعه ستیزانه خود را بر الازهر و مراکز مذهبی مصر تحمیل

کنند (۱) که تاکنون، پیامدهای خونباری برای شیعیان مصر داشته است. اکنون به چند مورد آن اشاره می شود:

۱. فاجعه جیزه

فضای ضد شیعی و مقابله با مکتب اهل بیت علیهم السلام، در طول سه دهه گذشته، به طرز بی سابقه ای در مصر گسترش یافت که یکی از نتایج آن، کشتار دردناک «شیخ حسن شحاته»، (۲) یکی از رهبران جامعه شیعیان مصر و همراهانش بود. درحالی که شیخ حسن شحاته، به همراه اهالی روستای جیزه، برای برگزاری میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می شدند، بیش از سه هزار تروریست تکفیری مسلح، از صبح در روستا حضور یافته و به مراسم شیعیان حمله کردند. این حمله ساعت ها طول کشید. شیعیان بارها با پلیس و نیروهای امنیتی تماس گرفتند. اما آنها تأکید کردند که امنیت روستا در کنترل کامل است. تروریست ها جلوی چشمان مردم روستا، شیخ حسن شحاته را به قتل رساندند، سپس پیکر شهدا را روی زمین کشیده و دو پیکر را به آتش کشیدند. دکتر محمود جابر، استاد دانشگاه و اندیشمند شیعه مصر، چنین می گوید: «بنده این جنایت را کاملاً مشاهده کردم. این جنایت تکفیری ها با همکاری دستگاه های دولتی رخ داد. پلیس نیز نه تنها هیچ عکس العملی نکرد، بلکه تعدادی از خودروها را نیز در اختیار حمله کنندگان قرار داد. متأسفانه الازهر که پیام محکومیت صادر می کند، بیش از یکسال بود که در آتش فتنه می دمید. الازهر که به اعتدال و برادری اسلامی معروف بوده، به عاملی برای فشار علیه

ص: ۶۲۹

۱- (۱) ر. ک: خبرگزاری ایسنا، نشانی مطلب در فضای مجازی: <http://isn.ir> کک print/۹۳۰۲۲۷۱۷۳۹۸

۲- (۲) وی مهم ترین دشمن وهابیت و صهیونیسم به شمار می آمد و در خطبه های نماز جمعه و سخنرانی، غیرممکن بود درباره ماهیت واقعی صهیونیست ها و وهابی ها سخن نگوید؛ به همین دلیل در سال ۱۹۹۶ م، دستگاه های امنیتی مصر، براساس شکایت گروه های وهابی مصری او را دستگیر و به اتهام اعلام ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و ترویج تشیع راهی زندان کردند. در این باره ر. ک: رهبر شیعیان مصر کیست؟ خبرگزاری فارس، ۴ تیر ۱۳۹۲ ه. ش، نشانی گزارش در

فضای مجازی: کک ۱۳۹۲۰۴۰۴۰۰۱۲۶۳ = [snews.com/newstext.php?nn=](http://snews.com/newstext.php?nn=13920404001263)

تشیع مبدل شده است». مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام مسئولیت قتل شیخ شحاته را متوجه حکومت مصر، به ویژه رئیس جمهور وقت، «محمد مرسی» کرد که یک هفته پیش با شرکت در گردهمایی سلفیون تکفیری و نشان ندادن عکس العمل به سخنان آنها در آن جلسه، مبنی بر کافر بودن شیعیان، بر مباح بودن جان و مال و ناموس شیعیان صحنه گذاشت. قتل فجیع حسن شحاته، روشنفکران مصری را بر آن داشت تا در مورد مواضع افراطی احزاب سلفی در خصوص شیعه بیشتر بیندیشند؛ برخی پیش بینی کردند که بعد از شهادت شیخ شحاته، جمع کثیری از مصریان، شیعه شوند. به همین دلیل پس از شهادت حسن شحاته، مصر شاهد استقبال شدید مردم در خرید کتاب های شیعی در این کشور بود. (۱)

۲. حملات تکفیری علیه شیعیان مصر

یکی از روحانیون برجسته شیعه مصر در پیامی به وزیر کشور نوشت: «اخیراً چند گروه سلفی، شهروندان، به ویژه نود نفر از پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام را در لیست ترور خود قرار داده اند». محمود جابر تأکید کرد: «اینها همان افرادی هستند که محمدحسن شحاته را به طرز فجیعی در یکی از روستاهای استان جیزه به شهادت

ص: ۶۳۰

۱- (۱) از جمله «محمد سید صبحی» مدیر کتابفروشی «مصر الجدیده» اعلام کرد: پس از جنایتی که گروه های تکفیری وهابی در حق شحاته مرتکب شدند، قشر تحصیل کرده و اساتید و دانشجویان الازهر و دیگران اقدام به خرید کتاب های شیعه کرده اند تا درباره مذهب حقه تشیع بیشتر بدانند. پیش بینی می کنم که پس از رخ دادن این جنایت در حق شیعه، این مذهب روزبه روز در مصر گسترش یابد. «سید مختار شربینی» مدیر کتابفروشی «المعادی الجدیده» می گوید: تاکنون این چنین ازدحامی را برای خرید کتابی با موضوع خاص ندیده بودم؛ همه مردم از زن و مرد برای خرید کتب شیعی هجوم آورده اند». مصطفی ثروت، مدیر کتابفروشی «السیده» در منطقه زینیه نیز عنوان کرد: «دانشجویان و اساتید الازهر، به همراه روزنامه نگاران و روشنفکران برای خرید کتاب های شیعی به کتابفروشی مراجعه نمودند؛ به نحوی که در مدت کمی تمام آنها فروخته شد»؛ ر. ک: گزارش «شیعه نیوز»، کد خبر ۵۷۹۴۰ تاریخ انتشار: ۱۰ تیر ۱۳۹۲ ه. ش، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی:

<http://www.shi news.com/news/57940> ك

رساندند»^(۱) گروهی از وهابیون، به مجلس جشن و ذکر مولودی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام حمله ور شدند و متأسفانه یک نوجوان ده ساله را به شهادت رساندند و هفده نفر دیگر را مجروح کردند. شیخ الازهر از بالا-گرفتن موج تکفیری ها در مصر و کشورهای عربی ابراز نگرانی کرد و گفت: «این طرز فکر گمراه کننده برای جوانان خطرناک است؛ زیرا آنها را گمراه می کند تا به اسم اسلام دست به قتل و کشتار و خشونت بزنند. تکفیری های جهان معاصر ما از خوارجی که از دایره ایمان خارج شده بودند و کفر وزیده و خون مسلمانان را مباح دانسته بودند، خطرناک ترند»^(۲).

همچنین اخیراً ائتلاف سلفی - تکفیری موسوم به «صحابه و آل بیت» به یک هجوم منظم علیه رهبران شیعه مصر دست زده است. این ائتلاف، برخی علمای شیعه مصر را به قتل تهدید کرده است؛ از جمله اعلام کرده اگر «طاهر الهاشمی» از رهبران شیعه، از ترویج تشیع در مصر دست بردارد، به سرنوشتی شبیه به «حسن شحاته» دچار خواهد شد!^(۳)

گفتار سیزدهم: کشتار جمعی شیعیان در نیجریه

۱. فجایع گروه تروریستی بوکوحرام علیه مسلمانان شیعه نیجریه

گروه تروریستی بوکوحرام، وابسته به وهابیت، تاکنون عملیات تروریستی زیادی را در نیجریه، به خصوص علیه نخبگان شیعه انجام داده است، از جمله در ۲۲ اردیبهشت

ص: ۶۳۱

۱- (۱) منابع خبری مکتوب و مجازی در تاریخ ۱۶/۸/۱۳۹۲ ه. ش. عنوان گزارش: ۹۰ شیعه در لیست ترور سلفیون/ تهدید جدید تکفیری ها علیه شیعیان، نشانی در فضای مجازی: <http://www.nirpersi/service/import/tchive/2013/10/25/475279/story.html>

۲- (۲) گزارش خبرگزاری ها با عنوان: شیخ الازهر: تکفیری ها برای اسلام از دشمنانش خطرناک ترند، نشانی در فضای مجازی: <http://www.khnews.com/newstext.php?nn=13930206001441sthgh.gPXRhGer.dp>

۳- (۳) ر. ک: گزارش پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، عنوان گزارش: تهدید به قتل علمای شیعه مصری توسط سلفی های تکفیری این کشور، کد خبر: ۷۶۷۷۶، تاریخ انتشار: ۲۹ مرداد ۱۳۹۳ ه. ش - ۲۳:۵۰، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shinews.com/news/76776>

۱۳۹۰ ه. ش به منزل حاج محمدعلی، روحانی شیعی، یورش بردند و پس از درگیری با وی، با شلیک چند گلوله این روحانی شیعی را به شهادت رساندند. شیخ ابراهیم زکراکی، رهبر شیعیان نیجریه نیز از طرح انفجار بمب در محل اقامت خود پرده برداشت. وی اعلام کرد که برخلاف حملات قبلی که گروهی را علیه تجمعات ما تحریک کردند، این بار قصد داشتند خودشان رأساً وارد حمله شوند. زکراکی طرح ترور خود را این گونه تشریح می کند: «منابع موثق از ابوجا گزارش دادند که در عملیات ترور قرار است خانه من به همراه تمامی افرادی که در آن هستند، منفجر شود. همچنین قرار بود تمامی اقدامات برای حذف کامل اعضای جنبش اسلامی، پیش از روز جمعه، ۱۱ سپتامبر، انجام شود». شیخ، خطاب به تروریست ها گفت: «کشتن مردم در طول تاریخ اتفاق افتاده و بسیاری از بندگان خدا به شهادت رسیده اند. بنده هیچ گاه در مقابل دستگیری مقاومت نکرده ام. حتی چندین بار خود را به پلیس معرفی کرده ام و گفته ام که بهتر است مرا دستگیر کنید یا به دادگاه برده و اعدام کنید. ولی با بمب گذاری در خانه ام مرا ترور نکنید که افراد بی گناه بسیاری، از جمله خانواده ام، مادر ۸۸ ساله ام و همسایگانم در آن کشته خواهند شد».^(۱)

۲. حملات خونین به شیعیان نیجریه در راهپیمایی روز جهانی قدس

فجیع ترین کشتار جمعی شیعیان نیجریه، در روز قدس سال ۱۴۳۵ ه. ق (۱۳۹۳/۵/۳ ه. ش) اتفاق افتاد. درحالی که تظاهرات آن روز، مانند تمام فعالیت های دیگر شیعیان، مسالمت آمیز بود، نیروهای نظامی و پلیس نیجریه، از پشت به مردم تیراندازی کردند و حتی کسانی که فرار می کردند را تعقیب کرده، به سمت آنها شلیک می کردند

ص: ۶۳۲

۱- (۱) طرح ترور رهبر شیعیان نیجریه افشاء شد، گزارش «شیعه نیوز» به نقل از ابنا، کد خبر: ۱۴۴۹۲، تاریخ: ۲۳ شهریور ۱۳۸۸ ه. ش، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.shi news.com> کد: ۱۴۴۹۲/print.

که منجر به شهادت ۳۳ نفر از شیعیان روزه دار و زخمی شدن ده ها تن دیگر شد.^(۱) شیخ ابراهیم زکراکی که سه فرزندش را در حمله ناجوانمردانه نظامیان از دست داد، در خطبه های نماز عید فطر گفت:

کسانی که این جنایت را انجام داده اند، می خواهند ما باور کنیم که این کشتار یک درگیری فرقه ای بوده و به دست گروهی مذهبی رخ داده است؛ اما چنین چیزی واقعیت ندارد. ما به شخصه دیدیم کسانی که در روز روشن به مردم حمله کردند، یونیفورم های نظامی به تن داشتند و روی وسایل نقلیه کاملاً مسلح آنها، نوشته های نظامی وجود داشت. از همین جا در می یابیم که کشتار مردم بی گناه در «برنین گواری» یا «زمفارا» و نیز در دیگر نقاط، به دست چه کسانی صورت گرفته است. این باور کردنی نیست که حکومت منتخب مردم، مسئول کشتارهای گاه و بی گاه بوده باشد. ما نباید فریب بخوریم. این «بوکوحرام» نیست که مردم را می کشد، بلکه آنهایی که در مسند قدرت اند، بانیان اصلی این فجایع هستند.^(۲)

۳. قتل عام فجیع زاریا

بامداد روز یکشنبه ۹۴/۹/۲۲ ه. ش اعلام شد که نظامیان ارتش نیجریه در تلاش برای بازداشت شیخ «ابراهیم الزکراکی» رهبر شیعیان این کشور به خانه وی در منطقه «گیلسو» (گیالسو) در شهر «زاریا» یورش بردند و منزل ایشان را با سلاح هایی نظیر خمپاره مورد هدف قرار دادند این حملات پس از آن صورت گرفت که نظامیان نیجریه ای به یک مراسم ختم در حسینیه «بقیه الله» زاریا حمله کردند. این مراسم برای حدود ۳۰ شهیدی

ص: ۶۳۳

-
- ۱- (۱) تشیع شهدای روز قدس نیجریه، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.mhrehghnews.ir>
- ۲- (۲) روزنامه کیهان، شماره ۲۰۸۳۴ به تاریخ ۹۳/۵/۱۱، ص ۱۰.

بود که روز جمعه در جریان حمله افراد ناشناس کشته شدند. هرچند حمله علیه مسلمانان شیعه در روز جمعه به گروه تروریستی بوکوحرام نسبت داده شده، اما شایعاتی مبنی بر دست داشتن عواملی از ارتش در آن نیز وجود داشت. رهبر شیعیان نیجریه روز یکشنبه در مصاحبه با رادیو هوسا از جزئیات حمله به شیعیان این کشور و حمله نیروهای دولتی به حسینیه بقیه الله در منطقه زاریا در شمال نیجریه پرده برداشت. وی اعلام کرد: «این بار نیز همچون گذشته نیروهای نظامی نیجریه و رسانه های وابسته به آنها به دروغ متوسل شدند و ما را به توطئه برای کشتن فرمانده ستاد مشترک نیروهای مسلح متهم کردند، اما اگر واقعا این گونه بوده چرا او اکنون زنده است و کسی به او حمله نکرده است؟ فرمانده نیروهای ستاد مشترک هر سال از این راه به شهر زاریا می رود که نزدیک حسینیه بقیه الله است که ما مراسم خود را در آنجا انجام می دهیم و تا کنون هیچ اتفاقی برای وی رخ نداده، اما امسال مشغول برداشتن پرچم های سیاه و نصب پرچم های سبزرنگ و گفتن شعار لبیک یا رسول الله بودیم که ناگهان از همه طرف به ما حمله شد. لذا این سخن فقط یک تهمت و توطئه و تبانی از سوی رسانه ها است. این ارتش بود که می خواست به هر دلیلی که شده به ما حمله و شلیک کند و هیچ تحریکی از جانب ما صورت نگرفته بود. سؤال من این است که چه کسی بود که این مشکل را به وجود آورد؟ چه کسی قصد کشتن و کشتار داشت؟ این یک توطئه علیه ما بود که برای همه کاملاً روشن است.» بنا بر نقل شاهدان عینی و گزارش رسانه های محلی و بین المللی نظامیان به مکان مذهبی شیعیان «حسینیه بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف» اهانت کردند و پس از از منفجر کردن دو درب حسینیه شمار زیادی از مردم را در آنجا شهید کرده و حسینیه را به آتش کشیدند و تعداد زیادی را بازداشت و به مکانی دیگر منتقل کردند و سپس آنها را تیرباران نمودند. و به مردم عادی در خیابان ها حمله کرده و اجازه جمع آوری اجساد را ندادند. در این حمله شیخ ابراهیم زکراکی رهبر حرکت اسلامی این کشور به دست نظامیان مجروح شده و به مکان

نامعلومی انتقال داده شد همچنین رسانه ها از شهادت پانصد تا دو هزار نفر از شیعیان مظلوم این کشور از جمله فرزندان شیخ زکراکی خبر دادند علاوه بر سه فرزند پسر ایشان به نام های «حماد»، «علی حیدر» و «حمید» یکی از خواهران شیخ زکراکی به نام خانم «فاطمه زکراکی» نیز در کنار بسیاری دیگر از مردم به شهادت رسیدند هر سه فرزند پسر شیخ در وضعیتی بسیار دلخراش و اسفناک در مقابل چشمان پدر و مادرشان خانم «زینت زکراکی» و خواهرشان «سهیله زکراکی» به فیض شهادت نائل شده اند.

«احمد»، «حامد» و «محمود» سه پسر دیگر شیخ بودند که سال گذشته در جریان راهپیمایی روز قدس به شهادت رسیدند برخی اخبار میدانی از شهر زاریا حکایت از این داشت که ارتش نیجریه حدود ۲۰۰۰ نفر از مسلمانان شیعه را از روز شنبه تا دوشنبه کشته و بسیاری را در گورهای دسته جمعی دفن کرده اند آن ها حمله خود را تا جایی پیش بردند که هر کسی را که می دیدند می کشتند. حسینه را تماما نابود کردند. حملات آن ها به منظور دستگیری نبود بلکه قصد کشتار و پاک سازی داشتند. حتی حمله بی رحمانه و شلیک بی هدف گلوله ها در منزل شیخ زکراکی نیز به امید کشتن او در زمان حمله بود. آن ها چهار گلوله در بدن رهبر شیعیان به جای گذاشته، خانه او را به آتش کشیده و هر کسی را که آنجا بود، با سنگدلی به گلوله بستند و از نارنجک و بولدوزر برای تخریب خانه های شیعیان استفاده کردند اند همچنین تعداد قابل توجهی از نخبگان حرکت اسلامی نیجریه نظیر شیخ «محمد توری» رهبر مرکز کانو، «ابراهیم عثمان» سخنگوی این جنبش و «جمعه گلیما» عضو برجسته جنبش مزبور به دست نظامیان به شهادت رسیدند. این کشتار جمعی در سه نقطه متفاوت که شامل محل اقامت رهبر این جنبش در گیالسو (گیلسو)، حسینه بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف در GR و دارالرحمن در جاده زاریه به جوس» قرار داشت صورت گرفته و بسیاری نیز دستگیر و زندانی شدند(۱).

ص: ۶۳۵

۱. نفوذ تفکر سلفی تکفیری به اندونزی، آغازی بر گستر جمع‌ی شیعه

اشاره

حضور شیعیان در شرق آسیا ریشه و قدمتی دیرینه دارد و هم‌اکنون اقلیت شیعه، در مالزی، اندونزی و تایلند حضور دارند. این جمعیت که پیش از این و در قرون قبل افزون تر بود و به ایجاد دولت مستقل در اندونزی نیز رسیده بود، به مرور زمان و با قطع شدن ارتباط با مرکزیت شیعیان و جهان اسلام، رو به کاهش گذارد. گفتنی است، پیش تر، حمله به شیعیان اندونزی سابقه نداشته و با دخالت مستقیم سفارت عربستان و کمک مالی شیخ های خلیج فارس در حال انجام است؛ از جمله مرکزی موسوم به «مؤسسه شیخ عید بن محمد آل ثانی»، از حدود دو سال قبل، اقدام به نشر تفکر وهابی و سلفی تکفیری در اندونزی کرده و ده ها میلیون دلار برای ترویج این تفکر هزینه کرده اند. به نوشته آسیا تایمز، اقلیت شیعه در اندونزی، در سال های ۲۰۱۲-۲۰۱۴ م آماج حملات سنگینی قرار گرفت و مدارس و روستاهایشان ویران شد و بسیاری هم به قتل رسیدند.^(۱)

الف) حملات خونبار تکفیری ها به شیعیان جزیره مادورا

وضعیت شیعیان جزیره مادورا به گونه ای است که در حال حاضر حتی از فاش کردن مذهب خود ابا دارند و بسیاری نیز این منطقه را ترک کرده اند. در ۲۶ اوت ۲۰۱۲ م حدود سی شیعه، هنگام عزیمت از روستای نانگ کرانگ، با یورش افراد مسلح به شمشیر و قمه، روبه رو شدند که در این حمله دو تن کشته شدند. مهاجمان تعدادی از

ص: ۶۳۶

۱- (۱) نائله زکیه، از اساتید دبیرستان دخترانه در شهر «بانگیل»، واقع در شرق جاوه، با اظهار نگرانی در زمینه امنیت دانش آموزان خود، می گوید: «مسجد وابسته به وهابیون در نزدیکی محل کارم، دو بار در هفته برنامه ای برای منحرف جلوه دادن آموزه های شیعی و اعلام مباح بودن ریختن خون شیعیان برگزار می کند و این برنامه ها را به طور مستقیم از بلندگوهای خود پخش می کند»؛ ر. ک: نقش رژیم سعودی در قتل عام شیعیان اندونزی، کد خبر: ۴۸۶۸۷، تاریخ انتشار: ۲۲ آذر ۱۳۹۱ ه. ش، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/48687>

کودکان شیعه را از والدین آنها جدا کردند و ربودند. سخنان «سوریادارما علی»، وزیر امور دینی اندونزی، جای هیچ تردیدی در زمینه هواداری اش از مهاجمان باقی نگذاشته است. وی گفت: «بهترین راه برای جلوگیری از خشونت ورزی، تغییر مذهب شیعیان است». شرایط به قدری سخت شد که «سازمان عفو بین الملل» نیز با تأیید این اقدامات، رسماً اعلام کرد: «نیروهای امنیتی اندونزی، غذا و آب شرب را به روی شیعیان آواره در شرق جاوه بستند». همچنین اشرار وابسته به وهابیون، از محرم سال ۲۰۱۱ م، به دلیل برگزاری مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام بارها به شیعیان حمله کرده و با فشار افزون تر و کمک نیروهای دولتی اندونزی، آنان را برای تغییر عقیده خود تحت فشار قرار داده اند. در آگوست ۲۰۱۲ م نیز حدود پانصد نفر از اشرار، با سنگ و سلاح سرد، به روستای شیعه نشین «کارانج گایام»^(۱) در منطقه «سامپانگ» در جزیره مادورا، حمله کردند. در این حملات یک نفر از شیعیان کشته و ده ها نفر دیگر زخمی شدند. همچنین اوباش، ۳۵ خانه متعلق به شیعیان را به آتش کشیدند. در پی این حملات، شیعیان این منطقه، به طور موقت در یک مجموعه ورزشی، با حداقل امکانات، اسکان داده شدند. از ۱۸ نوامبر (۲۸ آبان ۱۳۹۱ ه. ش) رساندن آب و از ۲۲ نوامبر (۲ آذر ۱۳۹۱ ه. ش) دادن غذا به شیعیان آواره را متوقف کردند. لذا آنها مجبور شدند تا تمام سرمایه ناچیز خود را برای سیر کردن شکمشان بفروشند. عفو بین الملل در یک بیانیه تصریح کرده است:

سازمان عفو بین الملل، به طور ویژه، نگران این مسئله است که نیروهای حکومتی اندونزی، از جمله پلیس، قادر به تأمین امنیت و محافظت از این اقلیت ها نیستند و بلکه در بعضی از موارد، خود نیز در این اقدامات ضد بشری حضور دارند؛ از جمله این اقدامات، مجبور کردن این افراد برای دست کشیدن از دین و مذهبشان است.

ص: ۶۳۷

در روستاهای «نانگرنانگ» و «کارانج گایام»، در دو منطقه «اومبن» و «سامپانگ» شهروندان شیعه اندونزی بعد از به آتش کشیده شدن خانه هایشان، در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۱ م (۸ دی ۱۳۹۰ ه. ش)، مجبور به ترک منازل خود شدند. یکی از فراریان به خبرنگاران گفت: «گروه های افراطی به ما گفتند تا زمانی که از مذهب شیعه اعلام برائت نکنید، جایی در روستاهای خود ندارید».^(۱)

سرپرست حوزه آسیا در دیده بان حقوق بشر اعلام کرد: «وقتی مقامات محلی، خود عامل افزایش تندروی های مذهبی باشند، در واقع به اکثریت مذهبی این پیام را می دهند که آنها می توانند هرکاری دلشان می خواهد انجام دهند و از مجازات مصون می مانند».

متأسفانه یک کمپین غیرانسانی با حمایت دولت محلی، پلیس، شورای علمای سلفی اندونزی و همچنین آژانس سیاسی دولت ملی اندونزی، به تازگی علیه شیعیان اندونزی آغاز به کار شده است. یکی از جوانان شیعه اندونزیایی می گوید که دولت منطقه سامپانگ، واقع در جزیره مادورا و جمعی از سلفیان، برنامه ای ترتیب داده اند که شیعیان را از دین خود برگردانند، در غیر این صورت خانه هایشان را آتش می زنند.

همچنین گزارش ها نشان از گسترش شیعه کشی در جاوه شرقی اندونزی می دهد. مهاجمان وهابی با حمله مجدد به شیعیان منطقه سامپانگ، دو شهروند شیعه اندونزیایی به نام های «حمامه» و «طاهر» را به شهادت رساندند. در آن حمله، هفت نفر دیگر نیز به دست گروه های مهاجم مجروح شدند و حداقل ده خانه از منازل شیعیان نیز به آتش کشیده شد. هدف از آن حمله، متوقف کردن حضور دانش آموزان شیعه در مدرسه برای تحصیل در «بانجیل» در شرق جاوه بود. گروهی از آوارگان شیعه ای که در اردوگاه

ص: ۶۳۸

«سامپانگ» اسکان داده شده بودند، فرستاده ای را به پارلمان اندونزی اعزام کردند و خواستار بازگشت به زادگاهشان شدند. اما وی با موجی از اهانت و ناسزا از سوی نمایندگان پارلمان روبه رو شد! این در حالی است که در اندونزی بیش از یک میلیون شیعه زندگی می کنند که همچنان در شرایطی دشوار به سر می برند.

آیت الله سبحانی، با اشاره به فتوای جهاد با شیعیان از سوی برخی مفتیان اندونزیایی فرمود:

این فتاوا در شرایطی صادر می شود که در قرن بیست و یکم همه از حقوق بشر صحبت می کنند؛ مطرح کردن این طور مسائل عجیب است... در همین کشور اندونزی سال هاست که مسیحیان به شدت تبلیغ دین خود را می کنند. اما این موضوع حساسیت مفتیان را جلب نکرده و در عوض، جواز قتل شیعیان را صادر می کنند.

جالب اینجا بود که در پی حوادث خشونت بار علیه شیعیان اندونزی، سفیر این کشور در تهران گفت: «دولت اندونزی متعهد می شود که از شیعیان حفاظت و مراقبت کند». دیان ویرنگجرت اشاره کرد که جا کار تا هیچ مشکلی با شیعیان اندونزی ندارد و به آنها به عنوان بخشی از ملت اندونزی احترام می گذارد. (۱)

۲. اقدامات خشونت بار علیه شیعیان مالزی

اشاره

مرکز تحقیقات پیو، جمعیت شیعیان مالزی را حدود ۲ درصد تخمین زده و آمارهایی بین دویست هزار تا یک میلیون نفر نیز داده شده است. عبدالرحیم محمد رضی، وزیر خانواده مالزی، جمعیت شیعیان این کشور را ۲۵۰/۰۰۰ نفر ارزیابی کرده و گفته است که ایشان دارای ده گروه فعال در این کشور هستند. در چند دهه اخیر فعالیت های ضد شیعی در مالزی تشدید شده است. سازمان دیده بان حقوق بشر، وضعیت عملکرد دولت مالزی را در برابر اقلیت شیعه، شوک آور خواند. گفته می شود که شیعیان مالزی، به دلیل کمی جمعیت، اغلب تقیه کرده و براساس مذهب شافعی

ص: ۶۳۹

عمل می کنند. عملکرد تکفیری ها در ایجاد این تنش، مؤثر ارزیابی شده است. برخی رسانه ها نیز از تأسیس پلیس ضد شیعه در آن کشور خبر دادند. فیصل موسی، استاد جامعه شناسی دانشگاه ملی مالزی می گوید:

وهابی ها که خود اختلاف عمیق اعتقادی با اهل سنت دارند، می کوشند شیعه را فرقه ای وارد شده به مالزی، پس از ۱۹۷۹ م (انقلاب اسلامی ایران)، معرفی و آنان را کافر و مرتد خطاب کنند. حال آن که تاریخچه حضور شیعیان در مالزی، به دیرینگی ورود اسلام سنی به این سرزمین در قرن ۱۴ میلادی است. برخی شیعیان قادر به شناسایی اصل و نسب خود تا سال ۱۸۰۰ م هستند. (۱)

روند شیعه ستیزی در مالزی به اندازه ای است که برخی، نظیر محمد عصری زین العابدین، از علمای برجسته این کشور، مالزی را در مسیر طالبانیسم ارزیابی کرده است. دامنه شیعه ستیزی از مالزی به اندونزی و تایلند هم کشیده شده است. سازمان دیده بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۴ م، وضعیت حقوق بشر شیعیان مالزی را شوکه کننده نامید. در گزارش صد صفحه ای این سازمان که عنوان «بدون پاسخ، بدون عذرخواهی» را دارد، به بازداشت کودکان شیعه به جرم شرکت در مراسم مذهبی شیعیان (همراه والدین)، اشاره شده است. تیراندازی ناموجه، مرگ در زندان و بدرفتاری از جمله مواردی است که این سازمان به آن اشاره کرده است.

پلیس مالزی در جریان سرکوب جشن، به مناسبت تولد حضرت زینب، ۱۱۴ تن را دستگیر کرد. همچنین در آذر ۱۳۹۲ ه. ش به حسینیه شیعیان، در حوزه علمیه امام رضا علیه السلام، حمله کرد و تعدادی از شیعیان را به زندان افکند. با انتشار تصاویر این اقدام، منتقدان ابراز داشتند که دولت، بر مسائل فرقه ای متمرکز شده است. برخی مراکز حقوقی مستقل مالزی، (۲) اعلام کردند که دولت ما نباید مانع از انتشار آثار شیعی شود؛ چون

ص: ۶۴۰

۱- (۱) . msn news

۲- (۲) . ound ion Y M si independent

همانند سایر اعضای سازمان کنفرانس اسلامی، بیانیه عمان که هشت مذهب اسلام را به رسمیت شناخته، امضا کرده است. (۱)

تسلط تکفیری ها بر سازمان امور اسلامی مذهبی (جایپ)

سازمانی در مالزی به نام سازمان امور اسلامی مذهبی (جایپ) وجود دارد که متأسفانه به تدریج در اختیار متعصبان تکفیری قرار گرفته و هدفی جز حمله به شیعیان ندارد. این سازمان به مراکز و مراسمات شیعی، حمله و به دستگیری و شکنجه آنان اقدام می کند و به نوعی اقدامات تکفیری ها را به صورت رسمی و با حمایت دولتی اجرا می کند. (۲) سازمان جهانی دیده بان حقوق شیعیان، استمرار رژیم مالزی را در هدف قرار دادن شیعیان محکوم کرد و این رفتار را تلاشی در هراساندن اقلیت شیعی این کشور دانست. در این بیانیه آمده است:

رژیم مالزی، به طور بی سابقه ای، حملات سازمان یافته ای را علیه شهروندان شیعی مالزی به راه انداخته که طی آن ده ها تن بازداشت شده و شماری نیز زیان دیده اند؛ رفتاری که از برنامه نژادپرستانه سیاسی این رژیم حکایت دارد و اینکه اهدافی مشکوک در پس این اقدام ها قرار دارد که برای کرامت انسان هیچ بها و حرمتی قائل نیست و فراتر اینکه با تمام مبانی دموکراسی ادعایی منافات دارد... درحالی که شماری از طوایف جامعه مالزی، پیرو آیین بت پرستی، الحاد، مسیحیت و اهل تسنن هستند و با آزادی کامل، بر پایه مبانی آیینی و دینی خود، عمل می کنند.... (۳)

ص: ۶۴۱

۱- (۱) . The m si i nsider «. t b on Shi novel, s s a M si ound ion». به نقل از شیعه ستیزی در مالزی

از ویکی پدیا، دانشنامه آزاد

۲- (۲) ۱۱۴ شیعه در مالزی دستگیر شدند، کوالالامپور - ایرنا - تاریخ خبر: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ ه. ش. نشانی گزارش در فضای

مجازی: <http://www.irn.ir> کک ۸۱۰۸۰۲۰۴ = NewsPrint. px?ID

۳- (۳) محکومیت اقدام های تروریستی رژیم مالزی ضد شهروندان شیعی Posted in PERSI Re on ۲۳ M ch ۲۰۱۴.

more: <http://shightschw ch.org/en/۲۰۱۲-۰۹-۱۸-۱۷-۲۳-۳۴.html?st t = ۱۴ ixzz۳ BGwqqDgb>

۳. قتل مسلمانان دارای گرایش به اهل بیت علیهم السلام در جریان نسل کشی مسلمانان میانمار

در غرب میانمار منطقه وسیع مسلمان نشینی وجود دارد که با نام «آراکان» (راخین) شناخته می شود و مسلمانان آن را «روهنگیا» می نامند. علاوه بر پیشینه بسیار بلند اسلام در این منطقه و تشکیل حکومت خودمختار اسلامی تا سال ۱۹۳۶ م، یعنی سال اشغال میانمار به دست انگلیس، فارسی، زبان رسمی ایالت آراکان بود و اسلام در این منطقه با گرایش به مکتب اهل بیت علیهم السلام بوده است؛ بر همین اساس برخی محققان میانماری، اسلام این ایالت را با گرایشات شیعی دانسته اند.^(۱)

دولت نظامی میانمار، از سال ۱۹۸۲ م، جامعه یک میلیون نفری مسلمانان روهینگیا را به رسمیت نشناخته و از حقوق آنها جلوگیری می کند. به دنبال اظهارات تین سین، رئیس جمهور میانمار که به شدت مورد حمایت ایالات متحده آمریکا است، موج جدیدی از قتل عام و نسل کشی علیه مسلمانان روهینگیا به راه افتاد. تین سین گفت: «باید مسلمانان روهینگیا از کشور اخراج و به اردوگاه های پناهندگان سازمان ملل منتقل شوند».

گروه های افراطی بودایی، با حمایت و همراهی پلیس و ارتش، دست به کشتار گسترده و آتش زدن دهکده ها و مساجد مسلمانان زدند. از طرف دیگر، دولت میانمار، از ورود گروه های امدادی و رسانه های بین المللی به این منطقه جلوگیری کرد و در سکوت مجامع بین المللی، نسل کشی گسترده ای آغاز شد. هم اکنون نیز بسیاری از گروه های تندروی بودایی، مانند گروه ماگ، به شکلی وحشیانه مشغول رقم زدن یک هولوکاست واقعی و پاکسازی قومی در میانمار هستند. بسیاری از مظلومان اقلیم آراکان، ناچاراً برای

ص: ۶۴۲

۱- (۱) هم اکنون نیز حدود بیست هزار شیعه بومی در میانمار زندگی می کنند و همه آنها تحت آزار حکومت نظامی میانمار قرار دارند. نشانی گزارش در فضای مجازی: Shi m k hur in Y gon | My m Times. <http://www.mmtimes.com/۲۰۱۰/news/۵۵۵/news۵۵۵۰۱.html>

اینکه از این نسل کشتی بگریزند، با کشتی به بنگلادش پناهنده شدند که مدتی بعد به بهانه رسیدن پناهندگان به مرز سیصد هزار نفر، مرز بنگلادش نیز بسته شد. (۱)

خشونت علیه مسلمانان که پیش تر تنها به ایالت غربی راخین محدود شده بود، امروز در سراسر کشور میانمار گسترش یافته و در دو سال گذشته، دست کم صد هزار مسلمان، آواره و هزاران مسلمان دیگر نیز کشته شده اند. در تصاویر حمله بودایی ها، صحنه هایی باورنکردنی از ضرب و شتم شدید و حتی آتش زدن مسلمانان به چشم می خورد. در جریان دور جدید نسل کشی مسلمانان، بیست پسر بچه مسلمان از مدرسه ربوده و پس از قطعه قطعه شدن، اجسادشان به آتش کشیده شده است. (۲)

گفتار پانزدهم: اقدامات خونین رژیم صهیونیستی برای نابودی شیعیان فلسطین

اشاره

رشد تشیع در فلسطین به حدی است که مدرسه عالی علوم دینی صهیونیست ها در قدس اشغالی، در نوزدهم اکتبر سال ۲۰۰۸ م، اعلام کرد: «در صورتی که پیشگیری های لازم صورت نگیرد، ممکن است این روند باعث تشکیل یک حکومت شیعی در فلسطین اشغالی شود». پروفیسور گال تال، استاد پژوهش های اسلامی در دانشگاه حیفا، بر این نکته تأکید می کند که کشورهای عربی که با اسرائیل توافق نامه صلح امضا کرده اند، اساساً کشورها و نظام هایی سنی هستند؛ در حالی که شیعیان از همان لحظه آغازین تأسیس اسرائیل، به شدت با آن از در دشمنی درآمده اند. تال، این دشمنی را «گفتمان دینی سیاسی» ایران خواند. همچنین روزنامه اسرائیلی دیدیوت آحارنوت نوشت: «از آغاز تأسیس اسرائیل، دو مذهب تشیع و تسنن در کنار هم با حضور یهودیان

ص: ۶۴۳

۱- (۱) ر. ک: بر مسلمانان میانمار چه می گذرد؟ کد خبر: ۱۴۳۷۲۲، تاریخ انتشار: ۲۵ مرداد ۱۳۹۱ ه. ش - ۱۴:۳۸، نشانی در فضای مجازی: <http://www.mhrehghnews.ir/news/143722>

۲- (۲) گزارش ابنا، اینجا مسلمانان را زنده زنده می سوزانند! ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، کد خبر: ۵۵۷۸۶، تاریخ انتشار: ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۲-۱۵:۲۹، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shinews.com/news/55786>

در سرزمین فلسطین مبارزه کردند. اما شیعیان در اسرائیل مهم ترین گروهی بودند که با گروه های اسلامی فلسطینی در درون مرزهای ۱۹۶۷ م، از جمله حماس همکاری نمودند. در ادامه گزارش از هشت یگان سَرّی پرده برداشته می شود که عرب های شیعه اسرائیل، برای ایجاد هماهنگی میان جنبش های مقاومت اسلامی تشکیل داده اند. وزیر امنیت داخلی اسرائیل، از ۷۳ عملیات نظامی که عرب های اسرائیلی شیعی با سنی های حماس و جهاد اسلامی همکاری کرده اند، سخن گفت. این مسئله باعث شده تا سرانِ تشکیلات امنیتی در تل آویو خواستار ریشه کن کردن شیعیان در اسرائیل شوند(۱) و به اقدامات تروریستی برای نسل کشی شیعه رو بیاورند.

۱. ترور نخبگان شیعه فلسطینی توسط رژیم صهیونیستی

سه روز از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نگذشته بود که دکتر فتحی شقاقی، متفکر مسلمان فلسطینی، کتاب «امام خمینی، تنها راه حل اسلامی و جایگزین» را در مصر منتشر کرد و در همان شب اول چاپ، با شمارگان ده هزار نسخه به فروش رفت. شقاقی به نقل از روژه گارودی، اندیشمند پرآوازه فرانسوی، نوشت: «امام خمینی رحمه الله، به زندگی ایرانیان معنا بخشید». (۲) او با تعدادی از جوانان مسلمان فلسطینی در دانشگاه های

ص: ۶۴۴

۱- (۱) «شیعه در اسرائیل»، معتز احمد، ترجمه مهدی مروانی، امید انقلاب - شهریور ۱۳۸۸ ه. ش - شماره ۴۰۳، تاریخ درج: <http://www.hz.net> ۱۳۸۸/۹/۱۸ ه. ش، ص ۳۰، نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.hz.net> ۵۸۲۴/۷۰۰۶/۸۴۸۸۰

۲- (۲) شقاقی به گفته خودش، هنگامی که با تنی زخمی به زندان برده شد، با خون خویش نام امام خمینی رحمه الله را بر دیوار نگاشت؛ ر. ک: جهاد اسلامی، فتحی شقاقی، ترجمه: سید هادی خسروشاهی؛ شهید دکتر فتحی شقاقی، کسری صادقی زاده؛ ماهنامه شاهد یاران، نظری بر مراحل مهم زندگی شهید فتحی شقاقی، ش ۲۶، تهران: شاهد، دی ۱۳۸۶ ه. ش؛ گروه سایبری نسل بیداری، زندگینامه شهید فتحی شقاقی؛ علمدار جهاد اسلامی فلسطین عزیز، ۱۳۹۰/۲/۲۱ ه. ش؛ شهید فتحی شقاقی کیست؟ حسن خامه یار؛ در این باره ر. ک: دانشنامه انقلاب اسلامی، شهید دکتر فتحی شقاقی (فلسطین)، نشانی در فضای مجازی: <http://n.govir.ir/port/home/?news/۶۴۴۶/۱۱۴۱۷/۱۷۰۰۶>

مصر، هسته های نخستین جهاد اسلامی فلسطین را پایه گذاری کرد. از این رو هنگامی که پس از نشست لیبی، به مالت بازگشت، موساد، وی را در چهارم آبان ۱۳۷۴ ه. ش، به شهادت رساند. برای به شهادت رساندن فتحی شقاقی، افزون بر موساد، سازمان سیای آمریکا، سازمان جاسوسی انگلیس و چند کشور عربی وابسته به آمریکا نیز همکاری داشتند. (۱) سازمان بین المللی کمک رسانی در فلسطین، «اونوروا» نیز گزارش داد: «تعداد تصاویر آیت الله خمینی رحمه الله، آیت الله خامنه ای، سید حسن نصرالله و شهید فتحی شقاقی به مراتب بیشتر از تصاویر یاسر عرفات و دیگر مقامات فلسطینی است و این نشان می دهد که اقبال مردم غزه به رهبران شیعه، بیشتر از رهبران سیاسی سنی مذهب است. (۲) و (۳)

۲. موفقیت رژیم صهیونیستی در سوق دادن خصومت بخشی از فلسطینیان از اسرائیل به مسلمانان شیعه

محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین که همواره از سوی صهیونیست ها برای سرکوب انتفاضه ترغیب می شد، در راستای خوش خدمتی به صهیونیست ها و سعودی ها با موج جدید شیعه هراسی از سال ۲۰۱۳ م به بعد همراه شد و در آخرین اظهارات خود، موضع بسیار افراطی علیه شیعیان گرفت. وی به صراحت گفت: «شیعیان مدعی اند که اسرائیل به دنبال تجزیه کشورهای اسلامی است و بزرگ ترین دشمن به حساب می آید. ولی فتنه شیعیان از اسرائیل خطرناک تر است». وی همچنین مدعی شد: «مذهب شیعه در فلسطین در حال رشد است که با تمامی نیرو

ص: ۶۴۵

۱- (۱) منابع پیشین.

۲- (۲) شیعه نیوز، گزارشی از شیعیان غزه و مرجع سیاسی و مذهبی آنان، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shi.com/news/20484>

۳- (۳) پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه فرهنگی موعود، فلسطینی هایی که شیعه می شوند: افتتاح اولین حسینیه در غزه. جمعه ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ ه. ش، ساعت ۰۶:۱۸، نشانی با ارجاعات و تصاویر در فضای مجازی: <http://mouood.org/cultur/studies/item/431>

نخواهیم گذاشت فلسطینیان به تشیع آلوده شوند». وی همچنین اعلام کرد: «دلیل رشد تشیع در فلسطین، گروه فتح است. صحبت هایی با گروه حماس برای جلوگیری از تشیع شده است و امیدواریم بتوانیم این معضل را از کشور برطرف کنیم!»^(۱) این در حالی است که در تمامی رویدادهای خونین، این شیعیان بوده اند که همواره به کمک فلسطینیان شتافته اند؛ به همین علت بود که دست پرورده های امام موسی صدر و شهید چمران، اولین گروهی از اعراب بودند که اسرائیل را شکست دادند و جلوی آن ایستادند. اما دست پرورده های تندروهای ساف، نظیر عرفات و محمود عباس، همواره در حال مذاکره و امتیازدهی به صهیونیست های زیاد خواه هستند.

۳. مشارکت برخی گروه های فلسطینی در قتل عام مسلمانان شیعه

درحالی که رهبران حماس بارها تأکید داشته اند که ایران همواره بزرگ ترین پشتیبان فلسطین و آرمان مقدس آنان بوده اند^(۲)، برخی رهبران حماس، در سال های ۲۰۱۱ م به بعد، به سیاست آمریکا و ارتجاع عرب نزدیک شده و مواضع خصمانه ای علیه شیعیان گرفتند. برخی رهبران حماس، بعد از اعدام صدام حسین، به او لقب سیدالشهدا دادند و برای او سه روز عزای عمومی برپا کردند. همچنین برای جانمایی نظیر عدی و قصی، فرزندان صدام، مجالس ختم گرفتند.^(۳) برخی اعضای حماس، پا را از این فراتر نهادند و با تجلیل از بنیانگذار و سرکرده بی رحم القاعده در عراق، ابومصعب زرقاوی، عملاً موجب گسیل تعداد زیادی انتحاری فلسطینی برای کمک به زرقاوی، در نسل کشی و قتل عام شیعیان

ص: ۶۴۶

۱- (۱) در این باره ر. ک: گزارش پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز با عنوان: محمود عباس: شیعیان حق زندگی در فلسطین ندارند!!: کد خبر: ۷۴۰۶۶، تاریخ انتشار: ۱۲ خرداد ۱۳۹۳ ه. ش، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shi.com/news/74066>

۲- (۲) گزارش خبرگزاری آینده روشن، ۱ بهمن ۱۳۸۷ ه. ش ساعت ۸:۳۹، نشانی در فضای مجازی: <http://www.news.ir/prtenu.49n0615kk4.html>

۳- (۳) نشانی در فضای مجازی: <http://www.rir.com/news/9139>

عراق شدند. زرقاوی قاتل نود هزار شیعه عراقی بود و همواره در پیام های خود، مسلمانان شیعه را از امریکا و اسرائیل و خوگ ها و سگ ها بدتر می دانست.^(۱)

مطابق آمار مسئولان عراقی تا سال ۲۰۱۳ م، از بین ملیت تروریست های انتحاری در عراق، بالاترین رقم مربوط به ملیت فلسطینی - اردنی، با رقم ۱۲۰۴ نفر بود که معمولاً خود را در مراکز مملو از جمعیت در عراق منفجر کردند و هزاران نفر از برادران عرب و مسلمان خود را را به خاک و خون کشیدند. این در حالی بود که اگر این تعداد انتحاری فلسطینی، خود را به جای عراق به میان صهیونیست های اشغالگر کشورشان رسانده بودند و این تعداد از آنها را به هلاکت رسانده بودند، یقیناً صهیونیست ها تا حد زیادی به خواسته های مشروع فلسطینیان تن داده بودند. نکته مهم اینجاست که معمولاً در این عملیات های تروریستی، نخبگانی از شیعه به قتل می رسند که بارها مخالفت خود را با نفوذ صهیونیست ها در عراق اعلام کرده و در فهرست سیاه مוסاد قرار گرفته بودند. البته دشمنی گروه های تروریستی به عراق محدود نمی شود. بلکه رهبران شیعه حزب الله لبنان بعد از اینکه موفق شدند رژیم صهیونیستی را در جنوب لبنان شکست دهند و از آنجا بیرون کنند، در فهرست عملیات تروریستی گروه های افراطی سلفی، نظیر شاخه شامات القاعده قرار گرفتند و در اعلامیه های اینترنتی القاعده و گروه های تکفیری، به مرگ تهدید شدند. این مسئله، همگامی و همراهی تروریست های القاعده و تکفیری را با اسرائیل بیشتر اثبات می کند. برخی از رهبران حماس معتدل اند، اما جوّ عام کنونی و فرهنگ حاکم بر طرفداران حماس متأسفانه به طرف دشمنی با شیعیان سوق داده شده است.^(۲) با شروع بحران سوریه، مقامات سیاسی حماس بلافاصله در کنار

ص: ۶۴۷

۱- (۱) گروه بین الملل مشرق، حماس و خنجری که بر پشت مقاومت نشست، نشانی در فضای مجازی: <http://www.mhregnews.ir/news/۲۳۴۹۴۱>

۲- (۲) هنگامی که زرقاوی سرکرده شاخه گروه تروریستی القاعده در عراق به قتل رسید، حماس در موضعی بهت آور قاتل هزاران شیعه عراقی را مجاهد نامید و پیام تسلیت مفصلی در تجلیل از او صادر کرد.

گروه های مورد حمایت غرب و اسرائیل در سوریه قرار گرفتند و فلسطینی های سوریه و لبنان را به شرکت در جنگ داخلی این کشور، به نفع گروه های معارض مسلح، سوق دادند؛ به طوری که پس از بالاگرفتن درگیری ها در سوریه، حماس که تا پیش از این بحران، سوریه پایگاه اصلی آموزش و پشتیبانی نیروهایش بود، تصمیم به خروج از سوریه گرفت و از نیروهای خود، برای دمیدن بیشتر در آتش فتنه، استفاده کرد. در این میان برخی افراد حماس در خیانت به سوریه ها و حزب الله لبنان تردیدی به خود راه ندادند. جناح هوادار سیاست های غرب در خاورمیانه، نظیر امیر پیشین قطر و هدایای ویژه و کمک های بسیاری را به این جنبش اختصاص دادند که بیش از پیش حماس را در این مسیر نادرست به حرکت واداشت. اوج فاصله گرفتن حماس از محور مقاومت و همراهی با امواج شیعه ستیزانه و تکفیری زمانی بود که برخی سران این گروه - از جمله خالد مشعل، رئیس دفتر سیاسی حماس و معاون او، موسی ابومرزوق و دیگر سران حماس نظیر اسماعیل هنیه، نخست وزیر دولت حماس - نه تنها ضد دولت اسد موضع گیری کردند، بلکه نیروهای خود را به ورود در فاز نظامی علیه دولت سوریه و حزب الله سوق دادند. تنها در القصیر ۱۲۰ نفر از اعضای حماس که برای جنگ با دولت سوریه آمده بودند، کشته شدند و هشتاد نفر به اسارت درآمدند. درحالی که اگر این تعداد به صورت هماهنگ، جبهه نبردی با اسرائیل را باز کرده بودند، به صهیونیست ها ضربه ای تاریخی وارد می کردند. این موضع عجیب حماس در حالی بود که دولت و ارتش سوریه کمک های مالی و نظامی بسیاری را به مقاومت منتقل کرده بود.^(۱) این

ص: ۶۴۸

نخستین خیانت سران فلسطین به ولی نعمتان خود نبود. پیش تر نیز یاسر عرفات، به رغم کمک های دولت کویت به او و فلسطینیان، در زمان حمله صدام به این کشور جانب صدام را گرفت. همچنین در تجاوز صدام به جمهوری اسلامی ایران نیز در حمایت از صدام تردیدی به خود راه نداد.^(۱)

یکی دیگر از خطاهای حماس، اظهارنظر در خصوص موضع این گروه در قبال حمله احتمالی اسرائیل به ایران بود. روزنامه گاردین به نقل از یک مقام عالی رتبه این گروه به نام «صلاح برداویل»، گزارش داد در صورتی که جنگی بین ایران و اسرائیل اتفاق بیفتد، حماس در کنار ایران قرار نمی گیرد. همچنین «محمود زهار»، مقام شماره دو حماس در نوار غزه هم در ادامه همین مواضع، در مصاحبه با خبرنگار شبکه بی بی سی فارسی گفت: «حماس بخشی از درگیری های منطقه ای نیست. ما اینجا هستیم که از خودمان علیه اسرائیلی ها دفاع کنیم. اگر اسرائیل به ما حمله کند، ما هم واکنش نشان خواهیم داد. اگر به ما حمله نشود، ما هم خود را درگیر نخواهیم کرد».

۴. رشد گروه های تروریستی تکفیری شیعه ستیز در فلسطین و استقبال آمریکا

گروه تکفیری داعش در صفحه خود، در پایگاه اجتماعی توئیتر، تصاویری را از آموزش جنگجویانی از غزه در اردوگاه های عراق و سوریه منتشر کرد^(۲) که اثبات می کرد نه تنها از فلسطینیان به گروه های تروریستی پیوسته اند، بلکه حماس نیز به راحتی اجازه حضور در جریانات ضد تقریب و شیعه ستیز را به آنها داده است. آمریکا از این رویکرد حماس شدیداً استقبال کرد؛ به طوری که جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، اعلام

ص: ۶۴۹

۱- (۱) ر. ک: گروه بین الملل مشرق، مقاله حماس و خنجری که بر پشت مقاومت نشست، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: www.mhregnews.ir ک ۲۳۴۹۴۱/mobile

۲- (۲) اعلام موجودیت داعش در نوار غزه، نشانی گزارش با ارجاعات: <http://www.nir/persi/service/middle/chive/2014/04/18/603242/story.html>

کرد: «ما به دنبال کشوری سلفی با مدیریت سلفی و اداره ای سلفی در فلسطین هستیم». «جان کری» در ادامه اظهارات عجیبش گفت: «خوشحالیم که گروه حماس پایه سلفی دارد و ما امیدواریم با ورود این گروه به سوریه، شکل مقاومت فلسطین تغییر یابد».^(۱)

گفتار شانزدهم: تهدیدات تروریستی علیه شیعیان جهان

۱. حمله به راهپیمایی شیعیان هندوستان در روز جهانی قدس

اعتراض مسالمت آمیز شیعیان ایالت اوتارپرادش هند به انتصابات وزارت موقوفات، روز قدس در لکهنو را به خون کشید. این شیعیان روزه دار هندی، پس از خواندن نماز جمعه، مراسم روز قدس را در مسجد آصفی لکهنو برگزار کردند. آنان پس از مراسم روز قدس، در اعتراض به انتصاب افراد فاسد در انجمن مرکزی وقف شیعیان از سوی «محمد اعظم خان»، به رهبری «حجت الاسلام کلب جواد»، از روحانیون این منطقه، به سمت محل اقامت اعظم خان حرکت کردند؛ اما نیروهای پلیس با مسدود کردن خیابان، مانع ادامه حرکت آنها شدند. سپس با ضرب و شتم یک روحانی شیعه به دست پلیس، مردم به شدت با پلیس درگیر شدند. در نتیجه این درگیری، متأسفانه یکی از شیعیان روزه دار به نام «کرار مهدی» به شهادت رسید و تعدادی دیگری مجروح شدند. حجت الاسلام کلب جواد و تعدادی از همراهانش نیز بازداشت شدند. شایان ذکر است ایالت اوتارپرادش هندوستان، مرکز تشیع در این کشور است.

۲. کشتار و آزار مسلمانان شیعه در زنگبار

کمونیسست ها پس از انقلاب مارکسیستی ۱۹۶۴ م زنگبار، مسجد قدیمی شیعیان و مقبره برخی علمای ایرانی را تخریب کردند و به علت محدودیت های ایجاد شده و کشتار

ص: ۶۵۰

۱- (۱) گزارش خبرگزاری ها، کری: دنبال تشکیل فلسطین سلفی هستیم؛ ر. ک: صراط نیوز، کد خبر: ۱۷۸۱۹۰، تاریخ انتشار: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ ه. ش، نشانی در فضای مجازی: <http://www.sernews.ir/news/178190>

شیعیان خوجه در مراسم اربعین ۱۹۶۴ م، رفته رفته شیعیان هندی و ایرانیان که جمعیتی بیش از ده هزار نفر داشتند، از این جزیره کوچ کرده، به دیگر کشورها مهاجرت کردند.^(۱)

۳. قتل و تهدید نخبگان مسلمان شیعه در سودان

در دهه های اخیر، اگرچه دولت سودان روابط نسبتاً مناسبی با جمهوری اسلامی ایران داشته، اما سازمان های فرهنگی دولت سودان اکثراً تحت سلطه سلفیان قرار گرفته است که روابط خصمانه ای با شیعیان دارند. با وجود تمامی این فشارها شیعه به پویایی خود در سودان ادامه داده، به طوری که در سال ۱۳۸۸ ه. ش جریان سلفی سودان رسماً اعلام کرد که امروز در سودان هجده هزار شیعه وجود دارد. با توجه به این واقعیات بود که شیخ محمد عثمان صالح، رئیس علمای سنت سودان اعلام کرد که ما شیعه را به رسمیت می شناسیم. اما این واقعیات تنها دشمنی تکفیری ها را افزایش داد؛ آنها با درج مقاله ای در یک روزنامه وهابی صریحاً اعلام کردند که باید سر مار (شیعه) را قطع کرد! تکفیری ها همان موقع یکی از اندیشمندان شیعه را در سودان به طرز فجیعی به شهادت رسانده و سر او را قطع کردند و عکس مقتول را برای حجت الاسلام انصاری، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارطوم فرستادند و تهدید کردند که نفر بعدی تو هستی!^(۲) در سال ۱۳۹۳ ه. ش، همزمان با مراسم شهادت حضرت زهرا علیها السلام در خارطوم، گروهی از سلفی ها به حسینیه امیرالمؤمنین علیه السلام حمله و قریب به بیست نفر را مجروح کردند؛ به طوری که تمامی افراد حاضر در حسینیه، دچار شکستگی استخوان شدند و یک نفر نیز به شهادت رسید.^(۳)

ص: ۶۵۱

۱- (۱) پیشینه تاریخی تشیع و ایرانیان در تانزانیا و زنگبار، پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، کد خبر: ۱۳۱۵۱، تاریخ انتشار: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۸ ه. ش - ۰۰:۴۴ نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi news.com> news/۱۳۱۵۱

۲- (۲) ر. ک: گزارش: چرا حجت الاسلام انصاری در لبنان به شهادت رسید؟ مصاحبه اختصاصی با فرزند شهید انصاری: نشانی در فضای مجازی: <http://l rood.ir/news/show/۳۸۷>.

۳- (۳) گزارش ادیان نیوز، به نقل از گروهی از طلاب سودانی مقیم قم: تأسف آورتر اینکه دولت سودان، هیچ گونه حمایتی از شیعیان این کشور نداشته و تا به حال این خبر را منتشر نکرده است؛ ر. ک: حمله سلفی های سودان به عزاداران فاطمی، نشانی در فضای مجازی: com/post-۹۹۰.px کت v in۳۱۳.blo

تهدیدات تکفیری ها در سودان موجب شده که فرهنگیان و روزنامه نگاران متمایل به مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز از قتل مصون نباشند؛ به همین دلیل قتل های مشکوکی از سودان گزارش می شود؛ از جمله محمد طه محمد احمد، سردبیر روزنامه الوفاق سودان که جسد سربریده او در یکی از محلات خارطوم کشف شد. روابط ویژه محمدطه با شیعیان در سودان و نوشتن مقالات در وصف منجی عالم و جانبداری علنی وی از فعالیت های شیعیان در سودان، باعث افزایش شدید فشارها از سوی گروه های تندروی وهابی و سلفی در خارطوم بر وی شده بود؛ به طوری که افراد ناشناس بارها به دفتر روزنامه الوفاق حمله کردند و یک بار نیز کاملاً در آتش سوخت. در کنار همه این موارد، توجه به این نکته نیز ضروری است که سفارت عربستان و سرمایه داران برجسته وهابی در خارطوم، سالانه میلیون ها دلار صرف تبلیغات برای ترویج وهابیت در سودان می کنند. سران برجسته گروه های وهابی روی شیعه هراسی متمرکز شده و به صورت اغراق آمیز درباره خطر شیعه در سودان هشدار می دهند و خواستار افزایش تلاش ها برای مبارزه با موج تازه گرایش به شیعه در سودان شده اند که می توان قتل نخبگان دارای گرایش شیعی را نیز در راستای همین تلاش ها دانست.^(۱)

۴. فشار دولتی و تهدیدات تکفیری ها به قتل عام شیعیان مراکش

کشور مغرب یا مراکش یکی از مراکز عمده مکتب تشیع در گذشته به شمار می رفت؛ به طوری که نخستین سلسله شیعه، با نام ادریسیان در قرن دوم هجری، در این کشور تأسیس شد. در دوره معاصر، به دلیل سابقه محبت اهل بیت علیهم السلام و تشیع در این کشور، وهابیت کمترین نفوذ را در فرهنگ و جامعه این کشور داشته است. با این حال در سال های اخیر، به دنبال حضور پررنگ سعودی ها در این کشور، فشار دولت پادشاهی مغرب بر شیعیان نیز افزایش یافت؛ به طوری که نیروهای امنیتی مراکش ده ها تن از شیعیان را بدون هیچ جرمی بازداشت و کتاب ها و آثار فرهنگی آنها را مصادره کردند.

ص: ۶۵۲

۱- (۱) وهابیان هزاران جلد از قرآن کریم را در سودان به آتش کشیدند؛ به این دلیل که این قرآن ها در ایران چاپ شده بود. همان.

گفتنی است،^(۱) تفتیش عقاید مردم درباره تشیع از طرف دولت پادشاهی مغرب، شدت یافته و گروه های تخصصی در تمام شهرهای مراکش برای مقابله با نخبگان شیعه و مراقبت و پیگیری آنان تشکیل شده است! همچنین گروه هایی برای تفتیش کتابخانه های مختلف شهرهای مراکش فرستاده می شود تا از ورود کتاب هایی درباره مکتب اهل بیت علیهم السلام به مراکش جلوگیری شود. همچنین فعالیت های خشونت بار تکفیری ها نیز افزایش یافته است؛ به طوری که افراد متعصبی نظیر حامد ادریسی، در یک نوار ویدئویی، با عنوان «مغرب گورستان تشیع» نه تنها قتل عام شیعیان مراکش را توجیه می کند، بلکه در اظهاراتی خصمانه، مردم را به کشتار جمعی شیعیان این کشور دعوت می کند!^(۲)

۵. تخریب اماکن مقدس و قتل شیعیان توسط تکفیری ها در لیبی

در دوران حاکمیت قذافی، لیبی شاهد اقدام جنایت بار وی در ربودن یک رهبر شیعی و همراهانش بود. امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان با تعدادی از همراهانش، پس از سفر به لیبی به دعوت معمر قذافی در اوت ۱۹۷۸ م (شهریور ۱۳۵۷ ه. ش)، به دلایلی نامعلوم، در لیبی ناپدید شد. شیعیان لبنان، قذافی را مسبب ماجرا دانستند.^(۳) بعد از سقوط قذافی، برخی افراد مرتبط با او به این جنایت اعتراف کردند. اما اقدامات ضد شیعی در لیبی به همین موضوع منحصر نشد. مدت کوتاهی بعد از سقوط دیکتاتوری قذافی و در هرج و مرج و ناامنی بعد از آن، سلفیان تکفیری، به مراکز شیعی این کشور حمله کردند؛ از جمله در

ص: ۶۵۳

۱- (۱) این شیعیان ساکن شهرهای «طنجه» واقع در شمال مراکش «الصویره» در جنوب این کشور و در شهر «عیازه» در ۱۲۰ کیلومتری شمال بودند. روزنامه مراکشی «الجریده الیوم»، روزنامه «هسپرس» و پایگاه اطلاع رسانی «القنطره» و شبکه خبری العالم.

۲- (۲) گزارش اختصاصی شیعه نیوز، کد خبر: ۵۲۷۸۵، تاریخ انتشار: ۱۰ اسفند ۱۳۹۱ ه. ش - ۱۲:۱۱: <http://www.shi.com/news/52785>

۳- (۳) احمد رمضان، مشاور پیشین قذافی، خاطرنشان کرد: «[من] صددرصد [مطمئنم] براساس سخنانی که شنیده ایم، موسی صدر کشته شده است؛ ر. ک: گزارش خبرگزاری ها در خصوص آخرین اخبار درباره امام موسی صدر، نشانی در فضای مجازی: www.presstv.ir/det/209833.html

سالروز تخریب قبرستان بقیع، معروف ترین امامزاده شمال آفریقا و بزرگ ترین محل تجمع محبین اهل بیت علیهم السلام در کشور لیبی را با خاک یکسان کردند. این فاجعه به اینجا ختم نشد. وهابی ها قبر این امامزاده شریف را نبش و به جسد ایشان جسارت های بسیاری کردند.

حرم «عبدالسلام الاسمر»، از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام بزرگ ترین قطب زیارتی شیعیان در کشور لیبی است. در حادثه حمله تکفیری ها به مزار الاسمر، سی نفر از شیعیان لیبی به شهادت رسیده و تعداد ۲۱۲ نفر نیز مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. قدمت این امامزاده به ۸۰۰ سال پیش برمی گشت. لازم به ذکر است، فشارهای بسیاری از طرف دولت عربستان به کشور لیبی وارد آمده بود تا این حرم شریف را تخریب کنند.^(۱) در جوار این حرم شریف، کتابخانه بسیار بزرگی از کتب شیعی و اسناد تاریخی هزاران ساله نگهداری می شد که به گفته وزیر فرهنگ لیبی، بزرگ ترین کتابخانه در کشور لیبی بود. تکفیری ها این کتابخانه را تخلیه و به آتش کشیدند. آنها سپس با سوء استفاده از آشوب ها در لیبی به تخریب قبور سادات شدت بخشیدند.

برخی مقامات لیبی از اقدامات وهابیان تکفیری ابراز انزجار کردند؛ از جمله محمد المقریف، رئیس کنگره ملی لیبی، در اظهاراتی تلویزیونی، تخریب و سوزاندن بسیاری از اماکن مقدس، اسناد تاریخی و نسخه های خطی در این کشور را محکوم کرد که نشان می دهد وهابی ها به شدت در حال زدودن تاریخ شیعه و حذف نام آنها از اسناد و کتب تاریخی و خطی موجود در لیبی هستند.

هم اکنون شیعیان لیبی به اهداف اصلی تروریست های تکفیری تبدیل شده اند؛ از جمله «حمید خلف حسن الساعدی»، استاد دانشگاه عالی «درنه»، به دلیل شیعه بودن

ص: ۶۵۴

۱- (۱) این فشارها به قدری بود که در نشست فوق العاده کشورهای اسلامی که در عربستان برگزار شد، به دلیل عدم تخریب این حرم شریف و اعتراض وهابی ها، پرچم لیبی به شکل سر و ته به اهتزاز درآمد. گزارش و تحلیل خبرگزاری ها درباره تخریب مزار نواده امام حسن علیه السلام در شمال آفریقا توسط وهابیان: نشانی در فضای مجازی: <http://www.snews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۱۰۶۰۶۰۰۹۱۰>

ر بوده شد. تروریست ها وی را در چاهی قرار دادند و سپس به وی تیراندازی کردند. وی پیش از اینکه به دست گروگان گیرانش اعدام شود، اعلام کرد که شیعه است.^(۱)

۶. زیر پا گذاشتن حقوق شیعیان الجزایر توسط تکفیری ها

گفتنی است جریان سلفی گری تکفیری، طی سال های اخیر، در کشورهای مختلف شمال آفریقا، از جمله الجزایر تقویت شده و تحرکات زیادی را آغاز کرده است؛ به طوری که برخی امامان جمعه تکفیری این کشور اعلام کردند که می توان به حقوق شیعیان تجاوز کرد! این ائمه جمعه تکفیری همچنین اعلام کردند: «شیعیان نباید در الجزایر زندگی کنند و باید حقوق شهروندی روافض نقض شود!... از همه مردم تقاضا داریم که به شیعیان حمله ور شوند و به هیچ یک از آنها، حتی به کودکان آنها، رحم نکنند».^(۲)

۷. اعلام موجودیت گروه های شبه نظامی تکفیری برای اقدامات خونین علیه شیعیان تونس

سازمان دیده بان حقوق بشر شیعه، با هشدار به سازمان های رسمی، گروه های ملی و سازمان حقوق بشر در تونس، از وجود طرح های مشکوکی خبر داد که برای افزایش فتنه های مذهبی در این کشور طرح ریزی شده است. در این راستا منابع خبری از تلاش های گسترده برخی گروه های تکفیری در تعقیب و کشتار شیعیان تونسی خبر دادند. همچنین سازمان دیده بان حقوق بشر شیعه، دستگاه های دولتی را به دلیل داشتن مسئولیت قانونی و اخلاقی، مسئول در برابر هدف قرار دادن شیعیان در تونس معرفی کرد.^(۳)

ص: ۶۵۵

۱- (۱) گزارش ایندپندنت از نقش عربستان در کشتار شیعیان خاورمیانه، ترجمه پایگاه اطلاع رسانی شفقنا، نشانی در فضای مجازی: <http://sh.ncom/persi/ticels/item/۵۹۹۱۱> ک

۲- (۲) گزارش پایگاه اطلاع رسانی شیعه آنلاین در خصوص فتوای مفتیان تکفیری در الجزایر با عنوان: فتوای تجاوز به عنف شیعیان صادر شد! نشانی با مستندات در فضای مجازی: www.shionline.ir/ticle.p?id=۳۳۱۵۷

۳- (۳) سازمان دیده بان حقوق بشر شیعه، سرویس ترجمه شفقنا، گزارش با عنوان: سازمان دیده بان حقوق بشر شیعه درباره هدف قرار دادن شیعیان در تونس هشدار داد، نشانی در فضای مجازی: <http://www.ghist.sh.ncom/index.php/component/k۲/item/۴۶۳۵-.html> ک

۸. فشار بر شیعیان قطر همراه با حمایت مالی نسبت به قتل عام مسلمانان شیعه از این کشور

در سال های اخیر قطر به یکی از مراکز صدور اندیشه تکفیر تبدیل شده است. مفتی مصری تبار قطری، «یوسف القرضاوی» که پیش تر مواضع مناسبی علیه رژیم صهیونیستی اتخاذ می کرد، با پیروزی حزب الله لبنان علیه اسرائیل و شیعه شدن فرزندش و با تحریکات و هابیان سعودی و قطری، لبه تیز حملات خود را به جای رژیم صهیونیستی متوجه شیعه، جمهوری اسلامی ایران، سوریه و حزب الله کرد. او حتی در یک برنامه پرمخاطب شبکه الجزیره، پا را از این فراتر نهاد و به ترور و قتل نخبگان سیاسی شیعه، از جمله نوری المالکی، نخست وزیر وقت عراق، دعوت کرد. وی در نماز جمعه، ضمن تشکر از دولت آمریکا به خاطر مواضعش در مورد سوریه، به شدت به جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان حمله کرد و حزب الله را حزب الشیطان نامید. گفتنی است شیخ نشین قطر در سال ۱۳۹۳ ه. ش، ۱۸۰۰ تروریست را از کشور مغرب، تجهیز و برای پشتیبانی داعش، راهی کشور عراق کرد. (۱) دیده بان حقوق شیعیان جهان برخوردهای غیرانسانی، غیرقانونی و خصمانه رژیم قطر را محکوم کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «از جمله اقدام های ظالمانه رژیم قطر ضد شیعیان آن سامان، ویران کردن مساجد و حسینیه های شیعیان است که آخرین آن، مسجد الصفار و حسینیه تاریخی امام حسین علیه السلام در دوحه، پایتخت قطر، بوده است که هنوز مجوزی برای ساخت مسجد و حسینیه جدید به آنان داده نشده است.... ویران کردن گورستان شیعیان که چندی پیش صورت گرفت و مواردی دیگر از این دست رفتارها، نشان دهنده اقدامات ضد شیعی این رژیم است.» (۲)

ص: ۶۵۶

۱- (۱) ر. ک: خیرگزاری فارس، خیر تجهیز و اعزام ۱۸۰۰ تروریست توسط قطر از مغرب به عراق، نشانی در فضای مجازی: <http://www.snews.com/newstext.php?nn=13930331000713> ک

۲- (۲) دیده بان حقوق شیعیان: رژیم قطر برخورد با مسلمانان شیعه را متوقف کند، ۲۰۱۳ M ۳۱ on. تاریخ انتشار: ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ ه. ش ن ک: ۵۵-۰۷-۱۳-۳۱-۰۵-۲۰۱۳-۴۳۳-۲۳-۱۷-۱۸-۰۹-۲۰۱۲ <http://shightschwch.org/en/> html

در دهه هشتاد میلادی، استخبارات وقت کویت، با وهابیون سعودی، در سربریدن هشت شیعه کویتی همکاری داشت. سعودی ها این شهروندان کویتی را به طرح ریزی بمب گذاری در عربستان متهم کرده بودند. با شروع بحران سوریه، تکفیری های کویت به سرعت خود را به آن کشور رساندند و در رأس گروه های تروریستی قرار گرفتند؛ به طوری که در قتل عام «حطله» حضور مستقیم داشتند. تروریست ها در فیلم جنایت حطله، گویشی کویتی داشتند. همچنین آنها در این فیلم، با توهین به شیعیان کویت به دلیل حمایت از مردم سوریه، از اهل تسنن این کشور می خواهند همسایگان شیعه خود را قتل عام کنند. شافی العجمی، از سلفیون تکفیری کویت، مدعی شد: «سلفیون سر یک تن از سادات و فرزندان کوچک او را در سوریه بریده اند، شما هم سر آنها را ببرید و ده نفر هم برای من بیاورید تا از بریدن سر آنها لذت ببرم». وی افزود: «ما برای مقابله با حزب الله در سوریه، دوازده هزار جنگجو آماده کرده و بیش از یک میلیون دینار نیز به مردم شهر حلب (تروریست های مورد حمایت غرب) کمک نموده ایم».^(۱) خانم صفا الهاشم، نماینده سابق پارلمان کویت، با انتقاد شدید اللحن از دولت، گفت: «چگونه ممکن است افراد فتنه جویی در حضور پرتراکم نیروهای امنیتی و در کمال آزادی، مقابل سفارتخانه یک کشور خارجی تجمع کنند و جوانان ما را برای جنگ و خونریزی تحریک کنند و دولت سکوت کند؟!... آیا چنین رفتارهایی یا حتی رفتارهای دیگر اسلامگرایان (سلفیان) افراطی، نتیجه فقدان یک دولت کارآمد در کشور نیست».^(۲)

ص: ۶۵۷

۱- (۱) سر آنها را ببرید و ده نفر هم به من بدهید تا از بریدن سر آنها لذت ببرم؛ ر. ک: <http://kh.sil.com/ext/6280380> همچنین ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، عنوان گزارش: صادرکننده حکم ذبح کودکان شیعه، در لیست تحریم آمریکا قرار گرفت، کد خبر: ۷۶۴۵۴، تاریخ انتشار: ۱۶ مرداد ۱۳۹۳ ه. ش - ۱۷:۳۸، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi.news.com/news/76454> ر. ک

۲- (۲) خبرگزاری جهان اسلام، خشم مردم کویت از اتخاذ نشدن اقدامات قضایی علیه مبلغان تروریست؛ ر. ک: <http://www.iwn.org/News.px?NewsId=16057>

اقدامات تکفیری های کویت با واکنش منفی بسیاری از محافل اهل تسنن این کشور نیز مواجه شد؛ از جمله «فوزیه الصباح» شاهزاده کویتی، در روزنامه الاهرام مصر، به شدت به تکفیری ها حمله کرد و آنها را با این سؤالات مورد خطاب قرار داد:

- می گوئید شیعه بدتر از یهود است، در حالی که یهود دشمن اول شماست. در قرآن آمده است: (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ). (۱) خدا می گوید یهود دشمن است و شما می گوئید شیعه! آیا مقصود از مؤمنین کسی جز مسلمانان است؟! ... آیا مؤمنین همان شیعیان ایران و حزب الله نیستند؟! کسانی که شما آنها را تکفیر می کنید و یهود هر روز آنها را تهدید به جنگ می کند؟!

- شما می گوئید با شیعیان مبارزه می کنید؛ زیرا آنها سنت سب صحابه دارند. آیا واقعیت غیر از این است که مراجع شیعه از این امر بیزارى جسته اند و آن را تحریم کرده اند؟! آیا یهود به خدا ناسزا نمی گوید؟! جایی که قرآن به آن اشاره می کند: (يُدُ اللَّهُ مَعْلُوكَهُ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا). (۲)

- چرا به سفر گردشگران ایرانی به مصر اعتراض می کنید و در برابر گردشگران یهودی سکوت می کنید؟! یهودیان کسانی هستند که یک ملت را از خانه اش بیرون کرده و ده ها هزار مصری را کشته اند. آنها در حال تخریب مسجدالاقصی هستند و شما با دشمن خیالی تشیع در حال جنگید!

- آیا این هجوم مذهبی و فرقه ای شما نقض قانون اساسی نیست که با دست های خود نوشته اید و در آن به آزادی بیان رأی داده اید؟! پس چرا عهدتان را شکسته اید؟! آیا

ص: ۶۵۸

۱- (۱) مائده: ۸۲. «به طور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت». همچنین ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، عنوان گزارش: صادرکننده حکم ذبح کودکان شیعه، در لیست تحریم آمریکا قرار گرفت، کد خبر: ۷۶۴۵۴، تاریخ انتشار: ۱۶ مرداد ۱۳۹۳ ه. ش - ۱۷:۳۸، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi.com/news/76454>

۲- (۲) مائده: ۶۴. «دست خدا (با زنجیر) بسته است. دستهایشان بسته باد! و بخاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند!». همچنین ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، عنوان گزارش: صادرکننده حکم ذبح کودکان شیعه، در لیست تحریم آمریکا قرار گرفت، کد خبر: ۷۶۴۵۴، تاریخ انتشار: ۱۶ مرداد ۱۳۹۳ ه. ش - ۱۷:۳۸، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi.com/news/76454>

این یک فتنه مذهبی طراحی شده از سوی دشمنان نیست؟! طرحی که شما نقش مهمی را ندانسته در آن ایفا می کنید؟!!

- شیعیان، مشترکات زیادی با شما مانند ایمان به خدا، ملائکه، کتاب، پیامبر و روز معاد، حج، زکات و... دارند، آنها هم مصریانی مانند خود شمایند. پس با مسیحیانی که در این امور با شما مشترک نیستند، چه خواهید کرد؟! آیا قرآن شما را از تفرقه باز نمی دارد؟! آیا زمان آن نرسیده که به ندای عقل و شرع گوش دهید؟!!

وی در پایان به اخوان المسلمین مصر که امتحان خوبی در زمان قدرت خود ندادند، می گوید: «الآن زمان آزمایش شما بود و قدرت را به دست گرفتید. با ملت مصر چه کردید؟ با اسلام و شریعت چه کردید؟ آیا با اسرائیل قطع رابطه کردید یا اینکه آن را دوست عزیز خطاب نمودید؟ ایران این کار را یک روز بعد از انقلابش عملی کرد. جواب این اقدام و فکر کردن در مورد آن برعهده خودتان باشد... شیعیان ایران، عراق، سوریه، لبنان و خلیج فارس متحدند؛ یک سخن می گویند و ایمان و عقیده شان یکی است. اما شما وحدت ندارید... شیعیان، شبکه های شیعی برای سب و دشنام و لعن و تکفیر ندارند و از شیوخ شیعه سخنی مبنی بر انجام این کار وجود ندارد. اما شیوخ فتنه تکفیری ها مانند القاعده و جبهه النصره و... تمام این کارها را انجام می دهند... اگر بخواهم فضایل شیعه را تماماً بنویسم چندین روزنامه می شود.» (۱)

۱۰. جریان های تکفیری، کانون جنگ داخلی سومالی و خصومت علیه شیعیان این کشور

القاعده در سال های اخیر، با نفوذ در سومالی و تأسیس گروه تروریستی الشباب، به درگیری های داخلی بیشتر دامن زده است که متأسفانه در این میان، شیعیان این کشور به صورت مضاعف تحت فشار قرار گرفته اند. در این باره سید عبدالله الشریف حسن الحسنی، دبیر کل مجلس اعلای اهل بیت علیهم السلام سومالی و رئیس جمعیت الاحسان الخیریه

ص: ۶۵۹

۱- (۱) گزارش خبرگزاری ها از دفاع سرسختانه شاهزاده خانم کویتی از مکتب حقه تشیع، نشانی در فضای مجازی:

<http://www.shi news.com/news/۶۴۳۹۰>

این کشور اعلام کرد القاعده و وهابیون افراطی، در کانون جنگ های داخلی سومالی قرار دارند و تحت هیچ شرایطی حاضر به گفت و گو و تقریب نیستند.^(۱)

۱۱. اعلام تأسیس گروه سَری برای حمله به مسلمانان شیعه موریتانی

رشد گرایش به مکتب اهل بیت علیهم السلام در موریتانی، موجب نگرانی متعصبان و انجمن های تکفیری شده است؛ از جمله «محمد الحسن ولد الددو»، از چهره های افراطی سلفی موریتانی درباره آنچه آن را «خطر امتداد و افزایش نفوذ شیعیان در موریتانی» نامید، هشدار داد. همچنین سلفی ها به تشکیل کنفرانس ضد شیعه در موریتانی اقدام کردند. عمر فتح، دبیر کل این کنفرانس ادعا کرد: تلاش های گسترده ای برای انتشار تفکر شیعی در موریتانی در حال انجام است. از طرف دیگر، سلفی های افراطی به تأسیس یک گروه سَری اقدام کرده اند که شب و روز برای مبارزه با مکتب شیعه تلاش کند و با اهانت به شیعیان، اظهار داشته اند که با تمام قوا در مقابل نشر تشیع خواهند ایستاد. این در حالی است که نخبگان شیعه در این کشور، از جمله «شیخ احمد یحیی ولد بلال»، متعصبان این کشور را به مذاکره و گفت و گویی مسالمت آمیز فرا خواندند.^(۲)

۱۲. ترورهای برنامه ریزی شده نخبگان مسلمان شیعه در کشورهای غربی

الف) آمریکا

ترور نخبگان شیعه آمریکایی موضوعی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت؛ از جمله چندی پیش خبر شهادت مالکوم شباز، جوان مسلمان شیعه آمریکایی،

ص: ۶۶۰

۱- (۱) منبع: پژوهش نامه ره آورد ایسکو. Ir . isco. isc. همچنین گزارش دیدار دبیر کل مجلس اعلای اهل بیت علیهم السلام سومالی با رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشانی گزارش در فضای مجازی: . . http://www. bou. ir/port /Home/ShowP e. px?Object = NewsC egor yID

۲- (۲) گزارش رسانه ها از اقدامات شیعه ستیزانه سلفی ها در موریتانی و مواضع وحدت گرایانه شیعیان این کشور؛ ر. ک: پیشنهاد شیعیان موریتانی به اهل سنت، نشانی در فضای مجازی: ۲۲۰۰۱ = www. shi online. ir/ ticle. p?id

در کشور مکزیک به سرعت پیچید. مالکوم ایکس، پدر بزرگ مالکوم شباز، مؤثرترین مبارز مسلمان آمریکایی در قرن ۲۰ به شمار می رود. مالکوم شباز، زمانی که برای حضور در جشنواره فیلم فجر قصد خروج از آمریکا به ایران داشت، به دست مأموران اف بی آی دستگیر شد و سپس به شهادت رسید. مالکوم شباز برای ادامه دروس حوزوی در حوزه علمیه قم برنامه ریزی کرده بود. به نظر می رسد مقامات آمریکایی نمی خواستند نوه یک مبارز مسلمان آمریکایی که هنوز در یاد و قلب سیاهپوستان است، به عنوان یک جوان حوزه رفته و شیعه، از ایران به آمریکا برگردد. (۱)

(ب) ایتالیا

صهیونیست ها در ایتالیا، همانند کشورهای غربی دیگر، از موقعیت سیاسی و مالی بالایی برخوردارند. لذا نخبگان شیعه، ولو در معروف ترین موقعیت های اجتماعی، از سوء قصد آنها مصون نیستند؛ از جمله آنها، مستبصر معروف ایتالیایی، ادواردو آنیلی بود. (۲) وی فرزند سناتور «جیوانی آنیلی»، ثروتمندترین مرد ایتالیا به شمار می رفت (۳) که در رشته ادیان و فلسفه شرق، از دانشگاه پرینستون ایالات متحده، با اخذ درجه دکتری فارغ التحصیل شد و با مطالعه قرآن و کتاب های مذهبی به اسلام و تشیع گروید و پس از شیعه شدنش، اسمش را به مهدی تغییر داد. وی چند نوبت به ایران سفر کرد و با حضرت امام رحمه الله، آیت الله خامنه ای و آقای هاشمی رفسنجانی دیدار کرد و به زیارت امام

ص: ۶۶۱

۱- (۱) گزارش رسانه ها درباره شهادت مالکوم شباز؛ ر. ک: ترور نوه مالکوم ایکس پیش از سفر به ایران، نشانی در فضای مجازی: <http://www.ews.com/news/۲۶۱۸۸۷> ک

۲- (۲) .EDO DO NELLI

۳- (۳) میزان ثروت و نفوذ خانواده آنیلی به حدی است که رسانه های ایتالیا از آنها به عنوان خاندان پادشاهی ایتالیا نام می برند. کارشناسان اقتصادی نیز درآمد سالانه خانواده آنیلی را بالغ بر شصت میلیارد دلار تخمین می زنند که سه برابر درآمد نفتی جمهوری اسلامی ایران است.

رضا علیه السلام نیز نایل شده بود. برای خانواده آنیلی خیلی سخت بود که در ایتالیا که مرکز مسیحیت کاتولیک است، اعلام شود پسر سناتور آنیلی، به اسلام و تشیع گرویده است. بنابراین ادواردو را به شدت تحت فشار قرار دادند تا از اسلام دست بردارد. حتی او را از ارث محروم کردند. آنها «جان الکان» خواهرزاده ۲۲ ساله وی را به جانشینی پدرش انتخاب کردند که یک یهودی صهیونیست بود. ادواردو نگران سوء قصد از سوی صهیونیست ها بود و به دیپلمات ایرانی، قدیری ایبانه، گفته بود که آنها او را به خاطر اسلام آوردنش خواهند کشت و قتل او را به خودکشی، حادثه غیر مترقبه یا بیماری نسبت خواهند داد. وی نهایتاً ۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۰ م (۲۴ آبان ۱۳۷۹ ه. ش) توسط عوامل صهیونیست به شهادت رسید. (۱)

ج) فرانسه

دولت فرانسه همواره به اسلام و تشیع نگاه امنیتی داشته و چه بسا از قتل نخبگان شیعی ابا نکرده است؛ از جمله قتل عام سعد الحلی، دانشمند شیعه عراقی و خانواده اش در فرانسه در روز روشن و در خانه خود بود که بیشتر به ترورهای موساد شباهت داشت. (۲)

ص: ۶۶۲

۱- (۱) جسد بی جان وی زیر پل «ژنرال فرانکو رومانو» پیدا شد و ظاهر قضیه نشان می داد که وی از روی پل به پائین پرت شده است. گزارش رسانه ها از شهادت ادواردو آنیلی از جمله سرویس سیاسی خبرگزاری مهر؛ ر. ک: مقاله «ادواردو آنیلی کیست؟»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.teby.net/newmobile.px/Comment/index.px?pid=۳۲۹۳۶>

۲- (۲) گزارش خبرگزاری ها با عنوان «قتل مرموز یک دانشمند شیعه، این بار در فرانسه»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۴۱۲۵۹> ک: «موضوع قتل چهار عراقی در شرق فرانسه به پرونده ای بین المللی تبدیل شد»، نشانی در فضای مجازی: <http://kh online.ir/det l/۲۴۱۸۳۱/root/others>

صهیونیست ها، منطقه آمریکای لاتین به ویژه آرژانتین را حیاط خلوت خود می دانند. لذا حضور شیعیان را برنمی تابند؛ از جمله در سال ۱۳۸۳ ه. ش واقعه غمبار قتل مبلغ جوان ایرانی در گویان آمریکای لاتین اتفاق افتاد. حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدحسن ابراهیمی، امام جمعه جرج تاون، پایتخت گویان، در چهاردهم فروردین ۱۳۸۳ ه. ش، در ۳۷ سالگی، از مقابل کالج محل تدریس خود ربوده شد و ۳۴ روز بعد، ۱۷ اردیبهشت، پیکر خون آلودش را درحالی که آثار شکنجه های بسیار در آن آشکار بود، در ۴۶ کیلومتری جرج تاون، در یک گودال یافتند. مجموعه مکاتبات باقی مانده از خود شهید نشان می دهد که عوامل موساد، ایشان را ربوده و به شهادت رسانده اند.^(۱)

ص: ۶۶۳

۱- (۱) ر. ک: مقاله «در باغ شهادت... این بار در امریکای لاتین»، نشانی در فضای مجازی: <http://hnews.ir/component/content/ticle/۴۷۷۳.html>

فصل پانزدهم: رکوردهای تاریخی نسل کشی و جنایت علیه شیعیان

اشاره

ص: ۶۶۵

گفتار اول: مسلمانان شیعه بزرگ ترین قربانی تفتیش عقاید از ابتدا تا کنون

۱. سابقه تفتیش عقاید در عالم مسیحیت و اسلام

تفتیش عقاید (۱) یعنی بازرسی و تفحص در باورهای افراد و به اعمالی گفته می شود که مردم از سوی یک صاحب قدرت، به دلیل باورهای خود بازخواست می شوند، مشهورترین آن، تفتیش عقاید در اروپای مسیحی، در سده های میانه، توسط دستگاه کلیسا بود. متهمان بسیاری در دادگاه های تفتیش عقاید به ارتداد و شرک متهم می شدند و کلیسا عقاید آنها را به مجازات های گوناگون محکوم و گاه به صورت غیر انسانی اعدام می کرد. (۲) از قرن چهاردهم تا قرن نوزدهم که ماشین کشتار تفتیش عقاید برپا بود، میلیون ها نفر به قتل رسیدند و اکنون در غرب، پس از قرن ها کشتار، مناقشات و محاورات مذهبی، فقط در آکادمی ها بین تنولوژیست ها صورت می گیرد؛ چراکه با افول قدرت کلیسای کاتولیک، دیگر قدرت پیشین را ندارند و به همین دلیل استفاده ابزاری کلیساها از شکنجه متوقف شده است. (۳) در عالم اسلام یکی از موارد بارز تفتیش عقاید،

ص: ۶۶۷

۱- (۱) .Inquisition

۲- (۲) تفتیش عقاید، دبورا بکرش؛ ر. ک: «تفتیش عقاید» نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی:
<http://en.wikipedia.org/wiki/Inquisition>

۳- (۳) تاریخ تفتیش عقاید، فرانکو مارتینلی، ترجمه ابراهیم صدقیانی، ص ۳۹۰؛ ر. ک: «تفتیش عقاید The Inquisition»
محمدضیاء توحیدی، نشانی با ارجاعات الکامل در فضای مجازی: <http://www.poohe.com> ک http://www.poohe.com/index.php?Pe ک d= ۳۹۴۵۹ .initionUID

نزاع خلقت یا قدم قرآن بود. (۱) این بحث همچنان بین دو گروه مطرح بود تا آنکه «مأمون» به آن دامن زد و آتش اختلاف را شعله ورتتر کرد. (۲) سپس قدرت دولت را برای سرکوبی مخالفان این نظریه به کار گرفت. (۳) این کار در واقع نوعی تفتیش عقاید بود و در تاریخ، به «محنه القرآن» (۴) مشهور شد. (۵) امامان شیعه که رهبری اندیشه اصیل اسلامی را به عهده داشتند، با تبیین موضع اصولی و هدایتگرانه، مسلمانان را از وارد شدن در چنین بحث و جدل های بیهوده ای برحذر می داشتند. ریّان بن صلت به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «نظر شما درباره قرآن چیست؟». فرمود: «قرآن کلام خداست، همین! در این باره بیش از این بحث نکنید که گمراه می شوید». (۶)

۲. تفتیش عقاید و قتل و شکنجه به دلیل گرایش به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

الف) قتل به دلیل عقیده به افضلیت حضرت علی علیه السلام و عدم لعن ایشان (محنه اللعن)

معاویه علاوه بر جنگ های متعدد علیه امام علی علیه السلام، دشمنی را به جایی رساند که سبّ حضرت علی علیه السلام را بر منابر و خطبه ها اجباری کرد؛ به طوری که این رسم زشت تا

ص: ۶۶۸

۱- (۱) به گفته اهل تحقیق، بحث درباره مخلوق بودن قرآن، از اواخر حکومت بنی امیه آغاز شد و نخستین کسی که این بحث را در محافل اسلامی مطرح کرد، جَعْدِ بن درهم، معلم مروان بن محمد، آخرین خلیفه اموی بود. او این فکر را از ابان ابن سمعان و ابان نیز از طالوت بن اعصم یهودی فرا گرفته بود. جَعْدِ پس از طرح این بحث، تعقیب شد و به کوفه گریخت. در آنجا این نظریه را به «جَهْم بن صفوان ترمذی» منتقل کرد: «ماجرای محنه القرآن» نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی:

<http://m.em.ir/Mr?typei=۲۵۴۶۲۲&mid=۰&lid=۲۵۵۱۶&id=۲۵۵>

۲- (۲) تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه علی جواهر کلام، ج ۳، ص ۲۱۴.

۳- (۳) الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۴۲۳؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۳۰۸.

۴- (۴) محنه به معنای آزمایش.

۵- (۵) تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۲۱۵. همچنین ر. ک: تاریخ الخلفاء، سیوطی، صص ۳۰۶-۳۱۲؛ ضحی الاسلام، احمد امین، ج

۳، صص ۱۵۵-۲۰۷؛ بحوث فی الملل و النحل، جعفر السبحانی، ج ۲، صص ۲۵۲-۲۶۹.

۶- (۶) التوحید، صدوق، ص ۲۲۴.

زمان عمر بن عبدالعزیز، به مدت شصت سال، رواج داشت. (۱) افرادی که مایل بودند منصبی را در مملکت پهناور اسلامی آن روز بگیرند، با لعن بر آن حضرت امتحان می شدند و اگر کسی از عمال معاویه و بعدها بنی امیه از لعن امام علی علیه السلام خودداری می کرد، او را عزل می کردند. علاوه بر آن، در طول مدت این شصت سال، مسلمانان زیادی بین لعن یا مرگ دردناک مخیر شدند. معاویه حتی به صحابه ای که از لعن خودداری کردند رحم نکرد؛ قتل عام مرج عذرا و شهادت حجر بن عدی نمونه ای از آن بود. بنی امیه با طرح و گسترش چنین حرکت زشت و ناجوانمردانه ای، آزار، کشتن و اسارت خاندان علوی و دوستان آنها را برای هواداران خویش امری ساده و حتی مورد رغبت و پسندیده می ساختند. (۲) آنها لعن علی علیه السلام را به خاندان پیامبر و اصحاب هوادار ایشان سرایت دادند. طبری در این باره می نویسد: «هنگامی که معاویه قنوت می گرفت، علی علیه السلام و ابن عباس و مالک اشتر و حسن و حسین علیهما السلام را لعن می کرد». (۳)

این دوره را باید محنه اللعن نامید که به مراتب از دوره محنه القرآن سخت تر بود. تعداد افرادی که در این دوره به قتل رسیدند یا شکنجه و آواره شدند، بسیار است؛ تنها حجاج که استاندار اموی بود، ۱۲/۰۰۰ نفر را در غیر از میدان جنگ کشت. گناه معمول آنها داشتن عقاید شیعی یا عقایدی غیر از اعتقادات رسمی امویان بود.

ص: ۶۶۹

۱- (۱) ر. ک: المسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۶۹؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، ص ۳۲؛ فتح الباری، ابن حجر، ج ۷، ص ۵۷؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۱؛ «ابوعثمان جاحظ می گوید: گروهی از بنی امیه به معاویه گفتند: «تو به آنچه خواستی رسیدی، دیگر از لعن علی دست بردار!» پاسخ داد: «نه به خدا سوگند! باید آن قدر این کار ادامه یابد، تا کودکان با آن بزرگ شوند و بزرگسالان با آن پیر گردند و هیچ کس فضیلتی برای علی نگوید!» به هر حال، با این برنامه، لعن علی علیه السلام و خاندان وی به صورت یک سنت درآمد و هفتاد هزار منبر در عصر امویین در سراسر کشور اسلامی، نصب شد و بر فراز آنها، علی علیه السلام را لعن می کردند. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۵۷ و الغدیر، ج ۲، ص ۱۰۲؛ ربیع الابرار، زمخشری، ج ۲، ص ۱۸۶ (مطابق نقل الغدیر، ج ۱۰، ص ۲۶۶).

۲- (۲) عاشورا، ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، ص ۱۸۳.

۳- (۳) تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۲.

ب) تفتیش عقاید و قتل عالمان و ادیبان دارای معتقدات شیعی

تعداد دانشمندان اسلامی که به بهانه عقاید شیعی محاکمه شده اند به مراتب بیشتر از قربانیان دانشمند تفتیش عقاید، در دنیای مسیحیت است. علامه امینی رحمه الله در کتاب شهداء الفضیله، تعداد ۱۲۰ نفر از این بزرگان علمی را که به دلیل تشیع به قتل رسیده اند، نام برده است. همچنین آیت الله مرعشی نجفی در کتاب «اخبار العلویین من العلماء» به تعداد زیادی از آنها اشاره کرده است.

ج) تفتیش عقاید سادات در دوره های متعدد

شواهد تاریخی متعددی از تفتیش عقاید خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در دوره های متعدد حکایت می کند که به برخی از آنها در فصل های پیشین اشاره شد. از جمله عثمانی ها با مسیحیان و یهودیان رفتار مناسبی داشتند و هیچ گاه رفتاری را که با سادات و مسلمانان داشتند با کافران یهودی، مسیحی و حتی فرقه های دست ساخته استعمار، نظیر بهایی، نداشتند؛ به همین دلیل برخی نقاط مسلمان نشین، با سیاست قتل عام و فشار عثمانی ها، به اکثریت مسیحی نشین تبدیل شدند که هنوز نیز جهان اسلام از این خیانت عثمانی ها رنج می برد. مهدی در این باره معتقد است آنچه درباره خاندان های شیعی و بحث تقیه مهم است، این است که در دوره عثمانی، منطقه جبل لبنان که اکثریت مسیحی مارونی دارد، دارای اکثریت جمعیت شیعه بود. عثمانی ها درباره شیعیان بسیار سختگیری می کردند. فشار و قتل عام و تکفیر شیعیان از سوی عثمانی ها باعث شده بود که شیعیان به «تقیه» متشبث شوند تا از فشار عثمانی رهایی یابند. لذا سبب باعث شده بود که شیعیان، خود را مسیحی معرفی کنند؛ چراکه دولت عثمانی، مسیحیان را اهل ذمه می دانستند و کمر به قتل آنها نمی بستند. اما شیعیان، رافضی و مرتد شناخته می شدند. بسیاری از خانواده های شیعی برای در امان ماندن از قتل عام، خود را مسیحی معرفی می کردند که تاکنون مسیحیت در درون بسیاری از این خانواده ها تداوم یافته است؛ برای

مثال خانواده «حسینی» در منطقه مارونی، به رغم اینکه شیعه و سید بوده اند، در حال حاضر در زمره خانواده های معروف مارونی هستند یا خانواده «هاشم» هم از این زمره هستند.^(۱)

۳. تفتیش عقاید مسلمانان معاصر، توسط مراکز دولتی، در خصوص اعتقادات شیعی

به رغم رشد جوامع انسانی و گسترش آزادی عقیده و بیان، هنوز در برخی از کشورهای اسلامی، تفتیش عقاید قرون وسطایی در خصوص اعتقادات شیعی رواج دارد. در بیشتر کشورهای عربی، آن چنان فضای سنگین امنیتی علیه شیعیان ایجاد کرده اند که حضور میلیون ها شهروند شیعه آن کشورها را در عرصه های مهم سیاسی کشور عملاً غیرممکن ساخته اند.^(۲) این در حالی است که شهروندان مسیحی، یهودی، لائیک و... به راحتی در مسئولیت های کلان کشوری قرار می گیرند. در کشور مالزی، مکاتبی که در مشرک بودن آنها تردیدی نیست، مانند هندوها و بودایی ها آزادی بیان و عقیده دارند و معابد خاص خود را بنا می کنند. این در حالی است که شیعیان مالزی حتی پلیس خاصی را برای برخورد دارند. این پلیس مذهبی که جایپ نام دارد، یکی از مهم ترین وظایفش، تفتیش عقاید است.

در ترکیه سال هاست مکاتب غربی آزادانه عقاید خود را مطرح کرده و رسانه های خاص خود را دارند. دولت نیز از ترس متهم شدن به نقض حقوق بشر، با آنها برخورد حذفی ندارد. اما درباره شیعیان سخت ترین سرکوبی ها و حملات رسانه ای را اعمال می کند.

در مصر محمد مرسی اعلام کرد: «هرکس کتاب شیعی داشته باشد، با او برخورد

ص: ۶۷۱

-
- ۱- (۱) شیعیان در سرزمین مذاهب، گفت و گو با محمدعلی مهتدی پژوهشگر مسایل خاورمیانه درباره جایگاه شیعیان در تحولات سیاسی و اجتماعی لبنان: نشانی در فضای مجازی: [http://www. mehrn eh. ir/ ticle/۱۷۹۵](http://www.mehrn eh. ir/ ticle/۱۷۹۵)
 - ۲- (۲) ر. ک: شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، گراهام ای فولررند رحیم فرانکه، مترجم خدیجه تبریزی، مؤسسه شیعه شناسی، قم، نوبت چاپ: شماره اول ۱۳۸۴ ه. ش.

می شود!» وی قصد داشت با این سخنان، دلارهای بیشتری از سعودی ها جذب کند. غافل از اینکه همان سعودی ها با طرح ریزی و کمک اسرائیل، علیه او کودتای ژنرال سیسی را سامان دادند.^(۱)

۴. تفتیش عقاید مسلمانان شیعه توسط گروه های تروریستی تکفیری

تفتیش عقاید یکی از راه های فشار گروه های تروریستی تکفیری بر شیعیان است. ناصر العمر، یکی از مفتی های تروریستی، به هواداران خود چنین توصیه می کند: «خانه های آنها را تفتیش کنید و کتاب های شرک آلود آنها را از بین ببرید»^(۲). بر همین اساس، تکفیری ها خصوصاً در عراق و سوریه، راه بر افراد می بستند و در صورت غیر مطابق بودن اعتقادات آنها با عقاید تروریست ها، آنها را می کشتند؛ از جمله در ۲۵ آگوست ۲۰۱۳ م، یک قطعه فیلم ویدیویی از جنایت وحشتناک گروه داعش، به رهبری وهیب الفهداوی، در رسانه های مجازی منتشر شد که نشان می داد یک گروه مسلح، سه نفر از رانندگان کامیون های سوریه را در عراق اعدام می کنند. در این فیلم فهداوی به کارت شناسایی آنها که نام علی بر آن نقش داشت، اشاره کرده، آن گاه هر سه نفر را به قتل رسانده، کامیون های آنها را به آتش می کشد.^(۳)

گفتار دوم: شیعیان، بزرگ ترین قربانی تخریب اماکن مقدس و مذهبی

اولین تخریب بنای مربوط به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله تخریب بیت الا-حزان حضرت فاطمه علیها السلام به دست هواداران خلیفه اول بود. آنها این بنای بسیار مختصر را منافی منافع

ص: ۶۷۲

۱- (۱) . <http://m.hinii.p.siblog.com/Posts/1489> /Egypt Inquisition

۲- (۲) «فتوهای عجیب تکفیری ها؛ از جشن گرفتن در عاشورا تا خوردن گوشت جن»، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi.news.com/news/69904>

۳- (۳) واحد مرکزی خیر، عنوان گزارش: القاعده نسخه جدیدی از ابومصعب الزرقاوی را در عراق رونمایی کرد، نشانی در فضای مجازی: <http://www.uir.com/NewsCler/News/Content>

خود می دیدند و در طول تاریخ، پس از هر بازسازی، دوباره گروه هایی به تخریب آن اقدام می کردند.^(۱) جای دیگری که حضرت زهرا علیها السلام برای زیارت به آنجا می رفت، مزار شهدای احد بود. آن بانو اولین کسی بود که قبر حمزه سیدالشهدا علیه السلام را تعمیر کرد. ولی بعدها معاویه، به بهانه احداث نهر انتقال آب، آنجا را تخریب کرد که با آشکار شدن اجساد تازه شهدا و ترس از شورش عمومی، آن کار را ادامه نداد.^(۲) بعدها متعصبان به محل دفن سادات و ائمه شیعه بارها تعرض کردند. به اندازه ای به محل دفن امام حسین علیه السلام در کربلا حمله شده است که خود، اثر جداگانه ای را می طلبد. تخریب کربلا، از هارون و متوکل گرفته تا وهابیان و صدام را شامل می شود. در هر حمله برای تخریب این مکان مقدس، تعدادی از شیعیان بی گناه به قتل می رسیدند. محل دفن حضرت علی علیه السلام، از ترس تعرض متعصبان و خوارج، سال ها مخفی نگه داشته شد؛ چنان که پس از آشکار شدن و تأسیس شهر نجف، بارها به آن تعرض شد.

محل دفن امام موسی بن جعفر علیه السلام و امام محمد بن علی الجواد علیهما السلام در کاظمین نیز از دیرباز مورد کینه حنابله بغداد بود؛ به طوری که حتی یک بار، حنابله متعصب بغداد، به قصد نبش قبر آن دو امام به آن مکان ریختند. ولی به اشتباه دو قبر دیگر را نبش کردند.

محل دفن دو امام دیگر شیعه در سامراء نیز از کینه متعصبان در امان نبود و آخرین تخریب آن در سال ۱۳۸۶ ه. ش انجام شد که با انفجارهای متعدد و قتل زائران بی گناه همراه بود.

ص: ۶۷۳

۱- (۱) ر. ک: اخبار المدینه النبویه (تاریخ مدینه منوره)، ابن شبه نمیری، صص ۱۷۳-۲۶۲؛ تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۷؛ رحله ابن جبیر، ص ۱۹۶؛ همچنین ر. ک: بیت الاحزان یک حقیقت فراموش ناشدنی...، محمدصادق نجمی، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.h z .net> ک m ine/m t/۴۷۸۹/۶۴۳۴/۷۳۴۰۶

۲- (۲) ر. ک: الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۰؛ المنتظم فی تاریخ الملوک والأئمه، ج ۳، ص ۱۸۳، صفه الصفوه، ابن جوزی حنبلی، ج ۱، ص ۳۷۷؛ کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج ۲۱، ص ۶۱، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ر. ک: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، «مقاله نبش قبور شهدا و صحابه از سنت های معاویه»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.v i r- .com> ک index.php

به محل دفن چهار امام شیعه در قبرستان بقیع هم بارها تعرض شده است که یک بار وهابی ها به طور کامل آن را تخریب و با خاک یکسان کردند. پس از تخریب دوم، حاکمیت سعودی دیگر اجازه بازسازی آن را نداد. علاوه بر آن تعدادی از متعصبان عرب، افغانی و پاکستانی را در اطراف آن مستقر کرده تا با توهین و آزار زائران و مسخره کردن عقاید آنان، زائران را از زیارت باز دارند. برخی زائران عراقی را دستگیر و به جرم عقاید دینی، به اعدام محکوم کرده اند. امروزه گروه های تروریستی تکفیری، عالم را درمی نوردند تا مزارهای صحابه، نظیر حجر بن عدی، اویس قرنی، جعفر طیار و اسمر را تخریب کنند.^(۱)

گفتار سوم: شیعیان، بزرگ ترین قربانی سلاح های شیمیایی و کشتار جمعی در دوره معاصر

۱. شیعه ایران، بزرگ ترین قربانی سلاح شیمیایی

بزرگ ترین جنایات شیمیایی جهان در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران رخ داد. رژیم بعث صدام هرگاه شکست می خورد، برای جبران ناکامی خود، دست به دامن سلاح های شیمیایی می شد.^(۲) در واقع عراقی ها نه تنها خط دفاعی رزمندگان ایران را با سلاح های شیمیایی می شکستند، بلکه از طیف گسترده ای از این سلاح ها علیه شهروندان

ص: ۶۷۴

۱- (۱) . <http://www.entekh.ir> . news/۱۶۶۶۳۰

۲- (۲) ایندی پندنت در این باره نوشت: کشورهای غربی که نگران توسعه اسلام مبارز از سوی ایران بودند، اجازه دادند عراق از سلاح های شیمیایی در جنگ علیه ایران استفاده کند. تجهیزات و مواد مورد نیاز برای تولید سلاح های شیمیایی عراق، به وسیله اروپای غربی، شوروی و ایالات متحده تأمین می شد و در اختیار این کشور قرار می گرفت: روزنامه کیهان به نقل از ایندی پندنت، نشانی مقاله در فضای مجازی: [http://chemic-victims.com/Desktop Modules/Articles/ArticlesView Print.aspx](http://chemic-victims.com/DesktopModules/Articles/ArticlesViewPrint.aspx)

غیرنظامی نیز استفاده می کردند؛^(۱) به طوری که اینک سلامتی حدود پانصد هزار نفر از شهروندان ایرانی در معرض خطر قرار دارد. رژیم بعث عراق، ۳۵۰۰ بار به ایران حمله شیمیایی کرد که سی مورد آن در مناطق مسکونی بود. گسترده ترین یورش ناجوانمردانه عراق به قلمروهای مسکونی ایران، ساعت ۱۶، هفتم تیر سال ۱۳۶۶ ه. ش در شهر سردشت، انجام شد که بیش از هشت هزار نفر آسیب های دهشتناکی دیدند، ۱۱۰ نفر در دم جان باختند و نزدیک به ۱۵۰۰ نفر روانه بیمارستان شدند.^(۲) شورای امنیت، در شهریور ۱۳۶۷ ه. ش، قطعنامه ۶۲۰ را تصویب کرد و در آن از مردم ایران به نام قربانی سلاح شیمیایی نام برد و خواستار کنترل صادرات مواد شیمیایی مورد استفاده در ساخت سلاح شیمیایی به عراق شد. اما عملاً هیچ کدام از صادر کنندگان اصلی مواد شیمیایی به عراق و دستوردهندگان غربی آن، محاکمه نشدند. تنها برخی دولت های غربی، تحت فشار افکار عمومی، به محاکمه چند بازرگان اکتفا کردند.^(۳)

۲. قتل عام شیعیان کرد و عرب عراق با سلاح شیمیایی بعثی ها

رژیم بعث عراق، از سال ۱۹۷۴ م، سابقه استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه کردهای این

ص: ۶۷۵

۱- (۱) در نقطه مقابل، یک پژوهش سازمان ملل نشان داد که هیچ گزارش معتبری که نشان دهد ایران نیز در طول این جنگ، سلاح های شیمیایی به کار گرفته باشد، وجود ندارد. بنابراین هرگونه اتهام در این مورد علیه ایران صرفاً در حد ادعا باقی ماند. نشانی پیشین.

۲- (۲) براساس اسناد سیا در سال ۱۹۹۱ م، ایران حدود پنجاه هزار مصدوم شیمیایی متحمل شده است. هرچند از آنجایی که برخی اثرات با گذشت زمان آشکار می شوند، تخمین های کنونی این تعداد را بیش از یکصد هزار مصدوم برآورد می کنند. در این تخمین سازمان سیا، جمعیت غیرنظامی آلوده شده ساکنان شهرهای مرزی یا فرزندان و بستگان مصدومان جنگی که بسیاری از آنها دچار عوارض خونی، ریوی و پوستی شدند، لحاظ نشده است، نشانی گزارش در فضای مجازی:

<http://www.bmsu.ir/Services/ticle/View.px?OId=1399>

۳- (۳) از جمله یک بازرگان هلندی (فرانس فان آنرات) که هزاران تن مواد شیمیایی تهیه و با خود به عراق برده بود و سپس با پشتیبانی اداره اطلاعات هلند از پناهگاه خود (عراق) بیرون رفت و از خانه ای ایمن در هلند سردرآورد. در سال ۲۰۰۴ میلادی به جرم شرکت در نسل کشی، با حضور شاهدانی از مردم حلبچه عراق و ایران، تنها به هفده سال زندان محکوم شد: نشانی گزارش در فضای مجازی:

<http://chemic-victims.com/DesktopModules/ticles/ticlesView.aspx?Printle.px>

کشور را در کارنامه خود داشت. اما بزرگ ترین عملیات شیمیایی علیه کردهای این کشور، انفال نام گرفت. انفال، نام عملیاتی بود که در آن بعثی ها بالغ بر ۱۸۲/۰۰۰ کرد عراقی را قتل عام کردند. در ادامه عملیات انفال، تراژدی حلبچه و ده ها روستای دیگر که به قتل عام ده ها هزار نفر انجامید، کلید خورد همچنین شیعیان مناطق جنوبی عراق، خصوصاً مناطق نینوا و باتلاقی جنوب که به نام اهوار معروف است نیز مورد سرکوب گری شدید صدام با سلاح های شیمیایی قرار گرفتند. هنوز آمار دقیقی از شیعیان قربانی سلاح شیمیایی در شمال و جنوب عراق ارائه نشده است، اما نکته اسفبار، آن است که هنوز بازماندگان رژیم بعث، با مشارکت و همکاری گروه های جنایتکار تکفیری، شیعه عراق را با هر گونه سلاح، از جمله سلاح های ممنوع، هدف می گیرند. برخی منابع خبری در عراق با اشاره به اینکه دولت عربستان درصدد است تا از هر نوع گاز سمی در هر نقطه ای از خاک عراق استفاده کند، اعلام کردند «بندر بن سلطان»، رئیس وقت دستگاه جاسوسی آل سعود، در تلاش است گازهای سمی، به ویژه گاز سارین، را به دست گروه های تروریستی مسلح مستقر در این کشور برساند. (۱)

۳. شیعه سوریه، بزرگ ترین قربانی سلاح شیمیایی به دست تروریست ها

در جریان عملیات تروریستی گروه تکفیری جبهه النصره در «خان العسل» بیش از ۲۲۰ نفر قتل عام شدند تا تروریست ها به وعده خود در خصوص استفاده از سلاح های شیمیایی علیه مردم و دولت سوریه عمل کنند. پیش از این تکفیری ها با انجام آزمایش های شیمیایی روی حیوانات و پخش فیلم آن در فضای مجازی تهدید کرده بودند علیه مردم و نظام سوریه از سلاح شیمیایی استفاده می کنند. توقیف سلاح ها و مهمات شیمیایی متعدد در حومه بانیا و شهر القصیر و توقیف تعدادی از تروریست های جبهه النصره به دست سازمان جاسوسی ترکیه که بمب هایی از ماده سمی سارین را در اختیار داشتند، از جمله

ص: ۶۷۶

۱- (۱) تلاش «بندر بن سلطان» برای وارد کردن گاز سارین به خاک عراق، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی:

شواهد بهره گیری تروریست های تکفیری از سلاح شیمیایی بود. همچنین تحقیقات میدانی خبرگزاری مینت پرس آمریکا در سوریه نشان می دهد، سازمان اطلاعات عربستان، به ریاست بندر بن سلطان، مقادیر زیادی تسلیحات شیمیایی در سوریه، به خصوص در منطقه غوطه شرقی، توزیع کرده است. (۱)

۴. شیعه عراق و لبنان، بزرگ ترین قربانی اورانیوم ضعیف شده توسط آمریکا و اسرائیل

در حقوق بین الملل استفاده از اورانیوم ضعیف شده (۲) جنایت جنگی شمرده می شود. در مطالعات آزمایشگاهی، ثابت شده که این ماده به سلول های انسان آسیب می زند، موجب جهش DN می شود، به سرطان خون و اختلالات ژنتیکی منجر می شود و به وسیله باد، کیلومترها جابه جا می شود. در این صورت نه تنها سربازان جنگی بلکه غیر نظامیان دور از میدان جنگ نیز در خطر آن خواهند بود. فیزیکدانان، اورانیوم ضعیف شده را ماده ای می دانند که تنها نیمی از عمر آن ۴/۵ میلیارد سال برآورد شده است. بنابراین عنوان «قاتل خاموشی که هرگز از کشتن باز نمی ایستد» را از آن خود ساخته است. پوکه ها، بمب ها و موشک های آغشته به اورانیوم ضعیف شده و تنگستن (نوعی ماده شیمیایی) هوا و آب و خاک را به میزان زیادی آلوده می کنند؛ (۳) بر همین اساس، سازمان ملل، ساخت، آزمایش، استفاده، فروش و انباشت تسلیحات اورانیوم ضعیف شده را ممنوع اعلام کرده است. (۴)

ص: ۶۷۷

۱- (۱) العالم، اعتراف تروریست ها به استفاده از سلاح شیمیایی، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: . f
ir/news/۱۵۱۱۶۶۸

۲- (۲) . Depleted Uranium = DU

۳- (۳) دکتر دوگ راوکه، مدیر سابق پروژه استفاده از اورانیوم ضعیف شده در پنتاگون می گوید: «هیچ راهی برای پاک سازی منطقه آلوده به اورانیوم وجود ندارد». نشانی مقاله با مستندات در فضای مجازی: <http://vist.ir/ticle/۳۰۴۶۸۳>

۴- (۴) گوردون داف، کارشناس هسته ای، می گوید: «امریکا حدود ششصد سلاح کوچک هسته ای تولید کرده است که برخی از آنها از توپ فوتبال نیز کوچکترند. قابلیت هسته ای آنها از یک تن تی ان تی تا چهل تن تی ان تی است.

شواهدی موجود است که تأیید می کند آمریکا، انگلیس و اسرائیل از این تسلیحات در عراق، افغانستان و لبنان استفاده می کردند. آمریکا در سال ۲۰۰۳ م، هزاران بمب حاوی اورانیوم ضعیف شده را در شهرهای عراق فرو ریخت و هزاران نفر را کشت. براساس برآوردهای بین المللی، با این بمباران ها، آمریکا بیش از صدها تن اورانیوم ضعیف شده را در سراسر عراق پخش کرد.^(۱) وزارت دفاع انگلیس نیز اعلام کرد که نیروهای آمریکایی و انگلیسی، در جریان حمله سال ۲۰۰۳ م به عراق، از اورانیوم ضعیف شده استفاده کرده است.^(۲) این اعتراف در حالی منتشر می شود که وزارتخانه های علوم، بهداشت و محیط زیست عراق، اعلام کردند که مردم شهرهایی نظیر نجف، بصره و فلوجه، طی پنج سال گذشته، آمار بالایی در ابتلا به سرطان و تولد نوزادهای ناقص الخلقه داشته اند. براساس گزارش ها در بیش از چهل شهر عراق، آلودگی به تشعشعات اورانیوم ضعیف شده

ص: ۶۷۸

۱- (۱) بر اساس گزارشی که یک گروه صلح طلب هلندی، موسوم به «آی کی وی پکس کریستی» IKV P Christi سال جاری میلادی منتشر کرد مشخص شد بیش از سیصد منطقه در عراق هنوز به این ماده سمی آلوده است: نشانی گزارش با مستندات در فضای مجازی: <http://www.jnews.com/vdc>

۲- (۲) ویلیام فاکس، وزیر دفاع انگلیس، در پاسخی مکتوب به مجلس نمایندگان انگلیس نوشت: «نیروهای انگلیسی حدود ۹/۱ تن از تجهیزات آغشته به اورانیوم ضعیف شده در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ م استفاده کردند»: نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.snews.com/newstext.php?nn=۸۹۰۵۰۱۰۷۰۴>

بالاست؛(۱) در بیمارستان های نجف، شیوع سرطان از آنفولانزا بیشتر است.

طبق شواهد بسیاری، استفاده از این ماده در لبنان نیز تأیید شده است.(۲) روزنامه ایندی پندنت فاش کرد: «در جریان جنگ اسرائیل علیه لبنان رژیم صهیونیستی، از سلاح های حاوی اورانیوم استفاده کرده است». روزنامه ایندی پندنت انگلیس فاش کرد: «براساس بررسی کارشناسان انگلیسی روی نمونه هایی از حفره های بمب های اسرائیلی، به وجود تشعشعات گسترده ای پی برده اند».(۳) ایندی پندنت افزود: «نمونه برداری هایی که از دو حفره ایجاد شده در اثر بمب های اسرائیلی در شهرهای الخیام و الطیری در جنوب لبنان انجام شده، برای بررسی دقیق تر به آزمایشگاه هارویل، واقع در منطقه آکسفورد شیر، در جنوب انگلیس فرستاده شده است. هنوز آثار آن مشخص نشده است؛ چراکه چند سال باید بگذرد تا همانند عراق، آثار آن بر بدن کودکان ناقص الخلقه و بی گناه لبنانی دیده شود.(۴)

همچنین آثار استفاده از اورانیوم ضعیف شده توسط آمریکا، در شهرهای افغانستان، از جمله مناطق شیعه نشین، به صورت نقص های جدی در کودکان افغان نمایان شده است. دکتر محمد داوود میرکی، نویسنده کتاب «افغانستان پس از دموکراسی: داستان های ناگفته به روایت تصویر»، با مستندات فراوان و غیرقابل انکاری ثابت کرده است که آمریکا از اورانیوم ضعیف شده در افغانستان استفاده کرده و می کند و کودکان

ص: ۶۷۹

۱- (۱) گزارش خبرگزاری فارس، تأثیر اورانیوم تا سه نسل آینده بر کودکان عراقی، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: www.ksnews.com/print/le.php?nn=8905040030

۲- (۲) روبرت ویسک یکی از روزنامه نگاران معروف انگلیسی اظهار کرد: عکسی که از انفجار یکی از بمب ها در جنوب لبنان گرفته شده نشان دهنده متصاعد شدن دود غلیظ ناشی از سوختن اورانیوم است.

۳- (۳) گزارش آنا به نقل از الجزیره.

۴- (۴) استفاده اسرائیل از سلاح های حاوی اورانیوم در لبنان، نشانی گزارش با مستندات: <http://www.militarynews.com/print/121.html>

افغانی که متولد می شوند، دچار نقص های جدی هستند. وی در ادامه خاطرنشان می کند که نظامیان آمریکایی هنوز هم از این مهمات استفاده می کنند. (۱)

۵. شیعه بحرین، بزرگ ترین قربانی استفاده از تسلیحات سمی

کاربرد گسترده گاز سمی از سوی رژیم بحرین، در طی انقلاب مردم این کشور، از فوریه ۲۰۱۱ م گسترده تر شد. مراکز حقوق بشر اعلام کرده اند: در خیابان های بحرین سلاحی که به صورت گسترده استفاده می شود، نوعی گاز سمی اشک آور است (۲) که فقط برای پراکنده کردن مردم به کار نمی رود، بلکه از آن به منظور سلاحی کشنده استفاده می کنند. مأموران به طور عمد، کپسول این گاز سمی را به قسمت فوقانی بدن افراد غیر نظامی شلیک می کنند که بیشتر کشته شدگان، سالخوردهگان و افراد معلول اند. این گاز حتی به داخل منازل مردم نیز شلیک شده و بسیاری از زنان باردار نیز سقط جنین کرده اند. مرکز حقوق بشر بحرین، از درخواست رژیم آل خلیفه از کشورهای خارجی در سال ۲۰۱۳ م برای دریافت ۱/۶ میلیون گلوله گاز اشک آور، یعنی برای هر بحرینی یک

ص: ۶۸۰

۱- (۱) نشانی گزارش با مستندات در فضای مجازی: <http://www.gh telex.com/best-news> کک۳ همچنین ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، اورانیوم ضعیف شده، بلای جان افغان ها، کد خبر: ۳۰۹۵۲، تاریخ انتشار: ۱۱ بهمن ۱۳۹۰ ه. ش - ۱۵:۵۶، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi news.com> کک ۳۰۹۵۲/news

۲- (۲) «پل آدریان ریموند»، نویسنده معروف، معتقد است: «فعالان و طرفداران دموکراسی همواره خواستار توقف ارسال محموله های گاز اشک آور به بحرین شده اند؛ زیرا نظامیان آل خلیفه از آن به عنوان سلاحی ضد بشری استفاده می کنند. این نویسنده غربی با اشاره به قربانیان این گاز می نویسد: «سید هاشم سعید پانزده ساله، یکی از قربانیان به کارگیری این گاز بود. وی هنگام یورش نظامیان رژیم به یکی از مناطق شهر «حمد» از سوی آنها تعقیب شد و از نزدیک و قسمت فوقانی بدن مورد اصابت گلوله گاز اشک آور قرار گرفت و بر زمین افتاد. در واقع هاشم، یکی از ۳۹ بحرینی بود که در اثر به کارگیری گاز اشک آور، از ابتدای انتفاضه در این کشور کوچک خلیج فارس، به شهادت رسید». پایگاه خبری تحلیلی جهان نیوز، عنوان: سلاح مرگبار نظامیان آل خلیفه علیه بحرینی ها، بهمن ۱۳۹۲ ه. ش ساعت ۱۲:۵۰، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://j news.com/vdcevo8xvjh8xei.b9bj.html>

گلوله، خبر دادند. همچنین آل خلیفه نوعی سلاح جدید و ناشناخته را علیه معترضان شرکت کننده در تظاهرات منطقه «ستره» به کار برد که به صورت بمب های صوتی است و زخم های عمیق و آزاردهنده ای ایجاد می کند. استفاده از این گونه سلاح های غیرمجاز تاکنون تعداد زیادی از مردم بحرین را به شهادت رسانده است. (۱)

از نظر حقوق بین الملل، کاربرد عوامل خفه کننده و سمی به منظور کنترل آشوب های داخلی و سرکوب اعتراض های مدنی، ممنوع است. براساس کنوانسیون سلاح های شیمیایی مصوب ۱۹۹۲ م، عوامل خفه کننده و سمی از جمله سلاح های شیمیایی هستند که کاربردشان در همه شرایط ممنوع است. (۲)

۶. مسلمانان شیعه، بزرگ ترین قربانیان بیوتروریسم

بیوتروریسم، عملی مجرمانه است که در آن، تسلیحات بیولوژیکی و شیمیایی علیه شهروندان و غیرنظامیان استفاده می شود. عاملان عمدتاً از میکروارگانیزم ها، همچون باکتری، ویروس و قارچ یا از سموم ناشی از این میکروارگانیزم ها در تسلیحات تروریستی خود استفاده می کنند. بیوتروریسم از این جهت بسیار خطرناک است که پس از انجام عمل تروریستی یا تماس با آن، نمی توان به راحتی آن را حذف یا درمان کرد. بسیاری از تروریست ها از این عامل برای حذف مخالفان و برای اثرگذاری بر دستگاه تنفس یا در مواد آشامیدنی و غذا استفاده می کنند. با وجود اینکه کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، از بیوتروریسم برای اتهام زنی به گروه های تندرو استفاده می کنند،

ص: ۶۸۱

۱- (۱) . <http://www.sedeshi.com/showdpd>

۲- (۲) دولت بحرین در سال ۱۹۹۳ م درباره امضای این کنوانسیون اقدام نموده و در تاریخ ۱۹۹۷/۴/۲۸ م نیز آن را تصویب کرده است. بر این اساس، تعهدات کنوانسیون مذکور از تاریخ ۱۹۹۷/۴/۲۹ م برای بحرین لازم الاجرا شده است. استفاده بحرین از عوامل سمی و خفه کننده علیه معترضین، ناقض تعهداتی است که این دولت بر اساس ماده ۱ این معاهده بین المللی متقبل شده است. ماده ۱ این معاهده، نه تنها استفاده از عوامل شیمیایی سمی را در کلیه شرایط منع کرده، به صورت ویژه بر منع استفاده از عوامل کنترل شورش به عنوان وسیله ای جنگی نیز تأکید و تصریح نموده است.

بزرگ ترین استفاده کنندگان، همان سازمان های اطلاعاتی کشورهای قدرتمند غربی و رژیم صهیونیستی اند که از این راه برای حذف بی سر و صدا و بدون رد پای رقبا و مخالفانشان بهره می برند. منابع خبری اعتقاد دارند که استفاده از مواد بیولوژیک مرگ آور، مرگی تدریجی و بی سر و صدا به همراه دارند که در موساد و شبکه های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی رواج دارد.^(۱)

در سال های اخیر تعداد زیادی از نخبگان، علما و مردم عادی شیعه، قربانی سلاح بیولوژیک شده اند؛ برای مثال پزشکان علت مرگ سید عبدالعزیز حکیم، رئیس مجلس اعلای عراق را سرطان ریه ای اعلام کرده اند که ناشی از یک پدیده خارجی بوده است.^(۲) به خصوص رژیم اردن که مهم ترین متحد صدام در منطقه بود، بعد از سقوط او، سیاست ضد شیعی شدیدی در پیش گرفت؛ به طوری که بسیاری از عوامل سلفی این کشور، نظیر زرقاوی، پشت پرده انفجارهای خونین القاعده در عراق بودند که صدها نفر از نخبگان و مردم عادی شیعه را به شهادت رساندند. همچنین عبدالله دوم، پادشاه اردن،

ص: ۶۸۲

۱- (۱) مرگ مشکوک ودیع حداد، بنیانگذار جنبش ملی گرایان عرب در دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی، و محمود المبحوح، از رهبران حماس، از جمله نمونه هایی است که گفته می شود همگی قربانی ترورهای خاموش سازمان های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی شده اند. یاسر عرفات، رهبر جنبش آزادیبخش فلسطین نیز از جمله کسانی است که گمان می رود موساد در ماجرای مرگ وی نقش داشته است. گزارش خبرگزاری تسنیم، سازمان صهیونیستی موساد، ترورهای بیولوژیک و مرگ های تدریجی، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://tnews.ir/news/۶۲۶۹۱۶۲۱۷۸۲۴.html>

۲- (۲) حکیم به سامر جرجیس گفته بود: «در ضیافت عبدالله دوم، شاه اردن که در جریان سفر به امان در اواسط سال ۲۰۰۷ م انجام شد، با تعارف شاه اردن، قهوه نوشید. اما پس از گذشت دو ساعت و نیم از نوشیدن قهوه، درد شدیدی در معده خود احساس کرد. پزشک حکیم در ایران اعلام کرده بود که پس از آزمایش های پزشکی، ثابت شد که وی هدف تلاش ترور با ماده تالیوم قرار گرفته است. نکته قابل توجه اینکه این ماده فقط از سوی رژیم سابق عراق برای ترور مخالفانش استفاده می شد و ظاهراً اردن هم بعدها به این مواد مجهز شد تا مخالفان صدام را هنگام سفر به اردن یا سکونت در این کشور با این ماده سمی از میان بردارد. ر. ک: گزارش خبرگزاری ها درباره مسموم شدن حکیم در ضیافت شاه اردن، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.tn.ir/pes/?cid=۲۳۸۷۵>

اولین کسی بود که بعد از سقوط صدام و بلافاصله بعد از بازگشت از سفر آمریکا موضوع تهدید «هلال شیعی» را در منطقه مطرح کرد و نیروهای نظامی خود را برای سرکوب مردم بحرین به کمک آل خلیفه فرستاد. (۱)

نمونه هایی از حملات بیولوژیک علیه شیعه در طول یک دهه (۲۰۰۳-۲۰۱۳ م) عبارت است از:

۱.۲۵ رجب ۱۴۲۶ ه. ق مصادف با شهادت امام موسی کاظم علیه السلام، تکفیری ها با پخش غذاهای مسموم در اطراف حرم آن حضرت و همزمان انجام انفجارهای متعدد در کاظمین بین صفوف عزاداران، ۱۵۰۰ تن از شیعیان را به شهادت رساندند که در نوع خود، بزرگ ترین عملیات بیوتروریستی از راه مسمومیت مواد خوراکی در تاریخ این عملیات ها به شمار می رود. (۲)

۲. منبع امنیتی عراق پیش تر اعلام کرده بود که در شهر المسیب، واقع در شمال حله، سه زن تروریست توزیع کننده غذاهای آلوده را شناسایی کرده است. (۳)

۳. وزارت بهداشت عراق اعلام کرده بود: نیروهای امنیتی، طرح مسموم کردن زائران امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا در کربلا کشف و خنثا کردند. (۴)

۴. وزارت دفاع عراق، یک گروهک القاعده را که قصد داشت با گاز سمی به شهرهای عراق حمله کند، شناسایی کرد. «محمد العسکری»، سخنگوی وزارت دفاع

ص: ۶۸۳

۱- (۱) گزارش خبرگزاری ها با عنوان «رژیم اردن مزدوران خود را برای سرکوب انقلابیون به بحرین می فرستد»، نشانی در فضای مجازی: <http://lhvnews.com/news/۲۰۷۱۷>

۲- (۲) «جنایات وهابیت (بخش دوم)»، نشانی مقاله با ارجاعات و مستندات در فضای مجازی: www.iny.com/OCC ion/jg-nm/vi/jen/jen-۲.px

۳- (۳) گزارش خبرگزاری ها، سه تروریست زن در کربلا شناسایی و بازداشت شدند، نشانی گزارش در فضای مجازی: kh.si.com/ext/۳۸۹۱۹۵۷

۴- (۴) طرح مسموم کردن زائران عاشورا در کربلا معلی خنثا شد، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.yjc.ir/news/۴۱۷۲۵۵۱>

عراق، گفت: «این پنج نفر، تأسیساتی در عراق به وجود آورده بودند که گاز سارین و خردل تولید می کرد». این مقام اظهار داشت: «این افراد می خواستند در مراسم سالگرد شهادت امام کاظم علیه السلام با اسپری شیمیایی به عزاداران تعرض کنند».^(۱)

۵. سپهد عثمان الغانمی، فرمانده فرات میانی ارتش عراق، با اعلام آغاز اجرای طرح گسترده امنیتی برای زیارت اربعین حسینی، از تلاش ها برای مسموم سازی آب و غذای زائران خبر داد. وی تأکید کرد: «سازمان های تروریستی فهمیده اند که بمب گذاری ماشین سخت شده است، لذا تصمیم گرفته اند با مسموم کردن آب و غذا به زوار حمله کنند».^(۲)

۶. رسانه ها به نقل از مشاور مطبوعاتی وزارت دفاع عراق گزارش دادند که تروریست ها با هدایت دستگاه های اطلاعاتی برخی کشورهای منطقه، اقدام به ساخت دو کارگاه تولید گازهای شیمیایی در عراق کرده بودند که در این دو کارگاه اثراتی از مواد سمی گاز اعصاب و خردل پیدا شده است. این مقام نظامی افزود: «تروریست ها قصد داشتند با بالگردهای کوچک، بمب های شیمیایی هدایت از راه دور را در نقاط مختلف عراق منفجر کنند».

۷. اسلام تایمز، روزنامه پرتیراژ اندونزی، به نقل از منابع آگاه نوشت: «گروه های تروریستی داعش و النصره، در حال حاضر با نفوذ به خاک عراق، توانستند از بازارهای این کشور مواد شیمیایی و سمی تهیه کرده تا با همکاری متخصصان هسته ای رژیم منحل حزب بعث، بمب های شیمیایی بسازند و در نهایت از این بمب ها بار دیگر در سوریه و همچنین در مناطق مورد نظرشان در عراق به کار گیرند. مقامات امنیتی

ص: ۶۸۴

۱- (۱) عراق همچنان از وجود تروریست ها رنج می برد، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://lhvnews.com/news/9446>

۲- (۲) تروریست ها قصد مسموم کردن زائران اربعین حسینی را داشتند، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: www.snews.com/newstext.php?nn=13910928001517

و استخباراتی عراق از کشف و خنثاسازی سه دستگاه تولید مواد شیمیایی خطرناک خبر داده اند» (۱).

گفتار چهارم: مسلمانان شیعه، بزرگ ترین قربانیان جریان های تکفیری

اشاره

سازمان دیده بان حقوق شیعیان جهان، (۲) طی بیانیه ای، خطاب به مجامع بین المللی و حقوق بشر جهانی، اظهار داشت: «... کشتار گروهی، تجاوز به ناموس و نابودن کردن دارایی های شیعیان به شیوه ای برای رسیدن به اهداف شوم تکفیری ها بدل شده است؛ درحالی که شیعیان در هر جا که هستند، به پیروی از مراجع معظم دینی خود، خویشتن داری و بردباری می ورزند. آنچه قابل توجه است، این است که یک دهه حملات اخیر بر ضد شیعیان بی دفاع، به مرحله ای مخاطره آمیز رسیده و برخی دولت ها و رژیم های حامی گروه های تکفیری در آنها سهیم بوده اند؛ به ویژه اینکه سکوت مجامع بین المللی در قبال چنین مسائلی، مزید بر علت است. اما موضوع مهم تر این است که جنایات اعمال شده در حق شیعیان و مقدسات ایشان، به یک رویه و رفتار ثابت بدل شده است» (۳).

۱. سابقه سازمان های مخفی با هدف قتل سادات و شیعیان

متأسفانه جهان اسلام، از گذشته دور، شاهد تأسیس گروه های مخفی برای قتل عام سادات و شیعیان بوده است؛ از جمله در قرن ششم در شام، مجموعه ای به نام فتوت

ص: ۶۸۵

۱- (۱) توطئه تروریست های داعش و النصره برای حمله شیمیایی به عراق، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: www.islimes.org/vdcdxz.ssytsk6.yary.htm
۲- (۲) . shi rights w ch .

۳- (۳) هشدار دیده بان حقوق شیعیان به مجامع بین المللی نسبت به فعالیت های ضد شیعی (۱۰ مه ۲۰۱۳ م)، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://shightschwch.org/en/2012-09-18-17-23-34/402-2013-05-10-15-02-42>

(در سازمان فتوت شیعیان) تأسیس شد که مراسم خاص داشت و در مناسبت ها لباس مخصوصی می پوشیدند که شعار و مقصد اعضای آن کشتن شیعیان بود؛ هر جا که یافت شوند. (۱) این گروه خود را مجموعه فتوت نبوی می نامیدند. (۲)

یکی از تکان دهنده ترین اقدامات فرقه نبویه، هجوم خونبار آنها در سال ۵۷۰ هجری به شیعیان اسماعیلیه در شهرهای بزاعه و باب بود. مورخان ذیل حوادث آن سال نوشته اند:

در این سال، نبویه به تعداد ده هزار سوارکار و پیاده از عراق رسیدند. آنها در بزاعه و باب، سیزده هزار نفر از مسلمانان شیعه اسماعیلیه را به قتل رساندند و زنان و فرزندانشان را اسیر کردند و با غنیمت هایشان و درحالی که سرها را روی نیزه ها و بیست هزار گوش را روی نی ها گرفته بودند! به عراق بازگشتند. (۳)

۲. قتل عام شیعه، هدف اصلی سازمان های تروریستی

این روزها که این مطالب نوشته می شود، جهان اسلام با طوفانی از خشونت روبه روست که طایفه گری و تروریسم محرک آن است. به رغم سادگی موجود در آموزه های جریان سلفی، ترکیب شدن این آموزه ها با مکانیسم ها و زمینه های اجتماعی و سیاسی جهان امروز و ابزار دست بودن قدرت های جهانی و منطقه ای، جریان سلفی تکفیری را امروزه به شدت به سمت تندروی و افراطگری علیه شیعیان سوق داده است. این رادیکالیسم شبه مذهبی، به دلیل تبلیغات شیعه هراسی رسانه های استکباری به سرعت در حال رشد است و استعداد شیعه ستیزی موجود در این گروه ها، به رویدادهای بسیار خشنی علیه صدها میلیون شیعه در سراسر جهان منجر شده است که در این مجال به برخی فجایع آنها علیه شیعیان، به تفکیک کشورهای مختلف، اشاره می شود.

ص: ۶۸۶

۱- (۱) الصلہ بین التصوف و التشیع، کامل مصطفی الشیبی، ج ۲، ص ۲۰۰۰.

۲- (۲) سخن ابن جبیر در این باره بسیار تکان دهنده است؛ ر. ک: رحله ابن جبیر، ص ۲۵۲.

۳- (۳) رحله ابن جبیر، صص ۲۲۴ و ۲۲۵؛ مرآه الزمان فی تواریخ الاعیان، ج ۲۱، ص ۲۳۱.

پاتریک کوکبرن، خبرنگار روزنامه انگلیسی ایندپندنت، درباره حملات منسجم برخی دولت های خلیج فارس علیه مکتب تشیع نوشت:

... حمله انزجارطلبانه فعلی علیه تشیع که به وسیله شخصیت های دینی سلفی و با پشتیبانی سعودی و برخی دیگر از کشورهای خلیج فارس در جریان است، آبستن جنگی فرقه ای است که همه جهان اسلام را خواهد بلعید. عراق و سوریه در حال حاضر، قربانیان برجسته این حملات هستند. روح کینه ورزانه گروهک های منتسب به القاعده نسبت به شیعه از بغداد تا بیروت به حدی رسیده است که در نمونه ای چندی پیش اعلام شد: «القاعده سر یکی از اعضای خود را اشتباهاً بریده است؛ زیرا به نظرش رسیده بوده که شخص روی برانکارد، نام یکی از ائمه شیعه را می آورده است».^(۱)

استفاده از اینترنت و شبکه های ماهواره ای، با پشتیبانی های مالی برخی دولت های عربی، باعث شد القاعده بار دیگر به شکلی به خاورمیانه بازگردد که برای سیاستمداران غربی نیز قابل پیش بینی نبود. هم اکنون، داعش، قوی ترین گروه تروریستی مسلح در عراق و سوریه شده است و بخشی از قدرتش به توانایی این گروهک در سربازگیری موفق برای انجام حملات انتحاری باز می گردد.

ایجاد فرهنگ تعصب و خشونت علیه شیعه تا بدانجا پیش رفت که حتی در خیابان های لندن نیز سلفیان متعصب به صاحبان شیعه یک مغازه حمله کردند؛ طبیعی است واعظان افراطگرای شبکه های مختلف، پشت این گونه کینه ها هستند؛ کینه هایی که بیشتر اوقات، خونین می شود و آشکارا مردم را به جنگ دینی فرا می خواند؛^(۲) چنان که تأسیس دو شبکه ماهواره ای «صفا» و «وصال» در سال ۲۰۰۹ م، دقیقاً در راستای

ص: ۶۸۷

۱- (۱) تحلیل ایندپندنت از جنگ احتمالی ویران کننده جهان اسلام در نتیجه تحرکات ضد شیعی فعلی، نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۶۵۹۵۲>

۲- (۲) منابع پیشین.

تحریکات خصمانه علیه تشیع بود. مبلغان سلفی در این گونه شبکه ها حاضر می شوند و آشکارا افکار افراطگرایانه و فرقه ای خود را پخش می کنند. علاوه بر آن با فعالیت در شبکه های اینترنتی یوتیوب، فیسبوک و تویتر، به ساکنان کشورهای اسلامی و عربی، خشونت علیه شیعه را القا می کنند؛ برای مثال در مصر، در دوره حکومت محمد مرسی، مبلغ سلفی به نام «محمد الزغبی» خطاب به شیعیان گفت: «دست ها و زبانان را قطع خواهیم کرد.... باید تمام نفس های شیعیان در مصر را بئرم». این گونه تهدیدات و سخنان، نهایت تأثیر خود را در مصر گذاشت و همان سال، چند تن از فعالان شیعه، از جمله «شحاته»، به طرز بسیار فجیعی به شهادت رسیدند. به نظر می رسد شبکه های اجتماعی که در ابتدا برای آزادی اندیشه بنا شده بود، حال به منبع رعب و انزجار فرقه ای تبدیل شده است. بیشتر تروریست هایی که اکنون در سوریه، عراق، لیبی و یمن در حال جنگ هستند، اطلاعات خود را از چند واعظ افراطگرا در اینترنت دریافت کرده اند که همواره مردم را به جنگ علیه شیعه فرا می خوانند. (۱) پاتریک کوکبرن، تحلیل گر انگلیسی، با اشاره به اعترافات مقامات غربی معتقد است، غرب تاوان همکاری با سلفی ها و عربستان را خواهد پرداخت؛ چراکه عربستان سعودی هیولای فرانکشتاین را ایجاد کرده که اکنون کنترلش از دست خارج شده است. (۲)

۳. مناطق شیعه نشین در آستانه قتل عام

الف) شهرهای شیعه نشین نبل و الزهراء سوریه در آستانه کشتار جمعی

گروه های تکفیری القاعده در ۲۳ ژوئیه سال ۲۰۱۲ م، به دو شهر شیعه نشین نبل و الزهراء حمله کردند و هم اکنون (پاییز ۱۳۹۳ ه. ش) بیش از دو سال است که در

ص: ۶۸۸

۱- (۱) مقاله «یوتیوب و تویتر، هیزم جنگ افروزی سنی - شیعه»، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی:

<http://weblognews.ir/news/۳۷۲۳۶>

۲- (۲) اعترافات تکان دهنده رئیس سابق MI۶، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.empire.ies.ir/>

.mi۶

محاصره گروه های تکفیری قرار دارند که هنوز سر فرود نیاورده اند. اگرچه در ابتدا، محاصره این دو شهر با هدف تصرف آنها بوده، اکنون در اندیشه کشتار ساکنان شیعی آن هستند. گفتنی است به دلیل طولانی شدن مدت محاصره و قطع هرگونه کمک های بشردوستانه به این دو شهر، اهالی آن در شرایط بسیار سخت به سر می برند؛ به گونه ای که برای تأمین غذا به گیاهان صحرائی روی آورده اند. به همین دلیل اهالی این دو شهر به مرگ جمعی تدریجی محکوم شده اند. هر چند هر روز شاهد حملات خمپاره ای و موشکی اند، روزی نمی گذرد که مناطق مختلف این دو شهر شاهد اصابت خمپاره ها نباشد. افزون بر آن، تکفیری ها بارها اقدام به ربودن اهالی این دو منطقه کرده اند و در حال حاضر بیش از یک صد نفر از اهالی این دو شهر ربوده شده و تحت انواع شکنجه ها قرار گرفته اند.^(۱)

دو شهر نبل و الزهراء، به جز اهالی خود، میزبان حدود پانزده هزار شیعه دیگر هم است که در پی بحران دو سال اخیر سوریه به آنجا پناهنده شده اند. همچنین هزاران سنی حامی نظام که از پیوستن به گروه های مسلح خودداری کرده اند، در این دو شهر اقامت دارند. تروریست ها از آنها خواسته بودند از حزب الله، ایران و حکومت بشار اسد اعلام براءت کنند، اما آنان با رد این درخواست، مورد خشم این عناصر قرار گرفتند. در یکی از دردناک ترین و وحشیانه ترین این جنایات ها، تکفیری ها دو چوپان را از جنگل های اطراف شهر الزهراء ربودند و پس از شکنجه کردن، جسد یکی از آنها را به عنوان پیام مجاهدان سازمان تروریستی القاعده برای اهالی شهر الزهراء فرستادند؛ با این حال، مقاومت مردمی همچنان در نبل و الزهراء ادامه دارد.^(۲)

ص: ۶۸۹

۱- (۱) فاجعه انسانی در نبل و الزهراء، ۶۰ هزار شیعه در آستانه قتل عام، نشانی گزارش با ارجاعات و مستندات در فضای مجازی: <http://www.mhregnews.ir/news/241916>

۲- (۲) منابع پیشین از جمله: مشرق نیوز، کد خبر: ۲۴۱۹۱۶، تاریخ انتشار: ۲۸ مرداد ۱۳۹۲ ه. ش - ۱۳:۲۴

صحنه سیاسی یمن از اولین دهه قرن بیست و یکم میلادی تاکنون (پاییز ۱۳۹۳ ه. ش) شاهد فشار دو جانبه و شدید علیه شیعیان این کشور بوده است؛ از یک طرف، دولت یمن با پشتیبانی آمریکای و از طرف دیگر نظامیان سعودی، شیعیان را بارها مورد هجوم قرار داده اند. الوداعی، یکی از سران جریان سلفی تکفیری در یمن، با اعلام خبر گشوده شدن سه جبهه جدید ضد حوثی ها در استان صعده و مناطق مجاور آن، محاصره شدن حوثی ها را تأیید کرد. وی افزود: «این جبهه ها فعلاً با ایجاد ایست های بازرسی از رسیدن مواد غذایی و کمک به منطقه صعده جلوگیری می کنند تا آنها تضعیف شوند. همچنین تلاش می کنیم حوثی های جوان و مشکوک را بازداشت و به اسارت بگیریم».

به گفته سران قبیله هایی که در منطقه حضور دارند، حدود چهار هزار جنگجوی سلفی، در مناطق «کتاف» و «حاشد»، برای جنگ با حوثی ها تجمع کرده اند.

از مجموع رویدادهای گذشته می توان نتیجه گرفت که از سال ۲۰۱۰ م و پس از شش جنگ خونین میان تکفیری ها و عربستان با حوثی ها، در یمن آتش بس حاکم شده بود، اما در این مدت، عربستان به تجهیز تکفیری ها و آموزش آنها ادامه داد و با اقدامات جدید، به نظر می رسد جنگ خونین دیگری علیه شیعیان یمن در راه باشد. علاوه بر تحرکات آشکار نظامی در منطقه که جای تردیدی درباره وقوع جنگ باقی نمی گذارد، خشم حاکمان سعودی از شکست توطئه هایشان در سوریه و لبنان و تلاش شاهزادگان سعودی برای احیای غرور خود، گواه دیگری است بر اینکه به احتمال زیاد، حملات همه جانبه برای قتل عام شیعیان یمن به زودی رخ خواهد داد.

این اتفاق در شرایطی رخ می دهد که وضعیت شیعیان چندان مناسب نیست و آنها نسبت به تکفیری های مسلح، انسجام مطلوبی ندارند و بخش زیادی از سلاح های

قدیمی و انفرادی خود را نیز از دست داده اند. علاوه بر آن، ارتش عربستان و هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در جنگ های گذشته، پشتیبان تکفیری ها بودند و نیروهای نظامی عربستان، خصوصاً گارد مرزی، مستقیماً وارد جنگ علیه شیعیان شدند. مفتیان وهابی نیز با صدور فتواهایی حمله به حوثی ها را جهاد توصیف کرده اند.^(۱)

ج) تهدید مرزنشین های شرق ایران به قتل عام توسط تکفیری ها

علاوه بر گروه های تروریستی داخلی، نظیر گروهک منحل ریگی و جیش العدل، شهروندان شیعه ایران در خطر شعبه های تروریستی بین المللی القاعده قرار دارند. چندی پیش مرکز رسانه ای «ارتکاز الاعلامی»، به نقل از منابع مطلع، اعلام کرد اطلاعات ایران گزارشی مبنی بر جلسه سری داعش برای انجام فعالیت های تروریستی و هدف قرار دادن ایران دریافت کرده است. رهبران این جلسه عبارت بودند از: «رزق الحارث، ابواسحاق المشهرانی، حکیم انس، عبدالواحد (ابوسیف)، یوسف العویضی و حاتم رزق». این افراد از سوی «ابوبکر البغدادی»، سرکرده داعش، گسیل شده اند و اعلام کرده اند برای انجام عملیات تروریستی و ترور برخی شخصیت ها و تخریب مراقد دینی به ایران خواهند آمد و شش نفر را برای نظارت بر این عملیات ها و طرح ریزی آن به ایران وارد خواهند کرد. سعودی ها حامی آشکار و پنهان این تروریست ها هستند؛ به طوری که یک هیئت سعودی، در دیدار با برخی مقامات کرد عراق، از تلاش های خود برای مقابله با ایران سخن گفته و تأکید کرده اند: «بعد از سرنگونی دولت سوریه، با کمک آمریکا و اروپا برای ایران برنامه های خوبی داریم!».

همچنین جانشین القاعده در کردستان عراق (ساکن اربیل)، در جلسه ای که با حضور

ص: ۶۹۱

۱- (۱) شبکه خبر، زمان انتشار خبر: پنج شنبه ۹ آبان ۱۳۹۲ ه. ش - ۱۰:۵۵، نشانی در فضای مجازی:

عناصری از جریان سلفی های تکفیری برگزار شد، اعلام کرد: «دغدغه اصلی آنها پس از بحران سوریه، ایران و حزب الله لبنان است». وی در این جلسه عنوان کرد: «مستولان القاعده در حال برنامه ریزی و ایجاد پشتوانه کافی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران هستند». چندی پیش نیز یکی از سرکردگان داعش مدعی شد: «عراق و سوریه بهانه است، ما باید بدانیم که هسته مرکزی شیعیان ایران است؛ بعد از تسلط به سوریه و عراق، به ایران حمله می کنیم».^(۱) خطر جریانات تکفیری در ایران به اندازه ای است که آیت الله جنتی، دبیر شورای نگهبان، اعلام کرد: «برخی از تکفیری ها، هرچند اندک، به آرامی در داخل کشور در حال فعالیت هستند. منتظر دستور هستند که پس از یک دستور، با سلاح های انبوهی که در اختیار دارند، به جان مردم بیفتند که این یکی از تهدیدهای آینده کشور است».^(۲)

گفتار پنجم: شیعه، بزرگ ترین قربانی حملات تروریستی به شعائر و مراسم مذهبی

۱. کشتار شیعیان در مراسم اربعین

اشاره

در فرهنگ عاشورا، اربعین به چهلمین روز شهادت امام حسین علیه السلام گفته می شود که مصادف با روز بیستم ماه صفر است. اعتبار اربعین امام حسین علیه السلام از قدیم الایام میان شیعیان شناخته شده است. شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهجد می نویسد:

روز ۲۰ صفر (یعنی اربعین) زمانی است که حرم امام حسین علیه السلام، یعنی کاروان اسرا، از شام به مدینه مراجعت کردند و روزی است که جابر بن عبدالله بن حرام انصاری، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه به کربلا رسید تا به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بشتابد و

ص: ۶۹۲

۱- (۱) توطئه داعش برای ورود به ایران و انجام عملیات، نشانی گزارش در فضای مجازی: www.shi le ers.com

۲- (۲) آیت الله جنتی: تکفیری ها در داخل کشور مشغول فعالیت اند. نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://press.j>

او نخستین کسی است از مردمان که قبر آن حضرت را زیارت کرد.

در این روز، زیارت امام حسین علیه السلام مستحب و یکی از نشانه های شیعه است. در روز اربعین شیعیان می کوشند مانند جابر بر مزار امام حسین علیه السلام گرد آمده و آن امام را زیارت کنند.^(۱) با اینکه مراسم اربعین، یک شعار مذهبی و مسالمت آمیز برای بزرگداشت امام حسین علیه السلام است، به انحاء مختلف مورد هجوم متعصبان و دشمنان شیعه قرار گرفته است. نوشتار حاضر گزارش مختصری است از برخی حملات خونین به عزاداران اربعین حسینی در دوره معاصر که به شهادت تعداد قابل توجهی از شیعیان انجامیده است.

الف) اربعین های خونین در عراق معاصر

یک - اربعین های خونین ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ ه. ق

از گذشته های دور در عراق، روز اربعین صدها هزار زوار به سوی حرم امام حسین علیه السلام آمده و می آیند که اکنون تعداد آنها به میلیون ها نفر می رسد. دکتر علی الوردی می نویسد:

همزیستی مسالمت آمیز در منطقه دیاله بین شیعه و سنی مشاهده می گردد و بسیار دیده می شود که محله سنی ها در برخی دسته های عزاداری و مجالس حسینی شرکت می کنند و برخی از آنان دسته های مخصوص به خودشان را بیرون می آورند و این وضع در شهرهایی چون ناصریه دیده می شود.^(۲)

اما با تسلط بعثی ها در زمان احمد حسن البکر، روند خشونت آمیز علیه شیعیان شدت یافت و این حرکت مقدس، چندین بار از طرف رژیم بعثی عراق، به خاک و خون کشیده شد. یکی از این نوبت ها در سال ۱۳۹۷ ه. ق بود؛ به طوری که حکومت

ص: ۶۹۳

-
- ۱- (۱) ر. ک: مجموعه ورام، ص ۳۵؛ مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۵، ص ۲۱۷ و ج ۹، ص ۳۲۹؛ الاحتجاج، ص ۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۰۰؛ اربعین، شهید قاضی، ص ۳۸۶؛ به نقل از منبع پیشین.
 - ۲- (۲) در این باره رک: سابقه سوگواری برای سالار شهیدان در عراق.

بعث، راهپیمایان را در طول راه، از آسمان و زمین به گلوله بست. از تعداد شهدای حادثه سال ۱۳۹۷ ه. ق (۱۳۵۶ ه. ش) اطلاع دقیقی در دست نیست، اما می توان گفت هزاران شیعه بی گناه به خاک و خون کشیده شدند.

دو - اربعین های خونین ۱۴۲۵ تا ۱۴۳۴ ه. ق در عراق

صدام در دوران حاکمیت بیش از سی ساله خود، کلیه مراسم عزاداری اهل بیت علیهم السلام را تعطیل کرد. اما بعد از کشته شدن وی، عقده های چندین ساله مردم عراق سر باز کرد و انفجاری از حضور محبان اهل بیت علیهم السلام در حرم های ائمه علیهم السلام رخ داد. از این رو مراسم پیاده روی اربعین به بزرگ ترین و باشکوه ترین تجمع جهانی شیعیان تبدیل شد.

امروزه اربعین امام حسین علیه السلام، بیش از مناسبت های دیگر، شاهد حضور فعال مسلمانان است؛ به طوری که تعداد زائران بارگاه ملکوتی امام حسین علیه السلام، در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ م، بین ۱۰ تا ۱۴ میلیون نفر بود. همچنین آمارها گویای آن است که مراسم زیارت اربعین سال ۱۴۳۴ ه. ش (۲۰۱۳ م) که با حضور حدود بیست میلیون نفر برگزار شد، بزرگ ترین تجمع بشری در جهان محسوب می شود. (۱) علاوه بر آن، هر سال، خیل عظیمی از پیروان سایر ادیان نیز برای شرکت در مراسم اربعین وارد کربلا می شوند. (۲)

به جرئت می توان گفت با اربعین حسینی، بزرگ ترین همایش انسانی دنیا اکنون در اختیار شیعیان است و از نظر جمعیت شرکت کنندگان در کنگره عظیم حج که با حضور حداکثر چهار میلیون مسلمان برگزار می شود، پیشی گرفته است. چند سالی است که جمعیتی چهار برابر حج تمتع در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام گرد هم می آیند.

ص: ۶۹۴

۱- (۱) رسانه های مختلف که ایام اربعین را در مسیرهای منتهی به کربلا رصد می کنند، اذعان کرده اند زائران حضرت اباعبدالله علیه السلام در روز اربعین به حدود ۲۰ میلیون نفر می رسد. در فهرست سایت ویکی پدیا، بعد از مراسم اربعین، مراسم وداع ملت ایران با امام رحمة الله در سال ۱۹۸۹ م در رده بعدی قرار گرفته است. رهیاب نیوز، تاریخ انتشار: ۲۶ آذر

۱۳۹۲ ه. ش - ۱۱:۱۳؛ <http://www.r y news.com>

۲- (۲) نشانی گزارش در فضای مجازی: www.m hregnews.ir ک news

برتری اجتماع اربعین در فهرست بزرگ ترین اجتماعات مسالمت آمیز جهان

۱. اجتماع ۲۰ میلیون نفری شیعیان در کربلا در دسامبر ۲۰۱۳ م در روز اربعین (۱۴۳۵ ه. ق)؛

۲. اجتماع ۱۵ تا ۱۸ میلیون نفری شیعیان در کربلا در ژانویه ۲۰۱۳ م در روز اربعین (۱۴۳۴ ه. ق)؛

۳. اجتماع ۱۵ تا ۱۸ میلیون نفری شیعیان در کربلا در سال ۲۰۱۲ م در روز اربعین؛

۴. اجتماع ۱۵ میلیون نفری شیعیان در کربلا در سال ۲۰۱۱ م در روز اربعین؛

۵. اجتماع ۱۴ میلیون نفری هندی ها در تامیل نادو در هند در سال ۱۹۶۹ م در تشییع جنازه آنها؛

۶. اجتماع ۱۰ تا ۱۴ میلیون نفر در کربلا در سال ۲۰۱۰ م در روز اربعین؛

۷. اجتماع ۱۰ تا ۱۴ میلیون نفر در کربلا در سال ۲۰۰۹ م در روز اربعین؛

۸. اجتماع ۵ تا ۹ میلیون نفری ایرانیان در تشییع و تدفین سیدروح الله [امام] خمینی در ۱۹۸۹ م.

در این فهرست دیده می شود که مراسم اربعین حسینی در کربلا در سال ۲۰۱۳ م، بزرگ ترین تجمع مسالمت آمیز تاریخ بشر به شمار می آید.^(۱) ولی این مراسم مورد شدیدترین حملات تروریستی تکفیری ها قرار گرفته است. با وجود اقدامات پیشگیرانه امنیتی، تروریست های تکفیری هر سال اربعین حسینی را در عراق به خاک و خون می کشند؛ برای مثال در سال ۱۳۹۲ ه. ش، ابوبکر البغدادی، سرکرده گروه های تکفیری عراق، همه زائران اربعین حسینی را تهدید به قتل کرد. وی در یک فایل صوتی که منتشر شده، گفت: «چند سالی است که حضور شیعیان در اربعین رشد کرده، ما امسال با تمام قوا وارد عمل خواهیم شد و در اربعین امسال، همانند عاشورای ۶۱ هجری، تمامی شیعیان را به خاک و خون می کشانیم!» وی در ادامه گفت: «زیارت حسین [علیه السلام] در

ص: ۶۹۵

اربعین، به نماد اتحاد شیعیان معروف شده است و ما باید به این اتحاد و همدلی ضربه ای اساسی وارد کنیم»^(۱).

براساس همین تهدیدات، در شهر شیعه نشین بصره، یک تروریست القاعده که یونیفورم پلیس عراق به تن داشت، طی انفجاری، بیست تن از زائران اربعین حسینی را به شهادت رساند. در این عملیات ده ها تن نیز زخمی شدند.

همچنین در اربعین سال ۱۴۳۴ ه. ق، بر اثر وقوع سه حمله خونین، ۳۶ زائر در جنوب بغداد به شهادت رسیدند و حدود یکصد نفر نیز زخمی شدند.

همچنین در جریان حمله مسلحانه در غرب بغداد، پنج نفر از اعضای یک خانواده کشته شدند و تعداد شهدای انفجار تروریستی دیگر به ۵۳ نفر رسید.

علاوه بر آن یک تروریست، در عملیاتی نزدیک یکی از خیمه های توزیع غذا و آب میان زائران عازم کربلا، کمربند انفجاری خودش را منفجر کرد. وزارت کشور عراق در بیانیه ای اعلام کرد: «بعد از ظهر پنج شنبه، بر اثر منفجر شدن کمربند انفجاری یک تروریست، میان زائران در منطقه الدوره در جنوب بغداد، بیست نفر به شهادت رسیدند و چهل نفر دیگر نیز زخمی شدند».

همچنین در جریان یک عملیات تروریستی در منطقه یوسفیه، در ۲۵ کیلومتری جنوب بغداد، هشت نفر از زائران، شهید و ۳۲ نفر زخمی شدند.

در حمله انتحاری سوم در شهر لطیفیه، در چهل کیلومتری جنوب بغداد، دست کم هشت نفر شهید و هجده نفر مجروح شدند. یادآور می شود بر اثر حمله تروریستی به زائران اربعین در نزدیکی بعقوبه (در شصت کیلومتری شمال شرق بغداد) پنج نفر به شهادت رسیدند. هشت نفر دیگر به دنبال انفجار دو خودروی بمب گذاری شده در

ص: ۶۹۶

۱- (۱) شیعه نیوز، کد خبر: ۳۰۲۸۷، تاریخ انتشار: ۲۵ دی ۱۳۹۰ ه. ش - ۰۱:۴۱، اربعین خونین در عراق، بیش از ۱۰۰ شهید و زخمی + تکمیلی.

شمال عراق، دوازده نفر کشته و دوازده نفر دیگر زخمی شدند. (۱) همچنین سه بمب کنار جاده ای در جاده ارتباطی میان شهر توزخورماتو و کرکوک، واقع در شرق استان صلاح الدین، منفجر شد و بر اثر آن، هشت تن زخمی شدند. (۲) علاوه بر آن، ستاد فرماندهی عملیات بغداد از ضبط یک کامیون بمب گذاری شده خبر داد که قرار بود در منطقه لطیفیه، در مسیر زائران منفجر شود. «عبدالسلام المالکی»، نماینده مجلس عراق اعلام کرد که موشک ها و خمپاره هایی که به سمت عزاداران اربعین حسینی شلیک شده، ساخت عربستان سعودی بوده و از سوریه وارد عراق شده است. او تأکید کرد که عربستان سعودی، به طور رسمی و آشکار از تروریسم در عراق و سراسر دنیا حمایت می کند و ۱۷۵ زندانی عربستانی در عراق هستند که همگی در جنایات تروریستی دست داشته اند. (۳) به گزارش «شیعه نیوز» به نقل از فارس، یکی از رهبران ائتلاف معارض «آزادی و عدالت» عربستان که در شهر «قطیف» فعالیت می کند، اظهار داشت: «دستگاه اطلاعات عربستان سعودی، مسئول کشتارها در عراق به ویژه در آستانه اربعین حسینی در کربلاست». این معارض عربستانی گفت: «عربستان سعودی نه تنها عامل کشتارهای عراق، بلکه عامل کشتارها در سراسر کشورهای مسلمان است و از این حیث، مسلمانان باید در برابر این جریان وهابی تکفیری بایستند و با آن مقابله کنند». (۴)

سه - شهادت تعدادی از اهل تسنن مدافع عزاداران اربعین

در مراسم اربعین، هر ساله اهل تسنن نیز در قالب نیروهای بیداری، (۵) اقدام به تأمین

ص: ۶۹۸

۱- (۱) . <http://www.ghreh.com/news/nn17046388>

۲- (۲) . <http://www.shinews.com/news/65185>

۳- (۳) . <http://www.shinews.com/news/65064>

۴- (۴) . <http://www.shinews.com/news/64956>

۵- (۵) نیروهای بیداری، از شبه نظامیان اهل سنت هم پیمان دولت بغداد و با هدف مقابله با القاعده و افراطیون در مناطق شنی

نشین عراق تشکیل شده است؛ ر. ک: یکی پدیا عربی، المجلس الوطني لإنقاذ العراق، نشانی در فضای مجازی: <http://>

www.wiki.org/wiki

امنیت عزاداران سیدالشهدا علیه السلام در مناطق تحت مأموریتشان می کنند.^(۱) ولی افراد مسلح تروریست به آنها نیز حمله می کنند؛ از جمله، تروریست ها با پوشیدن لباس نظامی عراقی به منزل یکی از نیروهای سنی مذهب «بیداری» در منطقه زیدان در شهرستان ابوغریب حمله کرده و وی را به همراه همسر و سه فرزندش کشتند.^(۲)

در حادثه ای دیگر، اداره پلیس استان دیالی اعلام کرد: «یک نیروی پلیس به نام عمر عبدالله القیسی توانست یکی از بمب گذاران انتحاری را پیش از حمله به حسینیه بختاری در مرکز شهر خانقین به هلاکت برساند. دو روز پیش از آن نیز یکی از مأموران پلیس در شهرک الخالص، در بیست کیلومتری شمال بعقوبه، تروریستی را که در حال منفجر کردن کمر بند انفجاری خود بود، در آغوش گرفت تا از شدت انفجار و افزایش شمار تلفات کاسته شود. عامل انتحاری قصد داشت در نزدیکی زائرانی که در حال حرکت به کربلا بودند، کمر بند خود را منفجر کند، اما با اقدام شجاعانه «ایوب خلف»، پلیس عراقی، مواجه شد».

ب) اربعین های خونین در پاکستان

یک - اربعین خونین لاهور و کراچی

در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ م (مصادف با ۵ بهمن ۱۳۸۹ ه. ش) انفجار بمب در دسته عزاداران اربعین در لاهور پاکستان ده ها نفر را به خاک و خون کشید. این بمب که در منطقه «گوهاری چوک» لاهور منفجر شد، منجر به شهادت سیزده تن از شیعیان پاکستان و زخمی شدن ۵۲ نفر دیگر شد. طالبان پاکستان با صدور بیانیه ای انفجار لاهور را

ص: ۶۹۹

۱- (۱) اربعین خونین در عراق، جمعه ۲۹ آذر ۱۳۹۲ ه. ش، مرجع: جام، کد مطلب: ۲۹۳۷۱۵ <http://www.kk>

news.ir/vdcezx8wnjhl i. b9bj.html

۲- (۲) العالم، شهادت ۳۶ تن در حمله به زائران در عراق، جمعه ۲۹ آذر ۱۳۹۲ ه. ش. <http://sth.ir/news/1546364>

h.lcCsyWHc.dp

برعهده گرفت. همزمان با انفجار لاهور، انفجار دوم نیز در منطقه «مالیر» شهر کراچی روی داد که در اثر آن، سه تن کشته و ده تن دیگر زخمی شدند. شیعیان پاکستان اعلام کردند سه روز برای شهدای اربعین حسینی عزاداری می کنند. (۱) در حمله دیگری که به عزاداران حسینی انجام شد دست کم ۲۵ نفر به شهادت رسیدند. (۲)

همچنین تکفیری ها به شیعیان منطقه امام برق کراچی در ۱۵ دی ۱۳۹۲ ه. ش که در حال برگزاری مراسم اربعین بودند، یورش بردند و به شدت آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند، آنان همچنین به زنان نیز رحم نکردند و به شدت آنان را زخمی کردند؛ به گونه ای که تعداد بسیاری راهی بیمارستان شدند. (۳)

دو - کشتار زائران اربعین در کوئته

در آستانه اربعین به اتوبوس زائران شیعه پاکستان در جاده کوئته حمله شد که به کشته شدن ۱۹ تن منجر گردید. (۴) همچنین سه اتوبوس حامل زائران پاکستانی که از شهر کوئته پاکستان به سمت تفتان در حرکت بودند، در منطقه مستونگ مورد حمله انتحاری قرار گرفتند. رسانه ها اعلام کردند: «یک فرد موتورسوار که حامل مقادیر زیادی مواد منفجره بود، خودش را به یکی از اتوبوس ها کوبید و منفجر شد که منجر به نابودی کامل آن اتوبوس شد». منابع رسمی تعداد کشته شدگان را ۱۹ تن اعلام کردند. اما برخی منابع غیررسمی نوشتند که تقریباً همه ۴۵ سرنشین اتوبوس سوختند و فقط چند نفر از آنان توانستند جان سالم به در ببرند. (۵) مقامات امنیتی پاکستان متهم ردیف اول این حمله

ص: ۷۰۰

۱- (۱) منبع: اختصاصی ابنا، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.nco/dp?lg=۱Id>

۲۲۲۵۸۷

۲- (۲) <http://www.snews.com/print.le.php?nn=۸۸۱۱۱۶۰۷۷۳>

۳- (۳) <http://www.shinews.com/news/۶۵۲۰۰>

۴- (۴) دوشنبه، ۱۱ دی ۱۳۹۱ ه. ش ساعت ۱۱:۴۵، یک شنبه خونین شیعیان پاکستان در ۳۲۰۰ کیلومتری کربلا، منابع پیشین.

۵- (۵) گزارش منابع خبری، با عنوان «زائران اربعین زنده زنده سوختند»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.bult>

news.com/news/۱۱۷۶۴۰

وحشیانه را لشکر جهنگوی که ضدشیعه ترین لشکر تروریستی پاکستان است، می دانند. این حمله انتحاری در حالی رخ داد که یک روز پیش از آن، طالبان، ۲۱ پلیس پاکستانی را شبانه دزدیده و قتل عام کرده بود.^(۱)

ج) اربعین های خونین شهدا در ایران زمان شاه مخلوع

از جمله مواردی که خلوص انقلاب اسلامی ایران را نسبت به آموزه های اسلام متجلی می سازد، به کار رفتن نمادها و آیین هایی است که از فرهنگ دینی اسلام برمی خیزد. رهبران سیاسی و فکری انقلاب اسلامی، با استفاده از این نمادها، از سویی نشان دادند که آموزه های دین تا چه میزان در مردم ایران اثرگذار است و از سوی دیگر، ظرفیت های ناشناخته و پنهان فرهنگ دینی را فعال ساختند؛ از جمله این نمادها و آیین ها که بر روند پیروزی نهضت انقلاب اسلامی تأثیری شگرف داشت، نهضت «اربعینیه» یا «چهلیم» های سیاسی بود. اربعین یا چهلیمین روز درگذشت هر فرد مسلمان، با تمامی سادگی و عبادی بودن خود، در جریان مبارزات مردم ایران علیه رژیم پهلوی، رنگ و بویی تازه به خود گرفت و به محفل سیاسی تمام عیاری بدل شد.^(۲) آنچه در ایران سال های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی به نهضت «اربعینیه» معروف شد، از شهادت آیت الله مصطفی خمینی رحمه الله آغاز شد و با قیام مردم قم در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ ه. ش و چهلیم شهدای قیام مردم قم در تبریز در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ ه. ش و چهلیم شهدای قیام مردم تبریز در یزد در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۵۷ ه. ش و ادامه قیام در سایر شهرها گره خورد. ابتدای تبدیل اربعین شهدا به مراسمی سیاسی در نهضت مبارزه مردم ایران علیه خاندان پهلوی، به اول آبان ۱۳۵۶ ه. ش بازمی گردد. شهادت مرموز آیت الله مصطفی خمینی رحمه الله، که با هدف تضعیف روحیه رهبر انقلاب ایران تدارک دیده شد، کاملاً عکس عمل کرد

ص: ۷۰۱

۱- (۱) نشانی پیشین.

۲- (۲) اربعین به اربعین تا سقوط پهلوی، مصطفی شایسته، گروه تاریخ برهان، نشانی مقاله در فضای مجازی؛ <http://borh.ir/NSite/ullStory/News/?Id=۶۸۹۵>

و ضمن دمیدن روحی تازه به جریان مبارزات، از نفوذ فوق العاده امام خمینی رحمه الله در میان اقشار مردم خبر داد. فردای شهادت آیت الله مصطفی خمینی، حوزه های علمیه نجف در عراق، قم و تهران تعطیل شد و علمای تراز اول ایران، با برگزاری مجالس ختم، یاد و نام این روحانی مبارز را گرامی داشتند. با نگاه به اسناد به جای مانده از ساواک، روشن می شود که مسئولان این سازمان امنیتی، به هیچ وجه پیش بینی برپایی مجالس ختم و بزرگداشت این شهید را آن هم با حجمی که در سندهای این کتاب آمده، نمی کردند. به همین جهت، مدیریت اداره کل سوم (پرویز ثابتی) با صدور دستورالعملی برای مراکز ساواک در شهرهای مختلف، از آنان خواسته بود که مراقب برپایی مجالس ختم آیت الله سید مصطفی خمینی باشند و اگر تمجیدی از حضرت امام خمینی رحمه الله شد، از برگزاری مجالس جلوگیری کنند. گستره این مجالس در سراسر کشور به نحوی بود که می توان گفت فضای سیاسی کشور در این برهه از زمان، تحت تأثیر مستقیم این حادثه شد و بیشترین دل مشغولی نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم شاه نیز متوجه این امر بود. (۱)

نهضت «اربعینیه» یا «چهلیم سیاسی» شهدای قم، تبریز و یزد، روحی تازه و امیدوارکننده به نهضت انقلاب اسلامی ایران بخشید؛ به طوری که ظرف مدت یک سال، به سرنگونی کامل رژیم پهلوی انجامید. این نهضت که با بهره برداری از آیین مذهبی تشیع، کار خود را آغاز کرد، پیش از همه چیز موجبات شناساندن محبوبیت و نفوذ رهبر ایران را در میان مردم نمایان کرد و از سوی دیگر، آزادسازی پتانسیل عظیم نیروهای مردمی را به همراه داشت. نیروهای انقلابی از پس چهلیم های سیاسی، بیش از پیش با یکدیگر متحد شدند و همین اتحاد و یک دستی بود که قطار انقلاب اسلامی را تا ایستگاه پیروزی به جلو راند. (۲)

ص: ۷۰۲

۱- (۱) شهادت آیت الله مصطفی خمینی به روایت همسرش، نشانی در فضای مجازی: <http://www.mhnews.ir/news/356941>

۲- (۲) بررسی «استراتژی چهلیم ها» ی پشت سر هم (اربعین به اربعین تا سقوط پهلوی)، نشانی پیشین.

اگر بخواهیم گستردگی و نحوه مراسم اربعین در کربلای معلی را باشکوه ترین مراسم شیعیان به حساب آوریم و بعد به برپایی این مراسم در ایران اسلامی و شبه قاره هند اشاره کنیم، بدون شک اربعین زنگبار، در ردیف چهارمین مراسم مشهور اربعین در جهان است که در نوع خود منحصر به فرد و نمادین است. کاربرد اصطلاح فارسی «چهلیم» نشان می دهد که بانیان این مراسم در قاره آفریقا و بلاد زنگبار، ایرانیانی بوده اند که به مناطق شرق آفریقا مهاجرت کرده اند و با برپایی مراسم عزاداری در اربعین سالار شهیدان، اقدام به ترویج مذهب حقه تشیع در این بلاد اسلامی نموده اند.^(۱) زمینه اربعین خونین زنگبار زمانی آغاز شد که عیید کرومه در سال ۱۹۶۴ م رئیس جمهور زنگبار شد. کرومه یک رژیم مارکسیست - لنینیستی را برقرار کرد و از همان ابتدا و حتی پس از اتحاد با تانزانیا، حکومت رعب و وحشت را در زنگبار برقرار کرد. وی در ابتدای حکومت خود، با اخراج ایرانیان و شیعیان و با مصادره اموال و حسینه های آنها، به بهانه عمومی کردن دارایی ها برآمد و اموال شهروندان شیعه به تاراج کمونیست ها رفت. همچنین هزاران عرب و هندی که از قرن ها پیش در این جزیره اقامت داشتند، اموالشان توسط رژیم کرومه مصادره شد و آنها ناگزیر به ترک زنگبار شدند. کرومه در دوران حکومتش، اعراب، هندی ها و دیگر اقوام غیرسیاهپوست را که هنوز در زنگبار سکونت داشتند، لحظه ای آسوده نگذاشت و با دستورات غیرانسانی و تبعیض آمیز، زندگی را برای آنها به کابوس تبدیل کرده بود و حتی آنها را ناگزیر کرده بود تا به اجبار، دختران نوجوانشان را به ازدواج سیاهپوستان سالمند درآورند. وی برخی از مدارس و اماکن شیعی را مصادره کرد. کمونیست ها مسجد قدیمی شیعیان و مقبره برخی مبلغان و

ص: ۷۰۳

۱- (۱) چگونگی پیدایش و برپایی مراسم اربعین حسینی در زنگبار، یاسر کنعانی، نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.hz.net/mine/mt/۹۷۷۰۱/۷۷۲۰/۵۶۵۸>

علمای ایرانی را تخریب کردند. فجیع ترین جنایت کمونیست های زنگبار، کشتار شیعیان خوجه در مراسم اربعین ۱۹۶۴ م بود که باعث شد رفته رفته شیعیان هندی و ایرانیان که جمعیتی بیش از ده هزار نفر را تشکیل می دادند، از این جزیره کوچ کرده و به دارالسلام و دیگر کشورها مهاجرت کنند.^(۱) سرانجام در روز هفتم آوریل سال ۱۹۷۲ م، عید کرومه، در یک سوءقصد کشته شد و مسلمانان و شیعیان زنگبار تا اندازه ای از فشار حکومت کمونیستی رها شدند.

هم اکنون شیعیان هر ساله با برپایی مراسم چهلم، اقدام به بازگشایی حسینیه ها می نمایند تا بهانه دولت لائیک را برای مصادره احتمالی آنها بگیرند. از این جهت، شیعیان در این ایام با حضور در تعزیه خانه حسینی و محفل حضرت ابالفضل العباس علیه السلام، محفل شاه خراسان، محفل بی بی فاطمه و مسجد حجت و ثقه الاسلام، به نوحه خوانی و سینه زنی می پردازند و با پذیرایی و دادن نذر به شیعیان و مردم محلی، یاد و خاطره اربعین باشکوه زنگبار را در اذهان زنده می کنند.^(۲) شیعیان هندی تباری که در سال های ۱۹۴۰ م در زنگبار به دنیا آمدند و تعداد زیادی از آنها که در سال های منتهی به دهه ۷۰ میلادی مجبور به ترک این کشور، به دلیل تغییر حکومت و فشار سیاسی بر شیعیان و مهاجرت به کشورهای اطراف شدند، هر ساله در سنتی قدیمی، با شرکت در مراسم چهلم، یاد آبا و اجداد خود را زنده نگه داشته و با انتقال این سنت به فرزندان خود، درصدد حفظ هویت مذهبی و فرهنگی خود برآمده اند. در سال های اخیر، شیعیان، در روزهای منتهی به ۲۰ صفر، از طریق دریا و هوا خود را به زنگبار رسانیده و برای مراسم اربعین آماده می شوند و هتل و مسافرخانه های متعلق به شیعیان، به صورت رایگان در اختیار آنها قرار می گیرد. بدون

ص: ۷۰۴

۱- (۱) پیشینه تاریخی تشیع و ایرانیان در تانزانیا و زنگبار، پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، کد خبر: ۱۳۱۵۱، تاریخ انتشار: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۸ ه. ش نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی؛ <http://www.shi.news.com> کد news/۱۳۱۵۱

۲- (۲) . <http://www.estyle/view/۱۶۶۸۴۵> کد <http://www.ir.com>

شک، مراسم اربعین زنگبار از قدیمی ترین مناسبت های مذهبی در عرصه قاره آفریقا به حساب می آید و چون دولت لائیک زنگبار احساس وظیفه ای برای حفظ این نماد اسلامی شیعی ندارد، برای ثبت آن در یونسکو فعالیتی نکرده است. لذا ثبت این واقعه به عنوان میراث معنوی جهان تشیع از ضروریات است.

۲. کشتار شیعیان در جشن ها و موایید ائمه علیهم السلام

حمله به مراسم مذهبی شیعیان، منحصر به عزاداری ها نیست، بلکه جشن های شیعیان نیز در طول تاریخ بارها مورد حمله متعصبان قرار گرفته است. در دوره معاصر نیز مراسم جشن شیعیان در عید غدیر و موایید ائمه علیهم السلام مورد حمله تروریستی قرار می گیرد و شیعیان قتل عام می شوند؛ از جمله در شرق ایران دو انفجار تروریستی هنگام برگزاری مراسم میلاد حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام و مراسم دعای کمیل در مقابل مسجد جامع شهر زاهدان به وقوع پیوست که طبق آخرین آمار منتشر شده، ۲۷ تن کشته و بیش از ۱۶۰ تن زخمی شدند.^(۱) همچنین در عید غدیر خم سال ۱۴۳۴ ه. ق بیش از سی کیلو گرم مواد منفجره در جنوب عراق کشف شد که تروریست ها قصد داشتند آن را در روز عید غدیر منفجر کنند. علاوه بر آن در بحرین نیز نیروهای امنیتی رژیم آل خلیفه به مراسم جشن میلاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روستای سنابس یورش بردند و با شلیک گاز اشک آور و گلوله های ساچمه ای شمار زیادی از شرکت کنندگان مراسم را زخمی کردند. پایگاه های حقوق بشری، تصاویری از شهروندان بحرینی زخمی شده بر اثر حمله مزدوران آل خلیفه را منتشر کردند که در مراسم بزرگداشت میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله هدف قرار گرفته بودند.^(۲)

ص: ۷۰۵

۱- (۱) . <http://ir/news>.

۲- (۲) گزارش شبکه العالم، نشانی گزارش با مستندات و تصاویر در فضای مجاری: ir/news/1556696.

فصل شانزدهم: ریشه ها، علل، انگیزه ها و بهانه های کشتار جمعی شیعه

اشاره

ص: ۷۰۷

از مطالب پانزده فصل گذشته این نتایج کلی برداشت می شود:

۱. شیعه از همان صدر اسلام به صورت جمعیت قابل توجهی مطرح بوده است. گفتنی است تمسک دشمنان شیعه به قتل عام و حذف فیزیکی، این موضوع را اثبات می کند که آنها مبنای علمی و منطقی برای مقابله با مکتب اهل بیت علیهم السلام ندارند؛ همچنین این موضوع اثبات می شود که مکتب تشیع، مقاوم ترین و قوی ترین مکتب کلامی و فقهی است؛ زیرا اگر چنین فشارهایی بر مذاهب دیگر وارد آمده بود، یقیناً از صحنه روزگار محو شده بود.

۲. فشار، تهدید و قتل عام شیعیان در طول تاریخ، موجب مهاجرت آنها به نقاط مختلف جهان شده که طبعاً گسترش تشیع در نقاط مختلف را به دنبال داشته است، بنابراین دشمنان شیعه نه تنها باعث نابودی شیعه نشدند، بلکه ناخواسته موجب گسترش مکتب اهل بیت علیهم السلام در نقاط مختلف جهان گردیدند.

۳. خصومت با شیعیان جهان زمانی افزایش یافت که استعمار، فرقه های طائفه گرا و جاه طلب را با گرایش های متعصبانه به قدرت رساند. گفتنی است مشکلات شیعه در دوره معاصر، به لحاظ تسلط فکری و سیاسی این فرقه ها، صد چندان شده، به طوری که

تمام بناهای مقدس شیعه در سرزمین نزول وحی و برخی نقاط دیگر با خاک یکسان شده است و شیعیان زیادی با فتوا، پول و مباشرت وهابیان و سلفیان تکفیری قتل عام شده و آواره گردیدند.

۴. به رغم قتل عام های متعدد علیه سادات و شیعیان، جمعیت قابل توجهی از جهان اسلام را امروزه شیعیان تشکیل می دهند و علاوه بر کشورهای ایران، عراق، بحرین و آذربایجان، با اکثریت شیعه، در کشورهای دیگر نیز میلیون ها نفر به مکتب تشیع معتقدند؛ به طوری که برخی از آمارهای بین المللی، از جمعیت چهارصد میلیونی شیعه در سراسر جهان گزارش می کند که نزدیک به یک سوم کل مسلمانان جهان را شامل می شود. علاوه بر آن، بخش عمده ای از جهان اسلام، به رغم تبلیغات گسترده ضد شیعی، گرایشات شیعیانه نظیر محبت و مودت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و علاقه مندی به شخصیت های مجاهد شیعی دارند.

۵. متأسفانه خصومت حاکمان ستم پیشه و متعصبان جاهل، افزون بر سادات و شیعیان، دامن اهل تسنن دوستداران اهل بیت را نیز گرفته است؛ به طوری که آنها نیز با مختصر بدگمانی و بهانه ای، مورد فشار، ایداء و چه بسا قتل و غارت قرار می گیرند.

۶. از نظر حقوقی، اقدامات غیر انسانی علیه شیعه، از مصادیق بارز نسل کشی (إباده جماعیه) (۱) است که عبارت است از: هرگونه اقدام برای نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت گروهی از انسان ها که در نژاد، قومیت، ملیت، مذهب یا ایدئولوژی خاصی اشتراک دارند (۲) و از نظر تمام موازین دینی و انسانی، مردود شمرده می شود. طبعاً باید این مصادیق به صورت گسترده در مجامع علمی - حقوقی مطرح شده و به شیعیان به

ص: ۷۱۰

۱- (۱) به لاتین Genocide که از ادغام دو واژه یونانی genos (به معنای دسته یا قوم) و cide (به معنای کشتن و کشتار) به وجود آمده است.

۲- (۲) ر. ک: نسل کشی چیست؟، آلن وایت هورن، ترجمه نعمتی و روحنی، روزنامه رسالت، ۲۶ آبان ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۱۸.

عنوان قربانیان نسل کشی، قتل عام و کشتار جمعی که باید در عصر کنونی به این اقدامات پایان داد، نگریسته شوند.

به نظر می رسد برای بررسی و تحلیل پدیده نسل کشی شیعه، توجه به هر کدام از ریشه ها، علل و عوامل، انگیزه ها و بهانه ها به صورت جداگانه ضروری است. لذا در چهار گفتار هر کدام از این موضوعات بررسی می شود.

گفتار اول: ریشه های قتل عام شیعه

۱. رویداد سقیفه و رویه خلفا نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله (ریشه تاریخی)

رویداد سقیفه و اعمال خلفا در جلوگیری از حاکمیت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله پایه اولیه و اساس کشتار جمعی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان در اعصار مختلف است که در اینجا به بیان چند سند از منابع تاریخی، برای اثبات این مدعا، بسنده می کنیم:

الف) هنگامی که محمد بن ابوبکر درباره شورش و اقدامات خونبار معاویه علیه حضرت علی علیه السلام اعتراض می کند، معاویه در جواب نامه اش می نویسد:

... پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، پدرت با فاروقش، اول کسانی بودند که حق علی علیه السلام را پایمال کردند و او را به بیعت خود فراخواندند و چون زیر بار نرفت، خیال های سنگینی درباره او به سر پروراندند... تو را نمی رسد که خود را با من برابر نمایی! پدرت سلطنت مرا پی ریخت و زمینه آن را فراهم ساخت. پس اگر در صواب هستم، پدرت پایه گذار آن است و اگر در خطا هستم، باز پدرت پیش رو و ما به دنبال او هستیم. (۱)

بلاذری، از علمای سنت، می گوید: عبدالله بن عمر، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، به یزید نامه نوشت و گفت: «مصیبت بزرگ و فاجعه عظیمی رخ داد و در اسلام حادثه بزرگی پدید آمد و هیچ روزی مثل روز قتل حسین نیست». یزید در جواب او نوشت:

ص: ۷۱۱

۱- (۱) انساب الاشراف، بلاذری، ص ۳۹۶؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۸۹؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، ص ۱۲.

ای احمق! ما بر سر خانه های آماده و بسترهای گسترده و مهیا قرار گرفتیم و از آن دفاع کردیم. اگر حق با ماست که به حق جنگیدیم و اگر حق برای غیر ماست، پدر تو اولین کسی بود که این روش را بنیان نهاد و حق را از اهلش بازستاند. (۱)

ب) خوارزمی حنفی می نویسد:

در جریان ظهر عاشورا هنگامی که تیری بر سیدالشهداء علیه السلام رسید، آن حضرت تیر را بیرون آورد و دو کف دست را زیر خون گرفت و سر و صورت خود را با آن خضاب نمود و فرمود:

«هكذا اکون حتی القی جدی رسول الله و انا مخضوب بدمی و اقول: یا رسول الله قتلتی فلان و فلان»؛ «با همین حال که به خون آغشته ام، خداوند را ملاقات خواهم کرد و خطاب به جدم رسول الله صلی الله علیه و آله می گویم: یا رسول الله! مرا فلانی و فلانی (ابوبکر و عمر) به قتل رساندند». (۲)

بنابراین، دید جریان شناسانه در حوادث، ریشه حوادث خونین قتل عام خاندان پیامبر را در انحراف نخستین، در رهبری حکومت، می بیند که در «سقیفه بنی ساعده» اتفاق افتاد.

ج) ابوبکر باقلانی، از بزرگ ترین علمای اهل سنت، می گوید: «اگر ترس از خلیفه [خلیفه عباسی زمان باقلانی] نداشتم، می گفتم امام حسین علیه السلام را روز عاشورا در کربلا به شهادت نرساندند. بلکه امام حسین علیه السلام را در سقیفه بنی ساعده کشتند».

د) مورخان درباره رویدادهای مربوط به قتل عام زید بن علی بن الحسین علیه السلام و یارانش می نویسند:

در جریان قیام زید بن علی علیه السلام علیه مظالم هشام بن عبدالملک، هنگامی که تیر به پیشانی زید اصابت کرد و نزدیک بود از اسب سقوط کند، فریاد زد: «کجاست آن کسی که درباره ابوبکر و عمر از من پرسش می کرد. آنان مرا به این روز و حال کشاندند». (۳)

ص: ۷۱۲

۱- (۱) الأنوار النعمانیة، بلاذری، ج ۱، ص ۵۳؛ ر. ک: الطرائف، سید بن طاووس، ص ۲۳۷.

۲- (۲) مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، ص ۳۴؛ برای اطلاع از مستندات و ارجاعات بیشتر ر. ک: ماهنامه امام شناسی، ش ۲۷.

۳- (۳) مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ص ۳۴۹؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۷۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۵.

همچنین نقل کرده اند که یک وقت از زید پرسیدند: «چه کسی حسین بن علی را در کربلا شهید کرد؟! زید در پاسخ گفت: «حسین را در سقیفه بنی ساعده کشتند» (۱).

ه) در طول تاریخ، خلفای سه گانه، مهم ترین بهانه برای قتل عام و کشتار جمعی شیعیان بوده است. تنها شامیان، به بهانه قتل عثمان، ده ها هزار نفر از صحابه، تابعین و مردم مسلمان آن روز را به کام مرگ کشاندند؛ به طوری که فقط در حمله بسر بن ارطاه به حجاز و یمن، از طرف معاویه، به بهانه خونخواهی عثمان، سی هزار نفر قتل عام شدند که اساساً هیچ ارتباطی با قتل عثمان نداشتند (۲). در دوره های بعدی تاریخ نیز همین رویه تکرار شد؛ برای مثال، معز بن بادیس زیری با ورود به قیروان و با تحریک کردن عوام آن شهر، قتل عام وحشتناکی را به نام ابوبکر و عمر علیه شیعیان به راه انداخت و به پناه آورندگان به مساجد نیز رحم نکرد (۳). تنها در قیروان، سربازان و غلامان معز که از مدت ها پیش به دقت برگزیده شده بودند، سه هزار تن از شیعیان را کشتند و قتلگاه ایشان، برکه الدم (استخر خون) نام یافت (۴).

۲. اندیشه نصب و ناصبی گری (ریشه فکری - کلامی)

نصب (۵) در اصطلاح به معنای دشمنی با علی علیه السلام و کینه توزی به ایشان است (۶) و ناصبی کسی است که با مذمت کردن و نکوهش امام علی علیه السلام به ایشان جسارت می کند (۷).

ص: ۷۱۳

-
- ۱- (۱) وقایع الایام، ص ۱۰۵.
 - ۲- (۲) تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۱۳۴؛ ترجمه الغارات، ص ۳۳۷.
 - ۳- (۳) شیعه و زمامداران خودسر، محمدجواد مغنیه، بخش ۵.
 - ۴- (۴) کامل، ابن اثیر، ج ۹، صص ۵۲۱-۵۶۶؛ البیان المغرب، ابن عذاری، ج ۱، صص ۲۸۵-۲۹۰.
 - ۵- (۵) صحاح اللغة، اسماعیل بن حماد جوهری، تحقیق احمد بن عبدالغفور، ج ۱، صص ۲۲۴ و ۲۲۵؛ لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، صص ۷۵۸ و ۷۵۹.
 - ۶- (۶) تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی بروسوی، ج ۱۰، ص ۴۶۴.
 - ۷- (۷) سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، تحقیق علی ابوزید و دیگران، ج ۷، ص ۳۷۰.

اولین ناصبی ها در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله پیدا شدند و در زمان امویان، به ویژه معاویه، رشد زیادی کردند. خطبای درباری، در پی بخش نامه معاویه، بر فراز هر منبر، به لعن علی علیه السلام و بیزاری جستن از او می پرداختند و می توان گفت که تفکر ناصبی گری، نقش عمده ای در رشد دشمنی علیه سادات و شیعیان در طول تاریخ داشته است. معمول فرمانروایان، مفتیان و رهبران جریانات شیعه ستیز، مشهور به ناصبی گری بوده اند. در کتب اهل تسنن به ناصبی بودن فرمانروایان شیعه کش، نظیر یزید، ابن زیاد، حجاج و متوکل و مفتیان فتوادهنده به قتل شیعه، نظیر بر بهاری، ابن بطه، ابن تیمیه و نوح حنفی نیز تصریح شده است. در زمان حاضر، عمده ترین فرقه نواصب، افراطیون وهابی و تکفیری هستند. اینها گرچه در زبان از کینه اهل بیت علیهم السلام دم نمی زنند، ولی در عمل، سعی در ویران نمودن تمام آثار اهل بیت علیهم السلام دارند. آنها قبور اهل بیت علیهم السلام و صحابه هوادار آنها را به بهانه دفاع از توحید، تخریب یا نبش می کنند و محبان آنها را مشرک می دانند. افراطیون ناصبی نیز در کتب روایی و تاریخی اهل سنت، دست برده، حقایق مربوط به اهل بیت علیهم السلام را حذف می کنند.

تفکر ناصبی گری در گروه های تکفیری - تروریستی به گونه ای است که داعش، در بیانیه ای صریحاً امام حسین علیه السلام را دشمن خود می خواند و اهل سنت میانه رو را تهدید می کند و می گوید: «مطمئن باشید سرنوشت شما هم با شیعیان، در صورت شرکت در مراسم عزای امام حسین علیه السلام، تفاوتی ندارد و مادامی که همراه با شیعیان هستید، توبه شما پذیرفته نیست». امروزه نواصب، در برخی کشورهای اسلامی، با فرا رسیدن سالروز شهادت امام حسین علیه السلام جشن و پایکوبی می کنند. در اسلام، آغاز سال از ابتدای محرم نبوده، بلکه از ابتدای ربیع الاول بوده است؛ زیرا هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان مبدأ تاریخ، در ربیع الاول اتفاق افتاد. اما اینها به رسم جاهلیت، ابتدای محرم را جشن می گیرند و اوج این جشن را دقیقاً روز عاشورا، قرار می دهند و برای تبرک و عید دانستن در این

روز، روزه می گیرند و افطاری ها می دهند. شادی قرار دادن روز قتل امام حسین علیه السلام به جایی رسید که بزرگ ترین مفتی سعودی، به نام عبدالعزیز آل الشیخ، مراسم عروسی پسرش را در روز عاشورا یا روز بعد از آن برگزار کرد و روز یازدهم محرم، روزنامه های این کشور، آن را رسانه ای کردند.^(۱) در برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، نظیر کویت نیز تکفیری ها آزادانه تابلوهایی را در سطح پایتخت، با این جمله «عاشورا یوم الفرح و السرور» نصب می کنند.^(۲)

۳. تبعیض قومیتی و نژادی

در اسلام تبعیض قومیتی و نژادی منع شده است در سوره حجرات آیه ۱۳ چنین می خوانیم: (یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)؛ ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم و شما را گروه ها و قبیله هایی قرار داده ایم تا همدیگر را بشناسید. گرامی ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در نطق معروف خود در حجه الوداع اعلام کرد:

یا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدٍ، وَلَا لِأَسْوَدٍ عَلَى أَحْمَرَ، إِلَّا بِالتَّقْوَى، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ. أَلَا- هَيْلَ بَلَّغْتُ؟ قالوا: بلى يا رسول الله، قال: فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ.^(۳)

ای مردم! پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی. بدانید که هیچ عربی را بر هیچ

ص: ۷۱۵

۱- (۱) گزارش خبرگزاری ها، «تصاویر جشن عروسی پسر مفتی اعظم عربستان در روز عاشورا»، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.irinn.ir/news/۳۴۱۱۷>

۲- (۲) متأسفانه تصویر این تابلوها در کویت در فضای مجازی موجود است. نشانی مطلب با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.sh est . ir/NSite ullStory/News/?Serv = ۲Id = ۳۱۰۲۴۰>

۳- (۳) الترغیب و التهیب: ۹/۶۱۲/۳. همچنین در این باره رک: کنز العمال، حدیث ۵۶۵۵.

عجمی برتری نیست و هیچ عجمی را بر هیچ عربی و هیچ سفیدی را بر هیچ سیاهی و هیچ سیاهی را بر هیچ سفیدی، مگر به تقوا. ارجمندترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. آیا [پیامم را] رساندم؟ همه گفتند: آری، ای رسول خدا. فرمود: پس، حاضران به [گوش] غایبان برسانند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عربیت را یک نژاد تلقی نمی کرد بلکه آن را یک زبان اعلام می نمود. در این باره فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الْعَرَبِيَّةَ لَيْسَتْ بِأَبِّ وَالْوَدِّ، وَإِنَّمَا هُوَ لِسَانٌ نَاطِقٌ، فَمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ فَهُوَ عَرَبِيٌّ، أَلَا إِنَّكُمْ وُلْدُ آدَمَ و آدَمُ مِنْ تُرَابٍ، وَ أَكْرَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ. (۱)

ای مردم! عرب بودن به پدر و نژاد عرب داشتن نیست، بلکه عربی یک زبان است و هر کس بدان سخن گوید عرب است. بدانید که شما همه فرزند آدم هستید و آدم از مشتی خاک آفریده شده است و گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی شنید عمر بن خطاب نسبت به سلمان فارسی به خاطر عجم بودن او بی احترامی کرده است بر منبر رفت و خطبه خواند و فرمود:

إِنَّ النَّاسَ مِنْ عَهْدِ آدَمَ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا مِثْلُ أَسْنَانِ الْمُشْطِ، لَا فَضْلَ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْعَجْمِيِّ وَلَا لِلْأَحْمَرِ عَلَى الْأَسْوَدِ إِلَّا بِالتَّقْوَى. (۲)

همانا مردم از روزگار آدم تا به امروز همچون دندان‌های شانه هستند. عرب را بر عجم برتری نیست و سفید را بر سیاه، مگر به تقوا.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کوچک ترین فرقی بین موالی یک قوم و سایر افراد آن قوم قائل نبود؛ چنان که فرمود: «مولای هر قومی از خود آن قوم است». (۳) ولی بعد از نبی اکرم صلی الله علیه و آله

ص: ۷۱۶

۱- (۱) بحار الانوار: ۱۷/۲۸۸/۷۰.

۲- (۲) الاختصاص: ۳۴۱.

۳- (۳) همان، ج ۲، ص ۸۲۱.

رویه ای کاملاً متفاوت در پیش گرفته شد، ثقفی در الغارات به دشمنی عمر بن خطاب با ایرانیان اشاره می کند و می نویسد: «وی با ایرانیان رابطه بدی داشت و سعی می کرد تا از آنان دوری کند»^(۱)؛ چنان که برخی منابع نوشته اند، عمر بن خطاب به ابوموسی اشعری دستور داد: «هر کدام از افراد غیر عرب (عجم) از کسانی که مسلمان شده اند و قامتشان به پنج وجب رسیده است (بزرگ شده اند) دستگیر کن و گردنشان را بزن». ابوموسی با مشورت زیاد بن ابیه به عمر نوشت: «چنین دستوری، موجب پراکندگی مردم می گردد» و او را از رأی خود منصرف کرد.^(۲) ثقفی در الغارات درباره این رویه عمر بن خطاب می نویسد: معاویه، به زیاد بن سمیه، فرماندار خود در کوفه چنین نوشت:

به موالی و عجم هایی که اسلام آورده اند بنگر! همانا با آنان طبق سنت عمر بن خطاب رفتار کن که ذلت و خواری موالی در آن است. عرب اجازه دارد از میان آنان زن بگیرد، اما آنان حق ازدواج با عرب ها را ندارند؛ به عرب ها اجازه بده تا از موالی ارث ببرد، اما آنان از عرب ها نباید ارث ببرند؛ سهم آنان را از عطایا و بیت المال کاهش بده؛ در جنگ ها آنان باید در مقدمه لشکر قرار بگیرند تا اگر خطری هست، نخست متوجه آنان شود؛ هیچ یک از موالی نباید امام جماعت شود؛ هیچ یک از آنان در حضور حتی یک عرب نباید در صف نخست نماز قرار بگیرند، مگر برای اتمام صف. هیچ یک از موالی نباید متولی مسلمانان شود؛ موالی نباید به مسند قضا تکیه زند و بین مسلمانان قضاوت کند یا احکام را بیان و ترویج کند؛ آنچه گفتم سنت و سیرت عمر در رابطه با موالی بود و تو نیز ای زیاد بن سمیه! به محض رسیدن این دستور، تا می توانی عجم را ذلیل و آنان را کوچک شمار! مبادا به احدی از آنان یاری رسانی یا حاجاتشان را برآورده سازی.^(۳)

ص: ۷۱۷

۱- (۱) الغارات، ابراهیم ثقفی، ج ۲، ص ۸۲۱.

۲- (۲) سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۵؛ نفس الرحمان، ص ۱۴۴؛ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۰.

۳- (۳) الغارات، ج ۲، ص ۸۲۴؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، ص ۱۱۴.

جدا از صحت و سقم این گونه روایات تاریخی، وقتی سیاست عملی خلفایی نظیر عثمان، معاویه و امویان را بررسی کنیم، دقیقاً اجرای سیاست تبعیض نژادی را در اعمال و رفتار حکومتی آنها می بینیم؛ برای مثال عثمان در مقابل کشتن مسلمانان عجم ساکن مدینه به دست عبیدالله بن عمر، به بهانه خونخواهی عمر بن خطاب، واکنشی نداشت. عبیدالله پس از قتل عمر، به قتل عام مسلمانان فارس زبان مدینه پرداخت و بعد از قتل هرمان، جفینه نصاری و دختر خردسال ابولؤلؤ (۱) قسم خورد که هر جا ایرانی بیابد، از دم تیغ بگذرانند. (۲) این در حالی است که قاتل عمر، فیروز ابولؤلؤ، موالی مغیره بن شعبه بود و قرآن مجید، از کشتن عده ای به خونخواهی یک نفر منع می کند. از این رو حضرت علی علیه السلام خواستار قصاص عبیدالله بن عمر شدند، ولی عثمان، حکم الهی قصاص را تعطیل کرد.

یکی از انگیزه های خلفا برای کشتار موالیان، افزونی جمعیت آنها بود؛ به طوری که معاویه وقتی این افزایش جمعیت را مشاهده کرد، چنین گفت: «رأی من این است که گروهی از آنان را بکشم و گروهی را برای رواج و رونق و کار بازارها و تعمیر راه ها نگهداری کنم». بنابراین تا آنجا که می توانست موالی را در بصره سرکوب کرد. (۳) بعد از او پسرش عبیدالله نیز این سیاست را تداوم بخشید. (۴) همین طور حجاج اولین کسی بود که از موالی مسلمان، مانند غیر مسلمانان، جزیه گرفت و نام قریه و منطقه آنها را روی دستانشان داغ گذاشت تا دیگر نتوانند به شهرها برگردند. حجاج، سعید بن جبیر، از اکابر علما و زهاد موالی را به قتل رساند و احساسات موالی را سخت جریحه دار کرد. (۵)

ص: ۷۱۸

۱- (۱) الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج ۳، صص ۳۵۵ و ۳۵۶.

۲- (۲) مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳- (۳) تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن، ترجمه پاینده، ج ۱، ص ۳۱۲؛ امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانیت، جرج جرداق، ترجمه مصطفی زمانی، ج ۵ و ۶، ص ۱۶۱.

۴- (۴) تاریخ تمدن، جرجی زیدان، ج ۴، ص ۱۰۷.

۵- (۵) ضحی الاسلام، احمد امین، ترجمه عباس خلیلی، ص ۴۱.

سلیمان بن عبدالملک، خلیفه اموی نیز در جواب یکی از عمال خود که خواستار تخفیف اندک در مورد موالی شده بود، چنین نوشت: «احلب الدرّ فاذا انقطع فاحلب الدم»؛ «سخت شیر آنان را بدوش، وقتی شیرشان تمام شد، خون آنان را بدوش».^(۱)

از دیگر حاکمانی که سیاست خونبار و بی رحمانه بنی امیه را با قساوت اجرا کرد، ولید، حاکم عراق، محمد بن یوسف (برادر حجاج)، والی یمن، خالد قسری، والی عراق و یزید بن ابی مسلم که یزید بن عبدالملک او را به آفریقا گماشت، بود.^(۲)

قتل عام و تبعیض درباره عجم به اندازه ای شدید بود که موالی به تدریج از خلفا و مذهب آنان فاصله گرفتند و به مکتب خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روی آوردند.^(۳) مطابق نقل ثقفی در الغارات، حضرت علی علیه السلام به موالی چنین فرمود:

ای گروه موالی! اینان از من می خواهند تا با شما همچون یهود و نصارا رفتار کنم؛ اجازه دهم آنان (عرب ها) با زنان شما ازدواج نمایند، اما شما را از ازدواج با زنان عرب منع نمایم. در پرداخت ها به عدالت رفتار نکرده و آنچه به آنان می دهم به شما ندهم. اما من فقط به روش پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار خواهم کرد.^(۴)

زمینه های همراهی موالی با تشیع را باید در نگاه منفی اعراب به موالی، مهاجرت سادات علوی به موطن اصلی موالی، برخورد نابهنجار خلفا با موالی و عدالتخواهی اقتصادی موالی جست و جو کرد.^(۵) همچنین در قتل عام یاران امام حسین علیه السلام در کربلا تعداد قابل توجهی از موالی به چشم می خورد که علامه سید محسن امین عاملی، اسامی

ص: ۷۱۹

۱- (۱) امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانیت، جرج جرداق، ترجمه خسروشاهی، ج ۶، ص ۶۱۹.

۲- (۲) همان، ج ۶، ص ۶۱۸.

۳- (۳) روابط موالی و تشیع، سید محسن سجادی، ص ۲۶۰.

۴- (۴) الغارات، ج ۲، صص ۸۲۳ و ۸۲۴.

۵- (۵) روابط موالی و تشیع، صص ۲۵۴-۲۶۳.

شانزده نفر از آنها را نام می برد. (۱) بر همین اساس بود که در جریان قیام مختار، بیشتر، آنان که از ابناء العجم بودند (۲) و به حمراء شهرت داشتند به او پیوستند. (۳) همچنین بیشتر هفت هزار اسیری که بعد از دادن امان به وسیله مصعب بن زبیر در کوفه قتل عام شدند، موالی شیعه ایرانی هوادار مختار بودند.

در جریان قیام زید بن علی بن الحسین علیه السلام، یکی از گروه های عمده هوادار او، موالیان بودند که خواستار تساوی حقوق با اعراب بودند. بلاذری در انساب الاشراف به عبارت - افضال المحمره - به معنای احقاق حق مسلمانان عجم، در متن پیمان نامه زید با شیعیان، اشاره می کند. (۴)

موالیان کسانی بودند که از فرهنگ اجتماعی بالاتری از اعراب برخوردار بودند و سرزمین های آنان، نظیر ایران، مصر و روم، از سابقه تمدنی بیشتری برخوردار بود. لذا رویه عقل گرایانه و عدالت خواهانه ائمه شیعه علیهم السلام را بیشتر می پسندیدند. بعدها نیز همین موالی در رأس جریان علمی جامعه اسلامی قرار گرفتند؛ به طوری که در شمار اکابر شاگردان ائمه شیعه علیهم السلام به شمار می رفتند. تعداد محدثان، مفسران و عالمان شیعی موالی که به صورت کشتار برنامه ریزی شده به شهادت رسیدند، فهرست بلندی را به خود اختصاص می دهد.

بعدها تبعیض قومی مرتبط با شیعه و سنی، رنگ دیگری به خود گرفت و از حالت عرب و عجم خارج شد و به نزاع ترک و دیلم تبدیل گردید؛ ترکان برای انحصار قدرت، ولی با بهانه تسنن، به مخالفت با دیلمیان شیعه برخاستند و با این بهانه دیلمیان را در ری،

ص: ۷۲۰

۱- (۱) اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۴، صص ۲۹۹-۳۰۲.

۲- (۲) الکامل، ج ۳، ص ۲۹۲.

۳- (۳) اخبار الطوال، احمد بن داود دینوری، ص ۴۲۴.

۴- (۴) انساب الاشراف، ترجمه محمدباقر محمودی، ج ۳، صص ۲۳۷ و ۲۳۸. محمد باقر محمودی درباره این موضوع به تفصیل در پاورقی سخن گفته است.

فارس و نقاط دیگر قتل عام کردند. در افغانستان نیز امرای پشتون، برای تسلط و انحصار قدرت، به جنگ خود رنگ مذهبی دادند و به اسم مقابله با شیعه، به سرزمین قوم هزاره حمله برده و آنها را قتل عام کردند. بنابراین تاریخ نشان می دهد که سیاست بازان، همواره برای توجیه تبعیض قومیتی بین عرب و عجم، ترک و فارس، پشتون و هزاره و... به آن رنگ اختلاف مذهبی شیعه و سنی می دادند.

۴. فعالیت جریان نفاق، یهود و خوارج

هم جریان نفاق و هم یهود، در ایجاد و تقویت فرقه های مذهبی دشمن اهل بیت علیهم السلام، نقش داشته و سپس برای قتل عام و نسل کشی اهل بیت علیهم السلام و شیعیان محرک بوده اند؛ چنان که جریان حدیث ساز یهود، بسیاری از روایات دروغین را در تمجید از قتل عام اهل بیت علیهم السلام و شیعیان وارد کتب حدیثی اهل تسنن کرد. افرادی نظیر کعب الاحبار، وهب ابن منبه و... که پیش تر از احبار یهود بودند، به ظاهر اسلام آوردند و به تدریج از نزدیکان و مشاوران خلفا شدند و مشوق خلفا در فشار بر اهل بیت علیهم السلام و هواداران آنها بودند. بعدها افرادی نظیر سرجون رومی، مشاور یزید، دیگر لزومی نمی دیدند که حتی به ظاهر هم اسلام بیاورند. در دوره معاصر نیز توطئه و فعالیت سیاسی - اقتصادی و رسانه ای صهیونیسم، برای رشد شیعه هراسی و ایران هراسی، به اندازه ای آشکار است که بیان مصادیق آن نیاز به مجلد جداگانه ای دارد.

خوارج نیز در طول تاریخ از مشوقان قتل عام مسلمانان شیعه بوده اند که برخی مصادیق آن، نظیر قتل عام شیعه افریقیه به دست معز بن بادیس زیری، با تشویق مربی و وزیر خوارج مذهب او ابن ابی الرجال، بود که یکی از ددمنشانه ترین خونریزی های تاریخ را به وجود آورد.^(۱) همچنین خوارج اباضی مذهب عمان، بارها در حمله به بحرین، به قتل عام شیعیان دست زدند.

ص: ۷۲۱

۱- (۱) دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ابن ابی الرجال ابوالحسن علی الکاتب الشیبانی المغربی، نویسنده: محمد علی مولوی، شماره مقاله: ۸۱۱.

اشاره

پدیده های اجتماعی تک عاملی نیستند. بلکه در پشت هر رویدادی اهداف و عوامل پیدای و پنهان متعددی قرار دارد. بنابراین لازم است پدیده قتل عام شیعیان را با متغیرهای چندعاملی بررسی کنیم. به این شکل که پدیده قتل عام شیعه، به عنوان متغیر وابسته، تابع متغیرهای مستقل متعددی است که البته مکمل و مرتبط با یکدیگرند. این متغیرها که هر کدام خط سیر خود را دنبال می کنند، در نقطه اجرای آن پدیده به یکدیگر می رسند. لذا از جهت متغیرهای تأثیرگذار، علل را می توان به سیاسی، مذهبی و اقتصادی تقسیم کرد. همچنین از جهت موقعیت، به بومی، منطقه ای و بین المللی تقسیم می شود. لذا در تعیین علل مؤثر در درگیری های مذهبی و فرقه ای در جهان اسلام، سه متغیر نقش مهم دارند. نخست متغیر بومی، دوم متغیر منطقه ای و سوم سلسله عوامل جهانی و بین المللی است. (۱) علل از جهت زمان اثرگذاری نیز به علل وقوع، علل تداوم و علل رشد منقسم می گردد. اکنون به بررسی علل سیاسی، مذهبی و اقتصادی می پردازیم.

۱. علل سیاسی

اشاره

واقعیت آن است که پدیده تعارض و تنش شیعه و سنی، پیش از اینکه مذهبی باشد، بیشتر سیاسی است؛ چراکه اختلاف نظرهای مذهبی همواره وجود داشته، اما تبدیل این اختلافات به درگیری خونبار، نتیجه عنصر خارج از مذهب، با ماهیتی سیاسی، بوده است. وقتی کشورهای اثرگذار منطقه مشکلات سیاسی خود را حل می کنند، به طوری که تعارض های مذهبی به شدت فروکش می کند. گفتنی است با توجه به اینکه اصولاً مهم ترین ابزار ایجاد تنش مذهبی ابزار نرم است، در عصر حاضر رسانه ها نقش

ص: ۷۲۲

۱- (۱) یک راهبرد عملی برای کاهش اختلافات مذهبی در منطقه، سیدمرتضی نعمت زاده، نشانی مقاله با ارجاعات و مستندات در فضای مجازی: <http://www.cknews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۲۰۵۲۲۰۱۱۰۷> sth h. Z ک

U۲G۶.dp

بسیار مهمی در دامن زدن به این تنش‌ها ایفا می‌کنند. به هر حال علل سیاسی به مصادیق مختلفی تقسیم می‌شود که به طور خلاصه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) سیاست حاکمان

یک - تلاش قدرت طلبان برای رسیدن به ریاست و قدرت با قتل عام شیعه

قدرت طلبانی که برای رسیدن به قدرت به قتل عام سادات و شیعیان دست می‌زدند، اعتقاد درستی به اسلام، خواه سنی یا شیعه، نداشتند. آنها تشنه قدرت و حکومت بودند و برای رسیدن به آن، از هیچ اقدام خونباری فروگذار نمی‌کردند؛ برای مثال ابوالفرج اصفهانی از موسی بن عیسی، فرمانده لشکر عباسی، در قتل عام سادات در فخر چنین نقل می‌کند:

به خدا سوگند اینها در پیشگاه خداوند گرامی تر از ما هستند و بدانچه در دست ماست (یعنی به حکومت و خلافت) از ما سزاوارتر و شایسته‌ترند. ولی چه باید کرد که سلطنت عقیم است و اگر صاحب این قبر (پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله) نیز درباره سلطنت و حکومت با ما به نزاع و مخالفت برخیزد، بینی اش را با شمشیر خواهیم زد. (۱)

همچنین در مورد سلطان محمود غزنوی نوشته‌اند که وی در حمله به ری، نه تنها شیعیان، بلکه اهل تسنن معتزلی را نیز قتل عام کرد. سپس به خلیفه عباسی به نام القادر، نامه نوشت و فرمان سلطنت گرفت!

سلطان سلیم سنی، بعد از قتل عام شیعیان آناتولی، بیش از دویست هزار سنی را در شامات و مصر کشت تا دولت ممالیک را سرنگون کرد و خود را خادم الحرمین نامید. (۲)

صدام حسین، دیکتاتور عراق، ابتدا مخالفان سنی و هم حزبی خود را در حزب بعث کنار زد و با برکناری حسن البکر، ابتدا همان‌ها را قتل عام کرد و سپس به جان شیعیان افتاد.

ص: ۷۲۳

۱- (۱) مقاتل الطالبیین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۴۲۰.

۲- (۲) ... تاریخ عثمانی، اوزون چارشی لی، ج ۲، ص ۳۱۱؛ تاریخ عثمانی، اسپناچی پاشازاده، ص ۲۲۴.

این مصادیق نشان می دهد که قدرت طلبان، هیچ اعتقادی جز قدرت پرستی نداشتند و موضوع اختلاف شیعه و سنی را راهی برای رسیدن به ریاست و قدرت می دانستند و چه بسا برای رسیدن به حاکمیت و حفظ آن، به بهانه تقابل شیعه و سنی، صدها هزار نفر، اعم از اهل تسنن و اهل تشیع، را به کام مرگ می فرستادند.

دو - سیاست حاکمان برای فرافکنی مشکلات خود با اعلام خطر شیعه

معمولاً حکومت های خودکامه، مشکلات درونی خود را به عوامل بیرونی نسبت می دهند و طبیعی است که در جهان اسلام، یکی از نزدیک ترین موضوعات برای فرافکنی مشکلات، خطر موهوم شیعه و دامن زدن به موضوعات فرقه ای بوده باشد؛ امروزه رژیم های مستبد، نظیر بحرین، یمن و عربستان سعودی، برای نسبت دادن انقلاب مردمی به خارج، مشکل خود را به نزاع شیعه و سنی نسبت می دهند.^(۱) درحالی که ریشه مشکلات به بی عدالتی ها و شیوه حکومت حاکمان بر می گردد. علی بن مسعود المعشنی، محقق عربستانی، معتقد است:

در کشورهای حوزه خلیج فارس، به ویژه در عربستان، ریشه مشکلات بررسی نمی شود. بسیاری از مشکلات روی هم انباشت شده اند، ولی می کوشند مناطق شرقی شیعه نشین را عرصه بحران معرفی کنند. اما در مناطق جنوبی نیز شیعیان وجود دارند. هنگامی که جنبش های ملی در بحرین در دهه های سی و چهل رخ داد، گفته شد که آنها مزدوران انگلیس هستند و هنگامی که حرکت های ملی گرایانه از سوی عبدالعزیز الشلال و دوستانش مطرح شد، آنها را به جمال عبدالناصر نسبت دادند و هنگامی که حرکت های اصلاح طلبانه انجام شد، آنها را مزدوران ایران خواندند!^(۲)

ص: ۷۲۴

۱- (۱) آل سعود فرافکنی می کند، علی بن مسعود المعشنی، خبرگزاری شبستان، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: www.sh est . ir/NSite . ullStory/?Id = ۲۱۲۷۵۰

۲- (۲) آل سعود فرافکنی می کند، علی بن مسعود المعشنی، خبرگزاری شبستان، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: www.sh est . ir/NSite . ullStory/?Id = ۲۱۲۷۵۰

در مالزی، حزب حاکم، برای ایجاد انگیزه توسعه و نزدیک شدن بیشتر به غرب در یک دوره، با پرننگ کردن خطر کمونیسیم، مخالفان خود را با این اتهام از صحنه بیرون می کرد. ولی با برچیده شدن مارکسیسم، آسان ترین راه برای انحصار قدرت، دامن زدن به خطر تشیع تشخیص داده شد و از این طریق به بیرون کردن مخالفان خود از صحنه سیاسی اقدام کردند.

سه - رقابت سیاسی برای محدود کردن قدرت های شیعی

یکی از اهداف دامن زدن به اختلافات و گسترش شیعه ستیزی، محدود کردن قدرت های شیعی بوده است؛ برای مثال ایجاد درگیری بین شیعه و سنی در زمان ما به ابزاری برای مهار نفوذ ایران تبدیل شده است. آمریکا و متحدانش با ترغیب دولت های عربی به شیعه ستیزی و کمک به فعالیت گروه های تکفیری شیعه ستیز در عراق، سوریه و لبنان، به دنبال انزوای شیعه و تهدید منافع استراتژیک ایران هستند. جهان اسلام مدتی است شاهد ظهور و رشد عجیب جریان های تکفیری است؛ این در حالی است که تکفیری ها تنها یک هدف را دنبال می کنند و آن هم، مقابله با مقاومت اسلامی است. هدف کشورهایی که پشت این جریان هستند، کشاندن پای جمهوری اسلامی ایران و شیعیان به جنگ های داخلی است تا از هدف اصلی خود که مقابله با رژیم صهیونیستی است، باز بمانند.^(۱) لذا شواهد نشان می دهد که جریان های تکفیری، تحت کنترل آمریکا هستند و به طور کلی، عملیات تکفیری ها در ستاد و اتاق های عملیاتی افسران سیا کنترل و برنامه ریزی می شود. آمریکا در گذشته نیز همین اشتباه را کرده بود و برای محاصره جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت مکتب های تکفیری و افراطی را در کشورهای پیرامون ایران، یعنی افغانستان، پاکستان و کشورهای دیگری همچون عراق گسترش

ص: ۷۲۵

۱- (۱) درگیری شیعه و سنی ابزاری برای مهار نفوذ ایران، محمدعلی مهتدی، تحریریه دیپلماسی ایرانی، شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ ه. ش، نشانی کامل گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.irdiplom y. ir> ک ۱۹۱۳۴۷۰/pe

دهد. اما در نهایت، این حرکت های تکفیری از کنترل خارج شدند و نتیجه آن چیزی شد که اکنون در افغانستان و پاکستان شاهدیم.

چهار - انسداد سیاسی

امروزه واکاوی علل تصاعد خشونت فرقه ای در جهان اسلام، به یکی از دغدغه های مهم صاحب نظران تبدیل شده است. در این باره پژوهشگرانی نظیر داوود فیرحی، استاد و پژوهشگر مسائل جهان اسلام، بر این باورند که پدیده افراطگرایی مذهبی و رادیکالیزم، مولود انسداد سیاسی است. بنابراین مسئله جهان اسلام، بحث شیعه و سنی نیست. بلکه مسئله اصلی پدیده ای است به نام افراطگرایی مذهبی که خود را در چهره تقابل های مذهبی ظاهر می کند و یکی از عوامل اصلی آن انسداد سیاسی در کشورهای اسلامی است. (۱) فیرحی سال ۱۹۲۴ م را در تاریخ تحول فکری اسلامی (اهل تسنن) نقطه عطفی می داند که عبارت است از: فروپاشی خلافت عثمانی و پیدایش دولت هایی که سه ویژگی داشتند. سکولار بودند و اقتدارگرا و دیگر اینکه دولت های ناکامی بودند که اهدافی همانند رفاه، امنیت و توسعه اجتماعی را برآورده نکردند. بنابراین جنبش هایی ظهور کردند که عکس این بودند و خواسته های مذهبی داشتند. لذا کم و بیش گرایش های دموکراتیک پیدا کردند و بیشتر با تکیه بر شکست دولت در سیاست های رفاهی و اجتماعی، میل به نوعی عدالت اجتماعی داشتند. این جنبش ها در درون دنیای سنی، به دو جریان بزرگ سلفی و اخوانی تقسیم شدند. هر دو جنبش، گرایش های مسلحانه نیز داشتند. این نظامی گری در هر جایی که کشوری با انسداد سیاسی مواجه شد، رادیکالیزم جدی تولید کرد و در هر کشوری انسداد سیاسی رفع شد، رادیکالیزم و

ص: ۷۲۶

۱- (۱) دکتر داوود فیرحی استاد دانشگاه و تحلیل گر مسائل جهان اسلام در میزگرد، «تقابل شیعه - سنی، چالش پیش روی جهان اسلام»، دیپلماسی ایرانی. تاریخ انتشار: پنجشنبه ۲ خرداد ۱۳۹۲ ه. ش، ۱۴:۱۱ نشانی کامل گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.irdiplom y. ir> ک ۱۹۱۶۳۵۶ p e

ایده های جماعت اسلامی فروکش کرد. بنابراین هر جا که انسداد شکل گرفت حتی دموکراتیک ترین گرایش ها نیز رادیکال می شوند.

به نظر فیرحی مسئله مهم دیگر، جهانی شدن رادیکالیسم است؛ مثلاً در کشورهای خاورمیانه، رادیکالیسم خصلت درد مزمن دارد و مفهوم این درد نیز بدین معناست که هر جا این درد معالجه شود، به جای دیگری مهاجرت می کند که شرایط برای آن مساعدتر باشد؛ برای مثال زمانی که افغانستان معالجه شود، بخش های رادیکال به سوریه مهاجرت می کنند و زمانی که مصر معالجه شود، این بیماری به کشورهای نظیر لیبی منتقل می شود. تحلیلی که می توان در این باره گفت این است که تا زمانی که کشورهای اسلامی نتوانند مدیریت دموکراتیکی نسبت به افراطگرایی مذهبی داشته باشند، این افراطگرایی به سمتی حرکت خواهد کرد که در آنجا انسداد وجود دارد. از طرف دیگر این خصلت پاتولوژیک، به هر منطقه ای که نفوذ می کند، ادبیات آنجا را می گیرد و در حال حاضر به دلیل آن که در هلال سبز شیعی قرار گرفته، به نزع شیعه و سنی دامن زده است. بر پایه این دیدگاه، مشکل اصلی که به نزع شیعه و سنی و کشتار جمعی شیعه دامن می زند، استبداد حاکم است که با ایجاد انسداد سیاسی، جامعه را به سمت افراطگرایی پیش می برد و در صورت حل مشکل استبداد و رفع تبعیض و انسداد سیاسی و ایجاد شرایط مردم سالاری دینی، جوامع اسلامی شاهد خشونت مذهبی و قتل عام اقلیت شیعه به دست اکثریت سنی نخواهند بود.^(۱)

(ب) تجاوز، اشغال و جنگ داخلی

معمول تجاوزات و اشغال نظامی موجب تلفات انسانی فراوان شده و اشغالگران چه

ص: ۷۲۷

۱- (۱) دکتر داوود فیرحی استاد دانشگاه و تحلیل گر مسائل جهان اسلام در میزگرد، «تقابل شیعه - سنی چالش پیش روی جهان اسلام»، دیپلماسی ایرانی. تاریخ انتشار: پنجشنبه ۲ خرداد ۱۳۹۲ ه. ش، ۱۴:۱۱ نشانی کامل گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.irdiplom y. ir> کد p e/۱۹۱۶۳۵۶

بسا بعد از اشغال، موجبات جنگ داخلی را در کشور فراهم می آورند تا به منافع نامشروع خود دست پیدا کنند؛ برای مثال تجاوز آمریکا به عراق از دو جهت موجب نسل کشی و قتل عام شیعیان این کشور شد: از یک طرف اشغالگران با سرکوب گری و بهانه های متعدد، تعداد زیادی از شیعیان را به قتل رساندند و از طرف دیگر، پس از خروج، با به جا گذاشتن میراثی از خشونت و درگیری و حمایت پیدا و پنهان از جریانات تروریستی، به جنگ داخلی و کشتار اکثریت شیعه در این کشور دامن زدند. در شرایط کنونی نیز جنگ داخلی سوریه عرصه ای پوچ برای کسانی شده است که قصد کشاندن درگیری موجود در آن به درگیری فرقه ای بین شیعه و سنی دارند. (۱)

ج) سوءاستفاده سیاسی از رویه مداراجویانه شیعه

یکی از ویژگی های جامعه شناختی سادات و شیعیان، روحیه گذشت آنهاست که از این روحیه به نام فتوت و گذشت ذاتی آنان یاد شده است. عوامل این روحیه ابتدا به سیره پیشوایان تشیع باز می گردد؛ چنان که حضرت علی علیه السلام در برخورد با غضب حاکمیت و خلافت، برای حفظ اصل اسلام، صبر را پیشه کرد و در طول ۲۵ سال خانه نشینی با خلفا مدارا کرد و بعد از رسیدن به قدرت و خلافت ظاهری نیز با همان مبنای جوانمردی و فتوت حکومت کرد و افراد را به زور وادار به بیعت نکرد و از انتقام گرفتن خودداری نمود. متأسفانه دشمنان شیعه، از روحیه فتوت و گذشت شیعیان سوء استفاده کرده اند؛ به طوری که برخورد نکردن با عاملان جنایات نسل کشی، موجب جری تر شدن آنها و تکرار آن عمل در نقاط دیگر شده است؛ برای مثال زمانی که رژیم بعث، مسلمانان شیعه ایرانی و اتباع خود را در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ م، با استفاده از سلاح شیمیایی بمباران کرد، نظام حقوقی حاکم بر استفاده از این سلاح، پروتکل ۱۹۲۵

ص: ۷۲۸

۱- (۱) احمد الطیب، شیخ الازهر: سوریه عرصه پوچی برای ایجاد درگیری بین شیعه و سنی است. نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.sh.com/persi/isl-world/item/۴۴۲۹۷۱>

ژنو و کنوانسیون ۱۹۷۲ بود. ولی دولت های عضو اتحادیه عرب به تفسیری مضیق از پروتکل ۱۹۲۵ دست یازیدند تا بلکه بتوانند عراق را از اتهام نقض پروتکل تبرئه کنند. آنها ادعا کردند که منع استفاده از سلاح شیمیایی، تنها به «مخاصمات بین المللی» محدود می شود. بنابراین استفاده رژیم بعث عراق از سلاح شیمیایی علیه رزمندگان ایرانی و مردم عراق شامل این ممنوعیت نمی شود! از طرف دیگر اقدام قاطعی نیز از جانب جامعه جهانی علیه رژیم بعث انجام نگرفت؛ لذا همین حمایت و توجیه عملکرد صدام توسط اعراب و عدم برخورد قاطع با وی موجب شد دو سال بعد وی علیه شیعیان این کشور در جنوب و کردهای شیعه فیلی در شمال، به صورت گسترده تر از سلاح شیمیایی استفاده کند.^(۱)

امروزه نیز تروریست های تکفیری به این نتیجه رسیده اند که خون شیعه در کشورهای اسلامی بسیار ارزان است و پلیس در کشورهای اسلامی هیچ گاه آن برخوردی که در خصوص زخمی شدن یک تروریست تبعه کشورهای غربی از خود نشان می دهد، در مقابل کشتار اتباع مسلمان شیعه از خود نشان نمی دهد، به همین دلیل است که در کشوری همانند پاکستان، سرکرده لشکر جهنگوی، با فشار سعودی ها و سلفی های محلی از زندان آزاد می شود و حتی همان زمان اعلام می کند که برخی حملات خونین علیه شیعه را از همان زندان طرح ریزی کرده است. همچنین در کشوری همچون مصر، تکفیری ها آن قدر جری می شوند که جنازه یک اندیشمند شیعه را پس از قتل عام بر زمین می کشند و از آن فیلم می گیرند و یقین داشتند که نظام اخوانی، در مقابل اقدام آنها، برخورد ضعیفی خواهد داشت. بدیهی است اگر یک یهودی در مصر این طور به قتل می رسید، مرسی (رئیس جمهور وقت مصر) چندین ملاقات با سفیر آمریکا و اسرائیل،

ص: ۷۲۹

نمایندگان جامعه یهودیان مصر و خانواده آن شخص یهودی ترتیب می داد و به عناوین مختلف عذرخواهی می کرد. اما نسبت به قتل فجیع حسن شحاته و تعدادی دیگر از مسلمانان شیعه این کشور، تنها به صدور بیانیه محکومیت اکتفا کرد. طبعاً این عدم حساسیت دولت اخوانی وقت مصر در مقابل ناامنی مذهبی در این کشور باعث شد بخش عمده ای از مردم مصر، به پیوستن به جنبش تمرد تشویق شوند و زمینه را برای استفاده نظامیان از فرصت و متعاقب آن کودتا و سرنگونی دولت اخوانی فراهم سازند.

۲. علل اقتصادی

اشاره

رسیدن به اهداف اقتصادی، یکی از مهم ترین علل قتل عام شیعیان در طول تاریخ بوده است. به طور مثال حاکمان بنی امیه سرزمین های حاصل خیز عراق را بوستان جوانان خود می خواندند و از اینکه آن سرزمین محل سکونت شیعیان باشد، خشمگین می شدند. لذا علاوه بر نسل کشی سادات و شیعیان عراق، به مهاجرت اجباری آنها از بین النهرین اقدام کردند؛ به طوری که تنها زیاد بن ابیه، پنجاه هزار خانوار شیعه را از کوفه و عراق به مناطق کویری و شرق ایران نظیر خراسان تبعید کرد.^(۱)

در دوره های تاریخی دیگر نیز همین وضع ادامه داشت؛ برای مثال، یکی از عوامل مهم قتل عام شیعیان اسوان مصر به دست صلاح الدین ایوبی را طمع او و برادرش در مصادره اموال شیعیان آن منطقه دانسته اند. همچنین قتل عام شیعیان هزاره نیز توسط عبدالرحمان خان جلاد دقیقاً برای دستیابی به مناطق و زمین های حاصلخیز آنها بود. همچنین هجوم هر ساله طوایف ازبک، در فصل برداشت محصول، به شهرها و قصبات شیعه نشین خراسان بزرگ هدف اقتصادی داشت؛ که با بهانه های مذهبی همراه می شد. عثمانی ها هم که برای غارت، به مناطق شیعه نشین ایران، عراق و سوریه حمله می کردند

ص: ۷۳۰

۱- (۱) تاریخ صدر الاسلام و الدوله الامویه، عمر فروخ، ص ۱۲۹.

و دست چپاول و تعدی به اموال مردم می گشودند و برای رسیدن به اهداف اقتصادی، موضوع مذهب را بهانه می کردند. همین عثمانی ها هیچ گاه مسلمانان غرناطه را که مورد حمله مسیحیان قرار گرفته بودند، یاری نکردند؛ چراکه برای آنها سود اقتصادی نداشت. این در حالی بود که در همان زمان، پاشایان عثمانی، هر ساله هزاران کیلومتر را برای غارت و چپاول شهرهای غرب ایران طی می کردند.

انگیزه محوری رژیم های عربی برای شعله ور نگه داشتن منازعات فرقه ای

در عصر حاضر، تلاش رژیم های پادشاهی عربی، به ویژه سعودی ها برای شعله ور نگه داشتن منازعات فرقه ای شیعه و سنی در عراق و برخی مناطق دیگر جهان اسلام بیشتر به عوامل اقتصادی بر می گردد. آنها از رشد و توسعه شمال و غرب خلیج فارس و طبعاً انتقال بازار سرمایه از شیخ نشین های جنوب به دو کشور مهم ایران و عراق نگرانی شدیدی دارند؛ چراکه به خوبی می دانند در طول تاریخ نبض اقتصادی خلیج فارس در مناطق شمال و غرب آن، نظیر بصره، سیراف و بوشهر قرار داشته و این در حالی است که به دلایل متعدد، از جمله جنگ و اشغال، محوریت اقتصادی و مالی از دو کشور اصلی حاشیه خلیج فارس یعنی ایران و عراق، به تدریج، به شیخ نشین های جنوبی منتقل شده است. فینینگام کانینگهام، نویسنده و تحلیلگر ایرلندی، معتقد است: بر همین اساس، حاکمان عربستان و سواس شدیدی در قبال ایران دارند؛ و سواسی که ترس شدید و نفرت آنها از ایران را برملا می سازد. چراکه نگرانی نهایی برای آل سعود مسئله حیاتی اقتصاد نفت و گاز است. با اهمیت ترین مسئله، ثروت عظیم گاز ایران است که هنوز به عنوان یک منبع اقتصادی به بهره برداری نرسیده است. گمان می رود ایران بزرگ ترین ذخایر شناخته شده گاز طبیعی روی زمین را در میدان پارس دارد. لذا اگر روابط بین المللی ایران، با حذف تحریم های تجاری، عادی سازی شود، ایران تأمین کننده برتر

انرژی خواهد شد. آل سعود این تحولات را به چشم یک تهدید حتمی می داند؛ زیرا سعودی از نفت برخوردار است، اما گاز طبیعی بسیار کمتری دارد. بنابراین ارزش استراتژیک عربستان سعودی، به عنوان یک تولید کننده انرژی، رو به افول است. از دیدگاه سعودی ها، به هر قیمتی که شده باید مانع از آن شد که ایران ثروت بالقوه انرژی (گاز طبیعی) خود را توسعه دهد. چراکه در حال حاضر، حاکمان عربستان روی یک بمب ساعتی افزایش جمعیت جوان و بیکار نشسته اند که تاکنون با کمک های مالی دولت از محل صادرات نفت، آرام گرفته اند. ولی شمارش معکوس برای پایان این کمک ها آغاز شده است. زمانی که اقتصاد نفتی عربستان سعودی افول کند، به حاشیه رانده می شود و این به معنای نفوذ سیاسی بیشتر ایران در منطقه و کاهش قدرت اقتدارگرایان عربستان خواهد بود. همچنین اگر قرار باشد ایران توان بالقوه خود را به طور کامل توسعه دهد، تجارت آن در بخش نفت و مهم تر از آن، در گاز طبیعی، به احتمال زیاد به یورو، روبل، ین و یوان انجام می شد. این سناریو، پایان برتری دلار آمریکا و تسریع در فروپاشی آن محسوب می شود. نهایتاً اینکه واشنگتن هم در نفرت و بیزاری شدید آل سعود در قبال ایران سهیم است. آل سعود نه به دلایل وهابی گری و مذهبی، بلکه به دلیل حفظ قدرت اقتصادی خود، به دشمنی با ایران ادامه می دهد. کانینگهام در نهایت معتقد است که حکام مستبد عربستان و اربابان آمریکایی آنها تاب تحمل دیدن پیشرفت ایران را ندارند.^(۱) لذا در آتش نزاع شیعه و سنی می دمند و خود را حامی و منجی اهل تسنن معرفی می کنند.^(۲)

ص: ۷۳۲

۱- (۱) پایگاه اینترنتی شبکه خبری پرس تی وی، دلیل اصلی دشمنی آل سعود با ایران، نشانی مقاله در فضای مجازی:

<http://www.yjc.ir/news/4738146>

۲- (۲) پایگاه اینترنتی شبکه خبری پرس تی وی، چرا آل سعود از ایران می هراسد؟ ر. ک: سرویس بین الملل باشگاه

خبرنگاران، نشانی مقاله با ارجاعات در شبکه جهان پهنا: <http://www.yjc.ir/news/4736316>

شریفین، باعث رشد این تفکر در جهان اسلام شد.^(۱) اندیشمندانی نظیر «پاتریک کاکبرن»، محقق انگلیسی، درباره گسترش تفکرات وهابیون به جهانیان بارها هشدار داده و از حمایت غرب از وهابیان به شدت انتقاد کرده است و می نویسد: «وهابی کردن جریان اصلی اسلام سنی، یکی از خطرناک ترین تحولات عصر حاضر است».

کاکبرن در ادامه، با اشاره به اینکه توان مالی و سیاسی عربستان سعودی نقش مهمی در گسترش وهابیت ایفا کرده است، می گوید:

برای نمونه اگر یک مسلمان معتقد بخواهد هزینه های برگزاری یک نشست مذهبی را در بنگلادش تأمین کند، هیچ منبعی جز عربستان برای دریافت بیست هزار دلار هزینه برگزاری نشست، پیدا نمی کند. اما اگر قرار باشد در این نشست علیه وهابیت صحبت شود، او باید با مشکل تأمین منابع مالی دست و پنجه نرم کند.^(۲)

لذا در صورتی که منابع فکری آن به صورت ریشه ای، خشکانده نشود، همچنان این خشونت فزاینده ادامه خواهد داشت و خشکاندن منابع تروریسم، به قطع حمایت مالی و تسلیحاتی آن و مهم تر از آن، مقابله با فتاوایی که خشونت را تشویق می کنند، نیاز دارد.^(۳)

ص: ۷۳۴

۱- (۱) «جریان شناسی سلفی گری معاصر»، نشانی مقاله در فضای مجازی: <http://www.mhrehghnews.ir/news/176522>

۲- (۲) ایندی پندنت: گسترش وهابیت خطرناک ترین تحول عصر حاضر، تاریخ انتشار: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ ه. ش - ۰۲:۱۲، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.tn.ir/mobile/news/401365>

۳- (۳) دیوید کتر با عنوان «عراق، پایتخت انفجار در جهان» نوشت: اگر این روند ادامه یابد، شمار کشته های ناشی از خشونت ها در عراق، تا پایان سال ۲۰۱۴ م، به دوازده هزار نفر خواهد رسید. این در حالی است که بر اساس گزارش های رسانه ها، طی سال ۲۰۱۳ م، کمتر از هفت هزار نفر در خشونت های عراق کشته شده بودند. مؤسسه بروکینگز در سال ۲۰۱۲ م اعلام کرد: شمار تلفات غیر نظامیان و نیروهای امنیتی در عراق ۵۲۰۰ نفر و در سال ۲۰۱۱ م این رقم ۴۸۰۰ نفر بوده است: پایگاه اطلاع رسانی گلف نیوز به نقل از خبرگزاری اهل بیت - ابنا. نشانی در فضای مجازی: <http://www.nir/persi/service/middle/chive/2014/05/04/606441/story.html>

یک - انتساب شیعیان به یهود

وهابیون برای اینکه شیعه را ساخته دست یهودیان معرفی کنند، صدها جلد کتاب، چاپ و منتشر می کنند. کتاب «تبدید الظلام وتنبیه النیام الی خطر الشیعه والتشیع علی المسلمین و الاسلام» نوشته «ابراهیم الجبهان» که با هزینه نهادهای وهابی، تدوین و در تیراژ گسترده منتشر شده، در همین راستاست و هر ساله میلیون ها نسخه از آن در سراسر جهان، به زبان های مختلف، توزیع می شود.

دو - کافر معرفی کردن شیعه

وهابیون، شیعیان را به دلیل اعتقاد به امامت و اینکه پیامبر، جامعه تازه تأسیس اسلامی را بدون رهبر نگذاشته است، کافر معرفی می کنند و چون که به توسل، شفاعت، زیارت قبور و... اعتقاد دارند، مشرک هستند.

سه - انتساب برخی بزرگان و علمای شیعی به وهابیت

گرایش روزافزون پیروان ادیان گوناگون به شیعه موجب شده وهابیون نیز ادعا کنند که فلان عالم یا شخصیت شیعه، وهابی شده است. وقتی مراجعه می شود، تنها نام و عناوین تعدادی افراد بی نام و نشان یا برخی افراد منحرفی که دارای مسئله حاد بوده اند، مشاهده می شود.

چهار - ناامن کردن مراکز و مراسم مذهبی شیعیان

وهابیت با پی بردن به نقش سازنده اجتماعات دینی و مذهبی شیعی، با هدف ناامن کردن مساجد، حسینیه ها، هیئت های عزاداری، نمازهای جمعه شیعیان، زیارتگاه های ائمه علیهم السلام و امام زادگان، تاکنون صدها شیعه بی گناه را در این مراکز مقدس به شهادت رسانده اند.

پنج - تشکیل گروه های تبلیغی و جهادی علیه شیعیان

وهابیت با جذب و شناسایی برخی افراد سست عنصر به آموزش و سازماندهی آنها در قالب گروه های محارب و تروییست علیه شیعیان استفاده می کنند.

شش - تهییج افکار اهل سنت علیه شیعیان و رشد شیعه هراسی در جهان اسلام

برخی با استفاده از عوامل تندرو از میان شیعیان، با طرح مسائل اختلافی و توهین به مقدسات اهل سنت، میان اهل سنت و شیعیان ایجاد اختلاف می کنند. از سوی دیگر با جمع آوری مطالب بی پایه از کتب بی نام و نشان شیعه، زمینه آتش افروزی وهابیت را فراهم می کنند. رشد و گرایش جهانی به مذهب شیعه، موجب شده که وهابیون طرح شیعه هراسی را با هدف تحریک احساسات اهل سنت و متحد کردن آنان علیه شیعه در دستور کار خود قرار دهند.^(۱)

ج) فناوی قتل و کشتار

یکی از علل مهم در کشتار بی رحمانه شیعیان، فتوای تکفیر است؛ به طور مثال شیخ ناصرالدین الالبانی یکی از مفتیان مشهور وهابی فتوا داده است: «کشتن شیعیان، حلال؛ اما یهودیان، حرام است!»^(۲) این در حالی است که در سال های اخیر به جای برخورد معقولانه با پدیده تکفیر، اعلام برائت از اقدامات خشن مذهبی، مجدداً در آذر ماه ۱۳۸۵ ه. ش، سی و هشت نفر از علمای سلفی عربستان سعودی، در بیانیه ای، هواداران

ص: ۷۳۶

۱- (۱) در این باره رک: نگاهی به اقدامات شیعه هراسی در جهان، سمیع الله مردان، نشانی در فضای مجازی: news.ir، print/4952.

۲- (۲) این چهره سرشناس وهابی که متولد کشور آلبانی بوده، بارها و بارها انجام هرگونه عملیات استشهادی را در سرزمین های اشغالی، علیه شهرک نشینان صهیونیستی، حرام اعلام کرده بود. نشانی گزارش در فضای مجازی: www.shi online.ir/ticle.p?id=18945.

خود را به قتل شیعیان ترغیب کردند(۱) ذیلاً- به برخی فتاوی شرم آور مفتیان وهابی سعودی در خصوص قتل عام شیعیان اشاره می کنیم:

۱. «سعد الدریهم»: وی در فتوایی چنین می نویسد: «مجاهدین (تروریست ها) باید تلاش کنند حتی زنان و کودکان رافضی (شیعه) را به قتل برسانند تا از این طریق بتوانند ترس و وحشت را در دل آنان بیندازند».

۲. ناصر العمر: چندی پیش سؤالی جهت دار از این مفتی وهابی با این مضمون شد که: «همان طور که می دانید، خطر رافضی ها از خطر یهودی ها و نصرانی ها برای اسلام بیشتر است، ما چگونه می توانیم برای نجات اسلام، خطر رافضی ها را کنترل نماییم !!؟»

ناصر العمر در جواب این سؤال، جملات موحشی را ارائه کرد که خلاصه آن، چنین است: «در ابتدا باید بدانیم که شیعیان جز با یک حکومت اسلامی جهادی ریشه کن نمی شوند. شیعیان بعد از برپایی حکومت اسلامی دو راه دارند: یا اینکه اسلام را بپذیرند! یا اینکه سر بریده شوند. اگر اصرار کردند بر مذهب خود باقی بمانند با آنها باید این چنین برخورد کنید:

اول: همه شیعیان را چون گوسفند، سر ببرید تا خون سراپای آنها را فرا بگیرد و چه منظره بدیعی است زمانی که می بینی اجساد شیعیان در دریایی از خون شناورند و صدای امواج خون رافضی گوش هایت را نوازش می دهد و جنازه هایشان، چشم هایت را به وجد می آورد؛

دوم: زنان آنها را به اسارت ببرید و میان رزمندگان به صورت عادلانه تقسیم کنید؛

سوم: کودکان شیعه را به فراگیری تعلیمات اسلامی صحیح وادارید و توحید و عقیده را به آنها آموزش دهید و به آنها آموزش های نظامی دهید تا در فتوحات اسلامی از آنها استفاده شود؛

ص: ۷۳۷

۱- (۱) «سلفی ها چه کسانی هستند و از کجا پیدا شده اند؟»، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.rir>

کک. com ۲۱۶۵۵۴/news

چهارم: معابد و ضریح های شرک آلود شیعه را نابود و ویران کنید؛

پنجم: خانه های آنها را تفتیش کنید و کتاب های شرک آلود آنها را از بین ببرید؛

ششم: روز عاشورا را جشن بگیرید و شیعیان را مجبور کنید در آن شرکت کنند؛

هفتم: آنها را مجبور کنید کودکان خود را به اسم هایی مانند معاویه، یزید، عایشه، حفصه و... نامگذاری کنند؛

هشتم: باید به امامانی که ادعا می کنند رهبرشان هستند، مانند خمینی و سیستانی و... توهین نموده و از آنها بیزاری جویند. (۱)

۳. ابن جریرین: وی در جواب استفتایی می نویسد: «مسلماً من قتل رافضیان را حلال می دانم. این رافضیان مشرک هستند و...» (۲)

۴. مفتیان جدید وهابی سعودی نیز در جدیدترین اقدام خود، نواری صوتی منتشر کرده اند که در آن بر وجوب ریختن خون شیعیان تأکید شده است. (۳)

فتاوی قتل عام و تشویق جوانان وهابی به عملیات انتحاری علیه مسلمانان دیگر به اندازه ای رسوا و زشت بود که به تدریج مخالفت های زیادی برانگیخت؛ به ویژه زمانی که خطر عملیات انتحاری به داخل خود سعودی نیز کشیده شد. اینجا بود که آل شیخ، مفتی بزرگ سعودی طی فتوایی اعلام کرد: «عملیات های انتحاری حرام است، خودکشی یک جرم بزرگ و گناهی فاحش است و کسانی که خود را با مواد منفجره می کشند، جنایتکارانی هستند که با سرعت به سوی جهنم می روند!» (۴) صدور این فتوا هنگامی

ص: ۷۳۸

۱- (۱) گزارش رسانه ها از متن فتوای هولناک مفتی وهابی در برخورد با شیعیان، نشانی در فضای مجازی:

<https://www.ebook.com/BhWisdomquote/posts/۳۰۵۰۷۴۳۲۲۹۸۴۷۸۳> ک

۲- (۲) گزارش رسانه ها از متن فتوای تازه مفتی برجسته سعودی؛ خون شیعه هدر و زانانشان غنیمت هستند، نشانی در فضای

مجازی: <http://www.mhrehghnews.ir/news/۲۲۲۵۹۷> ک

۳- (۳) منابع پیشین.

۴- (۴) تحریم حمله های انتحاری توسط «آل شیخ»، نوشدارو پس از مرگ سهراب، نشانی گزارش در فضای مجازی:

<http://www.shinews.com/news/۶۴۷۲۲> ک

منتشر می شود که سعودی بیشترین مفتیان و مبلغان گسترش دهنده خشونت را بین مسلمانان دارد. در همان زمان شیخ خالد ملا، رئیس هیئت علمای اهل سنت در عراق، اعلام کرد: «این اعلام موضع و صدور فتوای تحریم از سوی آل شیخ زمانی صورت گرفت که دیگر کار از کار گذشته بود. اما این اقدام بر این دلالت دارد که آنها خود نیز خطر را درک کرده اند؛ خطری که بیشتر دولت ها، حکومت ها و... و کیان مذهب سنی را در حال حاضر نیز تهدید می کند.» (۱)

تبیین عوامل صدور فتوا علیه شیعه

از دیرباز تقرب مفتیان به حاکمان و همراهی با سیاست های زورمداران، از عوامل مهم صدور فتوا علیه شیعیان بوده است؛ نظیر فتوای ابوالبختری برای قتل یحیی بن عبدالله به دستور هارون، فتوای نوح افندی برای قتل عام شیعه به دستور سلطان مراد عثمانی و فتوای بن باز برای قتل عام حجاج شرکت کننده در مراسم براثت از مشرکین به دستور ملک فهد.

عقده روانی برخی مفتیان درباره گسترش روزافزون مکتب تشیع، یکی دیگر از انگیزه های صدور فتوای قتل عام مسلمانان شیعه است. (۲) این در حالی است که رمز توسعه مکتب تشیع را باید در نیرومندی درونی و فکری این مذهب، میانه روی و ارائه حقایق اسلام به صورت عقل مدارانه دانست. لذا مفتیان وهابی و تکفیری وقتی می بینند صدها نفر از جوانان اهل تسنن، با تأثیرپذیری از توانایی درونی تشیع به این مذهب می پیوندند، به

ص: ۷۳۹

۱- (۱) منبع پیشین.

۲- (۲) در کشوری مثل نیجریه که تکفیری ها به شیعیان حمله می کنند، درصد مسلمانان در چند دهه پیش ۷۰ درصد بود. ولی با تبلیغات مداوم مبلغان مسیحی اکنون درصد مسلمانان در این کشور به ۵۰ درصد رسیده است و چه بسا خانواده های متعدد مسلمان که فرزندان شان، در مدارس مسیحیان، به مسیحیت گرویده اند. تمام اینها موجب نشد که مفتیان سلفی و تکفیری، حداقل نصف فعالیتی را که علیه شیعه دارند، علیه مبلغان مسیحی مورد حمایت استعمار انجام دهند.

این نتیجه رسیده اند که در صورت عدم اقدامات خونین و خشونت آمیز علیه مذهب تشیع، این مکتب به زودی اکثریت مسلمانان دنیا را تحت پوشش قرار می دهد. (۱)

۴. علل رسانه ای

الف) سوءاستفاده جریان های تکفیری از فضای مجازی و شبکه های ماهواره ای برای رشد خشونت علیه شیعه

امروزه جریان تکفیری حدود شصت شبکه ماهواره ای در اختیار دارد و قدرت لجستیکی آنها نشان می دهد که قدرت های غرب، پشت سر آنهاست؛ به طوری که رسانه های فعال در برخی کشورهای عربی خلیج فارس، همچون قطر، عربستان سعودی و کویت به یکی از ابزارهای رسانه ای آمریکا و غرب در خصوص انعکاس دیدگاه های جریان های تکفیری شیعه ستیز و ایران ستیز تبدیل شده اند. شبکه تلویزیونی العربیه که به دلیل مواضع صهیونیستی اش در کشورهای عرب منطقه به «العبریه» مشهور است، برای تقویت جریان های افراطی، گویا با تعدادی از عناصر تکفیری و تجزیه طلب به عنوان خبرنگار و تحلیلگر سیاسی، قرارداد همکاری بسته است. این شبکه تاکنون صدها بار برنامه های ضد ایرانی را روی آنتن بین المللی خود برده و حتی با تروریست های فعال شیعه گش در سراسر جهان مصاحبه و گفت و گوی ویژه داشته است. (۲)

ب) طرح استعماری تأسیس شبکه های ماهواره ای به اسم شیعه برای توهین به اهل تسنن

شبکه های زیادی این روزها با حمایت سرویس های جاسوسی «سیا»، «ام - آی

ص: ۷۴۰

۱- (۱) علی سالوس - در کتابش با نام «الشیعه الاثنی عشریه فی الاصول و الفروع» می نویسد: «شیعه جعفری دوازده امامی، بزرگ ترین فرقه اسلامی معاصر است». ناصر قفاری در این باره می نویسد: «هر. کس کتاب «عنوان المجد فی تاریخ البصره و النجد» را مطالعه کند، ترس اندامش را فرامی گیرد، زیرا می بیند برخی از قبیله ها همگی یک جا شیعه شده اند»؛ ر. ک: اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، ج ۱، مقدمه کتاب.

۲- (۲) همچون یوسف عزیزی بنی طرف و عبدالملک ریگی معدوم؛ ر. ک: «آنتن شبکه العربیه در خدمت تروریست ها»،

نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.bultnews.com/news/۱۵۴۴۱۳>

- سیکس» و «موساد» تأسیس شده اند و هر روز بر تعدادشان افزوده می شود؛ شبکه هایی چون اهل بیت علیهم السلام، هادی، امام حسین علیه السلام، کربلا، الزهرا، کلمه، وصال نور و... از این جمله اند. وجه اشتراکی که در همه این شبکه های به اصطلاح شیعی دیده می شود، حمایت های بی چون و چرای آمریکا و انگلیس و دنباله روهایشان از این شبکه هاست. گفتنی است برهم زدن وحدت شیعه و سنی، غبارآلود کردن فضا و عوض کردن جای دشمن، در دستور کار این شبکه ها است که به معرفی اجمالی برخی از آنها می پردازیم:

یک - شبکه فدک

چندی پیش شخصی از اتباع کشور کویت به نام یاسر الحیب، در ابتدا با راه اندازی هیئت «خدام المهدی» با سخنرانی های خود به ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی می پرداخت. با اوج گیری فعالیت های او، دولت کویت او را دستگیر و روانه زندان کرد؛ اما با فشار گروه های حامی حقوق بشر انگلیس و آمریکا آزاد شد. وی پس از آزادی از زندان و خلع تابعیت کویت، مدتی به ایران آمد. اما از ایران نیز به سرعت خارج شد و به لندن پناهنده شد و انگلستان با آغوش باز پناهندگی سیاسی وی را پذیرفت. (۱) در لندن، ظرف مدت کوتاهی، برای او حوزه علمیه «امامین عسکرین علیهما السلام» ساخته شد. همچنین برای وی، حسینیه، روزنامه و از همه مهم تر، شبکه ماهواره ای «فدک» تأسیس گردید. او با برنامه ریزی و حمایت انگلیسی ها، در ماه رمضان ۱۴۳۱ ه. ق و در سالروز وفات عایشه، با پشتیبانی عظیم رسانه ای جشنی کوچک برگزار کرد تا آتشی را که مأموریت داشت، برافروزد. رسانه های تکفیری، بازوی دیگر طرح تفرقه افکنانه انگلیس در جهان اسلام، به سرعت وارد میدان شدند و اقدامات این شخص را به میلیون ها شیعه سراسر عالم نسبت دادند. مفتی اعظم سعودی نیز، خوشحال از اقدامات یاسر الحیب، با اشاره به کارهای وی، از توقف

ص: ۷۴۱

۱- (۱) رسانه های شیطانی، ایمان نوروزی، معرفی اشخاص و شبکه های ضد وحدت، نشانی گزارش در فضای مجازی:

روند گرایش به مذهب شیعه میان جوانان اهل سنت خبر داد. (۱) با رسانه ای شدن اقدامات یاسر الحیب در مناطقی نظیر عراق، عربستان، لبنان و پاکستان نیز فشارها بر شیعیان افزایش یافت و گروه های تکفیری به درگیری خونین با شیعیان پرداختند. علما و نخبگان شیعه، یک صدا اقدامات یاسر الحیب را محکوم کردند. در همان زمان گروهی از علمای شیعه عربستان، در استفتایی، از مقام معظم رهبری در خصوص سخنان یاسر الحیب، خصوصاً درباره توهین به عایشه، سؤال کردند که پاسخ ایشان چنین بود: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت، از جمله اتهام زنی به همسر پیامبر اسلام، حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به ویژه سیدالانبیاء پیامبر اعظم حضرت محمد صلی الله علیه و آله می شود». (۲)

انعکاس این فتوا در رسانه ها و مطبوعات جهان اسلام، آرامش را به میان اهل تسنن بازگرداند. اما رسانه های وهابی تکفیری، همچون العربیه، ترجیح دادند فتوای رهبر معظم انقلاب و مواضع دیگر علمای شیعه را سانسور کنند و نگذارند آتشی که از لندن شعله ور شده، خاموش شود. به هر حال فدک شبکه ای است که با حمایت غرب، ولی به نام شیعه تأسیس شده و عملاً مسیر سب و توهین به شیعه و سنی و حتی علیه مراجع شیعه را در پیش گرفته است. مشرک خواندن مراجع تقلید شیعه، نظیر مرحوم آیت الله بهجت (!) توهین به آیات عظام سیستانی و مکارم شیرازی، همچنین سب و لعن سید حسن نصرالله و هر کسی که کم ترین نزدیکی را به جمهوری اسلامی ایران دارد، از جمله اقدامات این مافیای نوین رسانه ای است.

دو - شبکه اهل بیت علیهم السلام

وی شیخ حسن اللهیاری، روحانی نمایی افغانستانی که هم اکنون مقیم آمریکاست، چند

ص: ۷۴۲

۱- (۱) خوشحالی وهابیون از اظهارات تفرقه انگیز، گزارش خبرگزاری اهل بیت علیهم السلام - ابنا - به نقل از سایت خبری شیعیان عربستان (راصد)، کد خبر: ۱۲۲۸۲۷، تاریخ انتشار: ۰۸ مهر ۱۳۸۹ ه. ش. نشانی گزارش در فضای مجازی: www.shi-news.com

۲۰۶۸۵۲ = Id = g!p

۲- (۲) . www.shi-news.com ک ۱۹۱۲۷ = cid/?es/p

سال پیش شبکه ای به نام اهل بیت را در قم تأسیس کرد که خیلی زود اسناد وابستگی و همسویی آن با سیاست های غرب در اختلاف بین مسلمانان رو شد. چراکه در این شبکه، توهین به مقدسات اهل تسنن در دستور کار قرار داشت.

درخور توجه است که اسم شبکه اهل بیت علیهم السلام را از آن جهت انتخاب کرده بودند که باعث بدنامی شیعه شود و در اذهان اهل سنت خراب گردد. دفتر این شبکه در قم، به دلیل اقدامات آن در ایجاد اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی، تعطیل شد. به همین دلیل عوامل آن مدعی شدند که رویکرد جمهوری اسلامی حمایت از اهل سنت و تضعیف مکتب اهل بیت علیهم السلام است. بعد از روشن شدن دست این شبکه و معلوم شدن نقش آمریکا در حمایت از آن، هیچ کدام از مراجع شیعه حاضر به حمایت از این افراد نشدند. عوامل این شبکه مدعی بودند که از طرف بیت آیت الله محقق کابلی حمایت می شوند؛ ولی دفتر ایشان هرگونه کمک مالی به این شبکه را حرام اعلام کرد.^(۱) با این حال، اللهیاری به آمریکا رفت و با حمایت آمریکایی ها شبکه خود را علناً در لس آنجلس برپا کرد. وی در شبکه ماهواره ای خود علناً به مراجع شیعه توهین می کند و حتی مرحوم آیت الله بهجت و آیت الله مکارم شیرازی را عادل نمی داند! اخیراً نیز مدعی شده است که مراجع قم قدرت طلب اند.

اللهیاری، یک صدا با وهابیان و سعودی ها، اعتراضات برحق مسلمانان شیعه بحرین را تخطئه و حمایت از آنان را امری نادرست قلمداد کرد؛^(۲) دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، تأیید شعار «نه غزه نه لبنان» به این بهانه که اول بقیع را باید آزاد کرد، ایجاد فاصله بین شیعیان و مرجعیت معظم شیعه، جایز ندانستن برپایی حکومت در عصر غیبت و

ص: ۷۴۳

۱- (۱) گزارش رسانه ها از افکار و اقدامات رسانه ای اللهیاری؛ ر. ک: فکر بسته ای به نام حسن اللهیاری، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.shi online. ir/ ticle. p?id = ۳۰۳۳۶>

۲- (۲) گزارش رسانه ها از موضع منفی شبکه اللهیاری درباره شیعیان بحرین؛ ر. ک: گزارش «روحانی نمایی که به شیعیان بحرین خیانت کرد»، نشانی گزارش در فضای مجازی: www.j news. ir/det l/news/۳۴۷۹۶۰

توهین به ولایت فقیه، خط سیری است که در این شبکه آشکارا دنبال می شود. (۱)

این نوع شبکه های مشکوک و مورد حمایت غرب در چند نکته با یکدیگر اشتراک دارند:

نخست: گرفتن ژست تشیع و دفاع از ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام؛

دوم: مخالفت همه جانبه با وحدت شیعه و سنی و تلاش برای مرزبندی هر چه بیشتر با اهل سنت؛

سوم: ترویج مسائل خرافی میان شیعیان، چون قمه زنی و عیدالزهر؛

چهارم: مبارزه با عقلانیت شیعی در قالب عناوینی چون محبت اهل بیت علیهم السلام؛

پنجم: دشمنی عمیق با مرجعیت شیعه و همزمان تلاش برای مطرح کردن افرادی به عنوان مراجع جدید؛

ششم: عدم موضعگیری علیه آمریکا و سیاست های نادرست غرب علیه جهان اسلام. (۲)

وهابی ها نیز با پوشش دادن گسترده سخنان آنها و سانسور مواضع مقام معظم رهبری و مراجع بزرگ تقلید شیعه، اثبات کرده اند که می خواهند تنها یاسرالحیب ها و اللهیاری ها و ویتیرین شیعه باشند. (۳) این در حالی است که مقام معظم رهبری صریحاً اعلام کردند:

آن کسی که ندای تفرقه بین شیعه و سنی را سر می دهد و به بهانه مذهب، می خواهد وحدت ملی را به هم بزند، چه شیعه باشد و چه سنی، مزدور دشمن است؛ چه بداند، چه نداند. گاهی بعضی ها مزدور دشمنند و خودشان نمی دانند. افرادی را هم از بین شیعیان می شناسیم که فقط مسئله شان مسئله نادانی نیست، بلکه مأموریت دارند برای اینکه ایجاد اختلاف کنند، به مقدسات اهل سنت اهانت می کنند، رفتار هر دو گروه حرام شرعی و خلاف قانون است. (۴)

ص: ۷۴۴

۱- (۱) فکر بسته ای به نام حسن اللهیاری، نشانی پیشین.

۲- (۲) مستندی درباره جریان افراطی، نشانی مستند در فضای مجازی: <http://www.hnews.ir/content/60642>

۳- (۳) مستندی درباره جریان افراطی، نشانی مستند در فضای مجازی: <http://www.hnews.ir/content/60642>

۴- (۴) بیانات مقام معظم رهبری: نشانی در فضای مجازی: www.leer.ir/gs

اشاره

اشاره شد که در تعیین علل مؤثر در درگیری‌های مذهبی و فرقه‌ای در جهان اسلام، سه متغیر نقش مهم دارند: «متغیر بومی، متغیر منطقه‌ای و متغیر سلسله‌عوامل بین‌المللی». در سطح بومی، هر چند زمینه‌های اختلافات مذهبی وجود دارد، اما زمینه تبدیل شدن به شکاف را ندارد؛ یعنی به خودی خود، اختلافات مذهبی مذاهب اسلامی تنش‌آمیز نیست. اما وقتی عنصر خارجی وارد این مسئله شد، این اختلافات، به درگیری‌های مذهبی تبدیل شد؛ به طوری که اکنون چند منبع مهم برای تبدیل تنوع و اختلافات مذهبی، به شکاف‌های خونین در سطح منطقه، عمل می‌کنند: منبع نخست اختلافات داخلی خونین شیعه و سنی، عربستان سعودی است که گفتمان وهابیت فرقه‌گرایانه است؛ دوم اینکه در کنار رویکرد سنتی و رسمی وهابیت، طرز برداشت القاعده‌ای از وهابیت نیز وجود دارد که البته باز خاستگاه آن سعودی است و گفتمانی افراطی از فرقه‌گرایی سنی به شمار می‌رود؛^(۱) منبع سوم اختلاف در منطقه، اسرائیل است. چراکه استراتژی اسرائیل برای مقابله با مسلمانان، ایجاد خشونت‌های مذهبی بین شیعه و سنی است.^(۲)

الف) اعمال سیاست تفرقه از جانب استعمار

استعمار انگلیس با سیاست تفرقه‌افکنانه خود، سعی کرد وهابیت را میان اهل تسنن، و بهائیت را میان اهل تشیع ایجاد نماید تا بتواند امنیت و منافع خود را در سایه مدیریت

ص: ۷۴۵

۱- (۱) یک راهبرد عملی برای کاهش اختلافات مذهبی در منطقه، سید مرتضی نعمت زاده، نشانی در فضای مجازی: <http://www.snews.com/newstext.php?nn=13920522001107sth%h5TLNRidc.dp> ک

۲- (۲) ک. [snews.com/newstext.php?nn=13920522001107sth%h5TLNRidc.dp](http://www.snews.com/newstext.php?nn=13920522001107sth%h5TLNRidc.dp) کسینجر، در مراسم تحلیف پاپ جدید مسیحی اعلام کرد: «در یک سال گذشته در ایجاد اختلاف مذهبی در جهان اسلام، بیش از صد سال کار کرده ایم». این امر بیانگر آن است که آمریکا در ورای همپیمانان منطقه‌ای خود در این مسئله نقش دارد.

تفرقه تأمین کند. بنابراین، در طول دوران سلطه انگلیس بر ایران، عناصر بهائیت از موقعیت ممتازی در حکومت برخوردار بودند. در بین اهل تسنن نیز وهابیت به مذاهب دیگر اهل تسنن و اهل تشیع هجوم آورد. (۱) آمریکایی ها نیز در عراق و افغانستان برای روشن کردن آتش نزاع های قومی - قبیله ای، همچون انگلیسی ها عمل کردند. همچنین رژیم صهیونیستی به منظور تثبیت موقعیت اشغالگرانه خود در سرزمین اشغالی فلسطین، به اقدامات تفرقه افکنانه مبادرت کرده و درصدد ایجاد جو بی اعتمادی میان مسلمانان و کشاندن آنها به جنگ های داخلی است تا آنها را از انتفاضه باز دارد. (۲)

(ب) تحمیل مدل حکومت اقلیت از جانب اشغالگران

استعمارگران اروپایی، پس از آن که به دلیل مبارزات مردمی مجبور به پایان اشغال کشورهای مسلمان نشین بعد از جنگ جهانی اول شدند، برای ادامه سلطه خود در هر جا که امکان داشت، به تأسیس حکومت هایی با محور حاکمیت اقلیت بر اکثریت دست زدند. مدل حکومت اقلیت بر اکثریت مشکلات متعددی را به وجود می آورد که برخی از آنها عبارت اند از:

۱. رژیم اقلیت، برای تثبیت پایه های حاکمیت خود، به جای تکیه بر اکثریت جامعه به حمایت خارجی نیاز دارد. بنابراین روزبه روز وابستگی آن به دولت استعماری عمق می یابد.

۲. رژیم اقلیت، به انحای مختلف، می کوشد نظام اجتماعی را به نفع خود دگرگون کند. بنابراین به اعطای تابعیت به بیگانگان و به عبارت دیگر به تجنيس سیاسی روی می آورد.

ص: ۷۴۶

۱- (۱) تاریخ وهابیت و پیوند با آل سعود، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: www.irdc.ir/content/21591/d

۲- (۲) «رژیم صهیونیستی و سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن»، بیژن نجفی، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.jejonline.ir/print/le.px?newsnum=10004142269>

۳. رژیم اقلیت، اکثریت جامعه را به وابستگی به کشورهای دیگر متهم می کند و اصل و نسب آنها را مخدوش می نماید.

۴. رژیم اقلیت، مسئولیت های سیاسی و شئون مهم اقتصادی و اجتماعی را به اقلیت هم فرقه ای خود واگذار می کند. بنابراین در جامعه، مذهب حاکم و مذهب محکوم به وجود می آید. حکومت اقلیت، جامعه را عملاً به شهروند درجه یک و درجه دو تقسیم می کند.

۵. در صورت اعتراض اکثریت به رژیم اقلیت، رژیم با استفاده از حمایت خارجی اعتراض را سرکوب می کند که به دلیل گسترش اعتراضات نهایتاً به نسل کشی و قتل عام می انجامد.

انگلیسی ها مدل حکومت اقلیت بر اکثریت را به طور آشکار در عراق و بحرین اعمال کردند که یکی از نتایج عمده این سیاست، نسل کشی های وحشتناک اکثریت شیعه در عراق و قتل عام و سرکوب و تجنيس سیاسی در بحرین بود. مشخص است که میراث استعمار فرانسه و انگلیس، در خدمت سیاست همیشگی آنان، یعنی «تفرقه بینداز و حکومت کن»، بوده است. این سناریو با تداوم حکومت بعثی عراق، یعنی مدل حکومت اقلیت بر اکثریت، البته با حمایت خارجی تداوم داشت. مدل حکومت اقلیت، کارنامه ای وسیع در نسل کشی، نظیر کشتار شعبانیه و شهادت بیش از پانصد هزار شیعه جنوب عراق و همچنین قتل عام کردها را داشت. (۱)

ج) منافع آمریکا و صهیونیسم از نسل کشی و کشتار جمعی شیعیان

براساس رهیافت های ارائه شده از سوی نظریه پردازان سیاست خارجی آمریکا نظیر دیوید پترائوس، تنها راه حفظ موقعیت سیاسی و امنیتی آمریکا در کشورهای

ص: ۷۴۷

۱- (۱) عملیات های تروریستی در عراق؛ توطئه ای خارجی یا ضعف داخلی، هادی محمدی فر، خبرگزاری فارس، حوزه سیاست و امنیت: <http://www.snews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۲۰۸۰۶۰۰۱۴۰۰> ک

خاورمیانه، افزایش تضاد بین گروه‌های سیاسی و هویتی است؛ گروه‌هایی که دارای زبان سیاسی متفاوت، قالب‌های گفتمانی متضاد و هویت‌های متعارض در کنش سیاسی و امنیتی هستند. الگوی دیوید پترائوس موقعیت وی را در ایالات متحده افزایش داد. (۱) پترائوس از سپتامبر سال ۲۰۱۱ م به عنوان رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا انتخاب شد. رویکرد پترائوس با نگرش لئون پانه تا هماهنگی و همگونی بیشتری داشت. افراد یادشده هم اکنون در زمره اصلی‌ترین نیروهای راهبردی ایالات متحده در مقابله با چالش‌های امنیتی آمریکا در خاورمیانه محسوب می‌شوند. مسئولان اسرائیلی نیز بارها به صورت پنهان و آشکار اعلام کرده‌اند که تنها راه برای حفظ امنیت اسرائیل، دامن زدن به اختلاف شیعه - سنی و ایجاد درگیری‌های فرقه‌ای در جهان عرب است. (۲)

د) سه معامله آمریکا و غرب با جریان‌های سلفی و اهداف آنان

متأسفانه در دو دهه اول قرن ۲۱ میلادی نزاع شیعه و سنی شدت یافت که بخش عمده‌ای از این موضوع به معامله آمریکا و غرب با گروه‌های تکفیری، خصوصاً در جنوب آسیا، برمی‌گردد. (۳) پیش‌تر دو معامله میان آمریکا و گروه‌های سلفی، به ویژه با محوریت پاکستان، انجام شده بود.

ص: ۷۴۸

۱- (۱) از سال ۲۰۰۷ م به بعد که موقعیت سیاسی عراق آینده افزایش یافت. دیوید پترائوس کتاب خود با عنوان «زبان، گفتمان و جنگ ضدشورش» را منتشر کرد. این کتاب، مانیفست سیاسی و امنیتی آمریکا در عراق و کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود: رویکرد مشترک آمریکا و عربستان بعد از پایان اشغال نظامی عراق: تشدید تضادهای هویتی، ابراهیم متقی، همشهری آنلاین، تاریخ: چهارشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ ه. ش - ۱۳:۰۹:۰۷ کد مطلب: ۱۶۲۸۹۵، نشانی در فضای مجازی:

<http://www.hshonline.ir/print/162895>

۲- (۲) تلاش برای حصر ایران در کمربندی از وهابیت، محمد علی مهتدی، ماهنامه خبری و تحلیل اخبار شیعیان، شماره ۹۱، خرداد ماه ۱۳۹۲ ه. ش، ص ۲۲.

۳- (۳) تغییر هدف نیروهای رادیکال جهادی، پیر محمد ملازهی، سه شنبه ۷ خرداد ۱۳۹۲ ه. ش، ۱۱:۵۲ نشانی کامل گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.irdiplom y. ir> کد ۱۹۱۶۳۹۲

معامله اول زمانی بود که اتحاد شوروی سابق، ارتش سرخ را وارد افغانستان کرد و در مقابل پاتکی که غرب زد، اتحاد سه جریان بود: مجاهدین افغان، دنیای اسلام خصوصاً کشورهای عرب و حمایت های تسلیحاتی غرب شامل آمریکا و اروپا. در آن مقطع معامله میان پاکستان و آمریکا از این قرار بود که پاکستان به هماهنگی کننده جریانات جهادی و سازمان امنیت پاکستان (آی اس آی) و تصمیم گیرنده چگونگی خرج کردن منابع مالی که از سراسر دنیا می آمد تبدیل شد. پیشاور نیز مرکز جهادگرانی شد که از کشورهای دیگر به آنجا آمده، آموزش دیده و سازماندهی شدند. این جهادگران بعدها تحت عنوان افغان - عرب (عرب های افغان) شهرت پیدا کردند و سازمان القاعده نیز نشئت یافته از درون اینها بود. در حقیقت در پیشاور سه جریان (ایدئولوژی) با هم ترکیب شدند: «مکتب دیوبندی که هندی بود، مکتب سلفی وهابی که از منطقه خاورمیانه به آنجا رفت و قوم پشتون یا پشتون والی». در قوم پشتون، فرهنگ خشونت به شکل طبیعی وجود داشت. تا زمانی که روس ها در افغانستان بودند، جهادگران، مورد حمایت دنیای اسلام، دنیای غرب و مردم منطقه بودند. اما زمانی که روس ها برای خروج اعلام آمادگی کردند، نیروهای جهادگر از انتظاراتی که دنیای غرب از آنها داشت، تمرد کردند. جهادگران معتقد بودند که مناطق قبیله ای پاکستان و افغانستان، مستعدترین منطقه برای پایه گذاری امارت اسلامی است و در پی احیای امارت اسلامی بودند. گفتنی است از سال ۱۹۲۴ م که خلافت عثمانی از بین رفته بود، تفکر احیای آن وجود داشت. به دنبال برخی اتفاقات، اختلافات بین دنیای غرب و گروه های جهادگر به آرامی آشکار شد و جهادگران، تروریست خوانده شدند. بعد از آن بود که سازمان القاعده، گروه هایی که از قبل در دنیای اسلام وجود داشتند را مانند جماعت اسلامی در اندونزی، نهضت ترکستان در سین کیانگ چین، چچن ها، ازبک ها، گروه های جماعت اسلامی در بنگلادش، لشکر طیبه

در پاکستان و گروه های مختلفی که اکنون تحت عنوان زیر مجموعه های سازمان القاعده کار می کنند را در خوست گردهم آورد و این جریانات را تحت لوای فکری خود رشد داد و به تدریج تبدیل به یک جریان جهانی کرد که به نظر آمریکایی ها این امر، جریان عملیات یازده سپتامبر را اجرا کرد.

دو - معامله دوم: دست برداشتن سلفیت سنتی از حمایت القاعده و طالبان

آمریکایی ها بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م، معامله دوم را با سعودی ها و پاکستان انجام دادند. معامله عبارت بود از اینکه آنها پذیرفتند دست از حمایت طالبان و القاعده بردارند. بنابراین توافق، سلفی ها و مفتی های رسمی وهابی، در یک گردش ۱۸۰ درجه ای، طالبان، بن لادن و القاعده را خارج از اسلام معرفی کردند. اما در پشت پرده، پاکستانی ها، آی اس آی را مسئول پیش بردن یک سیاست دوگانه کردند که از طرفی برای مبارزه با تروریسم از آمریکا پول بگیرد و از طرف دیگر همان پول را خرج تقویت گروه هایی کند که آمریکا آنها را تروریست می دانست؛ از جمله اتفاقاتی که در این سیاست می گنجد، عقب نشینی طالبان و سازمان القاعده به منطقه وزیرستان شمالی و هفت منطقه قبیله ای پاکستان بود که با حمایت آی اس آی صورت گرفت و آنها را به جان مسلمانان شیعه آن مناطق، از جمله پاراچنار انداخت. اما به هر حال، نتیجه معامله دوم، سقوط سریع طالبان و از بین رفتن ارتش القاعده و شخص بن لادن بود.

سه - معامله سوم: اتحاد جریانات سلفی علیه خط مقاومت علیه اسرائیل

با موج بیداری اسلامی، در دهه دوم قرن ۲۱ میلادی، شرایط جدیدی ایجاد شد و آمریکا و غرب را در معامله سوم با جریانات سلفی راسخ تر کرد. از آنجا که امکان الگوگیری از ایران و خط مقاومت در بیداری اسلامی انکارناپذیر بود، معامله سوم میان دو طرف به سرعت انجام شد. معامله سوم آن بود که جهاد مورد نظر کلیه گروه های سلفی باید به مکان هایی که آمریکایی ها می گویند، برود؛ مثلاً به سوریه، نقاط شیعه نشین

ص: ۷۵۰

لبنان و عراق و احیاناً بعد از آن ایران یا هر جایی که توان و انگیزه حمایت از مقاومت علیه اسرائیل را دارد. اتفاقاتی که اکنون در قالب حمله به شیعیان در حال وقوع است، مربوط به بحث شیعه و سنی نیست. بی شک اختلافاتی وجود داشته، ولی نه در سطحی که شیعه و سنی را در شرایطی قرار دهد که سنی‌های مدائن، تمام همسایگان شیعه خود را سر بزنند و سنی‌های پاکستان، مردم هزاره را در کویته قتل عام کنند. اتفاقاتی از این دست و به این وسعت در جهان اسلام حداقل در سده‌های اخیر کمتر سابقه داشته است. بنابراین آنچه در حال وقوع است، چیزی نیست جز معامله سران نیروهای رادیکال با غرب که به جای نشانه گرفتن نوک حمله‌شان به سمت غرب، جهادگران ماجراجو و خشونت‌گرای خود را به سمت مناطقی گسیل کنند که آمریکایی‌ها در آنجا برنامه دارند؛^(۱) از جمله، منطقه‌ای که آمریکایی‌ها چند سال است از آن به نام هلال شیعی یاد می‌کنند و معتقدند عقبه خط مقاومت علیه اسرائیل را شکل داده است. به هر حال حملات خونین به شیعه در سوریه، عراق، لبنان، پاکستان و... در حال شدت یافتن است و اگر ایران هم به درستی برخورد نکند، شاید در این کشور هم قوت گیرد.^(۲) علاوه بر آن، چین و روسیه نیز می‌دانند که آمریکا هرگاه منافعش اقتضا کند، از برگ این گروه‌های رادیکال در رقابت با آنها استفاده خواهد کرد؛ به این صورت که آنها را به سین کیانگ چین، داغستان و چچن روسیه سوق خواهد داد. به این صورت که رسانه‌های همسو با این سیاست آمریکا در تبلیغات خود به اتحاد اهل کتاب تأکید می‌کنند و می‌گویند: «شما مسلمان هستید، ما مسیحی هستیم و اسرائیلی‌ها هم یهودند و

ص: ۷۵۱

-
- ۱- (۱) در این مسیر از فتاوی‌های مفتیان وابسته به رژیم‌های نزدیک به خود، نظیر سعودی و قطر نیز کمال بهره‌برداری را می‌کنند؛ به طوری که برخی این مفتیان را به نام مفتی ناتو می‌شناسند؛ ر.ک: گزارش العالم، عنوان «فعالان مصری: قرضای مفتی ناتو است»، نشانی در فضای مجازی: ir/news/1463023.
- ۲- (۲) نظرات پیر محمد ملازهی، کارشناس مسایل شبه‌قاره در میزگرد «تقابل شیعه - سنی چالش پیش روی جهان اسلام که در محل دیپلماسی ایرانی برگزار شد: \sh n com/

همه اهل کتابیم. اما روس ها درست است که اکنون می گویند کمونیست نیستیم، اما پوتین منافق است و نفاق از کفر هم بدتر است. چینی ها نیز هنوز کمونیست هستند و عملاً کافرند. «ایرانی ها هم که رافضی و کافرند!» این نقش را آمریکایی ها آن چنان استادانه بازی کردند که حتی قرضاوی، مفتی قطری، در نماز جمعه رسماً از آمریکا تشکر کرد و به روسیه، چین، ایران و حزب الله به شدت حمله نمود و با نادیده گرفتن سؤال برانگیز خطر و جنایات اسرائیل از اهل تسنن عالم خواست به مقابله با حکومت مالکی در عراق و اسد در سوریه بپردازند.

اول - اهداف معامله سوم

طرح غرب برای محاصره ایران و شیعیان در کمربند منطقه ای وهابیت تکفیری

معمولاً پژوهشگران جهان اسلام در عصر حاضر معتقدند، آنچه امروزه به عنوان کشمکش سنی - شیعی یاد می شود، در واقع نزاع بین دو جامعه تسنن و تشیع نیست؛ چراکه اختلافات مذهبی همیشه وجود داشته است. آنچه امروز در جهان اسلام می گذرد، مسئله گسترش اندیشه و رفتار تکفیری است که نه فقط شیعیان، بلکه مخالفان سنی مذهب خود را نیز تکفیر و مهدورالدم می کند. با این حال، رفتار تکفیری ها همراه با امواج تبلیغاتی رسانه های همسو با آنان به گونه ای است که انگیزه و تعصب وابستگی مذهبی و فرقه ای، به ویژه در طبقات فرودست جوامع سنی را تحریک کرده و این رفتار در شکل پوپولیستی آن، جایی برای ورود علمای واقع بین و میانه روی سنی نمی گذارد. بنابراین تردیدی نیست که گسترش وهابیت و اندیشه تکفیر شیعه، طرحی است که دستگاه های اطلاعاتی غرب پشت آن قرار دارند و کل این جریان، قبل از آن که اصالت عقیدتی داشته باشد، ساخته و پرداخته دستگاه های اطلاعاتی آمریکا، اسرائیل و همپیمانان منطقه ای آنان نظیر عربستان سعودی، قطر و تاحدودی اردن و امارات متحده عربی است و هدف آنها منزوی کردن ایران و محور مقاومت در منطقه اسلامی

ص: ۷۵۲

خاورمیانه است؛^(۱) ریشه موضوع به آنجا برمی گردد که انقلاب اسلامی ایران وقتی پیروز شد زلزله ای در منطقه به راه افتاد و تمامی حرکت های اسلامی اخوانی ها در شمال آفریقا، مانند مصر و تونس و الجزایر، تحت تأثیر این انقلاب قرار گرفتند و تأکید داشتند که باید زیر پرچم امام خمینی قدس سره حرکت کنند. این مسئله به شدت غربی ها را ترساند و در همان زمان، کیسینجر بحث دومینو را مطرح کرد که اگر یک کشور تحت تأثیر انقلاب اسلامی سقوط کند، به کشورهای دیگر نیز سرایت خواهد کرد. بنابراین رژیم صهیونیستی و غرب را به فکر یافتن راهی برای مقابله با این انقلاب و محاصره آن در مرزهای ایران افکند. برای این منظور، سمینارهایی در دانشگاه های حیفا و تل آویو و نیز در محافل آمریکایی، با دعوت از شرق شناسان برای شناخت جنبه های عقیدتی انقلاب، برپا شد. هدف از برگزاری این سمینارها و کنفرانس ها درک گفتمان انقلاب اسلامی ایران بود. آنها کشف کردند که آبخور فکری انقلاب، اندیشه شیعی و کربلایی است و متوجه شدند که مکتبی به نام وهابیت وجود دارد که شیعه را تکفیر می کند. لذا دو محور مهم در تبلیغات آنها قرار گرفت.

بهره گیری سلفی ها از غرب برای توسعه فعالیت های ضد شیعی

با توجه به مطالب پیشین، تبلیغات ضد شیعی غرب و رژیم های همسو با آن، بر دو محور قرار گرفت: «اختلاف های تاریخی فارس و عرب و اختلاف های تاریخی سنی و شیعه». بسیاری از نویسندگان اعتراف می کردند که پول های هنگفتی در اختیار آنها قرار گرفته و موج تبلیغاتی که به راه افتاده، طرحی است که مبالغ زیادی برای آن از سوی صهیونیست ها و غربی ها سرمایه گذاری شده است. طبیعتاً بسیاری از کشورهای منطقه،

ص: ۷۵۳

۱- (۱) افراط گرایی و تقابل شیعه - سنی چالش پیش روی جهان اسلام، تلاش برای حصر ایران در کمربندی از وهابیت، محمد علی مهتدی، دیپلماسی ایرانی، تاریخ انتشار: یکشنبه ۵ خرداد ۱۳۹۲ ه. ش - ۱۱:۵۹، نشانی کامل گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.irdiplom y. ir> ک e/۱۹۱۶۳۹۷ p

همانند عربستان سعودی و شیخ نشین ها که در ترس فرو رفته بودند، در این طرح جا داشتند. به باور آنها ایران می خواست جوامع عرب و سنی را شیعه کند و منظور دولت مردان تهران از صدور انقلاب، گسترش نفوذ ایران و تشیع است. به دنبال این روند، محاصره ایران در کمربندی از وهابیت تکفیری در صدر برنامه های غرب قرار گرفت.

دوم - اقدامات غرب جهت اجرای دقیق معامله سوم (سوق دادن کلیه جریانات جهادی و تکفیری از مبارزه با غرب به مبارزه با شیعه)

اصل طرح یادشده را زیبگینیو برژینسکی طراحی و ابتدا خود با سفر به پاکستان، بر حسن اجرای مرحله اول آن، نظارت کرد. این کار در نزدیکی مرزهای شرقی ایران از طریق همکاری اطلاعاتی بین آمریکا، عربستان و دستگاه امنیتی پاکستان انجام شد؛ از جمله مدارس وهابی با سرعت در پیشاور و افغانستان و بعدها در جمهوری های آسیای مرکزی به راه افتاد و ده ها هزار طلبه وهابی، به افکار تکفیری ابن تیمیه مجهز شدند؛ کسانی که تنها یک درس را خوب باید فرا می گرفتند و آن، کشتن شیعیان برای رفتن به بهشت بود. (۱) اما مرحله ای که در آن بیشترین کار غرب صورت گرفت، پس از پیروزی مقاومت اسلامی در جنوب لبنان در آگوست ۲۰۰۶ م بود و این امر، آمریکا، اسرائیل و رژیم های پادشاهی عرب را سخت به وحشت افکند، به ویژه که پرچم زرد حزب الله و عکس های سید حسن نصرالله در همه پایتخت ها و شهرهای کشورهای عرب دیده می شد. همچنین این پیروزی چنان محبوبیتی برای حزب الله لبنان در منطقه به وجود آورد که شخصیت مهم سنی، شیخ راشد الغنوشی، با سید حسن نصرالله تماس گرفت و گفت: «تو رهبر و امام من هستی». این مسئله در مصر، عربستان و خلیج فارس محبوبیت بسیار

ص: ۷۵۴

۱- (۱) همان طوری که در دهه ۱۳۶۰ ه. ش در مرزهای غربی، صدام بعثی و لائیک را در هیئت سرداری عرب و سنی آراستند؛ با این گفتمان که او با شیعه کافر وارد نبرد شده و مانع تکرار حمله مجوسان صفوی به دیار اسلام می شود؛ مهتدی، نشانی پیشین.

زیادی برای نصرالله و حزب الله ایجاد کرد. نتیجه این شد که کاندولیزا رایس، در اکتبر همان سال، به قاهره رفت و برای اولین بار، به جای آن که با وزیر امور خارجه مصر دیدار کند، با مسئولان امنیتی چهار کشور عربی درخواست ملاقات کرد. رؤسای دستگاه های اطلاعاتی مصر، اردن، عربستان و امارات با هدف برنامه ریزی برای گسترش وهابیت، دامن زدن به اختلاف سنی - شیعی و مهار تأثیرگذاری حزب الله لبنان، دور هم جمع شده و چندین جلسه گذاشتند. نتیجه ای که حاصل شد این بود که برای اینکه چنین موجی در جهان عرب مهار شود، باید بر اختلاف شیعه و سنی تکیه شود.

در همان زمان، وزیر امور خارجه اسرائیل که در پنهان کاری سیاسی هنوز تبخری نداشت، آشکارا گفت: «تنها راهی که در پیش رو داریم این است که اختلاف شیعه و سنی در این منطقه ایجاد کنیم». پس از آن نیز میئر داگان، رئیس موساد نیز این موضوع را به نحو دیگری اعتراف کرد که تنها از این طریق می توان موج مقاومت را مهار کرد.

سوم - بهره گیری از بافت اجتماعی منطقه عربی جهت به نتیجه رسیدن معامله سوم

موضوع مهمی که در منطقه عربی وجود دارد این است که بافت اجتماعی منطقه عربی، عشیره ای است؛ لذا مسئله وابستگی به مذهب و عقیده، در بسیاری از مواقع، هویت اصلی نیست، بلکه هویت اصلی، بیشتر قومی است. بنابراین در بیشتر جاها فردی که سنی است و درباره سنی گری تعصب دارد، به دلیل آن است که سنی گری هویت عشیره ای اوست. حتی در برخی جاها شیعه های عرب نیز همین شکل را دارند. امری که امروزه منطقه را تهدید می کند، این است که وهابی ها و تکفیری ها بتوانند نشان دهند که به عنوان جوامع سنی و نماینده طوایف سنی با شیعیان مبارزه می کنند؛ با این عنوان که آنها کافرند و باید قتل عام شوند. گرچه اشخاصی همانند یوسف قرضاوی در موج تکفیری ها وارد شده و آن را تقویت می کنند، اما بخش عمده ای از علمای جهان تسنن در آن موج وارد نشده اند؛ به همین دلیل جریان تکفیری، علمای سنی را هم تکفیر کرده و می کشد.

ه) کمک تکفیری ها به غرب برای تجزیه بیشتر جهان اسلام بر اساس هویت های مذهبی - قومی

همچنین امروزه، غرب موضوع تجزیه جهان اسلام را بر اساس هویت های مذهبی - قومی در پیش گرفته است و متأسفانه با آنچه در سوریه، عراق، اردن، مصر و... می گذرد، باید اعتراف کرد که آنها تا حدود زیادی موفق شده اند؛^(۱) در واقع با توجه به اینکه اصولاً مهم ترین ابزار ایجاد تنش مذهبی در منطقه ابزار نرم افزاری است و رسانه ها نقش محوری را بر عهده دارند، لذا قدرت های مؤثر نیز می کوشند تا از این ابزار برای تعمیق شکاف و تشدید درگیری مذهبی در منطقه استفاده کنند. متأسفانه برخی عالمان دینی هم که انگیزه اولیه ای برای افزایش درگیری های مذهبی ندارند، تحت تأثیر فضای رسانه ای و افکار عمومی، دچار تعصبات مذهبی می شوند. در مقابل آن، تعدادی از علما و روحانیون هم که می کوشند در برابر چنین جریانی ایستادگی کنند، گاه در هجوم عظیم تبلیغات و فضای منفی ای که وجود دارد، قدرت مقاومت چندانی ندارند.^(۲)

توطئه تکفیری ها در درگیر کردن مسلمانان شیعه با کشورهای دیگر

یکی از اهداف تکفیری ها تشدید اختلافات مسلمانان شیعه با دیگر کشورها و حتی قدرت هاست که معتقدند از این رهگذر به اهداف خود خواهند رسید؛ از جمله این اقدامات می توان به تلاش های بی وقفه سعود الفیصل، وزیر خارجه متعصب وقت سعودی، در جلوگیری از توافق جمهوری اسلامی ایران با کشورهای ۵ + ۱ اشاره کرد.^(۳)

ص: ۷۵۶

۱- (۱) تحلیل گر ارشد مسائل منطقه در میزگرد «تقابل شیعه - سنی چالش پیش روی جهان اسلام»، محمد علی مهتدی، دیپلماسی ایرانی، نشانی پیشین.

۲- (۲) سید مرتضی نعمت زاده، یک راهبرد عملی برای کاهش اختلافات مذهبی در منطقه (کارشناس مسائل عربی) منبع: خبرگزاری فارس، نشانی مقاله با ارجاعات و مستندات در فضای مجازی: <http://www.snews.com/newstext.php?sth%20h%20Z%20nn%20dp%20G%20U%20p%20k%20nn%20=13920522001107>

۳- (۳) ترس اعراب از بهبود روابط ایران و غرب، کیهان برزگر، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.khonline.ir/det/324223/weblog/bzeg>

همچنین شاهزاده دیگر سعودی، بندر بن سلطان، بارها کوشید آمریکایی ها را مقابل رهبران سیاسی شیعه عراق قرار دهد. همچنین در سال ۲۰۰۶ م هنگامی که ابومصعب زرقاوی، رهبر شاخه القاعده، در عراق به قتل رسید، در خانه اش اسنادی پیدا شد که نشان می داد سازمان القاعده قصد داشت به هر طریق ممکن میان ایران و آمریکا آتش جنگ را برافروزد. در این اسناد آمده بود «جنگ میان ایران و آمریکا منافع زیادی برای اهل سنت در عراق و «جنبش مقاومت در برابر آمریکا!» خواهد داشت. آزاد شدن اهل سنت از سلطه شیعیان، تضعیف شیعیان، مشغول شدن نیروهای آمریکایی به یک جنگ تازه، امکان دستیابی بیشتر به سلاح از طریق ایران، وادار کردن ایران به کمک به «نیروهای جنبش مقاومت در برابر آمریکا» در عراق (به این طریق که ایران در صورت حمله آمریکا، به «نیروهای مقاومت» نیازمند خواهد بود). برای ایجاد جنگ بین ایران و آمریکا چنین راه هایی در این اسناد توصیه شده است: قانع کردن آمریکا و غرب به خطرناک بودن ایران، آدم ربایی و فرستادن پیام های تهدیدآمیز و نسبت دادن آنها به ایران و شیعیان مورد حمایتش و معرفی حکومت ایران به عنوان دولتی مرتبط با تروریسم؛ تبلیغات درباره اینکه ایران دارای سلاح های شیمیایی و هسته ای است؛ بمب گذاری در کشورهای غربی و جعل آثار دخالت شیعیان ایرانی در کنار آنها.^(۱)

(و) هزینه گذاری گسترده رژیم های پادشاهی عرب برای شیعه ستیزی

در نشست سران عرب در طائف، به توصیه آمریکا، سعودی ها برای مقابله با انقلاب اسلامی طرحی را پیشنهاد کردند که اساس آن ایجاد شورش و عملیات تروریستی در نقاطی از ایران بود که ساکنان آن را بیشتر اهل سنت تشکیل می دادند.^(۲) به دنبال این طرح،

ص: ۷۵۷

-
- ۱- (۱) «کشف اسناد حاکی از تلاش القاعده برای حمله آمریکا به ایران». بی بی سی فارسی، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ م. بازبینی شده در ۲۳ اسفند ۱۳۹۱ ه. ش، ر. ک: روابط القاعده و ایران - ویکی پدیا، دانشنامه آزاد: <http://www.wikipedia.org/wiki>
- ۲- (۲) رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا، جمیله کدیور، صص ۲۱۷ و ۲۱۸. <http://www.hili.ir>

چندین گروه تروریستی در شرق ایران، نظیر جندالله و جیش العدل تأسیس شدند که خروجی آنها قتل ده ها شهروند مسلمان شیعه ایرانی بود. پاتریک کاکبرن، محقق انگلیسی، با انتشار نتیجه یک پژوهش در این باره در روزنامه ایندیندنت، نقش پول های عربستان سعودی در کشتار شیعیان منطقه خاورمیانه را رسوا خواند و چنین نوشت: «جیب های پر پول در عربستان سعودی نقش مهم و البته رسوای خود را طی سی سال گذشته در ایجاد و استمرار اقدامات گروه های تکفیری سنی حفظ کرده اند. اما نکته اینجاست که آمریکا و هم پیمانان غربی اش که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر بر طبل جنگ علیه تروریسم نواختند، تمایلی ندارند عربستان سعودی و دیگر شیوخ خلیج فارس را قانع کنند که فتیله کمک مالی به گروه های تکفیری را پائین بکشند!» وی به گزارشات متعدد در خصوص تأمین مالی تروریست ها توسط سعودی اشاره می کند و می نویسد:

برای فهمیدن اهمیت این جیب های پر از پول عربی به بندهای پایانی دو مورد از گزارش های سرویس های اطلاعاتی دولت آمریکا مراجعه می کنیم: یکی مربوط به کمیسیون گزارش واقعه ۱۱ سپتامبر است که می گوید این اسامه بن لادن نیست که القاعده را از نظر مالی تأمین می کند؛ چراکه وی از سال ۱۹۹۴ م پول چندانی از خود ندارد، بلکه برای تأمین مالی گروهش به افرادی ثروتمند از عربستان سعودی وابسته است که از دهه ۸۰ میلادی و در طول جنگ افغانستان با شوروی، با آنها در ارتباط بوده است. (۱)

یک - رژیم سعودی مهم ترین چرخه مالی تروریست های شیعه ستیز در جهان

یکی از شواهد چنین رویکردی، سندهای افشاشده در ویکی لیکس، حاوی تلگرام هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، به سفارت های آمریکا در سراسر جهان است. این سند به تاریخ ۳۰ دسامبر ۲۰۰۹ م است و در آن کلینتون گفته است:

ص: ۷۵۸

۱- (۱) ر. ک: گزارش رسانه ها از «نقش عربستان در کشتار شیعیان خاورمیانه»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shksh.com/persi/ticels/item/۵۹۹۱۱>

«اهدانندگان مالی در عربستان سعودی، مهم ترین چرخه مالی تروریست های سنی در سرتاسر جهان را تشکیل داده اند». کاکبرن که به دنبال جواب است، از خود می پرسد: چرا آمریکا و هم پیمانان اروپائی اش، این گونه با عربستان رفتار می کنند و با این کشور پادشاهی که نقطه مرکزی حمایت مالی القاعده و دیگر سازمان های تکفیری سنی که به مراتب از القاعده افراطی ترند مماشات می کند؟ یک جواب این است که ایالات متحده آمریکا نمی خواهد متحد نزدیک خود را ناراحت کند. پاسخ دیگر این است که خانواده پادشاهی عربستان، با پولی که در اختیار دارد، می داند چطور خود را در جمع حاکمان دنیا جای دهد. ادعاهای غیرقابل باور آنان برای ارتباط دادن ایران و عراق به القاعده هم گوش فلک را کر کرده است. پاتریک کاکبرن می نویسد: اما یک دلیل دیگر هم برای این همه مماشات وجود دارد و آن این است که تروئیست ها همواره دو دیدگاه متفاوت در مورد نوع دشمن خود داشته اند: برای اسامه بن لادن، دشمن اصلی، آمریکایی ها بودند. اما برای اکثریت سنی های تکفیری، هدف اصلی، کشتار شیعه است. کاکبرن می گوید: «تصور کنید یک صدم این جنایت ها به جای شیعیان، علیه شهروندان غربی صورت می گرفت، آیا آمریکایی ها و بریتانیایی ها این قدر آرام از کنار سعودی ها، کویتی ها و اماراتی ها می گذشتند؟ اگر همه تروریست های تکفیری سنی مثل سلفشان اسامه بن لادن تصمیم می گرفتند که هدفشان را از میان غربی ها انتخاب کنند، آن وقت همه هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا و غرب که فقط دور سر روستاهای پشتون نشین پاکستان یا یمن یا سومالی چرخ می زنند، سر از جاهای دیگر، مثل عربستان، سر در نمی آوردند؟ با این همه مماشات، سرویس های اطلاعاتی و امنیتی دیگر با بمبگذارانی که به طرز بچه گانه، بمب ها را در کفش یا لباس زیرشان پنهان می کنند، طرف نیستند. بلکه آنها با جنبش های تکفیری سازمان یافته ای در عراق، سوریه و حتی لیبی مواجه اند. سعودی ها، به عنوان یک حکومت، مدت زیادی است که برای تأمین مالی تکفیری های سنی در سوریه، به قطر نیز دلگرمند. اما آنها دیگر خود کار را

از قطری ها تحویل گرفتند. سعودی ها خیلی دوست دارند جبهه النصره و شاخه های القاعده در سوریه را در حاشیه نگه دارند؛ چراکه آنها به اندازه کافی باندهای گانگستری جدیدی را به وجود آورده و برای سرنگونی بشار اسد مسلح کرده اند.

آنها هستند که میلیاردها دلار پول را برای تجهیز ۴۰ تا ۵۰ هزار تروریست حرفه ای خرج می کنند».

کاکبرن در نهایت معتقد است:

قسمتی از ناراحتی سعودی ها به خاطر تصمیم اوباما برای عدم مداخله نظامی در سوریه است. سعودی ها می خواستند مثل حمله ناتو به لیبی در سال ۲۰۱۱ م، اسد را هم سرنگون کنند. همچنین آنها از توافق هسته ای آمریکا با ایران نیز به شدت عصبانی شدند. در سوریه، سعودی ها مرتکب یک اشتباه وحشتناک اند؛ چراکه اتحاد تروریست های شورشی در سوریه که با پول سعودی ها تجهیز شده اند، دیری نمی پاید. سعودی ها و دیگر سرویس های اطلاعاتی که در سوریه گیر افتاده اند، همان طور که در چشمان سوری ها بی آبرو شده اند، نزد همین جهادی های متحجر نیز آبرویی نخواهند داشت. حتی اردن هم که هم پیمان سعودی هاست، در هیچ جنگی علیه اسد شرکت نمی کند. نقشه سعودی ها از اول هم محکوم به شکست بود و فقط هزاران سوری بی نوا را به کام مرگ فرستاد. (۱)

دو - اعترافات شاهزاده سعودی درباره بودجه حیرت آور نابودی شیعیان

ترکی بن بندر بن محمد بن عبدالرحمان، شاهزاده مخالف سعودی که در پایتخت فرانسه به سر می برد، با حضور تعدادی از روشنفکران، روزنامه نگاران و سیاستمداران عرب، اطلاعات مهمی درباره تلاش های ضد شیعی آل سعود افشا کرد. ترکی بن بندر در اظهاراتی گفت:

ص: ۷۶۰

۱- (۱) ایندپندنت، نقش عربستان در کشتار شیعیان خاورمیانه را بررسی کرد، ترجمه: شفقنا (پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه): www.sh.com/persi

مسلمان شیعی بهتر از مسلمان سلفی است؛ زیرا مسلمان شیعی با زیارت حسین علیه السلام تقرب به خداوند را می طلبد، اما مسلمان سلفی با اعمال خود، تقرب به شیطان را؛ علی رغم اینکه ادعا می کند قصد نزدیک شدن به خدا را دارد. شیعه کار حرامی که اسلام از آن نهی کرده، یعنی قتل نفس را انجام نمی دهد؛ کاری که سلفی به راحتی آن را مرتکب می شود.

وی در سخنی که برای اولین بار است افشا می شود، می گوید:

زمانی که در وزارت کشور و در اطلاعات سعودی مشغول بودم، شعبه ای خاص به نام «شعبه روافض» وجود داشت. بودجه این گروه به اندازه کل بودجه سه کشور تونس، اردن و یمن بود! از جمله وظایف این شعبه اجرای توطئه هایی علیه شیعه و بدنام کردن و بد جلوه دادن آنها از طریق کتاب های جعلی پر از دروغ و تقلب برای پخش آنها در ایام حج میان حجاج بود تا به این وسیله، حجاج را به قتل شیعه تحریک کنند.

وی می افزاید: «در همان زمان اشتغال در اطلاعات، سعودی، یک روحانی نمای شیعی را به خدمت گرفته بود. وی از برجسته ترین افراد اطلاعات سعودی بود و فقط یکبار هفت میلیون دلار برای بازگشایی یک شبکه، مجله و رادیو خاص از سعودی دریافت کرد. در مقابل این پشتیبانی ها سعودی از وی خواسته بود او امرش را اجرا کند؛ از جمله اینکه به مردم بگوید زوار حسین علیه السلام سگ هستند، عزاداری های حسینی از بدعت های فارس و هند است و... پس از مرگ این روحانی، سعودی روحانی نماهای دیگری را به خدمت گرفت. برخی از آنها در حال حاضر در عراق هستند و از طریق واسطه گری افسر سابق اطلاعات عراق جذب شده اند؛ از جمله این افراد می توان از الصرخی، الحسنی و... نام برد؛ کسانی که میلیون ها دلار از سعودی دریافت می کنند، اما ثمری نخواهند داشت؛ زیرا این افراد نزد شیعه مهره سوخته هستند و به غیر از عده ای ساده لوح، کسی از آنها پیروی نمی کند».

ترکی بن بندر در خاتمه افزود:

سعودی کشوری عقب مانده است و در عصر حجر زندگی می کند و گروهی بر آن حاکم اند

که ۲۴ ساعت شبانه روز، البته به جز اوقات نماز، خمر می نوشند و اموال ملت را می دزدند و گاهی به پای رقاصه ها و گاهی به پای قطع کنندگان سرهای بی گناهان می ریزند»^(۱).

سه - تلاش سعودی ها در رشد خشونت علیه شیعیان عرب

نقش سعودی ها در نسل کشی شیعیان عرب، آن قدر آشکار است که در اواسط سال ۲۰۱۴ م، در اوج فعالیت گروه های تروریستی، از جمله دولت بغداد اعلام کرد که عربستان سعودی را مسئول بحران کنونی در عراق می داند. دفتر نوری المالکی، نخست وزیر وقت عراق، با انتشار بیانیه ای تأکید کرد که ریاض را در تشویق نسل کشی در عراق، با حمایت از شبه نظامیان سنی، مقصر می داند. در این بیانیه آمده است:

عربستان سعودی از گروه های تروریستی در عراق، به لحاظ مالی، حمایت می کند و نتیجه آن جنایتی است که با نسل کشی تفاوتی ندارد. براساس این بیانیه، آل سعود، مسئول مستقیم ریخته شدن خون عراقی ها و تخریب نهادهای دولتی و اماکن مذهبی و تاریخی در عراق است.^(۲)

چهار - تندتر بودن خصومت سعودی ها در مقایسه با خصومت اسرائیل نسبت به شیعیان

متأسفانه سیاست خصومت آمیز عربستان سعودی در قبال ایران و شیعیان، حتی از اسرائیلی ها هم تندتر شده است. البته این مسئله یک عطف تاریخی دارد و باید به لحاظ تاریخی بررسی شود که چرا عربستان به این مرحله رسیده است. ولی امروزه یک عامل مهم آن، این است که عربستان سعودی در سیستم سیاسی درون خود بحران جدی پیدا کرده است.

ص: ۷۶۲

۱- (۱) گزارش رسانه ها در خصوص «افشاگری های مهم شاهزاده سعودی درباره تلاش های ضد شیعی آل سعود»، نشانی در فضای مجازی، <http://www.shi news.com/news/۶۵۷۰۸>

۲- (۲) ر. ک: پایگاه اطلاع رسانی شیعه نیوز، مسئول مستقیم نسل کشی در عراق، کد خبر: ۷۵۱۰۶، تاریخ انتشار: ۲۹ خرداد ۱۳۹۳ ه. ش - ۰۸:۴۴، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi news.com/news/۷۵۱۰۶>

آن اقبال و حمایت سابق در سیستم سیاسی آمریکا نسبت به عربستان کاهش پیدا کرده است. در عراق، سوریه و افغانستان، علی رغم پولی که عربستان سعودی برای تبشیر تفکر خود خرج می کند، موفقیتی کسب نکرد و همه این مسائل، عربستان را به یک وادادگی کشانده است. از سوی دیگر، عربستان دچار بحران هویت در قبال موفقیت های نظام مردم سالار ایران شده است؛ به طور کلی هر جایی که دموکراسی وجود داشته باشد، عربستان با آن سازگاری ندارد. نظام عربستان، نظام شاهنشاهی محض است و اصلاً چنین اندیشه ای را بر نمی تابد.

امروز دو موضوع مهم امنیتی، پادشاهی عربستان سعودی را به لرزه انداخته است: اول، خیزش شیعیان در نقاط مختلف و دوم تحولات دموکراسی. نسل جوان عربستان سعودی به دنبال یک جایگاه جهانی و بین المللی برای عربستان سعودی هستند. فرزندان و شاهزادگانی که در غرب تحصیل کرده اند، هم اینک با ساختار نظام سلطنت هم بحران پیدا کرده اند. تهدید، از درون، خاندان حاکم را به وحشت انداخته است، لذا با ورود به جنگ با مسلمانان شیعه در یمن، بحرین، عراق، سوریه و لبنان به دنبال فرافکنی مشکلات خود هستند. (۱)

(ز) نسل کشی شیعه خروجی پروژه شیعه هراسی غرب

تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، ما کمتر شاهد هجوم فراگیر علیه شیعه بودیم. اما بعد از اینکه ایران انقلابی به عنوان کشوری اسلامی ظهور کرد و تسلط غرب و شرق را بر جهان اسلام به چالش کشید، برای مقابله با ایران، سیاست شیعه هراسی و اختلافات مذهبی انتخاب شد و گفتمان مذهبی وهابی و سلفی، برای درگیری های مذهبی، تقویت گردید. آمریکا و غرب پس از موضوع القاعده و ۱۱ سپتامبر، متوجه ضرورت تصحیح

ص: ۷۶۳

۱- (۱) سید محمدصادق خرازی سفیر ایران در سازمان ملل متحد در سال های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ م و از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ م نیز سفیر ایران در فرانسه گفت و گوی مشروح با مهر: عربستان باید پاسخگوی جنایات علیه ایران باشد، نشانی مصاحبه در فضای مجازی: <http://mehrnews.com/det/News/۲۳۰۹۶۰۴>.

رویگرد و فرهنگ و اندیشه‌هایی که در سازمان‌های تندرو تدریس می‌شوند، گردیدند و نتیجه آن، سوق دادن بیشتر جریان‌های ستیزه‌جوی سنی از غرب به طرف شیعه بود؛ به طوری که یک تروریست شیعه ستیز که کشته می‌شد، سعودی‌ها به جای او صد تروریست آموزش می‌دادند. (۱)

مشارکت مستقیم اتباع غربی در طراحی و قتل عام شیعه

یک - افسران انگلیسی، با لباس مبدل عربی، در حال بمب‌گذاری در مناطق شیعه‌نشین

در اواخر تابستان ۱۳۸۴ ه. ش، دو افسر انگلیسی که با پوشیدن لباس عربی، مقادیر قابل توجهی از پیشرفته‌ترین مواد منفجره، با قابلیت فرمان انفجار از راه دور به همراه داشتند، در مسیر جاسازی بمب‌های مذکور در مناطق شیعه‌نشین بصره، توسط نیروهای مردمی شیعه، شناسایی، بازداشت و به پلیس عراق تحویل داده شدند. یک افسر مسئول عراقی در اداره مبارزه با جرایم بزرگ فاش کرد: «این دو نظامی انگلیسی که برای سازمان موساد رژیم اسرائیل کار می‌کردند، قصد داشتند در یکی از اماکن مقدس شیعیان در استان بصره بمب منفجر کنند. پس از دستگیری این دو مأمور تروریست انگلیسی، مقامات انگلیس، بلافاصله خواستار آزادی فوری هر دو بمب‌گذار از سوی پلیس بصره شدند. اما با مخالفت پلیس این شهر، بالگردهای انگلیسی حامل نیروهای ویژه، در محل زندان پلیس عراق فرود آمدند و به این ترتیب، درگیری برای آزادی دو بمب‌گذار انگلیسی آغاز شد. پس از مقاومت پلیس عراق، تانک‌های انگلیسی نیز بلافاصله وارد عمل شدند و اقدام به تخریب زندان برای آزادی دو عامل خود کردند که یکی از تانک‌های انگلیسی به دست شیعیان به آتش کشیده شد. اما سرانجام دو بمب‌گذار

ص: ۷۶۴

۱- (۱) پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه خبر، به نقل از العالم، سخنان نوری مالکی، معاون رئیس‌جمهور عراق، نشانی در فضای مجازی: <http://www.irinn.ir/news/۷۳۲۶۰>

انگلیسی، آزاد و برای جلوگیری از بازجویی آنان به سرعت از عراق خارج شدند. با بازداشت آنها پرده از نقش گسترده سرویس های اطلاعاتی انگلیس در انفجارهای عراق برداشته شد.

بنابر اطلاعات به دست آمده از تحقیقات اطلاعاتی، سرنخ هایی از نقش عوامل اطلاعاتی «MIS»، در هفتاد انفجار بزرگ در مناطق شیعه نشین عراق به دست آمد. این انفجارها منجر به شهادت بیش از ۱۵۰۰ تن از زنان، مردان و کودکان شیعه عراقی شده است. این در حالی است که اگر نیروهای امنیتی شیعه، فرصت بازجویی دوساعته از بمب گذاران انگلیسی در بصره را پیدا می کردند، به مدارک مهم تری دست می یافتند.^(۱)

دو - تام دانیال، افسر سیا طراح تخریب حرم ائمه شیعه

تام دانیال، جاسوس سازمان اطلاعات و امنیت ایالات متحده آمریکا (CI) با بلند کردن ریش خود و تغییر نام، در مأموریتی چندساله به گروهک تروریستی القاعده پیوست. وی با یک گذرنامه جعلی لبنانی، با نام «تیسیر جودت عبدالهادی» خود را به القاعده رساند و با هماهنگی آنان نام شیخ «أبوللواء الصوری» را برای خود انتخاب کرد. تام دانیال خود را یک لبنانی که از سال ها پیش در مکزیك زندگی می کرده، معرفی کرد و موفق شد با هوش و ذکاوتی که داشت، به سرعت رشد کند و به یکی از تصمیم گیران و طراحان اصلی شبکه القاعده تبدیل شود. وی علاوه بر طرح ریزی انفجار، تعدادی از مساجد و حسینیه های شیعیان را در سراسر جهان و طرح تخریب حرم ائمه شیعه علیهم السلام را در عراق آماده کرد.^(۲)

ص: ۷۶۵

-
- ۱- (۱) گزارش خبرگزاری ها با عنوان: «ماجرای بصره، بخشی از پشت پرده حوادث تروریستی عراق را آشکار کرد در این باره ر. ک: خراسان - مورخ شنبه ۱۳۸۴/۷/۲ ه. ش شماره انتشار ۱۶۲۳۵. نشانی در فضای مجازی: <http://www.khornews.com/News.spx?id=۵۶۴۱۲۸۰&type=۱ye&month=۱۳۸۴&vd=۲>
 - ۲- (۲) گزارش رسانه ها از: جاسوسی که انفجار حرم ائمه علیهم السلام را طراحی کرد، نشانی در فضای مجازی: www.shi-online.ir/ticle.p?id=۲۹۴۰۴

اشاره

علاوه بر ریشه ها و علل قتل سادات و شیعیان، انگیزه های مباشران قتل عام نیز مورد اهمیت است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. انگیزه های روانی و درونی (تشفی خاطر، انتقام و...)

گزارش قرآن از قتل عام مؤمنان با انگیزه انتقام و تشفی خاطر در سوره بروج آمده است که قبلاً به آن اشاره شد. همچنان که یزید بن معاویه نیز قتل عام خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را به انتقام کشتگان بدر اعلام می کرد و می گفت: «یوم بیوم بدر»^(۱). بسربن ارطاه نیز قتل عام سی هزار شیعه حجاز، یمن و حضرموت را انتقام خون عثمان اعلام کرد. بعدها که مختار تعدادی از قاتلین امام حسین علیه السلام را در کوفه مجازات کرد، جناح اموی کوفه همراه زبیریان، انتقام سختی از شیعه کوفه گرفتند و شش هزار نفر از آنان را در یک روز قتل عام کردند. در تاریخ میانه نیز عثمانی ها قتل عام شیعیان بی گناه را در انتقام از اقدامات صفویان اعلام می کردند. در دوره معاصر هم قتل عام برای انتقام زیاد به چشم می خورد؛ برای مثال قتل عام حطله در سوریه توسط تکفیری ها در انتقام شکست آنها در القصیر بود که با شعار «یا لثارات القصیر» انجام شد.^(۲)

۲. انگیزه های مالی

همواره بخش عمده ای از انگیزه های قتل عام شیعیان، رسیدن به اهداف مالی بوده است؛ چنان که گروهی از لشکر ابن زیاد در کربلا صریحاً حضور خود را رسیدن به جایزه یزید اعلام کردند. چنین افرادی برایشان فرقی نمی کند که به سرزمین های کافران

ص: ۷۶۶

۱- (۱) البدایه والنهایه، ج ۸، ص ۱۹۲؛ بحار الانوار ج ۴۵، ۱۴۵. در این باره ر. ک: فرهنگ عاشورا، سرواژه عاشورا و سقیفه، ص ۳۱۱.

۲- (۲) «تروریست ها، شصت شیعه سوری را در «دیرالزور» مثله کردند»، نشانی گزارش در فضای مجازی: tnews.ir/news/B5D915156515.html

حمله کنند یا با سادات و شیعیان بجنگند. همچنین در تاریخ میانه، درباره قتل عام تبریزی ها به دست عثمانی ها آمده است: «گناه مردم تبریز در این جنایت هولناک این بود که کسبه و اصناف نمی توانستند سکه های نیم عیار را از عثمانیان پذیرفته و به دیگران رد و بدل کنند. وجود سکه های مزبور داد و ستد عمومی را مختل می کرد»^(۱).

در دوره معاصر نیز تعدادی از تکفیری های دستگیر شده در استان فرات عراق، به بریدن سر ۶۱ شیعه و تجاوز به پانزده دختر عراقی اعتراف کردند. بنا بر اعترافات آنها، برای بریدن سر هر شیعه، دویست دلار و سرکرده آنها نیز ۵۰۰ دلار دریافت می کردند.^(۲)

۳. انگیزه های جنسی

اشاره

رسیدن به لذت های جنسی، انگیزه دیگر عاملان قتل عام شیعیان در طول تاریخ بوده است؛ برای مثال در جریان قتل عام بنی یربوع، مالک بن نویره صریحاً به خالد بن ولید، با اشاره به همسر زیبایش، می گوید: «بهذه قتلنی» که بعدها عمر بن خطاب نیز به این انگیزه خالد اشاره می کند.^(۳)

در معمول قتل عام های گذشته، عاملان قتل عام، مالک زنان و دختران مقتول می شدند و همین موضوع انگیزه آنها را در تکفیر طرف مقابل و قتل و تصاحب اموال و نوامیس وی بیشتر می کرد. مفتیان حاکمان اموی، عباسی و عثمانی نیز پس از فتوا به قتل عام، به لزوم تقسیم زنان و کودکان قربانیان در بین سربازان اشاره می کردند.

الف) ترویج اباحی گری جنسی توسط جریان های تکفیری (جهاد نکاح و...)

گزارش های مستند نشان می دهد که میان سلفیان تکفیری معاصر، گناهان شنیع و

ص: ۷۶۷

۱- (۱) تاریخ پچوی، ابراهیم پچوی، ج ۲، صص ۱۱۵-۱۲۰.

۲- (۲) ر. ک: «تاریخچه وهابیت و عکس هایی و نوشته هایی از جنایات آنان»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.nooreem.com/thre1085.html>

۳- (۳) تاریخ یعقوبی: ج ۲، ص ۱۳۱؛ الإصابه، ج ۵، ص ۵۶۱؛ تاریخ اسلام، ذهبی، ج ۳، ص ۳۳؛ طبری، ج ۲، ص ۵۰۳.

محرمات جنسی، در سطح وسیع، رواج دارد. (۱) عقیل یوسف زی، تحلیل گر و نویسنده پیشاوری، چنین می نویسد: «من شخصاً زمانی که گفته می شد تکفیری ها پسران جوان را برای لذت جنسی از مدارس می برند، گزارشی خبری را تهیه کردم. من گزارش ها درباره سوء استفاده جنسی ستیزه جویان از پسران جوان - هم در پاکستان و هم در افغانستان - را تأیید می کنم».

عقیل گفته بود که تکفیری ها به طور مرتب به مدارس شهرهای مرزی در خیبر پختون خواه سر می زنند تا پسران نوجوان خوش چهره را انتخاب کنند. (۲) تکفیری ها با وجود آن که تنها خود را مسلمانان واقعی می دانند، خبر رسوایی جنسی شان، از سوریه تا افغانستان و پاکستان، همه جا را فرا گرفته و تشت رسوایی شان از بام افتاده است. در سوریه این گروه ها موضوع رسوایی «جهادالنکاح» را مطرح کردند که به دنبال فتوای یک ملای وهابی به نام العریفی، تعداد زیادی از دختران جوان کشورهای عربی، خصوصاً تونس، با سفر به سوریه و پیوستن به تروریست های القاعده، نیازهای جنسی شورشیان القاعده و سربازان ارتش آزاد را برآورده کرده و حامله به خانه بازگشته اند. محمد العریفی، از مفتی های سرشناس وهابیت عربستان، در آخرین اظهارات خود مدعی شد: «معاویه بن ابی سفیان، مؤسس سنت حسنه جهاد نکاح است که در جنگ صفین،

ص: ۷۶۸

۱- (۱) ر. ک: جهاد نکاح یا سرویس دادن زنان به تروریست های تکفیری، نشانی در فضای مجازی: . <http://www.com/v/SqDMO> همچنین چندی پیش در رسانه های خبری گزارش تکان دهنده ای ارائه شد که اوج بی بندوباری تکفیری ها نشان می داد: یک پسر جوان که هنگام اجرای عملیات انتحاری در هرات، از سوی مأموران اداره امنیت ملی، بازداشت شد، اعتراف کرد سرکردگان طالبان به او می گفتند در ازای انجام این کار به بهشت خواهد رفت. ولی در جریان آموزش، از سوی اعضای ارشد گروه طالبان، مورد تجاوز جنسی قرار می گرفت؛ ر. ک: تجاوز جنسی در حین آموزش حملات انتحاری! نشانی در فضای مجازی: <http://ns۱.mouood.com/home/item/۱۳۷۰۰>

۲- (۲) «رسوایی جنسی تکفیری ها؛ از سوریه تا افغانستان»، ر. ک: www.jomhornews.com/prteov۸e.jh۸۷wi۹bbj.htm

عمروبن عاص، این پیشنهاد را به دایی ما معاویه داد. لذا دایی ما شخصاً دستور داد که زنان شوهردار و بلکه تمامی زنان، برای جهاد به صفین بیایند تا بتوانند به سربازان اسلام کمک کنند»^(۱).

به دنبال صدور فتوای جهاد نکاح، دختران زیادی، خصوصاً از تونس و عربستان سعودی، برای پیوستن به تروریست ها عازم سوریه و عراق شدند که واکنش مقامات این کشورها را به دنبال داشت. وزیر کشور تونس با اشاره به این رسوائی اعلام کرد که تعداد زیادی از این دختران حامله به کشور برگشته اند.^(۲) بعد از اینکه فتوای محمد العریفی موجب آبروریزی و جنجال شد، وی فتوای خود را پس گرفت و حتی صدور آن را منکر شد. ولی تکفیری ها که این فتوا موجب خرسندی شان شده، همچنان به آن عمل می کنند و هنوز به حرام بودن آن متقاعد نشده اند.

همچنین هنوز برخی از مفتی های تکفیری، همچون «شیخ خباب مروان الحمد» و «ناصر العمر»، به اشکال دیگری، از جمله تقسیم عادلانه زنان قربانیان، انگیزه جنسی را در تروریست های تکفیری تقویت می کنند.^(۳) برخی گزارشات از ارتباط همزمان زنان جهاد نکاح با تعداد زیادی از تکفیری ها اشاره می کنند؛ از جمله اعترافات «عایشه البکری» دختر پانزده ساله سعودی که چند ماه برای جهاد نکاح در سوریه به سر برده بود، در فرودگاه بیروت موجب یک جنجال رسانه ای شد. وی گفت: «من پس از اطلاع از فتوای محمد العریفی به کشور سوریه عزیمت کردم و در این مدت با بیش از هزار تروریست نزدیکی داشتم که بیشتر آنان از الجزائر، پاکستان، سومالی، عراق و اتیوپی

ص: ۷۶۹

۱- (۱) خبرگزاری بین المللی تسنیم - رونمایی از مؤسس جهاد نکاح، نشانی در فضای مجازی: www.tnimnews.com/Home/Single/۳۶۵۴۷۰

۲- (۲) انهدام شبکه های جذب دختران تونسی برای جهاد نکاح، العالم: <http://www.bultnews.com/ir/news/۱۶۳۴۵۱۹> .ک

۳- (۳) گزارش تکان دهنده از وقایع دردناک سوریه، نشانی در فضای مجازی: <http://www.bultnews.com/mobile/۱۹۶۸۷۵>

بودند و اکنون حامله ام و احتمال می‌دهم این جنین مربوط به فرمانده جبهه النصره باشد؛ چون او هنگام سفر به اسرائیل، مرا هم با خود برد. او در آنجا با فرماندهان اسرائیلی دیدار داشت و از آنان سلاح و اطلاعات و تصاویر ماهواره ای درباره نقل و انتقالات سربازان ارتش سوریه دریافت کرد»^(۱).

پیش تر تنها نهاد و گروه دینی که به رسوایی جنسی گسترده متهم بود، نهاد کلیسا بود و در جوامع دینی جهان اسلام، از این رسوایی کمتر دیده می‌شد. اما به نظر می‌رسد که تکفیری های جهان اسلام، در نظر دارند در رسوایی های جنسی از آنها سبقت بگیرند. با این تفاوت که کشیشان پاپ، به دنبال رسوایی های جنسی از مردم و قربانیان عذرخواهی کردند، ولی تکفیری ها، از العریفی گرفته تا ناصر العمر، عرعور و ابوبکر بغدادی، هیچ کدام حاضر نشدند از مردم و قربانیان عذرخواهی کنند.

ب) جنگ تجاوز جنسی متقابل در بین تکفیری ها

برخی اطلاعات حاکی از آن است که «آنچه در جنگ بین گروه های تکفیری در سوریه در جریان است، جنگ تجاوز جنسی متقابل به زنان دو طرف است. چیزی که در حلب و رقه و دیرالزور رخ می‌دهد، بسیار تکان دهنده است؛ به این صورت که تکفیری ها زنان گروه مقابل خود را اسیر می‌کنند و بعد به آنان تجاوز می‌کنند و به این ترتیب جنگ بین دو طرف شدت بیشتری می‌گیرد؛ برای مثال وقتی داعش وارد رقه شد و بر نیروهای جبهه اسلامی، جبهه النصره و ارتش آزاد پیروز گردید، حدود سی نفر از زنان آنها را اسیر کرد. سپس به آنان تجاوز کرد و آنان را به عنوان اسیر نگه داشت.

در مقابل، جبهه اسلامی و ارتش آزاد هم جواب این کار داعش را در حمص دادند.

ص: ۷۷۰

۱- (۱) نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.n.ir/persi/service/middle/chive/2014/04/05/60876/story.html>

آنان در ریف حمص، موفق به کشتن تعدادی از عناصر داعش شدند و زنان آنان و برخی مردانشان را اسیر گرفتند و سپس نیروهای این گروه شروع به تجاوز به زنان نیروهای مهاجر داعش (از چچن و لیبی و افغانستان) کردند؛ آن هم در مقابل چشم شوهرانشان و همراه با تصویربرداری. گفتنی است آنچه بین این گروه های تروریستی می گذرد، خطری است که انسانیت را تهدید می کند و جامعه بشری باید شدت خطیر بودن این مسائل را درک کند و به سرعت، دست از حمایت این گروه ها بردارد. (۱)

۴. وعده های اخروی

جنایتکاران بعضاً انگیزه خود را به مسائل اخروی پیوند می داده اند و این باعث می شد آنها از روحیه دینداری افراد سوء استفاده کنند و آنان را به این جنایات ترغیب کنند؛ برای مثال ابن ملجم افزون بر انگیزه انتقام جویی کشتگان نهر روان و مطامع جنسی (رسیدن به دختری به نام قطام) تحت تأثیر این انگیزه نیز بود که در صورت کشتن حضرت علی علیه السلام به بهشت خواهد رسید. همچنین عمر بن سعد بن ابی الوقاص، برای تحمیق لشکر یزید، آنها را خیل الله خطاب می کرد. همچنین مفتیان دربارهای اموی، عباسی و عثمانی، قتل سادات و شیعیان را موجب ورود به بهشت می دانستند. امروزه نیز بسیاری از تروریست ها تحت تأثیر وعده های اخروی مبلغان و مفتیان تکفیری قرار گرفته اند. افرادی که پیش از اقدام تروریستی انتحاری دستگیر شده اند، صریحاً اعلام کرده اند که به آنها وعده بهشت و هم آغوشی با حوریان داده شده و در صورت انجام عملیات تروریستی، مهمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله یا ابوبکر خواهند بود.

روزنامه سعودی «الشروق»، در مقاله ای به تکفیری هایی که خودشان را در عراق

ص: ۷۷۱

۱- (۱) جنگ متقابل «تجاوز جنسی» بین داعش و دیگر تکفیری ها، نشانی در فضای مجازی: <http://iwn.org/News>. px?NewsId = ۱۱۱۹۷

منفجر کرده و صدها عراقی بی گناه را در شهرهای شیعه نشین کشتند، می نویسد: «سیصد انتحاری سعودی در عراق: ما عامل کشتارها هستیم». نویسنده به سخنان فاضل برواری، فرمانده لشکر نیروهای ویژه در بغداد و بیانات صادره از وزارت کشور عراق استناد می کند و می گوید: «بعد از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ م، بیش از سیصد سعودی در عملیات های انتحاری در عراق شرکت کرده اند».

نویسنده سپس به دنبال کالبدشکافی این امر است و سؤال می کند که چرا باید یک جوان سعودی به آسانی راضی شود خودش را بکشد و به همراه خودش صدها بی گناه را نیز از بین ببرد؟ آیا جوان سعودی تا به این حد ساده لوح است؟ آیا تلقیناتی که در خانه و مدرسه از کودکی به او می شود او را یک شخصیت بی اراده بار می آورد؟

وی سپس رفتار و سخنان والدین را در این جریان سهیم می داند و می گوید: (این فرد از زمان کودکی باید اطاعت بی چون و چرا از پدرش داشته باشد. فقط به این دلیل که او بزرگ تر است، نباید هیچ بحث و جدلی کند. در اینجاست که نقش بزرگ ترین نعمتی که خداوند به انسان داده، یعنی عقل، گم می شود؛ در مدرسه نیز امر به همین ترتیب است و مخالفت با رأی معلم، برابر با مجازات است؛ همین کودک، بزرگ می شود و در آینده نیز بدون هیچ تفکری، درخواست شیخ تکفیری را اجابت می کند و در عملیات های انتحاری شرکت می کند. یک شاعر افغانستانی، دردمندانه این انگیزه عاملان نسل کشی مسلمانان شیعه را به نظم کشیده و چنین می سراید: (۱)

بهبانه شد بهشت تو برای قتل عام من به داد من نمی رسی خدای قتل عام من!

بهشت را نخواستم؛ در بهشت را ببند اگر بهشت می شود بهای قتل عام من

به طالب بهشت خود بگو که قهر می کنی جهنم تو می شود جزای قتل عام من

ص: ۷۷۲

تکفیری های معاصر بارها اعلام کرده اند که قتل عام شیعیان را از امثال یزید و حجاج الگو گیری کرده اند. این در حالی است که معاویه، یزید و حجاج قبل از اینکه شیعه کش باشند، مسلمان کش بوده اند؛ چرا که هر سه به مدینه النبی حمله کردند.^(۱) متأسفانه هر چه می گذرد، بر تعصب عامه افزوده می شود؛ به طوری که اگر در قرن سوم احمد بن حنبل کوشید معاویه را تطهیر کند، یزید را قابل لعن اعلام کرد. ابن تیمیه در قرن هفتم کوشید یزید را بعد از آن همه قتل و جنایت در کربلا، مدینه و مکه تائب بداند. اما تکفیری های امروز از ابن حنبل و ابن تیمیه نیز عبور کرده و اساساً خطایی را از یزید نمی پذیرند که نوبت به توبه او برسد. حتی کار به جایی رسیده که برخی از آنها یزید را رهبر، و امام حسین علیه السلام را دشمن خود اعلام می کنند.^(۲) افزون بر داعش، عبدالله المحیسینی، یکی از وهابیان متعصبی است که در اظهاراتش گفته است: «هیچ کس در طول تاریخ همانند حبیبمان، حجاج بن یوسف، ما سلفی ها را این طور سرافراز نکرده بود. حجاج کسی است که انتقام رسول خدا صلی الله علیه و آله را از دوستان علی علیه السلام گرفت».^(۳)

گفتار چهارم: بهانه های کشتار جمعی شیعه

۱. ادعای سب صحابه

الف) سابقه سب صحابه و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در بین عامه

معاویه اولین رواج دهنده سب و لعن صحابه، خصوصاً حضرت علی علیه السلام بود. وی

ص: ۷۷۳

۱- (۱) اهل تسنن روایات مشهوری را از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند به این مضمون: «مدینه از غیر تا احد حرم است و هر که در آن حادثه ای (بدعت یا قتل بی گناهان) پدید آورد، نفرین خدا و همه فرشتگان و مردم بر او باد و خدای از چنین کسی نه توبه ای پذیرد، نه فدیة ای»: صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۵؛ مسند امام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۸۱ و ج ۴، صص ۵۵ و ۵۶.

۲- (۲) در این باره ر. ک: مقاله خبرگزاری فارس با عنوان «تاریخ شیعیان پاراچنار»، نشانی در فضای مجازی: www.vir.com.pe.php?bk=notepid=182

۳- (۳) «قتل شیعیان از افتخارات ما و پدران ماست»، نشانی در فضای مجازی: <http://www.shinews.com/news/67070>

حتی در قنوت خود، حضرت علی علیه السلام و نزدیکان او را لعن می کرد. ولی بعدها، از این موضوع برای قتل عام سادات و شیعیان استفاده کردند. صاحب کتاب «المنتظم» می گوید: حکام هرگاه اراده می کردند فرد شیعی مذهبی را دستگیر و مجازات کنند، عنوان اتهام او ناسزا به ابوبکر و عمر بود، نه پیروی از علی علیه السلام» (۱).

بعدها این رویه حاکمان، به فتوای مفتیان متعصب انتقال پیدا کرد؛ به طوری که سرخسی، از فقهای اهل سنت، چنین فتوا داد: «هر کس درباره خلفا سخنی بگوید که در آن طعن و اعتراض باشد، ملحد و بی دین است و از مسلمانی خارج شده است و دوی درد چنین شخصی، اگر توبه نکند، شمشیر است» (۲). سپس فتوا را خشن تر می کند و می گوید: (۳) «اگر توبه هم کرد پذیرفته نمی شود، بلکه باید کشته شود».

متعصبان، دو حکم متفاوت در سب و لعن ارائه می کنند و می گویند: «کسی که به ابوبکر فحش و ناسزا بدهد، بدون اینکه وادار به توبه شود، باید کشته شود. فحش دهنده به عمر نیز بدون مجال توبه، باید کشته شود. ولی اگر کسی به عثمان یا علی ناسزا بگوید، فقط حد که تازیانه است، بر او جاری می شود» (۴).

(ب) اهانت و ناسزا به صحابه و اهل بیت علیهم السلام در بین متعصبان و تکفیری های معاصر

تکفیری های معاصر اهانت به صحابه را به جایی رساندند که حتی به نبش قبر برخی از آنها اقدام کرده و جسدشان را به نقطه نامعلومی انتقال دادند (۵). تکفیری های پاکستان،

ص: ۷۷۴

۱- (۱) المنتظم، ج ۲، ص ۳۶؛ وضوء النبی صلی الله علیه و آله.

۲- (۲) اصول السرخسی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۳- (۳) رسائل ابن عابدین، ج ۱، ص ۳۶۴.

۴- (۴) تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۴، ص ۱۲۲.

۵- (۵) ر. ک: «فاجعه جدیده یرتکبها مجرمو التکفیر الوهابی بنش و تخریب قبر الصحابی الجلیل حجر بن عدی فی غوطه دمشق»، برائنا، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۲ ه. ش، نشانی در فضای مجازی: <http://www.snews.com/newstext>. ک

صراحتاً به امام حسین علیه السلام ناسزا گفتند و قاتل او را ستودند؛ به طوری که در پاکستان اساس درگیری های سال ۲۰۰۷ پاراچنار این بود که تکفیری ها و طالبان، در تظاهراتی، علیه مقدسات شیعه خصوصاً امام حسین علیه السلام، ناسزا گفتند. در آوریل ۲۰۰۷ م وقتی شیعیان و اهل تسنن از مناطق مختلف در حسینیه مرکزی شهر پاراچنار جهت جشن میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمع شده بودند، یک مفتی متعصب که از کراچی برای سخنرانی دعوت شده بود، اعلام کرد که «یزیدیت زنده باد، حسینیت مرده باد» و پس از این شعار، عده ای از جوانان شیعه که تحمل این سخنان برایشان سخت بود، حسینیه را ترک کردند و بیرون رفتند. این افراد به محض اینکه به صحن بیرونی حسینیه رسیدند، همگی به دست تکفیری هایی که از قبل خود را آماده کرده بودند، گلوله باران شدند و پس از آن، درگیری های خونین شیعه و سنی در منطقه آغاز شد. (۱)

در سوریه، داعش در بیانیه ای که روی سایت های هم جهت با خود آورده، اعلام کرده است: «یزید رهبر ما و حسین [علیه السلام] دشمن ماست». داعش سپس شیعیان را تهدید می کند و می گوید: «ما توهین به خلیفه مان یزید را تحمل نمی کنیم و از آنجایی که حسین [علیه السلام] و پیروانش دشمن یزید هستند، دشمن ما به حساب می آیند».

ج) دور بودن ائمه شیعه علیهم السلام از ناسزاگویی

ائمه شیعه علیهم السلام بارها از ناسزاگویی به افراد، ولو دشمنان، منع کرده و معمول شیعیان بر این اصل پایبند بوده اند. در دوره معاصر نیز علما و مراجع بزرگ شیعه، از جمله آیت الله خامنه ای، صریحاً اعلام کرده اند که بدگفتن به نمادهای اهل تسنن جایز نیست. (۲) از این رو شیعیان نیز به دلیل اینکه خلفا عملاً به نمادهای تسنن تبدیل شده اند، از سب

ص: ۷۷۵

۱- (۱) منبع پیشین.

۲- (۲) منبع: مجله اخوت؛ ر. ک: پایگاه خبری - تحلیلی فتن (نقد فتنه گران مذهبی)، نظر مراجع تقلید راجع به توهین به مقدسات اهل سنت چیست؟ نشانی در فضای مجازی: <http://www.et.ir/home/?p=2020> ک ۲۰۲۰

آنها پرهیز می کنند. اما باز شیعیان، از اندونزی تا مراکش، مورد حمله حکومت های دیکتاتور، عوام متعصب و جریانات تکفیری قرار می گیرند و مفتیان متعصب بر عمل حاکمان مستبد و عوام ناآگاه صحنه می گذارند.

(د) تبعیض متعصبان در خصوص صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله

مفتیان و حکام عامه، هیچ گاه حساسیتی را که درباره ابوبکر یا عمر داشته اند، درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان او ندارند. گویا از میان بیش از ۱۲۰/۰۰۰ نفر مصاحب پیامبر صلی الله علیه و آله، تنها این سه نفر و تعداد انگشت شمار از هواداران آنها، نظیر خالد بن ولید و معاویه بن ابی سفیان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می روند. همچنین از میان نه همسر ایشان، تنها دو دختر ابوبکر و عمر، ام المؤمنین محسوب می شوند. در طول تاریخ، عاملان و مفتیان قتل عام شیعه که نمی توانستند بگویند شیعیان، اسلام و قرآن را قبول ندارند، تنها مستمسک خود را بد گفتن به ابوبکر و عمر و احیاناً عثمان اعلام می کردند و هنوز هم با این بهانه، افراد بی گناه زیادی را به کام مرگ می فرستند.^(۱) این در حالی بود که در دولت های شیعی، نظیر ادریسی، فاطمی، حمدانی و بویه، آزادی مذاهب رواج داشت و هیچ گاه مسلمانی، به خاطر سنی بودن، تحت تعقیب قرار نگرفت. در عصر کنونی، به رغم پیشرفت انسان در عرصه ارتباطات و نزدیک شدن افراد به یکدیگر و امکان اطلاع رسانی صحیح و صریح، متأسفانه جهان اسلام هنوز در این تعصب جاهلی می سوزد و مفتیان متعصب سلفی، به راحتی، ریختن خون میلیون ها شیعه را مباح می دانند و معمولاً بهانه خود را همان موضوع قدیمی بد گفتن به ابوبکر و عمر و عثمان قرار می دهند.

ص: ۷۷۶

۱- (۱) ر. ک: الکامل، ج ۹، ص ۷۶؛ البیان المغرب، ابن عذاری، ج ۱، صص ۲۸۵-۲۹۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۱۵؛ شیعه و زمامداران خودسر، محمد جواد مغنیه، بخش ۵.

«تقیه» را در فقه چنین تعریف کرده اند: موافقت کردن با دیگری در کردار و گفتاری که مخالف با حق است برای حفظ جان خویش از زیان رساندن او. (۱) آیات متعددی از قرآن بر مشروعیت تقیه دلالت دارد: (۲) روایاتی که از امامان معصوم علیهم السلام در مشروعیت تقیه آمده، بسیار است (۳)؛ برای مثال امام صادق علیه السلام فرمود: «تقیه نه بخش از ده بخش دین است و هرکس تقیه را رعایت نکند، دین ندارد». امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «تقیه، دین من و دین پدران من است و هرکس تقیه ندارد، ایمان ندارد». بنابراین حفظ تقیه از واجبات مهم اسلام است و عدم اجرای این اصل زمینه ساز اقدامات خونبار علیه شیعیان می گردد.

ص: ۷۷۷

۱- (۱) القواعد الفقهیه، بجنوردی، ج ۵، ص ۴۳.

۲- (۲) (لا- يَجِدُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ) (آل عمران: ۲۸)

۳- (۳) وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۲. باب ۲۴، ح ۱ و باب ۲۵، ح ۳ و ۵؛ تقیه، سید نورالدین شریعتمداری جزائری؛ فصلنامه شیعه شناسی، ش ۸. البته در برخی از جاها تقیه حرام است؛ نظیر آنجایی که در ضمن آن، قتل مؤمنی اتفاق بیفتد یا گناهی که اهمیت آن بیش از تقیه است. امام باقر علیه السلام فرمود: «مشروعیت تقیه برای نگه داری جان مؤمن است و هرگاه تقیه سبب ریختن خون مؤمن شود، مشروعیت ندارد». همچنین در جایی که سبب بیزاری جستن از امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر امامان معصوم شود تقیه در آن مشروع نیست.

نمودار ریشه ها، علل، انگیزه ها و بهانه های کشتار جمعی شیعه

ص: ۷۷۸

نمودار تضاد منافع سیاسی در علت یابی

رشد کشتار جمعی شیعه در دههٔ اخیر

نسل کشی شیعه

نمودار کلی عوامل وقوع، تداوم و رشد

کشتار جمعی مسلمانان شیعه در دههٔ اخیر

نسل کشی شیعه

ص: ۷۷۹

فصل هفدهم: راه های برون رفت از پدیده نسل کشی شیعیان

اشاره

ص: ۷۸۱

اگر مکتب تشیع به جوامع معرفی شود، نقش عمده ای را در کاهش اثرگذاری تبلیغات شیعه هراسانه خواهد داشت. مراجع تقلید شیعه، تأکیدات فراوانی در این باره داشته اند؛ از جمله آیت الله مکارم شیرازی بارها بر انجام کارهای زیربنایی برای معرفی مکتب اهل بیت و تربیت مبلغ بومی تأکید کرده و معتقدند:

بسیاری از علمای اهل تسنن با اندیشه و منهج وهابیت مخالف هستند و در عین حال از اندیشه های شیعی نیز آگاهی ندارند. چندسال پیش به مکه مشرف شده بودم؛ غالب کتاب هایشان بیانگر این بود که شیعه را نشناخته اند.

همچنین این مرجع تقلید تصریح کردند:

جمعیت بالایی از مسلمانان نسبت به معارف اهل بیت علیهم السلام ناآگاهی دارند و بر اثر این ناآگاهی گرفتار شده اند، ضمن آن که برخی کشورها ایران هراسی را نیز در دستور برنامه های خود قرار داده اند. [در این شرایط] جداکردن کار تدریجی عوام از بقیه ضروری است و بارها گفته ایم که عقاید شیعه را باید از علمای شیعه گرفت. (۱)

ص: ۷۸۳

۱- (۱) «اگر به اندازه یک دهم وهابی ها هزینه کنیم پیروز مندایم»، ر. ک: پایگاه خبری - تحلیلی پارسینه، کد خبر: ۶۱۱۹۷، تاریخ انتشار: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۱ ه. ش - ۱۰:۱۸، نشانی در فضای مجازی: <http://www.parsine.com>

news/۶۱۱۹۷

تدوین منشور جهانی تشیع که شامل رؤوس اعتقادات شیعه باشد، پس از تدوین و تأیید مراجع عظام و شخصیت های برجسته جهان تشیع، می تواند بسیاری از تبلیغات و شبهات مغرضانه علیه شیعه را خنثا کند؛ به این صورت که با معرفی گسترده آن به جهان اسلام، این موضوع اعلام و مسجل گردد که اعتقادات شیعه اینهاست و هر شخص و رسانه ای که غیر از اینها را به شیعه نسبت دهد، ایراد تهمت و افترا کرده و مورد تأیید مکتب شیعه نیست. (۱)

ب) تغییر در الگوهای سنتی متقاعدسازی مسلمانان سنی

گراهام فولر، اندیشمند آمریکایی در خصوص الگوهای سنتی متقاعدسازی مسلمانان سنی، معتقد است: طی سال های گذشته، شیعیان آموخته اند از الگوی متقاعدسازی مسلمانان سنی استفاده کنند. آنان تلاش دارند تا حسن نیت خود را به مسلمانان اهل سنت اثبات کنند. (۲) بر عکس آل سعود که تروریست های تکفیری را ساماندهی و بحران خاورمیانه را تشدید می کند، در میان شیعیان چنین رویکردی وجود ندارد. شیعیان، کنش گرانی اجتماعی اند که تنها درصدد تأمین حقوق مدنی خود هستند و همه تاکتیک ها و چارچوب های فعالیت هایشان مدنی است. بنابراین بیش از آن که عملیاتی مسلحانه و مخرب را برای عمل خود انتخاب کنند، بحث و استدلال را میان خود تقویت کرده اند. با این حال، آمریکا سیاستی مبتنی بر تقسیم کار با کشورهای پرورش دهنده نیروهای تکفیری، مانند عربستان را برگزیده است. این تقسیم کار در بحران سوریه به خوبی قابل رؤیت است. (۳)

ص: ۷۸۴

۱- (۱) تدوین منشور جهانی تشیع را یکی از مراکز علمی شیعه شناسی در شهر قم، به نام «مجمع جهانی شیعه شناسی» برعهده گرفته است که می تواند اقدام عملی مفیدی در این زمینه باشد؛ ر. ک: گزارش خبرگزاری ها در خصوص منشور جهانی تشیع، نشانی در فضای مجازی: www.news.ir/vdcdg.u9vr9zzpr4.htm

۲- (۲) «شیعیان؛ مسلمانان فراموش شده»، گروه بین الملل مشرق، نشانی در فضای مجازی: www.ir.m.hreghnews

۳- (۳) همان.

جهان در دهه اول قرن بیست و یکم میلادی، شاهد فجایع دردناکی از سوی تروریسم تکفیری بود؛ این فجایع بار دیگر نشان داد که شیعیان بیش از تمام پیروان ادیان دیگر، قربانی تروریسم هستند. تبلیغات ضد اسلامی غرب، آن هم به اتهام «تروریسم اسلامی»، همچنان به قصد انکار واقعیت به تحریف وقایع می‌پردازد. درباره راههای مبارزه با تروریسم، گزافگوییهای غرب از حد گذشته است. این در حالی است که کمترین اقدام عملی منطبق بر شعارهای ضد تروریستی، این است که از ارسال سلاح به سمت گروه‌های مسلح تروریستی و تکفیری جلوگیری شود و گامی برای خلع سلاح آنان برداشته شود. با یک نگاه سطحی به اسلحه و مواد انفجاری که در دست تروریست‌هاست، میشود فهمید که منفعت چنین مدعیانی، از این تجارت کم نیست. در این راستا تنها کار واقعی که مدعیان مبارزه با تروریسم باید انجام دهند آن است که از تحریک و پشتیبانی تروریست‌ها دست بردارند. استعمارگران، بر خلاف تمام ادعاهایشان، از تروریسم به عنوان ابزار به روز شده برای اختلاف افکنی میان کشورهای اسلامی استفاده میکنند و به راحتی از آن دست برنمی‌دارند. از این رو یادآوری مسؤلیتهای متناسب با شعارهای ضد تروریستی به غریبه‌ها، چیزی جز خودفریبی نیست. مقام معظم رهبری در این باره معتقدند:

این عواملی که اختلاف افکنی می‌کنند، نه شیعه‌اند، نه سنی؛ نه به شیعه علاقه دارند، نه به تسنن؛ نه مقدسات شیعه را قبول دارند، نه مقدسات سنی را.... اسم می‌آورند از تروریست‌های عراق به عنوان القاعده و سلفی، در حالی که خودشان تحریک‌کننده هستند. عناصر بعثی قدیمی در عراق را خود سرویس‌های آمریکایی و اسرائیلی دارند تحریک می‌کنند برای ایجاد انفجار در هر نقطه‌ای که بتوانند انجام بدهند.^(۱)

ص: ۷۸۵

۱- (۱) ر. ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، آرشیو بیانات، نشانی در فضای مجازی: [www. le er. ir/ l gs](http://www.leer.ir/lgs)

الف) برجسته سازی مرز بین اهل سنت با افراتیون تکفیری

در خصوص جنگ نرم وهابیت علیه تشیع، اولین راهکار مقابله، معرفی چهره حقیقی جریان سلفی و وهابیت است. مسلک وهابیت را خیلی از علمای اهل سنت رد کرده اند. کسی مثل شمس الدین ذهبی پیروان ابن تیمیه را در معرض کفر و زندیق بودن می داند. سبکی شافعی می گوید: «اولین کسی که خرق اجماع کرد، ابن تیمیه بود». ابن حجر هیشمی می گوید: «ابن تیمیه بنده ای است که خدا او را خوار و ذلیل و گمراه و کر و کور کرده است. علمای دین از همه مذاهب بر باطل بودن حرف او صحه گذاشته اند».

باید این طور سخنان علمای اهل تسنن را در مقابل جریان تکفیر مطرح نمود. جالب اینجاست در دوره معاصر نیز اولین کسی که در مقابل محمد بن عبدالوهاب ایستاد، برادرش بود که از عالمان حنبلی نجد بود. همچنین عبداللطیف بصری می گوید: «آیا می دانی که علمای مکه حکم به الحاد عبدالوهاب دادند؟!» یا ذهبی می گوید: «مستمک عبدالوهاب در مشرک دانستن غیر وهابی ها، همان آیه ای است که قرآن در وصف مشرکین آورده است و ابن عبدالوهاب آن را در مورد مؤمنین و مسلمانان دیگر استفاده کرده است». ابن عابدین، از علمای اهل سنت، می گوید: «وهابیون، خوارج زمان ما هستند». سیدهاشم الرفاعی نیز عمل آنها را مثل عمل خوارج می داند. سعید رمضان البوطی می گوید: «سلفیه یک مذهبی است زودگذر» و اصلاً وهابیت را به عنوان یک مذهب اسلامی قبول ندارد.^(۱)

ب) تبیین شباهت های ظاهری، اعتقادی و عملی جریان های تکفیری و خوارج

از عبدالله بن عمر به نقل از صحیح بخاری آمده است: «خوارج و ملحدین آیه ای از قرآن را که در وصف کافران آمده است، علیه دیگر مؤمنان استفاده می کردند». این

ص: ۷۸۶

۱- (۱) ر. ک: مؤسسه تحقیقاتی ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، راه و بی راه - وهابیت، خوارج زمان، نشانی در فضای

ماهیت پلید افراطگرایان را روشن می کند. آنها آیات قرآن کریم در مورد کفار را برمی دارند و علیه دیگر مؤمنان به کار می برند. آنها مصداق خوارج هستند که خود را بسیار دیندار نشان می دادند، به زیبایی قرآن می خواندند و به نماز می ایستادند، اما در حقیقت مانند تیری بودند بر قلب دیانت. افراطگرایان حتی هم کیشان خود را نیز تکفیر می کنند؛ چه رسد به دیگران. خوارج تفاسیر قرآن و احادیث را تغییر دادند تا آزادانه به قتل مسلمانان و غصب اموال آنان پردازند؛ همان طور که امروز می بینیم همکاران مدرن آنها، مثلاً فرقه ای به نام وهابیت در حجاز، به همین کار می پردازند.^(۱)

ج) ارتباط بیشتر با عالمان و مفتیان منصف اهل تسنن

دولت های مستبد، بسیاری از عالمان تسنن را بارها تحت فشار قرار داده اند تا فتوای تکفیر شیعیان را صادر کنند، ولی آنها استنکاف کرده اند. یکی از این عالمان منصف، شیخ فعلی الازهر، احمد الطیب است. وی از فشار حسنی مبارک مخلوع به وی برای تکفیر شیعیان پرده برداشت و تصریح کرد: «حسنی مبارک، بارها از من خواست تا با صدور فتوا به تکفیر شیعیان و خصوصاً حزب الله لبنان پردازم، ولی بنده به شدت با این امر مخالفت کردم». شیخ الازهر ادامه داد:

برخی از نزدیکان حسنی مبارک که از عوامل امنیتی نظام (مصر) بودند به شدت به من فشار می آوردند تا در عقاید شیعیان تشکیک کنم و حتی به صورت غیر مستقیم مرا مورد تهدید قرار دادند. اما با توجه به اینکه از وجود اهداف سیاسی در پس این امر خبر داشتم، از برآورده ساختن خواسته آنان پرهیز کردم.

ص: ۷۸۷

۱- (۱) به گزارش شفقتنا (پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه)، به نقل از ایگنا، پایگاه اطلاع رسانی «lus-sunn.com» در مقاله ای به بررسی گفتارهای علمای اهل سنت در مورد فتنه تکفیر پرداخته است. <http://sh.n.com/persi>

وی با اشاره به سرنگونی نظام مبارک اظهار داشت:

دین مبین اسلام با هرگونه تکفیر مخالف است و بالطبع، تکفیر مسلمانان در اولویت این مخالفت ها قرار دارد. بیشتر این فشارها در زمانی بود که من به عنوان مفتی مصر فعالیت می کردم. ولی هنگامی که به منصب شیخ الازهر رسیدم، فشارها کاهش یافت تا اینکه انقلاب به وجود آمد و نظام مبارک به کلی از صحنه سیاسی محو شد.

احمد الطیب با تأکید بر اینکه هیچ اختلافی نمی تواند شیعیان را خارج از اسلام سازد، تأکید کرد:

هیچ اختلافی که سبب خارج شدن شیعیان از دین مبین اسلام شود، وجود ندارد و نزاع های به وجود آمده از اهداف سیاسی نشئت می گیرد. نهایت اختلافی که میان شیعیان و اهل سنت است، به مسئله امامت بازمی گردد. ما معتقدیم که امامت و خلافت به عهده مردم قرار داده شده است و آنان می توانند به انتخاب خلیفه و امام بپردازند. درحالی که شیعیان بر این باورند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را به عنوان خلیفه و جانشین انتخاب کرده است.

شیخ الازهر مصر خاطر نشان ساخت:

این اختلاف به حدی نیست که میان مسلمانان جدایی بیندازد. ولی متأسفانه شاهد سوء استفاده از این مسئله برای ضربه زدن به وحدت مسلمانان هستیم.

وی با انتقاد از ادعای برخی افراد مبنی بر تفاوت قرآن شیعیان و اهل تسنن، این ادعا را دروغی آشکار توصیف کرد و از علمای اهل تسنن و شیعیان خواست با توجه به این گونه ادعاها، با این دروغ پردازی ها مقابله کنند. گفتنی است، وی چندی پیش در سخنانی امیدوار کننده و وحدت بخش و در دیدار با جمعی از فعالان سیاسی و رسانه ای، از سید حسن نصرالله به شدت تقدیر کرد و گفت:

اسلام به وجود مجاهدی بزرگ نظیر سید حسن نصرالله افتخار می کند. وی مجاهد

مسلمانی است که درس های فراموش نشدنی به رژیم صهیونیستی داد. مهم نیست که سید حسن نصرالله و یاران وفادارش در حزب الله چه مذهبی دارند، بلکه آنچه مهم است مسلمان بودن آنان است. (۱)

همچنین احمد الطیب، در خلال سفرش به بحرین، برای شرکت در کنفرانس گفت و گوی ادیان و فرهنگ ها، اقدامات سرکوبگرانه آل خلیفه در خصوص شهروندان شیعه این کشور را محکوم کرد. احمد الطیب در سخنان خود از آل خلیفه خواست با سعه صدر بیشتر با شیعیان برخورد کند. شیخ الازهر افزود:

مذهب شیعه براساس فتوای شیخ «شلتوت» یکی از مذاهب پنج گانه ای است که به رسمیت شناخته شده و شایسته نیست سرکوب و قتل شیعیان به شکل کنونی دیده شود. آنچه آل خلیفه در پیش گرفته، مخالف رفتار اسلامی و عربی است و این رفتارها لکه ننگی در جهان اسلام است که چهره آن را تخریب می کند.

در واکنش به این سخنان «عبدالله بن خالد آل خلیفه»، رئیس کمیته عالی امور اسلامی در بحرین، ابراز ناراحتی کرد و سخن الطیب را سخیف توصیف نمود که واقعیت ندارد. این واکنش عبدالله بن خالد باعث شد شیخ الازهر جلسه را قبل از تمام شدن ترک کند و به قاهره بازگردد. (۲)

(د) طرح ریزی مقابله رسانه ای با تکفیر

واقعیت این است که قتل عام و نسل کشی شیعیان در جهان اسلام با بایکوت خبری رسانه های عظیم صهیونیستی و عربی روبه رو شده است؛ به طوری که آنها بعضاً، خبرهایی

ص: ۷۸۹

۱- (۱) ر. ک: «عصبانیت رسانه های وهابی از تمجید نصرالله توسط شیخ الازهر»، نشانی گزارش در فضای مجازی: www.v.com/ir-یک۲۷۲۴=khid=bk?pe

۲- (۲) گزارش «شیعه نیوز»، دفاع شیخ الازهر از شیعیان بحرین و سانسور سخنان وی در رسانه های عربی، نشانی گزارش در فضای مجازی: <http://www.shinews.com/news/۷۳۵۱۱> ک

با اهمیت بسیار کمتر را پوشش می دهند، ولی از جنایاتی که علیه شیعیان می شود، نه تنها به درستی گزارش نمی دهند، بلکه می کوشند شیعیان را عامل ظلم قلمداد کنند و طبعاً در این مسیر از ترفندهای رسانه ای به انحای مختلف استفاده می کنند. رسانه های وابسته به سعودی و وهابیت، نظیر شبکه العربیه، بعضاً دروغ هایی را از شیعیان به مخاطبان خود ارائه می کنند که موجب تعجب هر انسان آگاهی می شود؛ برای مثال شبکه العربیه چندی پیش گزارش داد که شیعیان عراق، با کمک دولت این کشور، با برنامه ریزی جمهوری اسلامی قصد دارند مزار امام حسین علیه السلام را از کربلا به ایران انتقال دهند. بنابراین لازم است در مواجهه با چنین فضای رسانه ای ظالمانه ای اقدام شود و مظلومیت شیعیان در سراسر جهان اسلام به تصویر کشیده شود. اما در این میان جای یک رسانه خبری قوی که مظالم روزانه علیه چهارصد میلیون شیعه عالم را لحظه به لحظه گزارش دهد، بسیار خالی است.

ه) ارائه راه های جدید برای کاهش و رفع اختلافات درون شیعی

متأسفانه جهان شیعه از نوعی اختلاف درونی رنج می برد؛ برای مثال در افغانستان آن قدر نمایندگان شیعه به اختلافات داخلی و درونی خود پرداخته اند که رئیس مجلس که در دوره ای می بایست از آنها انتخاب می شد، به خاطر عدم توافق نمایندگان شیعه، از ازبک ها انتخاب شد! در عراق، در یک دوره، آن قدر احزاب سیاسی شیعه با یکدیگر اختلاف کردند که لائیک ها و متعصبان سنی در قالب ائتلاف علاوی در انتخابات حزب، اول شدند! شیعه پاکستان، به رغم قتل عام های دهشتناک دهه اخیر، هنوز به یک رهبری واحد نرسیده و شیعه لبنان هنوز سابقه اختلافات امل و حزب الله را در خاطر دارد. بر همین اساس یکی از اولین نیازها برای جلوگیری از کشتار جمعی شیعه، وحدت درون شیعی و کنار گذاشتن اختلاف بین شیعیان است.

۳. به کارگیری هر چه بیشتر ظرفیت های اهل تسنن دوستدار اهل بیت علیهم السلام

تا قرن نهم هجری، یعنی پیش از روی کار آمدن دولت صفویه، بیشتر منازعات به قتل و آزار سادات و شیعیان مختص می شود. با این حال ائمه و علمای شیعه، در تمام این دوران طولانی مدت، تلاش کردند همراه با عالمان منصف اهل تسنن از موضوعات تفرقه افکن بکاهند و میان شیعه و سنی دوستی برقرار کنند؛ بر همین اساس است که در دوره هایی نظیر قرون چهارم و پنجم، برخی از علمای شافعی و حنفی، تلاش می کنند تا با نوشتن کتاب هایی درباره امام حسین علیه السلام مظالم گذشته را جبران کنند؛ کتاب «مقتل الحسین» خوارزمی حنفی از این جمله است. همچنین در قرن ششم، در میان شیعیان، متفکرانی ظهور کردند که کوشیدند از تندروی های برخی شیعیان در برابر اهل تسنن بکاهند؛ با این هدف که اهل تسنن در کنار شیعه راحت زندگی کنند. عبدالجلیل قزوینی رازی، یکی از این متفکران بود که در حوالی ۵۶۰ ه. ق در ری که یکی از مراکز شیعه نشین جهان آن روزگار بود، زندگی می کرد و یکی از نخستین کسانی بود که در این دوره به شکل جدی و تئوریک بحث وحدت میان شیعه و سنی را مطرح کرد. او در کتاب ارزشمند خود، یعنی کتاب «النقض»، برخی از عقاید افراطی خلفا را درباره شیعه نقد می کند و برخی از دیدگاه های تشیع را به لحاظ سیاسی، معتدل می کند. وی به لحاظ سیاسی جریان شیعه را به حاکمیت وقت، یعنی سلجوقیان نزدیک می کند. (۱)

از قرن نهم به بعد و پس از روی کار آمدن دولت مقتدر صفویه، شاهد بروز جنگ های مذهبی متقابل میان دولت شیعی مذهب ایران با دولت سنی مذهب عثمانی هستیم. اما همین جنگ ها نیز قبل از اینکه علت مذهبی داشته باشد، علت سیاسی داشت

ص: ۷۹۱

۱- (۱) وحدت شیعه و سنی در تاریخ ایران چگونه رقم خورده است؟، رسول جعفریان، منبع: روزنامه بهار، چهارشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۸۸ ه. ش. نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.khonline.ir/det/47622/culture/religion>

و به این موضوع باز می‌گشت که عثمانی‌ها چشم طمع به خاک ایران داشتند و به همین دلیل برای سلطه پیدا کردن به این سرزمین، به اختلافات مذهبی شیعه و سنی دامن زدند تا بتوانند تجاوز خود را توجیه کنند. منتهی ایرانیان، به خصوص تبریزی‌ها، در مقابل عثمانی‌ها ایستادند. سلطان سلیم عثمانی، در سال ۹۲۰ ه. ق، به اسم مبارزه با حکومت شیعی صفوی به ایران حمله کرد و برای توجیه اقدام خودش که چطور نیروهایش را از ۱۵۰۰ کیلومتر به سوی ایران گسیل داشت، بهانه اختلاف شیعه و سنی را پررنگ کرد. او حتی برای رسیدن به هدف خود، ازبیک‌ها را نیز از سمت شرق ایران تحریک کرد و با صدور فتوای مقابله با شیعه، آنان را به جنگ‌های خونین با صفویان کشاند. ماجرا ادامه یافت تا زمانی که افغانه غلزایی، با بهانه قرار دادن فتوای چند مفتی در مکه علیه صفویه، شورش کردند و در سال ۱۱۳۴-۱۱۳۵ ه. ق وارد اصفهان شدند.

در زمان نادرشاه یک بار دیگر بحث وحدت میان شیعه و سنی مطرح شد، ولی عثمانی‌ها همراهی نکردند. در دوره قاجار جنگ‌ها و اختلافات میان شیعه و سنی به حداقل رسید و در ایران هیچ جنگ مذهبی روی نداد. در سطح بین‌المللی، عثمانی‌ها در داخل سرزمین‌هایشان و نیز مرزهای اروپایی آن قدر مشکل داشتند که به فکر جنگ تازه مذهبی نبودند. قاجاریه خودشان با اهل تسنن رابطه خوبی داشتند و هیچ نزاع مذهبی در مناطق سنی نشین ایران گزارش نشد. کردستان و مناطق شرقی ایران، در خلال حکومت قاجاریه، تقریباً امن بود و هیچ مشکلی میان دولت و اقلیت اهل تسنن این مناطق وجود نداشت.

در دوره معاصر شاهد ظهور کسانی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی هستیم که بحث وحدت میان مسلمین را به صورت تئوریک مطرح کردند. بحث وحدتی که در دوره قاجاریه مطرح می‌شود، با آن چیزی که در دوران عبدالجلیل و نادر به آن اشاره کردیم، تفاوت ماهوی دارد. اینها مربوط به دنیای جدید و مشکلات خاص آن است و بیشتر

هدف متحد کردن مسلمانان برابر کفار و بیگانگان است. (۱)

البته این نکته حائز اهمیت است که شیعه همواره درباره سنیان در اقلیت بوده و ضمن تحمل پیامدهای ناخواسته اقلیت بودن، گرفتار بغض حاکمان و مفتیان درباری بوده است. قدرتمداران، از تفکر عدالت خواهی شیعه و مفتیان درباری، از اندیشه ناب و دست نخورده علمی شیعه در هراس بوده و هستند. گناه شیعه در درجه اول اعتقاد به ولایت و امامت است و در درجه دوم دریافت بیان و تفسیر قرآن و احکام شرع مقدس، با بهترین و سالم ترین طریق، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت از وجود شریف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله. از عالمان و مفتیان تکفیری باید پرسید مجوسی و رافضی خواندن گروهی از مسلمانان که به قرآن و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اعتقاد دارند، چه توفیق و خیری برای جامعه اسلامی به همراه داشته که اکنون به هر بهانه ای، شیعه، کافر و قتلش واجب می شود؟ با کدامین استدلال قرآنی و به کدام سنت نبوی، عده ای کم اطلاع، که هنوز از درک مفاهیم بلند ولایت الله و توحید عاجزند و با تکرار روایات جعلی، زمینه ساز انتشار کتاب آیات شیطانی و کاریکاتورهای سخیف می شوند، به خود اجازه می دهند که در مقام فتوا نشستند و خون میلیون ها شیعه را هدر بدانند. این اقدام تروریستی علیه بشریت چنان صورت زیبای اسلام عزیز را مکدر کرده و دل دشمنان را شاد می کند که زخم جراحات آن تا قرن ها التیام نخواهد یافت. (۲)

۴. توجه به مواضع و راهکارهای ارائه شده از جانب مراجع تقلید

اشاره

بسیاری از مراجع و نخبگان فکری شیعه به تدریج به این واقعیت رسیده اند که علیه

ص: ۷۹۳

۱- (۱) وحدت شیعه و سنی در تاریخ ایران چگونه رقم خورده است؟، رسول جعفریان، منبع: روزنامه بهار، چهارشنبه ۱۲

اسفند ۱۳۸۸ ه. ش. نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.khonline.ir/det>

[/47622/culture/religion](http://www.khonline.ir/det/47622/culture/religion)

۲- (۲) «وحدت اسلامی، تقریب مذاهب و کشتار شیعیان!»، نشانی مقاله با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shi>

[news/807](http://www.shi.com/news/807)

شیعیان، یک نسل کشی دامنه دار در حال اجراست و باید برای جلوگیری از آن به صورت گسترده وارد صحنه شد. این موضوع در سخنان آنها کمابیش دیده می شود؛ خصوصاً در موضع گیری علیه قتل عام شیعیان پاکستان در سال ۱۳۹۲ ه. ش جنبه بارزتری گرفت که به برخی از این مواضع و راهکارهای ارائه شده اشاره می شود:

الف) «آیت الله العظمی مکارم شیرازی»: لزوم اعتراض قوی تر نسبت به کشتار شیعیان

آیت الله العظمی مکارم شیرازی اظهار داشتند:

این چه وضعیت است که یک عده آدم وحشی تکفیری در دنیا به وجود آورده اند و هر روز جنایت تازه ای خلق می کنند و افراد بی گناه را به خاک و خون می کشند. شیعیان دنیا همه باید نسبت به این جنایات اعتراض کنند. دولت جمهوری اسلامی ایران باید مراتب اعتراض خود را قوی تر بیان کند؛ آهسته از کنار این مسائل رد نشوند. بلکه باید فریاد بزنند.

ایشان در مسجد اعظم قم، کشتار شیعیان پاکستان در حادثه تروریستی کراچی را جنایتی بزرگ دانسته، گفتند:

چندی قبل در کوئته از سوی وهابیون تکفیری جنایتی بزرگ به وقوع پیوست و عده زیادی به خاک و خون کشیده شدند. اخیراً نیز در کراچی آن جنایت بزرگ را آفریدند که منجر به زخمی و کشته شدن صدها نفر شد. ما نمی توانیم در قبال این مسئله سکوت کرده و آن را محکوم نکنیم.... پیام ما به دولت پاکستان این است که اگر نمی توانید جان شهروندان را حفظ کنید، پست خود را به افراد نیرومندتری بدهید.

ب) «آیت الله العظمی جوادی آملی»: جلوگیری از کشتار شیعیان کمتر از انرژی هسته ای نیست

آیت الله العظمی جوادی آملی با اشاره به کشتار شیعیان پاکستان بر لزوم تلاش برای جلوگیری از این حوادث تأکید کردند. ایشان در درس تفسیر قرآن کریم، در مسجد اعظم قم، با اشاره به تصمیم مراجع بزرگوار برای تعطیلی دروس حوزه و برپایی مراسم

عزا برای شهدای شیعه در کشورهای همسایه گفتند:

این کار بسیار خوبی است و همه ما در عزای این شهیدان سوگواریم.... اما برای جلوگیری از این حوادث، سه کار باید انجام شود: اول اینکه فرهنگ شیعه بدون افراط و تفریط ترویج شود؛ کار دوم این است که بزرگواران مجمع تقریب مذاهب باید به گفت و گو با علمای تکفیری، علمای سلفی، علمای وهابی و علمای طالبان و القاعده پردازند و با آنها برای جلوگیری از تکرار حوادث مذاکره کنند.

ایشان سومین کار لازم را برعهده سیاستمداران کشور دانستند و گفتند:

اینکه هر روز عده ای از شیعیان در جایی کشته شوند، کمتر از انرژی هسته ای نیست. سیاسیون کشورمان برای این موضوع نیز جلسه بگذارند با طرف های مختلف درگیر در این حوادث نشست داشته باشند و بالأخره یک راه حل سیاسی پیدا کنند. روزی نیست که خبر از کشته شدن این افراد ندهند.

ج) «آیت الله العظمی سبحانی تبریزی»: کشتار شیعیان مظلوم یک برنامه تنظیم شده است

آیت الله العظمی سبحانی تبریزی با محکوم کردن جنایات اخیر وهابیون در کراچی پاکستان تکرار و تداوم این جنایات را نتیجه سکوت جامعه بشری و اسلامی و کوتاهی مسئولان دولت این کشور دانستند. ایشان در درس خارج اصول فقه، در مسجد اعظم قم با استناد به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: «تمام مسلمانان اعضای یک پیکر واحد هستند و در برابر رنج هر مسلمانی دیگر مسلمانان باید واکنش نشان دهند».

ایشان تکرار این جنایات را نشان دهنده یک برنامه تنظیم شده برای کشتار شیعیان مظلوم و ستم دیده پاکستان دانست و گفتند: «چندی پیش در کوئته به قتل عام شیعیان پرداختند و دو سه روز قبل هم در کراچی و غیر آن این قتل عام و خونریزی ها را انجام دادند».

این مرجع تقلید با طرح این سوال که چرا جامعه اسلامی باید وجدانش خواب

باشد، افزودند: «چرا مردم مصر و سایر بلاد اسلامی در برابر این جنایات سکوت کنند؛ چرا باید وجدان جامعه بشری خواب باشد؟ هم جامعه بشری وجدانش مرده است، هم جامعه اسلامی؛ واقعاً یک میلیارد و اندی مسلمان کجا هستند؟ این همه شعار حقوق بشر جامعه بشری کجاست؟».

ایشان با بیان اینکه سازمان ملل تنها به محکوم کردن و تقبیح کردن بسنده می کند، گفتند: «این تقبیح را یک پیرزن هم می تواند انجام دهد و نیاز به آن همه تشکیلات نیست».

ایشان دولت پاکستان را هم در وقوع این حوادث مقصر دانستند و تصریح کردند: «دولتی که نتواند خون ملتش را حفظ کند، نباید اسم خود را دولت حاکم بگذارد؛ سال هاست این اتفاقات می افتد و هر بار مسئولان پاکستان وعده می دهند که جلوی اتفاقات را می گیرند و تمام می شود».

ایشان با بیان اینکه من دولت پاکستان را بیش از همه مسئول می دانم، گفتند: «امیدوارم این حرف من به گوش آنها برسد که اینها در پیشگاه خداوند مسئول هستند». آیت الله العظمی سبحانی از دولت ایران هم خواستند این مسائل را تعقیب و از تکرار آن جلوگیری کند.

د) «آیت الله العظمی نوری همدانی»: کشتار شیعیان مظلوم نتیجه جریان سلفی وهابیت

آیت الله العظمی نوری همدانی هم با محکوم کردن جنایات وهابیون در کشتار شیعیان مظلوم پاکستان گفتند:

در حال حاضر، مصیبت بزرگ جهان اسلام جریان سلفی و وهابیت است.. تا قبل از پایه گذاری این فرقه منحرف، شیعه و سنی در کنار هم، هر کدام به اعتقاد مذهب خود عمل می کردند. اما این فرقه نوظهور، با جعل احادیث علیه شیعیان، به تبلیغات وسیع پرداخت و امروزه وهابیت تکفیری در هزاران سایت اینترنتی علیه شیعیان تبلیغ می کند. اینها در برخی کشورها مثل پاکستان نفوذ کرده اند و با ایجاد تشکیلاتی به اسم سپاه صحابه که از طرف

برخی دولت های منطقه تأمین و تجهیز می شوند و با این ایدئولوژی که کشتن شیعیان واجب و ثواب است، به کشتار شیعیان مظلوم می پردازند و همین جریان سلفی در افغانستان و عراق و سوریه و دیگر جاها خون شیعیان مظلوم را به زمین می ریزد.

ایشان با اشاره به جنایات اخیر سلفی ها در کراچی گفتند: «مصیبت کشتار شیعیان، بسیار سنگین است و به همین مناسبت همه مراجع و علما با تعطیلی دروس حوزه در روز شنبه، اعتراض خود را نسبت به جنایات و هابیت اعلام خواهند کرد».

ه) «آیت الله العظمی سیدمحمدسعید حکیم»: کشتار شیعیان مصداق نسل کشی دسته جمعی

آیت الله العظمی سید محمد سعید حکیم اعلام کرد:

امروز شهروندان و به خصوص شیعیان در عراق و دیگر دولت های اسلامی از سوی گروه های تکفیری مورد حمله های تروریستی واقع می شوند. حملاتی که بازارها، عبادتگاه ها و... را هدف قرار می دهد و باعث کشتار زن و مرد و کودک می شود؛ این همان نسل کشی دسته جمعی است».

وی سپس از مسئولان امر خواست مانع رخ دادن این گونه جنایات شوند؛ همان گونه که از سازمان های بین المللی خواستند وظایف خود را در قبال این نسل کشی دسته جمعی انجام دهند و مسئولیت آن را بپذیرند. (۱)

و) «آیت الله العظمی وحید خراسانی»: قتل عام ایتم آل محمد صلی الله علیه و آله باعث بی آبرویی سازمان ملل

آیت الله العظمی وحید خراسانی گفتند:

برای شیعیان پاکستان و بحرین که به صورت مظلومانه به قتل می رسند، باید تمام حوزه علمیه حال عزا به خود بگیرد. ایتم آل محمد صلی الله علیه و آله در پاکستان قتل عام می شوند. اینها که

ص: ۷۹۷

۱- (۱) هدف قرار دادن شیعیان همان نسل کشی جمعی است، آیت الله سید محمدسعید حکیم، نشانی در فضای مجازی:

کشته می شوند، زن و مرد، صغیر و کبیر، اینها جرمشان چیست؟ فقط در اثر انتساب به آن مقام، این روزگار را می بینند. اما ما چه کردیم؟ در مقابل، چه عکس العملی نشان دادیم؟ در بحرین بر این ایتم چه می گذرد؟.

آیت الله العظمی وحید خراسانی با اشاره به اصل تدوین منشور ملل متحد خاطر نشان کرد: «اعلامیه منشور سازمان ملل متحد، در سی ماده بعد از جنگ جهانی دوم تدوین شد که در ماده یک این منشور، به صراحت تأکید شده است که تمام زعما و دولت ها موظف و مکلف به اجرای آن هستند و نباید هیچ کس تخطی داشته باشد.

این مرجع تقلید با اشاره به ماده سوم منشور سازمان ملل افزود:

طبق این ماده باید همه انسان ها آزاد زندگی کنند و از امنیت جانی و مالی برخوردار باشند. آیا شیعیان پاکستان و بحرین در زبردست عمال شما آرامش دارند؟ آیا سازمان ملل متحد به تعهد خود متعهد بوده و عکس العملش در مقابل این جنایات چیست؟.

ایشان افزودند:

آنچه بهت آور است، این است که طبق مفاد دیگر منشور سازمان ملل، همه افراد بشر بدون در نظر گرفتن رنگ، نژاد، اعتقاد و دیگر ویژگی ها، اعم از دینی و سیاسی - بدون تمایز - همه از حقوق و آزادی های برابر برخوردار هستند. ولی با ارسال اسلحه و پول های آن چنانی برای کشتار، زنان و کودکان را می کشند. آیا با این جنایات، آبرویی برای سازمان ملل باقی می ماند؟

ایشان تصریح کردند: «در این سازمان ملل که برای اجرای حمایت از حقوق انسان ها تشکیل شده است، چند دولت حق و تو دارند؛ همان کسانی که اسلحه برای کشتار مردم و دادن پول به آدم کشان می دهند».

ایشان با اشاره به حقوق بشر از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام اظهار داشت:

چیزی که از سازمان ملل بهت آور است، این است که می گویند اولین حقوق بشر را

نوشتند. این در نهایت بی شرمی است که این چنین می گویند. این کجا و حقوق بشر علی علیه السلام کجا که تمام امپراطوری روم و شاهنشاهی ایران را در اختیار داشت، ولی می خواهد دیناری بدهد، فرقی میان سبط اکبر و غلام حبشی نمی گذارد. (۱)

۵. تأسیس و حمایت از تشکل های سیاسی - اجتماعی دفاع از شیعه

ایجاد تشکل های سیاسی - اجتماعی برای دفاع از شیعه ضروری است؛ برای مثال گروهی از شیعیان و جوانان انقلابی و تعدادی از احزاب و نیروهای ملی مصر جبهه ملی الطلیعه (پیشگام) را پایه گذاری کردند. هدف این تشکل که از گرایش های مختلفی تشکیل شده، محقق کردن اهداف انقلاب مصر و تلاش برای ایجاد تغییرات، و مبارزه با تفرقه و نفاق است که از طرفی حزب آزادی و عدالت و از طرف دیگر، گروه اخوان المسلمین با حمایت های آشکار از سلفی ها به آن دامن می زنند. تشکل الطلیعه مصر، قصد دارد به دور از منافع حزبی و فرقه ای، اهداف و اصول انقلاب را پیگیری کند. نخستین نشست این تشکل ۳۱ فروردین ۱۳۹۲ ه. ش در قاهره برگزار شد. اتحادیه گروه های صوفیه، تجمع آل البیت علیهم السلام، حزب النصر، حزب جوانان انقلاب، حزب دمکراتیک توحید عربی، حزب کارگران مصری، حزب ائتلاف مصری، جنبش شیعی موسوم به حشود، ائتلاف ساده آل البیت علیهم السلام و برخی از شخصیت های مصر، از جمله دکتر جمال زهران، خانم دکتر نورهان الشیخ، مهندس هشام الهواری، مهندس علاء عجور و تعدادی از جوانان حزب الدستور، جمعیت ملی تغییر، جریان مردمی و جبهه آزاد اصلاحات مسالمت آمیز، عضو جبهه الطلیعه هستند. سید محمد الجیلانی، از شخصیت های شیعه در مصر، هم به عنوان هماهنگ کننده و سخنگوی رسمی این جبهه انتخاب شد. (۲)

ص: ۷۹۹

-
- ۱- (۱) ر. ک: «اولتیماتوم پنج مرجع درباره کشتار شیعیان بحرین و پاکستان»، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://siem.com/vdcb> ب۸. rhb۰۸piuur. html
- ۲- (۲) تشکیل بزرگ ترین گروه مقابله با وهابیت در مصر، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.pews.com/set> ews/۲۲۸۲۵۵۳_tsh il_b r t in_g oeh_m h leh_b oh it_d _m r

۶. حمایت از تشکل‌های حقوقی دفاع از شیعه

تشکل‌های حقوقی برای دفاع از شیعه به تدریج در حال شکل‌گیری است و باید حمایت شده و گسترش یابد؛ برای مثال قاهره اخیراً شاهد امضای پروتکل میان مؤسسه یمنی امام علی علیه السلام و مؤسسه مصری آل‌البیت علیهم السلام برای حرکت مشترک در گذر مؤسسات دولتی مخصوص تعقیب مجرمان جنگی بوده است. فعال یمنی، شیخ فیصل محمد شایع، در قاهره با محمد درینی، رئیس مؤسسه آل‌البیت، ملاقات کرده و او را از برنامه‌هایی با هدف تعقیب ۲۲ مفتی سعودی مطلع کرده است که به جنگ با شیعیان فرا می‌خوانند. هر دو مؤسسه گفتند که رجال دین وهابی، به نشر اصول خشونت بر ضد مخالفینشان که با آنها هم عقیده نیستند، می‌پردازند. الوفا از قول شایع گفت: «راه به سوی تعقیب این علما در دستگاه‌های دولتی هموار شده است. با در نظر داشتن این مطلب که این برنامه به خاطر متوقف نمودن هر کس که به خودش اجازه می‌دهد افکار عمومی سنی را ضد شیعه برانگیزد، دارای منتهای اهمیت است». شایع اضافه کرد: «این امر برای قاهره به غرض حمایت کمک‌های رسیده برای تعقیب علمای سعودی است که افکار عمومی را در جهان عرب و اسلام بر ضد شیعه، به خاطر دست یافتن بر آنها، بر می‌انگیزند». او فاش کرد که او و تعدادی از بزرگان شیعیان در یمن، کار سندیت بخشیدن همه جرائمی که در خلال مدت گذشته بر ضد طایفه شیعه در یمن و سعودی در منطقه نجد و غیر آن انجام شده را به پایان رسانده‌اند.

درینی با نفی این موضوع که این ائتلاف حمله‌ای بر ضد اهل سنت باشد، تأکید بسیار داشت: دشمنی‌ای میان افکار عمومی شیعه و سنی وجود ندارد و مشکل غلاتی هستند که سعی می‌کنند بذره‌های فتنه را در هر دو گروه پخش کنند. چندی پیش گروهی

عراقی دادخواستی قضایی مقابل دادگاه آلمانی بر ضد عبدالله بن جبرین، مفتی سعودی که برای درمان در آلمان رفته بود، به جرم تشویق ترور و نابودسازی بشریت ارائه کردند.^(۱)

همچنین در عراق سازمانی حقوقی به نام «فراخوان ملی مردمی برای وارد کردن انفجارهای عراق در فهرست جنایت های نسل کشی گروهی» برای همین موضوع تأسیس شده است. حشد چندی پیش اعلان کرد: «تیمی از این سازمان اخیراً با «سوجی کالمندادا»، رئیس مؤسسه بین المللی حقوقی (stepoe - johson) ملاقات کرد و در این ملاقات به تلاش های این سازمان برای وارد کردن انفجارهای تروریستی و اقدامات خشونت آمیز عراق در فهرست جنایت های نسل کشی گروهی پرداخته شد». حشد همچنین خواهان درج اقدامات خشونت آمیز در عراق در فهرست سازمان ملل در زمینه جرایم «نسل کشی گروهی» و پرداخت غرامت به زیان دیدگان و بازخواست طرف هایی است که از تروریسم در عراق حمایت می کنند. کالمندادا از این تلاش ها حمایت و استقبال کرد و آمادگی خود را برای ارائه هرگونه کمکی در این زمینه ابراز داشت. براساس این بیانیه، کالمندادا با درخواست برای وارد کردن انفجارهای تروریستی عراق در فهرست جرایم نسل کشی گروهی و جرایم ضد بشری، تأکید کرد: «جرایم و کشتار صورت گرفته در عراق با تعدادی از توافقنامه های بین المللی منطبق است که این توافقنامه ها باید به جریان افتاده و اجرایی شود». کالمندادا تأکید کرد که دولت عراق باید از تلاش های یادشده حمایت و مبالغ لازم را برای این امر تأمین کند.^(۲)

ص: ۸۰۱

۱- (۱) ابن جبرین از ترس محاکمه از آلمان گریخت و در عربستان مرد.. صدای شیعه، روزنامه مصری الوفد.

<http://www.sedeshi.com/showdpx?dd=506>

۲- (۲) ر. ک: پایگاه «خشونت ها در عراق نسل کشی است»، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: <http://www.shinews.com/news/71143>

news/71143

یکی دیگر از سازمان های حقوقی فعال در این باره «سازمان بین المللی ائتلاف مبارزه با فرار از مجازات» است که گزارشات مستندی را درباره جنایات سعودی ها علیه شیعیان ارائه می کند. «می الخنساء» رئیس این سازمان بین المللی معتقد است: «عربستان سعودی دیکتاتورترین کشورهاست که نسل کشی سازمان یافته علیه گروه های معین را در کارنامه اش دارد و علی رغم پرونده سیاهی که در سازمان ملل دارد، همچنان سیاست های خشونت، ظلم، ستم و تبعیض را ادامه می دهد؛ زیرا آل سعود، اسرائیل را راضی نگه می دارند». این سازمان بین المللی اعلام کرد: «سعودی ها انواع جرایم غیر انسانی، از جمله خشونت، ظلم، ستم و تبعیض طایفه ای که همگی طبق قوانین بین المللی جرم هستند را مرتکب شده است که بارزترین آنها نسل کشی های سازمان یافته [خصوصا علیه مسلمانان شیعه] است. (۱)

ص: ۸۰۲

۱- (۱) «عربستان دیکتاتورترین کشور است / سکوت غرب به خاطر رضایت اسرائیل»، کد خبر: ۵۰۳۰۲، تاریخ انتشار: ۱۶ دی ۱۳۹۱ ه. ش - ۰۹:۵۴، نشانی گزارش با ارجاعات در فضای مجازی: [http://www. shi news. com/news/۵۰۳۰۲](http://www.shi news. com/news/۵۰۳۰۲)

۱. اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب، علی بن حسین مسعودی، قم، ۱۳۸۲ ه. ش.
۲. اجساد جاویدان، علی اکبر مهدی پور، قم، حاذق، ۱۳۷۴ ه. ش.
۳. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ابو عبدالله محمد بن احمد، مقدسی، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ ه. ش.
۴. اخبار الایوبیین، نسخه خطی، برگ ۲۶۱.
۵. اختیار معرفه الرجال، محمد بن عمر کشی، تلخیص محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ ه. ش.
۶. ادب التشیع فی شمال الافریقی، عبدالامیر العناد الغزالی، تصحیح رقیه رستم پور، تهران، فرهنگ منہاج، ۱۳۸۳ ه. ش.
۷. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان المفید، بیروت، ۱۴۱۴ ه. ق / ۱۹۹۳ م.
۸. ارومیه در گذر زمان، حسن انزلی، انتشارات دستان، ۱۳۸۴ ه. ش.
۹. الارهاب والعنف فی ضوء القرآن والسنة والتاریخ والفقہ المقارن، محسن الحیدری، بیروت، دارالولاء، ۲۰۱۰ م.
۱۰. أسد الغابه فی معرفه الصحابه، عزالدین بن الأثیر أبو الحسن علی بن محمد الجزری (ابن اثیر)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ه. ق / ۱۹۸۹ م.

۱۱. اسماعیلیون و مغول و خواجه نصیرالدین طوسی، حسن امین، مهدی زندیه، قم، ۱۳۸۲ ه. ش.
۱۲. اسماعیلیه تاریخ و عقاید (درسنامه)، مهدی فرمانیان، قم، چاپ اول، نشر ادیان، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۳. اطلس شیعه، رسول جعفریان، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷ ه. ش.
۱۴. اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، قم، ۱۴۱۷ ه. ق.
۱۵. اعلام الوری، امین الاسلام طبرسی، چاپ سوم، دارالکتاب الاسلامی.
۱۶. الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، خیرالدین الزرکلی، چاپ نهم، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹ م.
۱۷. اعیان الشیعه، السید محسن الأمین، تحقیق حسن الأمین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
۱۸. اگرهای تاریخ ایران، مهرداد جوانبخت، چاپ اول، نشر آموزه، ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۹. الأمالی، محمد بن محمد بن نعمان المفید، تحقیق، حسین الأستاذ ولی و علی أكبر الغفاری، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ه. ق / ۱۹۹۳ م.
۲۰. امام شناسی، سید محمد حسین حسینی طهرانی.
۲۱. امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانیت، جرج جرداق، ترجمه دکتر احمد بهشتی، چاپ اول، انتشارات فراهانی، ۱۳۵۱ ه. ش.
۲۲. امامان شیعه و جنبش های مکتبی، محمد تقی مدرس، ترجمه محمدرضا آژین، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۲ ه. ش.
۲۳. الامامه والسیاسه، ابن قتیبه دینوری، ترجمه ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰ ه. ش.
۲۴. الامامه والسیاسه، محمد عبدالله بن مسلم ابن قتیبه دینوری، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

۲۵. انساب الأشراف، احمد بن يحيى بلاذري، دمشق، داراليقظه العربيه، ۱۹۹۷ م.
۲۶. انقراض صفويه، لكهارت، ترجمه مصطفى قلى عماد، تهران، ۱۳۴۳ ه. ش.
۲۷. ايران در قرون وسطى، مورگان ديديد، ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، ۱۳۷۳ ه. ش.
۲۸. ايران عصر صفوى، راجر سيورى، ترجمه كامبيز عزيزى، تهران، نشر مركز، ۱۳۷۴ ه. ش.
۲۹. ايران مناسبتلى، سلح داركمانى مصطفى آغانين روان فتحنامه سى، منير آك تپه، عثمانلى.
۳۰. الاثمه الاثنا عشر، ابن طولون، چاپ صلاح الدين منجد، بيروت، ۱۳۷۷ ه. ق / ۱۹۵۸ م.
۳۱. آثار اسلامى مكه و مدينه، رسول جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۹۱ ه. ش.
۳۲. آشنایى با زیدیه، سيد على موسوى نژاد، هفت آسمان پاییز ۱۳۸۰، شماره ۱۱.
۳۳. آفرینش و تاریخ، مطهر بن طاهر مقدسى، ترجمه محمد رضا شفیعى كدكنى، چاپ اول، تهران، آگه، ۱۳۷۴ ه. ش.
۳۴. آن روى پنهان عرب باغى كه از لابه لای كتاب هایش باید شناخت، محمد رضا، آبرون، قم، ۱۳۹۰ ه. ش.
۳۵. بایكوت خبرى قتل عام در مزار شريف، همشهرى، ۷ تير ۱۳۸۱ ه. ش.
۳۶. بحار الأنوار، محمد باقر المجلسى، تحقيق محمد مهدى الموسوى الخرسان و محمدالباقى البهودى، چاپ دوم، بيروت، مؤسسه الوفاء و دار احیاء التراث العربى، ۱۴۰۳ ه. ق / ۱۹۸۳ م.
۳۷. البدايه والنهائيه، اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقى، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۷ ه. ق / ۱۹۸۶ م.
۳۸. براهه الاسماعيليه من تهمة الضلالیه، سيد الكاظمى، د. جاد الحق، سوريه، دمشق، دار نينوى، ۱۴۳۰ ه. ق / ۲۰۱۰ م.
۳۹. برآمدن و فرمانروایى تیمور، بئاتریس فوربرمنز، ترجمه منصور صفت گل، چاپ اول، تهران، انتشارات خدمات فرهنگى رسا.

۴۰. بررسی جرم نسل کشی در اسناد بین المللی (کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی ۱۹۴۸ م - ۱۳۲۷ ه. ش) [پایان نامه]، مجید پناهی، استاد راهنما محمد علی مهدوی ثابت؛ (کارشناسی ارشد): حقوق جزا و جرم شناسی، تهران، ۱۳۸۲ ه. ش.
۴۱. بررسی جنایت نسل کشی، ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱ و ۲۲.
۴۲. بررسی ریشه های تاریخی تشیع در افغانستان، قربانعلی محقق ارزگانی، قم، آشیانه مهر، ۱۳۹۰ ه. ش.
۴۳. بررسی زندگانی و شهادت علی بن حمزه علیه السلام، محمد مهدی فقیه محمدی جلالی (بحر العلوم)، علی بن حمزه، قم، انتشارات وثوق، بهمن ۱۳۸۸ ه. ش.
۴۴. بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض معروف به نقض عبدالجلیل رازی، به کوشش محمد حسین درایتی، تصحیح جلال الدین محدث ارموی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۹۱ ه. ش.
۴۵. البلاد العربیه والدوله العثمانیه، ساطع الحصری، بیروت، ۱۹۶۰ م.
۴۶. البلدان، احمد بن اسحاق یعقوبی، مترجم محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر، ۱۳۵۶.
۴۷. پان ترکیسم، ایران و آذربایجان، محمدرضا محسنی، انتشارات سمرقند، ۱۳۸۹ ه. ش.
۴۸. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، سخنان معظم له در خصوص حمله تکفیری ها به مرقد حجر بن عدی.
۴۹. پژوهشی در تاریخ هزاره ها، علی یزدان، تاریخ غوریان، اصغر فروغی، سمت، ۱۳۸۱ ه. ش.
۵۰. تاریخ ابن خلکان، احمد شمس الدین بن محمد بن ابراهیم بن ابی بکر بن خلکان، مصحح محمد باقر بن عبدالحسین خان صدر الاعظم الاصبهانی.
۵۱. تاریخ ابی الفداء، الملک المؤید اسماعیل ابی الفداء، نسخه الکترونیکی المكتبه الشامله.

۵۲. تاریخ ابی یعلی، ابن ابی یعلی القلانسی، نسخه الکترونیکی، موقع الوراق.
۵۳. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، تهران، نگاه، (دوره دوازده جلدی).
۵۴. تاریخ اسلام، کمبریج، بی. ام. ان. هولت، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ ه. ش.
۵۵. تاریخ الامم والملوک (تاریخ الطبری)، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، چاپ چهارم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق / ۱۹۸۳ م.
۵۶. تاریخ الکوفه، السید البراقی، استدراکات السید محمد صادق آل بحر العلوم، چاپ اول، نجف، انتشارات المکتبه الحیدریه، ۱۴۲۴ ه. ق / ۱۳۸۲ ه. ش.
۵۷. تاریخ المملکه العربیه السعودیه، عبدالله صالح عثیمین، مطابع واعلانات الشریف، ۱۴۱۴ ه. ق / ۱۳۷۱ ه. ش.
۵۸. تاریخ الموصل، یزید بن محمد ازدی، چاپ علی حبیبه، قاهره، ۱۳۸۷ ه. ق / ۱۹۶۷ م.
۵۹. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب یعقوبی، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
۶۰. تاریخ امپراتوری عثمانی، هامر پورگشتال، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، نشر زرین، ۱۳۶۷ ه. ش.
۶۱. تاریخ أمراء المدینه المنوره، عبدالغنی عارف احمد، دمشق، دار کنان للطباعه و النشر و التوزیع محل نشر.
۶۲. تاریخ ایران، جی آل بویل، به کوشش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ه. ش.
۶۳. تاریخ ایران، عباس اقبال آشتیانی و باقر عاقلی، چاپ چهارم، نشر نامک، چاپ سعدی، ۱۳۸۳ ه. ش.
۶۴. تاریخ بخارا، ابوبکر محمد بن جعفر، نرشخی، ترجمه ابو نصر احمد بن محمد بن نصر القبای، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تحقیق، محمدتقی مدرس رضوی،

چاپ دوم، تهران، طوس، ۱۳۶۳ ه. ش.

۶۵. تاریخ پچوی، ابراهیم پچوی، مطبعه عامره، استانبول، ۱۲۸۲ ه. ق.

۶۶. تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، رسول جعفریان، قم، انصاریان، ۱۳۷۵ ه. ش.

۶۷. تاریخ تشیع در شام، هاشم عثمان، ترجمه حسن حسین زاده شانه چی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی ۱۳۸۲ ه. ش.

۶۸. تاریخ خلیفه، أبو عمرو خلیفه بن خیاط، تحقیق فواز، چ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه. ق / ۱۹۹۵ م.

۶۹. تاریخ دولت های اسلامی و خاندان های حکومت گر، لین پل، استانی، و بارتولد، خلیل ادهم و احمد سعید سلیمان، ترجمه صادق سجادی، چاپ اول، تهران، نقش جهان، تابستان ۱۳۶۳ ه. ش.

۷۰. تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز تا ظهور عثمانی ها، عبدالله ناصری طاهری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵ ه. ش.

۷۱. تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بردقه جاویدان، ۱۳۸۵ ه. ش.

۷۲. تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جاویدان، ۱۳۶۶ ه. ش.

۷۳. تاریخ سیستان، قرن پنجم، مصادر تاریخ، مؤلف مجهول، تصحیح ملک الشعراء بهار، به همت محمد رضانی صاحب مؤسسه خاور، ۱۳۱۴ ه. ش.

۷۴. تاریخ شیعه فی لبنان. سعدون حماده، بیروت، دارالخیال، ۲۰۰۸ م.

۷۵. تاریخ عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ ترکمان، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰ ه. ش.

۷۶. تاریخ قم، حسن بن محمد حسن قمی، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک

قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱ ه. ش.

۷۷. تاریخ گیلان و دیلمستان، سید ظهیرالدین مرعشی، تحقیق منوچهر ستوده، تهران، فرهنگ ایران، ۱۳۷۴ ه. ش.

۷۸. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ ه. ق.

۷۹. تاریخ مذهب تشیع، عبدالرفیع حقیقت، تهران، کومش، ۱۳۹۰ ه. ش.

۸۰. تاریخ مسقط و عمان، محمد علی بن احمد سدید السلطنه، بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، تهران، چاپ احمد اقتداری، ۱۳۷۰ ه. ش.

۸۱. تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی تبریزی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ه. ش.

۸۲. تاریخ موالید الائمه و وفیاتهم، عبدالله بن نصر بن خشاب، مجموعه نفیسه، قم، ۱۴۰۶ ه. ق.

۸۳. تاریخ نجد، محمود شکری آلوسی، بیروت، دارالوراق، ۲۰۰۷ م / ۱۳۸۶ ه. ش.

۸۴. تاریخ و جغرافیای گناباد، سلطان حسین تابنده، تهران، سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۴۸ ه. ش.

۸۵. تاریخ وهابیان، ایوب صبری، مترجم علی اکبر مهدی پور، قم، ۱۳۸۸ ه. ش.

۸۶. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چ ۶، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ ه. ش.

۸۷. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، محمد بن احمد ذهبی، چاپ بشارعواد معروف، بیروت ۱۴۲۴ ه. ق / ۲۰۰۳ م.

۸۸. تاریخ الائمه، ابن ابی الثلج، در مجموعه نفیسه فی تاریخ الائمه، چاپ محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ه. ق.

۸۹. تاریخچه ارومیه، رحمت اله توفیق، یادداشت هایی از سال های جنگ اول جهانی و آشوب های بعد از آن، انتشارات شیرازه کتاب، ۱۳۸۹ ه. ش.

۹۰. تاریخ نامه طبری، بلعمی، تحقیق، محمد روشن، چاپ دوم، تهران، سروش، ۱۳۷۸ ه. ش.
۹۱. تجارب الأمم، ابوعلی مسکویه الرازی، مترجم ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۶۹ ش. جلد ۵ و ۶؛ مترجم علی نقی منزوی، تهران، توس، ۱۳۷۶ ه. ش.
۹۲. تجربه الاحرار و تسلیه الابرار، عبدالرزاق بن نجفقلی، مفتون دنبلی، تصحیح و تحشیه: حسن قاضی طباطبایی، تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ ه. ش.
۹۳. تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه، چاپ غفاری، قم، ۱۳۶۳ ه. ش.
۹۴. التحفه الزبیدیہ فی مقاتل علماء الامامیہ، ماجد ناصر الزبیدی، قم، دارالمحبین، ۱۴۲۷ ه. ق / ۲۰۰۶ م.
۹۵. تحفه العالم در اوصاف و اخبار شاه سلطان حسین، ابوطالب بن میرزاییک موسوی فندرسکی، به کوشش رسول جعفریان، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ ه. ش.
۹۶. التحفه اللطیفه فی اخبار المدینة الشریفه، سخاوی، احساء، اسعد.
۹۷. تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، ۱۴۰۱ ه. ق / ۱۹۸۱ م.
۹۸. تذکره الفقهاء، حسن بن یوسف علامه حلّی، قم، مؤسسه آل البیت علیه السلام لاحیاء التراث، ۱۳۷۳ ه. ش.
۹۹. تذکره الخواص من الأئمة فی ذکر خصائص الأئمة، یوسف بن قزاوغلی ابن جوزی، قم، منشورات الشریف الرضی.
۱۰۰. تزوکات تیموری، ابوطالب حسینی تربتی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۴۲ ه. ش.
۱۰۱. تشیع در اندلس، محمود علی مکی عزالدین عمر موسی، ترجمه رسول جعفریان، قم، انصاریان، ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۰۲. تشیع در طرابلس و شام با تکیه بر دولت بنی عمار، علی ابراهیم طرابلسی،

ترجمه، زهره ناعمی، صفحه مؤسسه اطلاعات، ۱۳۹۰ ه. ش.

۱۰۳. تشييد المطاعن لكشف الضغائن (فارسی)، سيد محمد قلي كتورى لكهنوى، مقدمه، ۱۲۶۰، مصادر سيره پیامبر و ائمه عليهم السلام، برات على سخی داد، مير احمد غزنوى، تحقيق: غلام نبى باميانى.

۱۰۴. تفسير عياشى، محمد بن مسعود عياشى، هاشم رسولى محلاتى، قم، چاپ افست تهران، ۱۳۸۰-۱۳۸۱ ه. ش.

۱۰۵. تفكر نسل كشى يا نسل كشى تفكر، امير توآكو، ترجمه: گلناريان، مجله بخارا، شماره ۷۴.

۱۰۶. تلخيص تعليقات النقص، مير جلال الدين محدث ارموى، قم، دار الحديث، ۱۳۹۱ ه. ش.

۱۰۷. تنقيح المقال فى علم الرجال، عبدالله مامقانى، تحقيق محيى الدين المامقانى، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ۱۴۲۳ ه. ق / ۱۳۸۱ ه. ش.

۱۰۸. توفان بر فراز قفقاز، كاوه بيات، انتشارات وزارت امور خارجه جمهورى اسلامى ايران.

۱۰۹. تهذيب الاحكام، محمد بن حسن طوسى، تهران، مصحح حسن موسوى خراسان، ۱۳۹۰ ه. ش.

۱۱۰. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شيخ صدوق ابن بابويه قمى.

۱۱۱. جزيره العرب فى القرن العشرين، حافظ وهبه، الطبعة الثالثة، دار الافاق العربيه، ۱۹۵۶ م.

۱۱۲. جستارهايى در نقد و بررسى جريان سلفى گرى و وهابيت، گروه نويسندگان، قم، تا ظهور، ۱۳۹۰ ه. ش.

۱۱۳. جغرافياى تاريخى گيلان، مازندران، آذربايجان از نظر جهانگردان، ابوالقاسم طاهرى، تهران، ۱۳۴۷ ه. ش.

۱۱۴. جنبش های شیعی در تاریخ اسلام، هاشم معروف الحسنی، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۱ ه. ش.
۱۱۵. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محمدحسن نجفی.
۱۱۶. چه کسانی پیامبر را مسموم کردند، نجاح الطائی، قم، دارالهدی لاحیاء التراث، ۱۳۹۲ ه. ش.
۱۱۷. چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، روح الله حسینیان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰ ه. ش.
۱۱۸. الحاکم بأمر الله، عارف تامر، بیروت، دارالآفاق الجدیده، ۱۴۰۲ ه. ق.
۱۱۹. الحکایات، محمد بن محمد بن نعمان المفید، تحقیق، السید محمد رضا الحسینی الجلالی، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ه. ق / ۱۹۹۳ م.
۱۲۰. حمله تیمور به مازندران و عوامل سقوط مرعشیان، میرجعفری، حسین، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش. ۳۶ و ۳۷، بهار و تابستان ۱۳۸۳ ه. ش.
۱۲۱. حیاة الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام، باقر شریف قرشی، بیروت، دار المرتضی، ۱۴۱۲ ه. ق / ۱۳۷۰ ه. ش.
۱۲۲. الحیاة السیاسیه للامام الجواد علیه السلام: نبذه سیره، جعفر مرتضی عاملی، بیروت، ۱۴۰۵ ه. ق / ۱۹۸۵ م.
۱۲۳. الحیاة العلمیه فی الحجاز خلال العصر المملوکی، خالد جابری، ریاض ۱۴۲۶ ه. ق / ۲۰۰۵ م.
۱۲۴. خلاصه التواریخ، قاضی احمد قمی، تصحیح احسان اشراقی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۳ ه. ش.

۱۲۵. خون خواهان حسین علیه السلام، جرجی زیدان، ترجمه احسان، تهران، پدیده، ۱۳۴۴ ه. ش.
۱۲۶. دائره المعارف الاسلاميه الشيعيه، سيد حسن أمين، ماده فخ، بيروت، دارالتعارف، ۱۴۲۲ ه. ق / ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۲۷. دائره المعارف قرآن كريم (نسخه دیجيتال)، علي اسدي، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي.
۱۲۸. دايره المعارف بزرگ اسلامي، مركز دايره المعارف بزرگ اسلامي، تهران، ۱۳۸۳ ه. ش.
۱۲۹. دراسات في ولايه الفقيه و فقه الدوله الاسلاميه، حسينعلی منتظری، قم ۱۴۰۹-۱۴۱۱ ه. ق.
۱۳۰. الدرر السنیه فی رد علی الوهابیه، السيد احمد بن زینی دحلان، به کوشش حسین حلمی بن سعید استانبولی.
۱۳۱. درسنامه نقد وهابیت، نجم الدین طوسی.
۱۳۲. دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری آملی، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ ه. ق.
۱۳۳. دون ژوان ایرانی، اوروج بیگ بیات، ترجمه مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۸ ه. ش.
۱۳۴. دیوان، ابن المعتز، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۱ م.
۱۳۵. راه وحدت امت اسلامي، سيد شرف الدين موسوی جبل عاملی، ترجمه و تألیف احمد صادقی اردستانی، قم، نشر مرکز تحقیقات حج، بی تا.
۱۳۶. رساله فی تواریخ النبی و الآل علیهم السلام، محمد تقی تستری، قم، ۱۴۲۳ ه. ق.
۱۳۷. روابط موالی و تشیع، سید محسن سجادی، قم، آشیانه مهر، ۱۳۹۰ ه. ش.
۱۳۸. روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، عبدالحسین زرین کوب، تهران، ۱۳۷۹ ه. ش.

۱۳۹. روزنامه کیهان، شماره ۱۱۹۴۶ تاریخ ۱۳۶۲/۵/۳۱ ه. ش.

۱۴۰. روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، محمد باقر بن زین العابدین خوانساری، قم، اسماعیلیان.

۱۴۱. روضه الصفا، میرخواند، ج ۵.

۱۴۲. روضه الصفاى ناصرى، رضا قلی خان هدایت، سفارتنامه خوارزم، چاپ طهران.

۱۴۳. روضه الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، ج ۱، چاپ محمد مهدی خراسان، قم، منشورات الرضی.

۱۴۴. زمین در فقه اسلامی، حسین مدرسی طباطبایی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ ه. ش.

۱۴۵. زندگانی امام علی الهادی علیه السلام، باقر شریف قرشی، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱ ه. ش.

۱۴۶. زندگانی پیشوای دهم امام هادی علیه السلام، عقیقی بخشایشی، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۵۷ ه. ش.

۱۴۷. زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، عادل ادیب، ترجمه اسدالله مبشری، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۶ ه. ش.

۱۴۸. زندگانی شاه عباس، نصرالله فلسفی، چاپ کیهان، تهران، ۱۳۳۴ ه. ش.

۱۴۹. زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، سید حسن موسوی، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱ ه. ش.

۱۵۰. سایه روشن هایی از وضع جامعه هزاره، نائل حسین، قم، اسماعیلیان ۱۳۷۲ ه. ش.

۱۵۱. سه رساله درباره قفقاز، (حکومت پناه خان و ابراهیم خان در ولایت قره باغ، رضا قلی بیگ؛ وقفنامه گوهر آغا دختر ابراهیم خلیل خان؛ تاریخ خانان شکی، کریم آقا فاتح)، حسین احمدی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴ ه. ش.

۱۵۲. سیاست نامه، نظام الملک طوسی، تصحیح عباس اقبال، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۹ ه. ش.

۱۵۳. سیر أعلام النبلاء، الذهبی، تخریج، شعیب الأرنؤوط، تحقیق، إبراهيم الزبيق، چاپ نهم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ هـ. ق/ ۱۹۹۳ م.

۱۵۴. السيره الحلبیه، علی بن برهان الدین الحلبي، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ هـ. ق.

۱۵۵. سيره پیشوایان، مهدی پیشوایی، چاپ سیزدهم، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۸۱ هـ. ش.

۱۵۶. سيف الجبار المسلول على الاعداء، رسول شاه فضل قادری، استانبول، ۱۳۹۵ هـ. ق به بعد.

۱۵۷. شاهدی بر نسل کشی، آذربایجان روی گوتمان، مترجم: محمود حدادی، تهران، کیهان.

۱۵۸. شب های پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۱ هـ. ش.

۱۵۹. شرح الأخبار، القاضي النعمان المغربي، تحقیق، السيد محمد الحسيني الجلالی، قم، مطبعه مؤسسه النشر الإسلامی، التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۱۴ هـ. ق.

۱۶۰. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبه الله بن ابی الحديد، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، المكتبه العصریه، ۱۴۲۸ هـ. ق.

۱۶۱. شهدا اهل البيت عليهم السلام، حسین الشاکری، قم، مؤسسه الاسلامیه للتبلیغ و الارشاد، ۱۴۲۲ ق/ ۲۰۰۱ م.

۱۶۲. شهداء العلم والفضيله في العراق، لجنة التأليف والتحقيق (قسم التحقيق)، قم، معاونه الثقافیه للمجمع العالمی لآهل البيت عليهم السلام، ۱۴۲۶ هـ. ق.

۱۶۳. شهیدان راه فضیلت، شرح حال مختصر علمای شهیدمان از قرن چهارم هجری تاکنون مشتمل بر یکصد و سی شهید دانشمند بلند آوازه، عبدالحسین امینی، ترجمه فرهاد جلالی، تهران، روزبه، ۱۳۵۵ هـ. ش.

۱۶۴. شهیدان شاعر، نصراله مردانی، تهران، بنیاد شهید، معاونت فرهنگی، ۱۳۷۲ هـ. ش.

۱۶۵. شیعه در اسلام، سید محمد حسین طباطبایی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶ هـ. ش.

۱۶۶. شیعه در تاریخ، محمد حسین زین عاملی، ترجمه محمدرضا عطائی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵ ه. ش.
۱۶۷. شیعه در عهد ممالیک (سخنرانی علمی)، حسین مدرسی طباطبائی، نسخه الکترونیکی، پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
۱۶۸. شیعه در قرن چهارم هجری، محمد رضا زارع خورمیزی، قم، مجمع جهانی شیعه شناسی، ۱۳۹۱ ه. ش.
۱۶۹. شیعه در هند، سید عباس اطهر رضوی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۷۰. الشیعه فی مسارهم التاریخی، السید محسن الامین العاملی، چاپ اول، بیروت، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۲۰۰۰ م.
۱۷۱. الشیعه فی مصر، جاسم عثمان مرغی، بیروت، مؤسسه بلاغ، ۲۰۰۳ م.
۱۷۲. الشیعه و الحاکمون، محمد جواد مغنیه، وثق اصوله وقعه وعلق عله سامی العزیری، قم، دار الکتاب الاسلامی، ۱۳۸۸.
۱۷۳. شیعه و حکومت در عراق، حسن العلوی، ترجمه محمد بنی ابراهیمی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴ ه. ش.
۱۷۴. الشیعه و ظلم السلاطین (من فتنه السقیفه الی هدم القبتین)، محمد محمود المنداوی، بیروت، دارالحججه البیضاء، للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۲۹ ه. ق / ۲۰۰۸ م.
۱۷۵. شیعیان بحرین اکثریت مظلوم، انصاری بویراحمدی، قم، آشیانه مهر، ۱۳۹۰ ه. ش.
۱۷۶. شیعیان عراق، نادری دوست، علی، قم، آشیانه مهر، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۷۷. صبح الأعشی فی صناعه الإنشاء، احمد بن علی قلقشندی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۷۸. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل النجاری، دار طوق النجاه، چاپ اول، ۱۴۲۲ ه. ق.
۱۷۹. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، دار احیاء التراث، بیروت.

۱۸۰. صفحات من ماضی الشیعه وحاضرهم فی لبنان، یوسف محمد عمرو، بیروت، دار المحججه البیضاء، ۱۴۲۷ هـ. ق/ ۲۰۰۶ م.
۱۸۱. الصلحیون والحركه الفاطمیه فی الیمن من سنه ۲۶۸ الی سنه ۶۲۶ ق، حسین بن فیض الله همدانی یعبری، چاپ سوم، منشورات المدینه، صنعاء، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۱۸۲. ظفرنامه ماجرای خونین ترین قتل عام شهرهای ایران، نظام الدین شامی، مصحح، پناهی سمنانی، بامداد، ۱۳۶۳ هـ. ش.
۱۸۳. العبر (دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن الأ-کبر)، عبدالرحمان بن محمد ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ هـ. ش.
۱۸۴. علوی گری در آناتولی قرن شانزدهم، صائم ساواش، انتشارات وادی، ۲۰۰۲ م.
۱۸۵. عملیات های تروریستی در عراق؛ توطئه ای خارجی یا ضعف داخلی؟ هادی محمدی فر، خبرگزاری فارس، حوزه سیاست و امنیت.
۱۸۶. العواصم من القواصم و کتاب المتوسط فی معرفه صحه الاعتقاد و الرد علی من خالف اهل السنه من ذوی البدعه و الالحاد، ابوبکر بن عربی، دارالجلیل.
۱۸۷. الخ بیک و زمان او، بارتولد، ترجمه حسین احمدی پور، تبریز، انتشارات چهر، ۱۳۳۶ هـ. ش.
۱۸۸. الغارات، ابراهیم بن محمد الثقفی، تحقیق السید جلال الدین الحسینی الأرموی المحدث، طبع علی طریقہ أوفست فی مطابع بهمن، بی تا.
۱۸۹. الغارات، ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، ترجمه عزیزالله عطاردی، انتشارات عطارد، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۱۹۰. فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری، بیروت، مؤسسه المعارف، ۱۴۰۷ هـ. ق/ ۱۳۶۶ هـ. ش.
۱۹۱. الفتوح، محمد بن علی بن اعثم، ترجمه مستوفی هروی، تهران، سازمان

انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ ه. ش.

۱۹۲. الفجر الصادق فی الرد علی الفرقة الوهابیه المارقه، جمیل صدقی الزهاوی، دار الصدیق الاکبر.

۱۹۳. فرق الشیعه، حسن بن موسی نوبختی، چاپ محمدصادق آل بحرالعلوم، نجف ۱۳۵۵ ه. ق / ۱۹۳۶ م.

۱۹۴. فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، قم، نشر معروف، ۱۳۸۶ ه. ش.

۱۹۵. فرهنگ قتل عام (مقاله)، مولانا، حمید، کیهان، ۲۸ بهمن ۱۳۷۲ ه. ش.

۱۹۶. الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه علیهم السلام، ابن صباغ، بیروت، ۱۴۰۸ ه. ق / ۱۹۸۸ م.

۱۹۷. قتل العلماء فی العراق یجسم الظاهره الفرعونیة، سید محمدباقر حکیم، قم، مکتب السید الحکیم، ۱۴۰۴ ه. ق / ۱۹۸۴ م.

۱۹۸. قتل عام ارمنیان، اسماعیل رایین، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷ ه. ش.

۱۹۹. قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس، صمد سرداری نیا، اختر، آمریکا، ۱۳۸۳ ه. ش.

۲۰۰. قراءه جدیده لحروب الرده، علی کورانی العاملی، چاپ اول، ۱۴۳۲ ه. ق / ۲۰۱۱ م.

۲۰۱. قیام توابین (سلیمان بن سرد الخزاعی)، ابراهیم بیضون، ترجمه کریم زمانی، تهران، حکمت، ۱۳۵۷ ه. ش.

۲۰۲. قیام های شیعه در تاریخ اسلام، صادق آیینه وند، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ ه. ش.

۲۰۳. قیام های مردمی در قرن هفتم و هشتم، بخش شهیدان قیام مردم اصفهان، یعقوب آژند، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵ ه. ش.

۲۰۴. الکافی فی الفقه، ابوالصلاح الحلبی، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مکتبه الامیرالمؤمنین علیه السلام، بی تا.

۲۰۵. کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، عزالدین علی، ابن اثیر، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه

مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ ه. ش.

۲۰۶. کتاب المقالات و الفرق، سعد بن عبدالله اشعری، چاپ محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۴۱ ه. ش.
۲۰۷. کتابخانه ابن طاووس، اتان کلببرگ، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ ه. ش.
۲۰۸. کتابشناسی تکفیر (مقاله)، مجله (نشریه) سراج منیر شماره تابستان ۱۳۹۱، سال دوم، شماره ۶.
۲۰۹. کشتارجمعی، (ژنوسید)، مهین دخت محاسب، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶ ه. ش.
۲۱۰. کشف الغمه فی معرفه الأئمه، بهاءالدین علی بن عیسی اربلی، هاشم رسولی محلاتی، بیروت، ۱۴۰۱ ه. ق / ۱۹۸۱ م.
۲۱۱. کشف الغمه فی معرفه الأئمه (چاپ قدیمی)، علی بن عیسی اربلی، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ه. ق.
۲۱۲. کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ابن ابی الفتح الاربلی، بیروت، دارالأضواء، بی تا.
۲۱۳. کیف رد الشیعه غزو المغول، علی الکورانی العاملی، الحلّه، مرکز العلامه الحلّی الثقافی، ۱۴۲۶ ه. ق / ۲۰۰۶ م.
۲۱۴. گروه دین و اندیشه تبیان، ابوذر رضا سلطانی، مقاله واقعه حره، پایگاه اطلاع رسانی تبیان.
۲۱۵. گزارشی درباره سقوط صفویه، نادرشاه، روابط با عثمانی و انعکاس اخبار ایران در مکه، رسول جعفریان، متن مقاله در پایگاه اطلاع رسانی کتابخانه اسلام و ایران.
۲۱۶. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه. ق / ۱۳۶۷ ه. ش.
۲۱۷. لمع الشهاب، احمد ابو حاقه، بیروت، دارالثقافه.
۲۱۸. لوموند (روزنامه)، ۶ مارس ۲۰۱۳ م.

۲۱۹. اللهوف في قتلى الطفوف، سيد ابن طاووس، قم، انوار الهدى، ۱۴۱۷ هـ. ق.

۲۲۰. ما چگونه ما شدیم؟ صادق زیباکلام، چاپ دوازدهم، انتشارات روزنه، ۱۳۸۲ هـ. ش.

۲۲۱. مآثر الإنافه فی معالم الخلافه، احمد بن علی القلقشندی، تحقیق: عبدالستار احمد فراج، الكويت، سلسله تصدیرها وزاره الارشاد والانباء، ۱۹۶۴ م.

۲۲۲. المتوارین الذین اختفوا خوفا من الحجاج بن یوسف الثقفی، أبو محمد عبدالغنی ابن سعید الأزدی، تحقیق: مشهور حسن محمود سلمان، بیروت، دارالنشر، دارالقلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۰ هـ. ق.

۲۲۳. المجازر والتعصبات الطائفیه فی عهد الشیخ المفید، الشیخ الفارس الحسون، نسخه الکترونیک، کتابخانه دیجیتال اهل البیت.

۲۲۴. مجالس المؤمنین، قاضی نور الله شوشتری، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷ هـ. ش.

۲۲۵. المجالس والمسایرات، نعمان بن حیون تمیمی مغربی، تحقیق محمد یعلوی و دیگران، الجامعه التونسیه، تونس، ۱۹۷۸ م.

۲۲۶. المجد فی تاریخ نجد، عثمان بن عبدالله بن بشر النجدی الحنبلی، تحقیق: عبدالرحمان بن عبداللطیف بن عبدالله آل الشیخ، الرياض، مطبوعات دار ملک عبدالعزيز (۱)، ۱۴۰۲ هـ. ق.

۲۲۷. المجدی فی أنساب الطالبین، علی بن محمد العلوی، تحقیق، أحمد المهدوی الدامغانی، إشراف، السید محمود المرعشی، چاپ اول، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی العامه، ۱۴۰۹ هـ. ق.

۲۲۸. مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، احمد بن محمد اردبیلی،

ص: ۸۲۰

۱- (۱) متأسفانه آل شیخ در تحقیق کتاب در بسیاری از جاها امانت را رعایت نکرده و برای تطهیر وهابیان و آل سعود به حذف و جابه جایی دست زده است؛ ر. ک: تزویر فی کتاب عنوان المجد فی تاریخ نجد، منتدى الأزهریین، الکتب والتراث، نشانی در فضای مجازی: www.ernet.net.

مصصح علی پناه اشتهاردی و دیگران، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

۲۲۹. مجموعه رسائل ابن عابدین، مشتمل بر بیش از ۳۰ رساله (دمشق، ۱۳۰۱ ه. ق)، مطبعه بولاق، قاهره، ۱۳۵۲ ه. ق.

۲۳۰. محمد الجواد علیه السلام، حسین شاکری، قم، ۱۴۱۹ ه. ق.

۲۳۱. المخططات الاستعماریه لمکافحه الاسلام، محمد محمود صواف، مکه المکرمه، دار الثقافه، ۱۳۸۴ ه. ق / ۱۹۶۵ م.

۲۳۲. مروج الذهب و معادن الجوهر، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، تصحیح مفید محمد قمیحه بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۶ م.

۲۳۳. المسالك و الممالک، عیدالله بن عبدالله ابن خرداد به، بیروت، افست لیدن.

۲۳۴. مسالك و ممالک، ابراهیم بن محمد، اصطخری، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.

۲۳۵. المسلمون الشیعه فی کسروان و جبیل، علی راغب، حیدر احمد، بیروت، دارالهادی، ۲۰۰۶/۱۸۴۲ م.

۲۳۶. مشهور عثمانلی قوماندانلری، احمد رفیق، استانبول، کتابخانه اسلام عسکری، ۱۳۱۸ ه. ق.

۲۳۷. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، محمد بن طلحه، نعیمی، چاپ ماجد بن احمد عطیه، بیروت ۱۴۲۰ ه. ق.

۲۳۸. مطالعات جغرافیائی ایران، دومرگان. ژاک، ترجمه دکتر کاظم ودیعی، تبریز، انتشارات چهره، ۱۳۴۸ ه. ق.

۲۳۹. معالم الشام واعلامها، تاریخ التشیع فی بلاد الشام، محمد سعید الطریحی، اکادمیه الکوفه، بیروت، دار الرافدین، ۲۰۱۱ م.

۲۴۰. معجم الأنساب والأسرات الحاكمة في التاريخ الاسلامي، ادوارد فون زامباور، بيروت، دارالرائد العربي، ۱۹۸۰ م.
۲۴۱. معجم البلدان، شهاب الدين ابو عبدالله ياقوت بن عبدالله، الحموي، بيروت، دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵ م.
۲۴۲. معجم رجال الحديث، السيد الخوئي، چاپ پنجم، قم، مكتبة اهل البيت، ۱۴۱۳ هـ. ق / ۱۹۹۲ م.
۲۴۳. المغرب في حلى المغرب، ابن سعيد مغربي، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۵۵ م.
۲۴۴. مقاتل الطالبين، ابوالفرج الاصفهاني، تقديم وإشراف، كاظم المظفر، نجف الأشرف، منشورات المكتبة الحيدريه ومطبعها، قم، مؤسسه دار الكتاب للطباعه والنشر.
۲۴۵. مقاتل الطالبين، ابوالفرج على بن حسين اصفهاني، بيروت، مؤسسه الاعلمي، ۱۴۰۸ هـ. ق / ۱۳۶۶ هـ. ش.
۲۴۶. مقاله شرح كتاب قحطى تحميلي - انگليس برای نسل كشي در ايران، نوشته محمد قلي مجد، عبدالله شهبازي، سياست روز، (۲۷ دی ۱۳۸۴).
۲۴۷. مقدمه ای بر اندیشه سياسی اسماعيليه، عبدالله ناصري طاهري، تهران: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۹ هـ. ش.
۲۴۸. مقدمه ای بر تاريخ مغرب اسلامي، عبدالله ناصري طاهري، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ هـ. ش.
۲۴۹. مناقب الطاهرين، عماد الدين طبري، تهران، انتشارات رايزن، ۱۳۷۹ هـ. ش.
۲۵۰. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، تصحيح وشرح و مقابله، لجنه من أساتذہ النجف الأشرف، النجف الأشرف، المكتبة الحيدريه، ۱۳۷۶ هـ. ق / ۱۹۵۶ م.

۲۵۱. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، هاشم رسولی محلاتی، قم.

۲۵۲. المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد ابن الجوزی، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ه. ق / ۱۹۹۲ م.

۲۵۳. منتهی الآمال، عباس قمی.

۲۵۴. موسوعه عن قتل واضطهاد مراجع الدین و علماء و طلاب الحوزه الدینیة لشیعه بلد المقابر الجماعیه (العراق) ۱۹۶۸-۲۰۰۳ م، صاحب الحکیم، الصف والاخراج، محمد الحسینی، ۲۰۰۵ م.

۲۵۵. مهد الاسلام: البحث عن الهویه الحجازیه، یمانئ، ترجمه غاده حیدر، بیروت ۲۰۰۵ م.

۲۵۶. میزان الاعتدال، الذهبی، تحقیق علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه للطباعه والنشر، ۱۳۸۲ ه. ش / ۱۹۶۳ م.

۲۵۷. نام آوران ارومیه، علی بابایی، انتشارات تک درخت، ۱۳۸۹ ه. ش.

۲۵۸. النزاع والتخاصم فیما بین بنی امیه و بنی هاشم، احمد بن علی مقریزی، قاهره، الهداف للاعلام، بی تا.

۲۵۹. نسل کشی (ژنوسید) در اسناد بین المللی، امیر شریفی خضارتی، روزنامه اطلاعات، ۲ اسفند ۱۳۸۶ ه. ش.

۲۶۰. نسل کشی چیست؟، آلن وایت هورن، ترجمه، نعمتی وروجنی، روزنامه رسالت، ۲۶ آبان ۱۳۸۷ ه. ش.

۲۶۱. نسل کشی و کشتار سیاسی در افغانستان، طالبان، سلام، ۲۵ شهریور ۱۳۷۷ ه. ش.

۲۶۲. نشأه التشیع والشیعه، السید محمدباقر الصدر، تحقیق و تعلیق، عبدالجبار

شراره، چاپ دوم، قم، مرکز الغدير للدراسات الاسلاميه، ۱۴۱۷ هـ. ق/ ۱۹۹۷ م.

۲۶۳. نشریه اونمان دو ژودی، چاپ فرانسه، ۱۹۸۷/۸/۱۰ م.

۲۶۴. نشریه دانشکده ادبیات مشهد، سال ۱۷، ۱۳۶۳ هـ. ش.

۲۶۵. نشریه کرسنت اینترنشنال، ۱۹۸۸/۵/۱۶ م.

۲۶۶. النصب والنواصب دراسه تاریخیه عقديه، بدر ناصر محمد العواد، ریاض، مکتبه دارالمنهاج، ۱۴۳۳ هـ. ق.

۲۶۷. نقش اسماعیلیان در جنگ های صلیبی، عبدالله ناصری طاهری، تهران: ققنوس، چاپ شمشاد، ۱۳۸۷ هـ. ش.

۲۶۸. نقش شیعیان فاطمی در جنگ های صلیبی. فصلنامه تاریخ اسلام، ناصری طاهری، ش ۵.

۲۶۹. النقص، عبدالجلیل، قزوینی رازی، تصحیح میرجلال محدث، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ هـ. ش.

۲۷۰. نگاهی از منظر حقوق بشر دوستانه اسلامی به کاربرد سلاح های کشتار جمعی، سید مصطفی محقق داماد.

۲۷۱. الوافی بالوفیات، الصفدی، تحقیق أحمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ هـ. ق/ ۲۰۰۰ م.

۲۷۲. وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، علی بن عبدالله سمهودی، کمال حاج سید جوادی، سازمان حج و زیارت، ۱۳۷۶ هـ. ش.

۲۷۳. وقعه الحره، فاضل عبدالجلیل الزاکی، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷ هـ. ش.

۲۷۴. وهابی گری، حامد الگار، ترجمه احمد نمایی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (با تلخیص).

۲۷۵. الهدایه الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت، ۱۴۰۶ ه. ق / ۱۹۸۶ م.

۲۷۶. هزار و نهصد و پانزده (۸ قرن تاریخ پر تنش اسلام و آرامنه و نسل کشی مسلمانان)، بان گرشیبیر، ترجمه رضا طالبی، تهران، تک درخت، ۱۳۹۰ ه. ش.

۲۷۷. هولوکوست المسلمین، محمد الرکن، بیروت، دار ابن خرم، ۱۴۲۲ ه. ق / ۲۰۰۱ م.

ص: ۸۲۵

نمونه ای از گزارشات سازمان های بین المللی از نسل کشی و اقدامات خشونت بار علیه شیعیان. (گزارش موردی پاکستان ۲۰۱۱-۲۰۱۲ م)

پاکستان

شیعیان پاکستان ۲۰ درصد از کل ساکنان ۱۸۰ میلیونی این کشور را تشکیل می دهند. آنان در طول سال های اخیر مورد هجوم حملات وسیع قرار داشتند. در سال ۲۰۱۲ م نیز چهارصد نفر کشته شدند و انتظار می رود که این آمار در سال ۲۰۱۳ م بیشتر شود که به برخی آمار سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ م اشاره می کنیم.

- تعداد: ۱۳ نفر - محل شهادت: لاهور - تاریخ شهادت: ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ م (مصادف با ۵ بهمن ۱۳۸۹ ه. ش) - علت شهادت: انفجار بمب بین عزاداران اربعینیه.

- تعداد: ۲ نفر - محل شهادت: کراچی - تاریخ شهادت: ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ م (مصادف با ۵ بهمن ۱۳۸۹ ه. ش) - علت شهادت: انفجار بمب بین عزاداران اربعینیه (دو محافظ به شهادت رسیدند و مانع ورود بمب به جمع عزاداران شدند).

- تعداد: ۱۲ نفر - محل شهادت: پراچنار - تاریخ شهادت: ۱۳ مارس ۲۰۱۱ م (مصادف با ۲۳ اسفند ۱۳۸۹ ه. ش) - علت شهادت: حمله طالبان به اتوبوس مسافری

- تعداد: ۸ نفر - محل شهادت: کرم ایجنسی - تاریخ شهادت: ۲۵ مارس ۲۰۱۱ م (مصادف با ۵ فروردین ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله طالبان به اتوبوس مسافربری بین شهری.

- تعداد: ۸ نفر - محل شهادت: پاراچنار - تاریخ شهادت: ۲۲ آوریل ۲۰۱۱ م (مصادف با ۲ اردیبهشت ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: ربوده شدن توسط طالبان و ذبح شدن.

- تعداد: ۸ نفر - محل شهادت: کویته - تاریخ شهادت: ۶ می ۲۰۱۱ م (مصادف با ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله سپاه صحابه به مینی بوس مسافربری بین شهری.

- تعداد: ۴ نفر - محل شهادت: کرم ایجنسی - تاریخ شهادت: ۱۸ می ۲۰۱۱ م (مصادف با ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله طالبان با خمپاره به یک روستا (شهیدان همگی از اعضای یک خانواده بودند).

- تعداد: ۵ نفر - محل شهادت: بالش خیل - تاریخ شهادت: ۲۳ می ۲۰۱۱ م (مصادف با ۲ خرداد ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله طالبان به مناطق مسکونی با سلاح سنگین و سبک.

- تعداد: ۳ نفر - محل شهادت: پاراچنار روستای بوشهره - تاریخ شهادت: ۱۳ جون ۲۰۱۱ م (مصادف با ۲۳ خرداد ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله طالبان به کشاورزان مشغول به کشت.

- تعداد: ۲ نفر - محل شهادت: کویته - تاریخ شهادت: ۱۳ جون ۲۰۱۱ م (مصادف با ۲۳ خرداد ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله سپاه صحابه به پایگاه پلیس.

- تعداد: ۴ نفر - محل شهادت: کویته - تاریخ شهادت: ۲۲ جون ۲۰۱۱ م (مصادف با ۱ تیر ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله سپاه صحابه به اتوبوس حامل زائرین.

- تعداد: ۲ نفر - محل شهادت: پاراچنار - تاریخ شهادت: ۲۰ جولای ۲۰۱۱ م

(مصادف با ۲۹ تیر ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: در راه پیشاور توسط طالبان ربوده شدند و سپس ذبح شدند.

- تعداد: ۷ نفر - محل شهادت: کویته - تاریخ شهادت: ۲۹ جولای ۲۰۱۱ م (مصادف با ۷ مرداد ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله لشکر جهنگوی به اتوبوس حامل زائرین.

- تعداد: ۱۱ نفر - محل شهادت: کویته - تاریخ شهادت: ۳۰ جولای ۲۰۱۱ م (مصادف با ۸ مرداد ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله سپاه صحابه به وسایل نقلیه درون شهری.

- تعداد: ۵ نفر - محل شهادت: پاراچنار - تاریخ شهادت: ۲۶ آگوست ۲۰۱۱ م (مصادف با ۴ شهریور ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: ربوده شدن توسط طالبان و کشته شدن.

- تعداد: ۱۲ نفر - محل شهادت: کویته - تاریخ شهادت: ۳۱ آگوست ۲۰۱۱ م (مصادف با ۹ شهریور ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: انفجار بمب در نماز عید فطر شیعیان.

- تعداد: ۷ نفر - محل شهادت: پاراچنار - تاریخ شهادت: ۱ سپتامبر ۲۰۱۱ م (مصادف با ۱۰ شهریور ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله طالبان به اتوبوس مسافربری بین شهری.

- تعداد: ۱۳ نفر - محل شهادت: کویته - تاریخ شهادت: ۷ سپتامبر ۲۰۱۱ م (مصادف با ۱۶ شهریور ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: انفجار بمب.

- تعداد: ۳ نفر - محل شهادت: پاراچنار - تاریخ شهادت: ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱ م (مصادف با ۲۸ شهریور ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله طالبان به اتوبوس مسافربری بین شهری.

- تعداد: ۲۶ نفر - محل شهادت: کویته - تاریخ شهادت: ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱ م (مصادف با ۲۹ شهریور ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله سپاه صحابه به اتوبوس حامل زائرین.

- تعداد: ۱۳ نفر - محل شهادت: کویته - تاریخ شهادت: ۴ اکتبر ۲۰۱۱ م (مصادف با ۱۲ مهر ۱۳۹۰ ه. ش) - علت شهادت: حمله سپاه صحابه به مینی بوس مسافربری بین شهری.

۲/۴ - انفجار در منطقه شیعه نشین «کوشا لیزالدار» در نزدیکی پیشاور که باعث

شهادت هشت نفر و زخمی شدن بیش از چهل نفر شد و میان آنها کودکان و زنان زیادی دیده می شود.

۲/۵ - شهید شدن رهبر شیعیان شهر پیشاور در شمال غرب پاکستان توسط گروه های مسلح؛ وی ریاست جنبش تطبیق فقه جعفری را به عهده داشت.

۲/۸ - به شهادت رسیدن سه نفر از یک خانواده از جمله مادر، پدر و پسر در حادثه شلیک گلوله از سوی افراد ناشناس در شمال غرب کشور.

همچنین نوزده تن از زائران شیعی هنگام عبور از منطقه ماستونگ، واقع در سی کیلومتری کوئته مرکز بلوچستان پاکستان، اتوبوس آنان طعمه یک خودرو بمب گذاری شده گردید و به شهادت رسیدند.

تاریخ انتشار: ۱۲ مهر ۱۳۹۰ ه. ش - ۱۷:۳۹

ص: ۸۳۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

